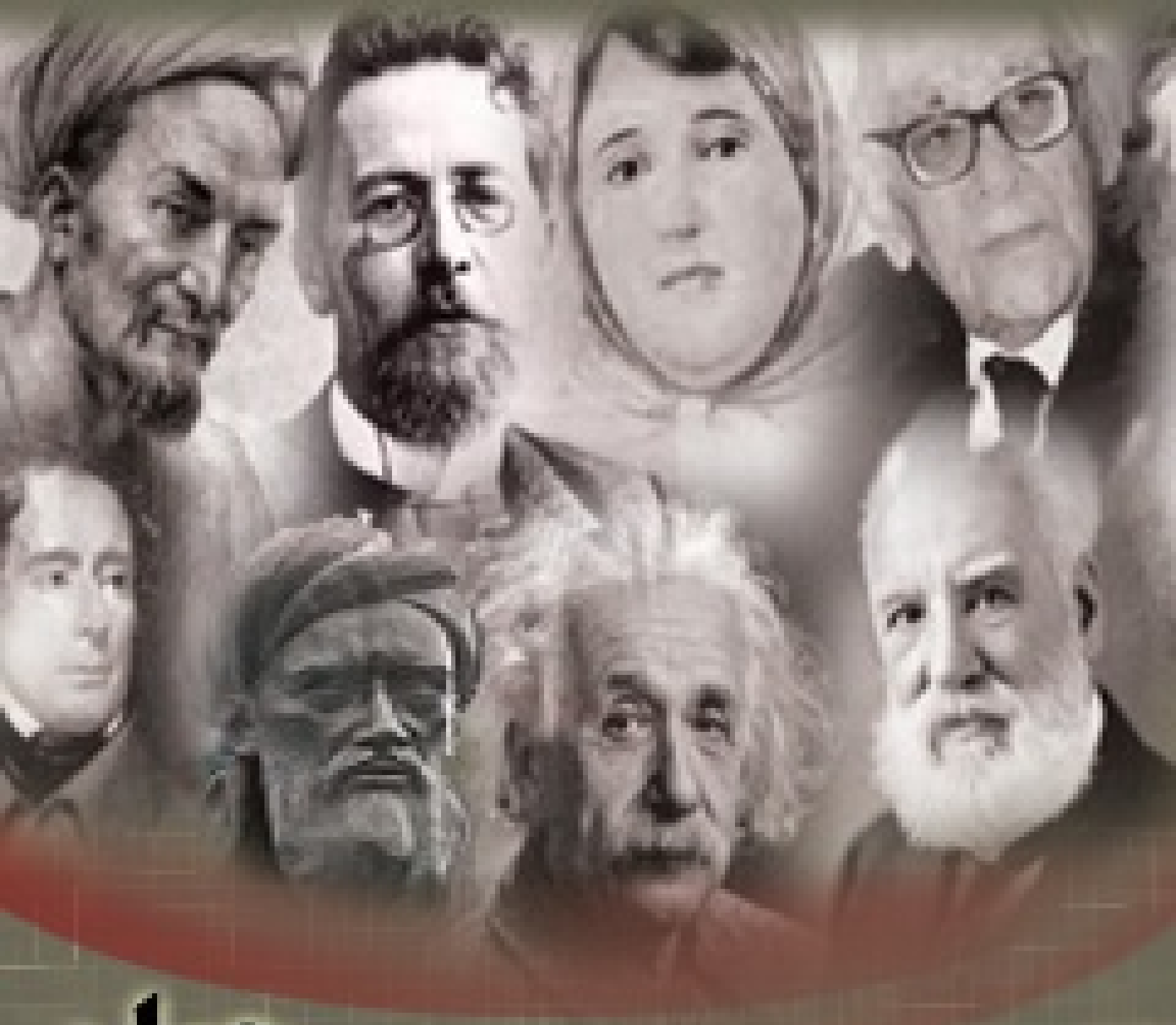


# زندگینامه مشاهیر ایران و جهان

۲

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان




www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

زندگینامه مشاهیر ایران و جهان جلد 2

مشخصات کتاب

سرشناسه : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان - ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : [۱۸۹۰] ص.: مصور.
یادداشت : عنوان روی جلد: زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۹۰].
عنوان روی جلد : زندگینامه مشاهیر ایران و جهان : دانشمندان - شاعران - نویسندگان....
موضوع : سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره : ۳ CT۲۰ /ف۲۸ و۶۷ ۱۳۸۵
رده بندی دیویی : ۲ /۰ ۹۲۰

اخلاق و عرفان نظری

احمدی، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم احمدی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قاسم احمدی دوران تحصیلات ابتدایی را در قم سپری نمودم در رشته اقتصاد و علوم اجتماعی در دبیرستان صدوق قم ادامه تحصیل دادم.
در سال 1364 در حوزه علمیه قم گزینش شدم و در سال 1369 کنار درس حوزوی دوره کارشناسی علوم سیاسی را در دانشکده باقرالعلوم (ع) قم شروع و در سال 1374 به پایان رساندم.
در سال 1375 در گزینش اساتید معارف خبرگان بدون مدرک شرکت کردم و از سال 1376 در دانشگاه علامه طباطبائی تهران شروع به تدریس نمودم. در سال 1378 تا 1379 در دانشگاه شهید بهشتی تهران تدریس داشتم، در حالیکه در دو دانشگاه فوق به صورت حق التدریس همکاری داشته به درخواست گروه معارف اسلامی وقت دانشگاه آشتیان و معاونت محترم امور اساتید به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان انتخاب شدم و هم اکنون در این واحد مشغول تدریس و اداره گروه معارف اسلامی می‌باشم و از معاونت محترم امور اساتید و دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس در دروس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن اخلاق و تربیت اسلامی هستم.
هم اکنون به عنوان مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آشتیان مشغول خدمت می‌باشم که در سال جاری از طرف معاونت امور اساتید معارف به عنوان مدیر گروه نمونه معرفی شدم.

استادی مقدم، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی مقدم
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
زندگینامه علمی
آیةالله رضا استادی مقدم (تهرانی) در سال 1316 در تهران در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج خداداد که در سال 1372 دار فانی را وداع گفت، مردی متدین و اهل خیر بود که هماره فرزند خود را در مسائل معنوی و مادی کمک می‌کرد. او در قبرستان وادی‌السلام قم در مقبره‌ای که خود تهیه کرده بود، مدفون است.
آیةالله استادی در سن هفت سالگی به دبستان رفت و در دوازده سالگی تحصیلات دوره ابتدایی را به پایان رساند. پس از آن تا شانزده سالگی به کار و کسب مشغول بود. در شانزده سالگی به وساطت دو نفر از مؤمنان، به مسجد امین الدوله بازار تهران و مدرسه علمیه مروی رفت و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. حدود چهار سال از عمر طلبگی خود را در تهران سپری کرد و سپس به حوزه علمیه قم شرفیاب شد و در دروس دوره سطح شرکت می‌کرد. سپس حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول شرکت کرد و از محضر استادان برجسته روزگار خود بهره برد. او دو بار به عتبات عالیات مشرف شده بود که نخستین بار آن در دوران کودکی و بار دوم در دوران تحصیل بود و چند ماه به طول انجامید که در طی این چند ماه در درس خارج برخی از استادان آن دیار نیز حاضر شد.
آیةالله استادی در طی این سالها، شوق فراوانی به گردآوری کتب و مطالعه آنها داشت که این مسأله، بعدها در شکل‌گیری روحیه پژوهشگری او تأثیر بسزایی داشت. همچنین در این سالها در درس اخلاق استادان حوزه علمیه تهران و قم حاضر می‌شد.
آیةالله رضا استادی در سالهای تحصیل خود، محضر استادان بسیاری را درک کرد. او در حدود چهار سال در تهران، از محضر آقایان حاج شیخ عبدالکریم حق شناس امام جماعت مسجد امین الدوله، حاج شیخ احمد مجتهدی امام جماعت مسجد حاج ملاجعفر، مرحوم حاج شیخ هادی مقدس

واعظ، مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی امام جماعت مسجد بزازهای تهران و... استفاده کرد. در قم نیز در چند سالی که دروس دوره سطح را می‌خواند به درس آیةالله ستوده، آیةالله میرزا حسین نوری، آیةالله خزعلی، آیةالله محمدی شاه‌آبادی، آیةالله جعفر سبحانی، آیةالله منتظری، آیةالله مکارم شیرازی، آیةالله سلطانی بروجردی، آیةالله آذری قمی رفت و از درس ایشان بهره برد.
در ضمن در درس اخلاق و توسل مرحوم آیةالله حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم حاج آقا حسین فاطمی شرکت کرد. با پایان یافتن دوره سطح نیز به دروس خارج آیات عظام مرحوم سید حسن فرید اراکی، مرحوم سید محمد محقق داماد یزدی، مرحوم سید محمدرضا گلپایگانی، مرحوم سید کاظم شریعتمداری، مرحوم حاج شیخ محمد علی اراکی و آیةالله حاج سید موسی شبیری زنجانی رفت و در چند ماهی که در نجف حضور داشت، در درس خارج امام خمینی (ره)، آیةاللهالعظمی خویی (ره) و شهید سید محمد باقر صدر (ره) شرکت جست. او در سالهای تحصیل خود که نزدیک به بیست سال بود، با برخی از فضلا و بیش از همه با آیةالله سید محسن خرازی درسها را مباحثه می‌نموده است و در طی این سالها، خود از تدریس دروسی که خوانده بود، غافل نماند. ایشان از باب تیمّن و تبرک از مرحوم آیةالله سید مصطفی صفایی خوانساری و مرحوم آیةالله شیخ محمد تقی تستری (مؤلف قاموس الرجال) و آیةالله نجومی اجازه روایت دریافت کرد.
آقای استادی تا به امروز فعالیتهای فرهنگی بسیاری را به عالم اسلام تقدیم داشته است. او در طول سالهای متمادی به تدریس کتابهای شرح لمعه، اصول فقه، مکاسب، رسائل، کفایه، و نیز اصول عقاید و تفسیر پرداخته و از این رهگذر، شاگردان بسیاری را پرورانده است.
از آغازین سالهای تحصیل، به امر تبلیغ اهتمام داشته و به نقاط گوناگونی رفته و مردم آنجا را ارشاد نموده است. همچنین در برخی سمینارها و همایشهای علمی، مانند کنگره شیخ انصاری، شیخ فضل الله نوری، رشیدالدین میبدی، سید حسن مدرس، میرزاکوچک خان، سید شرف الدین و کنگره امام رضا (ع) و نیز همایش اقتصاد اسلامی به ایراد سخن پرداخته است. از کارهای مهم ایشان در این عرصه تهیه، تنظیم و چاپ آثار سه کنگره عظیم شیخ مفید، مقدس اردبیلی و آقاحسین خوانساری است که حدود 5 سال، بیشتر اوقات ایشان را به خود مصروف داشته است. پس از آن نیز تنظیم آثار کنگره فاضلین نراقی و نخبگان گلپایگان و چاپ آن به عهده ایشان بوده است.
آیةالله استادی سه سال مدیر حوزه علمیه قم و پنج سال سرپرست کتابخانه مسجداعظم بود و چند سال است که عضو شورای عِالی حوزه

علمیه قم می‌باشد. او حدود شش سال از اعضای هیأت امنای دائرةالمعارف اسلامی، سه سال از اعضای مشاوران کتابخانه آستان قدس رضوی بود و حدود سی سال است که به همراه آیةالله خرازی، در هیأت مدیرة مؤسسة در راه حق می‌باشد. وی از سال 1350 تاکنون در کنار درس، به تألیف، تصحیح و ترجمه نیز اشتغال داشته است.
آیةالله استادی تاکنون حدود 150 مقاله نگاشته که پس از چاپ در مجلاّت به صورت کتابهایی با نام‌های مختلف تجدید چاپ شده که در بخش تألیفات ایشان یاد شد. وی کتب بسیاری را تصحیح نموده است که از جمله می‌توان الکافی فی الفقه، تقریب المعارف، نفس المهموم، دو جلد از جواهر الکلام، المسلک محقق حلّی، 9 رساله از محقق حلّی، منهج الرشاد، هفده رساله فارسی، چهارده رساله عربی، سی رساله مرحوم آقامیرزا احمد آشتیانی را نام برد.
همچنین وی بر چاپ کتب بسیاری نظارت داشته است که از جمله آنها به میزان الطالب، چهارده جلد از تفسیر نور، التوازن الاسلامی، الحکومت الاسلامیه فی روایات الشیعه و چند جلد از تألیفات آیةالله العظمی اراکی را می‌توان اشاره کرد.
آیت‌الله استادی در پیش از انقلاب، دوشادوش مردم به مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه پرداخت و پس از انقلاب به عضویت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درآمد. وی همواره به تبعیت از راه امام خمینی(ره) و حمایت از رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته و هماره دستاوردهای انقلاب را که همانا حاصل خون هزاران شهید بوده، پاس می‌داشته است.

استخری، احسان‌الله علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق.
تولد: 1353 ق.، شیراز.
درگذشت: آذر 1365.
احسان‌الله علی استخری فرزند کمال در شیراز متولد شده است. نسبش با شش واسطه از امهات به سید قطب‌الدین محمد صاحب فصل الخطاب و از وی طبق نسب‌نامه به امام زین‌العابدین (ع) می‌پیوندد و علاوه بر انتساب به برخی از مشایخ اولیاء از جهت والدین سلسله نیاکانش تا امام‌قلی‌خان ابن اللهوردیخان سپهسالار عصر صفویه متصل است.
احسان‌الله علی استخری در تصحیل علوم متعلق به باطن از خدمت جمعی از علماء عامل و اولیاء عارف استفاده برد و از دانشکده‌ی معقول و منقول نیز به دریافت دکتری توفیق یافت. وی سپس به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت.
از آثار اوست: اصول تصرف (1337).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اصفیانی شندآبادی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم ربانی، آیت‌اللّه حاج سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی به سال 1328 هجری قمری در روستای «شندآباد» از توابع شهرستان «شبستر» استان آذربایجان شرقی در خانواده‌ای مؤمن و متدین دیده به جهان گشود. وی پس از طی دوره های مقدماتی عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت الله حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم ایت الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله حاج سیدمرتضی خسرو شاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبر دست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیوالدین و انساب : پدر سید اسماعیل اصفیانی شند آبادی «میرعبداللّه» از سادات محترم و معروف و در خوبی و صفا زبانزد عام و خاص بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از آن که قرآن و ادبیات فارسی از قبیل ابواب‌الجنان، گلستان سعدی، تاریخ معجم، تنبیه‌الغافلین، و نصاب‌الصبیان که از اهم کتب مقدماتی در ادبیات فارسی و تدارک ورود به رشته ادبیات عرب بود، را در مکتب‌خانه‌های قدیمی شندآباد فراگرفت. سپس عازم حوزه علمیه شبستر شد و در نزد مرحوم حضرت آیت‌اللّه حاج میرزا کاظم آقا شبستری به تکمیل علوم و فنون تا سطوح عالیه پرداخت. آنگاه وارد حوزه علمیه تبریز شد، از محضر درس مرحوم آیت‌اللّه حاج میرزا ابوالحسن انگجی و از دروس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌اللّه حاج سیدمرتضی خسروشاهی در حد وافر بهره برد. تا آنکه خود یکی از مدرسین ماهر و زبردست حوزه علمیه تبریز قرار گرفت.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خویشاوندان سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی تعریف می‌کند که ایشان دایی خانواده ما بودند و بدین جهت نامحرمی در خانه ما برای او وجود نداشت. از این گذشته از کودکی لطف دیگری به ما داشت و خانه ما را مثل خانه خود می‌دانست و هر وقت از قم به «شندآباد» می‌آمد، اولی به خانه ما می‌آمد، بعد سراغ دیگران می‌رفت.وقتی من از مسافرت برگشتم، نصف شب به خانه رسیدم، دیدم ایشان مثل همیشه به نماز شب ایستاده و گریه و زاری می‌کند و با خدای خود مناجات می‌نماید. سعی کردم طوری داخل شوم که ایشان متوجه من نشوند و مشغول

عبادت باشند، ولی ایشان متوجه شدند و مرا مورد لطف و تفقد قرار دادند. نشستیم و کمی از اینجا و آنجا صحبت کردیم. بعد ایشان فرمود: شما از مسافرت آمده‌اید، بروید استراحت کنید. خودشان دوباره برخاستند و مشغول عبادت شدند. باز با آن گریه‌های جگرسوزشان به مناجات پرداختند. من هم طبق معمول رفتم و مقدمات خواب را فراهم کردم. دیدم همسرم سرزنش کنان به سراغم آمد و گفت:«ایشان هم ملاّ هست تو هم ملاّئی! بابا تو هم نماز شبی، مناجاتی، چیزی!!»که من خندیدم و گفتم:«تو از هیچ چیز خبر نداری! نمی‌دانی ایشان چقدر گناه کرده است! باید هم گریه کند! باید هم از خدا طلب عفو کند! امّا ما چی؟!»بالاخره با این حرفها از دست خانم خلاصی یافتم. امّا صبح که بیدار شدیم و سر صبحانه حاضر شدیم، مرحوم آقای شندآبادی لبخندی زد و گفت. «دیشب چه گفتی راستش را بگو!» گفتم: «ما که چیزی نگفتیم» دوباره گفتند: «تو راست گفتی، باز هم بگو!» دیدم یکباره منقلب شد و باز در حالی که آه می‌کشید، فرمود: «تو راست گفتی من خیلی گناهکارم!!»فعالیتهای ضمن تحصیل : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی پس از عمری تلاش و کوشش و فعالیتهای مذهبی و اجتماعی در تبریز و خدمت به مردم آن شهر، ترجیح داد اواخر عمرش را در کنار حرم کریمه اهل‌بیت (ع) بگذراند و با استفاده از انفاس قدسی عارفان آن تربت پاک تزکیه نفس خویش را به اکمال برساند. با این حال از تدریس، تألیف تفسیر نیز غافل نماند و از بدو ورود به قم، با عشقی سرشار به فقه آل محمد (ص) تلاش خود را در این زمینه‌ها دوچندان کرد و با بهره‌گیری از مباحثه و همنشینی بزرگان حوزه قم، خود به حدّی از مراتب کمال رسید که مورد علاقه خاص بزرگان و عارفان واقع شد.همسر و فرزندان : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی اصفیائی شندآبادی چهارفرزند دختر و چهارفرزند پسر دارد؛ فرزندان پسر عبارتنداز:1 - سیدعبداللّه فاطمی‌نیا وعظ شهیر و توانا و از روحانیان متعهد تهران2 - سیدمحمد اصفیائی کارمند کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی(ره)3 - سیدعلی اصفیائی طلبه و کاردار سفارت ایران در عربستان4 - سیدمحسن اصفیائی پیشه‌وروقایع میانسالی : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی رقیق‌القلب و از «بکائون» زمان خود بود. وقتی به منبر می‌رفت در آغاز گفتارش آیه‌ای را ذکر می‌کرد و گریه می‌نمود و همه را به گریه می‌انداخت. مخصوصا آیاتی را که عتاب آمیز بود با همان لحن عتاب‌آمیز بلند قرائت می‌کرد و حال همه را منقلب می‌نمود. وقتی جهت اقامه نماز در مسجد حاضر می‌شد، مدتی قبل از شروع نماز به نوافل می‌ایستاد و گریه و زاریشان مسجد را پر می‌کرد.آقا سید محمد فرزند گرامی‌اش در این باره می‌گوید:«مرحوم پدرم دائم‌الذکر و اهل مراقبت بود و در عین حال هیچگونه دعوی نداشت بلکه رفتار او به گونه‌ای

بود که کسی متوجه عوالم او نمی‌شد. او با ادعیه عالیه اهل بیت (ع) انس زیادی داشت و بسیاری از آنها را از حفظ داشت و قسمتهای مختلفی را گاهی در قنوت و سجده ذکر می‌نمود. به یاد دارم، روزی در منزل خلوتی از او در مورد دعای کمیل سئوال کردم و پرسیدم، آیا هرکس می‌تواند دعای کمیل را بخواند؟ ایشان جواب داد: اگر خداوند به کسی توفیق عنامت کند امر خطیری است، مگر نمی‌بینی می‌فرماید: «ویناديک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک» اینجا منقلب شد و مرا نیز منقلب کرد و من دیگر نتوانستم به سئوالات خودم ادامه دهم.»زمان و علت فوت : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی سرانجام پس از سالها تلاش و کوشش در جهت ترویج و تبلیغ دین و تزکیه و تهذیب نفس خویش در تاریخ 26 آذر 1368، مطابق 18 جمادی‌الاول 1410 هجری قمری قریب به نیمه شب با حالات عجیب روحی و اشتغال به مناجات الهی دار فانی را وداع گفت و در جوار اجداد طاهرین خود آرام گرفت. پیکر پاک و شریفش پس از تشییع با شکوهی با همت مردم و روحانیون در قم در مقبره علماء در باغ بهشت به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در اوایل انقلاب بنا به احساس مسؤلیتی که در قبال انقلاب داشت، جهت ارشاد مردم و خدمت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی امامت جمعه شهرستان مراغه را قبول کرد و رهسپار آن شهرستان شد، ولی مدت کمی در آنجا ماند و بنا به مصالحی دوباره به قم برگشت.فعالیتهای آموزشی : روح و ذهن مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی از معارف قرآن کریم سیراب شده بود و در مقام تفسیر قرآن نکاتی را یادآوری می‌کرد که شاید بعضی از آنها در هیچ تفسیری وجود نداشت. مرحوم اصفیائی در بخش ادبی تفسیر قرآن نیز نظرهای (به اصطلاح علماء، شم تفسیری خاص) داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مجموعه مسجد و مدرسه سیدحمزه، از آثار فرهنگی اسلامی اوائل سده هشتم هجری قمری است که همزمان با تأسیس مدرسه و شهر علمی رشیدالدین فضل‌اللّه بوسیله «سید حمزه» که از سادات محترم و متمول دوران «اولجاتیو» بوده تاسیس و موقوفات بسیار مفصل بدانجا اختصاص داده شده بود. ولی با گذشت زمان اگرچه این مکان از سرنوشت ربع رشیدی مستثنی مانده ولی از دست چپاول عمله مولّی به نام «متولی» در امان نمانده و حجره‌ها و مدرسهایی مدرسه تبدیل به گورستان شده بود و مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی با یک دهه تلاش پیگیر توانست مدرسه را از عمله مولی خارج نموده و پس از بازسازی حجره‌ها، در حدود سال 1338 شمسی اولین طلاب علوم دینی را در آنجا اسکان دهد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مرحوم سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی در کنار درس و بحث برای ارشاد مردم

امامت مسجد سید حمزه تبریز که به کلی مخروبه و غیرقابل استفاده گردیده بود، پذیرفت و پس از چند سال تعمیر و بازسازی تدریجی آن به وسیله احیای موقوفات مسجد به اقامه نماز جماعت، ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه مشغول شد. او چنان از محبوبیت و استقبال گرمی برخوردار شد که بعد از سالهای سال هنوز کسبه اهل بازار و محله با حرمت از آن دوران یاد می‌کنند و می‌گویند ما در عمرمان و در تاریخ مسجد سید حمزه تنها کسی را که دیدیم در دل و جان ما نفوذ کند و محبت خدا را در دلهای ما رخنه دهد، آیت‌اللّٰه شندآبادی بود.آرا و گرایشهای خاص : سیداسماعیل اصفیائی شندآبادی دارای ملکات فاضله و سجایای جمیله بود. بسیار کریم‌النفس، منیع‌الطبع، سخی و صبور و شجاع بود و در قضاء حوائج مؤمنین و رسیدگی به مستمندان و مریضان همت عجیبی داشت.آثار : 1 تحقیق و چاپ «محاسبةالنفس» سیدبن طاووس 2 کشف‌الریبه ویژگی اثر : شهید ثانی که این مجموعه مکرر در ایران و لبنان به چاپ رسیده است3 محاسبه‌النفس و پشتکار حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

منابع زندگینامه :سایت حوزه علمیه قم/ بخش زندگینامه علما1k - /www.hawzah.net

افشار، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا افشار
محل تولد : کرج
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب متولد 1341 هستم. در شهرستان کرج مدت 20 سال زندگی کردم و تا دیپلم تحصیل می‌کردم که مصادف با جنگ تحمیلی شد و عازم جبهه شدم و مجروح گردیدم و از ساق پا قطع گردیده که به علت علاقه شدید به دروس حوزوی نسبت به تحصیل کلاسیک بی‌میل شده و در چهارم نظری تجدید آورده و دیگر ادامه ندادم و وارد حوزه علمیه شهرستان کرج شدم.
در سال 1362 که تا سال 1374 در حوزه علمیه کرج مشغول تحصیل و تدریس بودم. البته نه به طور رسمی. از سال 74 وارد حوزه علمیه قم شدم و مشغول تحصیل در درس خارج شدم که مدت 12 سال است که مشغول تحصیل در دروس خارج فقه و اصول هستم. اساتید درس خارج عبارتند از آیت الله فاضل لنکرانی (فقه) آیت الله مکارم شیرازی (فقه) آیت الله صالحی مازندرانی (اصول) آیت الله شیخ جواد تبریزی (فقه) آیت الله جوادی آملی (تفسیر) آیت الله فاضل لنکرانی (اصول) و هم اکنون مشغول تحصیل در درس خارج اصول آیت الله وحید خراسانی و فقه آیت الله مکارم شیرازی هستم.
مدت 2 سال نیز هر پنج‌شنبه به اتفاق دوستان طلبه عازم کرج می‌شدم و در هر پنج‌شنبه مدت چهار ساعت در دو مدرسه جلسه پرسش و پاسخ برای مقاطع مختلف دانش‌آموزان تشکیل می‌دادیم که حدود 90 مدرسه رفته‌ام و جلسه پرسش و پاسخ تشکیل داده‌ام که امام جمعه محترم سابق کرج آقای رمضانی مقدمات حضور ما را در مدارس فراهم می‌کردند که دفتری به نام دفتر فرج طلوع تشکیل داده بودند. و چندین دوره کلاس کامپیوتر رفته‌ام از جمله مبانی، ویندوز، سخت‌افزار. چهار سال دوره تخصصی تبلیغ را گذرانده‌ام ک این چهار سال را در مدت 3 سال گذراندم.
مدت دو سال نیز مشغول حفظ قرآن با دوستان بودیم که یک بار از اول تا

آخر قرآن حفظ کردم اما به علت عدم تکرار فراموش کرده‌ام.
از سال 84 نیز مشغول تدریس در دانشگاه تهران، ورامین، پیشوا و ساوه می‌باشم. هم اکنون نیز مشغول نوشتن پایان‌نامه سطح چهار می‌باشم. در بدو ورود به حوزه در طرح هجرت تابستان نیز شرکت کردم و امتیاز نیز آورده‌ام که جایزه نیز به بنده تعلق گرفته چندین بار از طرف دفتر تبلیغات قم، و چندین بار نیز از جانب سازمان تبلیغات تهران جایزه گرفتم به علت مربی نمونه در تبلیغات تابستانی.
منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

الهی طباطبایی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسن الهی طباطبایی
ولادت:1325ق.
محل ولادت: تبریز
وفات:1388ق
محل دفن :قم
محل تحصیل: تبریز ، نجف
اساتید: حضرات سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا محمد حسین نائینی ، سید حسین بادکوبه ای و ....
شاگردان: حسن حسن زاده آملی ، میرزا محمد علی ارتقایی، میزرا موسی تبریزی و ....
تالیفات: رساله ای در علم موسیقی و روابط معنوی روح با صداها ( که خود آن را از بین برد).
او از شاگردان مبرز مرحوم سید علی قاضی بود. در سعه صدر و پاکی و حسن خلق زبانزد بود. سیر و سلوک را یک دوران خاص و با اعمال خاصی نیم دانست بلکه آن را در متن همین زندگی عادی تعریف می کرد و زندگی رسول الله (ص) را شاهد این مطلب می آورد. می فرمود: مراقبه یعنی آدم در همین زندگی روزمره غفلت را از خودش دور کند.
ایشان پس از یازده سال اقامت در شهر ساقی کوثر، به دلیل وضع نامناسب معیشتی مجبور شد همراه برادر خویش، علامه طباطبایی ، به تبریز باز گردد. در تبریز به تدریس فلسفه و تربیت جویندگان کمال پرداخت. ارتباط ایشان با مرحوم قاضی از طریق نامه برقرار بود، عباراتی چون " جعلت فداک " و " عزیز دلم " که آیت الله قاضی در این نامه ها خطاب به آقای الهی به کار می برد گویای عظمت شان ایشان نزد استاد است . استاد سید محمد حسین قاضی می فرماید : با اینکه خود آقا به علامه و بردارش گفته بود که به ایران برگردند اما دوری آن ها برایشان بسیار ناگوار بود و هر وقت یاد آن ها می افتاد گریه می کرد.
زمانی که آیت الله الهی در قم بود ، در مجلس روضه ای که در منزل میرزا تقی زرگری تشکیل می شد ، شرکت می کرد. یک بار بعد از اتمام روضه در سینی مسی برایش چای آورند. او انگشت خود را بر لب گذارد و بعد به سینی مسی زد . سینی تبدیل به طلا شد . بعد فرمود: " ما طلا را

می خواهیم چه کنیم"؟ دوباره انگشت بر لب گذاشت و به سینی زد و سینی به حالت اول برگشت ! با وجود چنین قدرت روحی ، زمانی برای پرداخت قرضش به دو هزار تومان احتیاج پیدا کردو چون این مبلغ را نداشت مدتی زندانی شد!
این گفتار علامه طباطبایی مشهور است که می فرمود: من خودم از اخوی استفاده می کنم توصیه همیشگی ایشان هنوز در خاطر اطرافیان است : از حسنات اعمالتان که خیال می کنید حسنه است توبه کنید ، تا چه رسد به معاصی!
سید محمد حسن الهی در سال ۱۳۸۸ هجری قمری درگذشت. شرح احوال ایشان درکتاب الهیه از انتشارات موسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس آمده است .

الهیان، علی اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علی اکبر الهیان در سال 1305 هـ . ق ، در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد. وی مقدمات را نزد اساتید موطن خود فراگرفت. آنگاه جهت کسب تحصیلات عالیه رهسپار حوزه علمیه تهران شدو بعد از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت. شیخ علی اکبر به تدریس و تربیت شاگردانی نیز همت گماشت ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان برافراشت. او سرانجام در سال 1339 هجری شمسی دیده بر جان و جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : شیخ علی اکبر الهیان فرزند آیت الله حاج شیخ محمد تنکابنی ، در سال 1305 هـ . ق در خانواده ای اهل علم و فضیلت در قزوین پا به عرصه ی هستی نهاد.خاندان الهیان از علما و بزرگان می‌باشند و هم‌اکنون در منطقه رامسر به ارشاد و راهنمایی مردم اشتغال دارند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دروس مقدمات ادبیات عرب و فارسی را قزوین در نزد پدر بزرگوار و دانشمندش آموخت و در محضر درس دیگر اساتید آن حوزه حضور یافت. وی در سال 1323 قمری درست یک سال پس از رحلت پدر عازم تهران شد. او که مقدمات را در قزوین به خوبی به پایان برده بود در تهران نزد اساتید آن شهر سطوح عالی را فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به نجف اشرف عزیمت نمود.در ابتدای ورودش به معدن علم و فضیلت مدّت کوتاهی را در محضر پربار مرحوم آخوند خراسانی صاحب «کفایةالاصول» زانوی شاگردی بر زمین زد و از فضل و دانش ایشان بهره جست. در همان زمان و پس از آن با حضور در حلقه درس آیةاللّه‌العظمی سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی و دیگر بزرگان آن عصر، شایستگی علمی‌اش را به ثبوت رسانید و به درجه اجتهاد نایل گردید.پس از مدتی به زادگاهش بازگشت و به فراگیری « عرفان نظری و علوم غریبه » پرداخت.استادان و مربیان : شیخ علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی در قزوین از کلاس درس سیدموسی زرآبادی کسب فیض نمود و دریچه های عرفان را به روی خویش گشود. وی « عرفان نظری و علوم غریبه » را از این استاد آموخت و دلباخته حالات عرفانی او شد.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی می توان به

شیخ مجتبی قزوینی اشاره کرد.همسر و فرزندان : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی دارای دو فرزند یکی بنام محمد و دیگری بنام حسن، که هر دو دبیر آموزش و پرورش تهران می‌باشند البته حسن در سال 1402 هجری قمری در هنگام بازگشت از زیارت حضرت رضا (ع) در تصادفی دار فانی را وداع گفتوقایع میانسالی : علامه حاج شیخ عبدالحسین لاهیجی ساکن لاهیجان نقل می‌کند: از مرحوم الهیان شنیدم که فرمود: تمام هوی و هوسها را از خود دور کردم و هیچ آمالی در من وجود ندارد. و نیز نقل نمود: حدود سال 1370 قمری نامبرده یک شب تابستان با عده‌ای از ارادتمندان آن جناب در منزل ما بودند. آن شب در اتاق کک زیاد بود به حدّی که همه را ناراحت می‌کرد. یکی از دوستان ککی را با دست کشت. مرحوم الهیان متغیّر شد و فرمود: چرا این حیوان را می‌کشید؟ بگویید. برود - لحظاتی نگذشت که تمام ککها از اتاق خارج شدند، و مدتها در آن اتاق کک مشاهده نگردید.زمان و علت فوت : مرحوم علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی همان طور که گذشت همیشه در سفر بود و در سال اخیر بیشتر اوقات را در طالقان می‌گذرانید تا در اوایل زمستان 1339 خورشیدی بیمار شد و بیماری ایشان شدت یافت(3) و در بیمارستان دکتر هشترودی تهران بستری گردید و در روز سه‌شنبه سیزدهم بهمن ماه 1339 خورشیدی سال 1380 قمری به‌درود حیات گفت جنازه‌اش به قم حمل شد و مرحوم آیةاللّه‌العظمی بروجردی(ره) بر ایشان نماز گذارد (و گویا این آخرین نماز میّت ایشان بود که بجا آورد) و در قبرستان «وادی‌السلام خاکفرج» به خاک سپرده شد.شیخ محمدتقی نحوی که اکثر اوقات خدمت آن مرحوم می‌رسید از قول یکی از اخیار تهران که در لحظات آخر حیات آن مرحوم نزدش حاضر بوده است نقل می‌کند که چند لحظه قبل از وفات، ایشان به من فرمودند: زیر بغلم را بگیرید تا بنشینم. او را نشاندیم، متوجه شدیم آن مرحوم پاها را جمع کرده و مؤدب نشسته و به یک نقطه معینی نگاه می‌کنند و لبان را تکان می‌دهد، گویا با کسی صحبت می‌کند، سپس پا را دراز نموده و خوابید و به رحمت ایزدی پیوست، در همین حال بوی عطری بسیار عالی به مشام ما رسید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اکبر الهیان تنکابنی قزوینی چون استادش سیدموسی زرآبادی هیچگاه شانه از تکالیف سیاسی و اجتماعی خالی نمی‌کردند و همیشه در مبارزه با ظلم و ستم در دو میدان جهاد نفسانی و جهاد بیرونی پیش‌قدم بودند.فعالیتهای آموزشی : شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی قزوینی پس از بهره‌گیری از حوزه نجف اشرف و علمای آن سامان و درک مقام اجتهاد در حدود سال 1335 قمری به قزوین مراجعت نمود و در آنجا به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی پرداخت. ، و به تبعیت از استاد و مراد خویش سید موسی ، نهال نجابت علم و عرفان را در تدریس نو عالمان

برافراشت. همیشه در حالت سفر بود، گاه به مشهد مقدس مشرف می‌گشت و بر خواهرزاده خود مرحوم شیخ مجتبی قزوینی وارد می‌شد و گاه در حجره‌ای در مدرسه نواب اقامت می‌گزید و به زیارت و عبادت مشغول می‌شد و همواره در شهرهای قزوین، رامسر، رشت، طالقان، تهران، آستانه و مشهد در تردد بود. وی هر جا می‌رفت به تدریس و تربیت و تهذیب طلاب علوم دینی می‌پرداخت. در طول دوران زندگی هرگز دلبستگی به دنیا پیدا نکرد و هیچگاه خانه‌ای تهیه ننمود. با زندگی بسیار ساده و بی‌آلایش عمر را سپری می‌ساخت. با وجودی که هزاران تومان وجوهات به او داده می‌شد با این حال هرگز در آن وجوه تصرف نمی‌نمود و در دوران زعامت آیةاللّه‌العظمی بروجردی(ره) هم وجوهات را به ایشان می‌داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شیخ علی اکبر الهیان در همین زمان با حضور در خدمت اعجوبه دوران، عالم ربانی و متأله قرآنی حضرت سیدموسی زرآبادی (متوفی سال 1353 قمری) به تهذیب و تزکیه نفس مشغول گردید. استاد که یکی از بنیانگذاران و استوانه‌های «مکتب تفکیک» بود، در پرورش ایشان و شیخ مجتبی قزوینی تلاش فراوان نمود. مکتب تربیتی سیّد که مکتب توأمان علم و عمل بود بر معرفت و شناخت بر اساس علوم قرآنی خالص و عمل بر طبق موازین دقیق شرعی تأکید داشت. درباره تأثیر اخلاق و کتب علمی و عملی او در پرورش و ساختن روحهای بزرگ، همین بس که شیخ علی‌اکبر الهیان و شیخ مجتبی قزوینی تنکابنی از تربیت‌یافتگان ایشان هستند. شیخ علی‌اکبر الهیان در سال 1345 قمری به رامسر مهاجرت و چندی در آنجا رحل اقامت انداخت. وی پس از مدتی درنگ در آن شهر به قزوین بازگشت و از آن پس همیشه در سفر بسر می‌برد.آثار : 1 تقریرات درس فقه و اصول میرزای بزرگ شیرازی(ره) 2 حاشیه بر «عین‌الاصول» 3 حاشیه بر نجاةالعباد 4 فوائدالعسکریه 5 مصابیح

امجد، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله شیخ محمود امجد به سال 1318 هـ.ش در خانواده ای روحانی در شهرستان کنگاور از توابع شهر «کرمانشاه» به دنیا آمد، پدرش از واعظان توانا و از علمای آن دیار بود که به عنوان پایگاهی در مسیر ایران به کربلا، میزبان علمای هم عصر خویش بود. ، و جدّشان از عالمان ذی فنون ملقّب به «افصح المتکلّمین» بود. پدر بزرگ ایشان از علما و شعرای با اخلاص و ارادتمند خاندان عصمت و طهارت است که تضمین های عاشورایی ایشان از اشعار حافظ مشهور است. در حدود 18 سالگی تحصیلات جدید را رها و به انگیزه تحصیل علوم دینی به شهر مقدّس قم مشرّف شد و در مدّت کوتاهی دوره مقدّمات و سطح را به پایان رسانده و به دروس خارج مشغول گردید. در درس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون حضرات آیات عظام: امام خمینی، داماد، حاج آقا حسین فاطمی ، بهاءالدینی و بهجت ـ قدّس الله اسرار الماضین، و دامت برکات الباقین منهم ـ و در فلسفه و عرفان عملی از محضر پربار علاّمه طباطبایی قدّس سرّه استفاده فراوان برد. و در حدود 20 سال پایان عمر گهربار معظّم له با ایشان انس داشت و در جلسات عمومی و خصوصی ایشان شرکت می کرد ارادت علامه نیز به ایشان مشهود بوده است بطوری که می فرموده اند به او امجد کرمانشاهی نگویید بلکه امجد کربلایی بگویید. بزرگترین استاد اخلاق و عرفان ایشان مرحوم آیت الله العظمی بهاءالدینی است که از سال 1351 هـ.ش. با آیت الله العظمی بهاء الدینی مأنوس و استفاده فراوان برد. و نیز در حدود سال 1350 با آیت اللّه العظمی بهجت ـ دامت برکاته ـ مرتبط شد و افزون بر بهره برداری از دروس خارج فقه و اصول آن عارف ارتباط خاص و نزدیک با معظّم له داشت و اینک حدود یک دهه است که ایشان در تهران ساکن و دانشجویان و جوانان از جلساتش بهره های اخلاقی می برند و علامه طباطبایی می گفت: «ایشان قوی است.» روش تربیتی و رفتاری و اخلاق اجتماعی و زهد بی نظیر ایشان باعث شده، جوانان خصوصا دانشجویان، این عالم گرانقدر را همچون نگینی در آغوش بگیرند. مباحث اخلاقی و نماز جماعت ایشان در مسجد کوی دانشگاه تهران و مراسمی چون عزاداری ایام محرم و احیاء شبهای قدر، همه عاشقان فضیلت را به سوی خویش جذب کرده است. از خصوصیات بارز ایشان اخلاص عجیب و بی اعتنایی او به دنیاست به طوری که بسیار

دیده اند که مجالس بسیار کوچک و در ظاهر کم اهمیت و افراد بی نام و نشان را بر مجالس بسیار بزرگ ترجیح داده اند. آنچه در نظر ایشان اهمیت دارد ارادت و اخلاص به اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام است. عشق به جوانان، دلسوزی برای آنان و محبت پدرانه ایشان باعث شده است که جوانان هم به او عشق ورزند و با ایشان رابطه ای صمیمی داشته باشند.

امین، نصرت

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(1405 -1308 ق)، عالم و مجتهد. آمنه‌بیگم حاجیه نصرت‌خانم، فرزند حاج سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در اصفهان متولد شد. دایی‌اش آیت‌اللّه شریعت اصفهانی بود. از کودکی به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، فقه و اصول و علوم معقول و منقول و حکمت و کلام را نزد آیت‌اللّه آقاسید علی مجتهد نجف‌آبادی و آقاسید ابوالقاسم دهکردی تکمیل کرد و به مرتبه‌ی استنباط رسید. پس از امتحانات کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی شیرازی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه حائری یزدی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی؛ و اجازه‌ی روایت از آقاشیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی نائل آمد. تمام عمر را به تألیف و تدریس گذراند و مدرسه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) تأسیس کرد که در آن زنان و دختران ایرانی به تحصیل و کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آیت‌اللّه میرزاآقای شیرازی در اجازه‌نامه‌اش به وی، او را با این اشعار توصیف کرده است.
فلَوُ کُنّ النّساء بِمثلِ هذی
لَفضّلت النّساءِ عَلی الرّجال
فلا التَأنیث لاسم الشمس عار
و لا التّذکیر فخر للهِلال
وی آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد از جمله آثارش: «الاربعین الهاشمیه»، «شرح چهل حدیث»؛ «اخلاق و راه سعادت بشر»، که ترجمه و اقتباسی است از «طهارة الاعراق فی تصحیل الاخلاق» ابن‌مسکویه؛ «روش خوشبختی و توصیه به خواهران»؛ «سیر و سلوک»، در روش اولیاءاللّه؛ «مخزن العرفان» و «کنز العرفان»، در علوم قرآن؛ «تفسیر قرآن»، در پانزده جلد؛ «معاد یا آخرین سیر بشر»؛ «النفخات الرحمانیة فی الواردات القلبیة»، حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ «مخزن اللئالی فی فضایل مولی الموالی».[1]
1308 ق- 1362 ش، حاجیه نصرت خانم از زنان دانشمند معاصر. پدرش حاج سید محمدعلی بن حسن حسینی مشهور به امین‌التجار اصفهانی و مادرش دختر حاج سید مهدی جناب و دائی‌اش مرحوم شریعت اصفهانی بود. از اوان کودکی در اصفهان به تحصیل پرداخت و پس از آموزش

مقدمات در محضر حاج آخوند زفره‌ای، سالیانی دراز در فقه و اصول فرائد و فصول و کفایة و خارج صلات و طهارت، و در کلام دو جلد شوارق، و در فلسفه از ابتدا تا الهیات اسفار را در خدمت آقا میر سید علی نجف‌آبادی آموخت و هر چند که در این ضمن به عقد ازدواج پسر عم خویش حاج میرزا آقا معین‌التجار درآمده بود و تعهد وظائف خانه‌داری می‌کرد، کمال سعی در تحصیل مبذول می‌داشت.
بر اثر این گونه استقامت و بذل سعی به مراقب علمی والائی رسید و از پی امتحان کتبی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد از آقا میرزا آقای اصطهباناتی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و آیت‌اللّه نجفی مرعشی و همچنین اجازه‌ی روایت از آقا شیخ محمدرضا مسجد شاهی نائل آمد. خانم امین عمر خود را یکسره به تالیف و تدریس گذراند. مدرسه‌ای به نام «مکتب فاطمه» تاسیس کرد که زنان و دختران در آن به کسب علوم و معارف اسلامی می‌پرداختند. آثار بسیاری تألیف کرد که از آن جمله‌اند، الاربعین الهاشمیة (1328 ش) که ترجمه و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و اقتباسی است از اخلاق ابن‌مسکویه؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران (1371 ق)؛ سیر و سلوک در روش اولیاء (1323 ش)؛ مخزن‌العرفان (1326 ش به بعد)؛ تفسیر کامل قرآن در 15 جلد؛ معاد یا آخرین سیر بشر (1326 ش)، النفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (1369 ق) حاوی کشفیات و مشاهدات معارف؛ مخزن‌اللئالی در فضل مولی‌الموالی. خانم امین آثار خود را تحت نام «یک بانوی ایرانی» منتشر می‌کرد.[2]
مجتهد، فقیه، مدرس.
تولد: 1265، اصفهان.
درگذشت: 23 خرداد 1362، اصفهان.
حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران) فرزند سید محمدعلی امین‌التجار اصفهانی، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.
بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا اینکه در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامه تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضاری حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا اینکه در چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت

درجه‌ی اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.
آثار ایشان عبارتند از: اربعین الهاشمیه (به زبان عربی، 1356 ق.)؛ جامع الشتات (زبان عربی) معاد یا آخرین سیر بشر (تهران، 1326، تبریز چاپ دوم، 1334)؛ نفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة (به زبان عربی، اصفهان، 1369)؛ اخلاق (ترجمه کتاب ابن مسکویه)؛ مخزن العرفان (تفسیر قرآن در پانزده جلد)؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی (تهران، 1331، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ مخزن اللئالی در مناقب مولی الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)؛ سیر و سلوک؛ در روش اولیاء و طریق سیر سعداء (اصفهان 1323).
حجت‌الاسلام امین در سال 1344 با سرمایه خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.
مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] تذکرة القبور (445)، الذریعه (248/24، 229/20)، علماء معاصرین (325 -311)، گنجینه‌ی دانشمندان (116 -114 /3)، مؤلفین کتب چاپی (559 -557 /6).
[2] منبع: دایرةالمعارف تشیع، 527 /2.

اندرزیان، امرالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امرالله اندرزیان
محل تولد : کهگیلویه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1

انصاری، محمدجواد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جواد انصاری
محل تولد : داراب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1325/1/3

ایزد پناه، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس ایزد پناه
محل تولد : قزوین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1

آدرس اینترنتی
زندگینامه علمی
در سال 1354 سوم راهنمایی را به پایان رساندم و در سال 1355 وارد حوزه قم شدم. تا سال 1364 دروس سطح را همراه با فلسفه و کلام و تفسیر به پایان رسانده و وارد دوره اشارات بوعلی و درس خارج فقه اصول شدم. در سال 1364 کتاب اصول سیاستها و احزاب را انتشار دادم و در سال 1367 وارد فوق لیسانس فلسفه و الهیات دانشگاه شدم. مدت 2 سال در دانشگاه تربیت معلم تبریز تدریس فلسفه و کلام و در سال 1372 وارد دانشگاه قم شدم. ابتدا عضو هیأت علمی- پژوهشی شدم و پس از آن به تدریس پرداختم.از سال 1372 مقالات علمی من از کنگرة علامة طباطبایی تبریز آغاز شد و مقاله درکیهان در دو شماره به چاپ رسید. در سال 1373 مقاله ام در دانشگاه امام حسین(ع) پذیرفته شد که بررسی تحریف شناسی عاشورا در پرتو انسان شناسی بود. پس از آن مدت حدود 8 سال مقالات علمی ام در روزنامه های اطلاعات، کیهان و مجلات علمی به چاپ رسید که به حدود 90 مقاله می رسد. در سال 1380 وارد دوره دکتری فلسفه تطبیقی شدم همزمان با آن در دانشگاه قم فلسفه علم، فلسفه اخلاق و کلام و عرفان تدریس می کنیم و در ضمن در سال 1383 طی 60 برنامة علمی رادیو معارف به بررسی مبانی جنبش نرم افزاری پرداختم و پس از آن در معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات حدود 10 کارگاه علمی برگزار کرده ام.این فعالیت هم اکنون به یاری حضرت حق ادامه دارد.هم اکنون دهها طرح و برنامه در دست تحقیق و تالیف دارم که در شرایط مقتضی ان شاء الله ارائه خواهند شد. گرایش عمومی اینجانب فلسفة علم، هنر و ادبیات و علوم دین است. آنچه که

دغدغة اصل من در تحقیقات تألیفات است اصل جامع نگری به مسائل و تحقیق همه جانبه است. منابع زندگینامه :پایگاه اندیشوران حوزه

آقاتهرانی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی آقا تهرانی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقا تهرانی در سال 1336 در اصفهان متولد شد. تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در مدرسه حقانی قم و زیر نظر شهیدان گرانقدر، قدوسی و بهشتی به اتمام رسانید.
ایشان از رزمندگان پر تلاش دوران دفاع مقدس بوده و همزمان دروس متوسطه و عالی فقه و اصول، فلسفه و تفسیر را در مکتب بزرگانی چون حضرات آیات بهجت، مظاهری و مصباح یزدی(دامت برکاتهم) فرا گرفته است. تحصیل در مؤسسات باقرالعلوم، در راه حق، امام خمینی(ره) و اخذ فوق‌لیسانس روانشناسی در قم، فوق‌لیسانس فلسفه غرب و دکترای فلسفه عرفان از دانشگاه بینگ همتون آمریکا، کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی از دانشگاه لگ گیل کانادا بخش دیگری از کارنامه درخشان علمی ایشان است.
حجت‌الاسلام والمسلمین تهرانی، 5 سال به عنوان امام جمعه شهر نیویورک و مسئول مؤسسه اسلامی این شهر فعالیت نمودند و پس از بازگشت از آمریکا تا به امروز به تدریس و تبلیغ در حوزه و دانشگاه و تحقیق و پژوهش در گستره فقه، اصول، اخلاق، عرفان و علوم تربیتی پرداخته است.
منابع زندگینامه :مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری علوم اسلامی

بلخی، سید اسماعیل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید اسماعیل بلخی سال 1295 ش . در قریه ((سرپل بلخاب )) در یک خانواده روحانی زاده شد. بلخاب سرزمینی است خوش آب و هوا و کوهستانی که در قسمت جنوبی استان مزار شریف و در مسیر رودخانه ((بلخ آب )) که از ((بامیان )) سرچشمه می گیرد قرار گرفته است . این خطه از دیرباز مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب در ترکستان زمین بوده و امروز پس از گذشت قرنها نام ستارگانش چشم و چراغ ملت مسلمان به حساب می آیند اینک نیم نگاهی به گذشته این دیار می اندازیم .
فرزانگان بلخاب
بلخاب تا قبل از ورود ((میر سید علی فرزند میر سید جلال الدین بخارایی )) شهرت چندانی نداشته ولی بعد از سال 810 ق . با ورود این عالم زبردست و دانشمند نام و آوازه این دره گمنام از ((سمرقند)) تا ((هرات )) پیچید. بدین مناسبت کاروانهایی از عالمان و دولتمردان به قصد زیارت و دیدار این عارف وارسته وارد بلخاب شدند. تا جایی که ((شاهرخ )) به این شخصیت علاقه مند شد و چندین بار وی را از بلخاب به مرکز حکومت خراسان یعنی ((هرات )) دعوت نمود و دخترش را به عقد او درآورد. و در آخرین سفر میرسیدعلی در حالی که شاهرخ در ((شهر ری )) دار فانی را وداع گفته بود بر طبق وصیتش جنازه او را به هرات حمل نمودند و میرسیدعلی ولی بر او نماز خواند !
بلخاب از دیر زمان با حوزه های بزرگ شیعه در نجف ، مشهد و قم در تماس بوده و در دشوارترین ایام این قافله از حرکت نیفتاد. بر همین اساس است که مدارس و روحانیت بلخاب از سایر مناطق پیشگام است . و نسبت به سایر مناطق شیعه نشین افغانستان بیشترین طلاب از این منطقه بوده اند.
در این بخش بیش از سی هزار نفر شیعه مؤ من و غیرت مند زندگی می کنند و بیش از دهها حسینیه و مسجد وجود دارد و تا قبل از انقلاب بزرگترین پایگاه فرهنگی مردم شمال به حساب می آمد.
برخی از بزرگان بلخاب به قرار ذیل است :

بهجت، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولادت: آیت الله العظمی محمد بهجت فومنی در اواخر سال 1334 ه.ق. در خانواده ای دیندار و تقوا پیشه، در شهر مذهبی فومن واقع دراستان گیلان، چشم به جهان گشود. هنوز 16 ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش را از دست داد و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید.
درباره نام آیت الله بهجت خاطره ای شیرین از یکی از نزدیکان آقا نقل شده است که ذکر آن در اینجا جالب می‌نماید، و آن اینکه:
پدر آیت الله بهجت در سن 16-17 سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد و حالش بد می شود به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود وی می گفت: در آن حال ناگهان صدایی شنیدم که گفت:
« با ایشان کاری نداشته باشید، زیرا ایشان پدر محمد تقی است. »
تا اینکه با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته، اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و بالاخره کاملاً شفا می یابد.
چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد.
بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سومین را خدا به او می دهد، اسمش را « محمد حسین» می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را « محمد تقی » نام می نهد، ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا اینکه سرانجام پنجمین فرزند را دوباره « محمد تقی » نام می گذارد، و بدینسان نام آیت الله بهجت مشخص می گردد.
کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قباله ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت علیهم السلام به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد مداحان آن سامان است.

باری آیت الله بهجت در کودکی تحت تربیت پدری چنین که دلسوخته اهل بیت علیهم السلام به ویژه سید الشهداء علیه السلام بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن بار آمد. از همان کودکی از بازیهای کودکانه پرهیز می کرد و آثار نبوغ و انوار ایمان در چهره اش نمایان بود، و عشق فوق العاده به کسب علم و دانش در رفتارش جلوه گر. تحصیلات :
تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. به هر حال، روح کمال جو و جان تشنه او تاب نیآ ورد و پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال 1348 ه.ق. هنگامی که تقریباً 14 سال از عمر شریفش می گذشت به عراق مشرّف شد و در کربلای معلّی اقامت گزید.
بنا به گفته یکی از شاگردان نزدیک ایشان، معظّم له خود به مناسبتی فرمودند:
« بیش از یک سال از اقامتم در کربلا گذشته بود که مکلّف شدم. »
آری، دست تربیت حضرت ربّ سبحانه هماره بندگان شایسته را از اوان کودکی و نوجوانی تحت نظر جهان بین خود گرفته و فیوضاتش را شامل حال آنان گردانیده و پیوسته می پاید، تا در بزرگی مشعل راهبری راه پویان طریق الی الله را به دستشان بسپارد. بدین سان، آیت الله بهجت حدود چهار سال در کربلای معلّی می ماند و از فیوضات سید الشهداء علیه السلام استفاده نموده و به تهذیب نفس می پردازد و در طی این مدت بخش معظمی از کتابهای فقه و اصول را در محضر استادان بزرگ آن دیار مطهّر می‌خواند.
در سال 1352ه.ق. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مشرّف می گردد و قسمتهای پایانی سطح را در محضر آیات عظام از آن جمله مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی به پایان می رساند. با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده، بلکه عشق به کمالات والای انسانی هماره جان ناآرام او را به جستجوی مردان الهی و اولیاء برجسته وا می داشته است.
یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سالهای متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود حضرت آیت الله نائینی(رحمت الله علیه) فرمود:
« من در ایام نوجانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم. » استادان بر جسته فقه و اصول :
آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح، و درک محضر استادان بزرگی چون آیات عظام: آقا سید ابوالحسن اصفهانی(رحمت الله علیه) ، آقا ضیاء

عراقی(رحمت الله علیه) ، و میرزای نائینی(رحمت الله علیه) ، به حوزه گرانقدر و پر محتوای آیتِ حقّ حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (رحمت الله علیه)، معروف به کمپانی وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت، و به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری سریع و جوّال و متحرک و همراه با تیز بینی بوده، بهره ها برد.
آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید:
« در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی- که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود- استفاده کرده، و در اصول از مرحوم آقای نائینی، و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر.
» سیر و سلوک وعرفان :
آیت الله بهجت، در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکما ل معنوی همّت گمارده، و در کربلا در تفحّص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آقای قاضی که در نجف بوده پی می برد. و پس از مشرف شدن به نجف اشرف از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی می نماید.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند، چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است. »
همچنین در درسهای اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می نموده، تا اینکه در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) در آمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید، و در سن 18 سالگی به محضر پر فیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد، و مورد ملاطفت و عنایات ویژه آن استاد معظّم قرار می گیرد و در عنفوان جوانی چندان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.
آیت الله مصباح می گوید:
« ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی مستقیماً در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سالها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از

کسانی بودند که مُمَحَّضِ در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز گهگاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی طالقانی و دیگران...
خود آقای بهجت نقل می کردند: شخصی در آن زمان در صدد بر آمده بود که ببیند چه کسانی سحر ماه مبارک رمضان در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی می خوانند، آن طور که خاطرم هست اگر اشتباه نکنم کسانی را که مقید بودند این عمل را هر شب در حرم حضرت امیر علیه السلام انجام بدهند شمرده بود و بیش از هفتاد نفر شده بودند.
به هر حال، بزرگانی که تقید به جهات عبادی و معنوی داشتند در آن عصرها زیاد بودند. متأسفانه در عصر ما کمتر این نمونه ها را مشاهده می کنیم. البته علم غیب نداریم، شاید آن کسانی که پیشتر در حرمها این عبادتها را انجام می دادند حالا در خانه هایشان انجام می دهند، ولی می شود اطمینان پیدا کرد که تقید به اعمال عبادی و معنوی سیر نزولی داشته و این بسیار جای تأسف است.»
یکی دیگر از شاگردان آقا ( حجّة الاسلام و المسلمین آقای تهرانی ) جریان فوق را به صورت ذیل از حضرت آیت الله بهجت نقل می کند:
« شخصی در آن زمان شنیده بود که در گذشته هفتاد نفر در حرم حضرت امیر علیه السلام در قنوت نماز وترشان دعای ابو حمزه ثمالی را می خواندند، آن شخص تصمیم گرفته بود ببیند در زمان خودش چند نفر این کار را انجام می دهند، رفته بود و شمارش کرده و دیده بود تعداد افراد نسبت به زمان سابق تقلیل پیدا کرده و مجموعاً پنجاه نفر (آن طور که بنده «تهرانی» به یاد دارم) در حرم ( اعّم از نزدیک ضریح مطهّر، و رواقهای اطراف) دعای ابوحمزه را در دعای نماز وتر خود قرائت می کنند. »
فلسفه :
آیت الله بهجت، اشارات ابن سینا و اسفار ملا صدرا را نزد مرحوم آیت الله سید حسن بادکوبه ای فرا گرفته است. مرجعیت :
با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده اند و بیش از سی سال است که اشتغال به تدریس خارج فقه واصول دارند، ولی هماره از پذیرش مرجعیت سرباز زده اند.
آقای مصباح درباره علت پذیرش مرجعیت از سوی ایشان و نیز پیرامون عدم تغییر وضعیت آیت الله بهجت بعد از مرجعیت می گوید:
« بعد از مرجعیت منزل آآیت الله بهجت هیچ تغییری نکرده است، ملاقات

و پذیرایی از بازدید کنندگان در منزل امکان ندارد لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می شود. اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی کرد که زیر بار چنین مسؤلیتی برود، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه متعین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤلیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می کند که می شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید. »
تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری(ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح و در اختیار خواص گذاشتند، و پیش از فوت مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی اراکی(ره) اجازه نشر رساله عملیه خویش را دادند، سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه ای هفت نفر از آن جمله حضرت آیه الله العظمی بهجت را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، به دنبال در خواستهای مصرانه و مکرر راضی شدند تا رساله عملیه ایشان در تیراژ وسیع به چاپ برسد، با این حال از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.
در همین ارتباط یکی از مرتبطین ایشان می گوید: ایشان پیش از در گذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان را دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.
و بعد از فوت مرحوم اراکی و پیام جامعه مدرسین و اطلاع از انتشار اسمشان فرمودند: « فتاوای بنده را در اختیار کسی قرار ندهید. از ایشان توضیح خواسته شد فرمودند: صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت فتاوی را منتشر کنید » چندین ماه پس از این رخداد رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. هجرت:
ایشان بعد از تکمیل دروس، در سال 1363 ه.ق. موافق با 1324 ه.ش. به ایران مراجعت کرده و چند ماهی در موطن خود فومن اقامت گزید و بعداً در حالی که آماده بازگشت به حوزه علمیه نجف اشرف بود، قصد زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و اطّلاع یافتن از وضعیت حوزه

قم را کرد، ولی در طول چند ماهی که در قم توقف کرده بود، خبر رحلت استادان بزرگ نجف، یکی پس از دیگری شنیده می شد، لذا ایشان تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند.
در قم از محضر آیت الله العضمی حجت کوه کمره ای استفاده کرده و در بین شاگردان آن فقید سعید درخشید. چند ماهی از اقامت حضرت آیه الله العظمی بروجردی در قم نگذشته بود که آیت الله بهجت وارد قم شد، و همچون حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و ... به درس فقید سعید مرحوم بروجردی حاضر شد.
آیت الله مصباح در این باره می گوید:
« آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته واز مُستَشکِلین معروف و مبرّز درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن اینکه بیش از همه مطالب را ضبط می کنند احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پی گیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند. »
تدریس :
آیت الله بهجت در همان ایام که در درس آیات عظام اصفهانی، کمپانی و شیرازی حضور می یافت، ضمن تهذیب نفس و تعلم، به تعلیم هم می پرداخت و سطوح عالیه را در نجف اشرف تدریس می کرد. پس از هجرت به قم نیز پیوسته این روال را ادامه می دادند. در رابطه با تدریس خارج فقه توسط ایشان نیز در مجموع می توا ن گفت که ایشان بیش از چهل سال است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و به واسطه شهرت گریزی غالباً در منزل تدریس کرده است، و فضلای گرانقدری سالیان دراز از محضر پر فیض ایشان بهره برده اند. شیوه تدریس :
آیت الله مصباح در مورد روش تدریس ایشان می گوید:
« ایشان در بیان مطالب سعی می کردند ابتدا مسأله را از روی کتاب شیخ انصاری قدس سره مطرح کنند، و بعد هر کجا مطلب قابل توجهی از دیگران مخصوصاً از صاحب جواهر قدس سره در طهارت، و از مرحوم حاج آقا رضا همدانی و دیگران مطالب برجسته ای داشتند آن را نقل می کردند، و بعد هر جا خود ایشان نظر خاصی داشتند آن را بیان می کردند. این شیوه از یک طرف باعث این می شد که انسان از نظر استادان بزرگ در یک موضوع آگاه بشود و در عین حال صرفه جویی در وقت می شد. استادان دیگر هم برای تدریس شیوه های جالبی داشتند که شاید برای مبتدی مفیدتر بود که هر مطلب را از هر استاد جداگانه طرح میِ کردند،

ولی خوب این باعث می شد که وقت بیشتری گرفته بشود و احیاناً مطالبی تکرار بشود.
در ضمن تدریس، در میان نکته هایی که از خود ایشان ما استفاده می کردیم و طبعاً بعضی از این نکته ها چیزهایی بود که ایشان از استادانشان شفاهاً دریافت کرده بودند، به مطالب بسیار ارزنده و عمیق و دارای دقتهای کم نظیری بر می خوردیم. »
آیت الله مسعودی که خود سالها از درس آیت الله العظمی بهجت بهره برده اند درباره ویژگی تدریس ایشان می گوید:
« سبک درس ایشان سبک خاصی است. معمولاً آقایان مراجع و بزرگان در درس خارج یک مسأله ای را مطرح می کنند و اقوال دیگران را یکی یکی ذکر می کنند، سپس یکی را نقد می کنند و دیگری را تأیید، و سرانجام یکی از آن نظرات را می پذیرند، یا نظریه دیگری را انتخاب می کنند. ولی ایشان بر خلاف همه، نقل اقوال نمی کنند بلکه ابتدا مسأله را مطرح می کنند و بعد روند استدلالش را بیان می کنند. اگر شاگرد آراء علماء را دیده و مطالعه کرده باشد، می فهمد که دلیلی را که استاد ذکر می کند چه کسی گفته است، و اشکال یا تأییدی را که می کند می فهمد به سخن چه کسی اشکال یا قول چه کسی را تأیید می کند. لذا هر کس بخواهد در درس ایشان شرکت کند باید مبانی و نظرات آقایان دیگر را دیده باشد. »
آیت الله محمد حسین احمدی فقیه یزدی درباره شیوه درس ایشان می گوید:
« نوعاً ایشان چند مسئله اصلی یا فرعی را که عنوان می فرمودند بعد از توجه به ظرافتهای حدیث و روایت و یا آیه شریفه ای که دلالت بر موضوع بحث داشت، مقایسه ای بین موضوع بحث و سایر بحثهای مشابه می نمودند و دقت عقلی و فکری خاصی در تعادل آن دو انجام می دادند، آنگاه نتیجه می گرفتند که انصافاً نتیجه علمی و جدید بود. و حقیقتاً مطلبی را که ذکر می کردند ناشی از اوج و عظمت دید و فکرشان بود که از ائمه علیهم السلام و اسلام گرفته بود و اجتهاد صحیح نیز هم این گونه بحث و تجزیه و تحلیل کردن است. » موعظه در درس :
حجة السلام والمسلمین قدس، امام جمعه کلاچای که خود سالها در درس ایشان حضور داشته است می گوید:
« روال آیت الله العظمی بهجت این بود که پیش از شروعِ درس، حدود ده دقیقه موعظه می کرد، ولی نه به عنوان موعظه بلکه به عنوان حکایت حال بزرگان گذشته. و معلوم بود که منظور اصلی آیت الله مصباح یزدی که سالها در درس خارج فقه ایشان شرکت می کردند (15سال)، علاوه بر استفاده علمی، استفاده از روحیه ملکوتی آقا بوده است. »
آیت الله مصباح در این باره می گوید:

« آیت الله بهجت گاهی داستانی را یا حدیثی را نقل می کردند که برای ما تعجب آور بود ایشان چه اصراری دارند که بر مطالب معلوم و روشن تکیه می کنند، از جمله مطلبی که ایشان در تذکّرات پیش از درس اصرار می کردند امامت امیر المؤمنین علیه السلام بود، ما تعجب می کردیم که ما مگر در آن حضرت شک داریم که ایشان این قدر اصرار دارند که دلائل امامت حضرت علی علیه السلام را برای ما بیان کنند. یک خورده ته دلمان گله مند بودیم که چرا به جای این مطالب یک چیز هایی که بیشتر حاجت ماست ( در امور اخلاقی و معنوی ) مطالبی را نمی گویند. اما بعد از این که به پنجاه- شصت سالگی رسیدیم، در بسیاری از مباحث دیدیم که آن نکته هایی که ایشان چهل سال پیشتر در درسشان درباره امامت علی علیه السلام می فرمودند به دردمان می خورد. گویا ایشان آن روز می دید که یک مسائلی بناست در آینده مورد غفلت و تشکیک قرار بگیرد.
شاید اگر توجه های ایشان نبود ما انگیزه ای نداشتیم درباره این مسائل مطالعه ای داشته باشیم، حتی از نکته هایی که ایشان چهل سال پیش بیان می کردند امروز بنده در نوشته هایم در مورد مسائل اعتقادی یا جاهای دیگر استفاده کرده‌ام. » جایگاه علمی :
گواهی استادان و هم دوره ایها و نیز شاگردان برجسته که بخشی از آن در ذیل می آید نمایانگر دقت نظر و نبوغ برجستگی علمی ایشان است:
از آن جمله گویند:
روزی ایشان در درس کفایه یکی از شاگردانِ مرحوم آخوند خراسانی به نحوه تقریر مطالب آخوند خراسانی توسط استاد اعتراض می کند، ولی با توجه به اینکه از همه طلاب شرکت کننده در درس کم سنّ و سال تر بوده در جلسه بعدی پیش از حضور استاد مورد اعتراض و انتقاد شدید شاگردان دیگر قرار می گیرد، ولی در آن هنگام ناگهان استاد وارد می شود و متوجه اعتراض شاگردان به ایشان می گردد. سپس خطاب به آنان می فرماید: « با آقای بهجت کاری نداشته باشید. » همه ساکت می شوند آنگاه استاد ادامه می دهد: « دیشب که تقریرات درس مرحوم آخوند را مطالعه می کردم متوجه شدم که حقّ با ایشان است » و پس از این سخن، از جدیت و نبوغ آیت الله بهجت تمجید می نماید.
یکی از دانشمندان نجف می گوید:
« ایشان در درس، به مرحوم آیت الله کمپانی امان نمی داد، و پیوسته بحثها را مورد نقد قرار می داد. »
مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نیز می گوید:
« ایشان با اظهار نظرهای دقیق و اشکالات مهمّ، چنان نظر استاد را جلب کرده بود که چند روزی مجلسِ درس از حالت درس خارج شده بود، آن ایرادها برای ما هم مفید بود؛ ولی آقای بهجت برای گریز از شهرت دیگر به

انتقاد نپرداختند و اگر ادامه می دادند معلوم می شد اگر بالاتر از دیگران نباشند بی شک کمتر از آنان نیستند. »
مرحوم علامه محمد تقی جعفری می گوید:
« آن هنگام که در خدمت آقا شیخ کاظم شیرازی مکاسب می خواندیم، آیت الله بهجت نیز که اینک در قم اقامت دارند، در درس ایشان شرکت می نمودند، خوب یادم هست که وقتی ایشان اشکال می کردند آقا شیخ کاظم با تمام قوا متوجه می شد، یعنی خیلی دقیق و عمیق به اشکالات آقای بهجت توجه می کرد، و همان موقع ایشان در نجف به فضل و عرفان شناخته شده بود. »
آیت الله سید محمد حسین طهرانی در کتاب انوارالملکوت می نویسد:
« آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصیّ سید علی آقای قاضی می فرمودند: آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت در فقه و اصول به درس مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی حاضر می شدند و چون به حجره خود در مدرسه مرحوم سیّد باز می گشتند بعضی از طلابی که در درس برای آنها اشکالاتی باقی مانده بود به حجره ایشان می رفتند و اشکالشان را رفع می نمودند. و چه بسا ایشان در حجره خواب بودند و در حال خواب از ایشان می پرسیدند و ایشان هم مانند بیداری جواب می دادند جواب کافی وشافی، و چون از خواب بر می خاستند و از قضایا و پرسشهای در حال خواب با ایشان سخن به میان می آمد ابداً اطلاع نداشتند و می گفتند: هیچ به نظرم نمی رسد و از آنچه می گویید در خاطرم چیزی نیست. »
آیت الله مشکینی می گوید:
« ایشان از جهت علمی ( هم در فقه و هم در اصول ) در یک مرتبه خیلی بالایی در میان فقهای شیعه قرار دارند. »
حجة السلام و المسلمین امجد می گوید:
« ایشان در علمیت در افق اعلی است. فقیهی است بسیار بزرگ، و معتقدم که باید مجتهدین پای درسشان باشند تا نکته بگیرند و بفهمند، و حق این است که درس خارج را باید امثال آیت الله بهجت بگویند نه آنهایی که به نقل اقوال بسنده می کنند. » تشویق بزرگان به شرکت در درس ایشان :
آیت الله مصباح می گوید:
« اولین چیزی که ما را جذب کرد آن جاذبه معنوی و روحانی ایشان بود. ولی تدریجاً متوجه شدیم که ایشان از لحاظ مقامات علمی و فقاهت هم در درجه بسیار عالی قرار دارد. این بود که سعی کردیم خدمت ایشان درسی داشته باشیم تا وسیله ای باشد هم از معلومات ایشان بهره ای ببریم، و هم بهانه ای باشد که هر روز خدمت ایشان برسیم و از کمالات

روحی و معنوی آقا بهره مند شویم. کتاب طهارت را در خدمت ایشان شروع کردیم، ابتدا در یکی از حجرات مدرسه فیضیه چند نفر از دوستان شرکت می کردند، و بعد از گذشت یک سال، یکی دو سالی هم در حجره ای در مدرسه خان (مدرسه مرحوم آیت الله بروجردی) خدمت ایشان درس داشتیم، و بعدها که ضعف مزاج ایشان بیشتر شد از آن به بعد در منزل، خدمتشان می رفتیم که یک دوره طهارت را خدمت ایشان خواندیم، و بعد یک دوره هم مکاسب و خیارات را که تقریباً حدود 15 سال ادامه پیدا کرد. ما در درس ایشان استفاده هایی می بردیم که در بسیاری از درسها کمتر یافت می شد. »

شهید بزرگوار استاد مطهری(ره) نیز به درس ایشان عنایت خاصّی داشتند. آیت الله محمد حسین احمدی یزدی در این رابطه می گوید:

« آیت الله شهید مطهری درباره درس آیت الله بهجت به ما خیلی سفارش می کرد و می فرمود: حتماً در درس ایشان شرکت کنید مخصوصاً در اصول، چون آقای بهجت درس آقا شیخ محمد حسین اصفهانی را دیده حتماً در درس ایشان شرکت کنید.»

استاد خسرو شاهی می گوید:

« بنده در درس فقه خارج خیارات آیت الله العظمی شیخ مرتضی حائری شرکت می کردم. ایشان اواخر عمر مریض بودند و درسشان تعطیل شد. یک روز وقتی که آیت الله حایری از حرم بیرون می آمدند، به خدمتشان رفتم و پس از سلام عرض کردم: ان شاء الله درس را شروع می فرمایید؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند:

« شما که جوان هستید من یک ضابطه ای را در اختیار شما قرار بدهم، و آن اینکه درس کسانی شرکت بکنید که فقط نقل اقوال نکنند، بلکه اقوال را بررسی کرده و نکاتی را در درس بیان کنند که در فعلیت رساندن ملکه اجتهاد خیلی سودمند باشد. چون درسی برای شما مفید است که این ملکه اجتهاد را از قوه به فعلیت برساند، و تنها به نقل اقوال کفایت نکند. »

من همان جا به ایشان عرض کردم: جناب عالی کسی را با اسم برای ما معرفی بفرمایید. فرمودند: « من از اسم بردن معذورم. » عرض کردم: من در درس آیت الله العظمی بهجت شرکت می کنم. ایشان اظهار رضایت نمود و تبسم کردند و فرمودند: « درس ایشان از نظر دقت و محتوا همین قاعده و ضابطه ای را که به شما گفتم دارد، خوب است که در درس ایشان شرکت می کنید. درس ایشان از هر جهت سازنده است هم از جهت علمی هم از جهت اخلاقی، این درس را ادامه بدهید. » تألیفات :

حضرت آیت الله بهجت دارای تألیفات متعددی در فقه و اصول هستند که خود برای چاپ اکثر آنها اقدام نکرده اند، و گاه به کسانی که می خواهند آنها را حتی با غیر وجوه شرعیه چاپ کنند، اجازه نمی دهند و می فرمایند:

هنوز بسیاری از کتابهای علمای بزرگ سالهاست که به گونه خطی مانده است، آنها را چاپ کنید نوبت اینها دیر نشده است.
فهرست عمده تألیفات ایشان که برخی نیز با اصرار و پشتکاری برخی از شاگردانشان به چاپ رسیده، عبارتند از:
الف) کتابهای چاپ شده:
1. رساله توضیح المسائل ( فارسی و عربی )
2. مناسک حجّ
دو کتاب فوق توسط برخی از فضلا بر اساس فتاوی ایشان تألیف و پس از تأیید آقا به چاپ رسیده است.
3. وسیله النجاة
این کتاب در بردارنده نظرات فقهی ایشان در اکثر ابواب فقه است که در متن وسیله النجاه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی(ره) گنجانده شده و نهایتاً جلد نخست آن با تأیید ایشان به چاپ رسیده است.
4. جامع المسائل
این کتاب مجموعه حواشی ایشان بر کتاب « ذخیره العباد» استادش آیت الله العظمی محمد حسین غروی اصفهانی، و نیز تکمیل آن تا آخر فقه می باشد، که قسمتهایی از آن ابتدا با نام « ذخیره العباد» با حروفچینی نه چندان زیبا و در تعداد نسخه اندک در اختیار برخی از شاگردان و خواصّ ایشان قرار گرفت، و بعداً جلد اول از این مجموعه که قرار است در پنج مجلد به چاپ برسد، به خاطر کثرت فروع فقهی که توسط حضرت آیت الله بهجت بر اصل کتاب افزوده شده و جامعیت آن « جامعُ المسائل » نام گرفته و به همت برخی از شاگردان ایشان به چاپ رسید.
ب) تألیفات آماده چاپ و نشر:
1. جلد اول از کتاب صلوة
آیت الله بهجت در این کتاب با سبکی ویژه و تلخیص مطالب به ترتیب مباحث
« جواهر الکلام» به بیان نظریات نو و ابتکاری خویش پرداخته اند.
2. جلد اول از دوره اصول
این کتاب تقریبا" به ترتیب « کفایه الاصول» نگارش یافته است، و بارها توسط ایشان مورد مداقّه و تجدید نظر قرار گرفته، و نظریاتی نو در بسیاری از مباحث اصول را در بردارد.
3. تعلیقه بر مناسک شیخ انصاری
این کتاب در بردارنده نظرات ایشان درباره مناسک حجّ می باشد.
ج) تألیفاتی که هنوز اقدام به چاپ آنها نشده است:
1. بقیه مجلّدات دوره اصول
2. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

که به ترتیب مکاسب شیخ انصاری(ره) از اول تا انجام، و پس از اتمام آن ادامه مباحثی که در مکاسب مطرح نشده بر اساس متن « شرائع الاسلام » نگارش یافته است، ایشان در این دوره از مباحث فقهی نظرات جدیدی را ارائه داده اند.

3. دوره طهارت

در این کتاب نیز آیت الله بهجت بسان دوره « کتاب الصلوة » به ترتیب مباحث « جواهر الکلام» با تلخیص و نو آوری نظرات خویش را مطرح نموده اند.

4. بقیه مجلّدات دوره کتاب الصلوة

همچنین ایشان در تألیف سفینة البحار با مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) همکاری داشته اند، و قسمت زیادی از سفینة البحار خطی، به خط ایشان نوشته شده است. شاگردان :

با توجه به اینکه ایشان به خاطر شهرت گریزی عمدتاً در منزل خود تدریس می کردند، با وجود این افراد بسیاری از محضر آن جناب استفاده کرده و می کنند. که برخی از آنان خود صاحب رساله و فتوی می باشند، اینک نام بعضی دیگر از آنان را با حذف القاب ذکر می کنیم:

1. محمد تقی مصباح یزدی.
2. عبدالمجید رشید پور.
3. سید مهدی روحانی.
4. علی پهلوانی تهرانی.
5. مختار امینیان.
6. محمدهادی فقهی.
7. هادی قدس.
8. محمود امجد.
9. محمد ایمانی.
10. محمد حسن احمدی فقیه یزدی.
11. محمد حسین احمدی فقیه یزدی.

12- مسعودی خمینی
13- سید رضا خسروشاهی.
14- حسن لاهوتی
15- عزیز علیاری
16- سید محمد مؤمنی
17- حسین مفیدی
18- جواد محمد زاده تهرانی
19- سید صابر مازندرانی
20- شهید نمازی شیرازی

این عارف برجسته و فقیه ارزشمند در ساعت پانزده و ده دقیقه عصر 27 اردیبهشت 1388 مطابق با 22 جمادی الاولی 1430 قمری دار فانی را وداع گفتند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

بیابانکی، علاءالدوله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال 659 در روستای بیابانک سمنان متولد شد. علاالدوله از کودکی مقدمات علوم نزد دایی خود رکن الدین صاین آموخت . و از پانزده سالگی وارد دربار ارغون خان ایلخان مغول شد و به کارهای دیوانی مشغول گشت 5-674 هق، و تا سال 685 که اردوی او را ترک نمود، به اعمال دیوانی مشغول بود. اما در آن زمان تغییر حالی در علا الدوله رخ داد و ترک مناصب دیوانی کرده به تحصیل و تکمیل معلومات خود رفته و حدیث و سلوک پرداخت و به بغداد رفت وحلقه ارادت شیخ نورالدین اسفراینی برگردن آویخت در این حین چند بار به سفر حج و شامات رفت تا اینکه در سال 689 خرقه و اجازه ارشاد خود را از مرادخود چند دریافت نمود. و در خانقاه سکاکیه در سمنان به تعلیم مشغول شد. و نیز خانقاهی بنام برج احرار را با خرج خود ساخت و در آن به تعلیم و تالیف پرداخت و تا زمان مرگ در 736 به کار خود ادامه داد . خواجوی کرمانی حکمی از شاگردان وی بود. از علا الدوله در سمنان تالیفات بسیاری باقی است که از آن جمله اند: دیوان اشعار علا الدوله سمنانی، مقاصد المخلصین، و بیان الاحسان لاهل العرفان.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامی والدین و انساب : شیخ علا الدوله بیابانکی سمنانی در سال 659 در روستای بیابانک سمنان متولد شد. پدر و اجداد وی از حاکمان محلی و مردمی مرفه و با فرهنگ بودند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علا الدوله بیابانکی سمنانی از یک خاندان ثروتمند سمنان بود چنانکه به قول خود وی «صد هزار از ملک پدری و میراث، صرف و وقف صوفیان کرد». اصل وی از سند بوده است اما در بیابانک سمنان اقامت گزیده بودند و متصدیان امور دیوانی به شمار می رفتند. «مقدمان» این خاندان با عنوان «ملک» مشهور بودند و به همین سبب برخی تذکره نویسان علا الدوله را از ملوک سمنان دانسته اند. پدرش ملک شرف الدین محمد و عمویش ملک جلال الدین از بزرگان دوره ایلخانی به شمار می رفتند و از متصدیان امور دولتی در آن عهد بوده اند.ملک شرف الدین محمود عنوان ملک بغداد (شحنه بغداد) در زمان ارغون را داشت و درزمان غازان خان منصب الغ بیتکچی یافت و در سال 695 به زمان غازان خان همانند برادر خود اعلام گردید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علا الدوله بیابانکی سمنانی در سمنان فقه و حدیث را

از دایی خود رکن الدین صاین (م. 700 ه.ق)آموخت و به اردوی ارغون خان پیوست اما به سبب تغییر حال و بیداری ناگهانی اردوی وی را ترک رکد و تکمیل تحصیلات خود در فقه، حدیث و علم ادبی و نیز سلوک پرداخت و در سال 687 ه.ق به بغداد رفت و حلقه مریدی شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی پرداخت. و خرقه خود را از او ، که با واسطه ای به شیخ نجم الدین کبری می رسید پرداخت نمود. و اجازه ارشاد یافت 689 ه .ق و مدتی هم به سفر در فلسطین و شام پرداخت.خاطرات و وقایع تحصیل : حمدالله مستوفی که معاصر علا الدوله بیابانکی سمنانی بود نوشته است که علا الدوله در زمان ارغون خان مغول در مشاغل دولتی روزگار می گذراند (در 15 سالگی)فعالیتهای ضمن تحصیل : علا الدوله بیابانکی سمنانی در حین تحصیل علوم دینی و ادبی در دربار ارغون به کارهای دیوانی مشغول بود.وقایع میانسالی : چنانکه حمد الله مستفی نوشته است، علا الدوله بیابانکی سمنانی از 15 سالگی در دربار اباقا و ارغون و به مشاغل دولتی مشغول بود اما در یکی از سفرهای ارغون بر علا الدوله تغییرحالی دست داد چنانکه از خدمت دیوانی منصرف شد ، شیخ خود در کتاب العروه این واقعه را در زمان جنگ ارغون و سلطان احمد تکودار درنزدیکی قزوین نسبت داده است (در حدود سال 682) اما در سال 685 از اردوی خان خارج شد و به سمنان رفت و به تکمیل تحصیلات و اطلاعات خود پرداخت و غلامان و کنیزان خود از االرد و اولا خود را صرف تعمیر و ساختن «خانقاهی سکاکیه» منسوب به شیخ حسن سکاک سمنانی (قرن 5 ه.ق) کرد. و به مریدان شیخ نور الدین عبدالرحمن اسفراینی در بغداد پیوست و 687 و اندکی بعد به حج رفت و چندبار این زیارت را تکرار نمود. اما کما بیش با دربار ایلخانان ارتباط داشت در برخی از آخرین ایلخانان را در دیوان خود مدح نموده است و حتی میان امیر چوپان و سلطان ابوسعید ایلخانان وساطت نمود. آخرین سفر حج وی به سال 732 بوده است.زمان و علت فوت : وفات علا الدوله بیابانکی سمنانی رادر شب جمعه 22 رجب سال 736 هجری در 77 سالگی نوشته اند. پیکرش در کنار مقبره عماد الدین عبدالوهاب دفن شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علا الدوله بیابانکی سمنانی در 15 سالگی درحدود سال 5-673 به خدمت اباقاخان درآمد اشتغال به کارهای دوانی را تا سال 685 ادامه داد. وی پس از ترک اردوی ارغون نیز کما بیش با دربار ایلخانان مرتبط بود.فعالیتهای آموزشی : علا الدوله بیابانکی سمنانی از سال 720 درخانقاه سکاکیه در صوفی آباد سمنان به ارشاد دراویش پرداختمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : «جرج احراز» نام خانقاهی بود که علا الدوله بیابانکی سمنانی در آخرین سالهای عمر خود در صوفی آباد سمنان برپا کرد، بودسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تفکر، تالیف و مناظره درباره

موضوعات عرفانی، همواره علا الدوله بیابانکی سمنانی را به خود مشغول می داشته است.شاگردان : از میان ارادتمندان متعدد علا الدوله بیابانکی سمنانی خواجوی کرمانی شاعر معروف بود که مدتی از دوران سلوک را در خدمت وی در صوفیاباد گذرانده و در آنجا معتکف بوده و در وصف وی اشعاری سروده است. اخی علی مصری راحتی محمد دهقان و ابوالبرکات تقی الدین علی سمنانی و منهاج بن محمد السراین از دیگر شاگردان علا الدوله بودند.آرا و گرایشهای خاص : علا الدوله بیابانکی سمنانی ، سمنانی در تصوف معتقد به اعتدال اجرای احکام دین و انطباق آنها با اصول تصوف بود و در این راه سخت گیر بود و با معتقدان وحدت وجود (بویژه ابن عربی) مخالفت داشت و از این رو با شیخ کمال الدین عبدالرزاق کاشی که چنین اعتقادی داشته است، مکاتبات و مباحثاتی داشته است.آثار : العروه لاهل الخلوه ، بیان الاحسان لاهو العرفان ، دیوان علا الدوله سمنانی [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج3(بخش 2)، ص 808] ویژگی اثر : امامت علا الدوله سمنانی در کتابهای مقاصدالمخلصین، مفضح عقاید المدعین، بیان الاحسان لاهل العرفان و فلاح، دلایلی بر اثبا امامت علی (ع) آورده است و برخی این دلایل را نشانه تشیع علاالدوله می دانند.4 سلوه العاشقین ، فلاح ، مشاریخ ابواب القدس ، مطلع النقط و مجمع اللقط ، مفضح عقاید المدعین ، مقاصد المخلصین ، یسر البال فی اطوار سلوک اهل الحال

منابع زندگینامه :صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج3، بخش 2، ص 801

بیگم شیرازی، ام‌سلمه

قرن:12
جنسیت:زن
ملیت:ایران
(ز 1163 ق)، عارف و نویسنده. از آثار وی «جامع الکلیات»، در سیر و سلوک و عرفان است که در شیراز چاپ شده است.[1]
ز شعبان 1163 ق. وی کتاب جامع‌الکلیات را در سیر و سلوک و عرفان به زبان فارسی در چهارده مقاله تالیف کرده است.[2]
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (69/5)، ریحانه (306/8)، لغت‌نامه (ذیل/ ام‌سلمه)، مشاهیر زنان (18 -17).
[2] منابع: الذریعه، 69 /5؛ ریحانةالادب، 306 /8؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، 116؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، 1502 /2؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، 766 /2؛ النساءالمؤمنات، 159؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، 654 /1.

پاکپور، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی پاکپور
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم اقتصاد، در سال 1363 دروس حوزه را در مدرسه علمیه جلالیه آستانه اشرفیه آغاز نمودم.
سال 64 برای ادامه تحصیل به قم آمدم و در مدرسه امام صادق(ع) (نیروگاه) پذیرفته شده به مدّت چهار سال دوره مقدّماتی را به پایان رساندم. ادامه تحصیل در مدرسه امام باقر(ع) (نیروگاه) و ورود به موسسه در راه حق همزمان با دروس موسسه، در سال 73 دروس سطح حوزه را به پایان رساندم. بعد از دوره پنج ساله اول موسسه در راه حق، (موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) در مقطع کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی پذیرفته شده و در طول مدت چهار سال پایان نامه خویش را به عنوان «وظیفه‌گرایی از دیدگاه کریستین ام کرسگارد» دفاع کردم. دو سال آخر دوره کارشناسی ارشد در گروه کارورزی فلسفه اخلاق موسسه زیر نظر استاد محمود فتحعلی فعالیت پژوهشی داشته‌ام، همزمان با کار پایان‌نامه در گروه اخلاق مرکز برنامه‌ریزی و تدوین کتب درسی نهاد فعالیت نموده و چند سالی است که به عنوان مسئول گروه اخلاق مشغول فعالیت هستم. بعد از اتمام دوره سطح حوزه چند سالی در درس خارج آیات عظام جوادی آملی، سبحانی، لاریجانی و... شرکت کردم.
در طول سال 85 با گروه اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در غالب پروژه اخلاق کاربردی، همکاری داشته و از فضای علمی آنجا بهره کافی برده‌ام. اکنون در ضمن فعالیت در گروه اخلاق مرکز تدوین نهاد رهبری، در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق و عرفان اسلامی در مقطع دکتری مشغول به تحصیل می‌باشم.

تربتی، عباس

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج آخوند ملا عباس تربتی یکی از برجسته ترین و ممتاز ترین چهره های معنوی و مردمی درتاریخ اخیر ایران است .مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی در سال 1288 قمری مصادف با 1250 یا 1251 شمسی و در پانزده کیلومتری شرقی تربت حیدریه ، ده « کاریزک ناگهانی‌ها» متولد گردید .او را باید درزمره متشرع ترین عارفان و عارف ترین متشرعات قرار داد. اواز مردمی ترین شخصیتهایی است که درهمان حال از عابدترین آنها بوده است.وی در سال 1322 شمسی هجری مطابق با 17 شوال سال 1362 قمری هجری دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : حاج آخوند ملا عباس تربتی ، فرزند مردی به نام «ملا حسینعلی» اهل «کاریزک » و زنی به نام «شیرین» (دختر لطفعلیْ) از اهالی «قاین» بود. اطلاعات چندانی از والدین حاج آخوند در دست نیست ؛ اما نقل شده که حاج آخوند از از خوبی، دیانت، خانه داری، حلم و بردباری، کاردانی، تمیز کاری و دقت مادرش بسیار تعریف می‌کرد ونمی‌شد نام مادرش را ببرد و اشک در چشمانش نیاید. تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس تربتی در سن شش یا هفت سالگی، پدرش او را نخست به مکتب ده، سپس برای تحصیل به شهر تربت فرستاد و نزد مرحوم «حاج ملا عبدالحمید» مقدمات صرف و نحو عربی را به خوبی و با دقت تمام فرا گرفت . اغلب اوقات شب و روز ایشان به فراگرفتن درس و بحث و تکرار و عبادت و فراگرفتن مسائل دینی و خواندن کتب دینی در مواعظ و شرح حال انبیاء و اولیاء و عباد و زهاد می‌گذشت و همه اینها به حکم طبیعت خودش و بدون اجبار دیگری بود. پس از طی مقدمات، به تحصیل سطح فقه و اصول پرداخت و پس از مدتی به مشهد رفته، روزها را کار کرده و شبها درس می‌خواند . وی پس از بازگشت به روستای محل زادگاهش و نیز پس از ازدواج و آسوده گردانیدن خیال پدر در کار زراعت، به منظور ادامه تحصیل ، هر پنج شنبه چند قرص نان خانگی تهیه کرده،و همراه کتابهایش بعد از خواندن نماز ظهر و عصر پیاده به طرف خانه عالمی که متن کتابهای فقه و اصول را درنزد او می‌خواند به راه می افتاد . شب جمعه و روز جمعه تا ظهر، از استاد به اندازه یک هفته از کتابهایی مانند « معالم» و « قوانین» در اصول و « شرح لمعه» و « شرایع » در فقه درس می‌گرفت، و ظهر جمعه پس

از ادای نماز به سوی ده باز می‌گشت، و از فردا ضمن اشتعال به کار زراعت به حاضر کردن درسها می پرداخت تا پنج شنبه دیگر که دوباره به محضر استاد برسد . استادان و مربیان : یکی از استادان مهم حاج آخوند ملا عباس تربتی ، ملا محمد کاظم آخون خراسانی است .همسر و فرزندان : حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از تحصیل در مشهد به ده خود بازگشته و به کمک پدر خود در کار زراعت مشغول شد و در هنگام فراغت به گفتن مسائل دینی و موعظه کردن مردم می پرداخت ، در این مدت نیز با همسری اهل روستای « مزدگرد» (در سه کیلومتری جنوب تربت) ازدواج کرد . وقایع میانسالی : حاج آخوند ملا عباس تربتی مرجع تظلم مردم و خانه اش ملجا دادگستری و پناهگاه آنان بود. چنانکه وقتی از دست حکام و خوانین به وی تظلم می کردند او با قدرت معنوی خودبه شکایت آنان رسیدگی می کرد . از دیگر وقایع این دوره می توان به موارد زیر اشاره کرد: - در سال 1287 شمسی، با کاروان ، پیاده به کربلا رفت و این سفر هفت ماه طول کشید. روزی که بازگشت، مرد و زن همگی جمع شدند، به طوری که در خانه جای نشستن نبود. - سفر دوم کربلا مرحوم راشد نقل می کند : در سال 1298 هجری شمسی، با کاروان به همراه حاج آخوند عازم کربلا شدیم که 5 ماه و 20 روز طول کشید. و گاهی پدرم یکی از پیاده ها را بر آن سوار می‌کرد. پدرم همان برنامه نمازهای پنجگانه را در اوقات سه گانه با همان دقت و طمأنینه و منبرهای بعد از نماز (البته به طور مختصر) داشت. از هر منزل که راه می افتادیم، آخرین نفر بود که به راه می افتاد تا مطمئن گردد که همه هستند، و با اینکه او قافله سالار نبود، تفقد حال همه را می‌کرد، چرا که این را وظیفه ی دینی و اخلاقی خود می دانست. بسا می شد کسانی از اهالی منزلهای میان راه، حالت نماز خواندن او را می‌دیدند و سخنان ساده و بی ریا و مؤثرش را می‌شنیدند و مجذوب او می‌شدند؛ و از این رو در بعضی از منازل بین راه کربلا نیز معتقدانی داشت - حاج آخوند در سال 1306 هجری شمسی عازم مکه معظمه شد؛ با اینکه احتمال داشت به ایشان گذرنامه داده نشود با این حال از اینکه به طور غیر قانونی برود امتناع ورزید و گفت: من چنین کاری نمی‌کنم. با آن که بی نهایت اشتیاق زیارت مکه را دارم ولی بر خلاف معمول و قانون حاضر نیستم. ایشان در سایر کارها نیز همین طور بود. سراسر زندگی پر بار ایشان مملو است از فداکاریها ، پایبندی به دستورات شرعی و رسیدگی به احوال مردم که بسیاری از آنها به ما نرسیده است . زمان و علت فوت : مرحوم راشد نقل می کند : پدرم در روز یکشنبه 24 مهرماه سال 1322 شمسی هجری مطابق با 17 شوال سال 1362 قمری هجری در حدود دو ساعت از آفتاب گذشته از دنیا رفت . نماز صبحش را همچنان که خوابیده بود خواند و حالت احتضار بر او دست داد و پایش را به

سوی قبله کردند و تا آخرین لحظه هوشیار بود و آهسته کلماتی می گفت، مثل این که متوجه جان دادن خودش بود و آخرین پرتو روح با کلمه لا اله الا الله از لبانش برخاست. حدود دو سال قبل از فوت بیمار شدند و در این مدت گاهی در تربت و گاهی در مشهد بودند. حاج آخوند، در تربت حیدریه، در خانه شخصی خود، همان اتاق و محلی که نماز شبهای بسیاری خوانده و «العفو» گفته بود و گریسته بود از دنیا رفت. جنازه حاج آخوند، در مشهد مقدس در آخرین غرفه صحن نو حرم امام رضا علیه السلام (در آن زمان) در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد و چنانکه وصیت کرده بود این آیه قرآن بر سنگ قبرش که بر دیوار آن غرفه نصب شد نوشته شد: « و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید؛ و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود» (آیه 18 سوره کهف) و در زیر آن نوشته شده بود: «مرقد بنده صالح خدا عالم عامل مرحوم حاج شیخ عباس تربتی پسر مرحوم ملا حسینعلی کاریزکی که هفتاد و اند سال عمر خود را به درستی و پاکی و زهد و عبادت و ترویج دین و خدمت به نوع گذرانید...» و این شعر نیز نوشته شده بود: به تاریخش رقم زد، کلک سالک به حق دست ارادت داد عباس بعداً سنگ قبر ایشان توسط حکومت وقت خراب شد و بعد از انقلاب آستان قدس رضوی سنگ قبر جدیدی بر مزار حاج آخوند ملا عباس تربتی نصب کرد. اما عبارات روی این سنگ، عیناً همان عبارات حک شده بر روی نخستین سنگِ مزار آن مرحوم نیست. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حاج آخوند ملا عباس تربتی پس از ازدواج و تکمیل معلومات حوزوی خود ،در تمام این ایام، عبادات ، نماز شب و روزه ها همچنان جریان خودش را داشت، در کاریزک و در روستاهای دیگر نیز به کارهای دینی ، مجالس و منابر مردم رسیدگی می کرد بی آنکه در برابر آنها چیزی قبول کند. زمانی که مرحوم «حاج شیخ علی اکبر تربتی» که از شاگردهای مجتهد حوزه درس مرحوم «آخوند ملا محمد کاظم خراسانی» بود از نجف به تربت حیدریه بازگشت ، مرحوم ملا محمد کاظم او را به عنوان «مجتهد جامع الشرایط» معرفی کرد. حاج آخوند در درس « کفایة الصول» ایشان حاضر می شد ، مرحوم شیخ علی اکبر پس از آنکه با احوال حاج آخوند آشنا می شود ارادت زیادی درباره او پیدا می کند و اصرار می ورزد که زندگی خود را از ده به شهر تربت منتقل کند. اما حاج آخوند برای رعایت حال پدرش عذر می آورد. پس از آنکه پدرش فوت می‌کند مرحوم حاج شیخ علی اکبر مطلبی می‌گوید که در حاج آخوند خیلی مؤثر می‌شود : ترویج دین بر شما واجب است و این کار در شهر بیشتر میسر است. در این هنگام حاج آخوند تصمیم گرفت که به تربت منتقل شود و این در سال 1289 هجری شمسی واقع شد. پس از انتقال به شهر، مرحوم شیخ علی اکبر به وی تکلیف کرد که به جای او در مسجد به نماز بایستد و امامت کند. حاج آخوند با دلیل

علمی امتناع کرد، ولی شیخ علی اکبر با جواب علمی ایشان را قانع کرد که بر شما از لحاظ دینی واجب است که این کار را بکنید. خود مرحوم حاج شیخ هم گاهی در هنگامی که حاج آخوند مشغول نماز بود می آمد و به وی اقتدا می‌کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : چانکه از عباس تربتی یاد می کنند او فردی پرتلاش و درعین حال اهل ورزش و سوادکاری بود.شاگردان : از جمله شاگردان عباس تربتی می توان به، آیت الله محمد رضا زنجان خراسانی اشاره کرد.همفکران فرد : آیت الله جنتی، آیت الله خزعلی، محمود امجد و حاج آقا حسین قمی از جمله همفکران تربتی می باشند. حاج آقا حسین قمی نیز یکی دیگر ازهمفکران عباس تربتی بود . آیت‌الله خزعلی، رئیس بنیاد بین‌المللی غدیر، در این باره چنین اذعان دارد: آخوند ملاعباس راشد تربتی انسانی عالم و زاهد و در عین حال بیگانه‌ستیز و آزاده بود. وی افزود: او از مردانی بود که هرگز از خداوند غافل نشد و در هر کاری نخست خدا و رضایت او را مد نظر داشت. وی با بیان اینکه حیات او برای خدا بود گفت: ملاعباس راشد تربتی برای خدا به مردم خدمت کرد و تمام تلاشش این بود که مردم پیشرفت کرده و رو به جلو حرکت کنند. او ادامه داد: آخوند ملاعباس راشد تربتی با فضیلت‌های ارزشمند اخلاقی خود به قدری در میان مردم نفوذ و تأثیر یافت که تظلم‌خواهی و نیازها را پیش او می‌بردند. آرا و گرایشهای خاص : حاج آخوند ملا عباس تربتی نه فقط به عنوان یک شخص بلکه به عنوان یک شخصیت و به عنوان آدم و انسانی با مجموعه ای از فضیلت های کمیاب و نایاب است.

ترخان، قاسم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قاسم ترخان
محل تولد : بن جی کول ، نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
ایشان در سال 1346 ش در روستایی از توابع نوشهر استان مازندران به نام بن جی کول ، دیده به جهان گشود و بعد از طی دوره راهنمایی در سال 1360 وارد حوزه علمیّه شهرستان نور گردید و همزمان به دروس دبیرستان هم پرداخت و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته الهیات با گرایش فلسفه و کلام ادامه تحصیل داد و با درجه عالی از دانشگاه قم فارغ التحصیل گردید . ورود به حوزه و اشتغال به کار علمی مانع از فعّالیّت های وی در عرصه انقلاب اسلامی و جنگ نگردید. طولی نکشید که به حوزه علمیّه قم وارد شد و از آن زمان تاکنون که 23 سال به طول انجامید ، خوشه چین خرمن بزرگان بوده است و از اساتید و آیات عظام همچون : وجدانی فخر ، پایانی ، استادی ، طاهری خرم آبادی ، وحید خراسانی ، فاضل لنکرانی ، شیخ جواد تبریزی ، گرامی ، جوادی آملی ، حسن زاده آملی ، صالحی مازندرانی ، مصباح یزدی ، فیاضی و ... بهره های فراوانی برد . فقه ، اصول ، تفسیر ، کلام ، فلسفه ، عرفان و زبان انگلیسی از جمله موضوعات و گرایشاتی بود که به صورت تخصصی در حوزه علمیّه قم به آن پرداخته شد و محصول این تلاش 25 ساله در حوزه و دانشگاه ، ارائه مقالات متعددی است که در مجلات ، کنگره ها و سایتهای اینترنتی ارائه شده است و تعداد زیادی هم از آنان در آینده عرضه خواهد شد .

تقوی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1342.
درگذشت: 1364.
از آثار اوست: زندگی در پرتو اخلاق: ذکرالله (قم، جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، 1373).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

توکل، رحیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رحیم توکل
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1331/1/1
زندگینامه علمی
بعد از اخذ دیپلم تجربی درسال 49 ـ 48 در سال 51 شمسی وارد حوزه علمیه قم شدم و در زمان پیروزی انقلاب اسلامی دروس سطح و کفایتین باتمام رسید و در سال 60 ـ 59 وارد دروس خارج شدم.دو دوره اصول را خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دام عزه) گذراندم و حدود 4 سال هم در خدمت حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی بحث اصول و فقه معظم له شرکت می کردم و درسال 68 موفق باخذ اجتهاد از آن دو بزرگوار شدم البته چند سالی هم بعد از اتمام دو دوره اصول در درس اصول حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت می کردم تا از مبانی معظم له هم مطلع شوم.از سال 77 به فضل الهی به تدریس خارج فقه مشغول هستم و تا الان (سال 84 ـ 83) هفت سال خارج فقه را تدریس کرده ام با توجه به این نکته در مباحث فقهی هر کجا بحث اصول لازم بود ، بحث اصول آن را مطرح می کردم تا کاربرد اصولی در مسائل فقهی کار بردی تر انجام شود.

جباریان، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا جباران
محل تولد : ملایر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در پنجم آذر 1337 هجری شمسی در ملایر به دنیا آمدم پدرم کشاورز بود و خود نیز تا سن 20 سالگی که دروس دبستان و دبیرستان را به پایان بردم در کنار او کشاورزی می کردم.در سال 1356 تحصیلات حوزوی خود را در مدرسه علمیه ولی عصر (عج) بروجرد آغاز کردم در پاییز 1359 از بروجرد به قم آمدم و تا سال 1365 جز در دو مقطع کوتاه که مسئولیت مدرسه علمیه ولی عصر(عج) بروجرد و مسئولیت مدرسه علمیه امیر المومنین(ع) ملایر را به عهده داشتم، پیوسته در قم مشغول تحصیل بودم و در کنار تحصیل، کتب مقدماتی را نیز تدریس می کردم از سال 1365 به قصد شرکت در دفاع مقدس به منطقه غرب رفتم و به تناسب تجربه و تخصص خویش مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی بوکان را به عهده گرفتم تا سال 1368 در بوکان خدمت کردم آنگاه به قصد ادامه تحصیل به قم بازگشتم ولی پس از مدتی کوتاه در خرداد 1369 به مهاباد عزیمت کردم و به مدت 15 ماه در سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد به خدمت اشتغال داشتم پس از بازگشت مجدد به قم تا سال 1375 به تحصیل پرداختم. در طول مدت تحصیل سطح از محضربزرگانی چون مرحوم آیت الله شیخ محمد ابراهیم نجفی بروجردی، شیخ علی جواهری، شیخ رحمت الله صاحب الزمانی و شیخ غلامرضا مولانا در بروجرد و اکابری چون مرحوم وجدانی فخر، اعتمادی تبریزی، ستوده، کمره ای، نبوی و عالمی در قم بهره بردم و در خارج فقه و اصول از محضر آیات وحید خراسانی، مکارم شیرازی ، سبحانی تبریزی و مروجی بروجردی و گنجی در حد وسع خویش بهره مند شدم. از سال 1375 به علل شخصی از شرکت در کلاس درس محروم شدم و مطالعات شخصی خود را در فقه و تاریخ ادامه دادم و نوشته های ناچیزی عرضه کردم. ترجمه را از سال

1360 و نوشتن را از سال 1371 آغاز کردم و در دو زمینه تقریر و تألیف چند کتاب نوشتم.

جمالی اردستانی، پیر فضل الله

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پیرفضل الله جمالی اردستانی مشهور به پیرجمالی از شاعران و مولفان و عارفان معروف قرن نهم و بنیانگذار طریقت صوفیانه پیرجمالیه می باشد که اوایل قرن نهم در اردستان متولد شد. و به تحصیل در علوم ادبی پرداخت و از آغاز به سرودن شعر و نگارش نثرهای ادبی علاقه مند شد. و به طریقت سهرورد بر روی آورد و نثر پیر مرتضی اردستانی سالها به سلوک مشغول شد و پس از سیاحت بسیار، طریقت پیرجمالیه را بنیان گذارد و کتب سیاسی را نگاشت که مهمترین آنها درباره تصرف مصباح الارواح و فتح الابواب و حقیقه الاداب و نیز دیوان اشعار وی می باشند. پیرجمالی در سال 879 (یا بنا به قولی در901)درگذشت.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامی گرایش : عرفان اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : پیرجمالی از کودکی اصول عرفان و علوم ادبی (شعر و نثر)را به خوبی آموخت. وی پس از سالها سلوک در طریقت سهروردیه طریقت پیرجمالیه را بنیان گذاشت. وی تا پیش از این نزد پیرمرتضی اردستانی به تحصیل و کسب مراتب معنوی مشغول بود و مدتی را نیز در ولایات مختلف به گردش پرداخته بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : پیرجمالی از آغاز تحصیل به سرودن شعرهایی می پرداخت و بعدها تخلص جمالی را برای خود برگزیداستادان و مربیان : نسب تعلیم و استادان پیرجمالی به شیخ شهاب الدین سهروردی می رسید. اما استاد بلافصل وی پیرمرتضی اردستانی بوده است.وقایع میانسالی : پیرجمالی بیشتر دوران عمر را به سلوک گذراند و درعین حال به تالیف کتب عرفای و سرودن اشعار و نثرهایی ادبی پرداخت چنانکه سال868 کتاب مصباح الارواح، در سال 872 کتاب فتح الابواب را نگاشت. و مدتی را به سیاحت پرداختزمان و علت فوت : وفات پیرجمالی در سال 879 اتفاق افتاد. اما برخی از جمله ادگار بلوشه ، اتحال معتقدند که وی در 901 ه.ق درگذشته است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پیرجمالی پیش از تاسیس طریقت پیرجمالیه به درجه ی عرفانی «پیر» (مرشد کامل) دست یافته بود.فعالیتهای آموزشی : پیروان پیرجمالی در مرکز و شرق ایران (بویژه هرات) پراکنده بودند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جمال الدین فضل الله جمالی اردستانی موسس طریقت صوفیانه پیرجمالیه به شمار می رود.شاگردان : پیروان پیرجمالی طریقتی صوفیانه بنام «پیرجمالیه»را

تشکیل می دادند. که در قرن نهم در خراسان و هرات رواج داشت.همفکران فرد : در زمینه شعر، غزل عارفانه پیرجمالی در حد اشعار بزرگانی چون قاسم انوار تبریزی، شاه داغی شیرازی و شمس مغربی بوده است.آرا و گرایشهای خاص : پیرجمالی با چند واسطه ، شاگرد شیخ شهاب الدین سهروردی بود و احتمالاً طریقتی که پدید آورد، تحت تاثیر طریقت سهروردیه می باشد.آثار : استقامت نامه ، بیان الحقایق فی امواد ، تنبیه الغافلین ،حقیقه الاداب[صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج4، ص 455] ، دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات ، رباعیات در شرح منظومه صفوت اهل اتحقیق اضل الدین کاشانی ، سیر المرسلین یا حقایق احوالی المصطفی ویژگی اثر : که مثنوی بزرگی است شامل هفت منظومه:1- مصباح الارواح (تالیف 868) 2- احکام المجبین، 3- نهایه الحکمه 4- بدایه المحبه 5- هدایه المعرفه 6- فتح الابواب (تالیف 873) 7- شرح الواصلین (تالیف 876).8 فتح الابواب ، فرصت نامه ، قدرت نامه ، کشف الارواح یا یوسف و زلیخا (در تفسیر سوره یوسف) ، کلیات ، کنزالدقایق و میزان الحقایق ، مدح الفقر ، مرآت الافراد ویژگی اثر : (مجموعه 49 رساله)16 مرآت الحبیب ، مشکوه المجین ، مصباح الارواح ،معلومات اسرار القلوب ، مفهومات انوار القلوب ، مکاتیب [نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج1، صص5-244 وج 2، ص 775 ] ویژگی اثر : کلیات پیرجمالی شامل چند رساله مرکب از نظم و نثر، مثنویات، ترجیحات، غزلیات و رباعیات. اما مصباح الارواح و فتح الابواب درباره رموز عرفانی و اصول طریقت عرفانی پیرجمالیه است. [صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج4، ص 455 ] رضا قلی خان هدایت وی را از نظر کثرت اشعار صوفیانه پس از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، پرکارترین شاعر صوفی دانسته است. و از کتابهای مشهور وی اشعاری را آورده است. [هدایت، تذکره ریاض العارفین، ص72 ]22 منظومه رو حالقدس ، منظومه شرحالکنوز و کشف الرموز (تالیف 864) ، منظومه محبوب الصدیقین ، منظومه مهر افروز و آفتاب ظلمت سوز ، منظومه مهر قلوب ، ناظر و منظور ، نصره نامه ، نور علی نور

منابع زندگینامه :رضا قلی خان هدایت، تذکره ریاض العارفین، به تصحیح مهر علی گرگانی، تهران: کتابفروشی بوذر جمهری، بی تا، ص 722صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج4، ص 4453نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج1، ص 235

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکِنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطنِ اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

جورابدوز، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد جورابدوز
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1362 بعد از گرفتن دیپلم وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه ابوالصدق آن روز مشغول به دروس حوزوی شدم مقدمات سیوطی و مغنی و منطق را در آن مدرسه به پایان رساندم و در همین ایام در دین تفسیر آیت الله جوادی آملی شرکت می‌کردم و این درس در مدت 9 سال ادامه داشت. اصول فقه و معالم را نزد استاد محمدی خراسانی و لمعه را نزد مرحوم استاد وجدانی و خاتمی و عندلیب شیرازی به اتمام رساندم.سپس در درس رسائل آیت الله اعتمادی شرکت کرم و در همین زمان مکاسب را نزد استاد دوزدوزانی خواندم و شرح منظومه را نزد استاد فاضل گلپایگانی خواندم و در درس اسفار آیت الله جوادی آملی شرکت کردم. کتاب کفایه الاصول را نزد آیت الله قدیری خواندم و بعد از اتمام 2 جلد کفایه در درس خارج آیت الله العظمی وحید خراسانی در فقه و اصول از سال 72 شرکت کردم که این درس خارج هنوز هم ادامه دارد. در سال 71 در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در رشته مدیریت دولتی در مقطع لیسانس را گذراندم و مقاله در زمینه مدیریت اسلامی نوشتم و مدتی در موسسه تحقیقی مهدویت شرکت کرم و مقاله‌ای در کلام در زمینه فرقه انحرافی بهائیت نوشتم و آن فرقه و عقاید آنها را مورد نقد و بررسی قرار دادم.

حداد، هاشم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جناب حاج سید هاشم موسوی حداد در سال 1318 ق. در کربلا چشم به جهان گشود.
پدرش سید قاسم و مادرش زنی از قبیله جنابی های کربلا به نام هدیه می باشد.
جدش سید حسن از شیعیان هند بوده و به کربلا مهاجرت کرده است. در آنجا به سقایی مشغول و به حیا و پاکدامنی زبانزد بوده است.
از حکایتهای عبرت آموزجد ایشان آنکه:
اعراب غیرتمند اطراف کربلا بعضی اوقات زنان خود را به همراه آقا سید حسن به کربلا می فرستادند تا لوازم مورد نیاز را تهیه کنند.
در تمام راه تا شهر کربلا حتی یک بار هم بی اختیار نگاه سید حسن به آنها نمی افتاد و این نشان از شدت احتیاط و توجه وی داشت. ایشان در کربلا خانه ایی را سقایی می کرد به قدری در هنگام آب رسانی خویشتن دار بود که از وقت داخل شدن به منزل تا خارج شدن سرش را به طرف دیوار بر میگرداند تا زنی را نبیند خواه در آن منزل کسی باشد یا نباشد.
عارف فرزانه حاج سید هاشم پس از رشد و شکوفایی، در همان کربلا مشغول تحصیل شد. درسهای طلبگی را تا سیوطی خواند. سپس راهی دیار مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علیه السلام شد. ؛ تا علاوه بر تحصیل، از محضر عارف کامل و بی بدیل، میرزا علی قاضی طباطبائی تبریزی، استفاده و همچنین در مدرسه هندی نجف خدمت کند.
حاج سید هاشم حداد، زندگیش با فقر و سختی می گذشت.
حدود دوازده سال در منزل پدر زن خود زندگی می کرد. چنان زندگی زاهدانه داشت که می گوید ما زیرانداز و روانداز نداشتیم و در سرما برای گرم نگهداشتن خود، نیمی از زیلوی کف پوش اتاق را به روی خود می انداختیم. ایشان با جدیت مشغول کار بود؛ ولی مراجعه فقیران و نسیه دادن به مشتریها که گاهی بر نمی گرداندند و نصف کردن در آمد با شاگرد خود، چیزی برای وی باقی نمی گذاشت.
حال ایشان به گونه ای بود که نمی توانست بر خلاف این رویه عمل کند؛ چرا که استفاده از محضر استاد عارف علامه قاضی چنین اجازه ای به ایشان برای جمع مال و رد فقیر و نسیه ندادن به ایشان نمی داد. ایشان به نیازمندی که می رسید، دست در جیب می کرد و بدون شمارش پول

می داد و گاهی هر چه داشت به آن مستمند می داد.
از خدمت کردن به دوستان بسیار خوشحال می شد و از هیچ کاری چه تهیه کردن غذا، شستن ظرف ها و جارو کردن اتاق فروگذار نمی کرد. در هدیه دادن دست بازی داشت و به دوستان هر چه بود می داد. سجاده، تسبیح، انشگتر. به طور معمول از فروشندگان فقیری که کنار صحن می نشستند، خرید می نمود و همیشه از عطر استفاده و اغلب در اتاقش عود روشن می نمود. غذایش نان با کمی سبزیجات بود.
عارف کبیر و موحد بی نظیر جناب سید هاشم حداد به بیماری مبتلا شد و نزدیکان هر چه تلاش کردند سودی نکرد خود آقا می فرمود: حال من خوب است شما چرا اینقدر خود را به زحمت می اندازید. ولی نزدیکان تحمل نداشتند. ایشان را در بیمارستان کربلا بستری کرده تحت معالجه طبیب مخصوص خودشان، سید محمد شروقی قرار گرفت. روز دوازدهم رمضان حدود سه ساعت به غروب آقا می فرماید: مرا مرخص کنید! سادات در منزل، منتظرم می باشند.
دکتر می گوید: امکان ندارد.
آقا می گوید: تو را به جده ام فاطمه زهرا علیها السلام قسمت می دهم! بگذار بروم؛ سادات منتظر هستند و من تا یک ساعت دیگر از دنیا می روم.
دکتر با شنیدن قسم، او را مرخص می نماید. ایشان به منزل می آیند. جمعی آنجا بودند و در مورد آیه «انا سنلقی علیک قولا ثقیلا» از آقا می پرسند. وی می فرماید: جبرئیل در برابر عظمت رسول الله ثقلی ندارد تا از آن تعبیر به قول ثقیل گردد. مراد از قول ثقیل، اوست.
«لا هو الا هو».
بعد درخواست حنا میکند و به رسم دامادها حنا می بندد و می گوید اتاق را خلوت کنید و رو به قبله می خوابد.
لحظاتی می گذرد و اطرافیان وارد اتاق می شوند می بینند ایشان جان به جان آفرین تسلیم کرده است. دکتر بر طبق گفته آقا، در همان ساعت به منزل ایشان آمد ودید حاج سید رو به قبله خوابیده است. گوشی را بر قلب او گذارده، می بیند قلب از کار افتاده است. گوشی را به گوشه ای پرت کرد و های های شروع به گریه می نماید.
آقا را شبانه غسل و کفن کردند، جمعیت انبوهی غیر منتظرانه و نشناخته برای تشییع از کربلا و اطراف با چراغهای زنبوری آمدند. ایشان را پس از طواف در حرم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و حضرت اباالفضل العباس علیه السلام، در وادی الصفای کربلا در مقبره شخصی که برای ایشان تهیه شده بود، به خاک سپردند.
این عبد صالح خدا بعد از 86 سال زندگی در این دنیا وظیفه انسانیت و عهد الهی را به انجام رساند و با کوله باری از بندگی و یگانه پرستی در

دوازدهم ماه مبارک رمضان سال 1404 ق. به سوی معشوق رهسپار گردید.

حسن زاده آملی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حجه‌الاسلام والعلم الاعلام آقا شیخ حسن حسن زاده آملی متولد 1307 شمسی از افاضل ممتاز حوزه علمیه صاحب تقویم رسمی و تألیفات ارزنده است. تولدش در آمل واقع شده و در مهد علم و تقوا تربیت یافته و دروس مقدماتی را تا متوسطه خوانده و بدروس علمیه عربی پرداخته و سپس بتهران عزیمت نموده و از اساتید بزرگ تهران چون مرحوم آیه‌الله آملی و آیه‌الله شعرانی و آیه‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی و آیه‌الله حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و دیگران در رشته‌های علوم عقلی و نقلی استفاده نموده آنگاه بقم مهاجرت و رحل اقامت افکنده و از محضر آیات عظام حوزه علمیه چون آیه‌الله آملی حاج میرزا هاشم و دیگران بهره‌مند گردیده و در مدرسه علمیه سعادت بتدریس فقه و اصول اشتغال دارد.
دارای تألیفات عدیده‌ای مانند تقویم حسن زاده و 5 جلد شرح نهج‌البلاغه مرحوم میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی از جلد 15 تا جلد 19 میباشد. و کتابی در ولایت و غیره دارند که 15 مجلد آن بطبع رسیده و بقیه آماده برای طبع میباشد.
مرحوم آیه‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تقریظ مفصلی برای شرح ایشان مرقوم که در اول جلد 15 شرح نهج‌البلاغه خوئی مذکور میباشد و در آخر جلد 14 شرح مزبور درباره‌ی معظم له چنین نوشته‌اند:
(ثم ان حضره الفاضل الادیب العالم الاریب الجامع بین العلوم العقلیه والنقلیه والحائز للملکه العلمیه والعملیه الشیخ المؤتمن الشیخ حسن الاملی ضاعف‌الله قدره و اجزل اجر له تصدی لشرح باقی کتاب نهج‌البلاغه و هوالحری به والمتوقع منه و هو کما قال بعض الانصار کما قیل عذیقها المرجب و جذیلها المحکل فقد جربته سنوات عند قرائه مختلف العلوم علی حاز الرتبه القصوی و فاز بالقدح المعلی و نرجو من‌الله له التوفیق و لنا.
العبد ابوالحسن الشعرانی
تألیفات و تصحیحات
آثار عرفانی و اخلاقی
لقاء الله
وحدت از دیدگاه عارف و حکیم
انه الحق
ولایت تکوینی

عرفان و حکمت متعالیه
الهی نامه متن الهی نامه
انسان در عرف عرفان
کلمه علیا در توقیفیت اسماء
اصول و امّهات حکمی و عرفانی
تصحیح رساله مکاتبات
تصحیح و تعلیق تمهید القواعد
تصحیح . تعلیق شرح فصوص قیصری
تصحیح و تحشیه رساله تحفة الملوک فی السیر و السلوک
مفاتیح المخازن
شرح فصوص الحکم
مشکاة القدس علی مصباح الأنس
شرح طایفه ای از اشعار و غزلیات حافظ
نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور
باب رحمت
نامه ها برنامه ها
قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند
آثار فلسفی و منطقی
اتحاد عاقل به معقول
نصوص الحکم بر فصوص الحکم
رساله جعل
صد کلمه
تصحیح اسفار اربعه
تصحیح و تعلیق کتاب نفس شفاء
رساله ای در تضاد
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله ای در حرکت جوهری
ممدّ الهِمَم فی شرح فصوص الحِکَم
رساله نَفس الأمر
نهج الولایه
درر القلائد علی غررِ الفَرائد
النور المتَجَلّی فی الظّهور الظِّلّی
مفاتیح الاَسرار لسلّاک الأسفار
سرح العیون فی شرح العیون
گشتی در حرکت
الحجج البالغة علی تجرد النفس الناطقة

گنجینه گوهر روان
رساله ای در اثبات عالم مثال
رساله مُثُل
تصحیح و تعلیق شرح اشارات
ترجمه و شرح سه نمط آخر اشارات
تصحیح و تعلیق شفا
ترجمه و تعلیقِ الجمع بین الرَّأیَین
رساله اعتقادات
الأصول الحکمیّة
رساله رؤیا
من کیستم
رسالة فی التضاد
دروس معرفت نفس
نثر الدراری علی نظم اللئالی
آثار فقهی
رساله ای در مسائل متفرقه فقهی
تعلیقات علی العروة الوثقی فی الفقه
وجیزه ای در مناسک حج
آثار تفسیری
تصحیح خلاصة المنهج
انسان و قرآن
آثار کلامی
خیر الأثر در رد جبر و قدر
تقدیم و تصحیح و تعلیق رساله قضا و قدر محمد دهدار
لیلةالقدر و فاطمه علیها السلام
رسالة فی الإمامة
رساله ای در کسب کلامی
فصل الخطاب فی عدم تحریف کتاب ربّ الأرباب
رسالة حول الرؤیا
آثار روایی
تصحیح نهج البلاغه
تصحیح سه کتاب (ابی الجعد ، نثر اللئالی ، طب الأئمّة)
تکملة منهاج البراعة
مصادر و مآاخذ نهج البلاغه
انسان کامل از دیدگاه نهج الیلاغه
شرح چهل حدیث در معرفت نفس

رساله ای در اربعین
آثار ریاضی و هیوی
دروس معرفة الوقت و القبلة
رساله کلّ فی فلک یسبحون
رساله ای در تناهی ابعاد
تصحیح کتاب الإستیعاب فی صنعة الأصطرلاب للبیرونی
تعیین سمت قبله مدینه
الصحیفة العسجدیّة فی آلاتٍ رصدیّة
الکوکب الدرّی فی مطلع التّاریخ الهجری
رساله سی فصل
تعلیق تحفة الأجِلّة فی معرفة القبلة
رساله قطب نما و قبله نما
تعلیقه بر رساله مولا مظفر
رساله میل کلّی
رساله ظِلّ
رساله تکسیر دایره
تصحیح کتاب المناظر فی کیفیّة الابصار
رساله ای در اختلاف منظر و انکسار نور
رسالة فی تعیین البُعد بین المرکزین و الأوج
رسالة فی الصّبح و الشّفق
رساله ای پیرامون فنون ریاضی
رساله ای در مطالب ریاضی
دروس هیأت و دیگر رشته های ریاضی
تصحیح و تعلیق شرح جغمینی
تصحیح و تعلیق تحریر اصول اقلیدس
تصحیح و تعلیق اُکَرِ مانالاؤس
تصحیح و تعلیق تحریر اُکَرِ ثاوذوسیوس
شرح زیج بهادری
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بر زیج الغ بیک
تصحیح و تعلیق شرح بیرجندی بربیست باب
تصحیح و تعلیق تحریر مجسطی
استخراج جداول تقویم
تصحیح و تعلیق الدّرّ المَکنون و الجوهر المَصون
دروس معرفت اوفاق
شرح قصیده کُنوز الأسماء آثار ادبی
تقدیم و تصحیح و تعلیق نصاب الصِّبیان

تصحیح کلیله و دمنه
تصحیح و اعراب اصول کافی
دیوان اشعار
قصیده یَنبوع الحیاة
مصادر اشعار دیوان منصوب به امیر المؤمنین
تعلیقه بر باب توحید حدیقة الحقیقة
تصحیح گلستان سعدی
تعلیقه بر قسمت معانی مطوَّل
امثال طبری
آثار متفرقه
تقدیم و تصحیح و تعلیق خزائن
هزار و یک نکته
هزار و یک کلمه
مجموعه مقالات
ده رساله فارسی
کشیکل
مصاحبات مناجات علامه حسن زاده
- الهی، تا تو لبیک نگویی من کجا الهی گویم؟
- الهی، همه گویند: بده و حسن گوید: بگیر
- الهی، همه از تو دوا خواهند و حسن از تو درد
- الهی، همه، حیوانات را در کوه و جنگل می بینند و حسن در شهر و ده
- الهی، عمری آه در بساط نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم
- الهی، شکرت که دنیایم آخرتم شد
- الهی، من در ذات خود متحیرم چه رسد به ذات تو
- الهی، شیدایی جانان را با حور و غلامان چه کار
- الهی، روزم را چون شبم روحانی بگردان و شبم را چون روز نورانی
- الهی، در جوانی شکستم که پیری، خود شکستگی است
- الهی، آن که تو را دوست دارد، چگونه با خلق ات مهربان نیست؟
- الهی، اگر من بنده تو نیستم، تو که مولای من هستی!
- الهی، گرگ و پلنگ را می توان رام کرد با نفس سرکش چه کنم؟
- الهی، اگر ستارالعیوب نبودی، ما از رسوایی چه می کردیم؟!
- الهی، قربان لب و دهانم بروم که به ذکر تو گویایند

توصیه‌هایی از علامه حسن‌زاده آملی
دهان روح و تن
انسان دو دهان دارد: یکی گوش که دهان روح او است و دیگر دهان که

دهان تن او است. این دو دهان خیلی محترم‌اند. انسان باید خیلی مواظب آن‌ها باشد. یعنی باید صادرات و واردات این دهنها را خیلی مراقب باشد. آن‌هایی‌که هرزه خوراک می‌شوند، هرزه کار می‌گردند. کسانی که هرزه شنو می‌شوند، هرزه گو می‌گردند. وقتی واردات انسان هرزه شد، صادرات او هم هرزه و پلید و کثیف می‌شود. یعنی قلم او هرزه و نوشته‌هایش زهرآگین خواهد داشت. حضرت وصی، امیرالمؤمنین، علیه السلام فرمود: عمل نبات است و هیچ نبات از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها گوناگون‌اند. هر آبی که پاک است، آن نبات هم پاک و میوه‌اش شیرین خواهد بود; و هر آبی که پلید است، آن نبات هم پلید و میوه او تلخ است.* خود عمل، حاکی است که از چه آبی روییده شده است. وقت اندک و کار بسیار
بدان که باید تخم و ریشه سعادت را در این نشأ، در مزرعه دلت‌بکاری و غرس کنی. این‌جا را دریاب، این‌جا جای تجارت و کسب و کار است; و وقت هم خیلی کم است. وقت‌خیلی کم است و ابد در پیش داریم. این جمله را از امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کنم، فرمود: «ردوهم ورود الهیم العطاش» ; یعنی شتران تشنه را می‌بینید که وقتی چشمشان به نهر آب افتاد چگونه می‌کوشند و می‌شتابند و از یکدیگر سبقت می‌گیرند که خودشان را به نهر آب برسانند، شما هم با قرآن و عترت پیغمبر و جوامع روایی که گنج‌های رحمان‌اند این چنین باشید. بیایید به سوی این منبع آب حیات که قرآن و عترت است. وقت‌خیلی کم است و ما خیلی کار داریم. امروز و فردا نکنید. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر پرده برداشته شود و شما آن سوی را ببینید، خواهید دید اکثر مردم به علت تسویف، به کیفر اعمال بد این‌جای خودشان مبتلا شده‌اند .» تسویف یعنی سوف سوف کردن، یعنی امروز و فردا کردن، بهار و تابستان کردن، امسال و سال دیگر کردن. وقت نیست، و باید به جد بکوشیم تا خودمان را درست‌بسازیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

حسین زاده، علی محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد حسین زاده
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
آبادان، جایی بود که در سال 1359 دیپلم گرفتم، عشق فراگیری به معارف دین من را به کیلومترها آن طرف‌تر، به قم کشاند. در ابتدا در مدرسه رسالت مشغول به تحصیل شدم، اما چند ماهی از شروع درس نگذشته بود که آژیر جنگ نواخته شد. وظیفه و تکلیف شرعی خود دیدم که به جبهه بروم، حدود سه سال پی‌در پی در منطقه جنگی حضور داشتم.در سال 1362 مجدد به قم بازگشتم مقدمات را در مدرسه رضویه و دوره سطح را در نزد اساتید بزرگواری همچون هادوی، آل‌غفور، استادی، طاهری خرم آبادی، شب‌زنده‌دار، پایانی، اعتمادی، گنجی و غیره گذراندم و از حضور آنان حداکثر استفاده را بردم.بعد از آن یک دوره خارج اصول و برخی از مباحث فقهی را در نزد آیت الله سبحانی دام عزه فراگرفتم در ضمن در درس خارج فقه و تفسیر آیت الله جوادی آملی دام عزه شرکت داشتم و بهره‌های فراوان از آن بردم.در سال 1376 به دوره تخصصی کلام رفتم و در سال 1380 با نمره عالی فارغ التحصیل شدم و پایان‌نامه سطح چهار را به نام «رابطه فقه و کلام» دفاع کردم فعالیت پژوهشی خود را از سال 1369 آغاز کردم و در مراکز متعددی همچون مرکز تحقیقات جامعه مدرسین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مرکز مدیریت خواهران و موسسه امام صادق(ع) بوده‌ام. آثاری از آنها به چاپ رسیده است. از سال 1374 تاکنون در دانشگاه‌های مختلف به عنوان استادیار گروه معارف اسلامی و در حوزه‌های علمیه مختلف تدریس نموده‌ام.

حسین نژاد خاکی، یوسف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسف حسین نژاد خاکی
محل تولد : ---
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
وضعیت تحصیلات کلاسیک : دوران ابتدایی و راهنمایی تا اوّل دبیرستان را قبل از ورود به حوزه علمیّه طی کردم . از سال 1367 در کنار سال دوم حوزه به تحصیلات متوسطه نیز مشغول شدم و سال 1370 در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم . دوران دوم تا چهارم دبیرستان را درشهر مقدّس قم به صورت متفرقه گذراندم . در سال 1380 با مدرک کارشناسی حوزه وارد دانشگاه تربیت مدرس قم شدم و تا دی ماه 1384 پایان نامه را نیز در موضوع رابطه عرفان ، اخلاق و توسعه به اتمام رساندم و انشاء الله به زودی از آن دفاع می کنم .وضعیت تحصیلات حوزوی : در سال 1366 در امتحان ورودی حوزه علمیّه قم قبول شدم . از سال 66 تا 75 ده سال دروس سطح را گذراندم . از ابتدا در مدرسه رضویه حجره داشتم ؛ در دوران سطح نزد اساتیدی مانند زیبایی نژاد ، صفایی بوشهری ، فاضل ، علیدوست ، اسحاق نیا ، مغیثه ، محمدی خراسانی ، اشتهاردی و .... شاگردی کردم . از سال 1375 تا سال 1382 در درس خارج آقایان عظام حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی و آیت الله سبحانی و حجت الاسلام و المسلمین سیّد محمّد مهدی میرباقری شرکت کردم .تحصیلات و تخصص های تجربی : از سال 1371 تا کنون در دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم ، به صورت هم عرض سه کار تدوین ، اجرایی و آموزشی انجام داده ام . ضمن یادگیری تدوین اولیه جزوات (پیاده کردن نوار، ویرایش علمی ، فهرست زدن و ...) به تدوین چند مقاله و کتاب پرداخته ام . در کار آموزشی از سال 71 تا 76 دوره عمومی (معادل کارشناسی) و دوره عالی (معادل کارشناسی ارشد) مباحث آموزشی فرهنگستان را گذرانده ام . در کار اجرایی چند سال سابقه مسوولیت آموزشی این مرکز را دارم . ضمنا در آموزش فرهنگستان از سال 77 تا کنون سابقه تدریس نیز دارم و به

آمورش تدوین نیز پرداخته ام و جزواتی نیز در زمینه آموزش و ویرایش ، فهرست و روش پیاده کردن نوار دارم .شرکت در همایش ها و جلسات علمی : به لطف خداوند حدود 2 سال است که پس از بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مانند دانشگاه صنعتی اصفهان , دانشگاه امام حسین (ع) تهران و ... به عنوان سخنرانی علمی و یا به عنوان استاد معین کمیسون های علمی از طرف دفتر بسیج دانشجویی تهران یا دفتر جنبش نرم افزاری دفتر تبلیغات دعوت می شود .

حسینی اسحاق نیا، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رضا حسینی اسحاق نیا
محل تولد : تربت حیدریه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1
زندگینامه علمی
سیّد رضا حسینی اسحق نیا در اوائل سال 1342 ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشوده و اولین جرقه های علاقه به دین را پدرم مرحوم حاج سیّد محمود اسحق نیا که عمری را به نیکنامی سپری نمود و «عاش سعیدا و مات سعیدا» با تربیت عملی خود ضمیر صاف کودکانه من را روشن نمود. پدر بزرگ اینجانب مرحوم حاج سیّد احمد فرزند حاج سیّد اسحق از دوستان صمیمی مرحوم حاج آخوند ملا عباس تربتی بوده است چنان که در کتاب فضیلت های فراموش شده به قلم فرزند برومند وی که خود نیز ستاره ای است که از این شهر در آسمان علم و معرفت درخشیده یعنی خطیب دانشمند مرحوم حاج شیخ حسن علی راشد، به آن اشاره شده است و به شهادت اشخاص با اطلاع و مورد وثوق از معدود کسانی بوده که مرحوم حاج آخوند در منازل ایشان غذا تناول می نموده است.
از سن شش سالگی به مدّت دو سال در مکتب آقای حاج معلم، قرآن و دروس متداوّل در مکتب خانه های قدیمی را فرا گرفته و سپس تحصیلات جدید را از کلاس سوم آغاز نموده و مقطع ابتدایی را در دبستان بیهقی و دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی علی تمدن و دوران دبیرستان را در دبیرستان رازی شهرستان گذارندم. تقریباً همزمان با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی فرا گیری علوم حوزوی را در کنار دروس دبیرستان حدود بیش از 2 سال در مدارس علمیّه مرحوم هراتی و مرحوم فولاد شروع نموده و سپس بعد از اخذ مدرک دیپلم در سال 1360 هجری شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه مقدسه علمیّه قم هجرت نمودم.
و بنا به گفته پیر هرات خواجه عبد الله انصاری که «الهی دود از آتش چنان نشان ندهد و خاک از باد که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد» چون هر کس که دارای چیزی شده است آن را از استاد کسب نموده است، لذا از این فرصت استفاده نموده و به ذکر اساتید بزرگوار که از خرمن پر فیض

آنها به فراخور استعداد و قابلیت خویش خوشه چینی نموده ام پرداخته و از این راه سپاس فراوان خود را نثار ساحت مقدس ایشان می نمایم.
مقدمات حوزوی از قبیل ادبیات عرب و منطق و بلاغت و مقداری از سطح را در تربت در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج شیخ احمد معلم و حاج آقا سعیدی، حاج سیّد علی آقا ربانی آموخته و بیشترین استفاده را از حوزه درس جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا رحمانی نمودم که تلاش جدی و مستمر و شور و نشاط ایشان در طریق تعلیم به طلاب اعجاب آور و تحسین برانگیز می باشد. در اواخر مدّت تحصیل در تربت حیدریه علم کلام و مقداری از فلسفه را خدمت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ صدر الدین ربانی با وجود کسالتی که داشتند قرائت نمودم و از آن زمان تا کنون سخت تحت تاثیر معنویت آن مرحوم قرار دارم. وی به خاطر کسالت های متعدد و شدیدی که اواخر حیات پر برکت خود داشت و هم چنین ابتلائات گوناگون به حق، مصداق «البلاء للولاء کاللهب للذهب» بود یعنی:
پس از عزیمت به حوزه علمیّه قم ، بقیه دوره سطح و سطح عالی را در محضر اساتیدی چون حجج اسلام آقایان حاج سیّد احمد طباطبایی تربتی و حاج آقا قاضی زاده تربتی و حاج شیخ مصطفی اعتمادی تبریزی سپری نموده و حدود ده سال در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام: فاضل لنکرانی و حاج شیخ جواد تبریزی و وحید خراسانی شرکت نمودم. در کنار فراگیری دروس عمومی حوزه در دروس تخصصی فلسفه و عرفان به مدّت هیجده سال حضور پیدا کرده و گر چه در محضر اساتید بزرگ در این رشته مانند آیت الله حسن زاده آملی مقداری تلمّذ نموده ام و لیکن عمده استفاده من در فن مزبور از محضر آیت الله انصاری شیرازی بوده است تقریباً از همان شروع به تحصیل علوم دینیه، در جنب آن به تعلیم طلاب نیز اشتغال داشته ام و اینک هم به تدریس معقول و منقول درسطح عالی در حوزه علمیّه قم مشغول می باشم. در کنار تحصیل و تدریس احیاناً به کار تألیف نیز پرداخته ام و آنچه تاکنون به زیور طبع آراسته شده دوره علم منطق تحت عنوان منطقیات در چهار مجلد است که شرح مبسوطی بر یکی از متون قدیمی در این رشته می باشد.آنچه در این سطور به رشته تحریر در آمده شمه ای از بحار بیکران الطاف و توفیقات خداوندی است که به این بنده نا چیز ارزانی فرموده است. از سال 78 تا کنون علاوه بر تدریس درحوزه مبارکه قم هفته ای یک روز در تهران مقطع کارشناسی ارشد رشته عرفان به تدریس اشتغال دارم و نیز مسوولیت علمی مقالات بخش فلسفه و کلام دایره المعارف قرآن کریم را عهده دار می باشم. ضمنا گواهی علمی سطح چهار حوزه را دارم.

حسینی تهرانی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1305.
درگذشت: 1374.
از آثار اوست: امام شناسی: بحثهای تفسیری، فلسفی، روانی (تهران، 1362)؛ ترجمه رساله بدیعه در تفسر آیه الرجال قوامون علی النساء (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، 1363)؛ داستان‌های عبرت‌انگیز (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین، قم، 1373)؛ رساله بدیعه فی تفسیر آیه‌ی الرجال قوامون علی النساء (تهران، 1366 ،1360)؛ رساله حول مسئله رویه الهلال، موسوعه علمیه‌ی فقهیه فی لزوم اشتراک... (1371)؛ مقدمه و شرح رساله سیر و سلوک (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی، تهران، 1372)؛ روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد (تهران، 1373)؛ مقدمه و تذییل هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی، مشهد، 1374)؛ رساله نوین درباره‌ی بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیه‌ی ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الذین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران، 1364)؛ رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین (تهران، 1373)؛ رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب (تهران، 1366)؛ مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمدحسین اصفهانی... (تهران، 1373)؛ معادشناسی (تهران، 1361)؛ لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سیدالشهداء ابی‌عبدالله الحسین (ع) (تهران، 1371)؛ ولایت فقیه در حکومت اسلامی (از منشات محمدحسین حسینی تهرانی، تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمدحسین راجی، تهران، 1373)، نور ملکوت قرآن (مشهد، 1368)؛ نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش (تهران، 1374)؛ مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمدحسین طاطبایی تبریزی (تهران، 1375).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

حسینی شیرازی، صادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی روز 20 ذی حجه 1360ق در کربلای معلا دیده به جهان گشود.
وی دروس دینی و حوزوی را از بزرگان علما و مراجع در حوزه ی علمیه فرا گرفت وبه درجات عالی اجتهاد نائل شد.
عالمان اسلامی ایشان را فقیهی جامع، اصولیِ مبرز وآشنا به علوم معقول ومنقول می شناسند و به پرهیزکاری و زهد و ورع و فضایل اخلاقی ایشان اعتراف دارند.
ایشان در بیت مجدد شیرازی رحمة الله علیه که خاندان علم وفضیلت و پرهیزکاری واجتهاد است رشد یافت.
نگارش آثار متعدد و گوناگون برای سطوح مختلف مردم از خصوصیات ایشان می باشد که در ادامه فهرست آنها خواهد آمد. ایشان همچنین برای فقها و مجتهدان درس ها و مباحثی را در فقه و اصول با استدلال علمی و دقیق و با روشی متین و زیبا و علمی به رشته تحریر در آورده اند.
بیش از 30 سال است که در بحث خارج فقه و اصول ایشان جمعی از علما و دانشمندان و فضلا حاضر می شوند و برخی از مدرسان خارج در حوزه علمیه قم و سوریه وشماری از مبلغان نقاط مختلف دنیا از شاگردان این عالم فرزانه می باشند.

خاندان آیت الله العظمی شیرازی
آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی از فرزندان زید بن علی بن الحسین بن علی امیرالمؤمنین سلام الله علیهم است و در خاندانی پرورش یافته که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در فقاهت ومرجعیت معروف وشاخص بوده اند. در زیر به نام برخی از این اختران تابناک اشاره می نماییم:
1. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید محمد حسن شیرازی قدس سره معروف به مجدد شیرازی صاحب نهضت مشهور تنباکو در ایران (وفات وی در سال 1312ق می باشد)؛
2. بزرگ مرجع آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره رهبر انقلاب 1920م در عراق (وفات وی در سال 1338ق می باشد)؛
3. بزرگ مرجع آیت الله العظمی حاج سید علی شیرازی قدس سره فرزند

مجدد شیرازی از بزرگان ومراجع شیعه در نجف اشرف (وفات وی در سال 1355ق می باشد)؛
4. آیت الله العظمی آقا سید اسماعیل شیرازی قدس سره (وفات وی در سال 1305ق می باشد)؛
5. بزرگ مرجع حضرت آیت الله العظمی آقا سید عبدالهادی شیرازی (وفات وی در 11 صفر 1382ق می باشد)؛
6. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره (پدر ایشان) از بزرگان مراجع شیعه در کربلای معلا (وفات وی در 28 شعبان 1380ق می باشد)؛
7. بزرگ مرجع آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته (برادر معظم له) که در 2 شوال 1422ق به رحمت ایزدی پیوست؛
8. آیت الله شهید سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه (یکی دیگر از برادران معظم له) بنیانگذار حوزه علمیه در کنار حرم مطهر حضرت زینب کبری سلام الله علیها که در 6 جمادی الثانی 1400ق در بیروت با ترور ناجوانمردانه دژخیمان بعث عراق به شهادت رسید.

استادان

ایشان مراحل مختلف دروس علمی را زیر نظر بزرگان علما و مراجع در حوزه علمیه کربلا دنبال کردند و به درجات بالای اجتهاد دست یافتند. برخی از استادان ایشان عبارتند از:
1. پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره .
2. برادر بزرگوارشان حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره .
3. آیت الله العظمی آقا سید هادی میلانی قدس سره .
4. آیت الله العظمی آقا شیخ محمد رضا اصفهانی قدس سره .
5. آیت الله شیخ محمد شاهرودی قدس سره .
6. آیت الله حاج شیخ محمد صدقی مازندرانی قدس سره .
7. آیت الله حاج شیخ جعفر رشتی قدس سره .
8. آیت الله سید کاظم مدرسی قدس سره .

مؤسسات

از جمله اهتمامات خاص ایشان توجه به امر مؤسسات دینی، فرهنگی، خیریه و خدماتی است. صدها مؤسسه دینی وفرهنگی، مساجد، حسینیه ها، شبکه های تلویزیونی، شبکه های ماهواره ای، رادیو ، حوزه ها، زائرسرا، سایت های اینترنتی، مدارس، کتابخانه ها، مراکز انتشاراتی و درمانگاه ها تحت عنایات و ارشادات ایشان مشغول به فعالیت می باشند.

توجه به اخلاق وتهذیب
این بزرگ مرد علم و اخلاق نسبت به تربیت علمی و اخلاقیِ طلاب و فضلا اهمیت شایانی قائل است. دروس اخلاق ایشان که در کشورهای عراق، کویت و ایران ایراد شده است زبانزد همه علاقه مندان مکتب اخلاقی اسلام می باشد و از محضر مبارکش شمار فراوانی از فضلا و علما استفاده کرده اند. شایان ذکر است که درس های اخلاق ایشان به صورت جزوه و کتاب چندین مرحله به چاپ رسیده است. اخلاق اسلامی و نمونه ایشان زینت بخش شخصیت والای علمی معظم له می باشد وهر شخصی که با ایشان معاشرت داشته باشد خلق نیک و فضایل انسانی و خوشرویی معظم له، اولین چیزی است که توجه او را جلب خواهد کرد.
دوری از مظاهر دنیا در کنار تقوا و ورع، توکل بر خدا، تواضع فراوان در برابر مردم، اخلاق نیکو، احترام به کوچک و بزرگ، صبر، پایداری و ثبات قدم، تحمل مشکلات در راه اِعلای کلمه حق، نشر ومعرفی فرهنگ اهل بیت عصمت وطهارت سلام الله علیهم، دوستی برای خدا و در راه خدا، خدمت به مردم و مدارا با آنان و محاسبه نفس شعار این بزرگوار می باشد که خود، قبل از دیگران به این امور عمل می نماید.
تألیفات
ایشان تألیف وتصنیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز آن را دنبال می کند. همچنین در موضوعات وابواب مختلف فقهی، اصولی، اعتقادی، فرهنگی و تاریخی تألیفاتی دارند که در این جا به برخی از آثار ایشان اشاره می شود: ـ بیان الفقه:
در چند مجلد که جلد اول آن در باب اجتهاد و تقلید می باشد و 72 مسأله از کتاب اجتهاد و تقلید را شامل می شود و دارای 700 صفحه می باشد. این کتاب در لبنان به چاپ رسیده و از تألیفات آن مرجع بزرگوار در کربلای معلاست. ـ بیان الأصول «10جلد»:
6 جلد آن (مجلدات مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و استصحاب «قطع ظن» «تعادل و ترجیح») به چاپ رسیده است. این کتاب شامل مباحث علمی، دقیق، استدلالی و مفصل در علم اصول بوده، از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می باشد وتاکنون چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ـ توضیح شرائع الاسلام «4 جلد»:
شرح توضیحی بر کتاب شرائع الاسلام تألیف محقق حلی قدس سره شامل هزاران تعلیق و توضیح در ابواب مختلف فقهی نظیر عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا بوده و مورد توجه بسیار حوزه های علمیه ومجامع علمی ودانشگاهی قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و مرجعی مهم تعیین گردیده است. ـ شرح تبصرة المتعلمین «2جلد»:

شرحی بر کتاب تبصرة المتعلمین فی أحکام الدین مرحوم علامه حلی رحمة الله علیه بوده و ابواب مختلف فقه از طهارت تا دیات را مورد بررسی قرار می دهد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1382ق می باشد وتاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده و اولین بار در نجف اشرف در سال 1382ق به چاپ رسیده است. ـ شرح بر کتاب سیوطی «2جلد»:
شرح تعلیقی است بر کتاب البهجة المرضیة فی شرح الألفیة تألیف جلال الدین سیوطی. این کتاب از کتب علمی و درسیِ حوزه های علمیه و از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1386ق می باشد. در پی استقبال فراوان طلاب سطوح حوزه چندین بار تجدید چاپ شده است.
ـ شرح اللمعة الدمشقیة «10جلد»:
شرح تعلیقی جامع و کامل بر کتاب شرح اللمعـة الدمشقیة تألیف شهید ثانی قدس سره که از مهم ترین کتب درسی در حوزه علمیه می باشد و ان شاء الله به زودی چاپ خواهد شد. ـ موجز در منطق:
در این اثر اصول علم منطق به روشی آسان و روشن برای نوآموزان حوزه نوشته شده و در بعضی از حوزه ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال 1384ق می باشد. ●
کتاب های اعتقادی:
از جمله کتب مهم در دفاع از مذهب اهل بیت علیهم السلام می توان به مجموعه کتاب هایی اشاره کرد که این عالم ربانی ومرجع بزرگوار تحریر نموده است. ـ علی سلام الله علیه در قرآن «2 جلد»:
در این کتاب 711 آیه شریفه از قرآن کریم که در بیان فضیلت و عظمت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه ودر شأن ایشان نازل شده مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این فضایل برگرفته از مصادر و کتب معتبر عامه می باشد و بر اساس ترتیب سوره های قرآنی، از سوره حمد تا سوره اخلاص می باشد. جمع آوری و تدوین آن در کربلای معلا انجام شده است. ـ فاطمه زهرا سلام الله علیها در قرآن:
شامل آیاتی است که پیرامون حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده است. این کتاب بنابر مصادر و کتب عامه و در شهر مقدس قم در سال 1408ق تألیف شده است. تعداد صفحات این کتاب 360 صفحه می باشد وچندین بار تجدید چاپ شده است. ـ اهل البیت سلام الله علیهم در قرآن:
این کتاب نیز شامل آیاتی است که در شأن و مقام باعظمت اهل بیت علیهم السلام نازل شده و از مصادر و کتب معتبر عامه جمع آوری گردیده واز سوره فاتحه تا کوثر را شامل می شود و از تألیفات ایشان در کویت است و شامل 407 صفحه می باشد. ـ شیعه در قرآن:

موضوع این اثر آیات شریفه ای از قرآن کریم است که درباره شیعیان حضرت علی بن ابی طالب سلام الله علیهما نازل شده. در این کتاب تمامی شأن نزول ها، تأویل ها و تفسیرهای آیات از کتب و مصادر عامه آورده شده است. ـ حضرت مهدی سلام الله علیه در کتب اهل سنت:
این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات نبوی پیرامون حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و تمامی مصادر آن از کتاب های عامه می باشد. این اثر ارزشمند از تألیفات ایشان در کربلای معلاست و در 126 صفحه چندین بار چاپ شده که نخستین چاپ آن مربوط به سال 1400ق در مؤسسة الوفای لبنان می باشد. ـ حقائق عن الشیعة: (شیعه و اتهامات ناروا)
این کتاب در اثبات عقاید و رد برخی شبهاتی است که از طرف دشمنان مذهب مطرح شده و ایشان در این کتاب با بیانی روشن، زیبا و آسان به این شبهات پاسخ داده اند. کتاب مذکور از تألیفات آن بزرگوار در کربلای معلاست که در 80 صفحه چندین مرتبه به چاپ رسیده است. ● کتاب های فرهنگی:
در این بخش به معرفی آثار فکری و ارشادی معظم له می پردازیم: ـ قیاس در شریعت اسلامی:
این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن را در شریعت و دین اسلام مورد بحث وبررسی قرار می دهد و از تألیفات ایشان در شهر مقدس کربلاست. ـ منزلت نماز جماعت در اسلام:
این کتاب شامل مجموعه ای از احادیث شریفه در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن است و ایشان در سن جوانی در کویت تألیف کرده اند. ـ روزه:
فلسفه روزه و احکام آن که به صورتی ساده و روان در کربلا تألیف شده و در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ حج
شامل احکام و مسائل مربوط به حج به صورت ساده و روان که در کربلای معلا تألیف شده است.
ـ مقدماتی در اقتصاد اسلامی:
در این کتاب که در کویت و ایران به چاپ رسیده ویژگیهای مهم اقتصاد اسلامی بررسی شده و تفاوت آن با دیگر مکاتب اقتصادی به روشنی نمایان شده است. ـ اقتصاد و مشکل ربا:
بیانگر زیان های ربا در اقتصاد جهانی و راه حل آن می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی است که در کویت و ایران به چاپ رسیده است. ـ اسلام و سیاست: (السیاسة من واقع الإسلام)
در این کتاب دیدگاه اسلام درباره سیاست وسیره رسول خدا، امیرالمؤمنین وائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین در زمینه مسائل سیاسی شرح و

توضیح داده شده است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلاست و شامل 414 صفحه می باشد و ترجمه آن به نام اسلام و سیاست در ایران به رشته چاپ در آمده است. ـ شراب و جامعه:
زیان ها و مفاسد شراب در جامعه موضوع این کتاب است که ایشان در کربلای معلا در سن جوانی تألیف کرده اند و چندین بار در نجف و قم تجدید چاپ شده است. ـ زشتی های بی حجابی:
شامل بحثی درباره ضرورت حجاب و مفاسد بی حجابی می باشد که از تألیفات ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست. ـ داستان های آموزنده:
شامل مجموعه ای از داستان های آموزنده و از نوشته های ایشان در سن جوانی در کربلای معلاست که در نجف اشرف در سال 1378ق به چاپ رسیده است. ـ حدود در اسلام:
این کتاب درباره فلسفه حدود در اسلام و بیان شروط و احکام آن می باشد و از تألیفات ایشان در کربلای معلاست که در بیروت به چاپ رسیده است. ـ راهی به سوی بانک اسلامی:
این کتاب دیدگاه کاملی درباره بانکداری اسلامی ارائه می دهد و مسائل و اشکالات برطرف شدن قانون ربا را در نظام بانکی بررسی می نماید و مسائل و وظایف مهم بانک های اسلامی را با توجه به آخرین نظریات موجود در قانون اقتصاد جهانی روشن و بیان می کند. این اثر 104 صفحه دارد و در سال 1392ق در کربلای معلا تألیف شده و در سال 1972م در دارالصادق لبنان به چاپ رسیده است. • رجال و شخصیت ها
ـ مالک اشتر نخعی:
شرح حال شخصیت وسردار بزرگ اسلام مالک اشتر نخعی رضوان الله تعالی علیه است که در کربلا تألیف شده و در سال 1387ق در چاپخانه الغری الحدیثة در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ شهید اول:
شرح حال و بیان زندگی مختصری از شهید اول شیخ شمس الدین ابو عبد الله محمد بن جمال الدین مکی فرزند شمس الدین محمد مطلبی دمشقی عاملی جزینی همدانی است. این اثر از تألیفات ایشان در کربلای معلاست وضمن سلسله کتاب هایی تحت عنوان «بزرگان شیعه» می باشد که در نجف اشرف چاپ شده است. ـ شهید ثانی:
شرح حال مختصر شهید ثانی شیخ زین الدین علی بن احمد الجبل عاملی می باشد. این اثر از نوشته های آن بزرگ مرجع در کربلای معلا و جزء سلسله کتاب های «بزرگان شیعه» است که در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ـ پدر:
این کتاب شامل بخش های آموزنده ای از زندگی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید میرزا مهدی شیرازی قدس سره می باشد که به مناسبت چهلمین سالگرد رحلت آن مرجع عظیم به رشته تحریر درآمده است.

شایان ذکر است تعدادی از کتاب های یادشده به زبان های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کُردی، بنگالی، سواحلی، هندی و دیگر زبان ها ترجمه شده و به چاپ رسیده است.

اجازه مرحوم آیت الله العظمی سید محمد شیرازی قدس سره

متن اجازه اجتهاد و ارجاع از طرف مرحوم حضرت آیت الله العمظی حاج سید محمد حسینی شیرازی اعلی الله درجاته به حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله العالی در امور تقلید.

« ترجمه متن »

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السلام علی محمد و آله الطاهرین

اما بعد، همان گونه که از نزدیک مشاهده کردم، حضرت آیت الله حاج سید صادق شیرازی دامت تأییداته به مرتبه بالایی از مقام اجتهاد و همچنین مقام والایی از تقوا و عدالت رسیده است و ایشان را شایسته مقام فتوا و تقلید و هر آنچه یک فقیه عادل عهده دار می شود، می دانم.

بنابراین رجوع به ایشان در کلیه مسائل، مشروط به اجازه مرجع عادل وتقلید از ایشان جایز می باشد، و او را به تقوای بیشتر و احتیاط در کلیه احوال که راه نجات است توصیه می کنم، همان گونه که برادران ایمانی را سفارش می کنم تا به گِرد ایشان جمع شده، از وجودشان در کلیه زمینه ها استفاده کنند. خدای متعال توفیق دهنده وهدایتگر می باشد و تنها او یاری دهنده است. محمد الشیرازی

حسینی فر، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا حسینی فر
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1350/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 در خانواده ای مذهبی در شهرستان دزفول متولد شدم . پس از پایان جنگ و اخذ دیپلم ریاضی در سال 1368 در رشته مهندسی صنایع (تولید صنعتی) دانشگاه امیر کبیر تهران پذیرفته شدم . در کنار دروس دانشگاه از محضر برخی از علمای بزرگ تهران استفاده های فراوانی بردم .عشق و علاقه به معارف خاص اهل بیت موجب شد تا پس از تامل بسیار و مشورت با بزرگانی چون حضرات آیات بهجت ، بهاء الدینی ، مشکینی ، مصباح یزدی و بیش از همه راهنمایی های بسیارسودمند حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی ، دانشگاه و رشته مورد علاقه خود را ترک گویم و دروس حوزوی را بی وقفه و با جدیت تمام آغاز کنم .برای آشنایی بهتر با فضای حوزه و اطمینان بیشتر نسبت به تصمیمی که گرفته بودم ، بخش عمده ای از دروس مقدمات را در قم فرا گرفتم و سپس برای ادامه تحصیل به تهران بازگشتم و در مدرسه امین الدوله زیر نظر استاد اخلاق حضرت آیت الله حق شناس (حفظه الله) و نیز مدرسه مروی ، سایر دروس مقدمات و نیز سطح اول حوزه را به اتمام رساندم .
سپس برای ادامه تحصیل به قم مشرف شده و از دروس سطح حضرات آیات و حجج اسلام اعتمادی ، احمدی میانجی ، تهرانی ، محمدی خراسانی ، مروی و نیز دروس فلسفه حجج اسلام سروش محلاتی ، مرتضی جوادی آملی و حسن معلمی بهره بردم. همچنین از درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی بهره های فراوانی نصیبم شد .پس از اتمام سطوح عالیه ، از سال 1378 به بعد در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام تبریزی ، آقا موسی زنجانی ، و محقق داماد شرکت کردهام.در کنار دروس عادی حوزه ، همواره این دغدغه اساسی و جدی را داشته ام که از مباحث اخلاقی و معارف خاص اهل بیت ، همچنین از نیازها و ضرورت های کنونی جامعه ، بیگانه و غافل نباشم.

از سال 1379 ضمن همکاری با موسسه امام صادق علیه السلام در زمینه پاسخگویی به شبهات ، وارد عرصه تالیف شده و در این زمینه توفیقاتی نصیبم شد . همچنین از سال 1383 توفیقی دست داد تا ضمن تدریس در دانشگاه ، ارتباط بیشتر و بهتری با دوستان دانشجو برقرار کنم. از سال 1384 ،تدریس برخی از درس حو زوی از جمله - عقاید و فلسفه ـ را آ غاز کرده ام.

حسینی، فضل الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید فضل الله حسینی
محل تولد : نوشهر
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم. روز آغازین ورودم به حوزه مصادف با آغاز جنگ هشت ساله تحمیلی عراق علیه ایران به رهبری صدام و کمک آمریکا، اروپا،شوروی و هم پیمانانشان بود. پس از چهارماه تحصیل در حوزه علمیه قم به جبهه جنگ رفتم در طول هشت سال جنگ سعی کردم میان درس و جنگ جمع کنم که در طول جنگ بیش از دو سال و نیم در جبهه بودم و پنج سال و نیم درس خواندم مدتی در جبهه در واحد عقیدتی قرار گاه خاتم الانبیاء و دفتر سیاسی نمایندگی امام در نیروی زمینی سپاه کار فرهنگی و سیاسی کردم.

حق شناس، عبدالکریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم آیت الله میرزا عبدالکریم حق شناس(تهرانی) در سال 1338 ه.ق برابر با 1298 ه.ش در تهران در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود.
تحصیلات :
وی تحصیلات مقدماتی و ادبیات را در محضر آیت الله حاج شیخ محمدرضا تنکابنی فرا گرفت و عرفان را نیز از محضر آیت‌الله شاه‌آبادی تلمذ کرد. ظاهرا بخشی از معقول را نیز غیر از درس آیت‌الله شاه‌آبادی از محضر آیت‌الله میرزا مهدی آشتیانی مدرس بزرگ حکمت و فلسفه آموختند. زیرا روزی در بین سخنانشان فرمودند: «ایشان - میرزا مهدی آشتیانی - بخش وجود ذهنی را که می‌فرمودند با عباراتی بسیار مغلق و خراباتی بیان می‌کردند.» که دال بر استفاده ایشان از محضر آن حکیم بزرگ است، اما مدت این کسب فیض مشخص نیست. ایشان همچنین دروس فقه و اصول را در هجرتی که به سال 1358 ه.ق به قم داشتند از محضر بزرگانی چون آیت‌الله حجت و آیت‌الله خوانساری و آیت‌الله العظمی بروجردی فرا گرفتند. مدتی نیز از محضر فقه و اصول امام خمینی بهره‌مند شدند و البته مراوداتی در بحث اخلاق با امام راحل نیز داشتند.
وی اجازه اجتهاد خود را از بزرگانی چون آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محمد حجت، شیخ عبدالنبی عراقی و آیت‌الله شاه آبادی دریافت کرد. آیت‌الله حق شناس از شاگردان آیت‌الله سید علی حائری، میرزای تنکابنی و شیخ محمدحسین زاهد بود. وی از شاگردان درس عرفان آیت‌الله شاه آبادی و امام خمینی (ره) بود. آیت‌الله حق‌شناس افزون بر زبان عربی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی هم مسلط بود. هجرت به تهران :
در سال 1373 ه.ق که جناب حاج شیخ محمدحسین زاهد تهرانی معروف به زاهد نفت فروش که در مسجد امین‌الدوله واقع در بازار وفات کردند، بنا به درخواست اهل مسجد و محل، آیت‌الله بروجردی به آیت‌الله حق‌شناس دستور دادند تا برای حل مشکلات دینی و رسیدگی به امور شرعی آن مسجد، به تهران عزیمت کنند. در این زمینه ایشان خود می‌فرمایند: «مردم به قم آمدند و تقاضای کسی را فرمودند. مرحوم امام خمینی قدس سره که آن روز در محضر آقای بروجردی بودند و نسبتشان به حقیر چون پدری به فرزند بود به من فرمودند شما بروید و از آیت‌الله

بروجردی هم درخواست کردند که ایشان هم حکم کنند. ایشان هم حکم فرمودند. حس کنجکاوی و مقام گستاخی فرزند به پدر باعث شد که عرضه داشتم: آقا چرا خودتان تشریف نمی‌برید؟ حضرت امام فرمودند: مردم گفته‌اند عبدالکریم. (عین عبارت ایشان است) به جدّم اگر می‌گفتند روح‌الله من پیشقدم می‌شدم.» بالاخره ایشان به تهران آمدند و تا پایان عمر به تهذیب نفس جوانان و اهل علم و طلاب و کسبه مشغول بودند. ایشان مدتی نیز رئیس مدرسه فیلسوف‌الدوله و سپهسالار قدیم (شهید بهشتی فعلی) بودند و در آنجا به تدریس مکاسب و کفایه در فقه و اصول و منظومه سبزواری در حکمت همت داشتند. محمد شریف رازی در کتاب خود به نام گنجینه دانشمندان می‌فرمایند: «بعد از وفات آیت‌الله بروجردی مؤمنین مسجد مزبور که غالبا از مقدسین و اخیار تهرانند به قم آمدند و از آیت‌الله بروجردی تقاضا کردند ایشان را به جای آن مرحوم (شیخ زاهد تهرانی) برای امامت آن مسجد انتصاب و اعزام فرمایند. ایشان حسب‌الامر آیت‌اللهی به تهران عزیمت و تا حال حاضر در مسجد مزبور اقامه جماعت و هم به تدریس فقه و اصول و معقول در مدرسه سپهسالار قدیم و خدمات دینی دیگر اشتغال دارند و نزدیک چهل سال است که این نگارنده ایشان را می‌شناسم و حقا دارای مقام فضل و دانش و تقوا و پاکدامنی و بی‌آلایشی موصوف و در تربیت و تهذیب اخلاق جوانان محیط خود بسیار ساعی هستند تربیت یافتگان او در بازار و حوزه‌های علمی قم و تهران و مشهد بسیار هستند و از روز آشنایی تاکنون مکروهی از وی ندیده‌ام.»

هشیاری و آگاهی :

آیت‌الله حق‌شناس با وجود مشغله فراوان در امور شرعی و دروس حوزوی و تدریس کتب فنی از مسائل روز و سیاسی بی خبر نبودند و دقت خاصی داشتند. می‌فرمودند: «با شروع جنگ تحمیلی این شبهه برای من ایجاد شد که مبادا در جبهه به من نیاز باشد به خدمت امام راحل مشرف شدم آیت‌الله شهید صدوقی هم در مجلس حضور داشتند. من دو وجبی زعیم عالیقدر بودم گفتم: بنده مدرس حوزه و امام جماعت مسجد امین‌الدوله هستم. اگر چنانچه وظیفه طور دیگر است دستور می‌فرمایید به جبهه بروم. امام فرمودند: مگر تو می‌توانی تفنگ بلند کنی؟ گفتم: بنده یکبار تفنگ بلند کردم و گلنگدن را کشیدم و ماشه را چکاندم به جای این که من تفنگ را نگه دارم تفنگ مرا مسافتی عقب برد. امام تبسمی کردند و اظهار داشتند: جبهه تو همان مدرسه است و مسجد امین الدوله.»

یکی از شاگردان این عالم می‌گوید: «در آن سالی که حرم مطهر رضوی توسط منافقین کوردل مورد انفجار ناجوانمردانه قرار گرفت سراسیمه به مسجد امین‌الدوله رفتم زیرا از ارادت خاص و عنایت ویژه ایشان به امام

هشتم مطلع بودم و نگران آشفتگی روحی استاد حق شناس شدم. اما وقتی به آنجا رسیدم و چهره آرام آیت‌الله حق‌شناس را دیدم از نگرانی‌ام کمی کاسته شد. ایشان آرام فرمودند: مقام امام رضا علیه السلام چنان رفیع است که با این حرکت‌های مذبوحانه چیزی از شؤون ایشان کاسته نمی‌شود.» آثار استاد حق‌شناس :
آثار قلمی و عملی ایشان با وجود تربیت شاگردان بسیار، کم نیست، ولی چند اثر قلمی و علمی نیز از معظم له موجود است: - رساله‌ای در ارث زوجه . - تقریرات فقه مرحوم آیت‌الله حُجت . - تقریرات اصول آیت‌الله خوانساری . - تقریرات فقه و اصول آیت‌الله بروجردی . این عالم ربانی در نهایت، در سن 88 سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال 86 از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد. یادگاری از آیةالله عبدالکریم حقشناس(ره):

زیارت عاشورا، یادگاری از حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حق شناس(ره) سالهای اول طلبگیام بود، تازه با آیت الله حق شناس آشنا شده بودم . چه جلسات با صفایی بود . خانه محقر استاد در آن جمع قلیل چه صفایی داشت . تازه ایشان به محل ما آمده بودند و هنوز در محل شناخته شده نبودند و حتی شاگردان ایشان هم از محل جدید زندگی ایشان مطلع نبودند. ماه رمضان بود و به واسطه یکی از اساتیدمان که از شاگردان ایشان بود و بعدها مدیریت مدرسه امینالدوله را عهدهدار شد، خدمت معظم له شرفیاب میشدیم . حدود سیزده چهارده نفر بیشتر نبودیم. نماز را پشت سر آقا میخواندیم که جای شما خالی اما همه اینها آن چیزی نیست که میخواهم بگویم . آنچه میخواهم بگویم مهمترین یادگار زندگی من از درک محضر ایشان است که در این مختصر به اطلاع شما عزیزان میرسانم و آن در باب ختم زیارت عاشوراست . ایشان میفرمودند: شما چهل روز زیارت عاشورا بخوانید و در آن چهل روز مراقبت شدید نفس را عهدهدار باشید؛ هر حاجتی که از خدا بخواهید به شما داده میشود و اگر از خدا حاجتتان را نگرفتید، بیایید که من برای شما حاجتتان را از خدا میگیرم و من ضامن آن هستم .
در این مختصر نه در این حد و اندازه هستم که کلام استاد را شرح دهم و نه توانایی آن را دارم که چیزی به زبان بیاورم چرا که خیلی دلم گرفته و غمگینم . ذخیرههای الهی یکی پس از دیگری میروند. اما طریقه ختم زیارت عاشورا در چهل روز از زبان حضرت استاد آیت الله حقشناس به شرح زیر است: مقدمه زیارت باید به شرح زیر به جا آورده شود: 1- صد مرتبه تکبیر

. 2- لعن و سلام زیارت (اللهم العن اول ظالم ... ، السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی...) هر کدام یک مرتبه . 3- زیارت عاشور از اول تا ابتدای صد لعن یک مرتبه . 4- دو رکعت نماز هدیه به ابا عبدالله الحسین علیه السلام . 5 - صد مرتبه تکبیر . و پس از انجام مقدمه شروع به خواندن زیارت مینمایید به شرح زیر: 1- خواندن زیارت عاشورا از ابتدا تا انتها به همراه صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام . 2- دو رکعت نماز آخر زیارت عاشورا که این دو رکعت نماز جزء زیارت است . اما لازم است که نکات زیر در این اربعین حتما رعایت شود: 1- ایشان میفرمودند: در طول این چهل روز برای سلامتی حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداه صدقه بدهید. 2 - ایشان تاکید زیادی داشتند که در طول این چهل روز میبایست مراقبه اعمال صورت بگیرد. یعنی واجبات انجام گرفته و محرمات ترک گردد. گریههای آیت الله حقشناس وقتی از گناه صحبت میکردند و با لفظ زیبای «ببین داداش جون» جوانان را به دوری از گناه توصیه میکردند؛ همراه با این جمله بود که گناه باعث عدم استجابت دعاست . 3- ایشان میفرمودند: در طول چهل روز کسی جز اهل منزل از انجام زیارت عاشورا توسط شما مطلع نگردد. زیارت را مخفیانه بخوانید تا کسی مطلع نگردد و این سفارش استاد، نکاتی داشت که در این مختصر نمیگنجد . 4 - به یاد دارم که ایشان تاکید میکردند که مابین انجام زیارت عاشورا صحبتی صورت نگیرد. از آنجایی که انجام اعمال زیارت با اوصاف فوق حدود یک ساعت و نیم به طول میانجامد ایشان تاکید داشتند مابین زیارت صحبتی نشود البته ناگفته نماند که این مطلب را ایشان شرط صحت نمیدانستند لکن بر این مطلب تاکید میکردند و خاطرهای را نیز نقل میکردند که یادش بخیر ... . 5 - میفرمودند: بین طلوع و غروب آفتاب زمان انجام عمل است و تاکید میکردند روز چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود البته حجة الاسلام والمسلمین جاودان میفرمودند اگر چهارشنبه هم نشد اشکالی ندارد ولی چه بهتر است که چهارشنبه به عنوان یوم الشروع انتخاب شود. البته برای بانوان هم که در طول یک چلّه ممکن است دارای عذر شرعی باشند نیز دستور میدادند که باید برای ایام دارای عذر، نائب گرفته تا از جانب ایشان زیارت را ادامه دهد . جملات قصار از آیة الله حقشناس:

- شب زنده داری بر عمر و روزیتان میافزاید. - پیامبران و اوصیاء الهی برای این که طمعی به بیت المال نداشته باشند هر کدامشان مشغول کاری بودند. - عاقل بدون ایمان، شیطان است. - عمر شما در اثر خدمت به مردم زیاد میشود. - اگر خدا را میخواهی باید از خودیت خودت بگذری. - باید عمل به دستورات و اوامر معصومین سلام الله علیهم کرد، نه این که ما بتوانیم مثل آنها بشویم. - حضرت ملک الموت علیه السلام به صورت

عمل خودمان ظاهر میشود. - در اولین قدم سیر و سلوک، پروردگار متعال آزمایش را شروع میکند. - مقام مراقبه یعنی این که سالک تمام و کمال در محضر و حضور حضرت حق قرار دارد. - اول سفر الی الله سحرخیزی است. - وسایل وصال به مطلوب را نیز باید دوست داشت. - تنها راه تشخیص وسوسه شیطانی از نفحات قدسی مراقبه است. - اگر تحصیلات علمی شما با علم اخلاق توأم نباشد، منقطع میشود. - خدای متعال میفرماید: ای دنیا! خدمتگزار باش کسی را که خدمتگزار من است. یعنی کسی که (همّ او واحد است) و آزار بده کسی را که خدمتگزار توست. - هر انسانی یک تکلیف اجتماعی دارد و یک تکلیف انفرادی. - دین، عمل به بندگی حضرت حق است. - اگر سالک بداند که در شناخت پروردگار چه چیزی نهفته است دیگر به زرق و برق دنیا اهمیت نمیدهد. - اگر از باب رحمت حق، قصد ورود دارید، باید کمی پول خرج کنید و به فقرا و مسکینان و یتیمان کمک کنید. - موسی علیه السلام ده سال در مدین، شاگردی کرد و استاد شد. بدون استاد نمیشود سیر کرد. - اگر اراه کنی که خودت را حفظ بکنی پروردگار هم در هنگام ارتکاب به معاصی برای تو ایجاد مانع میکند. - اگر آن دین خالص در قلب ما وارد شود تمام آن شلوغیها از قلب مفارقت میکند. پس دلیل شلوغی قلبی من اینست که از دین خالص در آن خبری نیست. - رسول اکرم صلی الله علیه و آله میفرمایند: اگر کسی ما را دوست دارد باید به دستورات ما عمل کند آیا کافی است کسی بگوید من علی را دوست دارم ولی فعال نباشد و عمل به فرمایشان ایشان نداشته باشد؟! - باید نه آنقدر تنبل باشید که مردم بگویند کلّ [وبال] بر جامعه است و نه آنقدر فعالیت در دنیا داشته باشید که عرف بگوید چهار دست و پا افتاده روی دنیا.
- روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق اخلاق عملی است. علم رسول خدا علم رهبانیت نیست. - علم حقیقی علمی است که انسان را به هدایت خاصه راهنمایی کند. علمی است که او را به احوال دلش آگاه بکند. - خداوند متعال از جهل نمیگذرد. - حب دنیا و حب خدا در یک دل جای نمیگیرد. باید از یکی از آنها گذشت. - خوش خلقی، خوی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، مردم را با اخلاق عملی و با روی خوش به اسلام دعوت کنید. - گمشده مؤمن حکمت و دانش است. این از ملاقات با امام زمان (عج) بالاتر است.
- علم را برای عمل کردن یاد بگیرید. علت عدم رسیدن ما به مقامات عالیه اینست که ما عمل در کلاسهای قبل نکردیم. - امر آخرتتان را اصلاح کنید تا امورات دنیای شما اصلاح شود. - آنچه که شما در سفر آخرت همراهتان دارید علم و عمل صالح خود شما است. - قدم به قدم عمل خود را با فرمایشات معصومین سلام الله علیهم منطبق کنید. - تنها یاور شما در

مواجهه با حضرت ملک الموت سلام الله علیه عمل صالح شماست. - تعلقات است که مانع پرواز انسان میشود. - توفیق شما در سیر الی الله منوط به اینست که چقدر به افراد جامعه احسان میکنید و این در رأس امور است.
- اهل بهشت حسرت هیچ ساعتی از عمر خود را نمیخوردند، الا ساعاتی را که در دنیا در غفلت بودند و ذکر پروردگار متعال را نکرده بودند. - آن نیرویی که بتواند شما را در مقابل شیطان و نفس محافظت کند محبت به پروردگار متعال است. - مباد نعمتهای خدای متعال شما را مغرور کند. - اگر بخواهید از دنیا استفاده کنید باید اول از پله آخرت شروع کنید. - تا زمانی که توجه به حضرت حق دارید در رحمت خداوند متعال هستید. - ابلیس شاگرد نفس است، اگر شما بخواهید این نفس را که استاد شیطان است بکوبید و رامش کنید باید خود را فقیر کنید، باید خودتان را در مقابل عظمت حضرت حق هیچ بدانید. - بعد از این مرحله، مرحله شب زندهداری است. این دو راه، راه مبارزه با نفس است. - قلب خانه ملائکه است، صفات رذیله مثل سگهای پارس کنندهای هستند و ملائکه در خانهای که سگ باشد وارد نمیشود.
- آن شیطانی که مسئول نماز شب است از همه قویتر است در وسوسه کردن. اما نسبت به مخلصین اسلحهاش کارگر نیست. مواظب آن شیطان باشید. - هی در صدد نباشید روایت بنویسید و علم دیگری یاد بگیرید، باید عمل هم با آن همراه باشد. اگر به دانستنیهایتان عمل نکردید هر روز از پروردگار متعال دورتر میشوید. - هر چقدر ایمان مومن ترقی بکند یک غصهای بر او مسلط میشود که نکند حجابی بیاید و بین او و محبوبش جدایی افکند. - در آخر الزمان شیطان میآید و اول کاری که میکند عقیدهها را میبرد.
این عالم ربانی در نهایت، در سن 88 سالگی دار فانی را وداع گفت و پیکر این عالم بزرگوار، در دوم مرداد ماه سال 86 از مسجد ارک تهران واقع در خیابان پانزده خرداد به سوی حرم حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) تشییع شده، و در همان مکان مقدس به خاک سپرده شد.

خرازی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محسن خرازی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1316/1/1
زندگینامه علمی
آیت‌الله سید محسن خرازی در سال 1316 هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای مذهبی و مورد علاقه مردم متدیّن و علمای بزرگ تهران به دنیا آمد، پدرش حاج سید مهدی خرازی نام داشت و اصل و نسب آنها اصفهانی است که به تهران مهاجرت کرده‌اند و از سادات گرامی اصفهان و تهران بوده‌اند و نسب آنها به امام سجاد(ع) و امام حسن مجتبی(ع) می‌رسیده است. آیت‌الله سید محسن خرازی دروس دوران ابتدایی را در تهران در مجتمع فرهنگی برهان فرا گرفت و سپس تحت تربیت و آموزش آقا شیخ محمد حسین زاهد قرار گرفت. او که در مسجد امین الدوله تهران ونیز در مسجد جامع تهران نماز می‌گزارد، به تربیت نوجوانان می‌پرداخت و تأثیر عمیقی در دل آنان می‌نهاد. با درگذشت او، استاد خرازی به بازار تهران رفت و مدتی به کسب و کار پرداخت، امّا به زودی بازار را رها کرد و به حوزهٔ درسی آیت‌الله مجتهدی پای نهاد و بسیار مورد عنایت و علاقه او قرار گرفت. با فراگیری دروس مقدماتی، عزم سفر به حوزه علمیه قم کرد تا در محضر استادان مبرّز و برجسته آن حوزه، تحصیلات خود را تکمیل کند؛ البته در این باره نباید نقش سفارشهای آیت‌الله رفیعی(ره) را نادیده انگاشت. این گونه بود که به همراه آیت‌الله رضا استادی در سال 1336 به قم آمد و با او در یک جا سکونت گزید و به تحصیل پرداخت. در قم باقیماندهٔ دروس ادبیات را به پایان رسانید و سپس به فراگیری دروس دورهٔ سطح در زمینه‌های فقه و اصول، فلسفه و کلام پرداخت و از سال 1341 به بعد، به درس خارج بزرگان و آیات عظام مشرف شد. در طی این سالها از دروس اخلاق استادان مهذّب و باتقوای حوزه نیز بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله خرازی در سالیان تحصیل خود، محضر استادان و علمای فراوانی را درک کرد او که در تهران تحت عنایت آقا شیخ محمدحسین زاهد قرار داشت، پس از ارتحال او به نزد آیت‌الله مجتهدی

رفت و همواره مورد محبت او قرار می‌گرفت. در قم نیز باقیمانده دروس مقدمات را نزد آیت‌الله فشارکی آموخت و در درس شرح لمعه آیت‌الله شیخ محمد تقی ستوده شرکت می‌کرد. رسائل را نزد آیت‌الله شیخ مصطفی اعتمادی و آیت الله حاج شیخ محمد شاه آبادی و مکاسب را نزد آیت الله میرزا علی مشکینی و کفایة الاصول را نزد آقایان آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی و حاج شیخ محمد شاه‌آبادی و حاج شیخ علی تنکابنی فلسفی فرا گرفت. همچنین برای آموختن فلسفه، کلام و عقاید به نزد آیت‌الله شیخ محمد شاه‌آبادی می‌رفت و استفاده فراوانی برد. او از سال 1341 به بعد در درس خارج عالمانی چون آیت‌الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی(ره)، آیت‌الله العظمی سید محمد محقق داماد(ره)، آیت‌الله العظمی سید حسن فرید اراکی(ره) شرکت کرد و در درس خارج آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی اراکی(ره) تا اواخر عمر ایشان حضور داشت. آیت‌الله خرازی در سالهای فراگیری سطوح با حضرات آیات و حجج اسلام محمد حسن ممدوحی، غلامحسین حقانی، سید مجتبی زنجانی، سید جمال الدین دین پرور مصاحبت و مباحثه داشت و در حال فراگیری دروس خارج با حضرات آیات آقایان استادی و مصلحی و غلامرضا سلطانی مباحثه می‌نمود و با حضرات آیات مظاهری، مصباح و سید محمد خامنه‌ای رابطه دوستی داشت، امّا دوستی که از آغاز تاکنون در کنار او بوده آیت‌الله رضا استادی است. آیت‌الله محسن خرازی در عرصه‌های علمی و فرهنگی، خدمات بسیاری را به انجام رسانده است. از مهم‌ترین خدمات او در این عرصه، تأسیسس «مؤسسه در راه حق» بود. در آن روزگار مسیحیت توانسته بود با ابزارهای موجود با محصلان دبیرستانی مسلمان ارتباط برقرار کند و آنان را به مسیر گمراهی و ضلالت بکشاند. رژیم پهلوی نیز خود به گونه‌ای از تشکیلات مسیحیت حمایت می‌کرد و نسبت به موضع‌گیریهای حوزه علمیه، حساسیت خاصی نشان می‌داد. در سال 1343 هجری شمسی آیت‌الله خرازی با توجه به اهمیت مبارزه با افکار انحرافی مسیحی و نیز نظر به ضرورت ایجاد تشکیلات منسجمی برای مبارزة همیشگی با افکار التقاطی مؤسسه در راه حق را بنیان نهاد. این مؤسسه ضمن برقراری ارتباط با جوانان، به حل شبهات و مشکلات آنان می‌پرداخت و اصول اعتقادی را با سبک نوین مطرح کرده آنان را با مبانی و مبادی علوم اسلامی و اصول تشیع آشنا می‌ساخت. در ثمردهی این مؤسسه تلاش با اخلاص و بی چشمداشتِ مادیِ بزرگانی همچون آیت‌الله استادی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مظاهری و آیت‌الله سلطانی را نباید از یاد برد. این مؤسسه بعدها در چند قالب مشغول به کار شد که مسؤولیت بخش آموزش به عهده آیت‌الله مصباح یزدی، مسؤولیت بخش پژوهش به عهدة حضرات آیات مظاهری، استادی، مصلحی و سلطانی و

نیز مسؤولیت بخش معارف به عهده برخی از فضلا و استادان حوزه نهاده شد. این موسسه در آن زمان مورد علاقه و عنایت امام خمینی(ره) و دیگر مراجع و هم اکنون نیز مورد عنایت و حمایت مقام معظم رهبری و دیگر مراجع تقلید است و با جدّیت تمام به راه خود که شناساندن اسلام واقعی به جوانان و مبارزه با تحریف و التقاط و انحراف است می‌پردازد. از دیگر فعالیتهای آیت‌الله خرازی در این عرصه، همکاری با مجمع فقهی اهل بیت، دربارهٔ مسائل جدید فقهی است که این همکاری تا هم اکنون نیز ادامه دارد. آیت‌الله خرازی از سالهای تحصیل دورهٔ سطح به تدریس نیز می‌پرداخته و از حدود 20 سال پیش تاکنون به تدریس خارج فقه و اصول برای طلاب نیز اشتغال داشته است. آیت‌الله خرازی تاکنون کتابها و رساله‌های گوناگونی نگاشته است. آیت‌الله سید محسن خرازی در پیش و پس از انقلاب اسلامی حامی انقلاب بوده و همواره بر رهبری امام خمینی(ره) و پس از او مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارد. شرکت در پاره‌ای از تظاهرات و تماس با برخی از مراجع تقلید آن زمان برای آزادی گروهی از زندانیان که جانشان در خطر بود از فعالیتهای مهم ایشان در سالهای پیش از انقلاب است. او در سال 1359 به دعوت اعضاء جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم به عضویت آن نهاد درآمد و تاکنون در پیشرفت حوزه علمیه، نقش بسزایی را ایفا کرده است. همچنین با پیشنهاد جامعه مدرسین به نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در دورهٔ دوم و سوم از استان تهران درآمد. آیت‌الله سید محسن خرازی هم اکنون در قم حضور دارد و به تدریس و تربیت طلاب مستعد و جوان می‌پردازد.

خمینی، روح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف.
تولد: 30 شهریور 1281(20 جمادی‌الثانی 1320 ق. 24 سپتامبر 1902)، خمین.
درگذشت: 14 خرداد 1368، تهران، بیمارستان قلب.
روح‌الله مصطفوی مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.
دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب زبدة التصانیف)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و همه عمه‌اش را از دست داد.
از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی‌محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگترش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فراگرفت و در سال 1298 عازم حوزه‌ی علمیه‌ی اراک شد. پس از تحصیلات بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزه‌ی علمیه‌ی قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فراگرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.
در سال 1339 ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائی یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزه علمیه قم به ویژه در رشته فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با

محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضاخان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضاخان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم و محافل روحانی دیگر او را به عنوان «آیت‌الله خمینی» شناختند.
درسال 1340 با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش گانه شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعه خونین 15 خرداد ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجددا در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال 1344 به ترکیه شد. پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان- آیت‌الله سید مصطفی خمینی- به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در 12 بهمن 1357 با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در 22 بهمن ماه 1357 با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به عنوان «امام» همه مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال 1368 در تهران درگذشت.
از آثار ایشان میتوان به این عنوان‌ها اشاره نمود: شرح دعای سحر (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)، شرح حدیث رأس الجالوت (تألیف 1348)، حاشیه امام بر شرح حدیث رأس الجالوت، حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، شرح حدیث جنود عقل و جهل، مصباح‌الهدایة الی الخلافة والولایة، حاشیه بر شرح فصوص الحکم، حاشیه بر مصباح‌الانس، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سر الصلوة (صلاة العارفین و معراج السالکین)، آداب نماز (یا آداب الصلوة)، رسالة لقاءالله، حاشیه بر اسفار، کشف الاسرار (در اسرار هزار ساله حکمی‌زاده، چاپ سوم 1363 ق.)، انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، رسالة الاستصحاب، رسالة فی التعادل و التراجیع، رسالة الاجتهاد و التقلید، مناهج الوصول الی علم الاصول (دو جلد)، رسالة فی الطلب و الارادة، رسالة فی التقیة، رسالة فی قاعدة من ملک، رسالة فی تعیین الفجر فی الیالی المقمره، کتاب الطهارة (چهار جلد)، تعلیقه علی العروة الوثقی، مکاسب محرمه (دو جلد) تعلیقة علی وسیلة النجاة، رسالة نجاةالعباد)، حاشیه بر

رساله ارث، تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی، توضیح المسائل (رساله عملیة)، مناسک حج، تحریر الوسیله (دو جلد)، کتاب البیع (پنج جلد)، تقریرات دروس امام خمینی، کتاب الخلل فی الصلوة، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تفسیر سوره حمد، استفتائات، دیوان شعر، نامه‌های عرفانی، پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)، وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی، المکاسب المحرمة (عربی، 1381 ق.)، تهذیب الاصول (عربی، دو جلد تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، 1380 -1375 ق.).
حضرت آیةاللّه العظمی امام سید روح‌اللّه موسوی خمینی 20 جمادی الثانی 1320 (ه.ق.) در خمین در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. والدایشان- آیةاللّه سید مصطفی خمینی- در اواخر 1320 در سن 47 سالگی به وسیله فئودالها شهید شد.
امام، تحت تربیت عمه و مادر دلسوز و مراقبت‌های برادر بزرگوارش آیةاللّه پسندیده رشد کرد. و پس از تحصیلات مقدماتی در خمین در 1339 عازم حوزه علمیه اراک شد و سپس در 1340 در محضر آیةاللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائی به قم عزیمت کرد. او در 1345 ه.ق. سطوح عالیه را طی کرده و در محضر درس مؤسس حوزه- آیةاللّه حائری حضور یافت. پس از رحلت مرحوم حائری در 1355، به عنوان استادی گرانقدر و مجتهدی عالم در حوزه درخشید. وی در کنار فقه و اصول به تحصیل پرداخت و از محضر آیةاللّه شیخ محمد علی شاه‌آبادی عارف کامل، بهره‌های روحی فراوانی برد. آوازه شهرت وی به عنوان یک استاد مسلم و صاحب شیوه تدریس و تعلیم، طلاب بیشماری را گرد او جمع کرد. درس اخلاق و روش تدریس و تعلیم وی که موجد روح فداکاری و شجاعت و تعهد و تقوی در طلاب میشد، موجب تحول عظیمی در حوزه و منجر به تعطیلی درسش از طرف دیکتاتور وقت- رضاخان- گردید. پس از سقوط رضاخان، این درس مجددا در فیضیه آغاز گشت.
در سال 1364 ه.ق. همزمان با ورود آیت‌اللّه بروجردی، بزرگترین کرسی تدریس حوزه علمیه به وی اختصاص یافت. مسجد سلماسی و مدرسه فیضیه شاهد حضور انبوهی از مشتاقان معرفت و دهها مجتهد اصولی، ادیب و مفسر در محضرش گشت. او در مسند اجتهاد و فتوی نشست و میلیونها تن به عنوان مقلد و پیرو، سر به فرمانش نهادند و در انتظار صدور حکم و فتوایش نشستند.
در سال 1340 ه.ش. با تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و طرح لوایح ششگانه شاه- که خود وسیله‌ای برای تثبیت حکومت امریکا در ایران بود- مخالفت جدی و قاطع نمود. حادثه 15 خرداد 1341 پیش آمد که هزاران نفر از مسلمانان انقلابی آماج گلوله‌های سفاکان پهلوی گشتند و خود

ایشان به دنبال نطقی کوبنده در مدرسه فیضیه به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد. ولی پس از یک سال آزاد و هنگام بازگشت به قم در مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی رسوا کننده‌ای در مسجد اعظم ایراد کرد که منجر به تبعیدش در 13 آبان 1342 به ترکیه گردید. پس از مدتی به نجف منتقل و قریب 15 سال اجبارا در حوزه نجف اقامت گزید. و از همانجا عهده‌دار رهبری فکری و ارشادی مردم بود و در فرصت‌های مناسب اعلامیه‌های لازم را صادر می‌کرد. در 1356 ه.ش. به مناسبت شهادت فرزند برومندش آیةاللّه مصطفی خمینی مجالس ترحیم باشکوه و خونینی برپا گشت که شخصیت امام را بیشتر مطرح و موجب انتقال ایشان به پاریس گردید. و این در حالی بود که احساسات مذهبی مردم به اوج خود رسیده و کنترل از دست رژیم خارج گشته بود و شاه از ایران خارج شده و اساس حکومت اسلامی به رهبری امام و فداکاری مردم مسلمان در ایران پایه‌ریزی شده بود.
آثار و تألیفات گرانبهایی از معظم له در اختیار محافل علمی است که از آن میان می‌توان از «تحریر الوسیله کتاب الصلوة، کتاب المکاسب، کتاب الطهاره، کتاب الخلل، کتاب البیع (در 5 جلد)، مصباح الهدایة (شرح دعای سحر)، چهل حدیث برگزیده در اخلاق و عرفان و...» را نام برد و اکنون دعای میلیونها تن از مسلمانان و مستضعفین جهان این است:
خدایا! خدایا! تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار!
(1410 -1320 ق)، عالم، فقیه، مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، عارف و شاعر. در خانواده‌ای روحانی در شهر خمین متولد شد. پدرش در چهل و هفت سالگی به دست مالکین محلی کشته شد و امام تحت سرپرستی و حضانت عمه و مادر و برادرش آیت‌اللّه پسندیده قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و در سال 1339 ق برای ادامه تحصیل رهسپار اراک شد. پنج سال در آنجا اقامت کرد و تا سطوح عالیه را خواند. با عزیمت آیت‌اللّه حائری یزدی در سال 1340 ق به قم و بنا نهادن حوزه‌ی علمیه، در ساذل 1345 ق به قم رفت و به تحصیل فلسفه و حکمت مشغول شد. فلسفه را از آیت اللّه شیخ محمدعلی شاه‌آبادی فراگفت. سپس به تحصیل دروس خارج از سطح پرداخت و از محضر آیت‌اللّه حائری کسب فیض کرد و به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از محضر می‌رسید علی یثربی و حاج میرزا جواد ملکی تبریزی و آقا میرزا علی‌اکبر حکمی‌یزدی و حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و حاج شیخ محمدرضا نجفی مسجد شاهی و آقامیرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاجی سید محمدتقی خوانساری و آیت‌اللّه بروجردی و حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و حاج شیخ محمدتقی بافقی بهره‌مند گشت و اینان از مشایخ وی بودند. امام

خمینی از سال 1368 ق به تدریس «کفایه» و «منظومه» و «اسفار» و فقه و اصول پرداخت. وی علاوه بر علوم عقلی و نقلی، تحصیل علم اخلاق را جزو دروس تحصیلی طلاب خود قرار داده بود، و از دیرباز به تدریس اخلاق مشغول بود. در دوره‌ی رضاخان درس اخلاق ایشان مدتی تعطیل شد و پس از سقوط رضاخان، این درس مجدداً در مدرسه‌ی فیضیه دایر گشت. وی علاوه بر مدرسه‌ی فیضیه، در مسجد سلماسی نیز تدریس می‌نمود. در سال 1340 ش که تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و لوایح ششگانه شاه مطرح شد، با مخالفت جدی امام روبه‌رو گردید و در نتیجه حادثه‌ی پانزده خرداد 1342 ش پیش آمد. امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل و زندانی شد و پس از چندی آزاد گردید و به قم مراجعت کرد. مخالفت ایشان با مسئله کاپیتولاسیون و سخنرانی وی در مسجد اعظم سبب شد که معظم‌له به ترکیه تبعید شود. پس از مدتی به نجف منتقل گشت و قریب پانزده سال در نجف اقامت گزید. از همین زمان عهده‌دار رهبری مبارزات سیاسی شد و در هر فرصتی با صدور اعلامیه‌هایی مردم را به مبارزه‌ی تهییج می‌کرد. با درگذشت ناگهانی فرزند ایشان حاج سید مصطفی خمینی در سال 1356 ش و برگزاری مراسم سوگواری، تبلیغات علیه دستگاه هیئت حاکمه را دنبال کرد. به تدریج دامنه‌ی تظاهرات به خیابانها کشیده شد. در این زمان امام از نجف به پاریس رفت و مبارزات علیه شاه اوج گرفت و شاه مجبور به ترک کشور شد و امام به ایران بازگشت و جمهوری اسلامی را بنا نهاد و رهبری حکومت اسلامی ایران را تا 14 خرداد ماه سال 1368 ش که جان به جان آفرین تسلیم کرد، خردمندانه عهده‌دار بود. پیکر پاک وی با مراسم با شکوهی در محلی که اکنون به نام مرقد مطهر معروف است دفن گردید. امام خمینی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت. از آثار وی: «کشف الاسرار»؛ «تحریر الوسیله»؛ «کتاب الصلوة»؛ «کتاب المکاسب»؛ «تهذیب الاصول»؛ «کتاب الطهارة»؛ «کتاب الخلل»؛ «کتاب البیع»، در پنج مجلد؛ «مصباح الهدایة»؛ «چهل حدیث برگزیده در اخلاق»؛ «آداب نماز»؛ «مجموعه‌ی اشعار»، که پس از رحلت ایشان در دسترس عموم قرار گرفت.[1]

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (187 -185)، الذریعه (52 / 22 123، / 21 ،13 / 18 ،69 / 13)، سخنوران نامی معاصر (347 -340 / 1)، کیهان فرهنگی (س 6، ش 3، ص 15 -1)، گنجینه‌ی دانشمندان (29 -12 / 8)، مؤلفین کتب چاپی (232 -231 / 3).

خوانساری، محمد تقی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در یکی از روزهای اردیبهشت سال 1267 ق . که بهار با ماه رمضان تواءمان گشته بود و غنچه های یاد در آن می شکفتند، در خوانسار شهری که جای جایش چشمه ای سر به بیرون آورده و چون نگینی سبز و بلند با دستهایی گشوده سخاوت را به تمام معنا به رخ می کشد، در خانه سید اسدالله ، عالم بزرگ شهر، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمد تقی گزاردند.
سید محمد تقی جوانه ای بود روییده بر شاخه سار تباری که در عرصه علم و زندگی درخت تناوری را شکل داده بودند و این طلیعه نیکویی برای او به شمار می آمد. سلسله نسب او چنین بود سید محمد تقی خوانساری فرزند علامه سید اسدالله و او فرزند دانشمند محقق سید حسین و او فرزند عالم بزرگوار سید ابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ، فرزند دانشمند گرانمایه علامه سید حسین و او فرزند عالم فرزانه حاج میرزاابوالقاسم ... .
و در پایان سلسله نیز سرچشمه دانش و عصمت امام موسی بن جعفر علیه السلام قرار داشت .
ایام مکتب آمد، سید محمد تقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگنان ربود. او در این سنین کم هم جذبه های معنوی را در خود احساس می کرد. او که در مکتب خط را بخوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نشوت و آن را وقف مسجد کرد.
حوزه خوانسار که در آن زمان به برکت پدران سید محمد تقی و دیگر فرزانه های علمی اش رونقی داشت ، دومین جایی بود که سید محمد تقی در دامنش استواری یافت و قامت راست کرد. سرعت فراگیری سید محمد تقی چنان بود که به هفده سالگی نرسیده ، ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فراگرفت . او در همین مدت قسمتهایی هم از فقه و اصول دوره سطح را خواند.
پای درس بزرگان
خوانساری جوان پس از مشورتهایی که با پدر کرد برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه دیرپای نجف شد. هجرت به نجف بر شتاب حرکت او افزود .او در نجف پس از تکمیل درسهای ناتمام ، در درس محققان بزرگ این رشته ها حاضر شد تا جوانه های اجتهاد که از توانایی در تحقیق ریشه می

گیرد در او بروید. خوانساری جوان چهار سال در درس فقه و محقق بزرگ اصولی آیة الله آخوند خراسانی شرکت کرد. در کنار این آدرس به درس فقیه برجسته آیة الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی هم حاضر گشت . بعد از ارتحال این دو او از درسهای اصول آیة الله نائینی ، آیة اللله آقا ضیاء عراقی و از درس فقه آیة الله در گرفتن اجتهادنامه خود از اساتیدش کوشش نکرد. اما آقا ضیاء عراقی - که بارها مقام این شاگردش را ارج نهاده و گفته بود ((و حفظ مقام و نگهداری شؤ ونات آقای خوانساری را مانند علمای متاءخر بر خود فرض می دانم )) هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، اجتهادنامه وی را از نجف برایش فرستاد. افزون بر این آقای خوانساری از این استاد خود اجازه روایی نیز یافته بود.

بر بلندای حماسه

با شروع جنگ جهانی اول که حکومت عثمانی به نفع آلمان درگیر این جنگ شد و در صف متحدین قرار گرفت ، قمرو عثمانیها در حیطه جنگ واقع گردید. در 28 آبان 1293 ق . بصره و حوالی آن به تصرف قوای انگلیس درآمد. موقعیتی حساس بود، دولت عثمانی از روحانیون کمک طلبید علمای شیعه با آنکه استبداد گسترده از طرف آن دولت بر جامعه اکثریت شیعی عراق روبرو بودند، نتوانستند در چنین هنگامه ای ناظر پایمال شدن سرزمین مقدس عراق شوند. این بود که جمع بسیاری از مراجع فتوای جهاد دادند و چون خود در سنین پیری بودند فرزندانشان را به نیابت خویش رهسپار نبرد کردند و گروه دیگری از مجتهدان نیز خود راهی صحنه جهاد گشتند. در ایام محرم فتواهای شورانگیز جهاد شراره حماسه را بویژه در جان طلایه داران دانش برانگیخت و در این میان آقای خوانساری نیز کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت . او به گروه مجاهدانی که به همراه آیة الله سید مصطفی کاشانی عازم نبرد بودند، پیوست . این گروه سوار بر کشتی در رود دجله و فرات پیش تاختند و خود را به صفوف مقدم جبهه در حوالی بصره رسانیدند.

آقای خوانساری در سنگرهای جلو جبهه همراه با همدرسان خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی و آقای بختیاری زاده مستقر گشت . او در نبرد با هزار تیری که داشت و با مهارتی که در تیراندازی یافته بود سینه سپاهیان دشمن را آماج خشم ساخت و آنگاه که دشمن برای درهم شکستن مقاومت جنوب هجومی سخت را آغاز کرد او پر نشاط برود و خنده های بلندش تعجب دوستان را برمی انگیخت و وقتی هم که سایه رخوت بر گروهی از جنگاوران افتاد باز فریاد او که حرام بودن عقب نشینی در برابر دشمن را اعلام می کرد، پرطنین بود، و شگفت تر زمانی بود که با تنگ تر شدن حلقه محاصره دشمن مجاهدان مهیای مرگ می شدند و او شور نماز داشت و همگان را به آن می خواند. گویی نماز عاشورایی حسین علیه

السلام در ذهنش زندگی یافته بود.
قوای دشمن پیروزیهای شایانی در جبهه فرات به دست آورد. ولی شکست در کوت العماره پای رفتن را از آنان گرفت و به ناچار جبهه جنگ از جنوب به شرق تغییر یافت .
با اشغال بغداد که مقارن با پیروزیهای دیگر متفقین بود، پایان جهاد فرارسید. از آن سو اشغالگران در تعقیب نیروهای مقاومت برآمدند. دستگیریهای وسیعی آغاز گشت و سرانجام خوانساری جوان هم که در نبرد از قسمت پا مجروح شده بود، دستگیر شد. مجاهدان عرب تنها با سپردن تعهدی آزاد گشتند اما برخورد با مجاهدان دیگر متفاوت بود. انگلیسی ها از آزادی آنان اجتناب ورزیدند. در این میان وساطتهایی نیز برای آزادی آقای خوانساری صورت گرفت ولی بی ثمر بود. اشغالگران اسرای جنگی را در بندر بصره جمع نموده ، آنجا یا کشتی هایی به اسرارتگاههای خود در مستعمراتشان فرستادند و آقای خوانساری و قریب چهارصد تن دیگر از اسراء به جزیره سنگاپور برده شدند. چهار ماه طول کشید تا کشتی آنان در آن سرزمین پهلو گرفت . در سنگاپور، اسرا در زندانی صحرایی قرار داده شدند. در این زندان گروهی از مردمان وحشی جزیره نیز به نام کوکا به چشم می خوردند. آنها به آدمخواری معروف بودند از آن رو هر روز صبح که شیفت زندانبان عوض می شد اسرا سرشماری می شدند. در آن محیط خش آقای خوانساری به تلاش علمی روی آورد. او علاوه بر تدریس منطق و حکمت ، خود نیز به آموختن پرداخت و توانست زبان انگلیسی را از یک راجه هندی بیاموزد. رئیس زندان که متوجه مقام علمی او شده بود با توجه به آشنایی او به زبان انگلیسی از او خواست کتابی گمراه ساز را ترجمه کند. او با آنکه روزهای سختی را پیش روی خود داشت با این درخواست مخالفت نمود. و شاید هم برای انتقام از این سرسختی بود که زندانبانان قصد جان او را کردند. او خود در این باره گفته است :
((روزی همه به بیرون رفته بودند و من تنها بودم . زندانبانان حیوانی وحشی را از آن دم در بر درون زندان ول کردند. حیوان جستی زد و بسرعت به طرف من آمد. خیلی نزدیک شد اما کاری به من نداشت . به دم در رفت و دو مرتبه برگشت . چند دفعه این کار را انجام داد ولی کاری با من نکرد.))
بعدها که راجه هندی آزاد شد در آزادی آقای خوانساری کوشید. در نتیجه آقای خوانساری نیز پس از گذشت چهار سال تحمل رنج اسارت ، آزاد گشت .
مرجعیت
آیة الله خوانساری بعد از رهایی از اسارت به زادگاهش خوانسار بازگشت . پس از آن ، آوازه حوزه نوبنیاد سلطان آباد اراک ، در او شیفتگی نخستین

را زنده ساخت و از همین رو در حوزه سلطان آباد به احترام آیة الله حائری در درسشان شرکت جست و خود نیز جداگانه به تدریس فقه ، اصول و حکمت پرداخت . دیری نگذشت که او توجه آیة الله حائری را به خود برانگیخت . آقای خوانساری در سلک یاران نزدیک و مشاوران برجسته (هیاءت استفتایی ) آیة الله حائری قرار گرفت . وی در پی این نزدیکیها نقش برجسته ای در شکل گیری حوزه علمیه قم ایفا کرد و مشوقی در هجرت آیة الله حائری به قم بود. در سال 1315 ش . حوزه قم در ماتم از دست دادن بنیانگذارش به سوگ نشست . در آن موقعیت خطیر آیة الله صدر و آیة الله حجت و همچنین آیة الله خوانساری که سه تن از شاگردان و یاران برجسته آیة الله حائری بودند، برای تصدی مسؤ ولیت حوزه و عهده داری رهبری دینی مردم مورد توجه قرار گرفتند. در این میان آیة الله خوانساری با شایستگی های فراوان اخلاقی و علمی که داشت پیشگام نگشت ، اما شیخ محمد صدوقی و شیخ مجتبی عراقی و تنی چند از دوستانشان در پاگیری مرجعیت ایشان تلاش ورزیدند. درس خارج برای ایشان تدارک گردید و قرار شد ادامه درس استادش حائری را بگوید. رفته رفته این شخصیت برجسته مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت و با طرح جواز رجوع در مسائل احتیاطی به ایشان از طرف آیة الله سید ابوالحسن اصفهانی دامنه مرجعیت او گسترش یافت . اما با این همه او آیة الله صدر و آیة الله حجت برای حاکم نمودن وحدت رهبری دینی مردم و زدودن شائبه های تفرقه ، آیة الله بروجردی را به قم خواندند و با اصرار زیاد او را بر این سمند نشاندند.

سالهای طولانی تدریس آیة الله خانساری که از حوزه نجف آغاز گشت ، جمع زیادی از آموختگان فضل او را همراه داشت . در سالهای آخر تدریس هم درس خارج او چنان با عمق و دقت طرح می شد که تنها شایستگانی چند یارای حضور در آن را یافتند. آثار علمی ایشان غیر از آن رساله های فتوایی که نظریات فقهی ایشان را در بر داشت ، تقریرات درسهای خارجی بود که شاگردانش جمع آوری کرده بودند. از آن جمله درس طهارت ایشان بود که به همت شاگرد برجسته اش آیة الله محمد علی اراکی و درس صلوة که از سوی شاگرد فرزانه دیگرشان آقا مجتبی عراقی نگارش یافت .

نماز

نماز آیة الله خوانساری حدیث شگفتی داشت . در او چنان باور خدا تجلی کرده بود که در نماز حجاب برمی کشید و روحش به بهشت یاد درمی آمد. او خود در این باره چنین گفته بود: در نماز که می ایستم مثل این که است که با خدا شفاهی صحبت می کنم و انگار رخ به رخ هستم . در پی نمایاندن این چهره معنوی او بود که با درخواست جمعی از دل باوران ، آیة الله سید

احمد خوانساری ، برقراری نماز جماعت فیضیه را به او واگذاشت . در این نماز پرشکوه حتی مقدسانی که تردیدشان در عدالت امامان جماعت بسیار بود و به هر کس اقتدا نمی کردند، بی هیچ واهمه ای با او به نماز می ایستادند. بعضی از شبها هم که آقای خوانساری نمی آمد آیة الله (امام ) خمینی که از اساتید بنام حوزه بود اقامه نماز می کرد. از آن رو که نماز جمعه در نظرگاه فقهی آیة الله خوانساری واجب احتیاطی بود در حوالی سال 1320 بعد از سالیان سال این نماز متروک و مهجور مانده بود، از سوی آن فقیه بزرگ در مدرسه فیضیه بپا شد. بعدها فیضیه هم گنجایش خیل آن همه مشتاقان نداشت . برای همین ، مکان نماز به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام انتقال یافت . برگزاری این نماز چنان پرتاءثیر شد که به دنبال آن در بیشتر شهرها نماز جمعه جانی تازه گرفت .

نماز باران

یکی از حوادث مهم که از آثار شهودی آقای خوانساری از نگاه دینی ، نماز بارانی است که او آن را اقامه نمود تا تجلی دعا و نماز را در زندگی به گونه ای ملموس آشکار کند. در شهریور 1320 که متفقین در ایران به طور انبوه حضور یافتند. در آن موقع موجی از قحطی و نابسامانی در کشور به راه افتاد. قسمتی از سپاه متفقین در منطقه خاکفرج قم استقرار یافت و بعد از مدتی کنترل شهر در دست آنان قرار گرفت . اشغال هنوز ادامه داشت که زمینهای مساعد و وسیع شهر قم - که به صورت دیم کشت می شد - با گذشت دو ماه بهاری از سال 1323 هنوز تشنه بودند. با بروز این خشکسالی موقعیت غذایی مردم بحرانی شد. اهالی قم ، چاره در خواندن نماز باران دیدند. آنان به جستجوی امامی برآمدند تا آنها را به ساحل اجابت رساند و با خلوص و صفایش خواستن را معنی بخشید. مردم راهی خانه های آقایان صدر، حجت و خوانساری شدند. آقایان صدر و حجت در پاسخ مردم گفتند اگر شما وظیفه های شرعی خود را بجا آورید، آسمان و زمین دستهایشان بر شما گشوده خواهد بود. اما آقای خوانساری نتوانست جواب نه بگوید و مردم هم گمان بردند او موافق با خواندن نماز باران است . به همین علت اطلاعیه هایی در سطح شهر نصب گردید که آقای خوانساری در روز جمعه نماز استسقا خواهد خواند. گروهی ایشان را از پایان بد کار بیم دادند اما او گفت حالا که چنین شده ، خواندن این نماز بر من تکلیفی است و هر چه صلاح باشد همان واقع خواهد شد. با نزدیک شدن لحظه موعود بهائیان شهر، متفقین را به انگیزه های این حرکت بدبین نمودند تا جایی که این نیروها در پوششی دفاعی رفتند. در روز موعود، جمعیت از گوشه و کنار شهر روانه شدند تا به صحرای خاکفرج که در نیم کیلومتری شهر قرار داشت و مصلای آن محسوب می شد بروند. آیة الله خوانساری هم با طماءنینه و آرامش مخصوص و در حالی که پاها را برهنه

کرده و تحت الحنک انداخته بود با عده ای از همراهان به سمت آن نقطه حرکت نمودند. جمعیت افزون بر بیست هزار نفر بود و 3/2 ساکنان شهر را در بر می گرفت . با عبور آرام مردم از کنار پادگان ، شائبه های تردید زدوده شد و توطئه بهائیان بی اثر ماند. آن روز نماز خوانده شد اما اثری از اجابت دیده نشد. آیة الله خوانساری که بارها عطوفت و مهربانی پایان ناپذیر خدا را با همه وجود خود درک کرده بود، بخوبی می دانست که خواستن را با اصرار معنا بخشد. چه آنکه اگر خواهش باشد اجابت حتمی است . او بعد از پایان درس و بحث از شاگردانش خواست که تا همپای او باز به کوی خواهش روند و نماز بارانی دیگر بخوانند. این بار نماز در باغهای پشت قبرستان نوبپاگشت . غروب یکشنبه فرا رسید و آسمان بی تکه ابری سرخ گونگی خورشید را به نظاره نشست . گزارش هواشناسان غربی که در پادگان خاکفرج بودند گویای این بود که بارشی روی نخواهد داد.
دین ناباوران زبان تمسخر گشودند. استاد رسولی در خاطره خود می گوید: ((آن روز گذشت و ما مطابق معمول به نماز جماعت آیة الله خوانساری در مدرسه فیضیه رفتیم . اکنون یادم نیست که به چه مناسبتی شبها در مدرسه فیضیه بعد از نماز جلسه روضه خوانی و سخنرانی بود. مرحوم حاج محمد تقی اشرافی به منبر رفت و هنوز اوایل سخنرانی ایشان بود که باران شروع شد... آن شب باران مفصلی آمد.))
این باران چنان گسترده و بی امان بود که تا آن وقت چنین بارشی را کسی سراغ نداشت . بی سیم های پادگان خاکفرج به کار افتاد و خبر این حادثه شگفت به جهان مخابره شد و در مدتی کوتاه پس از تاءیید آن از طرف مقامهای رسمی لندن و آمریکا، از طریق رادیو انعکاس جهانی یافت .
حج نمونه
تا شهریور 1328 ش هفت سال می گذشت که ایران از حج محروم بود. در آن سال حضور روحانیان که تشنه تر از همه می نمودند در این حج ، حضوری پرجلوه بود. حضوری آنچنان که حج آن سال را حجة العلما نامیدند. روحانیان بزرگی چون آیة الله میرزا محمد فیض و تنی چند از علمای برجسته در این حرکت به چشم می خوردند. آیة الله خوانساری هم به دعوت یکی از بازاریان تهران به این کاروان پیوست . در همان روزهای نخست ورود ایشان به مکه او وحدت آفرین گشت و با اعلام ثبوت رؤ یت ماه از طرف ایشان اختلاف رخت بربست و وقتی هم که جمعی از شیعیان از او تقاضای برپایی جماعت نمودند، او بی اعتنا به درخواست ایشان ، به نمازجماعت برادران اهل سنت رفت . چه آنکه این حج برای همبستگی بود و دلبستگی و دمیدن روح برادری ، تا در سایه وحدتی ظاهری روحها به وحدت رسند در مدینه نحل اقامت آیة الله خوانساری جای آمد و شد

هیاءت ها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیاءت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء، مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفتگوهای دوستانه اش آغاز گشت و تلاش آیة الله خوانساری در نزدیکی و ایجاد تفاهم هر چه بیشتر بود. در پاسخ به این خبر اخوان وحدت ، خطبای مصری هم با او، همصدا گردیدند.

فتواهای شورآفرین

آیة الله خوانساری همگام با آیة الله حاج آقا حسین قمی ، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب ، در این مبارزه شرکت نمود. او در آن جو پراختناق در فتوای روشنگرانه بر زروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین ، آیة الله خوانساری با فریاد آیة الله کاشانی همنوا بود. او در فتوایی فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد سرانجام فریادها کارساز شد و هزاران فدایی اسلام آماده عزیمت به فلسطین گردیدند اما با سنگ اندازی های دولت وقت این اعزام چشمگیر انجام نپذیرفت .

همگامی آیة الله خوانساری با آیة الله کاشانی مرزهای فراتری پیموده است . او با فتوایی سرنوشت ساز ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان گردید. در هنگام برگزاری انتخابات مجلس هفدهم که پس از پیروزی نهضت ملی انجام گرفت ، ایشان بار دیگر به یاری رهبری نهضت آیة الله کاشانی شتافت و در فتوایی مهم شرکت در انتخابات را ادای وظیفه شرعی دانست و سستی در این راه را عملی مسؤ ولیت آفرین در پیشگاه خدا قلمداد نمود. انتشار این فتوا، تاءثیر بسزایی در انتخابات مزبور گذاشت . و در تهران تاءثیر آن شگفت آورتر بود.

پاییز حزن

سال 1331 ش علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیة الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هوای ییلاقی همدان سپری کند. با قبول این درخواست ، آیة الله خوانساری با همراهانش آیة الله اراکی ، آیة الله آخوند ملاعلی همدانی ، آیة الله خمینی و فرزند بزرگشان سید محمد باقر، مؤ لف محترم آقای مجتبی عراقی راهی آنجا گردید.

آیة الله خوانساری در استقبالی پرشور وارد شهر شد. در پی اغتنام از انفاس قدسی او مردم شهر از وی تقاضای اقامه جماعت در مسجد جامع کردند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت ، در بین راه دچار حمله قلبی گشت و سرانجام نزدیکیهای ظهر هفتم ذیحجه 1371 ق به احرام جانان در آمد و لبیک گویان به سرای او شتافت که حج چهره ای از زندگی هر روز است . و چنین شد که رؤ یای آیة الله بروجردی

نیز تعبیر گشت . او در رؤ یای در همان شبهای قبل از وفات آن فقیه نامدار دیده بود که سید مرتضی رحلت کرده و او را به شهر قم می آوردند. قبر او اینک در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام هم آغوش استادش آیة الله حائری قرار دارد.

داوودی کهکی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا داوودی کهکی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/6/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا داودی، در سال 1365 وارد حوزه علمیه قم شدم که به مقدمات و سطح پرداختم. در سال 1372 وارد موسسه در راه حق-دروس عمومی- شدم. که پس از دو سال به موسسه امام خمینی(ره) منتقل شد، این دروس آشنایی با مبانی علوم انسانی بود که تا 1377 به طول انجامید. از سال 1377 کارشناسی ارشد رشته تخصصی علوم قرآنی و تفسیر در موسسه امام خمینی(ره) را آغاز کردم. همزمان با گذراندن این رشته، در دوره کارورزی تحقیق که زیر نظر یکی از اساتید برگزار می‌شد شرکت کردم که در موضوع تفسیر موضوعی به مطالعه و تشکیل پرونده می‌پرداختیم. پس از پایان دوره نوبت به نگارش پایان‌نامه رسید، که موضوع پایان نامه اینجانب «شادابی و نشاط از دیدگاه آیات و روایات تفسیری» بود و به مدت یک سال از خرداد 1381 تا 1382 به طول انجامید. پس از دفاع پایان‌نامه که با امتیاز عالی و نمره 18 پذیرفته شد در سال 1383 در دوره تربیت مربی اخلاق زیرنظر حجت الاسلام دکتر آقاتهرانی شرکت کردم و در پایان دوره یکسال، تحقیقی پایانی با عنوان «نگاهی به آثار تربیتی بینش در منابع اسلامی» به نگارش درآوردم. در سال 1384 هفته‌ای یک روز تدریس در دانشگاه آزاد گرمسار را آغاز کردم که درس‌های متون اسلامی، تفسیر موضوعی قرآن و تاریخ صدر اسلام و اخلاق اسلامی را در آنجا تدریس کردم. به جهت نبود کتاب درسی مناسب برای تفسیر قرآن جزوه‌ای را خودم تهیه کردم و تفسیر سوره حمد و آیاتی از سوره بقره و اسراء را در آن جای دادم. همزمان با آن و داشتن کار اجرایی کتابخانه علوم قرآنی، چند مقاله نیز به نگارش درآوردم که در لیست مقالات آمده است.

دزفولی، بی‌بی خاتون

قرن:12
جنسیت:زن
ملیت:ایران
پس از قرن دوازدهم هجری، وی دختر سید اسداللَّه و همسر سید صدرالدین دزفولی مرتاض بود. او کتاب شفاءالصدور را درباره پند و اخلاق که خلاصه کتاب شفاءالصدور علامه مجلسی اول (1110 -1038 / 1037 ق) است تدوین کرد. در پایان کتاب رباعی زیر آمده که به نوشته مؤلف‌الذریعه از مولی محمدطاهر قمی است:
یا رب تو ز خود پرستیم فارغ ساز
در بوته اخلاص دلم را بگداز
از بال و پرم رشته غفلت بگشای
شاید که کند به اوج مهرت پرواز
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: الذریعه، 204 / 14.

دلیر، بهرام

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهرام دلیر
محل تولد : نقده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال در 1360 در جبهه های حق علیه باطل که بطور خدا خواهی با یک روحانی رزمنده هم سنگر شدیم و او در سال 1361 اولین انگیزه را برایم ایجاد نمود که وارد حوزه علمیه شوم سال تحصیلی 1361-62 بود که وارد حوزه علمیه ارومیه شدم در آنجا شاید سه ماه بودم که عازم مدرسه ولیعصرعج تبریز شدم سال تحصیلی 62 را به پایان بردم در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم و درسها را دوباره از اول شروع کردم در ادبیات و قسمتی از معالم الاصول را نزد مرحوم مغفور استاد و ادیب مدرس افغانی خواندم در این ایام تابستان زمستان تحصیلی و تعطیلی اشتغال به درس داشتم مگر در فرصتی که عازم جبهه می شدم . لمعتین را با آیه الله اشتهاردی و آیت الله وجدانی فخر و آیت الله استادی به پایان بردم اصول فقه را با محمدی خراسانی. اما رسایل را با آیت الله اعتمادی و مکاسب را با اساتید متعدد ازجمله آیت الله ستوده موسوی تبریزی، کفایه الاصول را با آیت الله اعتماد و آیت الله محفوظی خواندم .
در کنار تحصیلات ادبیات و بعضی از درسها ی دیگر را تدریس می کردم تا اینکه در سال 1367 در درس خارج اصول آیت الله مفتی الشیعه و در فقه درس خمس آیت الله مکارم شیرازی شرکت نمودم و در سال 1368 در درس خارج فقه و اصول المقارن آیت الله خبارن که بمدت شاید 12 سال زحمت ما را کشید و ذره پروری نمود در درس آیت الله فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی کم و بیش شرکت می کردم. تمام امتحانات شورای مدیریت را دادم و مصاحبه 6 سال درس خارج فقه و نیز اصول را هم به پایان رساندم .
درسال 1372-1373 درحوزه علمیه امام خمینی سنقر کلیانی تدریس کردم و در سال 1373 در حوزه علمیه قم تدریس جدی سطح را آ غازکردم که هنوزهم ادامه دارد. درسهایی که طی این مدت تدریس شد

درموضوعات مختلف بوده است. لازم بذکر است که در کنارتدریس ، درس خارج را با آیت الله جناتی ادامه دادم و بطوری تفصیلی و تحقیقی شروع به تحصیل معقول نمودم با اساتیدی همچون آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و قبلا با آیت الله گرامی و بطور مستمرو پی گیر با حکیم دست پرورده علامه طباطبایی یعنی آیت الله عسگری گیلانی که تا سال 1382 ادامه داشت که دراین مدت کل اسفارملاصدرا بجز (ج 5و4) و کل اسفار الهیات و تمام اشارات بوعلی و در عرفان کتاب تمهیدالقواعد، فصوص الحکم ومصباح الانس را به پایان بردم .
اما چگونگی تحصیل این دروس بخصوص با استاد عسگری بدین صورت بود که یک درس در ایام تحصیل بود و یکی هم شبهای تعطیلی به طور مثال ج 1 اسفار در ایام تحصیلی خوانده می‌شد و ج 8 در ایام و شبهای تعطیل در پایان سال هر دو جلد به پایان می‌رسید و جدیتی که بود و زحمات طاقت فرسایی که استادم می‌کشید باعث شد که یک دوره معقول را به خوبی به پایان برسانم.
در سال شاید 1373 بود که پایان نامه سطح چهار را نوشتم و برای دفاع رفتم اما اتفاق تلخی که در آن جلسه رخ داد، بنده را به طور عجیبی دگرگون نمود که طوری شد که بعد از جلسه تصمیم به ادامه درسهای کلاسیک را گرفتم و به طور متفرقه دیپلم را گرفتم و سپس در کنکور سراسری شرکت کردم و با رتبه‌ای خوب در رشته فلسفه غرب دانشگاه تهران قبول شدم وبه مجتمع آموزش عالی قم آمدم و مشغول به تحصیل شدم مدتی خواندم با اینکه در این زمان به طور سخت بحثهای حوزوی خود اعم از تحصیل و تدریس را داشتم ولی بعد دیدم که چیزی از آن رشته عایدم نمی‌شود لذا تغییر رشته داده و در علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع) ادامه داده تا اینکه در کارشناسی ارشد علوم سیاسی هم قبول شدم و به پایان رساندم با معدل نزدیک به 19 تمام شد.
و در مدت تحصیل دانشگاه چند واحدی هم در طی پنج سال در همان دانشگاه تدریس می‌کردم و در این مدت با هر مشکلی درافتادم و خداوندهم سرافراز از آن مشکل بیرونم می‌آورد. درسهای که تدریس کردم در مدرسه فیضیه بیشتر بوده عبارتند از: رسائل، مکاسب، کفایة الاصول، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، شرح منظومه، اشارات بوعلی سینا و در منزل حکمت عملی مدینه فاضله فارابی، نهج البلاغه، تفسیر و در ایام تعطیل در مدرسه فیضیه، رجال، درایه، کلام و غیره و به صورت آزاد با بعضی از فرهنگیان گلشن راز شیخ محمود شبستری و منازل السائرین که هنوز هم ادامه دارد.

دوانی، جلال‌الدین محمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(830- ح 918/908 ق)، حیکم، فیلسوف، فقیه، متکلم، مفسر، قاضی و شاعر، متخلص به جلال و دوانی نیز فانی. معروف به علامه دوانی و مشهور به محقق دوانی. نسبش به محمد بن ابی‌بکر می‌رسد. در دوان از قرای کازرون فارس متولد شد. ابدا نزد پدر دانش آموخت و سپس برای تکمیل معلومات خود به شیراز رفت و در خدمت ملا محی‌الدین انصاری (از اولاد سعد بن عباده صحابی) درآمد. دوانی مسافرتهایی به گیلان، کاشان، تبریز، عراق، مدینه و مکه داشت. در شیراز اقامت گزید و سالها در مدرسه‌ی بیگم به تدریس مشغول بود.بین او و امیر صدرالدین دشتکی شیرازی مناظرات و مباحثات حضوری و غیابی بسیار، در زمینه‌ی حکمت و کلام، جریان داشت و شاگردان وی بیشتر از شاگردان امیر صدرالدین دشتکی بودند. در دوران آق قویونلوها منصب قاضی القضاتی فارس را بر عهده داشت. علامه‌ی دوانی در همه‌ی علوم زمان خود تبحر داشت و شعر فارسی را نیز به خوبی می‌سرود. وی ابتدا شافعی مذهب بود و بعد مذهب شیعه را برگزید، و سپس رساله‌ای به نام «نور الهدایه» نگاشت که بر تشیع او تصریح دارد، و نیز حاشیه‌ی او بر «تجرید»، در جواب میر صدرالدین شیرازی در تفضیل ابوبکر بر علی (ع)، موید تشیع اوست. او در این رباطه اشعاری نیز سروده است. دوانی صاحب بیش از صد تالیف به زبان عربی و فارسی در علوم مختلف بود که برخی از آنها عبارت‌اند از: «انموذج العلوم»، محتوی مسایلی از هر علم؛ «اثبات الواجب القدیم»؛ «اثبات الواجب الجدید»؛ رساله در «افعال العباد»؛ شرح بر متن «تهذیب المنطق» تفتازانی؛ شرح بر «العقائد العضدیه»؛ حاشیه‌ی قدیمه و جدیده و اجد بر «شرح التجرید» فاضل قوشچی یا «طبقات الجلالیه»؛ «لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یا «اخلاق جلالی»؛ «التوحید»؛ تعلیقه بر «الانوار لعمل الابرار» اردبیلی، در فقه شافعی؛ «الجبر و الاختیار» یا «خلق الاعمال»؛ «التصوف و العرفان»؛ «تحفه‌ی روحانی»؛ تفسیر چندین آیه و سوره‌ی قرآن از جمله سوره‌ی «اخلاق» و «کافرون».[1]
(منسوب به دوان) جلال‌الدین محمد بن سعد (یا سعدالدین) اسعد کازرونی، دانشمند و قاضی معروف. (و. دوان 830 ف. 908 ه.ق.). پدرش قاضی کازرون بود و دوانی بخش اول عمر خود را در آن شهر گذرانید و در مدرسه دارالایتام به تعلیم پرداخت. وی حکیمی متکلم و محقق است. از

آثار اوست: اخلاق جلالی (علم اخلاق) اثبات الواجب الجدید، اثبات الواجب القدیم، افعال اللّه تعالی انموذج علوم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار عجم (325 -309)، احقاق الحق (124 -122 /3)، الاعلام (257/6)، اعیان الشعیه (12/9)، تاریخ ادبیات در ایران (100 -99 /4)، تاریخ نظم و نثر (267 -265)، تذکره‌ی روز روشن (175 -167)، الذریعه (57/25، 147/15، 199/9، 82/5، 206/2)، روضات الجنات (548 -541 /2)، ریحانه (236 -232 /2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 10/ 220 -222)، کشف الظنون (1048، 1893، 1567، 1144، 1096، 863، 847، 842، 516، 457، 449، 349، 195، 184)، لغت نامه (ذیل/ دوانی)، مجالس المومنین (229 -221 /2)، معجم المؤلفین (47/9)، هدیه الاحباب (136).

دهقانی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن دهقانی ساری
محل تولد : کاشان
شهرت : دهقانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه کاشان شدم سطح را تا اوائل مکاسب در کاشان گذراندم. سپس عازم قم گشتم ورود این جانب به قم هم آغاز اوج فعالیتهای انقلاب بود لذا پس از چند هفته درسها به این مناسبت تعطیل گشت. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دروس حوزه بازگشایی شد این جانب به درس مکاسب و کفایه ج 2 حضرت آیة الله ستوده حاضر شدم و جلد اول کفایه را نزد آقای قدیری خواندم. همزمان با شروع درس خارج فقه درسهای فلسفه و عرفان را نزد اساتید حوزه مانند آیة الله جوادی آملی و آیة الله حسن زاده و آیة الله شیخ یحیی انصاری گذراندم کتاب فصوص الحکمه بالغ بر چهار سال در خدمت آیة الله حسن زاده و مصباح الانس را بخشی نزد آیة الله حسن زاده و بخشی را نزد آیة الله انصاری سپری کردم. منظومه حکیم سبزواری و اشارات بوعلی سینا را نزد اساتید گذراندم پس از آنکه از اساتید درس خارج بمدت سیزده سال استفاده کردم (نزد آیات عظام فاضل، مکارم، وحیدخراسانی و آقای تبریزی) تدریس خود را آغاز کردم ابتدا یک دوره مکاسب و سپس 7 دوره تدریس نهایة الحکمه – شرح اشارات جلد سوم- رسائل بحث استصحاب کشف المراد منطق و طبیعیات منظومه یک دوره و حکمت آن دو دوره- المنطق مظفر و جزء سی‌ام تفسیر قرآن کریم – اسفار ملا صدرا از جلد اول تا ششم که امسال یازدهمین سال تدریس آن هست. (در فیضیه مدرس 22) اقدام به ترجمه و شرح نهایة الحکمه نمودم که تقریبا هشت سال طول کشید و محصول آن سه جلد کتاب فروغ حکمت شد و آن در سال 77 تا 82 منتشر شد.

ذهبی خراسانی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عارف کامل، از مشایخ سلسله ذهبیّه بوده، وفاتش در سال 1303 روی داده است. در بقعه ی علی بن سهل مدفون شد.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

راشدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اکبر راشدی نیا
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
حقیر اکبر راشدی نیا تحصیلات حوزوی خود را در تبریز شروع نموده و در سال 72 وارد حوزه علمیه قم شدم . در این میان بخشی از دروس سطح فقه و اصول و همچنین کتب حکمت و عرفان را در تبریز از محضر حضرت آیت الله سید ابوالحسن مولانا و آیت الله میرزا محسن کوچه باغی تلمذ نمودم و در قم از خدمت آقایان پایانی و اشتهاردی استفاده نمودم . از سال 1375در درس خارج حضرات آیات وحید خراسانی ، شیخ جواد تبریزی ، شبیری زنجانی و بهجت شرکت نمودم و علاوه بر دروس فقه و اصول در درس های معارف و تفسیرو حکمت حضرات آیات جوادی آملی ، حسن زاده آملی و انصاری شیرازی شرکت نمودم . تابه به حال برخی از کتب اصول، حکمت و عرفان همچون اصول فقه مظفر، بداية الحمة، المظاهر الالهية ، تمهيد القواعد، شرح فصوص الحکم را تدریس نموده ام . حقیر از سال 1378 بعنوان محقق در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مشغول به کار شدم و روی آثار آخوند ملا صدرا همچون مفاتیح الغیب ، شرح الهداية الاثيرية ، رسائل اجوبة المسائل ، المظاهر الالهية ، رسالة اتحاد االعاقل و المعقول ، زاد المسافر و ... کارنمودم که قرار است بصورت لوح فشرده مجموعه آثار صدر المتالهین منتشر بیابد و همچنین از سال1383 بعنوان همکار علمی در مرکز دائرة المعارف علوم عقلی بر روی آثار عرفانی و حکمت فعالیت می کنم.

رضانیا، ذبیح الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ذبیح الله رضانیا
محل تولد : آباده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب ذبیح الله رضانیا درتاریخ 1332متولد شده و پس ازگذراندن تحصیلات کلاسیک وارد حوزه علمیه قم شدم. پس از اتمام مقدمات وارد دروس خارج شده و از محضر اساتید وحضرات آیات عظام آیت الله مکارم شیرازی ،سبحانی، ربانی گلپایگانی،مومن ....کسب فیض نمودم. همچنین در رشته تخصصی کلام درحال نوشتن پایان نامه می باشم. علاوه بر تحصیل به تألیف نیز پرداخته ام که درقسمت آثار آمده است.

روحانی نژاد، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین روحانی نژاد
محل تولد : موسویه بیرجند
شهرت : روحانی
تابعیت : ایران
زندگینامه علمی
اینجانب حسین روحانی نژاد در سال 1352 هجری شمسی وارد حوزه علمیّه بیرجند شدم. حدود دو سال در آن حوزه به تحصیل ادبیات عرب و فقه نزد مرحوم آیت الله عارفی پرداختم. در سال 1353 – 1354 وارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه رسالت – که شبیه مدرسه حقّانی و تحت برنامه خاصی بود – به تحصیل ادامه مقدّمات، اصول، منطق، فلسفه، فقه و دروس جدید پرداختم . بخشی از سطح را در آن مدرسه و برخی را در حوزه آزاد خواندم. شرح لمعه را عمدتاً نزد استادان ارجمند آقایان باکوئی و وجدانی فخر رسائل را نزد استاد ارجمند حاج آقا مصطفی اعتمادی، مکاسب شیخ انصاری را نزد حضرات آیات: دوزدوزانی، مرحوم پایانی ، مرحوم ستوده، کفایه را نیز نزد مرحوم آیت الله ستوده و آیت الله فاضل خواندم . در فلسفه از دروس استادان ارجمند فیاضی (بدایه ) ، مصباح ( نهایه ) ، حسن زاده آملی و جوادی آملی ( قسمتی از اسفار)، گرامی (قسمتی از نهایه ) ممدوحی ( قسمتی از بدایه ) بهره برده ام. فلسفتنا را در مدرسه رسالت نزد دکتر احمدی خواندم.
چند سالی در تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته ، حدود 10 سال در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی وحید ، مدّتی در درس فقه آیت الله منتظری و نیز مدّتی در خارج فقه آیت الله مکارم شیرازی شرکت کرده ام. مدّتی هم در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله العظمی بهجت دامت برکاته حضور یافته ام.
از سال 1363 با مرکز تحقیقات عقیدتی- سیاسی سپاه در قم که اکنون پژوهشکده شده است به صورت پاره وقت همکاری علمی داشتم و این همکاری تا حدود سال 1371 ادامه داشت و برخی جزوات درسی سپاه در زمینه تاریخ اسلام را تدوین کردم؛ از جمله: زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از آغاز تا هجرت، زندگی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام ، و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام، معارفی از قرآن ، مقالاتی در

مجله مکتب جبهه تحت عنوان اسوه های صدر اسلام، تعلیم و تربیت اسلامی و ...
سال 1360 مدّتی در سازمان تبلیغات تهران در واحد آموزش به تدوین جزواتی اشتغال داشتم. در زمان دفاع مقدس نیز برای سازمان تبلیغات سنندج، کتابی را درباره فرهنگ و آداب و سنن اقوام آن منطقه – به صورت مشترک با یکی از دوستان – تدوین کردم. سال 1361 در سازمان حج تهران، مسئولیت واحد آموزش دفتر تبلیغات و آموزش حج را بر عهده داشتم و جزواتی را در مورد اسرار حج و تذکراتی به مدیران کاروانها و حجاج ایرانی تنظیم کردم.در اواخر دهه شصت، مدّت یک سال و نیم با بنیاد معارف اسلامی بعثت در طرح تدوین معجم احادیث امام مهدی علیه السلام شرکت داشتم.
سال 68 در نخستین دوره تربیت مدرس دار الشفاء وابسته به دانشگاه قم – شرکت کردم و رساله فوق لیسانس خود را در سال 70 – 71 در زمینه اخلاق از نظر نراقی و مقایسه آن با اخلاق خواجه نگاشتم و در سال 71 از آن دفاع کردم.از سال 71 تا 76 به دعوت دانشگاه تربیت معلم تبریز به تبریز رفتم و 5 سال عضو هیأت علمی دانشکده الهیات بودم، که یک سال آن مدیر کلی دانشجویان شاهد و ایثارگر و سه سال هم ریاست دانشکده الهیات را بر عهده داشتم. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه الهیات را مشغول بوده ام. در دانشگاه تبریز به تدریس متون فلسفی به زبان عربی، در دانشگاه تربیت معلّم به تدریس فقه و اصول و اخلاق و فلسفه اخلاق و دروس عمومی، و در دانشگاه آزاد – واحد تبریز به تدریس تفسیر، فقه، انسانشناسی و تاریخ فقه و ... اشتغال داشتم.
سال 76 به دانشگاه قم منتقل شدم. مدّتی معاون آموزشی دانشگاه بودم و به تدریس فقه و قواعد فقه نیز پرداخته ام در. سال 77 به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتقل شدم. مدّتی دبیری گروه فلسفه، مدتی مدیریت اجرایی دفتر قم، مدّتی مدیریت پژوهش را بر عهده داشتم. حدود 4 – 5 سال است که عضو گروه اخلاق و عرفان پژوهشگاه هستم و تا کنون چند کتاب و مقالاتی به رشته تحریر کشیده ام.

زالی، محمدحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن زالی
محل تولد : گلپایگان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سن 16 سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و اکنون حدود 40 سال است که در این حوزه مقدسه اشتغال به تحصیل و تدریس دارم، دوره ادبیات را تا سطح لمعتین و قوانین الاصول در مدرسه علمیه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) گذراندم، و همزمان در دروس مدرسه منتظریه(معروف به حقانی) و زیر نظر آیت الله شهید بهشتی و مدیریت آیت الله شهید قدوسی (رضوان الله تعالی علیهما) نیز توفیق حضور داشتم دروس سطح حوزه را نیز در محضر آن فقیه معظم گذراندم و همزمان به دروس عقاید، اخلاق و تفسیر نیز اشتغال داشتم پس از اتمام سطح به دروس خارج حوزه پرداختم که حدود 15 سال خارج فقه را در محضر آیت الله العظمی گلپایگانی (قدس سره) و ... بودم و خارج اصول را از محضر آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری (قدس سره) و آیت الله وحید خراسانی (دامت برکاته) استفاده کردم و همزمان دروس عرفان « شرح قیصری» و ... ، فلسفه، منظومه، اشارات، الشفاء و اسفار ملاصدرا را از محضر حضرات آیات حسن زاده آملی، جوادی آملی، انصاری شیرازی و ... بهره جستم و از درس تفسیر اساتید مختلف حوزه علمیه نیز بحمد ا... برخوردار شدم.
اکنون بیش از ده سال است که به تدریس خارج فقه با عنوان مکاسب محرمه، انفال، خمس، زکوه ، صوم، اعتکاف مشغولم و در حال حاضربه تدریس خارج فقه و اصول( یک دوره کامل با متن کفایتین) اشتغال دارم، علاوه برآن دروس حوزوی ادبیات تا سطح عالی مکاسب و کفایتین را بارها تدریس کرده ام. اینجانب به خاطر علاقه وافری که به دروس تفسیر، حدیث ، نهج البلاغه ، احکام ، فلسفه و معارف اسلامی داشتم سالهاست که بحمد ا...توفیق تدریس این دروس را نیز دارم که هم اکنون درس های نهج البلاغه پنجشنبه ها از رادیو معارف پخش می شود و دروس فلسفی را

از نهایه مرحوم علامه تا منظومه سبزواری ، اسفار از جلد 1 تا جلد 8 (که هم اکنون مشغول هستم ) تدریس داشته ام.
همزمان با دروس حوزوی در دانشگاه نیز تدریس می کردم، از همان اوایل بازگشایی دانشگاهها پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در دانشکده های مختلف دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران، و سپس تربیت مدرس قرآن به ارائه دروس معارف اسلامی به معنای اعم آن ، فلسفه ملاصدرا، اسفار، شواهد الربوبیه، اخلاق اسلامی و پاسخ به سوالات پرداختم ، در دانشگاه قم ، تربیت مدرس قم ، دانشگاه آزاد اسلامی قم نیز به تدریس معارف اسلامی ، نهج البلاغه ، تفسیر ، احکام، فلسفه ، حکمه متعالیه و پاسخگویی به سوالات دانشجویان و اساتید همت گماشتم در طول این مدت فراوان رساله های علمی و پایان نامه های دانشجویان و حوزویان را نیز بر عهده داشتم که هم اکنون نیز با عنوان استاد راهنما ، مشاور و داور در این قسمت توفیق دارم .
در گزینش اساتید معارف برای دانشگاه های سراسر کشور نیز به عنوان استاد مصاحبه گر در معاونت اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری توفیق انجام وظیفه دارم از زمان شروع دروس تخصصی حوزه علمیه قم در مراکز تخصصی کلام تفسیر، تبلیغ نیزاشتغال داشته و به تدریس فلسفه ملا صدرا تفسیر قرآن، ترتیبی و موضوعی و فلسفه اخلاق پرداختم از جمله کارهای علمی و فرهنگی اینجانب حضور در مراکز علمی و فرهنگی حوزوی و دانشگاهی جهت سمینارهای علمی و پاسخ به سوالات بوده است همچنان که در تمام ایام تبلیغی و ایام الله و مناسبات تبلیغی در داخل و خارج کشور حضور داشته و انجام وظیفه می نمودم و لازم به یادآوری است که صدا و سیما هم به مناسبتهای مختلف به تهیه فیلم و نوار پرداخته اند که قسمت زیادی از اندوخته ها تا به حال ارائه شده است به ویژه رادیو معارف در تهیه مطالب در زمینه های عرفان اسلامی، تفسیر، ترجمه نهج البلاغه، اعیاد و وفیات، مناسک حج و فلسفه حج، فلسفه احکام و فقه اسلامی و ... زمینه توفیق مطالعه و ارائه آنها را فراهم آورده است. در جامعة الزهرا قم نیز مباحث معانی بیان، بدیع، رسائل، اصول الفقه، اخلاق را طی سالهای تحصیلی تدریس داشته ام کوتاه سخن اینکه اینجاب با لطف الهی و عنایات حضرت باری تعالی عمر و زندگی را که حدود 40 سال آنرا بخش علمی در حوزه علمیه قم به خود اختصاص داده است پیوسته اشتغال به تحصیل و تدریس و تبلیغ و یا صرف وقت در تهیه جزوات علمی و یا مصاحبه های علمی و تحقیقات حوزوی داشته ام.

شاملی، عباسعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباسعلی شاملی
محل تولد : شهرضا
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/7/3
زندگینامه علمی
اینجانب دکتر عباسعلی شاملی در تاریخ 3/7/1339 و در دیار دانش، حکمت و عرفان، در شهرضای اصفهان پا به این کره ی خاکی نهادم و دارای سه فرزند هستم. من هم اکنون از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در گروه علوم تربیتی و جانشین مدیر این گروه می باشم. در سال تحصیلی 56-1355 وارد حوزه علمیه شهرضا (مدرسه علمیه صاحب الزمان ‹عج›) و سپس (پس از حدود یک سال) وارد حوزه علمیه قم (مدرسه منتظریه یا حقانی و مدرسه رسالت) شدم. تا سال 1371 در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم. طی این مدت موفق شدم مقدمات، سطح مقدماتی، سطح عالی و هفت سال از درس خارج فقه و اصول حوزه را در این مهد دانش و اجتهاد پشت سر گذارم.
مقدمات و سطح مقدماتی را طی پنج سال در مدرسه علمیه رسالت که در آن هنگام همگام و هم برنامه مدرسه علمیه حقانی بود و توسط حضرت حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای دشتی و کمک و مشاوره مرحوم شهید قدوسی (ره) مدیریت می شد، پشت سر گذاشتم. سطح عالی را به طور آزاد در حوزه علمیه قم گذرانده و در آن زمان از محضر اساتید گرانقدر حضرات آیات عظام اعتمادی (کتاب رسائل در اصول)، ستوده (کتاب مکاسب محرّمه و بیع)، پایانی (مکاسب بیع و خیارات)، اشتهاردی (لمعه و مکاسب محرمه)، مسعودی (لمعتین)، فاضل لنکرانی (دو جلد کفایه در اصول)، استادی (علم الحدیث و درایه، حلقات اول و دوم اصول الفقه شهید صدر (ره))، سید علی حائری (حلقات سوم اصول الفقه) بهره بردم.
در طول درس های خارج فقه و اصول از محضر اساتید و آیات عظام سید محمود هاشمی شاهرودی، سید کاظم حائری، مکارم شیرازی، میرزا جواد

تبریزی، سبحانی و مظاهری اصفهانی و وحید خراسانی بهره جستم. همزمان با دروس حوزه از سال 1358 در برنامه ویژه آموزشی مؤسسه در راه حق که با نظارت اساتید و آیات عظام مصباح یزدی، خرازی و مظاهری اصفهانی به هدف تربیت طلاب و فضلای حوزه علمیه قم در راستای پاسخگویی به نیازهای نوین انقلاب و دنیای اسلام راه اندازی شده بود، به تحصیل اشتغال داشتم. طی این دوران که تا سال 1370 به طول انجامید، دو معادل لیسانس فقه و حقوق اسلامی و مطالعات اسلامی را به ترتیب در سال های 1362 و 1370 از مؤسسه در راه حق و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم اخذ کردم.
در راستای تکمیل تحصیلات نوین حوزوی در سال 1362 به بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (ع) که دوره تکمیلی و تخصصی مؤسسه در راه حق بود، منتقل شده و در گروه روان شناسی به تکمیل تحصیلات پرداختم. پس از چهار سال (در سال 1365-66) موفق به اخذ معادل فوق لیسانس روان شناسی با گرایش رشد شخصیت شدم (این مدرک بر اساس انجام پژوهش و نه پایان نامه، پس از گذراندن تمامی واحد های مورد نیاز در روان شناسی اخذ شد). پس از تکمیل این دوره در سال 1368 به همکاری در گروه روان شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه دعوت شدم که حاصل دو سال همکاریم مشارکت در تألیف دو جلد روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی (و چندین مقاله روان شناختی بود) که توسط سازمان سمت چاپ و منتشر شده است. کتاب نظریه های رشد شخصیت که حاصل دیگر این همکاری همراه با دوست دانشمندم آقای دکتر ساجدی بود، هنوز به چاپ نرسیده است.
از سال 1371 مقارن با سال 1991 میلادی به صلاح دید و بر اساس هدایت و نظارت استاد بزرگوار حضرت آیه الله مصباح یزدی (و پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی وقت) و توصیه ی مقام معظم رهبری و حمایت و همکاری صمیمانه رئیس جمهور محترم وقت آیه الله هاشمی رفسنجانی برای ادامه و تکمیل تحصیلات به دانشگاه مک گیل در کشور کانادا اعزام شدم. ورود به این دانشگاه در سال 1992 میلادی بود که پس از دو و نیم سال و در سال 1995 فوق لیسانس دیگری در رشته روان شناسی فلسفی اسلامی از موسسه مطالعات اسلامی گرفتم. پایان نامه این فوق لیسانس به بررسی مقایسه ای رابطه نفس و بدن در علم النفس فلسفی صدر المتألهین و ابن سینا (رهما) اختصاص یافت.
از این پس به دانشکده ی علوم تربیتی (Faculty of Education) در همین دانشگاه منتقل شده و پس از چهار سال (در سال 1999) در رشته فلسفه تعلیم و تربیت و با گرایش آموزش و پرورش فرهنگ و ارزش ها (Culture & Values in Education) با برجسته سازی دیدگاه علامه

شهید آیه الله سید محمد باقر صدر (ره) در زمینه ی «شاخص های فرهنگ اسلامی توسعه و توسعه فرهنگی در یک جامعه اسلامی» موفق به اخذ درجه دکتری شدم. این پایان نامه به اتفاق نظر هیئت داوران کمیته دفاع ممتاز شناخته شد و درجه (Dean’s honor list) را گرفت.
شایسته است گوشزد کنم که اعطای این امتیاز زمانی است که یک پایان نامه هم توسط استادان داور بیرونی (از دانشگاه های دیگر) و هم در قضاوت کمیته داخلی داوران ممتاز و برجسته تشخیص داده شود.
لازم به یاد آوری است که چون نظام تحصیل در بیشتر دانشگاه های آمریکا و کانادا آمیزه ای از ارائه پایان نامه و گذراندن کورس ها و ترم های درسی است، هر دانشجو پس از فوق لیسانس و دکتری دست کم بیست مقاله پژوهشی خواهد داشت. من نیز بنا به اقتضای روند تحصیلی خود در دانشگاه مک گیل، در دو دوره فوق لیسانس و دکتری خود موفق به نوشتن 25 مقاله پژوهشی به زبان انگلیسی شدم. پس از بازگشت به ایران ضمن همکاری با مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در دو بخش آموزش و پژوهش تاکنون موفق به ارائه چندین مقاله علمی ـ پژوهشی شده ام که شماری از آنها در شماره های گوناگون مجله علمی تخصصی معرفت به چاپ رسیده است.

شبستری، شیخ محمود

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ سعدالدین محمود بن امین الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری از عرفا و شعرای نامی قرن هفتم و هشتم هجری است. او در سال ۶۸۷ه. در ایام سلطنت کیخاتوخان در قصبه شبستر واقع در هشت فرسخی تبریز متولد شد و در عهد سلطان محمد خدابنده و ابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علما و مضلا بود. شبستری پس از کسب دانش در تبریز به مسافرت در شهرهای مختلف پرداخته و در سفر به مصر، شام، حجاز از علما و مشایخ این سرزمین ها کسب دانش توحید کرده است. او خود در این باره می گوید: مدتی من زعمر خویش مدید صرف کردم به دانش توحید در سفرها به مصر و شام و حجاز کردم ای دوست روز و شب تک و تاز سال و مه هم چو دهر میگشتم ده ده و شهر شهر می گشتم گاهی از مه چراغ می کردم گاه دور چراغ می خوردم علما و مشایخ این من بس که دیدم به هر نواحی من جمع کردم بسی کلام غریب کردم آنگه مصنفات عجیب هم چنین شیخ محمد در سفری به کرمان در آنجا تاهل اختیار کرده و در آن شهر اولاد و احفادی از او به وجود آمده است که جمعی از ایشان اهل قلم و کمال بوده و به خواجگان شهرت یافته اند. شبستری پسری به نام عبدالله داشته که جوانی فاضل و کامل و ماهر در علوم مختلف به خصوص ریاضی بوده است. وی در سال ۹۲۶ه. از جانب سمرقند به درباز روم رفته و سلطان سلیم او را تعظیم بسیار کرده است. شیخ عبدالله مثنوی به نامه شمع و پروانه به نام سلطان سلیم سروده و نیز رساله ای به زبان فارسی در قواعد معما به نام سلطان مذکور نوشته است. شبستری سرانجام به تبریز باز گشته و در سال ۷۲۰ه. در ۳۳ سالگی وفات یافته و در شبستر وسط باغچه گلشن در جوار مزار استادش بهءاالدین یعقوبی تبریزی مدفون شده است. بعضی ها معتقدند که چون شبستری وصیت کرده که او را پای مزار شیخ بهاءالدین دفن کنند و سال وفات بهاءالدین ۷۳۸ه. است و هم چنین چون باباابی سبشتری در مرض موت شبستری حاضر بوده و در همان ماه وفات شبستری فوت نموده و تاریخ وفات باباابی ۱۷ ربیع الاول سال ۷۴۰ه. است؛ پس سال وفات شبستری هم باید ۷۴۰ه. باشد ضمنا با توجه به تجدید عمارت های مکرر مقبره شبستری احتمال آن داده شده که تاریخ فوت نوشته شده بروی مزارش تغییر کرده باشد. بعضی از معاصران، تاریخ وفات شیخ محمود را همان

۷۲۰ه. پذیرفته اند ولی تولد او را پیش از سال ۶۸۷ه. حدس زده اند و دلیل آن را هم بعید بودن ۲۶ سالگی شبستری برای شهرت فراوان او در عهد خدابنده ذکر کرده اند. شبستری پیرو مذهب سنت و جماعت و معتقد به عقاید اشعریان بوده است. لاهیجی شارح گلشن راز شیخ و مرشد شبستری را امین الدین می نویسد. خود شیخ محمود نیز در مثنوی سعادت نامه از امین الدین یاد میکند: شیخ و استاد من امین الدین دادی الحق جوابهای چنین برخی هم استاد او را بهاءالدین یعقوبی تبریزی دانسته؛ اما با استنباط از عبارت صاحب روضات الجنان میتوان هر دوی آنها را از اساتید وی دانست. آثار شبستری: الف- آثار منظوم (ا- گلشن راز، ۲- سعادت نامه) ب- آثار منثور (۱- حق الیقین فی معرفة رب العالمین، ۲- مرآة المحققین، ۳- شاهد یا شاهد نامه)
منابع زندگینامه :پایگاه یاد یار

شوشتری، عبدالقائم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حقیر در روز نیمه ذی الحجه ی سال 1365 هـ .ق، روز تولد امام دهم حضرت علی بن محمد الهادی علیه السلام، در شهر قوچان متولد شدم. سیر و سلوک بنده از اینجا شروع شد: حدود 13 ساله بودم که حس خداجویی در من بیدار شد، با کمال تشنگی از خود می پرسیدم راه وصال حضرت باری تعالی چیست؟ در سال 1339 شمسی بنده طلبه شدم و در مدرسه نواب مشهد مشغول تحصیل گردیدم و در کنار درس و بحث حوزوی به مطالعه کتبی که درباره ادیان و مذاهب و طرائق بود، مطالعه و تحقیق می نمودم. نخستین استاد اخلاق بنده، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی احمدی سینائی بود که ایشان مؤکداً به تخلیه و تحلیه 1 که مقدمه تزکیه نفس است توصیه می فرمودند. طی یک مقدمه با عارف مرتاض حضرت سید ابوالحسن حافظیان آشنا شدم و در خدمت ایشان علم اعداد و علم رمل و جفر ناقص و بعض از ختومات را تعلیم گرفتم، ولی پس از چندین سال به دلائلی دفتر را پاره کردم و به رودخانه ماربره ( از سرشاخه های رود دز) ریختم و بخود گفتم: یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت صحبت آن مونس جان مار را بس ادبیات عرب را نزد عارف والامقام استاد حجت الاسلام هاشمی آموختم. ایشان اولین کسی بود که برای بنده درس عشق خدا را آموخت و من سخت مشتاق این راه شدم. چون حوزه قم را غنی تر از حوزه مشهد دیدم، محل تحصیلم را از مشهد به قم تبدیل کردم. روزی خدمت حضرت آیت الله بهجت مشرف شده و شرح الحال اجمالی خود را به ایشان گفتم. ایشان فرمودند: من فعلاً به شما کتابهای مفیدی 2 را معرفی می کنم. به خاطر علاقه زیادم به ایشان، بعضی نمازهای یومیه را در مسجد فاطمیه و به امامت ایشان اقامه می کردم و همیشه سعی می کردم پس از نماز مصاحبت ایشان را از مسجد تا منزل از دست ندهم و همچنین در کلاس درس خارج ایشان، قبل از شروع درس، از فرمایشات اخلاقی و معنوی معظم له استفاده می نمودم. دستورات ایشان اکثراً سفارش به انجام واجبات و ترک محرمات و انجام بعضی مستحبات و ترک مکروهات بود و در بین مستحبات دوام در طهارت و نافله شب و نماز جعفر طیار را بیشتر سفارش می فرمودند. در همین سالها از خرمن علم و عرفان آیت الله العظمی حاج سید رضا بهاءالدینی نیز بهره مند می شدم و مانند کلب اصحاب کهف اکثر روزها خدمتشان

حاضر و استفاده می نمودم. ایشان همیشه شاگردان خود را به تفکر و تعقل تشویق می فرمودند. همچنین از جلسات منوَّر و منوِّر حضرت آقای حاج سید حسین یعقوبی قائنی نیز بهره مند گشته و از کیفیت سلوک عاشقان عملاً مطلع شدم. در همین ایام به درس منظومه و اشارات حضرت علامه آیت الله حسن زاده آملی، عالم عارف، دریای بیکران علم و معرفت حاضر شده و از ایشان هم بهره ها گرفتم. ایشان شاگردان خود را به تحصیل علوم مختلف دینی تشویق می کردند. همزمان با تحصیل در قم در فرصت هایی به مشهد نیز تشرف می یافتم و خدمت بزرگ مردی سلمان گونه، حضرت آقای شیخ عبدالکریم حامد استفاده می کردم که هنر ایشان موشکافی مسائل اخلاص بود. ایشان در مقام تربیت شاگردانش بر محور اخلاص 3 بسیار سفارش می فرمود. عطش شدید من در جستجوی استاد کامل ، با پیشنهاد برخی دوستان و مکاشفه ای به یافتن حضرت آقای حاج اسماعیل دولابی انجامید و همزمان خدمت حضرت علامه طباطبایی صاحب المیزان می رسیدم که درباره ایشان فقط می گویم: یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم مدح آن والا ملک توضیحات: 1- «تخلیه» عبارت است از پاک نمودن و تطهیر قلب از بدی ها و آلودگی های گناهان و غبار غفلت و اخلاق ناپسند و اعمال بد و «تحلیه» عبارتست از آرایش قلب به اطاعت و عبادت حضرت حق و جذب صفات حسنه و کریمه. 2- آن کتابها عبارتند از: جامع السعادات ملامهدی نراقی و تذکره المتقین شیخ محمد بهاری و تفسیر شیخ حسن نجفی اصفهانی. 3- «من اخلص لله اربعین یوماً فجر الله ینابیع الحکمه من قلبه الی لسانه: هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند، خداوند چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری گرداند.»

شیخ بهایی

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهاء الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن حسن بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی (جباعی) معروف به شیخ بهائی در سال 953 ه.ق 1546 میلادی در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل در ناحیه شام و سوریه در روستایی به نام "جبع" یا "جباع" می زیسته و از نژاد "حارث بن عبدالله اعور همدانی" متوفی به سال 65 هجری از معاریف اسلام بوده است.
ناحیه "جبل عامل" همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده است و پیشوایان و دانشمندان شیعه که از این ناحیه برخاسته اند، بسیارند. در هر زمان، حتی امروزه فرق شیعه در جبل عامل به وفور می زیسته اند و در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن مخصوصاً از قرن هفتم هجری به بعد یاری بسیار کرده و در این مدت پیشوایان بزرگ از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهائی نیز از همان خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.
بهاءالدین در کودکی به همراه پدرش به ایران آمد و پس از اتمام تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد. چون در سال 991 هجری قمری به قصد حج راه افتاد، به بسیاری از سرزمینهای اسلامی از جمله عراق، شام و مصر رفت و پس از 4 سال در حالی که حالت درویشی یافته بود، به ایران بازگشت.
وی در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت، مجموعه تألیفاتی که از او بر جای مانده در حدود 88 کتاب و رساله است. وی در سال 1031 ه.ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام جنب موزه آستان قدس دفن کردند. شخصیت ادبی شیخ بهایی:
ـ بهائی آثار برجسته ای به نثر و نظم پدید آورده است. وی با زبان ترکی نیز آشنایی داشته است. عرفات العاشقین (تألیف 1022ـ 1024)، اولین تذکره ای است که در زمان حیات بهائی از او نام
برده است.
بهترین منبع برای گردآوری اشعار بهائی، کشکول است تا جائی که به عقیده برخی محققان، انتساب اشعاری که در کشکول نیامده است به بهائی ثابت نیست. از اشعار و آثار فارسی بهائی دو تألیف معروف تدوین

شده است؛ یکی به کوشش سعید نفیسی با مقدّمه ای ممتّع در شرح احوال بهائی، دیگری توسط غلامحسین جواهری وجدی که مثنوی منحول « رموز اسم اعظم » (ص 94 ـ 99) را هم نقل کرده است. با این همه هر دو تألیف حاوی تمام اشعار و آثار فارسی شیخ نیست.
اشعار فارسی بهائی عمدتاً شامل مثنویّات، غزلیّات و رباعیّات است. وی در غزل به شیوه فخرالدین عراقی و حافظ، در رباعی با نظر به ابو سعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و در مثنوی به شیوه مولوی شعر سروده است. ویژگی مشترک اشعار بهائی میل شدید به زهد و تصوّف و عرفان است. ازمثنوّیات معروف شیخ می توان از اینها نام برد: «نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز»، این مثنوی ملمّع چنانکه از نام آن پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است و بهائی در آن ابیاتی از مثنوی را نیز تضمین کرده است. او این مثنوی را به طور پراکنده در کشکول نقل کرده و گردآورندگان دیوان فارسی وی ظاهراً به علت عدم مراجعه دقیق به کشکول متن ناقصی از این مثنوی را ارائه کرده اند.
«نان و پنیر»، این اثر نیز بر وزن و سبک مثنوی مولوی است؛ «طوطی نامه» نفیسی این مثنوی را که از نظر محتوا و زبان نزدیکترین مثنوی بهائی به مثنوی مولوی است، بهترین اثر ادبی شیخ دانسته و با آنکه آن را در اختیار داشته جز اندکی در دیوان بهائی نیاورده و نام آن را نیز خود براساس محتوایش انتخاب کرده است.
«شیر و شکر»، اولین منظومه فارسی در بحر خَبَب یا مُتدارک است. در زبان عربی این بحر شعری پیش از بهائی نیز مورد استفاده بوده است. « شیر و شکر » سراسر جذبه و اشتیاق است و علی رغم اختصار آن (161 بیت در کلیات، چاپ نفیسی، ص 179 ـ 188؛ 141 بیت در کشکول، ج 1، ص 247 ـ 254) مشحون از معارف و مواعظ حکمی است، لحن حماسی دارد و منظومه ای بدین سبک و سیاق در ادب فارسی سروده نشده است؛ مثنویهایی مانند «نان و خرما»، «شیخ ابوالپشم» و «رموز اسم اعظم» را نیز منسوب بدو دانسته اند که مثنوی اخیر به گزارش میر جهانی طباطبائی (ص 100) از آنِ سید محمود دهدار است. شیوه مثنوی سرایی بهائی مورد استقبال دیگر شعرا، که بیشتر از عالمان امامیّه اند واقع شده است. تنها نثر فارسی بهائی که در دیوان های چاپی آمده است، « رساله پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش » است.
بهائی در عربی نیز شاعری چیره دست و زبان دانی صاحب نظر است و آثار نحوی و بدیع او در ادبیات عرب جایگاه ویژه ای دارد. مهمترین و دقیقترین اثر او در نحو، « الفوائد الصمدیّه » معروف به صمدیّه است که به نام برادرش عبدالصمد نگاشته است و جزو کتب درسی در مرحله متوسط علم نحو در حوزه های علمیّه است. اشعار عربی بهائی نیز شایان

توجه بسیار است. معروفترین و مهمترین قصیده او موسوم به « وسیله الفوزوالامان فی مدح صاحب الزّمان علیه السلام » در 63 بیت است که هر گونه شبهه ای را در اثناعشری بودن وی مردود می سازد. بهائی در ارجوزه سرایی نیز مهارت داشت و دو ارجوزه شیوا یکی در وصف شهر هرات به نام « هراتیه یا الزّهره » (کشکول، ج1،ص 189 ـ 194) و دیگر ارجوزه ای عرفانی موسوم به « ریاض الارواح » (کشکول، ج1، ص225 ـ 227) از وی باقی مانده است. دوبیتیهای عربی شیخ نیز از شهرت و لطافت بسیاری برخوردار بوده که بیشتر آنها در اظهار شوق نسبت به زیارت روضة مقدّسه معصومین علیه السلام است.
شیخ محمدرضا فرزند شیخ حرّعاملی (متوفی 1110) مجموعه لطیفی از اشعار عربی و فارسی شیخ بهائی را در دیوانی فراهم آورده است. اشعار عربی وی اخیراً با تدوین دیگری نیز به چاپ رسیده است. بخش مهمی از اشعار عربی بهائی، لُغَز و معمّاست.
از بررسی شیوه نگارش بهائی در اکثر آثارش، این نکته هویداست که وی مهارت فراوانی در ایجاز و بیان معمّا آمیز مطالب داشته است. وی حتی در آثار فقهی اش این هنر را به کار برده که نمونه بارز آن «رسائل پنجگانه الاثناعشرّیه »، است. این سبک نویسندگی در « خلاصه الحساب، فوائد الصمّدیه، تهذیب البیان و الوجیزه فی الدرایه » آشکاراتر است. بهائی تبحّر بسیاری در صنعت لغز و تعمیه داشته و رسائل کوتاه و لغزهای متعدّد و معروفی به عربی از وی بر جا مانده است. مانند:
« لغزالزبده » ( لغزی است که کلمه زبده از آن به دست می آید )، « لغزالنحو »، « لغزالکشّاف »، « لغزالصمدیه »، « لغزالکافیه » و « فائده ». نامدارترین اثر بهائی الکشکول، معروف به «کشکول شیخ بهائی» است که مجموعه گرانسنگی از علوم و معارف مختلف و آینه معلومات و مشرب بهائی محسوب می شود.
بهائی در شمار مؤلفان پر اثر در علوم مختلف است و آثار او که تماماً موجز و بدون حشو و زواید است، مورد توجه دانشمندان پس از او قرار گرفته و بر شماری از آنها شروح و حواشی متعدّدی نگاشته شده است. خود بهائی نیز بر بعضی تصانیف خود حاشیه ای مفصّل تر از اصل نوشته است. از برجسته ترین آثار چاپ شده بهائی می توان از اینها نام برد: «مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین» ( تألیف 1015)، که ارائه فقه استدلالی شیعه بر مبنای قرآن (آیات الاحکام) و حدیث است. این اثر دارای مقدمه بسیار مهمی در تقسیم احادیث و معانی برخی اصطلاحات حدیثی نزد قدما و توجیه تعلیل این تقسیم بندی است. از اثر مذکور تنها باب طهارت نگاشته شده و بهائی در آن از حدود چهارصد حدیث صحیح و حسن بهره برده است؛ «جامع عباسی»، از نخستین و معروفترین رساله ِهای

علمیّه به زبان فارسی؛ « حبل المتین فی اِحکام احکام الدّین » (تألیف 1007) در فقه که تا پایان صلوه نوشته است و در آن به شرح و تفسیر بیش از یکهزار حدیث فقهی پرداخته شده است؛ « الاثنا عشریه » در پنج باب طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم و حج است. بهائی دراین اثر بدیع، مسائل فقهی هر باب را به قسمی ابتکاری بر عدد دوازده تطبیق کرده است، خود وی نیز بر آن شرح نگاشته است.
«زبده الاصول» این کتاب تا مدتها کتاب درسی حوزه های علمی شیعه بود و دارای بیش از چهل شرح و حاشیه و نظم است. « الاربعون حدیثاً » (تألیف 995) معروف به اربعین بهائی ؛ « مفتاح الفلاح » (تألیف 1015) در اعمال و اذکار شبانه روز به همراه تفسیر سورة حمد. این اثر کم نظیر که گفته می شود مورد توجه و تأیید امامان معصوم علیه السّلام قرار گرفته است.
«حدائق الصالحین» (ناتمام)، شرحی است بر صحیفة سجادیه که هر یک از ادعیة آن با نام مناسبی شرح شده است. از این اثر تنها الحدیقه الهلالیّه در شرح دعای رؤیت هلال (دعای چهل و سوم صحیفة سجادیه) در دست است.
«حدیقة هلالیّه » شامل تحقیقات و فوائد نجومی ارزنده است که سایر شارحان صحیفه از جمله سیّد علیخان مدنی در شرح خود موسوم ریاض السالکین از آن بسیار استفاده کرده اند. همچنین فوائد و نکات ادبی، عرفانی، فقهی و حدیثی بسیار در این اثر موجز به چشم می خورد. بنا بر قـول کلیة کسـانی که در احوال شیخ سخن گفته اند. وی نزد پدر تفسیر ، حدیث و عربیت و امثال این ها راآموخت و پس از محضر استادان دیگر از جمله مولانا عبدالله مدرس(1) یزدی حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را نزد ملاعلی مذهّب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقرین زین العابدین یزدی ریاضی را آموخت و در طب از حکیم عماد الدین مسعود کسب فیض نموده ». (نفیسی : 1368 ، ص 17 ) بهاءالدین محمّد عاملی در عصر خود ، چه در دانش و چه در اخلاق از مردان بزرگ جهان به شمار می رفت .
وی در علوم ریاضی و نجوم و هیأت استاد مسلم عصر خود بود وپس از یکصد سال که این علم در ایران رواجی نداشت . برای نخستین بار در اواخر قرن دهم و ابتدای قرن یازدهم هجری قمری این علوم را درهرات آموخته است و بار دیگر در ایران رواج داد . خدمات شیخ بهائی:
در عرف مردم ایران، شیخ بهائی به مهارت در ریاضی و معماری و مهندسی معروف بوده و هنوز هم به همین صفت معروف است، چنانکه معماری مسجد امام اصفهان و مهندسی حصار نجف را به او نسبت می دهند. و نیز شاخصی برای تعیین اوقات شبانه روز از روی سایه آفتاب یا به

اصطلاح فنی، ساعت آفتاب یا صفحه آفتابی و یا ساعت ظلی در مغرب مسجد امام (مسجد شاه سابق) در اصفهان هست که می گویند وی ساخته است.
در احاطه وی در مهندسی مساحی تردید نیست و بهترین نمونه که هنوز در میان است، نخست تقسیم آب زاینده رود به محلات اصفهان و قرای مجاور رودخانه است که معروف است هیئتی در آن زمان از جانب شاه عباس به ریاست شیخ بهائی مأمور شده و ترتیب بسیار دقیق و درستی با منتهای عدالت و دقت علمی در باب حق آب هر ده و آبادی و محله و بردن آب و ساختن مادیها داده اند که هنوز به همان ترتیب معمول است و اصل طومار آن در اصفهان هست.
دیگر از کارهای علمی که به بهائی نسبت می دهند طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان است که به نام قنات زرین کمر، یکی از بزرگترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن 9 فرسنگ است و به 11 جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود و طرح ریزی این کاریز را نیز از مرحوم بهائی می دانند.
دیگر از کارهای شیخ بهائی، تعیین سمت قبله مسجد امام به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه جنوب و خاتمه دادن به یک سلسله اختلاف نظر بود که مفتیان ابتدای عهد صفوی راجع به تشخیص قبله عراقین در مدت یک قرن و نیم اختلاف داشته اند.
یکی دیگر از کارهای شگفت که به بهائی نسبت می دهند، ساختمان گلخن گرمابه ای که هنوز در اصفهان مانده و به حمام شیخ بهائی یا حمام شیخ معروف است و آن حمام در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه معروف به درب امام واقع است و مردم اصفهان از دیر باز همواره عقیده داشته اند که گلخن آن گرمابه را بهائی چنان ساخته که با شمعی گرم می شد و در زیر پاتیل گلخن فضای تهی تعبیه کرده و شمعی افروخته در میان آن گذاشته و آن فضا را بسته بود و شمع تا مدتهای مدید همچنان می سوخت و آب حمام بدان وسیله گرم می شد و خود گفته بود که اگر روزی آن فضا را بشکافند، شمع خاموش خواهد شد و گلخن از کار می افتد و چون پس از مدتی به تعمیر گرمابه پرداختند و آن محوطه را شکافتند، فوراً شمع خاموش شد و دیگر از آن پس نتوانستند بسازند.
همچنین طراحی منار جنبان اصفهان که هم اکنون نیز پا برجاست به او نسبت داده می شود. استادان شیخ بهائی:
آن طور که مؤلف عالم آرا آورده است، استادان او بجز پدرش از این قرار بوده اند: "تفسیر و حدیث و عربیت و امثال آن را از پدر و حکمت و کلام و بعضی علوم منقول را از مولانا عبدالله مدرس یزدی مؤلف مشهور حاشیه بر تهذیب منطق معروف به حاشیه ملا عبدالله آموخت. ریاضی را از ملا

علی مذهب ملا افضل قاضی مدرس سرکار فیض کاشانی فرا گرفت و طب را از حکیم عماد الدین محمود آموخت و در اندک زمانی در منقول و معقول پیش رفت و به تصنیف کتاب پرداخت."
مؤلف روضات الجنات استادان او را پدرش و محمد بن محمد بن محمد ابی الطیف مقدسی می شمارد و گوید که صحیح بخاری را نزد او خوانده است. علاوه بر استادان فوق در ریاضی، بهائی نزد ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی مؤلف کتاب مطالع الانوار در هیئت و عیون الحساب که از ریاضی دانان عصر خود بوده نیز درس خوانده است. شاگردان شیخ بهایی : برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده‌اند و بعضی از آنان، اشخاص زیر هستند:
1- صدرالدین محمد ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا، فیلسوف معروف.
2- ملا محمد محسن بن مرتضی بن محمود، معروف به فیض کاشانی، صاحب تفسیر صافی.
3- ملا عزالدین فراهانی مشهور به علینقی کمره‌ای، شاعر معروف قرن یازدهم .
4- ملا محمدباقر بن محمد مؤمن خراسانی، معروف به محقق شیخ الاسلام.
5- شیخ جواد بغدادی، مشهور به فاضل جواد، صاحب شرح خلاصة الحساب و زبدة فی الاصول.
6- ملا محمدتقی بن مقصود علی مجلسی، صاحب روضة المتقین(م 1070) .
7- سید عزالدین حسینی کرکی عاملی، مشهور به مجتهد مفتی اصفهانی.
سخنی در تاریخ وفات شیخ
در مورد تاریخ وفات شیخ بهایی اقوال گوناگونی وجود دارد، صاحب «تاریخ عالم آرای عباسی» که از مآخذ مورد اعتماد است، می‌گوید که در شب چهارم شوال سال1030 ه.ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا این که در شب 11 شوال درگذشت، و چون وی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند.
صاحب روضات الجنات می‌گوید که چون شیخ درگذشت، پنجاه هزار نفر بر

جنازه وی نماز گزاردند و در تاریخ فوت وی گفته‌اند: «بی سر و پا گشت و شرع و افسر فضل اوفتاد.» مقصود از «بی‌سر و پا گشت شرع» این است که شین و عین از آغاز و آخر شرع می‌افتد، و «راء» می‌ماند که 200 باشد، و «افسر فضل اوفتاد»، یعنی «فاء» از آغاز آن ساقط می‌شود و «ضاء» که 800 و «لام» که 30 باشد می‌ماند و روی هم رفته،1030می‌شود.
صاحب کتاب تنبیهات می‌گوید که سال یک هزار و سی هجری، مریخ در عقرب راجع شد، و شیخ پس از یک هفته مریضی به رحمت ایزدی پیوست.
اعتماد الدوله میرزا ابو طالب در تاریخ رحلت وی گفته است:
رفت چون شیخ از این دار فنای گشت ایوان جنانش ماوای دوستی جست ز من تاریخش گفتمش «شیخ بهاء الدین وای» که از جمله آخر بدون همزه «بهاء»، عدد 1030 به دست می‌آید.
صاحب مطلع الشمس می‌گوید که در چهارم شوال سال 1030 هجری شمسی مریض گشت و در سه‌شنبه دوازدهم رحلت نمود و جسد شریفش به مشهد نقل شد.
صاحب امل الآمل در مورد تاریخ وفات شیخ گوید که از مشایخ خود شنیدم که در سال 1030 هجری قمری درگذشت.
ولی صاحب قصص العلماء تاریخ درگذشت وی را سال 1031 هجری قمری ذکر کرده است.
صاحب سلافة العصر، تاریخ وفات شیخ را دوازده روز مانده از شوال سال 1031 هجری قمری نوشته است، و در کتاب دیگر خویش موسوم به حدائق الندیه فی شرح الفوائد الصمدیه در دوازدهم شوال سال 1030 هجری قمری ذکر کرده است و ممکن است در چاپ کتاب اول تحریفی شده باشد. به طور کلی آنچه از این اقوال برمی‌آید، وفات شیخ در دوازدهم شوال سال1030 یا 1031 هجری قمری اتفاق افتاده است و چون صاحب تاریخ عالم آرای عباسی که نظرش معتبرتر از دیگران است، و همچنین کتاب تنبیهات که تالیف خود را چند ماه بعد از آن واقعه نوشته است، سال 1030 را ذکر کرده‌اند، از این رو گفته کسانی که وفات شیخ را در این سال نوشته‌اند، صحیح‌تر به نظر می‌رسد.
در این صورت وفات شیخ در دوازدهم ماه شوال سال 1030 ه.ق در شهر اصفهان روی داده است.
وقتی شیخ بهایی رحلت کرد، شاه عباس در ییلاق بود و اعیان شهر جنازه او را برداشتند و ازدحام مردم به اندازه‌ای بود که در میدان نقش جهان جا نبود که جنازه او را حرکت دهند. در مسجد جامع عتیق به آب چاه غسل دادند و علماء بر او نماز گزاردند و در بقعه‌ای منسوب به امام زین العابدین(علیه السلام) که مدفن دو امامزاده است، گذاشتند و از آنجا به

مشهد بردند و به وصیت خود او در پائین پا، در جایی که هنگام توقف در مشهد در آنجا درس می‌گفت، به خاکش سپردند. نمونه اشعار :

تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد که سرآید غم هجران تو یا نه
ای تیره غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد
دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
روزی که برفتند حریفان پی هر کار
زاهد سوی مسجد شد و من جانب خمار
من یار طلب کردم و او جلوه گه یار
حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار
او خانه همی جوید و من صاحب خانه
هر در که زنم صاحب آن خانه تویی تو
هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو
در میکده و دیر که جانانه تویی تو
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو
مقصود تویی ...کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم ..من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچهء بشکفتهء این باغ که بوید
هر کس به بهانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه
بیچاره بهایی که دلش زار غم توست
هر چند که عاصی است ز خیل خدم توست
امید وی از عاطفت دم به دم توست
تقصیر "خیالی" به امید کرم توست

یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
نصایح شیخ بهایی به فرزندش
اگر پیامبر هم باشد از زبان مردم آسوده نیست.
اگر بسیار کار کند، می‌گویند احمق است.
اگر کم کار کند، می‌گویند تنبل است.
اگر بخشش کند می‌گویند افراط می‌کند.
اگر ثروت اندوزی کند، می‌گویند بخیل است.
اگر ساکت و خاموش باشد می‌گویند لال است.
اگر زبان‌آوری کند، می‌گویند وراج و پر روست.
اگر روزه بدارد و شب‌ها نماز بخواند می‌گویند ریاکار است.
و اگر نماز نخواند می‌گویند کافر و بی دین است.
پس فرزندم نباید به حمد و ثنای مردم اعتنا کرد و جز از خداوند نباید از کسی ترسید . منبع :
سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
سایت مشاهیر ، سایت شهید آوینی
کشکول شیخ بهایی
فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص 211

صالحی مازندرانی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی صالحی مازندرانی
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/7/1
زندگینامه علمی
اینجانب مهدی صالحی شهرت به صالحی مازندرانی در سال 342 در شهرستان بابل مازندران به دنیا آمدم، لازم به ذکر است حقیر از خانواده روحانی و از والده سیده سبزواری که خود برای اعضای خانواده معلم اولیه بوده است. شروع تحصیلات اینجانب در چهار سالگی به مکتب خانه محله با همراهی والدین به حضور استاد مکتبی خواندن قرآن و غیره متداول آن روز را فراگرفتم. پس در روستای نزدیک شهر بابل روستایی دونه سه که محله آباد و بافرهنگ هم بوده و هست مراحل کودکی و دبستان و دوران راهنمایی را با موفقیت به پایان رساندم پس برای ادامه تحصیلات مجدداً به شهر بابل در دبیرستان شیخ کبیر برای رشته تحصیلی در گروه علوم انسانی رشته ادبیات و فرهنگ و ادب مشغول به تحصیل شدم و در سال 1366 دیپلم رشته مربوطه را اخذ نمودم و در همان سال وارد دانشکده حقوق و الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان شدم ولی به علت تهاجم رژیم صدام و حملات هوایی وارد دانشگاه مازندان ادامه تحصیل دادم و در سال 70 در این رشته (کارشناسی مربوط را اخذ نمودم) و در همان سال 71 ـ 70 در دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرج در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شدم و در سال 74 با دفاع از پایان نامه نمودم که در باب نفقه ذوجه در اسلام بود کارشناسی ارشد این رشته شناخته شدم و در همان سال برای تدریس در دانشگاههای ؟؟؟ مازندران بابل در دانشگاه آزاد اسلامی حتی از زمان دانشجویی مشغول تدریس شدم و همزمان در شهرستان آزادشهر به عنوان عضو هیئت علمی رشته مربوطه در دانشکده الهیات مشغول بودم. همچنین در حوزه علمیه شاه آبادی مازندران واحد بابل همکاری لازم را در دروس مطرح شده در این حوزه تدریس می‌نمودم. تا اینکه در کنار همه این فعالیت‌های علمی و آموزشی از آنجا که از خانواده روحانی بودم

زمینه‌های طلبگی در اینجانب وجود داشته در حوزه علمیه فیضه مازندران و صدر بابل (خاتم الانبیاء) به مدت پنج سال مشغول بودم و تا مقطع و سطح یک را تمام نمودم و در سال 77 ه . ش وارد حوزه مقدس علمیه قم شدم و الان مشغول درس خارج فقه و اصول و دروس جنبه‌ای تفسیر و غیره مشغول فعالیت هستم. از آنجایی که در زمینه تبلیغ موفقیت‌هایی داشتم و دارای پرونده به خارج از کشور در سازمان ارتباطات تهران برای کشورهای اروپایی و آسیایی و آفریقایی و آمریکایی در آزمون مربوطه قبول شدم و سفر تبلیغی به هندوستان داشته و دارم لازم به ذکر است که داخل کشور و شهرهای مختلف دعوت به امور تبلیغ هستم. بحمدالله ؟؟؟ رضایت و موفقیت می‌باشم.
و الان هم عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی در راستای کار علمی خودم از سال 74 در تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن مشغول به خدمتگزاری هستم.
اینجانب از آنجایی که عضویت هیئت علمی دانشگاه مربوطه با تایید صلاحیت عمومی و اختصاصی زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاههای کشور می‌باشم در گرایش‌های تخصیصی عمومی رشته‌های مربوطه در تاریخ تحلیلی صدر اسلام و تمدن‌های اسلامی و در اخلاق و فلسفه اخلاق و گرایش تاریخ امامت و غیره به اخذ مجوز نهاد نائل آمدم تا مقدمه ورود به دانشکده معارف اسلامی برای تدریس دروس عمومی شدم. از آنجایی که در دانشگاههای کشور علاوه موارد یاد شده در تهران مرکز و پیام نور و دانشگاه باقرالعلوم قسمت معاونت آموزش ؟؟؟؟ به تدریس دروس تخصیصی شدم و الان هم همکاری لازم با دانشگاه پیامبر نور قم در رشته تخصیصی نمودم و در این زمینه مطالبی هم تدوین نموده‌ام که انشاءالله به زودی برای چاپ مهیا خواهد شد. موضوعاتی در باب نفقه زوجه در اسلام و تاریخ اسلام و اخلاق در قرآن و چند مقاله که با بازنگری و اصلاحات انشاء الله زمینه چاپ فراهم خواهد شد. تا به سهم خودم خدمتی کرده باشم به این فرهنگ غنی و ناب محمدی(ص).

طباطبایی پور، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علیرضا طباطبایی پور
محل تولد : مهدی شهر سمنان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/7/22
زندگینامه علمی
سیدعلی طباطبائی در 29 جمادی الثانی 1386 ه . ق برابر با 22/7/1345 در مهدی شهر سمنان در یک خانواده مذهبی و زحمتکش به دنیا آمدم تا سال 1360 همراه با تحصیلات، مشغول کار و تلاش و فعالیت بودم، در نیمه دوم سال 1360 به لطف الهی وارد حوزه علمیه شدم. چند ماهی در حوزه سمنان ماندم بعد به حوزه تهران منتقل شدم پنج سال در تهران بودم در این مدت مقدمات و سطح را گذراندم و از آنجایی که تهران مرکز مسائل سیاسی بود آن هم در آن زمان حساس این پنج سال برایم یک دوره آموزش سیاسی اجتماعی محسوب می‌شد ولی هرگز مسائل سیاسی اجتماعی مرا از درس غافل نمی‌کرد.
در فروردین 1366 به قم آمدم بعد از اتمام سطح درس خارج اصول را خدمت آیت الله حاج شیخ جواد تبریزی گذراندم و خارج فقه را همواره در محضر مبارک حضرت آیت الله جوادی آملی دامت برکاته توفیق حضور داشتم.
بر اساس کلام نورانی حضرت امام سجاد(ع) (هَلَکَ مَنْ لیس له حکیم یرشده) از ابتدای تحصیل به این حقیقت پی بردم که بدون راهنما و هادی، این مسیر رفتی نیست و خطرهای گوناگون انسان را تحدید می‌کند لذا از همان زمانی‌که به قم آمدم (بلکه علت اصلی آمدنم به قم) گمشده خویش را در وجود عالم ربانی، حکیم مرشد الهی حضرت آیت الله علامه جوادی آملی دامت برکاته یافتم و دست بیعت به او دادم و همواره راهنمایی‌های ایشان چراغ فروزان زندگی من بوده و هست.
در ابتداء ورود به قم فرمودند باید چهار درس رسمی داشته باشید فقه، اصول، تفسیر و معقول، لذا در کنار درس فقه و اصول حدود هشت سال از درس پرفروغ تفسیر قرآن ایشان استفاده کردم که واقعاً شبستان مسجد اعظم در این دوران برایم بیت المعمور بود.

در معقول آن حکیم فرزانه اصرار داشتند که قبل از فلسفه باید یک دوره کلام ببینید لذا کتابهای که در این رشته خوانده شد عبارت بود از: باب حادی عشر بعد شرح تجرید بعد بدایة الحکمة بعد نهایة الحکمة این کتاب را خدمت استاد بزرگوار آیة الله مصباح یزدی استفاده کردم، خواندن این کتاب یک سرفصل دیگری در مسائل فلسفی برایم بود، آنگاه آن مربی الهی فرمودند قبل از حکمت متعالیه باید یک دوره حکمت مشاء ببینید لذا کتاب عظیم الشأن شرح اشارات را خدمت بزرگ حکیم و عارف دوران حضرت آیت الله الحق جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته خواندیم با خواندن این کتاب نزد آن حکیم متأله دنیای دیگری به سوی ما باز شد و تحوّل اساسی در زندگی برایم به وجود آورد، در دفتری گفته‌ام:

اشارات شمع شب‌های پرسوز من اشارات شاهد دردهای دلسوز من
نمط‌های او کسب و کار هر روز من مقامات او باعث ناله‌های جگرسوز من
چه خوش، وقت درسش وقت هر روز من که شب‌های تارم شده روز من

با ارشارات حضرت استاد فقط خواندن کتاب نبود هم مباحثه بسیار قوی و معنوی داشتم هم تقریرات درس نوشته می‌شد آن هم با یک روش درست و با راهنمایی آن بزرگوار، یادداشت‌های شرح اشارات یکی از مهم‌ترین و پرثمرترین ذخیره در آثار علمی ماست.

بعد از اتمام شرح اشارات وارد دریای عظیم اسفار شدیم امور عامه اسفار را خدمت استاد عظیم الشأن آیت الله حسن‌زده آملی خواندم اگرچه خیلی از مباحث کلیدی اسفار را دوبار درس گرفتم یعنی بار دوم خدمت استاد متأله آیت الله جوادی آملی دامت برکاته استفاده کردم، الهیات اخص و سفر نفس اسفار را هم خدمت همین بزرگوار درس گرفتم، از آنجایی که درسها بر اساس برنامه و طی مقدمات لازم خوانده می‌شد هیچ‌گاه در مباحث متحیّر نبودم بلکه مباحث کتابها را رصد می‌کردم و همراه هر کتابی چندین جزوه و یادداشت به لحاظ موضوعات گوناگون داشتم وقتی مرحله ششم اسفار یعنی بحث علت و معلول تمام شد (جلد دوم اسفار) فرمودند باید کتاب تمهید القواعد صائن الدین علی بن تُرکه را ببینید که اولین کتاب درسی در عرفان نظری می‌باشد این کتاب عزیز الوجود را خدمت خود ایشان یعنی آیت الله جوادی آملی دامت برکاته درس گرفتیم واقعاً آن دوران خوش برایم لیلةالقدر بود، بعد از اتمام تمهید القواعد کتاب گرانقدر فصوص یعنی شرح جناب علامة قیصری بر فصوص الحکم محیی الدین عربی را در محضر انور عارف مستقیم آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته از اول تا آخر استفاده کردیم بعد کتاب مصباح الأنس یعنی شرح جناب ابن فناری بر مفتاح غیب الجمع و الوجود صدر الدین قونوی که سومین کتاب درسی عرفان نظری می‌باشد خدمت همان بزرگ عارف دوران خوانده شد. در ابتدا کتاب مصباح الانس یک

خاطره شیرین نوشته‌ام که عین آن خاطره را در این‌جا می‌آوریم:
«در سحر روز جمعه 14 جمادی الاول 1412 برای مشرف شدن خدمت حضرت آیت الله حکیم متأله، عالم ربانی، عارف مستقیم جناب آقای حسن‌زاده آملی دامت برکاته از محضر قرآن کریم به قصد استجازه استخاره نمودم این آیه آمد (و نادیناهُ من جانِبِ الطُّورِ الاَیمن و قربناءُ نجّینا) (مریم: 52) ساعت 10 صبح همان روز خدمت آن جناب رسیدم فرمودند ما کتاب مصباح الأنس را شروع کرده‌ایم شما هم شرکت کنید و این آیه در استخاره برای دعوت به این درس بوده است و ما از شما دعوت می‌کنیم، بعد فرمودند این را به عنوان خاطره بنویسید».
به حول و قوه الهی حدود 15 سال است که مشغول تدریس فقه، فلسفه، منطق و کلام در حوزه علمیه قم هستم و هم‌اکنون یعنی سال 1385 مشغول تدریس شرح اشارات و نهایة الحکمة (دوره دوم) شرح منظومه (دوره دوم) می‌باشم و تفسیر موضوعی نهج البلاغه را نیز چهار سال است شروع کردم.
از آنجایی که معرفت نفس در سرنوشت و سعادت انسان نقش اساسی دارد و تا انسان خود را نشناسد و حیات انسانی را درک نکند نمی‌تواند زندگی هدفمند داشته باشد و زندگی بدون هدف مردگی است و تحصیلات بدون هدف دوام و لذت نخواهد داشت و اشتغال علمی بدون هدف متعالی و جهت مشخص ثمره‌ای جز سرگردانی و حیرت ندارد لذا یکی از کارهای مهمی که به عنایت الهی در حوزه علمیه قم انجام دادیم تدریس معرفت نفس بوده است.
اگرچه بسیاری از بزرگان علم و اندیشه پیرامون معرفت نفس کتابها نوشته‌اند ولی آثار استاد اعظم ما در معارف الهی حضرت آیت الله حسن‌زاده آملی دامت برکاته در این موضوع حقیقتاً بدیع و کم‌نظیر است بر این اساس همراه درسهای معقول و منقول ابتدا کتاب شریف دروس معرفت نفس در جمع عده‌ای اهل صفا و معنویت تدریس شد بعد از آن کتاب دروس اتحاد عاقل به معقول تدریس شد و آنگاه کتاب بی‌نظیر عیون مسائل النفس و هم‌اکنون دوره دوم معرفت نفس را هم مشغول هستیم، تدریس این سه کتاب پیرامون معرفت نفس در طول هم هدف اصلی ماست و حضرت استاد هم چند بار به ما اصرار فرمودند که عیون مسائل النفس را در حوزه علمیه قم تدریس کنید در تأسیس و ترویج این رشته درسی تأیید، تشویق و دعای آن استاد بی‌بدیل، بدرقه راه ما بوده و هست.
هر کسی به حسب حال خود در زندگی، خوشی و تلخی دیده و در مسیر زندگی با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو می‌شود من نیز به نوبه خود با حوادث سرد و گرم زندگی دست و پنجه نرم کرده‌ام در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده بقیه را به درس و

مطالعه می‌پرداختم، امدادهای الهی را در زندگی بسیار دیده‌ام که مرا از پرتگاه خطر نجات داده است، خاطرات آموزنده، و گفتنی‌های در زندگی فراوان دارم ولی با نقل یک خاطره این اوراق را ختم می‌کنم.
در اوائل ورودم به حوزه مطالب علمی را دیر می‌فهمیدم و فهمیده‌ها را هم زود فراموش می‌کردم از طرفی کسی را هم نداشتم تا مرا راهنمایی کند و یا بار اندازه روحی من باشد ولی این را می‌دانستم و اعتقاد داشتم که این خانه را صاحب خانه‌ای است به امید او به حوزه آمده بودم تا این‌که با آن وضعیت، کاسه صبرم لبریز شد از بی‌کسی دلِ شکسته داشتم روزی درب حجره را از پشت بستم و در یک توسل جدی و سرنوشت ساز محضر مبارک ولیعصر(عج) به آن حضرت عرض کردم من جای دیگر و کس دیگر ندارم یا اجازه فرمایید دفتر عمرم بسته شود یا توفیق فهم و درک معارف را به من عنایت فرمائید، از آن روز عنایت فرمائید، از آن روز عنایت حضرت شامل حال ما شد و در حقیقت تولد دیگر یافتم و دوران تحصیلم آغاز شد خدا را سپاسگذارم از آن روز تاکنون از درس و بحث علمی خسته نشدم و هر چیز غیر از مسائل علمی برایم قسری می‌باشد.
من به سرچشمه خورشید نه به خود بردم راه ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
من خس بی‌سروپایم که به سیل افتادم او که می‌رفت مرا هم بدل دریا برد

طباطبایی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از خاندانی دانش‌پرور برخاسته‌اند و تا چهارده پشت ایشان از دانشمندان و علمای به نام تبریز بوده‌اند. ولادت آن بزرگوار در پایان سال 1321 هجری قمری مصادف با 1282 شمسی بوده است. ایشان در زادگاه خود تحصیلات مقدماتی را به انجام رساند. در سال 1304 رهسپار نجف شدند و ده سال در آن مرکز جهانی علوم اسلامی به تکمیل معلومات خود پرداختند و نزد استادان معروفی مانند نائینی، کمپانی و بادکوبه‌ای دروس بالای فقه و اصول و فلسفه را خواندند. همچنین ریاضیات را نزد سیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان علمی و تفسیر قرآن کریم را از محضر حکیم و عارف وارسته، حاج میرزا علی آقای قاضی طباطبایی آموختند. سپس در سال 1314 به زادگاه خود بازگشت و به سبب تنگی وضع معیشتی مجبور شدند 10 سال در تبریز بمانند. سپس به قم مهاجرت کردند و تا پایان عمر در آنجا به تدریس علوم عقلی و تفسیر قرآن مشغول بودند. علامه در نجف
در سال 1304 علامه طباطبایی، برای گذراندن مراتب عالی دروس حوزوی، به همراه همسر و فرزند نورسیده‌اش «محمد» عازم نجف اشرف شدند و منزل محقری اجاره کردند. غربت نا مأنوس بودن با محیط و گرمای هوا، شرایط ناگواری برای این خانواده کوچک بوجود آورد. تنگی منزل و نبودِ آب خود مزید بر مشکلات بود. در این اوضاع تنها دلخوشی علامه و همسرش محمد کوچک بود. ولی ناگهان بیمار شد و بساط شادمانی خانواده را به یکباره برچید. نبود پزشکان متخصص و لوازم پزشکی مورد نیاز، باعث وخیم شدن حال محمد کوچک و مرگ او شد. فقدان آن کودک در دیار غربت، علامه و همسر مهربانش را در سوگ و ماتم نشاند. مرحوم علامه بار سنگین غم را در دل خود پنهان می‌کرد و همسرش را تسکین می‌داد. مدتی بعد خداوند فرزند دیگری به آ نها عنایت فرمود، ولی این شکوفه نورسته هم پس از یک سال سر به تیره تراب گذاشت و غم این خانواده جوان را تازه کرد. فرزند سوم هم به سرنوشت برادران خود دچار شد و این وضع خاطر لطیف همسر مهربان علامه را آزرده می‌ساخت. علامه طباطبایی به پیشگاه خداوند زاری می‌کرد تا از چنین وضع پریشانی رهایی یابند. روزی آیت الله قاضی طباطبایی که استاد علامه، و از بستگان همسرش بود، به منزل ایشان آمدند و از آنها دلجویی

فرمودند. هنگام رفتن به همسر مرحوم علامه فرمودند این بار فرزندتان پسر است و باقی می‌ماند. نامش را عبدالباقی بگذار تا ان‌شاءالله برایتان بماند. علامه که تا آن زمان از بچه‌دار شدن همسرش خبر نداشت، متحیر ماند اما سرانجام پیش‌بینی این عارف وارسته درست درآمد و خداوند فرزندی به آنها عنایت فرمود. وضعیت معیشتی
علامه طباطبایی به اتفاق همسر و برادرش به مدت ده سال در نجف اشرف اقامت داشت. آن حکیم الهی ضمن کسب معارف فقهی، عرفانی و فلسفی، موفق به تدوین آثاری در حکمت و کلام شد. اما در اواخر این دوران از جهت معیشتی با مشکل روبرو شد؛ زیرا نسبت به مصرف سهم امام و بیت‌المال حساس بود و هزینه زندگی را با درآمد ملکی موروثی‌اش در تبریز اداره می‌کرد که از تبریز به نجف حواله می‌شد. در اواخر اقامت علامه، دولت از ارسال وجوه به خارج کشور جلوگیری کردو دیگر مبلغی به دست علامه بزرگوار نرسید و دچار تنگنا شد. مدتی را به صرفه جویی شدید و فروش اثاث منزل و قرض گرفتن گذراندند و در انتظار رسیدن پول بودند، تا اینکه به طور غیرمنتظره وجهی از ایران رسید و علامه پس از پرداخت بدهی‌ها عازم ایران شد. همسر علامه طباطبایی
قمرالسادات، همسر علامه، از خانواده متدین و پاک طینت طباطبایی، زنی بود که در سیر تکاملی و سلوک علامه نقش مؤثر داشت. خانمی که همه عمر را در طبق اخلاص گذاشت و در راه این عارف والامقام تقدیم کرد. دشوارترین مشقّت‌ها را در غربت شهرهای نجف و قم تحمل کرد و حتی یک بار هم گلایه نکرد. مهندس سیدعبدالباقی طباطبایی، فرزند این خانواده می‌گوید: هنگامی که خواستیم به قم عزیمت کنیم به مادرم گفتم: شب عید که وقت مسافرت نیست؛ در این هوای سرد کجا می‌خواهیم برویم؟ مادرم نگاهی به من کرد و در حالی که اشک چشمانش را پاک می‌کرد این شعر را خواند:

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست
می‌کشد هرجا که خاطرخواه اوست
رشته برگردن نه از بی‌مهری است
رشته عشق است و بر گردن نکوست قدردانی از همسر

حضرت علامه طباطبایی درباره همسر خود چنین می‌گوید: این زن بود که مرا به اینجا رسانید؛ او شریک من در کارهای علمی است و هرچه نوشته‌ام نصفش مال این خانم است. او به حدی به من کمک می‌کرد که گاه از چگونگی تهیه قبای خود اطلاع نداشتم (به این معنا که می‌رفت پارچه‌ای انتخاب می‌کرد، می‌خرید و پس از دوخت و آماده‌سازی در اختیار ایشان قرار می‌داد) وقتی مشغول تحقیق و پژوهش بودم، با من سخن نمی‌گفت و سعی می‌کرد، شرایط آرامی برایم ایجاد کند، رشته افکارم گسسته

نشود و هر ساعت در اطاق مرا باز می‌کرد و آرام چای را می‌گذاشت و می‌رفت. مرحوم علامه به همسر باوفایش عشق می‌ورزید و برایش احترام بسیاری قائل بود. پس از مرگش تا مدتها مرحوم علامه هر روز بر سر قبرش حاضر می‌شد و در فقدان او ناباورانه اشک می‌ریخت و این مهر دوسویه همگان را به تعجب وا داشته بود. بی‌آلایشی و ساده زیستی

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی، از شاگردان علامه طباطبایی می‌گوید: آیت الله حجت تصمیم به توسعه مدرسه حجتیه قم گرفت. زمین‌هایی را خرید و در پی آن بود که نقشه مناسبی برای مدرسه تهیّه کند تا طرح جامع‌اش را اجرا کند. مهندسان نقشه‌های متعددی کشیدند ولی ایشان نپسندید. سرانجام شنیدیم سیدی از تبریز آمده و نقشه‌ای رسم کرده که مورد پسند آیت الله حجت واقع شده است. همچنین شنیدیم این سید در ریاضیات و فلسفه استاد است و درس فلسفه‌ای شروع کرده است. بسیار مشتاق زیارت ایشان بودیم تا اینکه روزی یکی از دوستان آمد و گفت آقای قاضی از زیارت مشهد برگشته، بیاید به دیدنش برویم. چون به منزل‌شان وارد شدیم، متوجه شدیم آن مرد معروف و آن فیلسوف و ریاضی‌دان همان سیدی است که ما هر روز او را در کوچه می‌دیدیم و از بس ساده زیست و بی‌آلایش بود، حتی احتمال نمی‌دادیم اهل علم باشد، چه رسد به اینکه فیلسوف و دانشمند باشد. تواضع استاد

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تواضع استاد خود علامه طباطبایی می‌گوید: از زمان طلبگی، ما در قم به منزل ایشان رفت و آمد داشتیم و هیچگاه نشد با ایشان به جماعت نماز بخوانیم و این غصه در دل ما مانده بود که جماعت ایشان را درک نکرده‌ایم. سالی در ماه شعبان به مشهد مقدس مشرف شدند و مهمان ما بودند. موقع نماز مغرب سجاده‌ای برای ایشان و یکی از همراهان پهن کردم و از اطاق خارج شدم؛ به امید اینکه استاد به نماز مشغول شوند و سپس من داخل شوم و نماز را به امامت حضرت علامه بخوانم. قریب یک ربع ساعت از مغرب گذشت، آن رفیق همراه، مرا صدا زد و گفت: ایشان همینطور نشسته و منتظر شماست. آمدم محضر استاد عرض کردم: چهل سال است از شما تقاضا کرده‌ام که یک نماز با شما بخوانم ولی تا به حال نشده است قبول بفرمایید ما به شما اقتدا کنیم. با تبسم ملیحی فرمودند: یک سال دیگر هم روی آن چهل سال ! سرانجام بنده را مجبور به امامت جماعت کردند.

آیت الله سیدمحمدحسین طهرانی در وصف تفسیر گران سنگ مرحوم علامه طباطبایی، المیزان، می‌گوید: روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز حوزه‌های علمیه به ارزش واقعی تفسیر شریف المیزان پی نبرده‌اند و اگر حوزه علمیه به تدریس و تحقیق این کتاب با ارزش مشغول شود و پیوسته این کار را ادامه دهد، پس از دویست سال ارزش این کتاب معلوم

خواهد شد و باز عرض کردم: وقتی به مطالعه این کتاب مشغول می‌شوم در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و از راه موازنه و تطبیق آیات معنی را بیرون می‌کشید، جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آنرا بر زبان شما جاری ساخته است؛ تعبیر دیگری ندارم. ایشان سری تکان دادند و فرمودند: این فقط حسن نظر شما است. ما کاری نکرده‌ایم. عظمت روح و هیبت استاد

آیت الله محمدتقی مصباح یزدی پیرامون شخصیت علامه طباطبایی می‌گوید: علامه طباطبایی مظهر متانت، وقار، طمأنینه، عزت نفس، توکل، اخلاص، تواضع، عطوفت و دیگر مکارم اخلاقی بودند. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود. بر مجلس ایشان چنان هیبتی سایه می‌افکند که حضار را در سکوتی ژرف و پر تأمل فرو می‌برد و انسان را به یاد شعر فرزدق می‌انداخت که در مدح امام سجاد(ع) گفته است: او از بس حیا و شرم و ادب داشت به هیچ کس زل نمی‌زند و نگاهش به زمین بود، ولی دیگران از شدت هیبت و جذبه او نمی‌توانستند در چهره‌اش خیره شوند.

به خاطر دارم که روشندلی در محضر ایشان با چشمانی اشکبار می‌گفت: در شگفتم که چگونه زمین، سنگینی چنین مردانی را تحمل می‌کند. رابطه با مجامع علمی و دانشگاهی

علامه طباطبایی علاوه بر تشویق دانش پژوهان و تلاش در تربیت شاگردانی مانند شهید مطهری و شهید بهشتی عنایت خاصی به گسترش معارف اسلامی در خارج از حوزه علمیه داشتند و از این رو، با دانشگاه استادان دانشگاه رابطه داشتند. از ثمرات این رابطه، کتاب گرانسنگ و بی‌بدیل اصول فلسفه و روش رئالیسم است که از اولین نگارشهای شناخت‌شناسی در حوزه فلسفه اسلامی است. آن فیلسوف فرزانه عنایت خاصی به ایجاد رابطه با آن مستشرقان و روشنفکران غربی داشتند که به تحقیق درباره اسلام علاقه‌مند بودند. هانری کربن، که از متدین‌ترین مستشرقان است، چندین سال در کنار علامه بزرگوار شاگردی کرد و حتی در مجلس‌های انس عارفانه مرحوم علامه مانند تفسیر اشعار حافظ شرکت می‌جست. احیای معارف اسلامی

آیت الله مصباح یزدی درباره نقش علامه طباطبایی در احیای معارف اسلامی چنین می‌گوید: برای اینکه تأثیر فعالیت‌های علمی و فرهنگی علامه بزرگوار در جامعه ایران و جوامع اسلامی و کل جهان ارزیابی شود، توجه به دو نکته ضرورت دارد. اول آنکه اهمیت کارهای فرهنگی را در جامعه بدانیم و نکته دوم شناخت کامل جامعه قبل از طلوع خورشید وجود علامه طباطبایی است؛ یعنی دانستن اینکه جامعه در چه وضعی بود و چه کمبودهایی داشت. این مسلم است که فعالیتِ فرهنگی برای یک جامعه

زنده از ضروری‌ترین فعالیت‌های اجتماعی و تأثیر آن برای رشد جامعه از هر عاملی مؤثرتر است. مرحوم علامه نیز هنگامی به حوزه علمیه قم قدم گذاشت که این نهال نورسته علمی تازه به مرحله رشد پاگذاشته بود و سخت نیازمند باغبان توانا و دلسوزی بود تا بتواند آن را بارور کند. در چنین اوضاعی آن فیلسوف و دانشمند جامع، با شناختی که از نیازهای جامعه داشت، به تربیت نیروهای کارآمد پرداخت. ایجاد تحول در حوزه علمیه

علامه طباطبایی درباره وضعیت تحصیلی حوزه علمیه چنین فرموده‌اند: وقتی به قم آمدم مطالعه‌ای در وضع تحصیلی حوزه کردم و یک فکری درباره نیاز جامعه اسلامی بین آن نیاز و آنچه در حوزه موجود بود چندان تناسبی ندیدم. جامعه ما احتیاج داشت به عنوان جامعه اسلامی قرآن را درست بشناسد و از گنجینه‌های علوم این کتاب عظیم الهی بهره‌برداری کند. ولی در حوزه‌های علمیه حتی یک درس رسمی تفسیر قرآن وجود نداشت. جامعه ما برای اینکه بتواند عقاید خودش را در مقابل عقاید دیگران عرضه و از آنها دفاع کند، به قدرت استدلال عقلی نیاز داشت. پس به درسهایی در حوزه مورد نیاز بود که قدرت تعقل و استدلال را بالا ببرد. ولی از بحث‌های عقلی و فلسفه خبری نبود و تفسیر قرآن نه تنها به عنوان یک درس مطرح نبود، مورد مذمّت هم بود. از احادیث هم احادیث عقلی و اعتقادی مورد انزوا واقع شده بود. ذهن فلسفی و روش تفسیری

شهید آیت اللّه مطهری درباره ذهن فلسفی و روش تفسیری استاد خود علامه طباطبایی چنین می‌گوید: علامه طباطبایی، چند نظریه در فلسفه دارند؛ نظریاتی در سطح جهانی که شاید 50 تا 60 سال دیگر ارزش اینها روشن بشود ولی خود ما قدر خودمان را نمی‌دانیم. ایشان در وصف تفسیر المیزان می‌گوید: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد، من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است. کمتر مشکلی در مسائل اسلامی و دینی برایم پیش آمده که کلید حل آن را در المیزان نیابم. ذوق و قریحه شعری

عارف وارسته، سیدمحمدحسین طباطبایی، دارای روح لطیف، ذوقی عالی و لطافت خاصی بودند. در اشعار عرب به شعرهای «ابن فارض» بویژه نظم السلوک او علاقه‌مند بودند و در اشعار فارسی دیوان حافظ شیرازی را می‌ستودند و گهگاه برای دوستان غزلی آرام آرام می‌خواندند. او خود نیز دارای قریحه شعری بود و غزل‌های

مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد
رخ شطرنج نبرد آنچه رخ زیبا برد
تو مپندار که مجنون سرِ خود مجنون گشت
از سَمَک تا به سمایش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذرّه‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) و استادشان آیت الله قاضی(رحمت الله علیه)
آیت الله سیدمحمدحسین طباطبایی از محضر استادان گرانقدری بهره برده است، اما آنکه مورد عنایت مرحوم علامه بود و بارها نامش را به عظمت یاد می‌کرد، آیت الله میرزا علی آقای قاضی طباطبایی است. علامه بزرگوار می‌فرمود: ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، چه در زمینه علوم و چه در زمینه اخلاق و معارف الهی. آن عارف وارسته و یگانه عصر ما در عرفان عملی و سیر و سلوک الی اللّه، گوهر کمال را در وجود علامه طباطبایی یافت و در همان اوایل ورود ایشان به نجف، او را تحت تربیت خود قرار داد و این شاگرد نیز چه خوش درخشید و کوشش‌های استاد را به بار نشاند. آیت الله شیخ محمدتقی آملی(ره) می‌فرماید: اگر بناست تحت تصرف انسان کاملی باشید، من بهتر از آقای طباطبایی کسی را نمی‌شناسم او از بهترین شاگردان مرحوم قاضی است و همان وقت هم کشفیاتی داشتند. آثار علامه طباطبایی(رحمت الله علیه)
علامه سیدمحمدحسین طباطبایی تبریزی در اواخر اسفند سال 1324 از تبریز به قم مهاجرت کردند و از همان آغاز خلأیی را در زمینه پرداختن حوزویان به قرآن کریم و علوم عقلی احساس کردند خود ایشان می فرمایند:
«هنگامی که از تبریز به قم آمدم، مطالعه‌ای در نیازهای جامعه اسلامی و مطالعه‌ای در وضع حوزه قم کردم و پس از سنجیدن آنها به این نتیجه رسیدم که این حوزه نیاز شدیدی به تفسیر قرآن دارد، تا مفاهیم والای اصیل ترین متن اسلامی و عظیم ترین امانت الهی را بهتر بشناسد و بهتر بشناساند. ازسوی دیگر چون شبهات مادی رواج یافته بود، نیاز شدیدی به بحث های عقلی و فلسفی وجود داشت، تا حوزه بتواند مبانی فکری و عقیدتی اسلام را با براهین عقلی اثبات و از موضع حق خود، دفاع نماید. از این رو وظیفه شرعی خود دانستم که به یاری خدای متعال، در رفع این دو نیاز ضروری کوشش نمایم».
این تشخیص نیاز و تکلیف شناسی سبب گردید تا مرحوم علامه از همان آغاز رویکردی جدی به مباحث قرآنی و عقلی بیابد. ایشان از سال 1325 ش. دروس تفسیر خود را در قم آغاز کرد و آنچه را که در آن جلسات می فرمود، مکتوب می ساخت تا اینکه نخستین جلد المیزان درسال 1334 منتشر شد. و نگارش این تفسیر شگرف حدود 17 سال به طول انجامید.
تفسیر قرآن برای علامه طباطبایی نه یک کار علمی بلکه ایفای وظیفه و ادای تکلیف بود و این مفسر عارف چه حالات عرفانی و تأثرات قلبی که در هنگام مطالعه بر روی قرآن عظیم پیدا نکرده است.
آقای موسوی همدانی مترجم محترم تفسیر المیزان که برای مقابله و

اطمینان از صحت ترجمه خدمت استاد علامه طباطبایی می‌رسید می‌گوید: در تفسیر قرآن، وقتی به آیات رحمت و یا غضب و توبه برمی‌خوردیم ایشان دگرگون می‌شد و در مواقعی نیز اشک از دیدگانش جاری می‌شد، در این حالت که به شدت منقلب به نظر می‌رسید، می‌کوشید من متوجه حالتش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی می‌خواندم و ایشان تفسیر عربی، که بحث در رحمت پروردگار و آموزش گناهان بود، ناگهان معظم له به قدری متأثر شد که نتوانست به گریستن بی صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع به اشک ریختن کرد.
یکی از مراجع تقلید گذشته عبارت شگفتی درخصوص زحمات طاقت فرسای مرحوم علامه طباطبایی در راه نگارش تفسیر المیزان دارند و می‌فرمایند: علامه طباطبایی خود را در این راه تضحیه کرد یعنی قربانی قرآن نمود.
مرحوم شهید مطهری درباره این کار سترگ گفته است: تفسیر المیزان همه‌اش با فکر نوشته نشد. من معتقدم که بسیاری از این مطالب از الهامات غیبی است.
در عین حال مرحوم علامه این کار عظیم را وظیفه و تکلیفی بیش نمی پندارد که با عنایت خداوندی آن را به انجام رسانده است.
یکی از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: در این تفسیر بین معانی ظاهری و باطنی قرآن و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظ خود را ایفا می‌کنند. این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که آن را می توان به عنوان سند عقاید اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد و به تمام مکتب ها و مذهب ها فرستاد و بر این اساس، آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فراخواند.
اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود و روی محتویات و مطالب آن بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دویست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.
عنایت و توجه خاص مرحوم علامه به روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام برای فهم معانی قرآن از آن رو است که ایشان معتقدند که از اسرار و باطن قرآن کسانی آگاهند که به صفت المطهرون متصف باشند چرا که قرآن می فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الا المطهرون» و از سوی دیگر در آیه تطهیر می فرماید: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»
بنابر این قرآن مطهرون را تنها کسانی می داند که می توانند رموز و ظرایف و اسرار آن را درک کنند و به استناد صریح آیه بعدی ایشان، همانا اهل بیت (ع) می باشند.

همچنین مرحوم علامه طباطبایی در خصوص آیه شریفه «قل لا اسئلکم علیه اجراً الا الموده فی القربی» بگو برای رسالتم از شما مزد و پاداشی جز محبت نزدیکانم نمی‌خواهم؛ معتقدند: مراد از القربی در این آیه، اهل بیت (ع) می‌باشند و می‌نویسند: «علاوه بر اینکه روایتهای چندی از طریق اهل سنت و روایتهای بسیاری از طریق شیعه، بر همین معنی وارد شده است، اخبار متواتری نیز از طریق هر دو طرف بر وجوب مودت و لزوم محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد که این معنی و تفسیر را تأیید می کند».
همچنین ایشان معتقد است که «روایتهای متواتری، از طریق هر دو طرف، از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و... که همه متضمن این است که مردم در فهم کتاب خدا و هر آنچه که در آن است؛ از اصول معارف و فروع دین گرفته تا بیان حقایق آن، باید به اهل بیت (علیهم السلام) رجوع کنند. پس از تأمل کافی در این روایتها دیگر شکی نمی‌ماند که واجب کردن محبت اهل بیت(علیهم السلام) از سوی خدا و اجر رسالت قرار دادن آن، برای این است که مردم به اهل بیت(علیهم السلام) مراجعه کنند و آنها را ملجأ و مرجع علمی خویش دانند.
مرحوم علامه (ره) همانگونه که استاد شهید مطهری گفته‌اند در تفسیر قرآن از الهامات و توجهات غیبی محروم نمانده‌اند خود ایشان معتقدند که «یک حقیقت قرآنی وجود دارد که نمی‌شود انکار کرد و آن این است که هرگاه انسان به وادی ولایت الهی گام نهاد و به ساحت قدس و کبریا نزدیک گشت، دری از ملکوت آسمانها و زمین به رویش گشوده می‌شود که از آن آیات کبری و انوار جبروت الهی را که بر دیگران مخفی است مشاهده می‌کند».
و از همین جاست که حضرت ایشان می‌فرماید:
خم ابروی تو بود و کف مینوی تو بود
که به یک جلوه زمن نام و نشان یکجا برد
و در جای دیگری می فرماید:
تو مپندار که مجنون سرخود مجنون گشت
از سمک تا به سمائش کشش لیلا برد
من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت
همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد
واقعاً این عنایت الهی به حضرت علامه پاداش اخلاص و صبر ایشان است. آن روز که ایشان به پژوهش و تدریس پیرامون تفسیر و علوم عقلی پرداخت، در میان علما و بزرگان تدریس فقه و اصول، زمینه ساز مرجعیت عامه به شمار می‌رفت و به اصطلاح غیر از فقه و اصول، فضل محسوب

می‌شد.
تحمل مخالفتهای دوستان با تدریس فلسفه و اقناع هر یک از آنان در آن روزگار کار آسانی نبود به خصوص آنکه حربه تکفیر در دستان عده‌ای به ابزاری برای جایگزینی مباحث علمی و مباحثات طلبگی تبدیل شده بود.
علامه معتقد بود آنچه که تکلیف ساز است، نیاز جوامع بشری است و در روزگاری که دانش پژوهان با چمدانهای پر از اشکال و شبهات به مراکز علمی و آموزشی روی می آورند، راهی جز اقناع آنان با استفاده از شیوه‌های استدلالی نیست.
علامه برای نیل به این اهداف هرگز خود را بی‌نیاز از توجه و عنایت خداوند سبب ساز نمی‌دید و تأثیر اساتید بزرگ و خودساخته‌ای همچون مرحوم حاج سیدعلی آقا قاضی (1285-1365 هـ ق) بر حالات روحی و عرفانی مرحوم علامه آنچنان بود که خود ایشان می فرماید: «وقتی درسال 1304 هـ ش برای تحصیل به نجف اشرف رهسپار گردیدم، در نخستین روزها در منزل نشسته و به آینده خود فکر می کردم و برخی افکار نگران کننده از ذهنم عبور می‌کردند. ناگهان شخصی دق الباب کرد. از جا برخاسته و درب را باز کردم، یکی ازعلمای نامدار سلام کرد و داخل منزل شد و خیرمقدم گفت، وی که چهره‌ای جذاب و نورانی داشت کم کم باب گفت و گو را باز کرد و با من انسی گرفت و درضمن بیانات خود گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می‌آید شایسته است علاوه بر فراگیری علوم گوناگون به فکر تهذیب نفس و تکمیل مکارم و کسب فضایل باشد. این جمله را گفت و منزل ما را ترک نمود. سخنان این عارف متشرع ـ آیت الله حاج سیدعلی قاضی ـ چنان مرا شیفته نمود که تا در نجف بودم از محضرش بهره می‌گرفتم».
عشق و ارادت حضرت ایشان به اهل بیت (سلام الله علیهم) و خضوع و خشوع در برابر ولایت و امامت در زندگی ایشان چیزی نبود که از دید نزدیکان و مریدان ایشان هم پنهان بماند.
وقتی از مرحوم شهید مطهری پرسیده می‌شود که دلیل این همه تجلیل شما از علامه طباطبایی برای چیست و چرا تعبیر «روحی فداه» را در مورد ایشان بکار می برید، آن فیلسوف متشرع پاسخ داد: من حکیم و عارف بسیار دیده‌ام و احترام من به ایشان به خاطر علم او نیست بلکه از این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت (سلام الله علیهم) است.
از درخت تنومند معرفت و دانش علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) به جز تفسیر المیزان آثار گران مایه ذیل به یادگار مانده است:
بدایة الحکمة: کتابی که یک دوره تدریس فشردة فلسفه برای دوستداران علوم عقلی در قم و سپس دانشگاههای کشور گردید.
نهایة الحکمة: این اثر برای تدریس فلسفه با توضیحی بیشتر، عمقی افزونتر و سطحی عالیتر تدوین شده است. بر کتابهای بدایة الحکمت و

نهایة الحکمت شروح مختلفی نوشته شده است و می توان گفت که از جمله بهترین کتابهایی هستند که درسده اخیر در گستره فلسفه اسلامی نوشته شده است.
اصول فلسفه و روش رئالیسم: بینش علامه پیرامون نظرات مادیون و ماتریالیستها باعث فراهم آرودن این اثر گردید . این اثر با پاورقیهای استاد شهید مرتضی مطهری همراه است.
حاشیه بر کفایه: کتابی در علم اصول فقه که پیرامون قوانین استنباط احکام به بحث می‌پردازد.
شیعه در اسلام: دورهای کامل از اعتقادات و معارف شیعه در این اثر نفیس به چشم میخورد؛ این کتاب گرانبها به زبانهای مختلف دنیا ترجمه و بارها چاپ شده است.
مجموعه مذاکرات با پروفسور هانری کربن.
خلاصه تعالیم اسلام: این کتاب خلاصه‌ای از آن چه یک مسلمان متعهد باید از آن آگاهی داشته و خود را بدان زینت دهد، بیان کرده است.
روابط اجتماعی در اسلام : انسان و اجتماع و رشد اجتماعی او، پایة زندگی اجتماعی، آزادی در اسلام و... مباحثی است که در این کتاب بدانها پرداخته شده است.
بررسیهای اسلامی: مجموعهای است زرّین از مقالات استاد که بسان دائرة المعارفی از معارف ناب اسلامی جمع آوری شده است.
آموزش دین: کتابی با قلم روان و مطالبی لازم و ضروری است که برای دانش آموزان نوشته شده است.
رسالة انسان قبل از دنیا: در دنیا و بعد از دنیا، این کتاب که اکنون با نام «انسان از آغاز تا انجام» ترجمه شده است مباحثی مفید از عوالم سه‌گانة ماده، مثال و عقل مطرح کرده و پیرامون شبهات و دغدغه خاطر جوانان مطالبی بسیار مفید و لازم ارائه کرده است.
رسالههایی گوناگون درباره قوه و فعل، صفات، افعال الله، وسائط، نحو، صرف،... این مجموعه 26 رساله است که بنا به ضرورت و نیاز جامعه توسط علامه نگاشته شده است.
دیوان شعر فارسی: مجموعهای از اشعار چشمگیر و عمیق علامه که طی سالیان متمادی سروده شده است.
سنن النبی: سیره و روش رسول الله ـ صلّی الله علیه و آله ـ در بین مردم و همراه خانواده در این اثر به چشم میخورد. این اثر اخیر توسط استاد حسین استاد ولی به زبان فارسی ترجمه شده است.
لُبّ اللباب: مجموعه درسهای اخلاق استاد که از سالهای 1368 تا 1369 قمری برای برخی از فضلای حوزة قم بیان فرمودهاند.
حاشیه بر اسفار: نظرات استاد فرزانه علامه طباطبایی بر اسفار در این

کتاب جمع آوری شده است. علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از دیدگاه آیت اللّه امینی(حفظه الله)
آیت اللّه امینی(حفظه الله) در وصف استاد خود چنین می‌فرمایند:
علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) چشمه جوشانی بود که در صحنه روحانیت شیعه جاری شد و تشنگان حقیقت را سیراب کرد. او آفتاب درخشانی بود که در آسمان اسلام طلوع کرد و تیرگی‌های شُبَهات و اوهام را برطرف کرد و به حق باید ایشان را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم، بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان اسلام در این عصر شمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت(ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده داشت. همین بس که اغلب رجال سیاسی، علمی و روحانی امروز کشور و گردانندگان چرخ انقلاب اسلامی از شاگردان بی واسطه یا با واسطه اویند.
سیره فلسفی
روش حضرت علامه در پژوهش‌ها فلسفه چنین ویژگی‌هایی داشت 1 ـ پایه‌های‌اند یشه استاد را تنها براهین یقینی تشکیل می‌داد؛ زیرا اثبات مسائل فلسفی فقط با مقدمات یقینی میسر است. 2 ـ حفظ و تکرار بر اندیشه فلاسفه بزرگ بسنده نمی‌کرد و اندیشه‌های گذشتگان را مورد تصحیح نقد قرار می‌داد. 3 ـ امور اعتباری را با مسائل فلسفی مخلوط نمی‌کرد و محور اندیشه خود را تنها بر واقعیت‌های جهان هستی گذاشته بود 4 ـ اوج تکامل عقلی و روحی این ابرمرد حکمت تا بدانجا بود که کلیات عقلی را بدون دخالت قوه خیال و تمثّل مصداقی آن‌ها در مرحله تخیل، ادراک می‌کرد. 5 ـ روش تحلیلی آن بزرگ مرد فلسفه بررسی کامل موضوعات فلسفی بود و تا تصور کاملی از موضوع مسئله بدست نمی‌آورد وارد بحث نمی‌شد. 6 ـ در تنظیم مسائل عقلی از نحوه چینش مسائل ریاضی الهام می‌گرفت. 7 ـ از مکاتب مختلف فلسفی بهره می‌جست.
عرفان عملی علامه طباطبایی(رحمت الله علیه) از منظر آیت الله حسن زاده آملی(حفظه الله)
آثار هر کس نمودار دارایی اوست‌بهترین معرف آن جناب، سیر و سلوک انسانی و آثار علمی، از تدریس و تالیف اوست. افاضل حوزه علمیه قم که شاغل کرسی تدریس اصول معارف حقه جعفریه‌اند، از تلامذه اویند، و تفسیر عظیم الشان المیزان که عالم علم را مایه فخر و مباهات است، یکی از آثار نفیس قلمی وام الکتاب مؤلفات اوست. جایگاه علامه طباطبائی در عرفان عملی
موقعیت جناب علامه طباطبائی (رضوان الله علیه) در عرفان عملی این بود که دریافته بود و به این باور رسیده بود که: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (1) راه این است و جز این نیست. و دقیقا بدین جهت، رفتار

او، گفتار او، سکوت او، قلم او و مطلقا آثار وجودی او، حکایت کننده وارستگی و عظمت ذخایر علمی و عملی او بود.
انسان وقتی حضرت علامه طباطبائی را زیارت می‌کرد، به یاد این حدیث‌شریف می‌افتاد که جناب کلینی در کتاب فضل العلم کافی به اسنادش از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند و فرموده است: من تعلم العلم و عمل به و علم لله، دعی فی ملکوت السماوات عظیما: فقیل تعلم لله و عمل لله و علم لله. (2)
آن کسی که دانش تحصیل کند و بدان عمل کند و به دیگران برای خدا تعلیم بنماید، در ملکوت سماوات و عالم اله - که خودش عالم عظیم است - او را به عظیم صدا می‌کنند: ای بزرگ، ای آقا، ای کسی که برای خدا تحصیل علم کرده‌ای، برای خدا بدان عمل کرده‌ای، برای خدا به دیگران تعلیم داده‌ای، تو آقا و بزرگ و عظیمی.
بنده هفده سال در محضر شریف او با ایشان انس داشتم و از ایشان کار لغوی ندیدم. حرف لغوی نشنیدم. بسیار مواظب کلام خود بود. علامه طباطبائی و مراقبت از نفس
به حقیقت، دل این مرد بزرگوار معدن تقوا بود; زیرا بسیار مواظب خود بود. همواره اهتمامش بر این بود و می‌گفت در شب و روز زمانی را برای حسابرسی خود قرار بدهید و ببینید که این 24 ساعت چگونه بر شما گذشته. اهل محاسبه باشید. همان طور که یک بازرگان و یک کاسب دخل و خرج خود و صادرات و وارداتش را حساب می‌کند، شما ببینید در این شب و روز که بر شما گذشت، چه چیزی اندوخته‌اید. چه گفته‌اید. یک‌یک رفتار و گفتارتان را حسابرسی کنید. از نادرستی‌ها استغفار کنید و سعی کنید تکرار نشود، و برای آنچه شایسته و صالح و به فرمان حاکم عقل بود، خدا را شاکر باشید، تا بتدریج‌برای شما تخلق به اخلاق ربوبی ملکه بشود. «و لاتکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم». (3)
حضرت علامه همواره مراقب نفس خویش بود و از خدا غافل نمی‌شد و این امر در صورت و رفتار و حرفشان پیدا بود که ایشان در پیشگاه دیگری قرار گرفته. هر چند به صورت ظاهر، جسمش با دیگران بود، پیدا بود که در محضر دیگری نشسته است.
در این باره، مصباح الشریعة می‌فرماید که: «العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله» ; عارف بدنش با خلق و دلش با خداست; «و لامونس له سوی الله، و هو فی ریاض قدسه متردد و من لطائف فضله متزود» ; توشه‌اش آن سویی است. قلبی که او دارد در پیشگاه ملکوت عالم آمد و شد دارد. مونسش ملکوت عالم است.
چنین کسی مراقبت دارد و انسان بر اثر این مراقبت، یواش یواش به صفات ملکوتی متصف می‌شود و بدان خو می‌گیرد.

از خاطرم نمی‌رود که مرحوم علامه طباطبائی وقتی به من فرمود: «آقا، من هر روز مراقبتم قوی‌تر است. شب، مشاهدات من، مکاشفات من زلالتر است». هر چه روز مراقبت‌شدیدتر باشد، شب مکاشفات زلالتر و صافی‌تر است. عصاره خوبی ها
علامه سید محمد حسین طباطبایی مردی ساده و بی آلایش بود. متواضع، مودب، متین و با وقار بود و هیچ وقت عصبانی نمی شد.
هیچ گاه بلند سخن نگفت؛ در مورد کسی بد نمی گفت و هرگز کسی از ایشان غیبت نشنید. سخن کسی را قطع نمی کرد و به صحبت های دیگران خوب گوش میداد.
برای بدخواهان خودش هرگز نمی گذاشت که دیگران اقدامی کنند و خودش هم عفو میکرد. ز بحث های جدلی دوری میکرد و در برخورد باشاگردان خود شیوه مخصوصی داشت.
در شیوه وی هیچ وقت تحکم فکر در کار نبود. همیشه درعین حالی که سعی داشت متناسب بادرک واستعداد شاگردان، مطلب را القا کند، به آن ها مجال تفکر میداد.
اساسا ایشان نسبت به تربیت شاگرد به خصوص اهل فضل و خصوصا در زمینه معارف وحقایق قرآنی و استدلالی، شیفتگی زیادی داشت.
علامه اجازه نمیداد کسی دست ایشان را ببوسد؛ در همه لحظات مراقب خویش بود و هیچ گاه از خود تعریف نمیکرد. نسبت به اهل و عیال و خانواده بسیار مهربان بود. بامناجات و دعا و راز و نیاز بسیار مانوس بود.
اکثر اوقات در سکوت بود و فقط لبانش به ذکر خدا حرکت میکرد.
پیاده روی را دوست داشت. در بذل دانش حریص بود. سؤال هیچکس را بدون جواب نمی گذاشت. به زیادی و کمی شاگردان توجه نداشت؛ حتِی گاهی از اوقات برای دوسه نفر هم درس می گفت. گاهی که استاد خطاب میشد، میفرمود این تعبیر را دوست ندارم، ما اینجا دور هم جمع شده ایم تابا کمک و همفکری، معارف اسلام را دریابیم.
اخلاص کامل داشت و همیشه جلب رضایت خدا را در نظر میگرفت.
وخلاصه این بزرگمرد الهی عصاره ای از تمام اخلاقیات نیکو و ویژگیهای حسن را دارا بود. پرواز به سوی ملکوت
علامه طباطبایی، سرانجام پس از 81 سال و هجده روز عمر با برکت و زندگی پرتلاش، در 24 آبان 1360 ش از این جهان رخت بربست و جهان تشیع را در سوگ خود نشاند. با درگذشت علامه، این مفسر وارسته و حکیم عارف، دل‌های پاک اندیشمندان و بزرگان عرصه علم و ادب غرق اندوه شد. سرسلسله بیداردلان، حضرت امام خمینی(ره) با اظهار هم‌دردی و برپایی مجلس ختم برای ایشان، این ضایعه اسفناک را به جهان تشیع تسلیت گفتند.

پاینده باد حوزه‌های نور و حجره‌های کوچک که در هر زمان و مکانی خیزشگاه مردانی بزرگ و ژرف‌اندیش بوده و خواهد بود. پی نوشت: 1) سوره اسراء/9
2) اصول کافی، تعریب حضرت استاد حسن‌زاده آملی، ج 1، ص 27.
3) سوره حشر/19

عزیزی، حبیب الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله عزیزی
محل تولد : مراغه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1

زندگینامه علمی
ایشان نقش آفرینی نغمه های نورانی ، نظریه مدیریت عارفانه (رویکرد اشراقی مدیریت)، همکاری با مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح احیای معاونت امور تربیتی وزارت آموزش و پرورش ، تدوین طرح جامع آموزش قرآن وزارت آموزش و پرورش و با همکاری اساتید بزرگ قرآن : شهیدی ، علامی، حاج ابوالقاسمی ادیب زاده، مدیریت تدوین طرح تربیت داوران فنون قرائت ، حفظ و معارف قرآن در دو سطح عمومی و تخصصی را در کارنامه خود دارد.
یکی از خدمات ارزنده ایشان به جامعه قرآنی دو سال تلاش حقوقی برای احیای قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان قرآن می باشد (ابطال تبصره های مغیر با این قانون توسط دیوان عدالت اداری در شهریور 1383) ایشان هم اکنون علی رغم بعضی نامهربانی ها پیگیر شکل گرفتن معاونت امور قرآنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می باشد.

علیزاده، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر علیزاده
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/10/1

زندگینامه علمی
در سال 1361 با مدرک دیپلم وارد حوزه علمیّه قم شدم دروس مقدّمات تا لمعتین را در مدارس علمیّه امام صادق و امام باقر گذراندم دروس سطح را در محضر اساتید محتدم اعتمادی و مهری و ... آموختم و کفایتین را نیز از دروس استاد اعتمادی و گنجی بهره بردم . از سال 1372 با شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید بزرگواری چون مکارم شیرازی و وحید خراسانی به مدّت هشت سال از محضر آنان سود جستم.
دروس دانشگاهی را از سال 1370در رشته فلسفه غرب در گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از فارغ التحصیل شدن در سال 1374 در همان رشته در دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم و در سال 1378آن دوره را نیز به پایان رساندم. از سال 1374با دفتر تبلیغات اسلامی شروع به همکاری کردم . ابتدا با ویرایش کتب فلسفی کلامی و در سالهای اخیر با تحقیق و پژوهش در سائل و موضوعات فلسفی با این دفتر همکاری دارم

فاضل، محمدهادی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد هادی فاضل
محل تولد : نجف اشرف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/8/12
زندگینامه علمی
اینجانب محمد هادی فاضل پس از دوره راهنمائی در سال 1353 وارد حوزه شدم و پس از یک سال تحصیل دروس ابتدائی در نجف اشرف به ایران عزیمت کرده و تا سال 56 در بابل در حوزه مدرسه صدر آن شهر ادامه دادم و از سال 56 وارد حوزه مقدس قم شدم و تا سال 1359 سطح را به پایان رسانده و از آن سال در درس خارج آقای وحید خراسانی شرکت کردم (در فقه واصول) و تا سال 1372 از محضر ایشان استفاده نمودم در کنار این درسها منظومه سبزواری را خدمت آقایان گرامی و انصاری شیرازی خواندم وا شارات را خدمت آقای ممدوحی و مقداری از اسفار را خدمت آقای احمدی یزدی و نیز از نوارهای منطق (برهان شفا) و فلسفه استاد مصباح یزدی (شفا و نهایه و مباحث متفرقه فلسفی دیگر) و استاد جوادی آملی (اسفار جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و کتاب شرح فصوص الحکم قیصری و قبل از ان تمهید القواعد ابن ترکه) بهره بردم و در درس مصباح الانس استاد حسن زاده آملی شرکت کردم.
در فقه و اصول حدود 6 سال در درسهای مرحوم شیخ جواد تبریزی شرکت کردم و سه سال در درس مکاسب (خارج) آقای هاشمی شاهرودی و از سال 1384 تاکنون نیز در درس آقای شبیری زنجانی شرکت می کنم . مطالعات تاریخی، تفسیری، علوم سیاسی، کلامی، اخلاقی و عرفانی نیز داشته و دارم.
بیشتر فعالیتهای اینجانب تدریس کتب حوزوی و درس بوده و از سال 64 تدریس را به طور رسمی از کتب ادبیات و فقه و اصول آغاز نموده و تا به حال همچنان مشغول تدریس سطوح عالی فقه و اصول (مکاسب، کفایتین، جواهر الکلام) و عرفان نظری (شرح فصوص قیصری) هستم. این درسها به طور آزاد و یا در مدارس قم عرضه شده و از سال 72 تا 78 در حوزه

فیضیه مازندران واقع در شهر بابل به عنوان مدرسی مشغول بودم و در سال 85 و 86 نیز در امتحانات شفاهی مدارس برای پایه های مختلف سطح یک و دو به عنوان ممتحن خدمت کرده ام.

فاضلی، قادر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قادر فاضلی
محل تولد : هشترود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب قادر فاضلی در سال 1360 دیپلم در رشته الکترونیک را گرفته سپس وارد حوزه علمیه شدم دروس حوزوی را تا درس خارج ادامه داده و به تحقیق و تدریس پرداخته ام . در کنار دروس فقه و اصول به فلسفه و عرفان پرداخته و نزد استادانی چون علامه حسن زاده آملی، جوادی آملی و مصباح یزدی تلمذ کرده ام . وقتی از قم به تهران مراجعه کردم به محضر علامه محمد تقی جعفری شرفیاب شده و مدت قریب 10 سال در موضوعات فقه و دین شناسی از خدمت ایشان استفاده نمودم. از سال 1367 به تدریس در دانشگاهها مشغول شده و هم اکنون نیز ادامه دارد . قریب به 10 سال است که در شبکه های مختلف تلویزیونی برنامه های مختلف داشته و در راستای مسائل دینی و اجتماعی بیش از 100 برنامه از اینجانب پخش شده است. بیش از 30 مقاله علمی در مجله های داخل و خارج کشور چاپ و منتشر شده است. تا کنون قریب به 50 جلد کتاب در موضوعات مختلف نوشته ام که تعداد 24 عنوان از آنها به چاپ رسیده است.

فاطمی، ولی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ولی فاطمی
محل تولد : قائم شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/10/1

زندگینامه علمی
اینجانب ولی فاطمی در سال 1355 پس از سه ماه در حوزه علمیه بابل در پائیز همان سال به قم مشرف شدم و دروس حوزوی را در نزد اساتید این حوزه مبارکه ادامه دادم . پس از مدّتی که به طور آزاد مشغول تحصیل بودم وارد مدرسه مبارکه رضویه شدم که از افتخارات و اسباب توفیق حقیر، آشنایی با عالم ربانی حضرت آیت الله بدلا قدس سره بود که درحقیقت هدیه معنوی حضرت معصومه سلام الله علیها به حقیر بود که با عالم فرهیخته و مهذبی همچون معظم له آشنا شدم و این آشنایی تا آخر عمر شریف ایشان ادامه داشت و آنچنان با هم مأنوس و معاشر بودیم که عقد اخوت میان من و ایشان خوانده شد. بنده بسیاری از توفیقاتم را در پرتو قرآن و عترت علیهم السلام و توسل به آن ذوات مقدس بویژه امام زمان علیه السلام برایم حاصل شد این ناچیز به همه طالبان علم و معرفت توصیه میکنم که از دامان عترت پیامبر علیهم السلام نکشند و از همنشینی با علمای مهذب و متقی حداکثر بهره برداری را بنمایند.
ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

فتال نیشابوری، ابوعلی، ابوجعفر محمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س ششم ق)، فقیه، حافظ، مفسر، محدث و واعظ. معروف به فتال و فارسی و ابن‌الفارسی. نام و نسب او را گاهی به جهت انتساب به پدرش، محمد بن حسن، و گاهی به مناسبت جدش، محمد بن علی، و گاهی به ملاحظه‌ی جد عالی‌اش، محمد بن احمد، ذکر کرده‌اند. او از مشایخ ابن شهرآشوب است. فتال از شیخ طوسی و به واسطه‌ی پدرش از سید مرتضی حدیث روایت کرده است. با زمخشری صاحب «کشاف» از علمای عامه و ابوالفتوح رازی و فضل بن حسن طبرسی از مفسران خاصه معاصر و هم طبقه بود. در فقه و حدیث استادی توانا بود. دانش و زهد و پارسایی را با هم داشت. سخنرانی با منطق رسا و کوبنده بود و واعظی که با سخن و عمل پند می‌داد. گویش زیبای او باعث شد که به او فتال یا بلبل گویند. ابن‌داوود در کتاب «رجال» گوید که: فتال عقیده‌شناسی جلیل‌القدر و فقیهی دانشمند و زاهدی پارسا بود، که عاقبت به دست عبدالرزاق ملقب به شهاب الاسلام، رئیس نیشابور به جرم شیعه بودند شهید شد. از آثارش: «روضه الواعظین و بصیره المتعظین»؛ «التنویر فی معانی التفسیر». ابن شهرآشوب راوی هر دو می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (305 / 11، 470- 469، 297- 296 / 4)، رجال ابن‌داود (قسم 295 / 1)، روضات الجحنات (243- 234 / 6)، ریحانه (294- 291 / 4)، شهیدان راه فضیلت (79- 78)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 275 / 6)، فوائد الرضویه (469)، فهرست منتجب‌الدین (191، 166)، الکنی و الالقاب (13- 12 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوعلی، فتال)، معجم المؤلفین (200 / 9).

فلاح شیروانی، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا فلاح شیروانی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
حقیر دوره های دبستان و راهنمایی را در شهرک خزانه تهران در مدارس دینی مناسبی گذراندم و دوره دبیرستان را در مدرسه نمونة دولتی رشد (ظاهراً اولین مدرسه نمونه دولتی آن زمان- تأسیس 1364) گذراندم (ورودی دوره اول آن بودم) این مدرسه هم محصول خوبی داشت. و همین تأثیرات چشمگیری روی چند منطقه جنوب شهر گذاشت. پس از دیپلم در سال 68 در رشته مخابرات دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل شدم. منتها اندیشه ای که یکبار سال چهارم دبیرستان سر کوبش نموده بودم دوباره سراغم آمد و این بار جدی تر و تحلیلی تر گریبانم را گرفت. به طور جدی به این می اندیشیدم که آیا باید ادامه تحصیل در رشته مهندسی بدهم یا به حوزه بروم. مخالفتها متنوع و همه جانبه بود و موافقین برخی عاطفی برخورد می کردند و برخی تحلیلهایشان ضیعف بود. پس از چند ماه تحقیق و حتی سکونت چند ماهه در قم جهت تحقیقی در این باب بالاخره تصمیم خود را قاطعانه گرفتم و در سال 71 پس از انصراف از دانشگاه وارد حوزه شدم. در عرض سه سال تا چهار سال پایه ده 10 حوزه را گذراندم (سال 74 تخصصی های پایه ده و درسال 75 عمومیها را امتحان دادم. از سال 74 به درسهای خارج سرزدم. از همان سال اول به دروس معقول علاقه ای ویژه داشتم لذا در کنار ادبیات عرب و حلقات شهید صدر المنطق را هم (پس از مطالعه دقیق آموزش منطق غرویان و مباحثه مفصل آن) تمام کردم و کتاب «آشنایی با فلسفة» شهید مطهری و «علم چیست، فلسفه چیست» را نیز خواندم. تابستان همان سال اول (72) با کتاب در آمدی بر آموزش فلسفه آقای غرویان و در محضر آقای معلمی رسماً دوره فلسفه را شروع کردیم و پس از آن در سال دوم آموزش فلسفه را با ایشان ادامه دادیم و تا انتهای همان سال (72) هر دو جلد را تمام کردیم پس از آن به مطالعاتی در باب فلسفه غرب رو آوردیم که به صورت کامل

پیگیری نشد و در سال بعد نهایه را با نظارت جناب استاد فیاضی و برگزاری جلسات مرتب رفع اشکال توسط ایشان گذراندم. پس از آن به جهت فشار دروس اصول و فقه و اصرار بر اتمام سطح 2 سیر فلسفی مدتی متوقف شد. در سال 76 در کنار دروس فقه و اصول دوره اشارات(حکمت) را با نوارهای آیت الله حسن زاده حفظه الله شروع کردم و پس از آن «اسفار اربعه» را با نوارهای آیت الله جوادی حفظه الله مطالعه کردم. از سال 77 دروس عرفان نظری با کتاب «تمهید القواعد» توسط استاد یزدان پناه حفظه الله شروع شد که توفیق شرکت مستمر در آن و پس از آن «شرح فصوص الحکم» مرحوم قیصری و در کنار آن دروس حکمة الاشراق و جلسات فلسفة بود. دروس فقه و اصول پس از پایة 10 با حضور در کلاسهای آیت الله تبریزی و بهجت حفظهم الله حجة الاسلام و المسلمین مددی و تحریری و همچنین حجة الاسلام شیخ صادق لاریجانی ادامه پیدا کرد؛ تا سال 82 که با پذیرفتن مسؤولیت بخش شهید بهشتی (فارغ التحصیلان دانشگاهی که به حوزه آمده بودند) در مدرسه معصومیه، کلاً برنامه های علمی بنده متوقف شد. پس از استعفا از مسؤولیت آن بخش در سال 84 دوباره برنامه دروس عرفانی و فلسفی و تحقیقات تربیتی پی گرفته شد. همزمان با استعفا از دو گروه پژوهشی اخلاق و تربیت در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مشغول شدم. سال تحصیلی 86 ـ 87 معاونت پژوهشی مدرسهٔ معصومیه را پذیرفتم و در زمستان همان سال (86) گروه پژوهشی «اخلاق و عرفان» را به کمک تعدادی از دوستان در پژوهشکدهٔ علمی ـ کاربردی باقرالعلوم ع وابسته به سازمان تبلیغات طراحی و تأسیس کردیم. دغدغهٔ ما در این گروه پژوهشی فعال کردن تحقیقات کاربردی در حوزهٔ اخلاق و عرفان توسط پژوهشگران توانمند این عرصه بود.

فلاح، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن فلاح احمد چالی
محل تولد : بابل
شهرت : فلاح بابلی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
آقای حسن فلاح احمدچالی در سال 1342هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان بابل دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1355 و در اوج خفقان حاکم بر کشور از سوی حکومت ستمگر و ظالم شاهنشاهی خصوصا با فشار مضاعف بر حوزه های علمیه وارد حوزه علمیه بهشهر گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد. پس از مدتی به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1362 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون آیت الله مکارم، مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله منتظری، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد. استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته عرفان اسلامی در مقطع دکترا از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارغ التحصیل گردید. پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت. وی هم اکنون در دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بابل به امر تدریس اشتغال دارد. درطول حیات علمی خویش به امر نگارش و پژوهش پرداخته است و آثاری از قبیل "صبر و استقامات"و"روش تحقیق و تألیف"را به رشته تحریر در آورده است.

قاضی، علی آقا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج سید علی آقا قاضی فرزند حاج سید حسین قاضی است. ایشان در سیزدهم ماه ذی الحجة الحرام سال 1282هـ.ق. از بطن دختر حاج میرزا محسن قاضی، در تبریز متولد شد و او را علی نام نهادند، بعد از بلوغ و رشد به تحصیل علوم ادبیه و دینیه مشغول گردید و مدتی در نزد پدر بزرگوار خود و میرزا موسی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی درس خواند.
در ایشان، سید حسین قاضی، انسانی بزرگ و وارسته بود که از شاگردان برجسته آیت الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی بود و از ایشان اجازه اجتهاد داشت.
درباره ایشان گفته اند زمانی که قصد داشت سامرا را ترک کند و به زادگاه خویش تبریز باز گردد استادش میرزای شیرازی به وی فرمود در شبانه روز یک ساعت را برای خودت بگذار.
یک سال بعد چند نفر از تجار تبریز به سامرا مشرف می شوند و با آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی ملاقات می کنند؛ وقتی ایشان احوال شاگرد خویش را جویا می شود، می گویند:
« یک ساعتی که شما نصیحت فرموده اید، تمام اوقات ایشان را گرفته، و در شب و روز با خدای خود مراوده دارند. » تحصیلات
سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوار سید حسین قاضی و میرزا موسوی تبریزی و میرزا محمد علی قراچه داغی آغاز کرد.
پدرش به علم تفسیر علاقه و رغبت خاص و ید طولایی داشته است، چنانکه سید علی آقا خودش تصریح کرده که تفسیر کشاف را خدمت پدرش خوانده است. همچنین ایشان ادبیات عربی و فارسی را پیش شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمد تقی تبریزی معروف به «حجة الاسلام» و متخلص به « نیر» خوانده و از ایشان اشعار زیادی به فارسی و عربی نقل می کرد و شعر طنز ایشان را که هزار بیت بود از بر کرده بود و می خواند.
ایشان در سال 1308هـ.ق. در سن 26 سالگی به نجف اشرف مشرف شد و تا آخر عمر آن جا را موطن اصلی خویش قرار داد.
آیت الله سید علی آقا قاضی از زمانی که وارد نجف اشرف شد، دیگر از

آنجا به هیچ عنوان خارج نشد مگر یک بار برای زیارت مشهد مقدس حدود سال 1330هـ ق به ایران سفر کرد و بعد از زیارت به طهران بازگشت و مدت کوتاهی در شهرری در جوار شاه عبدالعظیم اقامت گزید. اساتید
ایشان در نجف نزد مرحوم فاضل شرابیانی، شیخ محمد حسن مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی، عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خواند و مخصوصاً از بهترین شاگردان این استاد اخیر به شمار می آمد که در خدمت وی تهذیب اخلاق را تحصیل کرد.
آقازاده سید علی آقا قاضی نقل می کند:
« ... میرزا علی آقا قاضی بسیار از استادش میرزا حسین خلیلی یاد می کرد و او را به نیکی نام می برد و من ندیدم کسی مثل این استادش او را در شگفتی اندازد و هر وقت نام این استاد نزدش برده می شد به او حالت بهت و سکوت دست می داد و غرق تأملات و تفکرات می شد!»
ایشان از سن نوجوانی تحت تربیت والد گرامی، آقا سید حسین قاضی بود و جوهره حرکت و سلوک ایشان از پدر بزرگوارشان می باشد و بعد از آن که به نجف اشرف مشرف شدند، نزد آیت الله شیخ محمد بهاری و آیت الله سید احمد کربلایی معروف به واحد العین و به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت و این دو نیز از مبرزترین شاگردان ملاحسینقلی همدانی(ره) بودند.
درباره ملاحسینقلی همدانی حکایات های بس شگفت آوری نقل شده، که گویای عظمت، روح بلند و نفوذ معنوی ایشان می باشد. او با عشق و همت بی نظیر زمان زیادی از عمرش را به تربیت مستعدین سپری کرد تا این که توانست 300 نفر را تربیت کند که هر یک از آنها یکی از اولیای الهی شدند، مانند شیخ محمد بهاری، مرحوم سید احمد کربلایی، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و ... .
سلسه اساتید ملاحسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملاقلی جولا می رسد.
آقا سید علی قاضی در عراق به خدمت جمعی از اکابر اولیاء رسید و از آن جمله سالهایی چند در تحت تربیت مرحوم آقا سید احمد کربلایی معروف به واحدالعین، قرار گرفت و از صحبت آن بزرگوار به درجات اولیاء أبرار ارتقاء گزید، چندان که در تهذیب اخلاق شاگردان و مریدان و ملازمان چندی را تربیت کرد.
آقا سید علی آقای قاضی درباره این استادش می فرماید:
« شبی از شبها را به مسجد سهله می گذارنیدم- زاده الله شرفاً- به تنهایی به نیمه شب یکی در آمد و به مقام ابراهیم علیه السلام مقام کرد و از پی فریضه صبح در سجده شد تا طلوع خورشید. آنگاه برفتم و دیدم عین

الانسان و الانسان العین آقا سید احمد کربلایی بکاء است، و از شدت گریه، خاک سجده گاه گل کرده است! و صبح برفت و در حجره نشست و چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می رسید. »
آیت الله شیخ علی سعادت پرور نقل می کند:
« وقتی مرحوم آقا سید علی قاضی جوانی بیش نبود، پدر مرحومش آقا سید حسین قاضی که خود از دست پروردگان مرحوم عارف کامل حاج امامقلی نخجوانی بود به آقای قاضی سفارش کرده بود که هر روز به محضر استاد مشرف شده و چند ساعتی در محضرش بنشیند، اگر صحبت و کلامی شد که بهره گیرد و گرنه به صورت و هیئت استاد نظاره نماید. در آن روزها، مرض وبا در نجف غوغا می کرد، فرزندان مرحوم آقا امامقلی نخجوانی یکی پس از دیگری در اثر مرض وبا رحلت می کردند و ایشان بدون هیچ ناراحتی و انزجار قلبی به شکرگزاری مشغول بود. وقتی از وی علت این عمل را جویا شدند فرمود:
قباله های زمین را دیده اید که وقتی کسی صاحب یکی از آنها شد، هر کاری که دلش خواست با زمین اش انجام می دهد؛ حالا هم خدای سبحان صاحب و مالک اصلی این فرزندان و همه چیز من است و هر کاری که بخواهد با آنان انجام می دهد و کسی را حق سوال و اعتراض نیست! »
درجه اجتهاد
پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی از جمله فاضل شربیانی، شیخ محمد مامقانی، شیخ فتح الله شریعت، آخوند خراسانی و... ادامه دادند و سرانجام کوشش های خستگی ناپذیر مرحوم آیت الله قاضی در راه کسب علم، کمال و دانش، در سن 27 سالگی به ثمر نشست و این جوان بلند همت در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد رسید.
جامعیت علمی
آقا سید هاشم حداد از شاگردان ایشان می فرمود:
« مرحوم آقا (قاضی) یک عالمی بود که از جهت فقاهت بی نظیر بود. از جهت فهم روایت و حدیث بی نظیر بود. از جهت تفسیر و علوم قرآنی بی نظیر بود. از جهت ادبیات عرب و لغت و فصاحت بی نظیر بود، حتی از جهت تجوید و قرائت قرآن. و در مجالس فاتحه ای که احیاناً حضور پیدا می نمود، کمتر قاری قرآن بود که جرأت خواندن در حضور وی را داشته باشد، چرا که اشکالهای تجویدی و نحوه قرائتشان را می گفت... »
آیت الله خسروشاهی از علامه طباطبائی نقل می کردند که:
کتابهای معقول را خواندم ولی وقتی خدمت سید علی آقا قاضی رسیدم فهمیدم که یک کلمه هم نفهمیدم!
مرحوم قاضی در لغت عرب بی نظیر بود، گویند: چهل هزار لغت از حفظ داشت. و شعر عربی را چنان می سرود که اعراب تشخیص نمی دادند

سراینده این شعر عجمی(غیر عرب) است. روزی در بین مذاکرات، مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالله مامقانی(ره) به ایشان می گوید:
من آن قدر در لغت و شعر عرب تسلط دارم که اگر شخص غیر عرب، شعری عربی بسراید من می فهمم که سراینده عجم است، اگرچه آن شعر در اعلی درجه از فصاحت و بلاغت باشد. مرحوم قاضی یکی از قصائد عربی را که سراینده اش عرب بود شروع به خواندن می کند و در بین آن قصیده، از خود چند شعر بالبداهه اضافه می کند و سپس به ایشان می گوید: کدام یک از اینها را غیر عرب سروده است؟ و ایشان نتوانستند تشخیص دهند.
مرحوم قاضی در تفسیر قرآن کریم و معانی آن ید طولائی داشت و علامه طهرانی از قول مرحوم استاد علامه طباطبائی می فرمودند:
« این سبک تفسیر آیه به آیه را مرحوم قاضی به ما تعلیم دادند و ما در تفسیر {المیزان }، از مسیر و روش ایشان پیروی می کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که « فقه الحدیث» گویند از ایشان آموخته ایم. » شاگردان
آیت الله قاضی طی سه دوره، اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش تدریس فرمودند و در هر دوره شاگردانی پرورش دادند که هر کدام از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می شوند؛ و البته فقط نام تعدادی از آن ها بر ما معلوم است و این که ایشان در حقیقت چه کسانی را تا قله های بلند عرفان و معنویت بالا کشیده و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریختند، برای ما بصورت کامل و دقیق آشکار نیست. اما به تعدادی از آن ها که مبرز و شناخته شده هستند، اشاره می کنیم:
آیت الله شیخ محمد تقی آملی(ره)
آیت الله سید محمد حسین طباطبائی(ره)
آیت الله سید محمد حسن طباطبایی(ره)
آیت الله محمد تقی بهجت فومنی(حفظه الله)
آیت الله سید عباس کاشانی(حفظه الله)
آیت الله سید عبد الکریم کشمیری(ره)
آیت الله شهید سید عبدالحسین دستغیب(ره)
آیت الله علی اکبر مرندی(ره)
آیت الله سید حسن مصطفوی تبریزی
آیت الله علی محمد بروجردی(ره)
آیت الله نجابت شیرازی(ره)
آیت الله سید محمد حسینی همدانی
آیت الله سید حسن مسقطی(ره)

آیت الله سید هاشم رضوی کشمیری(ره)
حاج سید هاشم حداد(ره)
و ... در پی محبوب
ایشان از جوانی به دنبال تزکیه و تهذیب نفس و کسب معنویت و معارف بلند اسلام بود و در این راه چهل سال صبر و مجاهده کرد و چهل سال درد طلب و عشق، آرام و قرار و خواب و خوراک را از وی ربوده بود.
ضمیر الهی اش او را به عالم قدس می خواند و او که قصد کوی جانان را در سر دارد، می خواهد به هر نحو شده از این خاکدان طبیعت به عالم نور و ملکوت پا گذارد.
می داند که جانب عشق عظیم است و نباید به راحتی از دستش بدهد و فرو بگذاردش، برای همین چهل سال است که مشغول مجاهده است.
چهل سال است که آداب عبودیت می آموزد و هنوز معشوق به حضور خود راهش نداده است!
خود ایشان می گوید:
« نزد هر کس احتمال می دادم از او چیزی بفهمم، می نشستم اگر مطلبی را می فهمیدم، که خود خدا نعمت داده بود و اگر نمی فهمیدم دیگر به آن شخص مراجعه نمی کردم. » تقیّد تام به آداب شرع
برای همین آن قدر خود را به ضوابط و آداب شرع و رعایت مستحبات و ترک مکروهات ملزم ساخته بود تا امری از محبوب فرو نماند و آن قدر بر آن اصرار می کند که به حسب طاقت بشری هیچ مستحبی از او فوت نمی شود تا آن جا که بعضی از مخالفان و معاندان می گویند:
« قاضی که این قدر خود را مقیّد به آداب کرده شخصی ریایی و خودنماست. »
و عده ای دیگر هم با وجود مخالفت باز نمی توانند تحسینش نکنند.
یکی از مخالفین ایشان می گوید:
« من سفر بسیار کردم، با بزرگان عالم اسلام محشور بوده ام و از احوال بسیاری از آنان بالمشاهده آگاهم اما حقیقتاً هیچ کس را همانند قاضی تا بدین حد مقید به آداب شرع ندیده ام. »
خود ایشان می گوید:
« چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود. »
و ایشان نا امید نمی شود، می داند که طلب حقیقی جدا از مطلوب نیست زیرا که شنیده است:
« اذا تقرب الیّ شبراً تقربت الیه ذراعاً:

و هرگاه به اندازه یک وجب به من نزدیک شود به اندازه زراعی به او نزدیک شوم.»
این قدم ها باید برداشته شود و آن نزدیکی باید حاصل گردد تا زمانی که عاشق به معشوق برسد و پرده ها کامل برداشته شود و وصال صورت گیرد و البته معلوم است که معشوق خود در همه جا پیشقدم و مشتاق تر است.
« او نیز اطمینان دارد که باز نشدن در روحانیت، نه از ناحیه بی التفاتی معشوق است بلکه اگر در، بی موقع باز شود صد در صد خام از کار در آید ! »
و بعدها آیت الله قاضی که خود چهل سال پشت در مانده، و صادق بودن خود را در آن عشق و محبت به محبوب و معبود ازل ثابت کرده، درس استقامت و صبوری را به شاگردانش هم می آموزد و چنین می گوید:
« اگر به جستجوی آب زمین را کندی، نباید خسته و ناامید شوی، اگر وقتش باشد به آب می رسی، وگرنه ناامید مشو که بالاخره به آب می رسی و حتی آ برایت فوران می کند. »
آیت الله نجابت از قول ایشان می گوید:
« چهل سال است دم از پروردگار عالم زدم. چند مرتبه خواستند مرا بکشند، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نگذاشت و خدا هم کمکم کرد ! در این مدت نه خوابی دیدم، نه مکاشفه ای، نه رفیقی، نه همدردی، چهل سال است که در را می کوبم و خبری نیست. » صبر و استقامت چهل ساله
بیت زیر از اشعار ایشان می باشد:
و لا تکن کمثل من ان فتح الباب خرج
والزم و کن کمثل من ان فتح الباب ولج
اگر دری باز شد، تو بیشتر استقامت به خرج بده؛ بگو خدایا ! افزونش کن؛ باید در عبودیت استقامت ورزید، یعنی صبور شد؛ اگر خواستند بکشندش، بگوید من از خدا دست بر نمی دارم؛ اگر نان و آبش را قطع کردند، استقامت کند، و حتی اگر دنیا جمع شود و بگویند بیا صرفنظر کن بگوید صرفنظر نمی کنم.
و آیت الله قاضی به این زودی ها خسته نمی شود.
و می گوید:
« هر چه بادا باد، در بحر جنون پا می زنم، امشب کشفی نصیبم شد شد، نشد نشد، امشب خوابی دیدم دیدم، ندیدم ندیدم، من کشف نمی خواهم تمام این مدت چهل سال آن هم برای زرق و برق و کشف و کرامتی چند، نه ! من معرفت خودش را می خواهم، من خودش را می خواهم. »
اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می داند و می گوید:

« اگر شخص در طلب، استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می کند و آن وقت لایق اسرار ربوبی می گردد. »
و خود چون استقامت دارد، سرانجام صدای فرشتگان را می شنود که:
« ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنه التی کنتم توعدون:
آنان که گفتند پروردگار ما الله است و بر این ایمان پایدار ماندند، فرشتگان بر آن ها نازل شوند که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی نداشته باشید و شما را به همان بهشتی که وعده دادند بشارت باد. سوره فصلت آیه 30 ». فتح باب
آیت الله قاضی همیشه نماز مغرب و عشاء را، در حرمین شرفین امام حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به جا می آورد، و چون به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رسد، با خود می اندیشد که تا به حال در مدت این چهل سال هیچ چیز از عالم معنا برایم ظهور نکرده، هر چه دارم به عنایت خدا و به برکت ثبات است.
در راه سیّد ترک زبانی که دیوانه است، به طرف او می دود و می گوید؛ سیّد علی، سیّد علی، امروز مرجع اولیاء در تمام دنیا حضرت ابوالفضل علیه السلام هستند، و او آن قدر سر در گریبان است که متوجه نمی شود آن سید چه می گوید! به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام می رود. اذن دخول و زیارت و نماز زیارت می خواند و می خواهد که مشغول نماز مغرب شود.
آیت الله نجابت می گوید:
« تکبیره الاحرام را که می گوید، می بیند که وضع در اطراف حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به طور کلی عوض می شود، آن گونه که نه چشمی تا به حال دیده و نه گوشی شنیده و نه به قلب بشری خطور کرده است. قرائت را کمی نگه می دارد تا وضع تخفیف یابد و بعد دوباره نماز را ادامه می دهد، مستحبات را کم می کند و نماز را سریع تر از همیشه به پایان می رساند. به حرم امام حسین علیه السلام نمی رود و به دنبال جایی خلوت به خانه رفته و برای این که با اهل منزل هم برخورد نکند به پشت بام می رود. آن جا دراز می کشد و دوباره آن حال می آید و بیشتر می ماند. تا اهل منزل سینی چای را می آورد، آن حال می رود. نماز عشاء را می خواند و دوباره آن وضع بر می گردد؛ چیزی که تا به حال حتی به گفته خودش یک ذره اش را هم ندیده است و حالا که دیده نه می تواند در بدن بماند و نه می تواند بیرون بیاید. دوباره که شام را می آوردند، آن حال قطع می شود و نیمه شب دوباره بر می گردد و مدت بیشتری طول می کشد. »
آری و بالاخره درهای آسمان برایش گشوده و فتح باب می شود.

می گوید:
« آن چه را می خواستم، تماماً بدست آوردم و امام حسین علیه السلام در را به رویم گشود. ابن فارض یک قصیده تائیه برای استادش گفته؛ من هم یک قصیده تائیه برای امام حسین علیه السلام گفته ام نمره یک! که کار مرا ایشان درست کرد و در غیب را به نحو اتم برایم باز کرد. »
« او در اثر طلب حقیقی و استقامت به خانه که نه، به خود صاحبخانه رسیده است و یار او را به درون خانه راه داده؛ او از حصار تنگ دنیا که خیال و سرابی بیش نبوده و حقیقی ندارد، گذشته و به عالم روح و مجردات پیوسته است و چون فهمیده که از عالم خیال چیزی نصیبش نمی شود، باب خیال برایش بسته می شود. »
آیت الله نجابت نقل می کند:
دفعه اولی که ما آیت الله قاضی را دیدیم، خیلی با ما گرم گرفتند و ما را تحویل گرفتند. در اثر این التفات زیاد، من زبانم باز شد و گفتم: آقا این وضع اهل معرفت به خیال است یا به حقیقت؟ ناگهان ایشان چشمهایش درشت شد و گفت:
« ای فرزندم من چهل سال است با حضرت حق هستم و دم از او می زنم این پندار و خیال است؟! » رحلت
به هر حال، میرزا علی آقا قاضی پس از سالها تدریس معارف بلند اسلامی و تربیت شاگردان الهی، در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سال 1366 مطابق هفتم بهمن ماه در نجف اشرف وفات کرد و در وادی الاسلام نزد پدر خود دفن شد.
مدت عمر شریف ایشان هشتاد و سه سال و دو ماه و بیست و یک روز بوده است.
ایشان در سال های آخر عمر عطش و بی تابی، جسم و روحش را با هم می سوزاند و او مرتب آب می خواهد و می گوید:
« در سینه ام آتش است ساکت نمی شود. »
و دائم با خود تکرار می کند:
گفت من مستسقی ام آبم کشد
گر چه می دانم که هم آبم کشد
طبیبش به وی می گوید:
« آقا من طبیب شما هستم، به شما می گویم در این ماه رمضان روزی 3-2 لیوان آب بخورید. »
و او که می داند این آب آن آتش را خاموش نمی کند تا آخر روزه هایش را کامل می گیرد و می گوید:
« رها کن تا که چون ماهی گدازان غمش باشم »
لحظات احتضار سخت ترین لحظات برای زمین و زیباترین لحظات برای

عارف است.
آیت الله کشمیری می فرمودند:
هنگام احتضار، خودش با اشاره به بدن خود می فرمود:
« این دارد می رود. »
و هنگام غسل مشاهده شد که صورتش باز و لبانش خندان بود.
باز آیت الله کشمیری فرمودند:
« بعد از وفاتش خواستم بفهمم مقام ایشان چقدر است، در رؤیا دیدم از قبر آقای قاضی تا به آسمان نور کشیده شده است، فهمیدم خیلی مقام والایی دارد. »
سید عبدالحسین قاضی نوه ایشان جریان شب رحلت آقای قاضی را این طور بیان می کند:
« ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که در آن زمان 20 ساله بودند می گویند که امشب نخواب و بیدار باش. پدرم هم متوجه نمی شود که جریان چیست.
ایشان نقل می کند که ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند که همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکند و تا صبح بالای سرشان بنشیند و قرآن بخواند.
پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند که پدش در حال مرگ است و هیچ نگوید، سخت است، اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی هیچ نگفتم و پیش او نشستم.
آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند بعد فرمودند که رویم را بپوشان، من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند.
من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند که جریان چیست و من هم گفتم که پدر فوت شده است و فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. »
او که عمری با عشق و سر سپردگی به مولایش امام حسین علیه السلام سر کرده، غریب نیست اگر حضرتش، کریمانه، خود کسی را سراغش بفرستد تا کارهای دفن و کفن او را بجا آورد. آقا یحیی هرگز آقای قاضی را نمی شناخته ولی از طرف امام حسین علیه السلام در حالت خواب یا مکاشفه برای این امر مأموریت پیدا می کند و تمام کارهای کفن و دفن ایشان را انجام می دهد.

آیت الله بهجت می فرمودند:
« شب قبل از وفات آقای قاضی، کسی خواب دیده بود که تابوتی را می برند که رویش نوشته شده بود « توفی ولیّ الله » فردا دیدند آقای قاضی وفات کرده است. » تناثر نجوم در رحلت ایشان
مرحوم علامه آقا سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی نقل نمود که از استادم مرحوم آیت الله العظمی خوئی شنیدم که فرمود:
« در ایام وفات استاد اخلاق آقا سید علی قاضی تبریزی تناثر نجوم رخ داد و این به جهت رفعت مقام آن مرحوم بود.
مرحوم طباطبائی یزدی نقل کرد که ما گفتیم: این اصلاً محال است که ستاره ها به خاطر کسی ریزش کنند و سقوط نمایند ولی استادمان آقای خوئی تأکید نمود، شما انکار کنید من که خودم این واقعه شگفت انگیز را با چشمان خود دیدم و نمی توانم چیزی را که در پیش من یقینی است، انکار نمایم. »

قمی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ عباس قمی در سال 1294 هجری قمری در شهر مقدس قم چشم به جهان گشود . وی تحصیل علوم اسلامی را در زادگاه خود شروع کرد و در سال 1316 ه .ق راهی نجف اشرف شد و در آنجا به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت ؛ او اندوخته های علمی خود را در اختیار فضلا و طلاب دیگر نیز قرار داد و توانست شاگردان زیادی را تربیت نماید . محدث قمی سرانجام در سال 1359 ه. ق دار فانی را وداع گفت .گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیتحصیلات رسمی و حرفه ای : شیخ عباس قمی تحصیل علوم اسلامی را نزد علمای سرشناس قم آغاز کرد سپس در سال 1316 ه.ق راهی نجف اشرف شد و در جوار با عظمت و پرشکوه مولا ی متقیان امیرمومنان حضرت علی به تحصیل و تکمیل علوم و معارف اسلامی پرداخت.استادان و مربیان : شیخ عباس قمی به خاطر علاقه بسیار زیادی که با احادیث و اخبار اهل بیت داشت،همساز محدث نوری شد و رابطه این دو بزرگوار از استاد و شاگردی گذشت و به مرید و مرادی تبدیل شد و لذا این دوتن بسیاری از کتابهای محدث نوری را با هم استنساخ و مقابله و تصحیح می کر دند.وقایع میانسالی : شیخ عباس قمی در سال 1341 ق ، به درخواست جمعی از فضلا و طلاب شهر مشهد، در مدرسة میرزا جعفر شروع به تدریس نمود . اما حوادث خونین مسجد گوهر شا د که توسط رضا خان پهلوی صورت گرفت ، او را وادار نمود مجددا به نجف مهاجرت نماید . محدث قمی انسانی زاهدو پارسا بو د ساده زیست لباس وی عبارت بود از یک قبای کرباس بسیار نظیف و تمییز و فرش خانه اش نیز گلیم و غذایش هم بسیار ساده .او از سهم امام استفاده نمی کرد ، مردی از بازرگانان خیر تهران تا آخر عمر تبرعا وجه مختصری به ایشان می داد و وی در کمال قناعت زندگی می کرد : « روزی در نجف اشرف دو زن محترم که در بمبئی سکونت داشتند و از بستگان آقا کوچک - از محترمان نجف بودند، به حضور آن مرحوم رسیدند و تقاضا کردند هرماه مبلغ 75 روپیه برایشان تقدیم کنند ، تا از لحاظ زندگی در رفاه باشد حاج شیخ عباس از پذیرفتن آن خودداری می کند . میرزا محسن محدث زاده فرزند کوچک آن مرحوم اصرار نمود تا قبول نماید ، ولی ایشان نپذیرفت تا اینکه زنان محترم نا امیدشد ، او را ترک کردند . پس از رفتن آنها فرزند به پدر گرفت من هم دیگر از کسبه بازار برای

مخارج روزانه قرض نمی کنم .حاج شیخ عباس میگوید ساکت باش این همین مقدار هم که الان خرج می کنم ،نمیدانم فردای قیامت چگونه جواب خدا وامام زمان (عج ) را بدهم در جواب این مقدار معطل هستم . و نیز در اواخر عمرش شخصی همدانی به دیدن او درنجف می زود و از و ضع داخلی ایشان جویا میشود ،مرحوم محدث قمی هر چه اصرار کرد ایشا ن نپذیرفت پس از رفتن فرد مذکور فرزند بزرگش پرسید ،پدر چرا نپذیرفتند. جواب می دهد :نازک و بدنم ضعیف است طاقت جواب خدا را در قیامت ندارم و سپس داستان امیرالمومنین در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را نقل می کرد . آنگاه می گرید و به موعظه اهل خانه می پرداخت . در یکی از سالها مرد نیکوکاری از محدث قمی خواهش می کند که در مجلس او سخنرانی و موعظه بنماید و او را متعهدکرد که مبلغ پنجاه دینار و عراقی به ایشان بدهد اما محدث قمی گفت : من برای امام حسین به منبر می روم نه برای دیگری و ومبلغ را نگرفت .زمان و علت فوت : شیخ عباس قمی در مدت اقامت در عراق همواره به کشورها ی خوش آب و هوا سفرمیکرد لیکن در سال 1359 ه.ق به خاطر تیرگی روابط عراق و سوریه نتوانست به سوریه و لبنان مسافرت کند و در نتیجه در همان هوای بسیار گرم نجف بسر برد ، لذا این امر موجب شدت بیماری و کسالت دائمی وی شد تا ینکه نهایتا در سن 65 سالگی شب سه شنبه 23 ذی الحجه الحرام سال 1359 ه.ق فوت کرد.فعالیتهای آموزشی : شیخ عباس قمی در سال 1341 ه.ق بنا به درخواست عده ای از فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد ، آموزش درس اخلاقی را درشبهای پنج شنبه وجمعه در مدرسة میرزا جعفر شروع کرد .می گویند :قریب هزار نفر از طلاب و علمای در شهر مجالس درس وی حاضر می شد ند .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، از دوستان و همنشینان شیخ عباس قمی ، از وی چنین یا د می کند :محدث قمی پیوسته سرگرم کار بود ،عشقی شدید به نوشتن و تالیف و بحث و تحقیق داشت ،هیچ امری اور ا از این شوق و عشق منصرف نمی کرد ،و مانعی در این راه نمی شناخت . محدث قمی در زمان ا قامت درعراق تابستانها برای زیارت و تجدیدقوا به کشورهای خوش آب و هوای لبنان و سوریه سفرکرد.آثار : الدار النظیم فی لغات القرآن العظیم ویژگی اثر : کتاب در عین حالی که لغات قرآن را کاملا شرح داده و معانی آنها را روشن ساخته مختصر و موجز است لذا استفاده از آن بسیار آسان است در مورد همین ویژگی مولف چنین نگاشته است .هذا مختصر منیف و سفر لطیف ،عملیه فی توضیح لغات القرآن الشریف فی غایه الایجاز و الاختصار ،لیسهل علی الطا لبین تحصیله و لا تفسیر علیهم مصاحبه و تحویله این کتاب مختصر است و لطیف و بسیار نیکو ،آن را در شرح و توضیح لغات قرآن شریف در نهایت ایجاز و اختصار نگاشتن با اینکه استفاده از آن

برای خوانندگان آسان باشد وهمراه بردن و نقل و انتقالش مشکل نباشد ب:منابع و ماخذ کتاب آثار کهن و گران سنج و در نتیجه مورد اطمینان است لذا کتاب از اعتبار خاصی برخوردار است . ج:مولف صرفا بشرح لغات بسنده نکرده بلکه به مسائل صرف ونحو نیز پرداخته و میتوا ن گفت کتاب سرشار از بحثهای ادبی است . د:در لابلای مطالب به منا سبتهای گوناگون،روایات جالب وروشنگرمطلب وارد شده است .که این امرراهگشای بسیاری ازمسا یل است.[ کیهان فرهنگی ، شماره 5 ، مرداد1366 ،ص 37و 38 ]

منابع زندگینامه :کیهان فرهنگی ، شماره 5 ، مرداد1366 ،ص 36

قمی، محسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن قمی
محل تولد : مامازند ورامین
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1339 هجری شمسی در روستای مامازند ورامین به دنیا آمد. پدرش از کشاورزان زحمتکش و ساده زیست آن منطقه بود که به علت تدین و پارسایی زیاد به شیخ حسین معروف شده بود. اورا که پنجمین فرزند خانواده بود، محسن نام نهادند. در سن پنج سالگی قرآن را از پدر خویش یاد گرفت. محسن در 7سالگی وارد کلاس درس شد و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اندیشه به اتمام رسانید. درسال 1350 ودر سن 11 سالگی به قم رفت وبه تحصیل علوم دینی در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی مشغول شد. او دردوران طلبگی شاگرد ممتاز مدرسه بود و به دفعات مکرر توسط حضرت آیت الله گلپایگانی مورد تشویق قرار گرفت و در سن 14 سالگی شروع به تدریس دروس ادبیات و مقدماتی در حوزه علمیه نمود. ایشان سطوح عالیه تحصیل حوزوی خود را نزد اساتید بزرگواری همچون حضرات آیات فاضل لنکرانی، ستوده، اعتمادی، صلواتی و صالحی مازندرانی به پایان رسانید. حجة الاسلام والمسلمین محسن قمی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تحقیق وتحصیل وتدریس در حوزه پرداخت و با شروع جنگ تحمیلی همراه با برادران خویش به ندای پیر انقلاب لبیک گفته و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. در سال 1360 در هنگام محاصره آبادان مجروح گردیده وبه مقام رفیع جانبازی نائل گشت. در جریان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس 5 نفر از خانواده حجة الاسلام محسن قمی به فیض شهادت نایل گشتند.

کاشانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ملا) حبیباللَّه بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن 14 ه. (و. 1340 ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در 14 سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا هادی سبزواری آموخت و در 16 سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در 18 سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح‌الریاض (حاشیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرةالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانةالادب، لغ.)
حبیباللَّه الشریف بن ملا علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود 1262 متولد شده و در سال 1340 ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیباللَّه یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب‌الالقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در 12 جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیةالاصول) و (درةالجمان) و تذکرةالشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.
آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. 1- مرحوم حجةالاسلام آقا حسین شریف 2- ثقةالاسلام آقا احمد شریف 3- ثقةالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.
دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند 1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین امامت 2- مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللَّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.
در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.
(ح 1340 -1262 ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف
و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبة التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (559/ 4)، الذریعه (4/ 23 ،277 /215، 18 /282، 15 /214، 14 ،324- 323 /67، 11 ،231/ 9 ،98/ 8 /271، 7 ،492- 491 ،182/ 4)، ریحانه (20 -18/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 361 -360/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (252 -250/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه)، معجم المؤلفین (187/ 3).

کاظمی، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین کاظمی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/1/1

زندگینامه علمی
درسن 14 سالگی وارد حوزه علمیه قم شدم و دروس رسمی حوزه مثل: (ادبیات عرب، اصول، فقه، فلسفه اسلامی و امثال آن) را مطابق برنامه معمول حوزه ها خواندم و خارج از برنامه و به عنوان علاقهٔ شخصی، در زمینه «عرفان، اخلاق، فلسفه غرب، ادبیات فارسی، روانشناسی، علوم سیاسی، مکالمه عربی و انگلیسی و امثال آن» در حدّ وسع، مطالعات و مباحثات داشتم. به علاوه عرفانهای مختلف از قبیل: «هندی، آمریکائی و فلسفه آنها و مباحث به انرژی و انرژی درمانی و ما یشبهه» که هنوز هم ادامه دارد و به عنوان گرایش اصلی علمی خودم، آنها را انتخاب کرده ام.
غرض نقشی است کز ما باز ماند که از گردون نمی بینم بی وفائی
مگر صاحبدلی روزی ز رحمت کند در حق درویشی دعائی

کاوه نافچی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاوه نافچی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/9/2
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1362 دروس حوزوی را در حوزه علمیه قم شروع کردم و از همان ابتدا در کنار دروس اصلی حوزه، نه تنها کتاب های متنوعی در همان موضوع را مطالعه می کردم بلکه به مطالعات غیر دروس حوزوی می پرداختم تا این که در سال 1369 موفق شدم دروس سطح حوزه را تمام بکنم. همزمان با شروع درس خارج در سال 69 در امتحان ورودی کنکور شرکت کردم و با آوردن رتبه 500 در رشته فلسفه، در دانشگاه شهید بهشتی تهران پذیرفته شدم.
در سال 74 در کنکور ارشد رشته «فلسفه غرب» شرکت کرده و رتبه 14 را کسب کردم و همزمان در امتحان ورودی رشته تخصصی حوزه (کلام) پذیرفته شدم و در میان این دو، انتخاب رشته تخصصی «کلام» را ترجیح داده و در کنار شرکت در دروس خارج فقه: (آیت الله علوی گرگانی)، خارج اصول: (آیت الله مکارم)، به تحصیل در رشته کلام پرداختم در سال 78 توانستم دروس تخصصی را با موافقت و امتیازات عالی در هر ترم به پایان برسانم.
در سال 79، موضوع «معرفت دینی و معرفت علمی» را انتخاب و موضوع رساله دکتری کلام خود انتخاب کردم. بعد از دفاع از رساله خود در دانشگاه آزاد واحد جنوب تهران به عنوان: (عضو هیئت علمی) پذیرفته شدم و در گروه معارف اسلامی به ادامه تدریس دروس معارف اسلامی پرداختم.
لازم به ذکر است اینجانب از سال 1378 مشغول تدریس دانشگاههای: آزاد اراک، دولتی شاهرود، تربیت معلم تهران، شاهد و آزاد شاهرود شدم.
در سال 1383 مقاله ای به نام: «مقایسه معرفت دینی و علمی» نوشتم که در مجله رواق اندیشه صدا و سیما به چاپ رسید. در سال 1385 مقاله ای به نام: «جلوه های رفتاری پیامبر اعظم» نوشتم که در همایش دانشگاه

آزاد لاهیجان پذیرفته و در آنجا ارائه گردید.

کلباسی، محمد ابراهیم

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد ابراهیم کلباسی
محمد ابراهیم فرزند محمد حسن کاخکی خراسانی مشهور به حاجی کرباسی (کلباسی) یکی از اعلام بزرگ شیعه در شهر اصفهان بود. کرباسی فقیهی جامع و مجتهدی کامل بود. در مواظبت به انجام و آداب و سنن دینی و اسلامی خیلی کوشا بود. کرباسی دانشمندی محتاط بود و با آنکه به مراتب علمی و کمال فقاهت رسیده بود از نوشتن رساله و دادن فتوی بیمناک بود. (کرباسی پدرش به اتفاق خانواده مدتی از خراسان به محله حوض کرباس هرات ساکن بود سپس ساکن اصفهان گردیدند و آنها را کرباسی خواندند.) مرحوم حاجی کرباسی سالها در عتبات از محضر سید بحر العلوم، شیخ جعفر کبیر، سید صاحب ریاض و محقق اعرجی بهره برد و از محضر آنها توشه ها اندوخت. نوشته اند در نوجوانی مدتی کوتاه کنار درس وحید بزرگ هم زانو زد و خود با مقام فقاهت و اجتهاد وارد اصفهان شد. مرحوم کلباسی با حجة الاسلام اصفهانی معاصر بود و به همدیگر صمیمیتی وافر و خلوصی کامل داشتند. مرحوم کرباسی برای فرامین و دستورات سید محمد باقر شفتی احترام قائل بود و نوشته سید را بوسیده به دیده می سائید و در بزرگداشت حجة الاسلام کوتاهی نکرد با آنکه شخصیتی در ردیف حجة الاسلام بود. حاجی کرباسی در مسجد حکیم اصفهان مرکزیتی جامع، مروجی کامل، راهنمائی دائم و امام جماعتی خاشع بود. «نوشته اند شیخ احمد احسائی کذائی متواضعانه به گوشه مسجد حکیم می خزید، و به دنبال حاجی سری به خاک می سائید. و به زعم بعضی خود افضلی زبان آرا بود.» مرحوم حاجی از خالق خویش خیلی خائف بود. دستورات و موازین شرع اسلام را مو به مو رعایت می کرد. در انجام فرائض، نوافل و مستحبات جدیتی کامل به خرج می داد. هیچ گاه جماعت او ترک نشد. به فرزندش ابو المعالی می فرمود: عزیزم راضی نیستم هیچ گاه فرایض خود را فرادی به پا داری (که این امر پدر نماز جماعت را به پسر واجب کرد). نوشته اند برای درک شب قدر سالی را شبها به کلی نخوابید تا به فیض شب قدر نایل آمد. در انجام حوایج بیچارگان آماده بود دوست داشت آن گاه هزینه سالانه بی نوایان را دهد که فقر و تهی دستی آنان ثابت گردد و این اثبات هم بسی دشوار بود. شهادت دادن نزد مرحوم حاجی کاری بسی مشکل بود. نوشته اند وقتی غسالی

درباره موضوعی برای دادن شهادت نزد او آمد مسائل مربوط به غسل میت را از او سؤال کرد و آنچه را لازمه مسائل اول تکلیف است از او انتظار داشت و غسال بیچاره او را پاسخگو بود. در اینجا اضافه می کنند که غسال به حاجی آقا گفت گذشته از این مسائل جمله ای نیز به گوش میت می خوانیم. پرسید چه جمله ای؟ غسال جواب داد به میت می گوئیم خوشا به حال شما که مردی و به پای میز حاجی آقا برای بیان شهادت حضور نیافتی... مرحوم کرباسی سالها غیر از خدمت دینی و رسیدگی به امور مردم، فضلائی چند نیز در اصفهان تربیت نمود که به مقامات علمی و اخلاقی نایل آمدند. او آثاری هم از خویش به جا گذاشت. از اهم تألیفات او: کتاب اشارات در اصول، منهاج الهدایة در فقه، و شوارع هدایت در شرح کفایه. او کتابی فارسی به نام نخبه و رسائلی در عبادات نوشت. رساله عملیه ای نیز به اصرار جناب میرزای قمی تدوین نمود اما آن را با ترس و لرز از آتش جهنم به رشته تحریر برده است. آن جناب سرانجام در سال 1262 در اصفهان وفات نمود و در مسجد حکیم مدفون شد. پس از او آقازاده ها وارث علوم پدر گشتند که در آینده به شرح برخی انشاءالله می رسیم.

کهنوجی، مهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی کهنوجی
محل تولد : کرمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/1
زندگینامه علمی
نامبرده تحصیلات حوزوی خود را از سال تحصیلی 1363 - 1364 در حوزه علمیه کرمان آغاز کرد. پس از گذراندن برخی از کتابهای مقدمات در سال 1365 به شهر مقدس قم هجرت نمود و در حوزه مقدس علمیه قم به فراگیری دروس حوزوی مشغول شد. در همان سال وی به علت احساس نیاز، به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و در عملیات های کربلای 4 و 5 شرکت کرد و از ناحیه (شانه و فک) مجروح شد و بعد از پذیرش قطع‌نامه به تحصیلات خود ادامه داد. فراگیری دروس کلاسیک و آموزش عالی را بعد از موفقیت در امتحانهای کتبی حوزه از سال 1372 در رشته «فلسفه» آغاز کرد و به توفیق و عنایت خداوند متعال پیوسته در این رشته مشغول بوده است به ترتیب: «دانشگاه تهران»، «تربیت مدرس تهران» و «علوم و تحقیقات تهران» و هم اکنون در حال دفاع از رساله دکتری است.
ایشان در مدتی که مشغول به تحصیل بوده با «دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» از سال 1378 همکاری پیوسته داشته است و در سه سال اخیر در گروه «تربیت محقق عرفان اسلامی» پذیرفته شده و پس از گذراندن بیش از 80 واحد عرفان نظری اسلامی، هم اکنون در حال نوشتن پایان‌نامه در این رشته می‌باشد.
وی تدریس خود را در مراکز علمی و دانشگاهی از سال 1382 شروع کرده و هم اکنون ادامه دارد. ایشان عضو «نخبگان حوزوی کرمان» و «جانبازان استان قم» می‌باشد.

گرجیان عربی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدمهدی گرجیان عربی
محل تولد : عربخیل بابلسر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/4/20
زندگینامه علمی
اینجانب در 20 تیرماه 1342 در محله عربخیل بابلسر در یک خانواده مذهبی متولد شدم و در سن شش سالگی به تحصیل در دبستان مسعود سعد وارد شدم و دوران راهنمایی ر ا نیز در همانجا گذراندم و دوران دبیرستان را در رشته علوم تجربی در سال 1360 به پایان رساندم و بعد از چند بار قبولی در دانشگاه در رشته های مختلف و شرکت در جبهه های حق علیه باطل با توجه به علاقه شدیدم به تحصیلات حوزوی به حوزه علمیه روحیه بابل وارد شدم و تحت تعلیم حضرت آیت الله محمدی طبری و آیت الله بهشتی (ره) دروس سطح را تقریبا در طی کمتر از چهار سال به پایان رساندم و در اواخر سال 1364 به قم مشرف شدم. به محض ورود به درس خارج فقه حضرت آیت الله شیخ جواد تبریزی و کفایه را نزد حضرت آیت الله محقق داماد ادامه دادم و از همان سال در درس اصول حضرت آیت الله وحید خراسانی نیز شرکت می نمودم در سال 1375 همزمان به دانشگاه علامه طباطبائی رشته علوم اجتماعی وارد شدم و بعد از اتمام بلافاصله در مقطع حقوق لیسانس و بعد نیز بلافاصله در دوره دکتری قبول شده و ادامه تحصیل دادم و در مجموعه آموزشی موسسه در راه حق که تحت اشراف استاد مصباح یزدی بود شرکت نمودم و دوره آموزش آنجا را به اتمام رساندم و دروس فلسفه (اشارات) و عرفان (فصوص الحکم و مصباح الانس) را نزد حضرت استاد آیت الله حسن زاده آملی به اتمام رساندم و در بعضی دروس جناب استاد آیت الله جوادی آملی شرکت می نمودم ضمنا در درس فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی به مدت 7 سال شرکت نمودم، لازم به ذکر است که از همان سال سوم حوزه به تدریس دروس اشتغال داشتم (که می توان گفت بیش از 19 سال مشغول به تدریس دروس حوزوی و 17 سال به تدریس دروس دانشگاهی مشغول می باشم و تمام دروس سطح را چند بارتدریس

نموده ام).

گلستانی، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی گلستانی
محل تولد : همدان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1317/9/1

زندگینامه علمی
تحصیلات حوزوی
سال ورود به حوزه 1333 درشهرهمدان/ همان سال شروع به درس خارج 1350،اینجانب شیخ علی گلستانی در سال 1317 در شهر همدان متولد شدم و تحصیلات ابتدائی را در آنجا گذراندم سپس وارد حوزه علمیّه همدان مدرسه آیه ا... آخوند همدانی شدم و بعد از چهار سال به قم مشرف شده به محضر آیه ا... فاضل لنکرانی و جعفر سبحانی رسیدم و ازآنان کسب فیض کرده و سپس به محضر آیه الله العظمی سید شهاب الدین الحسینی مرعشی رسیدم و بعد از ایشان آیه الله گلپایگانی و شیخ جواد تبریزی کسب فیض کردم و در این مدّت اقدام به تألیف این کتب نیز نمودم ضمناً یک کتاب عربی نیز در دست چاپ دارم.

گیوه چی مفرد، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن گیوه چی مفرد
محل تولد : مشهد
شهرت : پویا
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب پس از اخذ سیکل نظام قدیم (قبل از نظام راهنمایی) سال اول دبیرستان را در رشته طبیعی نیز خواندم. پس از آن در مکتب امام صادق (ع) در مشهد شبها به دروس حوزوی مشغول بودم. سپس در سال 55 ـ 56 به صورت نیمه روزه در مدرسه معروف به مدرسه آقای موسوی نژاد مشغول به تحصیل شدم و سپس در مدرسه آیت الله شیخ غلامحسین تبریزی حجره گرفتم و به صورت خصوصی به دروس حوزه به صورت تمام وقت ادامه دادم و در تمام ایام سال جز جمعه ها و یا تعطیلات مهم به درس مشغول بودم به صورتی که در سال 59 که به قم آمدم به درس مکاسب مرحوم آیت الله ستوده و کفایه مرحوم آیت الله پایانی رحمهما الله رفتم و یک جلد از کفایة را نیز نزد آیت الله دوزدوزانی خواندم و بخشی از آن را با نوار، در این اثنا نوارهای دروس بدایه و نهایة آیت الله مصباح را نیز گوش می کردم عمدتا در مشهد به صورت خصوصی درس خواندم و تنها به درس تفسیر مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی حاضر می شدم. و بخشهائی از کتاب شرح لمعه را نیز در دروس حوزه مشهد شرکت می کردم. پس از اتمام سطح به درس خارج اصول آیت الله شیخ جواد تبریزی که از ابتدای اصول شروع شده بود شرکت کردم و جز ایامی که در دوران دفاع مقدس به جبهه می رفتم تقریبا یک دوره اصول کامل درس ایشان را شرکت کردم و همزمان به درس فقه ایشان که آن زمان کتاب البیع بود و چهارشنبه ها بحث کتاب القضاء بود شرکت می کردم. ضمنا از ابتدایی که آیت الله منتظری به قم آمدند و در منزلشان درس فقه را شروع کردند تقریبا تا آخرین روزهای درس ایشان شرکت کردم. در این اثنا کتاب اشارات را به صورت کامل در آخرین دوره درس آیت الله حسن زاده آملی خواندم که بسیار از نظر معنوی پر بهره بود. تا اینکه در سال 1364 با تاسیس موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) که اینجانب از

هسته های اولیه و اصلی آن بودم ابتداء کلاسهای آموزشی که تا آن روز درحوزه متداول نبود و به اعتقاد ما نیاز حوزویان بود برگزار شد و بنده ضمن برنامه ریزی و برگزاری اجرایی آنها در همه آنها شرکت کردم که آنها عبارتند از: دوره مدیریت منابع انسانی، تشریح انسان، اقتصاد، تاریخ معاصر ایران و جهان، کلام جدید، علوم قرآن و تفسیر، اخلاق، روان شناسی عمومی، روان شناسی کودک، جامعه شناسی، تند خوانی و ... برخی از این کلاسها به صورت اردوهای آموزشی در مشهد و تهران برگزار شد و حتی به صورت عملی مثل شرکت در سالن تشریح، شرکت در برخی ادارات وابسته به بنیاد مستضعفان در حین درس مدیریت و... عمدتا از اساتید برجسته و طراز اول آن زمان از دانشگاه مثل استاد شعاری نژاد، زرگر نژاد، ابطحی، سروش، آیت الله معرفت، حسن پور، حائری و ... استفاده می شد. با پایان یافتن این دوره ها و نیز تاسیس مراکز مختلف آموزشی در قم و شروع به کار اولین فصلنامه تخصصی قرآن و تفسیر با نام بینات در سال1373، اینجانب ضمن شرکت در یک درس خارج، تمام وقت و همت خود را مصروف مباحث قرآنی کردم و به لطف خداوند تا کنون که سال دوازدهم نشر این نشریه است همچنان در سطح بسیار بالایی می درخشد. (ضمنا قبل از نشریه بینات از آغاز تاسیس و نشر مجله حوزه اینجانب در گروه اخلاق آن نشریه فعالیت داشتم تا اینکه در سال حدودا 75 ـ 76 از مجله خارج شدم.) اینجانب همزمان با برخی از دورس به تدریس نیز اشتغال داشتم بویژه ادبیات، علوم قرآن و ... که به لحاظ موقعیت آن زمان به صورت غیر آکادمیک و مباحثه های طلبه ای بوده است. همزمان با سردبیری نشریه بینات، معاونت پژوهشی موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام را پس از دوران مسوولیت آموزشی به عهده داشتم و سپس جزو هیات تحریریه دو نشریه قرآنی دیگر یعنی بشارت و آفاق نور بوده و هستم. در ضمن مدتی در معاونت بین الملل وزارت ارشاد به عنوان کارشناس جهت اعزام به رایزنی ایران در لاهور بوده ام و سفری به آنجا رفتم. سپس در سال 1379 معاونت پژوهشی موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) را پذیرفتم و در سال 83 مدیریت طرح و برنامه و اکنون نیز معاونت پژوهشی موسسه می باشم که به لطف خداوند تا کنون دهها جلد از آثار حضرت امام (ره) و یا درباره امام خمینی (ره) از آن سال تا کنون منتشر شده است.

لک علی آبادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد لک علی آبادی
محل تولد : درود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد

زندگینامه علمی
با عنایت حضرت حق و توجهات حضرت ولی عصر علیه السلام در سال 1368وارد حوزه علمیه قم شده و پس از گذراندن دوره مقدمات در مدرسه حقانی ادبیات عرب را گذراندم.سطح1حوزه قم را در مدرسه امام محمد باقر علیه السلام با رتبه ممتاز طی کرده و وارد دروس سطح2حوزه قم شدم واز محضر اساتید محترم اقایان علی دوست و حسینی خراسانی وحسینی بوشهری استفاده کردم.دروس خارج فقه و اصول را از حضرات ایات بهجت ومبشرکاشانی و علوی بروجردی کسب فیض کردم و همچنان خوشه چین محضر مبارک اساتید بزرگوارم هستم.از محضر ایت الله جوادی املی در علم تفسیر قران بهره مند شده و در زمینه اخلاق و عرفان افتخار استفاده از محضر استاد معظم شیخ عبد القائم شوشتری و مرحوم ایت الله لنگرودی را دارم. 5 سال در امور فرهنگی مسجد مقدس جمکران در واحدهای مختلف انجام وظیفه کرده و2سال در مسئولیت سازمان تبلیغات شهرستان دورود مشغول بوده ام.در کنار تحصیل همواره به امر تبلیغ و تدریس ارج نهاده و هم اکنون غیر از تکمیل دروس خارج فقه و اصول به تحقیق و تالیف و راه اندازی مرکز پژوهش انتشارات هنارس مبادرت کرده ام که از جمله فعالیت های این مرکز مجموعه 20جلدی مهارت های زندگی است که مزین به دو هزار روایت می باشد که در سال نواوری وشکوفایی منتشر گردید.تحقیقات و تالیفات اینجانب بیشتر در زمینه سیره اهل البیت علیهم السلام و اخلاق وعرفان می باشد که از ان جمله است مجموعه هوای وصل در7جلد وصاحب دلان در5جلد

مجتهدی تهرانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی از علماء با تقوا و موصوف بفضل و اخلاق تهرانست.
وی در سال نهم مهرماه سال 1302 شمسی برابر 1343 قمری هجری در تهران متولد شده و پس از خواندن دروس جدید و مقدمات و ادبیات و قسمتی از سطوح در سال 1363 قمری به قم مهاجرت نموده و متون فقه و اصول را از مدرسین بزرگ حوزه علمیه چون آیت‌اللّه صدوقی یزدی و آیت‌اللّه سلطانی و آیت‌اللّه حاج سید صادق شریعتمداری به پایان رسانیده و از محضر مرحوم زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی طاب ثراه و آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی و آیات دیگر استفاده نموده و پس از آن در سال 1370 قمری به تهران مراجعت و در مسجد حاج سید عزیزاللّه تهران بتدریس و تربیت عده‌ای از جوانان با ایمان و ضمنا استفاده از محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری ادام اللّه ظله و مرحوم آیت‌اللّه تنکابنی نموده و کم‌کم مورد توجه معظم له و مردم متدین تهران و بالاخص تجار و اصناف بازار قرار گرفته و حوزه‌ای تشکیل داده و برای این خدمت دعوت به مسجد و مدرسه حاج ملا محمد جعفر معروف به مسجد (آقا) گردیده و در آنجا به اقامه نماز جماعت و پرورش محصلین و جوانان متقی و پرهیزگار نموده و عده بسیاری تربیت و بحوزه‌های علمی قم و مشهد اعزام نموده است.
آیت الله مجتهدی در سال 1362 قمری و در سن 19 سالگی به کسوت روحانیت درآمد و قبل از آن در بازار تهران مشغول به کار بود و پدر ایشان یعنی مرحوم محمد باقر راضی نبود که فرزندش طلبه شود ولی بر اثر عشق و علاقه زیادی که جناب استاد به علم و دانش داشت به سوی طلبگی روی آورد. با توجه به مخالفت پدر، سال‌ها با عسرت و سختی زیادی، در لباس روحانیت به تحصیل علم پرداخت و بعد از سال‌ها نه تنها پدر راضی شد بلکه بر وجود چنین فرزندی در نزد خویشان و نزدیکان و در اجتماع افتخار می‌کرد. وی پنج سال بعد یعنی در سال 1367 قمری و در سن 24 سالگی ازدواج کرد و در همین سال دروس رسائل و مکاسب را نزد آیات و حجج اسلام آقایان فاضل (پدر حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی) و سیدحسین قاضی و آقا شیخ قاسم نحوی امتحان داد و با موفقیت به اتمام رساند. بعد از قریب دو سال در سن 26 سالگی و در

سال 1369 قمری امتحان کفایه و قسمتی از درس خارج را با موفقیت گذراند. آیت‌الله مجتهدی در ضمن تحصیل، به تدریس کتب حوزوی هم می‌پرداخت و وقتی که از قم به تهران آمد شب‌ها در مسجد امین‌الدوله که مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد در آنجا مشغول به تدرس و اقامه نماز بود، استاد هم، صبح و عصر به امر تدریس اشتغال داشت و چون مرحوم حاج شیخ محمدحسین زاهد در اواخر عمر و با وجود کهولت سن به سختی مشغول تعلیم و تربیت طلاب بود، لذا از آیت‌الله مجتهدی تقاضا کرد که علاوه بر تدریس، شب‌ها هم منبر برود و آیت‌الله مجتهدی در طول دو سال، شش جزء از اول قرآن را با استفاده از تفسیر برهان که مبنای تفسیری ایشان بود برای مستمعین آیات قرآن را تفسیر می‌کرد. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی صبح‌ها در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله بازار جهت طلاب به تدریس کتب ادبیات و فقه مشغول بود و بعد از ظهرها هم برای کسانی که روزها شاغل بودند و بعد از ظهرها درس می‌خواندند به تدریس کتب حوزوی از قبیل مطول، سیوطی، مغنی، منطق و غیره می‌پرداخت. دو سال بعد یعنی در 21 محرم سال 1372 قمری، ثلمه‌ای در اسلام به وجود آمد و آن رحلت عارف زاهد و معلم اخلاق حاج شیخ محمدحسین زاهد رحمةالله علیه بود. آیت‌الله احمد مجتهدی تهرانی پس از گذشت سه سال از رحلت آن عالم بزرگوار، همچنان به امر تدریس در مسجد مرحوم حاج سید عزیزالله واقع در بازار تهران مشغول بود تا آنکه به درخواست عده‌ای از علماء و مردم متدین، از حضرت استاد تقاضا کردند که حوزه علمیه را به مسجد مرحوم حاج ملا جعفر منتقل کنند که در آن زمان مسجد، انبار خاک ذغال و خمره ترشی کسبه محل بود، و تجار و مردم متدین با علماء مشورت کردند و به این نتیجه رسیدند که آیه‌الله مجتهدی به دلایلی نسبت به علماء دیگر جهت ادامه راه مرحوم حاج شیخ محمد حسین زاهد ارجحیت دارد. بنابراین با همت تجار و مردم متدین، آیت‌الله مجتهدی توانست حوزه علمیه فعلی را که در تهران خیابان 15 خرداد شرقی، کوچه شهید مرتضی کیانی، کوچه مسجد آقا واقع است تأسیس کند. نگارنده گوید: جناب آقای مجتهدی از دانشمندان و مربیان با حقیقت و معنویت معاصر است و از سی سال قبل که ایشان را شناخته‌ام با تقوا و ورع یافته و مکروهی از وی ندیده‌ام جدا از افرادیست که علم خود را مقرون بعمل و قدس خویش را توام با اخلاص قرار داده است.

آثار قلمی چندی دارد که از آنها چند رساله بطبع رسیده است.

1- رساله‌ای در احکام‌الغیبه.

2- رساله‌ای در گناهان کبیره.

از خدمات ارزنده ایشان تشکیل حوزه علمیه مدرسه و مسجد آقای مزبور است که در حال حاضر بیش از یکصد طلبه و محصل دارد که عموم آنان را

شهریه (ماهیانه) از سیصد ریال الی یکهزار و پانصد ریال میدهد. معظم له از عموم مراجع نجف اشرف و قم و تهران و غیره وکالت و اجازه دارد.
آیت الله مجتهدی تهرانی که در سالهای آخر عمر از مشکلات تنفسی و قلبی رنج می‌برد در ۲۳ دی ۱۳۸۶ در سن ۸۵ سالگی در بیمارستان بازرگانان تهران دار فانی را وداع گفت.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

مجتهدی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ جعفر مجتهدی در بیست و هفتم جمادی الثانی سال 1343 ه.ق مطابق با اول بهمن ماه 1303 ه.ش در خانواده ای بسیار متدین و مرفه در شهر تبریز دیده به جهان گشودند.گروه : علوم انسانی رشته : الهیات و معارف اسلامی والدین و انساب : پدر شیخ جعفر مجتهدی جناب حاج میرزا یوسف از دلباختگان آستان ولایتمدار قبله العشاق و امام السعداء، حضرت سیدالشهداء ابا عبدا... الحسین (ع) بودند، تا جائی که مکرر قافله سالاری زائرین کربلای معلی را از تبریز به عهده می گرفته و خروج زوار تهی دست دل شکسته را خود عهده دار می شدند و در طول مسیر حراست این قافله با دو شیر تربیت شده بود که در ابتدا و انتهای آن حرکت می کردند و زوار امام حسین (ع) را سلامت به مقصد می رساندند. ایشان بعد از فقدان پدرشان جناب حاج میرزا یوسف، تحت کفالت و سرپرستی مادر بزرگوارشان، آن بانوی علویه قرار گرفتند. خاطرات کودکی : شیخ جعفر مجتهدی در اوائل سن پنج سالگی، در عالم رویا مشاهده می کند از جانب آسمان منبری از نور تا کنارش بر پا شده و وجود مقدس بی بی دو عالم حضرت صدیقه طاهره (ع) تشریف می آورند و او را مورد نوازش و تفقد و مهربانی قرار داده و با دست مبارکشان به سر و صورت او می کشند. از همان دوران نوجوانی روح بلند و ناآرام این مرد الهی به دنبال کشف حقایق و اسرار بر می خیزد، ایشان نقل می فرمودند؛ من در همان آغاز نوجوانی شروع به تهذیب نفس و خودسازی و تقویت اراده نمودم چون بسیار دوست داشتم به بینوایان و مستمندان کمک کرده و زندگی آنها را از فقر و تنگدستی نجات بخشم، سعی وتلاش بسیاری می نمودم تا معمای لاینحل کیمیا به دست من حل گردد، لذا قسمتی از سرمایه پدری را در این راه صرف نمودم ولی به نتیجه ای نرسیدم، اما چون این کوشش من همراه با توسلات شدید بود، یک روز هنگامی که مشغول انجام ترکیبات شیمیایی بودم ناگهان سروشی آسمانی به من ندا در داد:جعفر؛ کیمیا، محبت ما اهل بیت است، اگر به دنبال آن هستی قدم بگذار و ثابت باش،آری؛ اراده ای آهنین و زهدی متین و توسلات پی در پی باعث می شود تا با آن ندای ملکوتی تلاشهای این مرد بزرگ جهت گیرد و مسیر سلوکی او برای همیشه روشن شود و قطره ای لایق در صدفی پر ارزش به مرواریدی درخشان تبدیل گردد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : بعد از

گذشت حدود یک سال اقامت حاج شیخ جعفر مجتهدی در نجف روزی نامه ای از طرف برادرم که در تبریز بود توسط شخصی به دستم رسید که در آن نوشته شده بود از زمانی که شما به نجف رفته اید اموال شما ( که عبارت بود از چندین باب مغازه در بهترین نقطه شهر تبریز و مستغلات دیگری که از پدرم به ارث رسیده بود) در دست مستأجران می باشد و آنها از پرداخت حق الاجاره خودداری می نمایند و می گویند: باید از طرف شخص مالک وکالت داشته باشید تا حق الاجاره را به شما تحویل دهیم. با توجه به اینکه شما دور از وطن می باشید و نیاز به پول دارید وکالتی برای من بفرستید تا مال الاجاره ها را جمع نموده و برایتان بفرستم. در این هنگام متوجه شدم که مورد امتحان بزرگی قرار گرفته ام؛ متحیر ماندم که چه کنم؟ آیا با این اندک نانی که از پینه دوزی به دست می آورم ارتزاق کنم یا مجدداً به زندگی مرفه خود که از ارث مرحوم پدرم بود و از نظر شرعی هم بلامانع و حلال بود برگردم. با خود در جنگ و ستیز بودم و شیطان مرا وسوسه می کرد، تا اینکه تصمیم خود را گرفته و در پشت همان نامه برای برادرم نوشتم: عنایات حضرت امیرالمومنین (ع) در نجف شامل حالم بوده و از سفره پرفیض ایشان بهره مند می باشم و ایشان هزینه زندگیم را کفایت کرده اند. کسانی که در تبریز مستاجر من می باشند، اگر توان مالی داشتند در محل استیجاری به سر نمی بردند. لذا به موجب همین دست خط وکالت دارید تمام املاک متعلق به من را به نام مستاجران و در تملک ایشان درآوردید و خدای من هم بزرگ است. و بدین ترتیب در یک لحظه تمام ثروت و دارائی خود را بخشیدم. ایشان می گویند در زمان اقامت در نجف راهی مسجد سهله شده و مدت هشت سال به طور مداوم، در آنجا معتکف گردیدم و به جز تجدید وضو و تطهیر از مسجد خارج نمی شدم.و در این مدت از طرف حضرت امیر (ع) و آقا امام زمان (عج) عنایات زیادی به من شد. زمان و علت فوت : شیخ جعفر مجتهدی پس از حدود چهار سال اقامت در جوار حضرت ثامت الحج (ع) در تاریخ ششم ماه مبارک رمضان 1416 هـ ق مطابق با 6/11/74 هنگام ظهر روز جمعه دار فانی را وداع و روح ملکوتیشان عروج می کند.

محرابی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محرابی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/9/19
زندگینامه علمی
سال 1361 پیش از اخذ دیپلم (دوم دبیرستان) وارد حوزه علمیه قم شدم و پس از مدتی به صورت متفرقه سه سال دبیرستان را امتحان دادم و دیپلم گرفته شد. در بدو ورود به حوزه، وارد حوزه علمیه امام خمینی کرمانشاه شدم و پس از یک سال رهسپار حوزه علمیه قم گردیدم. در سال 1371 دروس سطح و امتحانات آن (کتبی و شفاهی) به پایان رسید و وارد درس خارج شدم. از دروس خارج آیه الله جوادی آملی، سید جعفر کریمی، سبحانی، خاتم یزدی، تبریزی، و دیگر استادهای گرانقدر حوزه در فرصت های زمانی کوتاه و بلند استفاده و خوشه چینی شد.
در کنار درس خارج، از حدود سال 1374 در محضر استاد آیه الله جوادی آملی بوده و ضمن بهره مندی از گوهر وجود ایشان، در موسسه اسرا، به تنظیم سه کتاب قرآن در قرآن، ولایت فقیه و عدالت اجتماعی در پرتو نهضت حسینی (ع) از ایشان توفیق یافته ام که دو کتاب اول چاپ شده و کتاب سوم در مرحله پیش از چاپ قرار دارد. از آنجا که بنده در زندگی علمی وحوزوی خود به دنبال پاسخ دهی به نیاز ها و پرسش های اساسی خود بودم، نخست به مطالعات فلسفی و عقلانی پرداختم که در کتاب های بدایه، نهایه، بخشی از منظومه، مختصری از اسفار، شرح منظومه استاد مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم صورت گرفت. دغدغه در مباحث معرفت شناسی نیز سبب شد تا در این زمینه مطالعات و تفکراتی صورت گیرد و مختصری هم نوآاوری حاصل شد و در این زمینه بیشترین استفاده از مباحث معرفت شناسانه اصول فلسفه و روش رئالیسم برده شد.
علاوه بر عرصه عقلانی، عرصه فرهنگی و تربیتی نیز بخش از زندگی علمی بنده را به خود اختصاص داده است. اینجانب از سال اول طلبگی به برگزاری برنامه ها و کلاس های فرهنگی پرداختم و به تدریج از سطح دبستان و راهنمایی به دبیرستان و سپس به سطح دانشگاهی و جلسات

گفتگو با برخی اساتید دانشگاه منتهی شد. حدوداً از 10 سال پیش تا کنون ارتباط با فضای دانشگاهی به صورت فردی، گروهی، جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ وجود داشته است. چند سال ارتباط تبلیغی و دو سال نهاد رهبری دانشگاه ایلام و سه سال تدریس معارف در دانشگاه از جمله آنهاست.
عرصه سوم زندگی علمی بنده، عرصه اخلاقی و معنوی بوده که در دو سوی متفاوت اما مرتبط با یکدیگر صورت گرفته است، از سویی به مطالعه و تفکر در نظام اخلاقی و معنوی اسلام پرداخته و ضمن مطالعه کتب اخلاقی و معنوی عالمان دینی، به دنبال دستیابی به نظام اخلاقی اسلام بوده ام و از سوی دیگر، به مطالعه برخی کتب روانشناسی، روانکاوی ، هیپنوتیزم، ضمیر ناهشیار و نیمه هشیار، روانشناسی تصویر ذهنی، زندگی موفق، مدیریت زمان، کتب عرفانی شرقی و غربی و ... پرداخته ام. تاسیس ابتکاری مرکز مشاوره دینی و اداره و ارائه مشاوره در سه بخش اعتقادی، اخلاقی، و بهداشت روانی و خانواده یک سال و نیم در کرمانشاه و نیز تدریس مدیریت زمان، روش همسرداری، روش تربیت برای طلاب و فضلاء حوزه، از دیگر خدمات اینجانب بوده است.

محمدی، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله محمدی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/1/1
زندگینامه علمی
وی در سال 1338 در یک خانواده روحانی فرهنگی در اصفهان چشم به جهان گشود . به دلیل ذوق سرشار و استعداد استثنایی دوران تحصیلات ابتدایی را در حالی به اتمام رساند که بخشی از دروس ابتدایی حوزوی را در محضر آیت الله والدش فرا گرفته بود . بلافاصله وارد حوزه علمیه اصفهان و پس از دو سال وارد حوزه علمیه قم شد و با جدیت و سرعت و پیشرفت چشمگیر دروس حوزوی را نزد اساتید برجسته حوزه علمیه قم و در فصل تابستان در اصفهان می آموخت . تحصیلات کلاسیک را همزمان و در عرض دروس حوزوی پی گیری کرد تا موفق به اخذ درجه دکتری تخصصی گردید . در سال 1369 بنا به تایید مراجع تقلید و اساتید دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و شهادت مکتوب آنها در امتحان دروس خارج شرکت کرد و بنا به تایید هیئت ممتحنین موفق به اخذ مدرک رسمی اتمام دوره اول خارج فقه و اصول شد . ایشان از آن تاریخ تا کنون علیرغم پذیرش مسؤولیت های فرهنگی اجرایی چندین سال دیگر از درس خارج اساتید برجسته حوزه قم و تهران استفاده می نموده است .
دکتر محمدی اصفهانی در سال 1375 موفق به اخذ مدرک دکترای تخصصی از واحد علوم و تحقیقات تهران در رشته عرفان اسلامی گشت .عنوان رساله دکترای وی که با درجه عالی پذیرفته شده است ، ختم ولایت می باشد .در متون عرفانی با تکیه بر آراء شیخ اکبر محی الدین بن عربی و عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان سیر تکاملی نگارش منطق الطیر در اسلام از شیخ الرئیس ابو علی سینا تا عطار نیشابوری است .ایشان علاوه بر طی دروس رایج حوزه علمیه از محضر اساتید بزرگ حوزه و دانشگاه ، در دروس فلسفه و حکمت ، اخلاق ، تفسیر ، عرفان نظری و عملی ، هیئت و نجوم ، دوره تخصصی مدیریت خلاق مکالمه زبان های انگلیسی و عربی طی سالیان متمادی بهره گرفت .

دکتر محمدی اصفهانی از سال 1350 تا کنون و حتی در دوره های مسؤولیت فرهنگی اجرایی به طور مستمر اشتغالات علمی ، تحصیلی ، تدریسی ، پژوهشی و تالیفی در حوزه های علمیه ، مراکز آموزش عالی تخصصی و دانشگاه های قم ، تهران و بعضی از شهرهای بزرگ کشور را داشته اند .اهم مواد تدریس توسط ایشان در دانشگاه ها و حوزه ها در طی 25 سال گذشته به این شرح است :ادبیات ، منطق ، اصول فقه ، فقه (لمعتین و مکاسب محرمه) ، فلسفه (بدایه و نهایه علامه) ، عرفان (فتوحات مکیه ابن عربی و نمط نهم اشارات و تنبیهات ابو علی سینا در عرفان ، احکام (نبراس ملا هادی سبزواری) ، بررسی ادیان (ادیان شناسی) ، تعلیم و تربیت ، مشاوره خانواده ، تفسیر ، روان شناسی ، علم النفس ، قرائت و درک متون عرفانی سیر و سلوک اسلامی ، فلسفه اخلاق ، کلام تخصصی ، جغرافیایی سیاسی جهان اسلام و ... .دکتر محمدی اصفهانی تا کنون حدود یک صد رساله دانشگاهی را در مقطع کارشناسی ارشد یا دکتری به عنوان استاد راهنما یا مشاور به عهده داشته است که در مراکز دانشگاهی یا مراکز آموزش تخصصی دفاع شده است .ایشان علاوه بر تدریس رسمی خود در دانشگاه ها و حوزه ها در طی ده سال گذشته در درس های خصوصی خود به تربیت شاگردان عرفانی خود همت گماشته است و جمع کثیری از جوانان دختر و پسر از محضر وی عرفان ناب اسلامی را شناخته و آن را از انحرافات صوفیه و مدعیان عرفان تمیز داده اند و به سیر و سلوک مشروع و منطبق با معارف شیعه پرداخته اند .

مختاری، علی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی مختاری
محل تولد : تیران کرون اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1338/9/2
زندگینامه علمی
از سال 1351 وارد حوزه علمیه قم، مدرسه المهدی زیر نظر آیت الله گلپایگانی شدم و از اساتید آنجا مثل حضرات آیات مرحوم آیت الله تقوی اشتهاردی، حسن امینیان، و... و اساتید حسین مظاهری ، مرتضی مقتدایی، حسن تهرانی، رضا استادی، نجفی شهرضایی، عالمی، غلامرضا صلواتی ، و ... بهره بردم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر استفاده از اساتید نامبرده، از اساتیدی چون آیات مصباح یزدی، خزعلی، جوادی آملی، جعفر سبحانی ، یحیی انصاری شیرازی، مرحوم سید رضا صدر، طاهرشمس، سید مصطفی محقق و سید علی محقق، آیت الله العظمی گلپایگانی و بسیاری از مراجع حاضر بهره برده، و درسهای رایج حوزه، نظیر، فقه، اصول،رجال، تفسیر، منطق، فلسفه و ... را بسان سایر طلاب خواندم. در فصل تابستان و تعطیلی حوزه قم، اکثرا به حوزه های علمیه سایر شهرستانها می رفتم و به درس یا تدریس می پرداختم مثل حوزه علمیه فیروز آباد فارس حدود 4 سال، خوانسار، حدود 5 سال، و دو سال 1356 و 1357 فصل تابستان در مدرسه نیم آور اصفهان تحت نظر و اشراف آیت الله ناصری اصفهانی بودم. و از اساتید حوزه اصفهان از جمله آیت الله ناصری (درس لمعه) بهره می بردم.با شروع دوره های تخصصی تفسیر و علوم قرآن، کلام و... در حوزه علمیه قم، حقیر در اولین دوره تفسیر علوم قرآن شرکت کردم و تاکنون بخش عمده تلاش هایم در خدمت قرآن کریم و تفسیر است. در اولین دوره دانشگاه قم (آن زمان به نام مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب) و نیز اولین دوره دانشگاه تربیت مدرس شعبه قم مقطع فوق لیسانس که آن زمان در دارالشفاء تاسیس شد شرکت کردم و قبول شدم ولی حوزه علمیه را ترجیح دادم. ضمن تحصیل هرگاه موقعیتی مناسب بوده است به تدریس ادبیات، فقه، عقاید، علوم قرآن، علوم حدیث و تفسیر پرداخته ام. بیش از ده سال است از طرف چند مرکز علمی و

فرهنگی به کتابشناسی و داوری و ارزیابی کتاب ، مقاله و ... اشتغال دارم. و یکی از تخصصهای حقیر، همین داوری کتاب است. اکنون عمدتاً به تالیف و تصحیح و یا مسافرتهای تبلیغی اشتغال دارم. موضوع مقالاتم به اقتضای زمان و نیاز، و یا سفارش دهندگان در تفسیر، ترجمه از عربی، اخلاق، مسائل فرهنگی و اجتماعی، فقه، تاریخ، حدیث، نقد و بررسی، کتابشناسی و ... بوده است.

مصطفی پور، محمدرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا مصطفی پور
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمدرضا مصطفی‌پور فرزند ولی الله در سال 1330 در روستایی از دهستان امیری لاریجان از شهرستان آمل به نام آخا متولد شدم در سن هفت سالگی به مدرسه روستا رفته و تا کلاس ششم ابتدایی را در سال 1343 به پایان رساندم و در آبان ماه سال 1383 به راهنمایی یکی از روحانیون آشنا با خانواده، به حوزه علمیه آمل در مسجد جامع رفتم و چهار سال را در آن جا به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودم و در سال 1347 به حوزه علمیه آمده و در مدرسه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی امتحان داده و پس از قبول در مدرسه‌ای که تحت نظارت ایشان اداره می‌شد مشغول به تحصیل شدم و تا پایان لمعتین و اصول فقه را در آنجا گذراندم و.
در سال 1347 به مدرسه سعادت که تحت نظارت آیت الله جوادی آملی و حسن‌زاده آملی اداره می‌شد رفتم. در این دوران دروس مقدماتی را در آمل خدمت حجت الاسلام سعیدی خراسانی مشغول بودم. وقتی وارد حوزه علمیه قم شدم لمعه را در خدمت مرحومین حاج حسن آقا تهرانی و سید ابوالفضل موسوی تبریزیی و اصول فقه را خدمت آیت الله انسیان که اکنون امام جمعه آستانه اشرفیه هستند و خدمت آیت الله استادی و پیشاپیش معالم الاصول را خدمت حضرت آیت الله مقتدایی که اکنون عضو قوه قضائیه هستند تلمذ کردم. مکاسب را خدمت حجت الاسلام مرحوم آقای مصلحی اراکی و آیت الله جوادی آملی خواندم و رسائل را خدمت آیت الله موسوی تهرانی و مرحوم آیت الله شمس گلپایگانی استفاده بردم و کفایة الاصول را خدمت مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی به پایان رساندم.ناگفته نماند در کنار دروس رسمی فقه و اصول کتاب‌های منطقی و کلامی و فلسفی و عرفانی را نیز از محضر اساتید استفاده کردم.
منطق شمسیه و حاشیه ملا عبدالله را خدمت آقای انسیان فوق الذکر و

المنطق را خدمت آقای ابراهیمی بهشهری و تجرید الاعتقاد را خدمت آقای وافی یزدی و منظومه را از محضر آیت الله آقای محمدی گیلانی و منطق آن را از خدمت آقای گرامی تملذ کردم.اشارات و شبهات را خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی و اسفار الاربعه را خدمت آیت الله جوادی آملی بهره بردم.عرفان نیز کتاب تمهید القواعد و فصول الحکم محی الدین را خدمت آیت الله جوادی آملی و مصباح الانس را خدمت آقای حسن‌زاده آملی تملذ کردم. دروس خارج اصول فقه را خدمت مرحوم آیت الله العظمی هاشمی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی استفاده کردم و فقه را نیز خدمت آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جوادی آملی و آیت الله منتظری حضور پیدا می‌کردم و از افاضات آنان بهره‌مند می‌شدم.از سال 1362 با ارشادات دوستان به دانشگاه راه پیدا کردم و در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی و تربیت معلم تهران به تدریس مشغول شده و اکنون نیز عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم هستم. پایان‌نامه اینجانب درآمدی بر فلسفه اخلاق بود که با راهنمایی مرحوم دکتر سید جلال الدین مجتبوی استاد دانشگاه تهران نوشتم و در سال 69 از آن دفاع کردم.در کنار این فعالیت با مراکز پژوهشی قم به فعالیت پژوهشی پرداختم و اکنون در حال نوشتن رساله سطح چهار هستم.

مطبعه چی، مصطفی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید مصطفی مطبعه چی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1

زندگینامه علمی
سیّد مصطفی مطبعه چی اصفهانی در سال 1341 در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. دروس ابتدایی و کلاسیک را دراصفهان گذراند و در سال 1359 وارد حوزه علمیّه شد. پس از مدّتی به قم هجرت نمود و دوره سطح و خارج را در آنجا سپری کرد و از محضر اساتیدی چون اعتمادی، دوزدوزانی، تهرانی، مکارم شیرازی، تبریزی و ... استفاده نمود. وی در کنار دروس حوزوی به تحصیلات کلاسیک هم پرداخت. در سال 1375 لیسانس علوم سیاسی را از دانشگاه تهران اخذ نمود و فوق لیسانس شرق شناسی را در دانشگاه مقاصد بیروت در سال 2000میلادی به اتمام رساند. وی هم اینک در قم مشغول تحقیق و پژوهش می باشد.

معصومی لاری، محمدمسعود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدمحمد مسعود معصومی لاری
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/1/1
زندگینامه علمی
بنده اگرچه در شناسنامه به خاطر مدرسه سال 1338 نوشته اند ولی سال 1339 در کرمانشاه و در یک خانواده ای که سابقا در سلسله جلیله روحانیت بوده اند به دنیا آمده ام جد ما مرحوم آقای سید حسین معصومی لاری در همان منطقه کنگاور و کرمانشاه بوده اند البته از آن جهت به ما لاری میگویند که بخشی از خاندان ما در لار و گراش هستند ما از نوادگان مرحوم سید عباس معصومی لاری هستیم سلسله ما عموما سلسله ای بوده اند که همه روحانی بوده اند عموهای بنده مرحوم حاج آقا حسن و حاج آقا جعفر معصومی لاری روحانی بوده اند ابوی بنده سید محمد صادق معصومی لاری در کرمانشاه از معتمدین و مسئول بازرگانی است و فعالیت های اجتماعی زیادی دارند در هر صورت در یک خانواده کاملا مذهبی بزرگ شدیم و تا دیپلم خودمان را در کرمانشاه گذراندیم
دیپلم من مصادف شد با انقلاب اسلامی و از آن به بعد به مطالعات دروس حوزوی پرداختم اوایل انقلاب مدتی در مدرسه عالی شهید مطهری تحصیل کردم آن زمان آقای امامی کاشانی برنامه را در دست گرفته بودند اول کار بود در سال 1358 به هر حال تصمیم گرفتم برای تحصیل بروم خارج از کشور لذا ویزای تحصیل گرفتم و رفتم فرانسه مدت شش ماه آنجا زبان خواندم و زبان را خیلی سریع یاد گرفتم آنجا از جهت فراگیری زبان محیط خیلی خوبی بود ، فارسی زبان کم بود در کاستل نوداقی (جنوب فرانسه) یکی از آن کاخهایی که در زمان انقلاب فرانسه مصادره شده بود تبدیلش کرده بودند به یک مرکز یا پانسیونی برای خارجیها که هم زبان یاد بگیرند و هم آماده باشند برای ورود به دانشگاهها به همین جهت من زبان را در آنجا خیلی سریع یاد گرفتم خوب بعد از آن آمدم پاریس دانشگاه سوربن در رشته ادیان شناسی مشغول به تحصیل شدم و تا حدود دو سال آنجا درس خواندم در این میان به ایران هم سفر میکردم بورسیه نبودم و

پدرم از ایران پول میفرستاد خوب پس از یک سال و اندی به ایران بازگشتم در جهاد سازندگی مرکز و بلافاصله بعد از آن در وزارت امور خارجه مشغول به کار شدم
اواخر سال 1362 وارد حوزه علمیه قم شدم البته در فرانسه هم منطق ، تفسیر ، قرآن ، فلسفه و روش رئالیسم میگفتم به درسهای علوم دینی زیاد علاقه داشتم و مطالعه میکردم بخصوص کتابهای مرحوم مطهری و علامه طباطبایی زیاد میخواندم
قبل از رفتن به فرانسه (اصول فلسفه و روش رئالیسم) را از آقای امجد درس گرفتم . آقای امجد ، حاج آقا ممدوحی و حاج آقا نجومی اینها همه شاگردان مرحوم حاج آقا حسین لاری یعنی جد ما هستند اینها همه بخشی از اساتید من در مدرسه شهید مطهری بودند . آقای امامی کاشانی تفسیر میفرمودند خدا رحمت کند مرحوم علامه محمد تقی جعفری را ، شرح تفسیر نهج البلاغه را اول آنجا ارائه میکردند و قبل از آنکه بنویسند می آمدند آنجا میگفتند و بحث و گفتگو میکردند بزرگوار دیگری بود که اسمشان را فراموش کردم ایشان به ما منطق میگفتند وقتی به قم آمدم در مدرسه علمیه کرمانیها مشغول شدم خدمت آقای موحدی تبریزی ادبیات (جامع المقدمات) را شروع کردیم (مغنی) را خدمت آقای آدینه وند بودیم و یک کمی هم از آقای مدرس افغانی استفاده کردیم در مدرسه کرمانیها منطق را آقای پرنده غیبی و احکام را آقای شیخ محمد سروش درس میدادند (اصول الفقه) را از آقای میرباقری و یکی دیگر از آقایان که اسمش را یادم نیست درس گرفتیم آقای هادوی یک درس منطق (نمیگویم خارج منطق ولی چیزی شبیه آن) میگفتند لذا ما یک کار خیلی جدی را با همراهی ایشان روی منطق انجام دادیم فلسفه را از محضر استاد فیاضی استفاده کردیم به اضافه این که قبلا هم از آقای امجد درس گرفته بودم ، رسائل را ابتدا از خدمت آقای راستی کاشانی استفاده کردیم ولی متاسفانه تا مقداری که جلو رفتیم ایشان بیماری پیدا کردند و نتوانستند بیایند دنبال آن از آقای موسوی تهرانی که بسیار بسیار در رسائل قوی هستند استفاده کردم مکاسب را خدمت آقای پایانی و لمعه را ادر محضر آقای اشتهاردی خواندم . آقای اعتمادی خیلی قوی بود ولی آقای قدیری واقعا ملاپرور بود مثل درس آقای راستی ایشان هم درسش همه پسند نبود سخت میگرفت و از طلبه کار میکشید
درس خارج را با آقای شیخ جواد تبریزی شروع کردم و در بخشی از خارج فقه آقای وحید شرکت داشته ام تفسیر را از محضر آقای جوادی استفاده کرده ام.

منافی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1279.
درگذشت: 1369.
از احمد منافی کتابی در خصوص اخلاق اسلامی و عرفان بر جای مانده است: گنجینه‌ی معارف (از مذاکرات احمد منافی، تهیه و تنظیم کاظم کاظم‌زاده ایرانشهر، تهران، 1364).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

موسوی بالیگی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد موسوی بالیگی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/7/1

زندگینامه علمی
آقای سید محمد موسوی بالیگی در سال 1348 هجری شمسی در خانواده ای متدین و مذهبی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود. نامبرده دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد و در پی علاقه وافر خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1365 وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. از نخستین روزهای ورود به حوزه علمیه با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت و ضمن انس با آستان ملکوتی علی بن موسی الرضا (ع) نزد بزرگان آن دیار همچون: «آیت الله آشتیانی»، «آیت الله علم الهدی» و «مرحوم آیت الله فلسفی» تلمذ کرد.
ایشان ضمن پرداختن به وظیفه مهم دینی خویش: «تبلیغ»، به تدریس فلسفه و عرفان در دانشگاه های رضوی مشهد و دانشگاه تهران مشغول است. ایشان در زندگی سراسر علمی خود جز به کلاس، درس، قلم، کتاب، تحقیق، نگارش و تألیف به چیز دیگری نیندیشیده است که کتاب های «آیین و اندیشه» و تصحیح «اسرار الآیات» و ... از جمله آثار ایشان است.

موسوی مطلق، عباس

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدعباس موسوی مطلق
محل تولد : لرستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/10/30
زندگینامه علمی
به فضل خداوند متعال و عنایات خاصه حضرات ائمه معصومین (ص) پس از سپری شدن دوران راهنمائی در سال 71 - 70 وارد قم شدم و به طور آزاد در قم مشغول به تحصیل شدم. مدتی در منزل اجاره ای به سر می بردم و سپس در مدرسه مهدی موعود و بعد در مدرسه علوی، حجره و خوابگاه گرفتم. پس از گذراندن دوره ادبیات در دروس لمعه آیت الله اشتهاردی و دیگر اساتید حاضر شدم و سپس دروس بعدی رسائل و مکاسب را در درس «آیت الله اشتهاردی» و «آیت الله فقیهی» و کفایه را از «آیت الله موسوی تهرانی» و درس خارج فقه و اصول را نزد حضرات آقایان: «بهجت»، «وحید خراسانی»، «مبشر کاشانی» و «علوی بروجردی» در حال تحصیل می باشم. تفسیر را در محضر حکیم متاله مفسر عالیقدر «حضرت آیت الله جوادی آملی» و اخلاق و عرفان را نزد استاد عزیز «آیت الله حاج شیخ عبدالقائم شوشتری» بوده ام و کار نوشتن را از سال 76 آغاز کرده ام.

موفق، علیرضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا موفق
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/4/12
زندگینامه علمی
1. اخذ دیپلم در رشته علوم تجربی 2. اتمام دوره سطح حوزه در حوزه علمیه مشهد مقدس 3. اتمام دوره کارشناسی و اخذ مدرک آن در دو رشته « فلسفه و کلام اسلامی» و « فقه و مبانی حقوق اسلامی» در دانشگاه علوم اسلامی رضوی 4. فراگیری زبان انگلیسی ( مکالمه و متن) 5. فراگیری زبان عربی و متون جدید ( مکالمه و متن ) 6. عضویت در پژوهشگاه دانشگاه رضوی به مدت یکسال و تدوین دو مقاله پژوهشی در زمینه « آزادی و دین » و انتشار آن در مجله ی پژوهشگاه 7. ادامه دروس حوزه و شرکت در دروس خارج فقه و اصول اساتید حجت الاسلام صادق لاریجانی ، آیت الله مکارم شیرازی ، آیت الله جوادی آملی، حجت الاسلام دکتر عابدی به مدت پنج سال 8. پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته « فلسفه و کلام اسلامی » از دانشگاه قم زیر نظر آموزش عالی با رتبه عالی و ارایه پایان نامه با عنوان « بررسی تطبیقی افکار و نظرات سارتر و مطهری » با کمک استاد راهنما حجت الاسلام صادق لاریجانی با رتبه ی عالی 9. عضویت در پژوهشگاه اسراء تحت اشراف آیت الله جوادی آملی از سال 78 و انجام فعالیت های ذیل : Ü تحقیق و تنظیم کتاب « نسبت دین و دنیا (نقد نظریه سکولاریزم)» تألیف آیت الله جوادی آملی Ü مسؤولیت پروژه کتاب «مهر استاد» (مشارکت در تدوین، تنظیم و ویرایش زندگی علمی آیت الله جوادی آملی و اساتید ایشان) Ü تنظیم و تحقیق کتاب «شمس الوحی تبریز» (نظرات علمی و محوری علامه طباطبایی در سه بخش قرآن ، فلسفه و عرفان از منظر آیت الله جوادی آملی ) Ü تنظیم بخشی از کتاب « شرح شواهد الربوبیه » از سری درسهای آیت الله جوادی آملی ( در مرحله ارزیابی) Ü دیگر کارهای پژوهشی مانند بررسی شبهات جدید کلامی و همچنین برخی مقالات مانند «بررسی ارتباط عقل گرایی و دین» و «بررسی ارتباط دموکراسی و دین» برای تحویل به

حضرت استاد و دیگر محققان تدوین شده است. 10. تدریس در دروس حوزوی مانند ادبیات عرب ، منطق ، فلسفه ( بداية الحكمة) 11. تدریس در دانشگاه در دروس معارف در دانشگاه قم 12. تألیف کتاب «دین و معنای زندگی» به سفارش پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی 13. مسؤولیت بخش معاونت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه قم به مدت چهار سال 14. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور آران و بیدگل 15. همکاری با پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مولوی، جلال‌الدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(672 -604 ق)، عارف، حکیم و شاعر. معروف به مولوی، مولوی معنوی، ملای رومی، مولای روم و مولانای رومی. ملقب به خداوندگار و جلال‌الدین. وی گاهی خاموش تخلص می‌کرد. او دارای مذهب اهل سنت و حنفی بود. در بلخ به دنیا آمد. از جانب پدر به ابوبکر، خلیفه اول، می‌رسد و به همین جهت به خاندانش بکری می‌گفتند. مادر پدرش دخترزاده‌ی سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه بود و پدرش به بهاء ولد معروف. بهاء ولد از تربیت یافتگان نجم‌الدین کبری و از علماء و خطبای بزرگ و متنفذ و از بزرگان مشایخ صوفیه بود. او به دلیل رنجشی که از محمد خوارزمشاه یافت همراه فرزندش، جلال‌الدین، که کودکی پنج یا شش ساله بود، از بلخ خارج شد و از مشرق ایران به مغرب مهاجرت کرد و از راه نیشابور و بغداد و مکه به شام و از آنجا به ارزنجان رفت. گفته‌اند که پدر و پسر هنگام عبور از نیشابور به صحبت عطار رسیدند و عطار کتاب «اسرارنامه» را به ایشان داد و مولوی پیوسته آن را نزد خود داشت. مولوی به همراه پدر مدتی در شهرهای آسیای صغیر به سر برد و در شهر لارنده با گوهر خاتون، دختر شرف‌الدین لالا، ازدواج نمود. بعد از چهار سال با پدر و فرزندش، سلطان ولد، به درخواست سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی، به قونیه رفت و در آنجا سکونت گزید و به علت این اقامت طولانی در قونیه وی به رومی مشهور شد. سلطان العلماء، در 628 ق، در همان دیار از دنیا رفت و مولوی بر مسند وعظ پدر نشست. یک سال بعد برهان‌الدین محقق ترمذی، شاگرد بهاءالدین ولد، به قونیه آمد و جلال‌الدین را تحت تربیت و ارشاد خود گرفت. سپس برای اینکه در علوم شرعی و ادبی کامل شود او را برای تحصیل به دمشق و حلب فرستاد. در حلب وی در خدمت کمال‌الدین ابن‌عدیم، فقیه بزرگ حنفی، به سر برد و سپس در دمشق تحصیل در فقه حنفی را با «هدایه» مرغینانی ادامه داد و گویا در همین شهر به فیض صحبت محیی‌الدین ابن‌عربی نائل گشت. بعد از اتمام این سفر، که از 630 ق تا 637 ق طول کشید، به قونیه بازگشت و به ریاضت ادامه داد تا اینکه از محقق ترمذی دستور تعلیم و ارشاد گرفت و چون استادش در 638 ق درگذشت مولوی به جای وی به تدریس پرداخت. وی مدت پنج سال بر این مسند بود تا به ملاقات صوفی وارسته، شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی، که ضمن سفرهای متعددش به قونیه

رسیده بود، نایل شد. از این ملاقات و مصاحبت انقلابی روحانی در وجود مولانا پدید آمد که از اثر آن پشت پا به مقامات دنیوی زد، تا جایی که مریدانش او را سرزنش کردند و به سبب همین سرزنشها شمس تبریزی به دمشق رفت. پس از مدتی به خواهش مولانا بازگشت ولی این بار نیز با جهل و تعصب عوام روبرو گردید و چندی بعد به ناگاه از قونیه ناپدید گردید. گفته‌اند که شمس به دست گروهی از شاگردان متعصب مولوی، در 645 ق، کشته شده است. پس از این مولوی زندگانی علمی گذشته را رها نمود و تا پایان عمر با عشقی خاص به تربیت و ارشاد سالکان و بیان حقایق عرفانی در قالب مثنوی و سرودن اشعار شورانگیز پرداخت. در این دوره شیخ صلاح‌الدین زرکوب و سپس حسام‌الدین چلبی مورد توجه مولانا قرار گرفتند و ارتباط و اتصال با ایشان مدتی او را مشغول داشت. او تعدادی از غزلیات «دیوان شمس» را به نام صلاح‌الدین زرکوب سرود و کتاب «مثنوی» را نیز با خواهش حسام‌الدین چلبی به وجود آورد. از عارفان و شاعران معاصر وی می‌توان صدرالدین قونوی و عراقی و نجم‌الدین دایه و قانعی طوسی و علامه قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و قاضی سراج‌الدین ارموی را نام برد. از دیگر مریدان او معین‌الدین پروانه، حکمران کل بلاد روم از جانب مغولان، بود. وی غالبا برای استماع مجالس مولانا می‌رفته و به همین سبب قسمتی از «فیه ما فیه» که خلاصه‌ی مجالس مولوی است خطاب به او می‌باشد. عده‌ای از سالکانی که مولوی، بعد از تحول روحی خود و ناپدید شدن شمس، در خانقاه یا مدرسه‌ی خویش تربیت و ارشاد کرد به مولویه مشهور شدند. این سلسله بعد از او در آسیای صغیر و ایران و ممالک دیگر پراکنده گشتند. مولوی سرانجام در قونیه، بر اثر بیماری، درگذشت و صدرالدین قونوی بر وی نماز خواند. پیکر او در باغ سلطان یا ارم باغچه، مقبره‌ی خانوادگیشان، در کنار پدرش، به خاک سپرده شد و بعدها بنایی به نام قبة الخضراء، به نفقه‌ی بزرگان عصر و مریدان، بر تربت او ساخته شد که مدفن خانوادگی احفاد آنها گردید. از آثار منظوم وی: «مثنوی»، مشهور به «مثنوی مولوی» و «مثنوی معنوی»، در شش دفتر، در بیست و شش هزار بیت؛ «کلیات شمس» یا «شمس الحقایق»، معروف به «دیوان کبیر» که « دیوان» غزلیات اوست، حدودا مشتمل بر سی و شش هزار بیت؛ «رباعیات»، شامل 1659 رباعی. از آثار منثور او: «مکاتیب»، مکتوبات او به معاصرینش؛ «فیه ما فیه»؛ «مجالس السبعه».[1]

شهرت جلال‌الدین محمد فرزند سلطان‌العلماء محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین (و. بلخ ششم ربیع‌الاول 604 ه.ق- ف. قونیه یکشنبه 5 جمادی‌الاخر 672 ه.ق) پدر وی از علماء و صوفیان بزرگ زمان خود بود. بهاءالدین به سبب رنجش خاطر سلطان محمد خوارزمشاه در هنگامی که

جلال‌الدین کودک بود، از بلخ بیرون آمد و پس از مدتی سیر و سیاحت سرانجام رخت به قونیه کشید. جلال‌الدین تحقیقات مقدماتی را نزد پدر به پایان رسانید و پس از فوت او تحت ارشاد برهان‌الدین محقق مولانا را مدتی برای تکمیل علوم و معلومات در حلب و دمشق که از بزرگترین مراکز علمی و ادبی آن زمان بود فرستاد. و مولانا پس از پایان کار به قونیه بازگشت و به تدریس و تعلیم و وعظ و تذکیر مشغول گشت. تا اینکه در سال 642 با شمس‌الدین محمد بن علی بن ملک‌داد معروف به شمس تبریزی ملاقات کرد. این ملاقات انقلابی روحانی در مولانا پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی گشت و این امر سبب نارضایی مردم قونیه و اعتراض مریدان گشت. شمس تبریزی تحت فشار مریدان مولانا به دمشق رفت. هجران وی مولانا را مضطرب و مشوش کرد و بالاخره پسر خود سلطان ولد را همراه گروهی در طلب شمس به دمشق فرستاد؛ شمس باز آمد و با مولانا بود تا در سال 645 به ناگاه ناپدید گردید. اینکه گفته‌اند وی را جماعتی از مردم قونیه کشته‌اند، نباید پایه و اساسی داشته باشد. پس از فقدان شمس مولانا مسند تدریس و فتوی را ترک گفت و به مراقبت باطن و تهذیب نفس پرداخت. ارتباط او با صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی در این دوره از عمر یک چند او را مشغول داشت و به تشویق همین حسام‌الدین چلبی مولانا به سرودن مثنوی پرداخت. آثار مولانا از نظم و نثر عبارتند از: 1- مثنوی: در 6 جلد و شامل 26 هزار بیت که در بحر رمل سروده شده است. محتویات مثنوی حکایات مسلسل منظومی است که از آنها نتایج دینی و عرفانی گرفته شده و حقایق معنوی به زبان ساده بیان گشته است. 2- دیوان غزلیات معروف به دیوان کبیر یا کلیات شمس مشتمل بر 50000 بیت. 3- رباعیات. 4- مکتوبات مولانا. 5- فیه ما فیه. 6- مجالس سبعه.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آشنایی با مولوی، از سنایی تا سعدی (209 -200/ 2)، الاعلام (259 -258/ 7)، با کاروان حله (242 -225)، به دنبال آفتاب از قونیه تا دمشق، پله پله تا ملاقات خدا، تاریخ ادبیات در ایران (1207 -1205، 486 -448/ 3)، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی (522 -501)، تاریخ گزیده (672)، تاریخ مغول (536 -534)، تاریخ نظم و نثر (160 -158)، تذکرة الشعراء (222 -213)، التصفیه فی احوال المتصوفه (صفحات متعدد)، تصوف اسلامی و رابطه انسان با خدا (120 -107)، جستجو در تصوف (307 -273)، حبیب السیر (116 -115/ 3)، خدمات متقابل اسلام و ایران (659 -658، 655)، دایرةالمعارف فارسی (744 -743/ 1)، در قلمرو وجدان (343 -340)، الذریعه (360، 303/ 19 ،411/ 16، 221/ 14، 1123 -1122، 539، 285/ 9، 191/ 6)، روضات

الجنات فی اوصاف مدینة هرات (197)، ریاض العارفین (65 -57)، ریحانه (33 -29/ 6)، زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، زندگینامه‌ی مولانا جلال‌الدین مولوی، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (280 -266)، صبح گلشن (105 -102)، طرائق الحقائق (337 -336، 314 -313/ 2)، غزلیات شمس تبریزی (مقدمه/ 99 -5)، فرهنگ ادبیات فارسی (492 -491)، فرهنگ سخنوران (215 -213)، گنج سخن (169 -147/ 2)، گنج و گنجینه (345 -341)، لغت نامه (ذیل/ مولانای روم، مولانای رومی، مولوی)، مبانی عرفان و احوال عارفان (604 -573)، مجالس العشاق (168 -165)، مجالس المؤمنین (115 -109/ 2)، مجالس النفائس (321)، مجمع الفصحا (780 -779، 771/ 2)، مجمل فصیحی (ذیل/ سالهای 672، 604)، مرآة الخیال (43 -42)، مناقب العارفین (صفحات متعدد)، مؤلفین کتب چاپی (753 -745/ 5)، مولوی نامه، مولویه بعد از مولانا (صفحات متعدد)، نفحات الانس (469 -461)، هدیة الاحباب (250 -249)، هدیة العارفین (130/ 2)، هفت اقلیم (54 -45/ 2)، یادداشتهای قزوینی (164 -163/ 7).

مهندسی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی مهندسی
محل تولد : آباده
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1332/1/1
زندگینامه علمی
در زمستان سال 1354 رسما وارد حوزه علمیّه قم در مدرسه حقانی شده، درسهای از اول مهر ماه تا زمستان آن سال را در فرصت کوتاهی خوانده و به سطح طلاب کلاس که چند ماهی زودتر شروع کرده بودند رسیدم. احساس شد که فضای بازتر و با سرعت بیشتری باید پیش رفت. لذا از مدرسه بیرون آمده و به طور آزاد به خواندن ادبیات پرداختم. تا شروع تظاهرات علیه رژیم پهلوی که دروس حوزه تطعیل شد تا نیمههایی از جلد اول و دوم شرح لمعه چاپ قدیم از محضر «آیت الله باکوئی» و همچنین دو جلد اصول فقه و منطق و کتب ابتدائی را خواندم.
پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سال 1358، رسائل را در خدمت «آیت الله اعتمادی» و مکاسب محرمه را خدمت «آیت الله اشتهاردی» و بیع و خیارت و کفایتین را در محضر مرحوم «آیت الله ستوده» و همزمان شرح تجرید الاعتقاد را خدمت «آیت الله انصاری شیرازی» و بدایةالحکمه را در محضر «آیت الله نجفی شهر رضائی» شروع و ادامه آن را از محضر «آیت الله ممدوحی» استفاده نمودم. خارج فقه و اصول را در درس «حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ جواد تبریزی» و نیز مدتی در درس خارج اصول «آیت الله سبحانی» گذرانده و نیز پس از بدایة الحکمه، شرح منظومه سبزواری قدس سره، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفار را در محضر «آیت الله انصاری شیرازی» بودم.
در بحث تدریس از آغاز تحصیل سعی میشد که تدریس کتب خوانده شده انجام گیرد. لذا به توفیق الهی همه کتب مقدّماتی و سطح عالی تا انتهای کفایةالاصول را یک یا برخی از آنها را چند بار تدریس داشتهام. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تجرید الاعتقاد را یک بار و بدایةالحکمه را چندین دوره و نیز نهایةالحکمه را یک دوره و شرح منظومه منطق سبزواری (ره) دو دوره و شرح منظومه حکمت را سه دوره و شرح

اشارات را که هم اکنون به تدریس آن مشغولم سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، یکدوره دروس هیئت و ریاضی علّامه حسن زاده آملی را تدریس نموده و در بخش عرفان، تمهید القواعد را دور سوّم و نیز تدریس شرح فصوص الحکم قیصری را هم اکنون اشتغال دارم. همچنین مباحثهای فقهی پیرامون مسائل عروه الوثقی داریم و چند سالی است که هفتهای یک بار جلسه تفسیر قرآن کریم (تا کنون به آیه 48 سوره بقره) دارم.
فعلا در رشته تخصصی کلام حوزه علمیّه قم و نیز در مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره) هفتهای دو ساعت به تدریس عرفان اشتغال داشته و در مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره)، آیت الله مصباح یزدی نیز به تدریس تمهید القواعد در مقطع کارشناسی ارشد مشغولم و همچنین به عنوان عضو هیئت علمی دائرةالمعارف عرفانی (در حال تدوین) همین مؤسسه در خدمت دوستان میباشم. در دانشگاه نیز متجاوز از ده سال است که به دروس عمومی (اخلاق و معارف) و دروس تخصصی رشته ادبیات عربی و الهیات از قبیل قرائت متون عرفانی، قرائت متون تفسیری، مقدّمات تفسیر، علوم قرآنی، فقه الحدیث و درایة الحدیث اشتغال دارم.
در بخش رسانه، از آغاز راه اندازی شبکه سراسری رادیو معارف، تحقیقی گسترده در موضوع «اسرار نماز» که حدود 100 ساعت بوده و همچنین شرح زیارت جامعه کبیره که تا کنون 400 (چهارصد) بحث رادیویی انجام گرفته (تاکنون قریب یک پنجم زیارت شرح شده) و ادامه دارد. همچنین در 143 برنامه، شرح چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) بحث گردیده و پخش شده و نیز شرح دعای ندبه تاکنون 150 بحث انجام گرفته که ادامه دارد. در بخش تبلیغات، در ایام تعطیلات دروس حوزوی - دانشگاهی به مناسبتهای مختلف، مباحثی که عمدتا اخلاقی، عرفانی، تفسیری، عقیدتی و ... بوده، انجام گرفته است.

ناصری دولت آبادی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت آیت الله حاج شیخ محمّد ناصری دولت آبادی، به سال هزار و سیصد و نُه هجری شمسی، در شهر دولت‌آباد برخوار واقع در ده کیلومتری شهر اصفهان، در خانواده‌ای که سهمی بسزا از زهد و تقوا و دانش دینی تحصیل کرده بود؛ به دنیاآمد. پدر ایشان، زاهد متّقی حجّةالإسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد باقر ناصری نام داشت، که خود در شمار عالمان فرهیخته آن دوران بود؛ و محضر دانشیان گرانسنگی همچون علامه آخوند کاشی و نیز جهانگیرخان قشقائی را به خوبی دریافته بود، و در شمار یاران و تلامیذ مورد عنایت خاصّ علامه مرحوم حاج آقارحیم ارباب نیز قرار داشت ایشان به هنگام بدنیا آمدن این فرزند، او را «محمّدعلی» خواند، و او بعدها به نام «محمّد» شهره شد. محمّد هنوز در دوران خردی به سر می‌برد، که پدر به اشاره مرحوم علامه ارباب راهی نجف اشرف شد؛ تا خدمت فقیهان و عارفان بزرگ آن دیار همچون آیت‌الله آقامیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیة الله آقا سیّد جمال‌الدین گلپایگانی را دریابد. بعد از مهاجرت پدر به نجفاشرف، حضرت آیة الله ناصری تحصیل را در همان دوران خردی آغازید. این دوران با حضور در مکتب خانه‌ای در دولت آباد آغاز، وبعد از یکی دوسال با ورود به حوزه علمیّه اصفهان و تحصیل علوم ادبیِ رائج در آن‌حوزه، ادامه یافت. در این دوران که ایشان هنوز در دوران نوجوانی به سرمی‌بردند، لطف امیرمؤمنان شامل حالشان می‌شود، و استاد به همراه پدر و خانواده به نجف‌اشرف کوچ می‌کند. ایشان در این زمان چهارده سالی بیشتر نداشته‌اند. اگر چه در نجفاشرف مشکلات و فقر و کمبود امکانات اوّلیه این خانواده پنج نفره را در سختی بسیار قرار می‌دهد، امّا خاطرات شیرین استاد از آن دوران، نشان دهنده روحیّه علم و معرفتجوی ایشان در همان آغازین دوران ورود ایشان به نجفاشرف می‌باشد. این دوران دوسالی بیشتر به طول نمی‌انجامد؛ چه در این هنگام مادر رخت از این دنیای گذران به دار دیگر می‌کشد؛ و سعادت او را، که علیرغم غربتی که در آن شهرمقدّس داشت، در قبری در صحن مطهّر علوی که فاصله چندانی تا روضه منوّره نداشت، برای همیشه آرام می‌گیرد. یک سالی پس از آن، خانواده پدر به ایران باز می‌گردد، و ایشان را در سن هفده سالگی برای ادامه تحصیل در نجف‌اشرف تنها می‌گذارد. این دوران، با رخت

کشیدن‌ایشان به مدرسه صدر نجف آغاز؛ و فصلی جدید در زندگیِ ایشان آغاز می‌شود. پدر پیش از جدائی از فرزند، او را نخست به امیرمؤمنان و زان پس به مرحوم آیت‌الله شیخ محمّد حسین دهاقانی که در شمار اعلام و اوتاد آن شهر مقدّس بود، میسپارد؛ والحق که آن فقیه عارف فرزانه نیز در تربیت این جوان از هیچ دقیقه‌ای فروگذار نمی‌کند. در این دوران، ایشان گذشته از شرکت در دروس علمیِ نجف اشرف، با شماری ازاهل معانی این شهر مقدّس همچون مرحوم حضرت حاج شیخ محمّد کوفی نیزآشنا، و در طریق معرفت ائمّه هدی دست به دامن آنان می‌زند. ایشان در این دوران، بخشی از علوم ادبی، حاشیه ملاعبدالله، معالم‌الأصول و قسمتی از شرح لمعه را، نزد مرحوم علامه آیت‌الله مدرس افغانی فرا می‌گیرد. ادامه شرح لمعه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی لنکرانی، مکاسب را از محضر آیت‌الله حاج سیّد عبدالأعلی سبزواری، رسائل را ازمحضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم کرونی اصفهانی که بعدها به دامادی ایشان نیز سرافراز می‌شود، کفایه را از محضر آیت‌الله حاج شیخ محمّد حسین دهاقانی، و برای دوّمین مرتبه باز در محضر آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای، خارج مکاسب محرّمه را از محضر آیت‌الله میرزا هاشم آملی، بحث خارج صلاة آیات را از محضر آیت‌الله سیّد عبدالهادی شیرازی، و خارج بیع و خیارات را از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی امام خمینی استفاده می‌کند. گذشته از این، در شماری دیگر از دروس همچون بحث خارج کتاب الحج آیت‌الله حاج سیّد محمود شاهرودی نیز شرکت، و یک دوره کامل اصول فقه را ازمحضر آیت‌الله العظمی حاج سیّد ابوالقاسم خوئی فرا می‌گیرد. در این دوران، با مرحوم آیت‌الله حاج سیّد جواد آل‌علی که در شمار علمای کشور کویت قرار داشتند، مجالس علمی مرتبی برقرار می‌نمودند، و بخش عمده این دروس را با هم مباحثه می‌کردند. ایشان در سراسر این دوران، محضر اخلاقی/عرفانیِ زاهد و عارف نامدار مرحوم آیت‌الله آقا سیّد محمّد کشمیری فرزند عارف بزرگ آیت‌الله سیّد مرتضی کشمیری را سخت غنیمت شمردند، و بسیار از محضر او آموختند و به عمل درآوردند. گذشته از ایشان، با بزرگان دیگری همچون مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبّاس قوچانی وصیّ مرحوم علامه قاضی نیز آشنا و به درک محضر آنان میپرداختند. دراین شماراست مرحوم حضرت آقا سیّد هاشم حدّاد، که حضرت آیت‌الله ناصری گذشته از استفاده از تعالیم ایشان، با شماری از یاران ایشان همچون مرحوم علامه طباطبائی و حاج عبدالزهراء گرعاوی نیز بواسطه همین مجالس آشنا میشوند. درهمین دوران با مرحوم عارف بزرگ جناب حاج آقا اسماعیل دولابی نیز آشنا می‌شوند، و این آشنائی تا پایان عمر آن فقید سعید ادامه داشت. ایشان، هر از چندی که به اصفهان می‌آمدند به دیدار این دوست قدیمی نیز

می‌شتافتند و در منزل از ایشان دیدار می‌کردند. عارف گمنام مولوی قندهاری که الحق سراسر عمر را به توجّه و مراقبه گذرانید نیز در شمار یاران ایشان قرار داشت. میان این دو بزرگمرد، عقد اخوّتی بسته شده بود، و از همین رو تا پایان عمر جناب مولوی، این دو هرگز یکدیگر را فراموش نکردند. حضرت آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی نیز در همین شمار قرار داشت، که دوستیِ دیرینی میان این دو’ از دوران اقامت در نجف اشرف برقرار بود. حضرت آیت‌الله ناصری پس از آنکه به امر استادشان مرحوم آیت‌الله کشمیری به اصفهان بازگشت، گذشته از مجالس تدریس فقه و اصول و تفسیری که سالیانی دراز در حوزه علمیّه این شهر اقامه نمود و تا کنون نیز ادامه دارد، به تربیت نفوس مستعدّ و طالب معارف الهی نیز همّت گماشت. گذشته از جلسات درس اخلاق ایشان که در شماری از مدارس علمیّه این شهر برگزار می‌شود، نماز جماعت و مجالس وعظ و تذکیر ایشان که در مسجد کمرزرّین اصفهان برپاست، در میان عاشقان اهل‌بیت و طالبان معرفت الله از شهرتی بسزا برخوردار است. امید می‌بریم که خداوند وجود مبارک و شریف آن استاد فرزانه را پایدار دارد، و از تمامیِ مکروهات مصون نماید.

نجابت، حسن‌علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جناب ملجأ السالکین و شیخ العرفاء الشامخین، قدوة الاولیاء و زبدة العرفاء، معدن العلم، محیی آثار الأنبیاء و الأوصیاء، شیخ المجاهدین، فقیه أهل بیت العصمة و شمس فلک المحبّة و قمر سماء المعرفة، مخلص للّه، فانی فی اللّه، باقی باللّه، مجاهد فی سبیل اللّه و فی اللّه، عالم عامل و فقیه کامل حضرت آیت اللّه العظمی حاج شیخ حسنعلی نجابت شیرازی -قدّس سرّه الشریف- فرزند مرحوم حاج غلامحسین نجابت در سال 1296 هجری شمسی در خانواده‌ای کریم الاصل و نجیب النسل در شیراز متولّد شدند. پس از گذراندن دوره مقدّماتی در مدرسه علمیه خان شیراز که تحت نظر آیت اللّه العظمی سیّد عبداللّه شیرازی اداره می‌شد به نجف اشرف مشرّف شدند.
مقام علمی و اساتید ایشان: بیش از یک دهه از ورود ایشان به نجف نگذشته بود که بعنوان مجتهدی ورِع و فقیهی صاحب‌نام آن هم در حوزه علمیه نجف اشرف مطرح می‌شوند و در کلّیه علوم ظاهری (فقه و اصول، تفسیر، کلام...) در محضر مراجع بزرگ آن زمان زبانزد خاصّ و عام بوده تا جایی که در هیئت استفتائیه مراجع، زمانی را سپری می‌کنند و شهرت علمی ایشان در نجف به حدّی بود که معروف بود که ایشان اگر نجف می‌ماندند از نظر همان علوم متعارف فقه و اصول و... در حدّی بالاتر از مرحوم آقاضیاء عراقی (استاد مراجع آن زمان) بودند. استادان بنام ایشان در فقه و اصول و ... آیت‌اللّه العظمی سیّد عبدالهادی شیرازی، آیت‌اللّه العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی، آیت‌اللّه العظمی سیّد ابوالقاسم خوئی و آیت‌اللّه العظمی شیخ علی‌محمّد بروجردی بودند. ایشان در سنّ 28 سالگی به درجه اجتهاد نائل شدند و عمده اجازات ایشان از نامبردگان فوق می‌باشد.
اساتید عرفانی: چنانچه ذکر کردیم حضرت آیت اللّه نجابت(ره) با آن همه معلومات اگر می‌خواستند در همان نجف اشرف ادامه درس و بحث حوزوی داشته باشند یکی از نوادر عصر خود و یکی از استوانه‌های مرجع و ملجأ مردم و طلّاب می‌بودند، امّا چون طالب مطلوب واقعی بوده و علوم ظاهری را مقدّمه برای ورود به علم واقعی می‌دانستند، جویای انسانی کامل از اولیاء الهی بودند که از زلال معرفت و هدایت خاصّ وی برخوردار شوند، که در همین راستا خداوند تبارک و تعالی به اراده و مشیّت خاصّه

خود شخص محترم و عزیز و کاملی را جهت ارائه طریق به مرحوم آیت اللّه نجابت معرّفی می‌فرماید، یعنی ایشان به خدمت استاد کلّ و مرجع و ملجأ مراجع تقلید آن زمان از هر جهت -چه ظاهری و چه واقعی و معنوی- یعنی مرحوم حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج سیّد علی قاضی طباطبائی -قدّس سرّه الشریف- می‌رسند که سیر واقعی و حرکت متّصل به سوی حضرت احدیّت شروع می‌شود. اگر بخواهیم به زندگانی فیلسوف، حکیم الهی، مجاهد فی سبیل اللّه، عالم کامل و فقیه جامع مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج سیّد علی قاضی بپردازیم، باید گفت: مثنوی هفتاد من کاغذ شود. بنابراین به فرموده مرحوم حضرت آیت‌اللّه نجابت که از شاگردان برجسته محضر عرفانی ایشان بودند اکتفا می‌کنیم: وقتی صحبت از استقامت و پایمردی و صبر می‌شد، نام این بزرگوار را به عظمت و تکریم و وقار می‌آوردند بطوری که چهره‌شان تغییر می‌کرد، آنچنان با قدرت و از اعماق جانشان سخن می‌گفتند که سخن به جان انسان اثر می‌کرد و تغییر می‌داد وضع شخص را، یعنی به دنبال سخن یک اتّصال معنوی با ربّ‌الارباب حاصل می‌شد. خود بیان نام و ذکر احوالات حضرت آیت‌اللّه قاضی آنچنان انسان را تحت تأثیر قرار می‌داد که حضور حضرت آیت‌اللّه قاضی را انسان درک می‌کرد، علّتش فقط حضور آیت‌اللّه نجابت در مقام بیان حالات آیت‌اللّه قاضی گویا در حضور آیت‌اللّه قاضی است. آنچنان اتّصال بین آیت‌اللّه نجابت و آیت‌اللّه قاضی بود که سخن آیت‌اللّه نجابت همان سخن آیت‌اللّه قاضی می‌شد و اثر همان اثر. شاگردان ایشان زیاد ملاحظه می‌کردند که در حقیقت سخن از حالات خود آیت‌اللّه نجابت بود، امّا هنر ایشان در این بود که این حالات را و کرامات را به مرحوم آیت‌اللّه قاضی نسبت می‌دادند. الحق هم باید شخصی مثل آیت‌اللّه نجابت معرّف آیت‌اللّه قاضی باشد، کسی که در همان چند سال محضر آن بزرگوار کمال استفاده را بردند. ایشان می‌فرمودند: »اگر بخواهیم راجع به صبر آیت‌اللّه قاضی صحبت کنیم باید به این نکته توجّه کامل داشته باشیم که ایشان از نظر علمیّت بی‌نظیر بودند یعنی یکی از مدرّسین فقه و اصول حوزه نجف اشرف بودند و شاگردان بسیاری تربیت کردند، در تمام علوم احاطه کامل داشتند، تقوا و زهد ایشان انسان را به یاد جدّش امیرالمؤمنین(ع) می‌انداخت، از نظر مخارج منزل سخت تحمّل می‌کردند ناملایمات را، فشار زندگی طاقت فرسا بود، با این همه فضیلت و تقوا و علم، امّا هرگز این مراتب را جهت استراحت خود قرار ندادند، راضی بودند به رضای خدا، یعنی اگر می‌خواستند جلب مال کنند عدّه زیادی بودند که آرزو داشتند مرحوم آیت‌اللّه قاضی تقاضایی کنند، امّا هرگز سخن راجع به این امور نفرمودند. در مرتبه خواب و مکاشفات که بعضی از بزرگان در طول زندگی از خواب خوب و مکاشفه تا اندازه‌ای برخوردار بودند، امّا این

بزرگوار اسوه صبر و استقامت خودشان می‌فرمودند: چهل سال از عمرم گذشته بود، یک خواب، یک مکاشفه خوب نداشتم که لااقل دل خوش کنم به آن.
امّا از آنجایی که صبر ایشان صبر ایّوب و جدّشان رسول اکرم(ص) بود هرگز نسبت به راه تزلزلی و سستی راه ندادند و اراده خداوند و رضای خداوند را بر تمام مطالب خود مقدّم داشتند، تا اینکه خداوند جلیل عنایت خود را به این محترم عطا نمود که در آن زمان عدّه زیادی بهره‌مند شدند و اکنون هم از برکات آن محترم طالبین معرفت خداوند متنعّم هستند.
حضرت آیت‌اللّه نجابت می‌فرمودند: روز اوّل که خدمت این بزرگوار (حضرت آیت‌اللّه قاضی) رسیدم فرمودند: فرزند چه کسی هستی؟ بدون هیچ‌گونه معطّلی عرض کردم: فرزند شما. بسیار این مرد بزرگ از جواب من خوشحال شد.(1)
همچنین می‌فرمودند: همین که نزدیک می‌شد ماه محرّم مرحوم آیت اللّه قاضی دیگر قرار نداشتند، همه می‌دانستند آن جذبه ربّ الارباب، آن عنایات حضرت ابا عبداللّه الحسین(ع)، این آتش عشق به خداوند و ائمّه این بزرگوار را از خود بی‌خود می‌کرد، لذا مقداری نان و خوراکی تهیه می‌کردند اهل منزل و این بزرگوار از منزل خارج می‌شدند و پیوسته محزون و گریان بودند. نقل است که چند ماهی پیش از شرفیابی آیت‌اللّه نجابت به خدمت مرحوم قاضی نگذشته بود که مرحوم قاضی می‌فرمود: شیخ حسنعلی نجابت اهل حرم است. بعد از فوت مرحوم آیت اللّه قاضی از آنجایی که خداوند هرگز انسان را رها نمی‌کند، طالب را رها نمی‌کند و عنایت عامّ و خاصّ خداوند به زمان و مکان بستگی ندارد، به خدمت سرسلسله عشّاق، آن متّصل به مبدأ اجلّ، آن سوخته بقا یافته، آن وارد در اسرار الهی یعنی مرحوم آیت اللّه العظمی حاج شیخ محمّدجواد انصاری همدانی -قدّس سرّه الشریف- رسیدند، که الحق می‌باید گفت: نمی‌شود کسی در واقع خدمت این بزرگوار برسد و معرفت خداوند نصیب او نشود. و راجع به این مرد بزرگ هم باید گفت: معرّف ایشان باید آن شاگرد صددرصد تسلیم و مطیع آن بزرگوار یعنی حضرت آیت‌اللّه نجابت باشد، چون این وضع را ایشان از همه بیشتر متوجّه بودند. ایشان می‌فرمودند: مرحوم آیت اللّه انصاری از نوادر و افراد انگشت شمار اهل معرفت بودند، یعنی خداوند تبارک و تعالی متکفّل تمام مراتب ایشان بود. استاد ایشان حسب نقل بزرگواران و آیت اللّه نجابت خود خداوند تبارک و تعالی بود که ایشان هم نقل قول می‌کردند از مرحوم آیت اللّه قاضی که می‌فرمودند: این مرد بزرگ (آیت اللّه انصاری) خدا را به یگانگی شناخته است. آیت‌اللّه نجابت می‌فرمودند: بعد از رحلت حضرت آیت اللّه قاضی همراه شهید محراب آیت اللّه دستغیب به خدمت حضرت آیت اللّه انصاری رسیدیم،

مرحوم آیت اللّه انصاری فرمودند: چرا، و برای چه اینجا آمده‌اید؟ عرض کردیم: برای کسب معرفت خداوند آمده‌ایم. و اصرار ورزیدیم. بعد از مدّتی مرحوم آیت‌اللّه انصاری فرمودند: بنده مدّتها است از خداوند تبارک و تعالی تقاضا داشتم که هیچ کس مرا نشناسد، امّا چه کنم که امر و اراده خداوند غیر از این شد به هر جهت بهره بسیار زیادی از این مرد کامل داشتند. مرحوم آیت اللّه نجابت می‌فرمودند: مرحوم آیت اللّه انصاری در عشق به خداوند بی‌نظیر بودند، و ایشان را هم ردیف حافظ شیرازی که زبانزد خاصّ و عامّ است از عشق به خداوند می‌دانستند. معروف است که آیت اللّه انصاری در باره آیت‌اللّه نجابت فرمودند: اگر دریایی از معارف الهی را به حاج شیخ حسنعلی بدهند سیر نمی‌شود.
نظری به ابعاد وجودی ایشان: وقتی به ابعاد و شخصیت این مرد خدا (حضرت آیت‌اللّه نجابت) مراجعه می‌شود در می‌یابیم که ایشان مجتهد در تمام امور است. یعنی نیاز یک جامعه را از هر جهت رفع می‌کند و در حقیقت هدایت می‌کند. حقیقتاً خداوند هادی است، امّا چون این افراد به خداوند متّصل و در سرّ خداوند وارد و آگاه از اسرار الهی هستند، مردم را به حقیقت آگاه می‌کنند. دیگر نمی‌توان گفت این شخص فقط مجتهد است در فقه و اصول و احکام شرع، خیر، ایشان به تمام امور زندگی آگاه است، یعنی امور همه به دست خداست و اینها هادیان طریق الی اللّه هستند. اینگونه افراد فقط رضای خداوند را مدّ نظر دارند و هر لحظه از خداوند کمک می‌خواهند و مردم را به حق یعنی سنّت رسول خدا(ص) دعوت می‌کنند، به کتاب خدا و اهل بیت عترت و طهارت دعوت می‌کنند نه به شخص خودشان، و از این جهت هیچ وقت نسبت به اعمال خودشان پشیمان نیستند چنانکه امام خمینی(قدس سره) می‌فرمودند: ما به وظیفه عمل می‌کنیم پیروزی ظاهری باشد یا نباشد. خداوند تبارک و تعالی چنین قرار داده که همچنان که قرآنش را تنزّل داده، تمام اوصافش را هم تنزّل داد تا همچون محترمینی مثل آیت‌اللّه نجابت جلوه خدا باشند، پس جلوه در تمام اوصاف امکان دارد حاصل شود، چون اراده خداوند به چنین شخصی تعلّق گرفت، خداوند حسب حال این محترم و گنجایش این محترم او را ذوجهات قرار می‌دهد که به نحو ایجاب جزئی می‌تواند احتیاجات اشخاص طالب معرفت خداوند را برطرف کند، چرا که در اثر بندگی خدا اگر خداوند اجازه دهد هر جنبنده‌ای دراختیار این محترم به حرکت در می‌آید، آسمان و زمین و مافیها در اختیار این محترمین است و به اذن خداوند می‌توانند در هر چیز و هر کس که بخواهند تصرّف کنند. چنانکه دیده می‌شد امر و نهی ایشان بر شخص تسلیم امر خداوند، شخصی که صد در صد از تعلّقات دنیوی دست کشیده بود آنچنان مؤثّر واقع می‌شد که به

اندک مدّتی به نتیجه و مطلوب می‌رسید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

نخودکی اصفهانی، حسنعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسنعلی اصفهانی قدس سره فرزند ارشد مرحوم مبرور جنت مکان آخوند ملاعلی اکبر اصفهانی رضوان‌اللّه علیه می‌باشند.
وی در نیمه ماه ذی‌القعده سال 1279 قمری هجری در شهر اصفهان متولد شده و تا سن یازده سالگی از نظر تعلیمات ظاهریه خدمت مرحوم والدش و معلمین دیگری تحصیل مبادی نموده و از نظر معنویات و تکمیل مدارج سلوک زیر نظر استاد بزرگوارش مرحوم حاج میرزا محمدصادق که از اعاظم مرتاضین متشرع آن زمان و مورد ارادت و اخلاص خاندان مرحوم آقاشیخ محمدتقی صاحب حاشیه بوده‌اند به تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه مشغول بوده‌اند و بعدا که به سن شباب رسیده‌اند علوم ادبیه و قسمتی از علوم ریاضیه مانند حساب و هیئت را نزد مرحوم آخوند کاشی و علوم عقلیه و فلسفه را نزد میرزا جهانگیرخان قشقائی تحصیل نموده سپس به عتبات عالیات مشرف شده و در نجف اشرف ادامه تکمیل معنویات و ریاضیات مشروعه را به اضافه تحصیلات علوم نقلیه نموده و معاشرت و مجالست ایشان اغلب با مرحوم آیت‌اللّه ربانی حاج سید مرتضی کشمیری که از اوتاد عصر خود و اعاظم فقهاء و از اکابر سالکین آن تاریخ می‌باشند بوده و پس از آن مراجعت به اصفهان نموده و سفری به مشهد مقدس مشرف شده‌اند و در این سفر مکاشفه‌ای برای ایشان حاصل شده که مجاورت مادام‌العمر را در مشهد مقدس بر خود لازم و حتم دانسته لهذا به اصفهان مراجعت نموده و علایق و متعلقات آنجا را قطع و برای مجاورت دائمی به مشهد مقدس مشرف شده و توفیق مجاورت ارض اقدس را داشتند تا در صبح روز هجدهم شعبان 1361 هجری قمری پس از چهل روز کسالت در محله سعدآباد مشهد در سن هشتاد و دو سالگی (82) رحلت فرموده و با تشییع کم نظیری در صحن عتیق در جنب ایوان شاه عباسی جلوی غرفه‌ای که در غرب ایوانست و بر روی قبر او سنگ مرمر کوچکی که بر روی آن این عبارتست (اصفهانی شعبان 1361) منقوش می‌باشد.
مرحوم حاج شیخ حسنعلی دارای مقامات و کرامات کثیره است که شرح آن صحیفه مفصله خواهد بود که از عهده این مختصر خارج است.
آن بزرگوار از سن هفت سالگی تا آخر عمر تمامی لیالی شب جمعه را بدون تعطیل احیاء به عبادات از فرایض و نوافل می‌داشته و در تمام این

مدت یعنی هفتاد و پنج سال ایام‌البیض همه ماهها را صائم بوده‌اند و بعضی از سنوات در ایام‌البیض ذی‌الحجه هر سه روز را با آب افطار و سحور نموده و اقتداء به امیرالمومنین و صدیقه طاهره و حضرت حسنین علیهم‌السلام و در بعض اوقات تا هیجده ساعت متوالی مشغول به نماز و ادعیه و اذکار و اوراد بودند بدون احساس کمترین خستگی در این عصر سال مرتاض متشرعی مانند ایشان دیده نشده.
اوقات شریفه این بزرگوار مقدار اندکی به تدریس فقه مانند شرح لمعه و درس تفسیر و گاهی هم هیئت و حساب مصروف می‌شد و باقی اوقاتشان به قضاء حوائج مومنین مراجعین از دعا و دوا برای رفع بیماریهای متنوعه و رفع گرفتاریهای مختلفه مشغول بوده.
می‌توان ادعاء قطعی نمود که در مدت اقامت ایشان به مشهد بیش از صد هزار مریضهای مختلفه که بعضی از آنها به معالجات طبی قدیم و جدید ممتنع العلاج بودند به دعاء معالجه قطعی فرموده‌اند و با این حال کوچکترین داعیه‌ای نداشتند و سلوک ایشان مانند یک عالم فقیه زاهدی بود که به علم و عمل هادی خلق به سوی خدا باشد و اگر این بزرگوار ادعاء مقامی از مقامات سلوک مانند مرشدیت و یا قطبیت را می‌کرد به طور قطع و یقین نصف ایران را در سلسله ارادت خویش درمی‌آورد فرضوان‌اللّه علیه و قدس‌اللّه سره الشریف.
از بعضی از موثقین علماء و دانشمندان شنیدم که آن مرحوم در حال حیات خود بسیار می‌آمد و در این محلی که اکنون قبر اوست می‌ایستاد و یا می‌نشست دعاء و قرآن می‌خواند وقتی به او گفتند اینجا چه خصوصیت دارد می‌فرمود اینجا محل دفن منست و فرمود مرا در اینجا دفن نمائید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

نراقی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1245/ 1244 -1186/ 1185 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق، از توابع کاشان، به دنیا آمد. مقدمات را در نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمدباقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه‌ی اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف‌الغطاء و به واسطه‌ی پدرش از ملا محمدباقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جاپلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری و با درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن علوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الی علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»، «مساند الشیعة فی احکام الشریعة»، در فقه؛ «وسیلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»، در اخلاق به فارسی، «مفتاح الاحکام»، در اصول فقه، «تنقیح الفصول»، در شرح «تجرید الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الایام»، در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»، به سبک «کشکول»، در تتمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش، به فارسی، «سیف الامة و برهان الملة»، در رد پادری نصرانی، به فارسی، رساله‌ی «منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.[1]
حاجی ملا احمد ابن حاج ملا مهدی معروف به نراقی (ف. 1245 ه.ق) از فقهای بزرگ قرن سیزدهم هجری است. علاوه بر مقام فقاهت اشعار عرفانی فراوان سروده است و در شعر صفاتی تخلص می‌کرد. او را تألیفات متعددی است از آن جمله: 1- اجتماع الامر والنهی. 2- اساس الاحکام در اصول فقه. 3- اسرارالحج. 4- حجیة المظنة. 5- خزائن. 6- دیوان شعر فارسی. 7- سیف‌الامة 8- شرح تجریدالاصول. 9- طاقدیس شامل مثنویات او. 10- عین‌الاصول. 11- معراج‌السعاده. 12- مفتاح‌الاحکام. 13- مناهج‌الوصول. وی در وبای عام در قریه‌ی نراق درگذشت.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (245/ 1)، اعیان‌الشیعه (184 -183/ 3)، ایضاح المکنون (563، 523، 478، 130، 35/ 2، 331/ 1) حدیقةالشعراء (1031 -1027/ 2) الذریعه (178 -177، 85/ 25، 16/ 23، 350، 341، 354، 367، 17/ 140، 21/ 14- 15، 229- 230، 315، 317، 22/ 340- 7/ 152، 9/ 610، 1181، 11/ 12، 12/ 286، 13/ 138، 195، 15/، 134 43، ،4/ 2 ،267/ 1)، روضات الجنات (107 -103/ 1)، ریحانه (163 -160/ 6)، سفینةالمحمود (423 -419/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 117 -116/ 13)، فرهنگ سخنوران (560)، فوائد الرضویه (41)، قصص العلماء (132 -129)، مجمع‌الفصحا (705 -700/ 5)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1288 -1287/ 3)، معجم‌المؤلفین (163 -162/ 2)، مکارم‌الآثار (1242 -1235/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (484 -481/ 1)، نگارستان دارا (106 -104)، هدیةالاحباب (180)، هدیةالعارفین (186 -185/ 1).

نصراللهی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا نصراللهی
محل تولد : دهاقان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1339/3/14

زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره دبیرستان با ورود به حوزه علمیه قم؛ «مدرسه حقانی» و افتخار شاگردی نزد شهید قدوسی و شهید بهشتی و اساتید آن مدرسه، با آشنایی با علوم حوزوی، کار تحقیقاتی، علمی خود را با مطالعه کتب استاد مطهری و برخی بزرگان دیگر از قبیل: دکتر شریعتی، سروش، بازرگان و افرادی که داعیه روشنفکری داشتند و ضمن انتقاداتی که به اینها به ذهنم می رسید و حاشیه نویسی را در کتابهام نوشتم تا کم کم خورشید انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (روحی فدا) و یاران باوفایش در عصر الکترونیکی و کفر مادیت و نظام های امپریالیستی، سوسیالیستی و مکاتب دیگر طلوع کرد و با جهانی شدن انقلاب عصر آگاهی و بیداری در همه ابعاد، زمینه طوفان به وجود آورد که هر جا را به حرکت واداشت.
با این جرقه ها کم کم احساس نیاز هر انسان به آشنایی با زندگی اسلامی، زندگی اخلاقی و زندگی معنوی همراه با بینش علمی، سیاسی، حقوقی و احساس مسئولیت به عنوان یک طلبه واقعی و سرباز اسلام و انقلاب، مسئولیت های ما را دو چندان کرد تا خود را مسلح به انواع سلاحات مدرن روز کرده و اسلام یک بعدی دیروز را در همه ابعاد به جهان عرضه کنیم. امروز که مسیحیت 30 هزار کانال تبلیغ مسیحیت می کنند با همه وجود، آیا سهم ما جایگاه ما کجاست؟ ما برای اسلام با آن همه تمدن تفکر پیشرفت چه کرده ایم؟ حوزه های ما حوزویان ما و اساتید ما بزرگان ما چه کرده اند؟ اگر ما هزار نفر امثال امام خمینی (سلام الله علیها)، امثال شهید مطهری ها، شهید بهشتی ها و امثال مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) داشته باشیم؛ چه اشکالی دارد. دانشگاههای ما در قبال مطالب فوق چه کرده اند؟ متاسفانه باید سربه زیر انداخت.

سال 57 به حوزه علمیه قم آمدم تا سال 1359. بعد برای تکمیل دوره علمی سطح به مشهد هجرت نموده و از محضر اساتید معروف آنجا کسب علم نموده تا سال 1373 باز به قم مراجعت نموده و تا 1387 افتخار طلبگی در این حوزه را دارم. از سال 59 با شروع جنگ تحمیلی خود را به لشکر 77 خراسان و تیپ قمر بنی هاشم معرفی و از همان آغاز، برای انجام رسالت تبلیغی دوشادوش رزمندگان به جبهه شتافتم. بعد به لشکر 5 نصر و همچنین لشکرهای 27 رسول الله و لشکر 8 نجف اشرف و ... خلاصه زندگی ما سراسر علم و تلاش است و زندگی ما بخشی از حوزه و دانشگاه و باید دائماً یا کار استادی کنیم یا کار طلبگی و دانشجویی. از خداوند موفقیت همه را خواستاریم.

نصرآبادی، ابوالقاسم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عارف. در تذکرة الاولیاء (2:261) گوید: محمّد نصر آبادی... در عهد خود مشارالیه بود در انواع علوم، خاصّه در روایات عالی و علم احادیث... استاد جمیع اهل خراسان بود بعد از شبلی، و او خود مرید شبلی بود، و رودباری و مرتعش را یافته بود، و بسی مشایخ کبار را دیده بود. (شیخ عطار در تذکرة الاولیاء تقریباً هفت صحفه درباره ی او مطالبی نقل می‌کند طالبین مراجعه کنند).
در طرایق الحقایق(2:210) گوید: شیخ ابوالقاسم ابراهیم بن محمّد بن محمویه نصرآبادی از نصرآباد خراسان است، در نیشابور بوده و در مکّه مجاور شده، و در 372 در همان جا (یا شهر مدینه) از دنیا رفته است.
با در نظر گرفتن مطالب فوق چنین به نظر می‌رسد که مدفون در نصر آباد اصفهان عارفی است غیر از صاحب عنوان، و ظاهراً مؤلّف ریحانة الادب (6: 177)که خانقاه او را در نصر آباد می‌نویسد نظر به شهرت داشته است.
در قریه ی نصر آباد ماربین اصفهان، مدرسه و خانقاهی است منسوب به شیخ ابوالقاسم نصر آبادی عارف که در سال 854 خواجه صدر الدین علی طبیب (جدّ اعلای میرزا طاهر نصرآبادی) آن را بنا نموده، که قسمتی از کتیبه سر در آن هنوز باقی است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نکوگویان خیاط، رجبعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط (شیخ رجبعلی خیاط ) در1362 ه.ق درخانواده ای فقیر تهران متولدشد . پدرش که کارگری ساده بود ،در12 سالگی درگذشت و رجبعلی ازهمان زمان تا زمان وفات به خیاطی پرداخت تا امرار معاش نماید . شیخ رجبعلی خیاط به جز سواد خواندن ونوشتنکه برای مطالعة دواوین شعرای عارفی چون حافظ شیرازی و ملا احمد نراقی ، تحصیلاتی رسمی نداشته است . یا حداقل از آن اطلاعی دردست نیست . بلکه عرفان را به طورعملی و تجربی آموخته است . چنانکه درسن 22 سالگی درماجرایی ، با مقاومت دربرابر گناه و هوای نفس ،به مقامات و کراماتی نائل گردید که بعدها شاگردان بسیاری چون دکتر علی مدرسی ،دکتر حمید فرزام و علی رافعی رابه گردوی جمع کرد . وی در سال 1340 ه.ق درگذشت و در جوار مزار ابن بابویه دررری مدفون گردید .گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : عرفان عملیوالدین و انساب : پدر رجبعلی نکوگویان خیاط ، کارگر ساده ای بود که به هنگام دوازده سالگی دار فانی را وداع گفت .اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر شیخ رجبعلی نکوگویان خیاط کارگر ساده ای بودکه دوازده سالگی رجبعلی را تنها گذاشت .تحصیلات رسمی و حرفه ای : رجبعلی نکوگویان خیاط هیچ گونه ، تحصیلات رسمی برخوردار نبود بلکه تنها به کمک سواد خواندن ونوشتن خود به مطالعه آثار شعرای عارف بو یژه حافظ شیرازی و نیزکتاب طاقدیس ملااحمد نراقی می پرداخت .خاطرات و وقایع تحصیل : رجبعلی نکوگویان خیاط درسن 12 سالگی پدرخودرا از دست داد وبرای گذراندن شغل خیاطی را پیشه خود کرد و تا آخر عمر به این کار اشتغال داشت .استادان و مربیان : رجبعلی نکوگویان خیاط مربی خاصی درمسیر عرفان نداشت بلکه به تعبیر شاگردانش به اطاعت محض از رهنمود های اهل بیت لغایت می نمود و نیز درمسائل شرعی ازآیت الله حجت تقلید می کرد .هم دوره ای ها و همکاران : عبد الکریم روشن از شاگردان و همقدمان رجبعلی نکوگویان خیاط بوده است .همسر و فرزندان : حاج محمود آقا ،فرزند رجبعلی نکوگویان خیاط است که نقل می کند : شیخ گاهی به من می گفت : می روی مثلا 3ریال پلوی حزی و 2 ریال دیگرش را از جگرکی آب جگر می گیری و این غذای شیخ بود . شیخ بد لقمه حلال و بی شبهه بسیار اهمیت می داد .وقایع میانسالی : رجبعلی

نکوگویان خیاط در حدود 23 سالگی درماجرایی یوسف گونه ، با مقاومت دربرابر گناه و هوای نفس ، از سوی خداوند بصیرت وبینایی یافت و دیده برزخی اش روشن شد وبرخی اسرار برای او کشف شد .زمان و علت فوت : رجبعلی نکوگویان خیاط پس از عمری 78ساله ، دربیست ودوم شهریور سال 1340 شمسی کالبد خالی را واگذاشت و به دیدار معشوق شتافت . مزار اودرابن بابویه است .فعالیتهای آموزشی : رجبعلی نکوگویان خیاط بیشتر دعاهای صحیفه را می خواند ند و تکرا ر می کردند . درطول هفته به مناسبت هایی دعا را تغییر می دادند . دعا ها را با یک حال می خواندند که همه از منقلب می کرد. بیشتردعای خمسه عشر را می خواندند . گاهی روی بعضی از فرازهاتکیه می کردند و آن جمهل ها را به تکرار می گفتند . جمله هایی مثل : الهی و ربی ، یامن اسمه دواو ذکره شفا . و از این قبیل بیشتر وقت ها این دعا را می خواندند : پروردگارا : مارابرای لقای خودت آماده کن و تعلیم بده . می فرمودند :رفقا: اگرمن این دعاها را تکرار می کنم برای این است که قدر خودتان را بدانید تا هوای نفس شمارا از راه نبرد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رجبعلی نکوگویان خیاط در زمانی که جوانتر بود صدای عجیب وگیرایی داشت که همه را منقلب می کرد . دعا ها ولحن شیخ کشش خاصی داشت . او به سوز و حالی دعا می کرد که حتی درودیوار نیز به لرزه در آمد . شیخ که حالات عرفانی خاصی داشت به اطرافیان سفارش می کرد که نماز را به عشق بهشت و از ترس جهنم نخوانند وبه که نماز را به عشق خود خدا بخوانید . او می گفت : گراز دوست ، چشمت بر احسان اوست ، تو دربند خویش نه دربند دوست ،شاگردان : یکی از معروفترین شاگرد رجبعلی نکوگویان خیاط ، دکترمرحوم فرزام ، استاد زبان و ادبیات فارسی دردانشگاه اصفهان و دانشگاه تهران است . دکتر ابوالحسن شیخ ، مدیر گروه شیمی دانشگاه تهران وپدر شیمی ایرن نیزاز جمهل شاگردان نکوگویان وبودند . صنوبری نیزاز شاگردان مهم شیخ هستند .شاگردان شیخ ،دکتر گویا . دکتر مدرسی، دکتر میرمطهری ، مهندس فروغی زاده و دکتر خوانساری هستند .همفکران فرد : جناب رنجی یکی از همفکران و دوستان نکوگویان بود . رنجی شاعر خوش صدایی بود و غزلیات عرفانی بسیار خوبی می گفت . وقتی رنجی مرثیه می خواند ، نکوگویان بغض کرد و گریه می کرد . یکی دیگراز همفکران خیاط .استاد عبد الکریم روشن بود . این دو نسبت به هم ارادت داشته و در جلسه درس یکدیگر حاضرمی شد ند . به طوری که شیخ رجبعلی از استاد روشن خواسته است که بعد از فوتشان ، جلساتی برای شاگردانشان داشته باشد که مقبول روشن نیز قرار گرفت .آرا و گرایشهای خاص : رجبعلی نکوگویان خیاط به حافظ ارادت فراوانی داشت و درمیان همه گویندگان و همه عرفانی زمان ،

حافظ را سرآمد می دانست و به هر مناسبتی شعر زیبایی ازاو می خواندند و به تعبیرات عرفانی خودشان متوسل می شدند . شیخ احضار ارواح می دانست وطی الارض داشتند و شیخ با اینکه خود اهل کشف و شهود و کرامات متعدد می بود ، سیرو سلوکش ، تعبد محض از رهنمودهای اهل بیت بود و درمسائل شرعی از آیت الله حجت تقلید می کرد . وی بسیار مهربان ، متین ، بی اعتنا به دنیا و دارای کمالات معنوی بود .

منابع زندگینامه :مقام شیخ و عرفان ،یادنامه شیخ رجبعلی خیاط نکوگویان درگفت و گو با دکتر علی رافعی . ماهنامه کیهان فرهنگی . سال بیستم شهریور 1382 ، پیاپی 203 ، ص 6

نوروزی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا نوروزی
محل تولد : خمینی شهر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب پس از گذراندن مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان (رشته علوم تجربی)، در سال 1374 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و تا سال 1377 در این حوزه به تحصیل پرداختم. در سه سال حضور در حوزه اصفهان، 6 پایه اول دروس حوزوی را پشت سر گذاشتم. در کنار آن به تحصیل دروس دیگری مثل «فلسفه غرب» و «فلسفه اسلامی» (تاریخ فلسفه غرب کاپلستونو بدایةالحکمه) نزد اساتید خصوصی پرداختم. در سال 1377 وارد حوزه علمیه قم شدم و تا سال 1380 پایه های دیگر را پشت سر گذاشته و سطح را تمام کردم. همچنین در دانشگاه تربیت مدرس قم «مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم» در رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام، کارشناسی ارشد خود را دریافت نمودم. از سال 1380 به دروس خارج فقه و اصول مشغول شدم که همچنان نیز مشغول می باشم.
از سال 1383 دوره سه ساله تربیت محقق عرفان اسلامی در مؤسسه امام خمینی (ره) را شروع کردم که هم اکنون مشغول پایان نامه آن می باشم و محقق دائرةالمعارف علوم عقلی در مؤسسه امام خمینی (ره) می باشم. در سال 1385 در آزمون دکترای رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق در دانشگاه تهران پذیرفته شدم که اکنون پس از گذراندن دوره آموزشی مشغول به پایان نامه می باشم. در کنار تحصیل، به عنوان مبلغ از طرف نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه به دانشگاههای مختلف اعزام شده ام. همچنین در «دانشگاه تهران» و «دانشگاه تربیت معلم تهران» مشغول به تدریس دروس معارف می باشم.

ولی، شاه نعمت الله

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید نورالدین نعمت الله کهستانی (یا کوه بنانی یا کرمانی) مشهور به شاه نعمت ا... ولی، در سال 731 و قصبه کهسان یا کوهستان در نزدیکی هرات متولد شد. و با توجه به احترام و رفاهی که پدرش ، که از مردم با نفوذ روزگار بود، داشت، بهعلم روی آورده و در محضر شیخ رکن (شیرازی، شمسی الدین حکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضد الدین ایجی) ادبیات و کلام و حکمت و فقه آموخت سپس: به صوفیان قائدی پیوست. و سپس از آن سفرهای بسیاری به مصر، مغرب، مدینه، مکه، بلخ ماورالنهر کرد و به کوه بستان در کرمان رفت و در آنجا مسکن گزید و در ماهان خانقاهی ساخت. سپس در سفری به شیراز با اسکندرین عمر شیخ نواده امیر تیمور گورکانی دیدار کرد. و سرانجام در 834 یا 827 درگذشت. وی بعنوان موسس سلسله نعمت اللهیه یکی از مشهورترین عارفان جهان اسلام به شمار می رفت که مریدانی در ایران و هند از جمله شاهزادگان هندی و تیموری داشت. کتابها و رسالات بسیار زیادی را تالیف کرد که مشهورترین آنها دیوان اشعار وی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : الهیات و معارف اسلامیگرایش : عرفان اسلامیوالدین و انساب : سلسله نسبت سید نورالدین نعمت الله کهستانی به ترتیب زیر به امام محمد باقر می رسید: نورالدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن موسی بن یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن صالح بن محمد الباقر بن علی بن حسین بن علی (ع). اجداد وی از شهر حلب به گیج و مکران آمده بودند. پدر شاه نعمت الله با ملوک شبانکاره فارسی نیز از طریق سببی خویشاوند گردیده بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی از سادات حلب بود که در کوه بنان کرمان متوطن شده و نیز با ملوک شبانکاره روابط خویشاوندی سببی برقرار نموده بود. از این رو او و خانواده اش از رفاه و احترام خاصی در آن منطقه برخوردار بوده اند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال 731 آموختن علوم ظاهری را از رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین فرا گرفت و بدر بیست وچهارسالگی در مکه به خدمت شیخ عبدا... یافعی (صاحب کتاب روضه الریاحین و قطب الدین رازی) درآمد. و خرقه خود را از شیخ عبدا.. یافعی گرفت. گفته اند که وی مقدمات علوم،

علم بلاغت، کلام، حکمت اللهی، اصول، فقه و اصول عرفان را در جوانی فرا گرفت و در همان هنگام فصوص الحکم ابن عربی را از برداشت. نعمت ا... چنان در عرفان به مقامات عالی دست یافت که در بسیاری منابع با عنوان «شاه» (که از القاب عالی رتبه تصوف است، یاد شده است. شاه نعمت ا... ولی پیش از این مدتی را در طریقت قادری به آموختن مشغول بود.خاطرات و وقایع تحصیل : سید نورالدین نعمت الله کهستانی هدایا و اموالی که مردم نزدش می آوردند را همگی می پذیرفت و در ظاهر چندان به حلال و حرام بودن آن توجهی نداشت. روزی سلطان شاهخ تیموری برای امتحان وی گوسفندی را که از کسی غصب گرفته شده بود را بریان نموده و نعمت ا.. را دعوت نمود. هنگامی که نعمت ا... به تناول گوشت گوسفند مشغول بود، سلطان شاهرخ به وی خبر داد که گوسفند غصبی بوده است. اما نعمت ا... گفت که وی هرگز نان حرام نمی خورد. شاهرخ برای اثبات سخن خود صاحب گوسفند را آورد تا به غصبی بودن آن شهادت دهد. اما صاحب گوسفند گفت که وی این گوسفند را برای شیخ نعمت ا... به عنوان نذری آورده است که مامورین سلطان شاهرخ آن را به زور از وی گرفتند. [سمرقندی، تذکره الشعرا، صص 3-252]فعالیتهای ضمن تحصیل : سید نورالدین نعمت الله کهستانی بیشتر اوقات زندگانی خود را در سفر می گذراند.سفرهای وی بیشتر جنبه عارفانه و تحصیلی داشته است.استادان و مربیان : سید نورالدین نعمت الله کهستانی، رکن الدین شیرازی، شمس الدین مکی، سید جلال الدین خوارزمی و قاضی عضدالدین و مهمترین آنها شیخ عبدا... یافعی بودند.سلسله استادان شاه نعمت ا... ولی به احمد غزالی، جنید بغدادی و شیخ حسن بصری می رسد.همسر و فرزندان : سید برهان الدین اولین فرزند سید نورالدین نعمت الله کهستانی بود که در طی سفر وی به کوهستان کرمان به دنیا آمد. امیر خلیل ا.. از دیگر فرزندان او بوده است. فرزندان ونوادگان وی در زمان امیر دولتشاه سمرقندی (عصر شاهرخ) در کرمان و هند و فارس از بزرگان به شمار می رفتند شاه نعیم الدین نعمه ا... ثانی نواده شاه نعمت ا... ولی و داماد شاه طهماسب بوده است. سید قطب الدین میرحاج گنابدی متخلص به انسی (معاصر سلطان حسین بایقرا) نیز از نوادگان شاه نعمت ا... بود.وقایع میانسالی : اکثر عمر سید نورالدین نعمت الله کهستانی به عبادت و سفر گذشت وی در مکه سالها به تحصیل نزد بزرگان صوفیه، بویژه شیخ عبدا... یافعی پرداخت. و با سلطان حسین افلاطی بصری، دیدار کرد. و مدتی در هرات و خراسان و سپس در کوهستان کرمان، تفت یزد، به دعوت اسکندربن عمر شیخ شیراز، سمرقند،کوه صاف (در نواحی بلخ) مقیم بوده است. شرح احوال و مقامات شاه نعمت ا... را عبدالرزاق بن عبدالکریم کرمانی در کتابی در

سال 911 هـ.ق تالیف نموده است. و نیز کتابهایی توسط عبدالعزیز بن شیرملک بن محمد واعظی که برای علاءالدین احمد شاه دوم بهمنی (838-862 هـ.ق) در هند نوشته شده است. و نیز کتاب سویدالدین نصرا... بن برهان الدین خلیل ا... طاوسی ابرقوهی تالیف 906 به دستور نعمت الله ثانی نواده شاه نعمت ا... ولی و کتاب سوانح الایام فی مشاهدات العوام (سلسله العارفین) اثر صنع ا... نعمت اللهی ( تالیف 1066) و نیز شرح مفصلی درکتاب جامع مفیدی در تاریخ یزد اثر محمد مفیدی مستوفی یزدی.زمان و علت فوت : سید نورالدین نعمت الله کهستانی در سال 827 هـ.ق در هفتاد و پنج سالگی یا در سال 834 در سن 103 سالگی در زمان حکومت سلطان شاهرخ تیموری وفات یافت و در قریه ماهان در نزدیکی کرمان مدفون گشت و لنگرو خانقاه وی تا کنون زیارتگاه اهل دل است.مدتی پساز وفات وی به امر سلطان احمد بهمنی پادشاه رکن بقعه ای بر مزار وی بنا گردید (840 هـ.ق) و در زمان شاه عباس دوم ابنیه ای بر آن افزوده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی با درجه صوفیانه‌ی «شاه» ریاست سلسله صوفیانه نعمت اللهیه را که خود بنیان گذاشته بود، بعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : سید قاسم انوار در سراب تبریز، مولانا شرف الدین علی یزدی و خواجه صائن الدین علی ترکه در اصفهانی در قفت یزد به خدمت شیخ نعمت ا.. درآمدند. و از سوی وی به مصر و شام اعزام شدند. در شیراز سیدابوالوفا سید محمود (شاه داعی الی الله)،حافظ شیرازی، پدر علامه جلال الدین دوانی، شیخ ابواسحاق بهرامی، علامیر شریف جرجانی شرف خدمت وی را یافتند اما بیش از هر کس شاه قاسم انوار شاه داعی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی (که در خرقه وی را از دست نعمت ا... گرفت) و مولانا فضل ا... سید نظام الدین احمد شیرازی شاگردان بلافصل و رسمی شیخ نعمت ا... به شمار می روند.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی، بنیانگذار سلسله صوفیانه نعمت اللهیه است. طرایق الحقایق حاج معصومعلی شاه- حبیب السیر، مراه الخیال، امیر علینسیر خان لودی، نتایج الافکار محمد قدات الله گوپا مدی، بهارستان سخن، ریحانه الاوب درباره نعمت ا... ولی مطلب دارند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید نورالدین نعمت ا... بن عبدا... کهستانی ولی اشعاری می سرود که در آنها به «سید» یا نعمت ا... تخلص می نمود.شاگردان : شاه قاسم انوار، شاه داعی الی الله شیرازی، شیخ آذری طوسی که خرقه خود را از دست سید نورالدین نعمت الله کهستانی گرفت و مولانا فضل الله سید نظام الدین احمد شیرازی از شاگردان مهم شیخ نعمت الله کوهستانی بشمار می روند. شاگردان وی بنام استاد خود شاه نعمت ا... به

نام فرقه نعمت اللهیه مشهورند. پس از وفات شاه نعمت الله ولی، پسرش سید خلیل الله ارشاد مریدان را بعهده گرفت آوازه کرامات و مقامات شاه نعمت الله در ایران و هند چنان منتشر بود که در این دو سرزمین ارادتمندان و شاگردان بسیاری یافت که برخی از آنان امر او شاهزادگان و شاهان بودند. هر چه به دوران صفوی نزدیک تر شویم، نفوذ و قدرت این سسله افزایش می یابد.همفکران فرد : سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی همانند سید محمود نوربخش و نیز مانند صوفیان بزرگ صفوی شیعه مذهب و بنیان گذار فرقه صوفیانه‌ی شیعی می باشد.آرا و گرایشهای خاص : سید نورالدین نعمت الله کهستانی شیعه مذهب بوده است و در شرح و توضیح اصول و مبانی تصوف و عرفان بویژه با گرایش شیعی از مردان پرکار زمانه خود به شمار می رفت.چگونگی عرضه آثار : سید نورالدین نعمت الله کهستانی ولی برخی رسالات خود را به اسکندربن عمر شیخ نواده تیمور و حاکم فارس، احمد شاه بهمنی و دیگر شاهان بهمنی در اکن عرضه نموده است. شایان ذکر است که اینان از مریدان وی به شمار می رفتند.

_____

آثار : ویژگی اثر : این رساله های نظم و نثر و درباره طریقه تصوف، سیرو سلوک، اخلاق، معارف و حکیم می باشد.[نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج1، ص 188]2 آ ا... خلوت ، آفاق و انفس ، اسما کونی ، اصطلاحات صوفیه ، الرساله الشریفه النوریه ، الله هو الاول و الاخر بعربی ، الهامات ، برزخ حروب مقطعات قرآنی ، بیان خوش ، تحقیق الایمان ، تحقیق المرابت الهیه ، تحقیقات موسوم با لطایف النصوف ، تصیحت نامه دیگر ، تفسیر سوره‌ی اخلاص ، خلوت ، خلیفه ، ذوقیات، رساله موزات ، رساله احدیه ، رساله اشرف الاسماء ، رساله اصطلاحات ، رساله البیان ، رساله الحقایق ، رساله انظام ، رساله برازخ ، رساله بشارت نامه ، رساله بلوغات ، رساله بیان اقطاب ، رساله بیان حروف ، رساله بیان کلمه طیبه ، رساله بیان مذاهب در خلق افعال ، رساله تجلیات ، رساله تحقیقات ، رساله تفسیر الله و السموات ، رساله تفصیل اوایل سور ، رساله توکل ، رساله جامع اللطایف ، رساله جنانیه ، رساله جواب سوال از اسم اعظم و غیره ، رساله حبیبه ، رساله حروف اصلیه ، رساله حروف و روح ، رساله حورائیه ابو سعید ابوالخیر ، رساله در آن عدد حروف ، رساله در بودن حقیقت انسان مظهر اللهی ، رساله در بیان اسرار کلمه و صلوه و حج غیره ، رساله در بیان تجلی به عربی ، رساله در بیان حقیقت ، رساله در بیان حقیقت مثال و خیال مقیده و کیفیت در اعتبار و یا درجات خلق در ادراک علوم و معانی ، رساله در بیان قلوب انسان[نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج1، صص 9-188، تا 341 و نیز

ج2، ص 742] ، رساله در بیان نفس ، رساله در توکل و بعضی تحقیقات ، رساله در کلمه سبحان ا... در نکات عشر ، رساله در معنی هستی و نیستی ، رساله دیگر از ذوق ، رساله ذوق ، رساله سند خرقه و سوال و جواب سلطان اسکندر، رساله سوال جوال ، رساله سوال و جواب اما علی حکیم ترمزی ، رساله عیون ، رساله فی کدام الحق للخلق و الفرق بین الوحی و الالهام و الحدیث القدسی ، رساله قل هو الله احد ، رساله کشف الاسرار، رساله کمیلیه ، رساله مراتب ، رساله مراتب رندیه ، رساله مراتب فقر ، رساله معرفت ، رساله معرفت روح ، رساله معنی الفقر فخری و کاد الفقر ان یکون کفرا ، رساله مکاشفه ، رساله منابت به عربی ، رساله منشآت ، رساله نسبت خرقه خود معنی اعیان ، رساله نصیحت خلیفه و پادشاه عصر، رساله نصیحت سید نور ا... (پسر سید خلیل ا...) ، رساله نفخ روح آدم ، رساله نکات ، رساله نکات ، رساله نور و مراتب آن ، رساله ها ، رساله واردات ، رساله‌ی اسلامیه ، رساله‌ی اشارات عجیب الحروف ، رساله‌ی بیان علم توحید ، رساله‌ی حورائیه ، رساله‌ی حورائیه دیگر ، رساله‌ی روح ، رساله‌ی مراتب دیگر ، رساله‌ی نصیحت سید برهان الدین خلیل ا... (پسرخود) ، رساله‌ی نفس و نکات ، رساله‌ی نفیسه ، سراسماء غیر متناهی و حروف متناهی ، سلب اوصاف ، سلوک ، شرح اسما الله الحسنی به عربی ، شرح اصطلاحات محیط کمال المله و الدین بطریق ابجاد ، شرح سوال کمیل از حقیقت ، شرح قصوص ، شرح گلشن راز ویژگی اثر : رساله ای خطاب به حکیمی ترمندی (از اصحاب شاه نعمت ا...)(تالیف 836) غیر از دیوان اشعار وی که حاوی یازده هزار بیت است.102 شرح لمعات ، عینیه رساله وجود فیوضات ، مجمع الاسرار ، مجمع اللطایف ، مجموع اللطایف ، محبت نامه ، مراتب ، مراتب وجود ، مفتاح الابواب ، مکاشفات تعریفات ، نسبت خرقه‌ی احمد شاه بهمنی، نصیحت نامه

منابع زندگینامه :نفیسی تاریخ نظم و نثر درایران و در زبان فارسی، ج1، ص 1882امیردولتشاه سمرقندی، تذکره الشعرا، به همت محمد رمضانی، تهران: پدیده خاور، 1366،ص 2523ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج4، چاپ دوم، تهران: فردوسی، 1366، ص 2294لطفعلی بیک آذر بیگدلی، آتشکده‌ی آذر، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران: موسسه نشر کتاب، 1337، ص 1235هدایت، تذکره ریاض العارفین، صص 3-232

هاشمی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید رضا هاشمی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/2
زندگینامه علمی
اینجانب سید رضا هاشمی در سال 1361 دیپلم متوسطه در رشته ریاضی فیزیک را با معدل 14/19 در تهران دریافت کردم و به دلیل علاقه فراوان به تحصیلات حوزوی بدون شرکت کردن در کنکور دانشگاه ها، در همان سال به مدرسه علمیّه مجتهدی در تهران وارد شدم و به مدّت چهار الی پنج ماه در آنجا به تحصیل مقدمّات علوم حوزوی (عربی و منطق) پرداختم. سپس در سال 1362 همراه با یکی از دوستان فاضل و هم فکر خود برای ادامه تحصیلات، عازم حوزه علمیّه قم شدم و ابتداء در مدرسه رضویه و پس از آن در مجالس درس مختلف در حوزه علمیّه به تکمیل دروس متداول شامل (مباحث فقه و اصول فقه) و دروس دیگر که اصطلاحاً دروس جنبی نامیده می شد مانند: (کلام، فلسفه، تفسیر، رجال، حدیث، اقتصاد و ...) مبادرت کردم. از سالهای ابتدایی دهه هفتاد پس از فراغت از فراگیری دروس سطح، در دروس خارج اصول و فقه شرکت نمودم و این اشتغال همچنان ادامه دارد.
در سال 1367 در پی فراهم آمدن امکان حضور طلاب در دانشگاه ها به دلیل احساس نیازی که به فراگیری علوم دانشگاهی در حوزه علوم انسانی در من پدید آمد، در کنکور دانشگاه شرکت کردم و از مهرماه سال 1368 در دانشکده «حقوق و علوم سیاسی» دانشگاه تهران هم زمان با تحصیلات حوزوی به تحصیل در رشته حقوق پرداختم و در سال 1373 فارغ التحصیل شدم. در همین سال در پی دعوت یکی از مسئولان «بنیاد دائرة المعارف اسلامی» در تهران که دائرة المعارفی با نام (دانشنامه جهان اسلام) را در دست تألیف و انتشار دارد، همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کردم که ابتداء بیشتر به شکل تألیف مقاله یا ارزیابی نقادانه مقالاتی بود؛ که به این بنده ارجاع می شد و بعدها این همکاری وسیع تر شد و به عضویت در گروه معارف و کلام در آن بنیاد انجامید.

سپس با تأسیس گروه فقه و حقوق در سال 1381 مسئولیت این گروه به اینجانب سپرده شد؛ که هم اکنون نیز این مسئولیت را بر عهده دارم. کار علمی من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی عمدتاً نظارت و مدیریت بر فرایند تولید مقالات علمی در حوزه فقه، اصول و حقوق از مرحله تدوین مدخلنامه و سفارش مقاله تا مراحل نهایی آن بوده که حاصل آن علاوه بر تألیف مقالات متعدد در دانشنامه، ارزیابی، اصلاح و تکمیل ساختاری و محتوایی بیش از یکصد مقاله در طول این سال هاست.
لازم به ذکر است که به دلیل سکونت اینجانب در شهر مقدّس قم به دلیل تحصیلات دینی، فعّالیّت های یاد شده عمدتاً در قم صورت می گیرد مگر در مواردی که حضور من در بنیاد دائرة المعارف اسلامی، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. همچنین در طول این سال ها، گاه به تدریس پاره ای از دروس مقدمات و سطوح به صورت خصوصی و غیر، گسترده اشتغال داشته ام. به علاوه از سال 1367 تا 1380 در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه مفید قم به تحصیل پرداختم. و خلاصه عنوان پایان نامه اینجانب که در سال 1379 دفاع شده «تعدیل قراردادهای خصوصی» است.

همایونی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1299.
درگذشت: 1372.
از آثار اوست: پاسخ هفت پرسش درباره‌ی تصوف (لندن، بنیاد عرفان مولانا، 1371 ،1369)؛ تاریخ سلسله‌های طریقه نعمةاللهیه در ایران از سال 1190 هجری قمری تا سال 1412 هجری قمری (لندن، بنیاد عرفان مولانا، 1371)؛ سرچشمه‌ی عرفان ایران (لندن، بنیاد عرفان مولانا، 1368 ،1367). مریدان و شاگردان دکتر مسعود همایونی یادنامه‌ای تحت عنوان زیر برای وی در سال 1373 منتشر نمودند که از سوی بنیاد عرفان مولانا در لندن به چاپ رسید: یادنامه استاد معنوی: جناب دکتر سید مسعود همایونی (بابا شاهچراغ).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

واقفان

ابو المظفر جهانشاه بن قرا یوسف

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسجد کبود تبریز
این مسجد که از ابنیه تاریخی دوره‌ی پادشاهان قراقویونلو بشمار میاید با مدرسه و مقبره و جتمیع عمارات ملحق به آن بنام ابو المظفر جهانشاه بن قرا یوسف (872 -839 ه) مظفریه خوانده میشده است. حافظ حسین کربلائی در روضات الجنان و جنات الجنان درباره این تأسیسات عظیم می‌نویسد:
«در درآمد تبریز جانب شرق که خیابان گویند، عمارتی است در کمال لطافت و نیکویی موسوم به مظفریه از مآثر ابوالمظفر جهانشاه بن قرا یوسف بن توره قستی بن بیرام خواجه ترکمان، گویا این عمارت به سعی و اهمام حرم محترمه خاتون جان بیکم انار الله برهانها بنا شد و مشاره الیها که بسیار خیر و صالحه و عنیفه بود، در همان بقعه مدفون است» (1) بنا به قطعه کاشی معرفی که سال گذشته در پایه جنبی طاق شبستان سمت راست کفش کن پیدا شده و عبارت: «بسر کاری عز الدین تابوچی بن ملک» بر آن نقش گشته، معلوم میشود که این بنای عالی بسر کاری و نظارت عز الدین دربان بانجام رسیده است. ویرانه‌های این مسجد اکنون در محله خیابان در سمت شمال شاه راه تبریز به تهران واقع شده و در تداول ترکی «گوی مسجد» بنی مسجد کبود خوانده می‌شود که نامی است مأخوذ از صفت بنا و کاشی‌های آبی رنگ آن.
خوشبختانه وقفنامه این بنای عالی اخیرا در کتابخانه‌های سلطنتی پیدا شده و این خطابه در پیرامون آنست.
خلاصه وقنامه نام این وقنامه صریح الملک است و در چند جای کتاب صریحا آن اسم ذکر شده است و معمولا اینگونه اسناد دولتی را صریح الملک میخوانده‌اند. این وقفنامه در سال 1265 هجری در دارلسلطنه تبریز ابتیاع، و به توسط امیر نظام گورهی به خزانه سلطنتی فرستاده شد سواد دستخط مرحوم امیر نظام که در بالای ورق اول کتاب صفحه (ب) مرقوم رفته از اینقرار است:
بسمه تعالی - این کتاب مستطاب صریح الملک بر حسب امر قدر قدرت جهانمطاع اعلیحضرت قویشو کت شاهنشاه صابحقران السلطان المظفر المؤید ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره‌و احسانه بابلاغ جناب مستطاب میرزاعلی خان امین الدوله

العلیة العالیه رئیس دار الشورء الکبری بدستیاری این چاکر درگاه از وراث مرحوم حاجی میرزا باقی خطیب باشی آذربایجان دریافت شد 5 بدارالخلافة الباهرة فرستاده شد و عدد اوراق آن سیصد و شصت وسه ورق است. دوم یکشنبه بیست و پنجم شهر صفر یکهزار و سیصد و پنج هجری 1305
ه) و انا العبد الله ولة البهیة العلیة حسنعلی الگروسی (مهر امیر نظام).
وزن این کتاب در حدود شش کیلو گرم و طول و عرض آن با جلد 27 ضربدر 37 و ضخامت آن با جلد 9 /5 و بدون جلد 8 /5 سانتیمتر است و هر صفحه یازده سطر دارد جلد آن از چرم ممتاز پشمی و پشت و روی آن در هر طرف در پنج محل بطور عمودی تذهیب شده است و تحت شماره 2458 به ثبت اداره بیوتات سلطنتی رسیده و در اطاق اسناد دولتی مضبوط است.
این وقفنامه را فقیه و عالم زمان شیخ نجم الدین اسکویی در ظهر آن مجلد به شرح زیر تصدیق و تأئید کرده است:
الله حی
ثبت و تحقق بما هو طریق الثبوت و طریق التحقیق شرعا ان الخاقان الاعظم الاعدل الاعلم سلطان السلاطین العرب و العجم مالک سر الخلاقه بالاستحاق ناشر الوی المعدلة فی الافاق المظفر من السماء المنظور علی الاعداء هادم اساس الجور و الظلم و الفساد. معهد قواعد الشریعة فی البلاد المجاهد فی سبیل الله المؤید من عند الله الموفق بتوفیق الله السلطان جهانشاه خلد الله خلافته و سلطانه و اوضح علی العالمین بره و احسانه، وقف و تصدق علی مصالح ابواب البرا المذکورة فی هذه الوقفته بحدودها بعد ان تملکها ابد الله ظلال معدلته بمبایعات شرعیه و مملکات سمعیه حسبما نطقت بها تمسکات شرعیه و انی نفذته و امضیته مسؤلا، حرره الداعی للدولة الباهره افقر العباد نجم الدین الاسکوئی مولادا ثم التبریزی مسکناو منشأ عفی الله عن هفواتة بالنبی و آله فی شهور سنة تسع و ستین و ثمانمائه (869) (2) این وقفنامه به عربی است و چنین آغاز می‌شود:
«بسم الله الرحمن الرحیم ذلک من فضل اله علینا، الحمد لله العلی القادر الولی الناصر الملی القاهر الغنی الشاکر.... (3)«بعد از حمد خدا و نعت رسل‌ول او محمد (ص) و ستایش «السلطان جهانشاه» و ذکر امثال و آیات و شواهدی در بی‌ثباتی دنیا... می‌نویسد که جهانشاه به همسر و زن خود خاتون جان خاتون معروف به بیگم بنت صاحب الاعظم غیاث الملة و الدین، امر فرمود که بقعه‌ای را که کشتمل بر ابواب خیرات و مبرات باشد بنا کند. و این بقعه در بیرون شهر تبریز در دروازه جدید در محله پس کوشک در جائی بنام «فخرآزاد» ساخته شد آن عمارتی عالی و رفیع البنیان است

و مشتمل بر مسجدی و قبه‌ی (گنبد) شامخی است که آن زن آنرا برای مدفن خود و فرزندانش و شوهرش در نظر گرفته است. و نیز مشتمل بر خانقاهی است که در باغی پر گل و ریحان قرار گرفته و اطاقها و غرفه‌های تابستانی و زمستانی دارد و آنها را محلی برای ذکر و تسبیح خداوند قرار داده، وقف علماء وقفها و متصوفها و زهاد کرده است.
و نیز آن بقعه مشتمل بر قناتی است که متصل به خانقاه مذکور است که است آنرا با گنبدی که بر دهانه‌ی آن ساخته و دو حوضی که زیر آنه قبه است وقف بر جمیع مسلمین کرده است (4). موقوفات داخل شهر تبریز
اما املاکی را که در داخل تبریز واقع است و وقف این بقعه کرده از این قرار است:
1- حمام معرفو به حمام صباحی در شهر تبریز در نزدیکی بازار سمساران.
2- باغی که معروف به «لیلوا» است و در بیرون شهر در خارج دروازه‌ی «نهاد مهان» (مهاد مهین؟) می‌باشد و محدود به باغ «توخیذ» و بباغ ورثه سدید الطبیب و باغ احمدآباد و امیر منصور بن اخی زاهد، و باغچه خواجه مطهر به باغ کولخید، و بکوچه «نوخیذ و به کوچه «لیلوا» است که روی هم منقسم بر هشت قسمت است که هفت قسمت آن محدود به حدود مذکور از موقوفات سلطان و یک قسمت آن ملک امیر منصور بن اخی زاهد است.
3- باغ برج که متصل بباغ لیلوا و باغ بیلچن، و باغ نوخیذ و باغ سد الدین طبیب است (5).
4- باغ نوخیذ، که حدود آن متصل به باغ برج و باغ و باغ شیخ تاج الدین و باغ قاضی آباد و «باغ محمود آباد، و باغچه خواجه مطهر و باغ لیلاباد است.
5- باغ احمد آباد در دروازه نامبرده و محدوده بباغ لیلوا و به زمین شادآباد و کوچه حجاران، و باغ خواجه یوسف.
6- باغ معروف به باغچه خواجه مطهر محدود با باغ لیلوا و باغ نوخیذ و باغ قاضیاباد، و کوچه نوخیذ.
7- یازده سهم از چهارده سهم قنات معروف به لیلوا که دهانه آن در نزدیکی گنبد «جفیان» ظاهر شده و انتهای چاههای آن نزدیک غار معروف به محمد ختایی است.
8- ربع از قنا معروف به صدریه که دهانه‌ی آن در باغ معروف به صدریه و انتهای چاههای آن در جائی بنام قلاقه نشین» است (6).
9- هفده سهم مشاع از اصل هفتاد و دو سهم قنات معروف به نوخیذ که دهانه آن در استخر باغ نوخیذ آفتابی میشود.
10- قناتی که معروف به نورین است از قنوات دروازه مذکور.
11- جمیع حریم قنات معروف به قنات پیلتن، از قنوات دروازه‌ی مذکور.
12- ثلث و طسوج مشاعی از قنات معروف به «سلول» که حسین آباد

نامیده می‌شود و از قنوات دروازه‌ی مذکور است.
13- ربع مشاع از قنات معروف به «برزناو» در دروازه مذکور. قنات پیلتن در باغ پیلتن آفتای می‌شود و چاههای آن ده کججان به سد ول ادامه می‌یابد. اما قنات سدول، و قنات برزناو، بین راه کججان، و «هوزه بران» کشیده می‌شود (7).
14- همه زمینهای که «محمدآباد» خوانده می‌شود و بیرون از دروازه‌ی «ویجوبه» نزدیک «حکماباد» که محدود به زمین محمدآباد می‌باشد و آن از موقوفات «مدرسه محمودیه» و «باغ نومو» معروف به خواجه پیر حسین بن خواجه ناصر - الدین عمر، در راه «شب عتیق» در زمین «ربیباد» است.
15- همه‌ی عمارت باغ معروف به «شمساباد» به دروازه‌ی مذکور در موضعی که از سه طرف محدود به اراضی حکماباد، و از جهتی محدود به اراضی محمدآباد است و آن از جمله موقوفات «مدرسه محمودیه» و «باغ خلفان» و باغ «نوموی» مذکور است.
16- همه اراضی که «ربیباد» خوانده می‌شود و به دروازه مذکور واقع است و حدود آن متصل به اراضی موقوفه محمدآباد، و اراضی صدرآباد است.
17- همه عمارت باغ محمدآباد بدروازه‌ی مذکور، و زمین این باغ از موقوفات مدرسه محمودیه است (8).
18- سه سهم از هفت سهم قنات معروف به محمدآباد از قنوات دروازه‌ی ویجویه، که دهانه‌ی آن در باغ خلفان آفتابی می‌شود و چاههای آن به دروازه‌ی «طاق» منتهی می‌گردد. و این هفت سهم عبارت از هجده سهم از چهل و دو سهم است.
19- همه‌ی باغ بزرگی که معروف به باغ «خلفان» واقع به دروازه‌ی مذکور در نزدیکی «حکماباد» است و حدود آن به باغ محمدآباد، و شمس‌آباد، و اراضی «ماره» و اراضی «نزه زار» و راهی که به شنب عتیق میرود محدود است.
20- همه اراضی واقع در «حکماباد» است و آن قطعه زمینی معروف به زمین «بخش ضیا» است که به کوچه‌های صدر آباد و از دو جانب به سقاخانه (9)صدر آباد و زمینی که معروف به امیر زین العارفین است محدود می‌باشد.
21- و نصف اراضی واقع در موضع مذکور که از دو جانب محدود به سقاخانه صدرآباد و زمین معروف به امیر زین‌العارفین و به زمین معروف به خواجه حسن سفریجی محدود است. این زمین کشتزار هشتادمن، و زمین اول کشتزار صدمن از گندم است (10).
22- زمین معروف به «باغ برج» که از دو جانب به سقاخانه احمدآباد بزمین معروف به صاحب الاعظم السعید تاج الملهی والدین آقا اخی، و

بزمین خواجه علی تاجر، و بزمین الاعظم نظام کاشی محدود است، و آن کشتزار یکصد و چهل من می‌باشد.
23- همه‌ی زمینهای که موسوم به «تیم بخش» است و محدود به ملک خواجه علی تاجر که نیز معروف به «قراباد» می‌باشد و محدود به اراضی حکماباد و اراضی خواجه حسن سفریجی، و سقاخانه صدرآباد، و سقاخانه عزآباد است. و کشتزار سی من از گندم می‌باشد.
24- اراضی ماره بزرگ محدود بباغ خلفان و باغ نومر عمرآباد، و باغ شمساباد، و ملک ماره بابا احمدان، و آن کشتزار دویست و هشتاد من است (11).
25- زمین معروف به ماره کیار که از دو جانب محدود، بزمین برزا، و تاج باد، و ماره دوله، و آن کشتزار دویست و سی من است.
26- زمین معروف به خواج فتح الله بهشتی، که محدود بباغ برج، و به ملک نظام کاشی، به زمین موقوفه قاضی، و بر زمین مرحوم سعید آقا اخی، و آن کشتزار چهل من است.
27- زمین واقعه در حکماباد و محدود به سقاخانه صدرآباد و موقوفات قاضی زمین شیخ ابی یزید و کشتزار شصت من است.
28- زمین جدا شده از ماره کوچک که کشتزار یکصدر و پنجاه من است و محدود به کوچه‌های صدرآباد و اراضی شمساباد و ماره بزرگ، زمین امیر زین العارفین، زمین ماره کوچک است (12).
29- زمین ماره بزرگ که کشتزار دویست من است، و به شمس‌آباد واقع است، و زمین ماره کوچک.
30- زمین جدا شده از ملک صلاخان که کشتزار یکصد وبیست من است و به ملک صالحان متعلق به کمال الدین، و ملک صدرآباد، و راه صدرآباد و محمدآباد و شمس‌آباد محدود است.
31- زمینی که معروف به «دوله ماره کوچک» است و کشتزار چهل من می‌باشد و به زمین امیر عارفین و شرکاء او و بزمین شیخ ابی یزید حمامی و بزمین قاضی‌آباد (قاضیاباد) و زمین ماره بزرگ محدود است.
32- زمینی که از زمین صلاخان جدا شده و کشتزار یکصد و بیست من است و محدود به زمین شمساباد و به قطعه‌ای که از زمین صلاخان و سقاخانه صدرآباد است.
33- زمینی که از ملک ماره کوچک جدا شده و کشتزار، شصت من است و حدود آن متصل به زمین ماره بابا احمدان، و زمین ماره بزرگ، و زمین ماره دوله و زمین امیر زین‌العارفین و شرکاء او می‌باشد (13).
34- زمین محدود به ملک خواجه حسن سفریجی، و موقوفات شیخیه کججیه
زمین نظام کاشی، و زمین امیر زین العارفین و شرکاء اوست، و کشتزار

شصت من است.
35- زمینی که کشتزار چهل من است و از یک طرف بزمین موقوفه، و از جهت دیگر بزمین شیخ ابی یزید حمامی، و باغ برج محدود است.
36- زمین احمدآباد و آن کشتزار سیصد من است و متصل بزمین صاحب السعید خواجه ناصر الدین عمرو زمین معروف به کوشک امیر قتلغشاه، و بزمنی امیر اوزون شمس الدین، و بناء برج است.
37- زمینی که کشتزار سیصدو شصت ما ست و محدود به زمین کوشک امیر قتلغشاه و زمین عزآباد، و از دو جانب بزمینی که از موقوفات شیخیه، و بزمین موقوفات قاضیان صالحی می‌باشد.
38- زمینی که کشتزار یکصد و بیست من است و محدود به سقاخانه‌ی صدرآباد و زمین بخش ضیاء و به را صدرآباد می‌باشد (14).
39- زمینی که کشتزار هشتاد من است و محدود به سقاخانه حکماباد و بزیمن ورثه شیخ ابی یزید حمامی است.
40- زمینی که کشتزار شصت من است و محدود براه صدرآباد و بزمین ماره کوچک، بزمین شیخ ابی یزید، به سقاخانه ماره است.
41- زمینی که محدود به اراضی عزآباد، و نیم بخش، و سقاخانه صدرآباد و راه صدرآباد است.
42- زمینی که کشتزار پنجاه من است و محدود به زمین خواجه علی تاجر از موقوفات سلطانی، و بموقوفات قاضی، و به زمین احمدآباد و باغ برج است.
43- سی و دو «هفتوی» و نصف «هفتوی» از اصل چهل و هشت «هفتوی» از حریم سقنات معروف به قنات حکماباد که دهانه آن در نزدیکی حکماباد آفتابی شده و چاههای ان یک رشته به خان المولی لطف الطبیب، رشته دیگر به نزدیکی کوچه عالم ناسک خواجه فقیه زاهد منتهی می‌شود (15).
املاک واقع در توابع تبریز
1- سراة 2- القرنه: مشهور به دودزان 3- قریه رزلق از قراء ناحیه زرند از نواحی سراة 4- قریه بارداران، از قراء بر آغوش از اعمال شهر سراة 5- قریه - باسنیق از قراءخان بر آغوش از نواحی شهر سراة 6- قریه باشتق که آن ر اشتلق گویند از توابع خان بر آغوش (16). نام قریه ها در فصل سوم نام این قریه‌ها آمده‌ی است:
1- فخرآباد، از قراء صحرا از اعمال تبریز 2- زمین معروف به بوشان.
3- زمین معروف به اراضی فقیه 4- زمین معروف به اراضی هراوجان 5- زمینی که یلمان خوانده می‌شود. 6- زمین معروف به راه رواسبحان. 7- زمین معروف به خواجه کرشت 8- زمین معروف به حلان 9- زمین معروف به کویین دشت 10- زمین معروف به آسیا 11- زمین معروف به هراوج قضاه 12- زمین معروف به اهمقیه 13- زمین معروف به اراضی اصیلان

(17)14- دمنیان 15- نیمه نره 16- سنیکنانه 17- اخی باله 18- اشترود 19- پیرزن 20- باغ صنعت 21- اخی رز 22- اخی احمد تاش 23- باغچه بابا احمد 24- باغچه فضلان 25- باغ کوک 26- باغ موزه دوزان 27- اشتردوک 28- باغ اصیلان 29- باغ سوزن کنان 30- باغ محمود شاه (18) 31- باغ قارونی 32- کوچه قارونی 33- کوچه فضلان 34- باغ زکی 35- زمین کاک 36- باغ برزین کمران 37- باغ حاجیان 38- خرمنگاه 39- باغ دیلان 40- باغ اصطرخ 41- قنات بلوق از قنوات فخرآباد که در زیمن سکیانه آفتابی شود و چاههایش تا به قریه اهمقیه می‌رسد. 42- قنات معروف به حاجب (19)که در زمین باو آفتابی شده و چاههایش تا قریه «جولان دزق» کشیده می‌شود.

43- جوی جدید معروف به انشاء مولی حاکم اعظم قاضی عبدلالمک خدادی یبان که از نهر سراة رود منشعب است و به نزدیکی ممدآباد (یل ممد آباد) در اراضی اطراف تبریز جاری است و از قریه رواسبحان و خواهنبر می‌گذرد.

املاکی که در جایهای مختلف تبریز و آذربایجان پراکنده است

1- قریه هیروی، از قراء مهرانرود من اعمال تبریز 2- قریه زرنق 3- قریه مردناب 4- قریه فهوسفنج 5- قریه بیرق 6- قریه سفین سره، از قراء مهرانورد از نواحی تبریز 7- قریه کرناب 8- قریه خوشاب 9- قریه سرسکان (سراسکند؟(20)10- زمین کئوجه 11- قریه کندرو 12- قریه محمدآباد 13- قریه سعیدآباد 14- باغ یاقوت 15- شاه آباد علیا 16- قریه باوتکین 17- بر کشاط از اعمال ارسبار 18- قریه ملک یونس 19- قریه بره دره 20- سنگی که اژدها داشی خوانند 21- قریه سالور 22- اندرآب، از نواحی بشکین (21) 23- نهر ییلقان منشعب از ارس و من جملة الاملاک:

1- قریه نسوز من قری هشترود از اعمال مراغه در جایی بنام رودخانه آی دوغمش 2- قریه سنجه از قراء هشترود 3- قریه دیکان که جدیدا قره وران خوانده می‌شود از نواحی هشترود (22) 4- کوکرچنلک ا قراء هشترود 5- قریه فیزه ویران 6- قریه کوشاب 7- قریه نحستار 8- قریه بولاغ که ینکجه خوانده می‌شود 9- قریه قره آغاج 10- قریه زاویه جوک - از قراء هشترود 11- قریه بیات از قراء هشترود 12- قریه مصقلی از قراء هشترود 13- رودخانه سیاه کلاه 14- قریه ترخان 15- قریه یوزآباد 16- قریه زربیل (23) 17- قریه آغاجری 18- قریه لمسان، از ناحیه هشترود 19- قریه اغجه کینتی، از قراء هشترود 20- قریه و سینه 21- بزه دیکار 22- ایاز سرخاب 23- بایقران از قراء هشترود ک سابقا نحور نام داشت 24- اراضی تلخاب 25- قریه‌ی کنجان 26- قریه دزکاه 27- خرم آباد 28- قره بالغ 29- ساروجه 30- حسین لان 31- کیکه هله 32- تولکته (توکلته)

33- حسن کینتی (24) 34- قریه نولق 35- قریه احمدلو 36- قواخ لو 37- دیحدی 38- قراباد 39- قریه خراسانی 40- کج کباب 41- صومعه 42- خجستان 43- دیجه تاب 44- کشه خید 45- ارغناب 46- کلغا 47- و نستنق 48- و هرانی 49- وزدناب 50- سهند 51- ساچ ایاغ 52- یالغوز آغج 53- ارختو 54- کلتو 55- آغ چشمه 56- کرزنه 57- کاروان 58- افشینه 59- آغاجری بقلی 60- قلعجوق 61- ویران جه کنت (طاس لولجه) 62- کوکر حسین لک 63- جرغلان 64- قزلجه(25)65- تیکان لو 66- لوهل جوک 67- طاطاب 68- هرناباد 69- شیخاباد 70- قتن قو 71- باریک آب 72- عمرآباد 73- کورناباد 74- قوشجی 75- ارباد 76- باغ زیارت 77- کون تو 78- خرم درق 79- شبیلومن توابع لیلان (26) املاکی که در شهر تبریز و بلهجان واقع است

1- صالحان باو 2- یونجه لغ 3- نهر شاهباد 4- قنات مزرع از قنوان - بلهجان علیا 5- کنل نشاندن 6- شهرستان رشیدی 7- برج فتح آباد (27) 8- زمین جعفر دولق در تبریز در دروازه آهنین در محاذات پل عمر دیو 9- قنات کبودان 10- خانه زغال لان 11- محله سرانکش (28) 12- حمام امیر علی بدروازه‌ی ماها نغلق در بازار مهادین. 13- خان (کاروانسرا) اسفندیار 14- بازارتا کهان یا سوق السکاکین 15- محله پس کوشک (29) 16- درب ویجویه 17- بریان خانه 18- باب السنجار (سنجاران) 19- راه بنه ووژه 20- حمام اخی ماحمد شاه بدروازه دروازه اعلی 23- کوچه خواجه مجدالدین 24- باغ نقاشان در ربع رشیدی (30) 25- محله فخرآزاد 26- خان سدلان در محاذات مسجد جامع عتیق 27- کوچه دولتشاه 28- خان اخی یادگار در محله پس کوشک (31) 29- باب ماهانقلق 30- فالیز امیر عبد الله 31- خان اخی یادگار 32- زمین جعفر دولق 33- قنات کریمان در قریه بارنج از ناحیه مهرانرود که دهانه آن در باغ ابی اسحق آفتابی شده چاههایش تا حاجی بنام ننیکش - ادامه پیدا می‌کند.

املاکی که در دید من (دیدمر) از اعمال تبریز واقع است

1- جوی زیر 2- باغ پشت راه دهخوارقان 3- خاتون آباد 4- بیگم آباد 5- باغ خطیبان از قریه بیرام از ناحیه و ید هراز از اعمال تبریز 6- قریه خسرو شاه 7- راه دیزه کوچه 8- روقات از قراء تبریز متصل به اراضی قریه هرزنق (32)

9- زمین اسبست زار معروف به عثمان کلو 10- فاطمه کله 11- کبودوار 12- شتربان 13- یونجلق 14- بلوژه 15- لواش پز 16- سعادت آباد (33).

بعضی از اقرار نامه‌هائی که در این وقفنامه بپارسی آمده است

1- بخرید وکیل خاتون عظمی بانوی کبری بیگم و وکیل او خواجه میرک و او نیز فروخت همه و تمام دو دانگ کامل مقسم و مفروز از اصل ش دانگ قطعه زمین معروفه و مشهوره به نوباغ بدارالسلطنة تبریز خارج درب

ویجویه محدود به رودخانه تبریز و به شارغ سهلان و به زمین حظیره.... و بیع ببدز شانزده خروار تخم است و حقابه آن از چشمه عزآباد به توابع بمبلغ نه هزار خرواز زر سفید رائج شهر تبریز.... در غره رمضان سنه واحدی و ستین و ثماناه (861) بخط قاضی - احمد بن علی الملکی (34).
1- باغ الصاحب الاعظم الخواجه شمس الدین محمد بن الخواجه بخشایش بن الخواجه بابا احمد در تبریز.
3- باغ ففقاعین در تبریز در دروازه جدید در محله پس کوشک (35).
4- باغ سواران در تبریز در ربع رشیدی در بیروه دروازه اعلی محدود به باغ نقاشان وباع سهروردی، به خانقاه شاهی خاتون (خواتون) (36).
5- باغ پهلوان پیری کیان بباب ماها نفلق در محله پس کوشک در کوچه مولی سلیمان دیوبند (37).
6- باغ تنکرومش بن منکلی بدرب ماها نفلق (38).
7- مصبغه (رنگرزی) - و این مصبغه مشتمل است به خمها و صحن و دو کوشک و یک خانه که آنرا بر خانه گویند در بلده تبریز بدرب جدید پس کوشک (39).
8- مسجد خواجه معروف به سبزی فروش تبریز (40). تولیت موقوفات
تولیت این موقوفات را خاتون جان بیگم بخودش اختصاص داده و برای خود قائمقامی معین کرده است و یک عشر از محصولا آن موقوفات را بوی مخصوص گردانیده است و این شرایط را برای او در نظر گرفته است:
اولا قائمقام متولی را نایبی برای ضبط موقوفات باشد.
ثانیا دو دبیر یا کاتب داشته باشد که یکی در تبریز بماند و دیگری در ولایات گردش کرده موقوفات را بازرسی نماید و محاسبات آن رسیدگی کند.
سپس می‌نویسد که خاتون جان بیگم جمیع املاک آن موقوفات را وقف دو خواهر خود صالحه سلطان و حبیب سلطان و دختران آن دو می‌نماید (41).
و شیخ متقی متشرعی را که بطریق صوفیه و متخلق به اخلاق حمیده و دارای مذهب اهل سنت و جماعت باشد برایامامت مسجد در نظر گیرند و بایستی از موقوفات هر سال پنجاه هزار دینار از وجه نقد ابیض رائج تبریز به او بدهند.
و ده تن نیز حافظ قرآن تعیین گردد که بهر کدام در سال سه هزار دینار به پردازند.
و دو مدرس برای مدرسه تعیین گردد که مشغول تدریس علوم شرعیه از تفسیر و حدیث و فقه و مقدمات آن باشند و بهر کدام از آندو در هر سال ده هزار دینار نقد رائج تبریز بپردازند (42).
و نیز خطیبی برای نمازهای جمعه و اعیاد معین گردد که باو در سال پنج هزار دینار رائج تبریز بپردازند.
و مقرئی که خطیب را کمک می‌کند و باو در سال سه هزار دینار بپردازند.

و به دربانی که در مسجد را باز کرده و سرایدار آنست در هر سال سه هزار دینار بپردازند.
و فراشی که فرش می‌اندازد و چراغها را روشن میکند و آنرا جاروب میکند هر سال سه هزار دینار باو بپردازند.
و دو مؤذن کودک خوش آواز که اذان گویند که به هر کدام از آنها چهار هزار دینار بپردازند.
و سقائی که هر سال به او هزار دینار دهند.
و دو خادم که آب را درهنگام اجتماع مردم دور بگردانند و بفارسی به ایشان «مشربه دار» گویند و بهر کدام از آندو.... دینار (جایش سفید است) بپردازند و برای مصرف شمع و روغن قندیلها هر سال سه هزار دینار صرف کنند.
و برای جاروب و تطهیر و برف روبی مسجد هزار دینار در سال (43)بپردازند.
برایخانقاه - دو طباخ که به آنان «باورچی» گویند تعیین کرد و آنها موظف به پختن دو نوع خوراک هستند یکی: «قلیه برنج»و دیگری «حلیم آب گندم» و در آنکار هرسال هشت هزار دینار صرف کنند.
و دو قیب برای خانقاه معین نمایند که وظیفه آنان پهن کردن و جمع کردن سفره و آوردن غذا است و بهر کدام در سال شش هزار دینار بدهند.
و خادمی که او را «حوائج دار» گویند که حافظ و نگاهدار غذاها است و باو در هر سال سه هزار دینار بدهند و خادم دیگر که «ایاغچی» گویند و او حافظ و مواظب ظروف و متعلقات به آن است و به او هر سال سه هزار دینار بدهند.
و فراشی که مأمور پهن کردن فرشها و بساطها و زیلوها است و باو هر سال سه هزار دینار بدهند.
و چهار شتردار که با نان «شتربانان» گویند که مأمور چراندن شترها هستند و به هرکدام از ایشان هر سال چهار هزار دینار بپردازند.
و چهار نفر طبال که به ایشان «نقاره چیان» گیند و بهر کدام در سال هزار دینار بدهند.
و معلمی که ده یتیم را قرآن بیآموزد و به او هر سال پنجهزار دینار بدهند و ایتام مذکور را در خانقاه اطعام کنند.
و معرفی که در مسجد و خانقاه مشغول به حمد و ستایش خدا و مدح رسول باشد و به او سه قزار دینار در سال بدهند (44).
و یک سقا که آب را به مطبخ مبارک میبرد به او هر سال یکهزار و پانصد دینار از مرسومات مسجد و خانقاه بطور مناصفه بپردازند. مصارف غذای خانقاه:
دو نوع خوراک پختنی یکی از برنج و گوشت که به فارسی آنرا «قلیه برنج»

و دیگر از گوشت و گندم که به فارسی آنرا «حلیم آب گندم» گویند بپزند و در شبهای متبرکه از دو عید (فطر و قربان) و شب قدر لیلة البرائه و لیلة الرغائب و شب میلاد پیغمبر و دیگر شبهای رمضان در هر سال پانزده دینار صرف اطعام مردم و مساکین شود و سزاوار است که در هر شب از شبهای رمضان غذائی مخلوط با عسل که آنرا به فارسی رشته قطائف گویند فراهم آورند. و برای پلاس و پالان شتران و اقسام آنها که به فارسی آنرا «رخت اشتران» گویند در هر سال دو هزار دینار صرف کنند، و شتران را هم هر سال از این مبلغ روغن مالی کنند (45).
اما و پیش نماز مسجد باشد خوش لهجه و نیکو سیرت و مواظب بر ادای نماز و ملازم طریفت اهل صلاح و حافظ قرآن باشد، و سوره‌های دراز و کوتاه را از بر بخواند و بتواند مانند دیگر ائمه آن سور را در نماز و در تعقیب آن بخواند و بوی هر سال شش هزار دینار بدهند (46).
و واعظی که در هر هفته دو بار روز جمعه ور روز دوشنبه وعظ کند و بهره کند و بهره کافی از علوم تفسیر و حدیث و فقه داشته و عالم به قصص و اخبار و نکت و امثال و نصائح و پیر و مذهب سنت و جماعت باشد، در هر سال به وی چهار هزار دینار بدهند.
و یک قاضی بر این اوقاف ناظر قرار دهند و او قاضی قطب الدین عتیق بن المولی قاضی جلال الدین محمد عتیقی است و بعد از او فرزندان وی نسلا بعد از نسل ناظر این موقوفات خواهند بود و در حکم وکیل و مأمور ادعاهای کاذبه بر این موقوفانند و هر سال به ایشان هجده هزار دینار بدهند (47). تاریخ اواخر وقفنامه مذکور
غره شهر ربیع الثان سنه ثمان و تسعین اثما نمأه 898 (ورق 330 ب) کمال بن فتوح الدین بن کمال الدین الاصفهانی.
آخر کتاب به این عبارت خاتمه می‌باید:
«الله و له الهداب یة و التوفیق، ما حوی الزبر الاسلایم الموسوم بصریح المکه من الاملاک المفصلة المحصلة بمساعی امناء الحضرة العالیة العفیقة الطاهرة البانیة للخیرات المرضیة و المبرات الحسیبة خلد الله تعالی سلطنتها و افاض علی کافة البرایا برها و مرحمتها و صح لدی و اتضح بین یدی بما هو طریق آلثبوت و الایضاح شرعا وافی اثران امرت بتبجیل فخاوی الحجج و التعسکات المحررة.... بقیه افتاده و ناقص است و طاهرا صفحه بعد از المحررة فضانته آغاز می‌شده است (48)و یک صفحه آخر کتاب ناقص است. اصطلاحات
1- التجصیص و الطبینی و ما یدعی بالفارسی آهک کاری (49).
2- کنک نشاندن (50).
3- طاس دمشقی مدرو برنج زر اندر سیم
4- طاس برنجی دمشقی نقره کوفت. 5- شربتی نقره کوفت سفید 60-

آبخور حلبی
7- طشتک حلبی 8- گلاب دان کبود باسمه 9- شربتی بلدی زرد. 10- سبوچه کبود فقاعی لاجوردی (51)11- کاغذ سمرقندی، کاغذ تبریزی (52)12- دوشاب، ابس، 13- پیراهن کرباس 14- پوستین کول. پی نوشت:
1- روضات الجنان ص 524 ج 1.
2- نقل از ورق اول کتاب صفحه A.
3- ورق 2 ب تا ورق 10 الف.
4- ورق 10 ب الی 13 الف.
5- ورق 13 ب.
6- ورق 14 الف تا اول 14 ب.
7- ورق 14 ب.
8- ورق 15 الف.
9- در اصل: ساقیه.
10- ورق 15 ب.
11- ورق 16 الف.
12- ورق 16 ب.
13- ورق 17 الف.
14- ورق 17 ب.
15- ورق 18 الف.
16- ورق 18 ب و 19 الف.
17- ورق 19 ب و 20 الف.
18- 19 الف و 20 ب.
19- ورق 20 ب و 21 الف.
20- ورق 21 ب.
21- ورق 21 ب، 22 الف.
22- 25 ب، 26 الف.
23- 26 ب 27 الف.
24- 27 ب 28 الف.
25- 28 ب 29 الف.
26- 29 الف.
27- ورق 36 الف - 37 الف.
28- ورق 37 ب- 38 الف.
29- ورق 38 ب - 39 الف.
30- ورق 43 ب تا 44 الف.
31- 44 ب تا 47 ب.
32- 49 ب.

33- 50 الف تا 52 ب.
34- ورق 57 تا 58 الف.
35- ورق 66 الف.
36- ورق 77 الف.
37- ورق 28 ب.
38- ورق 85 ب.
39- ورق 89 ب.
40- ورق 93 الف.
41- ورق 315 الف تا 317 ب.
42- ورق 319 ب و 320 الف.
43- ورق 320 ب تا 321 ب.
44- 321 ب تا 322 الف.
45- ورق ب ص 322-الف 323.
46- ورق 324 الف.
47- ورق 324 ب و 325 الف.
48- ورق 359 و 360 سیاه ب.
49- ورق 80 الف.
50- ورق 80 ب.
51- ورق 90 ب.
52- ورق 197 ب.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

اتفاق، حاج محمد تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج محمدتقی اتفاق فرزند حاج کریم در سال 1325هـ.ق در تهران متولد شد و از هشت سالگی بنا به اقتضای محیط و موقعیت خانوادگی به بازار آمد، اما به مقتضای گرایش درونی به علم و علمای دین، از کار درس و مدرسه نیز غافل نماند و پاره‌ای از کتابهای حوزوی را نزد اساتید آموخت.
به قول خودشان، در این عمر طولانی و متبرک که بر 90 سال بالغ می‌گردد، سر و کار و رفت و آمد و مراوده و معاشرت ایشان پیوسته با علما و فضلای صاحب نام و معرفت بوده است. و به سابقه همین کشش و خواهش فطری و ذاتی، سرمایه زندگانی خویش را جز در راه خیر و صلاح و راستی و درستی خرج نکرده است.
از مهمترین آثار خیرات و مبرّات ایشان، بنای مدرسه علمی نجف است موسوم به «جامعة النجف» که از مدارس علمی طراز اول این شهر به شمار است و فارغ التحصیلان و درس‌خواندگان این مدرسه در ایران و عراق و سایر کشورهای اسلامی، منشأ خدماتند و صاحب اسم و اعتبار.
این مدرسه، ساختمانی است چهارطبقه با 13 هزار متر زیربنا که زمین آن در همان روزگاران به ده هزار دینار عراقی خریداری شده است و در آن هنگام، جز بیابانی دور از آب و آبادانی نشانه‌ای نداشت. به واسطه بُعد مسافت آن با مرکز شهر و با توجه به امکانات 50 سال پیش، خشت خشت آن با دشواریها و مشقّـات فراوان به روی هـم چیـده شـده و اگـر نبود عنایت پروردگـار و پشتیبانی علمای بزرگ نجف، شاید به چنین سرانجامی نیکو نمی‌رسید. حاج اتفاق می‌گوید:
«در میان کار، عدّه‌ای قصد سنگ‌اندازی و دلسرد کردن مرا داشتند، اما علمای اعلام و روحانیون طراز اول نجف با نوشتن نامه و فرستادن پیغام مرا در این امر قوّت قلب بخشیدند.»
وی آن‌گاه دستخط عدّه‌ای از این بزرگان را پیش روی ما برمی‌گشاید:
آیات عظام حکیم، شاهرودی، خویی، صدر
بادکوبه‌ای، محمدباقر زنجانی، عبدالکریم زنجانی، محمدجواد طباطبایی، بجنوردی، فیروزآبادی و علی موسوی حلّی رحمةاللّه علیهم.
کار احداث این ساختمان، هشت سال به طول انجامید و در سال 1378هـ.ق، در شب افتتاح آن، عدّه زیادی از علما، قضات، رؤسا و شخصیتهای سرشناس عراق شرکت داشتند. معمار این مدرسه، آقای

لرزاده از معماران معروف آن دوره است که بسیاری از بناهای مذهبی، نام ایشان را بر خود دارد، از جمله مسجد لرزاده در میدان خراسان تهران.
و اما از دیگر آثار آقای حاج محمدتقی اتفاق، سفارش ساخت درِ طلای حرم مطهر حضرت علی (ع) است که صنعتکاران و هنرمندان اصفهان به مدت دو سال ذوق و هنر خویش را ـ از سر شوق و شیفتگی به خاندان عترت و طهارت ـ در آن تعبیه کردند تا این متاع گرانبهای معنوی، با آبرومندی تمام بر دیوارهای مرقد مبارک آن حضرت قامت آراید. همچنین است در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا در کربلا، که هم به همّت و هزینه ایشان ساخته شده است.
به این آثار، می‌توان بیمارستان جاوید تهران و مسجد امامزاده زید را در بازار تهران ـ پشت هنرستان حافظ ـ افزود؛ و جز آن به کمکهای مادی و معنوی بسیار ایشان به بعضی از بیمارستانهای کشور و دستگیری گرفتاران و درماندگان اشاره کرد.
حاج محمدتقی اتفاق به واسطه انس و الفت دیرینه‌ای که با کتابهای احادیث و روایات دارد، اوقات فراغت را به جمع‌آوری احادیث و ادعیه و آیات و روایات در موضوعات مختلف می‌گذراند و از این رهگذر، چندین مجموعه حدیث و دعا و روایت فراهم آمده که از جمله آنها جواهرالکلمات است که در نجف اشرف به چاپ رسیده و طریق‌الجنان که کتابی است مختصر در ادعیه مذهبی، و به صورت اُفست چاپ شده است و کتاب دیگر، حقیقة الایمان و فضیلة الانسان که مجموعه‌ای است از 450 حدیث از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام.
برای ایشان از خداوند منّان آرزوی طول عمر و توفیق خدمات بیشتر به اسلام و امت اسلام را مسئلت داریم.
لازم به توضیح است همانگونه که در مصاحبه اشاره شده است، در حین انجام کار و احداث مدرسه علمیه در نجف اشرف عدّه‌ای ناشناس با ارسال نامه‌هایی به محضر مراجع وقت نسبت به احداث آن مدرسه اعتراضات و اشکالاتی را مطرح نمودند. این امر موجب دلسردی بانی مدرسه آقای حاج اتفاق گردیده و ایشان طی نامه‌های جداگانه از محضر مراجع عظام تقاضای اظهارنظر نموده بود و آن بزرگان نظرات خود را مفصلاً مرقوم فرمودند که کلیشه آنها را در این صفحات درج کردیم و به عنوان نمونه بخشی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:
آیت‌اللّه العظمی حکیم:
«... راجع به عزم خودتان برتأسیس و بنای مدرسه از جهت شاگردان دبستان جعفر بن محمد علیه و علی ابائه الکرام افضل التحیة والسلام در جوار مولی الموالی که این خود یک صدقه‌ایست جاریه شرحی مرقوم داشته بودید البته این عزم، عزم مقدس و عمل قابل تقدیر و شایسته

تمجید می‌باشد. اینجانب سالها بود که در این فکر بودم زیرا که بحمداللّه در این ایام روزبروز بر تعداد طلاب افزوده شده و در مدارس جائی نمانده است، ولی متأسفانه تا کنون چنین فرصتی بدست نیامد و حال آنکه عده‌ای از آقایان طلاب را در منازل شخصی اهالی جا داده و به فراخور حالشان اطـاق یا منزل در بست برایشـان کرایه می‌شود، بهرحال توفیق با حضرت حق جلّ‌وعلا است.
زهی سعادت جنابعالی که در این فکر افتاده و موفق شده‌اید و سابقه خانوادگی و دودمان خود را که همیشه در اینگونه اعمال پیش‌قدم و همواره به عالم دیانت و تشیع خدمتگذار بوده‌اند، محفوظ داشته‌اید. امید دارم که جنابعالی در اثر این اقدام شرافتمندانه از مصادیق (من یعظم شعائراللّه) بشمار رفته و در انجام آن به اسرع وقت موفق شوید، راجع‌به مناسبت محل استفسار نموده بودید. گرچه داخل شهر اگر ممکن می‌شد بهتر بود ولی باز هم بحمداللّه در اثر مساعی قرةالعین عزیزم آقای کلانتر بهترین جائی که ممکن بود تهیه شود، تهیه گردید و عنقریب آن نقطه یکی از نقاط معموره خواهد شد...».
آیت‌اللّه العظمی بجنوردی:
«... اما اشکالشان به اینکه نجف مدرسه خرابه زیاد است و احتیاج به مدرسه ندارد کذب محض است السّاعه در غالب حجرات بعضی از مدارس با کمال کوچکی حجره دو نفر طلبه زندگی می‌کنند و عدّه‌ای از آقایان طلاّب بیجا و مکان مانده‌اند و اما اشکالشان به اینکه طلبه‌ها گرسنه و معطلند، اولاً این‌طور نیست و ثانیا اگر این‌طور بود پس چرا آقای بروجردی دام‌ظله این‌کار را کرد و این‌ها چرا آن وقت این اشکالات را نکردند و ثالثا اگر پولی که در این مدرسه خرج می‌شود بر آقایان طلاب قسمت نمایند، خرج یکماه‌شان بیشتر نخواهد بود. این‌ها که می‌گویند سختی می‌کشند بگذار یکماه دیگر سختی بکشند در عوض یک مدرسه‌ای که موجب عظمت نجف و شیعه و حوزه علمیه است درست بشود و از برای اهل علم آبرویی پیدا شود، در زمان مرحوم خلد آشیان آقای آقاسیّد ابوالحسن رضوان‌اللّه تعالی علیه شاید بیشترازاین مبالغ همه‌ماهه به‌آقایان می‌رسید چه شد وچه کردند و اگر یکی دو مدرسه صحیح و مرتب درست می‌شد و یک مقداری کمتر به آقایان داده می‌شد آن هم فقط ظرف دوسه‌ماه البته بهتر بود...»
آیت‌اللّه العظمی میرزا محمّدباقر زنجانی:
«... صحیح است در نجف اشرف مدارس قدیمی زیاد است و عدّه‌ای از آنها محتاج اصلاح و تعمیر است و موقوفاتی که مصرف تعمیر بشود، ندارند و یا اگر داشته باشند وصول نمی‌شود که در تعمیرات آنها صرف بشود ولیکن این‌جهت مقتضی این است که وجود محترم و امثال وجود محترم را تنبه نموده و تشویق نمایند که این‌جهت را هم منظور نظر داشته و در

مواقع مقتضی در تعمیرات آنها هم مساعی جمیله مبذول بفرمایند نه اینکه از انجام یک مشروع مقدس که اهل علم به ملاحظه ضیق مکان شدیدا احتیاج به آن دارند، منصرف بنمایند.
و البته خاطر محترم مستحضر است که حضرت آیت‌اللّه فی‌الارضین آقای بروجردی دام ظله العالی جدیدا در نجف اشرف مدرسه جلیله احداث فرموده‌اند و فعلاً عده کثیری از آقایان اهل علم در این مدرسه به رفاهیّت مشغول تحصیل هستند البته فعل ایشان برای وجود محترم اسوه حسنه بوده و رافع هر نحو تشکیکات خواهد بود. انشااللّه تعالی. برگرفته از کتاب پایگاه راسخون:
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

ادیب بجنوردی، سید حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین موسوی نسل، معروف به «ادیب بجنوردی»، فرزند میرزا ابوالحسن، در سال 1300 ه ق 1259 ه ش، در قریه خراشاه (1) واقع در شصت کیلومتری جنوب بجنورد، به دنیا آمد (2).
دو ساله بود که پدرش فوت کرد. وی در سن هفت سالگی به مکتب سپرده شد و دروس مقدماتی و صرف و نحو و خواندن قرآن مجید را، در آنجا آموخت. سید حسین در سن پانزده سالگی، به مشهد رفت و در مدرسه‌ی نواب، به ادامه‌ی تحصیل پرداخت.
سید حسین، صرف و نحو، مقدمات و ادبیات را، در مشهد نزد کسانی چون «حاج محقق قوچانی»، «فاضل بسطامی»، «شیخ عبدالعزیز» و «عبدالخالق» آموخت. همچنین حکمت را نزد «شیخ ابوالقاسم نیشابوری» - که از شاگردان بلاواسطه‌ی حکیم شهیر، حاج ملا هادی سبزواری بود فراگرفت و از درسهای فلسفه‌ی آقا سید محمد بجنوردی، عموی خویش بهره جست. همچنین درس خارج را نزد افرادی چون «حاج شیخ حسنعلی تهرانی»، «آقازاده» و «حاج آقا حسین قمی»، فراگرفت و در مجالس تفسیر عرفانی حاج میرزا حبیب نیز، حضور پیدا می‌کرد. بالاخره، دروس ادبیات خود را در محضر استاد ادب عصر، ادیب نیشابوری تکمیل کرد. معلم ریاضیات او نیز، آقا میرزا عبدالرحمن مدرس و معلم هیأت وی، مشکان طبسی بود (3).
در سابق معمول بود، طلاب، علم طب نیز می‌آموختند. ادیب نیز، قانون بوعلی، شرح نفیس و تشریع پولاک را در نزد آقایان صدرالاطبا و اشراف‌الاطبا و مشیرالاطبا (4) آموخت و علاوه بر علوم طب، زبان فرانسه را فراگرفت (5).
همان طور که گفته شد، سید حسین، تمام مراحل فرهنگی را در خراسان طی کرد (6)او، علوم رایج، فنون متنوع ادب، فقه، اصول، حکمت، ریاضی و اندکی علم طب را نزد استادان، در مشهد مقدس فراگرفت و به قوت حافظه و
شوق فطری و پشتکار، از فضلای جامع این عصر بود. وی علاوه بر علو مقام علمی، طبعی منیع و خلقی عالی داشت (7) وی همچنین در حین تحصیل - چنانکه مرسوم بود - به تدریس هم (8) اشتغال داشت.
وی در سال 1324 ق - که مصادف با انقلاب مشروطیت بود - خدمات

فرهنگی خود را در یکی از مدارس مشهد به نام «معرفت (9) «شروع کرد. علاوه بر آن، در مدارس «مظفری (10) «و مؤسسات شرکت فرهنگ، دروس قدیمه از قبیل ادبیات و منطق و درسهای جدید فیزیک و شیمی تدریس می‌کرد (11) سپس در سال 1298، با آمدن سید محمد سلطان العلما، فرهنگ خراسان تاسیس شد. ادیب، رسما به خدمت فرهنگ درآمد و دیری نگذشت که وی به اتفاق دانش (12) بزرگ‌نیا و انتخاب الملک رام و مستشارالملک، مدرسه‌ی متوسطه‌ی دانش را تاسیس کردند که دبیرستان منحصر به فرد مشهد بود. ادیب، علاوه بر داشتن سمتهای رئیس اوقاف و کفالت فرهنگ، در این دبیرستان نیز تدریس می‌کردند (13).

در زمان حکومت قوام‌السلطنه در خراسان که از اردیبهشت 1297 تا 13 فروردین 1300 ش، والی خراسان و سیستان بود - مشهد از نظر فعالیتهای ادبی، وطنی و سیاسی، اهمیت خاصی داشت. این شهر، از مردان وطن‌دوست و آزادیخواه خالی نبود. ملک‌زاده (برادر ملک‌الشعرای بهار)، رئیس معارف خراسان بود. او و ادیب بجنوردی به همراه عده‌ای از سرشناسان از جمله شیخ احمد بهار دور هم جمع می‌شدند و به گفتگو می‌پرداختند.

در گزارش «کلنل پریدوکس»، سرکنسول و مامور اطلاعاتی انگلستان در مشهد، به تاریخ 18 نوامبر 1922 م. / آبان 1301 ش. آمده است، انجمن دمکراتهای مشهد، مجددا تشکیل شده است. او، در این مورد می‌نویسد: «سالار ممتاز، رئیس انجمن بلدی و یکی از نمایندگان مشهد در مجلس، اخیرا انجمن دموکراتهای مشهد را مجددا تشکیل داده است. مهمترین اعضای این انجمن، عبارتند از: رفعت‌التولیه، مدیر روزنامه‌ی «شرق ایران»؛ شیخ احمد، مدیر روزنامه «بهار»؛ میرزا محمد ملک‌زاده، مدیر معارف و اوقاف؛ بقراطالملک پزشک؛... و ادیب بجنوردی. جلسات اینها، هفته‌ای دو بار تشکیل می‌شود. تا این تاریخ، بحثهای این جمعیت، محدود به مسئله‌ی انجام اصلاحات در امور آستانه بوده است. با توجه به گذشته‌ی بعضی از اعضای این جمعیت فعالیتهای این انجمن در زمینه‌های کم سر و صداتری توسعه خواهد یافت». ادیب در انجمن ادبی خراسان نیز عضویت داشت (14)ادیب، از سال 1297 ش، مفتش اداره‌ی معارف خراسان (15) و از زمان ریاست محمد ملک‌زاده، به کفالت این اداره منصوب شد (16).

محمد ولی اسدی، تولیت آستان قدس رضوی، در سال 1308 ش، دانشکده معقول و منقول را در مشهد تاسیس کرد و دروس تاریخ ادبیات و تفسیر آن دانشکده را به ادیب واگذار کرد. او، در مدرسه‌ی نواب نیز، در همان موقع منطق و ادبیات و منظومه درس می‌داد (17).

ادیب در سال 1314 ش. به اصفهان منتقل شد. و 12 سال ریاست اداره‌ی اوقاف و معاونت فرهنگ اصفهان با او بود (18) همچنین، در این مدت وی، مأمور تاسیس دانشکده‌ی معقول و منقول در آن شهرستان شد. ابتدا ریاست دبیرستان صارمیه به عهده‌اش واگذار شد. مرحوم ادیب در مدرسه‌ی صدر اصفهان، شوارق و در مدرسه‌ی چهارباغ علم کلام تدریس می‌کرد و حوزه‌های درس خارج تفسیر را در مسجد حاج میرزاهاشم تشکیل می‌داد (19).
ادیب، در سال 1326 ش به تهران منتقل شد و معاونت و مشاورت فنی کتابخانه ملی به عهده‌اش واگذار شد (20) او در همین سمت، از فرهنگ بازنشسته شد و از آن به بعد، در ردیف استادان دانشگاه تهران، در دانشکده‌ی معقول و منقول شروع به تدریس دروس حکمت، منطق و کلام کرد (21)ضمنا در مدرسه‌ی سپهسالار، منظومه می‌گفت و در مدرسه‌ی شیخ عبدالحسین نیز، حکمت و کلام تدریس می‌کرد. او، در سالهای آخر عمر، به علت شکستگی پا و ضعف مفرط، قادر به حرکت نبود و اغلب دانشجویان به منزل وی می‌رفتند و کسب فیض می‌کردند (22).
ادیب بجنوردی، در اواخر عمر پس از چند سال تحمل بیماری و رنج و مرارت، عاقبت در روز یکشنبه 4 شهریور 1341 ش. / 25 ربیع‌الاول 1382 ق. در تهران، دعوت حق را لبیک و به سرای ابدی شتافت (23)جنازه‌ی او را به مشهد انتقال دادند و در رواق دارالعزه حرم مطهر حضرت رضا (ع)، آسایشگاه پاسداران آستان قدس به خاک سپردند (24).
فعالیتهای فرهنگی ادیب مرحوم ادیب بجنوردی علاوه بر جزوات درسی که برای دانشجویان تهیه کرد، چند کتاب و جزوه‌ی خطی نیز تألیف کرد که می‌توان به کتابهای: «سیر طبیعت»، «مقدمه‌ای بر توحید مفضل» و کتابی در منطق اشاره کرد. همچنین از آن مرحوم جزوه‌ای در معراج و مقاله‌هایی در مجله‌های الکمال، تمدن، خرد به چاپ رسیده است (26).
ادیب (سید حسین الموسوی)، مدیر نشریه‌ی عصر جدید بود، این نشریه دو هفته‌نامه‌ی خبری و در سال 1328 قمری با چاپ سنگی در مشهد چاب و منتشر می‌شد (27)وی همچنین مدتی سردبیر اخلاقی روزنامه مهر منیر بود. این روزنامه در سال 1339 ق-1299 ش. در مشهد منتشر شد (28).
ادیب در سال 1327 ش به مشهد بازگشت و فهرستی از کتب خطی و کمیاب آستان قدس تهیه کرد. همچنین در کتابخانه‌ی ملی فهرست تعدادی از کتب خطی آن جا را نیز تنظیم کرد (29). تألیفات ادیب 1- در محاورات مربوط به انقلابات و نهضتهای دینی در مغرب و مشرق.
2- ترجمه‌ی محاوره‌ی تاگور با انیشتین.
3- نیازمندی انسان به منطق.
4- نیازمندی انسان به تمدن.

5- نیازمندی انسان به دیانت.
6- سیر طبیعت
7- توضیحات و حواشی بر صحیفه سجادیه
8- ترجمه‌ی شرحی بر حدیث شریف محض‌السلام.
9- رساله‌ی انتظاریه در لزوم وجود حجت در هر عصر و زمانی.
10- در بیان و شرح دوره‌های شبهات اسلامی.
11- در بیان نبوت عامه و خاصه.
12- در معنای ولایت و مراتب آن.
13- سیر تجددی معارف در خراسان.
14- ترجمه‌ی کتاب المراة المسلمه تالیف محمد وجدی فرید مصری صاحب دایرةالمعارف عربی (30).

پی نوشت: 1- در طول جغرافیایی 49 دقیقه 56 درجه و 07 دقیقه و 37 درجه عرض جغرافیایی و طبق آمار سال 1365 ش، جمعیت آن 1296 نفر بوده است.
صادقی، سلیمان - جغرافیای شهرستان بجنورد، مشهد: موسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی، 1373 ش، ص 168.
2- میرزا عبدالرحمن، تاریخ علمای خراسان، با مقدمه تصحیح و تحشیه محمد باقر ساعدی، مشهد:[بی‌نا]، 1340 ش، ص 249.
3- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، نشریه فرهنگ خراسان، سال چهارم، شماره چهار، مهرماه 1341 ش، ص 48 تا 51.
4- دایرةالمعارف تشیع، جلد دوم، تهران: نشر شهید سعید محبی، 1375 ش، ص 43.
5- نقوی، نقیب. مقاله‌نامه خراسان، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، 1372 ش، چاپ دوم، ص 181.
6- اوکتایی، مجید. همان، ص 57-56.
7- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی. همان، ص 51-48.
8- مولف مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، می‌نویسد، اولین مدرسه مشهد مدرسه همت است که در سال 1312 قمری تاسیس شده و مدرسه معرف در سال 1320 ش تاسیس شد. قاسمی پویا، اقبال - مدارس جدید در دوره‌ی قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1377 ش، ص 410.
9- مدرسه مظفری در سال 1321 ق. تاسیس و بانی آن محمد حسن خان ملک الحکما بود، محل مدرسه در ارگ مشهد و مدیریت مدرسه به عهده شیخ محمدعلی مدیر بود.
قاسمی پویا، اقبال، همان، ص 411.

10- شهرستانی، محمد - ادیب بجنوردی، همان، ص 25.
11- مدرسه متوسطه دانش در سال 1296 ش تاسیس شد.
قاسمی پویا، اقبال، همان، ص 415.
12- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان ص 51-48.
13- بهار، احمد. شناسنامه (زندگانی و آثار شیخ احمد بهار، به کوشش خلیل بهار و مجید تفرشی، تهران: نشر ندا، 1377 ش، ص 185-184.
14- انجمن ادبی خراسان ابتدا به ریاست افتخاری عبدالجواد ادیب نیشابوری در زمان ریاست معارف محمد ملک‌زاده، تاسیس شد ولی عملا ریاست انجمن با سید حسن طبسی بود که مجله دبستان ناشر افکار انجمن نیز به اهتمام نامبرده، منتشر می‌شد. جلسات هفتگی انجمن در محل کتابخانه معارف واقع در باغ نادری مشهد، مجاور آرامگاه نادرشاه تشکیل می‌شده است.
بهار، احمد. دیوان اشعار شیخ احمد بهار، مشهد: ناشر مهندس راشد بهار، 1370 ش، ص 8.
15- حکمت، علی اصغر. سالنامه احصائیه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه احصائیه 1304 وزارت معارف، ص 90.
16- بیات، کاوه و مسعود کوهستانی‌نژاد. اسناد مطبوعات (1286-1320 ه ش)، ج اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، 1372 ش، 493.
17- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص 25.
18- دایرةالمعارف تشیع، همان، ص 43.
19- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص 51-48.
20- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص 26-25.
21- عباسیان، علی‌اکبر و احسان سیدی‌زاده، دانشوران بجنورد، بجنورد: دانشگاه آزاد اسلامی، 1372 ش، ص 151.
22- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص 51-48.
23- میرزا عبدالرحمان، همان، ص 249.
و عباسیان، علی‌اکبر و...، همان، ص 151.
24- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص 51-48.
25- رسا، قاسم. دیوان کامل، تهران: امیرکبیر، 1340 ش، ص 340.
26- شهرستانی، محمد. ادیب بجنوردی، همان، ص 26.
27- برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران از 1215 تا 1357 ش، تهران: انتشارات بهجت، 1371 ش، ص 293.
28- الهی، حسین. روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان (از آغاز تا شهریور 1320)، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، 1379 ش ص 116.
29- شهرستانی، محمد. شرح حال ادیب بجنوردی، همان، ص 51.
30- شهرسانی، محمد. ادیب بجنوردی،همان، ص 26.

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

اردلان، امان الله خان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وقفنامه مسجد و مدرسه دارالاحسان:
در سال1234 والی کردستان، امان ا... خان اردلان، شش دانگ قریه خلیچیان و هر چه در آن است از آب و زمین و باغات و غیره را به مسجد و مدرسه دارالاحسان وقف کرد. تولیت آن را در زمان حیات به نفس خود و بعد از آن به ارشد اولاد خود بطناً من بطن محول نمود و دستور داد که متولی نهایت دقت را برای گماشتن ناظرین و مباشران متدین و امین مبذول دارند (وقفنامه مسجد و مدرسه دارالاحسان، 1374، ص119).
در این موقوفه نیز امانت و تدین ناظر و حسابرس، مورد تاکید واقف قرار گرفته است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

استرآبادی، میرزا مهدی خان

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا مهدی خان استرآبادی
میرزا مهدی خان استرآبادی متخلص به کوکب و مورخ دوره‌ی نادری (مؤلف کتاب جهانگشای نادری و دره نادره و سنگلاخ و منشئات و...)
کتابهای ملکی خود را بر اولاد ذکور خود وقف کرد و در آن باره وقفنامه‌ای نگاشت که مشحون است به نام کتاب‌ها و متصنع است به بازی لفظی.
نسخه‌ای ازین وقفنامه که در صفحات 94 - 85 مجموعه‌ی خطی شماره‌ی 3669 کتابخانه‌ی ملی ملک (تهران) مندرج است درینجا به چاپ رسانیده می‌شود.
نام‌های کتاب‌ها و یا آن چه مناسب با کتاب است با خطی که در زیر آن کشیده شده مشخص شده است.
فراید طریفه‌ی حمد و سپاس، و طرایف فریده‌ی شکر بیقیاس، که نتیجة الاصداف عزوبها و تحفة الاشراف ملاء اعلی تواند بود، نثار محافل قدس واقف السرایری است که شمسه‌ی آفتاب و قبسات ماه جهانتاب و جذوات سیارات و
مواقف ثابتات و مطالع افق و طوالع صبح و اشراقات ضیاء و انوار الملکوت بیضاء و اثنی عشریه‌ی روح و هیاکل الانوار نجوم و کشف الخفاء فجر و غره و دره‌ی هلال و بدر و اسرار خفیه‌ی شب و تلویحات روز و تجرید مجردات عقول و در مکنون مفردات نفوس ملخص از حکمت لایزال اوست
و سبحه‌ی ثریا و سلسلة الذهب کهکشان و حیرة الابرار خمسه‌ی متحیره‌ی هفت اورنگ سبعه‌ی سیاره و منطق الطیر فم الدجاجه و جام جم خورشید و مطلع السعدین زهره و مشتری و کشکول قصعة المساکین و انوار سهیلی شعری و همای همایون فر و عنقای مغرب غراب و نگارستان کف الخصیب و تاج الماثر اکلیل و قسطاس میزان و ممالک و مسالک ربع مسکون و خطط مصری امصار و آثار البلاد هفت اقلیم و طبقات سموات شرذمه‌ای از داستان جلال او
قراباذین لیل و شرح آقسرائی نهار و منهاج مجره و حاوی چرخ برین و بحر الجواهر سپهر و غنا و منای ماه و مهر و اقطاب قطبین شمالی و جنوبی و شرح نفیسی نفوس و عقول و ذخیره‌ی جواهر و اعراض و اسباب و علامات عالم اسباب از قانون حکمت کامل الصناعه‌اش تذکره‌ای است مغنی و

شافی و کلیات قرون و دهور و تصریف سنین و شهور و موجز دقایق و ساعات و تشریح ثوانی و آنات و شرح فصول اربعه و مقالات سته‌ی جهات و ذهبیه‌ی معادن و دواعی اللذات نفسی نباتی و حیوة الحیوان روح حیوانی و هیکل وجود انسانی از فواید افضلیه‌ی قدرت شاملش تحفه‌ای است جامع و کافی مفتاح ماه نو و لوامع البنیان قمر از فن بدیع ابداع او نکته‌ای است و سطح مستدیر ارض از خطوط تذکره‌ی جلالش نقطه‌ای رشحات سحاب و نفحات صبا از گلشن راز صنعش ورقی است و محاسن برقی رعد و صواعق محرقه برق و صوارم مهرقه‌ی نیاز از شهاب الاخبار قدرتش سیفی از حکمة العین صنعت کامله در مستهل هر ماه بر حاشیه‌ی قدیم چرخ کهن به اشارات ابروی هلال حاشیه‌ی جدید پردازد و به مفاد «انا زینا السماء الدنیا» مصابیح سراچه‌ی سپهر را به سراج المنیر ماه و نبراس الضیاء «کمشکوة فیها مصباح» منور سازد.
لوامع الاشراق چراغ خورشید از انوار جلالیه‌ی شوکتش پرتوی است بر عالم امکان تافته و لوایح بسیط غبرا بر کتاب سر مکتوم قدرتش شرحی مبسوط که به خط غبار تحریر یافته صبح انوار در کتابخانه‌ی آثارش تفسیر بیضاوی است که به آب طلای آفتاب و سرخی شفق رقم گشته و مکاتیب لیالی و ایام در نظر قدرت عالم آرایش نظام التواریخی که کاتب قدر به سیاهی ظلمت و سفیداب ضیا فهرست نوشته کتاب السماء و العالم سپهر از بحار قدرتش بخاری است برخاسته و جسم هیولائی بر جمال جلالش شاهدی که با در و مرجان جواهر فرده صورت آراسته اوراق بسایط در دبستان ایجاد کاغذ مشقی دبیران ابداع اوست و مداد مرکبات در مکتب تکوین دوده‌ی مشعل دودمان اختراع او.
هر صدف از خوض بحر الحقایق حکمتش دیده‌ی نظاره‌ای است آب مروارید آورده و هر حجر در حجره‌ی کان کتاب یاقوتی، که در وصف یکتایی گوهر ذاتش به عبارات رنگین تألیف گشته خاک تیره را به مواهب علیه در چله خانه‌ی «و خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحا» مجمع غرایب و مظهر بدایع صنایع ساخته، به مفاتیح عنایت، ابواب جنان هدایت و تکریم بر چهره گشاده و غبار فرموده را از عواطف جلیه در کارخانه‌ی «کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف» مخزن اسرار و کاشف استار کرده در مدرس تعلیم «و علم آدم الاسماء کلها» کتاب علم الیقین شناسایی حقایق اشیاء بر دامن نهاده به صیقل ارشاد تجلیه‌ی مرآت جنان و تصفیه‌ی سجنجل دل کرده مدارک حواس و مسالک خیال و مرآت العقول قوت عاقله و نهج الحق خرد و نهایة الادراک مدرکه و نهج‌البلاغه‌ی نطق و افصاح فصاحت و امالی تقدیر و خصایص انسانیت کرامت فرموده و به لطف کامل کنز الدقایق دانش و حقایق بینش و عوارف معارف و معارف عوارف و مهذب خصال و تهذیب مکارم الاخلاق به دست قبول داده استبصار بصیرت کافی و عیون بینایی

شافی و محجة البیضاء عقل وافی و اصفای ذهن صافی از مبدء فیض افاضه نموده از قاموس قدرت کامله و مجمع البحرین حکمت و صنعت شامله درر لغات نظیفه به ساحل ظهور آورده زبان گویای نفس ناطقه را مفتح المفاتیح ابواب فرهنگ و هوش گردانیده و به دستور مهذب و رسم مغرب اصلاح منطق انسانی نموده به مفاد «و هدیناه النجدین» صحاح از اسقام و صراح از ابهام بازشناسانیده تا به پایمردی این اسباب تسلیک؟ نفس الی حضرت القدس نموده در معارج حق یقین و مدارج معرفت رب العالمین به مقصد واصلین و مقامات عارفین شتابند و به توسط این استعداد تحصیل حق شناسائی و تمهید قواعد بندگی کرده فواید جلیله از عمر ابدی و عیش سرمدی «مالا عین رات و لا اذن سمعت» دریابند و درر غرر نعت و ثنایش و جواهر زواهر مدح و ستایش که دره‌ی بیضای گوش ولدان مخلدان «... و لا لم... حور عین کامثال اللؤلؤ المکنون» تواند بود شایان روضه‌ی بهیه‌ی جناب صاحب کتابی است که جوهر النضید عقل اول فص خاتم رسالت اوست و در النظیم نفس کل آویزه‌ی گوش نبوت او اسرار بلاغت کتاب عزیزش «ان هذا لشیء عجیب» و دلایل اعجاز قرآن حمیدش تبصرة و ذکری لکل عبد منیب با آن که قلم نگرفت قلم نسخ بر صحف ابراهیم و زبور داود و تورات موسی و انجیل عیسی کشید و با آن که ورق ننوشت لوح محفوظ تخته‌ی ابجد خوانان مکتب تعلیم او گردید

اگر ثبت بیت انتخاب وجود مسعودش سبب نگشتی صحاف قدر اجزاء زمان را به دفتین روز و شب بهم نپیوستی، و اگر بیان معانی ذات بدیعش غرض نبودی دست قضا مطول سنین و ملخص شهور و مجمل ساعات را به رشته‌ی طول زمان شیرازه نبستی

اگر نور شریفش باعث کشف اسرار نمی‌شد نکته‌ی برجسته‌ی سپهر از کتاب لیس عدم نقل دفتر وجود نمی‌گشت. و اگر ذات مقدسش موجب حل مضمرات نمی‌آمد مضامین پیچیده‌ی گردون و معانی سربسته‌ی افلاک از صحیفه‌ی نیستی عیان نمی‌گردید. یوم تبلی السرایر که دبیر شفاعتش رقم بخشش زند صحایف اعمال مذنبین را کسی محرر و معتبر نداند و یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب که سر پنجه‌ی عنایتش قلم از ترجمان عملها برگیرد حاشیه‌ی خطایی گناهان صادره و کتاب مبکیات نادره را کسی نخواند. عنوان تعلیقة الکبری نبوتش آیه‌ی «آتیناه الحکمة و فصل الخطاب» و دیباچه‌ی رساله‌ی رسالتش «الحمد الله الذی انزل علی عبده الکتاب» منهل شرع شریفش ینابیع اصول و فروع شمس الافاق نور کرامتش پیش از انفجار فجر تکوین در طلوع ضمیر منیرش جامع حقایق حدوث و قدم.

وجود مسعودش علت غائی تألیف کتاب خلق الانسان و حدوث العالم اعنی دره‌ی یتیمه‌ی دریای ایجاد نتیجه‌ی صغری و کبرای مبدأ و معاد. محبوب حضرت رب العالمین، ثمره‌ی پیشرس صدیقه‌ی «کنت نبیاً و آدم بین الماء و

الطین» زبده و خلاصه‌ی عالم، عمده و گزیده‌ی سلسله‌ی بنی آدم، مغیث الخلق و غیاث الامم بیان الاحسان و کتاب الکرم و کشف الغمه و هدایة الامة سید الرسل و ایضاح السبل علیه من الصلوة اذکاها و من التحیات انماها. مادام البحر محیطا و الارض بسیطا و الدهر مطولا و الشهر مفصلا، و نفایس فنون تسلیمات به جناب ولی ولایت «من کنت مولای» سابقه سالار «رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله» که حدیث مسایل و خاتم، از جوامع اخبار خلافتش روایتی است و کریمه‌ی «الیوم اکملت لکم دینکم و انعمت علیکم نعمتی» از کمال الدین امامتش... به کندن در خیبر از حمله‌ی حیدری غزواتش بابی است و معجزات انبیاء و اولیا از مناقب مرتضوی فضایل و فتوحاتش کتابی سیف مسلولش در احقاق حق ملت به هنگام احتجاج برهان قاطع است و نکت بدیعه‌ی کلامش در تنقیح احکام شرایع اسلام نور ساطع. کتاب موالاتش نامه‌ی بیزاری از نار جحیم است و مظهر خلافش مستوجب حرمان از روح و ریحان و جنة النعیم اعنی مآب مدینه‌ی علم و کامل نصاب مدارج حلم. بلدالامین ایمان را رکن رکین و شهرستان ولایت را حصن حصین.

منبع انوار طیبین و طاهرین و جامع علوم اولین و آخرین، و صحیفه‌ی کامله قدرت لم یزل عارف رموز نهایه‌ی ابد و هدایه‌ی ازل مروج ذهب المذهب بالامر الجلی ذو الوجن الباهر البهی مشرق الشمسین و مطلع السعدین لعلم عروض الایجاد کتاب العین مولی الثقلین ابی الحسنین علی علیه‌السلام و اولاد امجاد آن حضرت که شموع خاندان خیر البشرند و کتابخانه‌ی ایجاد را نسخه‌ی حادی عشر. جوامع آثار رحمت ذوالجلالند و مکتب رسالت را کتاب آن. مستغرقان بحر گناه را سفینة النجاةاند و گمگشتگان ظلمات ضلالت را عین الحیات. جواهر تفسیرشان به وقت تبیان، جوامع جامع انوار تنزیل است و قول و خبرشان در مجمع بیان کشاف معالم تنزیل و تأویل.

خاتم نبوت خاتم النبیین را فصوص‌اند و دلایل رسالت را نصوص. ارکان دعائم دین‌اند و نخبه‌ی خاندان ابداع و تکوین. اعلام الهدی و مصابیح الدجی و عروة الوثقی و کتاب الحجة علی اهل الدنیا. علیهم من لطایف طرایف المدحات اشرفها و من الصلوة اتحفها. مادامت یواقیت النجوم متلألیة و عدة الشهور متوالیة و شوارق البدر طالعة و لمعات الشمس لامعة.

و بعد غرض از تحریر این ورقه، و تمهید این مقدمه، آن است که چون امری کثیر الفواید که به وسایل آن ذخیره‌ی عقبی و سرمایه‌ی ایمان توان اندوخت، و از انوار مضیئه‌اش چراغ خلاصی در راه اعقاب اعمال توان افروخت. سیه نامگان صحیفه‌ی سوء عمل را باعث تحصیل رستگاری، و درماندگان کتاب مرقوم گنه کاری را سبب رفع شرمساری. و سیاحان طریق نجات را زاد المعاد و سباحان بحر النافع حق طلبی را ذریعه‌ی

ادراک گوهر مراد. و عالمان معالم اصول بندگی را منتهی المطلب و مقصد اسنی، و طالبان صراط المستقیم سداد را منتهی المرام و غایة القصوی.
و در مواقف «وقفوهم انهم مسئولون» گرفتاران علل عصیان را باعث شفا. و در محاکمات روز جزا واماندگان تیه حیرت را نجات بخشا بوده، در نشأه اولی موجب حصول مقاصد وافیه و سبب وصول به مطالب عالیه و مآرب کافیه وجوه شافیه باشد، و در عقبات عقبی انیس صالحین و حلیه‌ی متقین و امان اخطار و ربیع اسرار و مفتاح فلاح و مصابیح نجاح و حرز امان و مسکن التهاب نیران الاحزان گردد بجز حسنات اعمال نمی‌تواند بود.
لهذا بنده‌ی حقیر و محتاج رحمت رب قدیر محمد مهدی
ابن‌محمد نصیر وقف صحیح شرعی نمود تمامی قرآن مجید و فرقان حمید و جمع کتب فقه و تفسیر و حدیث و کلام و غیرها من الفارسیة و العربیة و اللغویة و الادبیة متملکات خود را که نقد محصل و ذخیره‌ی ایام عمل صرف جمع و تحصیل آن‌ها گشته فی الحقیقة هر یک تحفه‌ی عراقین و مایه‌ی سعادت دارین می‌تواند بود به موجب تفصیل علیحده و تفصیل الکتاب لاریب فیه خالصا لمرضات الله بر اولاد ذکور و اولاد اولاد ایشان نسلا بعد نسل و بعد از انقراض ایشان بر اقربا و ذوی الارحام کما فرض الله و بعد هم بر علمای بلد مفوض نمود. تولیت آن را هم مادام الحیوة به نفس خود و بعد از آن به اکبر و ارشد ولد و بعد هم بر افقه و اعلم بلد بحیث لایباع و لا یوهب و لا یرهن و لا ینقل عن البلد کالاینقل تولیته الی عام البلد.
عمده‌ی شرایط آن که نسخه را زیاده از شش ماه نزد احدی نگذارند و بدون قبض به کسی ندهند و قلم نسخ بر قواعد وقفیت نکشند.
منبع: میراث جاویدان
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :منبع: میراث جاویدان

اشرفی، میرزا محمد یونس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وقفنامه میرزا محمد یونس اشرفی:
در وقفنامه‌ی میرزا محمد یونس اشرفی که در آن تعدادی حمام و دکّان در ساری و تهران و برخی اموال دیگر را وقف تعزیه‌ی حضرت سیدالشهدا (ع) نموده آمده است:
«تولیت تمامی موقوفات اولاً به نفس نفیس واقف مادام الحیاه و بعد به ارشد اولاد ذکور و نظارت منافع به اصلح و اتقی و اورع اولاد ذکور مفوّض است و العیاذبا... در صورت انقراض یا عدم اهلیت و قابلیت، تولیت به ارشد اولاد ذکور از بطن اولاد اناث و نظارت به اصلح اولاد ذکور بطن اناثِ واقف موکول است و بعدالانقراض باید امام جمعه و جماعتِ بلدی که موقوفات در آن واقع است خود را متولی و اتقی و اورع علمای آن بلد، خود را ناظر داند»
وی همچنین یک دهم در آمد موقوفات را برای ناظر و دو دهم را برای متولی در نظر گرفته است ( اشرفی، 1376، ص40).
واقف، دقت جالبی در تعیین صفات و ویژگی های ناظر دارد. انتخاب اتقی و اورع اولاد و یا علما به عنوان ناظر، در مقابل انتخاب ارشد اولاد و یا امام جمعه یا جماعت به عنوان متولی، منبعث از توجه وی به مساله مهم نظارت است. لزوم صداقت و درستکاری حسابرس و ناظر، در زمان حاضر نیز از اصول حسابرسی به شمار می رود. اما واقف با تعیین فرد ناظر از میان اولاد و بستگان، هدفی را دنبال می کند که می تواند تعصب بیشتر ناظر در حفظ اموال و دارایی های سازمان مربوطه باشد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

اصفهانی، حاج محمد محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفات مرحوم حاج محمد محسن اصفهانی
در خصوص دارایی‌ها و موقوفات حاج محمد محسن اصفهانی در شهر هوگلی داستانهای زیادی نقل شده است. گفته می‌شود جواهرات آن مرحوم در موزه‌ی بانک مرکزی ایالت بنگال غربی و پولهای نقدی ایشان در نزد بانک مرکزی آن ایالت نگهداری می‌شود و بانک مرکزی در قبال ادعاهای شیعیان نسبت به اموال نقدی مرحوم اصفهانی آن را امانت اعلام کرده است. در عین حال هیچ کس حتی معتمدین محل از سودهای حاصل از اموال نقدی آن مرحوم خبری ندارند. به نقل از یکی از معتمدین محل فردی به نام حاج صدر اصفهانی که در حال حاضر مقیم دمشق است طبق اقامه‌ی دعوی در دادگاه ایالت بنگال غربی خود را حافظ منافع اموال مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی اعلام و درخواست استرداد اموال آن مرحوم را کرده استحسینیه‌ی هوگلی
هوگلی دو حسینیه دارد؛ یکی حسینیه‌ی کوچک و دیگر حسینیه‌ی بزرگ.
حسینیه‌ی کوچک را خود حاج محمدمحسن اصفهانی در سال 1806 میلادی بنا کرده است و خود وی در آنجا به عبادت مشغول بود.
دیگری حسینیه‌ی بزرگ که در سال 1847 میلادی پس از فوت مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی (1812 میلادی) ساخته شد. بدین ترتیب که بعد از فوت مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی فردی به نام مولوی سید محمد کرامت علی از طرف دولت وقت انگلیس مسؤول حفاظت از دارایی‌های مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی می‌شود و این شخص در سال 1847 از درآمد حاصله از دارایی‌های آن مرحوم حسینیه‌ی بزرگ هوگلی را بنا می‌کند. در اینجا ذکر این نکته قابل توجه است که درآمد حاصله از دارایی‌های آن مرحوم به قدری از نظر ارزشی بالا بود که حسینیه‌ای به آن عظمت بنا شده است. بنابراین می‌توان حدس زد که دارایی‌های نقدی ایشان بی‌حساب بوده است.
بر سردر این حسینیه برج بسیار بلندی قرار دارد و ساعتی بر روی آن برج نصب شده است که از این ساعت در دنیا فقط دو نمونه وجود دارد؛ یکی ساعت BIG BEN لندن و دیگری ساعت حسینیه‌ی هوگلی.
در خصوص علت نصب این ساعت داستانهای زیادی نقل شده است ولی آنچه که مسلم است این است که ساعت، اهدایی ویکتوریا ملکه‌ی انگلیس

به این حسینیه می‌باشد و به هنگام دیدار ملکه ویکتوریا از هوگلی، وی آنچنان تحت تأثیر زیبایی هنری معماری حسینیه قرار گرفته که ساعت یاد شده را به این حسینیه اهدا کرده است.
ساعت بزرگ حسینیه سه زنگوله دارد که زنگوله‌ی کوچک 400 کیلوگرم وزن دارد و هر یک ربع ساعت زنگ می‌زند و زنگوله‌ی متوسط 600 کیلوگرم وزن دارد و هر نیم ساعت زنگ می‌زند و زنگوله‌ی بزرگ 800 کیلوگرم وزن دارد و هر ساعت زنگ می‌زند. سه چکش زنگوله‌ها هر یک به ترتیب 35، 25، و 40 کیلوگرم وزن دارند و دستگاه ساعت 2,500 کیلوگرم وزن دارد به این ترتیب کل وزن ساعت 4,400 کیلوگرم است. این ساعت هفته‌ای یک بار کوک می‌شود.
مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی تا آخر عمر ازدواج نکرد و لذا وارثی نداشت و مسلک درویشی را پیش گرفت و زندگی خود را وقف عبادت و خدمت به مردم کرد. پدر حاج محمدمحسن اصفهانی تاجر بسیار معروفی بود و بین ایران و هند تجارت می‌کرد این حسینیه به قدری زیبا و بی‌نظیر ساخته شده است که در نگاه اول هر بیننده‌ای را به حیرت می‌اندازد. این حسینیه دارای حیاط بسیار بزرگ و در وسط آن یک حوض بزرگ و سه حیاط اندرون - بیرونی دارد. ساختمان آن دو طبقه با اتاقهای متعدد و دو برج بلند دارد و با سنگ‌کاری سنتی بنا شده است. در حاشیه‌ی آن املاک سرسبز و خرم به وسعت بیش از 4,000 هکتار و یک آبگیر اختصاصی جهت پرورش ماهی وجود دارد.
آرامگاه خانوادگی حاج محمدمحسن اصفهانی در کنار حسینیه‌ی هوگلی در یک قبرستان کوچک اختصاصی قرار دارد که شامل قبر آن مرحوم، مادرش، خواهر بزرگش، و استاد وی است. ایرانی‌هایی که در قدیم در هوگلی زندگی می‌کردند بعد از جدا شدن پاکستان از هند از هوگلی به بنگلادش و پاکستان مهاجرت کرده‌اند. بعد از فوت حاج محمدمحسن اصفهانی تولیت حسینیه‌ی بزرگ و حسینیه‌ی کوچک به فردی به نام سید محمد کرامت علی سپرده شد و آخرین متولیان حسینیه آقایان سید الطاف حسینی و دکتر اعجاز حسین جعفری بودند؛ ولی بعد از فوت آنها به علت اختلاف شدید بین متولیان دولت ایالتی بنگال غربی دو نفر را برای اداره‌ی حسینیه تعیین کرد که هر دو از اهل تسنن می‌باشند از آن تاریخ تا به حال کشمش و شکایت در دادگاه برای تسلط شیعیان جهت اداره‌ی حسینیه همچنان ادامه دارد. در عین حال بخش کوچکی از حسینیه به همت آقای سید محسن‌رضا موسوی عابدی به عنوان حوزه علمیه‌ای به نام اهل بیت اداره می‌شود و آقای محمد زین‌العابدین بنگالی اعزامی از سازمان مدارس دینی خارج از کشور در حوزه‌ی علمیه تدریس می‌کند. این حوزه در حال حاضر 30 طلبه دارد در صورتی که تا 10 سال پیش 85 طلبه در آن به تحصیل اشتغال داشتند.

یکی از عوامل تقلیل متقاضیان تحصیل فقیر بودن اهالی آن شهر و دومی بلاتکلیف بودن وضعیت حسینیه است. در ضلع جنوب دیوار حسینیه‌ی بزرگ وقف‌نامه‌ی مرحوم حاج محمدمحسن اصفهانی به صورت سنگ نوشته روی دیوار به طول 20 متر حک شده است. این حسینیه دارای مغازه‌های بیشماری (حدود 600 باب) است که چون از سالها پیش به اجاره واگذار شده درآمد چندانی ندارد که آن هم گوشه‌ای از مخارج حسینیه را تأمین می‌کند. یک قبرستان کوچک برای دفن اموات شیعیان، یک کالج به نام محسن کالج، یک بیمارستان، یک مدرسه به نام هوگلی اسکول متعلق به حسینیه است که در حال حاضر از طرف اوقاف اداره می‌شود. یک باب مدرسه‌ی دیگر که قبلا زائر سرای حسینیه بود و فعلا به مدرسه تبدیل شده دایر است که متولی آن حاج محسن علی شیرازی از مؤمنین کلکته می‌باشد و از درآمد آن مخارج بخشی از امور خیریه‌ی حسینیه تأمین می‌شود.
با توجه به زمینه‌های بسیار مساعد در اهالی شهر که قریب به اتفاق آنها مسلمان و شیعه می‌باشند و از طرفداران انقلاب اسلامی ایران هستند در صورت انجام یک برنامه‌ریزی دقیق و در نتیجه، تسلط کامل شیعیان بر حسینیه و ابنیه و املاک آن که تقریبا به جز منازل ساکنین، تمام ابنیه و املاک هوگلی را دربر می گیرد و با اضافه کردن 24 دهکده اطراف آن که اهالی آن نیز اکثرا مسلمان و شیعه می‌باشند می‌توان موقعیت خوبی را برای ایجاد یک پایگاه اسلامی شیعه در هوگلی و حومه‌ی آن به دست آورد.
از طرف دیگر از تصرف املاک و موقوفات هوگلی توسط هندوها که به نقل از معتمدین محل تاکنون به لحاظ قدمت و عظمت بنای آن قیمتی برای آن تعیین نشده است جلوگیری کرد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

اصفهانی، حاج محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفه‌ی حاج محمدجواد اصفهانی
این موقوفه به وسعت 8,107 یارد مربع زمین واقع در خیابان کلیسا در مرکز شهر پونا شامل حسینیه، دفتر انجمن، کلینیک بیماران، مدرسه، اتاق مراجعین، 6 واحد آپارتمان مسکونی و یک واحد آپارتمان جهت اقامت امام جماعت حسینیه است که در تاریخ 26 آوریل 1913 توسط مرحوم حاج محمدجواد اصفهانی وقف شده است. این موقوفه در سال 1950 تحت شماره‌ی B0112 در اداره‌ی ثبت پونا به ثبت رسیده است.
کلیه‌ی واحدهای آپارتمانی این موقوفه در اختیار مستأجرین قرار دارد که به علت اقامت طولانی اجاره‌بهای بسیار کمی پرداخت می‌کنند. در هر صورت عواید این موقوفه تحت نظر اعضای تولیت جمع‌آوری با هماهنگی اعضای انجمن صرف امور



خیرات می‌شود. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

البرز، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نیاد فرهنگی البرز در 27 اسفندماه 1342 با سرمایه آقای حسینعلی البرز در تهران تشکیل شد. هدف این بنیاد خیریه اشاعه فرهنگ اسلامی، از طریق اعطای وام و کمک‌هزینه دانشجویی و اهداء جوایزی با عنوان «جوایز حسن تحصیل» به دانش‌آموزان و دانشجویان ممتاز بود.
در سال 1358 آقای حسینعلی البرز طی نامه‌ای از کانادا به حضرت امام خمینی (ره)، از ایشان استدعا کرد که تولیت موقوفات بنیاد را قبول فرمایند.
حسب دستور حضرت امام ذیل نامه مذکور به سازمان اوقاف و امور خیریه، گزارشی از فعالیتهای بنیاد از بدو تأسیس، اهداف و احراز عمل به نیت واقف تهیه و تقدیم شد.
از سال 1359 بنیاد فرهنگی البرز تحت نظارت هیأت امنای منتخب سازمان اوقاف، فعالیتهای خود را پی گرفت.
بنیاد فرهنگی البرز، قبل از انقلاب اسلامی، دارای 4 باب ساختمان بود که 2 باب آن نیمه‌ویران بود و به کار نمی‌آمد.
سارمان اوقاف از سال 1360 به احیا و بازسازی موقوفات بنیاد پرداخت و آقای حسینعلی البرز پس از آنکه از احیا و بازسازی موقوفات و تعیین هیأت امنا و اقداماتی که برابر اساسنامه باید به عمل می‌آمد واقف و آگاه گردید طی نامه‌ای به هیئت امنای بنیاد با ذکر انگیزه و هدف از تأسیس و علاقمندی ایشان در ابقاء و پایداری بنیاد، یک دستگاه ساختمان ملک شخصی خود واقع در خیابان فلسطین تهران را که زمینی به مساحت 800 متر مربع بود به بنیاد فرهنگی البرز اهداء نمود که با توجه به کلنگی بودن ساختمان نسبت به بازسازی آن اقدام و هم‌اکنون دارای 6 دستگاه آپارتمان 6 باب مغازه و زیرزمین در 4 طبقه می‌باشد.
موقوفات بنیاد فرهنگی البرز
در حال حاضر این بنیاد دارای 12رقبه وقفی است که مشخّصات آنها عبارت‌اند از:
واحد شماره 1: واقع در خیابان لاله‌زار ـ چهارراه مهنا در پنج طبقه. دفتر مرکزی بنیاد نیز در این ساختمان واقع شده است. واحدهای تجاری این ساختمان در اجاره صنوف مختلف است.
واحد شماره 2: ساختمان تجاری ـ محل هتل ایرانشهر در تهران

واحد شماره 3: مجتمع تجاری در 6 طبقه واقع در خیابان لاله‌زارنو.
واحد شماره 4: واحد تجاری واقع در خیابان قلهک.
واحد شماره 5: مدرسه راهنمایی آیت‌اللّه شیخ جعفر شوشتری واقع در منطقه «کیان‌آباد» شهرستان اهواز.
واحد شماره 6: مدرسه راهنمایی حضرت سجاد (ع) واقع در منطقه «زیتون کارگری» شهرستان اهواز، این دو مدرسه در زمان جنگ با موافقت هیأت‌امنا و نظارت فنی سازمان توسعه و تجهیز مدارس ساخته شد و در اختیار اداره آموزش و پرورش شهرستان اهواز قرار گرفت.
واحد شماره 7: ساختمان مسکونی تجاری در اجاره مستأجران واقع در خیابان فلسطین.
واحد شماره 8: مدرسه راهنمایی «آیت‌اللّه طالقانی». این مدرسه مجهز به 21 باب کلاس، آزمایشگاه و چند تالار اجتماعات است و در اختیار منطقه 3 آموزش و پرورش تهران قرار گرفته است.
واحد شماره 9: یک باب دبستان واقع در روستای «خورزن» از توابع شهرستان خمین، این دبستان در اختیار اداره آموزش و پرورش شهرستان خمین قرار داد.
واحد شماره 10: مجتمع آموزشی شامل دبستان، مدرسه راهنمایی، دبیرستان به مساحت 31 هزار متر مربع واقع در شهرستان آشتیان. عملیات ساختمانی این واحد از سال 1371 شروع شده و شامل غذاخوری، خوابگاه دانش‌آموزان و آزمایشگاه خواهد بود.
واحد شماره 11: ساختمان تجاری واقع در خیابان منوچهری تهران مشتمل بر 8 دستگاه آپارتمان.
واحد شماره 12: واقع در اراضی «آسیاب کهک» از موقوفات نوش‌آفرین خانم.
اراضی «آسیاب کهک» موقوفه آموزشی است که عرصه آن در زمره موقوفه نوش‌آفرین خانم بوده و اعیان آن در اجاره بنیاد البرز است. بنیاد فرهنگی البرز در این اراضی یک مدرسه راهنمایی در 4 طبقه دارای 16 باب کلاس، محل امتحانات، کارگاه و آزمایشگاه احداث کرده است. این مدرسه در اختیار منطقه 2 آموزش و پرورش قرار گرفته است.
بنیاد فرهنگی البرز از درآمدهای حاصل از واحدهای تجاری خود، به دانشجویان دانشگاهها نیز وام تحصیلی پرداخت می‌کند. تا پایان خردادماه سال 1372، حدود 2658 دانشجو از وام تحصیلی بنیاد استفاده کرده‌اند.
وام تحصیلی به مبلغ 200000 ریال در 20 قسط مساوی پرداخت می‌شود.
بنیاد هر ساله طی مراسم ویژه‌ای جوایزی را به دانش‌آموزان و دانشجویان

ممتاز در مقاطع مختلف تحصیلی که از دانشگاهها و مراکز آموزشی معرفی می‌شوند، اهدا می‌کند.
همچنین بر اساس اهداف و اساسنامه این بنیاد اقداماتی در زمینه انتشار کتب علمی و دینی و تهیه کتاب برای کتابخانه‌های مراکز علمی و دینی صورت گرفته است. ذیلاً به برخی از خدمات فرهنگی این بنیاد اشاره می‌کنیم:
1 ـ اعطای جوایز برگزاری مسابقات علمی سالگرد شهادت استاد مرتضی مطهری از طریق مدرسه عالی شهید مطهری.
2 ـ اهـدای کتاب بـه کتابخانه بنیاد دائرةالـمعارف بزرگ اسلامی.
3 ـ اهدای قرآن مجید و کتب مختلف مذهبی و علمی و کیف جای نوار قرآن و کیف جای مداد و ماشین‌حساب و ساعت رومیزی و چادر نماز و جوایز دیگر به نهادها، مناطق جنگی، مدارس، مساجد، دانشگاه علم وصنعت ایران و دانشکده علوم تربیتی و دانش‌آموزان ممتاز.

4 ـ خرید 500 دوره کتاب تفسیر المیزان نوشته مرحوم آیت‌اللّه علامه طباطبائی جهت اهدا به کتابخانه‌های عمومی داخل کشور.
5 ـ چاپ تعداد 20000 جلد کتاب معاد نوشته حجت‌الاسلام آقای محسن قرائتی با جلد زرکوب و پرداخت 50 درصد هزینه چاپ آن توسط بنیاد به سود خریداران، تا کتاب مزبور به بهای نصف قیمت در دسترس علاقمندان قرار گیرد.
6 ـ چاپ تعداد 2000 جلد کتاب ارث از نظر اسلام نوشته مرحوم حضرت آیت‌اللّه محمدباقر آشتیانی.
7 ـ کمک به انتشار مجله آینده‌سازان ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی دانش‌آموزان و مجله پیوند ارگان انجمن اولیاء و مربیان وزارت آموزش و پرورش.
8 ـ کمک به مدارس و مرکز تربیت معلم شهید چمران.
9 ـ پرداخت بورس تحصیلی و جایزه به دانش‌آموزان برنده مسابقات ریاضی و ادبیات فارسی سراسر کشور معرفی شده از سوی دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
10 ـ پرداخت وام به فرهنگیان از طریق انجمن اسلامی معلمان و مؤلفین کتاب و دانشجویان دانشگاهها.
11 ـ پرداخت وام جهت کمک به انتشار آثار علمی و فرهنگی ومذهبی به نهادها.
12 ـ پرداخت وام به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان جهت انتشار کتاب «حماسه ایمان» و...
ضمنا جالب است بدانید که موقوفات گسترده البرز با 27091 مترمربع

زیربنای ساختمانهای آن و 242 نفر مستأجر، تنها توسّط سه نفر اعضاء هیئت‌امنا و 8 نفر کادر اجرائی (شامل 3 نفر کارمند اداری و 5 نفر نگهبان) اداره می‌شود و تاکنون با حداقل نیرو، بیشترین بازدهی فرهنگی و خدماتی را داشته است.
در خاتمه با آرزوی طول عمر برای واقف محترم و توفیق خدمتگزاری برای هیأت‌امنا و دست‌اندرکاران بنیاد فرهنگی البرز، امیدواریم که سایر متمکنین نیز با وقف بخشی از اموال خود و صرف عواید آن در راه گسترش فرهنگ و دانش و بینش مردم، نام و یاد خود را جاودانه سازند.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

امیر رفیع الدین

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وقف‌نامه‌ی امیر رفیع‌الدین قدیمی‌ترین سند وقفی در شهرستان قاینات است که در سنه 920 هجری قمری نگارش یافته است. این وقف‌نامه به لحاظ متن ادبی، قدمت تاریخی و موارد مصرف خاص، دارای اهمیت و در خور تأمل است. بازخوانی آن از وقف‌نامه‌ی موجود در اداره اوقاف و امور خیریه‌ی خضری دشت بیاض یکی از شهرهای قاینات انجام گرفته و پرونده آن به کلاسه‌ی - الف 40 موجود می‌باشد. امید است انتشار این قبیل وقف‌نامه‌ها سپاسی به ساحت مقدس واقفان خیراندیش باشد. متن وقف نامه امیر رفیع‌الدین
العزة لله تعالی شأنه
الله هو الواقف علی السرائر و الضمائر
بنابر مقتضای حدیث «من بنی لله مسجدا بنی الله له بیتا فی الجنة» در قریه‌ی فارس بهشتی که وطن مألوف آن جناب و آباء و اجداد بزرگوار اوست و نمونه‌ای است از بهشت و رشکی است از روضه‌ی اعلی علیین در زمین ملک خود به اهتمام معماران غیب و مهندسان لاریب مسجدی جامع بنا فرموده که ظاهر فرخنده مآثر آن چون ظاهر و باطن بانی نورانی و باطن خجسته مواطن آن چون ظاهر حمیده‌ی بیت الله الحرام ایمن از تفرقه و پریشانی
مسجد او جامع فیض اله
روضه‌ی او خطبه‌ی او تا به ماه
آمده در وی ز سپهر کبود
فیض حق از خواندن قرآن فرود
بر سر ایوانش مؤذن چو گشت
قامتش از مسجد عیسی گذشت
هوای دلگشایش چون روایح انفاس عیسوی روح‌افزا و فزای جان‌فزایش چون ید و بیضای
موسی معجز نما
بحر مسجور سرابش چون زلال سلسبیل
بیت معمور است صحنش یا بهشت جاودان
بر بساط عزتش آیات رحمت را نزول
در حریم دولتش سلطان دولت را مکان

و واقع است آن مسجد جامع مذکور به قریه‌ی فارس منزلت از بلوک دشت بیاض به ولایت قهستان از سر کار قرین شرقی المتصل به حریم نهر عام، و غربی آن به خانه‌هایی که به تصرف مولانا الاکرم مولانا کمال‌الدین محمود ابن مولانا ابوی المعانی ام ابن مولانا محمد است، شمالی آن متصل به راه عام، جنوبی آن متصل به کوچه پیش بسته که ممر سرای مولانا کمال‌الدین محمود مذکور در آن است و خیابان کوچه مذکور ایدالله تعالی ظلال دولته الی یوم الدین مسلمانان را مأذون کرد که آنجا نماز به جماعت گزارند و مسلمانان به اذن و اجازت آن جناب نماز گزاردند پس جناب واقف مذکور به حکم «خیر الافعال ما انفق منه و خیر الاعمال ما وفق فیه فمن عمر دنیاه ضیع ماله و من عمر آخرته بلغ ماله» وقف کرد و تصدق نمود خالصا لله تعالی و ابتغاء لمرضاته و طلبا لجزیل نواله و هو یا من الیم عقابه از آنچه حق و ملک بانی مذکور بوده و در تحت صرف مالکانه خود داشت تا زمان این وقف کردن بر این مسجد موقوف علیه محدوده مذکور از آنچه بود حق غیر عما یمنع جواز الوقف و لزومه همگی و تمامی محدوداتی که مبین محدوه می‌شود و واقع است به قریه‌ی فارس مذکور از سرکار قاین به ولایت قهستان مذکور منها همگی و تمامی محوطه معروف به محوطه‌ی بایزید بکشمان قریه‌ی مزبوره یک صد من تخم کشت تخمینا، شرقی آن متصل به زمین خواجه عبیدالله ابن محمد کاخکی، غربی آن متصل بعضی به باغچه‌ی سرای قوام‌الدین و بعضی به باغچه‌ی حسنعلی ابن محمد ساربان و بعضی به خانه و باغچه‌ی محمد ابن علی ابن محمود ساربان و بعضی به خانه و باغچه‌ی متروکه‌ی شیخ جنکر و بعضی به خانه و باغچه‌ی متروکه یوسف ابن شیخ محمد ابن محمودی و بعضی به باغچه‌ی سرای متروکه‌ی یوسف خافی، شمالی آن متصل به راه عام، جنوبی آن متصل بعضی به باغچه ملک ابن فیروز قصاب و بعضی به کوچه پیش بسته که ممر ملک مذکور در آن است منها قطعه زمین به قریه‌ی مذکوره‌ی کشمان نو و ناصری معروف به پای درخت سنو شصت من تخم کشت تخمینا، شرقی به زمین مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن فارس بعضی و بعضی به زمین امیرزاده‌ی اعظم عمدة الاماثل بین الامم، امیر معین‌الدین محمود ولد رشید جناب واقف مذکور، غربی آن متصل به حریم نهر عام و کذا الشمالی و الجنوبی و منها قطعه زمین به کشمان توت و ناصری مذکور معروف به زمین امیر میر علیا عماد بیست من تخم کشت که شرقی آن متصل به حریم جوی عام و غربی آن متصل به زمین حاجی ابن محمود حاجی شمال آن متصل کالشرقی، جنوبی آن متصل به زمین مولانا کمال‌الدین اویس ابن مولانا ابوالحسن مذکور منها قطعه زمین به کشمان مذکور سی من تخم کشت که شرقی آن
متصل به زمین مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن مذکور بعضی و بعضی به

زمین مولانا کمال‌الدین اویس مذکور، غربی آن متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن ابن شرف‌الدین، شمالی آن متصل به حریم نهر عام، جنوبی آن متصل به زمین جناب دولت‌پناه سعادت دستگاه امیرزاده اعظم امیر قیاس‌الدین خلیل‌الله ولد حمیده خصال جناب واقف مذکور بعضی و بعضی به زمین مولانا محمد ابن مولانا ابوالحسن مذکور همگی و تمامی یک صد و چهل فنجان آب از قنات قریه مذکور که مدار آن بین الارباب و الشرکاء بر شانزده شبانه‌روز است و هر شبانه‌روزی یک صد و شصت فنجان آب است که این قریه مذکور را قنات دیگر نیست که شرب و حقابه آن محدودات مذکور است. و منها همگی و تمامی نصف شایع کامل از تمامی طاحونه علیای قریه‌ی مذکوره، شرقی آن متصل بعضی به رودخانه عامه قریه مذکوره و بعضی به بطن نهر عام و بعضی به حریم آن غربی آن متصل کالبعض الاخرن الشرقی، شمالا متصل به اراضی که مالکی ندارد و جنوبی آن به محوطه واقف مذکور به درستی و راستی که این محدودات مذکورات با شرب مذکوره وقف شد بر این مسجد موقوف علیه محدود مذکور و اخران علی فقراء و المسلمین شرط فرموده جناب واقف مذکور زادالله تعالی توفیقه که متولی عام این وقف خود باشند مدت حیات خود و هر نوع تصرفی که خواهد در این وقف کند و هرگاه که خواهد او را از تولیت عزل کند و هر شرطی که خواهد تعیین کند و وظیفه از باب وظایف اگر خواهد چیزی کم کند و اگر خواهد زیاد کند که هیچ آفریده را بر وی ولایت منع و اعتراض نیست و شرطی کرد عالی جناب واقف مذکور طول الله تعالی فی دوام الدولته عمره که چون شربت ناگریز (کل نفس ذائقة الموت) از دست ساقی (کل شیء هالک الا وجهه) نوش نماید و رخت حیات از این منزل فانی خراب به سرای باقی کشد هر کس که در مسجد مذکور خطیب و پیشنماز باشد متولی وقف او باشد و حاصلات این وقف اولا به عمارت و مرمت ضروریه این مسجد جامع مذکور از فرش و روشنایی آن صرف نماید و آنچه زیاده آید از چهار سهم سه سهم خطیب جهت وظیفه‌ی خطابت و امامت بردارد و یک سهم باقی را هر کس که در این مسجد جامع مؤذن باشد و به اذن اوقاف خمسه قیام نماید مشروط آنکه از در و دیوار این مسجد با خبر باشد و درب بندد و گشاید و مسجد را جاروب کشد و آب پاشد و زمستان به اتفاق خطیب برف آن را پاک سازد و شرط کرد عالی جناب واقف مذکور ایدالله تعالی ظلال دولته الی یوم النشور که هر روز خطیب در گنبد فردوس منزلت جنت آیین که گویی نمونه‌ای است از بهشت برین و رشکی است از روضه‌ی اعلی علیین مردن آنجا به که بودن زنده در جای دگر که عالی جناب واقف مذکور جهت مدفن و مضجع خود در اندرون مسجد جامع مذکور در جانب شمالی مقصوره‌ی مسجد جامع مذکور ساخته هر روز یک جزو از کلام ملک علام

جل شأنه و عظم سلطانه جهت ترویح روح آن عالی جناب بخواند و هیچ تعطیل نکند و این وظیفه را بردارد و اگر او را مانعی پیش آید کسی تعیین نماید که عوض آن این جزو را
بخواند و شرط کرد عالی جناب واقف مذکور که هیچ یک از حکام اسلام و متولیان عام و گماشتگان صدور ذوی الاحترام و قضاة اسلام در این وقف مدخل ننمایند و از آنجا چیزی نگیرند و این وقف را زیاده از سه سال به یک کس به اجاره ندهند و بعد از آن عالی جناب واقف مذکور کسی را از قبل خود متولی تعیین کرده بود و فرعا این موقوفات را به تصرف او باز گذاشت و آن جهت وقف تصرف کرد و عالی جناب واقف مذکور تعلیق به موت کرد و گفت که بعد از فوت من وقف باشد به طریق مسطور و هر کس در تبدیل و تغییر این وقف کوشد فعلیه لعنت الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون وقفا مخلدا مؤبدا بطرار التخلید و التأیید دائما دوام الارضین و الافلاک محفوظا عن التلف و الاستهلاک لایباع و لایوهب و لایورث و لایملک بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم) و کان هذا الوقف من الواقف المذکور تقبل الله تعالی فی رابع عشر شهر النبی الامی صلی الله علیه و آله و سلم شعبان المعظم سنة عشرین و تسعمائه (920 ه ق) کتبه العبد القریب الخاطی المعترف بالذنب و التقصیر والراجی الی رحمة الله الهادی جلال‌الدین ابن اویس المومن ابادی معروف به جلال الکاتب سر الله عیوبه فی الدارین.
مخفی نماند که چون اوایل دیباچه‌ی این وقف‌نامه در وقتی که سواد می‌شد قدری کاغذ پاره و مندرس شده بود دیباچه معلوم نشد که چه عبارت بوده است.
و ایضا جناب واقف مذکور شرط کرد که اگر طاحونه مذکور را احتیاج به مرمت و مصالح شود هرکس متولی این وقف باشد از حال آن املاک ضروریات آن را انجام دهد مرمت و مصالح ضروریه سرانجام نماید و اگر املاک مذکور را احتیاج تخم و مصالح شود از حاصل آن املاک ضروریات آن را انجام دهد مرمت و مصالح الاملاک دیوانی بر همه ارباب وظیفه مقدم دارند و معطلی ندهند و نسخه‌ی وقف‌نامچه دیگر مطابق و موافق یکدیگر را لفظ به لفظ موافق است گرفته شود و مجموع را اصل ساخته محکوم و مشتمل شده که اگر نعوذ بالله یکی را نقصان رسد دیگری موجود باشد و ایضا در وقف داخل است بیست فنجان آب دیگر از قنات مذکور
چنانچه مجموع آن یک صد و شصت فنجان وقف باشد که یک شبانه‌روز باشد و یک سهم باشد از جمله شانزده سهم از قنات قریه مذکور مع جمیع حقوق داخله و الخارجه از آبار و انهار و کل ما یتعلق بها من المنبع الی المصب و همگی و تمامی یک قطعه زمین به کشمان توت ناصری مذکور

به مساحت بیست من تخم کشت، شرقا متصل به زمین خواجه محمدی حسن میمی، غربها متصل به زمین جناب دولت مآب میر غیاث‌الدین علی ابن واقف مذکور، شمالها و جنوبها متصل بند عام و همگی و تمامی قطعه زمین ایضا به کشمان مذکور معروف به زمین استاد احمدی بیدختی شرقی متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن شرف‌الدین و غربها متصل به زمین میر غیاث‌الدین علی مذکور، شمالها متصل بند عام، جنوبها متصل به زمین محمد حسن میمی به مساحت سی من تخم کشت و همگی و تمامی قطعه زمین به موضع باغ نو به کشمان رودخانه، شرقی متصل به زمین جناب واقف مذکور، غربی متصل به زمین مولانا ابوالفضل ابن مولانا ابوالحسن مذکور، شمالها متصل به زمین خواجه حاجی محمد ابن حسن مذکور بعضی و بعضی به زمین واقف مذکور و بعضی به باغچه سرای جناب امیر معزالدین خلیل الله مذکور به ساحت شصت من تخم کشت با جمیع حقوق و مرافق آن شرعا وقف صحیح شرعی مخلد مؤبد الی ان ترث الارض و فی علیها و آخرها علی فقراء المسلمین.
و ایضا واقف مذکور تقبل الله تعالی عنه شرط کرد که در ایام و لیالی متبرکه که در هر سال واقع است جهت روح پر فتوح آن جناب واقف مذکور و اهل بیت او روح الله ارواحهم هر کس متولی آن وقف باشد رعایت ترتیب نموده به فقرا و مساکین و خواص و عام دهد بدین موجب: ایام عیدین که صباح مسلمانان از نماز عید فارغ شوند در مسجد مذکور حاضر شوند نان هریسه بدیشان دهند. نان ده من، گوشت به جهت هریسه پنج من، گندم به جهت هریسه پنج من، روغن یک من. روز عاشورا آش قلور ترتیب نمایند حوایج به قدر احتیاج که به عامه خلایق می‌دهند گندم ده من، پیه یک من، حوایج مقدار احتیاج. روز استفتاح که نصف ماه رجب باشد به دستور روز عاشورا آش قلور ترتیب نمایند. روز ولادت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم که در ماه ربیع‌الاول باشد به دستور روز عاشورا قلور ترتیب نمایند و در مسجد مذکور ختم کنند. شب‌های لیلة البراة که نصفه‌ی ماه شعبان است چلپک و حلوا ترتیب نمایند روغن سه من، آرد پنج من، دو شاب پنج من. و دو ماه چله‌های زمستان هر روز پنج من گندم و ده من شلجم و جزر را مع نیم من پیه قلور کرده به عامه فقرای مسلمانان در مسجد و مقبره مذکور دهند و تغییر و تبدیل ندهند.
ذامع اصله مطابق و لیس فیه خلاف. حرره الاقل حسین ابن افضل مهر شد لا اله الا الله. قد قوبل السواد مع اصله الاصیل المعتبر المضبوط فوجد ذا معه سیان و مطابقان. حرره الاقل مهر شد [ناخوانا.] ذا واصله سیان حرره المذنب مهر شد اللهم صل علی محمد. بسم الله تعالی مطابق السواد مع الاصل مهر شد. [الف - 40]

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

انصاری، بی‌بی بزرگ

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
واقف: بی‌بی بزرگ انصاری فرزند آقاجان دارنده‌ی شماره شناسنامه‌ی 1280 / 11469 ساکن بوشهر
موقوف علیه: بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت امامزاده عبدالمهیمن واقع در بخش دو بوشهری کوی امامزاده
عین موقوفه: شش دانگ یک باب خانه پلاک شماره‌ی 3780 / 175 به مساحت 25 ر 301 متر مربع در بخش دو بوشهر کوی هلالی، ثبت شده در صفحه‌ی 545 جلد 64 تحت شماره 11343 دفتر املاک بوشهر با جمیع متعلقات آن بدون استثناء چیزی که به تصرف موقوف علیه داده شد، حدود و حقوق برابر سند مالکیت مربوطه با انضمام رشته‌ی سیم کشی برق - انشعاب لوله کشی آب منصوبه و حق الامتیاز و اشتراک آنها.
در این سند کاملا روشن نیست که حق تولیت و نظارت بر موقوفه متعلق به چه نهادی است اما با توجه به اینکه نماینده‌ی اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه استان بوشهر در دفتر خانه‌ی اسناد رسمی حاضر و امضاء کرده است، به نظر می‌رسد که تولیت و نظارت بر موقوفه از همان ابتدا بر عهده‌ی اداره‌ی اوقاف منطقه قرار داده شده است.
این سند در دفتر خانه‌ی شماره‌ی چهار بوشهر به تاریخ 1 / 6 / 1369 هجری شمسی و تحت شماره‌ی 94264 در صفحه‌ی 88 دفتر جلد 128 به ثبت رسیده است.
علاوه بر وقف نامه‌هایی که در این نوشتار بدان اشاره شد، وقف نامه‌های قدیم و جدید دیگری که متعلق به زنان متدین و بزرگوار این دیار است، وجود دارد که در این مجال فرصت پرداختن به آنها نیست.
اما اکنون و در پایان تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که یگی دیگر از زنانی که موقوفاتی از خود به عنوان صدقه‌ی جاریه در بوشهر باقی نهاده بانو حاجیه خیر النساء عطار است که در طی سال‌های 1363، 1360 و 1366 موقوفاتی را وقف نموده و در هر سه مورد موقوف علیه را اداره‌ی کل اوقاف استان بوشهر قرار داده است.
در هر سه وقف نامه‌ی متعلق به بانو حاجیه خیر النساء عطار، مسؤولیت نظارت و تولیت موقوفات بر عهده‌ی ایشان است تا مادامی که در قید حیات هستند و پس از آن به عهده‌ی اداره کل اوقاف استان واگذار شده است.

کاربرد منافع و درآمدهای ناشی از این موقوفات به ترتیب به بر پا نمودن مجالس روضه خوانی حضرت سید الشهداء، کمک به محصلین بی‌بضاعت و اشخاص فقیر مسلمان، روضه خوانی خاندان آل عبا، تعمیرات موقوفه و امور مشابه اختصاص یافته است.
در پایان چکیده‌ای از متن وقف نامه‌ی این بانوی ارجمند نقل می‌شود:
نوع سند: وقفی
واقف: بانو حاجیه خیر النساء عطار فرزند مرحوم غلامحسین به شماره شناسنامه‌ی 1327 بوشهر - ساکن بوشهر
موقوف علیه: اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه بوشهر به نمایندگی...
مورد وقف: شش دانک یک باب خانه به پلاک شماره‌ی 2826 بخش یک بوشهر کوی شنبدی مورد ثبت در یک جلد سند مالکیت به شماره‌ی 2338، صفحه‌ی 369، دفتر 23 صادر شده است به انضمام کنتورهای آب و برق و لوله کشی و سیم کشی و امتیازات آنها بلا استثناء که بر حسب اظهارات واقف و موقوف علیه مورد وقف فعلا به صورت زمین درآمده است.
شروط د: مادام الحیات واقف از مورد وقف شخصا مورد استفاده نامبرده خواهد بود اما پس از فوت واقف اداره‌ی اوقاف عهده‌دار آن خواهد بود که از درآمد جهت برپا نمودن مجالس روضه خوانی حضرت سیدالشهدا و کمک به محصلین بی‌بضاعت و اشخاص فقیر مسلمان برساند.
این سند در تاریخ 21 / 2 / 1369 برابر با 12 شوال 1404 هجری قمری در دفتر خانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی یک بوشهر تحت شماره‌ی 42953 در صفحه‌ی 142، دفتر شماره‌ی 54 به ثبت رسیده است. برگرفته از کتاب پایگاه راسخون:

انور شهید بیک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینیه‌ی شهر باردوان (حومه‌ی کلکته)
در شهر بارداوان در 100 کیلومتری کلکته یک حسینیه بوده که اکنون خراب شده است و فقط قسمتی از آن به عنوان آثار تاریخی باقی مانده است. مسجد کوچکی در کنار حسینیه وجود دارد که توسط انور شهید بیک بنا شده است. انور شهید بیک از ایرانیان معروف و متمول مقیم شهر بارداوان در زمان خویش بود و حدود 500 سال پیش فوت کرده است. حسینیه و مسجد از جانب ایشان وقف نسلهای بعدی آن مرحوم می‌باشد. در حال حاضر آن مرحوم به نام سید محمد حسین تولیت مسجد را در اختیار دارد قبر مرحوم انور شهید بیک در کنار مسجد واقع است. مساحت این مسجد با محوطه‌ی آن حدود 300 متر مربع می‌باشد که در وسط آن یک استخر وجود دارد. این مسجد زمینی زراعی به مساحت 90,000 مترمربع دارد که در آن برنج کشت و درآمد آن صرف مسجد و امور خیریه می‌شود. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

انیس الدولة

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
وقف از امور بسیار پسندیده است که از جهات مختلف اجتماعی و اعتقادی سودمندیهای بسیار داشته است و دارد و در اسلام بر آن تأکید بسیار شده است. از وقف اصطلاحا به «تثبیت عین و تسبیل ثمره» تعبیر می‌شود و امری است که اجر آن برای واقف در دو جهان مسلم است و نفع آن برای افراد جامعه عام و دائم واثر اجتماعی و اخلاقی آن غیرقابل انکار و احکام آن متقن و عمل به نیات واقف برای متولیان و مباشران موقوفه بهره‌ی دنیوی و اخروی به همراه دارد. متقابلا مسامحه در اجرای مفاد وقفنامه و یا تصرف به غیر حق در درآمد موقوفه و یا خارج ساختن عین از وقفیت و به ملکیت در آوردن آن، که نتیجه‌اش محروم ساختن بسیاری مردم نیازمند است از خوانی بی‌منت، مایه‌ی بدنامی در این جهان و عذاب آن جهانی است و نیز خلل رساندن به بنیان اعتقادی متعینان در استقبال از وقف و اقدام به این امر خیر. اما از آنجا که همگان به سودمندی و عام‌المنفعه بودن این امر آگاهی داشته‌اند و دارند و تصرفات گهگاهی غیر حقه‌ی برخی متولیان و مباشران همه وقت مورد طعن و لعن بوده و سبب نشده است که انقطاعی در این سنت سنیه راه یابد و به اصطلاح زمین از حجت و سرزمین اسلامی از واقف و وقف خالی بماند، پیوسته معتقدانی مؤمن و دلسوز، که تمکن مالی داشته‌اند، بدان عمل نموده‌اند و می‌نمایند. سعیشان مشکور وعملشان مأجور باد!
نگارنده پس از مطالعه‌ی مقاله‌ی ممتع آقای علی فرحانی تحت عنوان «دو وقف نامه از بازار تهران» در (ص 128 تا 132) شماره‌ی 46 مجله‌ی وزین میراث جاویدان به مناسبتی که ذکر خواهد شد، اقدام به نگارش این مقاله درباره‌ی موقوفات خانم انیس الدوله در همان بازار تهران و نیز در قریه‌ی کاشانک نمود. همراه دو فقره وقف دیگر که افرادی نیکوکار در همان بازار آن را از هر حیث تابع ضوابط موقوفه‌ی مرحومه‌ی انیس‌الدوله کرده‌اند (که خود عمل ایشان تازگی و سعه‌ی صدر و گذشت خاص دارد) با نقل مندرجات وقفنامه‌ها را با توضیحات لازم و تمهید مقدمه‌ای برای درج آن در مجله‌ی شریف باشد که مایه‌ی ترغیب دارندگان تمکن در پرداختن به این گونه امور خیر گردد.
پیش از آنکه از مرحومه‌ی وقف کننده و احوال و نیات ایشان سخن بگوییم، مناسب آن است که بپردازیم به نقل آنچه ایشان به بقاع متبرکه هدیه و یا

برای امور خیریه وقف کرده و آگاهان از این امر خیر آن را درکتب خویش ثبت کرده‌اند.
محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خیرات حسان می‌نویسد:
«نواب علیه‌ی عالیه انیس‌الدوله - دامت شوکتها - عقیله‌ی معظمه‌ی مشارالیها از بانوان سرای سلطنت و از مخدرات عظیم الشأن حرم جلالت است. از حضرت گردون بسطت شاهنشاهی - خلد الله ملکه و دولته - خلوتی تمام دارد وحصول مرضات الهی را با استرضای خاطر مقدس ظل اللهی واجبی فوری می‌شمارد. اصل اصیلش از دارالخلافه‌ی طهران و شغل منیفش حمایت ضعفای هر سامان، عقل و کفایت و کاردانیش ضرب المثل، از اکثر عقلا و کفات اکفی و اعقل... پذیرایی نساء محترمه‌ی خانواده‌ی سلطنت و دودمان سعادت اقتران خلافت در مواقع رسمی و اعیاد و غیره به عهده‌ی قدردانی و منزلت‌شناسی نواب علیه‌ی مفخمه - دام اجلالها - موکول است . و مکارم اخلاق و محاسن آدابش در اوقات تشریفات و ترتیبات آن مشهور و منقول. نشان تمثال بی‌مثال شهریاری که از امتیازات بزرگ دولت علیه است و نشان شفقت دولت فخیمه‌ی عثمانی، درجه‌ی احترام و بلندی مرتبه و مقام مجلله‌ی مشارالیها را ظاهر می‌سازد. شرح آثار خیریه‌ی او از قرار ذیل است:
جیقه‌ی الماس، تقدیم روضه‌ی مقدسه‌ی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام؛
پرده‌ی مروارید تقدیم آستان حضرت سیدالشهدا علیه آلاف التحیة و الثناء؛
ضریح نقره برای شهدای کربلا علیهم رضوان الله؛
نیمتاج الماس تقدیم عتبه‌ی منوره‌ی حضرت رضا (ع)؛
تعمیر در نقره‌ی طلاکوب مسجد گوهرشاد
ده باب .
وقف کاشانک؛
بقعه و گنبد شاهزاده حسین در امامه
بنای پل در ناصرآباد سمت لواسان
در نقل احوال مرحومه‌ی واقف و خاندان وی و چگونگی ازدواج او با ناصرالدین شاه به آنچه اعتمادالسلطنه در «روزنامه‌ی خاطرات» خود آورده است بسنده می‌کنیم؛ وی می‌نویسد:
«انیس‌الدوله، فاطمه خانم حرم محترم پادشاه که سوگلی است از اهل قریه‌ی [امامه] است. از قرار تقریر یکی از اهل قریه پدر این خاتون محترمه نورمحمد نام از طایفه‌ی گرجی بوده است، گر چه دو نفر دیگر می‌گفتند، آملی و از اهل مازندران بوده است، لیکن گمانم این است که بر فرض هم آملی بوده‌اند شاید از طایفه‌ی گرجی بوده‌اند که صفویه کوچانده در مازندران سکنی داده بودند می‌باشند. در هر صورت نورمحمد مرد و

سه اولاد از او ماند: حبیب الله و محمدحسن و این دختر.
والده‌ی آنها به یکی از سادات ناصرآبادی شوهر کرد و دختر را عمه‌ی او، که زوجه‌ی فتح‌الله نامی بود، نزد خود نگاه داشت. مابین فتح الله و اهل امامه نزاعی شد. فتح‌الله از امامه قهر کرد. عیال خود را برداشته به دولاب تهران رفت.
نبات خانم صبیه‌ی مصطفی بیک لواسانی که سمت للگی شاه را داشت در حرمخانه بود. جهت پسر خود دختری می‌خواست که وجیه باشد. این دختر را یافته خواستگار شد. شوهر عمه و عموی او، که کربلایی مهدی باشد، ندادند. فورا عمه را دیده بودند نقد و جنس تعارف به او دادند و دختر را آوردند. همین که وارد حرمخانه کردند جیران خانم فروغ‌السلطنه که تا آن وقت سوگلی بود این دختر را به خدمت خود نگاه داشت. کم‌کم در خدمت شاه طرف میل شد، ترقی کرد و تربیت شد.
در سفر سلطانیه (1276 هجری قمری) صیغه‌ی پادشاه شد. حالا از نسوان بزرگ عالم است. بسیار مقدسه ومحترمه است و غالبا غضب شاه را فرو می‌نشاند و توسط از بیچارگان می‌کند.
اعتمادالسلطنه در همان «روزنامه خاطرات» از شفاعت انیس‌الدوله از سیدباقر جمارانی ناظم العلماء که شاه دستور تبعیید او را از شهر داده بود و نیز از شفاعت ایشان گلین خانم، زن اول شاه، که حکم شده بود از اندرون به نگارستان منتقل شود و همچنین از برادر ناتنی او عبدالکریم یاد می‌کند و می‌نویسد:
«در میان حرم‌های شاه کسی که به من اظهار لطفی دارد و با اهل خانه‌ی من دوست است، انیس‌الدوله است. و چون این زن را پاک
اعطای تمثال شاه را به انیس‌الدوله روز چهارشنبه ششم صفر 1304 هجری قمری و اعطای نشان حمایل آفتاب را به ایشان روز ششم صفر سال 1306 هجری قمری می‌نویسد و می‌افزاید که او اول زنی است که این تمثال را دریافت داشته است.
اعطای لقب «حضرت قدسیه» را که خود او این لقب را پیدا کرده بوده است روز پنجشنبه بیست و یکم جمادی الثانیه سال 1312 هجری قمری نوشته است.
مهدی بامداد درکتاب شرح حال رجال ایران می‌نویسد:
«انیس الدوله، نامش فاطمه و از اهالی امامه و عاقلترین و متشخصترین زنان ناصرالدین شاه و عنوانش «ملکه‌ی ایران» بوده و ناصرالدین شاه خیلی از وی حرف‌شنوی داشته و گاهی نیز طرف شورا او واقع می‌شده است. در سال 1290 هجری قمری، سفر اول شاه به اروپا، شاه او را به عنوان ملکه همراه خود تا مسکو برد و چون موضوع حجاب در میان بود و به آن شکل و شمایل در اروپا بد جلوه می‌کرد، بنا به گفته و رأی حاج میرزا

حسین خان مشیرالدوله صدراعظم، شاه او را از مسکو به تهران برگرداند»
بامداد درباره‌ی نامه‌ی انیس‌الدوله به شاه و درخواست ابقاء رکن‌الدوله محمدتقی میرزا، فرزند چهارم محمدشاه برادر کوچک صلبی ناصرالدین شاه در حکومت فارس، چنین می‌نویسد: «رکن‌الدوله در اواسط سال 1309 هجری قمری با تقدیم پیشکش قابلی به شاه به استانداری فارس منصوب شد. هفت ماه از استانداری او نگذشته بود که دیگران داوطلب و حاضر شدند که پیشکشی زیادتری داده به استانداری فارس منصوب شوند. رکن‌الدوله از این قضیه مطلع شد و به وسایلی حکومت خود را در فارس تثبیت نمود. از جمله به انیس‌الدوله زن سوگلی ناصرالدین شاه متوسل و او در نزد شاه اقداماتی نمود و رکن‌الدوله تغییر نکرد. انیس‌الدوله راجع به تغییر ندادن او این نامه را به ناصرالدین شاه می‌نویسد:
قربان خاک پای مبارکت گردم. جواب عریضه‌ی رکن‌الدوله را نفرموده‌اید. آدمش مطالبه می‌کند. دستخط در عریضه مزین التفات فرمایید. باری شنیدم که حکومت شیراز را باز تغییر داده‌اید. والله خیلی تعجب است که بیچاره رکن‌الدوله هفت ماه است رفته با آن همه خسارت. اگر برای پیشکشی است از خود شاهزاده بگیرید و خودش باشد. این طورها که پدر رعیت بیچاره در می‌آید. رعیت این طور تمام می‌شود. حاکم که از خودش نمی‌دهد. دور از مروت است. از هر جهت بیچاره‌ها تمام شده‌اند. عریضه را به دست کسی ندهید. محرمانه ملاحظه فرموده پس بدهید خواجه بیاورد.
ناصرالدین شاه در بالای عریضه‌ی انیس‌الدوله چنین دستخط می‌نماید: «رکن‌الدوله حاکم است. جواب عریضه‌اش را هم با تلگراف دادیم. دیگر جوابی ندارد که داده شود.
دوستعلی خان معیرالممالک در کتاب یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه چند جا از انیس‌الدوله و مقام وکارهای او یاد کرده است. از جمله می‌نویسد:
«صیغه‌های محترم دیگر که از شاهزاده خانم‌ها نبودند؛ انیس‌الدوله که در واقع ملکه بود ولی فرزندی نیاورد. شاه او را از دل و جان دوست داشت و چندین بار خواست وی را در زمره‌ی زنهای عقدی خویش درآورد، ولی او نپذیرفت و اظهار داشت که نمی‌خواهد ساعت سعد زناشویی خود را برهم زند. پس از کشته شدن شاه روزی برایش دسته‌ای اسکناس آوردند و چون تمثال شوهر را روی آنها دید چندان بر سینه و شکم کوفت که سخت بیمار شد و پس از چند ماه به همسر خویش پیوست»
و نیز می‌نویسد:
«آشپزخانه انیس‌الدوله جداگانه بود و دری به خارج داشت. همه روزه برای

او سفره‌ای بس رنگین و مزین می‌چیدند که گویی برای ضیافتی گسترده باشند
«انیس‌الدوله همه جا پیوسته در عمارت اختصاصی در کنار شاه به سر می‌برد ««در عید میلاد شاه (ششم صفر) سه ضیافت باشکوه برپا می‌شد: یکی در عمارت انیس‌الدوله ... و انیس‌الدوله از بانوان سفرا و دیگر مأموران اروپایی مقیم تهران و همسران وزرا و اعیان و اشراف دعوت می‌کرد... و از میهمانان پذیرایی می‌نمود
«در مراسم تعزیه‌داری ماه محرم و صفر، حرکت دادن علم خاص شاه در سوم محرم معمول می‌گردید... علم را که پنجه‌ی بزرگی از زر ناب بر بالایش می‌درخشید به اندرون می‌آوردند و انیس‌الدوله متصدی بستن و زینت آن بود. به انواع جواهر و طاقه‌ی شال و زری گرانبها می‌آراست و آن را کنار حوض بزرگ اندرون قرار می‌داد و دوستکامیهای بزرگ پر از شربت کنارش می‌نهاد و زنهای شاه و دیگر اهل حرم ، که بالغ بر سه هزار تن می‌شدند، گرد علم حلقه می‌زیستند و انیس‌الدوله در پای آن ایستاده شربت می‌داد
محمد علی خان سدیدالسلطنه‌ی مینایی بندرعباسی در سفرنامه‌ی خود با نام «التدقیق فی سیر الطریق» در شرح سفر خود به شهر جمادی‌الثانیه 1314 هجری قمری می‌نویسد: «دو سال است حکومت قم با محمدحسن خان معظم الدوله امیرتومان است، برادر انیس‌الدوله و بسیار مقدس و پرهیزگار است. انیس‌الدوله متلعقه‌ی ناصرالدین شاه که در اواخر «حضرت قدسیه» لقب داشت دو ماه است وفات یافته است. تولیت موقوفات
برطبق مندرجات وقفنامه، تولیت موقوفات در زمان حیات وقف کننده با خود ایشان بوده است بدون دریافت حق تولیت (از تاریخ وقف، رجب المرجب 1311 هجری قمری تا درگذشت ایشان در ربیع‌الثانی 1314 هجری). پس از آن با برادران وی حاجی حبیب‌الله خان و محمدحسن خان امیرتومان و بعد از آنان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن، با تقدم بطن اول بر بطن ثانی که در هر طبقه از این دو نسل، یک نفر از پسران اصلح و ارشد ایشان معا متولی خواهند بود. و با نبودن اولاد هر یک از اخوان و تعدد ذکور از دیگری، تولیت موقوفه با دو نفر اولاد ذکور اصلح از دیگری خواهد بود. و با فقدان اولاد ذکور مطلقا یا فقدان وصف تولیت، راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافه‌ی طهران.
برطبق این شروط، تولیت موقوفات با دو برادر حبیب‌الله خان معظم‌السلطنه و محمدحسن خان امیرتومان معظم الدوله بوده
است. حبیب الله خان معظم‌السلطنه دو پسر داشت: عباس خان

معظم‌السلطنه‌ی دوم و حاج محمد خان.
معظم‌السلطنه‌ی دوم از همسر عقدی خود دختر معاون لشکر ایروانی سه دختر و چهار پسر به نامهای ابراهیم انیسی (معظم السلطنه‌ی سوم)؛ فرج‌الله انیسی؛ حسین انیسی و مهدی انیسی داشت و از همسران غیرمعقوده خود نیز دو دختر و سه پسر با نامهای ابوالفتح انیسی، ابوالقاسم انیسی و مرتضی انیسی. اما ظاهرا پس از درگذشت برادران خانم انیس‌الدوله، با آنکه تولیت می‌بایست با اولاد هر دو برادر باشد، امر تولیت در خانواده محمدحسن خان معظم‌الدوله امیرتومان برقرار شده و پس از حاج محمدخان به فرزند او مرحوم محمود خان انیسی که از صاحب منصبان وزارت فرهنگ بود و دیری ریاست دبیرستان شرف را داشت و در بازار آهنگران منزل او بود ، رسید. محمودخان سالیان دراز به امر تولیت قیام و اقدام مجدانه داشت. پس از درگذشت ایشان در سال 1355 شمسی مقرر بود که فرزند ایشان امیر یا یکی از فرزندان معظم‌السلطنه‌ی دوم تولیت را برعهده بگیرند، اما از فرزندان معظم السلطنه، ابراهیم انیسی و فرج‌الله انیسی و ابوالفتح انیسی درگذشته بودند و ابوالقاسم خان ومرتضی خان تن به قبول مسؤولیت تولیت ندادند و امیر فرزند محمدخان انیسی نیز در جوانی درگذشت و در آن خاندان فردی که از عهده‌ی این مهم برآید نبود به همین دلیل مهدی خان انیسی، فرزند بازمانده‌ی معظم السلطنه‌ی دوم تولیت موقوفات را برعهده گرفت و پس از ایشان چندی فرزند ایشان سعید انیسی فرزند فرج‌الله انیسی و دیگر عباس انیسی فرزند ابوالفتح انیسی مشترکا با موافقت اداره‌ی کل اوقاف، تولیت را در دست گرفتند و تمشیتی در کار موقوفات از نظر تعمیرات و تجدیدنظر در مال‌الاجاره‌ی مستغلات موقوفه با رضایت مستأجران دادند، و با جلب رضایت رعایای قریه‌ی کاشانک در آن موقوفه نیز اقدامات سودمندی کردند که موجب رضای خدای تعالی و خشنودی روان وقف کننده و سپاس بر خورداران از خوان احساس وقف گردیده است. اینک متن وقف‌نامه‌ی مرحومه‌ی انیس‌الدوله:
وقف نامه‌ی شمس فلک عصمت و طهارت بانوی حرم جلالت نواب مستطاب علیه‌ی عالیه‌ی متعالیه حضرت قدسیه انیس الدوله دامت شوکتها
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الواقف علی الضمائر و المطلع علی السرائر. الذی رحمته واسع علی العباد و اسبل غفرانه علی من ینبغی سبل الرشاد و صلی الله علی محمد و آله المعصومین الامجاد الی یوم التناد. و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم المیعاد.
بعد الحمد و التسلیم، ستایش و سپاس مر خداوند رحیمی را سزاست که نعم بی‌منتهی و انعام عامش وقف است بر کافه‌ی موجودات و مخلوقات و

الطاف بی‌پایانش متواتر بر جمیع موجودات. کریمی که از خوان کرم و احسانش پیوسته عالم و عامی ریزه‌خوار و از الطاف بی‌اندازه‌اش [منعم و درویش] بهره‌بر. وهابی که از قدرت کامله‌اش از مستغلات جودش هر روزه روزی موجودی را به عرصه‌ی ظهور نمود آورد و آن را بر هر یک از موجود روزی بخشد، تا وجودشان پاینده وپردوام ماند. تعالی شأنه و عظم سلطانه.
و درود نامحدود بر پیغمبر محمودی را سزد که دین قویم و شرع مستقیمش در ربع مسکون منتشر گردید. هر تنی که در او توفیق ایمان مضمر و مستتر بود به راهنمایی صاحبان درگاهش از طریق انحراف منصرف گشته، به سرمنزل ایمان کامل و سعادت ابدیه‌ی جاودانی رسیده.
و صلوات زاکیات متوالیات متکاثرات بر آل اطهار او باد که هر یک در انجمن امامت بی‌مثل و نظیر و در محفل شرافت بی‌عدیل و شبیه‌اند. خصوصا امیرالبرره و قاتل الکفرة و الفجرة امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام باد.
فبعد چون این معنی از شائبه‌ی ارتیاب مبرا و معرا، که دنیای فانی را بقایی نیست، پس شخص عاقل باید کمال همتش مصروف به امور آخرتش باشد و آنی و دقیقه‌ای از موت و تدارک بعد از موت غفلت نداشته باشد و آنچه سعی است در امور آخرت خود داشته، اعتمادی به غیر خود ننماید که گفته‌اند:

برگ عیشی به گور خویش فرست
کس نیارد ز پس تو پیش فرست

و تعجیل در امور آخرت مطلوب و تسامح غیرمرغوب، چنانچه فرموده‌اند: «اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا». کذا «اذا مات ابن‌آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعو له».
لهذا توفیقات ربانی و سعادت ابدیه‌ی جاودانی شامل احوال خیریت اشتمال حضرت مستطاب شمس فلک رفعت خدارت. درخشنده‌ی برج عصمت و طهارت، محتجبه به حجاب عزت و سعادت، بانوی حرم جلالت، صدرنشین سریر سلطنت، مستوره‌ی آفاق حضرت مستطاب علیه‌ی عالیه‌ی متعالیه انیس‌الدوله، دام اجلالها و توفیقها، با تحقق کافه‌ی شرایط صحت و شرعیت در محضر جمعی از اجله‌ی علمای اعلام و مجتهدین فخام - ادام ظلهم العالی - قربة الی الله تعالی و طلبا لمرضات الله، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد صریح ملی فرمودند همگی و تمامی کل شش دانگ قریه‌ی کاشانک، من قرای بلوک غار ری، حومه‌ی دارالخلافه‌ی ملکی متصرفی خودشان، با کافه‌ی ملحقات شرعیه و عامه‌ی منضمات عرفیه‌ی آن از اراضی و صحاری و مزارع و مراتع و قلعه و بیوتات و قنوات و

مجاری رود و انهار و اشجار و غیرها مما یتعلق بها و ما یضاف الیها که لغایة الشهرة و الاشتهار فی محله عند اهله غنی التحدیدست. به انضمام کل شش دانگ کاروانسرای مشهور به سه دالانی ملک در راستا بازار مرحمت پناه امیر طاب ثراه. به انضمام اراضی که در عقب سه دالانی ابتیاع فرمودند مع جمیع ما یتعلق بها شرعا من القدیم الی الآن، از صحن و دالان و بارانداز و حجرات تحتانی و فوقانی و ارسی و دروب و ابواب و غیرها ذکر ام لم یذکر و سمی ام لم یسم که لغایة الشهرة و الاشتهار فی محله مستغنی است از ذکر حدود. و به انضمام سه دانگ مشاع از کل شش دانگ یک باب دکان بزازی و همگی و تمامی سه دانگ از شش دانگ دکان سقط فروشی که به شرح قباله‌ی ابتیاعی معین است، واقعه در قرب سرای مزبوره محدوده به حدود ذیل السطر با جمیع توابع شرعیه و لواحق عرفیه‌ی آنها. حدود بزازی: (حدی به شارع بازار، حدی... حدی... حدی.) (حدود سقط فروشی: حدی به شارع بازار. حدی... حدی... حدی.)

از طاق بازار و جدران و ارسی جلو دکان و غیرها عرصة و اعیانا بقدر الحصة النصفیة، همگی و تمامی را برجهات و مصارف مقرره مفصله‌ی ذیل الکتاب، به اینکه همه ساله متولی هر زمان منافع رقبات و اعیان موقوفه را اخذ و استیفای آن را نموده، اولا دو عشر از تمام منافع را مقدما علی التعمیر و المصارف از بابت حق التولیة و النظاره از برای متولی غیر زمان واقفه‌ی خیر موفقه‌ی معظمه دامت شوکتها منظور فرمایند، و در زمان تولیت خود واقفه‌ی معظمه دامت شوکتها این یک عشر مقرر نشد، همان یک عشر حق النظاره به شرح ذیل مقرر است؛ و ثانیا همه ساله معادل دویست و شصت و پنج تومان به جهت شموعات روضات منوره‌ی مقدسه، که شرح آنها در ذیل مسطورست، موضوع نمایند:

روضه‌ی مقدسه‌ی حضرت مولای متقیان علیه صلوات الله الملک المنان: دو شمع؛

روضه‌ی منوره‌ی حضرت ابی‌عبدالله الحسین ارواح العالمین له الفداء: دو شمع؛

در روضه‌ی مطهره‌ی حضرت ابی‌الفضل صلوات الله علیه، دو شمع؛

در روضه‌ی منوره‌ی کاظمین (ع)، دو شمع؛

روضه‌ی مطهره‌ی عسکریین (ع)، دو شمع؛

در سرداب مقدس، یک شمع.

ثالثا مصارف لازمه‌ی عین موقوفه از قبیل تنقیه و لاروبی قنوات و تعمیرات لازمه‌ی عین موقوفه را مقدم دارند که رقبات موقوفه همواره معمور و دایر باشد. بعد از این مصارف ثلثه به همین ترتیب که مسطور شد، آنچه از منافع موقوفه که باقی ماند نصف از تمام آن را در مصارف تعزیه‌داری خامس آل عبا ابی‌عبدالله الحسین ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء و

سایر ائمه‌ی معصومین و اولاد امجاد ایشان و ذکر مناقب ایشان صلوات الله علیهم اجمعین از قهوه و غلیان و چای و اطعام و تدارک لوازم مجلس و اجرت راثی و امثال ذلک در هر محل و هر قسم که متولی هر زمان صلاح داند و اقرب به ثواب بشمارد از کاروانسرا و خانه و غیرها صرف نماید و نصف باقی را چهار سهم مساوی نموده: دو سهم آن را در مصارف نایب الزیاره‌ی کربلای معلی و مشهد مقدس صرف نمایند و یک سهم در افطاریه‌ی شهر رمضان که در مجالس افطار ذکر مصیبت حضرت ابی‌عبدالله ارواح العالمین له الفداء هم بشود، به هر نوع که متولی صلاح داند در هر مکان که خواهد صرف نماید. و یک سهم باقی را در مطلق خیرات و مبرات از قبیل عروسی عزاب از سادات وعلویات و غیرهم و تجهیز و تکفین فقرای از اموات و یا ابتیاع و طبع نمودن کتب علمیه از برای محتاجین از اهل علم و امثال اینها، هر چه به نظر متولی عصر اقرب و اصلح باشد صرف نمایند. و تمامی مراتب مسطوره و مصارف مقرره باید به نظارت نظار باشد که در هر عصر صرف شود. و تولیت موقوفه مادام حیاتها، اطال الله بقائها، با خود واقف موفقه‌ی معظمه دامت شوکتها شرط شد و بعد از عمر طبیعی، تولیت عین موقوفه مرجوع و مفوض است با اخوان عظام ایشان مقربی الخاقان معتمدی السلطان آقای حاجی حبیب‌الله خان و آقای محمدحسن خان امیرتومان دام اقبالهما العالی. و بعد از ایشان با اصلح و ارشد اولاد ذکور ایشان نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن با تقدیم بطن اول بر ثانی که در هر طبقه از نسل مشارالیهما یک نفر اولاد ذکور و اصلح و ارشد ایشان معا متولی خواهند بود و باعدم اولاد بالنسبه هر یک از اخوان و تعدد ذکور از دیگری تولیت موقوفه با دو نفر اولاد ذکور اصلح از دیگری خواهد بود و العیاذ بالله با فقدان اولاد ذکور مطلقا یا فقدان وصف، تولیت از موقوفه راجع است به دو نفر مجتهد جامع الشرایط دارالخلافه‌ی طهران با تعاقب اللیل و النهار و القرون و الاعصار حق التولیه حق ایشان بالسویه و بالمناصفه خواهد بود.
اما امرنظارت موقوفه مفوض است به دو نفر مجتهد عادل دارالخلافه و حسب الشرط، تعیین این دو نفر مادام حیات واقفه‌ی معظمه‌ی مجلله دامت شوکتها راجع است به نظر و تشخیص خود ایشان که هر که را بخواهند معین فرمایند و در این تاریخ واقفه‌ی خیر موفقه‌ی معظمه دامت شوکتها معین فرمودند از برای نظارت موقوفه جنابان مستطابان شریعتمداران ملاذی الاسلام و المسلمین عمدتی الفقهاء و المجتهدین آقای آقا شیخ فضل الله نوری و آقای آقا شیخ محمدحسن طهرانی سلمهما الله تعالی، و حسب الشرط یک عشر از منافع موقوفه حق این دو نفر ناظر است و امر نظارت منتهی می‌شود در زمانی که متولی موقوفه دو نفر مجتهد جامع الشرائط دارالخلافه باشد که در آن زمان ناظری مشروط

نشده و عشر حق النظاره باید تعطیل شود و در جزء منافع موقوفه به مصارف مقرره صرف شود.
و کذا قربة الی الله تعالی وقف صحیح شرعی و حبس مخلد صریح ملی فرمودند همگی و تمامی عرصه و اعیان کل شش دانگ عمارت ملکی متصرفی خود را واقعه در کربلای معلی قرب صحن مقدس حضرت ابی‌عبدالله ارواح العالمین له الفداء محدوده به حدود ذیل: حدی... حدی... حدی... حدی...
که از ورثه‌ی مرحوم طوبی مکان آقا شیخ عبدالحسین مجتهد طهرانی اعلی الله مقامه خریداری فرموده‌اند با جمیع توابع شرعیه ان کائنا ما کان بر سقایه‌ی صحن مقدس حضرت ابی‌عبدالله و صحن مطهر حضرت عباس علیهماالسلام که هر ساله متولی موقوفه اجاره‌ی آن را گرفته، بعد از مصارف تعمیرات لازم، آب خریداری نموده در صحن مبارکه سبیل نمایند. و تولیت موقوفه‌ی مسطوره با خود حضرت علیه‌ی واقفه است و بعد از ایشان با مجتهد جامع الشرائط کربلای معلی
و با نبودن، با مجتهد جامع الشرایط نجف اشرف است. و صیغه‌ی وقف مستجمعة بجمیع شرایط الصحة و حاویة للاحتیاطات الشرعیة جاری و شرائط صحت و لزوم از قبض و اقباض تولیتی و حکومتی در آن مرعی گردد.
توضیحا لما رقم اینکه حضرت مستطاب علیه‌ی عالیه دامت شوکتها محض اتقان امر وقف مجمعی از اجله‌ی علمای اعلام و مجتهدین فخام، ادام الله ظلهم العالی، تسکین و تشریف فرموده، اولا املاک و رقبات مفصله را از شبهات شرعیه خارج و رعایت اباحه‌ی حلیت واقفیت آنها نموده و بعد در همان مجلس صیغه‌ی وقف به ترتیب شرعی جاری و شرائط صحت و شرعیت در آنها مرعی گردید. فصار وقفا دائما ابدیا مخلدا صریحا و آنکه موارد وقف بالنسبة به مستغلات دارالخلافه تا دو سال هلالی از تاریخ وقف و بالنسبة به قریه‌ی مزبوره تا رفع دو محصول مسلوب المنفعة است. فی عشر اول رجب المرجب 1311 [هجری قمری].
«آنچه در این وقف‌نامچه نوشته شده به اذن و اجازه‌ی من واقع شده صحیح است».محل مهر نواب مستطاب علیه‌ی عالیه‌ی متعالیه حضرت قدسیه انیس‌الدوله دامت شوکتها. سجلات
حسب الامر و فرمایش نواب مستطاب علیه‌ی عالیه شمس فلک عصمت و طهارت حرم جلالت عظمی حضرت قدسیه انیس‌الدوله دامت شوکتها و توفیقها [...] املاک مفصله‌ی ایشان در جزء کتاب لئالی الاخبار به طبع رسید که در هر جلدی از هفت‌صد جلد این کتاب یک نسخه از این وقف‌نامچه باشد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.
هو الله تعالی شأنه العزیز - نواب علیه‌ی عالیه‌ی متعالیه دامت شوکتها و

عفتها [...] مرقوم فرموده و به فقرات مرقومه در این کتاب اقرار و اعتراف می‌فرمایند. پنجم ذی‌حجة الحرام 1311. محل مهر جناب مستطاب حجةالاسلام آقای [...] امام جمعه‌ی طهران
بسم الله تعالی - قد وقع وقف الاملاک مسطوره من الواقفة المعظمة دامت شوکتها و توفیقها بجهات المرقومه و الشرائط المفصلة من التولیة و النظارة، من القبوض و الاقباض لدی. حرره فی شهر رجب المرجب من شهور 1311. محل مهر جناب مستطاب آقای حاجی شیخ اسماعیل طهرانی سلمه الله تعالی [...]
«بسم الله تعالی - وقع الوقف من الواقفة الموفقة بالرقبات المسطورات فی الورقة للمصارف المعینة مع الشروط المزبورة و التولیة و اعتراف بالقبض مع مراعات لازمة الاحتیاط لدی الاحقر فی العشر الأول من رجب المرجب 1311. محل مهر شریف جناب مستطاب عمدة العلماء الاعلام شریعتمدار آقای آقا سید علی‌اکبر مجتهد تفرشی سلمه الله تعالی.
آنچه مرقوم فرمودند صحیح است و واقع شده. محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار قدوةالفقهاء الفخام آقای حاجی میرزا حسن مجتهد آشتیانی سلمه الله تعالی.
بمنه تعالی - نعم قد صح و اتضح وقوع الامر عن النواب العلیة العالیة دامت خدارتها تحسبما هو مشروح فی هذه الاوراق عقدا و قبضا و تولیة و النظارة الامر حرره العاصی [...] عبدالله البهبهانی فی شهر ذی‌الحجة 1311. محل خاتم شریف جناب مستطاب عمدة العلماء العظام آقای آقا سید عبدالله سلمه الله تعالی.
بسم الله خیر الاسماء - قد وقع وقف الاملاک و الرقبات المسطورات من الواقفة الموفقة المعظمة ادام الله ایام توفیقها علی [...] المصارف المقرره بالشروط المزبورة من التولیة و النظارة مع رعایة الشروط المعتبرة من القبض و الاقباض بعد رعایة الاحتیاط و تخلیص الاملاک عن الشبهات الشرعیة فی العشر الاول من شهر رجب المرجب 1311 - محل مهر شریف جناب مستطاب زین‌العلماء الکرام آقای آقا شیخ محمد حسن مجتهد طهرانی سلمه الله تعالی.
بسم الله و له الحمد - [...] الاعتراف منها، ادام الله تعالی عفتها و عصمتها و توفیقاتها، بتمام ما رقم فیه فی السادس من شهر ذی‌الحجة الحرام من شهور 1311 - محل
مهر شریف جناب مستطاب عمدةالعلماء الکرام آقای آقا سید باقر صدرالعلماء سلمه الله تعالی.
بسم الله الرحمن الرحیم. وقع الوقف قربة الی الله تعالی من الواقفة المعظمة الجلیلة العالیة دام [...] و توفیقها علی المصارف المسطورة و جعل التولیة و النظارة المشروطة: [...] بقبول من یصح منه القبول [...]

للقبض و الاقباض و کذلک الوقف الثانی بالنسبة [...] المعینة فیه [...] الاول و الثانی فی ثمانیة عشر صفحه بعد مراعات [...] الشرعی فی الفقرتین [...] من شهر رجب المرجب لدی الاحقر فضل‌الله نوری 1311 حرره فی ستة نسخ. محل مهر شریف جناب مستطاب شریعتمدار آقای آقا شیخ فضل‌الله مجتهد نوری سلمه الله تعالی.
بسمه تعالی - قد وقع الوقف المزبور من الواقفة المعظمة دامت شوکتها للمصارف المقرره علی حسبما فصل و سطر فی الاوراق المسطورة من البدایة الی النهایة و صح الاعتراف بالقبض لدی فی عشر الاول من رجب المرجب من شهور 1311. محل مهر شریف جناب مستطاب آقای آقا سید حسن پیشنماز شوشتری سلمه الله تعالی .
بسمه الله تعالی - قد تحقق اقرار الواقفة الموفقة زید توفیقها بصحة ما فی هذه الاوراق فی نسخ ستة حرره فی سلخ محرم 1312 - محل خاتم شریف جناب مستطاب قدوة الفقهاء و المحققین آقای آقا سید ریحان‌الله مجتهد بروجردی سلمه الله تعالی.
هو قد اعترفت دامت شوکتها و توفیقها بتمام ما نسب الیها فی هذه الاوراق. فی غرة شهر رجب 1312 محل خاتم شریف جناب عمدةالعلماء آقای آقا شیخ محمد نبی مجتهد تویسرکانی سلمه الله تعالی.
چنانکه در مقدمه اشاره کردیم چند تن از نیکوکاران که در بازار تهران املاکی داشتند یعنی آقایان محمدرضا حاجیها و علی بابا اصفهانی مالکین سرای عالی و آقای محمدتقی عبداللهیان مالک مستغلاتی در بخش هشت بازار امامزاده زید تهران هر یک بخشی از املاک متعلق به خود را وقف کرده‌اند. و نکته‌ی قابل توجه آن است که موقوفات خود را تابع شروط وقفنامه‌ی مرحومه‌ی انیس‌الدوله از جمیع جهات (مصرف درآمد موقوفات و متولی آن) قرار داده‌اند و این امر بدیع شاید در مسئله‌ی وقف احتمالا کم سابقه باشد. بدیهی است ممکن است مصارفی که مرحومه‌ی انیس‌الدوله برای درآمد موقوفات خود در نظر گرفته بوده است از هر جهت با نیات خیرخواهانه‌ی واقفان مورد اشاره موافقت داشته است، اما تفویض تولیت موقوفات به متولیان موقوفات انیس‌الدوله تازگی داشته است و می‌توان حدس زد که شخصیت مرحوم محمودخان انیسی، متولی وقت موقوفات انیس‌الدوله، و کیفیت عمل او در مصارف صحیح درآمد، مطلوب واقفان قرار گرفته و به تفویض تولیت موقوفاتشان به ایشان واداشته باشد. به هر حال بر نیت خیرشان ارج می‌نهیم و عملشان را عندالله مأجور مسئلت می‌نماییم. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

آقا کمال

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وقفنامه‌ی مدرسه‌ی سلطان حسینیه
نویسنده: رسول جعفریان معروف به مدرسه‌ی آقا کمال درآمد
بحث از اهمیت وقفنامه‌ها به ویژه وقفنامه‌های مدراسو تأثیر آنها در بازشناسی نهادهای آموزشی عصر صفوی خارج از حوصله‌ی این مقدمه است. در اینجا صرفا درباهر این وقفنامه و واقف آن اشاراتی خواهیم داشت. وقفناه حاضر از وقفنامه‌های جالبی است که از اواخر دوره‌ی صفوی، که به حق باید آن را «عصر وقف» نامید بر جای مانده است. عامل عمده این موقوفات طبقه آقایان یعنی خواجه‌های (1)وابسته به دربار بودند که بدلیل بستگی به دربار، از ثروت هنگفتی برخوردار می‌شدند. از آنجا که آنان فرزندی نداشتند تا خود ثروت را به ارث بگذارند، یا آن را در سفر عبتات و حرمین شریفین خرج کرده و یا صرف خیرات و مبرات می‌نمودند. بهترین مصرف ان ایجاد مسجد و تکیه و مدرسه و رباط بود. آنان، پس از ساختن این اماکن، موقوفاتی برای آنها قرار می‌دادند تا مخارج اماکن مزبور به راحتی تأمین شود. بدون این موقوفات،این اماکن به سرعت روبه انحلال و اضمحلال می‌رفت. یکی از آقایان که از چهره‌های برجسته دوره شاه سلطان حسین (1135 -1106) بوده آقا کمال است.
وی صاحب جمع خطانه عامره بوده و توان گفت که به عبارتی وزیر مالیه دولت وقت بوده است. میرزا سمعیا درباره‌ی شغل مزبور می‌نویسد: شغل صاحب جمع خزانه‌ی عامره آن است که صاحب جمع مزبور مقرب الخاقان و آنچه از نقد وجوهات ممالک محروسه و دارالسلطنه‌ی متعلق به سرکار دیوان است،
به تحویل صاحب جمع خزانه‌ی عامره مقرر بود و هر یک از عمال و حکام و مباشرین مالیات دیانی، تأخیر در وجوه انفادی خزانه‌ی عامره می‌نمودند، صاحب جمع خزانه به جهت وصول انفادیات خزانه، توابین خود را محصل و به ولایات فرستاده جوه تحویلی را وصسول و ابواب جمع خود می‌نمود(2).
وی به عنان نمونه از «آقا کمال» یاد می‌کند که چندین سال متوالی این سمت را در اختیار داشته است:... آقا کمال صاحب جمع به خدمت پادشاه سابق عرض و حاجی مهدی خان [که نام وی را نیز در همین وقفنامه داریم.] معتمد خود را محصل و هر ساله مومی الیه تمام و کمال وصول و انفاد خزانه‌ی عامره می‌نمود و آنچه انفس اجناس سر کار خاصه‌ی شریفه

است، خواه از جواهر یا اقمشه‌ی نفیسه‌ی پیکش، ا زکتاب و سمور و زربفت و سایر اجناس بسیار تحفه، در خزانه‌ی عامره به تحویل مشار الیه مقرر و صاحب جمع خزانه در نهایت اعتبار و کمال اقتدار و کلید دار خزانه نیز از معتبرین خواجه سرایانست (3)بر اساس یکی از احکامی که از شاه درباره‌ی موقوفات آقا کمال صادر شده وی در سال 1107 پست صاحب جمعی را عهده‌دار شده است.
آقا کمال از شخصیت‌های متنفذ در دربار بوده است، شخص دیگری نیز از همین آقایان احمد آقا نام داشته که یوز باشی غلامان خاصه بوده و او نیز نفوذ زیاد در شاه داشته است. گفته شده که زمانی احمد آقا آن چنان جرأت یافته که به وزیر اعظم نیز دشنام داده است.(4)شاعری ناشناخته از همین دره فصلی از چکامه‌ی خود از عنوان مکافات نامه (5)را به وضع آقایان و تأثیر فراوان اما نامطلوب آنها در درباره شاه اختصاص داده و از آقا کمال و احمد آقا یاد کرده است:

ز خواجه سرا خامه را نفرت است
که مقبولشان گنده و نکبت است
چه این ناقصان نه مرد و نه زن
خدا ناشناسان ابلیس فن
نه از نوع انسان نه از جنس دد
ندانستند کاری بغیر از لگد
نه عقل و نه فهم و نه دین و نه داد
نه آب و نه آتش نه خاک و نه باد
نه ابلیس و نه جن و نه دیو و نه غول
نه کافر نه مسلم نه رد نه قبول....
ز محمود و فعلس دو محمود زاد
ز احمد هم این احمد به نژاد
کمال از کمالش به ما شوم شد
ز ادراکش ادراک معدوم شد

و در جای دیگر درباره‌ی نفوذ آقا کمال و آقا بر شاه می‌گوید:

ولی حرف فراش آقا کمال
بود وحی منزل خلافش محال
اگر احمد آقا شدی مدعی
نبودی ز انکار حق مانعی

به هر روی این خواجه سرایان مورد تنفر اقشاری از مردم بوده‌اند به ویژه که نوعا اصالت خانوادگی نیز نداشتند چنانکه خانواده نیز نداشتند. در برابر آنان وفادار به دربار بوده و حیاتشان در گروه همین وفاداری بود.
آقا کمال در طول سالهای 1107 تا 1133 کار وقف رقبات این وقفنامه را

انجام داده است. تاریخ اول، قدیمی ترین تاریخی است که در یکی از فرامین شاه درباره موقوفات آقا کمال آمده و تاریخ دوم، آخرین تاریخی است که در یکی دیگر از فرامین شاه آمده است. وقفنامه حاضر از روی یکی از چند نسخه‌ای که بر اساس نسخه‌ی اصل که طومار بوده نگاشته شده، به چاپ می‌رسد.
پیش از آنکه متن وقفنامه را بیاوریم لازم است درباره‌ی مدرسه مورد نظر توضیحاتی بدهیم. متأسفانه بر خلاف نظر واقف که تمام کوشش خود را برای حفظ مدرسه انجام داده و با نوشتن وقفنامه‌ای با این دقت راه را بر هر گونه سودجویی بسته، امروزه هیچ اثری از این مدرسه بر جای نمانده و حتی جای آن نیز مشخص نیست. به احتمال قوی از موقوفات آن نیز خبری نباشد جز آنکه ما بی‌اطلاع مانده باشیم. ا زیکی از فرامین شاه که در حاشیه وقفنامه آمده بدست می‌آید که آقا کما لا سال 1107 ساختن مدرسه را آغاز کرده است. همانطور که اشاره شد از این مدرسه اثر باقی نمانده و تنها یادی که از این مدرسه در دست است
بقایای قسمتی از کاشیکاری سر در مدرسه است که در انبار یکی از مساجد اصفهان نگهداری می‌شود. در این باره بهتر است به توضیحات استاد هنرفر توجه کنیم. او ذیل عنوان کتیبه مدرسه آقا کمال خازن از آثار دوره صفویه می‌نویسد:
روز دوشنبه 18 خرداد ماه 1343 که باتفاق دوست فاضل آقای سید مصلح الدین مهدوی مشغول تطبیق کتیبه‌های مسج رحیم خان بودیم دو نفر از خادمین مسجد بنام شکر الله و حسن گنلجعلی اظهار داشتند که در انبار مسجد چند قطعه کتیبه سنگی خوش خط نیز وجود دارد و ما را به درون انبار راهمائی کردند، از ملاحطه آثار مزبور معلوم شد که کتیبه متعلق به یکی از هفت مدرسه از بناهای عصر صفویه است که بوسیله آقا کمال خازن خزانه شاه سلطان حسین صفوی بنا شده. آقایان نامبرده اظهار داشتند که قطعات کتیبه را در زیر خاکهای انباشته شده یکی از زوایای مسجد یافته‌اند و تا این تاریخ شخصا از آنها مراقبت کرده‌اند، مؤلف با قدردانی از سعی و اهتمام نامبردگان مخصوصا آقای حسن گنجعلی که علاوه بر خدمت در مسجد به شغل آموزگاری نیز اشتغال دارد و خط نستعلیق را نیکو می‌نویسد در حفظ بقایای یکی از آثار گمنام دوره صفویه بقرائت و عکس برداری از قطعات موجود کتیبه توفیق یافت و بان ترتیب اثر دیگری بر آثار پراکنده عهد صفویه میافزاید. (ظاهرا مصالح بنائی هفت مدرسه در بنای مسجد رحیم خان، کتیبه مزبور هم انتقال یافته و همچنان در این محل جای مانده است، از قرار معلوم دو مدرسه از هفت مدرسه در محله مستهلک جنب شاهزاده ابراهیم قرار داشته است که تدریجا به ویرانی گرائیده و از مصالح آنها در ساختمان مسجد رحیم خان و شبستان

مسجد محله نو (مسجد فشارکی) استفاده شده است).
کتیبه مزبور که بخط ثلث فرو رفته بر سنگ پارسی و به قلم عبد الرحیم جزایری خطا معروف دوره‌ی شاه سلطان حسین صفوی است بشرح زیر می‌باشد:
«بسم الله الرحمن الرحیم من فضل الله سبحانه و میامین دولة السلطان الاعظم و برکات خدمة الخاقان الافخم ظل الله فی العالم سید السلاطین قهرمان الماء و الطین السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان لازال بهبه مرجعا لأعاظم السلاطین وفق لبناء هذه المدرسة خادمه الخازن لخزانة عطیاته الممتاز بالقرب الی حریم سرادقاته آقا کمال جعل الله سعیه مشکورا واتفق اتمامها فی 1108 کتبه عبد الرحیم عمل محمد طاهر.»(6).
از آقا کمال در موارد دیگر نیز یاد شده است. درباره‌ی بنای مدرسه چهار باغ اصفهانی آمده است:... و مدرسه‌ی سلطانی صد و پنجاه حجره دارد در کمال تکلف ساخته شده به سرکاری آقا کمال صاحب جمع خزانه عامره(7).
در اشعار اطراف سرسرای مدخل مدرسه چهار باغ که بخ خط محمد صالح اصفهان و مورخ به سال 1119 است چنین آمده:
وارث تخت سلیمان خسرو گیتی ستان
پادشاه شیعیان، جان جهان سلطان حسین
آنکه از تیغ کجش شد راست کار عالمی
آنکه از خلق و کرم بگرفت حد مشرقین
شد مقرر تا غلام و خازنش آقا کمال
کز کمال عقل و دانش، عقل و دانش راست عین (8).
و در اشعال منقوش بر دست اندازهای چوبی غرفه‌های فوقانی مدخل مدرسه چهار باغ آمده است:
به عهد دولت سلطان حسین شاه جوان
که از عدالت او گشت ملک و دین آباد
ز صدق بود چو آقا کمال سر کارش
شد مست منزل اهل کمال و استعداد
قلم گرفت و ن.شت از هری بتاریخش
بنام مدرسه شد شه از کمال آباد (9).
و در اشعار سراسری شمالی مدرسه به خط محمد صالح اصفهانی آمده:
ابر عالمگیر گوهر قطره بحر کرم
عالم آرا آفتاب داد و دین سلطان حسین
یافت چون اتمام این عالی بنا از وجود شاه
.... داد چون سرکاری آقا کمالش زیب و زین(10).

مشهورترین آنها محمد باقر حسینی خاتون آبادی و محمد حسین تبریزی آخرین ملاباشی عصر سلطنت شاه سلطان حسین است . علاوه بر اینها نام زین الدین عاملی، محمد شفیع خراسانی و حسین بن حسن گیلانی دیده می‌شود. متن وقفنامه
بسم الله الرحمن الرحیم
فهرست موقوفات عالیجاه مقرب الخاقانی مؤتمن السلطانی آقائی مستغنی الألقاب و الاوصافی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه‌ی عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره - زید اقباله العالی - که تولیت آنها با بندگان نواب.... گردون قباب اشرف اقدس همایون اعلی است و هر کس از سلسله‌ی علیه صفویه که فرمان فرمای ممالک وسیع المسالک ایران باشد و نظارت آنا مدام الحیات باعلیجاه واقف و بعده با عالیجاه مقرب الخاقانی توفیق آثاری محمود بیک جبادار باشی که حال ناظر بیوتاتست و بعد با عالیجاه مقرب الخاقانی محمد ابراهیم بیک یوز باشی آقا یانست و بعده به هرکس که به منصب مومی الیه سر افراز باشد، و هر گاه محمود بیک مشار الیه قبل از واقف داعی حق را لبیک اجابت گوید نظارت بعده از عالیجاه واقف به عالیاه محمد ابراهیم بیک یوز باشی و بعده به هرکس بوز باشی طرف خسرو آقا بوده باشد متعلق است و اگر آن منصب به احدی مرجوه نشود اختیار تعیین ناظر با بندگان اعلیحضرت متولی است تا آنکه یوز باشی مزبور تعیین شود و در وقفنامجه‌ی ثالثه قید شده که اگر یوز باشی آقایان طرف خسرو آقا تعیین نشده باشد جبادار باشی اگر از آقایان عظام باشد و اگر جبادار باشی از آقایان عظام نباشد امیر آخور باشی اگر از آقایان باشد تا اینکه یوز باشی طرف خسرو آقا تعیین شود و اگر تمام مناصب عالیه که در امر نظارت سر افرازی به آن شرطست به احدی داده نشده باشد اختیار با بندگان اعلیحضرت متولی است که هریک از بندگان را مأذون فرمایند که با استصواب عالم متوجه باشد تا تعیین بوز باشی آقایان عظام؛ و شرط نمود، که بعد از واقف هر کس ناظر باشد به استصواب عالم دینی که ریاست این طبقه‌ی علیه به او مسلم باشد و از سایر علما در مجلس اعلیحضرت متولی مقدم نشیند و با فقدان وصف مزبور عالمی که به افضلیت اشهر بین الأنام باشد؛ و با
اختلاف به مختار به قرعه‌ی شرعیه عمل نمایند و تصدی آنها را تفویض نموده به رفعت و معالی پناهان حاجی محمد کبیر تاجر اصفهانی و حاجی مهدیخان بیک تا بین عالیجاه واقف و حسین بیک اصفهانی که مادام قابلیت و اهلیت داشته باشند به مصلحت یکدیگر به نسق و ضبط و اخذ حاصل آنها اقدام نمایند و اگر یکی از ایشان غایب باشد یا مانعی داشته باشد نایبی تعین نماید که به مصلحت متصدی حاضر به امور لازمه‌ی تصدی قیام نماید و هر گاه بعد از حیات واقف، متصدیان یا احدی از ایشان را وفات رسد و

اولاد ایشان قابلیت نداشته باشد به کسی که عالم و ناظر مصلحت دانند بعد از عرض به خدمت اعلیحضرت متولی رجوع نمایند و حسب الاحکام مطاعه‌ی لازم الاطاعه مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبوره به سیور غال و معافی مدرسه‌ی احداثیه واقف موسومه به مدرسه سلطان حسینیه و سرکار فیض آثار امام الجن و الانس که موقوف علیهم این اوقافند مقرر و شفقت شده است و مادام امر نظارت با واقف است حق النظاره را در وجوه خیرات و مبرات صرف نماید.
دفعه‌ی دیگر که وقف است بر مدرسه‌ی احداثیه‌ی عالیجاه واقف واقعه در حوالی و چهار سوق بزرگ عباس آباد اصفهان موسومه به مدرسه‌ی سلطان حسینیه و بر مصالح آن و مصارف آن را بر این نحو مقرر شده که اولا مؤنات زراعات و خرج قنات و تعمیر عمارات و مستغلات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و روشنائی مسجد و راهروها و متوضاهای مدرسه و فرش مسجد و دو مدرس و شبستان و فرش جرات هرگاه احتیاج شود و قیمت دلو و ریسمان و چرخ جهت آبکشیدن از حاصل آنها وضع شود و از بقیه‌ی آن به حق التولیه و یک عشر به حق النظاره‌یی ناظر و عالم بعد از واقف بالمناصفه و نصف عشر به حق التصدی تصرف نمایند وا زبقیه‌ی حاصل و مداخله هر ساله پانطده تومان به حق التدریس و هر یوم سه هزار و هفتصد دینار به وظیفه‌ی طلبه‌ی مدرسه که حین الوقف سی و هفت نفر بوده‌اند و چهار تومان به خدام و دو تومان به مؤذن به شرطی که به کار خود قیام نماید بدهند و در هر شب جمعه یک هزار و پانصد دینار به طلبه‌ی مدرسه‌ی مذکور بدهند که یک ختم قرآن مجید نموده ثواب آن را به روح کثیر الفتوح نواب طوبی آشیان قدس مکان - نور الله مرقده - قربت نمایند و در اوقات متبرکه‌ی مفصله‌ی ذیل:
لیلة العیدین، لیلة العرفة، لیلة (و) یوم عید الغدیر، لیلة (و) الیوم المباهله، لیله (و) یوم مولود النبی (ص)، لیلة (و) یوم التاسع شهر ربیع الاول، لیلة الاولی من رجب المرجب،
لیلة الرغائب، لیلة المبعث، لیلة النصف من شعبان، لیلالی افراد ثلاثة شهر رمضان، لیلة الاربعین.
هر شب شش قاب طعام که عبارت از شش من برنج به وزن تبریز و گوشت به وزن مزبور و روغن با سایر اسباب باشد طبخ و طعام طلبه و خدمه‌ی مدرسه‌ی مذکوره نمایند و ثواب آن را به روح نواب و طوبی آشیان قدس مکان قربت نموده و اگر از مداخل موقوفات بعد از مصارف مذکوره چیزی اضافه بماند در مرتبه‌ی فوقانیه‌ی مدرسه‌ی مزبوره به قدری که مدرس و ناظر مصلحت دانند، بعد از عرض به خدمت بندگان متولی، حجرات بساطند و اضافه را به سکنه‌ی حجرات فوقانیه بدهند و آنچه از آن اضافه باشد بر وظیفه‌ی مدرس و اهل اضافه نمایند.

قریه مروق سمیرم فارس که حیدر آباد نیز گفته می‌شود با اراضی و صحاری و قنوات و دهکده و حمام و قلعه و طاحونه و غیر ذلک مفصله‌ی ذیل: قنات سرکاه مشهوره به باش کهیریز، قنات موسوم به کمال آباد، قنات موسوم به دولت آباد، رشته قنات حیدر آباد، رشه قنات رفیع آباد، رشته قنات بکوکجه دره، رشته قنات سلطان آباد، رشته قنات حاجی آباد، رشته قنات سیاه کل، رشته جدول رباط آب رودخانه بالتمام، رشته چشمه سبز میدان بالتمام حمام، قلعه، طاحونه، دهکده بالتمام. قریه معموره گندمان ناحیه کیار وارو مزدوج اصفهان با اراضی و صحاری و حمام و باغات و قنوات ثلاثه ذیل و مجاری و خان معین احداثی عالیجاه واقف، قنات مشهوره به قنات معموره، رشته قنات موسوم به کمال اباد احداثی عالیجاه واقف، رشته قنات سنگ سفید احداثی عالیجاه مشار الیه بالتمام. قریه موسومه به کمال آباد من محال سمیرم به قرب مبارکه لنجان اصفهان با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حمام و حضار و غیر ذلک بالتمام. قریه موسومه به کمال اباد من محال سمیرم به قرب مبارکه لنجان اصفهان با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حمام و حصار و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی عباس آباد گندمان با اراضی و صحاری و قنات و مجاری و انهار و جدوال و دهکده و قلعه و غیر ذلک سیما اراضی مزرعه‌ی صفی آباد متصله به آن که از آب رودخانه چیغا خور شرب می‌شود بالتمام. مزرعه‌ی علی آباد متصله به کمال آباد مزبور با اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و حصار و خیابان و اشجار مغروسه در خیابان و حریم و غیر ذلک قدیما و جدیدا داخلا و خارجا دایر و بایرا بالتمام. مزرعه کاری من مزارع جی اصفهان با اراضی و صحاری و قنوات و مجاری و قلعه و بازارچه
غیر ذلک سیما قنات موسومه به فیض آباد و اراضی تابعه بالتمام.
بازارگاه واقعه در خارج سید احمدیان اصفهان که حین الوقف بیست و یک بابو ثانی الحال بیست وشش باب شده با افزار و انکار که نزد مستأجران است: دکان حدادی، دکان نعلبندی، علافی، عصاری با سنگ آسیاب، ندافی، صباغی با تغار، طباخی با پس دکان، قنادی گری، علاقه بندی، رواسی با پس دکان، سفید گری، پالان دوزی، خبازی با زیرزمین، خراطی با زیر زمین، فواکهی با زیر زمین، بقالی با زیرزمین، عطاری با زیرزمین، حلاجی، رزازی با زیر زمین، مصب اتوگری، رزگری، مطب حکیم، تنابکو فروشی با زیرزمین، شماعی، قصابی، کبابی بالتمام - دکاکین متصله به مدرسه‌ی مبارکه‌ی سلطان حسینیه احداثیه عالیجاه واقف موفق مشار الیه هشت باب اصل دکاکین.... باب، انبار خبازی یک باب بالتمام.
محوطه مشتمهل بر آیینه تحتانیه و فوقاینه وفضای مربوط به آن واقعه در کنار زاینده رود اصفهان جنب منزل مرحوم میرزا ابو الحسن مستوفی

الممالک سابق که به جهت انبار محصولات موقوفات ساخته و انبار داری را به محد قلی بیک عتیق کوچک مرجوع و چنین قرار دادیم که امام قلی بیک عتیق دیگر تا هنگام قابلیت محد قلی بیکم ناب او باشد و هر گاه محمد قلی بیک قابلیت نداشته باشد امام قلی بیک بالاصاله انبار دار باشد و بعد از ایشان هر یک از عتقاء دیگر او که امانت و دیانت و شایستگی امر مزبور داشته باشند؛ و با تعدد در اوصاف به قرعه عمل شود وبعد از وفات عتقاء... و هر یک از اولاد ذکور ایشان و اولاد اولاد ذکور ایشان و هکذا که شایستگی داشته باشند. با تعدد در وصف مختار، به قرعه و با عدم اتصاف ایشان و اولاد ایشان به وصف مزبوره یا انقراض ایشان و اولاد ایشان ناظر و عالم به کسی که شایستگی داشته باشد رجوع نمایند بالتمام.
مزرعه‌ی فیض آباد مشهوره به کشکول از مزارع برخوار از بلکات تسعه‌ی دار السلطنه‌ی اصفهان با توابع شرعیه که آن تا حال جاری نشده است.
مسعود آباد برخوار اصفهان که قنات دولت آباد از جمله قنوات فیض آباد مشهور به دهچی در اراضی آن شرب می‌شود و قنات آن به اراضی خیرآباد برخوار جاری است بالتمام.
دفعه‌ی دیگر تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی آن به دستور دفعه‌ی اولی و حق التولیه و حق النظاره ناظر و عالم و حق التصدی آن به نحویست که در دفعه‌ی اولی مکتوب شده برین نهج است که بعد از اخراجات تنقیه‌ی قنوات و مؤنات زراعات و سایراموری که مصلحت وقف در آن باشد و سبب آبادی و نما و زیاتی محصول شود و تعمیر عمارات حصص موقوفه که ساخته شده یا بعد ازین ساخته شود و تعمیر وروشنائی مسجد و حمامی که در قریه‌ی کمال آباد ساخته شده و حمام و مسجدی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود و درب و بوریای آنها و سه تومان به مؤذنی و خادمی قیام نماید و همچنین به نحو مسطور در مسجدی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود و بعد هر ساله واقف موفق مادام حیاته، مبلغ بیست تومان از حاصل این قوف را در وجوه خیرات و مبرات مصروف دارد و بعد وفاته به امر متولی هر عصر و مدخلیت عالم و ناظر آن عصر، بیست تومان مزبور را هر ساله به جمعی از صلحا و اتقیای سکنه‌ی مدرسه‌ی مزبوره که خاطر از قرائت و دیانت ایشان جمع باشد بدهند که در تمام سال دویست ختم کلام ملک علام از قرار ختمی یکهزار دینار بدین موجب نموده ثواب آن را به روح عالیجاه شهر رجب المرجب، یک ختم، شهر شعبان المعظم یک ختم، شهر رمضان المبارک یک ختم، شهور تسعه‌ی بقیه سال... ختم.
واقف تبرع نمایند و چهار صد من گندم به وزن سابق اصفهان به جهت حمامی قریه مذکوره که حمام را پاکیزه نگاه دارد تعیین نمایند و مثل آن به جهت حمامی که در اشرف آباد و خیر آباد ساخته شود؛ و هفت تومان

تبریزی به جهت طالب علمی که قدری علم فقه داند و در کمال آباد به اجرای عقود شرعیه و تعلیم امور واجبه و تعلیم اطفال ایشان قیام نماید و در تغسیل و تکفین مؤمنین مطلع باشد و همچنین در اشرف آباد و خیر آباد؛ و مبلغ بیست تومان در ایام عاشورا در مدرسه‌ی مزبوره صرف مراسم تعزیه نمایند و دو نفر خادم دیگر به جهت مدرسه‌ی مزبوره تعیین نمایند و تتمه‌ی حصل و منافع را با آنچه از حاصل وقف سابق باشد به ازای هر حجره‌ی از حجرات مدرسه‌ی مزبوره یومی یکصد دینار و رئیس را دویست دینار بدهند و حق التدریس به ضمیمه‌ی آنچه سابق بود تا بیست تومان داده شود و آنچه باقی بماند منوط به رأی اشرف اعلیحضرت متولی و عالم و ناظر صرف مرمت تعمیرات مدرسه و تجدید فروش و وظیفه‌ی طلبه‌ی سکنه و روشنائی آنجا بهر نحوی که رأی ایشان قرار گیرد به عمل آورند خواه به کل این وجوه و خواه به بعض آن، و اگر چنانچه متولی و ناظ و عالم مصلحت دانند که وجه باقی مخصوص تعمیرات و تجدید فروش و روشنائی متوضاها و راهروها و پلکه کانها و قیمت دلو و چرخ و ر یسمان مدرسه شوند مختارند.
قریه‌ی کمال‌آباد برخوار مشهوره به کنجار که در آن حمام و مسجد و آب انبار فی سبیل الله ساخته شده است. اراضی علیا که آب گرگاب و باینجه و اله‌آباد و جلال‌آباد و احمدآباد و رحمت‌آباد و.... زراعت می‌شود مع طاحونه.... و دهکده و خیابان و اشجار و غیرها.
اراضی سفلی که قنات کمال آباد مخصوص آن است مع قلعه و دکاکین و دو برج و حمام و دوباغ و خیابان و اشجار و.... و غیرها سیما قنات بایره اشرف‌آباد بالتمام. مزرعه اشرف‌آباد بخروار با توابع شرعیه سیما قنات اشرف آباد و
قنات کمال‌آباد و قنات علیاآباد و باغات و طاحونه و غیر ذلک که قدری از آب قنات آن بهر اراضی گرگاب و باینچه شری می‌شود. مزرعه خیرآباد برخوار با اراضی و غیر ذلک سیما قنات خیرآباد و مسعودآباد و باغات و خیابان و اشجار مغروسه و برج حمام و قلعه که حمام و آب انبار و مسجد در آن فی سبیل الله و فی سبیل الخیر ساخته شد بالتمام. خان آقانور واقع در شاع مورچه خورت برخوار اصفهان با توابع شرعیه که از کرایه‌ی دکان آن تعمیرات ضروریه آن به عمل آید و آنچه باقی بماند به دستور فوق مصروف گردد بالتمام.
دفعه‌ی دیگر که وقف است بر طلبه‌ی سکنه‌ی مدرسه‌ی مذکوره و مصالح و متعلقات آن و بر سکنه و متوطنین نجف اشرف و کربلای معلی و بلاد کاظمین علیهما السلام و بر زورار عبتابت علایات از سادات عظام و طلبه‌ی کرام وصحای ذوی الأحترام که از فرقه‌ی ناجیه‌ی اثنی عشریه و در آن اماکن مشرف ساکن بوده و به جای دیگر نقل ننموه باشند وبه صفت

استحقاق و فقر مصوف باشند و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی به دستور مسطور در دفعه‌ی اولی و ثانیه و حق التولیه یک عشر و حق النظاره‌ی علام و ناظر یک عشر بالمناصفه و حق التصدی یک عشر بالمساواتست. و مصارف این وقف به این نحو شرط و قرار شده که هر ساله اولا اخراجات و مؤنات موقوفات از خرج قنوات و تعمیر عمارات و مایحتاج الیه انتفاعات و موقوف علیه زیادتی ریع و تکثیر زراعات و غیر ذلک و مرمت و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و تجدید فروش و روشنائی متوضاها و راهروهای تحتانیه و فوقانیه و دلو و ریسمان و جارب و سایر ضروریات مدرسه‌ی مذکوره را اگر وجهی که از حاصل موقوفات مرقومه در دو وقفنامجه‌ی سابقه جهت آنها تعیین نموده است وفا به اخراجات و ضروریات آنها نکند از حاصل این موقوفات بر سبیل تتمه کما ینبغی و یلیق عمل آید و همچنین هر گاه حاصل موقوفات مکتوبه در وقفنامجتین سابقتین وفا نکند به وظیفه‌ی طلبه‌ی سکنه و حق التدریس به نهجی که در آنها تعیین شده است از حاصل این موقوفات تتمه‌ی آنها داده شود و سوای آنچه در دفعتین سابقتین به جهت مصارف مدرسه‌ی مذکور تهیین نموده است از حاصل این موقوفات هر ساله دو تومان به جهت یک نفر مؤذن دیگر مقرر نمود که به اتفاق یک نفر مؤذنی که سابق تهیین شده و در مدرسه‌ی مزبوره در اوقاف صلوات به وظایف اذان و لوازم آن اشتغال نمایند و چون حجرات فوقانی به مساعدت توفیقات ربانی ساخته شده و حال به انضمام حجرات تحتانی شصت حجره مسکونست از حاصل این موقوفات و موقوفات مکتوبه در دو وقفنامجه‌ی سابقه هریوم دویست دینار به رئیس مدرسه و هریون پنجهزار و نهصد دینار به سایر طلبه داده شود و در هر شب جمعه از حاصل این موقوفات سوی یک ختمی که در دفعه‌ی اولی به جهت روح نواب طوبی آشیان قدس مکان مقرر شده کهطار و پانصد دینار به سکنه‌ی طلبه‌ی مدرسه‌ی مزبوره داده شود که یک ختم قرآن مجید نموده ثواب آن را به روح کثیر الفتوح، قربت نمایند و همچنین از حاصل این وقف سوی ش قاب طعام مرقومه در دفعه‌ی اولی، شش قاب طعام دیگر در هر شب از لیالی و ایمام متبرکه‌ی مفصله در آن، جهت طلبه‌ی سکنه و خدام مدرسه مزبوره از مصارف مزبور و حق التولیه و حق النظاره‌ی عالم و ناظ و حق التصدی باقی بماند برده سهم نموده سه سهم را بهجمعی که در نجف اشرف سکنی داشته باشند و به جای دیگر نقل نکرده و به صفت استحقاق و فقر مصوف از فرقه‌ی ناجیه امامیه اثنی عشریه باند نصف به سادات و علویات بی‌شوهر و ایتام سادات و نصف به غیر سادات از صلحا و بیوه زنان و ایتام آنجا و سه سهم دیگر را به جمعی دیگر که در کربلای معلی ساکن باشند به تفصیل و شروط سکان نجف اشرف، و دو سهم دیگر به جمعی که در بلده‌ی مبارکه‌ی کاظمین علیهما

السلام ساکن باشند به شروط و تفصیل سکنه‌ی نجف اشرف عاید سازند؛ و تعیین قدر اعطا به هر یک منوط به رأی بندگان متولی و عالم و ناظر است که به هر نحو مصلحت دانند عمل نمایند و و یک سهم دیگر را به زوار عبتاب عالیات از قرار هر یک نفر پنجهزار دینار بدهند و اگر در سالی آن قدر زوار نروند که مجموع یک سهم به ایشان داده شود آنچه از رسد زوار باقی بماند ضمیمه‌ی هشت سهم حصه‌ی سکنه‌ی اماکن مشرفه نمایند و یک سهم بقیه را در وجه متصدیان بالمساوات به علاوه‌ی یک عشر مذکور فوق رسانند.
مزرعه موسومه به فیض آباد مشهوره به دهچی از مزارع مورچه خورت برخواراصفهان با اراضی و صحاری و مجاریی و باغات و قلاع و خیابانها و اشجار نابته در خیابانها و در حرایم آنجا که اراضی آن به آب قنات موسومه به فیض آباد و به قنات موسومه به دهچی شرب می‌شود و قنات دیگر آن که موسوم به دولت‌آباد است به مزرعه‌ی مسعودآباد مزبور شرب می‌شود بالتمام. قریه‌ی محدثه عالیجاه واقف موسوه به مؤمن‌آباد با راضی تابعه‌ی آن که آب آن به مزرعه فیض‌آباد مشهوره به دهچی مذکوره قبل، شرب می‌شود و به این اعتبار در وقف‌نامچه ذکر آن نشده است. قنات باره که پود آن در جنب کمال‌آباد است و قنات آن ار روی قنات جزآباد و جلاساباد و زمین امیرآباد می‌گذرد و در پیش طاحونه گرگاب نزبدیک قنات کمال‌آباد است و علامت دهکده و قلعه و باغات بایره دارد و موسوم به بهرام‌آباد بوده و در وقف نامچه قریه‌ی مستحدثه واقف نوشته شده بالتمام. قنات و مجری المیاه موسومه به گرگاب که آب آن به ارضای کمال آباد و غیره وقفی عالیجاه واقف شرب می‌شود بالتمام. قریه مستحدثه عالیجاه واقف متصله به اراضی خیرآباد برخوار که آب آن به اراضی کمال‌آباد مزبور شرب می‌شود بالتما. قنات و مجری المیاه موسومه به باینچه که آب آن به کمال‌آباد مزبور شرب می‌شود مزرعه‌ی رحمت‌آباد که رحیم‌آباد نیز گفته می‌شود محدود به رودخانه سهر و به قلعه‌ی خرم‌آباد و به قنات احمدآباد و به ارضای مسعودآباد و به اراضی و صحاری و قنات و مجاری و دهکده و ابنیه و عمارات و باغات و قلاع و اشجار و اعیانات و غیرها بالتمام. طاحونتین معینتین که یکی از آنها به آب گرگاب و دیگری به آب اشرف‌آباد دایر است هریک با آلات و ادوات حدیدیه و مجریه و خشبیه و غیرذلک بالتمام.
دفعه‌ی دیگر که وقف است بر کافه‌ی مومنین و مترددین و عامه مسافرین و عابرین که به قدری که مترددان و مسافران در رباط منزل می‌نمایند هر کس وارد شود و در آن منزل نماید و تولیت و نظارت نو استصواب عالم و تصدی آن به دستور مسطور است و مصرف آن به این نحو است که مال الاجاره‌ی دکان رباط صرف تعمیر ضروری آن و ملحقات آن شود به نحوی

که همیشه به حلیه‌ی آبادی و معموری بوده مترددان از آن منتفع شونند و وجه اجاره‌ی دکان اگر از تعمیر ضروری رباط زیاده باشد آن زیاده را در مصارف موقوفات مکتوبه در تحت دفعه‌ی ثالثه صرف شود و مال الاجاره‌ی دکان را زیاده از قر که گنتجایش داشته باشد نگیرند و قدغن نمایند که مستاجر اجناس را به قیمت زیاد تحمیل مترددان ننماید و هنیشه حجره‌ها و عرصه و طویله‌ها را پاکیزه و معمور نگاه دارد.
رباط مستحدثه عالیجاه واقف موفق مشار الیه واقعه در قریه خیرآباد با توابع شرعیه بالتمام. رباط محدثه‌ی عالیجاه واقف واقعه‌ی در اراضی سنگ سفید حوالی قریه‌ی معموره گندمان با توابع شرعیه بالتمام. رباطین مزبورین در آخر وقفنامجات اربعه نوشته شده، ایضا وقف مخلد شرعی نمود عالیجاه واقف مشار الیه تمامی رباط واقع در اراضی عشق‌آباد ماربین معروف به رباط انوشیروان را به نهجی که در وقف رباطین متن مسطور است و صیغه کرده و به تصرف وقف داده است.
دفعه‌ی دیگر که وقف است بر تعمیرات و فروش عمارات سر کار فیض آثار آستانه‌ی متبرکه و روضه‌ی منوره‌ی مطهره‌ی امام الانس و الجان المفترض طاعته و بقواطع البرهانها خلیفة الله فی ارضه امینه علی فرضه و ندبه؛ و تولیت و نطارت و استصواب عالم و تصدی آن به تصیلی است که آنفا مذکور شهد و مصرف آن هب این نحو است که هر ساله آنچه ا زحاصل آن بعد از وضع مایحتاج زراعات و موقوف علیه زیادتی ریع و تکثیر انتفاعات و خرج قنوات و سایر ضروریات و مؤنات به عمل آید یک عشر به حق التولیه مخصوص اعلیحضرت متولی و یک عشر مخصوص علام و ناظر و یک عشر به حق التصدی متصدریون مشترک بوده باشد ه هفت عشر باثی را گماشته‌ی بندگان متولی و عالم و ناظر اولا صرف تعمیرات ضروریه قبه‌ی مبارکه‌ی حضرت و دارالحفاظ و سایر عمارات متصله به قبه‌ی مبارکه و آنچه از تعمیرات ضروریه زیاد آید ثانیا صرف فروش ضروریه‌ی قبه مبارکه و دارالحفاظ و بیوتات متصله به آن نمایند. و اگر از تعمیرات و فروش ضروریه چیزی باقی بماند علاوه‌ی اطعام مقرری هرر روزه‌ی سرکار فیض آثار نمایند و هفت عشر مزبور را به این نحو به مصرف رسانند که در اصفهان تسلیم تجار معتبر و چتی؟ به استم تجار مشهد مقدس باز یافت نمایند و چتی را مصحوب زوار معتبر به مشهد مقدس نزدی احدی از آقایان معتبر که در مشهد مقدس سکنی داشته باشد فرستاده مقرر دارند که آن آقا وجه آن را باز یافت و خود به ترتبی که مذکور شد در تعمیرا و فروش و اطعام الاول فالاول صرف نمایند و اگر از آقایان احدی در آنجا سکنی نداشته باشد به عهده‌ی شخص معتیر دین داری مقرر دارند که او خود به خدمت مزبور قیام نماید و وجه مزبور را به گماشتگان متولی و ناظر سرکار فیض آثار ندهند و به این اعتماد ننمایند که

گماشتگان ایشان به مصرف می‌رسانند و متولی و ناظر سرکار فیض آثار را به هیچوه من الوجوه در وقف مزبوره در مصرف رسانیدن حاصل آن تمکین ننمایند.
مزرعه محمد آباد بسطام مشتمله بر چهار رشته قنات یکی موسومه به کودینان و دیگری به کلوی و دیگری به دن زنو (؟) و دیگری به دو تپه محدوده شرقیا به ارضای قنات جاریه خوزیان که رودخانه از جانب شرقی قبرستان خوزیان کشیده و منتهی شده به سیاه آب رودخانه‌ی مزبوره واسطه میانه‌ی مزرعه‌ی مزبوره و اراضی خوزیان است و غربیا به اراضی موات متصله به شارع قریه‌ی ده ملا و شمالیا به جبل و جنوبیا به اراضی مزرعه بیجن آور و رودخانه سیاه آب با کافه‌ی ملحقات از اراضی دایره‌ی و بایره و مجاری و انهار و جدوال و شرب مشارب و اعیانات و مارات شش دانگ و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی دایره‌ی مشهوره به مزرعه تقی‌آباد واقعه در بلوک قهپایه ولایت بسطام با توابع شرعیه از اراضی و صحاری و اوشات معموره و غیر ذلک بالتمام. مزرعه‌ی دایره ی مشهوره به مزعره تقی‌آباد واقعه در بولک قهپایه ولایت بسطام با توابع شرعیه ار اراضی و صحاری و اوشات معموره و غیر معموره و قنوات و انهار و مجاری دایره و بایره و باغات و حصار و دهکده و جدران و اشجار و کروم و سایر ما یتعلق بها شرعا و قدیما و جدیدا داخلا و خارجا سمی ام لم یسم و ذکر فیه اولم یذکر؛ مزرعه مزبور، در آخر وقفنامجات اربعه نوشته شده لیکن چون موافق است با مزرعه محمدآباد در جمیع مصارف و قیود و خصوصیات، لهذا در این فهرست با وقف محمدآباد قلمی گردید.
دفعه‌ی دیگر که وقف است و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی آن ه نهجی است که در دفعه‌ی اولی و ثانیه نوشته شده و درباره‌ی متصدین چنین قرار داه که اگر در ایام حیات واقف، ایشان یا احدی از ایان را وفات رسد خود را از احوال اولاد ذکور ایشان استفسار نموده و با اتصاف به دیانت و امانت به او رجوع نماید و الا به هر کس دیگر که مناسب داند مفوض دارد و بعد از واقف ناظر به استصواب عالم، بعد از عرض به خدمت بندگان اعلیحضرت متولی به هرکس که متصف به امانت و دیانت و راستی و وقوف و کاردانی باشد به او رجوع نماید لکن باید که از اولاد ذکور متصدیون استفسار نماید و چنانچه اولاد ذکور ایشان قابلیت داشته باشند ایشان را مقدم دارد و متصدیون خدمات جزو خود را به هریک از عتقاء واقف که قابلیت داشته باشند رجوع نمیاند و همچنین در متن عقد وقف قرار داده که نجابت و رفعت و معالی پناه حاجی محد رحیم ولد حاجی ابوالعلا به امر نویسندگی و سر رشته‌ی داد و ستد و جمع و خرج محصولات و اخراجات قنوات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره و عمارات این وقف و موقوفات سابقه و لاحقه‌ی مکتوبه در وقفنامجات متلاصقه مادام به

وصف دیانت و امانت و راست قلمی متصف باشد قیام نماید و بعد از وفات او عالیجاه واقف مادام الحیات بدون مدخلیت غیر به هریک از اولاد و برادارن و اولاد ایشان که متصف به صفات مذکوره باشند رجوع نماید، و اگر از ایشان چنین کسی نباشد به دیگری که متصف به صفات مذکوره باشد رجوع خواهد نمود و بعد از واقف، ناظر هر عصر به استصواب عالم آن عصر به اولاد و برادران حاجی رحیم مزبور و اولاد ایشان اگر متصف به صفات مزبوره باشند و الا هب هرکس که قابلیت داشته باشد بعد از عرض به خدمت اعلیحضرت متولی رجوع نمایند تا سر رشته بر داد و ستد و باقی و فاضل متصدیون و تحویلداران و حاصل و مداخل و مخارج موقوفات و سایر امور متعلقه به این وقف و موقوفات سابقه و الحقه که نویسندگی در کار داشته باشد به لوازم آن قیام نماید و مصارف این وقف را متن عقد وقف مزبور چنین قرار داده که هر ساله ا زحاصل آن اولا اخراجات قنات و تعمیرات و عمارات و مؤنات زراعات این وقف که هر آینه در توفیر محصولات و تکثیر انتفاعات مدخلیت داشته باشد کرده شود و اخراجات موقوفات سابقه و لاحقه اگر نعوذ بالله مداخل آنها وفا به مخارج آنها نکند واخراجات و تعمیرات مدرسه‌ی مزبوره هر گاه محتاج به تعمیر زیادی شود که از مداخل موقوفات سابقه تدارک آن حسب الواقع نشود بر سبیل تتمه از حاصل این وقف صرف آن شود و آنچه از اخراجات مزبوره باقی بماند یک عشر آن بح حق التولیه مخصوص بندگان اعلیحضرت متولی و یک عشر دیگر را مادام الحیات، واقف در وجود خیرات و مبرات صرف نماید و بعد از واقف یک عشر مزبور به جهت ناظر و عالم بالمناصفه و یک عشر دیگر به حق التصدی متصدیون بالمساوات بوده باشد و از هفت عشر بقیه هر ساله دوازده تومان تبریزی مواجب در وجه نویسنده‌ی سرکار این وقف و موقوفات سابقه و لاحقه رسانند و هر ساله شش هزار من غله بالمناصفه به وزن شاه در وجه مقرری رفعت و معالی پناهان امام قلی بیک و حاجی محمد علی بیک و الله و یرید بیک بزرگ و علیرضا بیک و محمد قلی بیک کوچک و الله و یردی بیک کوچک گرجی که سابقه گرگین نامد داشته عتقاء سته‌ی عالیجاه واقف هر یک یکهزار من داده شود و رسد هر یک از عتقاء سته بعد از فوت او فیمابین اولاد او و اولاد اولاد او و هکذا للذکر مثل حظ الأنثین منقسم شود به شرط تقدم بطن سابق بر بطن لاحق و اگر ولدی نداشته باشد رسد او به سایر جماعت مزبوره که درآن مرتبه باشند به دستور مسطور داده شود و در ماده‌ی اولاد اناث ایشان چنین شرط نموده قرار داد که مادام به حباله‌ی زوجیت احدی در نیامده باشند یا آنکه شوهری از آن سلسله کرده باشند رسد به ایشان داده شود و اگر به غیر آن سلسله شوهر کنند از ایشان مقطوع و علاوه‌ی سایر آن سلسله که در آن مرتبه باشند نمایند و اگر شوهری که از غیر آن سلسله باشد فوت شود باز

رسد به او داده شود و چون احدی از ایشان وفات یابد و فرزندی نداشته باشد رسد او علاوه‌ی سایر موجودین در آن مرتبه شود و اگر سلسله عتقای سته و اولاد ایشان منقرض شوند مجموع حصه‌ی ایشان منضم به سایر محصولات وقف مزبور و در سایر مصارف آن مصروف گردد. و هر ساله در روز عید مولود حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین دوازده قاب طعام به آنان و افشره و غلیان و قهوه و لوازم آن در مدرسه‌ی مزبوره طبخ نمایند و عالم مشار الیه جمعی از علماء و فضلاء و اعیان و اکابر را که مناسب داند در ان روط حاضر ساخته مضمون وقفنامجات سابقه و حال و لاحقه رار در حضور ایشان خواد همگی را بر مضامین آنها مطلع سازد تا ازحاضرین به غایبین رسیده دائما دارالسنه و افواه امر موقوفات مزبوره شایع و دایر و متواتر گردیده از شوایب تغییر و تبدیل و اندارس مصون و محروس باشد و بقیه را منضم به محصولات موقوفات سابقه در مصارف حق التدریسو وظیفه‌ی رئیس و سایر طلبه و خدام و مؤذن و وجه ختم کلام الله مجید ربانی و اخراجات تعزیه‌ی و اطعام مقرری و فروش و روشنایی مسجد مدرس و شبستان و متوضاها و پله کانها و چرخ و دلو ریسمان جهت آب کشیدن و سایر مصارف مدرسه‌ی مبارکه‌ی سلطان حسینیه‌ی مزبوره صرف نمایند و آنچه از آنها اضافه بماند بر ده سهم نموده سه سهم را به ادات و علویات و ایتام نجف اشرف و سه سهم را به سادات و علویات و ایتامکربلای معلی و دو سهم به سادات و علویات و ایتام قصیه‌ی طیبه‌ی کاظمین علیهما السلام به شرح و تفصیل و شروطی که در دفعه‌ی متقدمه ذکر شده و دو سهم را بقیه را به زوار عتباب عالیات منوط به رأی عالم و ناظر بدهند لکن باید به هرکس زیاده از یک تومان ندهند و ازین اضافه که برده سهم می‌شود حق التولیه و حق النظاره و حق التصدی اضاف نشود و مبلغ سیصد تومان تبریزی از حاصل مظفرآباد مزبور به موجب مزرعه مظفرآباد برخوار اصفهان واقعه در دامنه کوه فلارته با کافه ملحقات شرعیه از اراضی و صحاری و قنوات و انهار و مجاری و باغات و دهکده و قلعه وعمارات و اشجار و غیر ذلک محدوده به اراضی دهنو و به اراضی محمود آباد و به اراضی نعمیم‌آباد و به اراضی عاشق آباد و به مزرعه کلنگان و به اراضی محمدآباد و به اراضی عشق‌آباد بالتمام. مزرعه‌ی بیجن آور که بیجن‌آباد نیزگفته می‌شود واقعه در خوزیان بسطام با اراضی و صحاری وقنوات و انهار و مجاری کلما یتعلق بها شرعا من القدیم الی الان محدوده شرقیا به دو تپه و رودخانه و غربیا به راهجن و شمالیا به شارعغ عام عراق و خراسان و بعضی به دو تپه ملک خوزیان و جنوبیا به نهر سیاه آب بالتمام.

شرطی که در متن عقد وقف آن نموده بود به جهت کرایه‌ی نقل و حمل محصولات موقوفات حوالی و حواشی اصفهان به انبار مذکور در دفعه‌ی

اولی واقعه در کنار زاینده‌رود اصفهان به جهت زیادی اخراجات تعمیرات و خرابی مدرسه‌ی مزبوره و عمارات موقوفات لاحقه و قنوات آنها وضع و به تاجر معتبری به قرض داده و تمسک معتبر مشروعی گرفته و مرابحه‌ی مشروعه بر آن قرار شده و چینین شرط نموده که دائما مبلغ مزبور به جهت مصرفین مزبورین در نزد تجار معتبر بوده باشد و ناظر موقوفات عالیجاه مشار الیه در جمیع اعصار به استصواب عالم مذکور خاطر از اعتبار تجاری که مبلغ مزبور به ایشان داده می‌شود و از وثیقه و مرهونی که بر مبلغ مزبور قرار می‌دهند جمع نمایند و نویسنده‌ی سرکار موقوفات محاسبه‌ی نما و مرابحه‌ی آن را دائما مشخص نموده سر رشته بر آن نگاه دارد و یکصد و پنجاه تومان از آن جمله به جهت احتیطا این معنی باشد که در رفع محصولات اگر زرنقد موجود از حاصل و مداخل موقوفات نبوده باشد و صرفه در فروختن حاصل در آن وقت نبوده باشد از یکصد و پنجاه تومان مزبور کرایه‌ی محصولات را داده محصولات را به انبار مذکور نقل و در آنجا منبر ساخته بعد از نوروز فیروز سلطانی که هنگام ارتفاع قیمت و نفع آن به مصارف وقف بیشتر است فروخته شود و وجه کرایه‌ی مزبوره را که از تاجر گرفته باشند از قیمت حاصل مزبوره و اگر وفا نکند از حاصل سال بعد باز به تاجر مزبور بدهند و هکذا یکصد و پنجاه تومان دیگر به جهت احتیاط این معنی بوده باشد که اگر العیاذ بالله خرابی زیادی در عمارات مدرسه‌ی مزبوره و عمارات سایر موقوفات و قنوات اصفهان و بسطام بهم رسد که در آن وقت زرنقدی از بابت حاصل و مدخل موقوفات موجود نباشد و صرفه در فروختن حاصل در آن وقت نباشد یا آنکه زرنقد موقوفات وفا به اخراجات مزبوره نکند از یکصد و پنجاه توما مزبوره تدارک اخراجات مزبوره شده بعد از آن عوض آن حاصل و مدخل موقوفات به تاجر مزبور داده شود و هکذا و چون از نماء سیصد تومان مزبور مبلغی بهم رسد که گنجایش داشته باشد که ملی یا مستغلی خریده شود اضافه را ملک یا مستغلی خریده و به شرایط مذکوره ودر وقف مظفرآباد مزبور وقف نمایند و اصل سیصد تومان را به جهت مصرفین مزبورین باقی بگذارند و باید همیشه این قاعده مرعی و مستتمر باشد که یکصد و پنجاه تومان در وقف احتیاج در مصرف کرایه‌ی نقل و حمل محصولات به انبار مزبور و یکصد و پنجاه تومان د رمصرف اخراجات خرابی و تعمیرات زیاد مدرسه و عمارات و قنوات و موقوفات صرف شود و بعد از کار سازی عوض آن به تاجر داده شود و از نما و مرابحه‌ی آن ملک یا مستغلی خریده و وقف شود و باید که مادام نما و مرابحه‌ی از آن بهم رسد که ملک و مسغلی خریده نشده باشد آن نما را به علاوه‌ی اصل مورد معاملات شرعیه ساخته از آن نیز تحصیل مرابحه‌ی مشروعه نمایند و در دادو ستدی که به تجار داده می‌شود رهن بگیرند و نهایت احتیاط نمایند که تلف نشود و

چون وجهی که به جهت مصرفین مزبورین داده شود به تصدیق ناظر و عالم نوشته به مهر متصدیون بگیرند و جایز و روا نیست که از سیصد تومان مزبور در غیر این دو مصرف صرف نمایند فهرست مکتوب مذکور مجملی است از وقنامجات این بنده‌ی درگاه که در باب موقوفات خود و تولیت و نظارت و استصواب عالم و تصدی و جماعت موقوف علیهم و مصارف حاصل و نمای آنها و شروط و قیود آنها مرقوم شده و آنچه وقف نموده‌ام از مدرسه‌ی مبارکه موسومه به مدرسه‌ی سلطان حسینیه و مساجد و حمامات و رباطات و باغات و دکاکین و بازارگاه و مستغلات و آب انبارها و عمارت انبار و قری و مزارع و لقاطات و غیر ذلک چون در مدت متمادی به مساعدت توفیقات الهی و برکات اعلیحضرت شاهنشاهی این غلام بهم رسانیده و وقف نموده امر ثواب آنها به روزگار فرخنده آثار آن اعلیحضرت عاید خواهد گردید و چون بر این موقوفات مجلات وقفنامجات شرعیه قلمی و به یکدیگر ملصق و در یک طومار مجتمع و به مهر مهر آثار مبارک اشرف اقدس اعلی مزین و به خطوط و امهار اهالی شرع شریف و علمای اعلام و سادات ذوی الاحترام محلی شده و دو سوادمعتبرکه مطابقه آنها با اصل به امهار اهالی شرع شریف و سادات عظام کرام رسده و همگی آنها مضبوط گردیده در این وقت به جهت تذکره و مزید استحکام و به جهت بازیافت و استیفاء بعضی قیود و تفاصیل موقوفات این فهرست قلمی شده و آن را نسخ متعدد نموده و خود مهر کرده و به امهار آن جماعت رسانیده‌ام و یک نسخه از آن جمله را به حضرت علامی فهامی مولانا محمد مؤمنا مدرس مدرسه‌ی مزبوره و یک نسخه‌ی دیگر را به فضیلت و کمالات پناه شیخ جلال رئیس مدرسه‌ی مزبوره و یک نسخه‌ی دیگر را به عالیجاه مقرب الخاقاین محمد ابراهیم بیک یوز باشی آقایان و یک نسخه را به حاجی محمد کبیر و یک نسخه‌ی دیگر را به حاجی مهدیخان بیک و یک نسخه‌ی دیگر را به حسن بیک و یک نسخه‌ی دیگر را به شخص که در بسطام متوجه نسق محمدآباد و تقی‌آباد و بیجن آور است سپرده و یک نسخه را به انباردار سپرده و یک نسخه را خود نگاه داشته ئام و یک نسخهی‌دیگر در خزانه‌ی عام مضبوطست تا دست بدست به اولاد مدرس و متصدیان و غیر هم عقبا تعقیب عقب رسیده از اخلتال و اختلاف و اندارس مصون و محروس شود و در نظر دارم که انشاء الله تعلی ثبیت از فهرست مزبور به دفاتر سر کار ضابطه و به دفتر موقوفات ممالک محروسه سپرده شود که در طی ازمنه و ایاممتمادیه که به آنها رجوع کنند موجب تذکر و مزید استحکام اوقاف مذکوره گردد و این بنده درگاه خلایق امیدگاه موقوفات مذکوره را موافق قانون شریعت مقدسه‌ی غرا وقف نموده و بر نهج شرایط مرقومه صیغ شرعیه بالعربیه و الفارسیه جاری ساخته‌ام و چون اعلیحضرت شاهنشاهی ظلل اللهی که متولی این اوقافند بالمشافهة

العلیة العالیه نیابت تولیت خود را به این غلام شفقت فرموده‌اند وبر طبق آن رقم مبارک اشرف عز صدور یافته است این غلام به عنوان وقفیت و نیابت تولیت در جمیع آنها دخل و تصرف نموده و می‌نمایم و نجابت و رفعت و معالی پناه حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد کبیر تاجر اصفهانی را که یکی از متصدیانست و به دیانت و امانت و کاردانی موصفست و اطلاع تمام بر جزئیات موقوفات مزبور دارد به نیابت نظارت خود تعیین نموده‌ام که مادمت حیا باقیا نیابت نظارت اوقاف مزبوره به او مفوض باشد و بعد از آنکه نوبت نظارت به ناظرا بعد و علمای اعلام رسد هرگاه ایشان نیز مناسب دانند نیابت نظارت را به مشار الیه مرجوع خواهند فرمود که به استصواب عالم دینی عمل نمایدء والا به هر نحو که مصلحت حال موقوفات را دنن معمول خواهند داشت و بالجمله شرایط صحت و لزوم وقف در همگی موقوفات مزبوره تحق و وقوع یافته و وقف لازم گردیده و من بعد هیچ احدی را جایز و سایغ و روانیست که تغییر و تبدیل آنها نماید و در ضمن صیغ همگی اوقاف شرط نموده‌ام که هیچ احدی تصرفات مالکان ننماید و در معرض بیع لازم و بیع شرط و رهن و هبه غیر ذلک از تصرفات مالکان در نیاورند و به متغلبه اصلا و مطلقا به اجاره ندهند و به اجارات طویله خواه به عقد واحد و خواه به عقود متعدده ندهنء و بر خلامف مصارف مرقومه صرف ننمایند و در هیچ عصری از اعصار صدر عظام خاصه عام و نایبان ایشان در موقوفات مزبوره مدخل ننمایند و به احدی از مستحقین به صیغه‌ی وطیفه و مدد معاش و ارتزاق چیزی از آن را ندهند مستوفیان ممالک محروسه و مباشرین موقوفات متفرقه اصلا و مطلقا دخلی در آنها نکنند و حواله و اطلاقی ننمایند و اگر به خلاف ذکر صدور عظام یا نایبان ایشان یا احدی از مباشرین موقوفات در این موقوفات دخل نمایند مورد غضب الهیا و سخط حضرت رسالت پناهی و محل طعن ملائکه و پیغمبران و ائمه‌ی طاهرین و عباد الله صالحین باشند فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم و علیه لعنة الله و الملائکة و الناساجمیعن و حرر ذلک فی غرة شهر محرم الحرام السنة خس و عشریه و مائة و الف من الهجرة المبارکة المصطفویة المحمدیة علی مهاجرها و اله الائمة البررة الف الف آلاف و سلامه و صلوته ثنآء و تحیة. احکام و فرامین شاه در حاشیه‌ی وقفناه

شرح عریضه‌ی عالیجاه واقف موفق مشار الیه آنکه به عرض می‌رساند که این پیره غلام، قلیلی املاک و رقبات که به دولت ولی‌نعمت بهم رسانیده‌ام، همگی وقف و به تصرف داده، متولی شرعی آنها ولی‌نعمت‌اند؛ و چون بعضی آز آن محتاج به تعمیرات و اجرای قنوات بود، روز اول، این غلام عرض نموده که بنده را مرخص فرمایند که نظم و نسق آنها بکنم؛ ولی‌نعمت مرخص فرمودند؛ بنابراین استدعا دارد که لی نعمت عالمیان در

این باب رقم مبارک مرحمت و صادر شود که تا حیات مستعار باقی باشد از جانب ولی نعمت، مباشر نظمو نسق آنها شود؛ یا به خط مبارک بر حاشیه همین عریضه دو کلمه رقم فرمیاند که احتیاج به رقم مبارک علیحده نباشد که این غلام هر ساله حق التولیه را به نظ اقدس رسانم و مابقی را به مصارف وقف دهم؛ امره اعلی
شرح رقم مبارک نواب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی بر عنوان عریضه‌ی مزبوره - هو محل مهر به نظر رسد به نحو استدعاء، واقف را مرخص و مأذون فرمودیم که تعمیرات ضروریه و اجرای قنوات و نظم و نسق املاک و رقبات موقوفه را آنچه لازمه‌ی نظم و نسق است کما ینبغی بجا آورده، آثار سعی خود را به روز به روز به ظهور رساند. تحریرا فی شهر شعبان المعظم 1125.
قد صرت فائزا بزیارة اصله الاشراف الاقدس الاعلی - محل مهر چون به موجب مبادی آداب عالیجاهی مستغنی الالقابی مقرب واقف موفق معظم الیه در ضمن عقد وقف مزبور متن قرار و شرط نموده بودند که مادام متصدیونمزبورون قابلیت و اهلیت داشته باشند به امر تصدی مزبور قیام نمایند و الا اختیار عزل و تغییر ایشان با عالیجاه معظم الیه بوده باشد و عالیجاه واقف معظم الیه نمودند که مدت پنج سال قبل از این حاجی کبیر مذکور که احدیالمتصدین است عدم صلاحیت و اهلیت و دیانت به منصه ظهور رسیده، در آن تاریخ او را از امر تصدی مزبور اخراج و بی‌دخل، و شیخ لطف الله را در عوض حاجی کبیر مذکور تعیین نموده‌اند که به امر تصدی نسلا بعد نسل قیام و اقدام نماید و تعویض امر مزبور به آنها که به زیور قابلیت و اهلیت و دیانت آراسته و پیراسته باشند؛ عاشر شهر شعبان المعظم سنة 1133
چون وکلاء اجلاء ذوی الاعتداء عالی جاهی مستغنی الالقابی کل حصص مفصله مرقومه متن را به شرایط و ارکان مقرره آن وقف و تعیین اعلیحضرت متولی و ناظر و متصدیان جهت آنها و در متن عقد وقف مزبور شرط شرعی نموده بودند که متصدیان آن مادام به زیور اهلیت صلاحیت آراسته باشند به امر تصدی مزبور قیام و اختیار عزل و تغییر ایشان با عالیجاه واقف معظم الیه بوده باشد و عالیجاه معظم الیه نمودند که از حسن بیک مزبور متن که احد المتصدین است عدم صلاح و دیانت و اهلیت به ظهور رسیده، لهذا حسن بیک مزبور را از امر مذکور اخراج و تصدی و رسید حق التصدی او را ضمیمه و علاوه تصدی رفعت و معالی پناه حاجی مهدی خان بیک مزبور نموده که کما ینبغی و یلیق به امر تصدی مذکور قیام و اقدام و حسن سعی خود را به منصه ظهور رساند، حق التصدی مزبور را اخذ و تصرف نماید. عاشر شهر ذی حجة سنه 1129.
حکم جهان مطاع شد آنکه رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی نظاما

للرفعة و المعالی آقا کمال صاحب جمع خزانه عامره به عرض رسانید که املاک مفصله ضمن خود را قبل از این بر مدرسه که اراده ساختن آن نموده و سایر مصارف شرعیه وقف نموده و چون در این وقت به مرتبه‌ی صاحب جمعی مزبور سرافراز گشته خدمت مزبور تحویلداریست، امکان دارد که ارباب غرض سخن‌های خلاف واقع درباره‌ی مشار الیه به عرض اقدس رسانند. استدعا دارد که رقم اشرف در باب اینکه املاک مذکور، قبل از تعویض خدمت مزبور در تصرف مشار الیه بوده و بر مصارف وقف نمود صادر گردد بنابر شفقت شاهانه درباره‌ی مقرب الخاقان مشار الیه مقرر فرمودیم که املاک مزبوره به شروطی که وقف نموده کماکان وقف بوده، احدی به عنوان ملکیت دست تصرف بر آن دراز نکرده پیرامون نگردد و مدرسه ره به نحوی که در نظر دارد بنا بموده به اتمام رساند و در جمیع ابواب به توجهات گوناگون پادشاهی مستوثق و امیداوار بوده باشد که به هیچ وجه سخن ارباب غرض در پیشگاه خاطر اقدس فروغی ندارد؛ تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه 1107.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون از شرف خازنی نقد خالص عیار اخلاق و ایمان و سعادت جاودانی کمال خلوص عقیدت و ایقان این خاندان ولایت نشان بحکم «ان الله لا یضیع اجر المحسنین» توفیق مالک الملک یزدان و تأیید پادشاه علی الاطلاق مستعان دست قدرت سلطنت و خلافت و ید مقدرت بسالت این خانواده‌ی ولایت و امامت بالای دست سلاطین روی زمین و همدست کارگزاران قضا و قدر کردگار معین در ترویج دین مبین و تکثیر خیرات و مبرات سنن سید المرسلین و تحصیل رضای الهی و اجرای اوامر و نواهی و ید بیضا نماست «هذا من فضل ربی لیبلونی، ءاشکر أم اکفر و من شکر فانما یشکر لنفسه و من کفر فان ربی غنی کریم» (11)لاجرم به شکرانه‌ی این موهبت عظمی در این ولاء که به رهنمایی هادی توفیق ذو الجلال و دلالت قاید تأیید ایزد متعال از کمال اخلاص و بندگی و نهایت عقیدت و صوفی گری رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی نظاما للرفعة و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره مظهره کریمه‌ی «الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب» گشته و سعادت دو جهان اندوخته مدرسه رفیعه‌ی در محله‌ی عباس آباد در دارالسلطنه اصفهان به نام نامی و اسم سامی نواب همایون تا بر اوج گردون افراخته و مسمی به مدرسه‌ی سلطان حسینیه ساخته و املاک و مستغلات کتبی خود را به تفصیل ذیل (12)جهت مدد معاش و وظیفه و مواجب مدرس و طلبه و مؤذن و خدمه و شیلان و آب اش و غیره مصارف بر وقف مؤبد و ثواب ان را به روح پر فتوح نواب خاقان طوبی آشایان قدس مکان و به روزگار نواب کامیاب همایون مؤبد قربت نموده بر ذمت بلند خسروانه و همت

ارجمند پادشاهانه لازمه‌ی گشت به مؤدای صدق انتمای «و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی» او را مشمول عواطف خاقانی و منظور انظار سلطانی و بین الاماثل و الاقران به ارجاع دو منصب عظیم المرتبه بلند و دو خدمت جلیل المنزله ارجمند مباهی و ممتاز و مفتخر و سرافراز و بنابر توجه خاطر دریا مقاطر اشرف به ترویج امور خیرات و مبرات و کال اهتمام در اشاعه‌ی علوم شرعیات و تحصیل رضای خالق البریات و شرکت تام در اجر جزیل ان مثوبات تمام مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوان محال مفصله فوق را اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشند یا نود درآمد و ممیز ملاحظه و جمع آن را مشخص نکرده باشند از تاریخ دو ماه‌ی توشیقان ئیل در وجه سیور غال ابدی و معافی سرمدی سرکار وقف مزبور و داخل مداخل وقفی که مصارف مقرره مسطوره دروقفنامچه که به خط مبارک شعاع کردار و مهر خورشید خیر مهر آثار نواب همایون ما مزین گشته صرف شود مقرر، و آنچه ازمالوجهات و سایر جهات مزبوره به تیول و سیورغال و همه ساله مقرر بوده باشد از تاریخ مزبور قطع فرمودیم که به سیور غال و معافی مذکور منظور بوده به تیولداران و همه ساله داران عوض داده شود. مستوفیان عظام و حکام و وزراء کرام و عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و تیولداران و همه ساله داران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی محال عراق و فارس اصلا و مطلقا به هیچ وجه من الوجوه به خلاف حکم و حساب، مدخل در موقوفات مزبور ننمده قلم و قدم کوتا و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت اخراجات و استصوابیات و مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و عوارض مسددة الابواب از علفه و علوف و قنلغا (13)و رسومات داروغگی و سایر اعتمال و توجیهات خلاف حساب و سرشمار و خانه‌شمار و سلامی و ساوزی و مهمانی و پیشکشی و عیدی نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تنفنگچ و چریک و مقطعی و بیگار و شکار و الام و الاغ و خرج (طرح) و دست انداز و یراق پوشی ایام عاشورا و سایرتکالیف ممنوعه و غیر ذلک به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر موقوفات مزبوره و رعایا و مستأجران و ضابطان آن نکرده اعزاز و احترام مباشرین و رعایت و مراقبت رعایا و متسأجرین موقوفات مزبوره را واجب و لازم شناسند وشکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند. کدخدیان و رعایا و زراعین و مسأجرین و ضابطان و دکانداران سال به سال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین ضبط و صرف موقوفات مزبوره واصل ساخته چیزی قاصر و منکسر نگردانند. مستوفیان و حکام کرام در دفاتر خلود رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده به تیلوداران همه ساله داران و صاحبان سیورغال محال مزبوره عوض دهند و

از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و در این باب قدغن دانسته هر ساله رقم مجدد طلب نمایند و در عهده دانند؛ تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه 1111.
حکم جهان مطاع شد آنکه چون پیوسته از خزانه جود و عطای دادار بی‌همال بر وفق خواهش اولیای این دولت عدیم المثال به ضمیمه‌ی این خاندان مکرمت و افضال در مرتبه‌ی اعلی و عین کمال مهیاست، ما نیز، در ازای آلای الهی نهمت فلک فرسای شاهنشاهی را مصروف به انتظام احوال علمای دیندار و فقهای حقانیت شعار و تنسیق اماکن و مدارس و توسع معایش و ملابس آن گروه دانش پژوه فرموده‌ایم تا از رهگذر نشر فضل و افضال و انشراح بال و.... امانی و آمال آن قوم حمیده خصال صیت معدلت گستری و دین پروری این خاندان پیغمبری مرسله گوش مکتبان مکان امکن گردد و قبل از این که از کمال اخلاص و صوفی گری رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمی الشریفین نظاما للرفعة و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه عامره به سبب بنای مدرسه‌ای بنام نامی همایون در محله عباس‌آباد دارالسلطنه اصفهان گردن مباهات از همگنان افروخته و در اندک زمانی پیرایه‌ی اتمام را زیب اندام آن بنای خجسته فرجام ساخته، قدری رقبات را که به سعی خویش تحصیل و وقف مدرسه نموده و بدان جهت جالب اجر جزیل و طالب ثواب جمیل جهت ذات با برکات نواب همایون گردیده بود و حسب الاستدعای مقرب الخاقان مشار الیه مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی رقبات مزبوره را به موجب رقم قضا توأم علیحده به سیور غال ابدی مدرسه‌ی مزبوره مقرر فرموده بودیم و در این ولاء نیز معروض قوایم سریر عرش نظیر سلطانی و استدعا نمود که مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی بعضی رقبات که به تفصیل ذیل مزرعه فیض‌آباد مشهور به دهچی واقعه در مورچه خورت.... بالتمام، مزرعه کمال‌آباد.... که از بایرات قدیم است بالتمام، مزرعه خیرآباد واقعه در مورچه خورت از احداثی، مزرعه اشرف‌آباد واقعه در مورچه خورت که پنج رشته قنات دارد تحصیل نموده به دستور سیورغال مدرسه‌ی مذکوره مقرر گردد بناء علیه عنایت شاهانه را به استکمال آن امر خیر مآل نامزد فرموده از ابتداء ششماهه یونیت ئیل کل مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی مزارع اربعه مذکوره را که بعضی ابتیاعی و بعضی احداثی مقرب الخاقان مشار الیه است اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشند یا نو درآمد و ممیز ملاحظه و جمیع آن را مشخص نکرده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه‌ی رفیعه مزبوره مقرر فرمودیم. مستوفیان عظام و وزراء و حکام کرام عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی دارالسلطنة مذکوره اصلا و مطلقا و به

هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات.... محال مزبوره نمو، پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال اربابی و رعیتی و اخراجات و استصوابیات و عوارضات مسددة الابواب از علفه و علوفه قنلغا و سیورسات و الام والاغ و طرح و دست انداز و شکار و پیگار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصداره و عشر و ده نیم و رسوم میرابی و رسوم سایر عمال و توجیهات خلاف حساب و سرشمار و
خانه شما و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله تفنگچی و چریک و مقطعی و یراق پوشی عاشورا و شاطر دوانی و وجوه محترفه و کندلک و مشتبق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاق بر محال مزبوره ننموده و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد محال مزبوره را از آن تکلیف نیز معاف و مسلم داشته، سیورغال مزبور را از سیوغالات مستثنی شمارند و اعزاز و احترام مباشرین و رعایت و مراقبت رعایا و مستاجران محال مزبوره را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایت که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند و صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ وقتی از اوقات، دخل در سیورغال مذکوره و محال مزبوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند.
کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره، سال به سال مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین ضبط و صرف سیورغال مزبور و اصل ساخته، چیزی قاصر و منکسر نگردانند و گفتگویی که فیمابین ایشان واقع شود و قضایایی که سانح گردد، سوی خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری به متصدیان موقوفات مدرسه رفع نمایند. مستوفین عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خود ثبت نموده از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و در عهده دانند؛ تحریرا فی شهر ربیع الثانی سنة 1114.
حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پنا مقرب الخاقان حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعة و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه عامره به عز عرض رسایند که بعضی رقبات و املاک ابتیاعی و احداثی خود را بدین موجب به شروطی که در تحت هر محلی نوشته شده فیض آباد مشهور به کشکول و قنات گرگاب و قنات باینچه و مزرعه رحمت‌آباد و رباط قریه خیرآباد وقفی مدرسه و مزرعه مسعودآباد و دور حجر طاحونه.... در صحرای مورچه خورت واقع است و رباط سنگ سفید واقع در گندمان که تمامی آنها را به

این قید وقف نموده که حاصل و انتفاع و اجاره آنها را بعد از وضع اخراجات و تعمیرات مدرسه که به اسم نواب همایون در عباس‌آباد درالسلطنه اصفهان احداث نموده شود و هرگاه حاصل و انتفاع و اجاره آنها از اخراجات و تعمیرات مدسه مزبوره زیاد باشد زیادتی آن به سادات و صلحا و ارباب استحقاق اماکن منوره نجف اشرف و کرلای معلی و کاظمین که در آنجا ساکن باشند داده شود رضیه رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه؛ مزرعه محمد آباد واقعه در بسطام که مشتمل است بر چهار رشته قنات را به این قید وقف نموده که حاصل آن بعد از وضع اخراجات و خرج قنوات و تعمیرات آنچه باقی بماند صرف تعمیرات قبه‌ی مبارکه‌ی آستانه‌ی مقدسه‌ی منوره‌ی متبرکه و درالحفاظ و سایر عمارات متصله به قبه مبارکه و فرش روضه‌ی مبارکه و درالحفاظ و سایر بیوتات متصل به آن نمایند، به موجب وقفنامچه علیحده وقف نموده و استدعا نمود که مالوجهات و وجوهات دیوانی محال مزبوره به هراسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی مدرسه مزبوره و سرکار فیض آثار مزبور عنایت و مقرر شود که بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال به هیچ وجه من الوجوه مدخل در موقوفات مذکوره ننمایند. بناء علیه عنایت بی‌غایت شاهانه شامل حال و کافی امانی و آمال مقرب الخاقانی مشار الیه فرموده از ابدای شکوری ئیل کل مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوانی مزارع و قنوات مزبوره را که بعضی ابتیاعی و بعضی احداثی مقرب الخاقان مشار الیه است اعم از آنکه جمع دفتری داشته باشد یا نو درآمد و ممیز ملاحظ و جمع آنرا مشخص نکرده باشد، سیورغال ابدی ابدی و احسان سرمدی مدرسه‌ی رفیعه‌ی مذکوره و سرکار فیض آثار مقرر فرمودیم، مستوفیان عظام و وزراء و حکام کرام و عمال خجسته اعمال و کلانتران و داروغگان و متصدیان تفاوت جمع و نو درآمد و مباشران مهمات دیوانی دارالسلطنه مذکوره اصلا و مطلقه به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات دخل در مهمات محال مزبور ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دارند؛ و به علت مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال اربابی و رعیتی و استصوابیات و عوارضات مسددة الابواب از علفه و علوفه و قیلغا و سیورسات و الام و الاغ و طرح و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدارة و عشر و ده نیم و رسوم میرابی و رسوم سایر عال و توجیهات خلاف حساب و سرشکار و خانه شمار و سلامی و ساوری و میهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفتگچی و چریک و مقطعی و یراق پوشی ایام عاشورا و شاطر دوانی و وجوه محترفه و کندلک و مشتلق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال

مذکوره ننموده و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد، محال مزبوره را از آن تکلیف نیز معاف و مسلم دانسته، سیورغال مزکور را از سایر سیورغالات مستثنی شمارند و اعزاز و احترام مباشران و رعایت و مراقبت رعایا و مستأجران محال مزبوره را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند.
صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و در هیچ قتی از اوقات دخل در سیورغال مذکور و محال مزبوره نکرده، اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره سال به سال مالوجهات و گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود قضایای که سانح گردد سوای قضیه خون که به دیوان اعلی متعلق است و هدر هر عصری به متصدیان موقوفات مدرسه مزبوره رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دانند و در عهده شناسند؛ تحریرا فی شهر ذی قعدة الحرام سنه 1118.
حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رعت و معالی پناه مقرب الخاقان حارج الحرمین الشریفین نظاما للرفعة و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره، املاک و رقبات و مستغلات ملکی و مکتسبی خود را وقف بر روضه‌ی رضیه‌ی رضویه علی مشرفها الف سلام و تحیه، مطهره‌ی متبرکه سدره مرتبه عرش درجه، و مدرسه‌ی جدید موسومه به مدرسه‌ی سلطان حسینیه که به نیابت نواب کامیاب همایون ما ساخته نموده و تولیت اوقاف مزبوره را به نواب همایون تفویض و نظارت آنها را به خود متعلق ساخته بود، در این وقت بنابر آنکه علمای امامیه احتیاط می‌نمایند که مادام که شرایط وقف منجز و موقوفات به تصرف واقف داده نشود وقف صحیح نخواهد بود، استدعای آن نمود که مقرب الخاقان و مشار الیه را مرخص فرماییم که موقوفات مزبوره را به تصرف وقف دهد. بنابر کمال شفقت و مرحمت پادشاهانه درباره‌ی مقرب الخاقان مشار الیه نیابت تولیت مزبور را به مقرب الخاقان مومی الیه مفوض و مرجوع،و مقرر فرمودیم که نظارت موقوفات مذکوره را به معتمدی که خاطر از امانت و دیانت او جمع داشته باشد مرجوع نموده به عنوان وقفیت مباشر امور نسق املاک و رقبات و مستغلات متعدد گشته حاصل آنها را به نیابت نواب همایون ما، به مصارفی که به موجب وقف نامچه قرار داده مصروف سازد و در ایصال منافع و حاصل املاک و رقبات و مستغلات مزبوره به مصارف مقرره ساعی بوده اهتمام تمام در آن باب به عمل آورد؛ و در این باب قدغن دانسته هر ساله رقم مجد طلب نکنند. مستوفیان عظام حسب المسطور مقرر دانسته رقم

مطاع را در دفاتر خلود ثبت نمایند و در عهده شناسند؛ تحریرا فی شهر ذی قعدة سنه 1120.
حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعة و العزة و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره، مزارع مذکوره ذیل ملکی و مکتسبی خود را: مزارع بیج‌آباد و مزرعه‌ی تقی‌آباد واقعه فیمابین مده ملا و شاهرود من محال بسطام، مزرعه‌ی سعدآباد واعهد در کسر و طسوج دارالمؤمنین کاشان؛ مزرعه‌ی مظفرآباد واقعه در محله‌ی ماربین اصفهان در دامن کوه ثلاثه، مزرعه‌ی فیض‌آباد مشهور به آقا نور وقف مدرسه خود مرسوم به مدرسه‌ی سلطان حسینیه واقعه در عباس‌آباد دار السلطنه‌ی اصفهان نمود که حاصل آن به مصارفی که درقف نامچه آن تفصیل یافته مصروف گردد و نواب همایون ما نیز جهت تحصیل مثوبات اخروی از ابتدای لوی ئیل تمامی مالوجهات و وجوهات و حقوق دیوان محال مزبوره فوق را خواه جمع دفتری داشته یا آنکه نو درآمد باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی اهل مدرسه‌ی مزبوره شفقت و مرحمت فرمودیم که هر ساله... حاصل موقوفات مزبوره صرف مصارف مدرسه مذکوره و غیره گردد. حکام و وزراء و کلانتران و داروغگان و میرابان و سایر عمال و مباشرین کل وجوه امور دیوانی دارالسلطنه مزبوره و بسطام و دارالمؤمنین کاشان حسب المسطور مقرر دانسته به هیچ وجه من الوجوه مدخل از موقوفات مزبوره ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و مزارع مذکور را از حشو اخراجات موضوع ومستثنی دانند و به علت اخراجات و استصوابیات و مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و یراق یوشی ایام عاشورا و رسومات داروغگی و سایر عمال و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و پیکار و شکار و طرح و دست انداز واقامه و سیورسات و مرد الاغ و پیشکش و سلامانه و غیره تکالیف دیوانی و سایر شلتقات مسدودة الابواب و امور خلاف حساب به هراسم و رسم و هر صیغه که بوده باشد حواله و اطلاقی بر موقوفات مزبوره و رعایا و مستأجران و ضابطان آنها ننمایند و گذارند که ایشان مرفه الحال به رعیتی و دعا گویی دوام دولت بی‌زوال اشتغال نمایند واگر به عرض رسد که از فرمان مطاع تجاوز نموده‌اند باز خواست خواهد شد.
رعایا و مستأجران و ضابطان موقوفات مزبوره سال به سال مالوجهات و حقوق دیوانی خود را به مباشرین موقوفات مزبوره واصل ساخته چیزی قاصر و منکسر نگردانند. مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از
شوایب تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و چنانچه چیزی از مالوجهات و متوجهات محال مزبوره به تیول و سیورغال و همه ساله مقرر

باشد از تاریخ مزبوره مقطوع دانسته به ایشان عوض دهند و در این باب قدغن لازم دانسته هر ساله رقم مجدد طب ندارند و از فرموده تخلف نورزند؛ تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه 1125.
حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعة و المعالی، آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره به عرض اقدس رسانید که مزارع مذکور ذیل... (14)واقعات در محال بیوه کوه و صحرا ومال خان میرزا را که بعضی دایر و بعضی بایر است ابیتاع و بر زوار نجف اشرف و کربلای معلی و روضات مقدسات مرتبات عرض درجات ابا عبدالله الحسین علیه الصلوة و السلام و کاظمین و عسکریین صلوات الله الملک المشرقین، رضیه روضیه علی مشرفها الف سالم و تحیة و اخراجات مراسم تعزیه حضرت سید الشهداء و خامس آل عبا و سایر مصارف خیر وقف نمود که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اشرف عاید گردد و استدعا نمود که مالوجهت و وجوهات و خارج المال و سایر متوجهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبوره به دستور محالی که بر روضه مقدسه منوره‌ی متبرکه سدره مرتبه عرش درجه‌ی و مدرسه‌ی موسومه به سلطان حسینیه وقف نمود به سیورغال مقرر کرده و بنابرین شمه از شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه شامل حال مقرب الخاقان مشارالیه فرموده از ابتداء ششماهه لوی ئیل کل مالوجهات و وجوها و خارج المال اربابی و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حق دیوانی موقوفات مزبور اعم از آنکه جمع داشته باشد یا نداشته اشد و به هر اسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی زوار عتبات عالیات و سایر مصارف واقف مزبور مرحمت فرمودیم. بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال و داروغگان و کلانتران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و کدخدایان و ریش سفیدان و غیره، مباشرین جزو و کل امور دیوان الگاه کوه کیلویه و محال خان میرزا حسب المسطور مقرر دانسته من بعد اصلا و مطلقا و به هیچ وجه من الوجوه و به هیچ جهتی از جهات، دخل در محال مزبوره ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و محال مذکوره را از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهات و وجوهات حکمی و غیر حکمی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی و اخراجات و استصوابیات و عوارض مسددة الابواب از علف و علوفه و قلیغا و سیورسات و الام و الاغ و طرح و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدارة و عشر و ده نیم و سوم هوایی و رسوم عمالی و توجیهات خلاف حساب و سرشکار و خانه شمار و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکش و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و کندلک

و مشتلق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال مذکوره ننمایند و اگر فرضا در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گردد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد، محال مزبوره را از آن تکالیف نیز معاف و مسلم دانسته، سیورغال مذکوره را از سایر سیورغالات مستثنی دانند و اعزاز و احترام و مباشرین و رعایت و مراقبت مستأجرین محال مزبور را واجب و لازم شناسند و شکر و شکایتی که از آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند. صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و در هیچ وقتی از اوقات دخل در سیورغال و محال مذکوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستاجران محال مزبوره سال به سال متوجهات خود را مهمسازی متصدیان موقوفات مزبوره نموده گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود و قضایایی کیه سانح گردد سوای قضیه‌ی خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری که بوده باشد به متصدیان و موقوفات مذکور رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند؛ جمادی الثانیه 1126.

حکم جهان مطاع شد آنکه چون در این وقت رفعت و معالی پناه مقرب الخاقانی حاج الحرمین الشریفین نظاما للرفعة و العز و المعالی آقا کمال ریش سفید حرم محترم علیه عالیه و صاحب جمع خزانه‌ی عامره به عرض اقدس رسید که قرای مذکوره ذیل(15)واقعات در مال بیوه کوه و صحرا من محال خان میرزای کو کیلویه و.... قریه دو مکان (حومکان) مشهور به شاکریه نبار و توابع بالتمام، قریه شاکریه چنار و توابع بالتمام؛ قریه تحت بوستان بالتمام، قریه فیض‌آباد مشهور به هوایی بالتمام و قریه ولی قان به سمیرم فارس با مزارع... ابتیاع و به زوار نجف اشرف و عتبات عالیات و سایر مشاهده مشرفه و مدرسه موسومه به سلطان حسینیه و سایر مصارف خیر وقف نموده که ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اشرف عاید شود و استدعا نموده مالوجهات نقدی و جنسی اربابی و رعیتی و ماشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دویانی املاک مزبور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی وقف مرحمت شود. بنابراین شمه از شفقت بی‌غایت شاهانه و مرحمت بی‌نهایت پادشاهانه شامل حال مقرب الخاقاین مشار الیه فرموده از ابتدای تخاقوی ئیل کل مالوجهات و وجوهات و خارج المال نقدی و جنسی ارباب و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی موقوفات مزبور را اعم از آنکه جمع داشته باشد یا نداشته باشد و به هراسم و رسم که بوده باشد به سیورغال ابدی و احسان سرمدی زوار نجف اشرف و عتبات عالیات و سایر مشاهد مشرفه و

مدرسه‌ی مذکور و غیره مصارف وقف مزبور عنایت و مرحمت فرمودیم. بیگلر بیگیان و حکام و وزراء و عمال و داروغگان و کلانتران و متصدیان و ممیزان تفاوت جمع و نو درآمد و کدخدایان و ریش سفیدان و غیره، مباشرین جزو و کل امور دیوانی الگای کوه کیلویه و خان میرزا و سمیرم، حسب المسطور مقرر دانسته من بعد اصلا و مطلقا و به هیچ وجه من الوجوه و به هچ جهتی از جهات دخل در مال وقفی مزبور را ننموده پیرامون نگردند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و محال مذکور را از حشو نتیجه‌ی اخراجات موضوع و مستثنی دانند و به علت مالوجهات حکمی و غیر حکمی و خارج المال و اربابی و رعیتی و مواشی و مراعی و سایر متوجهات و حقوق دیوانی و اخراجات و استصوابیات و عوارضات مسدودة الابواب از علفه و علوفه و قیلغا و سیورسات و الام و الاغ و دست انداز و شکار و پیکار و رسوم داروغگی و رسم المهر و رسم الصدارة و عشر و ده و نیم و رسوم هوایی و رسوم عمال و توجیهات خلافی و سر شممار و خانه شمار و سلامی و ساوری و مهمانی و پیشکشی و عیدی و نوروزی و هوایی و مدد خرج و حواله‌ی تفنگچی و چریک و مقطعی و کندلکار و مشتلق و اسب چاپار و سایر تکالیف به هراسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی بر محال وقفی مزبور ننمایند و اگر فرضا و در وقتی از اوقات حکمی در باب سیورغالات صادر گرد که فی الجمله تکلیفی در آن باشد محال مزبوره را از آن تکالیف نیز معافق و مسلم دانسته سیورغال مذکور را از سایر سیورغالات مستثنی دانند و اعزاز و احترام مباشیرن و رعایت و مراقبت مستأجرین محال مزبور را لازم و واجب شناسند و شکر و شکایتی که زا آن جماعت به عرض اقدس رسد مؤثر دانند؛ صدور عظام و مباشرین موقوفات به هیچ وجه من الوجوه و هیچ وقتی از اوقات دخل در سیورغال مزبور و محال مذکوره نکرده اصلا و مطلقا متعرض نگردند. کدخدایان و رعایا و زارعین و ضابطان و مستأجران محال مزبوره سال به سال متوجهات خود را مهمسازی متصدیان موقوفات مزبوره نموده گفتگویی که فیما بین ایشان واقع شود و قضایایی که سانح گردد سوای قضیه خون که به دیوان اعلی متعلق است در هر عصری که بوده باشد به متصدیان موقوفات مذکور رفع نمایند. مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شناسند و هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند. شهر جمادی الثانیه سنه 1129. گواهی علما بر وقف نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله کما ینبغی بجلاله و یلیق بکماله و الصلوه و السلام علی اشرف المرسلین محمد و المعصومین من عترته و اله و بعد فان هذا الکتاب الصواب و الخطاب المستطاب طوبی للواقف فیه و حسن مآب قد انطوی

على خلاصة ما ادرج فيالوقفية الرفيعة المنيعة الجليلة الموشحة بالتوقيع الارفع الاقدس و الختم الاشرف الاعلى المحلاة بخطوط اعلام العلماء و ارقام الفضلاء المختومة بختم الداعى لا بود الدولة القاهرة الكبرى المستدعى لخلود السلطنة الزاهرة العظمى قد لا حظته مع نسخه الرفيع الاعلى و صنوه المنيع المطاع فالفيته محتويا على جملة ما سطر فى تلک الوقفية الرفيعة الموشحة بالتوقيعات العلية العاليه مشتمله على رمة ما زبر فى الوثيقة الانيقة المحلاة بالسجلات الساميه و الارقام النامية و سمعت الاقرار عن عاليحضرت الواقف المؤيد المسدد الفايز بمحرمية سرادق السلطنة الباهرة لا زالت عارجا معارج الرفعة و الكمال مرتقيا مدارج الدولة و الاقبال بما رقم و ذكر فى هذا الكتاب المقترن بالصدق و الصواب فصرت بمضمونه شاهدا و بمفهومه عارفا و رقمت فيه على الاجمال ما اشهدنى سابقا و لا حقا رعاية لمقتضى الحال فى الثانى و العشرين فى شهر جمادى الاخرة لسنة 1125 داعبا ابود الدولة القاهرة الباهرة الزاهرة العليه العالية الكبرى؛ محل مهر...

لقد اشهدنى عاليجاه الواقف المعظم الراجى للمراحم الكريمة السبحانيه اسوة المعتمدين على سراد قات العتبة العليا العلوية الخاقانية قدوة المؤمنين على خزائن الدولة السنية السميا السلطانية ما برح موردا للعواطف الالهية العوارف الشاهى ةعلى ما انطوى عليه هذا الكتاب المستطاب و هو واحدة من عشر نسخ متابقه اجمل فيها ما فصله فى الطومار الرفيع الاسنى الذى وعت اذنى ما حواه مفصلا و كان هذا فى فواتح شهر رجب افرد من سنة خمس و عشرين بعد مائة والف من الهجرة المباركة كتبه بيمناه الداثرة الخاسرة اقل العباد عملا و اكثر هم زللا محمد حسين شاه محمد التبريزى عفى عنهما - محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد صرت شاهدا بما وفق له الواقف الموید المسدد زاده الله تعالى توفيقا و تعاطيا لا حضعاف ما تيسر له من صنوف الخيرات و ضروب المبرات و سمعت من جانبه بصريح الاقرار و واضح الاعتراف بجيمع ما اندرج فى هذا الكتاب كما سمعت به ما يطابقه و يشهد من الطومار الوثيقة الانيقة المنيعة و جرى عليهما خاتمى و رسمى و كان ذلک فى 12 شهر الله الاصب رجب المرجب من شهور سنه 1125 و كتب بيمناه الداثرة الداعى لدوام الدولة القاهرة الباهرة الزاهرة الظاهرة الابدية؛ حسين بن حسن الجيلانى. محل مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و كفى و سلامه على عباده الذين اصطفى؛ لقد اشهدنى عاليجاه المقرب الخاقان المؤتمن السلطان العارج معارج العز و الكمال المرتقى مدارج الرفعة و الاقبال على ما حواه الكتاب من المبدء الى المآب و كتب

الداعی لدوام الدولة القاهرة الحسینیة الکبری محمد باقر ابن المرحوم المغفور... المشکمور محمد اسماعیل الحسینی عفی الله عنهما بالنبی و الوصی و آلهما، عالیجاه واقف موفق مسدد مشار الیه بعد از آنکه اخبار نمود به آنکه آنچه به موجب و قفنامجات معتبره متلاصقه علیحده و به تواریخ متفرقه و اوضاع مختلف وقف فرموده بود شراط و ارکان آنها بتمامها در آن اوقات به عمل نیامده بود اقرار نمود که در تاریخ شهر ذی قعده‌ی الحرام 1124 که به موجب وقفنامچه دیگر ملصق به آنها وقف جدیدی از او صادر شده و خلاصه‌ی مجموع اوقاف سابقه و لاحقه در این کتاب مشتمل بر بیست و هفت ورق مختومه به ختم داعی که بر ده نسخه شده است ذکر شده جمیع شرایط لزوم موقوفات سابقه و لاحقه متحقق شده است

محمد باقر الحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهدنی عمدة المعتمدین فی الدولة الباهرة القاهر السلطانیة و زبدة المقربین الی سریر السلطنة العظمی الخاقانیة الخازن للخزانة العامرة الواقف الموفق المؤید آقا کمال علی ما نسب الیه فی هذا الکتاب من وقف الاعیان المحدودة حبس الاصول المعدودة علی الشرایط و القیود المذکوره فی کل باب رزقه الله تعالی ثواب اعماله یوم یقوم الحساب و اشهدنی سابقا علی ما فی الصحیفة الاخری و کتب شهادتی فیها موافقا لا قراره فی المرة الاولی و اعترف بتحقیق ما هو معتبر و شرط فی لزوم الوقف و ثبوته بحیث لا یقبل النقص و التبدیل. کتبه الداعی لدوام الدولة القاهرة محمد شفیع الخراسانی فی شهر رجب سنة 1125 - محل مهر

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهدنی عالیحضرت الواقف الموفق المؤید لا زالت اغصان آماله و اعماله الصالحة مورقة و شموس عزه و اقباله من افق التوفیق مشرقه علی مضمون هذا الکتاب کما اشهدنی سابقا معترفا بجیمع ما سطر فیه من اوله الی اخره، فصرت شاهدا علیه فی 29 من شهر جمادی الثانیة سنه 1125 و کتب الداعی لدوام الدولة القاهره زین‌الدین العاملی فهرست چند کتاب وقفی مدرسه

تفصیل کتب مذکوره ذیل که.... حاجی مهدی خان بیک متصدی شرعی مدرسه مبارکه... الشهیر به مدرسه مرحمت و غفران پناه آقا کمال بر طلب.... مذکور وقف در این وقت واقف مشار الیه به اذن.... معلی القاب شهابا الانامی علامی فهامی ملا عبد الله... موقوف علیه داده تسلیم اهل طلبه نموده تحریرا فی.... کتاب تهذیب، کتاب ارشاد، کتاب حاشیه بر مطول، کتاب احقاق الحق، کتاب کلینی، کتاب شفا، کتاب مجمع البیان، کتاب استیصار، کتاب من لا یحضر، کتاب شهر مواقف، کتاب منطق تجرید،

کتاب تمهید القواعد، کتاب مسالک، کتاب شرح قواعد، کتاب تهذیب الاصول....
.... فصیلت و کمالات پناه ملا شیخ جلال الدین محمد رئیس مدرسه‌ی رفیعه سلطان حسینیه که به سرکار خیر مدار وکلاء عالیجاهی مستغنی الالقاب و الاوصافی واقف معظم الیه سپرده و کتب مفصله ذیل را اخذ نموده؛ آنکه مجلدات کتاب بحار الانوار که سرکار نواب عالیجاهی آقائی مدظله العالی خریداری و وقف مدرسه‌ی مبارکه سلطان حسینیه نموده‌اند، بدین موجب است: جلد اول، سیم، (چهارم ندارد) پنجم، ششم، هفتم، نهم ایضا نهم، دهم، سیزدهم، هیجدهم، آنچه از سرکار عالیجاه آقائی مدظله العالی خریداری و وقف مدرسه مبارکه مزبوره نموده‌اند: کتاب نهج البلاغه یک جلد، کتاب دروس تمام درسه جلد، کتاب کفعمی یک جلد، کتاب وافی تمام در پنج جلد، وسائل الشیعه در شش جلد؛ کتب مذکورات فوق به مدرسه‌ی مبارکه مزبوره آورده شده و در نزد داعی جلال الدین محمد است. پی نوشت: 1- نک: سیاحتنامه‌ی شاردن ج6 صص 404-400، سازمان اداری حکومت صفوی، مینورسکی ص 107.
2- تذکرة الملوک ص 29 درباره خزانه شاه، کیفیت گردآوری امال و خزانه دار شاه سلیمان که آقا کافور نام داشته نک: سیاحتنامه شادرن ج 6 صص 310 - 308.
3- تذکرة الملوک ص 29.
4- سازمان اداری حکومت صفوی ص 107.
5- این چکامه همراه مقالات دیگر یا با عنوان «علل بر افتادن صفویان در مکافات نامه» در حال انتشار است.
6- گنجینه آثار تاریخی اصفهان صص 804 -803.
7- وقایع السنین و الاعوام ص 557.
8- گنیجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان ص 694.
9- کمال آباد مساوی 1119؛ نک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان ص 695.
10- گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان ص 711.
11- نمل /40.
12- در اینجا نام برخی از محلات و دکاکین برده شده که در فهرست رقبات موقوفه در داخل متن آمده است.
13- یا قلیغا یا قنغلا: نوعی مالیات که برای پذیرایی عمال حکومت و دیگران وصوف می‌شود (معین).
14- در اینجا نام چند مزرعه آمده که به سختی خوانده می‌شود.
15- این قسمت مطالب صفحه نخست وقفنامه است بر اساس آنچه در عکس نسخه آشکار است که از اطراف خوردگی داشته و افتادگی‌هایی

دارد که بجای آنها نقطه چین گذاشته شده است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

بصروی، حاج محمود

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسجد بصروی
مسجد بصروی کلکته تنها مسجدی بوده که به دست ایرانیان در سال 1830 در منطقه‌ی امام‌باره کلکته ساخته شده است. این مسجد حدود 45 مغازه دارد و مساحت کل آن 5,000 فوت مربع است. این مجموعه موقوفه‌ی مرحوم حاج محمود بصروی یکی از ایرانیان آن زمان بوده و براساس وقف‌نامه، متولیان آن سلسله‌ی نسلهای آینده‌ی آن مرحوم می‌باشد و در حال حاضر متولی این موقوفه میرزا علی عقیل بصروی است
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

بلیانی، شیخ امین الدین محمد

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شیخ امین الدین محمد بلیانی، برجسته‌ترین شخصیت سلسله «بلیانیه» است. خانواده و اجدادش همه از علمای دین و مشایخ عرفان بودند. نسب او تا شیخ ابوعلی دقّاق نیشابوری؛ عارف بزرگ قرن چهارم چنین است:
شیخ امین الدین محمدبن زین‌الدین علی‌بن ضیاءالدین مسعودبن نجم‌الدین محمدبن علی‌بن احمدبن عمربن اسماعیل بن ابی علی الدقّاق (م. 405ه.ق. نیشابور)
شیخ امین الدین در حیات خود مورد توجه خاص سلاطین آل اینجو بود و بزرگانی چون خواجوی کرمانی، حافظ و زرکوب شیرازی ـ مؤلف شیرازنامه ـ مریدوار او را ستوده‌اند. یکی از مریدان شیخ محمودبن عثمان؛ نویسنده کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصَمدیه است که در مقامات شیخ ابواسحاق کازرونی، نوشته شده است.
دو سال پس از مرگ شیخ امین‌الدین (م. 745ه.ق) محمودبن عثمان، کتابی در حالات و مقامات او تألیف می‌کند و نام جواهر الامینّیه بر آن می‌نهد. متأسفانه از این کتاب که اساسی‌ترین منبع در شناخت او و دیگر مشایخ بلیانی است، خبری نداریم؛ و فقط گزیده‌ای از این کتاب که به دست مؤلف انجام گرفته با نام «مفتاح‌الهدایه و مصباح‌العنایه» در کتابخانه اسعد افندی ترکیه موجود است (این کتاب به زودی به کوشش نگارنده به چاپ می‌رسد).
در مفتاح‌الهدایه به احداث چندین بنا؛ چون مسجد، خانقاه، دارالحدیث و دارالشفای مرشدی، سقایه و چشمه بمشق به دست شیخ اشاره رفته است.
سند حاضر که به وقفنامه «چشمه بمشق» و «قنات قرچه» موسوم است، از جمله پنج وقفنامه مربوط به شیخ امین‌الدین است که در اداره اوقاف شهرستان کازرون نگهداری می‌شود. شیخ پس از احداث چشمه و قنات مذکور، هر دو را بر مردم کازرون و خانقاه خود وقف کرده و فرزندش محبّ‌الدین محمد را به تولیت آن برمی‌گزیند.
تاریخ تنظیم اصل وقفنامه، سوم محرم الحرام سال 715 هجری قمری است و سند حاضر در واقع رونوشتی است که بر مبنای نسخه اصل در قرن سیزدهم بر کاغذ فرنگی و به خط رقاع نوشته شده است.
اندازه سند 32 در 95 سانتی متر می‌باشد. نکات قابل تذکری در پنج

وقفنامه مربوط به شیخ امین‌الدین وجود دارد که پس از معرفی بقیه اسناد به آن خواهیم پرداخت. در اینجا متن کامل سند را بازنویسی می‌کنیم و شماره هر سطر را در ابتدای جملات ذکر می‌نمائیم تا خوانندگان گرامی در صورت تمایل بتوانند آن را با متن اصلی مطابقت دهند.
بسم اللّه الرحمن الرحیم
1 ـ الحمدللّه الواقف علی السرایر و النیّات الذی یقبل التوبة عن عباده و یأخذالصدقات و وقف علی عباده انواع نعمائه و افاض علیهم اصناف آلائه و فوَّض امر تولیته الی نفسه الازلیّه.
(یک سطر ناخوانا است)
2 ـ و دوام سلطانه تعالی ان یجری فی ملکه شیىء لایشاء و تقدس فی ان یأمر بالمنکر و البغی و الفحشاء والصلوة والسلام علی شمس سماء الرساله و بدرفلک الجلاله سید الانبیاء و سندالاصفیاء المبعوث علی العرب والعجم بالشریعه.
3 ـ السمحاء ابی القاسم محمد المصطفی الذی شهد علی رسالته من کفی به واشهد له الذی اختارهم لتبلیغ امره و نهیه و جعلهم خزنة علمه لاسیّما اخیه واحبهم الیه و وزیره و وصیّه و خلیفته من بعده.
4 ـ سیدالوصّیین و نظام‌الدین ابی الائمة و سراج الامّة ذی الفضائل والمناقب والمعصوم من المعایب والمثالب امام المشارق والمغارب امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب مخ المکارم واسّ المفاخرـ صلوات‌اللّه و سلامه.
5 ـ علیه و علیهم اجمعین ما تقارب الماء والطین و تقارن الشک والیقین و بعد الحمد والصلوة.
مطلب از تحریر این کلمات شرایع قواعد ارشاد و مقصد اُسّی از تسطیر حقیقة این بنیان کافی بدایة تهذیب ترجمان که
6 ـ تفسیر الفاظ و معانی بیان آن کشاف مفصّلات دین مبین و تأویل حروف و تبیان آن، حلاّل مشکلات شریعت سیدالمرسلین است، ذکر و بیان آن است که چون بر ضمایر اکسیر مآثر مهتدیان طرق نجات از عباد ابرار
7 ـ واضح و لایح است که دار دنیا محلّ حوادث و آفات، به عرصه انهدام لذّات و شهوات و درصدد فنا و فوات است؛ بجز آنکه بر مضمون حقیقت مشحون «الدنیا مزرعة الاخرة» پیوسته در آن تخم امل از حسن عمل
8 ـ بکارند، چاره. و به غیر آنکه بر مفهوم حدیث صحیح «مالک عن مالِک الاما اکلت فاقیت و لبست فابلیت او تصدقت فابقیت» و مصداق «اذامات ابن آدم انقطع عمله الاّ عن ثلث: صدقة جاریة و علم ینفع
9 ـ به و ولدصالح یستغفرله» به ایصال مال و نعیم دنیوی که معرض زوال، بل عین فتنه و وبال است؛ حیث قال «انما اموالکم و اولادکم فتنة» و صرف آن در مصارف خیرات و مبرات، ابواب سعادت دنیا و عقبی بر روی

10 ـ خویش گشاده دارند تا در «یوم لا ینفع مال و لا بنون الاّ من اتی اللّه بقلب سلیم» از گرداب مخوفات و عثرات رحمت دایمه یزدانی و مکرمت شامله ربّانی، مصون و محفوظ مانند، گریزی نه.
بناءً علی هذه
11 ـ المقدمات، از جمله مرتقیان معارج توفیق، جناب قطب الاولیاء و المحققین، برهان الاصفیاء و المدققین، معبرالخلایق الی طریق الحق و ارشاد، محرم کعبة التوحید، سراللّه الملک المجید، سباح
12 ـ بحرالولایة و سیاح بیداءِ الهدایة، کهف العاملین، السیدالاید الجید الموبد الموید من عنداللّه الملک الملک الولی. حاجی سید امین الحق والشریعة والحقیقة، ناصح فیمابین المسلمین محمد
13 ـ البلیانی الخراسانی ـ ادام اللّه بقائه ـ که هر یک از فقرات حقیقت بیّنات را نصب العین خود ساخته، قبل از وقوع واقعه ضروریّه در تهیه اسباب سفر معاد پرداخته بر معارج
14 ـ خیرات و مدارج مبّرات غبّ حضور و رضا بما سیأتی؛ وقف صحیح مؤبّد شرعی و حبس صریح مخلّد ملّی گردانید، موازی یک رشته قنات موسومه به قرچه و چشمه بمشق مشهوره
15 ـ به وادی که بِهر دو احداثی خود می‌باشد. قنات موسومه به قرچه را وقف عام بعبارة اُخری وقف بلده طیبه کازرون و چشمه بمشق را وقف خاص اعنی بر بقعه علیّه و روضه حلّیه خود ـ صینت عن حوادث‌الدهر
16 ـ و مکاره القرون ـ که نخرند و نفروشند و نبخشند و به میراث برنگیرند و مرهون نسازند و عقد صلح بر آن جاری نسازند و از حاصل آن با غیر مصالحه نکنند و در ابقاء آن کوشیده؛ تغیّر
17 ـ و تبدیل به قواعد آنها راه ندهند؛ الی ان یرث اللّه الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.
و جناب سید جلیل القدر معظم الیه بعد از وقف و حبس آنها تخلیه ید نمود و از تصرّف خود اخراج کرد. و تولیت وقف موصوف.
18 ـ مفوّض و مرجوع ساخت به اولاد ذکور خود اعنی حضرت سیادت و نجابت پناه نقابت و هدایت دستگاه، شمسا للسیادة والنجابة والمعالی، اعلم العلماء والمحدثین، امام الملة «محب الدین محمد» و هکذا ما تعاقبوا
19 ـ و تناسلوا و ان فقدالذکور کلاً تولیت متعلق است به ذکور اناث، هلّم جرّا. و اگر نعوذباللّه. اولاد ذکور اناث انقطاع یابد، متعلق است به اناث اناث. و بر تقدیر انقراض اولاد متولی ـ نعوذ باللّه من ذلک ـ
20 ـ تولیت متعلق است به اصلح اولاد ذکور قطب ربّانی و عارف صمدانی جناب مرتضوی انتساب عمویی ام سید عبداللّه بلیانی ـ قدس اللّه سرّه ـ به همان نهج مذکور و دستور مسطور. و اگر عوذا باللّه آن هم
21 ـ منقرض شود، مفوض است به عالمی از علمای ملّت ناجیّه امامیّه از

علمای بلده طیّبه کازرون و جناب واقف موفق، صیغه شرعیّه در وقف مزبوره منعقد گردانید و به قبول من جازله القبول فی مثله مقرون ساخت.
22 ـ و به قبض من یعتبر قبضه فی نحو ذلک، شرعا داد. وقفی صحیح مخلّد شرعی قویّ البنیان و حبسی صریح مؤبد دین قویم الارکان و لیس لِاَحدٍ من خلقِ اللّه من یؤمن به و بآیاته، تبدیل مارقم.
23 ـ فی هذه النمیقه. فان غیر احد و سعی فی التبدیل، او اشاد الیه اواعان المغیّر فیه، فعلیه لعان اللّه و الملائکه والناس اجمعین. لا یقبل منه صلوة ولا صوم ولا فرض ولانقل. فمن بدّله بعد.
24 ـ ما سمعه فانّما اثمه علی الذین یبدلونه. ان‌اللّه سمیع علیم و حرّر ذلک فی ثالث شهر محرم الحرام من شهور سنه خمسة عشر و سبع مائه من الهجرة النبویة المرتضویة المصطفویة علیه الاف السلام والتحیّة.
سجلات وقفنامه
الف: بسم‌اللّه الرحمن الرحیم
الحمدللّه علی ما فی البال و الکبیر المتعال والصلوة والسلام علی خیر من نطق بالصواب و، وصیّ بحسن الاصال و بعد قد اعترف الواقف المعظم النبیل الموفق بتوفیقات، ربّه الجلیل بصحّة ما سطر فی هذه الورقه و رقم فی هذه النمیقه من الوقف الصحیح، الشرعی والحبس المؤبد الملّی و تعیین المتولی لدی الجانی.
ب: بسم‌اللّه الواقف علی السرایر والضمایر
الحمدللّه الذی منّ اولیائه بالصدقة المدائمه بالخلد والجنان و رضی عنهم و وعدهم بالنعیم المؤید والسعادة، الموبّد.
السّرمد من فرط اللطف والاحسان والصلوة والسلام علی من شرفّه اللّه علی کافئة من الرسل، بالانس والجان بمحمد واله المعصومین الذین تشرفت بهم بنوعدنان و بعد فقد جری الاعتراف، الشرعی والاقرار المرعی عن الواقف الموفق المعظم الیه ـ کرّم اللّه له بالقبول والرّضوان بما نسب الیه، لا یعتریه شک و لاریب ولا نقصان، کتبت فی شهر محرم الحرام من سنة المذکور فی المتن الراضی الی ملک الغفور.
ج ـ هو
الحمدللّه الذی ذرف بلطفه عیون المعارف من قلوب العارفین علی بلد تمحی اطلالها من غوایة، الغاوین. فتردی بها عطاشها الی یوم الدین والصلوة والسلام علی امین‌الدین محمد المصطفی المجتبی، الامین و علی علیّ اعلی معارج العزّ والعلی، غیاث‌الدین و مقصود اهل الیقین و امام، الدین امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب و آله و اولاده المعصومین و عترته الطاهرین، و بعد لا یخفی علی ذوی الدرایَة والبهی قد صدرالاعتراف عن الواقف الموفق، الجلیل النبیل. الواقف باهوال یوم المواقف بما نسب من لزوم الوقف و تفویض التولیة، و بعد اطلاعی علی ما سطر، کتبت المحلّة

الشرعیه الدالة هذه متنا لحقیة المتولی فیه و خلّی، یده عن‌التصرف و اخرج عن ملکه خالیا من التعسف، لدی الفانی الرّاجی.
د ـ بسم‌اللّه الواقف علی السرایر والضمایر
الحمد لواقف لایقف علی کنه ذاته سواه والشکر لموفق لایصل عبد الی طریق الحق الابهداه،والصلوة علی رسوله الهادی الی منهج الصواب دینه القویم محمدالداعی الی ما فیه الخیر والثواب، [شرعة المستقیم، حبیب‌اللّه المبعوث بالخلق العظیم و علی آله العظام و عترته حفظه مراسم دینه]، الی یوم القیام. فقد وقف الواقف الخیّر الخبیر. الموفق للخیر. ضاعف‌اللّه توفیقه ما، وفق به وقف لها وقف علی ما وقف حسبما رقم فیه لدیّ.
شاهدان نسخه اصل
1 ـ شهدت بذلک من الوقفیة والتولیه. ابن علی
2 ـ شهدت علی ذلک من الوقفیة والتولیة... اللّه دانیال بلمینی
3 ـ بشهادةالعبد الاقل من الوقفیة والتولیه، العبد محمدعلی‌ولد جمال بلیانی
4 ـ شهد بما زبر فیه علی شاه بن محمد بلمینی
5 ـ شهدت بمضمونة من الوقف والتولیة حسین علی ولد جعفر بلیانی.
6 ـ شهد بمضمونه من الوقفیه والتولیه العبد الجانی عبدالملک بیضایی
7 ـ شهد بما رقم فیه العبدالاقل حاجی ابراهیم اصفهانی.
8 ـ شهدت علی ذلک العبدالاقل شاه‌کرم ولد جعفر بیضایی
9 ـ شهد بذلک من الوقفیة والتولیة العبد الاقل عبدالکریم بن محمودشاه خراسانی
10ـ مسکینان کمترین فخرالدین ملک احمد و جمال‌الدین ملک حسین و شرف‌الدین حسن سامغانی از واقف خیر مواقف ـ زید عمره و درجاته ـ اقرار به وقفیة و تولیت و تصرف متولی استماع نمودیم.
11 ـ شهدت بما رقم فیه من الوقفیّه والتولیة العبد ابراهیم‌بن خلیل بوانی.
12 ـ بشهادة العبد الاقل من الوقفیة والتولیة جمال ولد علی بیضایی.
13 ـ انا من الشاهدین بمضمونة علیّ‌بن عاصم.
14 ـ شهد بذلک من الوقفیة والتولیة والتصرف ملک حسین بن محمد شاه بوانی.
15 ـ اقرّالواقف ـ زید درجاته ـ بصحة ما رقم فیه حرره‌الخاطی ابن عبدالکریم، هادی.
16 ـ جناب عظیم الشأن واقف خیر مواقف به آنچه مرقوم شده، از وقفیت و تولیت و تصرف متولی نزد افقر عباد اعتراف نمود. اقل خلق‌اللّه محمدحسین.
17 ـ سمعت و شهدت علی ذلک محمد تقی الحسینی.
18 ـ جناب واقف معظم الیه نزد کمترین بندگان اقرار به وقفیت و تولیت و

تصرف متولی نمود. العبد الجانی ابن مقصود.
19 ـ بشهادة العبدالاقل محمود موسوی.
20 ـ قد وقف المواقف. الواقف باهوال یوم المواقف الموفق بتوفیق الواقف علی السرایر و الضّمایر الموقوف المسطور علی نهج المسفور و خلّی یده منه بمحضری.
21 ـ شهد بما زبر فیه محمد مرودشتی
22 ـ بشهادةالعبد الاقل محمد هاشم مرودشتی.
23 ـ واقف خیر مواقف کمترین بندگان از این بزرگوار سماع و استماع نمودیم. العبدالجانی.
24 ـ شهدت علی ذلک منصور فیروز آبادی.
25 ـ وقع الواقف الجلیل للوقف الماءان و قبض بالتخلیه واعترف بصحته عندی.
26 ـ ما ذکر فیه واضح عندی. العبدالاقل جمشید فیروزآبادی.
27 ـ کتب العبدالاقل شهدت علی الوقفیة والتولیة والتصرف، العبدالاقل ابن محمودشاه.
28 ـ مارقم فی هذه النمیقه واضح عندی. الاقل خلیفه ابن علی نقی الحسینی.
29 ـ قد اعترف ـ زیدت مرتبته و توفیقاته بالتوفیق و مایتوقف علیه لزومه علی وقف... کما زبر فیه متنا ـ مهر
30 ـ شهدت علی ذلک العبد الخاطی محمد...الطباطبایی.
31 ـ الحمدللّه الواقف علی الضمایر، والصلوة علی من لانبی بعده محمد واله الاطهار و بعد فقد اعترف الواقف الموفق بما جری منه لدی.
32 ـ قد اقرّالواقف المعزز ـ حفظه اللّه تعالی ـ بما اقم فی هذه لدی الجانی ـ.
33 ـ قد اعترف الواقف الجلیل النبیل ـ ادام اللّه عمره ـ... بما زبر فیه لدی الجانب ـ.
34 ـ قد اعترف الواقف المحترم الموفق بما سطر فیه من الوقف الصحیح و حبس‌الصریح والتولیة والتصرف لدی الجانی الخاطی...
35 ـ قداعترف الواقف المکرم بصحة ما رقم فی الکتاب المستطاب من المبدأ و المآب لدی الجانی ـ ابن علی نقی.
36 ـ قد اعترف الواقف المعظم ـ سلّمه اللّه تعالی ـ لدی الجانی ـ محمد خان افشار. شاهدان و تأیید کنندگان نسخه برداری
1 ـ بعد از مقابله و ملاحظه اصل و فرع، فرع مطابق اصل دیدم و خلافی ندارد. العبد المجرد ـ مهر (عبده محمدبن حسین...)
2 ـ وضح لی وصح عندی انّ الفرع هذا مطابق لاصله. حِررته الشاهد العبد الفانی ـ مهر (... بن عبداللّه سهاءِالدینی).

3 ـ لا حظت هذاالفرع مساو لاصله ولاریب فیه العبد العاصی. مهر (العبد المذنب قاسم).
4 ـ طوبق ذا واصله فوجد ناهما سیّان ولاریب فیه. العبد ـ مهر (العبد محب الدین هاشم)
5 ـ بعد از مقابله و ملاحظه اصل و فرع، فرع را مطابق اصل دیدم و خلاف ندارد العبد المذنب ـ مهر.
6 ـ غب...من...صح لی و...الفرع...
7 ـ طابقت هذاالفرع مساو مع اصله ولاریب فیه العبد الراجی. مهر (عبدالراجی محب‌الدین عبدالسلام)
8 ـ سواد و اصل مساوی می‌باشد و خلافی در آن نیست. حرره‌الراجی ـ مهر (یا امام حسین)
9 ـ بعد رعایت المقدمات من المقابلة هذا... هذا مع اصله مطابق ـ مهر (العبد المذنب حسین...)
10 ـ وضح لی...
11 ـ کذلک نحن شاهدین. الرّاجیون مهر (...فخرالدین...)
12 ـ بعد از مقابله [فرع و اصل] وقفنامچه معتبره، سواد را مطابق اصل یافتیم و خلافی در میان...حرره‌الجانیون. دو مهر
13 ـ طوبقنا و قوبلنا ذامع اصله فوجد ناهما مساویان حرره‌العاصیون الراجیون شش مهر (مهدی بن محمد...) (...علی...) (...نجم‌الدین‌شاه...).
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

بی‌بی شهربانو

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حسینیه‌ی شیرازی
این حسینیه به مساحت 350 متر مربع در منطقه‌ی ریچ‌من تون بنگلور قرار دارد و زمین آن 110 سال پیش از جانب همسر مرحوم حاج میرزا علی عسگر شیرازی به نام مرحومه بی‌بی شهربانو وقف حسینیه شد.
متولی فعلی حسینیه حاج میرزا محمدمهدی است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

بی‌بی فضل النساء

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
موقوفه‌ی مرحومه بی‌بی فضل النساء حسینیه‌ی بی‌بی انارو
حسینیه‌ی بی‌بی انارو به مساحت 75 هزار فوت مربع موقوفه‌ی مرحومه بی‌بی فضل النساء است. این حسینیه در سال 1833 میلادی در میدان پارک شهر کلکته تأسیس شده است. مرحومه بی‌بی فضل النساء از شیعیان ایرانی الاصل بود.
اعضای تولیت حسینیه بی‌بی انارو عبارتند از 1- حاج محسن علی شیرازی و 2- حاج فاضل اما رضوی.
این حسینیه ملحقاتی ندارد و هزینه‌های آن از سوی مردم تأمین می‌شود.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

بیگلربیگی، حاجی عیسی خان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجموعه سید اسماعیل شامل امام زاده، آب انبار، بازار و میدان سید اسماعیل و مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله است. هسته اصلی و مرکزی این مجموعه، آرامگاه امام زاده سید اسماعیل، منسوب به اولاد امام علی النقی (ع)، می‌باشد. کاشی‌های زرین فام روی مرقد و وضع اسقرار مرقد در گنبد خانه کنونی - که نسبت به مرکز تقارن بقعه فعلی جا به جاست - بر وجود عناصر ساختمانی قرون هفتم و هشتم هجری بنای امام زاده سید اسماعیل دلالت می‌کند هم چنین کتیبه روی در منبت کاری شده‌ی بنا نشان می‌دهد که ساخت در مزبور، در تاریخ غره جمادی الاول سال 886 ق به اتمام رسیده و این تاریخ، قدیم ترین تاریخی است که درباره ابنیه قدیمی داخل شهر تهران سراغ می‌رود. به همین دلیل بنای امام زاده سید اسماعیل برای شهر تهران واجد امتیاز مخصوصی است عناصر ساختمانی گنبد خانه فعلی امام زاده سید اسماعیل را می‌توان به تغییرات و تحولات ساختمانی بنا در دوره صفوی نسبت داد که براساس آن گنبد خانه کنونی در محل بقعه قبلی با وسعت بیشتری برپا شده است کتیبه ایوان و در منبت کاری قدیمی امام زاده از آخرین تحولات مهم ساختمانی این بنا به وسیله حاجی عیسی خان بیگلربیگی، حام دار الخلافه تهران، یاد می‌کنند. وی در سال 1262 ق ضمن مرمت و تجدید بنای گنبد خانه، صحن، گل دسته‌ها، رواق و ایوان آن را احداث می‌کند. حاجی عیسی خان بیگلربیگی در سال 1261 ق، به میرزا موسی وزیر اجازه می‌دهد تا در ملک شخصی خود - که شامل زمینی به مساحت هزار و شش صد متر بوده - آب انبار عظیمی را بنا کند. (متن وقف نامه آب انبار سید اسماعیل) این آب انبار به سبب هم جواری با بقعه زیارتی سید اسماعیل از همان ابتدای ساخت به نام آب انبار سید اسماعیل مشهور می‌شود.
پیش از ساخت آب انبار مذکور و تحولات عمده ساختمانی بنای امام زاده سید اسماعیل در دوره حکومت محمد شاه قاجار، بیشتر اراضی محله چال میدان را گورستان و چاله‌ها - از چاله‌ها به عنوان زباله دانی استفاده می‌شد - تشکیل می‌داد. شکل گیری آب انبار و تحولات ساختمانی بنای امام زاده باعث از بین رفتن گورستان و چاله‌ها و ساخت راسته بازار سید اسماعیل و دکان‌های اطراف میدان کاه فروش‌ها (سید اسماعیل امروزی) و دو دالان منتهی به امام زاده به جای آنها شد. یاد آور می‌شود که وجود

تعداد زیادی از این مغازه‌ها و واحدهای تجاری را باید مرهون علت پر اهمیتی تحت عنوان وقف هم دانست ؛ چرا که بسیاری از این دکان‌ها احداث شدند تا از محل درآمد آنها مخارج ضروری امامزاده و آب انبار تأمین شود. بدین ترتیب تاریخ ساخت بازار سید اسماعیل مربوط به اواخر دهه 1250 ق یعنی، تقریبا هم زمان با آخرین مرحله تحولات عمده ساختمانی امام زاده و ساخت آب انبار سید اسماعیل می‌باشد. هم چنین وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل در سال 1259 ق از این بازار تحت عنوان «بازارچه جدید الاحداث موسوم به سید اسماعیل» یاد می کند. با احداث این بازار و به وجود آمدن یک مجموعه با سه قطب قدرتمند مذهبی، تجاری و اجتماعی ضرورت ایجاد یک مرکز آموزشی و فرهنگی نیز احساس می‌شد و همین امر فیلسوف الدوله را در سال 1322 ق به ساخت مدرسه علمیه‌ای در یگانه فضای خالی مجموعه، یعنی قبرستان ضلع جنوبی امام زاده ترغیب کرد. بنابراین آخرین عنصر کارآمد مجموعه، مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله، نیز بر پیکره آن افزوده شد.
براساس وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل حاجی عیسی خان بیگلربیگی در ماه ربیع الاول سال 1259 ق همگی ملک متصرفی همسرش، عفت الملوک، را - که شامل کاروان سرایی در میدان کاه فروش‌ها و تعدادی مغازه در میدان مذکور و بازار سید اسماعیل و هم چنین چندین قطعه زمین واقع در کوچه سید اسماعیل و خیابان مصطفی خمینی (سیروس سابق) بوده است - در ازای پرداخت چهارصد و پنجاه تومان از وی خرید. حاجی عیسی خان در همان
تاریخی تمامی املاک خریداری شده را بدین صورت وقف می‌کند که درآمد و منافع حاصل از آن‌ها به وسیله متولی زمان صرف برگزاری مراسم عزاداری ابا عبدالله الحسین (ع) در تکیه امام زاده سید اسماعیل شود. واقف تولیت موقوفات یاد شده را به فرزند ذکور ارشد خود، محمد جعفر خان، و پس از او به محمد یوسف خان، فرزند محمد جعفر خان، واگذار می‌نماید که به همین ترتیب تولیت به فرزند ذکور ارشد هر متولی متوفی از نسل واقف می‌رسد. اگر متولی متوفی فرزند ذکور ارشد نداشت و یا فرزندانش همگی اناث بودند، تولیت با برادر وی به شرط ارشدیت می‌باشد. حاجی عیسی خان بیگلربیگی برادر زاده‌اش، سلیمان خان، را نیز به عنوان ناظر مخصوص بر امور فوق انتخاب می‌نماید که پس از وی این منصب متعلق به فرزندان شخص نام برده خواهد بود. (متن وقف نامه تکیه امام زاده سید اسماعیل) .
سرای حاج هادی، یگانه‌سرای بازار سید اسماعیل، در اصل کاروان سرایی متعلق به دوران قاجار بوده با کاربری ترخیص بار که دور تا دور صحن آن حجره‌ها، طویله و بهاربند جای داشته است. در ماه ربیع الثانی سال 1264

ق، شخصی به نام حاج علی اصغر تهرانی، فرزند حاج هادی، تمامی ابنیه و حجره‌های کاروان سرای مزبور را وقف کرده است. به استناد وقف‌نامه این کاروان سرا ضروری است که بخشی از منافع و درآمد املاک فوق صرف مخارج ضروری خود آنها شود و ما بقی نیز در راه کمک به افراد تهی دست، برگزاری مراسم تعزیه خوانی و انجام کارهای خیر صرف شود. حاج علی اصغر تهرانی تولیت موقوفات یاد شده را به فرزند ذکورش واگذار نموده که به همین ترتیب تولیت به فرزند ذکور هر متولی به شرط رسیدن به بلوغ و داشتن بصیرت می‌رسد. اگر متولی متوفی صاحب چند فرزند ذکور بالغ باشد، تولیت بین آنها تقسیم می‌شود ؛ چنان چه فرزندان متولی متوفی همگی اناث بودند، تولیت با اولاد ذکور از اناث می‌باشد. در صورت انقراض نسل واقف، تولیت به حاکم شرع جامع الشرایط می‌رسد. هم‌چنین حاج علی اصغر تهرانی امام جماعت وقت دار الخلافه تهران، شیخ محمد سلمه، را به عنوان ناظر بر امور فوق انتخاب می‌نماید که پس از وی این منصب متعلق به اولاد ذکور شخص نام برده خواهد بود. (متن وقف نامه سرای حاج هادی).
امروزه این کاروان سرا نیز همانند سایر کاروان سراهای درون بازار هویت اصلی خود را از دست داده و به مکانی برای فروش کالا تبدیل شده است ؛ به طوری که به مرور زمان تمامی عناصر اصلی و قدیمی سازنده صحن آن تخریب و در عوض مغازه‌هایی جدید در دو طبقه بدون هیچ گونه ارزش معماری احداث شده است. خوشبختانه در سال 1382 ش دالان سرای حاج هادی و مغازه‌های اطراف آن به همان صورت اصلی و قدیمی‌شان مرمت و تعمیر شده و بدین صورت قسمت مذکور از مهلکه بی اصالت شدن نجات یافته است.
گفتنی است که تعمیرات و تغییرات انجام شده در راسته بازار سید اسماعیل در عصر حاضر - به غیر از تعمیرات داخل حجره‌ها - به این شرح است:
1 - تخریب نیمی از سقف قدیمی راسته بازار فوق و پوشاندن آن با شیروانی و ساخت طبقه‌ای جدید برروی مغازه‌های این قسمت در اواخر دهه 1350 ش ؛
2 - مرمت پوشش طاقی و قدیمی راسته بازار سید اسماعیل در دهه 1360 ش ؛
3 - ساخت بازارچه سید اسماعیل در ضلع جنوبی بازار سید اسماعیل در دهه 1350 ش ؛ برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

ترکان خاتون

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
اوقاف قراختاییان کرمان
دولت قراختاییان کرمان - از حکومت‌های محلی ایران در قرن هفتم هجری - در حدود سال 620 ه ق به وسیله‌ی براق حاجب از وابستگان و پیوستگان دربار خوارزمشاهیان تأسیس شد. از آنجا که براق اصلا از اتباع قراختاییان حاکم بر ماوراءالنهر و ترکستان بود دولتی که او در کرمان تأسیس کرد به قراختاییان کرمان موسوم شده است.
هنگامی که براق با برادرش خمیتبور و جمعی از اطرافیان قراختایی خود، دولتش را در کرمان بنیاد می‌نهاد، اوضاع ایران به دلیل حملات سهمگین مغولان به فرماندهی چنگیزخان سخت نابسامان بود. فرزندان سلطان محمد خوارزم شاه چون غیاث‌الدین و جلال‌الدین نیز سخت در تکاپوی کسب مجدد قدرت و حفظ سلطنت خویش بودند. در این حال براق حاجب کوشید از این شرایط به نفع خویش برای تأسیس دولتی مستقل در کرمان بهره ببرد. تا سال 628 ه ق که سلطان جلال‌الدین خوارزم شاه بر سریر قدرت بود و خوارزم‌شاهیان تکاپویی داشتند، براق حاجب به ملاحظه‌ی قدرت آنان، طریق مماشات را در بین آنان و مغول‌ها در پیش گرفت. سپس از سال 628 تا 632 ه ق که دور جدید حملات مغول به ایران به فرماندهی اگتای قاآن بود براق به زد و بند میان مغولان و عباسیان مشغول شد. به طوری که از خان مغول لقب قتلغ خان دریافت کرد و از جانب خلیفه‌ی بغداد صاحب لقب نصرت‌الدین گردید. با این حال و در پایان این دوران براق حاجب سرانجام به اطاعت از مغولان گردن نهاد. این امر زمانی صورت

گرفت که حکومت و حیات او در سال 632 ه ق به آخر رسید.
اینکه براق حاجب علی‌رغم تمایل به تأسیس حکومتی مستقل، همواره متکی به قدرتی خارج از کرمان می‌شد بدین دلیل بود که حاکمیت او در آن خطه با هیچ یک از معیارهای سیاسی مورد قبول آن عصر برای تأسیس یک دولت انطباق نداشت. کرمان در اوایل قرن هفتم هجری توسط خوارزم‌شاهیان تصرف شد و غیاث‌الدین پیرشاه فرزند سلطان محمد خوارزم‌شاه حاکم و مالک آن ایالت گردید. براق که از جانب غیاث‌الدین اداره‌ی کرمان را در دست داشت، در حقیقت با کفران نعمت، غاصبانه

کرمان را زیر سلطه‌ی خود گرفت. او برای کوتاه ساختن دست غیاث‌الدین از کرمان زمانی متوسل به جلال‌الدین خوارزم‌شاه شد و حتی برای کشتن غیاث‌الدین تلاش کرد اما نتیجه‌ای از این اقدامات نگرفت، راه عصیان و طغیان در پیش گرفت و به گونه‌ای خیانت‌بار در جدال جلال‌الدین با مغولان جانب مغولان را گرفت. تماس محدود براق - که شخصی تازه مسلمان به شمار می‌آمد - با خلافت عباسیان نیز در حدی نبود که مقبولیتی در جامعه‌ی مسلمانان برایش به وجود آورد و منابع نیز در این باره ساکت‌اند جبران این نقص را در زمان حکومت پسر و جانشین او رکن‌الدین خواجه جوق می‌توان دید. توضیح آنکه پس از مرگ براق برادرزاده‌ی او، قطب‌الدین، قدرت را در دست گرفت. آن هنگام رکن‌الدین پسر براق در راه عزیمت به دربار اگتای قاآن بود. او در برگشت از مغولستان فرمان حکومت کرمان را برای خود به همراه داشت. لذا حکومت قطب‌الدین فقط یک سال دوام یافت.رکن‌الدین از سال 633 تا 650 ه ق بر کرمان حکم راند. قطب‌الدین نیز به فرمان خان مغول احضار شد و حدود هفده سال به همراه همسر خود ترکان خاتون در ماوراءالنهر به سر برد.
رکن‌الدین خواجه جوق در مدت هفده سال حکومت خود بر کرمان، جانب رعایای آن سامان را گرفت. عمال دیوانی کرمان را با خود همراه ساخت و در همان حال درویشان و عالمان و زاهدان آن خطه را از خود خشنود کرد. او برای این منظور درآمد دیوانی کرمان را به خدمت گرفت و از اعمال فشار برای گرفتن مالیات از مردم خودداری ورزید. او هرچند از جانب مغولان حمایت می‌شد اما با خلافت بغداد نیز مناسباتی داشت. مجموعه‌ی این اقدامات، کمبودها و نقایص حکومت براق را از دیدگاه جامعه‌ی مسلمانان جبران می‌کرد. اما این روش تا آن هنگام ادامه یافت که مغولان از حکومت کرمان توقعات مالی نداشتند و نسبت به خلافت عباسیان با مدارا و مماشات رفتار می‌کردند. لذا در حدود سال 650 ه ق در ایام حکومت منگوقاآن سیاست امپراتوری مغول در مورد ایالت‌های ایران و خلافت عباسیان وارد مرحله‌ی جدیدی شد، رکن‌الدین مغضوب شد و سرانجام به جرم تماس با بغداد به قتل رسید، در چنین شرایطی قطب‌الدین با همراهی مؤثر با سیاست‌های جدید امپراتوری مغول که مهمترین نمود آن مشارکت در لشکرکشی هولاکو علیه اسماعیلیان و عباسیان بود به مغولان تقرب جست و در کرمان به قدرت رسید. به قدرت رسیدن قطب‌الدین که همراه با اطاعت تمام عیار از مغولان بود، در کرمان با مشکلاتی روبه رو بود که نمود آن را در تصفیه‌ی شدید عمال دیوانی و کشتن بسیاری از آنها می‌توان دید. حتی از جانب شیوخ و متصوفه و اهل دیانت کرمان اقداماتی در مخالفت با قطب‌الدین و به طور کلی مغولان بروز کرد که با آنها نیز مقابله شد. در چنین شرایطی حکومت قراختاییان

کرمان انجام امور خیریه و بنیاد موقوفات را وجه همت خود ساخت که در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت.
دوره‌ی دوم حکومت قطب‌الدین از سال 650 ه ق تا 655 ه ق به طول انجامید. در این مرحله او احداث مدرسه‌ی موقوفه‌ای را آغاز کرد تا ضمن آنکه محلی برای تعلیم و تربیت باشد، از آن مطابق رسم آن زمان به عنوان مقبره نیز استفاده شود. بنای این مدرسه هنوز به پایان نرسیده بود که قطب‌الدین در سال 655 ه ق درگذشت. به دلیل کم سن و سال بودن فرزندان قطب‌الدین، هلاکوخان حکومت کرمان را به همسرش ترکان خاتون تفویض کرد از آن پس تا حدود سی سال بعد از این زن در تاریخ کرمان و برپایی موقوفات قراختاییان نقش اصلی را داشت. ترکان خاتون در اصل اسیری از مردمان قراختایی بود که در سال‌های فتوحات خوارزم‌شاهیان در ترکستان به دست تاجری اصفهانی افتاد مؤلف ناشناس تاریخ شاهی قراختاییان کرمان که کتاب خود را برای ثبت و ضبط موقوفات ترکان خاتون تألیف کرده مدعی است که از همان سال‌های اسارت نام وی حلال خاتون بوده است که درست به نظر نمی‌آید. زیرا قراختاییان اصلا بودایی بوده‌اند و نیز خوارزم‌شاهیان مسلمان نمی‌توانستند زن مسلمانی را برده سازند. به هر حال این زن که از جمال و کمال بهره داشت سرانجام به همسری غیاث‌الدین خوارزم‌شاه درآمد و چون غیاث‌الدین به دست براق حاجب کشته شد، براق که در همان حال اطاعت از مغولان را پیشه‌ی خود ساخته بود با این ادعا که طبق یاسای مغول همه‌ی دارایی و میراث غیاث‌الدین به او می‌رسد ترکان خاتون را هم تصاحب کرد. زندگی مشترک براق با ترکان خاتون دیری نپایید و پس از مرگ براق در سال 632 ه ق قطب‌الدین که حکومت کرمان را به دست گرفته
بود. به نحوی ابهام‌انگیز با ترکان خاتون ازدواج کرد.
پس از مرگ قطب‌الدین، ترکان خاتون عملا فرمانروای کرمان شد. در حالی که هم در خاندان قراختایی کرمان مخالفانی داشت و هم در میان بزرگان کشوری و لشکری آن سامان. او در اولین اقدام خویش مدعی ده هزار دینار از میراث قطب‌الدین شد و آن را مهریه‌ی خود عنوان کرد و چون بدان دست یافت، این پول را صرف ادامه‌ی ساختمان و تکمیل مدرسه‌ی موقوفه‌ی قطب‌الدین ساخت. مؤلف تاریخ‌شاهی می‌نویسد که چگونه ترکان خاتون در اتمام بنای این مدرسه کوشیده است چنانکه «در هفته سه روز به زیارت مدرسه می‌آمد و از حال عمارت تفحص به جهد می‌فرمود« و حتی تا آن درجه در این کار تعجیل کرد که تزیینات مدرسه را با گچ به انجام رسانید که پس از مدتی خراب شد وسپس امر به کاشی‌کاری آن کرد و سرانجام آنچه را که «از جهت صداق به وی منتقل شده بود بر گنبد و مرقد وقف فرمود و قضات به تسجیل وثایق مکتوبات

آن قیام نمودند« در وقف‌نامه‌ای که برای این مدرسه نوشته شد مقرر گردید سهامی از روستاهای شاهیجان، نهر ملکی تروره، خانوک، جنانه جم، چترود و چند روستای دیگر را بدان اختصاص دهند و نیز چهار مدرس، امام و مؤذن و قیمانی برای مدرسه منصوب شدند .
در سال 674 ه ق نیز ترکان خاتون اقدامات وقفی جدیدی برای مدرسه و مقبره انجام داد. از جمله آنکه باغ فیروزی در دشت حرکویه و کاریز دیه فرمتین را بر موقوفات آن افزود.
او تمامی درآمد این رقبات را صرف روشنایی و خدمه، مشایخ و صوفیه‌ی ساکن در مدرسه و مقبره کرد به علاوه او تعدادی از غلامان و کنیزکان خاص خود رادر مدرسه و مقبره ساکن کرد و برای آنان مقری خاصی قرار داد. طبق این وقف‌نامه به غلامان سالانه 720 من گندم و به هریک از کنیزان 500 من گندم اختصاص داده شد.
این مدرسه که در کتاب تاریخ شاهی از آن با عنوان «مدرسه‌ی مقدسه» نام برده شده ابتدا به نام سلطان قطب‌الدین به مدرسه‌ی قطبیه موسوم بود و سپس به نام ترکان خاتون که لقب عصمت‌الدین داشت به مدرسه‌ی عصمیته معروف شد.محل این مدرسه در ابتدا خواجه خضر نام داشته و چون آرامگاه قراختاییان کرمان شد، قبه‌ی سبز نامیده شد. از آنجا که مقبره‌ی این مدرسه تاریخ 640 ه ق را دارد، باید مقبره را به دوره‌ی رکن‌الدین و مدرسه را احداث شده توسط قطب‌الدین به شمار آورد. استاد باستانی پاریزی بنای آرامگاه و مدرسه را مربوط به دوره‌ی براق حاجب می‌داند و کاشی‌کاری سردر و تکمیل مدرسه را به زمان ترکان خاتون نسبت می‌دهد که شاید دلیل ایشان به خاک سپرده شدن براق حاجب در آنجا بوده است.
از آن پس مقام مدرسی و تولیت این مدرسه یکی از مسائل مهم حکومت وقت قراختاییان گردید و به همان اندازه که برای آنان مقبولیت و مشروعیتی پدید آورد اسباب دردسر نیز شد. به دستور ترکان خاتون تاج الملة والدین سدیدی زوزنی در مدرسه قطبیه به تدریس مشغول شد و چون درگذشت مولانا شهاب‌الدین فرزند وی بر جایش نشست. اما شهاب‌الدین تهمتی که مستوجب تعزیر بود بر ترکان خاتون زد که موجب زندانی شدنش در چاه گردید ولی بعدا بخشیده شد و در همان مدرسه مسند تدریس صفه‌ی کتابخانه به او داده شد. اما او پس از مرگ ترکان خاتون باز هم موجب دردسرهایی شد. در سال 675 ه ق که نفسی از علمای بزرگ ماوراءالنهر به کرمان آمد ترکان خاتون مقام مدرسی این مدرسه را به او داد و تولیت مدرسه را به امام تاج الشریعه تفویض کرد اما نابسامانی در ملک و دولت قراختاییان در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم موجب اختلال در کار مدرسه شد و بعدها زلزله و تصرف این و آن

موجب خرابی کامل مدرسه و مقبره شد و اکنون جز اندکی از آن باقی نمانده است .
از دیگر موقوفات ترکان خاتون در دارالاماره‌ی کرمان دارالشفا بود. مؤلف تاریخ شاهی در این باره می‌نویسد که عمارت دارالشفا را در سال 659 ه ق به آخر رسانده و در سال 660 ه ق موقوفاتی را بر آن مقرر کرده است. از آن جمله تمامی درآمد قریه‌ی ورک، شورآباد، زرند و نه پاره بستان نخلستان از بساتین عبدالابد خبیص و دانگی از دیه مویدی بر آن وقف کرد. نیز مقرر شد طبیبی حاذق در دارالشفا به کار مشغول شود و سالانه پنج هزار من گندم تحویل بگیرد و مشرفی که به امور آنجا رسیدگی کند و سالی دو هزار من گندم تحویل بگیرد. همچنین استاد عطار داروشناسی سالانه یک هزار من گندم دریافت کند و سرانجام سه نفر خادم که سالانه هفت صد من گندم به آنها داده شود.
سال 673 ه ق را باید سال اقدامات وقفی ترکان خاتون نامید زیرا در این سال موقوفات متعددی تأسیس کرد، از جمله مسجد جامع درب نو را بنا نهاد و دو دانگ از دیه رادان و دو دانگ از دیه کسری آباد با اسبان اصطبلی که در آن بود بر مسجد وقف کرد و مقرر ساخت که هر ساله از درآمد این دیه‌ها پس از جدا ساختن مصارف مربوط به عمارت و تعمیرات مسجد، سه هزار من غله، دو ثلث گندم و یک ثلث جو به خطیب مسجد دهند، هزار و پانصد من گندم به امام جماعت، هفت صد من گندم به قاریان و

سیصد و شصت من گندم به نقیب جهت دعاگویی روز جمعه بدهند. همچنین هر سال سی و شش من روغن چراغ و هزار من غله جهت عمارت و فرش و طرح مسجد بپردازند و تولیت آن را به پادشاه کرمان سپرد .
ترکان خاتون در اطراف کرمان نیز عمارات و موقوفاتی برپا کرد که کاربرد اصلی آنها در تجارت و مسافرت بود. در دوران فرمانروایی او تجارت کرمان روز به روز رونق بیشتری یافت. این امر دلایل متعددی داشت که از جمله انتقال مرکز تجارت خلیج فارس از کیش به هرمز بود که سر بندر کرمان محسوب می‌شد. از آنجا که در قرن هفتم هجری تهاجمات مغولان صفحات شمالی آسیا از چین تا ایران و شام را در نوردید و نیز جدال‌های طولانی میان جانشینان چنگیز خان در آسیای مرکزی، قفقاز و شمال چین رخ داد تجارت جهانی از طریق اقیانوس هند و خلیج فارس گسترش بیش از اندازه‌ای یافت. برای تجارت در خلیج فارس دو ایالت فارس و کرمان سخت ر رقابت بودند و برای یک دوره که ترکان خاتون فرمانروای کرمان را بر عهده داشت آن ایالت برتری خاصی در امر تجارت به دست آورد. کرمان از یک سو با یزد و اصفهان تجارت می‌کرد و از سوی دیگر با خراسان و هند و اینها همگی با تجارت دریایی کرمان مرتبط بودند.

رونق تجارت موجب توسعه‌ی استخراج معادن در کرمان شد و نیز صنعت پارچه بافی آن ایالت توسعه‌ی چشمگیری یافت ترکان خاتون و دربار قراختاییان کرمان خود این تجارت پر رونق را در دست داشتند. به واسطه‌ی امنیت و آسایشی که او برقرار کرده بود حتی تجار نواحی اطراف نیز به کرمان روی آوردند. این رونق تجارت، احداث ابنیه و عمارت خیریه‌ی وقفی برای سهولت مسافرت تجار کاروانیان و رفاه حال آنان را طلب می‌کرد. بدین منظور ترکان خاتون رباطهایی احداث و بر آنها املاک و درآمدهایی وقف کرد. در آن زمان رباطها که نقش کاروانسرا داشتند نقش مهمی در تسهیل ارتباطات تجاری ایفا می‌کردند. سلاطین سلغری فارس نیز که با کرمان برای تجارت در خلیج فارس رقابت داشتند در این دوران رباطهای متعددی ساختند و موقوفاتی بر آنها مقرر کردند. از جمله رباطهایی که ترکان خاتون برپا داشت در فهرج باغین بود. این روستا در مسیر کرمان به فارس قرار داشت. به دستور ترکان خاتون تمامی درآمد آن روستا وقف رباط شد. همچنین سهم قابل توجهی از درآمد روستای کائوبه از قرای رودان و نیز سهامی از قریه رقاباد را که آن هم از قرای رودان بود بدان وقف گردید. برای اداره‌ی این رباط امام ضیاءالدین حسن را که به صلاح و عفاف معروف بود در فهرج ساکن گردانید تا به مسافران خدمت کند و امام مسجد آن رباط باشد. برای این کار سالانه دو هزار من گندم و دوازده دینار زر رکنی نیز برایش

مقرر شد. برای مؤذن آن مسجد نیز هر سال پانصد من گندم اختصاص داده شد. جهت عمران و آبادی رباط مستخدمی که موظف به پاک کردن پشت بام از برف و بستن و گشادن درب و آگاهی از خراب و آباد رباط اختیار شد و نیز شخصی برای اداره‌ی حمامی که در آن روستا برای رفاه حال صادر و وارد بنا شده بود به خدمت گرفته شد و مقرر گردید برای هر یک سالانه پانصد من گندم به عنوان مزد از محل موقوفه پرداخت شود .
ترکان خاتون بر رباط خضرآباد کوبنات نیز موقوفاتی مقرر کرد و بر رباط کهتاب نیز مجموع سهام قریه‌ی راور را وقف گردانید .
آخرین موقوفه‌ی ترکان خاتون که در تاریخ شاهی قراختاییان ذکر شده مربوط به رباطی است موسوم به رباط کنار خندق. این رباط که در کنار خندق دروازه‌ی خبیص شهر گواشیر و بر طریق محله شاهیجان واقع بود سهامی از دیه جنابه بدان وقف شد تا صرف معیشت شیخ ساکن در آن و امام و مؤذن و دیگر خدم آنجا شود و از صادر و وارد ابنای سبیل پذیرایی گردد. تاریخ این موقوفه سال 65 ه ق بوده است.
در سال 673 ه ق ترکان خاتون موقوفاتی برای تأمین امنیت راه‌ها برقرار ساخت بدین معنی که تمامی دیه کرمانشاهان بر راه کرمان به یزد و

قسمتی از سهام دیه کاتوک رودان و نیز دیه صوفیان از همان ناحیه را وقف بر به کارگیری یک نفر سپاهی با سی نفر زیردست جهت تأمین راه قافله‌ها کرد. در وقف‌نامه‌ای که برای این منظور تنظیم شد مقرر گردید تولیت با پادشاه کرمان باشد و سر کرده‌ی سی نفر سپاهی سالانه پنج هزار من غله به عنوان مواجب دریافت کند وبه هر یک از مستحفظان سی گانه دو هزار من گندم داده شود.
از موقوفات قابل توجه ترکان خاتون وقف درآمد بعضی از املاک بر غلامان و کنیزان خویش بوده است. در سال 669 ه ق حدود نیمی از دیه فهروج و تمامی دیه عصمت‌آباد را بر حدود 29 نفر از غلامان و حدود 35 نفر از کنیزان وقف نمود و مقرر داشت سالانه به هر یک از غلامان هفتصد و بیست من گندم و پانزده دینار زر و به هر یک از کنیزان سالانه پانصد و چهل من گندم و ده دینار زر بدهند. به علاوه طبق وقف‌نامه‌ای که تنظیم شد، مسجل گردید این مقرری پس از مرگ ایشان به فرزندانشان پرداخت شود.
در سال 676 ه ق ترکان خاتون سه دیه آمش و بهر سلیمانی و صعبوجه را که از توابع رودبار و جیرفت بودند وقف بر زنان بیوه و افراد یتیم و معلمان قرآن کرد و تولیت آنرا به پادشاه خاتون دختر خویش که به همسری اباقاخان درآمده بود تفویض کرد ترکان خاتون بر مشایخ بزرگ صوفیه نیز موقوفاتی مقرر کرد. چنانکه در سال 673 ه ق دیه شهرآباد عصمتی را به طور کامل بر سیف‌الدین باخرزی (متوفای 629 ه ق) و دیه ترکان آباد را بر شیخ محقق صلاح‌الدین حسن بلغاری وقف کرد تا مادام که در حیات باشد صرف معیشت وی شود. سیف‌الدین باخرزی از مشایخ معتبر صوفیه و از طریقه‌ی کبرویه بود که در بخارا دفن شد و طرفداران بسیار داشت. شخ حسن بلغاری نیز در عصر ترکان خاتون به کرمان آمد و مردمان سخت به وی روی آوردند .
از دیگر موقوفات ترکان خاتون که از آن مطلع هستیم آسیاب بهرامجرد است. ترکان خاتون این آسیاب و آب آن را از صاحبانش خرید تا درآمد آن برای امام جماعت، مؤذن، مسافران و میهمانان به صورت موقوفه صرف شود.
از آنجا که متن کتاب تاریخ شاهی قراختاییان به عنوان مهمترین منبع ذکر اخبار موقوفات ترکان خاتون، ناقص به دست ما رسیده بدون شک می‌توان گفت که او موقوفات دیگری هم داشته است که از آن اطلاعی نداریم.
پس از مرگ ترکان خاتون در سال 681 ه ق اوضاع کرمان سخت آشفته شد. تا آنکه دخترش پادشاه خاتون برای مدتی به حکومت کرمان رسید. این زن نیز در برپایی موقوفات اقداماتی انجام داده است. اما مهمترین اقدامات او را تولیت موقوفات ترکان خاتون و حل مشکلات اداره‌ی آنها

باید دانست. زیرا پس از مرگ ترکان خاتون مولانا شهاب‌الدین که از مدرسان مدرسه‌ی عصمتیه بود طی فتوایی کلیه‌ی موقوفات ترکان خاتون را باطل اعلام کرد و از جمله فرمان تخریب مسجد درب نو را صادر کرد. پادشاه خاتون بلافاصله با عزل شهاب‌الدین و نصب برهان‌الدین برهان شاه به مقام مدرسی مدرسه‌ی عصمتیه مانع از اقدامات وی شد .
بی‌بی ترکان، خواهر پادشاه خاتون نیز موقوفاتی داشت

که از جمله‌ی آنها وقف قرآنی سی‌پاره بر مقبره‌ی قراختاییان کرمان است. وقف‌نامه‌ی این قرآن که پشت یکی از جروات آن به زبان عربی آورده شده است تاریخ 687 ه ق را دارد .
از اواخر قرن هفتم هجری دولت قراختاییان بر اثر کشمکش‌های درونی و مداخلات امرای مغول و ایلخانان سخت نابسامان شد و از اقدامات وقفی قراختاییان کرمان نیز اخباری گزارش نشده است.
بدین ترتیب موقوفات قراختاییان کرمان اساسا مربوط به زنان این خاندان است و در فاصله‌ی سال‌های 659 تا 687 ه ق صورت گرفته است. با توجه به شرایط سیاسی کرمان و به طور کلی ایران آن زمان که نیمه‌ی نخست حکمرانی ایلخانان را تجربه می‌کرد، حکومت زنان خاندان قراختایی با مشکلات فراوانی روبه رو بود. زیرا از یک سو با رقیبانی سرسخت در کرمان و درون خاندان قراختایی مواجه بودند. و از سوی دیگر جامعه‌ی مسلمان ایران در برابر حکومت مغولان که هنوز اسلام را نپذیرفته بودند و نیز حکومت‌های محلی متحد آنها ایستادگی نشان می‌دادند. دولت قراختاییان کرمان با اتکای به مغول‌ها شکل گرفت و زنانی که از آنان به فرمانروایی رسیدند اساسا محتاج و متکی به حمایت مغولان بودند. لذا کسب مشروعیت و مقبولیت برای این دولت مشکلی اساسی به شمار می‌آمد. تعدادی از فرمانروایان این سلسله مانند براق حاجب و ترکان خاتون و خمیتبور از مسلمانانی بودند که هنوز به طور کامل با شرایط جامعه‌ی مسلمانان منطبق نشده بودند؛ هرچند برای نیل بدین منظور تلاش می‌کردند. برپایی مدرسه و مقبره و گماردن عده‌ای بر آن، انجام امور دینی در آنجا و نیز همراهی با مدرسان و فقها و تجلیل و تکریم از مشایخ صوفیه و اختصاص اوقافی برای این گونه امور می‌توانست در کسب مقبولیت برای آن دولت بسیار مفید باشد. وقف به عنوان اقدامی دینی که خیرخواهی و نوع دوستی در آن تبلور کامل دارد محبوبیت خاصی را برای ترکان خاتون که بیشترین موقوفات قراختاییان را به وجود آورد موجب شد. اما او هیچ‌گاه فرمانروای بلامنازع کرمان نشد. بلکه همواره شریک فرزند خود حجاج سلطان بود یا از جانب او که خاتون، جاری خویش، و فرزندش سلیمان شاه با رقابت و مخالفت روبه رو بود. مقبولیتی که برای او از

رهگذر اقدامات وقفی به دست آمد در موفقیت وی نقش مهمی داشت. در همان حال دولت قراختاییان نیک دریافته بود که اقدامات وقفی تا چه درجه در رونق و آبادی قلمروشان تأثیر دارد. پس از روزگار سلاجقه‌ی کرمان، این خطه همواره دستخوش ناآرامی و نابسامانی بود. در نتیجه برای سالیان دراز نه تنها قدمی برای عمران آن برداشته نشد که حتی بر ویرانی آن افزوده شد. ملک زوزن که از جانب خوارزم‌شاهیان در اوایل قرن هفتم کرمان را متصرف شد حتی املاک وقفی را نیز تصاحب کرد. اما با تأسیس دولت قراختاییان که روزگاری قدرتی به هم رساند فرصت لازم برای آبادی و عمران فراهم آمد. رونق کشاورزی که در پی امنیت و آرامش حاصل شد گسترش فعالیت‌های تجاری و صنعتی را به دنبال داشت. لذا موقوفاتی که بتوانند به توسعه‌ی امنیت راه‌ها و تسهیل حرکت کاروانیان کمک کند مدنظر قرار گرفت. در همان حال افزایش ثروت کرمان موجب رواج معاملات مربوط به اراضی شد. در چنین شرایطی اقدامات وقفی نقش مهمی در حفظ رونق اقتصادی و جلوگیری از دست به دست شدن زمین‌ها ایفا کرد. این مسأله در رابطه‌ی کرمان با دولت مرکزی ایلخانان نیز دیده می‌شود. در فارس، ایالت مجاور کرمان، که آن هم طریق اطاعت از مغولان را در پیش گرفته بود املاک بتدریج به تصرف مغولان درآمد و سرانجام به عنوان املاک اینجو به تملک ایلخانان درآمد. تا جایی که سلسله‌ای به نام سلسله‌ی آل اینجو جای حکمرانان سلغری فارس را گرفتند. اما ترکان خاتون با زیرکی تمام از تبدیل شدن املاک کرمان به اینجو با این گونه اقدامات وقفی جلوگیری کرد. او نیک دریافته بود که دولت مغولان ایران (ایلخانان) در حالی که هنوز اسلام را نپذیرفته بود در برابر نهاد وقف اقدام به دست درازی و تصرف نخواهد کرد. زیرا از همان سال 656 ه ق به دستور هولاکوخان مؤسس سلسله‌ی ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی مأمور سر و سامان دادن به امور موقوفات شد. این امر در حفظ مدارس و مساجد و درس و نماز و دیگر امور عبادی و اجتماعی ایران در عصر هولناک مغولان نقش بسیار ارزنده‌ای ایفا کرد. این امر مورد توجه و تقلید ترکان خاتون نیز قرار گرفت. بدین ترتیب او از یک سو اقدامی دینی انجام می‌داد و از سوی دیگر رابطه با مغولان را حفظ می‌کرد.

ناگفته نماند اقدامات وقفی قراختاییان کرمان را می‌توان از دیدگاه تحلیلی یکی از پیچیده‌ترین ادوار و اقدامات مربوط به موقوفات به شمار آورد زیرا این اقدامات در زمانی صورت می‌گرفت که حکمرانان دولت مرکزی نه تنها مسلمان نبودند بلکه با مسلمانی سر ستیز داشتند و حکمرانان دولت قراختاییان نیز خود نو مسلمان محسوب می‌شدند. اما در همین دره و به وسیله‌ی همین دولت، وقف توانست نقش خود را در صیانت از

نهادهای دینی و حفظ موقعیت مسلمانان، رونق اقتصادی و تداوم سنن دینی و اجتماعی ایفا کند. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

جلالی، سید جلال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قبرستان رحمت آباد
این قبرستان به مساحت 8,000 متر مربع در جنوب شهر بمبئی قرار دارد و 90 سال از سوی شهرداری بمبئی به لحاظ تکمیل شدن قبرستان کهنه جهت دفن اموات ایرانیان و شیعیان مقیم بمبئی اهدا شده است. حجت الاسلام و المسلمین رجبی یکی از روحانیون وقت در 22 فوریه 1988 در آن قبرستان دفن شده است که اکثر ایرانیان به هنگام ورود به قبرستان از مقبره‌ی آن مرحوم دیدار می‌کنند و برای روح او فاتحه می‌خوانند و شدیدا مورد احترام ایرانیان مقیم بمبئی است.
اعضای تولیت قبرستان عبارتند از پروفسور حسینی، محمد آقا شیرازی، باقر شیرازی سید حسین سوداگران، مهدی مندیل و سید جلال جلالی.
شایان ذکر است جنب قبرستان رحمت آباد ایرانیان در بمبئی قبرستان اسرائیلی‌ها قرار دارد که متروکه است و قرار است شهرداری بمبئی آن را به پارک تبدیل کند و به لحاظ وسعت مناسب قبرستان ایرانیان احتمال استفاده‌ی شهرداری از بخشی از زمین قبرستان ایرانیان بعید به نظر نمی‌رسد. البته در این رابطه متولیان قبرستان پیش‌بینی لازم را انجام داده و اطراف قبرستان را دیوار و حصارکشی کرده‌اند. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

جوادی آملی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
استاد فرزانه و حکیم متأله، حضرت آیت‌اللَّه جوادی آملی در سال 1312 (ه.ش) در خانواده‌ای روحانی در شهرستان آمل متولد شدند. پدر ایشان از علما، وعاظ و زهاد مشهور آمل بودند. پس از گذران تحصیلات دوران ابتدایی در سال 1324 (ه.ش) شوق پدر و فرزند به دروس دینی موجب شد تا ایشان در حوزه‌ی علمیه آمل مشغول تحصیل شوند. وی در مدت پنج سال نزد اساتید مبرز و متقی که بعضاً شاگرد مرحوم آخوند خراسانی بودند تا حدی سطوح عالیه‌ی مقدمات، فقه، اصول و حدیث را فراگرفتند. سپس در سال 1330 (ه.ش) از آمل به تهران هجرت نموده و با راهنمایی پدر بزرگوارشان به حضور آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) که از اعاظم عصر بود، رسیدند و از آن طریق به مدرسی مروی راهنمایی گردیدند و سطوح عالیه و معقول را در آن محضر شریف فراگرفتند. این سیر علمی تا سال 1335 (ه.ش) ادامه یافت و در آن دوره، کتابهای منظومه، اشارات و بعضی از اسفار را نزد اساتید مبرزی همچون آیت‌اللَّه شعرانی (ره) و آیت‌اللَّه الهی قمشه‌ای (ره) فراگرفتند و نیز مقداری از خارج فقه و اصول را نزد استاد والامقام، آیت‌اللَّه شیخ محمدتقی آملی (ره) تلمذ کردند و در سال 1335 (ه.ش) به دلیل جامعیت حوزه‌ی علمیه قم، وارد قم، شهر کریمه‌ی اهل‌بیت، حضرت معصومه (سلام‌اللَّه‌علیها) شدند و در آنجا از محضر آیت‌اللَّه العظمی السید محمدحسین البروجردی بهره بردند و نیز از درس فقه فقیه نامدار، آیت‌اللَّه محقق داماد (ره) به مدت سیزده سال، و از محضر استاد، امام خمینی (ره) یک دوره‌ی اصول به مدت هفت سال را درک کردند. همچنین ایشان به حضور استاد مسلم، علامه طباطبایی (ره) رسیدند و مباحث تکمیلی اسفار، خارج حکمت متعالیه عرفان اسلامی و مباحث عالیه‌ی تفسیر حدیث و قرآن را در جلسات خصوصی از محضر آن استاد گرانقدر فراگرفتند. ایشان از اوان حضور در تهران و نیز پس از هجرت به قم و تاکنون که حدود چهل سال می‌باشد، انواع دروس معقول و منقول را تدریس کرده‌اند؛ به گونه‌ای که اکنون از بزرگترین رهبران فکری جهان اسلام، در ابعاد مختلف اسلامی به شمار می‌آیند و شاگردان فراوانی در علوم مختلف اسلامی برای عالم اسلام تربیت نموده‌اند.
از توفیقات الهی ایشان، مداومت با معارف الهی خصوصاً قرآن مجید است که انواع حقایق دینی را از طریق تفسیر قرآن در جهان اسلام منتشر

کرده‌اند.
آیت الله جوادی آملی و وقف :
واقف بزرگوار، حکیم متأله و اندیشمند گرانقدر استاد آیت‌اللّه جوادی آملی است که نامشان ما را از هرگونه تعریف و توصیفی در ابعاد شخصیتی ایشان بی‌نیاز می‌کند و چهره معنوی و علمی ایشان در قلمرو فرهنگ و معارف اسلامی درخشان‌تر از آن است که این قلم را توان تصویر باشد. دیدگاهها، مقاصد و منویات واقف محترم که در قالب عبارات بلیغ و مشرب عمیق عرفانی در وقف‌نامه مطرح شده است قابل توجه و تعمق است. بویژه توجه دادن خواننده گرامی به این نکته مفید و لازم به نظر می‌رسد که در این وقف‌نامه یکبار دیگر آیین و سنت نیکوی وقف‌نامه‌نویسی که به عنوان یک سند فقهی، حقوقی و تاریخی همواره در گذشته مورد توجه واقع می‌شده است مدّنظر قرار گرفته و علاوه بر آن به ظرایف وقف و اهمیت آن در شریعت نبوی (ص) و نیات واقف و خصوصیات عین موقوفه و تکلیف آینده و سایر موارد فقهی و حقوقی آن به سبکی آموزنده اشاره شده است؛ اموری که متأسفانه در وقف‌نامه‌های جدید یا متروک مانده و یا به صورت ناقص بدان پرداخته می‌شود. در هر صورت اصل وقف‌نامه خود مشکی است عطرافشان و از بیان عطار بی‌نیاز. سردبیر وقف نامه حضرت آیت الله جوادی آملی بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و ایّاه نستعین الحمدللّه الّذی یأخذ الصدقات و یُربیها و صَلّی‌اللّهُ علی رسولهِ الّذی یُطهّر نفوسَ المتصدّقین و یُزَکّیها بها، و علی اهل بیته الذین استنّوا بسنته (ص) فیها، واللعن علی اعدائهم الّذین نَبَذوُها وراء ظهورها. بعد از ثنا و تحیّت چنین گوید، عبد محض خدایی که حق مطلق و هستی صرف است: هیچ موجود امکانی مالک چیزی نبوده. ذاتا، وصفا و فعلاً بلکه اثرا، فانی در ذات، صفت، فعل و اثرخداوند می‌باشد، اسناد هر گونه هستی به غیر خداوند مجاز است؛ و اگر اسناد شأنی از شؤون هستی به غیر خدا صحیحا بررسی شود، سبک مجاز از مجاز می‌باشد؛ زیرا وقتی اسناد اصل هستی به غیر خدا، مجاز بود، اسناد شأنی از شؤون آن به غیر خدا، مجاز مضاعف خواهد بود. این مطلب عمیق توحیدی، در دنیا برای موحّدان راستین، چونان رسول گرامی (ص) حلّ شد، قل لااملک لنفسی نفعا ولا ضرّا،... لیس لک من الامر شیءٌ...، و برای دیگران در معاد، روشن می‌گردد، یوم لاتملک نفس لنفسٍ شیئا. زیرا، قیامت، ظرف ظهور چنین حقیقت توحیدی است، نه وعائی برای حدوث آن. البته، در دنیا برای حفظ نظام انسانی، بسیاری از امور، به غیر خدا اسناد مالکانه داده می‌شود، و بر همین اساس، اشخاصی مالک، و اشیائی مملوک، و عقود و ایقاعاتی، ممضی، و عهودی ایفاء می‌گردد. انسان مؤمن که به خداوند هستی ایمان آورد و با او بیعت نمود، یعنی جان، مال و همه شؤون مجازی خود را به خداوند بیع کرد، بعد از آن هرگونه

تصرّفی را در ذات، وصف، فعل و اثر خود، مسبوق به اذن خدا قرار داده و تصرّف در شأنی از شؤون هستی خویش را بدون اذن او غاصبانه می‌داند، و از خود چیزی ندارد، تا آن را مورد معامله قرار دهد، و اگر چنین کرد، حتما به عنوان امتثال فرمان مالک حقیقی خواهد بود. لذا اینجانب عبداللّه واعظ جوادی معروف به جوادی آملی، نه به عنوان مالک و ولیّ، و نه به عنوان خلیفه مالک یا وکیل و نائب او، بلکه به عنوان عبد آبق که به مولای شفیق و رفیق خود برگشت، درباره خانه ملکی و متصرّفی شهر قم، عهد و قراری با مولای غیب و شهودم بستم که ذیلاً بعد از فصول دهگانه، مشروح می‌شود. 1ـ مهم‌ترین هدف بعثت، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب آسمانی و حکمت است، نمونه‌های وافری از هر دو رشته علمی و عملی در قرآن مجید بیان شد، یکی از بارزترین مصداق تزکیه همانا تأدیه صدقه می‌باشد، و کاملترین مصداق صدقه، وقف است که اصل آن ثابت و فرع آن با دوام اصل مزبور، جاری خواهد بود، و هیچ صدقه‌ای چون وقف، چنین مزیّت جاودانه را واجد نیست. اطلاق صدقه بر وقف، حبس، سکنی، عمری، رقبی، و نیز بر زکات مال و زکات فطر و نظائر آن برای آن است که امور مزبور، نشانه صداقت ایمان و صدق متصدّق و واقف می‌باشد. 2ـ فضیلت صدقه که وقف مصداق بارز آن است، در این است که خداوند شخصا او را می‌پذیرد، و دریافت می‌نماید چنانکه فرمود: اَلَم یَعلَموُا اَنّ اللّهَ هُوَ یَقبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبادِهِ وَ یَأخُذُ الصَّدَقاتِ، بنابراین دریافت رسول اکرم (ص)، مَظهر اَخذ خدا خواهد بود، و جمع بین آیه مزبور و آیه خُذ مِن اَموالِهِم صَدَقةً تُطهّرهُم وَ تُزکّیهِم بها، آن خواهد شد که، و ما اَخَذتَ اِذ اَخَذتَ، ولکِنّ اللّهَ اَخَذَ. 3ـ چون صدقه که، وقف، فرد کامل آن می‌باشد، مُطَهّر نَفس از اوساخ، و مُزَکّی روح از ادناس و اقذار است، امید آن خواهد بود که چنین روح طاهر از دَرَن و رَین، توانای ادراک صحیح وحی الهی باشد، زیرا، سروش غیب را جز طاهران طائر باغ ملکوت و طائران طاهر از دَنَس مُلک، مسّ نمی‌کنند،... لایمسّه الا المطهّرون. 4ـ از آن‌جهت که صدقه و وقف، که مصداق بارز آن است، بسیار ظریف و شفّاف می‌باشد، با اندک غبار گردِ منّت و اذیّت، غبارین و متوسخ شده، و شایسته صعود به بارگاهی که جز، کلم طیّب، چیزی به اوج عروج آن بار نمی‌یابد، الیه یصعد الکلم الطیّب، نخواهد بود، لذا ندای قرآن مجید چنین است: یا ایّها الّذین آمنوا لاتبطلوا صَدَقاتِکم بالمنّ و الاَذَی. 5 ـ چون صدقه جاری همانند سنّت ساری از آثار سودمند می‌باشد، و تا برقرار است، روح صاحب آن در دارالقرار قریرالعین خواهد بود، و خداوند، قادم را چون غابر می‌نگارد، نَکتُبُ ماقَدَّموا و آثارَهم، و جزء اَعمال برّ متوفی محسوب می‌گردد، اجر جزیل آن در قرآن و سنّت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام کاملاً بیان شد،... والمتصدّقین والمتصدّقات... اَعَدّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَ اَجرا عَظیما... یُضاعَف

لَهُم و لَهُم اَجرُ کَریم ـ لیس یتبع الرجل بعد موته من الاجر، الاّ ثلاث خصال: صدقة اجراها فی حیاته، فهی تجری بعد موته، و سنّة هدی سنَّها، فهی یعمل بها بعد موته، او ولد صالح یدعو له ـ و چون معیار در ثواب، همان اثر صالح است، ذکر امور سه‌گانه در این حدیث یا امور شش‌گانه در حدیث دیگر، از باب تمثیل است، نه تعیین، لذا علم صائب، فرزند صالح، سنّت صحیح، وقف جاری، سیرت ساری و مانند آن مایه روح و ریحانِ روح رائح الی اللّه خواهد بود. 6 ـ چون اثر نافع صدقه که وقف مصداق روشن آن می‌باشد، همانند دیگر واقعیت‌های دینی، هنگام احتضار ظاهر می‌شود، محرومان از چنین فیض فوزآوری، درخواست ارتجاع به دنیا را بجای تسریع رجوع الی اللّه، و رجعت به وطنِ اصلی، مطرح می‌کنند، و به شیوه نکوهیده اَتَستَبدِلوُن الَّذی هُوَ اَدنی بِالَّذی هُوَ خَیرُ، انّا للّهِ وَ انّا اِلَیهِ راجِعوُنَ را، به، رَبِّ ارجِعوُنِ...، مبدّل ساخته، و تمنّی کاذب را به جای رجای صادق، در سقیفه خیال و قیاس و گمان و وهم نشانده، آنگاه چنین می‌گویند:... فَاَصَّدَّقَ وَ اَکُن مِنَ الصّالِحینَ ـ و به منظور پرهیز از چنین استبدال ناپسند، صاحب ولایت کبری، حضرت علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین، علیه افضل صلوات المصلّین فرمود: الصَّدقةُ والحبسُ ذخیرتان فدعوهما لیومهما. 7ـ از آن جهت که اهل بیت طهارت و عصمت صلوات‌اللّه علیهم اجمعین، قرآن ناطق‌اند، و در تمام حسنات، امامت امّت را به عهده دارند، و قبل از دیگران به وحی الهی مؤمن و به حِکَم آن معتقد، و به احکام آن عامل‌اند، لذا رسول گرامی (ص) و اهل بیت معصوم (ع) آن حضرت (ص) اقدام به وقف کرده‌اند، درباره پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است: تصدّق رسول‌اللّه (ص) باموالٍ جَعَلَها وقفا، وَ کانَ یُنفِق مِنها عَلی اَضیافِهِ، وَ اَوقَفَها عَلی فاطِمةَ عَلیهَاالسلام... ـ و درباره حضرت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، آمده است: کان عبدا للّه، قد اَوجَبَ اللّهُ له الجنة، عمد الی ماله فَجَعَله صدقةً مبتولةً تجری بعده للفقراء و قال: اللّهم انما جعلت هذا لتَصرِفَ النارَ عن وجهی و لتصرفَ وجهی عن النار، و حضرت صدّیقه کبری، فاطمه زهرا صلوات‌اللّه علیها، اموالی را وقف فرموده و تولیت آن را به حضرت امیرالمؤمنین (ع)، آنگاه به امام مجتبی حسن بن علی علیهماالسلام، سپس به سیّد شهدا حضرت حسین بن علی علیهماالسلام، روحی لمضجعه الشریف الفداء و بعد از آن حضرت به فرزند بزرگ‌تر که علوی و فاطمی باشد، نه علوی محض، سپرد، و همچنین از سائر معصومین علیهم‌السلام رسیده است که مال خود را به عنوان وقف، صدقه جاری قرار داده‌اند، حتی درباره حضرت سید شهدا (ع) رسیده است که نواحی قبر شریف خود را از اهل نینوی و غاضریّه به شصت هزار درهم ابتیاع فرمود، و آن را بر ایشان تصدق نمود. 8 ـ چون اصحاب متعهد اهل بیت طهارت و عصمت، هماره، به آن ذوات مقدّس اتّساء داشته‌اند، لذا هر صحابی متمکن، اقدام

به وقف می‌نمود، چه اینکه از جابر روایت شده لم یکن من الصحابة ذو مقدرةٍ الاّ وقف وقفا. 9 ـ همان‌طوری که وقف، فضیلت فراوان دارد، هدم آن به فروختن، هبه کردن، ارث بردن و مانند آن، رذیلت وافری را به همراه دارد که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره وقف چشمه یَنبُع چنین فرمود:... هی صدقة، بتةً بتلاً، فی حجیج بیت‌اللّه و عابری سبیلٍ، لاتُباع و لاتوهب و لاتورث فمن باعها او وهبها فعلیه لعنة اللّه والملائکة والناس اجمعین، لایقبل اللّه منه صرفا و لا عدلاً. 10 ـ شرح صدر، سعه نظر، جامعیت اسلام و همگانی و همیشگی بودن آن، ایجاب می‌نماید که جهانی بیندیشد، و سراسر گیتی را مشمول لطف خود قرار دهد چنانکه رسول گرامیِ چنین دینی، رحمة للعالمین معرفی شد. لذا وقف بر جامعه بشری، اعم از مسلم و کافر، ذمّی و حربی مادامی که اعانت بر عصیان و تعاون بر اثم نباشد، جایز است و آیه مبارک و کریم، لاینهاکم اللّه عن الّذین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرّوهم و تقسطوا الیهم انّ اللّه یحبّ المقسطین، گـواه آن می‌باشد. اکنون که خطوط کلّی صدقه جاری، طی ده فصل بیان شد، به اصل مطلب می‌پردازم، و آن اینکه وقف صحیح شرعی ـ جامع همه شرایط واقف، موقوف‌علیه، موقوف و وقف ـ نمودم خانه ابتیاعی، ملکی و متصرفی خودم را که واقع است در: قم، خیابان ارم (آیةاللّه نجفی مرعشی) پشت مسجد آیةاللّه گلپایگانی، جنب مدرسه علمیه سعادت (جنوب و جنوب شرقی) برای مدرّسان، محقّقان، مؤلّفان، پژوهشگران علوم و معارف الهی مانند تفسیر، فلسفه الهی، کلام، فقه، اصول و سائر دانش‌های دینی، الی ان یرث‌اللّه الارض و من علیها. تولیت آن مادامت‌الحیوة، در اختیارم می‌باشد، و بعد از توّفی و ادراک لقاء اللّه، به فرزندم جناب حاج شیخ مرتضی واعظ جوادی است، چنانکه تولیت مدرسه علمیه سعادت را که در اختیارم است و تعیین متولّی بعد از من نیز به اختیارم می‌باشد، بعد از وفاتم، در اختیار مشارالیه خواهد بود، و تولیت مدرسه و خانه وقفی بعد از عمر طولانی نامبرده، به فرزند روحانی از خاندان اینجانب می‌باشد، و اگر خدای نخواسته، از این خاندان، کسی روحانی نشد، به فرزند بزرگ این خاندان خواهد بود. تمام کتاب‌ها و سائر لوازم کتابخانه و تلفن، در اختیار مرکز تحقیقاتی اسراء است. ایجاب و قبول، اقباض و قبض، حاصل، و صیغه وقف به طور جامع همه مطالب لازم اعم از مرقوم و غیر آن جاری شد، ربّنا تقبل منّا و خذه منّا و طهّرنا به والحمدللّه ربّ العالمین، الّذی یرث الارض و من علیها. منبع:میراث جاویدان

برگرفته از کتاب :موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

چقماق، امیرجلال‌الدین

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسجد امیرچقماق یزد در سال 841 هـ.ق (یعنی بیش از 570 سال قبل از این) توسط امیرجلال‌الدین چقماق شامی و همسرش بی‌بی‌فاطمه خاتون ساخته شد (1) (عکسی از نمای ایوان این مسجد در همین شماره مجله میراث جاویدان چاپ شده است) طومار وقف‌نامه‌ای برای موقوفات این مسجد در دست است که در سال 1300هـ.ق از روی نسخه اصل رونویس شده است.
در اینجا بخشی از این وقفنامه را که مصارف موقوفات واهداف واقف را بیان می‌کند و از جهات مختلف آموزنده و مفید است درج می‌کنیم:
واقف باید محصولات موقوفات محرره مزبوره را اولاً به عمارات رقبات معینه مذکوره صرف کند، به نوعی که غبطه مرعی باشد، و مستلزم ازدیاد محصولات و اجارات گردد.
و ثانیا به تعمیر و ترمیم مبانی خیرات موقوف‌علیها الاهم فالاهم والاغبط فالاغبط.
و بعد از آن در انتظام مهام مسجد وظایف جد به جای آورد. امامی حسن الکلام را که در فنون قرائت و وقوف، صاحب وقوف، و در مقام رعایت شرایط و ارکان صلاة از تکبیرةالاحرام تا سلام، ثابت و راسخ‌الاقدام نصب فرماید که در لیالی و ایام به شغل شریف امامت از سر فراغ بال اشتغال نماید. و هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار آقچه نقره سره مسکوک رایج کپکی که هر دو دینار از آن به وزن یک مثقال و نیم‌دانگ باشد بدو رسانند، چنانچه هر روز یک دینار باشد.
و همچنین ده نفر حافظ کلام‌اللّه حسن‌الصوت که در تجوید و قرائت کلام مجید فرید باشند، که آناءاللیل و اطراف النهار سیّما العشایین والاسحار تلاوت نماید. و هر سال مبلغ دو هزار و یکصد و شصت دینار آقچه کپکی موصوف به ایشان رساند، چنانچه مقتضی رأی متولی شرعی باشد.
و مصدری معین و مقرر فرماید که منصب صدارت حفاظ را بستگی داشته باشد، و در قرائت و تجوید و اصول، ماهر و باهر، هر یک از حفاظ اقتضاء به آثار مرضیه [و] سنن سنیه او نمایند. و مرسوم و مقرری او را هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار آقچه صوفه مذکوره کپکیه بدو رسانند. و اگر کسی که قابلیت صدارت داشته باشد مفقود و ناموجود، به دو نفر دیگر از حفاظ دهند، تا در امر خطیر تلاوت خبیر بوده شروع نماید.

و ایضا مدرسی که به صیقل اذهان وافیه زنگ رنگ اعضال و اشکال از صفحات اوراق معقول زدوده، به زلال الهام صافیه نقوش شکوک و شبهات از الواح فروع و اصول مغسول فرموده تعیین نماید، تا در مسجد مذکور بسط بساط درس علوم دینیه و معارف یقینیه نموده، حقایق مسایل به وسایل بیان وافی کامل، و لسان شافی شامل، بر چهره حال طلبه نگارد.
و مُعیدی با هشت نفر طالب علم نصب فرماید، که اگر اذهان و طباع طلبه کرة واحدة درک معضلات نتواند معید مذکور اعاده سبق نماید، تا اشکال ایشان انحلال یابد. و در ایام تحصیل در مسجد مذکور به وظایف مذاکره و مباحثه قیام نماید.
وظیفه مدرسی هر سال مبلغ یک‌هزار و دویست دینار آقچه فضی کپکی موصوف بدو رسانند.
و هر سال مبلغ نهصد و هشتاد دینار کپکی منعوت وظیفه و مقرری معید و طلبه، چنانچه رأی جناب متولی مذکور ـ لازالت امارته مرفوعة بین‌الجمهور ـ باشد، بدیشان رسانند.
و همچنین خطیبی که از شرایط و ارکان خطبه باخبر باشد نصب فرماید، تا در ایام جمعات خطبی به فصیح‌ترین عبارتی نماید، چنانچه مستمعان از آن محظوظ و بهره‌ور گردند. و هر سال مبلغ یکصدوبیست دینار آقچه فضی موصوف کپکی وظیفه به او رسانند.
و ایضا دو نفر مؤذن صیت عارف الوقت که قبل الفوت ایام ولیالی بامر تأذین و مناجات حضرت لایزالی اشتغال نماید، و ارباب طاعات را هنگام اداء واجبات اعلام کند. و هر سال مقرری ایشان را مبلغ سیصدوشصت دینار آقچه موصوف به ایشان رسانند.
وایضا واعظی که در تفسیر آیات قرآنی، و ترجمه احادیث نبوی گوی سبقت از خم چوگان بسی علما ربوده باشد، تعیین فرماید، تا در مسجد مذکور در دهور و شهور رنجوران امراض غفلت و جهالت را شربت خوشگوار نصیحت چشاند، و هر سال مقرری و وظیفه او مبلغ یکصد و پنجاه دینار به او رسانند، و جهت مقرری و وظیفه ماه رمضان مبلغ یکصد و سی دینار آقچه موصوف کپکی.
و دو نفر معاشر خوان تعیین فرموده که در ایام جمعات عهد عند صعود الخطیب الی المنبر به حدیث معهود خواندن قیام نماید. و هر سال مبلغ یکصد دینار آقچه کپکی منعوته، وظیفه به ایشان رسانند.
و هر سال مبلغ یکصد و بیست دینار آقچه فضی کپکی به معلمی که در مسجد مذکور اطفال مسلمانان را تعلیم قرآن قدیم و تنزیل حکیم نماید، رسانند.
و هر سال مبلغ سه هزار آقچه کپکی موصوف در وجه سفره و آش خانقاه مذکور که به فقرا و مساکین و صادر و وارد رسانند، چنانچه مقتضی رأی

منیر و فکر و تدبیر عالی‌جناب متولی باشد.
و هر سال یکصد دینار آقچه رایج کپکی موصوف در لیالی متبرکه به وجه حلاوة و نقل صرف نموده به جماعتیان رسانند.
و مبلغ یکصد و هشتاد دینار آقچه موصوف هر سال در وجه ثمن‌الدهن والبرز والشمع و غیره که موجب استضائه مسجد و خانقاه باشد صرف گردانند، و قنادیل و سرج افروخته دارند.
رجاء صادق و امید واثق که حضرت خالق، چنانچه واقفان خیران والیان متزاوجان مشارالیهما، توفیق اتفاق و ترصیص مبانی خیرات ارزانی فرموده، عالی‌جناب دولت‌مآب متولی مذکور ـ مدت ظلاله ما تعاقبت الاعوام والشهور ـ تأیید حکام احکام تأییدات محصل، و در فردوس اعلی ایشان را و ساعیان را مقام و مأوی دهاد. والحمدللّه اولاً و اخرا، والصلوة والسلام علی خیرمن اوتی معجزا باهرا، و علی اولاده و اصحابه باطنا و ظاهرا.
و همچنین شرط فرمودند که اگر ـ عوذاباللّه تعالی ـ جناب دولت قباب متولی را نسل اولاد ذکور منقطع گردد، امور محرره مذکوره، از تولیت شرعیه، و اشراف، و نظارت از آنِ اناث اولاد او باشد، و اولاد اولاد همین طریق، ما تعاقبوا و تناسلوا، بطنا بعد بطن، ونسلاً بعد نسل.
و عقیب از آنکه در عالی مجلس شریف، و سامی دیوان دین حنیف، در ضمن مرافعه شرعیه، ثابت و مبین و واضح و مبرهن شد، نزد حضرت شریعت‌پناه تقوی شعار مخدوم مطاع، ناشر صحایف العلوم الدینیة والمعارف الیقینیة فی الارباع والاصقاع، اعنی حاکم عادل مرافع الیه، که صدر این کتاب به سجل شریف [او] مزین و محلی خواهد گشت، اعلی‌اللّه تعالی لانتصاب رایات الدرس والفتوی و رفع اعلام العلم والتقوی [تعالی] شأنه و رفع محله و مکانه، به شهادت مولانا و صاحب اعظم رکن الملة والدین ضیاء الاسلام والمسلمین حسن بن مولانا اعظم اکمل اکرم اقدم، صفی الملة والدین محمود بن مولانا اعظم سعید ملاذ القضاة والموالی المتأخرین ضیاء الحق والدین محمد بن مخدوم مولانا. اعظم شهید ملجأ القضاء ذوی المراتب والمناصب والاحکام فی اوان حیاته الواصل الی رحمةاللّه فی روضات جنانه مجد الحق والشریعة والتقوی والدین حسن الرضی اعلی اللّه شأنه فی ظل والده، و ابن عم پدرش مولانا و صاحب اعظم مجد الملة والدین شرف الاسلام والمسلمین حسن بن مولانا اعظم سعید مؤید الاکابر والموالی شرف الملة والدین حسین بن مخدوم سعید مجد الحق والدین حسن المشارالیه، اعلی اللّه تعالی شأنه:
و کاتب این سطور و محرر این مزبور اصغر عباداللّه ذی الفضل محمد بن مسعود بن محیی بن ابی ملقب به قطب الحجة، غفراللّه ذنوبه، و ستر عیوبه، که جملگی حصص موقوفه مشروحه تا زمان صدور صیغ وقف حق و

ملک متزاوجان واقفان بود.
حکم شرع شریف به صحت این جمله واقع شد، و به اشهاد شرعی مقرون گشت، فی سلخ شهر ربیع‌الاول عمت میامنه لسنة تسع و اربعین و ثمانمائة. والسلم، والحمدللّه وحده. پی نوشت : 1- جامع مفیدی 1/ 170 و 3/ 469ـ تاریخ یزد، ص75 و 79
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

حاجیه خدیجه

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
وقف نامه‌ای که در اینجا بدان اشاره خواهیم کرد، سندی است متعلق به سال 1270 هجری قمری که در کربلای معلی تهیه و تنظیم شده و بسیاری از علمای شیعه‌ی آن روزگار که در کربلا سکونت داشته‌اند آن را تصدیق کرده و بر پای این وقف نامه مهر و امضای خود را حک کرده‌اند.
واقف زنی شریف و علویه است به نام «حاجیه خدیجه» از اهالی بندر کنگان دختر سید قاسم الحسینی که به زیارت کربلای حسینی مشرف شده و در آن مکان مقدس و طاهر اموال و املاک خود و عواید آن را صرف تعزیه‌ی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) کرده است.
بر اساس این وقف نامه مقرر شده بود که منابع اعیان موقوفه صرف تعمیرات اعیان شود و بعد از تعمیرات خانه، باید جمع آوری شود و یک چهارم آن به عنوان حق الزحمه و حق نظارت به ناظر مربوط اختصاص یابد و سه چهارم دیگر صرف خرج تعزیه‌ی حضرت امام حسین (ع) شود.
هم چنین بر اساس این وقف نامه تولیت موقوفات مورد نظر بر عهده‌ی واقف بوده است، و پس از آن بر عهده‌ی حاج آقا سید میر علی اکبر و پس از فوت نامبرده بر عهده‌ی اولاد او نسل اندر نسل و در صورت انقراض به اولوالارحام سید مذکور و در صورت انقراض ولوالارحام سید مذکور تولیت و نظارت این موقوفات به سادات مؤمنین و متدینین از اهالی دشتی واگذار شده است.
اکنون به نقل متن وقف نامه مورد نظر می‌پردازیم:
الحمدلله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر و الصلواة علی نبینا محمد و آله سید الاوائل و الاواخر، صلوة دائمة الی یوم تبلی السرائر
اما بعد، بر ضمیر منیر خیریت تخمیر صافیه‌ی زاکیه‌ی ارباب شعور و ادراک، ظاهر و هویدا باد که حاضر شد در محضر شرع انور و محفل حکم ازهر علیا جناب عفت و عصمت پناه سلالة السادات النجباء، السیدة الشریفة العلویة الحاجیة خدیجه المعروفه لوالده میرزا علی بنت مرحوم مغفور السید قاسم الحسینی و موفقه به توفیقات سبحانی شده و مؤیده به تأییدات ربانی گردیده وقف مؤبد و حبس مخلد نمود جمیع و همگی و تمامی یک باب خانه‌ی معینه‌ی معلومه‌ی واقعه در بندر کنگان مع ما یتعلق بها و ینسب الیها شرعا و عرفا و لغة عموما و خصوصا من ابواب و اعتاب المحدود بحدود اربعة، قبله خانه‌ی ملا علی ملا حسین و شرقا خانه‌ی حاجی

الاهلی و شمالا الی... المشهورة و جنوبا بیت یهودی و هم چنین وقف صحیح شرعی نمود دو بند نخل خرما که عدد نخیل سی و شش دانه می‌باشد که معروف است به خسروی و محدود به حدود اربعه است، قبلة زمین راشد محمد ابول و شرقا الی انبود ابن النجم و فسیل احمد ابن علی شعبان و شمالا زمین خلف قناص و زمین زیره‌زار و جنوبا زمین علی خمیس و باز وقف نمود ثلث اطویة با زمین‌هایی که متعلق به آنها می‌باشد محدود است شمالا الی المقبرة و جنوبا تا زمین اولاد عبدالکریم و شرقا طریق شارع و قبلة الطریق المعروف به سرناخ و کذلک وقف نمود هانیتین زمین‌های متعلق به وی المشهورة با السدة عبارة عن اربعین من اعنی یزرع فیها اربعون من دشتی جو و گندم و محدود است با این حدود، شمالا زمین کرده کنار و جنوبا زمینی که مشهور است بزمانی از مال حاجی علی خمیس و شرقا الی الجبل و قبلة الطریق معروف به سرناخ و کذلک زمینی که معروف است بالمحمدیة که قبله او متصل است به انبود ملا علی و مشرقی او راهی که معروف است به سرناخ و شمالی وی زمین الابراهمیه و جنوبی او زمین شیخ حجر پس مجموع املاک مزبوره وقف صحیح شرعی نمود که اولا منافع اعیان مرقومه صرف تعمیرات اعیان شود در صورت احتیاج به تعمیر که خراب شود و بعد از تعمیر آنچه منافع جمع آوری شود ربع محصول از منافع، حق التعب و نظارت ناظر باشد و سه ربع دیگر طرا و کلا صرف و خرج تعزیه جناب سید الشهداء اباعبدالله الحسین (ع) شود اما باید که در تعزیه خانه معلومه که منسوبه به خود واقفه می‌باشد صرف شود و نه در تعزیه خانه‌ی جاهای دیگر [خوانا نیست] و صیغه‌ی وقفیت جاری شد شرایط وقف و قبض و اقباض حاصل شد و در ضمن... داد تولیت و نظارت اعیان موقوفه مادام الحیوة با خود واقف معلومه و بعد از خود به سلالة السادات العظام آقا سید میر علی اکبر خلف و نوباوه آقا سید عبدالله و بعد از فوت مؤمی الیه با اولاد او نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن و در صورت انقراض با اولی الارحام سید مسطور و بعد به اولاد اولی الارحام سید مذکور بود اما بقاعده بعضهم اولی ببعض ای الاقرب فالاقرب اما بشرطی که جمیع طبقات مؤمن و متدین باشند و نعوذبالله بعد از انقراض اولاد این نسل تولیت و نظارت در بحیث لا یباع و لا یشتری و لا یوهب و لا یرهن (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه) و کان ذالک فی یوم بیست و دوم ماه رمضان المبارک که در کربلای معلی فی سنه‌ی هزار [و] دویست و هفتاد من الهجرة 1270.

1. صح ما فیه لدی خادم الشریعة المطهره / محمد حسین القزوینی الحائری [مهر چهار گوش / ثلث:] «... المذنب محمد...»

2. بسم الله و الحمدلله

یشهد بایقاع وقف الوقوفات علی نهج المرقومات المسطور / المزبور و انا

الراجی عفو ربه / یسبحانی: ابومحمد عبدالحسین البحرانی.[مهر چهار گوش / نستعلیق:]«ابن عبدالحسین. محمد».
3.[.....][.....]رقم فیه لدی /[.....][.....]من[.....]الحائری[مهر بیضی / نستعلیق:]«الواثق؟ بالله؟ عبده: عبدالرحمن»
4. ذلک کذلک و انا الاقل / جواد ابن اسدالله الحسینی [...؟] [مهر بیضی / نستعلیق:]«جواد الحسینی»
5. یشهد العبد الاقل[...]/ محمد بن عبدالجعفر الحسینی الهاشمی؟[مهر چهار گوش / نستعلیق:]«محمد بن عبدالجعفر الحسینی»
6..... الجانی حسین بن محمد
7. یشهد بشهاده / الشهود اقل عبادالله حسن / بن عبدالحسین البحرانی[مهر هشت گوش / نستعلیق:]«حسن بن عبدالحسین»
8. شهد بذلک علی بن قاسم یزد خواسی؟ [مهر بیضی/ نستعلیق:] «عبده علی بن...» همان گونه که در متن وقف نامه آمده است عواید این موقوفات می‌بایست برای برگزاری تعزیه‌های حضرت امام حسین (ع) هزینه شود و این مطلب خود نشان دهنده‌ی این است که هنر تعزیه که اکنون در این استان سیر نزولی خود را طی می‌کند، در یک قرن پیش از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار بوده است و البته اختصاص موقوفات جهت تعزیه تنها به استان بوشهر اختصاص ندارد و در اکثر مناطق ایران زمین، شاهد چنین موقوفاتی هستیم. در اینجا باید این نکته را یادآوری کرد که تعزیه هنر وقفی است، زیرا هنر تعزیه تنها دارای بعد نمایش و آشکار ساختن یک مصیبت و یا تراژدی نیست، بلکه نوعی ستایش از کسانی است که حقارت را نپذیرفتند و نقد جان خود را وقف عدالت و حقیقت کردند. به قول استاد دکتر جابر عناصری تعزیه، شرح ماجرای «وقف خون» دریادلانی است که قباله‌ی مهر الهی را با خون خود مهر کردند.
امروزه جای هزار افسوس و و دریغ است که نه فقط تعزیه خانه‌ای از تعزیه خانه‌های منطقه به جای نمانده، بلکه یاد و نام بانیان تعزیه خانه‌ها و واقفان آنها نیز در یادها نمانده است. نگارنده به سهم خود بر روان و روح حاجیه خانم خدیجه، واقف روشن ضمیر و هنرپرور که املاک و اموال خود را وقف بر پاداری تعزیه‌ی سید الشهدا (ع) این هنر وقفی ایران زمین نموده است، طلب مغفرت می‌کند.
سند دوم که جدیدترین سند وقفی استان و در واقع به اطلاع نگارنده آخرین سند وقفی استان است و اتفاقا متعلق به یکی از زنان مؤمن و روشن ضمیر منطقه است که در سال 1369 شمسی تنظیم شده است .
این وقف نامه مربوط به موقوفه‌ای است که وقف بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت امام زاده عبدالمهمین بوشهر شده است. ذیلا متن وقف نامه را نقل می‌کنیم. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

حسن خلیلی رحمت آبادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ساختمان مرحوم حسن خلیلی رحمت آبادی
مرحوم حسن خلیلی رحمت آبادی یکی از اعضای سابق انجمن ایرانیان مقیم پونا ساختمانی را به متراژ 800 مترمربع بر حسینیه وقف کرده است. این ساختمان در جاده‌ی مهاتما گاندی قرار دارد و دو طبقه است و 8 مستأجر دارد. کرایه‌ی آن توسط پسر مرحوم حسن خلیلی جمع‌آوری می‌شود ولی علی‌رغم وجود وقف‌نامه، خانواده‌ی آن مرحوم از تسلیم ساختمان به انجمن یا متولیان موقوفات خودداری کرده و تاکنون از تسلیم عواید ساختمان امتناع ورزیده‌اند. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

دارانی، شیخ ابوسلیمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ ابوسلیمان دارانی در شهر داران مرکز شهرستان فریدن واقع است. شهرستان فریدن از جمله شهرستان‌های استان اصفهان است. این شهرستان از غرب با شهرستان فریدن شهر، از شمال با شهرستان خوانسار و گلپایگان و از جنوب با شهرستان‌های شهرکرد و تیران و کروند و از شرق با شهرستان خوانسار هم‌مرز است.
بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ سلیمان دارانی، یگانه مرکز مذهبی - زیارتی شهر داران در جنوب شهر واقع و اخیرا به وسیله‌ی اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی شهرستان فریدن در حال نوسازی است. کوشش نگارنده جهت یافتن شرحی از زندگانی و احوال صاحب بقعه تاکنون بی‌ثمر بوده و آنچه در تواریخ گذشته در شرح حال ابوسلیمان دارانی، عارف معروف قرن دوم قمری آمده است نیز ارتباطی با صاحب بقعه‌ی پیش گفته ندارد. توضیح آن‌که ابوسلیمان عبدالرحمن بن احمد بن عطیه عنسی، مذحجی ، عارف و صوفی متولد در داریا در دمشق، متوفا در شام، به بغداد و شام سفر کرد و در هر یک از این مناطق مدتی سکونت گزید و مرشد صوفیان و پیر اهل طریقت بود. کراماتی نیز بدو منسوب است(1).براساس اسناد خطی موجود، ابوسلیمان، ادعای دیدار و گفت‌وگو با فرشتگان را داشته و این دقیقا همان است که به ابوسلیمان عبدالرحمن عارف قرن دوم و سوم قمری نسبت می‌دهند(2).
به نظر می‌رسد آن‌چه در اسناد خطی به صورت کرامات و حالات خارق العاده به صاحب بقعه نسبت داده شده، به نقل از کتاب‌هایی است که در شرح حال ابوسلیمان دارانی (دمشقی) اشاراتی کرده‌اند. با این حال، صاحب بقعه نیز به همین نام «شیخ ابوسلیمان دارانی»، بین عوام شهرت یافته و اکنون گروه بسیاری از ساکنان شهر داران به شیخ سلیمانی دارانی مشهورند. بقعه‌ی پیش گفته، اخیر تخریب شده و در حال نوسازی است. شرحی که کارشناسان اداره‌ی کل فرهنگ و هنر استان اصفهان در سال 36 [25] از بقعه داده‌اند، چنین است:
داخل مقبره دارای پلان هشت گوش است که مقبره در وسط قرار دارد. گنبد بنا از نوع دو پوش گسسته است و پوشش خارجی گنبد از کاشی خشت بدون نقش به رنگ آبی آسمانی است و کلمه‌ی یا الله با خط بنایی و از کاشی سفید و لاجوردی تنها نقش روی گنبد بالای سر در ورودی قرار

دارد. چندین ترک بر روی گنبد دیده می‌شودو کاشی‌ها در بعضی جاها یخ بر شده و مصالح بنا بیشتر از آجر است. ورودی مقبره را ایوان ساده‌ی کاهگلی تشکیل می‌دهد و در جبهه‌ی شمالی ورودی یک پله موزاییک پشت بام قرار دارد. بنا از قسمت شمال توسعه داشته و آثار باقیمانده‌ی آن موجود است. در صحن مقبره، تعدادی سنگ قبر دیده می‌شود و دیوار اطراف صحن و مقبره خشتی است(3).
بقعه‌ی پیش گفته دارای موقوفات بسیاری بوده که در طول زمان به طور کامل به تصرف اشخاص درآمده و اکنون فاقد موقوفه است. براساس رونوشت وقف‌نامه‌ی خطی موجود، حدود 360 جریب املاک و اراضی از نهر کردان شهر داران از جمله موقوفات بقعه بوده که هر بخشی از آن اکنون در تصرف اشخاص گوناگون قرار دارد و ملک شخصی افراد منظور شده است. امید است انتشار این اسناد در جهت شناسایی موقوفات بقعه مؤثر افتد وگامی در جهت احیای موقوفات بقعه متبرکه باشد؛ ان شاء الله.
[شایان ذکر است کلیه‌ی اسناد خطی را که در این مقاله عنوان یا اشاراتی بدان شده، دادگستری فریدن رسما تأیید کرده است] براساس وقف‌نامه‌ی خطی موجود که در سه برگ مجزا و به یکدیگر متصل شده‌اند چنین آمده است: متن وقف نامه
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی خاتم الانبیاء سید المرسلین محمد المحمود و صلی الله علیه و آله و سلم.فبعد بر ارباب ذکاوت (4)مخفی و مستور نماناد که حضرت واجب التعظیم شاهزاده شیخ ابوسلیمان کنیة که اسم آن جناب ریحانة القلوب است، در قریه‌ی داران من قراء فریدن مدفون است و ذو بقعه‌ی متبرکه و گنبد حایر و صفه و حجرات می‌باشد و این شیخ بزرگوار جلیل القدر همچه که از کتب تواریخ و رجال معلوم می‌شود و از قراطیس قدیم و تذکرات و سایر نوشتجات معلوم می‌شود که از اخیار و اوتاد و بنده‌ی خالص خداوند عالم بود و صاحب کشف وکرامات و سایر مقامات عالیه و خوارق عادات در این تذکره ذیل خوارقا کثیرا در زمان خود آن بزرگوار نوشته بودند وکاغذی که این کشف و کرامات را نوشته‌اند، اسقاط و مندرس شده بنابر تاریخی که در تحت ذیل مرقوم است؛ لهذا فی الجمله از کشف و کرامات آن حضرت که از قراطیس مسقطه و مندرسه مضبوط گردیده و به نظر رسیده است، این است که حضرت شبی مشغول بودند به نماز از کثرت عبادت پشت مبارکش متوجه گردید بر سر سجاده عبادت نشستند خواب بر چشم‌های مبارکش غلبه کرد؛ حوریه یا ملکی آمد فریاد کرد: ای ابوسلیمان! حجاب‌های آسمان‌ها برداشته
شده و عبادات تو را ملکی چند بالا می‌برند و ملائکه‌ی بسیار سر از

حجاب‌ها بیرون آورده‌اند و تماشای عبادت تو را می‌کنند و.... و بعضی دیگر از معجزات و خارق عادات در همین تذکره قدیمی ذیل الکتاب مسطور است... سنه 1311 [متن پیشین، افزون بر اغلاط نگارشی فراوان، بخشی از آن از شرح حال ابوسلیمان دارانی دمشقی اقتباس گردیده]. رونوشت وقف نامه
الحمد لله و سلام علی عباد الله الذین اصطفی سیما محمد المصطفی واله نجوم الهدی وقف کرد حضرت رفعت، کیوان منزلت، خورشید جاه، سلیمان مکان، اتابیک نیک بخت، صاحب تاج و تخت و الدنیا والدین بر حضرت واجب التعظیم و الاحترام جهت معیشت مجاوران حضرت بر مذکور و تعمیرات بقعه و مساجد و حمام و مد و سفره‌ی درویشان به موجب ذیل وقف کرد تا صواب آن به روح همایون واصل گردد و الله یحب المحسنین و الله اعلم بالصواب.
مزرعه در حضرت شش جریب از دیم و فاریاب از سنگ تا کلوخ بری وبحری، شرقی و غربی آن‌چه از زمان قدیم بدو متعلق است به لعنت‌نامه مؤکد ساخت و ملک ملک قاسم شیرازی و ملک فریدون دولت آبادی من محال اردستان چهار دانگ.
مزرعه پای قلعه شش جریب از دیم و فاریب از سنگ تا کلوخ شرقی و غربی آن‌چه از زمان قدیم بدو متعلق است و به لعنت‌نامه مؤکد است و شش دانگ آسیاب با حدودات چهارگانه و خرابه و ویرانه از زمان قدیم بدو متعلق است.
مزرعه جوغ (5)کدران تمام و کمال از دیم و فاریاب از سنگ تا کلوخ بری وبحری، شرقی و غربی آن‌چه از زمان قدیم بدو متعلق است و بلعنت‌نامه‌ی مؤکد است نظر در آمد به قلم در آمد نسخه حضار مجلس ملک داور. جهت معیشت مجاوران آستانه و مشایخ وراثان و مد و سفره‌ی درویشان گردد تا ثواب آن به روح صاحب خیران واصل گردد وخورنده‌ی آن در هر دو جهان به لعنت یزدان‌ست تا به روز قیامت در سنه‌ی شش صد و پنجاه و یک بود و این نقل اصلح در سنه‌ی هفت‌صد و ده به قلم درآمد به خط یدالضعیف امیدوار به لطف و رحمت یزدانی حسن زاهد گیلانی غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه.
در حاشیه‌ی قسمت اول اوراق متصل به وقف‌نامه‌ی سنه‌ی 1311 و در ذیل وقف‌نامه‌ی سنه‌ی 710 ذکر شده است همچنین در حاشیه‌ی وقف‌نامه محل چند مهر وجود دارد و من جمله محل مهر شاهزاده سلیمان نور مرقده و محل مهر ملک اتابک اصل وقف نامه و ملحقات آن از نظر نگارش و خط با سه خط متفاوت نگاشته شده است اتصال این سه برگ به یکدیگر در هنگام انجام تعمیرات لازم در جهت جلوگیری از نابودی اوراق توسط اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه‌ی استان اصفهان صورت پذیرفته

است.
حدود هشتاد سال پیش املاک وقفی متعلق به بقعه‌ی متبرکه‌ی شیخ ابوسلیمان به تصرف اشخاص درآمده است؛ و از پرداخت عایدات املاک به تولیت آن خودداری کرده‌اند؛ به همین سبب، میر سید یوسف خوانساری(6) امام جمعه‌ی داران جهت احیای موقوفات و بازگرداندن املاک وقفی، شرحی بدین مضمون به وزارت معارف و اوقاف وقت ارسال داشته است:
مقام منیع محترم وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف دام بقائها
دعاگوی میر سید یوسف امام جمعه و جماعت فریدن ملاحظه‌ی تصدیق امین اوقاف اصفهان را فرموده که در کمال دقت و تحقیقات کافیه از محل و رسیده‌ها در اداره‌ی محترمه از وقف‌نامه و فرامین و غیره که مرقوم فرموده‌اند چون غاصبین نهر «کدران» واقعه در داران اشخاص قوی پنجه و صاحبان عده و نفر هستند، لهذا امین اوقاف شرحی به اداره‌ی قشونی لشکر جنوب مرقوم فرمودند ضبط و زرع این محل از بین نرود و توقیف نمایند و اداره‌ی محترمه متعرض به این که از جانب وزارتین جلیله‌ی معارف و اوقاف خطاب و حکمی به ما نشده، متمنی آن‌که حکمی تلگرافا به اداره‌ی محترمه قشونی لشکر جنوب بفرمایند که ملک را ضبط هذه السنه تا تفریط نشده یا تصرف داعی بدهند و یا توقیف بنمایند و اجرت المثل سنواتی را هم آن‌چه را در اوقاف اصفهان مدلل داشتم، گرفته برسانند که به مصارف مقرره در وقف‌نامچه برسد زیاده ایام سعادت مستدام باد و هر گاه مکتوبا مرقوم شود (آدرس منزل) خلف مسجد شاه خانه‌ی مرحوم حاجی ملاصادق خوانساری به داعی می‌رسانند [مراسله پیشین، تحت نمره‌ی 430 در اداره‌ی اوقاف اصفهان ثبت شده است].
به دنبال پی‌گیری موضوع وقفیت نهر کدران از سوی میر سید یوسف خوانساری، امام جمعه‌ی فریدن و تقاضای تصرف املاک پیشین از وزارت معارف و اوقاف وقت اداره‌ی اوقاف اصفهان، مراسله‌ای تحت نمره‌ی 430 ضمیمه‌ی 2 در تاریخ 20 برج اسد 1302 مطابق با 17 شهر ذی‌حجه‌ی 1340 به وزارت معارف و اوقاف ارسال می‌دارد. مضمون مراسله‌ی پیشین چنین است:
مقام منیع وزارت جلیله‌ی معارف و اوقاف دامت شوکته
در تعقیق مراسله‌ی جوابیه تحت نمره‌ی 221 راجع به نهر کدران فریدن که آقای سید یوسف امام جمعه‌ی خوانساری مدعی وقفیت آن بوده، لزوما خاطر مبارک اولیای وزارت جلیله‌ی متبوعه را مستحضر می‌دارد: چون اوراق احضاریه‌ی دایره‌ی تحقیق تکمیل و تولیت مشار الیه تحت نمره‌ی 31 صادر و به مدعی علیهم ابلاغ نمود و نیز بر حسب تقاضای مدعی شرحی به اداره‌ی ارکان حرب لشکر جنوب تحت نمره‌ی 386 نوشته شد که مقرر

دارند نظامیان فریدن محل مرقوم را توقیف نمایند که عواید آن محفوظ باشد و مدعی علیهم هم هر گاه اعتراض دارند در مدت معین اعتراضات خود را اظهارنمایند. لیک چون اداره‌ی مزبوره اقدام به امر توقیف نموده و منافع محل مرقوم در حرب هر چه زودتر اقدام به امر توقیف نمایند که عجالتا عواید محفوظ باشد و مدعی علیهم به طریق قانونی مشغول بر دفاعیات خود بشوند. سواد ورقه‌ی تصدیقه و امر مراسله که به اداره‌ی ارکان حرب نوشته شده، لذا تقدیم می‌دارد تا به نحو مقتضی به وسیله‌ی وزارت جنگ، احکام لازم به عنوان ریاست ارکان حرب لشکر جنوب در اسرع وقت در جواب درخواست فوق و سایر تقاضاهای قانونی این اداره صادر گردد.
رئیس اداره‌ی اوقاف امضاء مهر اداره‌ی اوقاف اصفهان
همچنین درخصوص لزوم تصرف املاک وقفی نهر کدران فریدن از سوی اداره‌ی اوقاف اصفهان، مراسله‌ای تحت نمره‌ی 386 در تاریخ 4 برج اسد 1301 به ریاست ارکان حرب جنوب ارسال شده است. سواد مراسله چنین است:
ریاست محترم ارکان حرب لشکر جنوب
نظر به این‌که آقای سید یوسف خوانساری راجع به وقفیت نهر کدران و املاک تابعه‌ی آن به طرفیت
حضرات مرقومین ذیل در این اداره اقامه دعوا نمود و چون اوراق احضاریه به دایره‌ی تحقیق تکمیل شده، لذا دایره‌ی مزبوره برحسب
جعفر قلی خان، احمد قلی خان، میرزا جلال
مقررات قانونی و تقاضای عارض غیابا رسیدگی در نتیجه تصدیق وقفیت آن را صادر نموده است و اینک به موجب ماده‌ی 5 از موادی که در ظهر اوراق احضاریه مرقوم شده است، عارض تقاضای توقیف محل مرقوم و مقدار متصرفی معروضین را نموده علیهذا درخواست می‌شود مقرر فرمایید نظامیان فریدن عایدات مقدار متصرفی معروضین را که بر حسب اظهار عارض از قراری است که ذیلا مرقوم می‌شود، عیناو تماما توقیف نمایند تا هر گاه معروضین در موعد تعیین اعتراض داشته، اعتراضات خود را
جعفر قلی خان، 8 ربع
احمد قلی خان، 9 ربع
میرزا جلال، 11 ربع (7)در این اداره اظهار دارند.
محل امضاء حاج میرزا محمد باقر سلطان زاده
رئیس اداره‌ی اوقاف اصفهان
مطابق با اصل است.، الاحقر الحاج محمدباقر سلطان‌زاده محل مهر دفتر اوقاف اصفهان

در پاسخ به مراسله‌ی پیشین، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه چنین اظهار داشته است:
اداره‌ی اوقاف راپرت نمره‌ی 430 و ضمایم آن در خصوص نهر کدران فریدن و تقاضای صدور توصیه از وزارت جلیله‌ی جنگ دایر بر مساعدت اداره‌ی قشونی به آن اداره رسید سابقا به طوری که بر حسب تقاضایی که کرده بودند توصیه صادر و ارسال شد ؛ بنابراین برای هر کار جزئی حاجت به مراجعه نیست.
محل امضاء
پس از این امر، اراضی متعلق به بقعه‌ی شیخ سلیمان با دخالت نیروی نظامی به تصرف اوقاف درآمده و تولیت آن به سید یوسف خوانساری، امام جمعه‌ی داران واگذار شده است. سواد تصدیق وقفیت نهر کدران و تولیت آقا سید یوسف را اداره‌ی اوقاف اصفهان در مورخه‌ی 30 برج اسد 1301 تحت نمره‌ی 31 چنین ضبط کرده است:
در تاریخ 8 شهر رجب 1340 آقای سید یوسف خوانساری مطابق عرض حال نمره‌ی 42 به طرفیت اشخاص مرقومه‌ی ذیل
جعفر قلی خان ولد آجودان،
احمد قلی خان ولد سراب خان،
میرزا جلال ولد میرزا خسرو،
در اداره‌ی اوقاف اصفهان راجع به وقفیت نهر کدران فریدن و املاک تابعه‌ی آن‌که مقداری از آن‌ها متصرف معروضین است، اقامه‌ی دعوا نموده و برای مدرک عرض حالی خود سه ورقه تقدیم داشت که یکی سواد وقف‌نامچه است که مرحوم ملک اتابک نهر مرقوم و بعضی املاک را (که از نهر مرقوم مشروب می‌شود) بر مشایخ و مجاورین بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان وقف نموده، یکی دیگر سواد از آن همایونی است که در باب رقبات مرقومه‌ی مزبوره به حکومت سابق اصفهان مرحوم
ظل السلطان نوشته است که دیگران را از مداخله نمودن در مرقومه‌ی مزبوره ممنوع داشته و آقای آقا سید یوسف به عنوان تولیت مداخله نموده، منافع را به مصارف مقرره‌ی مزبوره برساند. یکی دیگر سواد دستخط وزرای جلیله‌ی معارف و اوقاف است که در ذیل نمره‌ی 226 سابق اصفهان دستور داده‌اند که نهر کدران و املاک آن را به تصرف آقا سید یوسف خوانساری بدهید و اجرت سنواتی را گرفته به ایشان رد نمایند که به مصارف مقرره برساند؛ علیهذا اداره‌ی اوقاف عرض حالی عارض را پذیرفته و قضیه را ارجاع به دایره‌ی تحقیق ورقه‌ی احضاریه نوبت اولی و احضاریه‌ی نوبت ثانی به عنوان معروضین ارسال شد و آن‌ها حاضر نشدند. اخیرا جعفرقلی خان (احد معروضین) حاضر و آقا سید فخرالدین خوانساری را به عنوان وکالت از طرف خود معرفی نمود. وکیل مرقوم هم سلب

مالکیت از موکل خود نمود و اظهار داشت آن‌چه که موکل متصرف است به عنوان استجاره از غیر می‌باشد. دایره‌ی تحقیق مطابق مقررات قانونی و تقاضای عارض نسبت به دو نفر دیگر از معروضین (احمد قلی خان و میرزا جلال) نظر به تکمیل احضاریه غیابا رسیدگی نموده و نتیجه به شرح ذیل اظهار عقیده نمایند نظر به مستندات مرقومه که عارض ابراز نموده و سواد آن‌ها نیز ضبط گردید و اقوا امان است برای صدق دعوای عارض و نظر به اینکه وکیل مدعی جعفر قلی خان سلب مالکیت از موکل خود نمود و سایرین هم دفاعی از مستندات عارض ننموده، لذا تصدیق می‌شود که نهر مزبور و املاک تابعه‌ی آن (که برحسب اظهار عارض، سیصد جریب ملک از ابتدای نهر تا انتهای آن می‌باشد و دوازده جریب آن را بعضی از اهالی آن حدود از طرف ایشان به عنوان وقفیت مداخله می‌نمایند و نیز برحسب عرض حال عارض، هشت ربع به تصرف جعفر قلی خان و نه ربع به تصرف احمد قلی خان و نیز ده ربع به تصرف میرزا جلال است) وقف و تولیت آن عجالتا با عارض می‌باشد که باید ایشان مداخله نموده و نیز به اقراری که به دفتر اوقاف سپرده‌اند، منافع آن‌ها را به مصارف متعرض واقف به اطلاع و نظارت اداره‌ی اوقاف اصفهان برساند و حق النظاره‌ی دولتی آن را همه ساله به اداره‌ی اوقاف تسلیم نموده، قبض رسید دریافت نماید.
فی 25 شهر ذی حجه 1340 توضیح آن که از تاریخ ابلاغ تا پانزده روز معترضین حق اعتراض دارند.
محل امضای آقای سلطان‌زاده رئیس اداره‌ی اوقاف
محل امضاء... محل امضاء... محمد آقا عضو دوم در تاریخ غره‌ی فی ذی حجةالحرام 1340 آن ورقه رؤیت شد و مطابق ماده‌ی 5 مرقومه در ظهر احضاریه‌ها تقاضای تعیین محل مرقومه و زرع آن را از اداره‌ی جلیله دارم تا مطابق ماده‌ی 7 از قانون B 8 معروضین اعتراض دارند اظهار نمایند و اقامه‌ی حجت نمایند.
سید یوسف صحیح است. محل امضاء
ملک مرقوم راجع به عموم ساکنین و اهالی داران می‌باشد و خود این جانب هم شخصا مالک نیستم؛ 5 شهر ذی حجةالحرام.
جعفر قلی خان محل امضاء
این ادعا در صورتی که حقوقی است، باید عرض حالی به اداره‌ی جلیله‌ی عدلیه بدهند تا جواب
داده شود چنانچه راجع به اداره‌ی اوقاف است، خود ریاست محترم اوقاف تشریف دارند و در محل رسیدگی نمایند. این ملک مابین تمام نفرات داران و قدری هم متعلق به خوانین بختیاری است. خصوصی نیست. 5 شهر ذی حجةالحرام 1340.

محل مهر میرزا جلال
این ملک راجع به مالکین داران است؛ به تاریخ پنجم ذی حجةالحرام 1340.
محل امضای احمد قلی خان
حکم فوق توسط مأمور نظامی به جعفر قلی خان و احمدخان و میرزا جلال ابلاغ شد. برج اسد 1301.
محل امضاء اسدالله خان رئیس نظامیان فریدن
محل امضاء آقای محمدباقر سلطان‌زاده رئیس اوقاف [اصفهان]
سواد مطابق اصل است.، محل مهر و امضای اداره‌ی اوقاف اصفهان
از اسناد مربوطه به بقعه‌ی پیش گفته، یکی نیز سواد رقبات مرقومه و نیز تولیت آقا سید یوسف امام جمعه است که از سوی ظل‌السلطان بدین شرح نوشته شده است:
نواب حال و استقبال فریدن سرافراز بوده بدانند چون به موجب وقف‌نامه‌ی شرعیه‌ی معتبره قدری املاک و نهر کدران واقعه در داران وقف بر بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان است به مصارف برسد و موافق نوشتجات علمای عظام و مطابق مدلول قضاشمول فرمان جهان مطاع همایونی تولیت آن به جناب شریعت ماب آقا سید یوسف امام جمعه‌ی فریدن واگذار است و باید جناب مشارالیه در املاک و نهر کدران مداخله نماید و منافع آن را به مصارف خود برساند؛ لهذا به موجب این حکم مطاع امر مقرر می‌داریم باید از این تاریخ به بعد املاک مرقومه و نهر کدران را به تصرف جناب امام جمعه بدهید و ابدا متصدی حق مداخله در آن ندارد. هر گاه کسی هم بخواهد متعرض شود، ممانعت نمایند. با کلی آسودگی منافع آن را ضبط نموده، به مصارفش برساند و به تکلیف شرعی خود رفتار نماید؛ [...] شهر شوال 1314.
در حاشیه چنین آمده است:
محل حاتم شریف مبارک حضرت ظل‌السلطان
و نیز السواد کالاصل خذو النعل و القذه و حرره الداعی. مهر الراجی محمود بن العظیم (8)شوال 1314.
به ظاهر، مدت کوتاهی، زمان تولیت آقا سید یوسف، امام جمعه، درصدی از درآمدهای موقوفات متعلق به بقعه‌ی شیخ ابوسلیمان طبق رونوشت وقف نامه که ذکر آن گذشت، صرف می‌شده است و دوباره موقوفات عدوانا تصرف شده و امروزه متأسفانه هیچ گونه درآمدی از این موقوفات عاید بقعه و موارد مصرف مذکور در وقف‌نامه نمی‌شود.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

رضازاده، سید حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج سید حسین رضازاده در روز دوازدهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و سی و نه شمسی تولد یافت. در رؤیاهای پدر بزرگوارش، بزرگ مرد علم و عمل و حامی و دلباخته اهل البیت «علیهم السلام»،حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید فضل الله رضازاده (دام عزه) و مادر صالحه اش، حاجیه خانم دیانی جای نمی گرفت که سید حسین، روزی در گستره ی انسانهای شیفته اهل البیت «علیهم السلام» در سطح جهان مؤثر واقع شود. مهم آنست که دانش بطلبیم و مهمتر از آن نور دانش را در جهان نهادینه سازیم. وی با بهره گیری از فیوضات و کمالات روحی و اخلاقی و اعتقادی درمحضر پدر دانشمند و شیرپاک مادری با ولایت و تربیت دردامان مطهر او، مراحل رشد و ترقی و انسانی و ایمانی را طی نمود. تحصیلاتش از مدرسه نور دانش آغاز شد. یعنی همان دومین مهد سید حسین، که با راهنمایی پدر، در آن زمزمه عشق را شنید و باورکرد و... عاشق شد. زمینه هایی که از نگرش متعالی به شناخت مسئولیت از طریق اجداد پاکش داشت، در خانه ی پدری در محله ی دردشت اصفهان درمیان حرارت عشق علوی، حماسه حسینی و شور انتظار مهدی موعود«عجل الله تعالی فرجه الشریف» در روح و جسم او جوانه زد و ثمره اش، بالندگی او بود. در نوجوانی، هفده محله‌ی اصفهان را عرصه ابلاغ و گسترش معارف اهل البیت «علیهم السلام» نمود، تا زمینه رشد برای انجام این مهم در سراسر گیتی مهیا گردد. جوانان هدف اصلی این حرکت و پیام بودند. دلسوختگانی از مکتب اهل البیت «علیهم السلام»، همچون ریاست سابق حوزه علمیه اصفهان، مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ حسن صافی اصفهانی (قدس سره) مدافع حریم پاک ولایت و امامت؛ مرحوم حضرت آیت الله حاج سیداحمد فقیه امامی (قدس سره) که روش ومنش وراهنمایی های پرجاذبه ی آن بزرگ مرد جهت دهنده افکارواحساسات سید حسین بود- و افتخار بزرگ حوزه علمیه و جامعه مذهبی اصفهان، حضرت آیت الله سید حسن فقیه امامی (دامت برکاته) پشتیبان علمی، معنوی و موجب دلگرمی او شدند. هرکاری راکه میتوانست،خودانجام میداد؛وبه دیگری وا نمی نهاد. و در این رهگذر چه بسیار اندیشید ودست و نیت خیرش را در امری نیکو وعظیم وارد نمود. شاهد صدق این ادعا، وجود فعال مؤسّسات و مجامع خیریه زیر می باشد

که از همت والا و مساعدت های فکری- معنوی و مادی او بی بهره نمانده اند. مؤسسه خیریه امام حسین «علیه السلام»- مؤسسه خیریه امام جواد «علیه السلام» - مؤسسه خیریه حضرت ابوالفضل «علیه السلام»- مؤسسه خیریه حضرت ام البنین«سلام الله علیهما»- مؤسسه دارالشفای فاطمیه«سلام الله علیهما»- مجمع خیریه های درمانی استان اصفهان (ویژه بیماران خاص و صعب العلاج)- مجمع خیریه های استان اصفهان- صندوق قرض الحسنه حضرت ام البنین «سلام الله علیهما»- انجمن مددکاری امام زمان«عج»- انجمن بیماران M.S - فاطمیه- مهدیه- دارالقرآن الکریم- انجمن خیریه امداد و درمان حضرت ولی عصر«عج».
جنگ تحمیلی عراق علیه ایران فرصتی بود تا خود را بیازماید که چگونه در برابر دشمن بایستد. پشتیبانی وی از مقاومت دلیرانه مردم ایران موجب گردید؛ تا در این آزمون الهی نیز پیروز باشد. بلند همتی او باعث شد تا همه چیز را در نقطه اعلای آن بخواهد. اجرای پروژه خوابگاه دانشجویان متأهل دانشگاه صنعتی اصفهان و مدیریت آن، که در قالب خیریه حضرت جواد «علیه السلام» انجام گرفت، نشان دهنده این اشتیاق و همت اوست. این مجموعه شامل 120 واحد مسکونی و سالنهای چند منظوره می باشد که بعد از احداث در کاملترین شکل ممکن وقف گردید. اما آنچه ثمره پرورش، آموزش، تجارب و کسب معنویت های خلقی او میباشد، تأسیس مؤسسه تحقیقات ونشرمعارف اهل- البیت «علیهم السلام» است.امید اینکه این مهم به همان هدفی دست یابد که مولای او، مصلح جهانی- حضرت حجت بن الحسن العسگری- صاحب الزمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» به انتظار آن است...انشاءالله.

رضوی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفه شادروان عبداللّه رضوی را می‌توان از بزرگترین و پربارترین موقوفات مشهد و خراسان شمرد. این موقوفه، شامل اراضی بسیار وسیعی در چندین نقطه شهرستان مشهد مانند اراضی سوران و بژمهن و حسین‌آباد کرمانی‌ها و همچنین مسافرخانه‌ها و مغازه‌ها، در داخل شهر مشهد و حتی دارای رقباتی در دیگر شهرهای ایران است.
این موقوفه از هر جهت بر بسیاری از موقوفات دیگر خراسان برتری دارد و موارد مصرف آن بسیار چشمگیر و قابل توجه بوده که از آن جمله موارد مصرف سه‌گانه آن شایان توجه است.
آقای عبداللّه رضوی در سال 1343 برابر وقفنامه رسمی، تمامی شش‌دانگ مزرعه سوران و دو رشته قنات دایر و یک رشته قنات بایر و ثلث از کل فاضل‌آب رودخانه شاندیز و املاک دیگری را طبق اساسنامه برای انجام امور عام‌المنفعه وقف نمود و برای بهره‌برداری بهتر از این موقوفه بزرگ، برابر سند رسمی و اساسنامه موجود، شرایطی قرار داد که قابل توجه است از آن جمله یادآور شده است که:
«کلیه درآمد و عواید حاصله از موارد وقف از هر جهت و هر بابت را، متولیان مربوطه در هر زمان و هر موقع، بایستی جمع‌آوری و پس از وضع مخارجات قنوات و اشجار و باغات به ده عشر تقسیم و به مصارف معینه ذیل برسد:
و نیز در اساسنامه مورخ 6/ 3 /1357 آمده است: «... سه دهم (سی درصد) از درآمد موقوفه به مصرف پرورشگاه برسد» که جزئی از «بنیاد نیکوکاری» عبداللّه رضوی (میرزای ناظر) است. در ذیل این بند افزوده‌اند که بنای درمانگاه و ساختمان پرورشگاه را تکمیل و همچنین درمانگاه و پرورشگاه باید طبق شرایط مذکور در وقفنامه و این اساسنامه اداره شود.
و نیز در سند وقفنامه آمده است که: «متولیان وقف موظف‌اند که روز عاشورا، هر ساله در مزرعه سوران اقامه عزای حضرت سیدالشهدا (ع) نموده و یک دهم را نیز
جهت روضه‌خوانی و اطعام اهالی و مستضعفین در این روز مصرف و خرج نمایند.»
به دنبال پایان یافتن جریانهای ثبتی اداری موقوفه، اداره کل اوقاف خراسان با پشتکار و دقت از محل عواید موقوفات به سرمایه‌گذاری و

تأسیس شرکتها و پی‌گیری امر احداث ساختمان برای دارالایتام و فعالیتهای کشاورزی پرداخت.
از آن جمله، در مزرعه سوران که بالغ بر شش‌هزار هکتار مساحت دارد علی‌رغم کمبود آب و وضع نامناسب زمین، نسبت به ایجاد و بازسازی باغهای قبلی که بر اثر بی‌توجهی و عدم رسیدگی رو به نابودی بود، اصلاحاتی صورت گرفت و باغهای جدید به مساحت 28 هکتار، برابر روش جدید باغداری ایجاد گردید و از زمینهای دیگر که توانایی بازدهی گندم و یونجه داشت با آبیاری بارانی، برای تأمین آذوقه و علوفه بهره‌گیری شد. در حال حاضر میزان زمین زیر کشت یونجه این موقوفه، 70 هکتار است.
همچنین جهت بهره‌گیری بهتر و بیشتر از زمینهای بایر موقوفه و در ضمن برای کمک به خودکفایی و ایجاد زمینه اشتغال برای مردم محل و جز آن در سال 1366 خورشیدی به تأسیس شرکت کشاورزی و دامپروری سوران، با سرمایه‌گذاری از وجوه مازاد موقوفات سراسر کشور مبادرت گردید و در اجرای اهداف آن مجتمعی شامل دو واحد گاوداری با زیربنایی به مساحت 33 هزار مترمربع بنای مسقف و 40 هزار مترمربع بهاربند در مدت کوتاهی ساخته شد و با مساعدت اولیای امور وزارت کشاورزی و سازمان دامپروری کشور فعالیت خود را با خرید دهها رأس گاو اصیل هلشتاین عملاً آغاز کرد و هم‌اکنون سالانه حدود 2000 تن شیر تولید می‌کند.
می‌بینیم که این همه بازدهی، ره‌آوردی است که از برکت روح پاک واقفی خیراندیش و انسان‌دوست، به جامعه مصرف‌کننده شهری تحویل می‌شود.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

زنگنه، شیخ علی خان

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مسیر جاده همدان به کرمانشاه درتوقفی کوتاه در تفرجگاه و سراب بیستون آن گاه که انسان عظمت و سترگی کوه‌های بیستون با ستیغ‌های رعب انگیز آن را به نظاره می‌نشیند، ناخود آگاه توجه‌اش به نقوش و آثار تحسین برانگیز به جای مانده از سلسله اشکانیان و نقش و نوشته ناتمام و نیمه نمایان مربوط به گودرز پسر گیو معطوف می‌گردد. آنچه بیش از همه برای ما فارسی زبانان مطمح نظر و کنجکاوی خواهد بود، کتیبه و طاق نمایی است مربوط به یکی از موقوفه‌های شایان توجه این مرز و بوم به ارتفاع 364 سانتیمتر و به عرض 276 سانتیمتر در 15 سطر که با خط خوش ثلث، حجاری و به عنوان وقف نامه‌ای بی بدیل و خلل ناپذیر بر صخره‌های بیستون نقر شده است.
بلی، سخن از موقوفات وسیع و در خور بررسی یکی از بزرگان و رجال عهد صفوی، یعنی مرحوم شیخ علی خان زنگنه ملقب به اعتماد الدوله است. پیشینه حیات مادی و معنوی واقف آنگاه که شاهان صفوی از کارآمدی قزلباش‌ها و شاهسون‌ها مأیوس شدند، دست نیاز به حمایت و مشاوره کردان زنگنه دراز کردند. طایفه یا عشیره زنگنه از قدیمی‌ترین و شجاع‌ترین طوایف عشایری ایران بزرگ بودند که یکی از ایلات نژاد کرد محسوب می‌شده‌اند.
بنابر آنچه در آثارمکتوب داخلی و خارجی آمده است، برابر تقسیمات کشوری زمان شاه عباس اول در سال 1006 هجری قمری، ایران به چهار ایالت والی نشین و 36 بیگلربیگی تقسیم می‌شده که در سال‌های بعد فرزند میر آخور شاه (شاه عباس دوم) به نام شیخ علی خان زنگنه ابتدا به بیگربیگی و سپس به عنوان والی ولایت مرزی غرب کشور تا بغداد منصوب شد و به دلیل بروز لیاقت و مقاومت‌های مدبرانه در مقابل دست اندازی‌ها و تجاوزات نیروهای ترک عثمانی، این سردار این زنگنه بیش از پیش موردتوجه دو تن از شاهان صفوی و مخصوصا شاه صفی یا همان شاه سلیمان صفوی قرار گرفت و در نهایت مقام وزرات و جبه و قلمدان مرصع صدرات صفویان به جناب ایشان تفویض گردید. (1).
به علت عدم توجه و تسلط شاه سلیمان به اداره امور کشور، دولت صفوی دچار ضعف و انحطاط شد. شیخ علی خان زنگنه صدر اعظم با تدبیر و کاردان او که باید او را امیر کبیر عصر صفوی دانست، انتظامی

کامل در ممالک محروسه‌ی شاهی برقرار کرد.
گویند شاه سلیمان ثبات اندیشه و سیاسیت مقبوله در عرصه‌های حکومتی و اجتماعی را به تدریج از کف داد و به دلیل شارب الخمر بودن و بعضا در حالت مستی مبادرت به بذل و بخشش‌های بی حد و حصر می‌کرد؛ مثلا فلان بندر مهم را به رقاصه‌ای می‌بخشید و این گونه افراد موقعی که جهت استیفای حکم مربوط به صدر اعظم (شیخ علی خان) مراجعه می‌کردند، اعتماد الدوله با دادن هدایای دیگری به افراد ذینفع و بالاخره با راضی کردن آنان، از به یغما رفتن بنادر و شهرها پیشگیری می‌کرد و به همین جهت ضرب المثل «شاه بخشید، شیخ علی خان نمی‌بخشد» در بین درباریان و محافل و اجتماعات مردمی‌منقول و مرسوم شد.
در کتاب ارزشمند سیاست و اقتصاد عصر صفوی نوشته‌ی دکتر محمد ابراهیم باستانی پا ریزی ذیل مبحث «وزیر کوشا» پیرامون شخصیت افعال و اعمال شیخ علی خان زنگنه آمده است: «در زمان شاه سلیمان برای مدت محدودی از سال 1086 تا 1101 هجری قمری یک وزیر نسبتا پر کار بر سر کار آمد؛ ولی باتوجه به اینکه دستگاه‌ها اصولا فرسوده شده و زنگ خورده بود، این کوشش‌ها بی نتیجه می‌ماند. این شخص شیخ علی خان زنگنه بود که کوشش داشت همیشه شخصیت و استقلال خود را در برابر شاه حفظ کند. او شب‌ها با لباس مبدل در محلات گردش می‌کرد و از اوضاع مملکت خبردار می‌گرددید و به فقرا و ضعفا و طلاب علوم دینیه و ایتام، بذل و بخشش می‌کرد. حمامات نیکو و رباطات در شهرها و عرض راه اعتاب مقدسه بنا کرده است.
هرگز با وجود اصرار شاه لب به مشروب نمی‌زد و می‌گفت: «شاه بر جان من حق دارد؛ اما بر دین من حق ندارد.» (2)... این وزیر با قناعت و با کیاست املاک و اقطاع و دهکده‌های متعددی در ایالت کرمانشاه و همدان داشت که تعدادی از آنها را به عنوان موقوفه عام به قبض وقف سپرد و شرح قسمتی از آنها در وقف نامه‌های وزین آن مرحوم درج شده است.
این واقف پاک نهاد بالاخره در سال 1101 هجری قمری دار فانی را وداع گفت. وقف نامه‌ها با امعان نظر به اینکه از آن مرحوم دو فقره وقف نامه تحریر شده در دو زمان جداگانه (هر یک مربوط به استان‌های کرمانشاه و همدان) برجای مانده و وقف نامه مربوط به استان کرمانشاه که نسخه‌ای از آن در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه و مشابه آن (و در واقع نسخه‌ی بی بدیل آن) در کتیبه سنگی سراب بیستون (کنار نقش و فرمان ناتمام گودرز پسر گیو از پادشاهان اشکانی) حجازی و نقر شده مقدم بر دیگری است، ابتدا شرح مختصری بر آن می‌آوریم.
وقف نامه‌ی سنه 1093 هجری قمری
این وقف نامه معتبر و مسجل در دوران صدرات آن وزیر بادرایت در

اصفهان کتابت و تحریر یافته که به قلم و مهر اعلم علمای آن روزگار، چون: علامه ملا محمد باقر مجلسی، ملا میرزای شیراری و آقا جمال‌الدین خوانساری و.. مسجل و ممضی شده است.
آنچه به عنوان موقوفات شیخ علی خان زنگنه شناخته شده و در متن وقف نامه درج شده از حیث متصرفی و غیر متصرفی عبارتند از:
1. ششدانگ مزرعه بن عدی (یا بند عبدی)؛
2. ششدانگ مزرعه چم بطان؛
3. ششدانگ قریه قراولی؛
4. ششدانگ قریه فراش؛
که تولیت همه این مزارع و قرای موقوفه که از رودخانه معروف گاماسیاب نهاوند مشروب می‌شوند، مادام الحیات برای شخص واقف در نظر گرفته شده و بعد از فوت وی نسلا بعد نسل با اکبر و ارشد اولاد ذکور او می‌باشد.
عواید حاصله از ایجاد اراضی و مزارع موصوف باید به ترتیب به میزان دو سوم به سادات فاطمی‌اثنی عشری پرداخت شود و مقدار یک سوم باقی مانده به مصرف عمران و آبادانی عمارت کاروانسرای واقعه در بیستون (مسیر عبور و بیتوته زوار عتبات عالیات) که آن نیز موقوفه مرحوم شیخ علی خان زنگنه می‌باشد، برسد.
ناصرالدین شاه قاجار که در سال 1287 هجری قمری جهت تشرف به کربلای معلی و نجف اشرف به کرمانشاه سفر کرده است در سفرنامه خود می‌نویسد:
«برای ملاحظه آثار بیستون رفتم اثرها که مشاهده شد به این تفضیل است:
اول نزدیک زمین یعنی به ارتفاع چند ذرع، صفحه بزرگی از سنگ تسطیح کرده اشکال بزرگ نقش کرده بودند که حالا اثری نمانده است. در همان صفحه شیخ علی خان زنگنه وقف نامه دو ده را که برای کاروانسرا وقف کرده است حجاری کرده، این کاروانسرای بیستون را هم شیخ علی خان بنا کرده است. اسم دو ده موقوفه که آن طرف رودخانه گاماسیاب در دامنه کوه ملاحظه شده بود: قراولی و چم بطال است.... (3)
وقف نامه‌ی سنه‌ی 1100 هجری قمری
این وقف نامه وزین در قالب نثر مصنوع با خط زیبای ثلث و تعلیق (عربی و فارسی) که عباراتی مشحون از الفاظ و کنایات و تشبیهات منقح و با مضامین ادبی - عرفان و مواعظ اسلامی - انسانی دارد توسط کاتب و خطاطی چیره دست و اهل فضل در آخرین سال صدارت بر وزیر اعظم) 326 سال قبل)، در اصفهان به سلک تحریر در آمده که رونوشت مصدقی از آن هم اکنون در بایگانی اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه استان همدان

و همچنین در دفتر تولیت موقوفات زنگنه (نزد آقای مرتضی متولی زنگنه) موجود است.
این سند وقف که به تأیید و تسجیل اعلم امام علما و مراجع عظام شیعه در آن روزگار از جمله: علامه شهیر مرحوم محمد باقر مجلسی (فرزند محمد تقی) وعلامه سید بحر العلما و آقا جمال الدین خوانساری و... رسیده، در صفحه طوماری به طول سه متر نگاشته شده است، و به شیوه‌ای مطمئن با کلاسه پوشت چرمی تجلید شده و رونویس خوانایی از روی نسخه اصلی به شیوه و سیاق نستعلیق و به خط مرحوم استاد غلامحسین همایونی همدانی (تحریر شده به سال 1357 شمسی) دارد.
موقوفات آن مرحوم برابر نص صریح وقف نامه به شرح ذیل است که ضمن العقد تولیت موقوفات را متعلق به نفس نفیس خود و بعد از خود به اکبر و اولاد ذکور خود به شرط اجتناب از فسوق و فجور قرار داده و همچنین اعلم علمای شهر همدان در هر زمان را به عنوان ناظر شرعی موقوفه تعیین کرده است.
در اینجا قسمتی از متن آن به نثر مصنوع عینا نقل می‌شود: «و چون به توفیق و عنایت بی غایت ربانی و تأیید و شفقت بی نهایت سبحانی پرتو علو رتبه این معنی در جام جهان نمای ذهن مبین و ضمیر مستنیر نواب مستطاب معلی القاب قدسی جناب قدوسی انتساب وزارت و شوکت و اقبال پناه عظمت و حشمت و اجلال انتباه: مناعت و متانت و ابهت دستگاه الدستور الاعظم و الصاحب المکرم المعظم و الاعالی و قدرة ارباب المآثر و المعالی اعتماد الدولة العلیة العالیة الخاقانیة و اعتضاد السلطنة القاهر السلیمانیة المستغنی لعلو الشأن و ارتفاع المکان عن نثر المآخر نشر المآثر خانی عظیم الشأنی منیع المکانی دستور اعاظم وزرایی ایرانیان مداری شیخ علی خان مد الله تعالی علی مفارق الانام ظلال اجلاله و امدهم علی مر الدهور و عواطف افضاله لا مع و تابان گردیده تقربا الی الله و ابتغاء لمرضاته. وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد دینی نمود همگی و تمامی حصص مفصله ذیل الکتاب را با جمیع توابع شرعیه و لواحق دینیه و منضمات و منسوبات از ممار و مداخل و شرب و مشارب و اراضی و صحاری و جداول و انهار و مراعی و اشجار و غیر ذلک به تفصیلی که در تحت اسم هر یک مرقوم می‌گردد و بر مصالح مفصله آتیه ساکنین مدرسه مستحدثه نواب مستطاب عالی شأن در بلده طیبه همدان و غیر ایشان علی التفصیل الاتی و تولیت موقوفات معینه آتیه را متعلق ساخته فی متن العقد به نفس نفیس خود طال الله بقائه مادام حیا باقیا و بعد از ارتحال به عالم بقاء به اکبر ذکور اولاد بشرط الاجتناب از فسوق ظاهره مثل شرب خمر و باخت قمار و استماع مناهی و ملاهی و غنا و نحو ذلک.»
از نکات جالبی که بیانگر دقت نظر و نشانگر ژرف اندیشی وی بوده، آن

است که قید فرموده است:
«در هر حجره مدرسه دو تن از طلاب بایستی سکنی بگزینند و زیاده بر دو تن موقوف بر رضا و اجازه صاحبان حجرات است». و نیز به متولی: امر و تکلیف کرده است که: «از مؤذنی رفیع الصوت من دون غنا برای اعلام اوقات صلوة دعوت به همکاری نماید بدون آنکه وی را اجیر سازد. و همچنین وظیفه طلبه را بالسویه من دون المزیة بر رؤوس، نه بر حجرات تقسیم نماید.» موقوفات مدرسه علمیه و مسجد شیخ علی خان اعتماد الدوله تویسرکان
عرصه و اعیان این مدرسه با مسجد میانی آن (که به صورت وقف انتفاع است). به انضمام 15 باب دکاکین بیرونی تحت پلاک ثبتی 851 الی 863 ناحیه یک در مرکز شهر تاریخی تویسرکان واقع شده و هم اکنون تعداد 130 نفر از طلاب محترم علوم دینیه در آن به درس و بحث مشغول هستند و عواید حاصله از ایجاد دکاکین مزبور به مصرف حوزه علمیه مذکور می‌رسد.
مدرسه علمیه بزرگ شیخ علی خان زنگنه
عرصه و اعیان این مدرسه موسع و مجهز که به مدرسه بزرگ معروف است به نحو انتفاع وقف شده و دقیقا در مرکز شهر و قلب بازار قدیمی همدان، یعنی ابتدای خیابان دکتر شریعتی کوچه آرامگاه استر و مردخای (از بزرگان و امرای قوم یهود) می‌باشد که ظاهرا بنای آن توسط شخص واقف احداث شده و پس از گذشت دوران متمادی نهایتا در سال 1368 شمسی توسط متولی قبلی موقوفه، تخریب و پس از آزاد سازی عرصه آن به مساحت 7000 متر مربع، برابر ضوابط و اسلوب جدید شهرسازی و معماری اسلامی - سنتی در سه طبقه (مجموعا 5500 متر مربع) احداث شده که شامل حجرات درس طلاب، اطاق‌ها و حجرات فوقانی و کتابخانه و مسجد و سلف سرویس و تعداد 35 باب مغازه
بیرونی فوقانی و تحتانی تحت پلاک ثبتی 2920 اصلی بخش 3 همدان (دارای نقشه و صورت مجلس تفکیکی از اداره ثبت اسناد و املاک) می‌باشد که هم اکنون تعداد 170 نفر از طلاب محترم تحت تدریس مدرسان و فضلای عالی قدر به کسب معارف و علوم مشغول هستند که کلیه هزینه‌های جاریه اعم از پرداخت شهریه و حق الزحمه طلاب و مدرسان، تأمین و تهیه غذا و لوازم و ملزومات بیتوته و غیره از محل عواید موقوفات تجاری و مزروعی آن واقف خیر اندیش توسط متولی موقوفه (آقای مرتضی زنگنه) و اداره کل اوقاف و امور خیریه و با نظارت ناظر شرعی موقوفه (آیت الله غیاث الدین محمدی - نماینده محترم ولی فقیه در استان و امام جمعه همدان) محقق می‌گردد.
عرصه و اعیان دکاکین و رقبات تجاری

به تعداد 150 فقره به نحو مشاع و شش دانگ واقعات در راسته‌ها و نقاط متعددی از بازار قدیمی و سنتی همدان به شرح راسته بازارهای موسوم به: نخود بریزها، چلنگرها، قناد خانه، پالان دوزها، فلسطین (یهودی‌های سابق) مظفریه، زنگنه، پاره دوزها، سبزه میدان و سرگذر (میدان شاه سابق) است که همگی در اجاره اشخاص و صاحبان سر قفلی می‌باشد.
اراضی مزروعی و عرصه رقبات صنعتی و مسکونی
تعداد 300 فقره واقع در قراء و مزارع تابعه شهرستان بهار که به این شرح است:
الف. 3 / 4 51 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ قریه هارون آباد تحت پلاک ثبتی 158 اصلی؛
ب. مقدار 76 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ قریه خوشاب سفلی پلاک 159؛
ج. مقدار 24 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ قریه خوشاب علیا پلاک 160؛
د. مقدار 24 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ قریه حسن قشلاق پلاک 176؛
ه. مقدار 68 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ مزرعه چملو پلاک 177؛
و. مقدار 56 شعیر مشاع از 96 شعیر شش دانگ مزرعه ملاقیدی پلاک 178 همگی در بخش چهار همدان.
کلیه اراضی ذکر شده در اجرای قانون اصلاحات ارضی رژیم گذشته به سال 1351 به زارعان صاحب نسق واگذار شد که پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و برابر فرمان شرعی حضرت امام خمینی (ره) در اجرای ماده واحد قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه به وقف اعاده و با زارعان و متصرفان و سایر افراد حقیقی و حقوقی سند اجاره تنظیم شده است.
با امعان نظر به مختصر تخصص اینجانب به عنوان کارشناس رسمی دادگستری در امور ثبتی و با عطف توجه به بررسی‌های انجام یافته، خوشبختانه کلیه موقوفات و رقبات مرحوم زنگنه در سطح شهرهای بیستون، تویسرکان و همدان و نیز قراء و مزارع اطراف بهار همزمان با آغاز عملیات اجرایی قانون ثبت عادی و عمومی اسناد و املاک، در دفاتر توزیع اظهار نامه به عنوان وقف معرفی و برابر مندرجات دفاتر آمار (احصاء) و حکایت محتویات پرونده‌های ثبتی، همگی اظهار نامه ثبتی دارند و اکثریت قریب به اتفاق آنها دارای اسناد مالکیت صادره به نام موقوفه شیخ علی خان زنگنه تحت تولیت متولی منصوص می‌باشد و نهایتا تعداد قلیلی نیز به عنوان به اصطلاح پرونده‌های جاری در مراحل نشر آگهی نوبتی یا تحدید حدود مسکوت مانده یا تعطیل شده است و نیاز قطعی به

پیگیری و برداشت نقشه رقبات علی الخصوص محدوده کل روستای فاقد سند مالکیت با قید متراژ حدود و تعیین مساحت می‌باشد. پی نوشت : 1-
=زندگان عرصه عشق، اردشیر کشاورز، ج 1، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان، چ 1،1382.
2-سیاست و اقتصاد عصر صفوی، دکترابراهیم باستانی پا ریزی، چ 3، انتشارات صفی علیشاه: تهران، 1362.
3-سفرنامه کربلا و نجف، ناصرالدین شاه قاجار.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

سروقدی، میرزا محمد جعفر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
به سال 1079 ه.ق شادروان میرزا محمد جعفر سروقدی وقف‌نامه تنظیم و تحریر می‌کند که در خاندان و فرزندان او اکنون به وقف‌نامه اولادی معروف است. اصل این وقف‌نامه به همراه چند سواد دیگر که با اندکی تحریف
در سنوات پسین سوادبرداری شده در مرکز اسناد اوقاف خراسان و نیز در مرکز خراسان‌شناسی و نزد چند تن از اولاد موجود است در مقدمه‌ی وقف‌نامه می‌خوانیم:
«روایت ثنا و سپاس و وظایف محامد بی‌حد و قیاس حضرت واقف السر والخفیات و واهب البر والعطیات را سزاست که مشهد مقدس دل کامل که سلطان ممالک رضاست، مطاف اشراف عاکفان حریم الطاف بی‌پایان اوست . پادشاهی که خوان سالار فضل عمیمش موائد فوائد و فی السماء از حاکم جهت اطعام مستحقان آماده گردانیده و سفره‌ی نوال بی‌زوال و مامن دابة فی الارض الا علی الله رزقها...» و اندکی سپس تر واقف چنین می‌نگارد: «.. بناء علی هذا المقدمات، در این وقت شمه‌ای توفیقات ربانی و شرذمه‌ای از تأییدات سبحانی شامل حال و کافل امانی و آمال عالی حضرت متعالی منزلت، ستوده مرتبت، خجسته خصلت، پسندیده سیرت، حمیده طویت، و مرضیه رتبت، راسخة العقیدت... میرزا محمد جعفر، خلف الصدق مرحمت پناه، مغفرت دستگاه مبروری... میرزا محمد تقی مشهدی گردیده... وقف مخلد و حبس مؤبد نمود بر اولاد ذکور خود بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل و - عیاذ بالله - اگر اولاد ذکور و اناث اولاد ذکور واقف مذکور بطنا بعد بطن منقرض گردند، بر ذکور اولاد اناث مشارالیه بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل بر این موجب، وقفا صحیحا شرعا و حبسا صریحا دینیا اسلامیا.»
املاک موجود در وقف‌نامه مزبور را می‌توان در سه مجموعه دسته‌بندی کرد: املاک مشهد مقدس 1. املاک مشهد مقدس 14 ملک و مزرعه‌ی کوچک و بزرگ است که در گستره‌ی وسیع بلوک تبادکان به شرح ذیل پراکنده‌اند:
- مزرعه‌ی خارستانک، بلوک درزاب معه ملحقات، دو ربع (در سواد)؛
- مزرعه‌ی باغوچه، بلوک تبادکان و ملحقات، از جمله‌ی هشت سهم پنج سهم و از طاحونه‌ی واقعه در او نصف که مدار او بر دو سنگ؛

- مزرعه‌ی کالاکان (مساوی است با کلاکوب) بلوک تبادکان معه ملحقات و باغات نصفه‌کاری و خاصگی بالتمام؛
- مزرعه‌ی سرتش (مساوی است با سرطیوش) بلوک تبادکان معه ملحقات و با میرات و باغات نصفه‌کاری مالدهی بالتمام؛
- مزرعه‌ی غیاث‌آباد، بلوک ایضا، معه ملحقات و باغات نصفه‌کاری و مالدهی بالتمام؛
- مزرعه‌ی خرم‌آباد بلوک ایضا، معه ملحقات و باغات بالتمام؛
- مزرعه‌ی چهار کواره که در زیر مزرعه‌ی مهنار و گراب واقع است، بالتمام؛
- مزرعه‌ی نضرآباد، مشهور به حصر سنگ بلوک شهر، معه ملحقات و باغات، کلها، س ربع، و دو یخدان که زیر باغ عمارت واقع است.
- مزرعه‌ی نظریه بلوک تبادکان معه ملحقات، از جمله بیست و چهار سهم نوزده سهم؛
- مزرعه‌ی محمدآباد، بلوک تبادکان، دو شبانه‌روز آب، معه اراضی شقا چهارده جریب و دو قطعه باغ؛
- مزرعه‌ی برج‌آباد بلوک تبادکان، سه ربع معه ملحقات و باغات.
- مزرعه‌ی دهرود بلوک شهر، معه باغات و ملحقات، بالتمام. (وقف سقاخانه نجف اشرف) طاحونه‌ی واقع در مزرعه‌ی دهرود که بر دو حجر دایر است، بالتمام.
2. باغات و غیره
- باغات مکروم مشجر واقع در قریه‌ی ویرانی معه آب کاریز که متعلق به باغات مذکوره است و دو آلاز آب کوه و اراضی که در قریه‌ی مذکور واقع است.
- خان و دکاکین واقع در بازارچه‌ی عیدگاه،... نصف.
- منزل مهمانخانه با باغچه،: مطبخ و سایر متعلقات و حرمسرا و حمام واقع در کوچه‌ی مسجد شهرة. املاک نیشابور - مزرعه‌ی داشخانه و میاه کارشک بر هشت زوج عوامل دایر است.
- مزرعه‌ی اردوغشن، حصار سرو، دریا صفی و اراضی آبکوه و طاحونه با ملحقات بالتمام.
- مزرعه‌ی فخرآباد، بلوک اردوغشن، بالتمام. املاک سرجام - مزرعه‌ی جنابد بلوک پساکوه جام معه متعلقات و باغات از جمله بیست سهم، نه سهم؛
- مزرعه‌ی معاد سرجام بلوک سرجام، معه ملحقات و قنوات و چشمه‌ی آب، بالتمام سپس در وقف‌نامه می‌خوانیم : «... که حاصل محال موقوفه را بعد از اخراج بذر و نفقة القنات و زکوة و اخراجات ضروریه شرعیه و عرفیه به هر اسم و رسم که بوده باشد، مساوی علی رؤوس الاولاد که در

مشهد مقدس متوطن باشند، قسمت نمایند...».
در وقف‌نامه‌ی مورد بحث رقباتی وقف اولاد اناث وجود دارد، که راقم این سطور هیچ‌گاه، از بزرگان و صاحبان اطلاع اولاد خبری در این خصوص نشنیده است، از سرنوشت و بده بستان‌هایی که در طول سه قرن اتفاق افتاده است، در حافظه‌ی فردی و جمعی خاندان مورد بحث، جایی ندارد. اولاد دختر واقف متأسفانه در حال حاضر هیچ حصه و سهمی در اختیار ندارند ! در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.
- چاه آب بلوک جاغرق با باغات و ملحقات بالتمام؛
- مزرعه چمیزدر، سفید کمر، همت‌آباد بلوک تبادکان با باغات و قنوات و ملحقات؛
- مزرعه قاسم‌آباد بلوک تبادکان، بالتمام؛
- مزرعه پاژ (مساوی است با فاز مساوی است با باز) و ملحقات از مدار معینه کل مزرعه مذکوره یک فرد.
واقف، میرزا جعفر، در خصوص تولیت املاک و اراضی در وقف‌نامه مشهور به اولادی، می‌نویسد: «... و شرط نمود ضمن العقد تولیت را به جهت خود مادام الحیاة و بعد از خود در هر مرتبه‌ای از مراتب هر کس باشد از روی فهمیدگی به شرایط مزبوره قیام نماید... و ایضا شرط نمود که در هیچ مرتبه‌ای از مراتب محال موقوفه را نفروشند و رهن ننمایند و به صداق و هبه ندهند... و به ارباب منصب و عمال دیوانی متقلبه... و جمعی که انتزاع از ایشان متعذر باشد
به هیچ وجه ندهند... و هرگاه متولی شرعی هر زمان از ازمنه و ایام خلاف شرعی از او صادر شد و توبه نماید، باز سایر اولاد او را متولی شرعی دانند...».
و نیز در خصوص املاک وقفی اولاد دختر خود می‌نویسد:
«.. و ایضا ضمن العقد، تولیت را شرط نمود واقف مشارالیه از برای خود فی قید الحیات و بعد از خود از جهت اسن اولاد اناث خود ذکورا و اناثا بطنا بعد بطن و نسلا بعد نسل و واقف...».
از برخی نسخ سوادبرداری شده از اصل وقف‌نامه، که اندکی در آن تصرف شده است، و تغییرات عمدی در آنها راه یافته است، چندین برمی‌آید که بعد از فوت میرزا محمد جعفر سروقدی بین ورثه‌ی نسل اول او منازعه و اختلاف پیش می‌آید، و تعدادی از آنها مدعی می‌شوند که املاک یاد شده از زمره‌ی وقفیات نبوده است، و کوشش نموده‌اند که املاک مزبور را به صورت ملکی به تصرف خویش درآورند. از این میان تعدادی هم اقرار به وقف املاک داشته‌اند، دعوا بالا می‌گیرد، از کسانی که در زمان حیات از جریان امر مطلع بوده‌اند در یک جا جمع می‌شوند، و ضمن سوادبرداری مجدد و یحتمل دخل و تصرف در اصل وقف‌نامه، به صحت وقف‌نامه

شهادت می‌دهند. در انتهای یکی از نسخ می‌خوانیم: «... بعد از آن که فی مابین ورثه مرحمت‌پناه جنت آرامگاه منازعه بود، در باب لزوم وقفیت و عدم لزوم آن و رجوع واقف از وقفیت آن و عدم رجوع آن و تصرف واقف در بعضی از اعیان موقوفه به بیع و اجاره زائد بر مدت مشروطه و غیر ذالک من المقدات و جمیع فضلا و سادات که در حضور ایشان این گفتگو مذکور شده اداء شهادت نمودند، بدین مضمون که واقف مرحوم در حضور ایشان به لزوم وقفیت و اقباض آن نموده، بنابراین رجوع لغو و تصرفات منافیه باطل و از درجه‌ی اعتبار ساقط خواهد بود، و علی ذالک وقوع الاشتهاد و کان ذالک فی شهر ربیع‌الثانی سنه 1085».
در این مجمع 50 نفر از بزرگان و علما و سادات مورد وثوق مردم شهر مقدس مشهد اقرار و اعتراف به وقفیت می‌نمایند.
یک بار دیگر، در دوره‌ی پهلوی‌ها، مرحوم میرزا محمد باقر رضوی، متولی وقت، چشم طمع بر املاک می‌دوزد، و تلاش می‌کند تمامی املاک اولادی را به نام خود به ثبت برساند که دعوایی چندین ساله در محاکم آن دوره طرح و نهایتا صلح نامه‌ای رسمی در سال 1327 شمسی به طرفیت میرزا محمد باقر رضوی و 30 نفر از رؤوس اولاد منعقد می‌شود که همین صلح‌نامه پایه عملکرد موقوف علیهم قرار می‌گیرد. در پایان سخن لازم است یادآور شد که موقوفات میرزا جعفر بویژه املاک آن در اصلاحات ارضی شاه ساخته مورد تعرض قرار می‌گیرد و بار دیگر به طور رسمی موقوفات دچار تحدیدهای ظاهرا قانونی می‌گردد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

سروقدی، میرزا محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمد طاهر سروقدی مشهور به وزیر خان ساکن هند، به برادر خود در مشهد یعنی میرزا جعفر سروقدی نیابت می‌دهد تا رقباتی را از ولایت مشهد خریداری و وقف سقاخانه نجف اشرف نماید. میرزا جعفر، مزرعه دهرود را در کنار کشف رود از بلوک شهر (اکنون در مسیر جاده سیمان) و یک باب کاروانسرا در (میدان... مشهد) جمعا به بهای حدود 550 تومان تبریزی خریده، وقف می‌نماید.
میرزا جعفر یا کاتب وقف‌نامه، میرزا محمد طاهر را با این القاب معرفی کرده است: «... عمدة اعاظم الاشراف والوزراء الکرام... اعنی صاحب السیف و القلم و منبع الجود و البر و النعم جناب آقای حضرت العظیم الشأن الرفیع اسکان میرزا محمد طاهر الشریف المخاطب وزیرخان...» و سپس می‌افزاید: «نامزد بنده داعی و مخلص بی وداعی المتشرف بالاخوة نسبا و المعترف بالعبودیة فضلا و حسبا محمد جعفر بن محمد تقی المرحوم گردیده بود مشتمل بر این مضمون خیر... که از جمله رقبات و املاکی که در مشهد مقدس معلی جهت سر کار خیر آثار آن نیکو اطوار از عین المال ایشان وکالة ابتیاع نموده‌ام. قدری که به حسب قیمت وقت مساوی مبلغ پانصد تومان (500) تبریزی نصفه تأکیدا مبلغ دویست و پنجاه تومان موصوف بوده باشد. به صیغه‌ی وقف شرعی و تولیت این داعی و اولاد این داعی به قیدی چند که مسطور می‌گردد، حاصل و منافع آن سال به سال صرف سقاخانه‌ی نجف اشرف علی مشرفه... شود.»
میرزا جعفر می‌افزاید: «وقف صحیح صریح معتبر شرعی نمودم و انا العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الملک الغنی محمد جعفر بن محمد تقی الشریف مشهدی، وکالة عن نواب اخی و مخدومی السابق بعض القابه الشریفه مجموع محلین مفصلین زیرا را: همگی و تمامی کل مزرعه... موسوعه به دهرود بلوک شهر من بلوکات مشهد مقدس معلی... محدود به اراضی مزرعه سیس آباد و به اراضی مزرعه‌ی کبود و به مزرعه‌ی زیرکن و قرامحمد و به حریم رودخانه‌ی کشف رود باکلی توابع شرعیه و لواحق ملیه خصوصا دو قطعه مکروم و یک قطعه دالستان که به نصف کاری است. کل مزرعه مزبوره که مدار آن بر شش زوج عوامل (است)، که هر زوجی هر سال مقدار شش خروار گندم و جو بذر می‌شود، دایر است. از عین‌المال نواب منظم‌الیه وکالة عنه دامت دولته و حشمته به مبلغ چهارصد

تومان تبریزی ابتیاع نموده‌ام. مع همگی و تمامی کل یک باب کاروانسرای معین معلوم واقع در بازار جدیده راه میدان مشهد مقدس به موضع سرجیه (...)، شهرة، محدود به کاروانسرای شیخ حسن داوود و به خانه‌ی امناء کله پز و تیمچه‌ی غایب خانه‌ی محمد حسین خارخسی فروش و به شارع بازار باکل توابع شرعیه خصوصا دکاکین متصله به آن که منحصر است بر پنج باب دکان از دو جانب در کاروانسرای مزبور، با همه‌ی توابع و لواحق به مبلغ یکصد و پنجاه تومان تبریزی از خالص مال نواب معظم الیه وکالة عنه دام عزه و عظمة، ابتیاع نموده‌ام...».

در باب تولیت آن هم گفته شده است: «... که متولی شرعی وقف مزبور... سال به سال منافع محلین مزبورین را نقد نموده بعد از اخراجات و برداشتن عشر به صیغه‌ی حق التولیه بقیه‌ی آنچه ماند مصحوف امنا نموده روانه نجف اشرف سازد... و متولی محلین مزبورین به اذن نواب سابق الالقاب گردانیدم خود را مادام که حیات مستعار باقی بوده باشد و بعد از خود از هر طبقه از طبقات اولاد ذکور از روی فهمیدگی به شرایط مزبور قیام نماید و هیچ حصه‌ای از حصص آنها را به احدی از اهل امارت و فرمانروایی و وکلای ایشان و جماعتی که دست از دامن قدرت و مکنت ایشان کوتاه بوده... به اجاره و مصالحه و هیچ یک از عقود شرعیه ندهد، و با هیچ کس زیاده بر سه سال مدت تصرف در محلین مزبورین مقرر نسازد و دست تصرف صدور و حکام و عمال متصدیان مباشرین موقوفات را به قدر مقدور از مدخل داشتن در وقف مزبور کشیده و کوتاه داشته باشد در منع ایشان بذل مجهود بنماید... مورخا به تاریخ شهر ربیع‌الاول من شهور سنة ثمان و سبعین بعد الف من الهجرة النبویة (1078)

برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

سیدعلی خان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینیه‌ی گل‌گوتی
150 سال پیش مرحوم سیدعلی خان ایرانی مقیم کلکته، ملکی را در منطقه‌ی گل تولای به عنوان حسینیه وقف کرد. این ملک 500 متر مربع مساحت دارد و دارای 10 مغازه می‌باشد. عایدات مغازه‌ها که به علت قدمت اشتغال مستأجرین بسیار کم و ارزش سرقفلی پیدا کرده است به هر حال صرف امور خیریه و حسینیه می‌شود. متولی فعلی آن محمد عقیل حسین شیعه هندی می‌باشد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شاه سلطان حسین

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفه‌ی شاه سلطان حسین
نویسنده:رسول جعفریان برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین در کاخ فرح آباد مقدمه
حرکت وقف در دوره‌ی شاه سلطان حسین صفوی، پرشتاب‌تر از آنچه در دوره‌ی سلطنت شاهان پیش از او بود، به پیش رفت؛ چرا که وی علاقه‌ی زیادی به وقف داشت و نه تنها خود، که بسیار از درباریان و نیز آغایان حرم، یعنی خواجگان دربارش، به کار وقف می‌پرداختند، در دفتر هفتم این مجموعه، وقف‌نامه‌ی نظر آقا را که یکی از همین خواجگان بود، به چاپ رساندیم. همچنین، وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی سلطان حسینیه را که از آقا کمال از خواجگان حرم و مسؤول امور مالی دربار شاه سلطان حسین بود، در دفتر نخست میراث اسلامی ایران به چاپ رساندیم.
در اینجا وقف‌نامه‌ی دیگری را ارائه می‌کنیم که پیش از این در کتاب تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان (1)به چاپ رسیده است؛ اما مع الاسف، به قدری متن چاپ شده پر اشتباه است که چاره‌ای جز طبع مجدد آن ندیدیم؛ به ویژه نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی آیةالله العظمی مرعشی به شماره‌ی 5458 یافت شد و امکان مقابله‌ی متن چاپی با نسخه‌ی مرعشی فراهم گردید. در مقابله روشن شد که در این چند صفحه، افزون بر مواردی که خوانده نشده و برخی از آنها مانند نام یکی از روستاهای وقف شده بسیار اهمیت دارد، موارد زیادی به خطا خوانده شده است. در اینجا از ذکر این خطاها صرف نظر می‌کنیم. آنچه مهم است
ارائه‌ی متنی کم غلطتر است که ما برای ارائه‌ی آن کوشش خود را کرده‌ایم. افزون بر متن وقف‌نامه، ضمن مقدمه‌ای، شرحی کوتاه درباره‌ی این وقف‌نامه، روستاهای وقف شده و جهت وقف داریم که به هیچ کدام از این نکات، در کتاب یاد شده، پرداخته نشده است.
آنچه شایسته یادآوری است این است که اصولا از روی هر وقف‌نامه‌ای چندین نسخه با خط خوش نوشته می‌شده است. در این باره، کاتب تلاش می‌کرده است تا نسخه‌ها را دقیقا مانند هم بنگارد. به نظر می‌رسد این نکته درباره‌ی وقف‌نامه‌ی ما نیز صدق کند، زیرا خطاهایی که در متن چاپی سپنتا راه یافته، به درستی نشان می‌دهد که آن نسخه نیز دقیقا شبیه این نسخه کتابت شده بوده است. گفتنی است که تاریخ تنظیم این وقف نامه،

20 محرم سال 1128 هجری است. روستاهای وقف شده
اولین مورد وقف سیزده حبه و دو دانگ از یک حبه‌ی دیگر، از مجموع 72 حبه‌ی روستای جشیر یا جی شیر یا به اصطلاح محلی گشیر است. این محل که در حاشیه‌ی زاینده رود در کنار محله‌ی سلیمی، و حاشیه‌ی بیمارستان چمران قرار گرفته و سه تا چهار کیلومتر از سمت جاده‌ی مشتاق دوم تا خیابان بزرگمهر فاصله دارد، دارای زمین‌هایی است که از رود خانه زاینده رود مشروب شده و همه‌ی اطراف آن آباد می باشد. بدین ترتیب، روستای یاد شده در خاور اصفهان قرار داشته و زاینده رود از جنوب آن می‌گذرد.
در تاریخ 1379/4/30 از یکی از اهالی روستا درباره‌ی وضعیت ملکی زمین‌های روستا پرسیدم؛ وی گفت: شنید است که این روستا تا پیش از آن که بخش عمده‌ی آن به ملکیت برخی از افراد خاندان نجفی درآید - چهار دانگ آن متعلق به این افراد بوده - شاهی یعهی خاصه و متعلق به دربار بوده است. اما ایشان از این که در گذشته، در آنجا ملک وفقی وجود داشته باشد، آگاهی خاصی نداشت(2) تنها حدس می‌زد که اگر چیزی هم به این عنوان بوده است، باید مربوط به گوشه‌ای از زمین‌های روستا باشد که به نام
قالی وردی شهرت دارد.
مورد دوم وقف، قریه‌ی دستجرد مهراداران است که در فرهنگ جغرافیایی ارتش، از آن با عنوان دستگرد مهرآوران یاد شده است. این روستا از روستاهای فلاورجان است و در 32 کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان و در 16 کیلومتری جاده‌ی آسفالته اصفهان - فلاورجان قرار داشته، زاینده رود از غرب آن می‌گذرد (3).
سومین مورد وقف، باغ شمس الدین است که بنده از محل دقیق فعلی آن آگاهی ندارم. اما از متنی که درباره‌ی تقسیم آب زاینده رود در دست است، چنین به دست می‌آید که در نزدیکی فخرآباد یکی از روستاهای منطقه‌ی لنجان که در همسایگی دستجرد مهراداران است، قرار دارد. (4)در این متن آمده است که: مادی دستجرد - یعنی همان دستجرد مورد نظر ما - شش سهم می‌شود: دستجرد: سه سهم. نارجان: یک سهم و نیم. فخر آباد: یک سهم، باغ شمس الدین: نیم سهم(5). جهت وقف
موردی که برای مصرف این موقوفات تعیین شده است، در مرحله‌ی نخست، مانند همه‌ی وقف‌نامه‌ها، سهم متولی و ناظر است که هر کدام یک عشر از درآمد را خواهند داشت. متولی شخص شاه و پس از درگذشت وی، شاه بعدی خواهد بود. پیش از آن که سهم متولی و ناظر داده شود، می‌بایست آنچه که برای بقای این موقوفه لازم است، از درآمد آن جدا شده و صرف آبادی آن شود.

پس از آن، به عنوان مصرف اصلی درآمد موقوفه، می‌بایست هشت عشر باقی مانده، صرف برپایی مراسم روضه خوانی در کاخ فرح آباد شاه سلطان حسین شود. این روضه خوانی می‌بایست در شب عاشورا، شب اربعین و شب بیست و یکم ماه رمضان برگزار گردد. بخشی از پول برای روضه خوان و بخش دیگر برای طبخ حلیم و پذیرایی از
حاضران است. شاه در این وقف‌نامه تصریح کرده است که حق التولیه را که او تعلق دارد، در امور خیر مصرف کنند.
نیاز به توضیح نیست که اساسا یکی از موارد وقف که در دوره‌ی صفوی به آن توجه زیادی وجود داشت، وقف برای روضه خوانی بود که به صورت سنتی پایدار در ایران به ویژه شهر اصفهان درآمد. واقفین، افزون بر توجه به روضه خوانی، برای مسافران کربلا نیز موقوفات فراوانی را معین می‌کردند. یک نمونه از این قبیل موقوفات، وقف روستای خاوه از روستاهای قم و چندین روستای دیگر در اصفهان، از طرف یک شاهزاده خانم صفوی است (6).
اما کاخ فرح آباد کاخی سست بنیاد و از خشت خام بوده است که شاه سلطان حسین آن را دامنه‌ی کوه صفه اصفهان ساخته و تابستان‌ها را در آن سپری می‌کرده است. کاخ یاد شده پس از حمله‌ی افغان‌ها، به دلیل آن که نخستین منطقه‌ای بود که به دست آنان افتاد، در اختیار آنان قرار گرفت و شاه سلطان حسین، در همانجا نزد محمود افغان رفت. پس ازآمدن افغان‌ها به شهر و استقرار در کاخ‌های اصفهان، به مرور، فرح آباد رو به ویرانی رفت، به طوری که ویرانه‌های آن تا اواخر دوره‌ی قاجاریه وجود داشته و پس از آن هم، منطقه‌ی یاد شده، به پادگان نظامی تبدیل شد. به نوشته‌ی خاتون‌آبادی در وقایع الاعوام و السنین، شاه سلطان حسین در سال 1123 به فرح آباد رفت و دستور بنای عماراتی را در محل آن باغ داده؛ سپس از اعیان و علما نیز خواست تا هر کدام زمینی را در اطراف آن گرفته، عمارتی در آن بسازند (7). گواهان وقف‌نامه
طبق معمول، هر وقف‌نامه، توسط شماری از بزرگان، از علما و کارگزران دولتی، گواهی می‌شده است تا موقعیت آن تثبیت شود. شاه وقف‌نامه را تنظیم کرده و آن را برای افراد مورد نظر فرستاده است تا آن را امضا کنند. در این وقف‌نامه، نام این افراد به چشم می‌خورد:
1 - فتحلی خان اعتماد الدوله‌ی شاه سلطان حسین که در نهایت به دستور شاه نابینا
شد.(8) به رغم دفاعی برخی از منابع از وی، شاعر مکافات نامه او را متهم کرده است که شاه را به کاخ فرح آباد می‌فرستاد و خود اختیار همه‌ی امور را دست داشت:
بده اختیاری که کل جهان

مرا بنده باشند از مال و جان
به تعمیر باغ فرح روز و شب
به اقبال مشغول شو بی تعب (9).
2 - سید مرتضی بن سید علی الحسینی، از چنین شخصی در طبقات اعلام الشیعة قرن دوازدهم در میان «مرتضی‌ها» یادی نشده است. (10)به احتمال این شخص از جمله صدور زمان سلطان حسین بوده است.
3 - محمد باقر بن سید حسن حسینی، این شخص، محمد باقر بن میرزا حسن - از خاندان خلیفه سلطان - صدر خاصه‌ی شاه سلطان حسین است که در حدود سال 1148 در گذشته است. (11)مهر وی به عنوان صدر خاصه در گواهی برخی از وقف‌نامه‌های دیگر شاه سلطان حسین دیده می‌شود (12).
4 - محمد حسین بن شاه محمد، وی دومین ملاباشی و آخرین ملاباشی عصر صفوی است. منصب ملاباشی با محمد باقر خاتون‌آبادی در سال 1122 آغاز شد و پس از درگذشت وی در سال 1127، محمد حسین تبریزی فرزند شاه محمد به این منصب تعیین گردید (13).
5 - محمد بن حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی. وی یکی از فقهای برجسته‌ی دوره‌ی اخیر صفوی و نویسنده‌ی کتاب ارجمند کشف اللثام است که بنا به آنچه بر روی سنگ قبر وی آمده، در سال 1137 در گذشته است (14). متن وقف‌نامه
هو الواقف علی الضمائر
بسم الله الرحمن الرحیم
نهال بی‌همال حمدی که در بساتین فرح آباد صدور مؤمنین نشو و نما یافته، در جنات نعیم مثمر رضوان حضرت منان کریم گردد؛ و ریاحین گوناگون شکری که در گلستان جنت نشان قلوب مقربین، به استشمام فوایح روایح عواطف، مشام جان را فرخندگی و شکفتگی بخشد، شایسته‌ی حدایق جلال ایزد متعال و کریم بی‌مثال، واقف آشکار و نهان و باسط کون و مکان است جل جلاله و عم نواله که بوستان آرای قدرت کامله‌اش در گلستان کاینات، اقسام مخلوقات را، هر یک به رنگی آراسته و جلوه‌گر ساخته تا مظهر ازهار فواید و مثمر اثمار عواید شوند. فحمد الله ثم حمدا لله.
و گلدسته‌های صلوات بلانهایات که از فیض رنگ و بو، دیده و مشام انام را صاحب نصیب و کامل نصاب، و میوه‌های نورس تسلیمات که از شهد آبدار کام مرام(15)خواص و عوام را لذت یاب سازند، تحفه‌ی بارگاه رسول لازم الاتباعی است که هرکس ساز مصباح هدایت او اقتباس نور معرفت نمود، پرتو عنایت ازل، چون خورشید و ماه بر ساحت احوال او تافت؛ و هر که مزرع دل و بستان جان را وقف اطاعت و انقیاد امر و نهیش نمود، ملخ خسران ون کرم زیان به فضای مزروعات و عرصه‌ی مغروساتش راه

نیافته؛ اعنی سید انبیاء و مظهر الطاف بی منتها فاتحه‌ی کتاب ایجاد، حضرت عزت و جلالت خاتمه‌ی رساله‌ی نبوت و رسالت؛ و بر آل و عترت او که به طهارت ازلی مخصوص و در صفوف امامت و ولایت به سرافرازی منصوص‌اند، صلوات الله علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین.
اما بعد، غرض از ارتسام این سطور حقیقت انجام، و ترقیم این حروف شرعیة المبدأ و الختام، آن است که چو خاطر عاطر دریا مقاطر بندگان اعلی حضرت، آسمان رفعت، خورشید اضاءت، مشتری سعادت، والا جاه جهانیان پناه، پادشاه نامدار کامکار، شهنشاه معدلت شعار آفتاب اشتهار، زینت بخش متکای عظمت و اقبال، سایه نشین
شاخسار مرحمت ذی‌الجلال،مقنن قوانین عدالت، مؤسس اساس جلالت، مالک خصال حمیده ملکی، مورد آثار پسندیده فلکی، مظهر عوارف کردگار، مشمول مراحم آفریدگار، رونق افزای بساتین جلالت، زینت بخش بساط ابهت و نبالت، متوکل بر عنایت جناب پرودرگار، متوسل به ولایت ائمه‌ی اطهار، ذو الهیبة القاهرة و الصولة الباهرة و العظمة الظاهرة، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان به الخاقان بن الخاقان، کلب آستان امیرالمؤمنین بتأییدات الملک الغنی المغنی، ابوالمظفر شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادرخان - ادام الله ظل جلاله مدی اللیالی و الایام و افاض شآبیب بره عدله و انعامه علی مفارق الأنام - متعلق بود که: رقبات وقفی
هر ساله در شهر مبارک فرح آباد جمعی به تعزیه‌ی حضرت سید الشهدا اشتغال و از ثواب آن بهره‌مند گردند، لهذا - قربة الی الله وطلبا لمرضاته - وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد دینی فرمودند:
تمامت سیزده حبه و دو دانگ از حبه‌ی دیگر تام مشاع از کل هفتاد و دو حبه‌ی قریه‌ی معینه‌ی جشیر (16) شهرستان جی من بلوکات تسعه‌ی دارالسلطنه اصفهان با کافه‌ی ملحقات و منضمات اسلامیه از اراضی و صحاری و انهار و غیره من شرب و مشارب و غیر ذلک.
و قاطبت قریه‌ی معینه‌ی دستجرد مهرادران و باغ شمس الدین واقع در لنجان من بلوکات تسعه‌ی دارالسلطنه‌ی اصفهان با جمیع توابع شرعیه‌ی دینیه که به موجب قبالجات اسلامیه به عنوان عقود لازمه و شروطه مبسوطه در آنها به سرکار عظمت آثار خاصه‌ی شریفه انتقال و به ملکیت سرکار عظیم الاقتدار اختصاص یافته بود، و به شرح ارقام مطاعه‌ی لازم الاطاعه از مالیات دیوانی معاف و از اصل بنچه‌ی دارالسلطنه‌ی مزبوره موضوع فرموده بودند، به این نحو که آب تابع دستجرد مهرادران و باغ شمس الدین را در وقت زراعت صیفی، هر گاه در باغ مبارک شهر فرح آباد بهشت بنیاد احتیاج به آب باشد، به باغ مزبور جاری و اراضی باغ مزبور را شرب و آب شتوی را درمحلین مزبورین شرب و زراعت نمایند و بعد از

آن که به میامن الطاف ابی عبدالله الحسین، (17) به جهت باغ مبارک مسطور به
نحو دیگر آب تدارک شود و احتیاج به آب صیفی محلین مزبورین نباشد، به دستور شتوی نیز در محلین مزبورین شرب و زراعت کنند. مورد مصرف
و آنچه به هر جهت از محصولات محال ثلاثه‌ی مزبوره به فضل حضرت واهب بی ضنت به عمل آید، بعد از وضع مؤنات زراعت و آنچه به هر جهت، سبب تنمیه و بقای عین حصص موقوفه بوده باشد، تتمه را به ده عشر متساوی الاجزاء منقسم ساخته، یک عشر آن را به متولی شرعی هر عصر به صیغه‌ی حق التولیه و حق السعی خود متصرف شود و یک عشر دیگر را به صیغه‌ی حق النظاره در وجه هر کس که فراشباشی و سرایدار باشی عمارات باغ مبارک فرح آباد بوده باشد، مقرر دارند که نهایت سعی و اهتمام نماید که کارکنان وقف مزبور، در نظم و نسق و تکثیر زراعت و تنمیه‌ی حاصل وقف مزبور نهایت اهتمام نموده، تکاهل و تسامح ننمایند و تغلبی واقع نشود.
و وزرات وقف مزبور به دستور سایر موقوفات بندگان ثریا مکان نواب اشرف اقدس - لا زالت أغصان شوکتها زاهرة الی ظهور صاحب الزمان و خلیفة الرحمان - با وزیر جلیل القدر آن سرکار است که در تشخیص محاسبه و تحقیق حاصل هر سال و قلمی نمودن نسخه‌ی منقحه‌ی وقف مزبور نهایت اهتمام نماید.
و هشت عشر بقیه‌ی حاصل موقوفات مزبوره را، هر سال در دهه‌ی ایام عاشورا و روز بیست و یک شهر رمضان المبارک و روز اربعین، صرف اخراجات تعزیه‌ی حضرت سید الشهداء، ثالث ائمه‌ی هدی، در صدف امکان، گوشواره‌ی عرش رحمن، به این نحو نمایند که طالب علم عارف به احادیث ائمه‌ی طاهرین، سلام الله علیهم اجمعین، احادیثی که در باب تعزیه‌ی آن امام معصوم شهید مظلوم واقع شده و مراثی آن امام عالی مقام علیه الفضل الصلاة و السلام را درشهر مبارک فرح آباد بیان کند و روضه بخواند و جمعی از مؤمنین و مؤمنات که در آن مجمع حاضر باشند، به تعزیه مشغول گردند وقدری که مناسب دانند، به آن طالب علم دهند، و تتمه را با طبخ حلیم در شب عاشورا و در ایام مزبوره و نان گندم و سایر مأکولاتی که ضرور باشد و قدری که مناسب دانند، به جهت جمعی که در آن مجمع به خدمات مشغول باشند، صرف نمایند و چیزهای شیرین از طبخ حلوا و غیره نسازند و در آن مجمع نیاورند.
و ثواب آن را به ارواح مقدسه‌ی حضرات عالیات سدره مرتبات عرش درجات چهارده معصوم - صلوات الله علیهم - هدیه فرمودند.
و تولیت شرعیه‌ی وقف مزبور را تفویض فرمودند به نفس انفس و وجود اقدس خود - ما دامت الدنیا عامرة بفیض جود وجوده الأقدس - و بعد از

خود به هرکس که پادشاه و فرمانفرمای ممالک فسیح الممالک ایران باشد.
و شرط فرمودند که حق التولیه را - ما دامت الارض عامرة بوجوده الاقدس - در جوه خیرات و مبرات که مصلحت دانند صرف نمایند.
و نیز شرط فرمودند که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و تصرفات مالکانه نکنند.
و به صیغه‌ی وقف عربی و فارسی تلفظ فرمودند و موقوفات مزبوره را از ید ملکیت اخراج و به ید تولیت اخذ و تصرف فرمودند: فصارت الحصص المزبورة وقفا بتا بتلا لازما جازما أن یرث الله الارض و من علیها.
و کان ذلک الوقف فی عشرین شهر محرم الحرام من شهور سنة ثمان و عشرین و مائة بعد الألف[1128]من الهجرة المبارکة النبویة علی مهاجرها الف آلاف سلام و تحیة.
هو
به نحوی که در متن قلمی شده وقف فرمودیم.
کلب آستان علی بن ابی‌طالب حسین الموسوی. گواهان
هو الله تعالی شأنه
به فرمان قضا جریان قدر توأمان خدیو جهان و قبله‌ی عالمیان که جان همگی غلامان فدای غبار قدم همایونش باد، بنده‌ی خاص و بنده زاده با اخلاص آستان خلافت نشان، بر مضامین بلاغت آیین این کتابت مستطاب شاهد گردید.
فتح علی
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد الله الذی احکم بحکمته الظاهرة نظام عوالم الامکان، و أتقن بقدرته الزاهرة ثبات الکون و المکان ]و[ سخر بسلطنته القاهرة محروسة ممالک الوجود و عمر بمملکته الباهرة المعمورة اقالیم العدل و الجود، الذی دار مدار الخلافة الالهیة و أضاء ضیاء الهدایة الربانیة علی حملة عرش العلوم الملکوتیة و مطالع انوار الکمالات الناسوتیة و ختمهم بمحمد صلی الله علیه و اله صفوة النبوة الصفیة و اله و اولاد الذین هم خیر البریة.
و بعد الصلوة علیه و علیهم صلوة یعادل الثقلین و سلام یقابل العالمین، فقد شرفنی الامر الاعلی المطاع، النافذ فی الاصقاع و الارباع برسم الشهادة و درک السعادة بهذا الکتاب المستطاب المتزین بالختم الاشرف الاعلی و المتحلی بالصدق من المبدأ الی المنتهی. فأطعت أمره الامثل ممتثلا و شهدت حکمه الاجل متبجلا لازال سفاین النجاة جواز فی بحث فیضه العامر بشراع الشرایع و الاحکام و فلک الامن و الامان مستویة علی جودی جوده الذی وقف علیه العدل و الاحسان.
و کتب عبده الذی صنع أیادیه و رقه الذی طوع اوامره و نواهیه

سید مرتضی بن سید علی الحسینی
بسم الله خیر الاسماء
الحمد الله الذی جلت سرادقات کبریائه و سلطانه من أن تناله افکار العقلاء و المتألهین و ارتفعت ساحة فضله و امتنانه عن أن یبلغ الیها أنظار العلماء المتبحرین، الذی جعل قلوب عباده معمورة بنور المعرفة و الیقین، و أعد لاصفیائه جنات تجری من تحتها الأنهار و أنزلهم منزلا مبارکا فی دارالقرار و هو خیر المنزلین. و الصلوة و السلام علی الرسول المؤید من عنده بلطف متظاهر جلی و المسدد من لدنه بفیض متظافر علی، صدر مداین العز و العلی، و بدر عوالم الفضل و البهاء، محمد المصطفی خیر اولی النهی، و آله و اولاده ائمة الهدی، سیما وارث علمه و وزیره علی المرتضی.
و بعد لقد القی الی هذا الکتاب المستطاب الذی لا یحوم حوله شک و لا ارتیاب - طوبی لواقفه و حسن مآب - مختوما بالختم الأشرف الأجل الأرفع السلطانی، مقرونا بالأمر الأقدس العلی الأعلی الخاقانی فجعلته مرآة لمثال الامتثال، و کتبت فیه ما صدر به الأمر
الأشرف الأعلی علی الاجمال و رسمت ما تعلق به الفرمان الأقدس الأسنی علی وجه تحکی عن صورة الحال، أحسن الله الیه فی المآب و المآل، لا زال شمسا للخافقین و بدرا للمشرقین و مروجا لشریعة اجداده المصطفین.
و أنا الداعلی لا بود دولته القاهرة الباهرة الزاهرة العلیه العالیة الکبری و المستدعی لخلود سلطنته السنیة البهیة الزکیة العظمی.
محمد باقر بن سید حسن حسینی عفی عنهما.
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی البلاد و أنار سبل الرشاد و أبار ارومة الفساد بارتفاع لواء دولة کریمة قویمة صفیة صفویة خضعت لها الرقاب و خفقت الیها أفئدة اولی الالباب. و صلی الله علی النبی الکریم ذی الخلق العظیم و المجد الجسیم، سید المرسلین، المبعوث رحمة للعالمین. و علی آله الغر المیامین بروج فلک الهدی و السعادة و الدین، سیما مرکز دائرة الهدایة و ضئضیء معدن الفصاحة، ذروة سنام السماحة و شاهق طود البسالة، دوحة العبادة و الزهادة،صنو النبی و خلیفته بالنص الجلی صلوة دائمة ما مادامت اغصان الارقان مورقة و احداق الظعان مونقة.
و بعد فقد صدر الأمر الأشرف المطاع - ما برح نافذا - فی الرباع و الأصقاع بأن احیط خبرا بفحاوی هذا الکتاب الکریم، المختوم بالختم القویم و أکون شاهدا علی ما حواه من الخطب المبارک الجسیم، فأمتثل أمره الأقدس قن أیادیه العظیمة و المشمول بعواطفه القدیمة، المستدعی ابود دولته العلیة و دوام سلطنته الجلیلة الجلیة، الفقیر الی الله الصمد،

محمد حسین بن شاه محمد، حامدا مصلیا.
بسم الله الرحمن الرحیم
وقفت علی ولی الحمد و الثناء، معترفا بالقصور عن الاحصاء، و حبست الصلوة علی سید الأنبیاء و آله الأئمة الأصفیاء.
و بعد وصل (18)الی الرقیم الکریم المتضمن للوقف القویم، اصحاب کهف ملوک
السبعة الاقالیم، سلالة آل طه و یس، خلاصة مکور الماء و الطین - ادام الله ظلال رأفته علی أفارق العالمین - لا ختم علیه و أضم شهادتی الیه. فقبلته و تقبلته و تسلمته و تلثمته و توسمته و وسمته.
و کتب المبتهل الی ربه فی خلود هذه الدولة القاهرة الصفیة الموسویة - انار الله برهانها و شدد أرکانها و أمد أزمانها - محمد بن الحسن الاصفهانی المعروف بالبهاء حشر هما الله فی زمرة أصحاب أصحاب العباء المتحملین فی دینه للاعباء... (19). پی نوشت: 1- عبد الحسین سپنتا، اصفهان، 1346.
2- از ایشان درباره‌ی دو امامزاده اول ده که در کنار کانال آب است پرسیدم؛ گفت که تا حدود سی چهل سال پیش اینجا توتستان بوده و هیچ آثار قبری وجود نداشت؛ چنان که مردم نیز هیچ چیزی درباره‌ی وجود قبری در آنجا نمی‌گفتند و نمی‌دانستند. شخصی بر اساس خوابی که دیده بود، به آنجا رفته و صورت قبری با گل درست کرد. بعدها دیواری هم اطراف آن کشیدند که اکنون به نام طفلان معروف و به عنوان دو برادر با نام ابراهیم و اسماعیل شهرت دارد.
3- فرهنگ جغرافیایی ارتش ش 71 اصفهان، ص 117 چندین دستگرد یا دستجرد دیگر نیز در اطراف اصفهان وجود دارد که البته ربطی به آنچه در متن آمده است، ندارد. مانند دستگرد برخوار، دستگرد مار در برآآن شمالی و دستگرد قداده از دهستان ماربین اصفهان. و چندین دستجرد دیگر: بنگرید: تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان، فهرست جای‌ها، ص 527.
4- فرهنگ جغرافیایی ارتش، ش 71 اصفهان، ص 178. کوه قلعه بزی در غرب فخرآباد و در شمال غرب دستگرد مهراداران قرار دارد.
5- تاریخ اصفهان، میرزا حسن خان انصاری، به کوشش جمشید مظاهری، ص 426 و نیز بنگرید: 432.
6- میراث اسلامی ایران، دفتر ششم، صص 358 - 341.
7- بنگرید: گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، اصفهان، 1350، صص 725 - 722.
8- درباره‌ی وی بنگرید: عللل برافتادن صفویان، صص 125، 53، 33.
9- علل بر افتادن صفویان، ص 126.
10- بنگرید: صص 722 - 719.

11- طبقات اعلام الشیعة، قرن دوازدهم، ص 89.
12- بنگرید: تاریخچه‌ی اوقاف اصفهان، ص 283، 179، 139.
13- درباره‌ی وی بنگرید: علل بر افتادن صفویان، ص 298.
14- درباره او بنگرید: احوال و آثار بهاءالدین محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی، قم، انصاریان، 1374. بخش شرح حال وی در مقالات تاریخی، دفتر سوم، به چاپ رسیده است.
15- در اینجا به معنای مراد، مطلب، آرزو و مقصود.
16- در متن چاپی سپنتا، به جای نام جی شیر نقطه چین شده است.
17- ابی عبدالله الحسین در حاشیة آمده و در متن چاپی سپنتا اصلا نیامده است.
18- در اصل: سید. به نظر می‌رسد کاتب کلمه‌ی سطر بالا «سید الانبیاء...» را در اینجا مکرر نوشته است.
19- بقیه سفید است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شاهرخ بهادر خان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اوقاف مربوط به امامزاده ها و اصناف از امور بسیار شایع در طول تاریخ ایران دوره اسلامی به ویژه از روزگار صفوی به بعد بود. اما چنین اسنادی از دوره های پیشتر از جمله تیموریان کمتر در دسترس است. آنچه در نوشتار مورد بحث مطرح می شود،معرفی وقفنامه سنگی سلطان شاهرخ بهادر در دروازه ضریح امامزاده جعفر بن علی بن حسین (ع) است که یکی از بناهای چهارگانه همجوار در میانه شهر دامغان است.مجموعه مذکور گرچه آثار تاریخی دوره های متنوعی از عهد سلاجقه به بعد را داراست.اما خانقاه شاهرخ بهادر خان سلطان تیموری و کتیبه کاشی معرق آن و به ویژه وقفنامه های سنگی امامزاده جعفر حاوی اطلاعات مهمی درباره نسب امامزاده مذکور،حکام محلی و نفوذ سادات در دامغان،نکاتی درباره تاریخ اجتماعی و اقتصادی دامغان و تخفیف مالیات مربوط به صابون پزان و وقف نمودن اوقافی برای خانقاه برای پذیرایی از فقرا و مسافران است. با توجه به آنکه دکتر لیزا کلمبک و دکتر دونالد ویلبر در اثر ماندگار معماری تیموری در ایران و تیمور چند سطر را به بناهای مذکور اختصاص داده اند،و درباره تاریخ نگارش کتیبه ها دچار اشتباه شده اند،مساله تحقیق حاضر علاوه بر تحلیل اطلاعات متنوع مندرج در وقفنامه های مذکور تعیین و تبیین تاریخ وقفنامه مذکور است که به گونه ای حیات اجتماعی شهر دامغان را در برهه ای از عهد تیموریان به تصویرمی کشد.
کلمات کلیدی
وقفنامه،سلطان شاهرخ بهادر،تیموریان،امامزاده جعفر بن علی، دامغان.
مدخل: درباره ویژگیهای زبانی و رسم الخطی متن وقفنامه
برای باز خوانی متن وقفنامه های زیر از برخی ویژگیهای رسم الخط فارسی عهد تیموریان صرفنظر شد.چنانکه برخی موارد همچون به کارگیری حرف ج به جای چ در واژه «چون» و نیز حرف ک به جای گ در کلمه «دروازگانی» به شیوه معمول در رسم الخط فارسی امروز عمل شد.
در آغاز بسیاری سطور وقفنامه های مذکور به شیوه نوشته های مغولی از کلمات مقدس،نامهای مورد احترام یا خوش یمن استفاده می شد.چنین رسمی را مغولان به احتمال بسیار از دیوانسالاری درخشان و پرسابقه چین آموختند.و تیموریان آن را تداوم بخشیدند. معرفی ابنیه و کتیبه وقفنامه

بنای خانقاه شاهرخ یکی از چهار بنائی است که مجموعه امامزاده جعفر را تشکیل می دهد.و به ضلع شمال غربی امامزاده اتصال دارد.بناهای دیگر عبارتند از برج آرامگاهی سلجوقی معروف به چهل دختران و بنای بدون تاریخ امامزاده محمد.در میان مردم دامغان خانقاه شاهرخ به قبر شاهرخ معروف است.و به نظر ویلبر و کلمبک این شاهرخ همان نوه نادرشاه است که در سال 1211ه.ق/1796 در دامغان درگذشته است.
بنای خانقاه از جنس آجر است طرح آن مربع است و هر ضلع آن 80/5متر طول دارد.گنبد منفرد آن از روی قوسهای فیلپوشی ساده برخاسته است.بنا به طرزی روشن از دوره سلجوقیان است.و یکی از دیوارهای خارجی آن نشانه های یک کتیبه کوفی را با آجری که از نوع معمول همراه با تزئینات آن دوره است،ارائه می دهد.که به تزئینات دیوارهای داخلی شبستانهای سلجوقی مسجد جامع اصفهان و مسجد جامع اردستان شباهت بسیار دارد.
تعمیرات و الحاقات دوره تیموری نسبتا برجسته و نمایان است.دیوارهای داخلی با ازاره ای از کاشی لعابی مستور گردیده است.بخشی از آن با کاشی های شش ضلعی سبز تیره در بالا و پائین حاشیه ای از جنس کاشی مستطیل سبز روشن دارد.در دیوارهای خارجی مربعهایی از نوع سفال آبی روشن نصب گردیده است،سر در ورودی با کاشی به اصطلاح هفت رنگی در پنج رنگ تزئین گردیده است.
کاشی های با اشکال گل و گیاه استیلیزه مشابه پیرامون کتیبه ای را با حروف ثلث برنگ سفید بر روی زمینه های آبی سیر فراگرفته است.این کتیبه از سه کاشی بزرگ و یک کاشی کوچکتر از جنس کاشی چند رنگ زیرلعاب تشکیل یافته است.عبارت کتیبه چنین است:«بناء هذه العماره فی ایام دوله السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملکه»(1).
شهریار عدل معتقد است که کارهای دوره تیموری زمانی که شاهرخ بهادر حکومت خود را بر دامغان استوار می ساخت(810ه.ق/1408.م) و در سال 815ه.ق/1412.م زمانی که یک سنگ حجاری شده حاوی وقفنامه در امامزاده جعفر(همان وقفنامه علی بن سراج الدین کیا رستم)به الحاق بنائی به اسم خانقاه اشاره می کند انجام پذیرفته است.
زیارتگاه امامزاده جعفر متصل به خانقاه شاهرخ است و دارای نشانه هایی از ساختمان دوره سلجوقی و قسمتهایی مربوط به دوره تیموری ارائه می دهد.نمای ورودی اخیرا کاملا بازسازی شده است.دو کتیبه شاهرخ بهادر و علی بن سراج الدین کیا رستم در این بنا به چشم می خورند که بر اساس گزارشی قدیمی،در طرف راست درگاه ورودی یک لوحه نصب شده بود که شامل متن فرمانی از شاهرخ را مربوط به سال 851 ه.ق نشان می داده است.به موجب این فرمان چنانکه خواهد آمد،پنج درصد از 70درصد وجهی

که بابت صابون در دامغان و نواحی اطراف آن گرفته می شد،تخفیف داده شده است.ویلبر وکلمبک بر این باورند که خانیکف که شرح بالا را داده برای ذکر سال وقفنامه مذکور به جای 815 اشتباها 851را درج گرد است.استدلال آنان بر پایه این واقعیت است که سلطان شاهرخ در سال 850ه.ق درگذشته بود.نوشته های خانیکف ذکر می کند که در کتیبه ای آمده است که این عمارت به فرمان شاهرخ بهادر «حفظ الله سلطنته » (2)ساخته شده است.مشکواتی یک از محققین ایرانی اظهار می دارد که تاریخ های 815 و 816ه.ق بر روی کاشیها و سنگ های واقع در ایوان ورودی دیده می شوند.وی کتیبه ای را که خانیکوف ذکر کرد به امامزاده محمد نسبت می دهد که به بنای امامزاده جعفر متصل است.که این دو گفته از نظر کلمبک و ویلبر نادرست است.زیرا از نظر آنان کتیبه روی بنای امامزاده جعفر قرار دارد(3). متن وقفنامه سلطان شاهرخ بهادر

«1- ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

2- لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله وصی رسول الله

3- قال النبی صلی الله علیه و سلم مَن سَنَّ سُنّه حسنه فله اجرها و اجر من عمل بها

4- الی یوم القیامه[.]باعث تقریر این کتاب آنک چون بتاریخ شهر محرم الحرام احد و خمسین و ثمانمائه

5- ولایه دامغان و توابع آنرا پادشاه اسلام (4) برسم سیورغال (5) و حکومت (6) بحضرت با رفعت رضی اعظم العلما

6- الطروش(7)خلاصه اولاد سید المرسلین رضی الحق و المله و الدین علی الحسینی(8)ادام الله تعالی ایام

7- حکومته و معدلته تفویض فرموده بودند و چون آن حضرت را در ولایه (9)مذکور نزول افتاد و بواک /لواس

8- حضرات ایشان از مال و جهات ولایه مذکوره استفسار می نمودند، و بعرض می رسانیدند چون حکایت بمال سباحه شمعا

9- و صابونخانه و دروازگانی (9)رسید. براءی شریف آن حضرت اقتضا کرد که این چنین زحمتی و نقصانی

10- که از جهات مذکوره بر فقرا و رعایا واقع است جهت دستگیر آخرت و امید شفاعت حضرت رساله

11- علیه السلام دفع کند تا ثواب آن بروزگار ایشان در رسد بنابراین مقرر فرمودند که مِن بعد

12- تمغا نساخته (10) و صابونخانه و دروازگانی قطعا اصلا و ابدا از هیچ آفریده در ولایه مذکوره

13- نگیرند و باجارت ندهند و نستانند و داخل مال تمغا نکنند و هرکه خواهد به جهت خود صابون برد

14- و فروشد و از تمغا دار الحریر که سابقا هر یکصد دینار را هفت دینار می ستانده اند، الیوم 14- پنج دینار زیادت نستانند و صابون که از اطراف و جوانب ولایه مذکوره آورند و فروشند یکصد مَن
15- را پنج من زیادت نستانند(11) و هیچ آفریده را روا نباشد که تغییر و تبدیل بقواعد این فواید اخروی
16- راه دهد و بر حکام و والی و ولایه واجب و لازم باشد که اگر مفسدی در ابطال این
17- خیر کوشد،بمنع و زجر جزیل[نویل؟] او بدانچه ممکن باشد مشغول شوند تا موجب رستگاری
18- آن صاحب دولتان گردد و هرکه خلاف این معنی ورزد در لعنت و سخط حضرت باری
19- تعالی و تقدس و جمیع ملائکه باشد فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه صدق الله» حاشیه متن:
«اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی فاطمه الزهرا و صل علی حسن الرضا و صل علی الحسین الشهید بکربلا و صلی علی زین العابدین و صل علی محمد الباقر و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی الکاظم و صل علی علی بن موسی الرضا و صل علی محمد التقی و صل علی علی النقی و صل علی الحسن العسکری و صل علی محمد المهدی صاحب المان و قاطع البرهان و خلیفه الرحمن». جاده ابریشم
ماکسیم سیرو در توصیف جاده ابریشم می نویسد که دو شاهراه بزرگ از سراسر قاره آسیا می گذشتند:یکی از این دو مخصوص حمل کالاهای تجارت خانه های شهرهای ژن(جنوا)و ونیز بود که از شبه جزیره کریمه شروع می شد . دیگری راهی بود که از سراسر خاک ایران می گذشت و به دو راه فرعی تقسیم می شد:یکی به بندر طرابوزان و آسیای صغیر متصل می شد و دیگری از بندر لاژازو(بندر ایاس در ارمنستان صغیر) به تبریز می رفت و با راه قبلی متصل می شد.در تبریز کالاها جا به جا می شدند و کاروان ها راه قزوین را در پیش می گرفتند و از ری،مرو و سمرقند به شاش(تاشکند)می رفتند یا از مرو راه کج کرده به بلخ،بدخشان،لبنور(لوپ نور)می رفتند(12).
مسیر عراق به حجاز از طریق نجف ،بیابان نجد به مکه و مدینه،و مسیر ساحلی کرمان،مکران سند به گجرات از دیگر مسیرهای مهم تجاری ایران بوده اند. بسیاری از این راه ها در زمان غازان خان و اولجایتو تعمیر و توسعه یافت.مستوفی می نویسد که در زمان اولجایتو در هر فرسنگ که شامل 8000گز خیاطی(هشت کیلومتر) بود؛ یک میل راهداری بنا شد(13).
جاده ابریشم در ایران

منازل و مراحل جاده ابریشم در ایران به قول حمدالله مستوفی«شاهراه شرقی»(خراسان تا آذربایجان)و ادامه مسیر فوق موسوم به«شاه راه غربی» (مسیر آذربایجان به آناتولی) چنین است:
1 -(مسیر اورگنج-مرو:)اورگنج-نوزوا-اندراستان-رخشمیسن-دیه ازرق-هزار اسب-سدور-رود جیحون-کوهستان-دهان شیر-درغان-جقربند-رباط طاهری-(بیابانهای ریگ روان)سکاباد-رباط نوشاگرد-چاه هارون-چاه صاحبی-رباط سوران-دیه ابدان گنج-دیه سفری-مرو(خوارزم- مرو124 فرسنگ)- طوس-بسطام.
2-مسیر دیگر جاده ابریشم در شرق ایران بود که از طریق خوارزم و جرجان به خراسان(بسطام) می رسید:اورگنج-حلم نو-خوارزم نو-رباط مریم-مشک مبنی-سایل بلی-مناره گاه-رباط سرهنگ-کاروانگاه-رباط طمغاج-خوشاب دان-رباط خشت پخته-شهر فراوه-رباط ابن طاهر-رباط ابوالعباس-رباط گزبنی-عبور مسیر از ناحیه دهستان در بیابان-دیه محمد آباد-بازرود-جرجان-دیه موسی آباد-دیه میلاباد-گریوهزند بان-دیه کنج-بسطام.
3-مسیر دیگری درموازات مسیر فوق ازطریق جیحون و بلخ و سرخس به خراسان می رفت(347فرسنگ):جیحون-ترمذ-سیاه کوه-بلخ-پل جمو خیان-دیه پاره-دستگرد-رباط علوی-دیه سلباران-شبرقان-رباط کعب-فاریاب-آستانه-مسجد رازان-کبوترخانه-کوجاباد-رباط سلطان-مرورود-دزهند-بیابان و ریگستان-آب شور-رباط ابونعیم-رباط جعفری-سرخس-طوس-نیشابور.مسیر نیشابور به دامغان (78فرسنگ):نیشابور-احمدآباد-رباط بوزنگان-طاقان-نوده-برزاتاباد-بحرآباد-دیه خواراشاه-آزادوار-جاجرم-رباط سونج-دیه سلطان-مغز-حداده(مهمان دوست)(14) یا از راه سبزوار به-دامغان.(مسیر دامغان-ورامین 54 فرسنگ):رباط هرمز معروف به جرم جوی-رباط آهوان-سمنان-دیه سرخ-راس الکلب-دیه نمک-خوار ری(محله باغ)-رباط خمارتکین-ورامین-ری.(مسیر ری-سلطانیه،50 فرسنگ): ری-مشهد-دیه خاتون-سنقرآباد-دهند-دیه مارین-سومیقان(آق خواجه)-سگزاباد-سنقرآباد-قزوین-فارسجین-ابهر-دیه قهود(صاین قلعه)-سلطانیه.
(مسیر سلطانیه-قونیه:301فرسنگ):زنجان-رباط نیکپی(نیکبای،بنا توسط خواجه تاج الدین علیشاه)-رباط سرچم(بنا توسط وزیر خواجه غیاث الدین محمد رشیدی)-رباط خواجه جلال الدین رشیدی-میانج(میانه)-دیه ترکمان-دیر خران-سنکلاباد اوجان-سعیدآباد-تبریز-مرند-خوی-شکماباد-نوشهر-بند ماهی-ارجیش-ملازجرد-خنوس-آق آفتن-بسین-ارزن الروم-اسجه-وسیرجان-خومان قلوع-ارزنجان-دیه خواجه احمد-ارزنجک-آقشهر-اکرسوک-زاره-رباط خواجه احمد-سیواس-قونیه-قیصریه-بندر ایاس(لایاتزو در ارمنستان صغیر)(15).

هیات سفیران همراه روی گنزاله کلاویخو که از سوی پادشاه اسپانیا برای دیدار با امیر تیمور گورکانی می رفت پس از عبور از تبریز و دیدار با میرانشاه در سلطانیه،بر طبق فرمان مخصوص تیمور از ری،راه کوهستان البرز را در پیش گرفتند و از دره لار در دامنه های جنوبی البرز و بسیاری گذرگاههای کوهستانی،به قلعه فیروزکوه و از آنجا به دشتهای دامغان و مشهد سرازیر شدند.در بازگشت از سمرقند نیز کمابیش همان راه را در پیش گرفت.(16)مشاهدات نگارنده طی پیمایش میدانی مسیر مذکور از ری،سمنان،دامغان،بسطام به سمت دهکده ابر و گردنه اُلنگ در مسیر شاهرود به سمت گنبد کاووس و گرگان نشان داد که مسیر مذکور مناسب ترین راه برای سفر در مسیر شرقی غربی بوده است.زیرا راه مذکور در دامنه های جنوبی البرز از منابع آب،علوفه،سایه و منابع چوب و هیزم مورد نیاز کاروان ها و لشکر ها برخوردار بوده است(17).

گذشته از جاده بین المللی ابریشم ،جاده زیارتی آذربایجان و عراق عجم به خراسان که زائران امام رضا را به آن سوی می کشید دست کم از اواخر عهد ایلخانان و به ویژه در عهد سلطان شاهرخ تیموری رواج ویژه ای یافت.چنانکه امیر شاهی شاعر سربدار در مسمطی می سراید:

ای که به حج رفتنت آمد هوس
روضه سلطان خراسانت بس(18).

به نظر می رسد که رواج یافتن زیارت امام رضا(ع) صرف نظر از سفرهای زیارتی سالانه سلطان شاهرخ که زیارت حرم رضوی را تشویق می کرد،ناشی از آشفتگی راههای غرب و جنوب ایران(راه های حج و عتبات) در آن روزگار بود که عرصه تجزیه قلمرو امیر تیمور و کشاکش میان شاهزادگان تیموری ،جانشینان میرانشاه و قراقویونلو ها و در فواصلی دورتر عثمانیان و آق قویونلوها بود. جغرافیای تاریخی دامغان

دامغان بزرگترین شهر قومس ،شهری گرم و کم آب،اما پر نعمت و میوه بود که به محصولاتی چون انواع میوه و پسته ای که امروزه هنوز به مرغوبیت شهره است.(19) از دیگر محصولاتش سیب سرخ مشهور به«القومسی»بود که به عراق صادرمی شد.معادن زاج،املاح(نمک)،کبریت(گوگرد)،طلای ناب نیز در آنجا استخراج می شد.دامغان از ایستگاههای مهم جاده ابریشم درحاشیه شمالی کویر لوت واقع در دامنه های جنوبی البرز به شمار می رفت.در زمان حمدالله مستوفی دور حصار شهر8000گام بود.(20)دامغان دارای چشمه ای به نام«بادخانی»یا«چاه گنده آب»،که آب را از طریق120نهر مساوی به نواحی اطراف می رساند.وزش باد شدید مداوم در تنگه های کوههای بین سمنان و دامغان مسافران را دچار مشکل می کرد.با این وجود رفت و آمدها چندان بود که گاه قافله هایی با200 انسان و شتر از آن مسیر می

گذشتند.غنجان روستای شترداران(قریه الجمالین)یکی ازتوابع دامغان بود. یاقوت در613 ه.ق از آنجا گذشته بود.(21)کلاویخو که در زمان امیر تیمور گورکانی از دامغان دیدار کرده است می نویسد که از راه دهکده آهوان که رباط آهوان در عهد صفوی در آنجا بنا شد، به دامغان وارد شد.وی می نویسد که شهر دامغان در دشتی در میان حصاری قرار داشت.و آخرین شهر عمده غرب ایران به شمار می رفت.و تحت تاثیر بیابانهای مجاور گاه باد مهلکی در اطراف آن می وزید.(22)اما چنانکه امروزه نیز قابل مشاهده است.دشتهای اطراف دامغان برای دامداری مساعد بوده،و در کنار محصولات کشاورزی،محصولات دامی قابل توجهی در آنجا تولید می شود که ،از آن جمله بود پیه گوسفند که برای صابون سازی و برخی دیگر کاربردها همچون روغن گیری استفاده می شد. در بازار سنتی دامغان امروزه انواع محصولات دامی به عنوان دومین محصول شاخص ناحیه پس از پسته به چشم می خورند. اوضاع اصناف
مشاهدات این تحقیق حاکی از آن است که با توجه به قدمت و وسعت بازار سنتی دامغان که بقایای معماری صفوی و پیش از آن در دامغان به چشم می خورد،به ویژه به قرائنی چون منار آجرکاری غزنوی(مربوط به اوائل قرن پنجم) در مسجد جامع به این امر اشاره دارند.(23)دامغان همانند سایر شهرهای آباد جاده ابریشم از تنوع و رونق صنفی در بازار برخوردار بود. شهرآشوب های عهد تیموری از رواج پیشه ها و حرف گوناگونی در شهرهای مذکور سخن رانده اند که ذکر نام آنها در ترسیم فضای شهر در عهد تیموریان سودمند است:زورگری،درود گری،گلکاری، دندان کشی،عطاری،سالو فروشی،نرّادی،شطرنجی،جمه بافی،فوطه فروشی،حلوا کری فقاعی،آهنگری، موزه فروشی،رنگ فروشی،خیمه دوزی،سوهانگری،علافی،تنورگری،والا بافی،بره دوزی، قنادی، رنگریزی،خطاطی،ماهی پزی،خزانه داری،نانوائی،کباب پزی،گلاب فروشی،مجلّدی، کمانگری،مولّه ای، طاقیه دوزی،قصه خوانی،پیراهن فروشی،آبدارگری،پولانی پزی،هریسه پزی،کشتی گیری،عسسی،بوریا گری،نمک فروشی،کفش دوزی،مقری گری،بزازی، فراشی، چنبه کری،ریخته گری،ترازو داری،ماهیچه گری،قصابی،سلاخی، پیکی،شماعی، کاشی تراشی،انگِشت فروشی،کحّالی، نقش کوبی،تیرگری،زرگری،صرافی،میخه گری،ابریشم فروشی،زعفران فروشی،شربت داری،دهقانی، موی تابی ،دروازه بانی،ترکش دوزی،سوزنگری،چنگی گری،خشتمالی،سازندگی،چوگان بازی، خوانندگی، سرکایی،بلبانی،و...(24)لطایف الطوائف که از منابع تاریخ اجتماعی عهد تیموریان است؛ضمن اشاره به حرفه صابون پزی، از بکارگیری صابون در حمام ها و گازرگاهها(رختشوی خانه ها) سخن گفته است.(25)در فتوت

نامه ها که به مثابه دستور العمل و قانون نامه هایی بود که صوفیان و روسای هر صنف در آن شیوه و آداب درست مربوط به هر حرفه را مشخص می کردند،به حرفه دلّاکی اشارع شده است.و به منظور ارتقای پایگاه اجتماعی این صنف در فتوت نامه ها آمده است که «دلاکی و سر تراشیدن از جبرائیل علیه السلام مانده است و در زمان حضرت رسول(ص) دلاکی را سلمان فارسی می کرد».همچنین منصور بن قاسم بغدادی صوفی را پیشوای حمامیان معرفی می کردند.در فتوت نامه های مذکور جایگاه نشستن هر صنف در مجالس گوناگون مشخص شده است چنانکه استاد حمامی زیر دست چاووش و بالا دستِ کفشدوز می نشست(26).

گازران از دیگر مصرف کنندگان صابون بودند که در کتب شهرآشوب از قبیل معالم القربه فی احکام الحسبه اثر ابن اخوه به آنان اشاره شده است.آنان لباس های مردم را برای شستن به امانت می گرفتند اما گاه با کمک مطرزان(کسانیکه جامه ها را به خطوط و نقش و نگار بیاراید مانند قلابدوز) زیورآلات لباسها را دست کاری می کردند.و محتسب بایستی همواره مراقب آنان می بود تا پارچه های مردم را ندزدند،خود یا کارگرانشان آنها را نپوشند،و به عاریت ندهند و بر هرپارچه ای نام صاحبش را بنویسند تا با هم مخلوط نشوند.وی می نویسد که در حمام ها برای خوشبو ماندن فضا بخور هایی چون کندر،مصطکی و لادن دود می شد.و نیز برای شستن سر و بدن از سدر و دلوک(نوعی ماده خوشبو) استفاده می شد.البته برخی سدر فروشان به جای آنکه سدر تابستانی را با سدر زمستانی با هم در آمیزند تا ترکیبی مرغوب به دست آید،گاه برگ بید، توت،آرد لوبیای گرگی یا باقلا وجز آن در آن می آمیختند؛که با آب مخلوط کرده و با کف آن سر را می شستند(27).

انصاری دمشقی از ساختن صابون به وسیله روغن زیتون در نابلس ،و صدور آن به مصر و شام وجزایر دریای روم(مدیترانه) و نجد توسط تاجران اعرابی سخن گفته است.بنا به نوشته او سالانه 6000قنطار مصری زیتون در مسجد جامع اموی در دمشق گرد آورده می شدکه برای ساخت صابونهای قلیایی و پیه دار به کار می رفت.(28) پگولوتی ضمن توصیف واردات قسطنطنیه ازبسته های چوبی صابون آپولیایی،ونیزی، آنکونایی، رودسی وقبرسی سخن گفته است(29). تاریخ محلی دامغان در اواخر قرن هشتم و نیمه قرن نهم هجری

در زمان خواجه وجیه الدین مسعود سربدار(مقتول در آخر ربیع الاول 745ه.ق) که اکثر بلاد خراسان و فیروزکوه و رستمدار را در تصرف داشت،دامغان درقلمرو سربداران به شمار می رفت.چنانکه دولتشاه حدود قلمرو او را از جام تا دامغان و از خبوشان(قوچان کنونی) تا

ترشیز(کاشمر) دانسته است.پس از آن نیز دامغان تا زمان یحیی کرابی (759ه.ق)و خواجه علی مویّد(مقتول در 788ه.ق)معاصر و ملازم امیر تیمور گورکانی در دست سربداران بود(30).
در زمان سربداران میان دامغان و مشهد رابطه نزدیکی وجود داشت.به ویژه در زمانی که پهلوان حسن دامغانی که پیروان و هواداران وی غالبا از اصناف و عیاران دامغان بودند، بر درویش عزیز مجدی رهبر دراویش طریقت سربداریه که در مشهد معتکف بود،شورش کرد و پس از تصرف مشهد،درویش را با اهدای دو خروار ابریشم به اصفهان تبعید کرد(31).
در زمان کلاویخو در بیرون دامغان دو برج کله مناره از جمجمه های انسان ساخته شده بود که به نوشته کلاویخو از تاتاران آق قویونلو(به عبارت درست تر قرا قویونلو ها) بودند که امیر تیمور آنان را در آسیای صغیر به اسارت گرفته و به دامغان تبعید کرده بود.آنان در حوالی دامغان زندگی چادر نشینی خود را از سر گرفتند.سپس آرزوی بازگشت به میهن خود را یافتند.ابتدا دست به غارت و تهاجم به آبادیهای اطراف زدند و از دامغان به سمت غرب و مرزهای سوره و آسیای صغیر به راه افتادند.تیمور در راه به آنان برخورد و آنان را سرکوب و کشتار کرد.کلاویخو عده مقتولین را 60000تن نوشته است(32).
پس از سلطه امیر تیمور بر سراسر ایران و سرکوب سربداران،آشفتگی خراسان و قومس را در بر گرفت.سلطان شاهرخ بهادردر ترمیم ویرانی ها بسیار کوشید.و برای نظارت بر اوضاع دائما سالانه دست کم یک بار در خراسان سفر می کرد.حافظ ابرو در زبده التواریخ می نویسد که وی در زمستان سال 810ه.ق در شرایطی که برف بیابان را دربر گرفته بود،طی ماجرای شورش پیر پادشاه در مازندران و رقابت های جانشینی امیرزاده پیرمحمد و امیرزاده اسکندر ،از مسیر کوسویه به سمت زاوه(تربت حیدیه کنونی) و محولات(از توابع زاوه) و نیز از مسیر جام به مشهد سفر کرد.و پس از زیارت در آنجا برای سرکوب پیرپادشاه به سمت رادکان و خبوشان(قوچان)،خواجه قمبر و بادغیس لشکر برد.و تا تصرف مازندران و استرآباد پیش رفت.وی در آن سال از حوالی گنبد قابوس تا جلگه مازندران را به عنوان قشلاق قشون خود تعیین کرد.برقراری ثبات در مازندران موجب شد که بسیاری مهاجران به وطن خود بازگردند.از میان سران و بزرگانی که با وی دیدار کردند،سید عزالدین نامی بود که از هزار جریب و سمنان بود که پس از عرض حال نزد سلطان شاهرخ ولایت دامغان را به عنوان سیورغال دریافت کرد.سادات ساری نیز نمایندگانی اعزام کردند و هریک به فراخور حال از عطایاس سلطان بهره مند شدند.سپس فرزند خود الغ بیگ را حکومت مازندران داده به خراسان بازگشت(33).

سید عزالدین مذکور به احتمال بسیار از خویشاوندان «کیا اعظم سیف الدین علی بن المرحوم سراج الدوله و الدین کیا رستم بن المغفور کیا ابراهیم الحاجی الهزارجریبی»مذکور در کتیبه دوم امامزاده جعفر که مربوط به آل کیا است.
سلطان شاهرخ بهادر در بهار سال 815ه.ق عزم زیارت روضه رضوی کرد.و روز دوشنبه نهم ذی القعده از هرات به آن سو حرکت کرد؛ تا در روز عید اضحی(قربان)در آنجا حضور یابد.شاید تاکید وی برای حضور در آن هنگام در حرم رضوی رقابت سیاسی و مذهبی وی که عنوان پادشاه اسلام به خود می داد، با ممالیک برجی بود که داعیه خدمت در حرمین شریفین و امور حج را داشتند.به ویژه که حافظ ابرو مورخ سنّی دربار سلطان شاهرخ راجع به اجر زیارت امام رضا می نویسد:«اهل تحقیق آن را با حج اکبر مساوی داشته اند». وی طی نامه های خود به الملک الظاهر چقماق بیگ سلطان مملوک برجی مصر بر اهمیت این مساله تاکید می ورزید.همچنین در حرمین شریفین بقاع خیری بنا کرده بود که در آمد اوقاف مربوط به آن را سالانه به نمایندگان شیخ عبدالوهاب نامی می پرداخت(34).
وی پس از سرکوب مودود گرمسیری در راه خود در میانه هرات و غور،به زیارت امام رضا (ع) رفت.در آن احوال به نوشته حافظ ابرو«مرتضی اعظم سید عزالدین» حاکم ولایت قومس برای ادای احترام نزد شاهرخ بار یافت.و در زمره بزرگان و امرا و ملوک و اکابر سادات قرار گرفت.نمایندگانی از سوی سید علی از ساری و امیر حسن کیا از فیروزکوه به دربار شاهرخ بار یافتند.و امیر عزالدین در سفر بازگشت شاهرخ از راه بادغیس تا هرات در رکاب سلطان همراهی کرد.(35)لقب مرتضی اعظم برای بسیاری سادات به کار می رفت.همچنین لقب« کیای اعظم» برای سیف الدین علی هزار جریبی مذکور در کتیبه دوم امامزاده جعفر دامغان به کار رفته است.
در سال 823 ه.ق که قرا یوسف قراقویونلو در آذربایجان و عراق ادعای استقلال می کرد،سلطان شاهرخ را بر آن داشت که پس از تثبیت احوال داخلی قلمرو خود به آن سو لشکر کشد.الغ بگ را به محافظت مرزهای ترکستان و سیورغتمیش را به فتح و ضبط بلاد گرمسیر و قندهار و غزنین و کابل تا حدود هندوستان فرستاد.و امیر سید احمد ترخان را به حفظ مرزهای خراسان گماشت.و روز دوشنبه 15 شعبان 823ه.ق از هرات به سمت آذربایجان به راه افتاد.و ازبوی(ده بران یا دمران) کوسویه،چخچران،ساری قمش،تربت جام و زیارت شیخ احمد جام،مرغزار خرگرد،انداد،مخالف سرا،فرهاد جرد،شوراب،دزباد،نیشابور و شکار در جلگه نیشابور،پنج گرد،اندلان،جهان،اریمیان،قریه رونیز،قاسمی،گردیزه،قریه بحر آباد و زیارت شیخ سعدالدین حموی از

پیروان شیخ نجم الدین کبری،خوراشاه،نرقسان،جاجرم،سرچشمه،بر نو آباد،قریه مقر،مرغزار خرقان و زیارت شیخ ابوالحسن خرقانی،بسطام و زیارت سلطان العارفین ابویزید بسطامی،خوریان،مهمان دوست،در اوایل به دامغان رسید.در دامغان چند زنجیر فیل که پیشتر به مازندران فرستاده بود،با لشکر های مازندران به اردوی وی ملحق شدند.سلطان شاهرخ در 11 شوال دامغان را به سمنان،سرخه،آب باریک،ده نمک،عرادان،محله باغ،دره نمک،ری،ورامین، ترک کرد و با گذشتن از مسیر قزوین به آذربایجان رفت.(36)از این اشاره آشکار می شود که دامغان یکی از گذرگاههایی بوده است که دامنه ها و دره های عمیق کوهستانهای البرز شمالی را به جنوبی متصل و ایالات ساحلی دریای مازندران را به حاشیه کویر مرکزی ایران می پیوست. نتیجه
وقفنامه های امامزاده جعفر دامغان برای محققین تاریخ اقتصادی به ویژه در مباحثی چون مالیات و اصنافی چون صابون پزان و حمامیان؛ و نیز برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی جهت بررسی احوال سادات و حتی محققین تاریخ زبان فارسی را از نظر دربرداشتن اصطلاحات بدیعی چون «دروازگانی و تمغا ساختن» منابعی سودمند تواند بود.
متن حاشیه وقفنامه سلطان شاهرخ که برای یکی از نقیبان سادات نوشته شده است،دارای ادعیه ای با مضمون آشکار شیعی است.که به احتمال بسیار اشاره به نفوذ چشمگیر سادات شیعی در منطقه دامغان دارد.با توجه به سوابق تبلیغ تشیع اثنی عشری در روزگار سلطان محمد خدابنده(37)و امرا و صوفیان سربدار(38)رواج تشیع در آن نواحی چندان بعید به نظر نمی رسد.زیرا چنانکه پیشتر آمد سربداران شیعی در حدود دامغان قدرت داشتند.
از این گذشته سادات آل کیای گیلان از جمله سید قاسم کیا که بر نواحی توالش و اطراف گیلان مستولی بود مردم را به تشیع زیدی دعوت می کرد.(39)اما جالب است که کتیبه مورد بحث امامان شیعی اثنی عشری را نزد یکی از سادات زیدی(آل کیا) می ستاید.شاید اشاره به تغییر گرایش از زیدیه به تشیع اثنی عشری در میان برخی خانواده های آل کیای مهاجر از گیلان به دامغان را نشان می دهد.
در متن وقفنامه علی بن سراج الدین کیا رستم در مزار« جعفر بن علی بن حسن بن علی بن عمر بن حسین بن علی بن ابی طالب»(امامزاده جعفر دامغان) که به تاریخ«غره محرم الحرام سنه خمس عشر و ثمانمائه الهلالیه» نگاشته شده آمده است که«بر قضاه عصر واجب است که هر ده سال این وقفیه(40)را مجدد گردانند».متن این وقفنامه درباره وقف کردن قنات و محصول گندم قریه دهو به امامزاده مذکور و خادمان و فقرا و مجاوران و ابناء السبیل آن است.وقفنامه مذکور روبروی وقفنامه سلطان

شاهرخ در ورودی بنای امامزاده جعفر دامغان نصب شده است.قرینه مذکور نشان می دهد که به احتمال در همان سال (815ه.ق) که سلطان شاهرخ به دامغان سفر کرده بود،کتیبه وقفنامه خود را نگاشته،و حاکمان محلی دامغان که از اعقاب سید عز الدین(41)و از ارادتمندان دربار شاهرخی بودند؛ به اقتباس از رسم تجدید وقفنامه ها که در کتیبه وقفنامه علی بن سراج الدین کیارستم به تاریخ ابتدای محرم 815ه.ق مسطور است،کتیبه وقفنامه را پس از مرگ او تجدید کرده اند.استدلال های کمک کننده به این فرضیه علاوه بر درگذشت سلطان شاهرخ در سال 850ه.ق،فقدان اطلاعات در منابع عهد تیموری درباره احتمال توقف سلطان شاهرخ در دامغان در طی سفر به عراق و آذربایجان که در اواخر حیات خود (850ه.ق)برای سرکوب سلطان محمد شاهزاده تیموری رفته بود،(42)جدید بودن و بسیار سالم ماندن سنگ کتیبه وقفنامه منسوب به سلطان شاهرخ است.بنابراین به احتمال پس از انتشار خبر درگذشت سلطان شاهرخ سادات مذکور هم برای نشان دادن ارادت خود به وی و هم به سبب آشفتگی اوضاع پس از مرگ شاهرخ می خواستند که املاک وقفی مذکور در وقفنامه ها تباه یا غصب نشود.

از سوی دیگر در منابع تیموری معاصر با شاهرخ و پس از او از جمله مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی گرچه به کشاکش و آمد و شدهای میرزایان تیموری در مسیر مشهد به هرات سخن گفته اند اما هیچ جا نه برای میرزا علاء الدوله جانشین و نواده سلطان شاهرخ و نه برای الغ بیک و یا پسرش عبداللطیف لقب «پادشاه اسلام» به کار برده نشده است.(43)زیرا که آنان که سلطنتی کوتاه داشتند یا چندان فرصتی بای کسب افتخارات و القاب نیافتند،و یا همچون الغ بیگ بیشتر به آداب و سنن مغولی علاقمند بودند تا رسوم مذهبی اسلام و عناوین برخاسته از آن.از این رو به احتمال بسیار فرض انتساب انحصاری لقب«پادشاه اسلام» به سلطان شاهرخ تیموری تعلق داشته است.گرچه در منابع اشاره مستقیمی به آن یافت نشد.

بنابراین تحقیق حاضر بر آن است که کتیبه مورد بحث نسخه ای بازنویسی شده از کتیبه سلطان شاهرخ است.که گرچه اصل آن به روزگار وی باز می گردد،اما تاریخ مندرج در آن با تاریخ بازنویسی آن مطابقت داده شده است.

پی نوشت: 1- ترجمه:بنای این عمارت در روزگار حکومت سلطان اعظم شاهرخ بهادر صورت گرفت که خداوند سلطنت را جاوید بدارد.

2- عبارت دقیق در متن کتیبه به این صورت آمده است:« :«بناء هذه العماره فی ایام دوله السلطان الاعظم شاهرخ بهادر خلد الله ملکه».

3- دونالد ویلبر و لیزا کلمبک،معماری تیموری در ایران و توران،ترجمه

کرامت الله افسر و محمد یوسف کیانی،تهران:سازمان میراث فرهنگی کشور، 1374،صص1-530.
4- در بسیاری منابع تیموری از سلطان شاهرخ با عنوان سلطنت شعاری(سلطان الاعظم)(ر.ک: عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو،زبده التواریخ،ج3،تصحیح کمال حاج سید جوادی،تهران:وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،1380،ص194 و بسیاری صفحات دیگر)«سلطان آفاق» پس از مرگش«خاقان سعید مغفور»ر.ک:کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی،مطلع سعدین و مجمع بحرین،به اهتمام عبدالحسین نوایی،ج2(دفتر اول)،تهران:پژوهشگاه، 1383،صص585و593.و بر سکه های وی عبارت «السلطان الاعظم شاه رخ بهادر»غالبا به تاریخ 830ه.ق ضرب شده است.ر.ک(عرفان تو ختییف، سیاست مالی و پولی تیمور و خاندان او و سکه های آنها، به کوشش بهمن اکبری،قم:کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی،ص1377،صص7-103.) اما در منابع اطلاعی از انتساب لقب« پادشاه اسلام» به وی یافت نشد.اما به نظر صائب برخی محققین شاهرخ در اوایل حکومت خود اعلام کرد که برگرداننده عظمت شریعت و خلافت است.ر.ک: ب.س. مورتّی«مذهب در دوره تیموریان»تاریخ ایران دوره تیموریان،ترجمه یعقوب آژند،تهران:جامی،1378،ص299.
5- سیورغال Spyurghal واژه ای ترکی برگرفته از واژه مغولی سیورغالی به معنی زمینی بود که پادشاه به کسی می بخشید. ر.ک:شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول، صص6-155.
6- به نظر نگارنده اصطلاحات حکومت و حاکم از عهد ایلخانان معادلی برای اصطلاح کهن تر اقطاع شد.و غالبا در منابع ایلخانان به معنی مالکیت زمینی از سوی حکومت به شرط استیفای مالیات برای اردوی مغول بود.در متن حاضر در جمله پس از این نیز به حکومت به معنی رسیدگی به امور یک ولایت اطلاق شده است. در منابع دوره مغول شبیه ترین قرینه برای این اصطلاح «حکومت اوقاف» بود که به معنی ریاست دیوان وقف و کسی بود که از جانب خان مغول به امور وقف رسیدگی می کرد. .شمیس شریک امین، فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوره مغول،تهران:فرهنگستان ادب و هنر ایران،1357،ص125.
7- سادات کیای گیلان که حاکم نواحی اطراف سفید رود بودند،مدعی انتساب به امام ناصر حسن اطروش علوی بودند.چنانکه قاشانی در تاریخ اولجایتو می نویسد:«ابتدای اول ملک گیلان که دوازده هزار است،بعد از آن کوچیان پس کلاچه کوه که اکنون پسر حیدر کیا متصرفست بر شرقی سفید رود که مدعی ایشان است و به جای امام ناصر که حسن علوی بود.»ر.ک:ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی، تاریخ اولجایتو، به اهتمام مهین همبلی،چاپ دوم،تهران:علمی و فرهنگی،1384،ص60.

8- عبد الرزاق سمرقندی ضمن بیان وقایع سال 787ه.ق و بازگشت امیر تیمور گورکان از فتح مازندان و قشلاق ری در راه بازگشت به توران نام سید علی نامی را ذکر کرده است که از بزرگان شهر یارک در نزدیکی سلطانیه بود.که انتساب شخص مذکور به وی ممکن می نماید .سمرقندی،مطلع سعدین و مجمع بحرین،ج1(دفتر دوم)،صص570-572.
9- ولایت از اصطلاحات حساس مربوط به جغرافیای تاریخی است که در برخی منابع معتبر عهد ایلخانان و تیموریان از قبیل نزهه القلوب حمد الله مستوفی به معنای بلوک و به قول امروزیان شهرستان بود که همان بخشها مختلف یک ایالت(معادل یک استان امروزی) را تشکیل می داد.البته این اصطلاح در نزهه القلوب مغشوش است چنانکه در یک جا از ولایات هند و دهلی و قنوج و سومنات یاد کرده (ص46) و در جای دیگر آن را بر سند و کابل و صغانیان اطلاق کرده و معادل استان اورده است(ص48).اما در وصف جغرافیای ایران غالبا استان ها را با بلاد و ممالک و ایالات نام برده یا از آنها با تعبیر جمعی ولایات معادل شهرستان آورده است.منبع:حمد الله مستوفی قزوینی ،نزهه القلوب،تصحیح محمد دبیر سیاقی،قزوین،حدیث امروز،1381،ص27و 89و144 و166و 198و 206و 226و 146و229.
9- به احتمال بسیار اصطلاح دروازگانی نوعی مالیات به معنی حق عبور از دروازه شهر بود.در کنار دروازه های شهرها دست کم از عهد غازان خان کاروانسراهایی با حمام ها ساخته شد که تازه واردان در فضایی شبیه به قرنطینه های امروزی تحت مراقبت و معالجه قرار می گرفتند .و به این ترتیب از انتشار بیماری های مُسری جلوگیری می شد. چنانکه غازان خان در محله شم(شنب غازان)نیز شهری بزرگتر از محوطه قدیم تبریز واقع در غرب آنجا،موسوم به غازانیه بنا کرد.و دستور داد تا تاجران که معمولاً از روم و فرنگ(اروپا)می آمدند،کالاهای خود را در بارانداز آنجا عرضه کنند.اما برای رفع اختلافات احتمالی،تمغای آنجا و تبریز تحت نظارت یک نفر قرار داد.در کنار هریک از دروازه های حصار جدید تبریز کاروانسراهایی بزرگ،اصطبل،حمام ،چهار بازار،و«کارخانه ها»(کارگاههای پیشه وران)ساخت.هر قومی از هرجهتی که به تبریز وارد می شدند در کاروانسرایی منتسب به جهت جغرافیایی یا وطن خود اسکان داده می شدند.تمغاچی قماشهای آنان را برای آنان نگهداری می کرد.و تازه واردان احتمالاً برای اعمالی شبیه به قرنطینه های بهداشتی به حمام های مجاور کاروانسرا اعزام می شدند. خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، جامع التواریخ،تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج2،تهران: البرز،1373 ،صص 5 -1372.
10- تمغاTamghaکلمه ای مغولی است که احتمالاً ازریشهDamبه معنی پیونددادن وعبوردادن واشتقاق است. ر.ک:

Fredinand D. Lessing ,Mongolian-English dictionary,Bloomington:Indiana University,1995. p.227. این واژه در منابع فارسی به شکل تمغاء،تمغه،تغمه،طمغه،و طمغا به کاررفته است.ر.ک:شریک امین،پیشین،ص96واژه ترکی-مغولی تمغا معانی بسیار متنوعی از مهر و نشان و مالیات بر دام گرفته تا مالیات ویژه اصناف را شامل می شد که در متن حاضر به معنی اخیر است؛که با فعل ساختن ترکیب بدیعی به معنی وضع کرن مالیات را پدید آورده است که از نمونه های نثر قرن نهم است.شریک امین،فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول ،صص100-96.

11- گویی رابطه پنج درصدی مذکور برای اخذ مالیات بر واردات صابون شباهت و یا حتی ارتباطی با مالیات اسلامی خمس داشته است.به ویژه که سلطان شاهرخ تیموری که خود را پادشاه اسلام می نامید در پی آن بود که به سلطنت خود رنگ و بویی دینی و اسلامی ببخشد. این امر در تباین با با گرایش های برخی دیگر از شاهزادگان تیموری همچون الغ بیگ بود که به سنن جغتائیان دلبستگی بیشتر داشت.

12- ماکسیم سیرو،کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راه ها،ترجمه عیسی بهنام،سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران،بی تا،ص 23.

13- حمد الله مستوفی قزوینی، نزهه القلوب ، به تصحیح گای لسترنج ، تهران ، دنیای کتاب ، 1362، صص166-189.

14- امروزه هنوز برجی از عهد ایلخانان در مهماندوست دامغان در اوایل جاده فعلی سمنان به شاهرود و بسطام به چشم می خورد که کتیبه آجر کاری زیبایی دارد.پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ 5/6/1386.

15- حمدالله مستوفی ، نزهه القلوب ، به تصحیح گای لسترنج ، تهران ، دنیای کتاب ، 1362 .،صص178 تا173وصص 184- 182

مارکوپولو،سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیونه،ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو،تهران،1363،صص7-266.

16- کلاویخو،سفرنامه کلاویخو،ترجمه مسعود رجب نیا،چاپ سوم،تهران:علمی و فرهنگی،1374،ص6-25و 2-301.

17- هنوز عشایر بسیاری خانه ها و آغل هایی در گردنه النگ برای خود و دامهای خود دارند و نیز راه ها چنان مهم بوده است که به گفته معمرین تا این اواخر راهزنی و نا امنی در آنجا شایع بوده است.پیمایش میدانی مسیرری،سمنان،دامغان،بسطام ،دهکده ابر و گردنه اُلنگ در مسیر شاهرود به سمت گنبد کاووس و گرگان(3تا6/6/1376).

18- امیر شاهی سبزواری،دیوان امیر شاهی سبزواری،تصحیح سعید

حمیدیان،تهران،ابن سینا،1348،ص106.
19- بسیاری کاروانسراها از عهد صفوی در طول جاده ابریشم باقی است که به نظر این تحقیق شالوده آنها در عهد ایلخانان و پیش از آن نهاده شده است.و از ان جمله است رباط آهوان،رباط الوسجرد،کاروانسرای ده نمک،پل گرمسار و...پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ5/6/1386.
20- یاقوت الحموی ،معجم البلدان،جزء الاول، تحقیق عبدالرحمن المرعشی،بیروت،دارالحیاء التراث العربی و موسسه التاریخ العربی،بی تا،صص 40،112،154. محمد بن نجیب بکران ،جهان نامه،به کوشش محمد امین ریاحی،تهران،انتشارات کتابخانه ابن سینا، 1342.صص68و77و16و76،مستوفی،نزهه القلوب صص211-213.
اسماعیل بن علی ابوالفداء ،تقویم البلدان،ترجمه عبد المحمد آیتی،تهران،بنیاد فرهنگ ایران، 1349، ص521،. زکریا قزوینی ،آثارالبلاد و اخبارالعباد ، ج2،ترجمه محمد مرادبن عبدالرحمان ، تصحیح سید محمد شاهمرادی ، تهران : دانشگاه تهران ، 1371. ،صص277و116.
21- ابی الفداء،پیشین،ص505ومستوفی،نزهه القلوب،ص228وابن بکران،پیشین،52وزکریای قزوینی،پیشین،ج2،121و6-245یاقوت الحموی،المصدرالسابق،الجزءالثانی،284و مجهول المولف ، هفت کشور یا صور اقالیم ، تصحیص منوچهر ستوده،انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،ص88.
22- کلاویخو،سفرنامه کلاویخو،ص2-180.
23- پیمایش میدانی مسیر ری-سمنان-دامغان-بسطام در تاریخ5/6/1386.
24- عبدالواسع نظامی باخرزی،مقامات جامی،تصحیح نجیب مایل هروی،تهران:نشر نی،1371،ص3.
25- فخرالدین علی صفی،لطائف الطوائف،به اهتمام احمد گلچین معانی،تهران:اقبال،1452،صص70-364.
26- مجهول المولف«رساله بیست و نهم:رساله ای دیگر درباره اصناف،»فتوت نامه ها و رسائل خاکساریه(سی رساله)،تصحیح مهران افشاری،تهران:پژوهشگاه،1382،ص229 و مجهول المولف«رساله سی ام:وسیله النجاه»در همان،صص9-258.وص224.
27- ابن اخوه،معالم القربه فی احکام الحسبه:آیین شهرداری،ترجمه جعفر شعار،تهران:بنیاد فرهنگ ایران،1347،صص40-138و5-161.
28- محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی،نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر،ترجمه حمید طبیبیان،تهران:اساطیر،1382،ص315.
29- francis balducci Pegolotti. "Notice of the route to Chatay and of Asiatic trade in the fourteenth century" Chathy and the way thither ,ed.henry Yule vol .3 , New Delhi (

.Munshiram Manoharal 1998 pp.165-6
30- دولتشاه بن بختیشاه سمرقندی،تذکره الشعرا،تصحیح فاطمه علاقه،تهران: پژوهشگاه،1385،ص 493و497و506.
31- دولتشاه سمرقندی،تذکره الشعرا،ص501.
32- کلاویخو،سفرنامه کلاویخو،ص2-180.
33- حافظ ابرو،زبده التواریخ،ج3، صص203-194.
34- کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی،مطلع سعدین و مجمع بحرین،به اهتمام عبدالحسین نوایی،ج2(دفتر اول)،تهران:پژوهشگاه، 1383،صص1-590.
35- حافظ ابرو،پیشین،ج3 ،صص456-450.
36- همان،ج4،صص720-711.
37- سلطان محمد خدابنده در سفری به عراق عرب پس از تبلیغات شیعی سید تاج الدین آوجی وابن مطهر حلی به دنبال رویایی که از حضرت علی (ع) دید،«به زیارت مشهد امیر المومنین علی علیه السلام رسید و تغییر خطبه و سکه فرمود کردن »(7-9ه.ق)و سپس به شیوه پدرش غازان خان به بنای دار السیاده هایی در هر جا از جمله در تبریز شنب غازان،تبریز،روم،بغداد کرمان و شیراز پرداخت.که هریک دارای وقفیات بسیاری از «املاک و قری و ضیاع و عقار »بود که سالانه 10000دینار درآمد آن به مرتزقه( مستخدمان آنجا) می رسید.ر.ک: قاشانی، تاریخ اولجایتو،صص 90و4-93و 100و 99.
38- بسیاری از سربدارن بر مذهب تشیع بودن اند.امیر شاهی (متوفی 857ه.ق) از امرا و شعرای سربداران در سبزوار نیز بر این مذهب بود و در دیوان خود به این امر اشارتی دارد از جمله: «روز ازل خامه صورت گشا بهر علی زد رقم انّما ...مهر تقی در دل و جان منست حب نقی قوت روان منست» .ر.ک:سبزواری،دیوان امیر شاهی سبزواری، صص سه و 106؛ ای.پ. پطرو شفسکی،نهضت سربداران خراسان،ترجمه کریم کشاورز،چاپ سوم،تهران: شاهرضا،1351،صص18-13.
39- قاشانی،تاریخ اولجایتو،ص69.
40- به معنی وقفنامه است چنانکه پیش از آن در عهد ایلخانان نام وقفنامه ربع رشیدی با عنوان الوقفیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف ثبت شده بود.ر.ک: رشید الدین فضل الله همدانی،وقفنامه ربع رشیدی( الوقفیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف) ،به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار،تهران: انجمن آثار ملی،2536،ص بیست و نه(مقدمه).
41- حاکم دامغان که آنجا را به عنوان سیورغال از شاهرخ دریافت کرد.
42- سمرقندی،مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج2(دفتر اول)، صص594-

.584
43- همان،ج2(دفتر دوم)،ص14-604.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شیرازی، حاج علی‌رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفه‌ی مرحوم حاج علی‌رضا شیرازی
این موقوفه عبارت است از یک مجتمع که زمین آن 9,500 متر مربع می‌باشد در منطقه‌ی ریچ‌من‌تون بنگلور قرار دارد. حدود 50 سال پیش مرحوم حاج علی‌رضا شیرازی فرزند مرحوم حاج عبدالحسین شیرازی وقف شیعیان و ایرانیان مقیم بنگلور کرده است. این مجتمع شامل مدرسه، آپارتمانهای متعدد و محوطه بسیار بزرگی می‌باشد. اعضای تولیت آن 5 نفر هستند که دو نفر آن به ترتیب حاج میرزا محمدمهدی و حاج حبیب شیرازی هستند. این ملک نیز مشکل وقف‌نامه دارد و اماکن مسکونی آن با اجاره بسیار کم در اجاره‌ی افراد می‌باشد و به لحاظ مشکل بین وراث و متولیان در اداره‌ی این موقوفه، مستأجرین نیز از این فرصت سوء استفاده کرده و تقریبا به صورت رایگان در آن سکونت دارند. اعضای تولیت که دو تن از آنان همان افراد اعضای تولیت هتل وینسرمیز هستند اظهار داشتند آمادگی کامل وجود دارد مشکل این

مجتمع و هتل، هر دو با هم ان شاء الله از سوی نماینده‌ی مقام معظم رهبری بررسی و حکم شرعی جهت اجرا و اداره‌ی موقوفات صادر شود تا بیش از این بلاتکلیف نماند زیرا این احتمال وجود دارد اوقاف بنگلور از این فرصت استفاده کرده و هر دو موقوفه را از دست متولیان یا وارثین خارج کند. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شیرازی، حاج محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفات حاج محمد حسن شیرازی
موقوفه‌ی یاد شده توسط مرحوم حاج محمد حسن شیرازی وقف شده و دارای عماراتی به این شرح است:
1- عمارت مسجد ایرانیان و مستغلات آنها (معروف به مغول مسجد) با دو مجموعه‌ی تجاری و مسکونی.
این مسجد که تنها مسجد ایرانیان در بمبئی است و در منطقه‌ی امام باره قرار دارد بسیار دیدنی است و با کاشی‌کاری اصفهان جدیدا بازسازی شده است و 8 باب مغازه و 10 اتاق ملحق به آن دارد که مغازه‌ها و اتاقها در اجاره مستأجرین است و به علت قدمت اقامت آنان اجاره‌ی کمی دریافت می‌شود.
2- مجموعه‌ی ساختمانی سهراب و کریم؛ این مجموعه 1 قطعه زمین و 2 عمارت واقع در منطقه‌ی گراندرود بمبئی دارد و مساحت آن 771 یارد مربع بوده و در اجاره‌ی مستأجرین است.
3- قطعه زمینی به نام مونت پروپرتی به مساحت 22,402 یارد مربع با دو واحد ساختمانی موجود در آن که کلا در اختیار مستأجرین قرار دارد که این مجموعه نیز به علت قدمت اقامت مستأجرین از اجاره‌بهای کمی برخوردار است.
اعضای تولیت موقوفات حاج محمد حسن شیرازی عبارتند از خانم پروین نمازی، آقای رضا صابونچی و خانم فریده جیشی.
بنا به اظهار متولیان کلیه‌ی عایدات اماکن مسکونی - تجاری موقوفه‌ی تحت نظارت، صرف امور خیریه و مسجد می‌شود. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شیرازی، حاج میرزا علی عسگر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
هتل وینسرمیز
مرحوم حاج میرزا علی عسگر شیرازی مجتمع بزرگی را که در آن زمان به عنوان میهمانسرای شیعیان استفاده می‌شد برای استفاده‌ی عموم وقف و درآمد آن صرف امور خیریه و حسینیه‌ی ایرانیان می‌کند. این مجتمع در منطقه‌ی شانکی‌رود بنگلور قرار دارد. ولی به دلیل بروز اختلاف بین بازماندگان مرحوم و متولیان موقوفات آن مرحوم بر سر اجرای وقف‌نامه متأسفانه وراث مرحوم چندین سال قبل ساختمان را به فردی هتل‌دار به مدت 90 سال ماهیانه 4,000 روپیه (معادل 100 دلار) اجاره می‌دهند. در صورتی که حداقل اجاره ماهیانه این هتل در حال حاضر 20,000 دلار است. مساحت زمین 16,500 متر مربع و دارای فضای بسیار وسیع، ساختمانهای چند طبقه با اتاقهای متعدد که در حال حاضر به عنوان هتل پنج ستاره استفاده می‌شود.
موضوع اختلاف و نحوه‌ی اجرای وقف‌نامه در مورد تولیت و عایدات هتل با شکایت عده‌ای از شیعیان و معتمدین بنگلور در دادگاه مطرح شده ولی بنا به اظهار آقای حاج میرزا محمدمهدی به دلیل عدم آشنایی مراجع قضایی بنگلور با مسائل وقف شیعیان، مورد اختلاف حل نشده و حتی مراتب این اختلاف به دفتر مقام معظم رهبری اعلام و استفسار شده است ولی تاکنون همچنان موضوع لاینحل مانده است. با آقای حاج حبیب شیرازی نوه‌ی واقف مذاکره شد ایشان اظهار داشتند وقف‌نامه مبهم است. بازماندگان استنباط می‌کنند که موقوفات مرحوم حاج میرزا علی عسگر شیرازی و فرزند وی باید توسط وارثین اداره شود ولی متولیان و معتمدین موقوفات معتقدند بایستی توسط آنان اداره شوند. ایشان اضافه کردند مخالفتی با حل موضوع نیست مشروط بر اینکه نماینده‌ای تام‌الاختیار از سوی مقام معظم رهبری در بنگلور حضور داشته باشند و مشکل شرعی موقوفه را حل کنند. هر حکمی ایشان بدهند لازم‌الاجرا خواهد بود.
توضیح اینکه موضوع از سوی دفتر مقام معظم رهبری در حال رسیدگی و پیگیری است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

شیرازی، حاجی زین‌العابدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفات حاجی زین‌العابدین شیرازی
این موقوفه در سال 1914 میلادی توسط مرحوم حاجی زین‌العابدین شیرازی وقف امور خیریه به منظور کمک به ایرانیان و برگزاری مراسم مذهبی شد و در سوم اکتبر 1952 در اداره‌ی اوقاف شهر بمبئی تحت شماره B.681 به ثبت رسیده است. موقوفه‌ی یاد شده دارای چهار مجموعه‌ی عرصه و اعیان مسکونی و تجاری جمعا به مساحت 22ر493 یارد مربع شامل حسینیه و مدرسه و مستغلات تجاری و مسکونی بوده که توسط متولیان آن اداره می‌شود.
مجموعه‌ی موقوفات مرحوم زین‌العابدین شیرازی به این شرح است:
1- مدرسه و حسینیه‌ی امین در منطقه‌ی دونگری (معروف به منطقه‌ی امام باره). این حسینیه دو طبقه است و 500 متر مربع مساحت دارد.
2- مستغلات تجاری و مسکونی شامل پنج طبقه و دارای 30 واحد آپارتمان و 12 باب مغازه واقع در خیابان ابراهیم رحمة الله که همه‌ی آنها در اجاره‌ی افراد و خانواده‌ها قرار دارد و به علت اقامت طولانی آنان و همچنین سابقه‌ی طولانی مستأجرین مغازه‌ها، ماهیانه مبلغ بسیار ناچیزی دریافت می‌شود. تمثال مبارک حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در داخل و دفتر حسینیه نصب شده بود.
3- مستغلات تجاری واقع در خیابان ابراهیم رحمة الله با 12 باب مغازه در اجاره افراد قرار دارد که آن هم به علت قدمت اشتغال جنبه‌ی سرقفلی پیدا کرده و اجاره‌ی بسیار کمی دریافت می‌شود.
4- یک مجتمع مسکونی در منطقه‌ی بایکلا به مساحت 8000 متر مربع دارای چندین واحد آپارتمان به صورت سوئیت با اجاره‌ی بسیار کم در اختیار خانواده‌های مختلف هندی اعم از مسلمان و غیر مسلمان قرار داد.
این موقوفات تحت نظارت اعضای تولیت اداره می‌شود.
اعضای تولیت عبارتند از دکتر زمانی، سید جلال جلالی و سید مهدی جلالی.
بنا به اظهار اعضای تولیت، عایدات موقوفات همان‌طور که اشاره شد به علت اقامت طولانی و اشتغال به کار بسیار ناچیز است ولی در عین حال درآمد آن صرف امور خیریه، حسینیه و مدرسه‌ی علوم دینی موقوفه‌ی تحت نظارت می‌شود. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

صمصام شیرازی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینیه‌ی حضرت ابوالفضل العباس
این حسینیه در منطقه‌ی گالی خبر حیدر آباد واقع و موقوفه‌ی مرحوم صمصام شیرازی صاحب امتیازی روزنامه‌ی شیراز - که در آن زمان به زبان اردو و فارسی در حیدر آباد منتشر می‌شد - است. مساحت آن 150 متر مربع و متولی فعلی آن محمدجمال درویش می‌باشد.
شایان ذکر است همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایرانیان از 500 سال قبل از زمان قطب شاهیان و آصف حاجیان تا 90 سال پیش (پایان حکومت میر عثمان علی) دارای اموال و املاک موقوفات زیادی بودند که به مرور زمان از دست ایرانیان خارج شده و به تسلط حکومت هند یا به تصرف هندی‌های شیعه و غیر شیعه در آمده است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

عابد یزدی، حاج غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مستغلات مرحوم حاج غلامرضا عابد یزدی
این مستغلات در سال 1990 از سوی مرحوم حاج غلامرضا عابد یزدی به حسینیه وقف شده است. مستغلات یاد شده در منطقه‌ی وان‌دری پونا قرار دارد و متراژ آن 200 مترمربع است و کل ساختمان در اجاره‌ی مستأجرین قرار دارد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

غیاث‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یکی از نفایس آرشیو سازمان مرکزی اوقاف و امور خیریه، یک جزو قرآن خطی متعلق به قرن نهم هجری است. این قرآن که به قطع رحلی کوچک و جلد تیماج ضربی با رنگ قهوه‌ای سوخته است، جزو هفدهم از جامع قرآنی است که غیاث‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن در سال 856 هجری بر مسجد جامع کبیر سمنان وقف کرده است(1).
در صفحه اول این جزو قرآن، وقفنامه‌ای وجود دارد که متن آن به عربی است. از شروط مندرج در وقفنامه آن است که این جامع نباید از مسجد بزرگ سمنان خارج گردد؛ مگر برای مجالس خیر و به شرط برگرداندن آن؛ اما اگر جنگی رخ دهد و یا حادثه‌ای پیش آید که خطر نابودی قرآن برود، جایز است که آن را به برج احرار واقع در روستای صوفی‌آباد منتقل کنند و بر متولی مسجد واجب است، پس از رفع فتنه و خطر، قرآن را به مسجد برگرداند(2).
این قرآن با خطوط نسخ، محقق و ثلث بر کاغذ سمرقندی آهار مهره کتابت شده و مجموعا دارای دو سر سوره با نقش گل و بوته ساده است و در متن آن با خط طلایی، نام سوره و تعداد آیات ذکر شده است. همه صفحات دارای جدولهایی به قلمهای آب‌طلا و مشکی است و در بین سطرها در کنار صفحات، تزئینات و علایمی با آب طلا دیده می‌شود. هر صفحه دارای نه سطر است؛ سطر اول و آخر به قلم محقق و سطر میانی به قلم ثلث و بین این دو، به خط نسخ کتابت شده است. در صفحه پایانی، هشت یادداشت وفات شخصیتهای سمنان وجود دارد که همه مربوط به قرن چهاردهم هجری است.
کـاتب ایـن نسخه محمد بن جنید بن محمدالحافظ الاصفهانی، از خطاطان مشهور این دوره است و نسخه خطی چند قصیده عربی و ترجمه آن(3)به خط ثلث و نستعلیق او شناخته شده است.
واقف قرآن، وزیر بابرخان تیموری (4)است که از سال 853 هـ .ق حاکم خراسان بوده است. نام واقف با اندکی اختلاف در کتیبه‌ای متعلق به حمّام پهنه در شهر سمنان دیده می‌شود «امر ببناء هذالحمّام المبارک فی زمان دولت سلطان الاعظم... ابوالقاسم بابرخان... دستور الوزراء الاعظم، خواجه غیاث‌الدین محمد بن المرحوم خواجه تاج‌الدین بهرام السمنانی فی شوال سنة ست و خمسین و ثمانمائه.»5 تاریخ کتیبه نیز چنان که دیده

می‌شود، همان تاریخ وقف قرآن بر مسجد جامع است. متن وقفنامه
وقف هذا الجـزء المجلّد مع تسع و عشرین جزء مجلّدا بهذا القطـع کلّها تمام کتـاب اللّه الکریم و کلامه القدیم، الدستور الاعظم، ملک اعاظم الوزراء فی العجم، الّذی هو غیاث المساکین و غوث لمصالح المسلمین، من هو لفرق الامارة تاج و لبیت الوزارة سراج، المقبول مبرّاته بقبول حسـن، المصـون دولته عن الفتن والمحن المؤیّد بعنایة الملک الصّمد غیاث الحق والدّنیا والدّین محمد بن الدستور الاعظـم السعیـد الفائـز برحمة اللّه الملک المجیـد الخواجه تاج‌الدّولـة والدّیـن حسن ـ اعلی اللّه تعالی فی الخافقین شأنه ـ عـلی الجـامع الکبیـر بمدینـة سمنـان لازالـت محمیّة عن نوائب الزّمان و شرط ان لاینقل منه الی مکان آخر الالمجـلس عقـد فی البلدة علـی الخیـر والصّـلاح بشرط ردّها بعد الفراغ الی المسجد الموقوف هو علیه من غیر تسـویف و اهمـال، و الاّ عنـد هجوم فتنة یخاف فیها من فواتـها فانّـه عنـد ذلک یجوز ان ینقل الی برج الاحرار بصـوفی آبـاذ لازالـت محروسة عـن الفتنة والفساد و اذا امنت الولایة عن مظنة الفساد فعلی المتولّی المسجد ان یـردّهـا الیـه بلا تراخ و اهمال علیه. فی شهر جمادی‌الاول سنـة ست و خمسین و ثمان مائه. [کتبه] العبد الفقیر، اضعـف عبادالله، محمد بن جنیدالحافظ الاصفهانی. حامدا للّه تعالی و مصلّیا علی نبیّه. پی نوشت: 1- این مسجد از بناهای تیموری است که در سال 828 هجری در زمان شاهرخ‌بن تیمور ساخته شده و بانی آن معزّالدین ملک حسین‌بن خواجه عزّالدین محمّد بالیجه سمنانی است. [مطلع‌الشمس، ج3، ص322].
2- برج احرار صوفی‌آباد همان مقبره علاءالدوله سمنانی است که در حبیب‌السیر آمده است. [خواند میر به تصحیح دکتر دبیر سیاقی ج3، 220].
3- احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، ج4، شماره 407.
4- سلسله‌های اسلامی، برسورث، ص246. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

فرمانفرما، عبدالحسین میرزا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین میرزا فرمانفرما فرزند میرزا نصرت الدوله - شانزدهمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه - و حاجیه هما خانم دختر بهمن میرزا بهاء الدوله - فرزند فتح علی شاه - به سال 1274 ق در تهران متولد شد. پس از به پایان بردن آموزش ابتدایی، برای فراگیری فنون نظامی در مدرسه‌ی اتریشی‌ها به تحصیل پرداخت. وی از سال 1299 تا 1338 ق عهده‌دار مشاغل متعدد لشکری و کشوری بود که از آن جمله است: ریاست افواج کرمان (1299 ق)، ریاست قشون آذربایجان (1308 ق)، حکومت کرمان (1039 ق)، حکومت تهران (1314 ق)، وزارت جنگ (1314 ق)، حکومت فارس (1313 ق)، حکومت کرمانشاهان (1321 ق)، حکومت کرمان (1324 ق)، وزارت عدلیه (1325 ق)، حکومت آذربایجان (1325 ق)، وزارت عدلیه (1327 ق)، وزارت جنگ (1328 ق)، حکومت کرمانشاهان (1330 ق)، وزارت داخله (1333 ق)، صدارت اعظم و وزارت داخله (1334 ق)، و حکومت فارس (1334 ق).
عبدالحسین میرزا فرمانفرما پس از کودتای سوم اسفند 1299 تا زمان وفاتش به سال 1318، عهده‌دار هیچ شغل دولتی نبود و بیشتر وقت او به تربیت فرزندان و اداره‌ی املاکش سپری گردید. هدف از تألیف این مقاله پرداختن به زندگی سیاسی فرمانفرما نیست که این مهم مجالی دیگر می‌طلبد در اینجا تنها به ذکر موقوفات و بخشی از خدمات فرهنگ دوستانه‌ی وی پرداخته می‌شود؛ موضوعی که در بررسی زندگانی رجال عصر قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
اولین وقف‌نامه‌ی به جای مانده از فرمانفرما متعلق به پنجم ربیع الاول 1341 (آبان 1302) است که طی آن وی شش دانگ کاروان سرای ملکی خود را در تهران با هدف ایجاد محل «تدریس و مدرس و تعلیم و تعلم... علوم دینیه‌ی شرعیه‌ی اسلامیه» وقف کرد. از آنجا که کاروان سرای یاد شده
در جنب مسجد قرار داشت، واقف پیش بینی کرد «در صورتی که برای مسجد مزبور در ایام عزاداری حضرت سید الشهدا - ارواح العالمین له الفداء - و یا در لیالی قدر و در امور خیریه از قبیل اقامه‌ی مجلس ترحیم راجع به هر کس باشد، حاجت به استفاده از فضای این کاروان سرا که فعلا عنوان مدرسه‌ی اطفال دارد به هم رسد...مانعی از برای این گونه

مداخلات و استفادات موقتی نخواهد بود»
آن گونه که اشاره شد، فرمانفرما طی سال‌های 1338 - 1334 ق والی فارس بود. او در ذی الحجه‌ی 1337 زمینی را واقع در خارج دروازه‌ی باغ شاه شیراز از حاج غلام حسین اعتماد التجار خرید و آن را در رمضان 1342 (اردیبهشت 1303) با هدف تأسیس مریض خانه‌ی عمومی وقف کرد. فرمانفرما تولیت این موقوفه را به «دکتر کار و بعد از ایشان در هر عصر با رییس و متصدی کل امور مریض خانه‌ی مزبوره» واگذار کرد .
این بیمارستان با نظارت و مدیریت پزشکان انگلیسی به انجام خدمات خود ادامه داد تا اینکه در دوران نخست وزیری دکتر مصدق، سرپرستی و اداره‌ی آن به وزارت بهداری واگذار شد.امکانات و فعالیت‌های فعلی بیمارستان به این شرح است:
مساحت عرصه: 22400 متر مربع.
مساحت اعیان: 4000 متر مربع.
خدمات مورد ارائه: اورژانس، زنان و زایمان، اطفال، جراحی قلب و سایر بیمارهای عمومی.
این مرکز درمانی یک بار نیز در زمان جنگ مورد هجوم جنگنده‌های عراقی قرار گرفت که منجر به تخریب قسمتی از بیمارستان و شهادت تعدادی دیگر گردید. این مرکز درمانی هم اکنون به وسیله‌ی سپاه پاسداران اداره و جهت مداوای کلیه‌ی پرسنل سپاه و دیگر مراجعین فعال می‌باشد .
دیگر موقوفه‌ی فرمانفرما که آن نیز به سال 1342 ق (1303 ش) وقف شد و در ارتباط با امور صحی و بهداشتی محسوب می‌شد زمینی به مسا حت یک هکتار از باغی مشهور به اطلس بود که جزو اراضی منازل مسکونی وی در تهران بود. در مقدمه‌ی وقف‌نامه آمده است: با توجه به مشکلات ناشی از «امراض مسریه‌ی مزمنه» که «در خطه‌ی ایران خاصه طهران شیوع یافته» که مداوای آن نیازمند «تزریق و برای مواد تزریقیه محتاج به خارج و شدت احتیاج به آن اهالی را دچار مشکلات کرده» است، هدف از وقف این زمین تأسیس مرکزی است که «مواد تزریقیه و اسباب و لوازم تلقیحیه‌ی امراض متنوعه از قبیل آبله و طاعون و وبا و دیفتری و گزیده‌ی مار و سفلیس و سوزاک و امثال آنها در آن محل تهیه و تدارک شود... و یک مریض خانه که بیست مریض را در آنجا بتوانند بپذیرند در آنجا تهیه و تدارک شود و مرضای آنان در مریض خانه‌ی آنجا معالجه گردند».
برای تأمین آب این محل، واقف معین نمود: «از آب مجرای دو ساعت مزبور هم محل مزبور و ساکنین در آن از طبیب و جراح و اجزا و مستخدمین و مرضی مشروب و سقایت شوند». همچنین برای ساخت و ایجاد بناهای مورد نیاز در
آن مِحل، مبلغ ده هزار تومان اختصاص داد. هیأت دولت نیز به منظور کمک

به تأسیس موسسه‌ی پاستور ایران، مبلغ پانزده هزار تومان به آن اضافه کرد .
پیشینه‌ی آشنایی و برقراری ارتباط دولت ایران با انستیتو پاستور پاریس به سال 1338 ق (1298 ش) بازمی‌گردد. در این سال نصرت الدوله فیروز (وزیر امور خارجه و فرزند ارشد فرمانفرما) برای شرکت در کنفرانس صلح پاریس، عازم فرانسه شد. او در این سفر سه تن از پزشکان متبحر ایرانی را نیز با خود همراه نمود. این هیأت در طی چندین جلسه در انستیتو پاستور پاریس با پرفسور امیل‌رو که در آن زمان ریاست این انستیتو را بر عهده داشت مذاکراتی به عمل آوردند و در نتیجه‌ی آن برای تأسیس انستیتو پاستور ایران به تفاهم رسیدند. سه ماه پس از این مذاکرات، موافقت‌نامه‌ای به امضای نصرت الدوله فیروز و پرفسور رنه‌لگرو و رییس دروس عالی انستیتو پاستور پاریس به امضا رسید که سرمشق همکاری فنی ایران و فرانسه برای تأسیس انستیتو پاستور ایران شد. پس از آن در رجب 1338 (فروردین 1299) قرارداد استخدام دکتر ژوزف منار به عنوان نخستین رییس انستیتو پاستور ایران به امضای نصرت الدوله فیروز رسید. دکتر منار در پی امضای استخدامش به ایران آمد و چون تا آن زمان هنوز هیچ گونه بنایی برای فعالیت انستیتو پاستور در تهران ساخته نشده بود، وی خانه‌ای را در خیابان استخر اجاره نمود و در همان جا فعالیت خود را آغاز کرد. وقتی فرمانفرما از شرایط نامساعد دکتر منار و همکاران ایرانی او آگاهی یافت، از آنجایی که خواهان موفقیت ایشان بود، خود دست به کار شد و با وقف نمودن زمین، ابنیه و آب آشامیدنی مورد نیاز و همچنین اختصاص بودجه‌ای قابل توجه به یاری آنان برخاست .
از دیگر اقدامات فرمانفرما برای یاری رساندن به مراکز درمانی، اختصاص نیمی از درآمد حاصله از سه روستای اسدآباد همدان به نام‌های «سرچشمه، گنبد و نجف آباد» به بیمارستان فیروزآبادی بود. این بیمارستان به همت شادروان آیت اله سید رضا فیروزآبادی در شهر ری بنیان نهاده شده بود. فرمانفرما در وصیت‌نامه‌ی مورخ 15 / 12 / 1345 ش آورده است: «پنج عشر دیگر از عواید املاک مرقومه را در مریض خانه‌ی فیروزآبادی واقعه در حضرت عبدالعظیم (ع) در تحت نظریه‌ی صحیه کل مملکتی و خود فیروزآبادی، او یقوم مقامه، به مصرف برسانند و بعد از انقضای مدت سی سال از تاریخ فوت موصی، هم سه عشر از مخارج مقبره را ضمیمه‌ی پنج عشر مخارج مریض خانه نموده و به مصرف مریض خانه برسانند»مفاد وصیت مذکور تا سال 1352 به اجرا درمی‌آمد. در این سال این روستاها مشمول اصلاحات ارضی شد. اما خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب و با تلاش مسؤولین بیمارستان مفاد سند مجددا به اجرا

درآمد که تا زمان حاضر نیز به قوت خود باقی است .
چند سال بعد (رمضان 1347 / اسفند 1307) فرمانفرما قطعه زمینی را که در محله‌ی سنگلج تهران داشت، برای «مسجد سبزی کار معروف به همت آباد» وقف نمود. با مطالعه‌ی این وقف‌نامه پی می‌بریم که او پیش از این «پانصد ذرع» زمین دیگر «مطابق وقف‌نامه‌ی معتبره» برای همین مسجد وقف کرده بود متأسفانه با وجود جستجوی فراوان متن آن یافت نشد.
در بین اسناد یافت شده در موضوع موقوفات فرمانفرما، مجموعه اسنادی متعلق به سال 1323 ش در بایگانی سازمان اسناد ملی ایران موجود است. در تیرماه این سال نامه‌ای از سوی «اتحادیه‌ی محلی شمال غرب تهران» خطاب به وزیر فرهنگ (دکتر قاسم غنی) ارسال شد که در آن پس از اظهار اینکه «از طرف مرحوم عبدالحسین فرمانفرماییان قطعه زمینی به مساحت هفت صد متر مربع در خیابان نشاط... برای بنیاد دبستان وقف گردیده است» عنوان شد که تا حال هیچ ساختمانی در آن احداث نشده و در حال حاضر به «محل ریختن زباله و کثافات و شن‌های ساختمانی» تبدیل شده است. در ادامه‌ی نامه درخواست شده بود با توجه به این مطلب که «در نزدیکی همین زمین سه باب دبستان...واقع است که زمین ورزش ندارند و معلمین ورزش وقت خود را بیهوده می‌گذرانند... دستور فرمایند... زمین مرقوم را محصور نمایند تا با مساعدت انجمن تربیت بدنی برای باغ ورزش کودکان این محل آماده شود...».
رسیدگی به درخواست مندرج در این نامه به رییس اداره‌ی تربیت بدنی (صدری) ارجاع گردید. او نیز در تاریخ 8 / 4 / 1323 در نامه‌ای به ریاست کل اوقاف که رونوشت نامه‌ی «اتحادیه محلی شمال غرب تهران» را هم به پیوست خود داشت، از وضعیت زمین مورد بحث استعلام نمود که «اولا تعیین نمایند... جزو موقوفات است یا خیر و در ثانی چنانچه وقف باشد، نظر آن اداره را نسبت به تقاضای ساکنین شمال غرب تهران مرقوم دارند...»از مطالعه‌ی گزارش مورخ 15 / 5 / 1323 که از سوی بازرس اداره‌ی کل اوقاف تهیه شده بود، چنین برمی‌آید که تلاش آن اداره‌ی کل در شناسایی و یافتن زمین مورد بحث بی‌سرانجام بوده است. در نتیجه در نامه‌ای به اداره‌ی تربیت بدنی (به تاریخ 30 / 5 / 1323) خواستار ارائه‌ی نشانی دقیق‌تری از این زمین شد. دو هفته بعد، در تاریخ 14 / 6 / 1323، رییس اداره‌ی تربیت بدنی (صدری) در پاسخ به استعلام پیش گفته «نقشه‌ی زمین منظور را به پیوست» به اداره‌ی کل اوقاف ارسال داشت.
اما مکاتبات بعدی نیز به نتیجه نرسید و متأسفانه مجموعه اسناد موجود در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران که تاریخ آخرین سند آن 12 / 12 / 1323 می‌باشد و از رییس کل اوقاف (محمد ملک‌زاده) به اداره‌ی فرهنگ تهران

و توابع ارسال شده است، روشنگر نتیجه‌ی نهایی اقدام به عمل آمده به منظور بهینه‌سازی بازدهی زمین وقفی مذکور نیست. تلاش راقم این سطور نیز برای یافتن وقف‌نامه‌ی زمین مورد بحث تاکنون بی‌نتیجه مانده است.
از دیگر اقدامات فرمانفرما در راه تأسیس مراکز آموزشی که به علت شرایط نامساعد زمانه به نتیجه مورد نظر منتهی نشد، اقدام برای تأسیس «دارالفنون» در تبریز بود. فرمانفرما با سمت «ایالت کل و سرداری آذربایجان» در 12 رجب وارد تبریز شد. یک ماه بعد (12 شعبان) در روزنامه‌ی انجمن تبریز مقاله‌ای به امضای حاج محمود کاشانی (از اعضای انجمن تبریز) منتشر شد که در آن از نیت خیر فرمانفرما برای اختصاص ساختمان و بودجه‌ی مستمر به منظور تأسیس دارالفنون حکایت می‌کرد. بخشی از مقاله مذکور چنین بود:
«حضرت معظم له دو روز قبل که در تلگراف خانه‌ی مبارکه تشریف داشتند خطاب به بعضی از آقایان هیأت انجمن مقدس نموده و فرمودند که از روز ورود به تبریز، من شب و روز در فکر تأسیس یک مدرسه‌ی دارالفنون هستم که جامع هر گونه علوم و صنایع باشد از قبیل طبابت و مهندسی و علم حقوق و غیره که امروز محتاج علیه عامه است از اولاد وطن عزیز خودم به عمل آورده این خاک پاک آذربایجان را
به کلی از خارج بی‌نیاز نمایم و این بنا از من به یادگار بماند. برای محل دارالفنون هم خانه‌ی ملکی خودم را معین کرده‌ام که عبارت از صد خروار زمین و عمارت جامع و خوش نقشه است و در چندین سال قبل زمین آن را به بیست و پنج هزار تومان خریده‌ام. به علاوه‌ی این خانه و باغچه، یک قطعه از املاک خودم را هم تقریبا سالی شش صد تومان منافع آن باشد وقف این دارالفنون خواهم کرد مشروط بر اینکه چند نفر از اهالی با ثروت وطن پرست این مملکت هم در این امر با من همراهی و اتفاق بکنند که اقلا سالی پنج هزار تومان عایدی داشته و کفایت مخارج سالیانه‌ی آن را بنماید و بعد از تأسیس دارالفنون، زحمات من مثل سایر اقدامات ضایع و هدر نشود. مسلم است چنین مدرسه‌ی عالی که دارای چندین معلم و مدرس و استاد خواهد بود، سرمایه‌ی معتبر و ترتیبات صحیح می‌خواهد که بدوا تدارک اساسیه‌ی آن را دیده و از ولایات خارج معلمین آن را فراهم بیاوریم. اگر دخل آن همه ساله موافق خرج برسد، سال به سال ترقی و دوام خواهد کرد و الا دو سال اول بساط آن بر هم خورده و تمام زحمات به هدر خواهد رفت بلکه‌ی مایه‌ی پشیمانی خواهد شد. حالا از من اقدام و از شما همت .
نویسنده‌ی مقاله پس از نقل اظهارات فرمانفرما اظهار امیدواری کرد:
اکنون چشم امید و روی انتظار ما به سوی بزرگان با همت و ملت خواهان

با ثروت است. حالا که می‌خواهد این باب سعادت به روی اولاد وطن باز شود، نگذارند مسدود گردد. دامن همت را از این بنای خیر عقب نکشند و پای مردی را از این طریق ترقی پس نگذارند... حیف است، خجلت است، ننگ است در یک محله‌ی تبریز که سکنه‌ی آن مغایرت مذهبی با ما دارند چدنین باب مکاتب منظم داشته باشند و با سرعت تمام تحصیل علوم و فنون نمایند و روز به روز بر ترقیات علمی و ادبی خودشان بیفزایند اما اطفال اسلام و اولاد بنی‌فاطمه با حال پریشان در کوچه و بازار روی خاک نشسته و دست تکدی به این و آن دراز کنند....
اما مشروح مذاکرات مورد اشاره‌ی آن مقاله، در 15 شعبان در روزنامه‌ی انجمن منتشر گردید که البته در نقل بعضی اظهارات با مقاله‌ی پیش گفته تفاوت داشت. ان بخش از مذاکرات که به موضوع تأسیس «دارالفنون» ارتباط داشت، چنین بود:
حضرت حکمران[فرمانفرما]- مطلب دوم اینکه چند روز قبل به آقا میرزا آقا گفتم که من از روز ورود به تبریز درصدد این هستم که در این مملکت یک دارالفنون تأسیس کنیم که رفع احتیاجات ما را از خارجه بکند. مثلا از این دارالفنون طبیب بیرون بیاید. همچنین معمار و مهندس برای ساختن راه شوسه و هندسه کوچه‌ها و غیره و برای محل این دارالفنون من خودم شخصا حاضر شده‌ام بر اینکه یا خانه‌ی ملکی خودم را که تقریبا پانزده هزار تومان ارزش دارد وقف نمایم یا اینکه ده هزار تومان وجه نقد بدهم که هر جا را برای دارالفنون مناسب می‌دانند، ابتیاع کنند مشروط بر اینکه سایر آقایان هم با من همراهی بکنند و این را هم نخواهم گفت که فلان شخص حکما ده هزار
تومان بدهد. هر کس به صرافت طبع و همت خود در این امر خیر شریک بشود، مختار است. آقا میرزا آقا هم کتابچه‌ی ترتیبات آن را نوشته و ارائه خواهد داد.
جناب حاجی نظام الدوله - پنج هزار تومان هم بنده برای تأسیس این امر می‌دهم .
چندی بعد (9 رمضان) در مقاله‌ای که در موضوع تشریح راه‌های گوناگون برای خدمت به وطن تألیف شده بود، از نیت «حکمران مهربان» آذربایجان (فرمانفرما) تقدیر به عمل آمد .
در 11 شوال نیز روزنامه‌ی انجمن به انتشار «لایحه‌ی چند نفر از هموطنان غیرتمند» اقدام کرد. در این «لایحه» آمده بود: با توجه به فقدان «دارالفنون» در کشور، افرادی که از مدارس فارغ التحصیلان می‌شوند، برای تکمیل تحصیلات خود مجبورند «جلای وطن کرده و به ولایات آمریکا و اروپا منتشر شوند.... و آن قدر در خاک اجانب غربت اختیار کنند که بالکلیه از حس ایرانیت عاری و به احتیاجات آتیه‌ی ما غیر نافع شوند». بنابراین

لزوم تأسیس «دارالفنون» آشکار می‌شود «و در این امر آنچه لازمه‌ی همت و وظیفه‌ی ایرانیت است، حضرت والا شاه‌زاده فرمانفرما - دامت شوکته - و آقای حاجی نظام الدوله به جا آورده و چنانچه وعده و نوید داده‌اند ان شاء الله این ملت سیاه بخت را از بی‌راهه‌ی جهالت به جاده‌ی هدایت خواهند آورد». در ادامه نیز «از سایر متمولین مملکت» خواسته شده بود تا ضمن رفع نواقص مدارس، به انجام مقصود فرمانفرما یاری رسانند .
اما محتوای مقاله‌ای که از طرف «جریده‌ی انجمن» بلافاصله پس از «لایحه‌ی» مذکور به چاپ رسید، بیانگر بی‌اعتمادی نویسنده به وعده‌های فرمانفرما بود. در آغاز مقاله پس از اشاره به اظهارات فرمانفرما در موضوع تأسیس «دارالفنون» نوشته بود: «ولی این قول صورت فعلیت پیدا نکرده و ما را نیز از انتشار آن همه ثنا و ستایش در نزد ملت منفعل ساخت و هر که رسید زبان و به ملامت و توبیخ گشود که ای نگارنده‌ی ساده لوح، خیال موهوم را نباید ما حضر عموم کرد...» در دنباله با لحنی کنایه‌آمیز پیشنهاد کرد به «مسیو کارینکی که یکی از دولتمندان با همت نوع پرست آمریکا است... که در دهات امریکا مدارس افتتاح کرده و در شهرها قرائت‌خانه‌ها و مریض‌خانه‌ها تأسیس نموده» نامه‌ای نوشته و از او درخواست کمک کنند. همچنین در تفسیر عقاید و آرای «مسیو کارینکی» افزود:
باید حصه‌ی بزرگی از دولت آنها (متمولین) نصیب افراد ملت باشد یعنی دولتمندان صرف کنند یک قسمت عمده‌ی مکنت خود را در تأسیس مدارس و مکاتب و مریض خانه و قرائت خانه و کارخانه و کشف معادن و امتیاز راه آهن و شرکت بانک ملی که فایده و منافع آن به عموم قوم می‌رسد و مایه‌ی ترقی ملک و ملک می‌گردد نه اینکه یک دیگ شله‌زرد یا آش ابوهریرا بپزد به همسایه‌ها قسمت کند و فقیر دم در را با فحش براند و مرغ پلو را نوش جان کرده با شوق و ذوق در رختخواب نرم بخوابد که من امشب احسان کرده قوم را احیا نمودم....
خرده‌گیری و انتقاد به فرمانفرما در موضوع عدم انجام وعده‌اش در تأسیس «دارالفنون» ادامه داشت. از جمله روزنامه‌ی مجلس در 23 ذی حجه 1325 مقاله‌ای با عنوان «مکتوب تفلیس، قابل اعتنای وزارت معارف» با امضای عبدالکریم طباطبایی منتشر کرد. نویسنده این «مکتوب» پس از انتقاد از وزارت معارف که هنوز نتوانسته «پروگرام منظمی» برای مدارس کشور تهیه و اجرا کند به انتقاد از «طبقه‌ی اغنیا» پرداخت که در حمایت از توسعه و گسترش مدارس اقدامی به عمل نمی‌آورند و صرفا «موافق مقتضیات وقت سخن» می‌گویند تا «اسم خود را در جراید منتشر کنند.» سپس برای اثبات این ادعا از فرمانفرما مثال

آورد که «در بدو ورود خود به تبریز در انجمن ایالتی اظهار کرده بودند که اول خدمتی که در راه وطن خیال دارم بکنم و وجود آن را از هر اقدام لازم‌تر می‌دانم، احداث مدرسه‌ی دارالفنون در تبریز است که برای پیشرفت تمدن، اولین وسیله است. ولی متأسفانه نمی‌دانم چرا تا حال اثری از این فرمایش حضرت والا ظاهر نشده، آن هم مانند سایر اصلاحات جزء هوا شد». و در خاتمه تأکید کرد:
اول درجه‌ی تمدن، ایجاد مدارس به رسم جدید می‌باشد و تا کارخانه‌ی آدم سازی دایر نشود، سایر کارخانجات مملکت رونق نخواهد گرفت .
هر چند در این فرصت قصد آن نیست که به اوضاع و شرایط بحرانی آذربایجان در دوران مأموریت فرمانفرما به آن سامان پرداخته شود، اما اشاره‌ای مختصر، ضروری به نظر می‌رسد. اعزام فرمانفرما به آذربایجان در دورانی صورت گرفت که در اقصی نقاط این ایالت مهم (حتی در تبریز) نشانی از انتظام و امنیت به چشم نمی‌خورد. ناامنی‌های حاصل از دسته بندی موافقان و مخالفان
انقلاب مشروطه، غارت گری ایلات و طوایف مختلف، نفوذ همه جانبه‌ی روسیه، کمبود شدید نان و ارزاق عمومی در شهرها، سرکشی و نافرمانی رعایا از پرداخت سهم مالکان، فقدان بودجه و نیروی لازم برای تأمین امنیت و جلوگیری از هرج مرج،.... تنها بخشی از مشکلات موجود در راه اداره‌ی آذربایجان بود. در عین حال تهاجم نیروهای عثمانی به فرماندهی فریق پاشا به منطقه‌ی ساوجبلاغ (مهاباد امروزی) فرمانفرما را بر آن داشت تا به اتفاق نیروهای اندکش سراسیمه به آن منطقه بشتابد. او در سوم ذی حجه وارد ساوجبلاغ شد و در آنجا به محاصره‌ی ارتش عثمانی درآمد که شرح جزییات آن در تواریخ انقلاب مشروطه آمده است و از حوصله این صفحات خارج است. به نظر می‌رسد که با توجه به این معضلات بود که فرمانفرما در مدت محدود مأموریتش فرصت به انجام رساندن وعده‌ی خود را نیافت؛ کما اینکه محتشم السلطنه (از رجال مشروطه خواه) در تلگراف حضوری‌اش از تبریز به تهران، خطاب به سید حسن تقی‌زاده (نماینده‌ی تبریز) نوشت: «حضرت والا فرمانفرما جان می‌کند، زحمت می‌کشد. باید با ایشان همراهی کرد، کمک کرد، تقویت کرد، کار خواست»از سوی دیگر در اسناد به جای مانده از فرمانفرما دو نامه به تاریخ‌های 8 و 15 ذی قعده 1327 موجود است که بیانگر قصد فرمانفرما برای اهدای «عمارت» مورد بحث به منظور تأسیس «دارالفنون» است. نامه‌ی اول از بهجت السلطنه (از مباشران فرمانفرما در آذربایجان) است. در این نامه می‌خوانیم:
به تاریخ 8 شهر ذی قعده‌ی 1327
اگر چه دستخط مبارک[را]در باب عمارت زیارت نکرده که کجا را به

دارالفنون مرحمت فرموده‌اند:، حضرت علیه نزهت الدوله در باب آن اراضی محرمانه از چاکر جویا شده بودند که: در باب آن اراضی که خواسته بودم، حضرت اقدس والا چیزی نوشته بودند؟ جواب عرض کردم: در این باب و عمارت، دستخطی زیارت نکرده‌ام. می‌فرمایند تحقیق نمایم؟ فرموده بودند به اسم خودت بنویس .
و اما متن نامه‌ی دوم که از سوی نزهت الدوله خطاب به فرمانفرما نوشته شد، به این شرح است:
به تاریخ 15 ذی قعده‌ی 1327
قربانت شوم! بعد از ادای مراسم شکر گزاری از صحت و سلامتی وجود مسعود مبارک حضرت مستطاب اشرف اعظم اقدس والا، به مقام مبادرت و جسارت برآمده، عرض می‌نماید: سابق، از قراری که مذکور شد، حضرت اشرف اقدس والا عمارت بیرونی را به مدرسه‌ی دارالفنون واگذار فرموده‌اند. اگر چنانکه در واقع این اقدام را فرموده‌اند، بهتر از این، اسباب نیک نامی در انظار عموم ملت چه خواهد بود؟ ولی آن زمینی که متصل به عمارت اندرونی است، به کمینه مرحمت فرموده‌اند. قاطر خانه‌ای که در اتصال طویله‌ی جناب اجل آقای حاجی نظام الدوله دارند، در صورتی که بیرونی را به مدرسه واگذار فرمایند، آن قاطر خانه چون جزء بیرونی است، جزء مدرسه خواهد بود و همان قاطرخانه، مابین باغچه‌ی اندورنی بنده و و طویله‌ی جناب آقای حاجی نظام الدوله واقع شده[است]. بعد از آنکه آنجا به مدرسه واگذار شد، دور نیست بعضی تصرفات نمایند، اسباب زحمت می‌شود. اگر چنان که فی الواقع عمارت بیرونی را به مدرسه واگذار فرموده‌اید، دیگر آن مختصر قاطر خانه به چه کار خواهد آمد؟ با اینکه آنجا با این زیادی مکان،
هیچ وقت به جناب آقای حاجی نظام الدوله و بنده لازم نخواهد شد، به ملاحظه‌ی همین نکات که عاقبت اسباب دردسر می‌شود، به مقام جسارت برآمد. هر گاه آنجا را برای خودتان نگاه خواهید داشت، هیچ عرضی ندارد. اگر چنان که جزو مدرسه یا علی حده به کسی خواهید بخشید، مخصوصا متمنی هستم که دو کلمه به جناب بهجت السلطنه دستخط فرمایند آنجا را بدهد قیمت نمایند، قباله داده قیمت آن هر چه باشد، تقدیم شود. اگر چه دستگاه خالی است، برای یک شاهی معطلی است، به همین ملاحظات که عاقبت اسباب دردسر بر هم نیاید، ناچار هستم که قیمت آن هر چه باشد جابه‌جا کرده، تقدیم نمایم .
از سوی دیگر نامه‌ای از فرمانفرما به نظام الدوله به تاریخ 5 ذی حجه‌ی 1328 موجود است که نشان دهنده‌ی امکان تأسیس «مدرسه‌ی سعادت ملی» به جای «دارالفنون» در محل مورد اشاره است. در این نامه فرمانفرما به نظام الدِوله نوشت:

... سابقا به جهت تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون در تبریز قول داده بودم حیاط بیرونی آنجا را واگذار نمایم. این اوقات جناب فتوح السلطنه تلگرافی مخابره نموده‌اند که اجازه بدهید خانه را برای مدرسه‌ی سعادت ملی واگذار نمایند... حالا اطلاعا به حضرت عالی تصدیع می‌دهم که بنده به قول خود وفا خواهم کرد ولی بنا بود که حیاط را به عنوان مدرسه‌ی دارالفنون بدهم. حالا چه شده که تبدیل به مدرسه‌ی سعادت ملی می‌نمایند... در هر حال، تفصیل را به موثق خلوت حالی کرده و به جناب حاجی علی کمپانی هم که در این روزها عازم تبریز است گفته‌ام بعد از ورود با اطلاع و تصویب حضرت عالی اقدام در واگذاری حیاط بیرونی به جهت مدرسه‌ی ملی بشود (34).

اما چنین برمی‌آید که سرانجام «عمارت» مورد بحث به عنوان تأسیس «مدرسه‌ی دارالفنون» اهدا گردید چرا که بهجت السلطنه در نامه‌اش به فرمانفرما (2 صفر 1329) نوشت:

در خصوص عمارت که حضرت اقدس والا به مدرسه‌ی دارالفنون مرحمت فرموده‌اند، در این باب دستخطی به چاکر نفرموده‌اند کجا را بدهم و کجا را ندهم. این است که جسارت می‌کند این مسأله را مشروحا دستخط فرمایند چاکر تکلیف خود را بدانم که کجا را خواهم داد .

شیوه‌ی دیگر کمک فرمانفرما در حمایت از مدارس و نشر معارف، اعطای کمک مالی به آن مراکز بود. هر چند در این زمینه مدارک متعددی یافت شد، ولی به منظور پرهیز از اطاله‌ی کلام در اینجا تنها به ذکر دو نمونه بسنده می‌شود:

نمونه اول که به هشتم ذی قعده‌ی 1327 بازمی‌گردد، حاکی از کمک مستمر «پنجاه تومانی» فرمانفرما به «دبستان سالار ملی» در تبریز است که مباشر وی (بهجت السلطنه) برای فراهم آوردن آن با مشکل مالی مواجه شده بود.

دومین نمونه که مربوط به سال 1328 ق است، نشانگر مطالبه‌ی کمک «جمعیت نشر معارف آذربایجان» از فرمانفرما برای تهیه‌ی وسایل مورد نیاز «جمعیت» است. نامه‌ی فرمانفرما به مباشر خود که حاوی ارائه‌ی طریق برای چگونگی کمک به «جمعیت» یاد شده است، روشنگر روحیات شخصی او است که از سویی خواهان اهدای وسایلی است «که به درد... کار معارف بخورد» و از دیگر سو با اهدای وسایلی که به کار «معارف» نیاید «مانند چهل چراغ» موافق نیست. برای روشن‌تر شدن مطلب، نامه‌ی فرمانفرما در این باره را در پی می‌آوریم.

24 ربیع الاول 1328

جناب بهجت السلطنه، روحی فداک! «جمعیت نشر معارف تبریز» قدری اسباب، از قبیل صندلی و میز و نیمکت از من خواسته‌اند. کاغذی در این

خصوص به شما نوشته و به توسط خود آنها فرستاده‌ام. این مختصر را هم مستقیما می‌نویسم که معادل 23 صندلی حصیری و پنج و شش میز با سه چهار نیمکت که روی آنها قالی باشد، به آنها بدهید و به اندازه‌ای که اگر یکی از بچه‌ها به تبریز آمد بتواند در آنجا زندگی کرده و از حیث مبل محتاج باشد. نگاه دارید. آن نیمکت‌ها را که رویه‌اش قالی یا پارچه‌ی قیمتی باشد بردارید، که[اگر]خودشان آمدند سوا کنند جلو چشم نباشد. دیگر خودتان بهتر می‌دانید که[به]چه ترتیب، هم آنها را راضی کرده و هم چیزی قیمتی از دست ندهید. زیاده است. فرمانفرما.
اینکه این طور نوشته است، نه قصدم این است آنچه را آنها لازم داشته باشد ندهید ولی مثلا: «انجمن نشر معارف» ما می‌دانیم چهل چراغ لازم ندارد. نیمکت و صندلی به اندازه‌ای که لازم دارند و شما دارید، بدهید. فرمانفرما.
چیزهایی که بخواهند اخاذی بکنند، نباید داد. چیزهایی که به درد آن کار معارف بخورد، باید از جان و دل داد. عبدالحسین فرمانفرما .
«جمعیت» نیز پس از تحویل اثاثیه‌ی مورد نیاز خود از بهجت السلطنه، در نامه‌ی جداگانه‌ای از فرمانفرما قدردانی کرد و در صفحه‌ی پیوست آن، فهرست اثاثیه‌ی تحویلی را اعلام نمود.
نوع دیگر از اقدامات فرمانفرما که جنبه‌ی عام المنفعه داشت و در ارتقای سطح فرهنگ عمومی تأثیر مثبت به جا می‌گذاشت، چاپ و انتشار مطالب مورد نیاز مردم بود. چاپ 2100 مجلد قرآن مجید و اهدای آن به سال 1311 ق اولین خبر از این نوع اقدامات او است که از آن اطلاع حاصل شد. خبر این اقدام در روزنامه‌ی «مدرسه‌ی مبارکه‌ی دارالفنون تبریز موسوم و مفتخر به مدرسه‌ی مظفریه» چنین آمده است:
نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده اکرم فرمانفرما - دامت شوکته - که همیشه دست گیر فقرا و ضعفا و طالب ثواب دنیا و عقبی بوده، با کمال حسن خط و مواظبت در صحت، دو هزار و یک صد جلد کلام الله مجید به طبع رسانده و همه را به نام مجانی نه به صورت وقف به مستحقان و تالیان قرآن هدیه و ایثار کرد که در حال تنگ دستی و احتیاج به دیگری هدیه نیز توانند کرد....
اقدام دیگر او به دوران وزارتش بر عدلیه (در کابینه‌ی وزیر افخم) بازمی‌گردد. در این دوره او کوشید شرایط مناسبی فراهم آورد تا روزنامه‌ای با هدف «درج اخبار محاکمات وزارت عدلیه» انتشار یابد. انگیزه وی از انجام این مهم به میدان کشیدن افکار عمومی در ارتباط با کارکرد وزارت عدلیه بود. سرانجام در 17 جمادی الاول 1325 اولین شماره‌ی این روزنامه که محاکمات نام گرفته بود در تهران و با مدیریت مجد الاسلام کرمانی منتشر شد که در ابتدا هفته‌ای یک شماره و پس از

مدتی، یک روز در میان انتشار می‌یافت و بعدا به روزنامه‌ی رسمی وزارت عدلیه تبدیل شد .
همان گونه که اشاره شد، با توجه به اوضاع بحرانی آذربایجان در رجب 1325 فرمانفرما به آن ایالت اعزام گردید. یکی از مسائل مورد بحث در این دوره لزوم تسریع در انجام انتخابات - در عین رعایت قوانین حاکم بر آن - بود اما از آنجایی که اکثریت مردم آگاهی چندانی از این قوانین نداشتند، فرمانفرما به چاپ و انتشار «کتابچه‌ی قانون انتخابات» در میان مردم همت گماشت. او در توضیح دلایل انجام این مهم خطاب به اعضای انجمن تبریز اظهار داشت:
این را بدانید که اولین مرحله‌ی انتظام مشروطیت بسته به انتخاب وکلاست و این کتابچه‌ی قانون انتخابات را که چاپ کرده و منتشر نمودم محض این بود که هر کس حق انتخاب خود را بداند و هر کس مشروطه می‌خواهد باید آن قواعد را رعایت کند و هر گاه کسی خارج از اصول نظام نامه در این امر مهم رفتار نماید ناچار قانون او را برمی‌گرداند و این کتابچه‌ی نظام نامه می‌فهماند به تمام شماها، گفته‌ی مرا ببینید اگر موافق اصول مشروطه است قبول کنید و زود شرع نمایید به امر انتخابات .
در شوال همین سال نیز به چاپ و توزیع «قانون اساسی و متمم آن» در بین مردم اقدام نمود و در نامه‌ای به تقی‌زاده انگیزه‌ی خود را از انجام آن این گونه توضیح داد:
... چون نشر و انتشار قانون اساسی بر ذمه‌ی آحاد و افراد ملت فرض و لازم است که از تکالیف خودشان آگاه و دارا باشند، این بنده به ملاحظه‌ی اینکه نسخه‌ی قانون اساسی در آذربایجان نادر و کمیاب است خواستم خدمتی به عالم تمدن کرده باشم؛ قانون اساسی را با متمم آن توأم نموده در آذربایجان دادم چاپ کردند تا فیضش عام بوده، آحاد و افراد ملت بتوانند از مفاد آن بهره‌مند بشوند و برای اینکه وضع و اسلوب آن را ببینند، پنج نسخه هم با پست خدمت جناب عالی فرستادم. غرض نقشی است کز ما بازماند . برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

فیروز، حاجیه ملک تاج خانم

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
وقفنامه‌ی بیمارستان نجمیه:
در وقفنامه‌ی بیمارستان نجمیه که توسط حاجیه ملک تاج خانمِ فیروز ملقب به نجم السلطنه (مادر دکتر مصدق) در سال 1305 وقفَ شده است، تولیت موقوفه در زمان حیات به واقف و بعد از آن به فرزندش محمد خان مصدق و بعد از او به ابوالحسنِ خان دیبا سپرده شده است. نظارت را نیز به دختران خود و ارشد اولاد آنها نسل اندر نسل سپرده است (رضایی ، 1378 ،ص44). در این موقوفه، نقش اولاد و سلسله نسبی در نظارت و حسابرسی، مورد تاکید قرار گرفته است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

قزوینی، حاج ملا عبدالوهاب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اولین متولی موقوفات مسجدالنبی قزوین
چندی پیش دوستِ دانشمندی از شیراز نسخه کتابی را که به تازگی از چاپ برآورده بود در اختیارم نهاد. از مندرجات آن پیشتر آگاهم ساخته بود، اما آنچه بینَ الدَّفَتَیْن با حروفچینیِ شکیل و عکسها و تصویرهای دیدنی و فصلبندیهای جالب دیدم لطفی دیگر داشت و موجب توجه به اندیشه‌ای باریکتر و لطیفتر گشت. محتوایِ کتاب شرحِ تاریخی انجمنهای ادبی شیراز از حدود چهارصد سال پیش تاکنون بود و به مناسبت در آن از پایه گذاران و اعضای آن انجمنها در این مدّت نسبتا دراز شعرها و تصویرها و عکسهای بسیار نقل شده بود.
آنچه جز مجموع مطالب کتاب و منضمّات آن ذهن مرا مشغول ساخت، این اندیشه بود که دریافتم شیراز را که شهر شاعران و شهر سعدی و حافظ یا شهر گل و بلبل نام نهاده‌اند، می‌توان شهر انجمنهای ادبی نیز نامید و از همین دید شهرهای دیگر ایران را با خصوصیتی جز آنچه متداول و بر سر زبانهاست مورد توجه قرار داد؛ مثلاً یزد را گذشته از شهر بادگیرها، شهر قناتها نیز گفت، چه مردم کوشا و دلسوز آن در جاری‌ساختنِ آبهای زیرزمینی از دوردستها برایِ سیراب‌ساختنِ مزارع و باغات رنج بسیار کشیده‌اند. یا اصفهان را گذشته از داشتنِ عنوانِ دارالسلطنه، شهرِ شاهکارهایِ معماری و پُلسازی و کاشیکاریِ بی‌نظیر لقب داد، و به همین ترتیب برایِ شهرهایِ دیگر خصوصیات دیگر جز آنچه در افواه است یافت.
در این توجه به زادگاه خود قزوین رسیدم و متوجه گشتم که آنجا را نیز به جز دارالسلطنه‌گفتن و «بابُ الجَنّه» نامیدن یا شهرِ محصور میانِ باغهای وسیعِ پسته و انگور و بادام و زردآلودانستن، شهر عالمانِ دینی و حافظانِ سُنَن و آدابِ ملّی و قومی نیز توان گفت؛ زیرا به شهادتِ مورخان و خاطره‌نویسان و سیّاحان و اربابِ تذکره، از خصوصیّات این شهر یکی هم کثرتِ علما و فضلا و
دانشمندان و اربابِ حرفت و صنعت و حافظانِ سنتهاست که از اینجا برخاسته‌اند و در میانشان نامورانی با آثار پُرارج و مؤثر در تربیت و هدایتِ اجتماع کم نبوده است. با نگاهی به کتاب المآثر والآثار اعتمادالسلطنه و مجلّد دوم کتاب مینودر مرحوم گلریز و کتابهای رجال و غیره بر صحّت این مدّعا می‌توان دلیل آورد. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده می‌نویسد:

«دیانتِ اهلِ قزوین در مرتبه اعلی بود و اکثر آن قوم لقمه بی‌شبهه خوردندی و مُستجاب‌الدَّعوه بودندی و بدین مناسبت هیچ حاکم برایشان تطاول نتوانستی کرد.» (1).
این خصوصیت را مرهونِ دو امر باید دانست؛ یکی استعداد ذاتیِ افراد و درستیِ اعتقاد که ریشه در تربیتِ خانوادگی و پایبندیِ خانواده به حفظِ اصول دارد و دیگر مراقبتهای دقیق و تعالیم مفید علما و دانایانِ دینی؛ تا کسی از جادّه مستقیم خِرَد و معتقداتِ درست دور نیفتد. بسیاری عالمان و کثرتِ فقیهان این شهر در طولِ قرون، خود حجّتی است بر اهلیّتِ مردم و تعلیم‌پذیریِ آنان و توجه به مقامِ علم و عمل. حمداللّه مستوفی هم در این خصوص می‌نویسد:
علماء قزوین بیشتر صاحبِ علوم تفسیر و حدیث و فقه بوده‌اند و در طاعت و عبادت درجاتِ عالی داشته و در علومی که دین را از آن خللی باشد شروع کمتر نموده و در کارِ دین و تقویتِ مذهبِ خود به غایت صُلب بوده و اکابر آنجا مرتبه و جاه و عظیم یافته‌اند و بعضی به وزارت رسیده (2)
و درباره سادات که آنان را شریفترین قبایلِ جهان می‌داند نوشته است:
سادات قزوین به زُهد و ورع و تقوا و علم و ادب و قطع طمع مُتحلّی بودند و درویش و توانگر ایشان از طمع به دیگران مُحترز باشند و رسمِ سؤال در میانِ ایشان نیست و از کسبِ خود خورند و ساداتِ بزرگ مستجاب‌الدّعوه در ایشان بوده‌اند چون... (3).
در مجموعه یادداشتهای ارزنده شادروان قهرمان میرزا عین‌السلطنه فرزند شاهزاده عِزّالدوله فرزند محمدشاه قاجار نامه‌ای به خط محمدشاه ضبط است که به یکی از روحانیان قزوین نوشته شده است که گویایِ درجه احترام مقام عالی مملکتی به علما و مجتهدان این شهر است. عکس نامه مذکور را که مُهر شاه با سجعِ «طراز افسرِ شاهی‌محمد» بر پشت آن زده شده است و به لطف آقای مسعود سالور فرزند مرحوم عین السلطنه در اختیار این‌جانب قرار گرفت. در همین صفحه ملاحظه می‌فرمایید.
سخـن درباره ناموران قزوین در علوم و فنونِ نیازمند تدوینِ کتابهاست و از آنان هستند کسانی که کار و کردار و آثارشان در حدّ کتابی مستقل تواند بود. اینجا دامنه بحث را با شرح زندگانی و آثار یکی از این فرزانه مردانِ نیک‌اندیش که بلندمقامیش ثبت کتابها و آثار خیرش هنوز برجاست فرامی‌چینیم:
عالمی که بیانِ احوال او و نشان‌دادنِ یادگارهایِ خیر او موضوعِ سخن ماست، مجتهد عالی‌مقام حاج ملاّعبدالوهابِ شریفِ قزوینی اعلی‌اللّه مقامه است، اولین متولّی مسجدالنبی (مسجد سلطانی) قزوین از جانب فتحعلی‌شاه و از بزرگان علمای شیعه در قرن سیزدهم هجری.

بنای مسجدالنّبی به حکایتِ کتیبه‌های موجود از فتحعلی‌شاه قاجار (1212 تا 1250هـ.) است و در سالهای 1220 و 1221 هجـری انجـام گرفته است. (4)اما به نوشته شاردَن ـ جهانگرد فرانسوی که در زمانِ شاه‌سلیمان صفوی (1077 تا 1105هـ.) دوبار به ایران آمده است ـ این مسجد را در همین محل شاه‌اسماعیل صفوی (915 تا 930هـ.) بنیاد نهاده و فرزندش شاه‌طهماسب اول (930 تا 970هـ.) به پایان رسانده است. (5) در جمع میانِ نوشته شاردن با مندرجات و تاریخِ کتیبه‌ها می‌توان احتمال داد که بنای صفوی به عللی بعدها رو به ویرانی نهاده و شاه قاجار به بازسازی و تکمیل آن مُبادرت ورزیده است. اینکه گفته‌اند تولیتِ مسجد را محمدشاه قاجار (1250 تا 1264هـ.) هنگامی که با تشریفاتی به قزوین وارد شده و در اجتماعی که در همین مسجد تشکیل یافته به مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب، که از مجتهدانِ بزرگ زمان بوده واگذار و عصائی با یک رشته تسبیح مروارید به ایشان اِهدا کرده است نه فتحعلی‌شاه، قولی است که در نوشته یکی از افراد خاندانِ شفائی (نواده صاحب ترجمه) دیده‌ام و محتاج تأیید است؛ خاصه که تولیتِ دیگری از جانب فتحعلی‌شاه درباره قناتِ شاه‌طهماسبی و حاج‌رضائی و اراضی دهِ اَک (در شمال غربی شهر و شمال دِه حسین‌آباد) طی فرمانی که عکس آن را ملاحظه می‌فرمائید در محرم سال 1247 هجری به ایشان داده شده است، بنابراین ممکن است، عمل محمدشاه تنفیذی باشد در حکم تولیتِ نیایِ خود فتحعلی‌شاه.

در کتاب گرانقدر مینودر تألیف مرحوم گلریز، درباره مسجدالنبی شرح جامعی با عکسهای جالب توجه آمده است و کتیبه‌های متعدد آن نقل گردیده (6)، اما مؤلف مرحوم در تصحیح تاریخ بنای مسجد از 1220 و 1221 به 1201 هجری دچار اشتباه شده است، زیرا فتحعلی‌شاه در 1201 سلطنت نداشته است. آغاز پادشاهی او 1212 هجری است و نیز در نقل متن کتیبه‌ها (یا به هنگام چاپ آنها) اشتباهاتی رخ داده است که باید با مراجعه مجدّد به خود کتیبه‌ها و نیز به متن آیات منقول از قرآن کریم و روایات اصلاح شود.

باری شرح احوال و آثارِ خیر و تألیفاتِ این عالم جلیل و فقیه نبیه را در کتابهایی چون طبقات اَعلام الشیعه، کرامُ البرره (7) از شیخ آقابزرگ طهرانی و الذریعه هم او (ذیل نام تألیفات وی) و مکارم الآثار (8) از معلم حبیب‌آبادی فوائدُ الرَّضَویه (9) و معجم رجال الفکر والاَ(11) از مرحوم گلریز و قصص العلماء (12) از میرزا محمد تنکابنی و بُرگی از تاریخ قزوین (13) از مدرسی طباطبائی و غیره می‌توان دید که لُبّ مطالب آنها را متعاقبا نقل خواهیم کرد:

مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب ـ رضوانُاللّه علیهِ ـ فرزند محمدعلیِ است و

چون در رساله «حُجّیة الاجماع» اشاره به رأی جدّ خود در مسأله اجماع کرده است و باز به قرینه اینکه نام یکی از برادرانش عبدالکریم است، لذا به‌زعم مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی (14)جدّ ایشان که از علما بوده باید همان مولانا عبدالکریم صاحب کتاب نظمُ الغُرَر فرزند مولانا محمدیحیی صاحب کتاب ترجمان اللّغات باشد.
مادرِ صاحب ترجمه دختر آیت‌اللّه سیدحسین قزوینی مشهور به آقا میرحسینا (متوفی به سال 1208هـ.) جدّ افراد خاندان حاج سیدجوادیهای قزوین و استاد مرحوم سیدمهدی بحرالعلوم است که در وثاقت و زُهد و علم و تقوا وحید عصر بوده است و به سبب شرافت سیادتِ مادر است که مرحوم حاج عبدالوهاب را «شریف» گفته‌اند.
این عالم بزرگوار و مجتهد پرهیزکار و نیکوکردار سه برادر داشته است: مرحوم علیمردان مانند خود وی به تحصیل علوم دینی پرداخته، اما دو برادر دیگر مرحومان حاج‌رضا و حاج‌کریم (عبدالکریم، معروف به حاج‌آقا) به بازرگانی روی آورده‌اند و از اولی سرایِ معروف حاج‌رضا در قزوین که از بناهای معتبر است باقی مانده که دو دانگ آنجا وقف و چهار دانگ دیگر ملک است. مقبره معروف خاندان حاج سیدجوادیها را نیز این شخص برای جدّ مادریش مرحوم آقا میرحسینا بنا کرده است. و از دومی حمّامی در محلّه سکّه شریحان به نام حمام حاج‌کریم پی‌افکنده شده است که هنوز برجاست.
سال تولد مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب را ذکر نکرده‌اند، اما با توجه به سنین تحصیلی او در ایران و در نجف اشرف و با توجه به تاریخ اجازه روایت او و نیز با ملاحظه سال درگذشت برخی از مجتهدان عالی‌مقام که نامبرده محضر درس ایشان را درک کرده است، باید یکی از سالهایِ دهه آخر قرن دوازدهم هجری باشد.
فقید سعید بنا به نوشته مرحوم سیدابوطالب زنجانی مقدمات علوم را در قزوین همراه مرحوم میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی از تلامذه مرحوم حجت‌الاسلام شفتی و مرحوم مولا محمدتقی برغانی شهید ثالث تلمّذ کرده و سپس عازم نجف اشرف گردیده و آنجا از محضر درس استادانی بلند پایگاه چون مرحوم شیخ جعفر بن شیخ خضر کاشف الغطاء معروف به شیخ اکبر (متوفی به سال 1227 یا 1228هـ.) و مرحوم سیدمحمد طباطبائی معروف به مجاهد از مشاهیر علمای امامیه (متوفی به سال 1242هـ.) و مرحوم سیدمحمدمهدی بحرالعلوم، جامع معقول و منقول (متوفی به سال 1212هـ.) و مرحوم شیخ موسی فرزند شیخ‌اکبر (متوفی به سال 1242 یا 1243هـ.) و شیخ احمد احسائی بحرانی صاحب تألیفات کثیره (متوفی به سال 1241هـ.) و مرحوم سیدعبداللّه شُبَّر از بزرگان فقهایِ امامیه و از ثقات محدثین اثنی‌عشریه (متوفی به سال 1242هـ.) و مرحوم

شریف‌العلماء آمُلی مازندرانی از اعاظم فقها و اصولیین اواسط قرن سیزدهم (متوفی به سال 1245هـ.) و مرحوم شیخ اسداللّه کاظمی تُستری دزفولی داماد شیخ‌اکبر، صاحب کَشفُ القناع و مَقابِسُ الاَنوار (متوفی به سال 1234هـ.) و مرحوم سیدجواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه از اعاظم فقهای عصر در نجف و کربلا و کاظمین بهره جُسته و از بیش از چهل مجتهد عالی‌قدر روایت دارد، که از فحولِ آنان مشایخ مذکور و نیز نبیه جلیل مرحوم آقاباقر بهبهانی و به استناد آنچه مرحوم سیدحسن صدر در تکمله آورده، علامه جلیل‌القدر میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین و نیز به گفته میرزا ابوطالب زنجانی موسوی در کفایة الدرایة شادروان سیدعلی طباطبائی صاحب ریاض و نیز علامه مفضال مرحوم سیدمحمدباقر حجت‌الاسلام اصفهانی است، و مرحوم موسوی زنجانی تصریح کرده است که روایت وی از صاحب ریاض و از مرحوم کاشف‌الغطاء بدونِ واسطه است.
این اجازات به‌تمامه در مجموعه‌ای است که آن را مرحوم سیدجواد بن سید زین‌العابدین خونساری در 1248 هجری جمع و تدوین کرده است و شادروان شیخ آقابزرگ طهرانی
صاحب طبقات اعلام الشیعه و کرامُ البَرَرة، نسخه آن را در کتابخانه مرحوم سید محمد محیط طباطبائی در تهران دیده است. تاریخ اجازه مرحوم سیدجواد عاملی چنان‌که مرحوم آقا سیدمحسن امین در آخر کتاب «مَتاجر» از مفتاح الکرامة تذکر داده‌اند ربیع‌الاول سال 1225 هجری است. اما تاریخ اجازه‌ای که مرحوم سید محمدباقر حجت الاسلام اصفهانی داده چهارم شعبان 1254 هجری می‌باشد که مربوط است به پس از رسیدن صاحب ترجمه به مرتبه اجتهاد و یافتنِ درجاتِ علمی رفیع و سالهای اخیر عمر شریفش. ایشان پس از ذکرِ عبارتِ «مَنَّ اللّه تَعالی عَلی اهالی قزوین» (منّت نهاد خدای بلند و بزرگ‌مرتبه بر مردم قزوین) از وی با صفاتِ عالمِ عاملِ فاضل کامل بارعِ باذل، جامع فنون فضائل، حائز صنوف فواضل، عاصم عباداللّه از خبائث و رذائل، زُبدة الفقهاء العظام، عمدة العلماء الفخام... الخ یاد کرده است.
مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب پس از طی مدارج علمی و کسب درجات عالی روحانی به قزوین بازگشته و در سال 1230 هجری عازم زیارت بیت‌اللّه الحرام شده است و پس از اداءِ مراسم حج از راه دریای قُلزم به مصر رفته و در قاهره به کتاب الصواعق المحرقه از ابن‌حجر عَسقلانی (909 تا 974هـ.) برخورده و فصل دوم آن را که در بیان فضایل مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام است، مبنایِ تألیف کتابی ساخته است که ضمن برشمردنِ تألیفات ایشان بدان اشاره خواهیم کرد.
بنابر نوشته سپهر در ناسخ التواریخ (15) در اجتماعی که مجتهدان و

علمای بزرگ مانند مرحوم آقا سیدمحمد مجاهد و مرحوم حاج محمدجعفر استرآبادی و مرحوم آقا سیدنصراللّه استرآبادی و شادروان حاج سیدمحمدتقی قزوینی و مرحوم سید عزیزاللّه طالشی و نیز شادروان حاج ملّااحمد نراقی و پسر ایشان مرحوم حاج ملّامحمد، در سلطانیه به سال 1241 هجری در حضور فتحعلی‌شاه قاجار در باب جهاد با روسیه داشته‌اند، چون مرحوم مجاهد در قزوین به خانه مرحوم حاج ملّاعبدالوهاب وارد شده بوده است، ایشان مرحوم سید را همراهی و در آن اجتماع شرکت کرده‌اند.
صاحب ترجمه سفری نیز در 1260 هجری به شهر قم رفته و در این سفر تکمله‌ای بر کتاب سابق‌الذکر خود که در بعضی از مباحثِ امامت است افزوده که بدان نیز اشاره خواهد شد.
مرحوم حاج ملّاعبدالوهاب در پایان عمر به نجف اشرف مشرّف گشت و آنجا ساکن گردید و به سال 1264 هجری درگذشت. شرح ارتحال عجیب این عالم ربانی را که تنکابنی در قصص العلماء و به نقل از آن مأخذ صاحب کِرامُ البَرَرة آورده است، خواهیم آورد. آن مرحوم را در مقبره مخصوص که در قسمت تحتانی حیاط بیرونی منزل خود مهیا کرده بود دفن کردند در حالی که در قزوین نیز مقبره‌ای برای خود و خاندانش پیشتر بنا کرده بود با سنگ قبری.
به شهادت کسانی که از این فقیه عالم سخن گفته‌اند و اسناد موجود، وی رئیس علمای قزوین و مردی پارسا و مُراعیِ احکام شرع و حافظ موازینِ شریعت و آمر به معروف و ناهی از منکر بوده است و استنباط صحیح از فروع احکام داشته و در حلّ مُعضلات مسائل مرجع و ملجائی موثّق به حساب می‌آمده و به نظر صائب و بی‌نظریِ مطلقِ وی در امور از عالی و دانی اعتقاد داشته‌اند. واگذاری تولیت مسجدالنبی و نیز تولیت آب چند قنات و اراضی ده آک از جانب سلطان وقت فتحعلی‌شاه و تنفیذ آن از جانب سلطان بعدی محمدشاه قاجار و نیز سند شماره 73 از اسناد مربوط به آستانه حضرت شهزاده حسین (16)(فرمان فتحعلی‌شاه به فرزند خود ـ امام ویردی ـ حاکم قزوین ـ بالای عریضه میرزا نعمت‌اللّه ناظر آستانه شهزاده‌حسین که مستمری او را با اطلاع حاج ملّاعبدالوهاب مجتهد به وی عاید سازد) و محضر و استشهادی که ناظر مذکور به مهر علمای قزوین و از جمله صاحب ترجمه از این بابت در دست داشته و نیز فتوائی که به نقل تنکابنی در قصص‌العلماء درباره جواز بذلِ ولی مدّتِ انقطاع را، برخلاف نظر مرحوم شهید ثالث داده و علمای قزوین جز مرحوم حاج ملّاصالح برادر شهید ثالث و علمای دیگر بلاد متابعت از آن فتوا کرده‌اند، همه دلیل بر جامعیّت و قدرت استنباط اوست و سزاواریش به ریاستِ علمای شهر، آثار خیر وی که ذکر خواهیم کرد نیز حکایت از فطرت پاک و نیکی اعتقاد و

بخشندگی وی دارد.
تألیفات آن مرحوم به شرح زیر است (به نقل از کرام البرره) (17)
1 ـ «رسالة فی صلاة الجمعة» ـ نسخه این رساله که خط مؤلف را در حواشی دارد منضم به مجموعه اجازات در کتابخانه مرحوم سیدمحمد محیط طباطبائی است.
2ـ «هدایة المسترشدین» ـ این رساله را که برادر و شاگردش عبدالکریم ملقب به حاج آقا استنساخ کرده است و در جمادی‌الثانیه 1242 هجری به پایان برده، مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی ضمن مجموعه‌ای از رسائل صاحب ترجمه که برخی از آنها به خط برادر دیگرش علیمردان بن محمدعلی بوده و تاریخ کتابت 1240 هجری داشته در کتابخانه شیخ قاسم محیی‌الدین در نجف دیده است. در آغاز این رساله گوید که او رساله‌ای به فارسی و رساله دیگری به عربی نوشت در مسائل تقلید و آن را در ردّ رساله حجت الاسلام اصفهانی نگاشت، هنگامی که در رساله مرحوم اصفهانی عدمِ جوازِ تقلیدِ میّت و وجوبِ عدول به زنده را در آن تألیف دید.
3 تا 8 ـ مجموعه دیگری از تصانیف صاحب ترجمه در کتابخانه شیخ‌قاسم مذکور است که در آن رسائل اصولی است، از جمله: «حُجیة المَظنة فی حالِ اِنسداد»؛ «عدم الحُجیَّة فی حالِ الانفتاح»؛ «حُجیَّة الاِجماع»؛ «عدم اجتماع الامر والنّهی»؛ «العدالة والتَّحرَّی» و «اَصْلُ الْبَراءة». رساله آخر به خط برادرش علیمردان بن محمدعلی است با تاریخ کتابت 1240 هجری. در رساله «حُجیَّة الاجماع» رای جدّ خود را در اِجماع بیان کرده است و نشان می‌دهد که جدّ ایشان چنان‌که ذکر شد (ظاهرا مولانا عبدالکریم بن مولانا محمدیحیی) نیز در عداد علما بوده است.
9 و 10ـ در کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع) مجموعه‌ای است که در آن دو کتاب از تألیفات مرحوم حـاج ملاّعبـدالوهاب است؛ یکی خُلاصَةُ الرّشاد در شرح حدیث نبوی مشتمل بر چهل مسأله که حضرت امیر (ع) از پیغـامبر اکـرم (ص) سـؤال کرده است و مؤلف هر فقره را در بـابی شـرح نموده. هر باب آن مشتمل بر فصلهاست، اما آنچه در آن مجموعه موجود است تا باب پنجم در حدیث پنجم در حجّ است و کاتب در پشت نسخه، مؤلف را نیک ستوده است.
در پایان باب اول در ایمان به خداوند، همه اصول پنجگانه را درج کرده است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد و در باب معاد جسمانی آنچه را شفاهی از آقامیرزا محمدمهدی (شهید در سال 1218هـ.) شنیده و نیز آنچه را شیخ احمد احسائی در جواب سؤال او از معاد ذکر کرده، نقل نموده است و آن دو تن را به نیکی ستوده و بر آنان دعای خیر کرده است و از اینجا برمی‌آید که این رساله را پس از سالِ درگذشت شیخ احمد احسائی (1241هـ.) تألیف کرده است.

اما کتاب دوم مندرج در آن مجموعه «شرح حدیث المنزلة» است. متنِ حدیث را ابن‌حجر عسقلانی در الصواعق المحرقه آورده و آن نخستین از احادیث چهلگانه مستخرج در فصل دوم صواعق است و چنان‌که اشاره شد مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب در قاهره به کتاب صواعق برخورده و فصل دوم آن را که در بیان فضائل حضرت مولاست و در آن چهل حدیث، که نخستین آن حدیث المنزلة است، درج کرده و آغاز کرده است به بعضی از مباحثِ امامت: امامت چیست؛ آیا وجود امام واجب و لازم است؟ چرا واجب است؟ چگونه او امام است؟ امام چه کسی است؟ پس شروع کرده است به دلالتِ حدیث بر این نکات و دقایق و ردّ تأویلاتِ ابن‌حجر و در خلال تألیف گفته است که سالِ تألیفِ آن 1231 هجری است. تکمله‌ای هم در سفرِ قم (1260 هجری) بدان الحاق کرده و آنجا تصریح نموده است که آغاز تألیف 1230 هجری بوده است. نسخه هر دو کتاب به خط محمدصادقِ یزدی است و در ذی‌الحجه 1260 هجری در حیات مؤلف تحریر شده است.
شادروان شیخ آقابزرگ طهرانی در نجف نسخه‌ای از کتاب المعتبر (فی شرح مختصر شرایع‌الاسلام نجم‌الدین ابوالقاسم شیخ جعفر بن حسن محقق اول حلّی) را نزد سیدمحمدرضا
تبریزی دیده است که آن را صاحب ترجمه در 1241 هجری وقف کرده است.
اما ابنیه خیری که از آن مرحوم به‌جای مانده است بدین شرح است:
1ـ گذشته از مساعی جمیل که در تکمیل مسجدالنبی و رفع نقائص آن به حدّ امکان داشته است با امکانات خود در قطعه زمینی واقع در مجاورت مسجد، شمال‌سرای و زیر و شرق مسجد سردابی وسیع برای اقامه نماز جماعت و تشکیل مجالس روضه‌خوانی و وعظ احداث نموده است که در تابستانها فضائی خنک دارد و در زمستانها گرم، و مدخل آن از داخل مسجد در ضلع شرقی و جنوب مدخل شرقی مسجد است.
2ـ چهـار آب‌انبـار در نقاط زیر از بناهای عام‌المنفعه اوست:
یک ـ آب‌انباری مجاور سرداب و زیرزمین مورد اشاره به نام «یوسفیه» به مناسبت آنکه بنایِ آن مصادف با تولد یکی از پسرانش ـ با نام یوسف ـ شده است.
دو ـ آب‌انباری در غرب مسجد و در زاویه جنوب شرقی محوطه جلو سر در غربی، معروف به سر درِ زنانه بازار که بسیار وسیع و عمیق و مورد استفاده اهالی محل و مخصوصا کسبه بازار بوده است و بر دیوار مجاور راه شیر پلّه‌پلّه آن و سه شیر فاصله به فاصله نصب بوده و به تدریج که سطح آب پایین می‌رفته، از شیر پایینتر استفاده می‌شده است.
سه ـ آب‌انباری در جنوب شهر قزوین مقابل مُصلاّی جنوب شهر که در تابستانها برای باغبانان و آنان که در باغهای انگور مجاور کار می‌کرده‌اند

فوق‌العاده مفید و مغتنم بوده است. (18)
چهار ـ آب‌انبار واقع در محلّه دارالشِفا، مجاور حسینیه و منزل آن مرحوم.
3ـ مقبره خانوادگی در بیرونِ صحنِ شمالی شهزاده‌حسین و در شمال شرقی آن، مشتمل بر یک مسجد و دو ایوان و راهرو و مقبره‌ای کوچک در انتهایِ بنا که قسمت تحتانی آن محل دفن اموات و در نمای مقبره کتیبه‌ای کاشی نصب بوده است که بعدها تعدادی از خشتهای کاشی آن افتاده است. مقبره وسیع است و با آجر ساخته شده و مسقف به طاق آجری است و با کاشی تزیین گردیده است. جز مسجد و راهرو و دو مقبره خاصه در دو طرف، بقیه وقف کسانی بوده است که آنجا را برای آرامگاه خود انتخاب کنند. این بنا فعلاً تحت اداره میراث فرهنگی است و اوقاف، و در اراضی مقبره از طرف متولّی فعلی (آقای دکتر محسن شفائی) چند حجره جهت مقبره احداث گردیده است که سه باب آنها به فروش رسیده و در اختیار خانواده‌های سررشته‌داری و گلچین و پرهیزگار است.
کتیبه بالای سردر به خط نستعلیق و به رنگ سفید در کاشی لاجوردی است با این شرح: «بَعد الحمـد والصلوة قَد وَقَفَ هذه البُقعَة الشَّریفَة وَتَوابِعها خادِمُ الشَّریعَةُ الغَرّاء وَالْمِلَّةُ الْبَیْضاء نُقاوَةُ المُجْتَهدین الاَنجاب الحاج مُلاّعَبدُالوَهّاب اَیَّدَهُ اللّه تَعالی وَاَلْحَقَهُ بِمُحمّدٍ وَآلِهِ الاَطْیاب عَلی اَنْ یَکُونَ وَسَطُها مَسْجِدا تحتها مَقْبَرَة خاصَّة وَطَرَفَیْها سَکَنَا لِمَنْ اَرادَ اَنْ یَتَذَکَّرَ لِلْمُوت قَبْلَ حُلُولِ الفَوْت وَالرُّجوع اِلی الحَیِّ الَّذی لایَمُوت. ختم بالخیر 1205 [ظ: 1250 هجری]. (19).
در داخل مسجد قطعه سنگی حجّاری شده به دیوار نصب است که بر رو و کناره آن عبارات و اشعار زیر نقر شده است: «هذه الْمَرْقَدِ الْمُطَهَّر الْمُنَوَّر فی (؟) العالم الفاضل النّحِریر حُجَّةالاسلام وَالمُسلمین جامِعُ الْمَعْقول وَالْمَنقُول حاوی الفُروُع وَالاُصول الوحید فی العصر مُجتَهد الزَّمانی الحاج مُلاّعَبْدُالوَهّاب. فی هفتم شهر مُحرَّمُالحرام من شهور 1206 [ظ:1264]. (20).
جناب حاجی ملاّعبدالوهاب آن که مدام
بُدی معینِ ضعیفان و ملجأ فقرا
بجُست سال وفاتش خِرَد در این مصراع
مقام کرد به جَنّات اَفْقَهُ الفقها
اگر به حکم قضا همچو لؤلؤ لالا
نهان به خاکِ نجف گشت افضل الفضلا
چه نیک خفته فرحناک در زمین جنان
کسی که بود در آفاق اَسعدُ السُّعدا
در پایان منقولات «تکمله» و «قصص‌العلماء» را درباره آن مرحوم حسن ختام این مقال قرار می‌دهیم:

سیدحَسن صدرعاملی (متوفی به سال 1354هـ.) در تکمله امل‌الآمل آورده است که صاحب ترجمه در فقه طویل الباع و در فروع کثیرالاستحضار بود و کوشا دربرآوردنِ نیازمندیهای مردمان، مُروّج دانش و دانشی مردان، آمر به معروف و ناهی از منکر و با نفوذ کلمه... و سپس برخی از مشایخ او را نام برده و اینکه از چهل مجتهد اجازه روایت داشته است. (21).
میرزا محمد تنکابنی در قصص‌العلماء در احوال شهید ثالث نوشته است: (22).
... شهید ثالث کرّتا ثانیتا به زیارتِ عتباتِ عالیات مشرّف شد و از استاد عالی‌مقدارش آقا سیدعلی اجازه گرفت و ایران آمد و نِقاری میان ایشان و فتحعلی‌شاه واقع شد. پس به دارالسلطنه قزوین نزول اجلال فرمود و مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب قزوینی که از علمای آن دیار است و شهره امصار و از رؤسای آن اعصار در مقام کفالت و رواجِ اشتهار شهید ثالث از هر جهت برآمد. (23).
و از جمله مناظرات شهید ثالث آنکه در دارالسلطنه قزوین شخصی صاحب ثروت وفات یافت و دولتِ وافر برگذاشت. وارث او منحصر به دختری کبیره بود. شخصی دیگر برای طمع در آن مال، آن دختر را ولایتا برای پسرِ صغیر خود به عقد انقطاع درآورد. چون مدتی گذشت دختر به جهت کِبَر و صغرِ پسر صبر نتوانست نمود. مبلغی جزیل بذل می‌نمود که مدّت انقطاع او را بذل نمایند و او به دیگری ازدواج کند. شهید ثالث فرمود که بذلِ ولی مدّتِ انقطاع را جایز نیست، بلکه لازم است که صبر نماید تا زوج او به بلوغ برسد. آن دختر مبلغ چهارصد
تومان به مُلاّیی بذل می‌نمود که فتوا دهد بر جواز بذل و اجلِ متعه را. مرحوم حاجی ملاّعبدالوهاب فتوا بر جواز داد و علمای قزوین او را متابعت نمودند، مگر حاجی ملاّصالح که متابعتِ برادرش می‌نمود. به دفعات مجالس مناظره آراستند و علما را خواستند و با شهید در مقام مکافحه و مجادله و مقاوله و مناظره و مشاجره و مباحثه برآمدند و علمای آن دیار قوه مقاومت و مغالبه بر شهید ثالث نداشتند، کار به طول انجامید، تا اینکه به علمای امصار استفتا نمودند و همه با حاجی ملاّعبدالوهاب موافقت کردند، و از مرحوم حجت‌الاسلام حاجی سیدمحمدباقر در اصفهان استفتا کردند، آن جناب نیز بر جواز فتوا داد.
باز تنکابنی در دنبال احوال شهید ثالث آورده است (24)
... سید سند و مجد مُمَجَّد آقا سیدمحمد خلف آقا سیدعلی صاحب ریاض بن سیدمحمدعلی طباطبائی... به سفر جهاد به قزوین وارد شد. از او سؤال کردند که حاجی ملاّمحمدصالح بَرَغانی مجتهد است یا نه؟ سید تصریح و تنصیص به اجتهاد او فرمودند و جناب حاجی ملاّمحمدصالح از تلامذه آقاسید محمد بوده و آخر آقا سیدعلی را هم درک کرده و به درس

او حاضر می‌شده، پس از آقا سَیدمحمد پرسیدند که حاجی ملاّمحمدتقی مجتهد است یا نه؟ آن جناب فرمودند که مرد فاضلی است و تعریف و توصیف فضیلتش فرمودند، و این سائل چنان شهرت داد که سید تصریح بر اجتهاد شهید ثالث نمود. چون این خبر به حاج ملاّعبدالوهاب رسید و سیّد سند (یعنی حاج سیدمحمد مجاهد) در خانه او منزل داشتند، پس حاج ملاّعبدالوهاب آن سائل را طلبید و او را تعزیر کرد که تو چرا افترا بسته‌ای، او که تصریح بر اجتهاد شهید ثالث ننموده ـ و میان حاجی ملاّعبدالوهاب و حاجی ملاّمحمدتقی نقاری هم بود (25) ـ پس چون خبر تعزیر انتشـار یافـت همهمـه آن در قزوین انتشار یافت، جناب شهید ثالث فـرمودند کـه احترام آقا سیدمحمد آن است که پسر استاد ماست نه از جهت دیگر. بالجمله چون انکسار خاطر شهید ثالث مشهود رأی جناب آقا سیدمحمد افتاد یک روز نهار را خانه حاجی ملاّمحمدتقی صرف نمود و اظهار التفات به او نمود و اجازه او را نوشت و در همان روز به مسجد شهید ثالث رفت و بعد از نماز بر پلّه منبر نشست و نهایت توصیف از فضیلت او نمود و تصریح به اجتهاد او نمود و مردم را از این قضیه اعلام فرمود...

باز مرحوم تنکابنی نوشته‌اند (26)

... ملاّاسماعیل ارشدِ تلامذه آخوند ملاّعلی بود و او را حواشی بر کتاب شوارق اوست و از آخوند ملاّ آقای حکیم قزوینی که او نیز از مشاهیر تلامذه آخوندی ملاّعلی و با والد مؤلف کتاب (یعنی تنکابنی) رفیق صدیق بوده، از ایشان شنیدم که گفت شیخ احمد احسائی وقتی به قزوین آمد در خانه حاجی ملاّعبدالوهاب منزل کرد و روزها در مجلس خاص درس می‌گفت که هر کس مأذون در حضورِ آن مجلس نبودند. پس از حاج ملاّعبدالوهاب توسطِ رخصت در حضورِ آن مجلس را خواستم. حاجی به شیخ گفتند که آخوند (یعنی ملاّآقا) بیگانه نیست. بعد از حضور شیخ در مسأله علم تدریس می‌کرد. من در مسأله علم ایرادی بر شیخ کردم. بعد از حضور شیخ جوابی گفت که من آن جواب را چند حمل کردم.

و نیز آورده است (27)

... شیخ احمد احسائی در هر بَلَد مُطاع و مُمَجَّد و سلطان عصر مرحوم فتحعلی‌شاه را با او نهایت خصوصیت... و به هر بلد که وارد می‌شد علماء آن بَلَد نهایتِ احترام و با او نماز جماعت می‌نمودند، تا در دفعه آخر وارد قزوین شد و در خانه مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب اقامت فرمودند و روزها در مسجد جمعه نماز می‌کردند و علماء قزوین همه

حاضر می‌شدند و اقتدا می‌نمودند و حاجی ملاّعبدالوهاب از مریدان شیخ بود. به اعتقادم قوه غور در حقیقت اعتقادات شیخ نداشت. (28) روزی به بازدید شهید ثالث حاج ملاّمحمدتقی رفتند. پس از طی تعارفات مرسومه،

شهید از شیخ سؤال کرد که در معاد مذهبِ شما و ملاّصدرا در معاد یکی است. شیخ گفت چنین نیست و مذهب من وَرایِ مذهب ملاّصدراست. شهید به برادرش حاج محمدعلی گفت: برو کتاب شواهد الرّبوبیّه ملاّصدرا را از کتابخانه بیاور. حاج ملاّمحمدعلی که از تلامذه شیخ‌احمد بود مسامحه و مسالهه و مصارحه در احضار شواهد الربوبیّه نمود. شهید گفت: پس می‌گویید مذهب شما در معاد چیست؟ شیخ گفت: من معاد را جسم هورقلیائی می‌دانم... پس از آنجا برخاستند و اجتماع مبدّل به افتراق و وفاق مبدل به نفاق شد. در آن روز چون شیخ به مسجد برایِ نماز جماعت رفت، از علما کسی همراه او نرفت و در مسجدش حضور به هم نرسانید مگر حاج ملاّعبدالوهاب. پس حاجی ملاّعبدالوهاب از شیخ‌احمد خواهش کرد رساله‌ای در معاد و اعاده بدن عنصری تألیف نمایند تا رفع شبهه شود. شیخ رساله‌ای نوشت، ثمری نبخشید و همهمه تکفیر شیخ در قزوین شیوع یافت... دعوت حاکم قزوین شاهزاده رکن‌الدوله علینقی‌میرزا و ترتیب مجلس ضیافتی از علما و شیخ‌احمد و شهید ثالث برای رفع نفاق نیز به جایی نرسید...

مرحوم تنکابنی در شرح حال شیخ اکبر کاشف‌الغطاء استاد حاجی ملاّعبدالوهاب آورده است (29)

در وقتی از اوقات شیخ وارد قزوین شد و در خانه حاج ملاّعبدالوهاب منزل کرد. پس تجّار کاروانسرای شاه استدعا نمودند که جناب شیخ به بازدید تجّار رفته باشد. پس حاج ملاّعبدالوهاب شیخ را برداشته که به بازدید ایشان بروند. شیخ با اصحاب و علماء اطیاب روانه شدند چون به بازار رسیدند تجّار کاروانسرای شاه به استقبال شیخ شتافتند. چون به کاروانسرا رسید، در سبقتِ ورود شیخ به حُجراتِ تجّار نزاع در میانِ تجار شد و هر کس را تمنّای آن بود که شیخ اول به منزل او رفته باشد. پس حاج عبدالوهاب منازعه را معروض جناب شیخ داشتند. شیخ در همان‌جا نشست و گفت: هر که بیشتر تنخواه می‌دهد شیخ اول به منزل او می‌رود. پس بعضی از تجّار ظرفی را پر از درهم و دینار ساختند و به خدمت آن بزرگوار آوردند. آن جناب اول فقرا را خواست و آن‌وجه را در میان ایشان تقسیم نمود و از آن پس به منزل ایشان رفت و ایشان را بازدید نمود.

ایضا در سالی که شیخ (کاشف‌الغطاء) به قزوین آمدند، به مسجد رفتند. مردم خواهش موعظه نمودند شیخ در مسجد در بالای منبر رفت و فرمود که ایّهاالنّاس شما مگر شیعه نیستید، چرا عقد انقطاع در میان شما متداول نیست؟ پس فرمود که تقصیر با علماء بَلَد است و چون حاج ملاّعبدالوهاب رئیس علماء قزوین در آن عهد بود شیخ به او خطاب فرمود که چرا دختر خود را به عقد انقطاع نمی‌دهی تا مردم رغبت در عقد انقطاع کنند و به تو متابعت نمایند؟

در وفات حاج ملاّعبدالوهاب نوشته است:(30) (31)
مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب قزوینی را وفاتی عجیب دست داد. به زیارت نجف رفت و مریض شد، در زمان احتضار گفت: مرا در جنازه بگذارید و به مرقد مطهّر حضرت امام علی علیه‌السلام برید و پس از طواف در مقابل ضریح آن حضرت بگذارید. بر طبق نظر و دستور او را در جنازه نهادند و به حرم بردند و طواف دادند و برابر ضریح گذاشتند در همان‌جا وفات یافت. و او بسیار ساعی در ترویج علما و آمر به معروف و به غایت عابد بود و از چهل مجتهد اجازه داشت ولیکن به نظر این قاصر اجتهاد او محل تأمل بود، بلکه مبیِّن‌العَدَم بود (32)اما رؤوس مسائل فقهیه را خوب ضبط داشت. وقتی روز عید به دیدنِ او رفتم آن مجلس مملوّ از علما بود. سؤال کردم که حکمت در زنده‌بودنِ حضرت عیسی (ع) و نزول و اقتدانمودنِ او حضرت امام عصر (ع) را چیست؟ کسی جواب نگفت. پس گفتم که شاید حکمتِ لطف باشد، چه حق‌تعالی می‌دانست که اُمّتِ حضرت عیسی (ع) اکثر خلق روی زمین می‌باشند، چه هفت شمسه فرنگ از نمسه (= اُطریش) و فرانسه و انگلیس و پروس بلکه روس از ملّت و امّت عیسی می‌باشند و اگرچه دینِ آن حضرت را تغییر داده‌اند، پس از ظهور صاحب الامر (ع) عیسی (ع) نزول می‌کند «وَ اِن مِنْ اهل الکتاب الاّ لیؤمنن به قَبْلَ مَوته» و آن جناب را می‌شناسند و به واسطه او به حضرت صاحب‌الامر ایمان می‌آورند، اگر چنین نمی‌شد انکار می‌کردند و از تیغ امام عصر (ع) هلاک می‌شدند. حاجی مزبور تصدیق کرد و گفت شیخ احمد
[احسائی] نیز چنین گفته.
مرحوم شیخ آقابزرگ طهرانی در کرام البررة از مرحوم حاج ملاعبدالوهاب و درجه علمی و تألیفات و استادان و آثار خیر او به نحو مستوفا سخن گفته است که ترجمه نوشته ایشان را به تفاریق طی این مقاله نقل کردیم. اینجا فقط بخشی را که در ردّ نظر مرحوم تنکابنی درباره فقاهت صاحب ترجمه آورده است نقل می‌کنیم: (33)
میرزا محمد تنکابنی در قصص العلماء (ص64 از طبع سال 1304 هجری) ذکر او به عباراتی غیرمناسبِ مقام او و با تناقضی غریب کرده است، چه او بر علم وی و عبادتِ او و استحضارش بر مسائل و ترویجش از علما ثنا گفته و سپس در ترجمتِ حالش آورده که اجتهادش نزد من غیرثابت بلکه ثابت العدم است و بر تأیید گفته خود قصه‌ای آورده که اگر صحیح باشد آن قصه گویای چیزی بر اثبات ادعای او نیست و چنان که گذشت او از چهل مجتهد از فُحول مجتهدان عصر و کبار فقهای زمان اجازه دارد و همگی آنان او را ستوده‌اند و گفته که او اهلیت دارد و به اجتهادش تصریح کرده‌اند و لذا گفته تنکابنی چیزی از او کم نمی‌کند و زیانی نمی‌رساند.
مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب پنج پسر و پنج دختر داشته است. پسران وی:

آقامیرزا ابوالقاسم ملاّباشی، آقامیرزا باقر، آقامیرزا هادی، آقامیرزا محمدعلی و حاج‌میرزا یوسف است. مرحوم ملاّباشی و آقامیرزا باقر و حاج‌میرزا یوسف وصی او بوده‌اند. و تولیّت مسجدالنّبی پس از وی به حاج میرزا یوسف رسیده و سپس به فرزندش آقامیرزا ابوتراب متولّی و پس از وی به فرزند او مرحوم یوسف‌آقا و سپس به نواده مرحوم آقامیرزا باقر دکتر محسن شفاهی.
منزل مرحوم صاحب ترجمه که درِ آن به روی واردین از علما و مجتهدان و مؤمنان باز بوده در محله دارالشفاست واقع در مشرق مسجدالنّبی و مغرب خیابان پیغمبریه و فرزندان و خاندان وی نیز در همان محله اقامت داشته‌اند جز مرحوم ملاّباشی که مقیم تهران بوده است. باغ دارالشفا که تا سالهای اخیر با درختان میوه‌اش برجا بود در مجاورت خانه‌های خاندان آن مرحوم قرار داشت. فرزندان حاج ملاّعبدالوهاب گروهی نام خانوادگی «دارالشفائی» و «شفائی» و گروهی عبدالوهّابی و فرزندان ملاّباشی به مناسبت شغل استیفاء پسر آن مرحوم، میرزا آقاخان مستوفی «مستوفی‌زاده» را برگزیده‌اند. پی نوشت :
1- تاریخ گزیده، به تصحیح دکتر نوائی، ص795.
2- همان، ص798. .
3- همان، صص797 و 798.
4- مینودر، ج1، ص539 تا 548.
5- سفرنامه شاردن ترجمه عباسی، ج3 صص35 و 36 و نیز مینودر، ص539.
6- مینودر، ج1 ص539 تا 548.
7- کرام البررة، جزء دوم از قسم دو؛ طبقات اعلام الشیعه، ص809 تا 813.
8- مکارم الآثار، 5/ ص1736 تا 1741.
9- فوائد الرضویه، ص261.
10- ـ معجم رجال الفکر والادب ص348.
11-دَب فی النجف (10) از محمدهادی امینی و مینودر مینودر، ج1 ص345، 467، 471، 635، 681، 682.
12- قصص العلماء، چاپ اسلامیه، تهران، ص90 و 93، 113 و 194.
13- برگی از تاریخ قزوین، ص104، 283 و 300.
14- کرام البررة، ص2811.
15- ناسخ التواریخ، بخش قاجاریه، به اهتمام قائم‌مقامی، تهران 1337 شمسی، ص215 و 216.
16- منقول در کتاب برگی از تاریخ قزوین، ص283 و عکس فرمان و محضر در پایان کتاب، و نیز سند شماره 84 در همان کتاب.

17- کرام البررة، ص810 تا 812. .
18- در محوطه شمال دیوار مصلا روز پنجاهم هر سال (20 اردیبهشت) مردم شهر اجتماع می‌کرده‌اند، گاه برای استمطار و بارانخواهی و گاه طبق سنتی قدیم برای گردش. این مصلا هنگام احداث خط‌آهن از میان رفت و احتمالاً آب‌انبار مورد اشاره هم از میان رفته باشد. .
19- چون نام مرحوم با کلمه حاج آمده و ایشان در سال 1230 هجری به حج رفته‌اند بنابراین سالهای 1205 و 1206 درست نمی‌تواند باشد.
20- چون نام مرحوم با کلمه حاج آمده و ایشان در سال 1230 هجری به حج رفته‌اند بنابراین سالهای 1205 و 1206 درست نمی‌تواند باشد.
21- کرام البررة، ص810.
22- قصص العلماء، چاپ اسلامیه، ص22 و 23.
23- مرحوم حاج ملاّعبدالوهاب با خانواده برغانیها وصلت نیز کرده، دختر حاج ملاّصالح برادر شهید ثالث مرضیه‌خانم را به عقد ازدواج آمیرزا محمدعلی پسر خود ـ درآورده است.
24- قصص العلماء ص24. .
25- این نقار ظاهرا منبعث از رفتار شهید ثالث با شیخ احمد احسائی بوده است که نقل خواهد شد.
26- قصص العلماء ص35 و 42. .
27- قصص العلماء ص35 و 42. .
28- از این جمله و یکی دو جمله دیگر استنباط می‌شود که نظر مرحوم تنکابنی با صاحب ترجمه گاه از حد انصاف فراتر است و به همین مناسبت مرحوم شیخ آقابزرگ موردی را مطرح و رد کرده است که بدان اشاره خواهد شد.
29- قصص العلماء، ص194. .
30- همان، ص190. .
31- همان، ص93. .
32- رجوع شود به پاسخ شیخ آقابزرگ طهرانی به این نظر در دنبال همین شرح.
33- کرام البررة، ص810. . برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

قمی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند میرزا ابوالحسن از اجله علماء و سادات بلده طیبه قم و از تلامذه و شاگردان و دامادهای مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی صاحب قوانین است و مرحوم میرزا نهایت وثوق را به او داشتند چنانکه بسیاری از حکومات شرعیه را به ایشان رجوع می‌فرمود و عالمی ثروتمند و متمول بود که بسیاری از ارامل و ایتام و بینوایان را تکفل می‌فرمود و در آن موقع که مردم قم نیازمند به آب بودند آب انبار بزرگی در قم جنب میدان کهنه بنا نمود و بعد از حیوة خود ثلث املاک خود را وقف بر مصارف خیر کرده و در سال 1249 وفات نمود و در بقعه جناب زکریا بن آدم مدفون گردید.
مرحوم میرزا علی‌اکبر فیض در تاریخ خود گوید: میرزا ابوطالب قمی‌الاصل است فضلی باهر و قدسی متکاثر داشت و داماد مرحوم میرزا ابوالقاسم بوده و ایشان پدر و مادر مرحوم آقای حاج میرزا سید حسین متولی‌باشی (بقعه منوره فاطمیه معصومه علیهاالسلام) از همان صبیه مرحوم میرزا بود کتابی دارد به نام سؤال و جواب.
(وف 1249 ق)، عالم امامی. اصل او از قم و از شاگردان و داماد میرزای قمی، صاحب «قوانین»، بود. میرزای قمی نسبت به ایشان اعتماد فراوان داشت و بسیاری از داوریهای شرعی را به وی واگذار کرده بود. او عالمی ثروتمند بود و بسیاری از ایتام و بینوایان را تکفل می‌نمود. در قم آب‌انبار بزرگی جنب میدان کهنه بنا نهاد و وصیت کرد که ثلث املاک او را وقف مصارف خیر کنند. وی در بقعه‌ی زکریا بن آدم دفن شد. از آثارش: کتاب «سؤال و جواب».[1]
ایشان مالک سه روستای اطراف قم بنام های زنبیل آباد ، فرج باد، و علی آباد بوده که ثلث هر یک یعنی دو دانگ از آنها را برای مصارف خیریه (روضه خانی سید الشهداء ، زوار فقیر کربلا و مشهد و فقرای ارحام واقف ) وقف نموده است . زنبیل آباد فعلا جزء شهر قم بنام بلوار شهید صدوقی حدود 500 قطعه منزل و مغازه گردیده است و حاجی آباد هم بنام شهر قنوات حدود 70 هکتار اراضی کشاورزی و مسکونی وقف می باشدعلی آباد جنب مبارک آباد نیز حدود 16 و نیم هکتار از اراضی کشاورزی آن از موقوفات میرزا ابوطالب می باشد.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون به نقل از متولی موقوفه

منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 39 / 13)، گنجینه‌ی دانشمندان (130 / 1).

کاشانی، حاج محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قبرستان جنت آباد
مساحت این قبرستان 000 / 220 فوت مربع است. در سال 1909 مرحوم حاج محمد حسن کاشانی 000 / 40 فوت مربع زمین به عنوان قبرستان ایرانیان خریداری و وقف دفن اموات ایرانیان مقیم پونا کرده و به شماره‌ی ثبت F-211 در سال 1952 در دفتر اوقاف شهر پونا ثبت شده است. 45 سال پیش انجمن ایرانیان مقیم پونا با جمع‌آوری کمک مالی از ایرانیان 000 / 180 فوت مربع زمین کنار قبرستان را از دولت مهاراجه‌ی وقت پونا خریداری و به قبرستان اضافه می‌کنند. قبرستان محصور در پادگان ارتش پونا است و با دو قبرستان دیگر یکی قبرستان مسیحیان و دیگری قبرستان بهائیان به ترتیب همجوار است. این قبرستان در جاده‌ی شولاپور (جاده‌ی حیدر آباد) که یکی از مناطق معروف شهر پونا است قرار دارد. حدود 40 سال پیش ارتش هند به بهانه‌ی گسترش پادگان درخواست خرید قسمتی از قبرستان را برای الحاق به پادگان کرد که انجمن موافقت نکرد و ارتش به دادگستری پونا شکایت کرد که در نتیجه‌ی فعالیت انجمن و به همت مؤمنین اهل تسنن پونا دادگاه به نفع انجمن رأی داد.
سال گذشته عده‌ای هندی به پشتیبانی یکی از سرکرده‌های پونا خواستند قسمتی از زمین قبرستان را تصرف کنند و همزمان این کار را در مورد قبرستان مسیحیان نیز انجام دادند که با تلاش انجمن و شکایت به دادگاه پونا رأی به خلع ید از متصرفین صادر شد و دادگاه آنان را محکوم کرد ولی بخشی از زمین قبرستان مسیحیان به دلیل عدم مقابله و پیگیری از سوی متولیان آن قبرستان به تصرف گروهی از هندویان در آمد. سال گذشته انجمن ایرانیان مقیم پونا اقدام به حصارکشی کامل اطراف قبرستان کردند.
شایان ذکر است قبرستان مسیحیان پونا که در کنار قبرستان ایرانیان قرار دارد حدود 200 سال قدمت تاریخی دارد.
ضمنا آرامگاه فرزندان مرحوم کاشانی و همسر ایشان در قبرستان جنت آباد پونا قرار دارد. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

کاظمی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
انجمن اتحاد ایرانیان مقیم حیدر آباد
این انجمن 50 سال پیش به منظور حفظ سنتها و ارزشهای ایرانی و کمک به ایرانیان مقیم حیدر آباد تأسیس شد و هر سه سال یکبار انتخابات آن انجام می‌گیرد.
اعضای این انجمن عبارتند از محمدرضا کاظمی، غلامعلی رشتی و محمد باقر دهقانی.
انجمن اتحاد ایرانیان مقیم حیدر آباد 43 سال پیش هزار مترمربع زمین (با جمع‌آوری پول از ایرانیان مقیم) خریداری و یک حسینیه و کتابخانه به نام حسینیه‌ی ایرانیان مقیم حیدر آباد احداث کردند و سند آن به نام حسینیه ثبت شد و 18 سال پیش نیز 700 مترمربع زمین جنب حسینیه را خریدند و به حسینیه ملحق کردند و در آن 8 واحد مسکونی ساختند و اجاره دادند و عایدات آن را صرف امور خیریه و حسینیه می‌کنند. برگرفته از کتاب پایگاه راسخون:

کربلایی محمدخان

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسینیه‌ی کربلایی محمدخان
حسینیه کربلایی محمدخان بزرگترین حسینیه‌ی کلکته است. این حسینیه در منطقه‌ی گل‌تولا (امام‌باره) واقع است و 150 سال پیش توسط مرحوم حاج کربلایی محمدخان یکی از شیرازی‌های مقیم کلکته به عنوان حسینیه وقف ایرانیان شده است.
مساحت آن حدود 1,500 متر مربع و دارای 50 باب مغازه است که در دست مستأجرین قدیمی قرار دارد و بدین جهت اجاره‌ی بسیار کمی دریافت می‌شود. در حال حاضر متولی این موقوفه حاج حسن شیرازی است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مافی، حسین قلی خان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جورج پ. چرچیل در کتاب فرهنگ رجال قاجار، نظام السلطنه مافی را این گونه معرفی می‌کند: «حسین قلی خان مافی در سال 1833 میلادی برابر با 1212 ه. ش متولد شد، وی فرزند شریف خان قزوینی بود. حسین قلی خان در جوانی به دستگاه مراد میرزا حسام السلطنه پیوست و در مقام منشی خصوصی والی فارس همراه او به شیراز رفت. وی در سال 1875 میلادی (برابر 1236 ه. ش) از طرف حسام السلطنه به حکومت بنادر خلیج فارس و عربستان منصوب شد و سه سال بعد در معیت شاهزاده به خراسان رفت. حسین قلی خان در سال 1892 میلادی که نصرت الدین شاه میرزا سالار السلطنه از طرف ناصرالدین شاه به حکومت فارس منصوب شد، در مقام پیشکار وی، مجددا به فارس رفت و پس از برقراری امنیت در آن خطه موفق به کسب لقب «نظام السلطنه» گردید و لقب قبلی وی یعنی «سعدالملک» به برادر کهترش محمدحسن خان اعطا شد.
حسین قلی خان در سال 1894 میلادی به حکومت عربستان و لرستان منصوب گردید. وی مدتی بعد به علت بی‌احترامی به سرپرستی سایکس نماینده‌ی سیاسی دولت پادشاه انگلیس از سمت خود برکنار گردید و دولت ایران متعهد شد که مدت پنج سال از انتخاب نظام‌السلطنه به مشاغل رسمی در سراسر قلمرو ایران خودداری ورزد، لیکن به علت نیاز مظفرالدین شاه به خدمت وی و درخواست حکومت ایران، دولت پادشاه انگلیس با بازگشت به خدمات نظام‌السلطنه به شرط عدم اعزام وی به جنوب یا هر ناحیه‌ای از خاک ایران که بتواند به امر تجارت انگلیس لطمه وارد سازد، موافقت نمود. در نتیجه پس از موافقت دولت ایران با شرط مذکور، نظام السلطنه به سمت وزیر عدلیه و تجارت منصوب و در تهران مشغول به کار شد. وی در سال 1899 میلادی به جای حسن علی خان امیر نظام گروسی به سمت پیشکار محمد علی میرزا ولیعهد در تبریز منصوب گردید و تا سال 1901 عهده دار آن مقام بود.
نظام‌السلطنه در ماه مارس 1907 میلادی یعنی زمانی که به حکومت اصفهان منصوب شد در تهران بود و در ماه مه همان سال جهت برقراری نظم و آرامش به فارس اعزام گردید. وی در دسامبر 1907 میلادی به تهران بازگشت و در بیستم ماه مذکور به وزارت مالیه منصور شد .
همچنین در کتاب تاریخ معاصر ایران نشر وزارت آموزش و پرورش این

گونه از نظام‌السلطنه مافی یاد می‌شود: «در آغاز جنگ جهانی اول و برای مقاومت در برابر اشغالگران، جناح‌هایی از رهبران سیاسی - مذهبی که روسیه و انگلستان را دشمن اصلی مردم می‌دانستند، با تبلیغاتی که از ناحیه‌ی عثمانی برای اتحاد دنیای اسلام در این زمان انجام می‌گرفت؛ از تهران به سوی قم و سپس کرمانشاه حرکت کردند و در آنجا دولتی موقت به رهبری نظام‌السلطنه مافی تشکیل دادند، اما نتوانستندکاری از پیش ببرند .
حسینقلی خان نظام‌السلطنه در وصیت‌نامه‌ی خود درباره‌ی وقف اراضی جراحی می‌گوید:
«... سه دانگ اراضی جراحی واقع در محال عربستان را به موجب ورقه‌ی حبس‌نامه‌ی جداگانه... حبس شرعی فرموده‌اند تا به مصارف خیرات و مبرات مقرره به شرحی که در ورقه‌ی حبس‌نامه مسطور شده، منظور شود.»
چنین به نظر می‌رسد که انجام مابقی امور وقف به دختر وی و متولیه‌ی وقف واگذار شده و بتول مافی السلطنه وقف‌نامه را تنظیم کرده است.
همچنین در تولیت نامه که به تأیید چند شاهد به نام‌های محمدحسن الطهرانی،

محمدحسین تربیت، محمد حسین و یک نفر دیگر که دقیقا مشخص نیست، ممهور به مهر شده است و وضعیت وقف توضیح داده شده است.
همچنین متن مصالح به این شرح است:
«براساس مصالحه‌ی مورخ 3 شوال المکرم 1321
جنوبی به فلاحیه
شمالی به رامهرمز
غربی به اهواز
شرقی به اهواز و هندیجان
چون ناحیه‌ی جراحی واقع در عربستان که محدود است به حدود اربعه‌ی مسطوره‌ی ذیل از جمله خالصجات دیوان اعلی بوده است که به شرح فرمان مهر ملعال مبارک به عنوان به ملکیت ابدی واگذار و مرحمت شده بود به حضرت مستطاب اسعد اشرف افخم اعظم آقای حسین قلی خان نظام‌السلطنه دام اقباله العالی و حضرت مستطاب معظم مالک و متصرف بوده‌اند، به ملاحظه‌ی کمال احتیاط و دینداری و این‌که خواستند رفع شبهه نموده واقعه تحصیل فرموده باشد، درصدد برآمدند که از طرف اولیای شریعت مقدسه که در زمان غیبت ولی الله اعظم صلوات الله علیه و ارواح العالمین له الفداء نواب آن حضرت می‌باشند، انتقالی شرعی شود به ایشان که ملک مباح شرعی ایشان باشد. از داعی خواستار شدند لهذا

داعی اجابة... و با اجماع کافه‌ی شرایط صحت و شریعت مصالحه‌ی صحیحه‌ی اسلامیه نمودم با حضرت مستطاب اجل معظم دام اقباله العالی تمامة ناحیه‌ی مسطوره را توابع شریعه و لواحقة العرفیه به همان قسم که مالک و متصرف بوده‌اند، من غیر اخراج شییء... که تماما و کمالا اخذ و قبض گردیده است و صیغه‌ی مصالحه صحیحه‌ی شرعیه کما هو المقرر جاری شد و شرایط صحت و شرعیت در آن مرعی گردید علیهذا... ناحیة مسطورة بتوابعها الشرعیة و لواحقها العرفیة حق صد و ملک طلق مباح شرعی حضرت مستطاب معظم ادام الله اقباله العالی و له التصرف فیها علی طبق... و کان وقوع ذلک فی تاریخ 3 شهر شوال المکرم 1321 یوشاقان ایل»

همچنین وصیت‌نامه‌ی اصلی به صورت کتابچه است که در دسترس نیست و قسمتی از وصیت‌نامه به این شرح است: «... فقط چیزی که مستثنی می‌شود، سه دانگ بلوک جراحی واقع در عربستان و نیم دانگ قریه و جرندق واقعه در قزوین است؛ به این معنا که سه دانگ جراحی را برای مصارف خیرات و مبرات خودم معین کردم و مصارف آن را هم به این ترتیب معمول دادند، مادامی که راه حجاز تمام نشده است، تمام عایدات که مال الاجاره جراحی در... است و این وجه را جناب معزالسلطنه در ماءخذ سالی هزار و چهارصد تومان قهرا نمی‌افزاید اگر خداوند تفضل می‌فرمود تمام حاصل و عایدات آن را بعد از وضع سالی دویست تومان حق تولیت سال به سال مرتبا برسانند که به مصرف راه حجاز برسانند و هر وقتی هم که راه حجاز به اتمام رسید، عایدات آن را به چهار قسمت منقسم دارند بدین شرح که یک قسمت صرف مخارج اطفال و ایتام بی کفیل شود که در مدارس تحصیل بنمایند، مشروط بر آن که علوم و... جدیده را نیز متصدی تحصیل باشند و قسمت دیگر صرف مرضای مسلمین بشود که در مریضخانه باشند و سهم دیگر بالمناصفه صرف تعمیر پل‌هایی که بانی و مالک معلومی ندارد و تسطیح طرق و شوارع صرف شود، در هر نقطه و به هر ترتیبی که اوصیای متن صلاح بدانند و راحت عمومی فراهم شود و هر گاه در یک وقتی که از ارقاب و ارحام من به واسطه‌ی علت مزاج که قادر به کسب معاش نمی‌شوند و مبتلا به فقر و فاقه باشند، آن دو قسمتی که برای تعمیر پل‌ها و تسطیح راه معین می‌شود، به آن‌ها برسانند که معاش نمایند و...». برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مشیر، میرزا احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
از میرزا احمد مشیر یکی از رجال دولت قاجاریه موقوفات زیادی برجای مانده است. وی در دولت قاجاریه مناصب متعددی داشته و وزیر خزانه مظفرالدین شاه بوده است. سرگذشت و یا مناصب وی در بسیاری از آثار دوران قاجار از جمله المآثر و الآثار دیده می‌شود. مرحوم حسین محبوبی اردکانی در تعلیقات المآثر و الآثار درباره وی نوشته است: (1)مشیرالسلطنه، میرزا احمد، برادر میرزا محمودخان مازندرانی مدیرالدوله، که به سعی برادر در 1275 وارد دستگاه عزیزخان مکری شد و چون خوشنویس بود، منشی‌باشی وی گشت. در 1284 که سردار کل، یعنی عزیزخان مکری، به طهران احضار شد، میرزا احمد که با میرزا رضای صدیق‌الدوله... همشهری و دوست بود به وسیله او منشی‌باشی ولیعهد شد... در اواسط 1297 پیشکار ولیعهد شد؛ ولی با ایجاد غائله شیخ عبدالله که او را هم در آن مسؤولیتی بود، مغضوب شد. دوران مغضوبیت او چندان طولی نکشید؛ زیرا داماد میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله شد به خواهر او، و قوام‌الدوله پشتیبان وی گشت و لقب مشیرالسلطنه برای او گرفت و او را حکمران گیلان کرد؛ چه، از وضع آنجا اطلاع داشت و یک سال پیش به ممیزی مالیات بدانجا رفته بود.
دستگاه حاکمه قاجار او را محترم می‌داشتند و پس از مشروطیت هم چهار بار رئیس‌الوزراء و وزیر داخله شد و در کابینه دوم او بود که محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست...
در 1329 که سوار کالسکه از سنگلج می‌گذشت، چند تن از مجاهدین تیری به سوی او انداختند و او مجروح شد و اندکی بعد درگذشت.
وی مردی بود خوش‌خط، ساده‌دل، نسبتا آرام و خیر. مدرسه‌ای در طهران ساخته است با مسجدی. و کتبی به خرج خود نیز چاپ کرده است. یکی از موقوفات او که معرف خوش سلیقگی اوست، موقوفه «عزاب عرب» است که از حاصل آن، همه ساله عده‌ای از جوانان بی‌زن عرب نخاوله را زن بدهند.
ملک موقوفه او، قریه‌ای است در شهریار، و صدراعظم وقت را متولی قرار داده است. (خاطرات و خطرات، چاپ دوم، ص 375)(2).
البته در وقف‌نامه‌هایی که در پی می‌آید، سخنی از موقوفه عزاب عرب به منظور تزویج جوانان عرب نخاوله نیست.

آنچه هست اینکه یک سهم از عواید موقوفه را «به سادات حسینی ساکن مدینه طیبه که معروف به نخاوله‌اند بدهند». به هر حال، وی اموال زیادی وقف کرده و در سال 1318 قمری وقف‌نامه آنها نوشته شده و یکی از علمای بزرگ تهران در آن روزگار، به سال 1318 و 1319 قمری گواهی به صحت وقف داده و آن را تأیید کرده است. آن گاه وقف‌نامه همه موقوفات وی تا آن تاریخ را یحیی بن محمد باقر تفرشی مقب به کاتب همایون استنساخ کرده و در حدود سال 1320 ق در پایان کتاب المعتبر تألیف محقق حلی (قدس سره) (م 676) چاپ سنگی شده است. آنچه در پی می‌آید مشروح موقوفات وی تا تاریخ یاد شده است و دانسته نیست که آیا پس از این هنگام هم وی، مالی را وقف کرده است یا نه؟

مشروح موقوفات میرزا احمد مشیر

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمدلله الواقف علی السرائر و الضمائر و صلی الله علی محمد و آله الأطهار.

اما بعد، چون جناب مستطاب شمس فلک جلالت، و بدر آسمان رفعت و عظمت و نبالت، الأجل الأمجد الأرفع الأفخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (دام مجده العالی) از قدیم و حدیث به شرحی که مسطور می‌شود در محضر مبارک امناء شرع مطاع، چند فقره - به وجه شرعی قربة الی الله و طلبا لمرضاته - املاک ابتیاعی متصرفی خود را بر مصارف مقرره وقف فرموده بوده، محض نشر و جامعیت تمام امر فرمودند که تمام وقف‌نامه‌ها در یک کتابچه تحریر شود که جامع همه نسخ وقف باشد و به این واسطه موقوفات مسطوره محفوظ و در یک مجلد به طور سهل منظور باشد (حسب الأمر اطاعت شد).

صورت وقف سابق به شرح پنج نسخه مسجله به سجلات شریف اجلاء علماء اعلام دارالخلافه طهران (أدام الله ظلهم العالی)

هو الواقف

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین حمدا لا ینبغی الا لرضاه، والصلاة والسلام علی خیر خلقه و أشرف بریته محمد (صلی الله علیه و آله اجمعین) أئمة الهدی و سادات الوری و شفعاء یوم الجزاء.

فبعد، بر الواح صافیه عارجین معارج تحقیق و اعتبار، هویدا و آشکار است که نظر به مضمون بلاغت مشحون «الدنیا مزرعة الاخرة» بر هر مکلفی لازم و متحتم است که به مفاد تبیان معجز بیان آیه وافی هدایت (و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عندالله هو خیرا و أعظم أجرا) (3) برای رستگاری یوم محشر و فزع اکبر از اعمال صالحات ذخیره در نزد پروردگار داشته باشد و بعد از اداء فرائض، وقف املاک و مستغلات از جمله خیرات

جاریه و اشرف طاعات است.
لهذا جناب جلالت مآب، شوکت و جلالت‌نصاب، قواما للمجد و العز و الاقبال، و شمسا لسماء الرفعة و الاجلال، الأجل الأفخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (دام مجده العالی قربة الی الله و طلبا لمرضاته) وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مخلد شرعی اسلامی فرمودند تمامی و همگی کل شش دانگ یک کاروان‌سرای متصرفی خود را و تمام شش دانگ یک باب حمام ملکی مخصوص جدیدالبناء خود را به انضمام یک قطعه زمین که تماما متصلند به یکدیگر واقعه در شهر جدید ناصره در خیابان دروازه‌ی گمرک که محدودند به حدود رابعه ذیل، و فی محله در کمال اشتهار است، با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه آن:
حد شرقا به باغچه و خانه استاد اسمعیل مقنی‌باشی؛ حد غربا به چالحوض حمام بزرگ خود واقف معظم؛ حد جنوبا به خانه آقا سید علی قناد؛ حد شمالا به خانه میرزا محمدعلی نوکر درب اندرون شاه مرحوم.
از حجرات و فضا و طویله و بهاربند و سایر مایتعلق به کاروان‌سرای مزبور و هکذا از بینه و حیاط کرم و تون و مدفع هرزآب و سایر ما یتعلق بها و ینسب الیها آنچه را به املاک مزبوره خواننده و شناسند عرصة و اعیانا بدون استثناء شیئی از آنها مما یسمی تابعا و ملحقا، تمامی را بر مصارف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا (ارواحنا فداه) و سایر ائمه هدی و اولاد و اصحاب ایشان و ذکر مناقب انبیاء خاصه ختم پیغمبران صلی الله علیه و آله و مثالب اعدای ایشان به این طریق که همه ساله آنچه از منابع موقوفه عاید شود اولا تعمیرات عین موقوفه را مقدم دارند که اصلا عین موقوفه مندرس و ضایع و معطل نماند و همیشه دائر و آباد نگاه دارند و آنچه باقی می‌ماند یک عشر حق متولی و ناظر است بالمناصفه بعد از زمان تولیت خود جناب واقف معزی الیه (أطال الله بقاه) و در زمان تولیت خود واقف فقط همان مخارج تعمیرات لازمه عین موقوفه باید اخراج شود لاغیر. و آنچه باقی می‌ماند صرف مطلق مصارف تعزیه‌داری به هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند در هر زمان و هر مکان و هر قسم که به نظر خوش آید و اقرب به ثواب و رضای خداوند متعال باشد از اطعام مجلس تعزیه و چای و غلیان و تدارک آلات و ادوات تعزیه‌داری از پوش(4)و تجیر (5)و پرده و غلیان و فرش و چراغ و هر نحو که مصلحت اقتضا کند و هکذا اجرت روضه‌خوان و انعام به مباشرین و خدام مجلس تعزیه و غیر ما ذکر که صلاح دانند صرف نمایند.
و تولیت، مادام حیات جناب واقف معزی الیه (أدام الله عمره و شوکته) با خود ایشان است و ناظری در زمان تولیت خود ایشان معین نشده، و بعد از ایشان در صورتی که اولادی از ایشان موجود شده باشد، تولیت عین موقوفه با اکبر ارشد ایشان خواهد بود ذکورا أم اناثا با تقدم ذکور بر اناث؛

اگر چه ذکور از اناث باشد، و تقدم بطن اول بر ثانی نسلا بعد نسل و بطنا بعد بطن، با نظارت و صواب‌دید مجتهد جامع‌الشرائط دارالخلافه، و با تعدد مراعات اعلم و اورع نمایند و بدون
استحضار و صواب‌دید ناظر در هر زمان حق مداخله از برای متولی نمی‌باشد.
والعیاذ بالله در صورت فقدان اولاد و انقراض ایشان مطلقا، تولیت مفوض است به شخص اول وزیر اعظم دولت علیه ایران، و در صورتی که وزراء متعدد و لقب صدرات در اشخاص دولت نباشد، هرکس اقرب به سلطان - و مجاری کلیه امور به دست[با] کفایت [او] - و محل مراحم خاصه شاهنشاهی است، او متولی خواهد بود.
و نظارت مفوض است به عالم مجتهد جامع‌الشرائط دارالخلافه طهران دائما و یک عشر حق‌التولیة و حق‌النظارة حق متولی و ناظر است بالمناصفة.
و صیغه وقف جاری و اقباض تولیتی و حکومتی در آن مرعی گردید: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه)(6).
فی 25 شهر جمادی‌الآخرة سنة 1318.
توضیحا مسطور می‌شود که در سابق پنج نسخه وقف‌نامه مزبوره صحیحه به اوراق متعدده مسطوره شده و اجلاء علماء اعلام دارالخلافه که این صحیفه صحیحه را نیز مزین می‌فرمایند مزین فرموده‌اند.
محض انتشار وقفیت و تکرار نسخه و در یک کتابچه جمع شدن جمیع اوقاف و خیرات جناب مستطاب معظم نسخه‌ی ششم وقف‌نامه مزبوره مسطور شد.
صورت التزاماتی که جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای مشیرالسلطنه و وزیر خزانه (دام مجده العالی) به نذور و عهد و یمین در تاریخ 25 شهر جمادی‌الآخرة سنه 1318 در محضر اجلاء علماء اعلام فرموده‌اند و بر خودشان واجب نمودند که عمل فرمایند:
هو الله سبحانه
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمدلله (الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم أیکم أحسن عملا)(7).
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین المعصومین الأنجبین المکرمین
فبعد، چون جناب جلالت‌مآب عمدة الأمناء العظام، قواما للمجد و العز و الاقبال، شمسا لسماء الرفعة و الاجلال، الأجل الأمجد آقا میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (دام اقباله العالی) به توسط استعداد ذاتی تحصیل مقامات عالیه حق‌شناسی فرموده‌اند و عیش ابدی سرمدی ما لا عین رأت و لا أذن سمعت را نصب العین فرموده و به مفاد آیه کریمه (و سارعوا الی مغفرة من ربکم) (8) گوی مساعدت و مسابقت و مسارعت از همگنان ربوده و

همواره در مورد توسل به اهل بیت طهارت (علیهم صلوات الله و سلامه) بذل جهد نموده و پیوسته به میامن مراحم داور و برکات انتساب به خاندان حضرت خیرالبشر (علیه صلوات الملک الاکبر) مؤید به تأییدات و موفق به توفیقات خداوندی گردیده و به شرح نسخ متعدده که مسجله به سجل و مختومه به خاتم شریف علماء اعلام می‌باشد، تمامی کل شش دانگ کاروان‌سرای ملکی خودش و شش دانگ حمام جدیدالبنای ملکی متصرفی خودشان را با قطعه زمینی که متصل است به آنها در خیابان دروازه گمرک دارالخلافه طهران بر مصارف تعزیه‌داری حضرت مولی الکونین ابی‌عبدالله الحسین و اولاد طاهرین و اصحاب او (علیه و علیهم الصلوة و السلام) وقف فرموده‌اند، در این اوقاف نیز خواستند که بر وجه اتم و اکمل در مقام خیرات جاریات که افضل طاعات و عبادات است برآیند تا برکات مستمرا جاری و ساری بوده، در (یوم لا ینفع مال و لا بنون) (9)، ذخیره
روز درماندگی باشد. تمهیدا لهذا المقال با حضور امناء شرع مطاع، بالاراده و الاختیار به نذر و عهد و یمین به وجه شرعی بر خود واجب و لازم فرمودند که معادل مبلغ سی هزار تومان وجه ریال جدیدالضرب یک مثقال وزن، از مال خودشان را ملکی بخرند، یا در املاک متصرفی خودشان معادل وجه را به تصدیق اهل خبرت معین نموده و قیمت کرده، بر مصارف مقرره ذیل به وجه شرعی وقف مؤبد و حبس مخلد فرمایند، و تولیت را با نفس شریف خود قرار دهند و در زمان حیات خود که متولی می‌باشند، محتاج به نظر ناظری نمی‌باشد و بعد از ارتحال خودشان (أطال الله عمره و شوکته) تولیت را تفویض به شخص اول و وزیر اعظم که اقرب به سلطان ایران و مجاری کلیه امور دولت علیه ایران در کف کفایت او باشد نمایند، و نظارت را به عالم و مجتهد جامع‌الشرائط دارالخلافه مفوض فرمایند.
و بعد از وضع مخارج لازمه عین موقوفه، به شرح ذیل، یک عشر از منافع را حق‌التولیة و النظارة قرار بدهند و در صورتی که خودشان اقدام به این عمل نفرمایند، مختارند که وصی تعیین نموده تا اقدام به این عمل کند و تعیین ملکی که معادل با مبلغ مزبور باشد نماید و وقف کند بر مصارف مقرره ذیل، و تولیت را با شخص اول و نظارت را با عالم مجتهد دارالخلافه به ترتیب مزبور فوق قرار بدهد و همه ساله آنچه از منافع عین موقوفه عاید شود اولا، مخارج تعمیرات لازمه عین موقوفه را مقدم داشته که همیشه املاک موقوفه دائر و آباد باشد و ثانیا، یک عشر از بقیه منافع را حق‌التولیة و النظارة منظور نموده که بالمناصفه حق متولی و ناظر باشد و مابقی آنچه می‌شود بیست سهم نموده بالسویة: چهار سهم آن باید در مصارف تعزیه‌داری سیدالشهدا و ائمه هدی و اولاد و اصحاب ایشان و انبیا و اولیا (صلوات الله و سلامه علیهم) و مناقب ایشان و مثالب اعدای ایشان

صرف شود؛ به هر نحو و هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند. در هر زمان و هر مکان به نوع اطلاق که اقرب به صواب و تقرب به ارواح مطهره ائمه أنام (ارواح العالمین لهم الفدا) بوده باشد و شانزده سهم دیگر را به مصارف دوازده قلم ذیل علی حسب تسهیمهم صرف نمایند. و این سهام به همین قسم که نوشته می‌شود، الی‌الابد باید صرف شود و در صورتی که بعضی از این مصارف که مخارج آنها به تدریج بی‌فایده و محتاج کلی باشد [کذا]، از قبیل تعمیر قنوات بایره و مساجد و پل‌ها و طبع کتب علمیه، متولی و ناظر مختار می‌باشند، که این نوع از مصارف را مقدم دارند بر سایر مصارف؛ غیر سهم تعزیه‌داری که همه ساله باید صرف شود و به طور اتم و اکمل صرف در آن مصرف نموده، و مصارف دیگر را تعطیل نمایند و ملاحظه سهام بقیه مصارف را نموده، در سنوات بعد تدارک نمایند تا تعدیل شود و صیغه وقف املاک را در محضر امناء شرع جاری نموده:

دو سهم، در صورتی که در ارحام جناب جلالت‌مآب معزی الیه فقیر و مستحق باشد، به ایشان؛ و الا به مطلق مستحقین داده شود؛

یک سهم، به مصارف روشنایی بقاع ائمه هدی (سلام الله علیهم) صرف نمایند؛ به هر نحو که صلاح دانند؛

یک سهم، مصارف تجهیز اموات مسلمین صرف نمایند؛ به هر طریق که متولی و ناظر هر زمان صلاح دانند؛

یک سهم، به جهت روشنایی و فرش مساجد صرف نمایند؛ در هر محل و هر قسم صلاح دانند؛

یک سهم، به فقراء زوار قبور ائمه انام (سلام الله علیم) بدهند؛ به هر نحو صلاح دانند؛

یک سهم، به سادات حسینی ساکن مدینه‌ی طیبه که معروف به نخاوله‌اند بدهند؛

دو سهم، کتب علمیه از فقه و اصول و تفسیر و حدیث خریده یا اینکه کتاب کثیرالمنفعة به طبع رسانیده، مجانا به اهل علم بدهند؛

سه سهم، در تعمیر پل‌های خراب و مساجد و مدارس که موقوفه ندارند و کاروان‌سراها که در محل عبور مسلمین است یا قنوات وقفی که متولی ندارد صرف نمایند؛

یک سهم، به فقراء سادات بدهند، به هر نحو و هر قسم که متولی و ناظر صلاح دانند؛

یک سهم، به فقرای غیر سادات از اهل علم بدهند، به هر نحو صلاح دانند؛

یک سهم، در ماه مبارک رمضان به جهت قرائت قرآن به قاری از اهل علم بدهند، به جهت اموات؛

یک سهم، در ماه مبارک رمضان خاصه در لیالی قدر، صرف افطار و اطعام

فقراء و محتاجین نمایند؛
به نسخ متعدده نویسانیده که در نهایت وضوح و اشتهار باشد و جناب جلالت‌مآب آقای معزی الیه (أدام الله عمره) تمامی مراتب مزبوره را به صیغه عهد و نذر و یمین بر خود واجب نموده، به ترتیب شریعت مقدسه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که عمل نمایند (وفقه الله لتحصیل مرضاته و التجنب من موجبات سخطه بمحمد و آله الأطهار).
وقع و جری ذلک فی 25 شهر جمادی‌الآخرة سنة 1318.
بسم الله خیر الأسماء
بحمدالله و حسن توفیقه حال تحریر، که یوم چهاردهم شهر صفر الخیر 1318 می‌باشد، با کمال شوکت و جلالت و رفعت و صحت و سلامت مزاج با اعتقاد راسخ، در محضر مبارک امناء شرع، در مقام اتیان به عمل واجب خود به نذر و عهد و یمین برآمدند و تمامی شش دانگ مجاری المیاه دو رشته قنات و شش دانگ اراضی صحرا و تمام باغات و مختصی اربابی و طاحونه‌ی جدید البنای ملکی خودشان را در قریه‌ی وجه‌آباد که از قراء معروفه شهریار است و در سه فرسخ و نیم دارالخلافه تقریبا واقع است و متصرفی خودشان است و فعلا به تصدیق جمعی از اهل خبرت قیمت حالیه قریه مزبوره زیاده از سی هزار تومان وجه عهد و نذر است، به همان ترتیب که به شرح قبالجات معتبره ابتیاع نموده‌اند و چند سال است که در قنوات و آبادی قریه مزبوره و کثرت زراعت و رعیت قریه مزبوره سعی وافی نموده و مخارج کلی متحمل شده‌اند و فعلا در کمال آبادی و از غایت اشتهار مستغنی از تحدید و توصیف می‌باشد، به همان ترتیب که فعلا مالک بودند و متصرف، تمامی را بدون استثناء شیئی از آنها قربة الی الله و طلبا لمرضاته از بابت وجهی که به نذر و عهد یمین بر ایشان واجب شده بود، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد اسلامی نمودند بر مصارف مقرره مفصله در نوشته نذر و عهد که در ورق قبل مسطور شده، که بعد از وضع مصارف لازمه، در زمان تولیت خود جناب واقف معظم (أطال الله بقاه) و در زمان تولیت متولی‌های بعد که در ذیل مسطور می‌شود و مفصلا در نوشته نذر نیز مسطور شده، بعد از مصارف لازمه‌ی عین موقوفه و اخراج یک عشر حق‌التولیة و حق‌النظارة، بقیه‌ی عایدی باید به بیست سهم مساوی قسمت شود و چهار سهم صرف تعزیه‌داری به شرحی که مسطور شده همه ساله باید صرف شود. و شانزده سهم باقی، به همان تفصیل که در ذیل - که در ده قلم در ورق سابق - مسطور شده، صرف نمایند به همان ترتیب و تفصیل که در ورق قبل مسطور شده، و بر طبق آن به نذر و عهد شرعی بر خود واجب نموده بودند، و صیغه وقف جامعة لجمیع شرائط الصحة و الشرعیة جاری، و شرائط صحت و شرعیت از قبض و اقباض تولیی و حکومتی در آن مرعی گردید. و حسب المسطور مادام عمره

(أطال الله بقاه)، تولیت وقف مسطور با خود جناب واقف معظم، و در زمان تولیت خودشان ناظری مقرر نشده، و بعد تولیت وقف راجع است به شخص اول و وزیر اعظم که از همه کس اقرب به أعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران باشد، و در هر زمان به شرح سابق نظارت با مجتهد مسلم دارالخلافه، و در زمان تولیت و نظارت ایشان یک عشر حق‌التولیة مقرر است؛ لکن در زمان تولیت خود واقف معظم حق‌التولیه مقرر نمی‌باشد.
فصارت القریة المزبورة وقفا صحیحا دائما و حبسا مخلدا أبدیا الی أن یرث الله الارض و من علیها.
توضیحا لما رقم اینکه موقوفه مزبوره از حال تحریر لغایت پانزده سال تمام هلالی متوالی مسلوب‌المنفعه وقف شده و حین وقوع‌الوقف جناب مستطاب واقف معظم مالک منافع قریه مزبوره در مدت پانزده سال مزبور نبودند. و بعد وقوع‌الوقف بترتیب [بالترتیب] المسطور مجددا لغرض الصحیح الشرعی منافع پانزده ساله‌ی قریه‌ی مزبوره به وجه شرعی منتقل شد از مالک منفعت به خود جناب واقف معظم (دام اقباله). بنابراین منافع قریه‌ی مزبوره در مدت پانزده سال شمسی که عبارت از برداشت پانزده محصول تمام شتوی و صیفی که از جمله پانزده سال است محصول شتوی و صیفی عایدی هذه‌السنة (سیچقان نیل خیریت تحویل).
اگرچه جناب معظم در هر سالی زیاده از عاید قریه‌ی مزبوره در مصارف خیریه صرف می‌نمایند، منافع پانزده ساله مختص خودشان شد؛ به این ترتیب که به هر نحو بخواهند صرف نمایند، و بالارادة و الاختیار به وجه شرعی انشاء وصیت فرمودند. جناب واقف معظم، که چنان که خدا نخواسته ارتحال ایشان قبل از پانزده سال بشود، وصی شرعی ایشان منافع بقیه مدت پانزده سال قریه‌ی مزبوره را از بابت ثلث استیفا نموده و به همان ترتیب بیست سهم مقرره در وقف همه ساله صرف نماید. و ثواب آن عاید روزگار واقف موصی معظم باشد و بعد از انقضاء مدت پانزده سال جناب واقف معظم بتا باید به وقف مسطور عمل نماید. و بعد از عمر طبیعی ایشان متولی‌های ایشان در زمان بعد به استصواب ناظر باید به وقفیت عمل کنند: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه) (10) و کان وقوع ذلک فی 14 شهر صفر الخیر سنة 1318 مطابق سیچقان ئیل خیریت تحویل.
توضیح ثانی آنکه دو قنات مختصی به خود جناب مستطاب معظم (دام اقباله) در وقف‌نامه مسطور شده از بابت عدم اطلاع محرر این اوراق بوده مخفی نماناد که قنوات قریه‌ی مزبوره پنج رشته است که دو رشته قنات مختص به جناب مستطاب واقف معظم می‌باشد و سه رشته قنات به شرح نوشتجات و اسناد و قبالجات معتبره فیمابین ایشان و رعایای وجه‌آباد

مشترک و آنچه را که جناب مستطاب معظم مختصا و مشترکا در قریه‌ی مزبوره مالک و متصرف بوده‌اند، به وجه شرعی وقف نموده‌اند. بنابراین مجاری المیاه دو رشته قنات مختصی و سهام متصرفی ایشان در سه رشته دیگر تماما وقف است وقفا صحیحا شرعیا بتاریخ فوق.
توضیحا مسطور می‌شود که منافع پانزده ساله موقوفه مسطوره به شرحی که در متن مسطور شده دخلی به وقف ندارد، مختص به خود جناب مستطاب واقف معظم است.
بسم الله الرحمن الرحیم
حبذا، کسانی که به مفاد آیه کریمه (مثل الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله کمثل حبة أنبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء)(11)اموال خود را با کمال رضا و رغبت در راه خداوند سبحان (جلت عظمته) انفاق نمودند و گوی مسابقت ربودند، از یکی از امناء سلاطین راضیه حکایت کنند که آنچه در سال به دست آوردی، در راه خدا به فقراء و مساکین انفاق نمودی. بعضی در نزد شاه او را متلف قلمداد نمودند. روزی سلطان به او فرمودند که اگر آنچه داشتی از برای خود نگاه می‌داشتی بهتر بود، دیگر تو مال را دوست نمی‌داری. عرض نمود: ای پادشاه به حق ذات اقدس خداوند سبحان (جل جلاله) که هیچ کس را حریص‌تر از خود در محبت مال نمی‌دانم و همین محبت است که می‌خواهم آنچه دارم با خود ببرم، نه از برای دیگران بگذارم و با حسرت و ندامت بگذرم. در خبر است که یکی از ازواج پیغمبر خاتم صلی الله علیه و سلم گوسفندی ذبح نموده و به امر آن حضرت در راه خدا انفاق نمود و از برای قوت خودشان یک کتف گوسفند را نگاه داشت خدمت ذی‌سعادت آن حضرت صلی الله علیه و آله عرض نمود: «یا رسول الله باقی نماند از گوسفند نزد من به جز کتف». حضرت فرمود: «نه چنین است تمام از برای ما باقیست به جز کتف».
چون جناب مستطاب اجل اکرم اسعد افخم آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (دام اقباله العالی) استماع فرمودند که جمعی از فقرا و ضعفا و ارامل و ایتام شیعه اثناعشری در اطراف ایران هجرت نمودند در کربلای معلی و نجف اشرف توطن نموده و شبانه روز خود را به زیارت آن قباب مطهره مشغول و مصروف داشته، و در کمال عسرت و تنگدستی می‌گذرانند و متوسلند به آن قباب مطهره و سر رضا و تسلیم بر آستان مقدس نهاده و به جز جان دادن و خاک شدن در آن خاک منظوری ندارند، فتوت و جوانمردی جناب مستطاب معظم رضا نداد که این مردم آزاده و از نعم دنیا چشم پوشیده، به عسرت باشند و خواستند که قربة الی الله و طلبا لمرضاته این صنف از مجاورین شیعه از سادات و غیر سادات، عالم باشند یا غیر عالم الی‌الابد در مال خود بهره و نصیبی از برای ایشان مقرر فرماید که به استمرار همه ساله مدد معاش ایشان برسد و

در (یوم لا ینفع مال و لا بنون)(12)از برای ایشان ذخیره باشد، و همچنین از برای مقبره‌ی خودشان در محلی که معین فرمایند و تدارک کنند تهیه روشنایی و اجرت قاری و خادم و سایر مصارف تعیین فرمایند. لهذا تمامی شش دانگ قریه‌ی الورد را که از قراء معروفه‌ی بلوک شهریار من بلوکات دارالخلافه طهران و از غایت شهرت مستغنی از تحدید و توصیف است و ابتیاعی و متصرفی ایشان است با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه از مجاری المیاه قنوات و روداب و اراضی و صحاری و باغات و انهار و اشجار و قلعه و بیوتات و طواحن و مزارع و مراتع و مرابض و سایر ما یتعلق بها و ینسب الیها را شرعا محل این دو مصرف قرار دادند. و چون بعضی از منظورات، از قبیل تتمیم آبادی و امثال ذلک داشتند، اولا به وجه شرعی، منافع عینیه و حکمیه‌ی پانزده ساله قریه‌ی مزبوره را به غیر منتقل فرمودند و بعد نیم دانگ مشاع از شش دانگ قریه مزبوره را بتوابعها الرعیه بقدر الحصه الشائعة الشرعیة به عقد مصالحه لازمه شرعیه رعایة للمسألة و احتیاطا واگذار فرمودند به حضرت مستطاب شریعت مدار، علامة العلماء العالمین حجةالاسلام و المسلمین رئیس الملة والدین آقای آقا شیخ فضل‌الله النوری (أدام الله ظله العالی) به عوض معین، و ایشان در همان مجلس قربة الی الله و طلبا لمرضاته وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند تمامی نیم دانگ از قریه‌ی مزبوره را بتوابعها الشرعیة بر مصارف مقبره‌ی جناب مستطاب معظم (أطال الله بقاه) از اجرت خادم و قاری و روشنایی مقبره و سایر ملزومات مقبره به هر نوع که متولی هر زمان صلاح بداند، در صورتی که محل دفن ایشان در یکی از مشاهد مشرفه یا بلاد شیعه باشد؛ و در صورتی [که] مدفن العیاذ بالله در محلی باشد که صلاحیت این مصارف در آن نباشد و ممکن نشود بر مصارف معینه که در قف پنج دانگ و نیم بقیه در ذیل مسطور می‌شود، به همان ترتیب صرف نمایند و حسب‌المقرر منافع این نیم دانگ همه ساله بعد از وضع یک عشر حق‌التولیة و حق‌النظارة بعد از وضع مصارف لازمه عین موقوفه، باید صرف شود در مقبره‌ی مسطوره در صورتی که مسطور شد؛ و در صورتی که مدفن در محلی باشد که صلاحیت مقبره نباشد، باید در مصارف فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتام ساکنین نجف اشرف و کربلای معلی بالمناصفة صرف شود به همان ترتیبی که در وقف پنج دانگ و نیم باقی مقرر است. و تولیت و نظارت الی‌الأبد با متولی و ناظر پنج دانگ و نیم مقرر شد. به شرحی که در ذیل مسطور می‌شود، و تا زمان حیات خود جناب مستطاب معظم که واقف پنج دانگ و نیم متولی وقف می‌باشند تولیت این نیم دانگ هم با ایشان است و ناظری در زمان حیات ایشان مقرر نیست. و بعد از ایشان تولیت و نظارت با اشخاصیست که متولی و ناظر می‌باشند در پنج دانگ و نیم. و بعد ذلک جناب مستطاب اجل اکرم

معظم (دام مجده العالی) قربة الی الله و طلبا لمرضاته با تحقق کافه‌ی شرایط صحت و شرعیت، وقف مؤبد صحیح شرعی و
حبس صریح مخلد اسلامی نمود تمامی پنج دانگ و نیم قریه‌ی مسطوره «الورد» ملکی متصرفی خود را با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه آن به شرحی که مسطور شد بر مصارف عموم فقرا و ضعفا و ارامل و ایتام ساکنین نجف اشرف و کربلای معلی اعم از اینکه اهل علم باشند یا عامی، از سادات باشند یا غیر سادات؛ همین قدر که شیعه اثنی‌عشری و فقیر و مجاور باشد موقوف علیهم که محل مصرف خواهند بود؛ به این ترتیب که همه ساله آنچه از موقوفه مسطوره عاید شود اولا، مصارف و تعمیرات لازمه‌ی عین موقوفه را مقدم دارند که همیشه عین موقوفه دائر و آباد باشد، و بعد از آن یک عشر حق‌التولیة و النظارة باید اخراج شود از برای متولی و ناظر که بعد از خود واقف معین می‌شود و در زمان تولیت ایشان ناظری مقرر نشده و حق‌التولیة نیز ندارند. و این یک عشر در طبقات تولیت و نظارت بعد از ایشان بالمناصفه از برای متولی و ناظر که در ذیل معین شده مقرر است. بقیه را آنچه بشود همه ساله متولی و ناظر هر زمان به توسط و صواب‌دید یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف و یک نفر از مجتهدین کربلای معلی بالمناصفه در مصارف فقراء و ضعفاء مجاورین نجف اشرف و کربلای معلی که حالات و صفات ایشان معین باشد صرف نمایند.
بعبارة اخری، عایدی موقوفه مزبوره را - بعد از وضع مصارف لازمه در زمان حیات واقف، و بعد از مصارف لازمه و اخراج یک عشر حق‌التولیة و حق‌النظارة در زمان تولیت بعد از ایشان - دو سهم نموده نصف را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف به فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتام نجف اشرف بدهند و نصف دیگر را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام کربلای معلی به فقراء و ضعفاء و ارامل و ایتام مجاورین کربلای معلی بدهند و در مقدار بسط و کم و کیف در صرف متولی و ناظر هر زمان مختار خواهند بود و با ملاحظه‌ی رعایت الأحوج فالأحوج.
و تولیت وقف مادام حیات واقف با خود ایشان و در زمان حیات ایشان ناظری معین نشده و حق‌التولیة نیز مقرر نشده است. و بعد از ایشان تولیت وقف راجع است به شخص اول و وزیر اعظم که از همه کس اقرب به اعلی حضرت اقدس شاهنشاه ایران باشد و نظارت با یک نفر از مجتهدین مسلم دارالخلافه طهران و یک عشر عایدی موقوفه بعد از مصارف لازمه‌ی عین موقوفه حق این طبقات و متولی و ناظر است. و صیغه وقف جامعة لجمیع شرائط الصحة و حاویة لجمیع مراتب الشرعیه جاری، و شرائط صحت و شرعیت در آن مرعی گردید و قبض و اقباض تولیتی و حکومتی حاصل شد. فصار وقفا صحیحا شرعیا و حبسا دائما ملیا

الی أن یرث الله الأرض و من علیها: (فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه)(13)و کان ذلک الوقف فی 14 شهر صفر الخیر سنة 1318، مطابق سیچقان‌ئیل.
توضیحا مسطور می‌شود چون به شرح مسطور که به آن اولا اشاره شد به واسطه‌ی اغراض صحیح شرعی، قبل از وقف منافع پانزده ساله‌ی قریه‌ی مزبوره - که محصول و عایدی هذه السنة سیچقان ئیل از جمله پانزده سال است - به غیر منتقل شد به وجه شرعی، و بعد از وقوع وقف مجددا منافع پانزده ساله قریه‌ی مزبوره به خود جناب مستطاب اجل اکرم معظم منتقل شد و حسب المسطور، منافع از اول سنبله سنه تنکوزئیل ماضیه تا پانزده سال شمسی که برداشت پانزده محصول تمام باشد و حق خودشان [است] و دخلی به وقف ندارد، به هر مصرف که خودشان بخواهند باید صرف نمایند و بالاراده و الاختیار به وجه شرعی انشاء وصیت فرمودند جناب واقف معظم که چنانچه خدای نخواسته ارتحال و فوت ایشان قبل از پانزده سال مزبور واقع شود، وصی شرعی ایشان منافع بقیه پانزده سال مسطور، آنچه بشود از بابت ثلث ایشان استیفا نموده و به همان ترتیب که در مصارف وقف مقرر شده همه ساله منافع موقوفه را بعد از تعمیرات لازمه دو سهم مساوی نموده، یک سهم را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام نجف اشرف به مجاورین فقیر و ارامل و ایتام و علوی [ظ: علویون] و علویات
نجف اشرف، و سهم دیگر را به توسط یک نفر از مجتهدین عظام کربلای معلی به مجارین مفصله مسطور کربلای معلی بدهند.
امیدوار به فضل خداوند سبحان (جلت عظمته) می‌باشم که همواره واقف معظم در صحت و سلامت و شوکت و جلالت باقی بماند و سال‌های دراز بعد از پانزده سال مسطور خودشان با کمال شوکت منافع موقوفه را به شرح مسطور صرف وقف فرمایند. اللهم آمین آمین آمین یا رب العالمین.
و کان تلک المسطورات فی الرابع عشر شهر صفر الخیر سنة 1318 مطابق سیچقان ئیل. کتبه یوسف الحسینی النیریزی.
هو الله و سبحانه
بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین
الحمدلله الواقف علی ضمائر العباد، الموفق للخیرات الجاریات لیوم المعاد، و المفیض للبرکات التامات الی یوم المیعاد، و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد و آله شفعاء الخلق (یوم یناد المناد).
جواهر زواهر حمد و ستایش بی‌حد و عد که واقفان ملأ اعلی، و ساکنان مساکن بالا از احصاء آن عاجز آیند، نثار بارگاه حضرت حکیمی است (جلت عظمته) که به حکمت کامله‌اش در مدرس تعلیم (و علم ادم الاسماء کلها) (14)ملائکه را کتاب علوم‌شناسان حقایق اشیا بر دامن نهاد و زبان گویای

نفس ناطقه را مفتاح ابواب دانش و هوش مقرر فرمود، تا متعلمین علوم ربانی به مقصد واصلین و مقامات عارفین شتابند و به توسط استعداد تحصیل حق‌شناس و تمهید قواعد بندگی نموده، فواید جلیله و مراتب جمیله علم و عمل را دریابند.
و صلوات زاکیات و تحف تحیات نثار روضه بهیه محبوب حضرت رب العالمین ثمره پیشرس حدیقه‌ی «کنت نبیا و الادم بین الماء و الطین» زبده و خلاصه عالم، مغیث الخلق و غیاث الأمم، سید الرسل و ایضاح السبل، محمد مصطفی (علیه من الصلوات أزکاها و من التحیات أنماها، مادام البحر محیطا و الأرض بسیطا) و نفایس فنون تسلیمات زاکیات بر والی ولایت «من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» الوصی المطهر، الامام المظفر، قسیم الجنة و السقر، الوارد فی شأنه الشریف «علی خیر البشر» و بر آل و اولاد امجاد آن حضرت، که شموع خاندان خیر البشر و مدرس بدیعه [کذا] کلامشان در تنقیح احکام شرایع اسلام نور ساطع، و کتابخانه ایجاد را نسخه‌ی حادی عشر، جوامع آثار رحمت ذوالجلالیه، و فصوص دعائم ارکان دین (علیهم من الصلوة أتحفها مادامت ثواقب النجوم متتالیة و عداة الشهور و متوالیة و لمعات الشمس لامعة).
فبعد، غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آن است که جناب مستطاب، شمس فلک جلالت و بدر آسمان نبالت، الأجل الأفخم الأمجد آقای میرزا احمدخان مشیرالسلطنه و وزیر خزانه مبارکه (أدام الله ظله العالی) بعد از آن که به شرح این دفتر میمون مبلغی خطیر از مال خود را محض رضای خداوند سبحان و توسل به حضرت خاتم الأنبیاء و ائمه‌ی هدی (صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین) در امور خیریه تعزیه‌داری و وجوه بر و صدقات وقف نموده‌اند به ملاحظه این حدیث شریف، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم «من بنی مسجدا فی الدنیا اعطاه الله بکل ذراع منه مسیرة أربعین ألف عام مدینة فی الجنة من ذهب و فضة و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ» (15)و قال الصادق صلوة الله علیه: «من بنی مسجدا کمفحص [؟] قطاة بنی الله له بیتا فی الجنة»(16) در جنب خیابان دروازه گمرک دارالخلافه طهران بنای
مسجد و مدرسه رفیعی فرمودند، و در اندک زمانی به توفیق ربانی و تأیید سبحانی، و عزمی راسخ و همتی عالی آن مکان شریف را روضه رضوان فرمودند. و بعد از انجام و اتمام، جمعی از اجلاء علماء اعلام را در آن مکان رفیع دعوت فرمودند به شرحی که در ذیل مفصلا مسطور می‌شود با تحقق کافه شرایط صحت و شرعیت، اجرای صیغه‌ی وقف فرمودند، و بعد به ترتیبی که مسطور می‌شود رقبات مستغلات مشروحه را نیز از برای مصارف لازمه این بنای شریف و طلاب و سکنه‌ی آن بر وجه صحیح شرعی

وقف فرمودند.
ای خداوند قادر رؤف [رئوف] عطوف، که به رحمت واسعه‌ات در سن شیخوخیت و ضعف، حضرت اسحاق علیه‌السلام را به حضرت خلیل عطا فرمودی، و بعد از وهن عظیم و اشتعال رأس از پیری، چون زکریا مسألت نمود که (فهب لی من لدنک ولیا - یرثنی و یرث من ال یعقوب و اجعله رب رضیا) (17) مسألت آن حضرت را اجابت فرمودی و حضرت یحیی علیه‌السلام را به او کرامت فرمودی از قدرت شامله‌ات مسألت داریم که ولی و وارث ذکور عالم و متقی به این بنده مطیع جواد خود عطا فرمایی و چشم او را به آن ولد روشن کنی، تا ولی و وارث او باشد و به امورات خیرات و صدقات او بعد از او رسیدگی بنماید ! آمین یا رب العالمین بمنه سبحانه و تعالی. به تاریخ یوم هفتم شهر شوال المکرم 1318 یکهزار و سیصد و هیجده هجری مطابق سیچقان‌ئیل ترکی...
به مبارکی و میمنت، علماء اعلام (أدام الله ظلهم العالی) در مسجد و مدرسه میمونه مبارکه که مسمی به «مسجد اقصی» فرموده‌اند بعد از اتمام بنای مسجد و مدرسه با ملاحظه‌ی کمال صحت و احتیاطات شرعیه، وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صریح مخلد فرمودند به وکالت شفاهیه حضوریه از جانب جناب واقف معظم (أطال الله بقائه) قربة الی الله سبحانه تمامی مسجد و مدرسه مبارکه مستغلات مسطوره‌ی مفصله را، شرح وقف مسجد و مدرسه و مستغلات و تقسیم منافع بر موقوفه موقوف علیهم و شرح تولیت در ضمن چهارده فصل مسطور می‌شود. ان‌شاءالله تعالی.
فصل اول: مسجد معین است در شبستان، و ماهتابی روی مسجد و کفش‌کن‌های شبستان و ماهتابی و طاقچه‌ها که به جهت کفش و غیره معین شده، خارج از عنوان مسجدیت می‌باشد در عقد علی حده وقف شد که هر نوع تصرف در آنها بشود محذورات مسجدی در آنها نباشد؛ فقط همان شبستان و ماهتابی مسجد است و همچنین کتابخانه مدرسه که در فوقانی شبستان واقع است، وقفیت آن جزء مدرسه و خارج از احکام مسجد می‌باشد.
فصل دوم: مدرسه مشتمل است بر نه حجره و یک کتابخانه، که در فوقانی شبستان بنا شده، فضا و حوض وسط و ایوان‌ها و حجرات و دالان و حیاط متصله به مدرسه که به جهت مدرس بنا شده، بالوعه و سایر مضافات و مرافق مدرسه تمام آنها وقف شده بر وجه صحیح شرعی به عنوان مدرسه به شرایطی که در ضمن فصول آتیه مسطور می‌شود.
فصل سیم: شرایط سکون طلاب. در مدرسه حجره که جنب ایوان و طرف دیگرش سرپوشیده است باید مدرس و یک نفر طلبه که با مدرس مأنوس باشد در آنجا بیشتر منزل ندهند و در هر اطاق دو نفر طلبه که اقل مقام

علمی ایشان درس مطول و معالم باشد، به تعیین متولی و ناظر باید ساکن باشد؛ و چنانچه طلبه‌ی فاضل محترمی باشد که شأن او اقتضا کند که مخصوصا یک حجره‌ی مختصی داشته باشد، متولی و ناظر حق دارند که به او یک حجره بدهند و در هر حجره مقرر شد در وقف که زیاده از یک شاگرد نگاه ندارند.
فصل چهارم: در شرایط سکون طلاب در مدرسه مبارکه که طلبه باید متقی و طالب علم و مشغول به تحصیل علوم حقه شرعیه و بالغ و عاقل باشد و جمعی که خود را به شکل طلاب می‌نمایند و شغلشان تعلیم در خانه‌های مردم یا روضه‌خوانی
یا وکالت است و غالبا اوقاف خود را به رفتن مجالس فاتحه و یا روضه و عروسی خانه‌ها و جمع کتب فارسی از شعر و لهو و لعب و هرزگی مصروف می‌دارند و غالبا مصدر شرور و مفسده می‌باشند؛ سکون امثال این جماعت در مدرسه میمونه حرام و خلاف شرع مقدس است و در صورتی که اشتباها از این قبیل مردم را به مدرسه منزل داده باشند بعد از تبین احوال، متولی و ناظر حق دارند که او را معجلا از مدرسه اخراج نمایند که سکون حرام است.
فصل پنجم: در شرط تعطیل. طلبه تا چهل روز در ایام سال حق تعطیل دارد از برای رفتن به وطن و دیدن ارحام و ارقاب و گردش به اذن متولی و ناظر، مگر در سفر حج و زیارات مراقد منوره ائمه انام علیهم‌السلام در عراق عرب و ارض اقدس که در این صورت به اذن متولی و ناظر بعد از معاودت از سفر، حق عود به حجره‌ی خود دارد و زمان غیبت او نایبی در حجره به جای او باید تعیین شود که حق تحصیل در مدرسه تعطیل نشود. و در صورتی که چهل روز بگذرد و طلبه‌ای که حق تعطیل او چهل روز بوده، معاودت نموده باشد، سکون او باید در مدرسه به اذن جدید متولی و ناظر باشد.
فصل ششم: در تکلیف ساکنین مدرسه. هر طلبه که در مدرسه ساکن است در هر شبانه روزی حسب‌الشرط فی صحة سکونه باید یک حزب از قرآن مجید تلاوت نموده، ثواب آن را هدیه نماید از برای واقف معظم و والدین او، و همچنین امام مسجد و مدرس حسب‌الشرط در هر شبانه روزی یک حزب قرآن را تلاوت نموده، ثواب آن را از برای واقف و والدین او هدیه نمایند.
فصل هفتم: در امتحان طلاب. متولی و ناظر حق دارند که در هر سال یک مرتبه با حضور متعلمین و رؤسای هر علمی طلاب مدرسه را امتحان نمایند و ترقی ایشان را در علوم مدونه در مدرسه بسنجند. بعد از رسیدگی، در صورتی متولی و ناظر که مورث تشویق دیگران باشد و به شرحی که در فصل سیزدهم مسطور می‌شود، سهمی از برای عطایا در

موقوفه معین شده و قدر آن به نظر متولی و ناظر است نسبت به اشخاص و ترقیات ایشان در علم، و بدیهی است که کسی که یک سال تحصیل نماید و ترقی نکرده باشد، موقوفه مدرسه بر او حرام و باید از مدرسه اخراج شود؛ چه خوش گفته افصح الشعراء سعدی که «بیت‌المال حق مساکین است، نه لقمه‌ی اخوان شیاطین».

فصل هشتم: در تکالیف مدرس است. مدرس که متولی و ناظر معین می‌فرمایند اولا، باید در خانه‌ای که در جنب مدرسه بنا شده، ساکن باشد و همه روزه سوای پنجشنبه و جمعه و اعیاد و ایام قتل، به طوری که معمول است، دو مجلس درس به جهت طلاب داشته باشد؛ و با کمال خوش‌احوالی و خوش‌سلوکی با طلاب اظهار مهربانی نماید که مورث تشویق ایشان باشد؛ و در صورتی که اظهار اشتباه خود کنند، رفع اشتباه ایشان نماید و به شرح مسطور در فصل ششم در هر شبانه روزی باید یک حزب قرآن تلاوت نماید.

فصل نهم: در تکالیف امام جماعت است. در مسجد، امام جماعتی را که متولی و ناظر معین می‌فرمایند، باید در تمام فصول سه وقت را در هر شبانه روز در مسجد حاضر باشد و ساعی باشد که نماز در زمان فضیلت کرده شود که مورث خیر دنیا و آخرت و رضای شارع مقدس صلوات الله علیه است. و به شرح مذکور در فصل ششم در هر شبانه روز در مسجد باید یک حزب قرآن تلاوت نموده، ثواب آن را برای واقف و والدین او هدیه نماید.

فصل دهم: در تکالیف مؤذن است. شرط در مؤذن، خوشی و صافی صوت و جهر در اذان و مناجات است. بعد از آنکه متولی به این وصف تعیین مؤذن نموده، باید مؤذن نیم ساعت قبل از صبح در مسجد حاضر باشد و به صوت اعلامی قدری مناجات نموده بعد از دخول وقت اذان بگوید. و همچنین اول ظهر و مغرب اذان بگوید و مواظب جماعت و رفاه حال و قضاء حوائج مؤمنین باشد؛ از قبیل آب دادن به ایشان و مهر دادن و صفوف را مستقیم نمودن و امثال ذلک.

فصل یازدهم: در تکالیف خادم است. خادم که تعیین می‌شود باید همواره مواظب نظافت و پاکیزگی مسجد باشد و امین و متدین و پرهیزگار و مسأله‌دان باشد و چراغ‌های مسجد و مدرسه را همیشه پاک و تمیز نگاه دارد و تمیز نگاه داشتن چراغ در حجرات دخلی به او ندارد با خود طلاب است؛ لکن چراغ‌های شبستان و ماهتابی و حیاط مدرسه و دالان و بالوعه، با خادم است. و در غیر اوقات جماعت مسجد را از دخول مجانین و اطفال غیرممیز و مردمان مغشوش حفظ کند، و کمال مواظبت از مؤمنین و خدمات ایشان و حفظ اسباب که با خود داشته باشند و کفش آنها بنماید.

فصل دوازدهم: در ذکر املاک و مستغلاتی است که به وجه شرعی وقف

شده و منافع آنها، به ترتیب فصل سیزدهم که مسطور می‌شود، باید همه ساله صرف شود و در مسجد و مدرسه بعد از آنچه استثنا می‌شود از آنها.
همگی و تمامی بیست و دو باب دکاکین واقعه در دارالمرز رشت مقابل دارالحکومه، به انضمام شش بالاخانه که روی دکاکین بنا شده، با جمیع ملحقات شرعیه آنها عرصة و اعیانا تماما، وقف شد به وجه شرعی؛ به این ترتیب که همه ساله متولی و ناظر موقوفه باید اولا، از منافع موقوفه دویست تومان استیفا نمایند و یکصد تومان آن را در مسجد مرحوم خلد مقام ملاذالاسلام حاج ملا رفیع شریعتمدار (أعلی الله مقامه) که در رشت معروف است صرف تعزیه‌داری نمایند، به هر نحو که صلاح دانند و یکصد تومان دیگر را در نزد امینی در دارالمرز رشت حبس نمایند از برای تعمیرات لازمه از قبیل حرق و خرابی دکاکین که این وجه موجود باشد. چنانچه خدا نخواسته احتراقی یا خرابی روی دهد وجه موجود از برای تعمیر باشد
که معجلا تعمیر نمایند و امر موقوفه تعطیل نشود؛ و در صورتی که وجه مزبور کفایت نکند، متولی و ناظر حق دارند از خارج قرض نموده به قدر تعمیر. بعد اصل و فرع وجه استقراضی را در سنوات بعد از این یکصد تومان بدهند و آنچه بعد از دویست تومان باقی می‌ماند، جزء موقوفه مسجد و مدرسه میمونه است که در فصول آتیه مسطور می‌شود منضما با عایدی سایر موقوفه بعد از وضع موضوعات.
تمامی و همگی کل شش دانگ کاروان‌سرا و دو باب حمام مردانه و زنانه و قطعه زمین متصله به آنها که حمام‌ها را خود واقف معظم بنا نموده و شرح وقف آن در اول این کتاب در صفحه‌ی دویم [دوم] و سویم [سوم] و چهارم مسطور شده که منافع همه ساله‌ی آنها باید ضمیمه‌ی موقوفه مسجد و مدرسه و در همین مکان شریف صرف تعزیه‌داری شود، بعد از وضع حق‌التولیه و حق‌النظاره و تعمیرات لازمه، به شرحی که در صفحات ثلاثه اول کتاب مسطور شد.
تمامی شش دانگ نه باب دکان و یک باب قهوه‌خانه و باغچه متصله به قهوه‌خانه که متصله به مسجد و مدرسه است و غربا متصله به باغچه کربلایی علی محمد گروسی، و جهت جنوبی آنها خیابان دولتی دروازه گمرک دارالخلافه است، و حد شمالی به کارخانه‌ی بلورسازی، و سمت شرقی مسجد و مدرسه است، با جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرعیه آنها عرصة و أعیانا من المرر و المدخل و المجری بدون استثناء شیء از آنها که تماما وقف شد بر مصارف مسجد و مدرسه میمونه‌ی مزبوره بعد از وضع حق‌التولیه و حق‌النظاره و تعمیرات لازمه به شرح فصول آتیه.
فصل سیزدهم: در وضع تقسیم منافع موقوفه مسطوره است.

حسب‌المقرر آنچه در سال از منافع موقوفه عاید شود اولا، باید یک عشر حق‌التولیة و حق‌النظاره اخراج شود که بالمناصفه بین متولی و ناظر تقسیم شود، و خود جناب واقف معظم را در زمان تولیت حقی در عایدی موقوفه نمی‌باشد و در زمان ناظری معین نشده، امر با خودشان می‌باشد. بعد از وضع عشر، تعمیرات لازمه مقدم است که باید عین موقوفه همیشه دائر و آباد باشد و ازاله برف مسجد و مدرسه جزء تعمیرات است و تعمیرات لازمه مستغلات دارالمرز رشت جزء همان یکصد تومانی است که در هر سال از بابت تعمیر موضوع می‌شود و همان کفایت می‌کند که از برای تعمیرات به ترتیبی که مسطور شد. بعد از مصارف تعمیرات لازمه، عایدی موقوفه آنچه باقی می‌ماند حسب‌المقرر فی الوقف باید یکصد سهم مساوی شود، و حقوق هریک از موقوف علیم به ترتیبی که مسطور می‌شود [از] این یکصد سهم توزیع و تقسیم می‌شود در آن مصارف، که بدون تعطیل باید داده و صرف شود و دفتری باید مهیا شود و مباشر موقوفه همه ساله جمع و خرج موقوفه را بنویسد: اولا عشر حق‌التولیة و النظاره را از جمع عایدی موضوع نماید. بعد مصارف تعمیرات لازمه را معین نموده، اخراج کند. و باقی را یکصد سهم نموده، به شرح مسطور بین موقوف علیهم تقسیم و صرف نمایند و خداوند سبحان (جلت عظمته) را حاضر و ناظر دانسته از قرارداد واقف تخلف ننماید.

صورت تقسیم یکصد سهم منافع مسطوره به ترتیب شرح ذیل است:

سی و هشت سهم، در نه حجره موجوده در مدرسه هر حجره چهار سهم و نیم حق دو نفر طلبه‌ی ساکن در آن حجره است که حق هر طلبه دو سهم و ربع می‌شود، مگر مدرس که همان فقط حق یک نفر طلبه که با مدرس هم حجره است باید دو سهم و ربع از اطاق به جهت حق آن طلبه داده شود و حق مدرس علی حده منظور می‌شود.

سه سهم، حق چهارده چراغ مدرسه که در هر حجره و کتابخانه یک چراغ، و در صحن مدرسه دو چراغ، و در مطبخ یک چراغ و در بالوعه یک چراغ، و از بابت قیمت جاروب و پارو به جهت مدرسه.

هفت سهم و نیم، حق‌الامامة؛

هفت سهم و نیم، حق‌التدریس؛

چهار سهم، حق کتابدار که حجره‌اش بالای شبستانست؛

دو سهم و نیم، حق خادم مسجد؛

دو سهم و نیم، حق خادم مدرسه؛

دو سهم، به جهت حصیر و چراغ مسجد؛

سه سهم، از برای خریدن کتب علمیه و تعمیرات کتب مدرسه که موقوفه باشد و وظیفه کتابدار آن است که باید مهر نشانی داشته باشد که کتب موقوفه را مهر نماید و دفتری داشته باشد که کتب موقوفه را با آنچه در

هر سال زیاد می‌شود، ثبت و ضبط نماید در آن دفتر که کتب موقوفه از میان نرود و حفظ و حراست نماید؛
هفت سهم، حق واعظ ماه مبارک رمضان و اجرت راثی در محرم؛
سه سهم، اجرت رخت‌شویی طلاب و صرف دوا و غذای طلاب؛
دو سهم، از برای عطایای متولی و ناظر به طلاب کارکن با ترقی بعد از امتحان دادن به جهت تشویق به اختیار متولی و ناظر در کم و کیف و مقدار؛
هیجده سهم، از برای اطعام مجلس روضه‌خوانی در ده شب در ایام محرم و صفر هر دهه که متولی و ناظر صلاح دانند و تعیین فرمایند و چای و قهوه و غلیان و چراغ و أجرت راثی و امثال ذلک به نظر متولی و ناظر.
فصل چهاردهم: در تعیین متولی و ناظر است. تولیت موقوفه مزبوره در زمان حیات واقف معظم (أطال الله بقاه) با خودشان، و در زمان تولیت خودشان ناظری مقرر نشده و حق‌التولیه نیز مقرر نمی‌باشد. و بعد از ایشان در صورتی که اولادی با تقدم بطن اول بر بطن ثانی و نظارت با مجتهد جامع‌الشرایط دارالخلافه است با مراعات اعلم و اورع، و با فقدان اولاد مطلقا، تولیت مفوض است به شخص اول و وزیر اعظم دولت علیه ایران. و در صورتی که وزراء متعدد باشند و لقب صدارت در اشخاص دولت نباشد، هریک از وزراء که اقرب به سلطان، و مجاری کلیه امور به دست او باشد، و محل مراحم مخصوصه پادشاه باشد تولیت موقوفه مزبوره با ایشان، و نظارت مفوض است به عالم مجتهد دارالخلافه، و یک عشر عایدی موقوفه حق‌التولیه و حق‌النظاره است که فیمابین متولی و ناظر بالمناصفه باید تقسیم شود. و صیغه وقف جامعة لجمیع شرایط الصحة جاری شد، و قبض و اقباض و تسلیم و تسلم در آن مرعی گردید و بعد از اجرای صیغه شرعیه به مبارکی و میمنت به عنوان مسجدیت در مسجد میمونه‌ی اقصی به جماعت نماز گزارده شد. امید است که خیر دنیا و آخرت از برای جناب متولی معظم (دام اقباله العالی) حاصل باشد.
توضیحا مرقوم می‌شود که دو باب حمام مردانه و زنانه و کاروان‌سرا و قطعه زمینی متصله به آنها که در قرب مدرسه واقع است به شرحی که در اول این کتاب مستطاب مسطور شده، سابقا وقف شده بود بر مطلق تعزیه‌داری در هر جا و هر محل و هر زمان که متولی صلاح بدانند. چون مسجد و مدرسه میمونه بعد بنا شده و مقرر شد که در این محل تعزیه‌داری بشود، هیجده سهم از یکصد سهم از برای مصارف طعام و غیره مقرر شد، و هفت سهم از برای اجرت واعظ ماه مبارک رمضان و اجرت روضه‌خوان‌ها مقرر شد که جمعا بیست و پنج سهم که ربع یکصد سهم است باید صرف تعزیه‌داری بشود. جناب مستطاب اجل عالی متولی معظم حسب‌التولیه الشرعی مقرر فرموده که عایدی کاروان‌سرا و حمام‌ها و

قطعه زمینی که وقف فرموده بودند سابقا بر تعزیه‌داری، در
جزء این بیست و پنج سهم صرف شود، و با وجود آنکه فعلا عایدی آنها مقابلی ندارد تا نصف بیست و پنج سهم بقیه را با بیست و پنج سهم آنچه باقی دارد، از مستغلات موقوفه اضافه نمایند که بیست و پنج سهم کامل شود. و محل تعزیه‌داری در مدرسه مزبوره باشد. چون تعیین محل تعزیه‌داری با متولی بود، محل تعزیه‌داری در این محل مزبوره میمونه مقرر فرمودند که به طور اکمل و اوفی تعزیه‌داری در مدرسه مبارکه همه ساله مقرر باشد.
و کان وقوع ذلک فی هفتم شهر شوال المکرم من شهور سنه هزار و سیصد و هیجده 1318 (غشیح) مطابق با سال سیچقان ترکی.
تمت بالخیر تقبل الله السمیع العلیم.
کتبه العبد المذنب العاصی یحیی بن محمد بن محمدباقر التفرشی الملقب بکاتب همایون.
الحمدلله اولا و آخرا و ظاهرا و باطنا فی شهر ذیحجة سنة 1318. پی نوشت: 1- نویسنده محترم جهت سهولت در خواندن وقف‌نامه، برخی واژه‌ها مثل بخاندان، اینطریق را به شکل به خاندان، این طریق، آورده است و متن را آزادانه نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی کرده است.
2- چهل سال تاریخ ایران، ج دوم، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار. به کوشش ایرج افشار، ج اول، تهران، اساطیر، 1368 ش.
3- مزمل (73)، آیه 20.
4- پوش: خیمه، چادر، خرگاه... (فرهنگ معین).
5- تجیر: حصیر نیی که دور محوطه نصب کنند. (فرهنگ معین).
6- بقره (2)، آیه 181.
7- ملک (67)، آیه 2.
8- آل عمران (3)، آیه 133.
9- شعراء (26)، آیه 88.
10- بقره (2)، آیه 181.
11- بقره (2)، آیه 261.
12- شعراء (26)، آیه 88.
13- بقره (2)، آیه 181.
14- بقره (2)، آیه 31.
15- بحارالأنوار، ج 81، ص 368، از ثواب اعمال، ص 258.
16- بحارالأنوار، ج 81، ص 11، از محاسن برقی.
17- مریم (19)، 5 و 6.
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

معمار، محمد کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آپارتمان دویکا
این آپارتمان در سال 1998 از سوی مرحوم محمد کاظم معمار وقف حسینیه شده است مساحت این آپارتمان 70 مترمربع واقع در منطقه‌ی دویکای شهر پونا بوده و در حال حاضر در اجاره‌ی مستأجرین است و درآمد آن، که باز به علت قدمت سکونت مستأجرین اجاره‌ی ناچیزی دارد صرف امور خیریه‌ی حسینیه می‌شود. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

مؤمن استرآبادی، حاج میر محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قبرستان ایرانیان
این قبرستان در منطقه‌ی سلطان شاهی حیدر آباد قرار دارد 400 سال پیش از طرف مرحوم حاج میر محمد مؤمن استرآبادی وقف شده است. به هنگام وقف، قبرستان وسعت بسیار زیادی داشت ولی به مرور زمان هندوها زمینهای آن را تصرف کردند و به نحوی که در حال حاضر 20,000 متر مربع باقی مانده است.
اعضای تولیت این قبرستان عبارتند از سید رضا حسن آزاد، سید علی موسوی، میر عنایت باقری و سید حامد حسینی جعفری. برگرفته از کتاب پایگاه راسخون:

میرزا عماد الدوله، امامقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
وقف نامه مسجد و مدرسه علمیه امام صادق کرمانشاه (عماد الدوله سابق) درآمد مسجد و مدرسه امام صادق (ع) از بناهای دوران قاجاریه به دستور عماد الدله و الی کرمانشاه در مرکز شهر و در نزدیکی مسجد جامع کرمانشاه ساخته شده و پیش از این باه نام مسحجد و مدرسه‌ی عماد الدوله معروف بوده است. مدرسه دارای دو صحن می‌باشد، در صحن بزرگ، مسجد و حجرات مدرسه که تعداد آنها ده حجره است قرار دار. اتاقهای دیگری به دفتر مدرسه، دفتر امور وقفی مدرسه و.... اختصاص داده شده است. محل کتابخانه، و مدرسه هر کدام جای ویژه دارند. در صحن بزرگ که مساحتی حدود 1600 متر رار دارا می‌باشد بعد از جنگ تحمیلی پناهگاهی ساخته شده است.
اما صحن کوچک که مساحتی بیش از 150 متر مربع دارد، دارای تعدادی اتاق استکه با نظر مساعد مسؤول امور وقفی مدرسه، امام جماعت مسجد و برخی دیگر همراه خانواده در آنجا اسکان یافته‌اند.
در حال حاضر یک درب چوبی بزرگ دو لنگه‌ای بر درب مدرسه قرار دارد که بنار بر مشهور، متعلق به بارگاه حضرت علی (ع) بوده که در ان زمان به توجه ساختن دربی دیگر این درب را از نجف به کرمانشاه منتقل کنند؛ و این شعر که بر ایوان مسجد نگاشته شده دلالت بر این مطلب دارد.
«درگه شاه نجف کش از شرف»
آسمان بر آستان آرد نماز
امروزه ین درب محلی برای زیارت بسیاری از اهالی کرمانشه درآمده به گونه‌ای که برای رفع حوائج خویش بعضا قفلهایی را بر درب گذاشته و پس از بر آمدن حاجت آن را می‌گشایند و در آنجا شمع روشن می‌سازند!
نکته دیگر در باب مدرسه سات بزرگی است که بر روی تنها گلدسته صحن بزرگ قرار دارد. این ساعت که در گذشته سالم بوده، با توجه به صدای پاندول و در بلندی قرار گرفتن آن و نزدیکی به مسجد جامع شهر اهمتی ویژه‌ای داشته و مردم شهر بدینطریق از اوقات شرعی آگاه می‌شده‌اند.
عماد الدوله
امامقلی میرزا عماد الدوله پسر ششم محمد علی میرزای دولت شاه، پسر فتحعلی شاه در حدود سال 1230 ه.ق متولد شد. در سال 1268 ه. ق بحکومت کرمانشاه منصوب و در سال 1269 ه. ق ملقب به عماد

الدوله شد. در سال 1275 ه. ق که حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه شد، به عماد الدوله واگذار گردید. در سال 1276 ه. ق حکومت لرستان ضمیمه خوزستان شد، ولی بار دیگر در سال 1280 ه. ق حکومت لرستان ضمیمه حکومت کرمانشاه نهاوند شده و به عماد الدوله واگذار گردید.
عماد الدوله در سال 1290 ه. ق در سفر اول ناصر الدین شاه به اروپا از همراهان شاه بود. ناصر الیدن شاه در همین سال بعد از سفر اروپا عماد الدوله را به وزارت دادگستری برگزید و تا اوائیل سا 1291 ه. ق در سمت مزبور
باقی بود. در این سال به سمت حکومت کرمانشاه و کردستان منصوب گردید و در این سمت، خودش در کرمانشاه اقامت داشت تا اینکه سرانجام در سال 1292 ه. ق در گذشت (1).
شعری که بر ایوان مسجد نصب گردیده چنین است:
در زمان خسرو گیتی ستان
داور دین پرور دشمن گداز
ناصر الدین شه که صیت (2) عدل او
شهره آمد در حجاز و در تراز (3).
آنکه در درگاه جمشیدش غلام
آنکه در خرگاه محمودش ایاز
ظلم در زندان قهرش پایبند
عدل در دوران مهرش سرافراز
در همه شهری ز فیض عدل او
گلشن شرع نبی در اهتزاز
وز عماد الدوله کرمانشاه را
شد ز هر شهری فزونتر امتیاز
بس بنای خیر از او بر جای ماند
پایدارش باد بخت و عمر ساز
درگه شاه نجف کش از شرف
آسمان بر آستان آرد نماز
شد عبادتخانه اهل زمین
سوده در سریر درگهش اهل نیاز
چون بنا کرد این عبادتخانه را
تا شود راه حقیقت از مجاز
خامه‌ی بیدل بتاریخش نگاشت
وز تکلیف جسته وی در احتراز
در هزار و دو صد و هشتاد و پنج (1285)

این در رحمت به عالم گشت باز متن وقفنامه بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی وقف کل حامد موقف العجز عن اداء تحتمیده و کل لسان کل شاکر عن الاتیان بشکر احسانه و تمجیده؛ نحمده علی ما أیدنا بازاعة أنواع الخیرات و نشکر علی ما وفقنا باشاعة أقسام المبرات و نصلی و نسلم علی من خلق لوجوده الأرضین و السموات و آله الذین هم وسایل النجات فی مواقف العرصات بعد الحمد و الصلوة.
غرض از تحریر مشک تأثیر بصارت تفسیر این کلمات شرعیة الدلالات نتیجة المبانی و باعث بر تزیین این فقرات واضحه البینات صحیحة الالفاظ و المعانی آن است که چون در این سراچه‌ی فانی که در حقیقت خوانی است مشتمل بر دو باب و دخول از بابی را مستلزم است خروج از دیگر باب. پس بر هر ماده بصیر لازم است زمان قلیل توقف در آن را غنیمت دانسته بمقتضای «و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله» (4) از مزارع و منافع آن منتفع گردد؛ لذا برخی از توفیقات حضرت سبحانی و بعضی از تأییدات نامتناهی یزدانی شامل حال نیکو منوال ناب مستطاب جناب سپهر رکاب عظمت و حشمت جلالت انتساب فروزان اختر برج دولت و جهان داری و درخشان گوهر درج شوکت و کامکاری، سلاله‌ی دودمان سلطنت و تاجداری و نقاوه خاندان خلافت و شهریاری، صاحب اختیار سرحدات عراقین عرب وعجم، منبع الجود و المجد و الفضل و الکرم، شاهزاده و الاتبار کامکار گردون وقار با اقتدار، سر کار عماد الدوله امامقلی میرزا دامت شوکة الوالا در حالت صحت بدن در کمال شعور و عقل و اختیار من غیر شائبة الاکراه و الاجبار، وقف مؤبد صحیح شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمودند همگی و تمامی اعیان مملوکه کل ششدانگ کاروانسرایبزرگ احداثی خود و کل ششدانگ بازار و دکاکین قیصریه‌ی ایضا احداثی خود و کل ششدانگ تیمچه واقعه در چهار سوق ایضا احداث خود و کل ششدانگ دکاکین واقعه در دو دالان جنب مسجد احداثی خود را که آنها از حیث اشتهار مستغنی از تحدید و توصیف است و اعیان مملوکه کل ششدانگ الان و حجرات و دکغاکین متعلقه آنها را بلااستثناء شیء منها و آلات و ادوات قدیمه و جدیده و چشمه‌ی طاهر در آنها و کامنه مخفیه در اساس و بنیان آنها را کائنتا من کانت و هکذا حب شرعی و اسلامی ساختند محل آنها را و سایر متعلقات آنها را از مخارج و مداخل و مجاری میاه و سایر اراضی متعلقه بآنها و اعیان وقفیه‌ی مال الاصل آنها را در مدت اجاره که نواب واقف و حابس معظم الیه قه عقد شرعی اجاره نموده از قرار اجاره‌نامه علی حده شرعیه از وکیل متولی موقوفات دار الدوله و مستحق استیفای منافع آنها شده‌اند بر جهات و مصارف مقدره که بعد قلیم مفصلا می‌شود که متولی و ناظر آتی ذکر هما منافع عایده از آنها و غبطهه مترتبه بر آنها را بنفسهما او وکیلهما به حیطه‌ی

ضبط و حوزه‌ی جمع در آورد.
در هر ماه یا هر سه ماه یا هر ششماه یا آخر سال؛ اولا مخارج تعمیرات کلیه و اصلاح معایت و تعمیرات مسجد و درسه و حجرات مدرسه و اعیان موقوفه آنها مقدم داشته و هکذا در ثورت تطرق و هدم و حرمان را بر بعضی از ابنیه او اغلبها را مقدم داشته و هکذا تقدم مخارج دیوانی و عوارض آنها را در صورت عوارض ومطالبه دیوانیان منظور داشته و هکذا مال الاجاره اراضی و اعیان موقوفه اعیان وقفیه مسجد و مدرسه را نیز مدقم مدانسته که وکیل متولی موقوفات داده که به نجف اشرف برساند؛ و بعد از اخراج کل ذلک، بقیه منافع عاید را متولی و ناظر آتی ذکرهما منقسم و منسهم به یک هزار سهم قسمت نموده و به هریک از موقوف علیهم مفصله در ذیل از قرار تفصیل ذیل برسانند، الی ان یرث الله الارض و من علیها و الله خیر الوارثین.
تولیت وقف و حبس مزبورین را متولی حاکم عدالت شعار بلد یکصد و پنجاه سهم
ناظر اکبر اولاد ذکور دویست سهم
امام جماعت مسجد هفتاد سهم
مدرس مدرسه شصت سهم
طلاب ده حجر مدرسه هر حجره پانزده سهم، یکصد و پنجاه سهم
روضه خوان مسجد سی سهم
مؤذن مسجد بیست سهم
فراش مسجد پانزده سهم
خادم مسجد بیست سهم
چراغ مسجد بیست و لولین بیست و پنج سهم
خرج تعمیرات مسجد و حصیر و ساعت سی سهم
خرج مقبره‌ی کربلای معلا که خود احداث کرده‌اند یکصد و پنجاه سهم
خرج تعزیه داری ماه محرم و ماه صفر پنجاه سهم
روضه خوان عتبات که معروف بهتر باشد هفته‌ای یکروز بخواند در ایوان یا صحن سی سهم و معین نمودند بنفس نفیس خود مادام که حاکم عدالت شعار دار الدوله می‌باشد وامر حکام عدالت شعار دار الدوله کرمانشاهان در عهدی و عصری که شیوه مرضیه عدالت هم شایسته ایشان باشد و ناظر وقف و حبس مزبورین را قرار داد اکبر اولاد ذکور که از نسل خود باشد نسلا بعد نسل و طبقا بعد طبق و عقبا عقب و با وجود ذکور در طبقه اولی اکبر ذکور در طبقه‌ی بعد ناظر نیست مگر آنکه طبقه اقرب ذکور نداشته باشند آن وقت طبقه بعد هر کس ذکور اکبر باشد ناظر است و در صورت انقراض ذکور - العیاذ بالله - چه در طبقه اولی یا در طبقات بعد آن وقت، ناظره کبیره اناث از نسل ایشان است و همچنین در صورت انقراض

ذکور اناث از نسل العیاذ بالله - آن وقت ناظر ذکور از بطن اناث از نسل ایشان است. و در صورت فقدان او هم - العیاذ بالله - آن وقت ناظر اناث کبیره از بطن اناث از نسل ایشان است. و در صورت انقراض کل - العیاذ بالله - آنوقت ناظر عالم عادل امامی مسلم العداله و العلم و الدیانه دار الدوله است. و در صورت فقدان ناظر عالم امام مسجد مزبور است.
صیغه وقف و حبس مرقومین کما هو المقرر فی شرح سید المرسلین واقع و جاری شد مشروط به شرائط عدیده که بعد ذکر می‌شود و حصول قبض از برای نواب واقف و حابس متولی بعمل آمد و شرایط وقف و حبس مزبورین آنکه هرگاه امام مسجد مدرس باشد یا مدرس مدرسه امام مسجد باشد سهم هر دو به امام مدرس یا مدرس امام باید برسد و در صورت تعدد سهم هر کس نصیب هر کدام خواهد بود و دیگر آنکه موقوف علیهم در حجرات مدرسه که هر حجره پانزده سهم نصیب آنها است طلاب علوم دینیه و محصلان و معارف یقینیه‌اند از هر محقه حقه اثنی عشریه که به زیور صلاح تقوی آراسته متجاهر به فسق و فجور نباشد و در مراتب تحصیل منتهی یا متوسط که لااقل به مباحثه کبری و صمدیه و آنچه در این مراتب یا بیشتر مشغول بوده و ایام تحصیل در حجرات بیتوته نمایند و طلایب غربا را که در این بلد محل سکنی نداشته باشند مقدم بر متوطن این بلد خواهند بود و عند الحاجه ساکن حجره مانع نشود از تشرف یکنفر و دیگر بیش از یکنفر موقوف به رضای صاحب حجره است و در صورت فقدان متصفین بصفات مزبوره از سکنای فاقدش مضایقه نیست و همچنین مدرس باید در مدرسه که به جهة او معین شده ساکن شود و در همان جا مشغول تدریس شود.
هرگاه غریب بیخانه باشد بیتوته در مدرس بعمل آورده و الا بیتوته در خانه و جای دیگر نیز در حق او مضایقه نیست.
و نیز شرط شد چه کاروانسرا و تیمچه و بازار قیصریه و دکاکین دو دالان مسجد را و چه هر یک از دکاکین و حجرات موقوفه متعلقه به آنها را زیاد بر مدت یکسال اجاره ندهند نه به شخص واحد و نه به اشخاص متعدد و نه به صیغه واحده و نه به بصیغ متعدده و نه در مجلس واحد و نه در مجالس متعدد و به عبارت اخری تا اجاره یکسال منقضی نشود اجاره دیگر واقع نسازند.
متولی و ناظر اصلا و همچنین مال الاجاره آنها را پیش نگیرند بلکه باید در آخر هر ماه، هر سه ماه، هر ششماه، هر یکسال از مستأجرین آنها اخذ نمایند. و شرط شد که متولی و ناظر در حین انقضای اجاره موقوفاتی مسجد و مدرسه و حجرات و محل آنها و کاروانسرا و تیمچه قیصریه و دکاکین دو دالان جنبین مسجد از متولی موقوفات دار الدولة اراضی محل آنها و اعیان وقفیه مال الاصل آنها را اجاره نمایند و بعد باز حبس نمایند

«فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم» (5).
و کان ذلک فی سادس شهر صفر المظفر سنه 1289 مطابق بیچی ئیل.
پی نوشت: 1- نک: شرح حال ایران، مهدی بامداد، ج 1، ص 162، انتشارات زوار، تهران، 1357 ه. ش.
2- آوازه.
3- شهری است در ترکنستان که منسوب است بخوبان. (دهخدا).
4- بقره / 110 و مزمل /20، تجرمه «و ه آنچه از طاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می‌فرستید پاداش نیکو در نزد خدا خواهید یافت».
5- بقره /181، ترجمه «پس هرگاه کسی پس از شنیدن وصیت آنرا تغییر دهد و بر خلاف حقیقت رفتار کند گاه این کاربر آنها است که عمل بخلاف وصیت کنند و خداوند به هرچیز که خلق گویند و کنند شنوا و داناست».
برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

نظام مافی فرمانفرمائیان، زهرا سلطان

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
زهراسلطان عزت‌السلطنه، دختر رضا قلی خان نظام‌السلطنه و خدیجه سلطان خانم دختر میرزا رضا آشتیانی به سال 1312 ه.ق متولد شد. وی در سال 1329 ه.ق با پسر عبدالحسین میرزا فرمانفرما یعنی عباس میرزا سالار لشکر از بطن عزت‌الدوله دختر مظفرالدین شاه پیمان زناشویی بست و یک سال بعد صاحب اولین فرزند خود هما خانم شد. تاج‌الملوک دومین دختر وی در 1332 ه.ق زمانی که عباس میرزا سالار لشکر صاحب حکومت همدان بود متولد شد و پس از دو سال هم‌زمان با جنگ جهانی اول زهراسلطان به همراه سایر اعضای خانواده راهی کرمانشاه شد. مقارن تشکیل حکومت موقت توسط رضا قلی خان نظام‌السلطنه در شهر کرمانشاه و پس از شکست
عثمانی، به استانبول مهاجرت کردند در حالی که عباس میرزا سالار لشکر همراه مهاجرین نرفته، به تهران بازگشت. عزت‌السلطنه نیز تا پایان جنگ جهانی اول با پدر و مادر و سایر افراد فامیل در استانبول ماند. در پایان جنگ به جز رضا قلی خان نظام‌السلطنه که به اروپا تبعید شد، همگی به تهران بازگشتند.
در سال 1339 ه.ق عزت‌الملوک (1) دختر سوم زهراسلطان به دنیا آمد، پس از کودتای 1299 ه.ش نیز که سردار سپه عده‌ای از رجال مملکتی از جمله نصرت‌الدوله فیروز را زندانی کرده بود، عباس میرزا سالار لشکر برادر نصرت‌الدوله را هم برای حدود سه ماه در بند کرد. یک سال بعد، سالار لشکر به عنوان حاکم همدان منصوب و به همراه خانواده راهی آن دیار شد، و چون احمد شاه در همان روزها قصد سفر به اروپا را داشت بر سر راه خود و به همراه سردار سپه مهمان سالار لشکر شد. سال بعد نیز حاکم بروجرد و لرستان شد. در طی این دوران زهراسلطان، دختر چهارم و نخستین پسر خود یعنی مهری دخت و بهرام را صاحب شد. البته چون در سال 1303 ه.ش سالار لشکر به عنوان نماینده‌ی مردم مراغه در مجلس شورای ملی برگزیده شده بود، خانوادی او نیز در شهر مراغه اقامت گزیده بودند. در این اوان ماجرای الغای سلطنت خاندان قاجار و اعلام سلطنت رضاخان به وجود آمد که چون سالار لشکر و برادرش نصرت‌الدوله از جمله مخالفان این طرح بودند به این حکم رأی ندادند، طرد شده، از عرصه‌ی کارهای حکومتی خارج شدند. از آن پس تا سال 1314 ه.ش که سالار

لشکر پس از تحمل مدتی بیماری درگذشت زهراسلطان با شش کودک روزگار می‌گذراند در حالی که شوهر بیمارش در برلین درگذشته بود.
آن چه که پس از مرگ شوهر بر زهراسلطان گذشت، زندگی آشفته و پررنجی بود که بخشی به واسطه‌ی قهر روزگار و بخشی نیز به واسطه‌ی ظلم رضاشاهی بر وی و فرزندانش رفت. منزل اولیه‌ی آنها در منطقه‌ی سالاریه (پاستور کنونی) توسط رضاشاه مصادره شد. خانه‌ی دومشان نیز مجددا به دستور شاه توقیف شد. در ضمن بروز جنگ جهانی دوم درآمد خانواده که تا آن روز از املاک روستایی واقع در آذربایجان تأمین می‌شد، با پیش‌آمد شرایط نامساعد جنگ، قطع شد و دیگر چیزی به عنوان عایدات از آذربایجان به دست زهراسلطان نرسید. مزید بر این اوضاع، غضب رضاشاه هم شرایط نامطلوبی را برای زهراسلطان به وجود آورد. با این وجود از آن روز که این زن نیکوکار در ادامه‌ی کارهای انسان دوستانه‌ی خود از زندگی مرفه خود جدا ماند، با جدیت و انگیزه‌ای قوی‌تر به افراد دردمند و بی‌سرپرست توجه کرد. وی در طول سال‌های 1320 تا 1359 ه.ش که درگذشت، عده‌ی زیادی از اطفال مستمند و بی‌سرپرست و بی‌خانمان را تحت تکفل خود گرفت. بدین صورت که پسرهایی را که قبول حضانت نموده بود پس از رسیدن به سن بلوغ و فراگرفتن کارهای فنی در بازار کار به شغلی واداشت. دختران را هم تشویق به یادگیری فنون خانه‌داری کرده، پس از تهیه‌ی جهیزیه‌ای آبرومندانه راهی خانه‌ی بخت کرد. اغلب این کودکان کسانی بودند که بر اساس وقوع زلزله‌ی خانمان‌سوز بوئین زهرا بی‌یاور مانده بودند - هر چند تعدادی از آنها با مادرانشان نزد وی زندگی می‌کردند - تحت سرپرستی و مراقبت زهراسلطان قرار گرفتند.
علاوه بر نگه‌داری ایتام و بی‌سرپرستان، آنچه که نام زهراسلطان نظام‌مافی را بلندآوازه کرد، اهتمام وی به ساختن مسجد، کتابخانه و مدارس مختلف در شهرهای متعدد، علی‌الخصوص ایجاد آموزشگاه‌های حرفه‌ای بود، که از محل درآمد املاک موروثی شخصی‌اش، و با وجود سطح پایین اقتصاد خانوادگی، ایجاد
کرد، ضمن آنکه موقوفاتی را نیز بر آنها قرار داد.
از جمله می‌توان به این موارد که اسناد هر یک نیز منضم (2) است اشاره کرد:
1. احداث و اهدای یک باب دبستان در قریه‌ی قره‌ورن شهرستان میاندوآب به سال 1332 ه.ش که توسط محمدعلی معتمدیان پیشکار وی، این ساختمان به صورت بلاعوض و با مصالحه به اداره‌ی فرهنگ وقت آن شهرستان هدیه شد (3).
2. اهدای کمک‌های مالی به منظور ساخت بیمارستان عباسی در شهرستان میاندوآب به سال 1333 ه.ش که فرزندش بهمن میرزا فرمانفرمائیان به

عنوان بانی آن کار اهدای مبلغ مذکور به جمعیت شیر و خورشید سرخ میاندوآب را بر عهده داشت(4) در این مرکز حتی محل اسکان پزشکان هم پیش‌بینی شده بود و به مرور که سازمان‌های دولتی متوجه تجهیزات بالای این بیمارستان شدند، آنها نیز علاقه‌مند به اعطای کمک‌های مختلف به بیمارستان شده، به تدریج اختیار سرپرستی آن به دست شیر و خورشید سرخ آن شهرستان افتاد. با این وجود کماکان زهراسلطان به کمک‌های مالی سالانه‌ی خود ادامه می داد (5) امروزه نیز هلال احمر اداره‌ی این بیمارستان را بر عهده دارد.

3. واگذاری پنج هزار متر مربع و دو میلیون ریال وجه نقد به وزارت فرهنگ وقت به سرپرستی دکتر مهران، به منظور تأسیس مؤسسه‌ای تعلیماتی در سال 1338 ه.ش در قریه‌ی مهرآباد تهران (6) امروزه در این مؤسسه دبیرستانی به نام 15 خرداد دایر است.

4. احداث و وقف دبیرستان زهرا نظام‌مافی و تکمیل کلاس‌های آن در سال 1340 ه.ش در ناحیه‌ی 11 تهران (7).

5. تأسیس و وقف ورزشگاه ویژه‌ی معلولین و بانوان کشور با مساحتی بالغ بر چهار هزار و هشتصد و بیست و سه متر مربع در سال 1344 ه.ش در شهر تهران که به سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران صلح شد. رونوشت وقف‌نامه‌ی مذکور که به پیوست ضمیمه است، به شرایط واقف مفصلا اشاره کرده است. ورزشگاه مذکور که در منطقه‌ی 9 شهری که سابقا «غار» خوانده می‌شد و از دهستان‌های منطقه‌ی مهرآباد محسوب می‌شد امروزه در خیابان شمشیری، خیابان شهید علی‌اکبر رعنایی در جنوب فرودگاه مهرآباد واقع شده و تحت نام ورزشگاه ورزنده خوانده می‌شود. این در حالی است که در شرایط فیمابین طرفین مصالحه که بر اساس سند تنظیم شده به همین منظور که در هشتم اسفند سال 1344 ه.ش در دفترخانه‌ی اسناد رسمی شماره‌ی 98 حوزه‌ی ثبت تهران به ثبت رسمی رسیده است تصریح شده که نام ورزشگاه مذکور تحت عنوان «استودیوم ورزشی نظام‌مافی ویژه‌ی معلولان و بانوان کشور» خوانده شود(8).

6. تأسیس و وقف مسجد امیرالمؤمنین (ع) در زمینی به مساحت بالغ بر هزار و دویست و پنجاه و شش متر مربع همراه با یک باب خانه برای سکونت پیش‌نماز مسجد و فهرست طویلی از موقوفات مربوط به مسجد که در سال 1345 ه.ش به ثبت اداره‌ی اوقاف رسیده است (9) این مسجد در منطقه‌ی 9 شهرداری خیابان شهید عبدالله صفری نبش خیابان شهید محسن نجفی پلاک 14 در جنوب فرودگاه مهرآباد قرار دارد.

7. تأسیس و وقف مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه به سال 1346 ه.ش در خیابان مهرآباد تهران که در آن زمان خارج از حوزه‌ی مرکزی شهر قرار

داشت و جزو املاک خانوادگی زهراسلطان محسوب می‌شد. در وقف‌نامه‌ی مربوطه آمده است که صرفا زمین مورد مصالحه باید برای احداث مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه با نام «مدرسه‌ی حرفه‌ای دخترانه‌ی نظام‌مافی» مورد استفاده قرار گیرد. ضمنا تصریح شده بود که مدت این صلح‌نامه 99 سال خواهد بود و وزارت آموزش و پرورش جز به این نیت و این نام، حق هیچ گونه دخل و تصرف دیگری در این مدرسه ندارد (10).
مدرسه‌ی مزبور که اینک تحت نام عروةالوثقی خوانده می‌شود در همان خیابان استودیوم ورزشی واقع است که در زمان احداث به دلیل دوری از مرکز شهر، عملا از شاگرد در آن خبری نبود. به گونه‌ای که تعداد پرسنل مدرسه بیش از تعداد دانش‌آموزان بود. در نتیجه به امر فرح پهلوی، از یکی از پرورشگاه‌ها تعدادی
دختر جهت فراگیری فنون خانه‌داری، گل‌آرایی، آشپزی و... به این مدرسه انتقال یافتند. اما چون دختران یاد شده در محیطی رشد یافته بودند که تعالیمی چون پیانو، رقص و آواز را آموخته بودند، از یادگیری آشپزی و بافتنی و... دل‌خور شده دست به اعتصاب زدند. مآلا به واسطه‌ی بروز پاره‌ای مسائل سیاسی و در جهت حفظ مصالح مملکتی ناشی از پیامدهای منفی اعتصاب دختران، دختران به محل قبلی بازگردانده شدند. به مرور و طی سال‌های بعد در نتیجه‌ی گسترش شهر تهران، مدرسه مورد استفاده قرار گرفت. سند ذیل وقف‌نامه‌ی بانی مدرسه و شرایط ضمن عقد مصالح آن را تشکیل می‌دهد.
8. وقف آموزشگاه حرفه‌ای مخصوص ناشنوایان و لال‌ها در زمینی به مساحت 3,031 متر مربع و اختصاص موقوفاتی به آن به شرط آنکه در آن صرفا آموزشگاه و یا آسایشگاه احداث شود که به سال 1347 ه.ش در تهران و در منطقه‌ی مهرآباد آموزشگاه حرفه‌ای احداث شد (11) در طول تمام سال‌های بعد نیز کلیه‌ی امور مربوط به نقاشی، تعمیرات، تکمیل و تأسیس مستغلات جنبی این مرکز نیز بر عهده‌ی خود زهراسلطان قرار داشت.
9. ایجاد و وقف مرکز بهداشتی و درمانی زهرا نظام‌مافی واقع در خیابان پادگان - خیابان شمشیری - کوچه‌ی شهید محمودعلی کرمی در جنوب فرودگاه مهرآباد نیز یکی دیگر از اقدامات نیکوکارانه‌ی آن بانوی بزرگوار به شمار می‌آید که امروزه از سوی بیماران و مراجعان متعدد این مرکز که روزانه به بیمارستان مراجعه می‌کنند، اهمیت فداکاری و امور عام‌المنفعه‌ی زهراسلطان را متناوبا فرایاد آورده در هر زمانی به روح پرفتوح وی درود فرستاده، در آرزوی ادامه‌ی فعالیت کارهای خیر این زن فداکار هستند. پی نوشت: 1- مطالب این مقاله با مساعدت‌های سرکار خانم عزت‌الملوک فرمانفرمائیان (پیرنیا) گردآوری شده است. در ضمن،

تمام اسناد این مقاله متعلق به خانم فرمانفرمائیان است. خداوند به وی جزای خیر دهاد.
2- اسناد مورد استفاده در این مقاله تماما از اسناد خانوادگی خانم فرمانفرمائیان می‌باشد.
3- سند ضمیمه 1.(اسناد خانوادگی).
4- سند ضمیمه 2.(اسناد خانوادگی).
5- سند ضمیمه 3.(اسناد خانوادگی).
6- سند ضمیمه 4.(اسناد خانوادگی).
7- سند ضمیمه 5.(اسناد خانوادگی).
8- سند ضمیمه 6.(اسناد خانوادگی).
9- سند ضمیمه 7.(اسناد خانوادگی).
10- سند ضمیمه 8.(اسناد خانوادگی).نکته‌ی قابل توجه این که با وجود تصریح و اصرار واقف بر نام انتخابی بر موقوفه در حال حاضر این مدرسه، به نام دیگری خوانده می‌شود. !.
11- سند ضمیمه 9.(اسناد خانوادگی). برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون
منابع زندگینامه :میراث جاویدان

همدانی، رشید الدین فضل الله

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
موقوفه ربع رشیدی
ربع رشیدی یکی از مراکز علمی بزرگ در تاریخ تمدن اسلامی است که رشیدالدین فضل ا... همدانی آن را به وجود آورد. تا زمان حیات وی مدیریت و تولیت این مرکز با خود او بود و بعد از او به یک هیئت سه نفری که در رأس آن متولی قرار داشت واگذار گردید. این هیئت سه نفره از شخص متولی، مشرف و ناظر تشکیل می شدند. اعضای این هیئت را شخص واقف از ارشد اولاد و نوادگانش که لایق‌ترین و مؤمن‌ترین آنها نیز بودند در زمان حیات خود انتخاب و مشخص نموده بود. این هیئت باید به تأیید قاضی‌القضات تبریز نیز می‌رسید.
هیئت سه نفره باید در ربع رشیدی حضور می‌داشت و بر کارها نظارت مستقیم اعمال می‌کرد و حتی در زمان غیبت خود موظف بود برای خود قائم مقام تعیین کند.
متولی مسئول مستقیم ربع رشیدی بوده و موظف بود در هر کار اساسی و تصمیمات مهم، به خصوص در امور مالی با دو مقام دیگر ـ یعنی مشرف و ناظرـ مشورت کند و سپس اقدام نماید. ناظر نیز در همه‌ی امور نایب متولی محسوب می‌شد.
متولی مسئول امور مالی، استخدام، عزل، آموزش، ساختمان، گزینش طلاب و مدرسان، گزینش کارمندان ربع و کارگران و غلامان موقوفات و همه‌ی امور مربوط به ربع ـ با مشورت با دو مقام دیگرـ بود ( امیدیانی، 1378، ص 55).
با وجود اینکه موقوفه ربع رشیدی، از موقوفات بزرگ تاریخ اسلام به شمار می رود، نکات موجود در خصوص نحوه نظارت مالی بر آن قابل توجه است. نکته اول اینکه با وجود قابلیت اعتماد بالای متولی- اینکه از مومنین و موثقین انتخاب می شد و مورد تایید قاضی القضات قرار می گرفت- شخصی نیز به عنوان ناظر، در هیات سه نفره مدیریتی حضور دارد. نکته دوم اینکه با وجود تسلط کامل متولی بر امور اجرایی، لازم است با شخص ناظر هماهنگ باشد و موارد تصرفی را به اطلاع وی برساند. بدین ترتیب ناظر مذکور، دارای ماهیت هر سه نوع حسابرس- داخلی، خارجی و دولتی- را داراست. یعنی علاوه بر اینکه مورد تایید دستگاه قضایی است- یعنی قاضی القضات- شخصیتی مستقل از مدیر- یعنی متولی- دارد و از کارکنان

زیرمجموعه وی به حساب نمی آید- تعریف حسابرس خارجی. از سوی دیگر، حضور دائمی وی در موسسه، منجر می شود همانند حسابرس داخلی، اشراف کافی بر امور مالی و مبادلات اقتصادی موسسه داشته باشد. بدین جهت، کارآترین نوع حسابرسی در این موقوفه اعمال می شده است. برگرفته از کتاب :پایگاه راسخون

جامعه شناسی

اصلاح عربانی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم اصلاح عربانی یکی از محققان معاصر استان گیلان است . او مدیر عامل گروه پژوهشگر ان ایران می باشد . مهمترین اقدام علمی و فرهنگی ایشان ، انتشار نشریات وکتب متعددی است که در حیطه ایران شناسی مورد نظر می باشد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم اصلاح عربانی تحصیلات حویش را درناحیه عربان صومته سرا آغازکرد . سپس برای ادامه تحصیل به رشت و تهران عزیمت کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم اصلاح عربانی اصلاح عربانی ،مدیر عامل گروه پژوهشگران ایران می باشد .فعالیتهای آموزشی : ابراهیم اصلاح عربانی ضمن فعالیتهای اقتصادی و بازرگانی و علاقه به کارهای فرهنگی فعالیت مطبوعاتی درروزنامه ها را آغاز نمود . سپس سازمان کوچکی را با نام «فار» به وجود آورد و دراین سازمان نشریه ای را با همین نام منتشر کرده است .مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ابراهیم اصلاح عربانی علاوه برسازمان فار، سازمان نیز تحت عنوان گروه پژوهشگران ایران تاسیس کرد که به کارهای تحقیقاتی درزمینه ایران شناسی می پردازد .همفکران فرد : استادان و دانشمندان همچون دکتر محمد حسن گنجی ،دکتر حسن حاج سید جوادی ، دکتر فرج الله محمودی ، دکتر ایرانپور جزنی ، دکتر حبیب الله زنجانی ، دکتر عباس سعیدی ، دکتر محمد طاهر نظامی از جمله همفکران ابراهیم اصلاح عربانی هستند که در امور پژوهشی و تحقیقاتی از افکار یکدیگر بهره می برند .آثار : راهنمای شهرستانهای ایران ویژگی اثر : این کتاب درسال 1346 شمسی در645 صفحه منتشر گردیده است . انتشار این کتاب که حاوی اطلاعات ارزنده ای در مورد تمام شهرستانهای ایران می باشد مورد استقبال قرار گرفته است .2 فرهنگ استان بنادر ویژگی اثر : انتشار این فرهنگ مورد توجه کارشناسان طرح وبرنامه ریزی وزارت کشور قرار گرفته و تصویب گردید که برای هراستانی کتابی بی نظیر فرهنگ استان بنادر تهیه می شود .3 کتاب گیلان ویژگی اثر : این کتاب ازمجموعه کتابهای همه جای ایران می باشد که دران هزاران عکس نقشه ،نمودار و مقاله درمورد استانهای مختلف کشور گرد آوری شده است .

آزاد ارمکی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر تقی آزاد ارمکی در سال 1336 در شهر ارمک، بدنیا آمد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1359)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1362) و مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی (گرایش اصلی: جامعه‌شناسی نظری- گرایش فرعی: جامعه‌شناسی توسعه) از دانشگاه مری‌لند آمریکا (1371) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه‌شناسی نظریتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رسانید و در 1354 خورشیدی به عنوان دانشجوی رشتة تعاون و سپس جامعه شناسی در مقطع لیسانس در دانشکدة علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شد. در سال 1360 در اولین دورة پذیرش دانشکدة علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشجو در رشتة جامعه شناسی مشغول تحصیل شده و در سال 1364 این دوره را با عنوان اولین فارغ التحصیل رشتة فوق با راهنمایی استاد دکتر غلامعباس توسلی به پایان رسانید. در سال 1367 برای ادامة تحصیل با بورسیة دانشگاه تهران به دانشگاه مریلند آمریکا رفته و در سال 1371 به دریافت مدرک دکتری با گرایش اصلی جامعه شناسی نظری و گرایش فرعی جامعه شناسی توسعه با درجه افتخاری نائل شد. عنوان رساله وی در دوره دکتری «بررسی ریشه‌های نظریه ابن‌خلدون: تحلیل متاتئوریکی» است.وقایع میانسالی : دکتر آزاد از سال 1364 به عنوان مربی در گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران پذیرفته شده و مشغول تدریس و تحقیق گردید و تا سال 1367 به تدریس دروس مبانی جامعه شناسی، تاریخ اندیشه اجتماعی متفکران در اسلام پرداخت. در این دوران با جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و جهاد ساندگی در انجام طرحهای پژوهشی و آموزشی همکاری داشتمشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی آقای دکتر آزاد می توان مواردی همچون «ریاست دانشکده علوم اجتماعی»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی»، «عضو هیئت مشاوران ماهنامه گزارش گفتگو»، «مدیر پژوهشی»، «مدیریت گروه جامعه شناسی»، «مدیر مسئول مجله

نامه علوم اجتماعی»، «نماینده دانشکده در هیئت ممیزه دانشگاه»، «عضو کمیته ویژه علوم اجتماهی شورای انتشارات دانشگاه تهران»، «عضو کمیسیون تخصصی برنامه ریزی راهبردی شورای برنامه ریزی دانشگاه تهران»، «همکاری در تشکیل انجمن انسان شناسی»، «مدیر مسئول مجله پژوهش زنان»، «عضو هیات تحریریه فصلنامه مطالعات ملی»، «عضو کمیته فرهنگ شورای عالی انقلاب فرهنگی»، «مدیر گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)»، «عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آمریکای شمالی و اروپا»، «مسئول کمیته جامعه شناسی توسعه»، «رئیس کارگروه آینده پژوهی آسیبهای اجتماعی شورای اجتماعی کشور»، «عضو هیئت تحریریه دوفصلنامه نسل نامه»، «عضو کمیته علمی گروه علوم اجتماعی و ارتباطات جشنواره بین المللی خوارزمی» و ... را نام برد. فعالیتهای آموزشی : دکتر آزاد ارمکی پس از دریافت مدرک دکتری با راهنمایی جورج ریترز، از جامعه شناسان برجستة آمریکایی، جهت همکاری به دانشکده برگشته و مشغول تدریس دروسی چون تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام و نظریه های جامعه شناسی و جامعه شناسی توسعه پرداخت. موارد تدریس دکتر آزاد: «نظریه های جامعه شناسی2» (در مقطع کارشناسی)، «اندیشه متفکرین مسلمان»، «بینشهای جامعه شناسی»، «سمینارجامعه‌شناسی شهری»،«چارچوب نظری در تحلیل مسائل»، «جامعه شناسی تلفیق نظریه های جامعه شناسی»، «نظریه‌های توسعه»، «بینشهای جامعه شناسی1»، «تحول فرهنگی ایران»، «تغییرات فرهنگی»، «طرح تحقیق»، «نظریه های جدید جامعه شناسی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتب «نظریه در جامعه شناسی»، «مجموعه مقالات گزارش دبیر سمینار»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون»، «بنیانهای جامعه شناختی: خاستگاه های ایده های اساسی در جامعه شناسی»، «زن در رسانه ها»، «بنیان های جامعه شناسی: ایده های اساسی جامعه شناسی»، «نظریه در جامعه شناسی»، «نظریه در جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی ابن خلدون»، «نظریه های جامعه شناسی»، «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان از خواجه نظام الملک تا ...»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «کتاب و جامعه کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «جامعه شناسی در ایران»، «جامعه مدنی (اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی ایران)»، «جامعه مدنی اصول رویکردها و زمینه شکل گیری آن در جمهوری اسلامی»، «جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران»، «بررسی کتب مبانی جامعه شناسی»، «نظریه های جامعه شناسی»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت

جامعه»، «ابن خلدون و جامعه شناسی»، «بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی توسعه»، «جامعه شناسی جامعه شناسان ایران»، «جلد دوم اندیشه اجتماعی متفکران»، «زن در رسانه ها»، «کتاب در عصر تحول فرهنگ شفاهی به فرهنگ مکتوب»، «اندیشه نوسازی در ایران»، «درآمدی بر نظریه سازی در جامعه شناسی»، «پست مدرنیسم و توسعه جامعه شناسی معاصر»، «مدرنیته ایرانی روشنفکران و پارادایم فکری عقب ماندگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «ترجمه کتاب جامعه شناسی»، «اذیت و آزار بدنی فرزندان در خانواده تهرانی»، «بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی زنان شاغل در مشهد»، «جامعه شناسی آینده»، «جامعه شناسی در کانادا»، «جامعه شناسی معماری شهر تهران»، «جنبش اجتماعی»، «خلاصه مقاله فرهنگ عمومی و ضرورتهای توسعه»، «رابطه نسلها از طریق خانواده»، «روشنفکری ایرانی و هویت»، «مصادیق اثز تغییر نگرش در توسعه»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه های جامعه شناسی»، «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، «جامعه شناسی نسلی در ایران»، «تغییرات اجتماعی در ایران»، «پاتوق و مدرنیته ایرانی»، «روشنفکری در گذر اندیشه‌ها»، «علم و مدرنتیه ایرانی»، «فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن»، «جامعه شناسی توسعه اصول و نظریه‌ها»، «جامعه‌شناسی خانواده ایرانی»، «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر»،«Hand book of world »، «logue Among vilizations families»،«Making Civil Societies Work Zivilgesellschaft und gesellschaftliche Praxis»،« uluslararasi oryantalizm sempozyumu»،« making civil societies work-zivilgesellschaft und gesellschaftliche praxis»، « the cultures of economic migration» و مقالات متعددی از جمله « انقلاب و هزیمت جامعه شناسی مارکسی»، « «تئوری جامعه شناختی دفاع از حقوق زنان»، «مقدمه ای بر نظریه وابستگی در جامعه شناسی توسعه»، «پارادایم و جامعه شناسی»، «جامعه شناسی در ایران»، «ظهور جامعه شناسی در ایران»، «دولت و تحول»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «مشارکت و توسعه اقتصادی اجتماعی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «شریعتی و مارکسیسم »، «تاملی جامعه شناختی در بررسی ویژگیهای فرهنگ بسیجی»، «نگرش مردم تهران در مورد سلامت جامعه»، «نگرش مردم تهران در مورد میزان سلامت جامعه»، «آسیب شناسی اجتماعی و بسیج»، «اختلال فرهنگی و زمینه ایجاد آن»، «سنت نوگرایی توسعه»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «عقلانیت در جامعه شناسی/ جامعه شناسی عقلانیت»، «نقش تبلیغات سیاسی در رفتار انتخاباتی

ساکنان تهران»، «بررسی وضعیت خشونت در جامعه تهران»، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «دیدگاه حضرت امام ره درباره توسعه اقتصادی»، «کتاب وجامعه»، «گزیده مقالات سمینار توسعه فرهنگی و اولویت های پژوهشی تلقی تحصیلکردگان در مورد پژوهشهای ،فرهنگی»، «جامعه شناسی آمریکایی»، «جامعه شناسی آینده راهی برای بررسی علمی آینده»، «سهم جلال آل احمددرشکل گیری پژوهشهای فرهنگی واجتماعی ایران(پژوهشی درجامعه شناسی ومردم .شناسی ادبیات)»، «پیشینه نظری دیدگاه جامعه شناسی دکتر علی شریعتی: نسبت شریعتی با مارکسیسم»، «استاد مطهری و جامعه شناسی»، «الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه»، «الگوی تحلیل وبرازرابطه دین وتوسعه»، «اندیشه اجتماعی ابوریحان بیرونی و ابن خلدون»، «انقلاب وهزیمت جامعه شناسی مارکسی:معرفی ونقدتئوری دولت وانقلاب اجتماعی خانم تدا اسکاچپل، براساس واقعیت انقلاب اسلامی ایران»، «بررسی امکان وجود بحران در جامعه شناسی ایران»، «بررسی بحرانهای اجتماعی و تحلیلی از دیدگاههای صاحبنظران ایرانی»، «بررسی جامعه شناسی انتخابات مجلس»، «بررسی فرهنگ اپارتمان نشینی باتوجه به مشکلات آن»، «بررسی نظریه نوسازی :مطالعه موردی درباره تقدیر گرایی فرهنگی در ایران»، «بسیج شناسی در جامعه شناسی اجتماعی»، «تئوری جامعه شناختی دفاع ازحقوق زنان »، «تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره»، «تحلیل جامعه شناسی رابطه باغرب»، «تحلیلی جامعه شناختی از : راههای نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، «تحول پذیری فرهنگی»، «تلقی از جهان و تغییرات فرهنگی ناشی از آن»، «تلویزیون در ایران-ابزار توسعه یا نمادسازی»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی درجامعه شناسی»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «جایگاه مخاطب در فرآیند ارتباط»، «خشونت درشهرتهران»، «نگرش ایرانیان نسبت به غرب,بررسی تجربی درایران»، «نظریه وابستگی»، «نقش آموزش درارتقاء صنعت فرش درایران»، «نقش تبلیغات سیاسی دررفتارانتخاباتی ساکنان ایران»، «نقش روزنامه های داخلی در و حدت ملی»، «نقش صدا و سیما در کتابخوانی»، «نیروی مقاومت ,رفتار و الگو»، «یاداشت سردبیر»، «تلوزیون در ایران: ابزار توسعه یا نمادسازی»، «برابری جنسیتی در حوزه سیاسی»، «تغییررات فرهنگی در استان مازندران(آزمون تجربی نظریه اینگلهارت)»، «روند جهانی جامعه شناسی: تحلیلی از اجتماع علمی»، «وضعیت پیوستاری تغییرات فرهنگی در ایران»، «جامعه شناسی در کانادا: مساله شناسی بومی و شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم انسانی کانادایی»، «فوتبال: پارادکس نوسازی»، «مدرنیته یا تغییر فرهنگی از مدرنیته مورد تجربی ایران»، «تحلیل جامعه شناختی وضعیت دینداری

جوانان با رویکرد بی شکلی دین ورزی»، « جامعه شناسی کانادا: آثار معرفت شناسی مساله شناسی بومی بر شکل گیری بومی گرایی علمی در علوم ،انسانی کانادایی، شکل گیری حوزه های خاص در جامعه شناسی کانادا»، « بدن به مثابه رسانه هویت»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «هرمنوتیک: بازسازی یا گفتگو»، «ترجیحات ارزشی دانش آموزان تهرانی»، «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل»، «جوانان ومناسبات نسلی»، «تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی (بررسی موردی چند تشکل دانشجویی)»، «رادیو پیام رسانه ای در نوسازی شهری»، «بررسی وضعیت نظام ارزشی در مناطق فرهنگی - اجتماعی ایران»، «اعتماد، اجتماع و جنسیت »، «بحران اجتماعی و روشنفکران ایرانی»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرهنگ واندیشه»، « «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه شناسی در ایران»، «اعتماد اجتماع و جنسیت،بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، «رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی»، «شکاف طبقاتی و انقطاع اجتماعی»، « ابعاد وعوامل گسست وپیوند نسلها»، «هویت سازی و بحران هویت در ایران»، «مناطق فرهنگی: تنوع الگوی تغییرات فرهنگی یا یکسانی»، «ارزش های فرهنگی (ارزشی) و تغییرات اجتماعی»، «جوانان و دگرگونی فرهنگی ارزشی»، «سازمان سنتی: ارزش های خانوادگی و آموزش توسعه ای»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «جامعه ایران و مکانیسم های تغییرات در آن»، «جایگاه بسیج شناسی اجتماعی در جامعه شناسی»، «سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکلگیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی»، «آموزش جامعه شناسی در ایران،مشکلات و فرصتها»، «نظرسنجی و تحقیقات اجتماعی در ایران»، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، «زنان و سریالهای تلویزیونی »، «زنان و سریالهای تلویزیونی (مطالعه ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن»، «نراقی و جامعه شناسی در ایران»، «طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی»، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خردو کلان» و ... است.جوائز و نشانها : از جمله جوایز و تقدیرنامه های وی «کسب رتبه دوم طرح پژوهشی برگزیده در نخستین جشنواره آثار مطالعات فرهنگی اجتماعی شهر تهران»، «نویسنده کتاب قابل تقدیر در رشته علوم انسانی»، «پژوهشگر نمونه»، «نویسنده کتاب سال برای کتاب جامعه شناسی در ایران» است. آثار : جامعه‌شناسی ابن‌خلدون ویژگی اثر : نویسندگان:تالیف تقی آزاد ارمکی سال نشر:1376 موضوعات: ابن‌خلدون، عبدالرحمان‌بن محمد، 732 - 808ق. -- نقد و تفسیر

ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد، 732 - 808ق. -- معلومات -- جامعه‌شناسی تاریخ نویسان اسلامی جامعه‌شناسان اسلامی محل نشر:تهران ناشر:موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان سرشناسه‌های فارسی:آزاد ارمکی، تقی، 1336 -

باقری، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس باقری نزدیک به چهل عنوان کتاب درحوزه علوم اجتماعی ترجمه و منتشر کرده است . او آثار دیگری نیز دردست انتشار دارد .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی آرا و گرایشهای خاص : عباس باقری که درباره اندیشیدن نظرات جالبی ارائه کرده است بر این عقیده است که لازمه این که انسان بد را از خوب تشخیص بدهد اندیشیدن است . باقری معتقد است لزومی ندارد که مترجم هم عقیده باکسی که آثارش را ترجمه می کند باشد . اوتوصیه می کند که همیشه شهامت خواندن آثاری را داشته باش که مخالف نظرات تو است . باقری معتقد است که درکار ترجمه هدفش بر این است که منابع اطلاعاتی مختلف را در اختیار نسل امروز مملکت قرار دهد .آثار : ترجمه اندیشیدن و ملاحظات اخلاقی ویژگی اثر : این اثر تالیف ناآرنت است2 ترجمه انسان پاره پاره ویژگی اثر : این اثر تالیف نیکولاگریمالدی است3 ترجمه پشت ورو ویژگی اثر : این اثرتالیف آلبر کامو است4 ترجمه جهان گرایش ها ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است5 ترجمه حقیقت و آزادی ویژگی اثر : این اثر تالیف رمون پولن است6 ترجمه سرچشمه های دانایی و نادانی ویژگی اثر : این اثر تالیف کارل پوپر است7 ترجمه فرهنگ فرد و فرهنگ توده ویژگی اثر : این اثر تالیف لویی دولو می باشد8 ترجمه فیلسوفان بزرگ یونان باستان ویژگی اثر : این اثر تالیف لوچائو می باشد 9 ترجمه قدرت و حاکمیت ویژگی اثر : این اثر تالیف سلین اسپکتوراست

بنی فاطمه، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین بنی فاطمه در سال 1331 در مشکین شهر بدنیا آمد.ایشان در سال 1361مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرد . وی از سال 1356 به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی مشغول خدمت شد.نامبرده هم اکنون با رتبه استادی در دانشکده مذکور در دانشگاه تبریز به فعالیت می پردازد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین بنی فاطمه تحصیلات ابتدایی را در دبستان قصابه به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1349از دبیرستان دهخدا اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در سال 1358 از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا دریافت نموده اند و در سال 1361مدرک دکتری در رشته جامعه شناسی را از دانشگاه ایالتی میشیگان – امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : دکتری The: Transitional Adjustment phase in Rural- urban Migration (comparativestudy)) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: قبلی : مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز فعلی: رئیس موسسه تحقیقات اجتماعی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی حسین بنی فاطمه به قرار زیر است: تدریس: 1-دوره کارشناسی: روشهای تحلیل جمعیت - جامعه شناسی 2 ، متون جامعه شناسی 1و2 ، جامعه شناسی شهری 2- تحصیلات تکمیلی: روشهای تحقیق - متون جامعه شناسی 1و2 ، سمینار شهری جوائز و نشانها : جوایزو نشانها دریافتی حسین بنی فاطمه در سطح ملی: 1- فرهیخته ممتاز 2- محقق برتر در انجام تحقیق علل گرایش جوانان به فرهنگ بیگانه چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : تعداد مقاله های منتشرشده : 15 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 3 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 1 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 15 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 1 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 6 مورد

تکمیل همایون، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ناصر تکمیل همایون در سال 1315 در قزوین متولد شد. وی در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای 1351 و 1356 موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد.آنچه وی را از دیگر پژوهشگران اجتماعی – فرهنگی ایران به صورتی ویژه متمایز می کند، تحصیل و تسلط بر تاریخ ایران ( خصوصا ابعاد اجتماعی تاریخ ایران ) در گذشته و حال، در کنار تحصیل دانشگاهی جامعه شناسی است. در صورتی که بتوان برای شناخت صحیح فرهنگها خصوصا فرهنگ ایرانی، آگاهی از تاریخ و خصوصا تاریخ اجتماعی را لازم دانست، دکتر تکمیل همایون به خوبی از عهده این مهم بر آمده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ناصر تکمیل همایون در دو رشته تاریخ و جامعه شناسی در سالهای 1351 و 1356 موفق به اخذ درجه دکترا از دانشگاه پاریس (سوربن) شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ناصر تکمیل همایون استاد و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی علاوه بر موقعیت دانشگاهی، سرپرستی بخش «فرهنگ و تاریخ» در موسسه تحقیقی - انتشاراتی «دفتر پژوهشهای فرهنگی» را بر عهده دارد. وی در این موسسه به طور ویژه اشراف علمی انتشار مجموعه کتابهایی موجز و دقیق درباره ابعاد گوناگون تاریخ و فرهنگ را برعهده گرفته است.فعالیتهای آموزشی : ناصر تکمیل همایون علاوه بر پژوهش و تالیف، سالها به تدریس تاریخ و علوم اجتماعی در برخی دانشگاهها و خصوصا پژوهشگاه علوم انسانی مشغول بوده، به نحوی که مقام دانشگاهی استادی رادر اختیار دارد. چگونگی عرضه آثار : ناصر تکمیل همایون راهنمای بخشی از پایان نامه های دانشجویی هم بوده است. وی 142 مقاله فارسی و 4 مقاله انگلیسی هم در آثار خود نهاده است. تکمیل همایون تاکنون بیش از ده عنوان کتاب از مجموعه « از ایران چه می دانم؟» را به نگارش درآورده است. تاکنون حدود 75 مجلد از این مجموعه به چاپ رسیده و بیش از ده مجلد دیگر نیز در شرف انتشار است. این مجموعه کتابها، از آنجا که توسط متخصصین هر موضوع به نگارش درآمده و اشراف علمی دقیقی بر آنها واقع شده، مورد اقبال و استقبال فراوان مخاطبان قرار گرفته است. آثار ایشان و نتایجی که وی از خلال بحثهای تاریخی – اجتماعی درباره عناصر فرهنگی- اجتماعی ایران، با

بهره مندی از نوعی نگاه تاریخی، ارائه می کند، سندی مهم از اهمیت دانش تاریخی در بررسی اجتماعی ایران است. گرچه محدوده موضوعات آثار او آنچنان وسیع است که نوعی فقدان مرکزیت در تولیدات ایشان را به ذهن متبادر می کند، تحلیل آماری موضوعات آثار ایشان نشان می دهد که وی بیش از همه درباره ابعاد گوناگون شهر تهران در دوره های جدید، تاریخ اجتماعی ایران، عناصر مدرن تاریخ ایران ( مرزبندی ها، نیروهای نظامی، تعلیم و تربیت)، استانهای جنوبی ایران، خلیج فارس و دریاهای ایرانی و نیز معماری ایرانی به تحقیق و پژوهش دست زده است. آثار : تالیف کتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، 3 جلد، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1377 چاپ دوم 1380 ، تالیف کتاب تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1382چاپ سوم 1384 ، تالیف کتاب تاریخ تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1376 ، تالیف کتاب تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1382 ، تالیف کتاب دانشگاه گندی شاپور، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1384 ، تالیف کتاب کتابشناسی تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1369 ، تالیف کتاب میهن دوستی در ایران، استقلال، 1359 ، تالیف کتاب نقش علمی و فرهنگی یونسکو در پژوهش راههای تاریخی ابریشم، سروش، 1376 ، تالیف کتاب آبسکون یا جزیره آشوراده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ سوم 1380 ، تالیف کتاب آموزش و پرورش در ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، زیر چاپ 1384 ، تالیف کتاب استان هرمزگان، (اجرای طرح با دانشگاه هرمزگان) ، تالیف کتاب خلیج فارس، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1380 چاپ چهارم 1383 ، تالیف کتاب خوارزم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1383 ، تالیف کتاب رویدادها و یاد مانهای تاریخی تهران، جلد اول (از چهار جلد)، دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1384 (زیر چاپ). تالیف کتاب سرگذشت دریای مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1380 چاپ سوم 1383 ، تالیف کتاب گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ سوم 1380 ، تالیف کتاب مرزهای ایران در دوره معاصر، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول 1379 چاپ دوم 1380 ، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد دوم زیر چاپ 1384 ، تالیف کتاب مشروطه خواهی ایرانیان، مرکز بازشناسی ایران و اسلام، جلد اول 1383 ، تالیف کتاب مکتبخانه (آموزش کودکان و نوجوانان)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، زیر چاپ ، تالیف کتاب نظام و نهادهای آموزشی در ایران باستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1382

توکل کوثری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمدعلی توکل کوثری دانشیار گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(1356)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (1357)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(1360) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمریج انگلستان اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکترسیدمحمدعلی توکل کوثری مدرک کارشناسی را در رشته ریاضی، علوم کامپیوتری از دانشگاه صنعتی شریف تهران(1356)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم کامپیوتر از دانشگاه اورگان آمریکا (1357)، مدرک دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه آبردین انگلستان(1360) و مدرک فوق دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه کمریج انگلستان اخذ نمودند. عنوان رساله وی و دوره دکتری «جامعه‌شناسی معرفتی تطبیقی- انتقادی» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی اجرایی دکتر توکلی کوثری به قرار زیر است: • ,دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو,کمیسیون ملی یونسکو- وزارت علوم • معاون پژوهشی وزارت علوم,وزارت علوم • 8مشاور وزیر و رئیس موسسه پژوهش آموزش عالی,موسسه عالی پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی-- وزارت علوم • مدیر گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران,دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر توکل «جامعه شناسی پزشکی»، «زبان تخصصی 2» (در مقطع کارشناسی)، «زبان تخصصی2»، «جامعه شناسی تکنولوژی و توسعه»، «جامعه شناسی معرفت»، «جامعه شناسی بهداشت وسلامت جوانان»، (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است.جوائز و نشانها : پایان نامه برگزیده کارشناسی ارشد,دانشگاه تهران, پایان نامه برگزیده دکتری سال,دانشگاه تهران, پایان نامه برگزیده سال,دانشگاه تهران,آثار : اصطلاحنامه فرهنگی فارسی ویژگی اثر : بررسی و نقد کتاب,سازمان مدارک فرهنگی,2 تقریظ بر کتاب جامعه شناسی بیماری و پزشکی ویژگی اثر : بررسی و نقد کتاب,باورداران,3 جامعه شناسی پزشکی ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات دانشگاه صنعتی شریف,4 جامعه شناسی

معرفت ویژگی اثر : تالیف5 جامعه شناسی معرفت و علم ویژگی اثر : تالیف6 جامعه شناسی(بررسی و معرفی کتاب گیدنز در مجله نامه علوم اجتماعی) ویژگی اثر : ,بررسی و نقد کتاب,نشر نی,7 دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی ویژگی اثر : ترجمه -ترجمه,شورای عالی اطلاع رسانی وکمیسیون ملی یونسکو,8 رویکرد تأویلی در مسیحیت و اسلام ویژگی اثر : تالیف9 مأخذشناسی توسعه ویژگی اثر : تالیف-ویرایش علمی کتاب,موسسه پژوهش در برنامه?ریزی و توسعه,10 مقدمه ای بر جامعه شناسی علم ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات صدوق,11 موانع توسعه در سه کشور ویژگی اثر : تالیف12 موانع توسعه: مطالعه مقایسه ای ایران با ترکمنستان و مراکش ویژگی اثر : تالیف13 یادنامه آیت الله خاتمی--فصل(مقاله) رویکرد تاویلی ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,موسسه معارف اسلامی امام رضا

ثلاثی، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن ثلاثی ، جامعه شناس و مترجم ،متولد ۱۳۲۴ بابل است.تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان می برد و برای ادامه تحصیل راهی تهران می شود. ثلاثی در رشته جامعه شناسی تحصیل کرده و بر مبنای این گرایش تحصیلی و علاقه شخصی،سال هاست که به ترجمه متون جدی و مرجع در این حوزه پرداخته و آثار گرانقدری را برای جامعه دانشگاهی و محققان علوم اجتماعی به فارسی برگردانده است. ثلاثی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسی فعالیتهای آموزشی : محسن ثلاثی علاوه بر آن که ترجمه متون جامعه شناختی و مردم شناختی را با جدیت دنبال می کند،از تدریس در این حوزه نیز غافل نمانده و در دانشگاه تهران و در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه، سال هاست که به تدریس اشتغال دارد.آرا و گرایشهای خاص : محسن ثلاثی درباره نقش شعر و ادبیات عرفانی فارسی در تقوت و تشدید رویکرد جهانگرایی می گوید: «شعر فارسی از مهم ترین و برجسته ترین و کارسازترین عناصر فرهنگ ایرانی به شمار می آید. شعر فارسی چنان بر عرصه های دیگر تولید فرهنگی تسلط پیدا کرد که به راستی می توان گفت که آیینه به نسبت تمام نمای فرهنگ ایرانی شده است؛ از همین روی، هرگونه بررسی در تحلیل تحول و فرهنگ ایرانی به بررسی شعر فارسی نیازمند است. اعراب به دلیل فقدان دستمایه های هنری پس از تسخیر ایران حساسیت چندانی نسبت به مضامین و نقش مایه های هنر ساسانی از خود نشان ندادند. او با اشاره به این که کتاب های رشته مردم شناسی در سال های پس از انقلاب و با فعال شدن این رشته، منتشر شده است،می گوید: «قبل از انقلاب کتابی در زمینه مردم شناسی نداشتیم. گذشته از کتاب های درسی، تحقیق های مردم شناسی که با پیشنهاد، درخواست و تأمین اعتبار یک سازمان خاص انجام می شوند، با نظر همان سازمان سفارش دهنده، منتشر می شوند که البته تعداد این گونه سازمان ها در ایران کم است.» «ثلاثی» در این باره که وزارت علوم در زمینه تقویت رشته مردم شناسی چه اقداماتی می تواند انجام دهد،معتقد است: «در دنیا رسم است که چنین رشته هایی از طریق افراد متخصص در آنها، تقویت می شوند و با صدور بخشنامه های دولتی نمی توان برای آنها کاری کرد. در

ایران فارغ التحصیلان رشته مردم شناسی کم هستند و افرادی هم که در خارج تحصیل کرده اند، به سادگی جذب دانشگاه های ما نمی شوند. چون امکانات، منابع مالی و تحقیقاتی ما برای جذب آنها کافی نیست. البته استادهای رشته مردم شناسی در سال های اخیر، فعال تر شده اند و این رشته هم قابلیت گسترش دارد؛ چرا که هنوز بسیاری از حوزه های زیرمجموعه آن در ایران ایجاد نشده است.» او رشته مردم شناسی را برای جوامع متنوعی مانند ایران، بسیار جذاب و مناسب می داند و می گوید:«جامعه ایران از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع و متکثر است و این مسأله، موضوع مناسبی برای رشته مردم شناسی است. شاید در هیچ کجای دنیا به این اندازه تنوع موضوعی برای تحقیق مردم شناسان وجود نداشته باشد. ضمن آن که شناخت فرهنگ ها، خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ایران برای حل بسیاری از مسائل فرهنگی و رفع تنش های فرهنگی میان اقوام مختلف ایرانی و ایجاد همدلی و تفاهم در میان آنها بسیار مهم است که این کار در حوزه انسان شناسی می گنجد. متأسفانه تاکنون اهمیت چندانی برای چنین تحقیق هایی قائل نشده اند.» جوائز و نشانها : محسن ثلاثی از جمله پژوهشگران معاصر مورد تقدیر سازمان میراث فرهنگی نیز هست. به طوری که درهفته کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و دربیست و دومین دوره کتاب سال، از او در کنار جمعی دیگر درحوزه ترجمه تقدیر شد. چگونگی عرضه آثار : محسن ثلاثی در رشته علوم اجتماعی، نامی در کنار بسیاری از کتب مرجع است، جامعه شناسی آگاه و مترجمی زبده که به توسعه علوم اجتماعی در ایران می اندیشد. وی آثار زیادی را در این زمینه ترجمه کرده است. در طول این سال ها بسیاری از آثار ترجمه شده ثلاثی به عنوان منابع کنکور کارشناسی ارشد در چند رشته جامعه شناسی ومطالعات فرهنگی معرفی شده است.از آن جمله است کتاب درآمدی بر جامعه شناسی نوشته بروس کوئن. محسن ثلاثی علاوه بر حسن انتخابی که در متون ترجمه اش دارد،در برگردان آن به فارسی نیز نهایت دقت نظر و هماهنگی آن با زبان اصلی را به کار می بندد و برای واژه های ناآشنا در زبان فارسی نیز معادل هایی پیشنهاد می کند.به طور مثال برای واژه پارادایم معادل های فارسی گوناگونی به کار رفته که یکی از آنها «نمونه » است . احمد آرام در کتاب «ساختار انقلاب های علمی » ـ نوشته کوهن ـ واژه «نمونه » را به جای «پارادایم » قرار داده است . علی اسدی در ترجمه کتاب «شناختِ شناخت» نوشته ادگار مورن به جای آن، از ترکیب «چارچوب ادراکی » استفاده کرده است و اما محسن ثلاثی در ترجمه کتاب «نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ـ نوشته جورج ریتزر، کلمه «انگاره» را به جای آن قرار داده است . آثار : اسلام و سرمایه داری ویژگی اثر : نوشته

ماکسیم رودنسون، درحوزه اسلام شناسی،ثلاثی کتاب «اسلام و سرمایه داری» نوشته ماکسیم رودنسون را ترجمه کرده وبا این که سال هاست نایاب شده، ولی تجدیدچاپ نشده است2 انسان شناسی فرهنگی ویژگی اثر : بیتس؛ دانیل، 3 انقلاب فرانسه و رژیم های پیش از آن ویژگی اثر : الکسی دتوکویل ؛ انتشارات زرین.4 پیامدهای مدرنیته ویژگی اثر : یکی دیگر از کتب ترجمه شده آنتونی گیدنز توسط ثلاثی «پیامدهای مدرنیته» است. «مدرنیت» به شیوه هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا به وجود آمد و به تدریج ابعاد جهانی پیدا کرد. این تعریف، مدرنیته را به یک دوره زمانی و یک جایگاه جغرافیایی اولیه مربوط می سازد، در حالی که عمده شاخصه های آن را سربسته باقی می گذارد. آنتونی گیدنز، جامعه شناس نامی معاصر، درکتاب «پیامدهای مدرنیته» به تحلیلی فرهنگی و معرفت شناختی از مدرنیت می پردازد و تعبیری جدید و تأمل برانگیز از تحولات نهادی همراه با مدرنیته عرضه می کند. گیدنز معتقد است که ما هنوز پا به دوران پسامدرن نگذاشته ایم، بلکه دوران متأخر مدرنیته را سپری می کنیم که در آن پیامدهای مدرنیته فراگیرتر و ریشه ای تر و بنیادین تر شده است عواملی چون تباهی محیط زیست، تهدیدهای قدرت نظامی و تسلیحاتی، رشد و بسط توتالیتاریسم و حقیر شدن کار صنعتی و ... که گیدنز این ها را از پیامدهای مدرنیته برمی شمارد و بر این باور است که برای فرا رفتن از این ها و گذار به عصر پسا مدرن می بایست در ساختار سازمان های اجتماعی و فرهنگی مسلط عصر مدرن دگرگونی اساسی ایجاد کرد. این کتاب در ? فصل تدوین و تنظیم شده و به مباحثی چون: انقطاع های مدرنیته، جامعه شناسی و مدرنیته، بازاندیشی در مدرنیته، ابعاد نهادی مدرنیته، اعتماد و مدرنیته، دوره پیش از مدرن و دوره مدرن، مخاطره و خطر در جهان مدرن، پدیده شناسی مدرنیته، آیا مدرنیته یک طرح غربی است؟ و ... می پردازد. 5 جاده ابریشم ویژگی اثر : چاپ اول، نشر سروش، تهران،6 جامعه باستان ویژگی اثر : لوئیس هنری مورگان ؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 7 جامعه شناسی دین ویژگی اثر : ملکلم همیلتون؛ نشر تبیان ، چاپ اول،8 جامعه نو نوشته ای.اچ.کار ، جهان ایرانی و ایران جهانی ویژگی اثر : یکی از مهم ترین کتب ثلاثی که بر خلاف غالب آثار او تألیف شده است، کتاب جهان ایرانی و ایران جهانی است که نشر مرکز آن را منتشر کرده است.کتابی که دردهمین دوره کتاب برتر دانشگاهی در رشته علوم اجتماعی، به عنوان کتاب برتر شناخته شد.درباره این کتاب به همان اندازه که در محافل دانشگاهی و مجامع فرهنگی تهران باعث ایجاد بحث ها و نظرات متفاوتی گردید، در شهرهای دیگر نیز موجبات برگزاری جلسات نقد و بررسی آن فراهم شد.جلسه نقد

و بررسی کتاب در امور کتابخانه های عمومی استان زنجان که در سالن آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی این شهر برگزار شد از آن جمله بود. میر معزی کارشناس ارشد جامعه شناسی درباره این کتاب می گوید :« پژوهش نظریه پایه ای خود را از انسان شناسی فرهنگی گرفته است. این همان نظریه پراک گرایی یا اشاعه گرایی است که به آن( diffusion ) می گویند. این نظریه می گوید، اقوام و اجتماع فرهنگی انسانی در جهان منزوی نیستند و روابطی با فرهنگ های همسایگانشان دارند که تقلید و مهاجرت را از فرهنگ های دیگر می گیرند. ایرانیان در گذشته و تا چند سده پیش از این، با فرهنگ های پیشرفته جهان در شرق و غرب جهان ارتباط مستقیم و بی واسطه داشتند. ولی دشمنی ایران شیعی با عثمانی سنی راه ارتباط بی واسطه ایران را با اروپا تا حدودی سدکرد و در نتیجه فرهنگ ایرانی دیگر نتوانست به آسانی دوران گذشته، با فرهنگ نوینی که در اروپای غربی به سرعت و بیش از پیش پیشرفت داشت و می رفت که سرنوشت جهان را در سده های آینده رقم زند، ارتباط سازنده ای برقرار سازد.» 10 خرد و انقلاب ویژگی اثر : نشر نقره، کتاب «خرد و انقلاب» هربرت مارکوزه نیز به وسیله ثلاثی به فارسی برگردانده شده و نخستین بار به وسیله سازمان انتشارات جاویدان منتشر شده و بعدها در سال ،نشر نقره آن را به چاپ بعدی رسانده است.11 درآمدی بر جامعه شناسی ویژگی اثر : بروس کوئن12 درآمدی به انسان شناسی ویژگی اثر : از سایمون کولمن و هلن واتسون13 روش تحقیق در انسان شناسی ، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی ویژگی اثر : سیلورمن(دیوید)؛ انتشارات تبیان، 15 روش های تحقیق کیفی ویژگی اثر : از سیلورمن؛ 16 زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : ثلاثی، از میان آثاری که تاکنون ترجمه و منتشر کرده ، به «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی» علاقه بیش تری دارد. او دراین باره می گوید:«زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناس» را بیشتر دوست دارم، به خاطر اینکه مقام جامعه شناسان را در بستر اجتماعی، اقتصادی و تاریخی مورد بررسی قرارداد و نشان می دهد که نظریات و افکار این افراد در چه شرایطی، پرورش پیدا کرده و تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است. این کتاب فصل بندی بسیار جذابی دارد و درواقع کتاب جامعه شناسی جامعه شناسان است ! » عنوان اصلی این کتاب Masters of Sociological ideas in historical thought؛ است. که واژه نامه و کتابنامه آن را ثلاثی به صورت زیرنویس تنظیم کرده و چاپ اول آن را در سال به انتشارات علمی سپرده است.17 سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی ویژگی اثر : ساموئل هانتینگتون؛ نشر علم، 18 فراسوی چپ و راست ویژگی اثر : چاپ انتشارات علمی، ثلاثی به آثار آنتونی گیدنز، جامعه شناس معاصر و نظریه

پرداز عصر جدید، توجه ویژه ای دارد و اسباب آشنایی مخاطب فارسی زبان را با ترجمه برخی از آثار مهم او فراهم کرده است. از آن جمله اثر « فراسوی چپ و راست » را می توان نام برد. گیدنز در این اثر به این نکته اشاره می کند که به دلیل گسترش مدرنیته و درگیری همه فرهنگ ها و ملت ها در ساختن جهان کنونی، هم اکنون مرزبندی های رایج اعم از شمال و جنوب، مرکز و پیرامون و نیز تقابل میان چپ و راست سیاسی از میان رفته است.19 فلسفه و اندیشه سیاسی سبزها ویژگی اثر : اندرو دابسون 20 کالبد شکافی چهار انقلاب ویژگی اثر : کرین برینتون؛ انتشارات نشر نو.21 کالبدشکافی چهارانقلاب از برینتون ، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر» ویژگی اثر : توتالیتاریسم» از هانا آرنت؛ جاویدان، اسفند .23 نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر ویژگی اثر : جرج ریتزر، تهران، انتشارات علمی

منابع زندگینامه :منابع : روزنامه ایران صفحه مهرگان 1-12-1385

جلالوند، علی کرم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی کرم جلالوند
محل تولد : نهاوند
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب علی کرم جلالوند در سال 1344 در روستای درّه ابراهیم از توابع شهرستان نهاوند به دنیا آمده ام .تحصیلات ابتدائی را در زادگاهم به اتمام رساندم و سپس دوره راهنمائی و دبیرستان را در شهرستان نهاوند به پایان بردم . و در سال 62 موّفق به اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی شدم.پائیز همان سال وارد حوزه علمیه نهاوند شدم ، یک سال بعد وارد حوزه علمیه قم شدم و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج) که مدرسه ای تازه تأسیس بود ، مشغول ادامه تحصیل شدم دروس مقدمات را در این مدرسه به اتمام رساندم .اساتید در این مقطع حجج الاسلام آقایان :احدی ، مظهر علی ، طالقانی ونقوی و... بودند . دروس شرح لمعه و اصول فقه را نزد آیت الله اشتهاردی ، حجت الاسلام خاتمی و علیدوست و...تلمذ کردم . دروس رسائل ومکاسب را نزدآیت الله استادی ، حجت الاسلام محمدی ، حسینی بوشهری وحسینی شاهرودی و.... فرا گرفتم . در سال 68 همزمان با تحصیل دروس حوزوی در کنکور سراسری شرکت کردم و وارد دانشگاه تهران شدم و در سال 72 موفّق به اخذ مدرک کارشناسی علوم اجتماعی در گرایش پژوهشگری شدم. در این سال که برای اولین بار نوشتن پایان نامه جزء واحدهای درسی دوره کارشناسی شده بود اینجانب موضوع پایان نامه خود را (بررسی مسائل جامعه شناختی فرقه گنابادیه ) قرار دادم . از سال 70-71 به تناسب همکاریهائی که با سازمان تبلیغات اسلامی و پژوهشکده باقرالعلوم (ع) داشتم در تألیف وآماده سازی کتب بسیاری ازجمله مجموعه دیدار با ابرار ، گلشن ابرار ، بانوان نمونه و مجموعه فقه و زندگی به عنوان ویراستار ،ارزیاب و...سهیم بودم. به موازات این همکاریها کتاب و مقالاتی نیز تألیف کردم .

جمشیدیها، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامرضا جمشیدیها دانشیار گروه جامعه‌شناسی و رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1358)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (1376) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخیتحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا جمشیدیها مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1358)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی تاریخی از دانشگاه منچستر انگلستان (1376) اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر غلامرضا جمشیدیها می توان مواردی همچون «مشاور معاون آموزشی»، «استاد راهنمای دانشجویان شاهد»، «معاون اداری و مالی»، «مشاور رئیس و مسئول اداره ارزشیابی و رسیدگی به شکایات دانشگاه»، «مدیر کل دفتر ریاست دانشگاه»، «معاون پژوهشی دانشکده» و «نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاه» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا جمشیدیها «اندیشه های متفکران مسلمان»، «تاریخ تفکراجتماعی دراسلام»، «جامعه شناسی انقلاب»، «زبان تخصصی»، «نظریه های جامعه شناسی1» و «نظریه های جامعه شناسی 2» (در مقطع کارشناسی) و «اندیشه های متفکران مسلمان»، «اندیشه متفکرین مسلمان1»، «زبان تخصصی2»، «نظریه های جامعه شناسی1» و «جامعه شناسی تاریخی» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) می باشد.آثار : «پیدایش نظریه های جامعه شناسی (سال دوم)» (1383) ، «تاریخ و نظریة اجتماعی (سال سوم)» (1383) ، «زبان تخصصی علوم اجتماعی» (1385) ، جامعه، دولت و شهر نشینی: تفکر جامعه شناختی ابن خلدون(سال دوم) (1383) ، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام گرایی ویژگی اثر : (1379)

جهانگیر، عیسی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عیسی جهانگیر
محل تولد : عجب شیر
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1355/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1355 در شهرستان عجب شیر واقع در استان آذربایجان شرقی به دنیا آمدم – تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آنجا گذراندم سپس برای ادامه تحصیلات به قم رفتم. در سال 1370 دارد حوزه علمیّه قم شدم و در مدرسه شهیدین مشغول تحصیل علوم دینی گشتم. از جمله اساتید برجسته ای که در حوزه علمیّه قم از آنها کسب علم کرده ام آیت الله مروّجی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله مصباح یزدی و حجت الاسلام و المسلمین صادق لاریجانی می باشند.در سال 1376 همزمان با تحصیلات حوزوی وارد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) شدم. کارشناسی و کارشناسی ارشد جامعه شناسی را در این زمینه به پایان رساندم.

چراغی کوتیانی، اسماعیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل چراغی کوتیانی
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/2/2
زندگینامه علمی
در دومین روز از بهار سال 1354،در روستای کوتیان از توابع شهرستان دزفول، زاده شدم.تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهم گذراندم و در سال 1368وارد حوزه علمیه قم شدم.پس از گذراندن دوره مقدمات و سطح، در سال 1377 درس خارج فقه و اصول را آغاز کردم. اصول فقه را خوشه چینِ درس استاد بزرگوارم حضرت آیه الله العظمی سبحانی(مدظله العالی) بودم و درس خارج فقه را با زانو زدن در محضر اساتید بزرگوارم آیات عظام شبیری زنجانی و مکارم شیرازی(دامت افاضاتهم)،آموختم. در کنار تحصیل در حوزه علمیه، در سال 1376 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی شده و در رشته جامعه شناسی به تحصیل پرداختم. پس از پایان یافتن دوره کارشناسی،در سال 1382 در کارشناسی ارشد همان رشته به ادامه تحصیل پرداختم. و سرانجام در سال 1386 با دفاع از پایان نامه ام ( با عنوان بررسی و تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده)موفق به اخذ کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی شدم. در کنار تحصیل به پژوهش نیز پرداختم که حاصل آن مقالاتی است که در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

چلپی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مسعود چلبی متولد 1331 در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / 1354 / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / 1356 / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / 1363 / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی ( کلاسیک ها ) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : 1- توسعه و نظم اجتماعی 2- نظریه جامعه شناختی 3- جامعه شناسی تطبیقی 4- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران

ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.13812
تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،13853 جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(1375)چاپ چهارم13864 چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,1383

چلپی، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مسعود چلبی متولد 1331 در یزد است. وی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در ایران آغاز کرد .او مدرک کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی را از دانشگاه تهران اخذ نمود .وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی خود عازم آمریکا شده و در دانشگاه میشیگان غربی مدرک دکترا (Ph.D) رشته جامعه شناسی را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی مسعود چلبی به ترتیب زیر است. کارشناسی: علوم اجتماعی / 1354 / تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: علوم اجتماعی / 1356 / تهران / دانشگاه تهران دکتری: جامعه‌شناسی / 1363 / کالامازو / دانشگاه میشیگان غربی رساله کارشناسی ارشد : آثار تورم اقتصادی بر اوقات فراغت معلمین رساله دکترا : توسعه نیافتگی و سرمایه داری دولتی : یک مطالعه تطبیقی امتحانات حوزه تخصصی -امتحانات جامع جامعه شناسی تطبیقی جامعه شناسی آموزش و پرورش توسعه اجتماعی مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسعود چلبی ،عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.وی عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران ،سردبیر پیشین مجله جامعه‌شناسی ایران و عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران می باشد. فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی مسعود چلبی به قرار زیر است: دوره کارشناسی:آمار درعلوم اجتماعی ،جامعه شناسی آموزش و پرورش ،مبانی جامعه شناسی ، جامعه شناسی توسعه ،روش تحقیق نظری و روش تحقیق عملی دوره کارشناسی ارشد: آمار پیشرفته ،روش تحقیق کمی ,روش تحقیق کیفی, نظریه های جامعه شناسی ( کلاسیک ها ) ,نظریه های جامعه شناسی معاصر دروس تدریس شده در دوره دکتری : نظریه های روش شناختی ، مسائل اختصاصی روش تحقیق ، روش تحقیق کمی ,جامعه شناسی نظم ,نظریه های جامعه شناسی ،روش تطبیقی کیفی فازی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی مسعود چلبی : 1- توسعه و نظم اجتماعی 2- نظریه جامعه شناختی 3- جامعه شناسی تطبیقی 4- روش شناسی آثار : بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران

ویژگی اثر : موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات.تهران.13812
تحلیل اجتماعی درفضای کنش ویژگی اثر : نشر نی،تهران،13853 جامعه شناسی نظم:تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی ویژگی اثر : نشرنی.تهران,(1375)چاپ چهارم13864 چارچوب مفهومی پیما یش ارزش ها و نگرش ایرانیان ویژگی اثر : انتشارات طرح های ملی,تهران,1383

حریری اکبری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد حریری اکبری در سال 1322 در تبریز بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده (در سال 1362) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی واستاد گروه علوم اجتماعی- دانشگاه تبریز می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات محمد حریری اکبری : 1343- : اخذ دیپلم دوره متوسطه در رشته علوم طبیعی- تبریز. -1348: اخذ درجه لیسانس در علوم اقتصادی و سیاسی از دانشگاه ملی ایران- تهران. -1350: اخذ درجه فوق لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران – تهران. -1358: اخذ درجه فوق لیسانس در حکومت مقایسه ای از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. -1362 :Maxwell School of Syracuse University, USA. اخذ درجه دکتری در رشته علوم اجتماعی Ph.D.in Social Science از دانشکده/ مدرسه ماکسول دانشگاه سیراکیوز، نیویورک، ایالات متحده. فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمد حریری اکبری بهقرار زیر است: -1350: تدریس اقتصاد و بازرگانی بین المللی در انستیتو تکنولوژی بازرگانی تبریز -1351: تدریس علوم سیاسی و اداری در مدرسه عالی غزالی، قزوین. -1352: تدریس علوم سیاسی و اجتماعی در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی، قزوین و تدریس علوم سیاسی در مدرسه عالی کمپیوتر، تهران. -1353: تدریس اقتصاد ایران در مدرسه عالی علوم بازرگانی، تهران و تدریس علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز، -1354 – 1357: اشتغال تمام وقت به تدریس و مدیریت در پستهای گونه گون در دانشگاه تبریز، -1357-1362: اعزام به آمریکا با ماموریت مطالعاتی دانشگاه تبریز جهت اخذ درجه دکتری. -1362-1380: تدریس تمام وقت در دانشگاه تبریز و در مرکز مدیریت دولتی (تهران، تبریز و ارومیه) و در سازمان برنامه و بودجه کشور. -1380-1381: گذراندن دوره تخصصی در برنامه " خزر شناسی" مدرسه (دانشکده) علوم سیاسی جان.اف.کندی، دانشگاه هاروارد، بوستون، ماساچوست، آمریکا. Caspian Studies Program in J.F.Kennedy School of Government, atHarvard University. -1380- تا کنون: تدریس و تحقیق تمام وقت در دانشگاه

تبریز و در سایر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی شهر تبریز. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : خدمات علمی و فرهنگی محمد حریری اکبری: -عضویت در هیات تحریریه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. -عضویت در هیات تحریریه نامه علوم اجتماعی، نشریه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله پژوهش زنان، دانشگاه تهران. -عضویت در هیات تحریریه مجله انجمن جامعه شناسی ایران، دانشگاه تهران، -عضویت در هیات امنای کتابخانه مرکزی تبریز. -برگزاری افزون بر ده کارگاه آموزشی در زمینه سازمان و مدیریت . -شرکت در بیش از بیست کنفرانس، سمینار و سمپوزیوم ملی و بین المللی که اغلب آنها با عرضه مقاله بوده است. -انجام بیش از ده مصاحبه مفصل با روزنامه ها و مجلات داخلی. -همکاری با روزنامه ها و مجلات گونه گون با تهیه مطالب کوتاه و بلند در باره امور و مسائل اجتماعی. چگونگی عرضه آثار : مقالات تهیه و تدوین شده: مقالات بزبان فارسی: 19 مورد مقالات بزبان خارجی:5 موردآثار : افسانه های فولکلوریک قفقاز ویژگی اثر : 1350: پروفسور پومرانتسوا،(تبریز: انتشارات نوبل، 1350)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 2 برگزیده آثار، ویژگی اثر : 1352: نریمان نریمانوف، ( تبریز: نشر ابن سینا، 1352)، ترجمه: محمدحریری اکبری، (از ترکی آذربایجانی به فارسی). 3 جامعه شناسی سیاسی ویژگی اثر : 1380: تام باتومور، (تهران: نشر قطره، 1380)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 4 حکومت فدرال هندوستان ویژگی اثر : 1349: کریشنا سوامی، تهران: موسسه بهار ایران، 1349)، ترجمه: محمد حریری اکبری، ( از انگلیسی به فارسی). 5 خرد، عدالت و نوگرایی: نوشته های اخیر یورگن هابرماس ویژگی اثر : 1380: استیون وایت، (تهران: نشر قطره، 1380)، ترجمه: محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 6 دبستان فرانکفورت ویژگی اثر : 1372: تام باتومور، (تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، 1372)، ترجمه: محمدحریری اکبری، ( از انگلیسی به فارسی). 7 ریشه های فعالیتهای سیاسی دانشجویان ویژگی اثر : 1351: محمدحریری اکبری، (تبریز: انتشارات نوبل، 1351). 8 کتاب دده قورقود ویژگی اثر : 1353: جفری لویس، (تبریز: نشر ابن سینا، 1353)، ترجمه: فریبا عزبدفتری و محمد حریری اکبری، (از انگلیسی به فارسی). 9 مدیریت توسعه ویژگی اثر : 1378: محمد حریری اکبری، (تهران: نشر قطره، 1378).

حسامی، فاضل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فاضل حسامی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/8/10
زندگینامه علمی
اینجانب فاضل حسامی فرزند عباس متولد 1341 آبادان تحصیل دروس حوزوی تا خارج فقه نزد اساتید بزرگواری چون حضرات حجج اسلام آقایان اسلامی . نواب ، خسرو شاهی، رجائی ، موسوی تهرانی ، و صالحی افغانی و نیز حضرات آیات آقایان وجدانی فخر (ره) پایانی ، ستوده ، بهبودی ، مومن ، مظاهری ، مکارم شیرازی و خاتم یزدی .تحصیل در زمینه الهیات و معارف اسلامی از سال 1365 تا پایان آن دوره در موسسه در راه حق قم. در سال 1369 برای ادامه تحصیل در رشته جامعه شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی که در آن زمان بنیاد فرهنگی باقرالعلوم(ع) نام داشت ، پذیرفته شدم و در سال 1377 در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شدم .به دلیل علایق حوزوی ، موضوع پایان نامه صبغه جامعه شناسی فقه و نیز جامعه شناسی دین به خود گرفت .همزمان با تحصیل و در ادامه آن مسئولیت های اجرائی نیز عهده دار بودم که می توان مدیریت تحصیلات تکمیلی ، دبیری گروه جامعه شناسی ، مدیریت مالی ، معاونت اداری - مالی و نیز دبیر کلی انجمن فارغ التحصیلان موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) را نام برد

حسینی هاشمی شاهرودی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمود حسینی هاشمی شاهرودی
محل تولد : نجف
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1327/1/1
زندگینامه علمی
آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سال 1327 هجری شمسی در شهر نجف و در خانواده‌ای مذهبی و از سادات منسوب به امام حسین(ع) چشم به جهان گشود. پدرش مرحوم آیت‌الله سید علی حسینی شاهرودی، از استادان و بزرگان حوزه علمیه نجف بود و خدمات فراوانی را به عالم اسلام ارزانی داشت. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه علویه نجف به پایان رسانید و سپس به تحصیلات حوزوی روی آورد. او با توجه به موقعیت علمی خانوادگی و نیز با توجه به هوش و استعداد سرشار و کوشش فراوان خود، در مدتی اندک توانست دروس دورهٔ سطح را به پایان رساند. پس از آن به حلقه درس آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر پیوست و سالها در خدمت استاد خود، مبانی اجتهاد در اصول و فقه را به خوبی آموخت و در درس دیگر مراجع آن روز نجف ـ از جمله امام خمینی(ره) ـ نیز با جدیت شرکت جست و بهره‌های فراوان برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در طول سالهای تحصیل، در دروس اخلاق خصوصی و عمومی استادان خود شرکت می‌کرد و از محضر آنان بهره‌های فراوان می‌برد. آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل خود از محضر استادان بسیاری بهره برد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین استاد او در درس خارج آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر بود. آن شهید سعید که از افتخارات شیعه و مرجعیت به شمار می‌آید، شاگردان بسیاری را به عالم اسلام، تقدیم داشته است. او که از حافظه و استعدادی سرشار برخوردار بود، توانست با نوآوریهای فراوان در فقه و اصول و دیگر علوم اسلامی و به روز ساختن مباحث علوم و نیز نگاشتن کتب درسی در زمینه‌های یاد شده، گام مهمی برای تعالی اسلام و تشیع بردارد و از این رهگذر، شاگردان او، همچون آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، این خدمات و اندیشه‌ها را پی گرفتند. از دیگر

استادان آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت‌الله العظمی خویی(ره) را می‌توان نام برد. معظم له سالها در محضر ایشان به تحکیم مبانی اجتهادی خود می‌پرداخت، ضمن اینکه از محضر آنان، در زمینه‌های اخلاقی نیز بسیار بهره می‌برد. آیت‌الله هاشمی شاهرودی در طول دوران تحصیل خود، با طلاب و فضلای بسیاری رابطه دوستی داشت و پس از آن نیز با علمای بسیاری روابط صمیمانه و علمی برقرار نمود که از جمله آنها می‌توان از آیت‌الله مؤمن و مقام معظم رهبری نام برد آیت‌الله هاشمی شاهرودی تاکنون فعالیتهای بسیاری را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به انجام رسانده است. در یکی از دیدارهای اعضای مجلس اعلای عراق، امام خمینی(ره) با توجه به شناخت خود از ایشان می‌خواهد که تدریس در حوزه علمیه قم را بر هر کاری ترجیح دهد و به تربیت طلاب مستعد در زمینه‌های علمی و اخلاقی بپردازد. معظم له نیز با ورود به ایران ـ در فروردین 1358 ـ به تدریس درس خارج فقه و اصول می‌پردازد که این تدریس تا هم اکنون نیز ادامه دارد و طلاب بسیاری از محضر ایشان بهره‌مند شده‌اند. ویژگی درس ایشان دقت فراوان، تسلط بر مباحث و نوآوری در برخی زمینه‌هاست. آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست دو کنگرة مهم نقش زمان و مکان در اندیشه امام خمینی(ره) و نخستین کنگره دایرة المعارف فقه اسلامی را بر عهده داشت که هر دو کنگره با استقبال بزرگان و فضلای حوزه و دانشگاه و اندیشمندان خارجی و داخلی مواجه شد. از خدمات دیگر ایشان، ریاست مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی با حکم مقام معظم رهبری است. مقام معظم رهبری در حکم خود، خطاب به ایشان می‌فرماید: «جناب عالی را که چهرة درخشانی در علم و عمل بوده و بحمدالله از مقام والایی در فقه و علوم مرتبط با آن برخوردارید، برای انجام این اقدام بزرگ، شایسته دانسته و مسؤولیت ایجاد و ادارة مؤسسه‌ای برای تهیه این دایرة المعارف را به جناب عالی محول می‌کنم». آیت‌الله هاشمی شاهرودی در سالهای تحصیل و تدریس، فعالیتهای سیاسی بسیاری را پدید آورده است. در پی یورش مزدوران رژیم صدام به علما و اندیشمندان در سال 1974 میلادی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی به زندان افتاد و شکنجه‌های فراوان بدنی و روحی را به جان خرید. او در پی تظاهرات مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام(ره)، بویژه در نجف، و در گرامیداشت این پیروزی، تحت پیگرد رژیم بعث قرار گرفت و به سفارش شهید صدر(ره) به وطن خود بازگشت تا وکالت عام شهید صدر و نمایندگی او را نزد امام خمینی (ره) بر عهده گیرد. او با ورود به ایران به خدمت امام خمینی(ره) مشرف شد و با موافقت ایشان، رابط امام(ره) و شهید صدر شد و پیامهای علمای نجف را به سمع امام(ره) می‌رساند. او با دستور

آیت‌الله خامنه‌ای که در آن زمان با حکم امام(ره) مسؤولیت نهضت‌های اسلامی را بر عهده داشت، تشکیلاتِ جامعة روحانیت مبارز و مجلس اعلای عراق را به راه انداخت و آن را مدیریت و سازماندهی کرد. او که به دستور امام(ره) تدریس و بررسی مسائل فقهی، بویژه احیای فقه حکومتی استوار بر ادلة استنباط جواهری را بر عهده داشت، در طول سالیان انقلاب از هیچ کوششی در جهت اعتلای انقلاب، دریغ نورزید. آیت‌الله هاشمی شاهرودی سالها از اعضای فقهای شورای نگهبان بود ودر این نهاد مقدس به خدمت اشتغال داشت تا اینکه با حکم مقام معظم رهبری به ریاست قوه قضائیه منصوب شد. او در طول مسؤولیت خود در قوه قضائیه، تاکنون خدمات بسیاری را انجام داد که توسعة قضایی، تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ایجاد ارتباط مردمی از جمله آنهاست.

خان محمدی، کریم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کریم خان محمدی
محل تولد : زنجان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1349/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب کریم خان محمدی در سال 61 پس از اخذ پنجم ابتدایی وارد حوزه علمیه زنجان شدم .در سال 67 پس از اتمام پایه 6 (لمعتین) به حوزه علمیه قم منتقل شدم . تا سال 70 ضمن اتمام رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) به صورت متفرقه شبانه و دبیرستان رزمندگان دیپلم گرفتم . از سال 70 به صورت مخفیانه به دانشگاه رفتم و در سال 70 در کنکور سراسری قبول و در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به رشته جامعه شناسی مشغول گشتم و در سال 78 در مقطع کارشناسی ارشد از همان دانشکده فارغ التحصیل و به همراه دروس حوزه شروع به تحقیق و پژوهش و همگام با آن تدریس نمودم . در درس آیات عظام مکارم و سبحانی شرکت می کردم . دروس آیت الله جوادی مفسر بزرگ که هنوز هم غیر حضوری اشتغال دارم .
از سال 78 پژوهش را شروع نمودم و اکنون بیش از 20 مقاله در مجلات علمی به چاپ رسانده ام . در مقطع دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام نیز در زمینه اصول و هنجارهای ارتباطی قرآن مشغول پژوهش هستم . طرح پژوهشی (مفهوم شناسی جامعه شناسی اسلامی) توسط نگارنده با کارفرمایی موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام (حمید پارسانیا) در دست اجرا است .علاقه پژوهشی اینجانب ارائه آموزه های دینی به زبان روز و تلفیق علوم دینی با دست آوردهای جدید علمی است . کلیه مقالات منشر شده به جز چند مورد از متون دینی بهره گرفته است .

خائفی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز خائفی در سال 1315 ه.ش در شیراز از مادر زاده شد . تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامة تحصیل وارد دانشکده ی ادبیات همان شهر گردید . و به دریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی، و به تدریس در دبیرستان های شیراز اشتغال ورزید . سپس عازم تهران گردید و دوره ی فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید و به سمت مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته ی پیکار با بی سوادی منصوب شد . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ و هنربه خدمت پرداخت و یک چند ریاست کتابخانه ی ملی فارس را عهده دار بود و اکنون ضمن تدریس در دانشگاه های آزاد و پیام نور شیراز و چند شهر استان فارس ، سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیز می باشد . پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد و از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود .گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : پرویز خائفی نوه میرزا اسماعیل خائف ،شاعر معروف و عالم متبحر شیراز ،که فلسفه ملاصدرا را تدریس می کرد و هم صاحب دیوان شعر بود.وی با شوریده شیرازی معاصر بود ه و هر دو از نعمت بینایی محروم بوده اند .تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز خائفی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل وارد دانشکده ادبیات همان شهر گردید و پس ازدریافت لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی توفیق یافت ، به تدریس در دبیرستانها شیراز اشتغال ورزید ،آنگاه عازم تهران گردید و دوره فوق لیسانس را در علوم اجتماعی گذرانید.فعالیتهای ضمن تحصیل : پرویز خائفی کار شعر و شاعری را از دوران دبیرستان آغاز کرد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز خائفی پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد ، مسئول تبلیغات و انتشارات کمیته پیکار با بی سوادی گردید . خائفی از آن پس در وزارت فرهنگ وهنر انتقال یافت و یک چند نیز ریاست کتابخانه ملی فارس را عهده دار بود واکنون سرپرست مرکز حافظ شناسی در آرامگاه حافظ نیزمی باشد .فعالیتهای آموزشی : پرویز خائفی پس از اخذ لیسانس ادبیات فارسی ، به تدریس در دبیرستان های شیراز به تدریس پرداخت .بعدها وی در دانشگاه های آزاد ، پیام نور شیراز و چند شهرستان استان فارس پرداخت .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز خائفی

از سال 1329 ه.ش با مطبوعات نیز همکاری نمود و آثار منظوم و مقالاتش همواره در روزنامه و مجله های کشور به چاپ رسیده است .آثار : از لحظه تا یقین (شعر) ، این خاک طربناک (شعر) ، باز آسمان آبی است (شعر) ، بازگشت یادنامه میرزا ی کاظمی ، پند سعدی ، حافظ در اوج ، حصار(شعر) ، مقا له ها و مقابله ها ، نگاهی به غزل حافظ

خیری، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن خیری
محل تولد : وزوان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1345 در شهر وزوان از توابع اصفهان در خانواده ای کشاورز و متدین به دنیا آمدم. دوره ابتدایی ، راهنمایی و متوسطه را در زادگاهم گذراندم. علاقه وافر به مذهب و روحانیت موجب شد که به همراه شهید احمد خوش کثیر به عنوان اولین طلبه های شهرمان در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم شوم. دوره سطح را در ظرف شش سال به پایان رسانده و برای تحصیل دروس خارج فقه واصول در درس آیات عظام مرحوم فاضل لنکرانی ، میرزا جواد آقا تبریزی، سبحانی، مکارم حضور یافتم.
به علاوه از سال 64 در موسسه در راه حق به تحصیل پرداخته و پس از اتمام دروس عمومی از سال 69 تا 76 کارشناسی ارشد جامعه شناسی را گذراندم و نیز موفق به گذراندن دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد شدم. دوره تحصیلات را با ورود به دوره دکتری جامعه شناسی در سال 1382 ادامه داده و موفق به اخذ مدرک دکتری PH.D جامعه شناسی در سال 1386 شدم.هم اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی توفیق همکاری را دارم.

خیری، یوسف

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسف خیری
محل تولد : میاندوآب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1354/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 69 وارد حوزه بناب شدم در سال 73 شش پایه ابتدایی را تمام و فارغ التصیل شدم و تا سال 75 سطوح را تمام کرده مشغول دروس خارج فقه و اصول شدم . همزمان با اینها وارد موسسه امام خمینی شدم و امسال (سال 86) از رشته جامعه شناسی با مدرک فوق لیسانس فارغ التحصیل شدم.
ضمنا از سال 87 وارد موسسه ادیان و مذاهب در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان وارد شدم و بمدت دو سال دروس آن را به اتمام رساندم البته پایان نامه ننوشتم.درسال 84 پایان نامه سطح سه حوزه را با موضوع موارد پرداخت دیه از بیت المال دفاع کردم. و الان مشغول تدوین رساله سطح چهار حوزه هستم.ضمنا فعلا در دانشگاه باقرالعلوم در رشته اندیشه معاصر مسلمین مشغول تحصیل دوره دکتری هستم. والسلام.

داوری، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد داوری
محل تولد : رودان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/1/1

زندگینامه علمی
در سال 1342 در شهرستان رودان متولد شدم . دوران ابتدایی و راهنمایی و قسمتی از متوسطه را در زادگاه خود به اتمام رساندم . در سال 1359 وارد حوزه علمیه قم شدم و همزمان 2 سال آخر دبیرستان را در دبیرستان دین و دانش قم سپری کردم . ادبیات را در مدرسه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خواندم و سپس به تحصیل در دروس سطح عالی حوزه و خارج فقه و اصول مشغول شدم . همزمان با تحصیل در حوزه از سال 1371 وارد «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» شدم و تحصیل در رشته جامعه شناسی را شروع کردم و پس از چهارسال در این پژوهشگاه مشغول به تحقیق و پژوهش شدم . علاوه بر آن به مدت سه سال با مرکز تحقیقات اسلامی جانبازان در خصوص شناسایی جانبازان صدر اسلام و تنظیم زندگینامه برای آنان همکاری داشتم . همچنین به صورت پاره وقت از سال 1378 تا 1381 با نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران همکاری داشته ام و در این دانشگاه دروس معارف را تدریس کرده ام .

دوران، بهزاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهزاد دوران تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان کرج آغاز نمود و با قبولی در رشته پالایشگاه شیمی وارد دانشگاه شیراز شد. ایشان با تغییر رشته خود به جامعه شناسی کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته جامعه شناسی کسب نمود. وی با تدریس در دانشگاههای آزاد و دولتی فعالیت آموزشی خود را آغاز کرد و به عنوان رئیس پژوهشکده علم سنجی و تحلیل اطلاعات و مدیر گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی به فعالیت خود ادامه می دهد. ایشان مقالات زیادی در سمینارها و مجلات و میزگرد ها به چاپ رسانیده است و مولف 2 کتاب درسی می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد دوران دوره ابتدایی خود را در مدرسه خندان در کرج به سال 1357 دوره راهنمایی را در مجتمع آموزشی قلم در سال 1360 در کرج کارشناسی مهندسی شیمی (صنایع پایشگاه نفت) در دانشگاه شیراز در سال 1369 کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس 1375 مقطع دکترا در رشته جامعه شناسی دانشگاه تربیت مدرس 1381 مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهزاد دوران در گروه پژوهشی جامعه اطلاعاتی فعالیت می کند. - مدیر گروه پژوهشی تحلیل اطلاعات - دبیر شورای پژوهش -عضو شورای نظارت و ارزیابی - عضو شورای برنامه ریزی استراتژیک فعالیتهای آموزشی : بهزاد دوران در دانشگاه های دولتی و آزاد تهران و شهرستانها به تدریس دروس مختلف فعالیت داشته است. همچنین: - به عنوان مدیر گروه پژوهشی فناوری اطلاعات با رویکرد اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ،1382-84 - عضو گروه پژوهشی کالاهای فرهنگی غیر مجاز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ( وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).1383 - عضو گروه پژوهشی رسانه های دیداری - شنیداری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)،1382 - کارشناسی ارزیابی طرح های پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، 81-1376 - عضو شورای برنامه ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی_ وزارت آموزش و پرورش)، از خرداد 82 عضو شورای برنامه‌ریزی گروه علوم اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسیِ سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد 1382. - عضو گروه علوم انسانی پژوهشکدهٔ برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی (وزارت آموزش و پرورش). از خرداد 1383. - عضو شورای سردبیری کتاب ماه علوم اجتماعی. از دی ماه 1381. - عضو انجمن انسان‌شناسی ایران. از آبان ماه 1383. - عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران. از آذر ماه 1381. - عضو انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران. از اردی‌بهشت ماه 1380. - دبیر هم‌اندیشی «رسانه‌ها، فناوری اطلاعات و جهانی شدن». موسسه فناوری اطلاعات آموزشی مدارس هوشمند (سازمان ملی جوانان). دی ماه 1382. - مشاور علمی ویژه نامهٔ جامعه اطلاعاتی، نمایه پژوهش، سال چهارم، شماره 15، 1379. - مشاور کمیتهٔ حقوقی صدا و سیما ج.ا.ا. 1378. - کارشناس پژوهش اجتماعی موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. 75-1374. - مشاور کمیتهٔ اجتماعی، معاونت آب وزارت نیرو. 1375. - منشی کمیسیون اطلاع رسانی شورای تحقیقات علمی کشور. 1374. - دبیرنامه (خبرنامه دبیرخانه شورای پژوهش). مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. 79-1378. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : بهزاد دوران به عنوان داور و ناظر پایان نامه های دوره ( کارشناسی ارشد و کارشناسی و دکترا) می باشد و با طرحهای تحقیقی و پژوهشی سازمانها و پژوهشگاهها فعالیت دارد.جوائز و نشانها : 1- لوح تقدیر از رئیس جمهوری آقای محمد خاتمی برای برگزیده شدن رساله دکترا به عنوان پژوهش برگزیده در هشتمین دوره پژوهش فرهنگی سال 82-1381. آذر 1382. 2- لوح تقدیر از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای احمد مسجد جامعی به عنوان پژوهشگر برگزیده. بهمن 1382. 3- لوح سپاس از رئیس سازمان ملی جوانان آقای رحیم عبادی به عنوان برگزیدهٔ نخستین فراخوان آثار پژوهشی. اسفند 1382.چگونگی عرضه آثار : از آثار بهزاد دوران انتشار 24 مقاله در مجلات، 10 مقاله در سمینارهای داخلی و خارجی و همچنین انتشار مقاله در 2 میزگرد تخصصی می باشد.آثار : پالایش نفت ویژگی اثر : تهران: انتشارات کاوش قلم ، 13802 علوم اجتماعی ویژگی اثر : در مورد جامعه شناسی نظام جهانی، دوره پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی، با همکاری احمد رجب زاده ، تهران: شرکت چاپ ونشر کتابهای درسی ایران ، وزارت آموزش و پرورش 1384

راود راد، اعظم

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر اعظم راود راد دانشیار گروه علوم ارتباطات و معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1369) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(1375) اخذ نمودند. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اعظم راود راد مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365)، مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1369) و مدرک دکترا را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه وسترن سیدنی استرالیا(1375) اخذ نمودند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی اجرایی دکتر راود راد می توان به مواردی همچون معاون پژوهشی,دانشکده علوم اجتماعی در سال 1386،نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران,کمیسیون بانوان استان تهران (1379,1381)،عضو کمیسیون علوم اجتماعی پژوهش های کاربردی,دانشگاه تهران ، سرپرست بخش تحقیقات زنان موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ، سرپرست تحصیلات تکمیلی ، مدیر گروه ارتباطات ، مدیرگروه ارتباطات ، نماینده تام الاختیار دانشگاه در کمیسیون بانوان استان تهران ، عضو هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش زنان ، معاون تحصیلات تکمیلی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات,عضو هیأت مؤسس,1380 ،عضو انجمن جامعه شناسی ایران,1375 و سردبیر فصلنامه پژوهش زنان اشاره نمود. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «ارتباطات تصویری »، « ارتباطات جمعی»، « تجزیه وتحلیل برنامه های رادیو و تلویزیون»، «جامعه شناسی ارتباطات اجتماعی»، «جامعه شناسی هنر»، «جامعه شناسی هنروادبیات»، «مبانی ارتباطات جمعی»، «مطالعات رادیویی»(در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی هنر »، «جامعهشناسیهنر»، «روش تحقیق درهنر»، «زبان تخصصی1»، «زبان تخصصی2»، «جامعه شناسی سینما»، «سینما و مطالعات فرهنگی»(در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است. وی مولف کتاب های «نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات»(1383)، « دین و رسانه»(1386) و مقالات «تبیین فیلم و

جامعه»، «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تاکید بر اشتغال»، «جامعه شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه شناسی معاصر»، «نقد کتاب رسانه ها و نمادها»، «نقدی بر دیدگاه کارال مانهم در جامعه شناسی هنر»، «ارتباط کلی سینما وجامعه شناسی با جامعه شناسی سینما»، «نقدی بر جبریت اجتماعی هنر»، «تحلیل جامعه شناسی فیلمهای قرمز و دو زن»، «تحلیل برنامه های فرهنگی رادیو و تلویزیون»، «سینمای سیاسی ایران و زنان کارگردان»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مشارت زنان در رادیو و تلویزیون»، «سینما رسانه فراموش شده»، «تخیل و نقش آن در رادیو»، «مقایسه نقش شغلی زنان و مردان متخصص»، «جامعه هنرمند و هنرمند جامعه: تحلیل جامعه شناختی آثار سینمایی بهرام بیضایی»، «جایگاه اقتصاد در جامعه شناسی هنر»، «مسائل اجتماعی زنان در اینترنت»، «نقدی بر نظریه انتقادی و سینمای آلمان»، «تصویر زن در آثار سینمایی رخشان بنی اعتماد»، «عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری سینمای زن در ایران»، «توصیف وضعیت پژوهش های فرهنگی-اجتماعی کشور بعد از انقلاب اسلامی»، «تغییرات نقش زن در سینمای ایران»، «جامعه شناسی اثر هنری»، «تحلیل جنسیتی نقش های مورد انتظار و کار بسته زنان در خانواده»، «Sustainable Development: Role of Art in Local and Global Society» است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه : جامعه شناسی سینما,جامعه شناسی هنر ,دین و رسانه ,رسانه های سمعی و بصری: رادیو- تلویزیون- سینما,زنان و رسانه هاچگونگی عرضه آثار : دکتر راودراد همچنین مقالاتی را همچون اموزش جامعه شناسی هنر در دانشگاه، گزارش تحقیقی "تحلیل و تفسیر فعالیتهای فرهنگی کشور"، معرفی جامعه شناسی هنر، آزار و تعقیب زنان در اینترنت، تعریف هنر از دیدگاه جامعه شناسی، سینما و انقلاب دیجیتال، عوامل موثر بر مصرف رسانه ای زنان، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، سینما و ارتباطات دینی، تعامل دین و رسانه، نقد جامعه شناسانه هنر، نقاشی ایرانی در دوران سنت و تجد، جامعه شناسی اثر هنری، A study of social factors influencing people to become artists در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه داده اند. تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:13 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی:5 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:29 مورد تعدادهمایشها داخلی :16 مورد تعداد همایشها خارجی : 3 مورد آثار :دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,دفتر پژوهش های رادیو,2 مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,جهاد دانشگاهی واحد تهران,3 نظریه های جامعه شناسی هنر وادبیات ویژگی اثر : تالیف و تصنیف,انتشارات دانشگاه تهران

ربانی خوراسگانی، محمدصادق

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صادق ربانی خوراسگانی
محل تولد : اصفهان
شهرت : ربانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/1/1
زندگینامه علمی
در مهر ماه سال 1370 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم و سطوح مقدمات را در سال 76 به پایان رساندم و همراه با آن دیپلم را اخذ کردم و وارد حوزه علمیه قم شدم و در کنار دروس حوزوی رسائل و مکاسب و کفایه در مؤسسه امام خمینی(ره) قم مشغول به تحصیل در رشته جامعه شناسی شده و الان مشغول پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی هستم و در حدود 5 سال است که در دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام آیة الله فاضل لنکرانی ، مرحوم تبریزی ، وحید خراسانی و استاد محمد جواد فاضل لنکرانی مشغول به تحصیل علوم حوزوی هستم.

رجبی، محمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود رجبی
محل تولد : جاسب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1330/1/1
زندگینامه علمی
حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سال 1330 هجری شمسی در شهیدیه جاسب در میان خانواده‌ای متدین و پاک طینت به دنیا آمد. پدرش مرحوم غلامحسین رجبی به شغل کشاورزی و آهنگری روزگار می‌گذراند و به روحانیت شیعه و راه مقدس آن علاقه وافری داشت. او دو سال پس از تولد فرزندش به همراه خانواده به قم آمد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی تحصیلات خود را از دبستان آغاز کرد و با به پایان بردن آن، در سال 1343 به حوزه علمیه قم وارد شد. مشوق اصلی وی در این امر پدرش بود. پدرش از علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) بود و همواره در شهادتها و ولادتها به برگزاری مراسم اهتمام جدی داشت. او همواره به روحانیت شیعه عشق می‌ورزید و از این رو فرزند خود را بسیار تشویق می‌کرد تا در این راه پرافتخار گام بردارد.او تحصیلات علوم دینی را در مدرسه علمیه آیةالله العظمی گلپایگانی(ره) آغاز کرد و کتب دوره مقدمات و سطح را نزد استادان برجستة آن روزگار به پایان برد. سپس در سال 1350 به درس خارج فقه و اصول استادان برجستة حوزه علمیه قم راه یافت و سالها از محضر آنان بهره برد. او در طی این سالها از تحصیل تفسیر، علوم عقلی و شرکت در دروس اخلاق نیز بازنماند و در اولین دوره آموزشی ویژه مؤسسه در راه حق که تحت اشراف علمی حضرت آیةالله مصباح یزدی اداره می‌شد شرکت نمود. وی همچنین با تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه نیز در گروه علوم اجتماعی این دفتر به تحقیق، ارائه کنفرانس و بازسازی علوم انسانی در قلمرو جامعه‌شناسی پرداخت. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی به محضر استادان فراوانی راه یافت. او بخشی از مقدمات و سیوطی را نزد آقایان فلاح زاده و شایسته(ره)، منطق مظفر و اصول فقه مظفر را نزد آیةالله امینیان و حجةالاسلام و المسلمین فیاضی، معالم الاصول را نزد آیةالله مقتدایی و

معانی و بیان را نزد آیةالله حاج شیخ حسن آقا تهرانی فرا گرفت. شرح لمعه را نزد حضرات آیات آقایان محمد مؤمن، حسین شب‌زنده‌دار، شیخ حسن تهرانی، فاضلی و امراللهی فرا گرفت و در درس رسائل آیةالله طاهری خرم آبادی و آیةالله مؤمن و در درس مکاسب آیةالله ستوده، آیةالله مصلحی اراکی و آیةالله مؤمن شرکت کرد. برای آموختن کفایةالاصول نیز به درس آیةالله سلطانی طباطبایی(ره) و آیةالله مؤمن رفت. وی با پایان یافتن دورة سطح، به درس خارج آیةالله حاج شیخ کاظم تبریزی(ره)، آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری(ره)، آیةالله العظمی وحید خراسانی، آیةالله شاه آبادی آملی رفت و سالها از محضر ایشان بهره برد. ضمناً او در درس تفسیر آیةالله شب‌زنده‌دار نیز حاضر می‌شد و باب حادی عشر رانزد آیةالله صلواتی و شرح تجرید را نزد آیةالله حسینی کاشانی آموخت. او در طی این سالها از درس اخلاق حضرات آیات مشکینی و مصباح یزدی بهره برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای تحصیل خود با استادان و فضلای بسیاری رابطة دوستی داشت که از آن جمله، حجج اسلام آقایان سید محمد غروی، علی مؤمن، مهدی شب‌زنده‌دار و محمود محمدی عراقی را می‌توان نام برد. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی در سالهای زندگانی خود تا به امروز، خدمات علمی و فرهنگی بسیاری از خود برجای نهاده است. او بسیاری از کتب دوره سطح را بارها تدریس کرده و از این رهگذر شاگردان فراوانی را تربیت کرده است. بخشی از تدریس او مربوط به مؤسسه در راه حق و مؤسسه امام خمینی(ره) است. او با توجه به رشته تحصیلی خود در مؤسسه در راه حق (جامعه‌شناسی) و مطالعات و تحقیقات فراوان در علوم قرآنی و تفسیر، سالها به تدریس در آن دو مؤسسه و نیز دانشگاه‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر اشتغال داشته است. بخشی از فعالیتهای علمی و فرهنگی وی تهیه متون و منابع درسی در دو رشته «تفسیر و علوم قرآن» و «جامعه‌شناسی» است او از این رهگذر کتابهای متعددی را تألیف کرده که از آن جمله می‌توان به کتابهای «روش تفسیر قرآن»، «شناخت قرآن»، «اعجاز قرآن»، «انسان‌شناسی» و «قرآن‌شناسی» ـ که حاصل تلاش ایشان در تحقیق و تدوین درسهای استاد مصباح یزدی می‌باشد ـ را نام برد او همچنین کتابهای «درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی»، «تاریخچه جامعه‌شناسی»، «مبانی جامعه‌شناسی» و «تاریخ تفکرات اجتماعی» را در قلمرو علوم اجتماعی به رشته تحریر درآورده است. ایشان در زمینه ترجمه نیز کتاب «عوامل ضعف المسلمین» نوشته عاطف الزین را به فارسی ترجمه کرده است. حجةالاسلام والمسلمین محمود رجبی از مؤسسان دفتر همکاری حوزه و

دانشگاه و مسؤول گروه علوم اجتماعی این دفتر است، وی همچنین ضمن عضویت در شورای عالی بررسی متون درسی دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) را نیز بر عهده دارد.او از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است و هم اکنون در قم به تدریس می پردازد.

رضای الهی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فضل الله رضای الهی در سال 1302 در شهر اصفهان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از کشور فرانسه است. استاد هم اکنون پس از تدریس در دانشگاههای مختلف ایران و بازنشستگی مدت 14 سال است که با دانشگاه آزاد اسلامی همکاری دارند .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فضل الله رضای الهی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا اخذ دیپلم ادبی در اصفهان سپری نمودند در سال 1333 موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته ادبیات از دانشگاه تهران شد. ایشان چندین سال در کسوت معلمی به دبیری دبیرستانهای تهران اشتغال داشتند. شوق تحصیل دسترسی بمدارج بالا تر موجب شد که در کنکور کارشناسی ارشد شرکت نمودند و در سال 1342 موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی گردید.دکتر رضای الهی مدرک دکتری رشته جامعه شناسی را از کشور فرانسه دریافت کرده است.همسر و فرزندان : فضل الله رضای الهی متاهل و دارای سه فرزند می باشد.وقایع میانسالی : فضل الله رضا الهی پس از دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی در دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) مشغول به تدریس و تحقیق شدند.و پس از اخذ درجه دکتری رشته فوق از کشور فرانسه به ایران بازگشتند و همچنان در دانشگاههای مختلف به تدریس و تحقیق مشغول می باشند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فضل الله رضای الهی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد.

رضوی، مرتضی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
زندگی نامه آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی .

آیت الله حاج شیخ مرتضی رضوی فرزند ارشد شیخ محمد حسین رضوی در 26 دی‌ماه سال 1326 شمسی در خانواده‌ای فرهنگی، مذهبی و روحانی چشم به جهان گشود. فشرده‌ای از آثار و زندگی پدرو اجداد ایشان و انگیزه انتقال شیخ محمد علی کاظمینی خوئی از عراق به آذربایجان در سایت بینش نو در لینک «دربارة ما» بیان گردیده است.
استاد مرتضی رضوی در اواخر سال 1340 پس ازتحصیل دوره ابتدایی و علوم مقدماتی به شهر مقدس قم عزیمت نمودند و در محضر اساتید بزرگ به تحصیل علوم و معارف اسلامی پرداختند: دروس فلسفه و منطق را نزد بزرگانی چون انصاری شیرازی، شهید دکتر مفتح و استاد شهید مرتضی مطهری گذراندند.
فقه و مکاسب رادر محضر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله جعفر سبحانی و درس «خارج» را مدتی نزد آیت الله داماد، و آنگاه از کلاس درس خارج مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله شر یعتمداری و آیت الله ملکوتی بهره‌مند شدند.
استاد که در یک خانواده و خاندان بزرگ فرهنگی رشد یافته‌اند، از همان اوان کودکی با محافل نقد و بحث علمی، مذهبی مأنوس و آشنا بوده‌اند، همچنانکه خود بیان می‌دارند در کلام و اعتقادات و اسلام شناسی شاگرد پدر بزرگوارشان شیخ محمد حسین رضوی، و مرهون راهنماییهای مستمر ایشان بوده‌اند.
استاد مرتضی رضوی پس از بازگشت از قم تا پیروزی انقلاب اسلامی ضمن فعالیتهای سیاسی، به تبلیغ معارف اسلامی و تدریس و تفسیر قرآن و نهج البلاغه در آذربایجان می‌پردازند و با قلم صریح و رسای خود به نشر و گسترش مبانی علمی، اعتقادی دین اسلام در میان جوانان و اقشار تحصیل کرده مبادرت می‌ورزند.
در سن 19 سالگی کتاب «خلقت آدم و بحثی در تکامل» را با مقدمه شهید دکتر مفتح تحریر و به چاپ می‌رسانند.
استاد مرتضی رضوی در اوایل سنین جوانی با امام خمینی (ره) و اهداف

عدالت‌گستر ایشان آشنا شده و در ماجرای فیضیه و سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام در سال 1342 حضور داشتند و تا سال 1356و خیزش نهضت اسلامی 18 بار توسط رژیم ستمشاهی دستگیر و در زندان انفرادی توأم با شکنجه حبس گردیدند. ایشان در اسفند ماه سال 1356 مجدداً دستگیر و به عنوان اولین تبعیدی آذربایجان به شهر لار تبعید شدند.
استاد مرضی رضوی پس از چند سال تبلیغ و تدریس و تفسیر قرآن در آذربایجان و انجام فعالیتهای گسترده و مؤثر در تبریز در سال 1363 از سوی مردم فهیم تبریز در دوره دوم مجلس شورای اسلامی به نمایندگی مجلس برگزیده شدند.
استاد مرتضی رضوی در سال 1366 در دوره سوم نمایندگی مجلس شواری اسلامی از تهران کاندیدا شدند. حضور چشم‌گیر ایشان در مرحلة دوم انتخابات مجلس سوم تهران، باعث چالش و رخدادی بزرگ در عرصه فعالیتهای سیاسی گردید. سرانجام استاد مرتضی رضوی بنابر فرمایش تاریخی، مصلحانه حضرت امام (ره) به وزیر کشور وقت ، مبنی براینکه «سلام من را به آقای رضوی برسانید و از قول من به ایشان بگویید: این حق شماست که همچنان در مرحلة دوم کاندیدا باشید، ولی برای رفع تشنج و حفظ آرامش از حق خود صرف نظر کنید»، فی‌المجلس ضمن یادداشتی به وزیر کشور وقت از نمایندگانی تهران انصراف داد.

رفیع پور، فرامرز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: علوم اجتماعی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
گذراندن دوره کامل زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا در سال 1340، گذراندن دوره زبان آلمانی در مؤسسه گوته شهر مونیخ آلمان در سال 1341، کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1342، دکترای علوم اجتماعی از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1352، دوره Postdoctorate در روش تدریس از دانشگاه کاسل آلمان در سال 1352، دریافت درجه پروفسوری از دانشگاه هوهن‌هایم آلمان در سال 1365.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تغییرات اجتماعی روستایی، نیازسنجی، سنجش گرایش، پیدایش و آینده انقلاب، تأثیر تلویزیون و انتقال ارزشها، ویدئو و تغییر ارزشها، استاد راهنمای 6 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
روش تحقیق، جامعه‌شناسی روستایی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 2، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
روش تحقیق، نیازسنجی.
وقایع میانسالی : دکتر فرامرز رفیع پور در سال 1353 به ایران بازگشت و به عضویت هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (ملّی سابق) در آمد. وی جهت طی دوره تحقیقاتی علمی بار دیگر به کشور آلمان سفر کرد و در

نتیجه تلاش روزافزون در سال 1365 به درجهٔ پروفسوری از دانشگاه هوهن هایم مفتخر شد. از دیگر وقایع رخداده برای دکتر رفیع پور می توان به موارد زیر اشاره کرد: - 1359 (1980) تحقیق درباره سنجش نیازهای روستائیان یزدی - 63 ـ 1361 (84 ـ 1982) دعوت به دانشگاه هوهن هایم به هزینه مرکز تحقیقات آلمان 1986) 1365 - DFG) اخذ Habilitation (رساله پروفسـوری) و venia legendi (اجازه تدریس در دانشگاههای آلمان به عنوان پروفسور از دانشگــاه هوهن هایـم ـ اشتوتگـارت بـر اساس رساله ارائه شده درباره "پویائی نیاز در برنامه ریزی رشد ". - 1368 (1989) چاپ رساله Habilitation در آلمان. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - 1353(1974) استادیار گروه جامعه شناسی در دانشگاه ملی ایران (دانشگاه شهید بهشتی) - رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی - رئیس گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی - 68 ـ 1367(89 ـ 1988) استاد مدعو دانشگاه ویسکانزین ـ مدیسون عضویت ها • استاد دانشگاه هوهن هایم ـ اشتوتگارت، آلمان تا سال 2005 • عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم ایران • عضو شورای پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی ایران • عضو شورای دانشگاه شهید بهشتی تا 1384 • عضو هیات ممیزه دانشگاه شهید بهشتی تا 1382 • عضو هیات ممیزه مرکزی علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری • عضو هیات امناء پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی • سرپرست کمیته علوم اجتماعی شورایعالی برنامه ریزی تا سال 1386 • عضو کمیسیون علوم انسانی شورای پژوهش های کشور تا 1379 • رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی 1382 تا خرداد 1385 سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رفیع پور در کنار مسئولیت های آموزشی و پژوهشی در ایران، در دانشگاه هوهن هایم به عنوان پروفسوری به کار تحقیق و تدریس اشتغال دارد.جوائز و نشانها : - استاد برتر کشور در سال ۱۳۷۵ - برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۵ به خاطر تالیف کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» -استاد نمونه دانشگاه شهید بهشتی در سال 1371 - دانشجوی بورسیه DAAD در طی سالهای 1965-68 چگونگی عرضه آثار : «جامعه روستایی و نیازهای آن» عنوان پژوهشی است که فرامرز رفیع پور در ۳۲ روستای استان یزد انجام داده است و آن را به صورت کتاب روانه بازار نشر کرده است. مطالعه حاضر که می تواند به عنوان سرمشقی برای مطالعات روستایی بعدی تلقی شود، برای یافتن نیازهای عینی و ذهنی روستاییان استان یزد، یافتن ترتیب ارجحیت این نیازها، طبقه بندی روستاها به ترتیب عقب افتادگی و نیاز آنها طراحی گردیده است و نه تنها کتاب برگزیده سال ۱۳۶۵ شناخته شده، بلکه

روشهای ساخته و پرداخته این پژوهش مورد استقبال محافل علمی آلمان نیز قرار گرفته است. کتاب مذکور از مهمترین کتابهای پژوهشی است که در دوره معاصر در عرصه جامعه شناسی روستایی نوشته شده است و از محبوب ترین کتابهای رفیع پور در سالیان اخیر محسوب می شود. فعالیت های پژوهشی دکتر رفیع پور به قرار زیر است: - تعداد مقالات :12 مورد - تعداد گزارش های علمی :3 مورد - تعداد سخنرانی ها: المان : 4 مورد ،در آکادمی علوم اتریش:یک مورد،در امریکا :دو مورد ،در ایران:13 مورد - راهنمایی پایان نامه های دکتری: 2 مورد - راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد : 28 مورد آثار : 1 Rafipoor, Faramarz 1974: Das “ Extension and Development Corps “ im Iran. Eine empirische Untersuchung zur Feststellung effizienzrelevanter Faktoren und Beziehungen. Rafipoor, Faramarz 1989 2 ـ Saarbruecken: SSIP,1974 2 Beduerfnisse und Beduerfnisdynamik in der Entwicklungsplanung : Eine empirische Analyse zur Erarbeitung praxisrelevanter Ermittlungsmethoden in der Provinz Yasd/Iran. Frankfurt a.M: Campus, 1989 آناتومی جامعه ویژگی اثر : تالیف-مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامـی انتشار. 1378 چاپ چهارم 1385.4 آنومی یا آشفتگی های اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره پتانسیل آنومی در تهران. شرکـت سروش 1378.5 تکنیک های خاص در علوم اجتماعی ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار 1382 چاپ چهارم 13856 توسعه و تضاد ویژگی اثر : رفیع پور، در کتاب توسعه و تضاد خود که حاصل سالها تحقیق و زحمت مداوم وی است در جایگاه نقاد سیاست های توسعه، آن را موجب به هم زدن تعادل اجتماعی، افزایش نابرابری، تغییر ارزشها و پیدایش انواع مسائل و معضلات اجتماعی می داند. به عقیده وی این نابرابری باعث تغییر سریع ارزشهای معنوی به سوی ارزشهای مادی و بسط سودجویی و فردگرایی شده و نهایتاً رضایت اجتماعی و وحدت ملی را مورد تهدید جدی قرار داده است-: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعـی ایران. دانشگاه شهید بهشتی، 1376. چاپ ششم شرکت سهامی انتشار 1384.7 جامعه روستایی و نیازهای آن 1364 ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره چهارم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب جامعه روستایی و نیازهای آن در این کتاب اهمیّت بررسی نیازها در رابطه با اهداف و انگیزه های گوناگون و سپس چارچوب تئوریکی پیدایش و پرورش نیازها در جوامع

مختلف مطرح گردیده و آنگاه پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه درباره منطقه مورد بررسی (استان یزد) و تشریح مراحل مقدماتی پژوهش، روش های گوناگونی که جهت بررسی نیازها می توانند به کارآیند، مورد بحث قرار گرفته و در پی آن روش های بکارگرفته شده در این پژوهش تشریح شده اند. با ارائه نتایج این پژوهش یکایک عوامل و متغیّرها، اهمیّت، کیفیّت و کمیت آنها توصیف و روابط بین آن عوامل با هم و با سایر متغیرهای بررسی شده تحلیل شده است. در خاتمه پس از ارائه خلاصه ای کوتاه از مسئله، اهداف و اصول جامعه در رابطه با موضوع مورد بررسی و شرایط لازم برای دستیابی به آنها – چگونگی تشخیص نیازهای واقعی از یکسو و نحوه برانگیختن مردم به مشارکت از سوی دیگر بیان گردیده و به طور انتقادی یکایک اقدامات مورد بررسی قرار گرفته است. -. تهران : شرکت سهامی انتشار چاپ سوم 1370، (1364).8 جامعه، احساس، موسیقی ویژگی اثر : تالیف9 سرطان اجتماعی فساد ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، 1386 برگزیده جشنواره فارابی به عنوان کتاب سال 138610 سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی و عوامل موثر بر آن ویژگی اثر : پژوهشی در سه استان: اصفهان، فارس و خراسان. تهران : مرکز تحقیقات روستائی، وزارت جهاد سازندگی، 137211 علوم انسانی در ایران نگاهی از بیرون و درون ویژگی اثر : ناشر دانشگاه شهید بهشتی انتشار 138312 کارائی بیمارستانها ویژگی اثر : مقایسه ای در سه بیمارستان دولتی، خصوصی و آموزشی. تهران : بشیر 1378.13 کندوکاوها و پنداشته ها ویژگی اثر : «کندوکاوها و پنداشته ها»، مقدمه ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی کتاب دیگری است رفیع پور نوشته است و از ویژگی های بارز این کتاب تجدید چاپ های پی در پی آن است. این کتاب نیز در قطع وزیری به چاپ رسیده است که از پرطرفدارترین کتابهای رفیع پور در میان دانشجویان و نخبگان جامعه شناسی محسوب می شود. آنچه که رفیع پور در این کتاب مطرح می سازد همان «روشهای قابل اطمینان» دستیابی به شناخت به عنوان عنصر اساسی «دانش» می باشد که می بایست در مورد جامعه شناسی پیاده شود. -تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ شانزدهم 1386، (1360).14 موانع رشد علمی در ایران ویژگی اثر : تهران: شرکت سهامی انتشار، 1381 چاپ دوم 1383.15 وسائل ارتباط جمعی و تغییر ارزشهای اجتماعی ویژگی اثر : پژوهشی درباره تاثیر فیلمهای سینمائی، سریالها تلویزیونی، ویدئو، روزنامه و تبلیغات. چاپ اول تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد 1375 و چاپ دوم تهران: نشرفر 1378.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رفیع فر، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر جلال الدین رفیع فر در سال 1330 در تهران متولد شد.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه تهران و در رشته باستان شناسی شروع کرد و جهت ادامه تحصیلات در زمینه انسان شناسی به فرانسه رفت. در سال 1988 موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : انسان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال الدین رفیع فر دکتر جلال الدین رفیع فر، استاد گروه آموزشی انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی دارای دو مدرک کارشناسی باستان شناسی و مردم‌شناسی از دانشگاه نانترپاریس است. کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی خود را در رشته‌های مردم‌شناسی و انسان‌شناسی از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرده است.(در سال 1988 موفق به اخذ دکترای انسان شناسی-مردم شناسی از دانشگاه سوربن شد .) عنوان رساله دکتری‌اش «مطالعه انسان‌شناختی فرهنگ و تکنولوژی» در عصر نئولتیک در ایران می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مسئولیتها و مشاغل اداری و مدیریتی جلال الدین رفیع فر به قرار زیر است: 1- رئیس انجمن انسان شناسی ایرانی (1380-1387) 2- مدیر گروه آموزشی انسانشناسی دانشگاه تهران (1378-1383) 3- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی ( 1384-1387) 4- مدیر مسئول و سردبیر مجله علمی – پژوهشی «نامه انسان شناسی» 5- عضو پیوسته مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) از سال 1992 فعالیتهای آموزشی : دروسی که تدریس کرده‌اند عبارت‌اند از : کارشناسی • انسان شناسی شناخت عشایر ایران • اصول ومبانی انسان شناسی • باستان شناسی انسان شناختی • بررسی اثارپیش ازتاریخ ایران • جامعه شناسی ایلات عشایرایران • مبانی باستانشناسی • مردم شناسی ماقبل تاریخ • مقدمات انسان شناسی • مقدمات مردم شناسی عشایری کارشناسی ارشد • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق 1 • فرهنگ وتکنولوژی • پایان نامه • باستان شناسی فرهنگی • روش تحقیق درمردم شناسی • طرح تحقیق • فرهنگ وتکنولوژی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله

فعالیت‌های جلال الدین رفیع فر بنیان گذاری انجمن انسان شناسی ایران در سال 1379 و به ثبت رساندن آن در سال 1380 است.آرا و گرایشهای خاص : حوزه های مطالعاتی جلال الدین رفیع فر: تمایل و علاقه ایشان قبل از هر چیز به مطالعه خاستگاه پدیده‌های مهم فرهنگی- اجتماعی و سیر تحول آنهاست که در این راستا بخش مهمی از انتشارات ایشان به این موضوعات اختصاص یافته است. از جمله: انسان، جامعه، هنر، زبان، تکنولوژی، دین و سایر پدیده‌های فرهنگی. در همین راستامطالعه انسان‌شناسی جوامع پیش از تاریخ و انسان‌شناسی و جامعه شناسی جوامع عشایری، انسان شناسی هنر و ... در درجه اول الویت بوده‌اند. چگونگی عرضه آثار : انجام ده‌ها طرح پژوهشی، ارائه ده‌ها مقاله علمی‌و ایراد سخنرانی در سمینارها و کنفرانس‌های داخلی و خارجی و تألیف و ترجمه چهار جلد کتاب ثمره 16 سال کار او در دانشگاه است. - سخنرانی و شرکت در مجامع علمی بین المللی: دکتر رفیع فر تا کنون و در نزدیک به 20کنفرانس بین المللی با ارائه مقاله و سخنرانی شرکت داشته است. (فرانسه – المان- لهستان- روسیه- ایتالیا- اسلونی- گرجستان- پاکستان و ...) - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد:20 مورد - تعداد طرحهای تحقیقاتی : بیش از 4 مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:32 مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:6 مورد آثار : 1 ( Remarques Sur L' Industrie Lithioue Neolithique De Gebel. In : Neolithic : ویژگی اثر Liran(6000-1000 av .j.c chipped Stone Indaustries of the Fertile Creslent. And Their Contemporaries In Ad jacent Regions. Edited by: Stefan Karol Kozlowski and Hans Goorge,k. Studies In Early Near Eastern Production , Subsistence , and Enwronment 3 .pp.405-421.19962 Le Probleme De L' Obsidienne et sa Circulation In: Proceeding of 12 th : ویژگی اثر En Iran Prehistorique Congres National Des Societ Historiques Et Prehstorques Francais . France. Nice.19973 The Anthpopological 7th : ویژگی اثر Approaches In Neolithic Studies In Iran Neolithic Seminar. The Processes of Neolithisation In Eurasia Ljobljana.May 2000,Slovenia4 The Obcidian Route in In : Man And Flint Edited By: Romuafd : ویژگی اثر Ancient Iran Schild And Zofia Solgostowska Institute Of Archeologyand Ethnology Polish Academy of Sciences Warszawa. PP 295-2975 انتروپی اجتماعی و نقش آن در توسعه فرهنگی ویژگی اثر : مقاله ای است که که در نشریه نامه پژوهش معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی در سال 1375 در تهران انتشار یافت.6 انسان شناسی هنر 7 اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان شناسی ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر دیدیه گزینیدو که در شماره 7، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1373 منتشر شد.8 باستان شناسی ویژگی اثر : مقاله ای است که برای دانشنامه جهان اسلام تهیه گردید و توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در تهران در سال 1373 منتشر شد.9 بردابالکا ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1376 منتشر شد.10 بررسی پدیده فرهنگی نئولتیک در ایلام ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در فصلنامه ایلام در سال 1379 منتشر شد.11 بررسی مجموعه نقوش دست در غار کرکس ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگون، که در شماره 16 نشریه میراث فرهنگی در سال 1375 منتشر شد.12 پال انتروپولوژی- کوارترنر- ایران ویژگی اثر : در مجموعه مقالات اولین سمپوزیوم بین المللی کواترنر ، توسط دانشگاه تهران در سال 1374 منتشر شد.13 تاملی بر خاستگاه جامعه روستایی ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، با شماره پیاپی 19 منتشر شد.14 تاملی بر هنر غارها ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر آندره لورواگوران که در شماره 5، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1370 منتشر شد.15 تاملی دوباره بر صنایع دهلران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ ، سال 1372 در شماره پیاپی 13و14 منتشر شد.16 ترجمه کتاب عشایر فارس ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه تهران این اثر را در سال 1375 منتشر کرد.17 ترجمه کتاب منشاء- عالمـ انسان و زبان ویژگی اثر : پدیدآورنده: هوبرت ریوز، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: آگه - 15 دی، 1386 18 تشکل های سنتی در عشایر بویر احمد ویژگی اثر : طرح پژوهشی که در سال 1374 در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت.19 تکنولوژی : علم انسان ویژگی اثر : ترجمه اثر آندره هودری کور که در شماره 13 و 14 فصلنامه نمایه پژوهش منتشر شد.20 تل بکون ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد سوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1377 منتشر شد.21 رواج ابسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی- تکنولوژیکی آن در ایران ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که در نشریه باستان شناسی و تاریخ، در سال 1371 در شماره پیاپی 10 منتشر شد.22 روستای هوفل ویژگی اثر : این مقاله در مجله علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شماره3 سال 1368 منتشر شد.23 زنان ایل بهمئی: جامعه شناسی و مردم شناسی خویشاوندی در

عشایر ویژگی اثر : پدیدآورنده: الویا رسترپو، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: خجسته - 05 مرداد، 1387 24 سنگ نگاره های ارسباران: پژوهش در مردم شناسی و باستان شناسی هنر ویژگی اثر : پژوهشی که در سال 1379 در دانشگاه تهران انجام شد.پدیدآورنده: جلال الدین رفیع فر ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور - 29 آذر، 1385 25 علوم انسانی گستره شناخت ها ویژگی اثر : پدیدآورنده: ژان فرانسوا دورتیه، ناصر فکوهی (مترجم)، مرتضی کتبی (مترجم)، جلال الدین رفیع فر (مترجم) ناشر: نشر نی - 20 آذر، 1386 26 فرهنگ برادوستی ویژگی اثر : مقاله ای است که در جلد دوم دانشنامه جهان اسلام توسط دائره المعارف بزرگ اسلامی در سال 1375 منتشر شد.27 کوهنبان پیش از تاریخ ویژگی اثر : مقاله ای است که در نشریه مجله دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان که در سال 1372 در شماره 2 آن منتشر شد.28 مطالعه صنایع ابسیدین اهر نجان ویژگی اثر : پژوهشی است که در سال 1377 در دانشگاه تهران صورت گرفت.29 من و او سعی کردیم کار مشابهی انجام دهیم ویژگی اثر : ترجمه ای است از اثر کلودلوی استروس که در شماره 5، نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1370 منتشر شد.30 نظری بر کتاب موزه هایی در باد ویژگی اثر : نقدی است که در شماره 15 نشریه نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1379 منتشر شد.31 نظزی بر کتاب دوره پارینه سنگی در ایران ویژگی اثر : نقدی است که در شماره پیاپی 6 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1368 منتشر شد.

رمضان نرگسی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا رمضان نرگسی
محل تولد : نرگستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/7/4
زندگینامه علمی
بنده رضا رمضان نرگسی در پاییز سال 1347 در روستای نرگستان (11 کیلومتری شهرستان صومعه سرا و 22 کیلومتری شهرستان رشت) واقع در حاشیه مرداب انزلی متولد شدم. ده ساله بودم که انقلاب شد و ما تحت تاثیر جو انقلابی وارد بسیج شدیم و به دنبال آن در انجمن اسلامی مدرسه حضور فعال داشتیم. در سال 1362 (دوازدهم شهریور) وارد حوزه علمیه شهرستان صومعه سرا شدم(البته دو نفر از همکلاسی هایم را نیز تشویق کردم که با من به حوزه بیاید) و با توجه به هوش نسبتا خوبی که داشتم علاوه بر فراگیری بسیارخوب دروس حوزوی دروس دبیرستان را نیز به صورت داوطلب آزاد امتحان می دادم و همگی آنها را در خرداد قبول می شدم. در سال 66 در رشته فرهنگ و ادب دیپلم گرفتم و همزمان معالم و لمعه می خواندم. در سال 67 در شهرستان با مشکل استاد مواجه شدیم و برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران (ابتدا مدرسه معمار و سپس مروی) آمدم و لمعتین و اصول مظفر را در تهران نزد اساتید گرانقدری همچون استاد بهاری و نمازی خواندم. لازم به ذکر است که در شهرستان صومعه سرا نیز اساتید از قم اعزام می شوند و اساتید ما در آنجا استاد برهانی، استاد رضوانی(اسم سابق ایشان قیصری بود) که الان مدیر یکی از مدارس قم می باشند واستاد ایوب باغبانی بودند. در سال 67 همزمان با ورود به تهران ازدواج کردم و با کمال قناعت زندگی را می گذراندیم. در سال 69 به قم آمدم (بعد از آنکه شهریه ما در قم درست شد) و همزمان با آن به موسسه در راه حق وارد شدم. همزمان با تحصیل دروس حوزوی دروس موسسه در راه حق را نیز با موفقیت پشت سر می گذاشتم. در سال 72 سطح را تمام کردم و امتحانات شفاهی را نیز در سال 73 با موفقیت به اتمام رساندم و شهریه رتبه 3 من وصل شد و اساتید دوره سطح من عبارت بودند از استاد تهرانی، استاد عراقچی، استاد

محمد علی و... . از سال 72 در درس خارج استاد فاضل شرکت کردم که با مریض شدن ایشان در سال بعد به درس استاد شبیری رفتم. از سال 75 در دروس خارج مکارم و سبحانی شرکت می کردم. همچنین در سال75 با فارغ التحصیل شدن در رشته الهیات و معارف اسلامی از موسسه در راه حق دوره تخصصی کارشناسی ارشد جامعه شناسی را شروع کردم و درسال 80 فارغ التحصیل شدم. از سال 81 زندگی پژوهشی خود را شروع کردم و تا کنون 37 مقاله و 3 کتاب از من منتشر شده یا در دست چاپ است. در سال جاری در رشته مسائل ایران دوره دکتری قبول شدم و الان مشغول گذراندن آن می باشم.

روح الامینی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود روح الامینی در 5 مهر ماه 1307 در کوهبنان از توابع کرمان چشم به جهان گشود .وی در همین روستا تحصیلات ابتدایی خود را آغاز کرد و برای ادامه تحصیل خود به مدرسه دارالفنون تهران آمد . او لیسانس ادبیات فارسی را در سال 1334 از دانشکده ادبیات تهران گرفت .روح الامینی برای اخذ مدرک فوق لیسانس به موسسه تازه تاسیس علوم اجتماعی آمد وبعد از آن جهت دریافت مدرک دکتری در رشته علوم اجتماعی به فرانسه عازم شد .از وی آثار زیادی همچون نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیا ت فارسی و آیین ها و جشن های کهن درایران امروز به جا مانده است .گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مردم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود روح الامینی دوران دبستان را در کوهبنان و متوسطه را در کرمان گذرانید. سپس راهی تهران شد و در دارالفنون ثبت نام کرد. پس از اخذ دیپلم در سال 1331 در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. استاد در سال 1338 در رشته فوق لیسانس علوم اجتماعی ، در موسسه تحقیقات اجتماعی ثبت نام نمود. پس از آن جهت ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و با نگرش خاصی که به مسائل اجتماعی داشت ، به سوی مطالعات مردم شناسی کشیده شد و با گذراندن رساله دکتری خود تحت عنوان « تمدن سنتی گوسفند در میان عشایر فارس» با اشراف آندره لوروا گوران به درجه دکتری نائل آمد.استادان و مربیان : محمود روح الامینی در دانشکده ادبیات از محضر استادانی چون ابراهیم پورداود ، پرویز ناتل خانلری ، احسان یارشاطر ، عبدالعظیم قریب ، لطفعلی صورتگر ، محمد معین و دیگران کسب فیض نمود. وی پس از آنکه عازم فرانسه شد نزد افراد صاحب نامی چون ژرژ گورووِیچ ، کلود لوی استروس ، آندره لوروا گوران و دیگران بهره برد.فعالیتهای آموزشی : محمود روح الامینی پس از پایان تحصیلات چندی به تدریس در موزه مردم شناسی فرانسه مشغول شد. پس از آن به ایران بازگشت و از سال 1348 در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعد از سالها فعالیت آموزشی در سال 1379 بازنشسته شد.آثار : آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز ، به شاخ نباتت قسم ، زمینه فرهنگ شناسی ، گرد شهر به چراغ ،نمودهای اجتماعی و فرهنگی در ادبیات فارسی

زاهدی اصل، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد زاهدی اصل در سال 1324 در روستای نیار اردبیل متولد شد. مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را به ترتیب در رشته مددکاری اجتماعی و مدیریت امور فرهنگی در تهران گذراند و دکترای مدیریت اجتماعی را در سال 1367 در ترکیه اخذ کرد. وی یکی از مددکاران با تجربه‌ای است که اسلوب، دانش و تکنیک این حرفه را در کلاسهای درس آموزشگاه خدمات اجتماعی آموخته و پس از آن سالهای طولانی تلاش و تحقیق و تدریس و تالیف را پشت سر گذاشته است. در حال حاضر وی در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و امام حسین (ع) به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای و ... در مقاطع مختلف می‌پردازد. نامبرده عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : مدیریت اجتماعی خاطرات کودکی : محمد زاهدی اصل در روایت از آن سالهای دور و سخت روستای « نیار» از رنج و خاطره کودکی 6 ساله می‌گوید که هر صبح و عصر با همراهی دوستان همکلاسی‌اش، صدای گام‌ها و اندوه غمها و اولین تلاشهای بی‌ادعای خود را، در فاصله نیار تا اردبیل، با پای پیاده بر راه‌ها و خاک‌ها به یادگار می‌گذاشتند و در مبارزه و ستیز با سرمای استخوان‌سوز و زیر صفر درجه به بهانه کورسوی امیدی که در دل داشتند استواری و صبوری را سرمشق می‌کردند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد زاهدی اصل در آخرین روزهای سرد سال 1324 ه.ش در روستای « نیار» از توابع استان اردبیل متولد شد. شرایط خانوادگی وی با مشکلات خاص روستا مواجه بود. وی می‌گوید: «مشابه بسیاری از خانواده‌های آن زمان خانواده ما نیز کثیر الاولاد بود که در نهایت غیر از اولین فرزند فوت شده، شش خواهر و سه برادر بودیم. معمولاً دختران را در سنین پایین شوهر می‌دادند و من شاهد ازدواج دو خواهر بزرگترم بودم. در سایه تلاشهای پدر وضعیت اقتصادی خانواده بهتر شد و به تدریج به دنبال کشاورزی توام با کاسبی در مغازه وضعیت مطلوبتری حاصل شد و این تلاش پدر تا زمان فوت و سن 80 سالگی ادامه داشت.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد زاهدی اصل پس از دریافت مدرک دیپلم تجربی در سال ۱۳۴۴، در اردبیل، مدرک کارشناسی خدمات اجتماعی یعنی «مددکاری اجتماعی» را درسال 1350 در تهران و مدرک کارشناسی

ارشد در رشته مدیریت امور فرهنگی درسال 1350 را نیز در تهران و مدرک دکترای مدیریت اجتماعی را در سال 1367- با هزینه شخصی- از دانشگاه استانبول ترکیه اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات دوران ابتدایی و متوسطه محمد زاهدی اصل جز سختی راه و سرمای زمستان و کتک خوردن از همشاگردیها در راه مدرسه و تشویق و تمجید معلم‌ها و نیز در دوران دانشجویی زندگی با هم‌دوره‌ای‌ها در یک اطاق اجاره‌ای چیز خاصی نبوده است. وی در سال 1350 به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد. پس از آن زاهدی اصل فراز و نشیب‌های زیادی را در زمینه تحصیل، تحقیق و خدمت پشت سرگذاشت، در حالی مدرک کارشناسی ارشد در تهران و دکتری خود را در رشته مدیریت اجتماعی در ترکیه اخذ کرد که با وجود همراهی همسر و پنج فرزند خردسال، و به عهده گرفتن هزینه تحصیل به علت مخالفت معاون وقت وزیر علوم با بورس تحصیلی رنج‌ها و مرارت‌های بسیاری بر خانواده زاهدی اصل تحمیل شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سال 1350 هجری شمسی محمد زاهدی اصل دیگر یک کارشناس مددکاری اجتماعی بود که به اصرار فرمانفرمائیان در آغازین سالهای خدمت، به عنوان مسئول مؤسسات خدمات اجتماعی عازم ارومیه شد.استادان و مربیان : از استادان محمد زاهدی اصل می‌توان به «ستاره فرمانفرمائیان» اشاره کرد که زاهدی اصل در کلاسهای درس ایشان در آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی در مقطع کارشناسی شرکت می‌کرد.هم دوره ای ها و همکاران : محمد زاهدی اصل از هم‌دوره‌ای‌های خود به صمیمی‌ترین دوستشان در دوره کارشناسی به شهید عباس ارشاد اشاره می‌کند که در هفتم تیر شهید شد.همسر و فرزندان : محمد زاهدی اصل در سال 1349 با دختردایی خود ازدواج نمود که حاصل آن پنج فرزند، سه پسر و دو دختر می‌باشد. پسرها بعد از فراغت از تحصیل مشغول کارند و دختر بزرگتر با اخذ مدک کارشناسی ارشد به تدریس زبان خارجه مشغول و دکتر کوچکترشان دانشجوی هنر دانشگاه الزهرا است.وقایع میانسالی : انفجار مواد منفجره در دوران خدمت و سوختگی چشم و صورت ناشی از آن، فوت دومین فرزندم در پنج ماهگی به علت نارسایی قلبی و غده تیروئید، شهادت نزدیک‌ترین دوست در حادثه 7 تیر، جنگ تحمیلی و صحنه‌های پر مخاطره در خوزستان، و روزهای انقلاب از جمله جلسات مخفیانه انجمن اسلامی مددکاران اجتماعی و عضویت در کمیته استقبال امام و گروه محافظان ایشان در بهشت زهرا و ... از وقایع آن دوران محمد زاهدی اصل است که به آن اشاره می‌کند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد زاهدی اصل عضو هیئت علمی و استاد پایه ۲۶ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۸۴) است. وی سمت‌ها و منصبهای متعددی را در اختیار داشته و دارد که به

برخی از آنها اشاره می‌شود: - مددکاری اجتماعی و کارشناس امور دانشجویی در دانشگاه تهران 57-1350، - ریاست دانشکده خدمات اجتماعی و سرپرستی آموزشگاه عالی آموزشیاری 62-1360، - معاونت اداری و مالی و جانشین معاونت دانشجویی دانشگاه الزهراء 63- 1362، - مدیر گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 69-1367، - سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی 1368، - ریاست مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ۶۹-۱۳۶۸، - مدیریت گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد 1369، - مدیر گروه خدمات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 75-1371 و ... - عضو شورای دانشگاه علامه طباطبایی 82-1376، - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی 82-1378، - عضو شورای سیاستگذاری سازمان بهزیستی کشور، - ریاست انجمن مددکاری اجتماعی ایران، - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، 79-1372، - معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۷۶.فعالیتهای آموزشی : محمد زاهدی اصل فعالیتهای آموزشی خود را از سال 1354 بصورت حق التدریس با دانشگاه خدمات اجتماعی سابق شروع کرد و بعد از انقلاب به ریاست دانشکده مذکور در سال 1360 در آمد. وی استاد پایه 26 دانشگاه علامه طباطبایی درسال 1384 بوده است. در حال حاضر محمد زاهدی اصل در دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شاهد و دانشگاه امام حسین (ع)، به تدریس خدمات اجتماعی، مددکاری جامعه‌ای در دوره کارشناسی و مدیریت منابع انسانی، سیستم‌های مدیریت، سمینار سازمان‌ها و مسائل رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی مدیریت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی در دوره کارشناسی ارشد می‌پردازد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد زاهدی اصل مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد در سال 1371 بوده است. از دیگر تلاشهای او در سالهای اخیر، طراحی، تهیه و تنظیم برنامه دوره رشته مددکاری اجتماعی بوده که در حال حاضر مراحل تصویب در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را طی می‌کند. - دفتر آموزش سازمان بهزیستی کشور که بعدا تبدیل به دانشگاه علوم بهزیستی شد، - دانشگاه شاهد از بدو تاسیس و همچنین مسئول راه‌اندازی دانشکده علوم انسانی آن، - هیئت موسس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و ریاست آن در حال حاضر.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علاوه بر اینکه محمد زاهدی اصل از چهره‌های شناخته شده در عرصه مددکاری اجتماعی است، مطالعات زیادی در مباحث تاریخی خصوصاً تاریخ معاصر دارد، به طوری که در این حوزه نیز نظرات کارشناسی و علمی او مورد توجه قرار می‌گیرد. از فعالیتهای علمی و پژوهشی زاهدی اصل می‌توان به برنامه‌ریزی امور فرهنگی، چگونگی

گذران اوقات فراغت کارکنان دانشگاه تهران، اهمیت ضرورت سیاستگذاری در اوقات فراغت، بررسی وضعیت امور رفاهی کارکنان سازمان تامین اجتماعی، بازنشستگی، نیازها و مسائل بازماندگان سازمان تامین اجتماعی و ... اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : محمد زاهدی اصل از ایمان، اخلاص، وفای به عهد، صداقت و صبر به عنوان اصول و شرایط خدمات اجتماعی نام می‌برد و می‌نویسد: «صبر در بعد اجتماعی نظیر تحمل دیگران، تلاش در خشنودی مسلمین، رعایت حقوق آنها، ایجاد روابط حسنه با امت اسلامی می‌تواند وحدت و انسجام جامعه اسلامی را عینیت ببخشد. مصداق بارز صبر در خدمات اجتماعی، گشاده‌رویی است که به عنوان یک صفت عالی انسانی مطرح می‌شود. در زمینه حمایت از نیازمندان جامعه، ملاطفت و خوش‌خلقی اهمیت بسزایی دارد و از مؤثرترین عواملی است که می‌تواند اعتماد و اطمینان مخدوم به خادم را فراهم آورد و موجب تحکیم روابط سازنده و ارزشمند متقابل شود.» یکی از مباحث عمده و مهم مددکاری اجتماعی، بحث اصول و ارزشهاست. اصول عمومی مددکاری اجتماعی عبارتند از: پذیرش، فردیت، رابطه حرفه‌ای، مشارکت، رازداری حرفه‌ای و خودآگاهی. زاهدی اصل در بین کلیه اصول مددکاری اجتماعی، اصل خودآگاهی مددکار را مهمترین اصل می‌داند. «به دلیل اینکه اگر مددکار اجتماعی در تحقق این اصل ناکام بماند قطعاً در تحقق و رعایت تمامی اصول و حتی ارزش‌های مددکاری اجتماعی ناموفق خواهد بود. در سایه خودآگاهی است که مددکار اجتماعی می‌تواند به دور از هرگونه تعصبات، لغزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، هر نوع پیشداوری، در خدمت مراجعان قرار گیرد و در زندگی و حل مشکلات آنها اثرگذار باشد. «چه نتوانی بدانی کیستی/ جهد کن چندانکه دانی کیستی» خودآگاهی مترادف با خودشناسی و خودشناسی مقدمه و لازمه خودسازی است. در واقع می‌توان گفت که در دنیا یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی خود است و حتی می‌توان خودسازی را شرط عدالت‌خواهی دانست. عمده‌ترین مسائلی که مددکاران اجتماعی با آن درگیر هستند را می‌توان در رابطه با مسائل مختلف مربوط به محیط جستجو کرد. «خانواده، مدرسه، محل کار ، خویشاوندان، دوستان و ... از عوامل محیطی تلقی می‌شوند. در بسیاری از اوقات، تلاش انسان برای ایجاد تغییر در برخی از شرایط محیط اطرافش به نتیجه مطلوب و دلخواه نمی‌رسد و به ناچار، او از بخشی از آرمان‌های خویش صرف‌نظر می‌کند و به طور نسبی وضعیت موجود را می‌پذیرد و با آن کنار می‌آید. پس می‌توان گفت که هم ایجاد تغییر در شرایط محیط انسانی امری نسبی است و هم تطابق و سازگاری با آن ، آنچه در مددکاری مهم است آنکه مددجو این شرایط را در حد درک و فهم خود و با راهنمایی مددکار بشناسد، امکانات اجتماعی

موجود برای ایجاد تغییر در این شرایط را بشناسد و حداکثر مساعی خود را برای ایجاد تغییر به کار گیرد و نتیجه کار را به عنوان یک واقعیت بپذیرد.» یکی از نگرانی‌های محمد زاهدی اصل بروز آسیب در اجتماع و آثار و تبعات آن است. «آسیب‌های متعددی را می‌توان در جامعه مشاهده کرد ، مثلاً اکنون پدیده اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک آسیب جدی در کشور مطرح است. تکدی و فرار دختران از منزل هم نمونه‌های بارز دیگری از آسیب‌های اجتماعی هستند. البته موضوع فرار دختران از منزل، خود ممکن است پیامدهای دیگری را نیز به دنبال داشته باشد. بی‌شک آسیب به هر اندازه و در هر سطحی نگران‌کننده است. وقتی ما صحبت از جامعه اسلامی می‌کنیم انتظار نداریم که برخی آسیب‌ها بیش از حد معمول در جامعه مشاهده شوند.» از دیگر دغدغه‌های محمد زاهدی اصل موضوع رفاه اجتماعی است. «در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسانی تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان‌دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی در پیدایش نگرش‌های جدید درخصوص رفاه اجتماعی مؤثر بوده است، نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیرمادی را نیز شامل می‌شود، به طوری که در عصر حاضر پدیده «امنیت» به عنوان یکی از مهمترین مشخصه‌های رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، به نحوی که محور اصلی توسعه در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می‌دهد.»جوائز و نشانها : پژوهشگر برتر دانشگاه علامه سال 1379، دو نوبت پژوهشگر نمونه دانشکده علوم اجتماعی، استاد نمونه دانشگاه علامه در سال 1376.آثار : مبانی رفاه اجتماعی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، 13812 مبانی مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : چاپ 1377و چاپ دوم 1382 انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی3 مجموعه مقالات جایگاه مددکاری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران ، مجموعه مقالات نقش مددکاری اجتماعی در کنترل آسیب های اجتماعی و ... مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام ویژگی اثر : بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شد و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. «مقدمه ای بر خدمات اجتماعی در اسلام» عنوان کتابی است که تألیف کرد. در این کتاب به بنیان فلسفی خدمات اجتماعی پرداخته شده و درباره آثار و نتایج خدمات اجتماعی در بعد فردی و اجتماعی بحث شده است. محمد زاهدی اصل معتقد است خدمات اجتماعی موجب پاداش حقیقی و اجر اخروی شده، تزکیه نفس و آمرزش معصیت را درپی دارد. قوت قلب و اطمینان از آینده را باعث می شود، به افزایش روزی کمک می کند، روح اخوت و تفاهم میان امت اسلامی را

ترویج می نماید و به تأمین عدالت اجتماعی و قسط در جامعه منجر می شود.

زاهدی مازندرانی، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد جواد زاهدی مازندرانی در سال 1322 در ساری بدنیا آمد. ایاشن دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران در سال 1377 می باشد. نامبرده عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی والدین و انساب : پدر محمد جواد زاهدی مازندرانی،هاشم نام دارد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمد جواد زاهدی مازندرانی به قرار زیر است: کارشناسی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1352 کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران 1360 دکتری تخصصی جامعه شناسی- توسعه از دانشگاه تهران 1377همسر و فرزندان : محمد جواد زاهدی مازندرانی متاهل و دارای دو فرند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیرگروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور از سال 1379-83 - مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور از سال 1383 - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه پیام نور - عضو سومین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران - عضو فعال شورای علمی مجله جامعه‌شناسی ایران - عضو هیئت تحریریه نشریه تخصصی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز فعالیتهای آموزشی : - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - تدریس در دانشگاههای الزهرا و علامه طباطباییچگونگی عرضه آثار : - 35 مقاله چاپ شده که حدود 12 مقاله در مجلات علمی- پژوهشی چاپ شده است. - تعداد 60 طرح تحقیقاتی جامعه روستایی ایران آثار : توسعه و نابرابری ویژگی اثر : تالیف: محمدجواد زاهدی مازندرانی ناشر: مازیار - 01 اسفند، 1386 2 فرهنگ علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه و سرویراستار- دیدآورنده: ویلیام کولب، جولیوس گولد، باقر پرهام (مترجم)، محمدجواد زاهدی مازندرانی (ویراستار) ناشر: مازیار - 03 اسفند، 1384 3 قرن بیست و یکم ویژگی اثر : عضو گروه مترجمین4 مجموعه مقالات فقر و آسیب پذیری روستایی ویژگی اثر : تالیف5 مدخل های دایره المهارف و اندیشه های نو ویژگی اثر : مشارکت در ترجمه

زمانی، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدرضا زمانی ده یعقوبی
محل تولد : قم
شهرت : زمانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
پس از گذراندن دوره های ابتدائی ، راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهرستان قم و حضور بیش از دو سال در جبهه های جنگ تحمیلی در سال تحصیلی 61 – 62 وارد حوزه علمیه قم شدم سال اول تحصیل را در مدرسه امام صادق گذراندم و در سال دوم به مدرسه کرمانیها رفتم و تا پایان سال سوم معالم و مغنی در آن مدرسه به درس مشغول بودم و طبق روال معمول مدارس از سال چهارم و شروع دروس اصول فقه و لمعه به خارج از مدرسه انتقال یافته و به صورت آزاد از دروس ارائه شده توسط اساتید بهره بردم که اساتید مربوط در قسمت های دیگر این فرم ذکر شده است به طور مرتب هرسال یک پایه از دروس حوزه را خواندم و امتحانات کتبی و شفاهی آن را نیز شرکت نموده و قبول شدم و از سال 1370 که دروس سطح تمام شد برای دروس خارج بررسی هایی انجام دادم و سرانجام درس آیت الله مکارم را انتخاب نموده و خارج فقه و اصول ایشان را شرکت نمودم البته در سال 1372 بطور خصوصی با چند نفر از طلاب خارج فقه آیت الله خاتم یزدی را نیز شرکت می کردم که به کسالت ایشان برخورد کرد و درس تعطیل شد
لازم به ذکر است که در تمام سالهای تحصیل حضور در درسهای اخلاق را به عنوان یک امر لازم برای خودم تلقی نموده و شرکت نمودم . با توجه به احساس نیاز جامعه پس از انقلاب اسلامی به آگاهی های فراتر از فقه و اصول مرسوم حوزه ها در سال تحصیلی 65 – 66 در امتحان ورودی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که آزمان دارای دو بخش عمومی و تخصصی بود که بخش آموزش عمومی در موسسه در راه حق و دروس تخصصی آن در بنیاد فرهنگی باقرالعلوم برگزار شد شرکت نمودم و پذیرفته شدم تا سال 69 دوره عمومی الهیات و معارف اسلامی به اتمام رسید که برای دوره تخصصی شرکت نمودم و در رشته جامعه شناسی

پذیرفته و به تحصیل مشغول شدم که در سال 77 با دفاع از پایان نامه ام تحت عنوان رابطه باورهای دینی با تحولات اجتماعی با تکیه به انقلاب اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم.
از آنجا که دانشگاهها اعلام نیاز نسبت به تدریس دروس معارف اسلامی می نمودند و تکلیفی از این جهت به دوش همه کسانی بود که توانایی لازم برای این مهم دارند بدین منظور برای امر تدریس در سال 1375 اعلام آمادگی نمودم و پس از انجام امتحانات لازم و کلاسهای ویژه مجوز تدریس را از نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها اخذ نمودم. در سال تحصیلی 75 – 76 ترم اول به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد اصفهان رفتم و در دو روز به تدریس دروس ریشه های انقلاب اسلامی ، اخلاق اسلامی و تاریخ اسلام پرداختم و در همان سال ترم دوم به دانشگاه آزاد اسلامی اراک رفتم و به تدریس دروس یاد شده پرداختم ،با توجه به قبول مسوولیت اجرائی در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در تهران امکان حضور در اراک را نداشتم و به همین دلیل و به خاطر جدانشدن از امر آموزش از سال 1376 در دانشگاه تربیت معلم تهران چند واحد درس گرفتم و در سالهای بعد در دانشگاه پزشکی تهران نیز تدریس می نمودم تا اینکه در سال 1381 به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و به صورت متمرکز درس انقلاب اسلامی را در آن دانشگاه تدریس می نمایم. با توجه به اینکه رشته تخصصی ام جامعه شناسی بود از سال 1380 به صورت پاره وقت در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به تدریس دروس : جامعه شناسی خانواده ، جامعه شناسی آموزش و پرورش ، جامعه شناسی سازمانها ، جامعه شناسی کار و مشاغل و جامعه شناسی صنعتی پرداختم که هرکدام از این دروس را چندین بار تدریس نموده ام ،در سالهای 79 – 81 در مرکز محقق و نویسنده حوزه علمیه قم دروس مبانی جامعه شناسی ، آسیب های اجتماعی و مدیریت فرهنگی تبلیغی را تدریس نمودم.
از سالهای 82 به بعد در مرکز حقوقی و قضائی حوزه علمیه قم و از سال 84 در مرکز جهانی علوم اسلامی به تدریس درس مبانی جامعه شناسی در بعضی از ترمهای سال پرداخته ام . در ارتباط با راهنمائی ، مشاوره و داوری پایان نامه از سال 80 تا 85 در دانشگاه باقرالعلوم (ع)،2 مورد استاد راهنما ، 7 مورد مشاوره و بیش از 12 مورد داوری پایان نامه های با موضوع اجتماعی را به عهده داشته ام، علاوه بر آن 4 مورد مشاوره پایان نامه های کارشناسی مرکز جهانی علوم اسلامی با عهده دار بوده ام.

زنجانی زاده، هما

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
هما زنجانی زاده در سال 1321 در مشهد چشم به جهان گشود . تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه ی دکترای جامعه شناسی به پایان رسانید و هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد . دکتر زنجانی زاده در نشریات مختلفی به ارائه مقاله پرداخته است . وی در زمینه ی جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی شرکت نموده ، وبه ایراد سخنرانی پرداخته است . وهمچنین دارای آثاری اعم ازتالیف و ترجمه می باشد .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : تولد هما زنجانی زاده ، معاصر بود با نخستین سال سلطنت محمد رضا شاه پهلوی و سالهای پس از جنگ جهانی دوم درایران که تا سالها نفوذ روسها درشمال و شمال شرقی ایران (خراسان ) مشهور بود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : هما زنجانی زاده تحصیلاتش را در دانشگاه سوربن فرانسه با درجه دکترا به پایان رسانید .وقایع میانسالی : هما زنجانی زاده پس از فارغ التحصیلی بازگشت از فرانسه ، بعنوان استاد جامعه شناسی به استخدام دانشگاه فردوسی مشهد درآمد .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : هما زنجانی زاده هم اکنون استاد جامعه شناسی دانشگاه مشهد می باشد .فعالیتهای آموزشی : هما زنجانی زاده هم اکنون دانشیار دانشگاه مشهد می باشد .سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هما زنجانی زاده تاکنون گفتارهایی چند در نشریات مختلف اعم از تخصصی و غیر تخصصی به چاپ رسیده ؛ وی همچنین مقالاتی را در زمینه جامعه شناسی و مشکلات اجتماعی زنان در سمینارهای مختلفی ارایه داده است ،و به ایراد سخنرانی پرداخته است .چگونگی عرضه آثار : هما زنجانی زاده آثار را ازطریق انتشاراتی از قبیل نیکا ، سازمان سمت ( سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها) و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد به چاپ رسانده است .آثار : جنبش اجتماعی زنان ویژگی اثر : ترجمه -نیکا -13722 درباره جامعه شناسی آموزش و پرورش ، سازمان اجتماعی ، کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه -دانشگاه فردوسی مشهد -13675 مقدمه ای برجامعه شناسی سازمان اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه-سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها -1375

منابع زندگینامه :وران فرخزاد ، دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان ( زن از کتیبه تا تاریخ ) ، ج اول ، ص 984

زنجانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حبیب الله زنجانی متولد ۱۳۱۸ خلخال است. وی دارای دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس و عضو عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ بوده است.وی از جمعیت شناسان شناخته شده و صاحبنظر کشور است، از معلمی و تحصیل در رشته ادبیات به سمت و سوی جمعیت شناسی کشیده شد، در دهه ۱۳۶۰ بر ضرورت کنترل جمعیت کشور تأکیدکرد و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و امور اجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جمیعت شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر زنجانی از دوره تحصیل دبیرستان به مطالعه کتاب های تاریخی و خصوصاً تاریخ اجتماعی ایران گرایش داشته است و در بین داوطلبان استان های غربی کشور که مایل به تحصیل در دانشسرای مقدماتی بوده اند مقام نخست کسب می کند. و بعد از چند سال تدریس ب عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران،علاقه به ادامه تحصیل باعث می شود که در کنکور و آزمون ورودی دانشگاه تبریز شرکت کند. بنابراین در سال ۱۳۴۵ در رشته ادبیات دانشگاه مذکور پذیرفته و به مدت یک سال به تحصیل می پردازد. در سال ۱۳۴۶ بعد از دایر شدن رشته علوم اجتماعی در دانشگاه تبریز و کسب موفقیت در آزمون ورودی، تحصیل در این رشته را آغاز می کند. - اخذ مدرک لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تبریز، ۱۳۴۹. - اخذ مدرک فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، ۱۳۵۱. - اخذ مدرک دکترای جمعیت شناسی از دانشگاه پاریس، ۱۹۷۴. فعالیتهای ضمن تحصیل : زنجانی در دوران دبیرستان و دانشسرا به کار در زمینه تهیه روزنامه دیواری تمایل نشان می دهد و در دوره دانشسرا هم در تهیه مجله «معلم» نقش داشته است.از سال ۱۳۳۷ تا سال ۱۳۴۸ به عنوان معلم در خلخال، تبریز و تهران به تدریس در مقاطع ابتدایی و دبیرستان روی می آورد و در مقاطعی هم مدیر یا معاون مدرسه بوده است.استادان و مربیان : از استادان شاخص او این افراد را به یاد می آورد، فرهنگ (استاد ریاضی)، عبدالعلی کارنگ (استاد ادبیات)، صباح (استاد علوم تربیتی و روانشناسی) و علی اکبر شعاری نژاد (علوم تربیتی و روانشناسی). ازجمله استادانی که از آنها به نیکی یاد می کند دکتر فرید (استاد جغرافیای انسانی)، دکتر ترابی (استاد

جامعه شناسی)، مرحوم شکوهی (استاد درس برنامه ریزی)، و رحیمی موقر (استاد جامعه شناس و مدیرگروه) هستند و در دوره فوق لیسانس هم استادانی برجسته ازجمله دکتر غلامحسین صدیقی (مدیرگروه جامعه شناسی)، دکتر امانی (استاد جمعیت شناسی)، دکتر فیروز توفیق (استاد روشهای تحقیق و پیشنهادی جامعه شناسی)، دکتر نظامی (استاد جامعه شناسی معرفتی) و دکتر روح الامینی (استاد مردم شناسی) داشته است که هریک در حوزه های علوم اجتماعی صاحب آوازه و اعتبار بوده و یا همچنان هستند.همسر و فرزندان : حبیب الله زنجانی متأهل و دارای دو فرزند.وقایع میانسالی : دکتر زنجانی در سال ۱۳۶۷ درمعیت «کازرونی» وزیر مسکن وقت درجلسه هیأت دولت حضور پیدامی کند و توضیح می دهد اگر کنترل موالید در ایران به اجرا درنیاید جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ شمسی به ۱۳۰ میلیون نفر خواهدرسید و درآن حالت کیفیت و سطح زندگی افراد کاهش خواهدداشت و اگر کنترل موالیدی پویا صورت بگیرد جمعیت کشور در حد ۱۰۰ میلیون نفر یا کمتر خواهدشد. او با توجه به زاد و ولد ۱۶ میلیون نفر در سالهای ۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه گیری رسیده بود و بعد از این توصیه ها برنامه کنترل جمعیت در کشور ما به اجرا درآمد. او معتقداست درحال حاضر در برخی از استان های کشور همچنان باید سیاست کنترل موالید با جدیت دنبال شود ولی در ۱۶ استان کشور باتوجه به تعمیم سواد و ارتقای سطح سواد زنان و ارتقای آگاهی افراد و خصوصاً زنان دیگر نیازی به تداوم سختگیرانه آن سیاست ها نیست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نجانی بعد از بازگشت به کشور ، مدتی مدیربخش مطالعات جمعیت و معاون و سپس سرپرست مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران می شود، مدتی هم به عنوان مدیرگروه آموزش جمعیت شناسی، معاون دانشکده و سرپرست دانشکده علوم اجتماعی تهران فعالیت های علمی و آکادمیک اش را تداوم می بخشد. درسال ۱۳۶۴ بازنشسته می شود و هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است. مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. - عضو انجمن بین المللی مطالعات علمی جمعیت از ۱۹۷۶ تاکنون. - عضو انجمن بین المللی جمعیت شناسان فرانسوی زبان. - عضو انجمن جمعیت شناسی ایران. - سردبیر نامه انجمن جمعیت شناسی ایران.- عضو هیأت تحریریه نشریه اقتصاد ایران. فعالیتهای آموزشی : دکتر حبیب الله زنجانی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۴ نیز بوده است و به تدریس پرداخته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر زنجانی هم اکنون مدیر مطالعات جمعیت و اموراجتماعی مرکز مطالعات و تحقیقات و شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی است.

مطالعات و پروژه های تحقیقاتی خاصی را هم دنبال می کنند. ازجمله طرح فرادست می باشد که جایگاه تهران به عنوان شهری جهانی را بررسی کرده و به بررسی مشکلات اساسی موجود در آن و ازجمله اشتغال می پردازد که یافته های آن در تهیه طرح جامع مورداستفاده قرارخواهدگرفت.در طرح مطالعاتی منطقه البرزجنوبی هم قصد دارد مطالعه جمعیت شناسی ۶ استان تهران، سمنان، قم، قزوین، زنجان و مرکزی را بررسی نماید و تحولات جمعیتی این مناطق را تا سال ۱۴۰۰ شمسی معین سازد. زنجانی در نظریه جدید تحلیل مهاجرت داخلی، به تحلیل جمعیت شناختی و مهاجرت پرداخته و تأکید بر تعلیق فرد به نسل، زمان وقوع واقعه یعنی مهاجرت، تغییر و تحول سنی و جنسی را به صورت مدل درآورده و ارائه کرده است.تخصص و مهارت او در حوزه های مسکن، مهاجرت و تحلیل جمعیت ایران است. آرا و گرایشهای خاص : از دید زنجانی، مهاجرت به خارج از کشور الزاماً پدیده ای مخرب و زیانبار نیست. چون این نوع مهاجرت می تواند سطح دانش و آگاهی ایرانیان را ارتقا دهد ولی باید سازوکاری فراهم آورد که امکان بازگشت مهاجران به داخل ایران را عملی سازد و آنها از نیروی خود درجهت بهروزی و توسعه کشور استفاده کنند. به اعتقاد زنجانی، جمعیت شناسی دانشی نو برپایه اندیشه های کهن است و به مطالعه جمعیت انسانی می پردازد. این مطالعه در سرزمین اصلی تعداد جمعیت، ساخت و توزیع جمعیت و تغییر و تحول آن دنبال می شود و سرانجام در برنامه های اقتصادی و اجتماعی از این دانش کاربردی استفاده به عمل می آید. از دید او، شناخت جمعیت مهمترین ابزار برنامه ریزی است و بدون این ابزار برنامه های توسعه موفقیت لازم را نخواهندداشت.جمعیت شناسی دارای رویکردهای «محض»، «کاربردی»، «اقتصادی» و «اجتماعی» است که در همه این رویکردها از دیدگاه جمعیت شناسی به موضوعات اقتصادی، مهاجرت، تأهل و مسائلی از این قبیل می پردازند. جوائز و نشانها : دکتر زنجانی محقق نمونه وزارت مسکن در سال ۱۳۸۳ شناخته شد.چگونگی عرضه آثار : دکتر زنجانی قبل از عزیمت به پاریس در مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به عنوان پژوهشگر به کار می پردازد و درزمینه «مسکن»، «مهاجرت های داخلی در ایران»، «سالخوردگی جمعیت» و «جمعیت شناسی تطبیقی در ایران و جهان» تحقیقاتی به انجام می رساند.یکی از فعالیت هایی که در این زمینه پیگیری می کند مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت است.«مسأله پیران و سالخوردگی جمعیت از روزی آغاز می شود که موالید را کنترل کنیم. با چنین کنترلی، سالخوردگی شروع می شود و نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت افزایش پیدامی کند.» تز دکترایش را نیز درمورد سالخوردگی جمعیت و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در

ایران می نویسد. و از آثار وی میتوان به تالیف7 جلد کتاب اشاره داشت و نیز عضو هیأت مدیره و مشارکت در تهیه کتاب «گیلان» و مشارکت در تدوین «لغت نامه جمعیت شناسی» از فعالیت های وی است.آثار : تجلیل جمعیت شناختی ، تقویم تاریخی دموگرافیک ایران ، جمعیت و توسعه ، جمعیت و شهرنشینی در ایران ، جمعیت، توسعه و بهداشت باروری ، گزیده مطالعات جمعیت مجموعه شهری تهران ، لغت نامه جمعیت شناسی ویژگی اثر : مشارکت در تدوین8 مهاجرت

ساروخانی، باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1318، مرتبه علمی: استاد، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: علوم اجتماعی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه از دانشسرای عالی تهران در سال 1340، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال 1342، کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس (سوربن) در سال 1345، دکترای دولتی جامعه‌شناسی با درجه بسیار عالی از دانشگاه سوربن فرانسه در سال 1347.
مرتبه علمی:
استاد تمام وقت در دانشکده علوم اجتماعی تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح ایرانیان بازگشته از عراق، جرم و مهاجرت، جوانان، خواسته‌ها، انتظارات و مسائل آنان، تکدی و مسائل آن در ایران، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 28 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 24
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی جوانان، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف علوم اجتماعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 19، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی ارتباطات، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی جوانان، فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف علوم اجتماعی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سام آرام، عزت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عزت الله سام آرام در فروردین‌ماه 1323 در شهرستان آغاجری از توابع بهبهان بدنیا آمد ایشان دارای مدرک دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1371 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی و استاد پایه 27 رشته جامعه شناسی (گروه تعاون و رفاه اجتماعی) می باشد. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : رفاه اجتماعیوالدین و انساب : پدرعزت الله سام‌آرام مرحوم حاج مظاهر سام‌آرام از اهالی سمیرم بود که در سال 1300 به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. مادرش خانم آغا احمدیان از اهالی باغبادران هستند که در سال 1305 همراه خانواده‌اش به خوزستان مهاجرت کرده‌اند. ازدواج پدر و مادردکتر سام آرام در سال 1307 شمسی در اهواز به وقوع پیوست که حاصل آن هشت فرزند است. پنج پسر و سه دختر که هفت نفر آنها در قید حیات هستند و عمدتا در تهران ساکن شده‌اند. تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و متوسطه عزت الله سام آرام در آغاجری و اهواز گذشت و تحصیلات دانشگاهی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری در تهران. ترتیب مدارک تحصیلی دکتر سام آرام به قرار زیر است: کارشناسی خدمات اجتماعی(مددکاری اجتماعی)، سال دریافت 1350 کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، سال دریافت 1356 دکترای تخصصی رشته جامعه شناسی، سال دریافت: 1371 1.دوره تخصصی مددکاری جامعه‌ای(Community Action) در امریکا، 1973-1972 به مدت 12 ماه کار جامعه‌ای در بین اقلیت‌های امریکا در اداره فرصت‌های اقتصاد O.E.O 2.دوره تخصصی روابط کار و مسائل کارگران، دانشگاه میسوری، کانزاس سیتی امریکا، 1973 3.دوره تخصصی مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس"بورس یونسکو" ، 1977 4.دوره تخصصی روش‌شناسی تحقیق(یونسکو) در سال 1373 در تهران 5.دوره تخصصی "روش‌شناسی کار شایسته" در ژنو در سال 2005 همسر و فرزندان : عزت الله سام آرام در سال 1354 ازدواج کرده‌است که حاصل آن سه فرزند می باشد.دو دختر و یک پسر و کماکان ساکن تهران است.وقایع میانسالی : عزت الله سام آرام از اول تیرماه 1350 به عنوان مربی آموزشیار در دانشکده خدمات اجتماعی مشغول به کار شد.در سال 1356 مربی، درسال 1371 استادیار، در سال 1378 دانشیار و سال

1386 به درجه استادی رسیدند. از سال 1351 تاکنون چند دوره تخصصی در رابطه با تحصیلاتش را گذرانده‌است. از جمله مددکاری جامعه‌ای در آمریکا،مددکاری کودکان معلول در دانمارک و انگلیس و روش‌شناسی تحقیق اجتماعی در یونسکو و در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی شرکت داشته‌است مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عزت الله سام آرام عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه علامه طباطبائی است.فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس عزت الله سام آرام : از سال 1350 تا 1384 1.مددکاری اجتماعی - (عمومی، روش فردی، روش گروهی، روش جامعه‌ای) -3 سال، 6 ترم تحصیلی 2.روش شناسی تحقیق در علوم اجتماعی(کارشناسی ارشد) - 4 سال ، 4 ترم تحصیلی 3.جامعه‌شناسی روستایی-14 سال،28 ترم تحصیلی 4.اصول آموزشی و ترویج تعاونی-14 سال، 28 ترم تحصیلی 5. سمینار مسائل تعاونی-12 سال، 24 ترم تحصیلی 6.مسائل اجتماعی ایران(اعتیاد، طلاق، مهاجرت)-6 سال،12 ترم تحصیلی 7.جامعه‌شناسی ایران(جمعیت، آسیب‌های اجتماعی)-10 سال، 20 ترم تحصیلی جمعیت و رفاه اجتماعی(کارشناسی ارشد)-3 سال، 3 ترم تحصیلی 8.سرپرستی کارورزی دانشجویان -(در فیلدهای مختلف روستایی و مراکز بازپروری اعتیاد)-30سال، 60 ترم تحصیلی چگونگی عرضه آثار : - چاپ بیش از پنجاه مقاله در نشریات علمی - شرکت در بیش از یکصد همایش داخلی و خارجی - هفت کتاب تالیفی - مقالات پژوهش(1355 تا 1384)، 21 مورد - مقالات علمی منتشر شده در مجلات و همایش‌های علمی از1371 تا 1384 (37 مورد) -کارشناسی‌ارشد،راهنماییپایان نامه :21مورد - دکتری، راهنمایی پایان نامه :3 مورد - دکتری،مشاوره پایان نامه : 7 موردآثار : 1 راهنمای مددکاران اجتماعی ویژگی اثر : ، ترجمه مشترک، انتشارات رشد،13712 روش‌شناسی تحقیق کیفی در مساله اعتیاد ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات نقش هستی، 1384 3 روش‌های تسهیل کار گروهی(برای مدیریت NGO ها) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات موسسه توان‌بخشی و بهبود زندگی زنان، 13824 فقر عاطفی در خانواده ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13755 مددکاری اجتماعی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13826 مددکاری اجتماعی باتاکیدبرمحیط‌های کارگری ویژگی اثر : تالیف،انتشارات نقش هستی، 13827 مددکاری اجتماعی در کارگاه ویژگی اثر : ، تالیف، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی، 1380 8 مددکاری اجتماعی(کار با جامعه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی، 13749 مددکاری‌اجتماعی(کاربافرد) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات‌رشد، چاپ‌اول1368،دوم1369،سوم137110 مددکاری‌اجتماعی(کارباگروه) ویژگی اثر : تالیف، انتشارات نقش هستی،

1373
منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر عزت الله سام آرام بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی- بهار 1386

سرایی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن سرایی در سال 1321 خورشیدی در شهر همدان به دنیا آمد.ایشان دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو آمریکا (1975) است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی می باشد. کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن سرایی دورة تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی را در زادگاه خود به پایان برد و وارد دانشگاه گردید. او پس از طی دورة لیسانس از دانشگاه ابوریحان راهی آمریکا شد و در ادامة تحصیلات عالیة دانشگاهی به دریافت درجات فوق لیسانس از دانشگاه ایلینوی جنوبی و دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه شیکاگو (1975) نایل آمدفعالیتهای ضمن تحصیل : حسن سرایی همزمان با تحصیل در دانشگاه شیکاگو، به مدت چهار سال در مرکز مطالعات خانواده و اجتماع مشغول تدریس و تحقیق بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن سرایی پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به کار تحقیق و تدریس در دانشگاه علامه طباطبایی پرداخت. او اکنون عضو هیأت علمی دانشکدة علوم اجتماعی در آن دانشگاه است.جوائز و نشانها : کتاب "رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری" ترجمه حسن سرایی ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری ویژگی اثر : ترجمه-این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

سید میرزایی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمد سید میرزایی ،پس از اخذ دیپلم ادبی ،از تهران ،در رشته جامعه شناسی در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران پذیرفته و در سال 1350به پایان رسانید.وی تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه استراسبورگ آغاز کرد و تا دوره دکترا در همان رشته در دانشگاه مذکور پیشرفت و در سال 1356 دکترای خود را اخذ کرد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه جامعه شناسی, دانشکده ادبیات و علوم انسانی ،دانشگاه شهید بهشتی می باشد.
گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید محمد سید میرزایی به ترتیب زیر است: دیپلم: ادبی / 1326/ تهران کارشناسی: جامعه‌شناسی / 1350/ تهران / دانشگاه تهران کارشناسی ارشد: جامعه‌شناسی / 1352 / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ دکتری: جامعه‌شناسی / 1356 / استراسبورگ / دانشگاه استراسبورگ مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریتی سید محمد سید میرزایی به قرار زیر است: ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی سال 58 ـ معاون آموزشی دانشگاه الزهرا سال 63 ـ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 62 تا 66 ـ معاون آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 68 تا 69 ـ معاون آموزشی دانشگاه یزد از سال 70 تا 79 ـ مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی از سال 74 ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 79 تا 83 ـ رییس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی از سال 85 تاکنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال 79 تا 83 ـ مدیر مسئول پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (علمی ـ پژوهشی) از سال 85 تاکنون ـ نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران سال 80 تاکنون ـ مجله علوم انسانی دانشگاه مشهد از سال 79 تا 80 فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس: از سال 56 تاکنون در دانشگاه شهید بهشتی آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی سید محمد سید میرزایی : حوزه‌های مورد علاقه تحقیق: جمعیت‌شناسی / جامعه‌شناسی شهری زمینه تخصصی : جمعیت شناسی چگونگی عرضه آثار

: فعالایت های پژوهشی سید محمد سید میرزایی : تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی :13 مورد عنوان‌های طرح‌های پژوهشی و زمان اجرایی آن ـ تحولات جمعیتی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی آن طی 30 سال گذشته تعداد راهنمایی رساله‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری: 7 موردآثار : جمعیت جهان (2 جلد) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13812 جمعیت جهان در سال 2002 ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13843 جمعیت شناسی آماری ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13704 جمعیت شناسی عمومی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 13825 شهر امروز (حوزه جامعه شناسی شهری) ویژگی اثر : ترجمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. سال 1382

سیدعلوی، میرابراهیم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر ابراهیم سیدعلوی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1318/1/1
زندگینامه علمی
این جانب میر ابراهیم سید علوی فرزند مرحوم حاج میر سلیمان بن سید جعفر بن سید حسین ابن سید محمد موسوی در سال 1318 ه.ش برابر با یکم شوال 1358 ه.ق در روز عید فطر در شهر تبریز در محله ویجویه (ورجی) متولد شد ه ام. پس از گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی در مدرسه دیانتی محمدیه که با اذن مرحوم آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه کمره ای بانی و موسس مدرسه حجتیه قم تاسیس یافته بود در همان سنین نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی و دانش های دینی علاقه نشان دادم و روزها در مدرسه طالبیه (جمعه مسجد) به یادگیری صرف و نحو عربی پرداختم و جامع المقدمات، سیوطی، جامی و دیگر کتب ادبی را آموختم. آنگاه برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شدم. اول در مدرسه فیضیه و سپس در مدرسه حجتیه، منزل کردم. و دروس سطح را (شرح لمعه، منطق، معالم، رسایل، مکاسب، کفایه الاصول و غیره) را نزد اساتید وقت، حضرات: حاج میرزا یدالله دوزدوزانی، جعفر سبحانی، ناصر مکارم، میرزا حسین نوری، میرزا علی مشکینی، سید محمد باقرسلطانی (طباطبایی) حدودا در سال های 1333 ش الی 1340ش سال وفات آیت الله بروجردی خواندم. و ضمنا دروس فلسفه و کلام و تفسیر و نهج البلاغه را همزمان نزد علامه طباطبایی و دیگر اساتید وقت می خواندم از قبیل حاج سید حسین قاضی تبریزی و حاج آقا مصطفی خمینی و دکتر مفتح و غیرهم. و تقریبا پس از پایان سطوح، ده سال و اندی در درس خارج فقه و اصول مراجع و آیات وقت رضوان الله علیهم، و اندک زمانی در درس های امام خمینی قدس سره حضور یافتم و زمانی کوتاه هم به نجف اشرف مشرف شدم لیکن پس از چند ماه مراجعت کردم و در قم به ادامه تحصیل پرداختم. در سال 1350 ش بعد از آن که از دانشکده الهیات (دانشکده معقول و منقول) به تشویق مرحوم دکتر مفتح دیپلم مدرسی در رشته

معقول کسب کرده بودم با دیپلم ادبی و شرکت در کنکور سراسری وارد دانشگاه تهران شدم و در رشته جامعه شناسی، لیسانس گرفت. و از زمان های جوانی در جلسات نویسندگی آیت الله مکارم شیرازی (شب های جمعه) و جلسات اسلام شناسی دکتر مفتح در رشته نویسندگی وارد شدم و از همان وقت کتا ب هایی تالیف، ترجمه و تحقیق کردم که برخی به چاپ رسیده است و نیز به مناسب های علمی مقالاتی می نویسم که نزدیک یکصد مقاله به طبع آراسته شده است.

سیدی نیا، اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیداکبر سیدی‌نیا
محل تولد : سلماس
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1353/6/10
زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1353 در شهرستان سلماس در خانواده مذهبی متولد شدم و تا تحصیلات دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک در این شهرستان مشغول به تحصیل بودم. در مهر سال 1370 به منظور کسب معارف عالی اسلامی وارد حوزه علمیه تبریز مدرسه ولیعصر (عج) شده و تا سال 1374 با پایان سطح یک حوزه علمیه وارد حوزه علمیه قم شدم. در سال 1378 مدرک سطح دو حوزه علمیه را دریافت کردم. سال 1377 در مرکز تربیت محقق و نویسنده دفتر تبلیغات اسلامی، دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر را گذرانده و سال 1378 در رشته جامعه شناسی وارد دانشگاه باقرالعلوم (ع) شدم. از سال 1383 نیز عهده‌دار وظیفه دبیر تحریریه و مدیر اجرایی مجله علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی شده و در کنار تحصیلات به تألیف مقالات و پژوهش‌ها در زمینه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علوم قرآن و تفسیر و کلام شدم و مقالاتی از اینجانب در مجلات علمی پژوهشی، همایش‌ها و مجلات تخصصی به چاپ رسیده است. همچنین از سال 1377 در دروس خارج حوزه علمیه شرکت داشته و از محضر حضرات آیات عظام جوادی آملی (دام عزه)، مرحوم صالحی مازندارنی (ره)، فاضل گلپایگانی و عابدی اصفهانی فیض برده‌ام. در کنار دروس خارج از درس پر برکت تفسیر علامه آیت‌الله جوادی آملی (دام عزه) بهره بردم

شادی طلب، ژاله

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر ژاله شادی طلب دانشیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دارای دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : ژاله شادی طلب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1347)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی بال ایندیانا در امریکا و (1947) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی آیوا در امریکا اخذ نموده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سابقه خدمات علمی اجرایی خانم دکتر شادی طلب می توان مواردی همچون «معاون برنامه ریزی بخش کشاورزی و عمران روستائی» و «ریاست مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشکده علوم اجتماعی» را نام برد. ایشان عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس ژاله شادی طلب به قرار زیر است: «اصول آموزش و ترویج تعاونی»، «اقتصاد ایران» و «سازماندهی و مدیریت درتعاونی» (در مقطع کارشناسی) و «اصول و سیاستهای توسعه صنعتی روس»، «برنامه ریزی روستائی»، «توسعه اجتماعی»، «توسعه اقتصادی» و «جنسیت و توسعه» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : ژاله شادی طلب مولف کتاب «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (1372 ) و مقالات «تجربه ای نو در برنامه ریزی توسعه روستائی برنامه ریزی چند سطحی»، «زن در توسعه»، «عوامل موثر برمشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «نقش مناطق آزاد تجاری -صنعتی در توسعه»، «آسیب پذیری شهر تهران»، «ابعاد اجتماعی -اقتصادی تجربه سیل گنبد و گرگان»، «بررسی زمینه های اجتماعی تجربه زلزله منجیل»، «تعدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی»، «جامعه شناسی کاربردی و نقش جامعه شناس»، «زنان روستائی گروه های حاشیه ای در توسعه»، «مدیریت بحران برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله»، «مدیریت فاجعه: عوامل موثر بر مشارکت آسیب دیدگان زلزله در روند بازسازی»، «مدیریت فاجعه –درس هایی از هشدارهای زلزله»، «مدیریت فاجعه: سازمان هماهنگی ملی»، «مسائل سیستم اعتبار کشاورزی در ایران (عدم

باز پرداخت )»، «بازسازی و توسعه اولین قدم از یک تجربه»، «جامعه شناسی فاجعه :تجربه زلزله رودبار- منجیل»، «اشتغال زنان در فرآیند توسعه»، «الگوی پس انداز در جامعه روستایی ایران»، «دیدگاه مردان روستایی نسبت به کار زنان»، «ضرورت تحقیقات بین بخشی و مشکلات جامعه شناسی»، «فرایند توسعه و عقب ماندگی زنان ایران»، «مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت»، «حرفهای دامداران را هم بشنویم»، «سازمانهای غیر دولتی زنان راهی برای مشارکت در جامعه مدنی»، «مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع»، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه توسعه»، «برنامه ریزی جنسیتی بر پایه واقعیتها»، «زنان ایرانی انتظارات ارتقاء یافته»، «زنان: بسته ترین حلقه زنجیر فقر»، «سیاستهای اجتماعی در مدیریت جنگل»، «مشارکت اجتماعی زنان»، «فقر زنان سرپرست خانوار»، « Iranian Women: Rising Expectations»، «The Phenomenlogy of an Experience...»، « Rural women's Bank of » و « Middle Eastern Women on the Move» است. ایشان مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، «رایزنی و ترویج»، «بررسی ابعاد اقتصادی- اجتماعی مهاجرت روستایی در شهرستان گچساران طی سالهای 1375-1385 (مطالعه موردی دهستان بابویی)»(1386 )، «بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر پذیرش آبگرمکن خورشیدی خانگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرستان بردسکن»(1386)، «پیامدهای توسعه مشارکت زنان»، «زنان و توسعه : چالشها و چشم اندازهای توسعه ایران»، «ابعاد جنسیتی الگوها و ویژگیهای فقر در ایران»، «ابعاد جنسیتی بازار کار و ویژگیهای اشتغال در ایران» و «سیاست ها و برنامه?های دولت برای ایجاد اشتغال» را نیز برعهده داشتند. گزارشهای علمی با عناوین زیر از دیگر فعالیتهای علمی ایشان است: «پس انداز زنان روستائی»، «بازتاب تلاش های سازمان های بین المللی درجامعه زنان روستائی»، «بررسی آسیب پذیری شهر تهران در برابر زلزله : ابعاد اجتماعی – اقتصادی»، «جامعه شناسی یک رفتار اقتصادی»، «جنگلداری و اجتماع»، «زنان روستائی ایران»، «مروری بر مهاجرت از روستا به شهر» و «مسائل سیستم اعتباری کشاورزی در ایران: عدم بازپرداخت». آثار : «جامعه شناسی فاجعه تجربه زلزله رودبار و منجیل» (1372 ) ویژگی اثر : تالیف

شارع پور، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود شارع پور متولد سال 1345 است.وی تحصیلات دانشگاه خود را دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری در دانشگاه تهران آغاز و در سال 1366 به پایان رسانید.ایشان مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال 1370 و دکترا جامعه شناسی را از دانشگاه ملی استرالیا در سال 1376 دریافت کرده است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه مازندران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و دانشگاهی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: لیسانس علوم اجتماعی با گرایش پژوهشگری دانشگاه تهران در سال1366 فوق لیسانس جامعه شناسی دانشگاه تهران در سال1370 دکترا جامعه شناسی دانشگاه ملی استرالیا در سال 1376 دوره فرصت مطالعاتی ( روشهای سنجش سرمایه اجتماعی) تحقیقات اجتماعی دانشگاه تورنتو کانادا 1385-1384 همسر و فرزندان : محمود شارع پور متأهل و دارای یک فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اداری و مدیریتی محمود شارع پور به قرار زیر است: عضویت در انجمن جامعه شناسی استرالیا از سال 1995 تا 1997. عضویت در انجمن روانشناسی اجتماعی استرالیا از سال 1996 تا 1997. عضویت در انجمن جهانی جامعه شناسی ورزش از سال 2003 تاکنون. عضویت در انجمن جامعه شناسی آمریکا و همچنین عضویت در بخشهای روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی آموزش و پرورش در آن انجمن از سال 1996 تا 1998. عضویت در انجمن جامعه شناسی ایران از سال 1376 تاکنون. عضویت در انجمن آموزش عالی ایران از سال 1382 تاکنون. عضویت در گروه پژوهشی جامعه شناسی آموزش و پرورش ـ پژوهشکده تعلیم و تربیت ـ وزارت آموزش و پرورش از سال 1378 تا 1380. عضویت در شورای پژوهشی دانشگاه مازندران از سال 1376 تا 1377 و از سال 1380 تا 1382. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران از سال 1378 تا 1379. عضویت در کمیته تحقیقات اداره کل تعاون استان مازندران از سال 1378 تا 1380. عضویت در کمیته کتاب و انتشارات دانشگاه مازندران از سال 1376 تا 1377. عضویت در انجمن بین المللی جامعه شناسی از سال

2002 تا 2012. عضویت در انجمن بین المللی جامعه شناسی ورزش از سال 2003 تا 2004. عضویت در شورای پژوهشی اداره کل فنی و حرفه ای استان مازندران از سال 1382 تا 1384. عضو کمیته علمی همایش جوان و جامعه ـ دانشگاه آزاد اسلامی قائم شهر ـ اسفند 1377. مروج پژوهشی در سطح کشوری ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ دی 1380. مدیر اجرایی دوره مددکاری اجتماعی برای نیروهای انتظامی سراسر کشور ـ تیر 1379. عضو کمیته علمی همایش توسعه فرهنگی ـ دانشگاه شمال، اردیبهشت1383. مدیر گروه علوم اجتماعی در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران ـ از سال 1376 تا 1380. برگزاری برنامه نوعدوستانه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان ـ دانشگاه مازندران، مهر 1377. دبیر اجرایی هفتمین همایش انجمن جامعه شناسی ایران ـ آذر 1377. عضویت در هیأت مدیره انجمن جامعه شناسی ایران، از سال 1377 تا 1380. رئیس مرکز کامپیوتر دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، دی 78. خزانه دار انجمن جامعه شناسی ایران، از سال 1378 تا 1380. بازرس انجمن جامعه شناسی ایران از 1380 تا 1382. برگزاری جشنواره غذاهای محلی ـ دانشگاه مازندران، آبان 1380. برگزاری جشن اهدای کتاب ـ دانشگاه مازندران، آذر 1380. مدیر پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از 1380 تا 1382. دبیر علمی همایش: جایگاه گفت و گوی فرهنگها در بین قشرهای مختلف جامعه ـ دانشگاه مازندران و مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنها ـ هفتم اسفند 1380. دبیر علمی همایش: دانشگاه و گفت و گوی تمدنها ـ دانشگاه مازندران و معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم ـ خرداد 1381. عضو هیات مدیره انجمن آموزش عالی ایران- از خرداد 1384. عضو هیات تحریریه مجله علمی-پژوهشی انجمن جامعه شناسی ایران عضو هیات تحریریه پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران مدیر دفتر انجمن جامعه شناسی ایران در استان مازندران از سال 1381 تا 1384 عضو کمیسیون عمرانی شورای شهر بابلسر از مرداد 1386 عضو کمیته ارتقای دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران از مهر 1385 تا مهر 1387. عضو کمیته علمی همایش آسیب شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت- مهر 1386. فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی محمود شارع پور به ترتیب زیر است: تدریس دروس زیر در دانشگاه مازندران در سالهای مختلف در مقطع کارشناسی: مبانی جامعه شناسی ـ روان شناسی اجتماعی ـ جامعه شناسی آموزش و پرورش ـ کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی ـزبان تخصصی علوم اجتماعی. تدریس درس روش تحقیق در دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی راهنمایی و مشاوره چند رساله کارشناسی ارشد در دانشگاه مازندران و

مرکز آموزش مدیریت دولتی. همکاری با دانشگاه پیام نور در ارائه دروس: زبان تخصصی و جامعه شناسی آموزش و پرورش جوائز و نشانها : پژوهشگر نمونه استان مازندران در هفته پژوهش ـ آذر 1380.چگونگی عرضه آثار : تعداد شرکت و ارائه مقاله در سمینارها، کنفرانسها و همایش ها:36 مورد تعداد مقالات منتشر شده : 25 مورد تعداد طرحهای پژوهشی: 22 موردآثار : ارتباط بین فرهنگها (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها در دست اقدام 2 بررسی مسائل اجتماعی ایران(مشارکت در تالیف) ویژگی اثر : دانشگاه پیام نور 1383 3 توسعه فرهنگی و محیط زیست (ترجمه) ویژگی اثر : مرکز بازشناسی اسلام و ایران 1380 4 جامعه شناسی آموزش و پرورش (تألیف)-چاپ سوم ویژگی اثر : سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) 1383 5 جامعه شناسی شهری ویژگی اثر : سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی دانشگاهی) در دست اقدام 6 سرمایه اجتماعی ویژگی اثر : سازمان مدیریت و برنامه ریزی 1385

شجیعی، زهرا

قرن:15
جنسیت:زن
ملیت:ایران
زهرا شجیعی در مشهد ولادت یافت .وی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود .کتاب نخبگان سیاسی ایران محصول تلاش 20 سالۀ ایشان در این مؤسسۀ تحقیقی است. کتاب مذکور تالیف شجیعی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : زهرا شجیعی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر، به تهران آمد و در رشتۀ فلسفه و علوم تربیتی دانشکدۀ ادبیات دانشگاه تهران به ادامۀ تحصیل پرداخت و پس از اخذ درجۀ کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد را در رشتۀ جامعه شناسی همان دانشگاه در سال 1339 به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : زهرا شجیعی همزمان با افتتاح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران جزء اولین گروه پژوهشگران انتخابی مؤسسه، در بخش جامعه شناسی ایران عهده دار مطالعه در مورد شناخت ترکیب طبقات و نظام اجتماعی ایران بود .جوائز و نشانها : کتاب"نخبگان سیاسی ایران"تالیف زهرا شجیعی ، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : ترکیب گروهها و منشا اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی از بدو مشروطیت تا انقلاب اسلامی ، ترکیب گروهها و منشا اجتماعی وزیران و نخست وزیران عصر مشروطیت ، نخبگان سیاسی ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«نخبگان سیاسی ایران»: نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ زهرا شجیعی؛ تهران: انتشارات سخن، 1372. 4ج. در بررسی برگزیدگان سیاسی، هدف اصلی و اساسی، شناخت جامع سیاسی ایران از طریق روشن کردن احوال و مشخصات و منشأ اجتماعی گروه واجد قدرت سیاسی در ایران از سوئی و تأثیر ویژگیهای جامعه و تحول آن در ترکیب گروه برگزیده سیاسی و متقابلاً اثر

آنان در تحولات جامع عصر خود از سوی دیگر است. مطالعه در گروه نخبه، وسیله ای برای تعمق در قشربندی و نظام طبقاتی یک جامعه و مبین این است که تا چه حد تحرک ارتقائی یا نزولی در جامعه وجود دارد و یا جامعه دارای نظامی متحجر است و قطب بندی جامعه به صورت دو طبقه، یکی صدرگزین و دیگری ذیل نشین، تثبیت شده است. مؤلف در این تحقیق به بیان کلی تطور سازمانهای دولتی اکتفا ننموده بلکه بحثی مفصل را به تشریح دگرگونی تشکیلات و وظایف هر وزارتخانه خاصی از آغاز مشروطیت تأ کنون اختصاص داده است. کتاب از حیث روش تحقیق و ارائ اطلاعات در زمین تاریخ تحولات سیباسی ایران کم نظیر است و بویژه عرضه مطالب در قالب جداول مفصل از امتیازات آن به شمار می رود. 4 هیأت وزیران و نقش آنان در تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران وزارت و تطور آن در ایران

شرف الدین، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین شرف الدین
محل تولد : ایذه خوزستان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/1
زندگینامه علمی
1340 تولد، 1359 پایان دوره متوسطه، 1361 پایان دوره نظام وظیفه، 1362 ورود به حوزه علمیه قم و شروع طلبگی، 1365 ورود به موسسه در راه حق و شروع دوره تحصیلی این مرکز به موازات آموزش های مرسوم حوزه، 1369 اتمام دوره سطح (پایه دوم) 1369 شروع درس خارج و شروع دوره کارشناسی ارشد پیوسته در رشته جامعه شناسی، 1373 ـ 1376 شروع و اتمام دوره کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی با گرایش فلسفه و کلام در بخش تربیت مدرس دانشگاه قم. 1376 اتمام دوره کارشناسی ارشد جامعه شناسی در موسسه امام خمینی ره.1377 پذیرش عضویت هیات علمی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).در این سنوات علاوه بر دروس رسمی (اصلی و جنبی) حوزه افتخار شرکت در دروس تفسیر قرآن استاد جوادی آملی (6 سال)، و آموزش دروس مختلف علوم انسانی در موسسه در راه حق (به مدت 4 سال و حدود 140 واحد) و دروس مختلف فلسفه، علوم القرآن داشته است.
شرکت در درس خارج بزرگان حوزه همچون آیات: فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سبحانی، تبریزی.
تدریس : از سال 1367ـ 1372در دروس مختلف حوزه به صورت حلقات شاگردان خصوصی، تدریس در مراکز دانشگاهی از 1372ـ 1379در قالب، درس عمومی (معارف اسلامی و ریشه های انقلاب) و از 1372تا کنون تدرس مبانی جامعه شناسی، فلسفه تعلیم و تربیت، روش تحقیق، کلام جدید، انسان شناسی، نظریه های جامعه شناسی، اندیشه های اجتماعی متفکران مسلمان، جامعه شناسی دین، قشربندی اجتماعی، سنت های اجتماعی در قرآن و سایر دروس علوم اجتماعی در مراکز مختلف حوزوی بویژه موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره و برخی

دانشگاه های قم چون دانشگاه قم، دانشگاه مفید مرکز جهانی علوم اسلامی، مرکز آموزش مبلغان. از سال 1383تاکنون دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع).

صادق نیا، مهراب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهراب صادق نیا
محل تولد : دزفول
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/4
زندگینامه علمی
در سال 1347 در شهرستان دزفول به دنیا آمد و در همان شهر تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود رادر رشته ریاضی فیزیک سپری کرد . در سال 64 وارد حوزه علمیه قم شد و پس از اتمام دروس مقدمات و سطح درسال 69 وارد درس خارج شد . از آن سال تا کنون از اساتید نام آشنایی چون مکارم شیرازی ، فاضل لنکرانی(ره) ، وحید خراسانی و شیخ جواد تبریزی(ره) بهره برده است . علاقه دیرین او به مباحث علوم قرآنی سبب شد در سال 72 در آزمون ورودی سطح چهارم رشته های تخصصی شرکت کرده و در رشته تفسیر و علوم قرآن پذیرفته شود . در سال 76 و همزمان با اتمام این دوره به مرکز مطالعات ادیان وارد شده و به عضویت هیئت علمی مرکز یاد شده در آمد( مرکز یاد شده الان با عنوان دانشگاه فعالیت می کند). موضوع مطالعاتی وی در این مرکز، ادیان ابراهیمی است و در این خصوص آثاری از ایشان منتشر شده است . تحصیلات آکادمیک نامبرده در سال 79 با پذیرش در آزمون ورودی کارشناسی ارشد تربیت مدرس دانشگاه قم در رشته مدرسی الهیات ادامه یافت و در سال 81 با دفاع از رساله خود با موضوع جایگاه شریعت در عهدین و قرآن موفق به دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد شد . در حال حاضر نیز دانشجوی دوره دکترای جامعه شناسی فرهنگی با گرایش مذهب در دانشگاه علامه طباطبائی تهران است که دوره ی آموزشی را پشت سرگذاشته و در حال تدوین پایان نامه است. در این فراگرد علمی سپران شده ایشان توفیق داشته اند سالیانی در حوزه علمیه قم در دروس مقدماتی و سطح تدریس نمایند. در حال حاضر نیز در پاره ای ازمراکز تخصصی حوزه و دیگر مراکز وابسته، به این مهم اشتغال دارند. تدریس در دانشگاه ها نیز از فعالیتهای نامبرده در شمار است.

صدرنبوی، رامپور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رامپور صدر نبوی در سال 1316 در شهر کاشمر بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال 1347 می باشد. وی پس از بازگشت به ایران در دانشکده جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد مشغول به کار گردید و پس از طی مراتب و مدارج علمی از استادیاری به دانشیاری و استادی و در سال 1385 به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : اقتصاد والدین و انساب : پدر رامپور صدر نبوی حاج سید مهدی فخر العلما است که به سبب ملاحضاتی نام خود را به توصیه و ابلاغ مرحوم احمد قوام السلطنه به صدر العلما تغییر دادند.ایشان بشغل کشاورزی و تجارت شتغال داشتند که بعلت گرایش شدید فلسفی و عرفانی تاجر خوبی نشدند.ایشان از اولاد سید امیر استحق هستندکه شجره آنها به سادلات قائن جمله احمدی ها ،مصطفوی ها ، مجتهدی ها ،مرحوم دکتر مجتهد زاده (استادمعارف اسلامی) می رسد و طبق اظهار خود آن مرحوم نسل سی و ششم تا امام زین العابدین(ع) می باشد. مادر رامپور صدر نبوی دختر حاج رستم قره باغی از تجار بزرگ مشهدبا گرایشهای مشروطه خواهی بوده اند. مادر دکتر صدری نبوی بهمراه برادران و پسر عموهایش به شهرت باقرف در قفقاز بخصوص در قره باغ به فعالیت اقتصادی و سیاسی مشغول بوده ند. پدربزرگ دکتر صدر نبوی ،حاج رستم باقرف به سبب وقایع 1917 روسیه به ایران پناهنده شد و با تابعیت ایران در مشهد زندگی کرد.خاطرات کودکی : رامپور صدر نبوی از خاطرت دوران کودکی خود چنین می گوید: "مادر بزرگ پدرم نا بینا شده بود و ما در سایه وجود ایشان در یک خانواده شش نفره زندگی می کردیم.پدرم و مادرم احترام ایشان را به نهایت داشتند.روزی قرار بود برادرم رضا که-هم اکنون استاد روان پزشکی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد- دست مادر بزرگم را گرفته و ایشان را به خانه عمو جانم که دیوار به دیوار منزل ما بود ببرد.منزل عمو جان و پدرم بزرگ بودو درخت فراوان داشت. برادرم که بچه بازیگوش و سربه هوایی بودایشان را در میان درختان رها کرده و خود بدنبال بچه گنجشکی که از آشیانه زود پریده بودرفته بود. پدرم در همین احوال سر رسیده و مادر بزرگم را سرگشته در میان درختان دیده بود. یادم هست دست مادر بزرگ در دست پدرم بود در حالیکه از شدن غضب و

عصبانیت فریاد میزد " این رضای پدر سوخته کجاست" وقتی برادرم را پیدا کردند او را به فلک کشده و تنبیه مفصلی شد از آنجایی که برادرم فریاد مکشید مادربزرگم با داد و فریاد و گریه متوقف شدن تنبیه را از پدرم خواست با این کار مادربزرگم یک سکوت عمیقی بر محیط خانواده حاکم شد."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر و مادر رامپور صدر نبوی هر دو دارای گرایش های سنتی ،اخلاقی و مذهبی نسبتا محکمی داشتند. پدرش به کشاورزی اشتغال داشت و گاه و بیگاه به تجارت نیز می پرداخت . ولی بعلت عقاید و باورهای مذهبی و مطالعات فلسفی توفیق چندانی در این حرفه بدست نیاورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رامپور صدر نبوی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در کاشمر گذرانید. او برای ادامه تحصیل در سیک دوم متوسطه به مشهد رفت و سال چهارم و پنجم متوسطه را در مشهد گذراندو دیپلم را در دبیرستان بامداد تهران اخذ کرد.ایشان پس از اخذ دیپلم به المان رفت و در رشته اقتصاد و جامعه شناسی به تحصیل پرداخت و پس از ده سال و اندی با مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه هایدلبرگ آلمان در سال 1347 به ایران بازگشتند.خاطرات و وقایع تحصیل : یکی از خاطرات مهم دوران تحصیل رامپور صدر نبوی محاوره ای بود که در گنگره جامعه شناسان که در شهر هادلبرگ بین پوپرو هربرت مارکوزه درباره دیاللیک اتفاق افتاد.فعالیتهای ضمن تحصیل : رامپور صدر نبوی در کنار تحصیل به تدریس و تحقیق و مدیریت گروه جامعه شناسی می پرداخت.استادان و مربیان : پرفسور رولف.واگن فور،پروفسور هانس هالر ،پروفسور هانس هلر ،پروفسور ویلکه و غیره از اساتید رامپور صدر نبوی می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر جواد شیخ الاسلامی،هلموت کل ،دکتر علی شریعتی ،دکتر حاتری ،دکتر غلامحسین یوسفی ،دکتر سیروس سهامی ،دکتر برادران رفیعی ،دکتر منوچهربیات مختاری ،دکتر منوچهر آشیانی غیره از همدوره ایها و همکاران رامپور صدر نبوی می باشند.همسر و فرزندان : رامپور صدر نبوی متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته رفعت متولی است ایشان دارای دو فرزند دختر بنامهای نازنین (متخصص داخلی ) ،فاطمه (دانشجوی دکتری جامعه شناسی) و یک فرزند پسر بنام محمد (دکتری داروسازی ) می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رامپور صدر نبوی عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه فردوسی مشهد بودند.وی همچنین عضو هیئت تحریریه مجله دانش و توسعه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.رامپور صدر نبوی عضو هیئت رئیسه کمیته ویژه توسعه سومین جشنواره ملی طلای سرخ قاینات میباشد.فعالیتهای آموزشی : رامپور صدر نبوی سابقه بیش از سی سال تدریس در دانشگاههای ایران و آلمان را دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن

به شمار می آید : رامپور صدر نبوی از پایه گذاران رشته جامعه شناسی و رشته مدیریت در خراسان و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.چگونگی عرضه آثار : - تعدا مقالات منتشر شده در مجلات داخلی : 30 مقاله - تعداد پایان نامه کارشناسی راهنمایی شده : 111 رساله - تعداد پایان نامه کارشناسی ارشد راهنمایی شده : 31رساله آثار : انسان شناسی فلسفی ویژگی اثر : ترجمه-13502 بزرگان جامعه شناسی ویژگی اثر : تالیف- 13543 تاریخ جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه-13524 جامعه شناسی حق طبیعی ویژگی اثر : تالیف-13545 جامعه شناسی کار و مشاغل ویژگی اثر : تالیف-13716 جامعه و تمدن ویژگی اثر : ترجمه و نگارش- 13517 فرد و جامعه ویژگی اثر : ترجمه و تالیف-13708 کار و مشاغل با تکیه بر اشتغال زنان ، گفتارهایی در علوم اجتماعی ویژگی اثر : کتاب حاضر به سبب تفاوت و گستردگی مطالب «گفتارهایی در علوم اجتماعی» نام دارد، از پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول آن را مقالات و تحقیقاتی مربوط به جامعه شناسی کار، شغل و جامعه شناسی صنعتی، خانواده و اهمیت آن برای جریان تولید، انسانی شدن کار و موارد مشابه تشکیل می دهد. در فصل دوم، نظریه نقش اجتماعی با تکیه بر نظریات نام آوران این رشته در نظریه های جامعه شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به انواع جوامع بشری و نظریه های جامعه شناسی اختصاص یافته که بخشی از آن ترجمه قسمتی از کتاب دانشمند صاحب نام آلمانی «لئوپلدفن ویزه» تحت عنوان «دانش روابط انسانی» است. فصل چهارم هم به بررسی اهمیت حسد به عنوان یکی از عوامل مهم اجتماعی پرداخته که در واقع نوعی جامعه شناسی و روانشناسی حسد است. در فصل پنجم کتاب، مسأله حق طبیعی از نظر مکاتب مختلف اروپایی مانند کاتولیسیسم، مارکسیسم و ناسیونال سوسیالیسم مطرح شده است. این کتاب توسط انتشارات 59 به چاپ رسیده است-1385

صدیق سروستانی، رحمت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رحمت اله صدیق سروستانی استاد گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. ایشان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی -گرایش جامعه شناسی روستایی- در دانشگاه شیراز گذرانده اند.در سال 1979 م در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال 1984م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی گرایش : جامعه شناسی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر رحمت اله صدیق سروستانی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عمران ملی -گرایش جامعه شناسی روستایی- در دانشگاه شیراز گذرانده اند. عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان «بررسی ارتباط بین قشربندی اجتماعی و آرزوهای شغلی دانشجویان دانشگاه پهلوی»بوده است(سال 1354). در سال 1979 م. با دفاع از پایان نامه شان با عنوان «بررسی تأثیر همسایگی بر نگرش نسبت به ناآرامی های مدنی» در رشته جامعه شناسی - گرایش جامعه شناسی شهری از دانشگاه اهایو آمریکا درجه کارشناسی ارشد را اخذ کردند و سپس با ادامه تحصیل در دوره دکتری در همان رشته و دانشگاه، در سال 1984م. به اخذ درجه دکتری جامعه شناسی نائل شدند. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان «بررسی نگرش دانشجویان آمریکایی نسبت به مسلمین بوده است.» وقایع میانسالی : دکتر صدیق سروستانی از سال 1363 تاکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند و از سال 1383 به درجه استادی رسیده اندمشاغل و سمتهای مورد تصدی : رحمت اله صدیق سروستانی در حوزه خدمات علمی و اجرایی نیز دارای مسئولیت های متعدد بوده اند از جمله: - عضوشورای ارزشیابی وزارت علوم(1366-1364 و 1374-1370) - عضو کمیسیون ارزشیابی وزارت علوم(1364 تاکنون) - رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران(1365-1364) - عضو شورای عالی پژوهش کمیته ملی المپیک(1372 تاکنون) -عضو گروه جامعه شناسی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه(1371-1366) - عضو دائرة المعارف بزرگ فارسی (1375-1372) - معاون پژوهشی دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران(1377-1375) - سرپرست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی(1377-1375 و 1365-1364) - عضو کمیسیون اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی(1383 تا کنون) - رئیس کمیته داوری معاونت فرهنگی مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. عضویت ها : - انجمن جامعه شناسی ایران (ISA) - انجمن جامعه شناسی آمریکا(ASA) - انجمن جمعیت شناسی ایران - انجمن ایرانی تعلیم و تربیت آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه رحمت اله صدیق سروستانی: جامعه شناسی ، بررسی مسائل اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، قشر بندی و نابرابری اجتماعی، جامعه شناسی صنعتی، روش تحقیق کمی، روش تحقیق کیفی. آثار : The Status of Girls and Women in 1 Kurdistan ویژگی اثر : ترجمه ، یونیسف13772 آسیب شناسی اجتماعی(جامعه شناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،سمت13873 آسیبشناسی (جامعهشناسی انحرافات اجتماعی) ویژگی اثر : تالیف،آن 1383و1385و13864 تاریخچه جامعهشناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت 13735 راهنمای مدیریت ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک13806 روش تحقیق در تربیت بدنی ویژگی اثر : ترجمه ، سمت13867 رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه ، دانشگاه تهران1382و1383و13868 فراتر از پیروزی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک 1379و1382و13859 ما و دختران امروز(رویکردی جامعه شناختی ویژگی اثر : تالیف،آموزش و پرورش138310 مبانی جامعهشناسی ویژگی اثر : تالیف،سمت 137311 مدیریت و رهبری در ورزش ویژگی اثر : تالیف،کمیته ملی المپیک 1374 و 137612 نیازها، نظرها و آرمانهای جوانان ویژگی اثر : تالیف،شهرداری تهران 137413 واژهنامه علوم ورزشی ویژگی اثر : ترجمه ، کمیته ملی المپیک1376

صفی نژاد، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جواد صفی‌نژاد در نهم شهریور ۸ ۱۳۰شمسی در شهر ری متولد شد. او در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال 1340 بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشت. در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا" پایه‌گذاری کردند. استاد صفی نژاد در سال های اولیه دهه اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : نیاکان جواد صفی نژاد از لرهای بختیاری بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جواد صفی نژاد در شهر ری تحصیلات خود به پایان رسانید و به اخذ دیپلم موفق شد. در سال ۱۳۳۲ در رشته تاریخ و جغرافی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۶ درجه لیسانس را دریافت کرد و از آنجا که استعداد و پشتکار چشمگیری از خود نشان داده بود، تعهد دبیری خود را لغو کرد و به راهنمایی دکتر گنجی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. از سال 1337 همکاری خود را با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران آغاز کرد. او ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی این موسسه مشغول به کار شد. در سا ل1340 بود که کارشناسی ارشد خود را در رشته علوم اجتماعی با ارائه پایان نامه ای درباره اماکن مقدسه شهرری دریافت داشتوقایع میانسالی : جواد صفی نژاد در سال ۱۳۴۵ به مناسبت گسترش روزافزون بخش مطالعات روستایی، بخش مطالعات عشایری از آن جدا شد و صفی نژاد به اتفاق دو تن از همکارانش به سرپرستی دکتر نادر افشار نادری بخش مطالعات و تحقیقات عشایری را مستقلا" پایه‌گذاری کردند. با آغاز این کار بخش مطالعه میدانی گروه به قلمرو ترکمن ها و سپس مناطق عشایرنشین

شاهسون گسترش یافت. از سال ۱۳۴۶ پژوهش های عشایری استاد صفی‌نژاد در قلمرو کهگیلویه و به خصوص بویراحمد آغاز گردید که تا به امروز ادامه دارد. ایشان در سال 1370(1991) به مدت یک سال به همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ/ آلمان در بخش ایران شناسی پرداخت و در دانشگاه مونیخ تدریس کرد. حاصل این امر اثری است با همکاری آقای کامران هاشمی که مجموعه ای از ۶۰ سند تاریخی از کشاورزی سنتی ایران را شامل می شود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیت های حرفه ای جواد صفی نژاد به قرار زیر است: 1337: همکاری با موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ابتدا در گروه جامعه شناسی شهری و سپس مطالعات روستایی 1345: همکاری در تاسیس وعضو کادر موسسه مطالعات و تحقیقات عشایری همکاری با موسسه شرق شناسی دانشگاه مونیخ در بخش ایران شناسی 1373-4: همکاری با پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی 1373-3: همکاری با سازمان مسکن انقلاب اسلامی همکاری با گروه انسان شناسی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : جواد صفی نژاد تاکنون به تدریس دروسی چون مبانی جغرافیای انسانی ، جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ، مردم‌شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ، زمینه‌ها و شیوه‌های همیاری، مسائل کوچ نشینی ، انسان و محیط، منابع و ماخذ جغرافیا و نظام های آبیاری در ایران به طور عمده در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه جغرافیای دانشگاه تهران و نیز دانشگاه علامه طباطبایی به تدریس پرداخته است. از فعالیت های پژوهشی استاد صفی نژاد در طی این سال ها می توان به مطالعات میدانی در میان ترکمن ها و شاهسون ها و مناطقی از کهگیلویه و بویراحمد، سبزی کاری و سبزی کاران شهرری، پیشینه جغرافیایی و تاریخی شمال خراسان، انجام منوگرافی متعدد، کار بر روی موضوعاتی چون قنات، بنه، نظام های زراعی، نظام های آبیاری و اسناد عشایری در ایران اشاره کرد. ایشان در زمینه های فوق جز متخصصین منحصر به فرد به شمار می رود. آرا و گرایشهای خاص : جواد صفی نژاد درباره علاقه خود به تحقیق درباره ایران می گوید: « همه آثار من، تحقیقی است و در حوزه وطن عزیز ما ایران است. من جز راجع به مناطق روستایی و عشایری، وارد حوزه های دیگر نشدم. در کتابخانه شخصی من، ۹۰% از آثار متعلق به پژوهش های ملی است. اگر بشنوم در دره گز کتابی راجع به دره گز چاپ شده می روم آن را تهیه می کنم. این قدر علاقه مندم که کتابهای مربوط به مناطق مختلف کشور را داشته باشم» چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات متشر شده در مجلات معتبر علمی : 38 مورد - تعداد طرح های تحقیقاتی : 13 مورد - نگارش مقدمه :

4 مورد - راهنمایی و مشاوره پایان نامه دانشجویان : 21 مورد آثار : پهنه جهان: [تلخیص و بازنویسی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب از نویسنده‌ای ناشناخته] ویژگی اثر : تالیف قرن چهارم هجری، زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، مصور، جدول، نمونه این کتاب در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. 2 آبیاری در روستاهای بیابانی کاشان ، آبیاری سنتی در کاشان ، گل و گلاب در کاشان ویژگی اثر : به همراه حسین دستمالچی،مسعود مهدوی، تهران: دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، 1368، 104 صفحه،تصویر، جدول، نمودار، نقشه، کتابنامه 3 اسناد بنه ها ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران : دانشکده علوم اجتماعی وتعاون، 2536 [1356]، جدول جلد اول این کتاب اسنادبنه های شهرری ( غار و فشاپویه ) را مورد بررسی قرار می دهد. 4 اطلس ایلات کهگیلویه برای سازمان عمران کهگیلویه ویژگی اثر : تهران : دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری , شهریور 1347، هفت + 223 ص . مجدول . نمودارها. نقشه ها. -(با نادر افشار نادری، عزیز رخش خورشید، حسن پارسا، هوشنگ کشاورز)5 بررسی اقتصادی و اجتماعی سی سخت بویر احمد ویژگی اثر : ( از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه)، گزارش شماره 12، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، 120 ص، شهریور 1347 6 بنه ویژگی اثر : [تهران] : دانشگاه تهران - موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ـ بخش تحقیقات انسان شناسی,[1351] ، 155 ص ، نقشه ها، مجدول، نمودار؛ ویرایش جدیدی از این کتاب در سال 1353 با نام «بنه: نظام های تولید زراعی جمعی ، قبل و بعداز اصلاحات ارضی» در تهران توسط انتشارات توس در دوازده + 272 + 3 ص. و همراه با جدول، نمودار و نقشه به چاپ رسید. این کتاب باردیگر در سال 1368 توسط انتشارات امیرکبیر در 584 صفحه با عنوان « بنه : نظامهای زراعتی سنتی در ایران» به چاپ رسید. 7 تحلیل و تفسیر طومار و آبیاری قرن هشتم شهر قزوین ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو: موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، نقشه، جدول 8 تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران (متنی در شناخت روستاها و مزارع) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت پژوهشهای مردم‌شناسی: آتیه، جلد. (بیست و پنج،ص)مصور، نقشه، جدول، نمودار. -جلد اول این کتاب شامل دو کتاب است : کتاب اول: ولایت تربیت حیدریه (ه.ق) – کتاب دوم: سرشماری ولایت طبس (ه.ق). ص. جلد دوم کتاب نیز دارای دو کتاب است: کتاب سوم: طومار دشمن زیاری. ص. کتاب چهارم: اسناد زراعی ورامین. ص تعاونی های عشایری سررود بویراحمد علیا ویژگی اثر : تهران،

موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروه تحقیقات عشایری، 157ص، اردیبهشت 1363 -( با شاهرخ ترغیبی و هیبت الله غفاری) 10 جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه ویژگی اثر : (بخش بویراحمد علیا ، سفلی و گرلیه) ( مشخصات کتابشناختی این اثر به دست نیامد ) 11 جهان‌نامه ویژگی اثر : -این کتاب بازنویسی کتاب جهان‌نامه اثر محمدبن نجیب بکران می‌باشد. کتاب حاضر در ماه تاریخ و جغرافیا، ش ، دی و بهمن، ص مورد بررسی قرار گرفته است. 12 خان نامه ویژگی اثر : تحقیق درعشایر کهگیلویه و بویراحمد ( در دوره خان خانی)، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران ( فرهنگ و علوم انسانی)، سال اول، شماره 2، 1355 13 سد زیرزمینی قنات و زوان- میممه اصفهان، به همراه بیژن دادرس ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص، مصور(بخشی رنگی)، جدول، نمودار، نمونه. این کتاب به مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید و در کتاب ماه هنر، شماره ، خرداد و تیر ، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. 14 سفرهای سلیمان سیرافی از خلیج‌فارس تا چین ویژگی اثر : تهران : موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ، 30ص. ،مصور، نقشه 15 سوق طیبی از مجموعه مونوگرافی های کهگیلویه ویژگی اثر : تهران، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، گروه عشایری، 1347، 56 ص - ( با نادر افشار نادری، و هوشنگ کشاورز)16 شناسنامه جامعه عشایری ویژگی اثر : دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، جزوه درسی مربوط به درس مردم شناسی عشایر ایران، 94 ص، 136117 عشایر مرکزی ایران ویژگی اثر : تهران: امیرکبیر، 8 6 3 1، بیست و سه + 6 3 7ص.، مصور، نقشه، جدول، عکس -این کتاب در فصلنامه مطالعات ملی: عشایر و هویت ایرانی،8 مورد بررسی قرار گرفته است18 غارت ویژگی اثر : درآمد مستمر خان در دوره خان خانی، مجله دانشکده، نشریه مرکزی دانشگاه تهران ( فرهنگ و علوم انسانی)، سال دوم، شماره 6، 1355 19 کشاورزی سنتی ایران براساس اسناد جنوب تهران (دروان قاجاریه) ویژگی اثر : تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، ص.نقشه، جدول، نمودار -( با ابرهارد کروگر)20 کهن شهرها [تلخیص و بازنویسی کتاب مسالک الممالک اثر ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد فارسی اصطخری] ویژگی اثر : به‌کوشش جواد صفی‌نژاد؛ زیرنظر اکبر ایرانی، علیرضا مختارپور؛ تهران: اهل قلم، ص.مصور، نقشه، جدول، نمودار 21 کوششی در آموزش خط سیاق ویژگی اثر : تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: بنیاد ایران‌شناسی، ص. 22 گاو چاههای فارس با تکیه بر گاو چاههای جهرم ویژگی اثر : تهران: وزارت نیرو، موسسه گنجینه ملی آب ایران، ص. مصور، جدول، عکس (رنگی) 23

لرهای ایران لر بزرگ، لر کوچک ویژگی اثر : تهران: آتیه، مصور، جدول، نمودار 24 مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر : تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، بیست و یک ص. مصور، نقشه، جدول. ( چاپ اول این کتاب سال ها قبل منتشر شده بود ) 25 مجموعه تفضیلی مآخذ عشایر ایران ویژگی اثر : تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی و معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1376 -( با شاهرخ ترغیبی و علی پاینده )26 مردم شناسی ایران با تکیه بر ایلات و عشایر ویژگی اثر : جزوه درسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی، جدول ، نقشه ، نمودار، 242 ص، 1364 27 مقدمه‌ای بر دو روزنامه شرف و شرافت ویژگی اثر : نگارش جواد صفی‌نژاد؛ به خط غلامحسین امیرخانی، فرهنگسرا: (یساولی)، 28 مونوگرافی ده طالب‌آباد ویژگی اثر : تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، یازده ص. مصور، نقشه، جدول، نمودار 29 نان سنگک: مطالعه‌ای مردم شناختی، مولف داود روغنی ویژگی اثر : به گردآوری جواد صفی نژاد، تهران: اختران، 1385، 216 ص، مصور (رنگی)، نقشه این کتاب در مقاله ای با عنوان « سفر ساله کتاب نان سنگک : نگاهی به کتاب خاطرات شاطر داوود روغنی » نوشته غلامرضا معصومی منتشره در روزنامه جام‌جم ، اردیبهشت ، مورد بررسی قرار گرفت. 30 نظام سنتی آبیاری در نائین ویژگی اثر : تهران، کمیته ملی آبیاری و زه کشی، 594 ص، 1384 این کتاب درمصاحبه‌امیرهوشنگ انوری با نولف تحت عنوان «آبنامه‌ها راز قنات‌ها را فاش می‌کنند: گفتگو با دکتر جواد صفی‌نژاد درباره کتاب نظام‌های آبیاری در نایین، » منتشره در کتاب هفته ،دوره جدید، شماره ، مهر :مورد بررسی قرار گرفته است.31 نظامهای آبیاری سنتی در ایران ویژگی اثر : تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، 9 5 3 1، سه، 2 8 2 ص. مصور، جدول، عکس، نمودار. این کتاب در سال 1368 با تغییراتی در دو جلد در مشهد توسط موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، به چاپ رسید. 32 واحدهای اندازه‌گیری در روستاهای ایران ویژگی اثر : همراه با حسین ملک، تهران ، دانشگاه تهران ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، 1349، 95 صفحه ، جدول ، نقشه33 واژه‌نامه قنات، همراه با عبدالوحید آغاسی ویژگی اثر : : شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد ص. مصور، جدول این کتاب به‌مناسبت اولین همایش بین‌المللی قنات که در اردیبهشت در یزد برگزار شد، منتشر گردید. کتاب حاضر در کتاب ماه هنر، شماره خرداد و تیر مورد بررسی قرار گرفت. 34 وصف خلیج‌فارس در نقشه‌های تاریخی ویژگی اثر : همراه با محمدحسن گنجی، محمدباقر وثوقی و با

همکاری فاطمه فریدی‌مجید امیر هوشنگ انوری ؛ مقدمه، تدوین و بازبینی نهایی حسن حبیبی، تهران: بنیاد ایران‌شناسی

طالب، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مهدی طالب استاد و مدیر گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی طالب مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه و نیز در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه دانیل فوشه – میرال تولوز فرانسه و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه میرال فرانسه اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی مقایسه ای منابع معیشت در سه روستای ایرانی با خصوصیات طبیعی مختلف» و در دوره دکتری بوده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص سوابق خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر طالب می توان مواردی همچون «معاون آموزشی دانشکده»، «مدیر گروه تعاون و رفاه اجتماعی»، «رئیس توسعه تحقیقات تعاونی» و «سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس مهدی طالب «اصول اندیشه های تعاونی»، «تامین اجتماعی»، «تامین ورفاه اجتماعی» و «زمینه ها و شیوه های همکاری درجا» ( در مقطع کارشناسی) و «رهبری ومدیریت»، «روش تحقیق درتوسعه و رفاه اجتماعی»، «مدیریت روستائی»، «تحولات جامعه روستایی ایران»، «روش تحقیق درتوسعه»، «سازمانهای مشارکتی روستائی»، «سیستم های اطلاعاتی مدیریت»، «طرح تحقیق»، «مدیریت روستائی» و «مطالعه تطبیقی تجارب توسعه درکشور» (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) است. چگونگی عرضه آثار : مهدی طالب مولف کتب «چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (1369)،«روش تحقیق در علوم اجتماعی»(1370)، «مدیریت روستایی در ایران»(1371)، «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(1373)، «اصول و اندیشه های تعاونی»(1376)، «مدیریت روستایی در ایران»(1376)، «کتاب تامین اجتماعی»(1378)، «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(1380) و «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(1384) و مقالات «مسائل و موانع جامعه شناختی توسعه روستایی در ایران»،

«عوامل موثر در تقطیع اراضی زراعی »، «شیوه های همیاری در جامعه روستایی ایران»، «واحدهای بهره برداری خانوادگی»، «اهمیت مفاهیم و اصطلاحات در علوم اجتماعی»، «عوامل اجتماعی مهاجرتهای روستایی»، «نقش واحدهای بهره برداری خانوادگی در توسعه کشاورزی»، «مسائل و مشکلات توسعه در ایران»، «طرحی برای مدیریت روستائی در ایران»، «فرهنگ شورائی و تاملاتی در مدیریت شهری»، «شوراهای اسلامی روستائی»، «فلسفه تعاونیهای مصرف»، «فلسفه قیمت گذاری در تغاونی مصرف»، «همیاری در ازدواج در ایران»، «قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروههای قومی در سیستان و بلوچستان»، «دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم»، «جایگاه رشته های مختلف علوم اجتماعی در مطالعات روستایی» و «بررسی جایگاه و نقش مطالعات بین رشته ای در مطالعه جوامع روستایی با تاکید بر ایران» است. علاوه براین، مقالاتی نیز با موضوعات «مقاله ماهیت مشارکت و مشارکت در منابع طبیعی »، «نقش تعاونی ها در صنعت روستا »، «عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت در ایران »، «شیوه های همیاری در جامعه روستائی ایران »، «علوم اجتماعی در کتب درسی »، «ترویج و واحدهای بهره برداری خانوادگی »، «جنبه های جامعه شناختی ترویج »، «لزوم تشکیل مشاع ها در کشور وزارت کشاورزی »، «نقش واحدهای بهره برداری در توسعه کشاورزی »، «استراتژی توسعه در فقر زدائی »، « نقش تعاونی ها در توزیع در ایران »، « مسائل و مشکلات تحقیقاتی اجتماعی در ایران »، « نگاهی دیگر به مقوله مسکن در ایران »، « بحران در خانواده »، « بررسی جامعه شناختی موانع بازگشت مهاجرین جنگ تحمیلی »، « اولویت های پژوهش فرهنگی در جامعه مدنی »، « نقش اعتبارات خرد در تامین عدالت اجتماعی »، « چالش های اساسی بازتولید سرمایه اجتماعی »، « اسلام و تکنولوژی سیردگرگونیهای اجتماعی و الزامات تکنولوژیک »، « اعتیاد و خانواده »، « Rural people participation in reconstruction of the quake struck region »، و ... را در سمینارها و همایشهای مختلف ارائه نموده اند . مسئولیت طرحهای تحقیقاتی مختلفی از جمله «نقش اعتماد اجتماعی در میزان کارآیی شوراهای اسلامی»(1386 )، «بررسی عوامل موثر بر توسعه توریسم (مطالعه موردی: روستاهای بخش سامان از توابع شهرستان کرد)»(1385، «بررسی مدلهای توسعه در تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای مجلس: مطالعه موردی هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر تهران»(1386)، «انجام مطالعات اقتصادی اجتماعی در زمینه شیلات کشور و تعاونیهای صیادی»، «سرپرست بخش آموزش کمیته فرعی مقابله با حوادث طبیعی ( زلزله) و انجام پروژه های مطالعاتی»، «طرح بسیج

توان فنی کشور برای مقابله با زلزله با مشارکت UNDP در ایران»، «مدیریت بخش تحقیقات اجتماعی و اقتصادی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مدیریت پروژه مطالعاتی مدیریت روستائی در ایران»، «مسئول شورای پژوهشی وزارت مسکن و شهرسازی و انجام مطالعاتی در زمینه مسکن و شهرسازی»، «مسئول شورای بررسی اقتصادی و اجتماعی وزارت مسکن و شهرسازی به مدت 4 سال و انجام مطالعات در زمینه مسکن و مسائل شهرسازی»، «مسئول شورای علمی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری و بررسی پروژه در دست اجرای مرکز مزبور»، «بررسی اقتصادی اجتماعی روستاهای مشهد»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای ایلام»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای سبزوار»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای بیرجند»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای نیشاپور»، «بررسی-اقتصادی اجتماعی روستاهای قاین»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای اراک»، «تک نگاری میکائیل آباد خلخال»، «تک نگاری ( مونوگرافی ) ده نو اراک»، «تک نگاری ( مونوگرافی ) ابراهیم آباد نیشابور با همکاری پروفسور موریو انو استاد ژاپنی»، «بررسی اقتصادی-اجتماعی روستاهای خلخال»، «بررسی تعاونیهای روستائی تهرانی»، «تک نگاری ساعتلو ارومیه ( رضائیه ) با همکاری پروفسور موریوانو»، «بررسی تعاونیهای تولید کنندگان مرکبات شمال»، «بررسی تعاونیهای ساوه»، «بررسی تعاونی تولید کنندگان پسته رفسنجان»، «بررسی تعاونی اعتبار کارگری اصفهان»، «بررسی ادغام خدمات روستائی در سه ده»، «بررسی تعاونیهای صنایع دستی اصفهان»، «بررسی تعاونیهای مسکن استان تهران»، «مشارکت در انجام طرح سطح بندی روستاهای کشور یکی از محققان»، «طرح جامع شیلات در ایران توسط موسسه مطالعاتی Cofrapeche»، «تراکم جمعیتی در شهرهای کشور » و «ساماندهی نظام آبیاری در ساوه و گرمسار»را نیز بر عهده داشته‌اند. آثار : 1 «اصول و اندیشه های تعاونی»(1376) ویژگی اثر : تالیف2 «جامعه شناسی اعتبارات روستائی در ایران»(1373) ویژگی اثر : تالیف3 «جامعه شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»(1384) ویژگی اثر : تالیف4 «روش تحقیق در علوم اجتماعی»(1370) ویژگی اثر : تالیف5 «شیوه‌های علمی مطالعات اجتماعی (روش تحقیق عملی)»(1380) ویژگی اثر : تالیف6 «کتاب تامین اجتماعی»(1378) ویژگی اثر : تالیف7 «مدیریت روستایی در ایران»(1371) ویژگی اثر : تالیف8 «مدیریت روستایی در ایران»(1376) ویژگی اثر : تالیف9 چگونگی انجام مطالعات اجتماعی» (1369) ویژگی اثر : تالیف

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

عاملی رنانی، سعیدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سعیدرضا عاملی رنانی دانشیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1371) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (1374) و مدرک دکترای را در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (1380) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : ارتباطاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعیدرضا عاملی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (1371) و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه دابلین ایرلند (1374) و مدرک دکترای را در در رشته ارتباطات از دانشگاه Royal Holloway University of London (1380)) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، « ارتباط بین تلویزیون و باورها و رسومات مذهبی» و رساله دوره دکترا « تاثیر جهانی شدن بر هویت مسلمانان بریتانیا» می باشدمشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و مدیریت سعیدرضا عاملی رنانی به قرار زیر است: • موسس و عضو هیئت امنای کالج اسلامی مطالعات پیشرفته ـ لندن از 1997 تا به حال • موسس و رئیس موسسه ی مطالعات اسلامی ـ لندن 1997ـ 1999 • موسس و عضو هیئت امنای موسسه ی اسلامی حقوق بشر ـ لندن از 1997 تا به حال • عضو کمیته ی بین المللی مطالعات جهانی ـ لندن از 2002 تا به حال • عضو هیئت علمی دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران ـ گروه ارتباطات از 2001 تا به حال • موسس و رئیس موسسه مطالعات امریکای شمالی و اروپا از مهرماه 1383 تا کنون • عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ی علوم اجتماعی ـ دانشگاه تهران • عضو هیات تحریریه "دانشنامه علوم اجتماعی",دانشگاه تربیت مدرس 1383 • عضو هیات تحریریه "پژوهشنامه جهانی شدن",مرکز ملی مطالعات جهانی شدن 1386 • معاون طرح و برنامه دانشگاه تهران,سازمان مرکزی دانشگاه تهران دفتر طرح و برنامه 1387 • سرپرست دانشکده مطالعات جهان,دانشکده مطالعات جهانفعالیتهای آموزشی : موارد تدریس سعیدرضا عاملی رنانی : ارتباطات وفرهنگ، جهانی شدن ارتباطات، سمینارمسائل سیاسی واستراتژی معاصر، فلسفه

رسانه های جمعی، مطالعات فضای مجازی، نقدوتفسیرومقاله درمطبوعات (مقطع کارشناسی). سمینار ، قوم شناسی و ساختار حکومتی و قانون اساسی، ارتباطات وفرهنگ، جامعه شناسی جهانی شدن ، جهانی شدن وفرهنگ، جامعه شناسی ارتباطات بین فرهنگی، جهانی شدن وفرهنگ، مسائل رسانه ای ایران وجهان، مطالعات فضای مجازی ، مقدمه ای بر مطالعات آمریکای شمالی(مقطع کارشناسی ارشد و دکترا) است.چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی پایان نامه دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب 1 و24 تعداد طرحهای تحقیقاتی:14 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:13 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی:7 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در ایران: 19 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها در خارج از کشور : 41 موردآثار:nbsp1 Dual Citizenship: British, Islamic or Both Obligation, Recognition, Respect and Belonging, London, IHRC, – co- authors, Saied R. Ameli Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی-20042 Globalization, Americanization and British Muslim Identity, London, ICAS Press ویژگی اثر : بزبان خارجی-20023 Secular or Islamic? What Schools do British Muslims want for their children?, London, IHRC, Co-authors, Saied R. Ameli , Alya Azam, Arzu Mirali ویژگی اثر : بزبان خارجی 20054- Social Discrimination: Across the Muslim Divide, London, IHRC, Saied R. Ameli, Manzur Elahi Arzu Merali ویژگی اثر : بزبان خارجی-20045 ارزیابی فضای مجازی ایرانی ویژگی اثر : تالیف-13866 دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف-1385

عبداللهیان، حمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حمید عبداللهیان در سال 1336 در شهرستان شاهرود متولد شد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته جامعه شناسی تاریخی و ارتباطات از دانشگاه کارلتون -کانادا در سال 1375 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشار دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تاریخی و ارتباطاتوالدین و انساب : پدر حمید عبداللهیان علی اصغر عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال شاهرود و نام مادر محترمشان خانم طاهره قریشی خانه دار است.خاطرات کودکی : دوران کودکی حمید عبداللهیان در میان طبیعت شهر شاهرود سپری شد او در دوران نوجوانی به فوتبال علاقه مند بود . از بدترین خاطره ایشان از دست دادن پدرش در سن هشت سالگی اش بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر حمید عبداللهیان کارمند اداره ثبت احوال بودو بعد از فوت ایشان وضعیت مالی خانواده حمید عبداللهیان مناسب نبود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی حمید عبداللهیان به ترتیب زیر است: - دوران ابتدایی را در دبستان خاقانی - در سال 1355 دوره متوسطه را در دبیرستان شاهپور (دکتر شریعتی فعلی ) - مهر ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۶۳، دانشجوی کارشناسی در دانشگاه تهران (پژوهشگری) - بهمن ۱۳۶۳ تا بهمن ۱۳۶۶، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران - ژانویه ۱۹۹۰ تا آبان ۱۹۹۶، دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی در دپارتمان جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون کانادا - ژانویه ۲۰۰۳ تا ژانویه ۲۰۰۴، فرصت مطالعاتی و استاد مهمان در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون در اتاوا، کانادا. عنوان پایان‌نامه دکتر عبداللهیان : موانع تاریخی در راه توسعه تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی پیش از سرمایه‌داری در ایران؛ مطالعه موردی مالکیت غیابی. استاد راهنما : پروفسور بروس مک فارلین، دانشگاه کارلتون، اوتاوا، کاناداخاطرات و وقایع تحصیل : در دوران دانشجویی حمید عبداللهیان در دانشگاه تهران در گیر جنبش دانشجویی بود و در سال 1357 نیز وقایع انقلاب اسلامی را تجربه کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : حمید عبداللهیان در کنار تحصیل به فعالیت های سیاسی می پرداختند و در سن 19 سالگی ازدواج کرده و اولین فرزندش در سن 22 سالگی وی بدنیا آمد.استادان و مربیان : دکتر توسلی ، دکتر ساروخانی ، دکتر عسگری ، دکتر محمد

میرزایی ،دکتر انصاری ، دکتر وثوقی ، دکتر ازکیا ، دکتر طالب ،دکتر بورس مک فارلین ، دکتر ژاک شوالیه ،دکتر مجید الحج ، دکتر پادوگفسکی ،دکتر جان میلز ،دکتر یوسفی زاده ، جواد صفی نژاد و آلن استیوز از اساتید دکتر عبداللهیان می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر دهقان ،دکتر آزاد ارمکی ،دکتر اباذری ،دکترحسینی زاده ،دکتر ناهید مطیع ،دکتر پریچه ابراهیمی و دکتر یحی علی بابایی از همدوره ایهای و همکاران حمید عبداللهیان می باشند.همسر و فرزندان : حمید عبدالهیان دارای همسر و سه فرزند می باشد .همسرش سرکار خانم فاطمه محبی نژاد خانه دار و فرزندانش بنامهای علیرضا (دانشجویی عمران در کشور کانادا) محمد که در سن 18 سالگی بعلت مبتلا به تومور مغزی در سال 1381 فوت کردو آرش (دانش آموز مقطع متوسطه ) عبداللیهان می باشد.وقایع میانسالی : از وقایع تلخ دوره میانسالی حمید عبداللهیان فوت پسر دومش بعلت مبتلا به تومور مغزی بود که در سال 1381 دار فانی را وداع گفت .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - اردیبهشت 1364 تا آذر 1368 مدیر دفتر پیمایش افکار عمومی، مؤسسه روزنامه کیهان، تهران، ایران. - اسفند 1377 تا آبان 1378 معاون آموزشی، دانشکده علوم اجتماعی - آبان 1378 تا بهمن 1381 معاون پژوهشی و رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - آبان 1378 تا بهمن 1381 عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران – دانشگاه تهران – ایران. - خرداد 1378 تا بهمن 1381 عضو کمیته ارزیابی برای برنامه‌های دوره دکترا – دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - اردیبهشت 1383 تا اردیبهشت 1385 مدیر گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران. - 1378 تا 1385 عضو انجمن جامعه‌شناسی ایرانی. - 1382 تا 1385 عضو انجمن جمعیت شناسی ایران - 1385 -1388 ,سر دبیر مجله جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعی - 1384 ,سردبیر نشریه جهانی رسانه,دانشکده علوم اجتماعیفعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حمید عبداللهیان به قرار زیر است: - فوریه ۱۹۹۱ تا مارس ۱۹۹۶ دستیار استاد در بخش جامعه‌شناسی و انسان شناسی در درسهای قدرت (یک ترم)، تئوریهای کلاسیک جامعه‌شناسی (یک ترم)، دیدگاههای مقایسه‌ای در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (۵ ترم). - مهر ۱۳۷۷ تا خرداد ۱۳۷۸ تدریس روش تحقیق (در دو بخش عملی و نظری)، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۸ تا خرداد ۱۳۷۹ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. - مهر ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۰ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و درس جامعه

شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی - مهر ۱۳۸۰ تا خرداد ۱۳۸۱ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. و تدریس جامعه شناسی تاریخی در دوره دکترای جامعه شناسی و روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۱ تا بهمن ۱۳۸۱ تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد ارتباطات و جامعه‌شناسی تاریخی در سطح دکترا. -بهمن ۱۳۸۱تا بهمن ۱۳۸۲ فرصت مطالعاتی در دانشگاه کارلتون، کانادا. - بهمن ۱۳۸۲ تا خرداد ۱۳۸۳ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. و تدریس روش تحقیق برای کارشناسی ارشد ارتباطات - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی. تدریس روش تحقیق در سطح کارشناسی ارشد و دو درس جامعه‌شناسی تاریخی و روابط بین فرهنگی در سطح دکترا. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس در سه درس روش تحقیق، مبانی جامعه‌شناسی، افکار عمومی و وسایل ارتباط جمعی در سطح کارشناسی. - مهر ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق در کارشناسی ارشد ارتباطات و روش تحقیق کیفی در کارشناسی ارشد مطالعات زنان. و تدریس سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشد. - مهر۱۳۸۴ تا بهمن ۱۳۸۴ تدریس روش تحقیق (نظری و عملی)، نظریه‌های علوم اجتماعی، مبانی جامعه‌شناسی در سطح کارشناسی و دروس روش تحقیق در ارتباطات و روش تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه و سمینار کارشناسی ارشد در سطح کارشناسی ارشد. -بهمن ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۸۵ تدریس نظریه های علوم اجتماعی، رسانه ها و حوزه عمومی، روش تحقیق در سطح کارشناسی تدریس قدرت و فرهنگ، سمینار پایان‌نامه در سطح کارشناسی ارشدمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - 1382 تا 1385 مؤسس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، این انجمن در آبان 1383 تأسیس شد. - بانی مجله جهانی رسانه - راه اندازی دوره کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه - راه اندازی دوره دکتری ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شاگردان : دکتر لاجوردی ،دکتر عباس کاظمی ،خانم زهرا اجاق ، خانم مریم اصغری ،آقای اباذر توکلی و دکتر عبدالهی از دانشجویان و دانش آموختگان حمید عبداللهیان می باشند.همفکران فرد : حمید عبداللهیان با دکتر دهقان ،دکتر جوادی یگانه و دکتر سعیدی دارای همفکری نزدیکی است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه و گرایشهای خاص حمید عبدالهیان به قرار زیر است: - روابط ترکیبی شیوه های فرهنگی - جامعه شناسی تاریخی،روانشناسی - روش تحقیق در ارتباطات و مطالعه فرهنگی و جامعه شناسیچگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات

داخلی : 10 مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : 6 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها : 5 مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در همایشها : 11 مقاله - تعداد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده : 6 طرح - تعداد پایان نامه های راهنمایی شده کارشناسی : 2 رساله - تعداد پایان نامه های راهنمایی شده کارشناسی ارشد : 8 رساله - تعداد پایان نامه راهنمایی شده دکتری : 2 رساله آثار : 1 Conceptualization of reality in Historical Sociology; Narrating Absentee Landlordism ویژگی اثر : تهران: انتشارات سایه روشن-تابستان 20042 جزوه: نظریه تضاد ویژگی اثر : محل انتشار: دانشکده علوم اجتماعی تاریخ انتشار: 31/01/1385 تاریخ تجدید نظر: 15/07/1386 عنوان درس: نظریه های علوم اجتماعی ملاحظات: این جزوه در واقع ترجمه بخشی از کتاب دن مارتیندیل است 3 دین و رسانه ویژگی اثر : تالیف کتاب و چاپ توسط سایر مراکز نشر -ناشر: دفتر پژوهشهای رادیو تاریخ انتشار: 22/07/1386 محل انتشار: تهران- ایران ملاحظات: این کتاب مجموعه ای از مقالات را چاپ کرده است و ما دو نفر علاوه بر اینکه مقاله داریم کار ویرایش و آماده سازی و چاپ آنرا به عهده داشته ایم

علینی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علینی
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب محمد علینی در سال 1343 در تهران به دنیا آمدم. تحصیلات کلاسیک خود را تا مقطع دیپلم در شهر قم ادامه دادم. با وجود قبولی در دانشگاه تهران و مرکز تربیت معلم لویزان در سال 1363 وارد حوزه علمیه قم شدم. دروس سطح خود را نزد اساتیدی همچون ایوبی، نکونام، عراقچی، علیدوست، و مرحوم پایانی گذراندم. پس از اتمام سطح در درس خارج اصول مرحوم آیت الله صالحی مازندرانی و خارج فقه آیت الله جوادی آملی شرکت نمودم.از سال 1370 به جهت علاقه به کار با کودک و نوجوان که به نظرم زیر بنای کار فرهنگی در جامعه محسوب میشود وارد مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به ریاست حاج آقا راستگو شدم.
بعد از گذراندن دوره عمومی و تخصصی مرکز وارد گروه تحقیقاتی معارف زیر نظر حاج آقا کبیر شدم و بر روی آثار شهید مطهری کار نمودم. در ضمن وارد گروه تحقیقاتی روان شناسی زیر نظر استاد مهاجرانی شدم و روان شناسی رشد و شخصیت را فرا گرفتم و به تدوین جزوه همراه با سایر دوستان مرکز پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش در زمینه های معارف ، روان شناسی ، تعلیم و تربیت، احکام، مسائل اجتماعی و ... به تدریس در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در ایام تابستان در قم و شهرستان ها در مراکز فرهنگی مشغول می باشم.
همچنین در تدوین کتاب های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی با سایر دوستان محقق و نویسنده از سال 1376 همکاری نزدیک دارم و مسئول هیات تحریریه در مرکز تربیت مربی می باشم. در سال 1379 در کنار دروس حوزوی و تحقیق و پژوهش به تحصیل در رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری در دانشگاه باقر العلوم علیه السلام پرداختم. علاوه بر تحقیق و پژوهش و نویسندگی در زمینه کودکان و نوجوانان و

حضور در درس تفسیر آیت الله جوادی آملی به پژوهش و نویسندگی در زمینه مسائل جامعه شناسی اشتغال دارم که امیدوارم با عنایت ویژه خداوند و اهل بیت عصمت و طهارت بتوانم در خدمت اسلام و جامعه اسلامی باشم. لازم به ذکر است از سال 1384 در مقطع کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام اشتغال به تحصیل دارم. همچنین از ابتدای سال1385 در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با عنوان پژوهشگری در دفتر مطالعات و تحقیقات فرهنگی و اجتماعی مشغول می باشم.

عناصری، جابر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جابر عناصری در سال 1324 در شهر اردبیل زاده شد. او از کودکی به تعزیه و شبیه خوانی علاقه مند بود. وی گرچه دکتری خود را در رشته فلسفه از دانش گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : تعزیهخاطرات کودکی : علی عناصری( پدر جابر) بدلیل علاقه و ارادتی که به ائمه اطهار علیهم السلام داشت، هر ساله مراسم عزاداری، شبیه خوانی و تعزیه را در منزل خود برپا می نمود. جابر از کودکی به شبیه خوانی و تعزیه علاقه مند بود. و زیر نظر پدر، مراسم شبیه خوانی را آموخت. در زمانی که پدرش مراسم شبیه خوانی را برگزار می نمود، جابر مشق های خود را در پشت نسخه های تعزیه می نوشت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جابر عناصری در یک خانواده فرهنگی - مذهبی در اردبیل به دنیا آمد . و بدلیل علاقه پدرش به ائمه اطهار و اجرای مراسم تعزیه و شبیه خوانی در منزل وی، جابر به تعزیه علاقه مند گردید. پدرش نیز یکی از مردان سرشناس اردبیل بود و در نظر مردم بسیار محترم بود. خانه او نیز هر ساله محل برگزای مراسم تعزیه و شبیه خوانی بود. از این رو در همه جای آن آلات و ادوات شبیه خوانی و تعزیه به چشم می خورد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جابر عناصری تحصیلات ابتدایی و دبیرستان خود را در اردبیل طی کرد و سپس بخاطر عشق به ادبیات عامه، در سال 1339 راهی تهران شد تا ادبیات را در دارالفنون بیاموزد. در سال 1342 تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشگاه تهران آغاز کرد و در این رشته تحصیلات خود را تا دکتری ادامه داد.در سال 1352 برای پژوهش و سبک تخصصی در زمینه ایران شناسی اجتماعی را در دانشگاه لندن به پایان رساند.خاطرات و وقایع تحصیل : جابر عناصری در سیزده سالگی در دوره دبیرستان یک پژوهش فرهنگی را انجام داد و آنرا بصورت روزنامه دیواری ارائه نمود.فعالیتهای ضمن تحصیل : جابر عناصری در ضمن تحصیل به پژوهش در ادبیات و فرهنگ عامه مشغول بود. چنانکه یک تک نگاری درباره روستایی بنام ججین را در سال 1345 انجام داد و در مجله هنر و مردم به چاپ رساند. دکتر عناصری پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه تهران و گذراندن دوره تخصصی مردمشناسی در انگلستان با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود، به تحقیق درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه و ایران

و افغانستان پرداخت.استادان و مربیان : جابر عناصری ادبیات را در دارالفنون از جلال الدین شریفیان آموخت . اولین استاد وی درباره هنر و ادبیات عامه، پدرش علی عناصری بود.همسر و فرزندان : همسر جابر عناصری کارشناسی ارشد کتابداری است و همواره او را در یافتن اسناد و مدارک و تحقیق و نقد آنها یاری و تشویق نموده است. فرزندان وی نیز همواره از کودکی با کتاب مانوس بوده و بعنوان شاگردان پدر و دستیاران تحقیقاتی و حتی طراحان جلد کتابهای وی،وی را یاری می نمایند.وقایع میانسالی : جابر عناصری از دوره تحقیقات میدانی خود در گوشه و کنار ایران خاطرات تلخ و شیرینی دارد. یکی از آنها ر زمانی رخ داد که وی با یک دوربین عکاسی جدید و مدرن به یکی از روستاهای آذربایجان شرقی رفته بود. در آنجا به پیرمردی که در حال کشاورزی بود برخورد. دکتر عناصری بدلیل اینکه مبادا پیرمرد را ناراحت کند، بدون اینکه از وی عکسی بگیرد بسرعت از کنار وی گذشت و از چند جوان روستایی که در آن نزدیکی بود عکسهایی تهیه کرد پیرمرد که این صحنه را دید، فریاد زد، عجب روزگاری شده از جوانها عکس می گیرند، ولی از پیرها عکس نمی گیرند.دکتر عناصری نیز از او خواست که هر تعداد عکس می خواهد از او بگیرد. اما پیرمرد آنرا مشروز بر گرفتن عکس دستجمعی با خانواده خود و در لباسهای نو دانست، دکتر عناصری نیز از آنها خواست تا لباس محلی آذربایجان را بپوشند، چند لحظه بعد عکسی زیبا و مردم شناسانه بوجود آمده بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جابر عناصری علاوه بر سابقه تدریس در دانشکده هنرهای دراماتیک( از سال 1356 ه.ش) دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، در حال حاضر(1381 ه.ش) سرپرست برخی گروههای تحقیقی مردم شناسی و مسئول تحقیقات ایلی و عشایری می باشند.فعالیتهای آموزشی : جابر عناصری از بیست و یک سالگی در دانشکده هنرهای دراماتیک مشغول به تدریس شد(1356 ه.ش) . وی در سال 1377 درجه استادیاری داشت و تا سالهای اخیر به تدریس مشغول بود.[دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]. از این گذشته وی بعنوان استاد تعزیه شناسی در دانشکده هنرهای زیبای تهران، دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جابر عناصری در کنار تدریس و مسئولیت های اداری تحقیق در زمینه ادبیات عامه ، شبیه خوانی و تعزیه را ادامه می دهد.همفکران فرد : مرحوم احمد شاملو( نویسنده دایره المعارف کتاب کوچه در باره امثال ایرانی)، دهخدا( نویسنده امثال و حکم) صادق

هدایت(گرد آورنده حکایات و مثل های محلی برخی مناطق ایران) در گرد آوری ادبیات عامه پیشگام بوده اند. اما امروزه کسانی چون صادق همایونی، دکتر محمود روح الامینی، مهرداد وحدتی دانشمند، محسن میهن دوست، محمد- احمد پناهی سمنانی و دکتر علی بلوکباشی در ردیف همفکران جابر عناصری قرار میگیرند که با نگاهی مردم شناسانه یا هنری به هنر و ادبیات عامه می نگرد.آرا و گرایشهای خاص : مهمترین علاقه جابر عناصری ادبیات عامه، شبیه خوانی و تعزیه است. وی در این راه اعتقاد کاملی به پژوهش میدانی و مصاحبه دارد. چنانکه وی بیشتر عمر خود را صرف تحقیق در روستاهای گوشه و کنار ایران نموده است. وی این روش را ابزاری برای ارتباط نزدیکتر با واقعایت می داند.جوائز و نشانها : تک نگاری درباره روستای ججین اولین پژوهش چاپ شده جابر عناصری بود که از سوی مجله هنر و مردم بعنوان یکی از تحقیقات نمونه انتخاب شد(1352 ه.ش) هنگامی که دکتر عناصری در انگلستان به سر می برد تحقیقاتی با تکیه بر پژوهشهای قبلی خود درباره خاورمیانه، جنوب غرب آسیا و بویژه مسائل فرهنگی ترکیه ایران و افغانستان انجام داد و در سال 1356 با کسب عنوان دانشجوی برجسته دوره پژوهش به ایران بازگشت.آثار : ویژگی اثر : وی در آثار خود از نگاهی جامعه شناسانه و مردم شناسانه به تئاتر و تعزیه ایرانی می نگرد. [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر ، تهران: چهارین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد]2 ادبیات نمایشی مذهبی ، تجلی قرآن در قاب آئینه فرهنگ عامه ایران و ... [جابر عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358 . و سه مردمشناسی و روانشناسی هنری، تهران:اسپرک،1366. و سه ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش ،1370. و سه ، شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1372] ، دکتر جابر عناصری تا کنون (1381) 12 تعداد 1200 مقاله و 34 کتاب نگاشته اند، که 20 عنوان از کتابهای پژوهشی می باشند و از آن جمله است: شبیه خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی(1372) ، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان( 1370) ویژگی اثر : پژوهشی است میدانی درباره داستانهای شاهنامه که توسط نقالان نقل شده است. [جابر عناصری، شناخت اساطیر ایران بر اساس طومار نقالان، تهران: سروش،1370، صص فهرست]7 مراسم آیینی و تئاتر(1358) ، مردم شناسی و روانشناسی هنری(1366) ویژگی اثر : دکتر عناصری در کتاب مردم شناسی و روانشناسی هنری به جایگاه قصه های عامیانه در هنر ایران، باورهای عامیانه، تاثیر رسانه های جمعی در گسترش هنر، مباحث رنگ شناسی، سمبولیسم رنگ و ارتباط آن با روانشناسی می پردازد. سپس به روانشناسی هنری وارد شده و بحث

های هنر درمانی، تئاتر درمانی و نقش تئاتر در درمان کودکان معلول و ... را مطرح می نماید. [جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: اسپرک، 1366، و نیز، سه، جابر عناصری، مردم شناسی و روانشناسی هنری، تهران: رشد، 1380، صص جلد و فهرست]9 نسیم خاطرات[صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21] ویژگی اثر : مجموعه مقالات نسیم خاطرات در بردارنده 150 مقاله در باره تاریخ شفاهی اردبیل و گریزهایی به فرهنگ محل ایران است. [صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش، ص 21]

منابع زندگینامه :جواد عناصری، مراسم آیینی و تئاتر، تهران: چهارمین فصلنامه تئاتر، 1358، ص جلد2دکتر محسن تهرانی زاده، اسامی و مشخصات استادیاران کشور، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیع قوانین و مقررات کشور،1377، ص 319]3صارمی، عاشقترین عاشقان فرهنگ، فرهنگ و پژوهش. ص 20و نیز جابر عناصری، شبیه خوانی الگوی نمایشهای ایرانی، تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،1372، صفحات جلد کتاب]4کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه1، شماره 40-39(آذر و دی 1380)، ص 2. و نیز کتاب ماه هنر ( ویژه هنر عامه 2)، شماره 44-43 (فروردین و اردیبهشت 1381)،ص 2

غفاری فر، حسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن غفاری فر
محل تولد : بابل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1343/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب حسن غفاری فر در سال 1361 دیپلم را اخذ و در سال 61-62 وارد مدارس علوم مقدس دینی شدم . ابتدا مدت کوتاهی را در تهران ، سپس در بابل و نهایتا در سال 67-68 برای ادامه تحصیل وارد شهر مقدس قم شدم ، تقریبا در همان سال تحصیلی ، دروس سطح را به اتمام رساندم ، البته به جهت شهرستانی بودن و عدم ساماندهی فراگیر حوزه های شهرستانها در آن ایام ، امتحانات حوزوی در سالهای بعد به اتمام رسید . از سال تحصیلی 67-68 تا کنون در دروس خارج حوزه شرکت می کنم ، قابل ذکر است تقریبا از سال 78 به بعد تک درس خارج فقه یا اصول را شرکت می کنم . از سال تحصیلی 71-72 وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) شدم. ابتدا دوره پنج ساله عمومی را ( طبق طرح قدیم ) در سال 75-76 به اتمام رساندم ، سپس از سال 76-77 وارد ارشد جامعه شناسی و طبق طرح قدیم ( با سپری نمودن 80 واحد پیش نیاز و بیش از 30 واحد اصلی و دفاع از پایان نامه ) در سال تحصیل 80-81 به اتمام رساندم .
قریب به پنج سال در موسوعه فقه اهل بیت(ع) به مدیریت آیت الله شاهرودی در فاصله سالهای 75 -80 همکاری پژوهشی داشتم و قریب به 6 ماه عضو گروه کارورزی پژوهشی تاریخ معاصر به مدیریت دکتر موسی نجفی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) اشتغال داشتم .
به صورت متفرقه با قسمت تحقیقات و پژوهش معارف صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستقر در قم ، همکاریهای نظارتی بر کتابها می نمایم که تا کنون نیز ادامه دارد، به عنوان ناظر و یا داور رساله های علمی موسسه های علمی زیر مجموعه حوزه علمیه قم همکاری دارم ، قریب به 6 ماه عضو گروه پژوهش حوزه جامعه شناسی در موسسه انتظار نور وابسته به دفتر تبلیغات بودم.

بیش از 10 عنوان در حوزه های تاریخ اسلام ، تاریخ ایران ، تاریخ تشیع ، مهدویت ، جامعه شناسی ، عقاید ، سیاسی ( به ویژه بحث ولایت فقیه ) و در مراکز حوزوی ، دانشگاهی و نهادهای انقلابی و گاهی دانش آموزی تدریس نموده ام.

غفاری، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامرضا غفاری دانشیار گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (1368)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1371) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1380) اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : نام پدر: امراللهتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر غلامرضا غفاری مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی و تعاون از دانشگاه علامه طباطبایی (1368)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1371) و دکتری را نیز در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران (1380) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی پیوند بین فعالیت های علمی و تکنولوژیکی با نیاز های اجتماعی اقتصادی » و دوره دکتری «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستاییان» است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر غفاری می‌توان مواردی همچون «ریاست موسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی» (1381)، «مسئولیت اداره خدمات آموزشی دانشکده علوم اجتماعی» ، «معاون دانشجویی و فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی» ،«معاون دانشجویی و فرهنگی,دانشکده علوم اجتماعی در سال 1382»و«بازرس چهارمین دوره هیات مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران»را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس غلامرضا غفاری ،«تغییرات اجتماعی»، «روش تحقیق عملی»، «روش تحقیق نظری»، «سیاست اجتماعی»، «فنون برنامه ریزی اجتماعی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی) است و «روش تحقیق در رفاه اجتماعی» و «روش ها و تکنیک های برنامه ریزی رفاه» (در مقطع کارشناسی ارشد) است. آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات «سرمایه اجتماعی»، «توسعه اجتماعی » و « تحولات اجتماعی » اشاره نمود.وی مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «سنجش سرمایه اجتماعی در ایران» را نیز بر عهده داشتند. چگونگی عرضه آثار : تعداد راهنمایی

پایان نامه ها : الف-پایان نامه های کارشناسی:1مورد ب- پایان نامه های کارشناسی ارشد:17 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:18 مورد تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : 1 مورد تعداد مقالات ارائه شده در همایشها:6 موردآثار : اعتماد: نظریه جامعه شناختی ویژگی اثر : پدیدآورنده: پیوتر زتومکا، غلامرضا غفاری (مترجم) ناشر: شیرازه - 11 اسفند، 1386 2 توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: نشر نی - 26 خرداد، 1386 3 جامعه شناسی تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: عادل ابراهیمی لویه، غلامرضا غفاری ناشر: آگرا - 23 آبان، 1384 4 جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، مصطفی ازکیا (مترجم) ناشر: کلمه - 1381 5 جامعه شناسی توسعه ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصطفی ازکیا، غلامرضا غفاری ناشر: کیهان - 07 مهر، 1387 6 جامعه شناسی مشارکت ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، محسن نیازی ناشر: نزدیک - 22 خرداد، 1386 7 جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: غلامرضا غفاری، تقی آزادارمکی (مترجم) ناشر: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی - 1383 8 جامعه شناسی نسلی در ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: تقی آزادارمکی، غلامرضا غفاری ناشر: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی - 19 شهریور، 1386 9 سرمایه اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: جان فیلد، غلامرضا غفاری (مترجم)، حسین رمضانی (مترجم) ناشر: کویر - 30 آبان، 1386

فخر زارع، حسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید حسین فخر زارع
محل تولد : ورزنه اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/6/8

زندگینامه علمی
اینجانب پس از تکمیل مرحله ابتدایی و اول راهنمایی در سال 1363 وارد حوزه علمیه اصفهان شدم. پس از یک سال تحصیلی راهی قم شدم و در درسهای ادبیات مرحوم استاد مدرس افغانی بطور جدی شرکت کردم. سال 1365به جبهه اعزام و تا سال 1367 بطور متناوب بمدت 5/10 ماه در جبهه ها و چند عملیات حضور داشتم که در عملیات کربلای 5 از ناحیه کتف مجروح و دچار آسیب جدی شدم. پس از جنگ در اصفهان ماندگار شده و در دروس سطح حضرات آقایان آیة الله سید احمد امامی، آیة الله سید حسن امامی، آیة الله شیخ علی اکبر فقیه، آیة الله کلباسی و ... شرکت کردم. سال 1371 همزمان با تشکیل خانواده به قم مشرف شدم. و تا سال 1373در دروس سطح حضرات آقایان: پایانی، استادی، دوزدوزانی، عندلیبب، محمدی و... حضور یافتم. از سال 1375 در دروس خارج فقه واصول آیات عظام تبریزی، وحید، جوادی آملی شرکت کردم. از سال 1379 همزمان با دروس حوزه از دانشگاه رشته علوم اجتماعی را ادامه دادم و سال 1383 در رشته جامعه شناسی دانشگاه با رتبه خیلی خوب پذیرفته و تحصیلات را تا سال 85 (فارغ التحصیلی) ادامه دادم. عمده مطالعات اینجانب در مورد اسلام و جامعه شناسی اندیشه های بنیادی اجتماعی، جامعه شناسی سیاسی و نیز جامعه شناسی ادبیات می باشد.

فرهادی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مرتضی فرهادی در سال 1323 در ملایر دیده به جهان گشود. ایشان دارای دکتری رشتهٔ جامعه شناسی می باشد. فرهادی عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبئی می باشد. نامبرده از سال 1346 همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامهٔ «علوم اجتماعی» دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را به عهده دارد. کتابهای " فرهنگ یاریگری در ایران" و "واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف،وی، به ترتیب در دوره های سیزدهم و بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شدند.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مرتضی فرهادی پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در مقطع لیسانس در رشتهٔ روان شناسی، فوق لیسانس در رشتهٔ ارتباطات اجتماعی و دکترا در رشتهٔ جامعه شناسی به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی فرهادی از سال 1346 همکاری با مطبوعات را شروع کرده و تا کنون به شکل‌های گوناگون آن را ادامه داده است و در حال حاضر، سردبیری فصلنامهٔ «علوم اجتماعی» دانشکدهٔ علوم اجتماعی می باشدفعالیتهای آموزشی : مرتضی فرهادی از کمی قبل از انقلاب اسلامی تا کنون، در دانشکده‌های مختلف به تدریس دروسی نظیر مبانی مردم شناسی، مردم شناسی روستایی، مردم شناسی ایران، مردم شناسی هنر، مردم شناسی فرهنگی، جامعه شناسی ایلات وعشایر، جامعه شناسی روستایی، تعاونی‌های سنتی، نظریه‌ها و سازمان‌های مشارکتی، روان‌شناسی اجتماعی و ... پرداخته است. نخستین پژوهش میدانی و مردم شناسی وی در سال 1347 انجام و در سال 1348، در نخستین ویژه‌نامهٔ روستایی ایران به نام کتاب روستا به چاپ رسیده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است.جوائز و نشانها : کتاب موزه‌های درباد ایشان کتاب برجستهٔ هشتمین دورهٔ معرفی کتاب‌های برگزیدهٔ دانشگاه تهران و پژوهش برگزیدهٔ فرهنگی سال 1375 در زمینهٔ مردم شناسی و تاریخ هنر بوده است. کتاب "فرهنگ یاریگری در ایران " وی نیز برندهٔ جایزهٔ نخست نهمین جشنوارهٔ روستایی

وزارت جهاد سازندگی، کتاب برجستهٔ هفتمین دورهٔ معرفی کتاب‌های دانشگاهی دانشگاه تهران و کتاب برگزیدهٔ سیزدهیمن دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی در زمینهٔ علوم اجتماعی شده است. همچنین کتاب"واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران" تالیف وی ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مرتضی فرهادی در حوزهٔ مردم شناسی و توابع آن، رکورددار چاپ مقاله در مجلات علمی ـ پژوهشی وعلمی ـ ترویجی بوده و تا کنون بیش از 105 مقالهٔ چاپ اول در سالنامه‌ها، فصلنامه ها، گاهنامه‌ها و ماهنامه‌های علمی ـ تخصصی به چاپ رسانده است. از سال 1357 تا کنون از ایشان هفت جلد کتاب و پژوهشنامه و یک جلد کتاب شعر به چاپ رسیده است. همچنین افزون بر چهل مقاله در موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و مردم شناسی درمجلات و نشریات گوناگون از ایشان به چاپ رسیده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: 1. «گونه شناسی یاوری‌ها و یریگری‌های سنتی در ایران»، نامهٔ علوم اجتماعی، دورهٔ جدید، ش1 (پاییز 1367)، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ و کیهان فرهنگی، سال 2، شمارهٔ 10 (دی‌ماه 1364) 2. «آیا کشاورزان ایرانی تکرو هستند؟»، فصلنامهٔ تعاون روستایی و کشاورزی، ش 3 و 4 (زمستان 67 و بهار 1368). سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. 3. «سابقهٔ تاریخی و معناشناسی نام خمین»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش6 (نیمسال اول 1368)، مرکز نشر دانشگاهی. 4. «نقش میش در هنرهای کلامی و ادبیات عامیانهٔ عشایر سیرجان و چند شهر پیرامون آن»، فصلنامهٔ هنر، ش11 (تابستان 1365)، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی. 5. «دگریاری و خودیاری در جشن میان بهار در اسک لاریجان آمل»، فصلنامهٔ رشد علوم اجتماعی، ش3 (بهار 1369) دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان، همچنین، ده کتاب آمادهٔ چاپ دارند که در آیندهٔ نزدیک، منتشر خواهد شد. آثار : 1 در فصل‌های خنده دشوار ویژگی اثر : (مجموعهٔ شعر)2 فرهنگ یاریگری در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «فرهنگ یاریگری در ایران»: فرهنگ یاریگری در ایران؛ مرتضی فرهادی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1373. موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران، شناخت یاریگریهای سنتی و گونه شناسی آنها و معرفی بهترین مصادیق یاریگری در دو زمین؟ آبیاری و کشاورزی (کشتکاری و باغداری) است. مؤلف لزوم بهره گیری از تجربیات تعاونیها و یاریگریهای سنتی در تعاونیهای جدید و همچنین بسیج گسترد؟ مردم به منظور مشارکت در امر توسعه را از مهمترین انگیزه های خود برای تألیف

کتاب بیان کرده است. اطلاعات ارائه شده در کتاب، بخشی از طریق مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلف ایران و تحقیقات میدانی و مصاحبه و بخشی دیگر نیز با استفاده از منابعی که در کتاب هم ذکر شده به دست آمده است. «فرهنگ یاریگری در ایران» می تواند به عنوان یک الگوی پژوهشی، علمی و آموزشی در زمین؟ مردم شناسی کاربردی، جامعه شناسی، جغرافیای انسانی، تعاون و... به شمار رود. همچنین توضیح شیوه های مدیریت سنتی و دسته جمعی بر منابع طبیعی و فعالیتهای تولیدی سنتی در ایران بیان تعاریف مشخص و دقیق برای هر یک از موضوعات مطروحه را می توان از دیگر ویژگیهای کتاب برشمرد. کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و سه بخش و هشت فصل تدوین شده است 3 موزه‌های بازیافته 4 نام؟ کمره ویژگی اثر : دو جلد5 نگاهی به اهمیت و پیشینة کبوترخانه‌های ایران 6 واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: واره واره: نوعی تعاون سنتی کهن و زنانه در ایران؛ درآمدی به مردم شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی نوشتة مرتضی فرهادی؛ ویراستة غلامحسین صالح‌نسب. ـ تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی، 1380.630 ص.: مصور، نوشته، جدول، نمودار. واژه‌نامه. «واره» نوعی سازمان غیر رسمی تعاونی سنتی غالباً زنانه و بسیار کهن، با محور اصلی هم‌یاری از نوع تجمیعی(همگرا) است. در «واره» اعضا بیشتر به یک کاسه کردن تولیدات شیری خود توجه دارند؛ اما در کنار آن، هم به انواع دیگر یاریگری و هم به انواع دیگر مبادله، روی می‌آورند. سازمان واره دارای کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، آموزشی و تفریحی است و به جهت کارکردهای مهم آن، هزاران سال است که در جامعة سنتی ما و برخی کشورهای همسایه وجود دارد. اثر پژوهشی حاضر که به همت و پشتوانة سه دهه تلاش محقق ارجند سامان پذیرفته است، یکی از بهترین نمونه‌های پژوهش در زمینة دانش بومی در ایران است. نویسنده با به تصویر کشیدن کلیة خطوط و زوایای پنهان یک سازمان اجتماعی پیچیده در بین زنان روستایی ایران، به خوبی نشان داده است که دانش بومی ما، در عین پیچیدگی، خود، یک ثروت عظیم فرهنگی و اجتماعی است. این کتاب، حاصل کندوکاوی عمیق برای شناساندن ابعاد نا شناخته و ارزشمند دانش بومی و برخی شیوه‌های مشارکتی زنان روستایی این مرز و بوم است. اهتمام مؤلف محترم درتدوین این کتاب که حاصل پژوهش‌های گسترده و مستمر خود اوست، جای تقدیر و ستایش دارد. غالب منابع و ارجاعات، دست اول است. کتاب

از آن روی که¬ مبتنی بر یک سلسله تحقیقات روشمند و مستند و دقیق و بدیع است، یکی از آثار ارزشمند در حوزه‌های پژوهش‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی روستایی به شمار می‌رود. کتاب شناسی مفصل (شامل کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های تحقیقی و ...) و فهارس نُه گانه (نام اشخاص، نام طوایف و عشایر و اقوام، نام جای‌ها، فهرست اصطلاحات و واژگان محلی و...) بر مزیّت آن افزوده است.

فکوهی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر فکوهی درسال 1335 در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا درجه دکترای در کشور فرانسه در شهر پاریس به پایان رسانید. او همکاری حرفه ای خود را با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی آغاز کرد و هم اکنون مشغول تدریس در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران می باشد. حضور وی در همایش های داخلی و بین المللی و ارائه مقاله در این همایش ها و میز گرد ها از جمله فعالیتهای وی می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1359 کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1361 دکترای جدید(nouveau regime) جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی، دانشگاه پاریس، فرانسه، 1373 عنوان رساله دکترا: مفهوم سیاست در مزدیسنای ساسانی، مصوب 9 ماه مه 1994، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن 1373: دکترا در جامعه شناسی و انسان شناسی سیاسی پایان‌نامهٔ دکترا برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1377 همسر و فرزندان : ناصر فکوهی متاهل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1383 تا 1385 دانشیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1383 تا امروز استادیار گروه انسان شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1377 تا 1383 سردبیر مجله انجمن انسان شناسی ایران، نامه انسان شناسی، 1381 - 1384 مدیر آگاهسازی و پروژه های فرهنگی، معاونت امور انرژی وزارت نیرو، 79-1374 همکاری حرفه ای با مطبوعات و نشریات تخصصی در حوزه شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد و توسعه، 1374 تا امروز عضو هیات علمی گروه انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1377 تا امروز عضو پیوسته گروه ارتباطات دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1379 تا 1381 عضو مؤسس، عضو هیات مدیره و رئیس انجمن انسان شناسی ایران 1379تا 1385 ( دوره ریاست 1384-1385) عضو انجمن جامعه شناسی ایران، 1379 تا امروز عضو هیئت مدیره انجمن جامعه شناسی ایران،1385 تا امروز عضو انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، 1381 تا 1384 عضو

شورای علمی و مسئول بخش انسان شناسی در گروه علوم اجتماعی مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها، 81-1379 عضو شورای علمی پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، 1379 تا 1381 عضو و رئیس کمیسیون پژوهش های کاربردی، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، 81-1380 عضو شورای علمی تحصیلات تکمیلی، بنیاد ایرانشناسی، 1384 تا امروز عضو شورای علمی مجلة "فرهنگ و معماری" ، 1384 تا امروز دبیری علمی همایش های داخلی 1- همایش فرهنگ لر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، 1382 2- نخستین همایش انسان شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه شناسی ایران، 1385 3- نخستین هم اندیشی انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، بهمن 1385. 4- دومین همایش انسان شناسی فرهنگی و اخلاق شهروندی، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران و انجمن جامعه شناسی ایران، بهمن 1386 5- دومین هم اندیشی انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی و انجمن جامعه شناسی ایران، ۀذر 1386. سردبیری ویژه‌نامه‌های علمی 1- نشریة "خیال" ، شمارة ویژة انسان شناسی هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، زمستان 1384 2- نشریة " فرهنگ مردم"، شمارة ویژة اسطوره ها و فلکلور شهری، زمستان 1384 3- نشریة "اندیشة ایرانشهر"، شمارة ویژة انسان‌شناسی شهری، دفتر پژوهش های فرهنگی، گروه شهر شناسی، زمستان 1386 فعالیتهای آموزشی : تدریس در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا را در دانشگاه های همچون دانشگاه شهید بهشتی ،دانشگاه علامه طباطبایی،دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه امام صادق را عهده دار بود. - دروس ارائه شده در دانشگاه ها دوره کارشناسی 1- مبانی جامعه شناسی، گروه ریاضی و آمار، دانشگاه شهید بهشتی،1374 2- جامعه شناسی کار و شغل، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی،78 -1374 3- جامعه شناسی جهان سوم، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، 78-1374 4- مبانی انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1377 تا امروز 5- انسان شناسی سیاسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1377 تا امروز 6- انسان شناسی شهری، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 7- فرهنگ و توسعه، دانشکدة علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 8- نظریه های انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1378 تا امروز 9- تاریخ انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1381 تا امروز 10- اصول علم سیاست، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1379 11- فرهنگ و ارتباطات، دانشکدة فرهنگ، ارتباطات و معارف اسلامی.

دانشگاه امام صادق(ع)، 1384 تا امروز دوره کارشناسی ارشد 1- جامعه شناسی انقلابات، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، 78-1374 2- انسان شناسی سیاسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،81-1378 3- انسان شناسی سیاسی ایران، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1381 تا امروز 4- نظریه های کلاسیک انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 81-1380 5- نظریه های جدید انسان شناسی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 1379 تا امروز 6- ارتباطات بین فرهنگی، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1380 7- سمینار مردم شناسی(درس مشترک)، دانشکدة علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، 82-1380 8- برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشکدة علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، 1383 9- انسان‌شناسی شهری ایران، دانشکدة علوم اجتماعی ، دانشگاه تهران، 1384 تا امروز 10- مباحث ویژة فرهنگی ، بنیاد ایران شناسی ، 1384 تا امروز دورة دکترا 1- انسان‌شناسی فرهنگی(پیش نیاز دکترا) ، دانشگاه امام صادق(ع)، 1383. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : ناصر فکوهی موسس انجمن انسان شناسی ایران درسال 1379 تا 1385 می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : از دیگر فعالیتهای ناصر فکوهی می توان به موارد زیر اشاره کرد : 26 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران 17 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های سایر دانشگاه ها 8 راهنمایی و مشاوره پایان نامه های کارشناسی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فعالیت در 14 کارگاه آموزشی دبیری علمی 5 همایش های داخلی سردبیری 3 ویژهنامه های علمیجوائز و نشانها : پایاننامة دکترا برنده جایزه پژوهش بین المللی برگزیده سال، نخستین دوره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد.از دیگر افتخارات ایشان می توان به انتخاب کتاب "گستره علوم انسانی"به عنوان کتاب برگزیده سال در دانشگاه تهران در سال 1383 اشاره کرد.چگونگی عرضه آثار : از آثار ناصر فکوهی و فعالیتهای او می توان به موارد زیر اشاره کرد: حضور در 44 سخنرانی علمی ترجمه 13 اثر به صورت انفرادی ترجمه 3اثر به صورت دست جمعی (سرپرستی ویرایش و ویرایش های علمی ) 17مقاله در خصوص مقالات علمی-پژوهشی 19 مقالات به زبان های انگلیسی و فرانسه 13 طرح های پژوهشی 28مقاله در همایش های داخلی 27مقاله در همایش های بین المللی 13 نقد کتاب 68 مقاله در زمینه مسائل اجتماعی-فرهنگی توسعه و اقتصاد 53 مصاحبه های اختصاصی با مطبوعات 8 گفت و گوی ناصر فکوهی با اندیشمندان 29 ترجمه مقالات و گفتگوها 14 میزگرد 102 مقاله در زمینه انسان شناسی، هنر و فرهنگآثار : از فرهنگ تا توسعه، مسائل

توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، ویژگی اثر : تهران، انتشارات فردوس، 13782 اسطوره شناسی سیاسی، ویژگی اثر : تهران، انتشارات فردوس3 افسانه های شرقی، ویژگی اثر : ترجمه، مارگارت یورسنار، (چاپ نشده) 4 امپراتوری نشانه ها، ویژگی اثر : ترجمه، رولان بارت، تهران، نشر نی، 1383 5 انسان شناسی سیاسی، ویژگی اثر : ترجمه، کلود ریویر، تهران، نشر نی، 13826 انسان شناسی شهری، ویژگی اثر : تهران، نشر نی، 1383.7 پاره های انسا ن شناسی، ویژگی اثر : نشر نی، 13858 تاریخ اندیشه و نظریات انسان شناسی، ویژگی اثر : تهران، نشر نی، 13819 توسعه سیاسی، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137910 جامعه مدنی و جوانان ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137811 حاکمان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، 1381 12 خاطرات جوانی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، تهران، انتشارات فردوس، 136913 خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137814 خط قرمز، آزادی و حدود آن، ویژگی اثر : تهران، نشر قطره، 137815 در آمدی بر انسان شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک ویژگی اثر : ترجمه، تهران نشر نی، ( در دست چاپ ) 16 در هزارتوهای نظم جهانی، ویژگی اثر : گفتارهایی در مسائل توسعه فرهنگی و اقتصادی، نشر نی، 138417 درآمدی بر انسان شناسی، ویژگی اثر : ترجمه، کلود ریویر، تهران،نشر نی، 1379 18 زن و فرهنگ، ویژگی اثر : در بزرگداشت مارگارت مید، تهران، پژوهشکدهٔ مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی، 138319 زندگانی تولستوی، ویژگی اثر : ترجمه، رومن رولان، مشهد، انتشارات دانش،1364 20 سال های گورباچف، مؤخره ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم بر ترجمه فارسی حاکمان و محکومان، تهران، نشر نی، 1381 21 فرهنگ انسان شناسی فرهنگی‌واجتماعی، ویژگی اثر : ترجمه، سرویراستارومترجم‌همراه گروه مترجمان، تهران، نشر نی(دردست چاپ) 22 فرهنگ و انسان شناسی (در دست چاپ) قرن روشنفکر ان، ویژگی اثر : تهران، هرمس، 137924 قوم شناسی سیاسی، ویژگی اثر : ترجمه، رولان برتون، تهران، نشر نی،1380 25 گستره اسطوره، ویژگی اثر : تهران، نشر هرمس، 1382 26 گسسترهٔ علوم انسانی،ترجمه به همراه جلال الدین رفیع فر و مرتضی کتبی، ویژگی اثر : ترجمه، تهران، نشر نی، 1382( برنده کتاب سال دانشگاه تهران، 1383). 27 گفتمان انسان شناسی(در دست چاپ) ، محکومان، مبارزه طبقاتی در شوروی، ویژگی اثر : ترجمه، شارل بتلهایم، تهران، نشر نی، 1381 29 مفهوم سیاست در مزدیسنای ساسانی، ویژگی اثر : مصوب 9 ماه مه 1994، ارزشیابی وزارت علوم و فناوری به تاریخ بهمن 1373: دکترا در جامعه شناسی و

انسان شناسی سیاسی30 موندو و داستان های دیگر، ویژگی اثر : ترجمه، ج. لوکلزیو، (چاپ نشده) 31 نشانه شناسی سیاسی مزدیسنای ساسانی، تهران، نشر نی، ( در دست چاپ ) ، همسازی و تعارض هویتی( در دست چاپ) ، هنر و تاریخ، مقالاتی در زیباشناسی، ویژگی اثر : ترجمه، اوکتاویو پاز، تهران، انتشارات توس، 1374 34 یک نظریه علمی درباره فرهنگ،برونیسلاو مالینوفسکی، ویژگی اثر : ترجمه، ویرایش و مقابله علمی و نگارش مقدمه، تهران، انتشارات آوا، 1380

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر ناصر فکوهی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی-زمستان 1384

فولادی وندا، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد فولادی وندا
محل تولد : گچساران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1342/6/2
زندگینامه علمی
در دوم شهریور سال 1342 در خانواده ای مذهبی و ساده روستایی در شهرستان گچساران چشم به جهان گشودم. پس از طی تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، همزمان با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن 1357 تحصیلات متوسطه را در هنرستان فنی طالقانی گچساران آغاز نمودم. در این هنرستان و همزمان با فعالیت گروههای سیاسی در اوائل پیروزی انقلاب، به اتفاق یکی از هم کلاسیها، اقدام به تشکیل و راه‌اندازی انجمن اسلامی نمودیم. این انجمن، از معدود انجمنهای فعّال در مبارزه با گروهکهای سیاسی آن روزگاران بود. با آغاز جنگ تحمیلی و در کنار تحصیل، بارها و بارها توفیق حضور در جبهه‌های نور را یافتم. سرانجام، در خرداد ماه سال 1360 علی‌رغم حضور سه ماه مستمر در جبهه در ایام تحصیل، به عنوان شاگرد ممتاز موفق به اخذ دیپلم گردیدم. به دلیل ارتباط منظم با روحانیت و دعوت مستمر از آنان در انجمن اسلامی و اردوهای دانش آموزی، در شهریور همان سال، در حوزه علمیه قم پذیرش و در مدرسه مبارکه رضویه مشغول به تحصیل شدم. به دلیل آشنایی قبلی با مجموعه استادان و طلاب فرهیخته مؤسسه در راه حق، توفیق یافتم که در نزدیکی بارگاه ملکوتی آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) با این عزیزان هم حجره باشم. ارتباط با این مجموعه، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده زندگی من داشت. دروس سطح و خارج را نزد استادان گرانسنگ و بزرگواری همچون، اعتمادی، وجدانی، سبحانی، مکارم شیرازی و... سپری نمودم. علاوه برآن، دوره عمومی مؤسسه در راه حق، و دوره تخصصی بنیاد فرهنگی باقرالعلوم (علیه السلام) و سپس مؤسسه امام خمینی (ره) را در مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، با دفاع اولین رساله این رشته در حوزه جامعه‌شناسی در این مؤسسه در سال 1375،

موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی شدم.

فولادی، حفیظ الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حفیظ الله فولادی
محل تولد : -
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب دیپلم خود را در سال 1362 در رشته برق اخذ نموده و در سال 1363 وارد حوزه علمیّه اصفهان (مدرسه ذو الفقار) شدم و بعد از حدودا 4 ماه در سال 1364 به حوزه علمیّه قم (مدرسه رضویه) مشرف شدم و تا کنون این توفیق نصیب اینجانب بوده است. در سال 1366 وارد مؤسسه در راه حق شده و به استفاده از اساتید معزز آن مجموعه پرداختم. در سال 1370 در مجموعه گروههایی که توسط دفتر همکاری حوزه و دانشگاه جهت آموزشهای تخصصی در رشته های روان شناسی، علوم تربیتی و جامعه شناسی شکل گرفته بود، وارد گروه جامعه شناسی شدم و پس از طی این دوره ها در مقطع کارشناسی ارشد از سال 74 تا کنون در زمینه های مختلف این رشته به تحقیق و پژوهش مشغول هستم. خداوند این توفیق را به بنده داد که از سال 1375 تا 1380 در اکثر قریب به اتفاق پالایشگاههای کشور در خدمت مهندسین و مدیران و نیز پرسنل مجموعه صنعت نفت به تدریس در زمینه علوم اسلامی، مدیریّت اسلامی و ... پرداختم.

فیوضات، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید ابراهیم فیوضیات در سال 1312 در شهر کازرون به دنیا آمد. دوران ابتدایی را بعد از رفتن به مکتب خانه در زادگاهش سپری کرد. وی تحصیلات دوره متوسطه و دبیرستان را در آبادان به صورت متفرقه گذراند زیرا روزها به کارکردن مشغول بود. در سال 1346 بعد از قبولی در کنکور دانشگاه تهران دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زبان انگلیسی به پایان برد. در همه این سالها کارکردن در شرکتهای مختلف را رها نکرد. وی ابتدا با قبولی در بورسیه به انگلیس سفر کرد و پس از یک وقفه یکساله و برگشت به ایران به دانشگاه پاریس رفت و در سال 1357 موفق به دریافت دکترای تخصصی جامعه شناسی سیاسی گردید.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی سیاسیوالدین و انساب : وی فرزند سید اسماعیل فیوضات از خاندان سادات حسینی است . سید ابراهیم 3 یا 4 ساله بود که پدر را که بازرگانی ساده بود از دست داد. مادرش همسر دوم پدر، کم سواد اما شجاع و پرهیزگار و اهل منطقه دوان بود . بیست ساله بود که مادر نیز از دنیا رفت،پدرش از همسر اول نیز دو پسر به نامهای سید محمد و سید محمد علی و دختری به نام بیگم دارد.خاطرات کودکی : سید ابراهیم فیوضات 3 یا 4 ساله بود که پدر را از دست داد و در همان ایام مادرش او را به مکتب خانه ها برای کسب سواد فرستاد وی از آن دوران خاطرات جالب و شنیدنی دارد: "برای اینکه مشغولیتی داشته باشم، مادرم مرا از سه سالگی به مکتب خانه شاباجی خانم برد که سواد بیاموزم. پس از مدتی هم به مکتب خانه حاجی رضا رفتم که ملایی آن را اداره میکرد دست آخر هم از مکتب خانه شیخ عبدالرحیم سر در آوردم. فضای آموزشی بنا به عرف رایج آن زمان خشن و خشک بود،و ما به خاطر هر اشتباه کوچکی فلک میشدیم به خاطر دارم یک بار 56 چوب به کف پایم زدند که اثرات منفی این رفتارها را پس از گذشت سالیان دراز هم هنوز با خود دارم. درآن موقع برایم دشوار بود که تصور کنم میتوانم روزی با سواد شوم."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید ابراهیم به علت اینکه پدر را در کودکی از دست داده بود مجبور بود برای امرار معاش خود و خانواده کار کند. وی در سن 13 سالگی به علت مشکلات اجتماعی آن دوران به آبادان رفت و استخدام شرکت نفت در آمد و به کارآموزی و کارگری مشغول بود. هم زمان با دوره تحصیلی به

ویژه در ایام تعطیل و تابستان زمانی را صرف یادگیری و تهیه گیوه که تنها پای افزار آن دوران بود میکرد. او در این باره می گوید :" استاد پینه دوز در عوض کار وجهی کم (توجیبی) میداد زمانی هم در حجره تاجری به نام زهرایی چای به مشتری ها میدادم و گاهی هم در مغازه آقای سید احمد حسینی شاگردی میکردم."تحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ مدرک دیپلم در سال 1338 به صورت متفرقه و قبولی در دانشگاه تهران در رشته زبان انگلیسی و کسب مدرک کارشناسی در سال 1344 سپس کسب مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران و اخذ مدرک دکترای جامعه شناسی از دانشگاه پاریس 8 واکل پراتیک فرانسه در سال 1357خاطرات و وقایع تحصیل : در اوایل سال 1350 در یک دوره (بورسیه) سه ماهه سازمان مذکور برای انگلستان شرکت کرد و پس از پذیرفته شدن راهی دانشگاه اکسفورد انگلیس شد و به علت استخدام در سازمان اموراداری و استخدامی کشور در خواست مرخصی وی قبول نشد به ناچار از سازمان استعفا داد و مجددا به انگلیس برگشت و در نهات به این نتیجه رسید که تحصیلات خود را در فرانسه ادامه دهد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فیوضات در دوره کارشناسی با انجام شش ساعت کار روزانه در امور حسابداری در شرکت فنی برودت (یخچالسازی) به تحصیل پرداخت سپس حدود یکسال را با کار در سرکت ایتالیایی سد سازی در هفت تپه خوزستان گذرانید و سال بعد در دوره کارشناسی ارشد پذیرفته شد بعد از آن در سارمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کارشناس تشکیلات به کار مشغول شد.استادان و مربیان : از استادان دکتر فیوضات در دوره های مختلف میتووان به دکتر سید صادق گوهرین و دکتر آداکلیان در دوره کارشناسی دکتر غلام حسینی صدیقی، دکتر صناعی، دکترکاروان، دکتر بهنام و ... در دوره کارشناسی ارشد و در دوره های بهد دکتر صدیقی و مهنئس مدتی اشاره کرد.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای دکتر فیوضات، نادر ابراهیمی و اقای سپانلو در دوره کارشناسی و دکتر هما زنجانی زاده، آقای نقی اصفهانی و دکتر منچهر محسنی در دوره کارشناسی ارشد. سیروس پرهام و میرصادقی در حال حاضر دکتر سعید میرزایی،خانم ممتاز ،دکتر تولایی و ... اشاره داشت.همسر و فرزندان : همسر دکتر فیوضات، سرکار خانم پروین وثوقی است که به شغل پرستاری مشغول است . و فرزند وی پیمان فیوضات علاقه مند به موسیقی و نوازندگی پیانو و دانشجوی رشته مهندسی برق است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر سید ابراهیم فیوضات در مسئولیت های زیر فعالیت داشته است: مسئول فروش (تهران) شرکت کف داروگر 45-1343. کارشناس امور اداری طبقه بندی مشاغل و سازماندهی 49-1345. مدیر گروه علمی جامعه شناسی دانشگاه تهران 74-1370. عضو

هیئت تحریریه مجله پژوهش دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی 70-1369. عضو انجمن جامعه شناسی ایران 79-1377. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهش اقتصاد اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز 1378. عضو هیئت تحریریه مجله پژوهشی اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد. عضو کارگروه برنامه ریزی دوره دکتری دانشگاه شهید بهشتی 1381. مشئول بخش صنعت در انجمن جامعه شناسی ایران از 1382 تا کنون. عضو هیئت تحریریه مجله تربیت معلم 1384 و مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.فعالیتهای آموزشی : دکتر فیوضات تدریس در گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد واحد کرج به مدت 2 سال را در دروس مختلف جامعه شناسی و اقتصاد ایران در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر فیوضات در تاسیس گروه جامعه شناسی صنعتی (انجمن جامعه شناسی ایران) همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر سید ابراهیم فیوضات غیر از فعایت های آموزشی به طرحهای پژوهشی نیز پرداخته است: - بررسی اجتماعی و اقتصادی شهرستان های دزفول و اندیمشک در خوزستان و کرمانشاه شرکت ایران آمایش سال 62-1360 - بررری توسعه شهری و روان بخش روستایی شهرهای میناب، رودان، سیریک، جاسک، و حاجی آباد هرمزگان، سال 63-1362 - بررسی تقتصادی - اجتماعی استان آذربایجان شرقی برای طرح توسعه 20 ساله دانشگاه تبریز ( مجتمع مهندسین مشاور ایران آرک سال 64-1363 - پروژه تحقیقات آموزشی نیروی انسانی در وزارت صنایع سال 1365 - نقش کار در ادب فارسی شعر و از طریق طنز سال 1384چگونگی عرضه آثار : دکتر سید ابراهیم فیوضات آثارش در قالب تالیفات، مقالات و ارائه شخنرانی در سمینار های مختلف میتوان تقسیم کرد. وی بیش از 30 مقاله در مجلات گوناگون به چاپ رسانده است.آثار : اخلاق کار و نخبه گرایی در ایران ویژگی اثر : نشر شادگان ،تهران، 13832 اصلاح گری و انقلاب ویژگی اثر : 13843 بازتاب نقش کار در ادب منظومه ایرانی ویژگی اثر : در دست چاپ4 بررسی تحولات نظام استاد - شاگردی در ایران ویژگی اثر : دانشگاه شهید بهشتی، 13725 توسعه صنعتی و موانع آن درایران ویژگی اثر : مجموعه مقالات، چاپخش تهران، 13746 جامعه شناسی صنعتی ویژگی اثر : انتشارات سازمان سمت، تهران، 13867 دولت در عصر پهلوی ویژگی اثر : چاپخش، تهران، 13758 گسست های فرهنگی و تاریخی ایران ویژگی اثر : در دست چاپمنابع : 1تکمیل پرسشنامه توسط دکتر فیوضات بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - زمستان 13852کتاب گفت و گو با چهره ها، گفتگو با دکتر ابراهیم فیوضات- به کوشش عمادالدین شیخ الحکمایی انتشارات کازرونیه 1383

قاضی طباطبایی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمود قاضی طباطبایی دانشیار گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(1354)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (1357) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (136) اخذ نموده است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود قاضی طباطبایی مدرک کارشناسی را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه ملی ایران(1354)، کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه میشیگان غربی امریکا (1357) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه ایالتی یوتا امریکا (136) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد « شخصیت سیاسی محصول زمان یا خصوصیات فردی» و دوره دکتری «تطابق محیطی بزهکاری: آزمون طولی تئوری» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی دکتر قاضی طباطبایی می‌توان مواردی همچون «معاون پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (1378 -1384) را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس وی «آمار در علوم اجتماعی» (در مقطع کارشناسی)، «آمارپیشرفته»، «تکنیک های تحقیق »، «روش تحقیق » و «روش های تحقیق پیشرفته» و «روش تحقیق پیشرفته» و «روش های تحلیل آمار پیشرفته» و «نرم افزار» (در مقطع دکتری) است. آثار : 1 بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان: از جلد 2 تا جلد 17 و از جلد 19 تا جلد 28 ویژگی اثر : تالیف 13832 روشهای پیشرفته آماری ویژگی اثر : تالیف 1385

قانعی راد، محمدامین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید محمد امین قانعی راد متولد سال 1324در شهر ری ، نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه دارای دکتری جامعه شناسی از دانشگاه تهران در سال1368 و عضو هئیت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور .گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیوالدین و انساب : دکترسید محمد امین قانعی راد از جمله سادات صحیح و نسب شهر ری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمدامین قانعی راد دارای مدرک لیسانس پژوهشگری اجتماعی ، درسال1364فوق لیسانس جامعه شناسی 1368 و دکتری همین رشته از دانشگاه تهران می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته جامعه شناسی از وقایع مهم در زندگی علمی دکترسید محمد امین قانعی راد می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر سید محمدامین قانعی راد در کنار تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون رابطه جامعه شناسی و علم درایران می پرداخت.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سید محمدامین قانعی راد از جمله جامعه شناسانی است که به رابطه ی علم و جامعه شناسی و نیز به جامعه شناسی به دیده تخصصی می نگرد.آثار : تبار شناسی عقلانیت مدرن ، تعاملات و ارتباطات در اجتماع علمی ، جامعه شناسی تولید و کاربرد دانش در ایران ، جامعه شناسی رشد و افول علم در ایران ، گلیس فرهنگی صنعت ، ناهمزمانی دانش

قیاسی، جلال الدین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جلال الدین قیاسی
محل تولد : کرمانشاه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1337/1/1
زندگینامه علمی
با گرفتن دیپلم ریاضی در سال 1355 وارد دانشگاه شده و در رشته مهندسی آبیاری به تحصیل خود ادامه دادم. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها از ادامه تحصیلات دانشگاهی منصرف و درسال 1360 جهت فراگیری علوم اسلامی به حوزه علمیه قم آمدم. دروس مقدمات و سطح را طی 8 سال نزد اساتیدی همچون آیت الله اشتهاردی، اعتمادی ستوده، وجدانی فخر و کریمی جهرمی گذراندم و از سال 1368 در درس خارج اساتیدی همچون آیت الله سبحانی، وحید، تبریزی و مکارم شیرازی شرکت نمودم. در سال 1368 مجددا به تحصیلات دانشگاهی پرداختم و در سال 1372 از دانشگاه تهران (پردیس قم) لیسانس حقوق و در سال 1375 از دانشگاه شهید بهشتی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و در سال 1383 از دانشگاه تربیت مدرس تهران دکترای حقوق خود را در رشته حقوق جزا و جرم شناسی دریافت کردم. از سال 1373 به تدریس و تالیف و تحقیق در مراکز آموزشی و تحقیقاتی پرداخته ام.

کافی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید کافی
محل تولد : اصفهان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب مجید کافی در سال 1344 در اصفهان متولد شدم و در سال 68 موفق به اخذ دیپلم تجربی گردیدم. از سال 61 تا سال 68 در حوزه اصفهان مشغول تحصیل بودم و از سال 68 وارد حوزه علمیه قم گردیدم. در سال 70 جذب دوره «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» شدم و تا هم اکنون، افزون بر تحصیل علوم حوزوی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه سابق)، مشغول به تحقیق می باشم. همچنین از سال 74 تاکنون در دانشگاه های تهران: (علامه طباطبایی و تهران)، مشغول تدریس دروس معارف اسلامی هستم. از سال 79 نیز در مرکز جهانی علوم اسلامی (مدرسه امام خمینی ره) به تدریس دروس جامعه شناسی اشتغال دارم.

کلوری، رضا

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدرضا کلوری
محل تولد : تهران
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
اینجانب در سال 1369 پس از فارغ التحصیلی از «هنرستان رشته هنر و گرافیک» در تهران، وارد حوزه علمیه «مجد» شدم که از مدارس سازمان تبلیغات اسلامی بود و پس از آن در زیر مجموعه مدارس «مروی» تهران و در نهایت در مدرسه «مروی» به مدت 7 سال در تهران به تحصیل علوم حوزوی اشتغال داشتم. در این زمان با قبولی در «موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)» به قم عزیمت کردم و به تحصیلات حوزوی در قم ادامه دادم. در موسسه امام خمینی (ره) در مقطع کارشناسی ارشد، رشته (جامعه شناسی) را به اتمام رسانده ام و به تدوین پایان نامه اشتغال دارم. مقالاتی از بنده به چاپ رسیده است و مقاله ای و کتابی نیز قرار است چاپ شود.
در ابتدای دروس خارج به محضر اساتید حضرات آیات: «مکارم شیرازی» و «آیت الله سبحانی» حضور یافتم. اما پس از یکسال و اندی و با آشنائی با جناب استاد «آیت الله هادوی تهرانی» از کلاس خارج فقه و اصول ایشان بهره مند شدم و تا این سال یعنی 1385، حدود پنج سال است که از محضر وی بهره می برم.

لهسائی‌زاده، عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جامعه‌شناسی، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: شیراز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی جامعه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی در سال 1354، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه دیترویت آمریکا در سال 1357، دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه ایالتی میشیگان آمریکا در سال 1363، تخصص در جامعه‌شناسی روستائی، فوق تخصص جامعه‌شناسی کشاورزی از دانشگاه اونتاریو غربی در کانادا.
مرتبه علمی:
استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز در سال 1363، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شیراز در سال 1372.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مهاجرت از روستا به شهر، تک‌نگاری روستائی، جامعه‌شناسی در ایران، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی مهاجرت، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 12 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی کشاورزی، جامعه‌شناسی مهاجرت، نظریه‌های جامعه‌شناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 14، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
جامعه‌شناسی روستائی، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی جنگ.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

متقی زاده، عبدالله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالله متقی زاده
محل تولد : سربند اراک
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/1/1

زندگینامه علمی
دوره فوق لیسانس جامعه شناسی را در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با گرایش پژوهشگری گذراندم، سابقه تدریس: از سال 1364 در حوزه علمیه قم ادبیات و اصول و منطق و کلام را به طور مستمر تدریس داشته ام و از سال 1373 تا 1384 در دانشگاههای مختلف چون علامه طباطبایی، امیرکبیر، دانشگاه آزاد پردیس تفرش و غیره تدریس داشته ام.
تألیفات: سه جلد کتاب در زمینه های ادبیات عرب، جامعه شناسی، بحث جامعه شناسی ارتباطات و جامعه شناسی تغییرات و حدود 16 مقاله علمی، کلامی و اجتماعی نگاشته ام که بعضا به چاپ رسیده و یک کتاب به عنوان آسیب شناسی محرم در دست چاپ است و در طول دفاع مقدس حدود 1 سال تمام در جبهه ها شرکت داشته ام و عضو خانواده شهدا می باشم و حدود یک سال و نیم در سپاه پاسداران به عنوان تبلیغ و تدریس فعالیت داشته ام و بعد از جنگ در سنگر فرهنگی حدود 12 سال تدریس و تبلیغ در دانشگاهها و مسئولیت دفتر نهاد رهبری در دانشگاه امیرکبیر واحد تفرش را حدود 5 سال عهده دار بوده ام و حدود 7 سال درصدا و سیما در مسئولیتهای گروه فلسفه و کلام و طرح و برنامه رادیو معارف و فعلاً به عنوان مدیریت پژوهشهای برنامه ای و فیلم نامه ای را در مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما عهده دار هستم.

محسنی تبریزی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناس خود را از دانشگاه ملی ایران، فوق لیسانس جامعه شناسی از دانشگاه میشیگان غربی و دکترای خود را از همان دانشگاه(1364) اخذ کرد و فوق تخصص روان شناسی را نیز از دانشگاه میشیگان (1365) کسب کرد. او از معدود جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی امروز ایران است که با درک درست از خواسته ها و نیازهای جامعه پیرامون، به بهتر زیستن می اندیشد و با این آرمان است که نگاهی عمیق به موانع تحقق آن دوخته است. گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : روان شناسی اجتماعی تحصیلات رسمی و حرفه ای : . علیرضا محسنی تبریزی لیسانس جامعه شناسی خود را از دانشگاه ملی ایران در سال 1352دریافت کرد و بلافاصله بعد از این دوره برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد.محسنی فوق لیسانس جامعه شناسی اش را از دانشگاه میشیگان غربی در سال 1357 اخذ کرد.و این رشته را تا دریافت دکترای جامعه شناسی ازدانشگاه میشیگان ادامه داد(1364). همانندی های فراوان دو رشته روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی محسنی تبریزی را که سری پرشور در تحصیل و آموختن داشت،ترغیب به ادامه تحصیل در رشته روان شناسی اجتماعی کرد.او موفق به اخذ فوق تخصص روان شناسی اجتماعی از همان دانشگاه در سال 1365 شد. در خلال این سالها محسنی تبریزی دیپلم عالی زبان انگلیسی اش را نیز از دانشگاه میشیگان آمریکا دریافت کرد و در کنار تحصیل ،پژوهش و حضور در عرصه های علمی مرتبط با رشته اش را به جدیت به پیش برد. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد، «نخبگان و فرایند استخدام سیاسی» و در دوره دکتری تخصصی، «بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل» می‌باشد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ـ عضو انجمن جامعه شناسی ـ عضو انجمن جامعه شناسی کلمبیا-آمریکا تا اکنون ـ عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران عضو کمیته تخصصی علوم انسانی عضو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران - سرپرست حوزه معاونت پژوهشی - سرپرست مؤسسه عالی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی - معاون پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه تهران (1370 -1375) (1378 -1379) - رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (1368 -1375) - سرپرست بخش تحقیقات روان شناسی

اجتماعی ,مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی (1368 -1375)فعالیتهای آموزشی : علیرضا محسنی تبریزی بعد ازپایان تحصیلات به ایران بازگشت و بلافاصله در مراکز آکادمیک و علمی رشته تحصیلی اش مشغول به کار شد.او که سابقه تدریس مبانی جامعه شناسی را از دانشگاه میشیگان با خود به ایران آورده بود، دردانشگاه تهران به عنوان مدرس جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی مشغول به کار شد و به تدریس روان شناسی اجتماعی کاربردی، اندیشه های سیاسی قرن بیستم و نظریه های روان شناسی اجتماعی در مقطع لیسانس وفوق لیسانس پرداخت. او در کنار اشتغال تمام وقت در این دانشگاه، در دانشگاه علامه ،دانشگاه اصفهان ،دانشگاه الزهرا ،دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل ،دانشگاه عالی، دانشگاه آزاد و... به تدریس دروس مرتبط با جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی پرداخته است. و نیز ـ تدریس در دانشگاه تهران، علامه ،دانشگاه اصفهان،دانشگاه الزهرا، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده روابط بین الملل، دانشگاه عالی ،دانشگاه آزاد و... در کارنامه دارد. موارد تدریس وی «اندیشه های سیاسی درقرن بیستم»، «روانشناسی اجتماعی»، «روانشناسی اجتماعی کاربردی» و «سنجش واندازه گیری» (در مقطع کارشناسی)، «جامعه شناسی بالینی»، «جامعه شناسی بهداشت و سلامت جوانان»، «نظریه های جامعه شناسی انحرافات» و «نظریه های روانشناسی اجتماعی» (در مقطع کارشناسی ارشد)، «جامعه شناسی انحرافات اجتماعی»، «جامعه شناسی سیاسی ایران»، «جامعه شناسی فرهنگی» و «مسائل اساسی نظری روانشناسی اجتماعی» (در مقطع دکتری) است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیرضا محسنی تبریزی علاوه بر اینها در مجامع علمی، سمینارها، کنگره ها و سمپوزیوم های ملی، منطقه ای و بین المللی نیز حضور مستمر داشته و عضو انجمن جامعه شناسی ، انجمن جامعه شناسی کلمبیاو هیأت مدیره انجمن ایرانی روان شناسی اجتماعی ایران نیز هست.در کنار این همه حضور اما چهره حقیقی محسنی را باید از لابه لای متن های تحقیقی و پژوهش های کاربردی اش جست وجو کرد. طرح بررسی عوارض روانی جنگ، طرح بررسی زمینه های مشارکت روستاییان در نظام ترویج ، بررسی عوارض روانی ـ اجتماعی زلزله خرداد ۶۸ گیلان، بررسی عملکرد آموزشیاران و معلمان آموزش و پرورش همکار با نهضت سوادآموزی و ...آرا و گرایشهای خاص : از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه وی می‌توان به موضوعات مشارکت اجتماعی- سیاسی؛ مسائل اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی و انحرافات اشاره نمودچگونگی عرضه آثار : . علیرضا محسنی تبریزی درباره محدوده و دامنه وندالیسم در اجتماع امروز نظریات جالبی دارد: «امروزه وندالیسم خصوصاً برای کسانی که در

شهرهای بزرگ و پرجمعیت زندگی می کنند پدیده ای ملموس و مشهود و واقعیتی تلخ و در عین حال گریزناپذیر است که بعنوان یکی از نمودهای زندگی اجتماعی جامعه مدرن و ماشینی بروز و حضور دارد. در همه شهرهای بزرگ همه روزه ما شاهد ویرانگری تعمدی و رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی وندال هایی هستیم که عمداً کمر به تخریب و نابودی هر آنچه زیباست و هر آنچه متعلق به همگان است بسته اند. نقاشی های به نمایش درآمده در گالری ها، آثار باستانی و عتیقه های موجود در موزه ها، ابنیه تاریخی ، مجسمه های نصب شده در میادین، پارک ها و اماکن عمومی، منازل خالی از سکنه، پارک ها و فضاهای سبز عمومی، چراغ های معابر، صندلی های اتوبوس و مترو، کتابهای کتابخانه ها، تلفن های عمومی و ده ها موضوع مورد تخریب دیگر از جمله موضوعاتی هستند که در اثر وندالیسم متحمل خسارات و صدمات گردیده و مورد تخریب قرار می گیرند. امروزه در بسیاری از شهرهای بزرگ وندالیسم بصورت یک مشکل اجتماعی حاد مطرح است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزافی را بر مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها تحمیل می کند. برخلاف بسیاری از جرایم و انحرافات، آثار وندالیسم مشهود و پیداست. براساس گزارشهای ارائه شده و آمارهای مربوط به موضوعات وندالیسم در برخی کشورها نظیر آ مریکا ، کانادا، روسیه، سوئد، انگلستان، هلند، فرانسه، آلمان و استرالیا، تخریب اموال مدرسه، علائم ترافیک و تابلوهای راهنمایی، شکستن شیشه اماکن خالی از سکنه، شکستن لامپ خیابان ها و پارک ها، تخریب کیوسک تلفن و شکستن دستگاه تلفن عمومی، قطع سیم برق و تلفن، شکستن درختان خیابان ها و پارک ها، تخریب مجسمه های میادین، تخریب اموال پارک ها و اماکن عمومی، پاره کردن صندلی سینماها، تئاترها و اتوبوس های شهری، تخریب اموال کتابخانه ها، تخریب و صدمه زدن به اتومبیل های پارک شده در خیابان ها، تخریب برخی وسایل داخل هواپیماهای مسافربری و قطارها و ترن های زیرزمینی، تخریب ریل های راه آهن، تخریب اموال بیمارستان ها، کارخانه ها، مراکز تجاری، ایجاد آتش سوزی درجنگل ها، مراتع و برخی انبارهای عمومی، تخریب اموال عمومی، استفاده از مواد منفجره نظیر ترقه و بمب دستی به منظور آسیب و تخریب برخی از متعلقات اشخاص حقیقی و حقوقی و موارد عدیده دیگر از رایج ترین صور رفتار بزهکارانه و وندالیستی در جامعه مدرن است. توسعه جامعه مدرن خصوصاً شهرها و تحولاتی که در سطح ساختارهای اجتماعی و روابط و مناسبات جمعی در دوران جدید بوجود آمده تمامی شئون و جنبه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را متأثر ساخته و در دنیای امروز روابط انسان ها در معرض تغییر و تحول و پیچیده تر شدن

دائم و مستمر قرار دارد. تمدن ماشینی امروز که به دنبال خود توسعه شهرهای صنعتی ایجاد محلات پرجمعیت، تغییر زندگی ساده قدیمی و تبدیل آن به یک زندگی پرتجمل و پیچیده، تغییر زندگی ساده و مبتنی بر روابط عاطفی و همدلی به یک زندگی مبتنی بر روابط رسمی و بی روح همراه با فردگرایی مفرط، رقابت سرسختانه و عقل گرایی، درآمیختگی سنت های کهنه و نو، تضعیف انسجام و همبستگی اجتماعی، شکست ها و عقده های روانی پنهانی و امیال سرکوب شده و آرزوهای ناکام مانده و تشدید احساسات درماندگی، سرخوردگی، ناتوانی و اجحاف را به ارمغان آورده است، پیامد دیگری نیز داشته و آن عصبانی شدن روزافزون انسانها بخصوص نسل جوان در برابر واقعیات اجتماعی و نیروهای سرکوب گر بیرونی است. به ویژه سرپیچی و عدم متابعت از قواعد و سنجه های حاکم بر روابط اجتماعی و طغیان علیه نظم دستوری جامعه و واکنش به محرک های بیرونی در فرم عکس العمل های منفی یکی از مهم ترین و شاخص ترین واکنش های رفتاری برخی از گروه ها و افراد در جامعه امروز است.» آثار : بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان ویژگی اثر : تالیف، در 28 جلد (1383)2 بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال ویژگی اثر : از جمله پژوهش های کاربردی علیرضا محسنی تبریزی برای نهادها و سازمان های مرتبط است. یکی از پژوهش ها که دامنه وسیع تری دارد را نیز با هم مرور می کنیم؛ «بررسی پرخاشگری و خشونت در ورزش فوتبال» :این مقوله در بین مباحث و مقوله هایی که در جامعه شناسی ورزش قابل بحث و تأمل هستند. خشونت تماشاگران رویدادهای ورزشی به ویژه رقابت های فوتبال همواره به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم مورد توجه قرار داشته است. در پژوهش محسنی تبریزی افزون بر بررسی تئوری های تبیین کننده خشونت و پرخاشگری بین تماشاگران مسابقات فوتبال ، رفتارهای پرخاشجویانه و گاه خشونت آمیز تماشاگران مورد مطالعه جامعه شناختی قرار گرفته است. هدف این مطالعه به طور عمده پرداختن به سبب شناسی پدیده خشونت و پرخاشگری در بین تماشاگران ورزش فوتبال است که مشخص می سازد اختلال در کدام یک از عناصر این ساختار سبب بروز «سوء کارکرد» در آن می شود و این سوء کارکرد تحت تأثیر چه متغیرهای اجتماعی قرار دارد. در این پژوهش از دو روش تحلیل تاریخی و پیمایشی استفاده شده است. روش نمونه گیری به صورت تصادفی بوده و برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است و درنهایت آنالیز داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای اهمیت و حساسیت نتیجه بازی از نظر کسب امتیاز و تعیین جایگاه تیم های مورد علاقه در رده بندی مسابقات قهرمانی، حرکات و

اعمال خشونت آمیز و پرخاشجویانه بازیکنان هنگام بازی و کیفیت داوری عمدتاً بر بروز پرخاشگری کلامی طرفداران تیم های مورد بررسی تأثیر می گذارد. متغیرهای سن ، میزان کنترل و نظارت خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تأثیر منفی بر گرایش طرفداران تیم های فوتبال مورد مطالعه به رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز دارند و متغیرهای سابقه نزاع، سابقه رفتار مجرمانه، سابقه تنش و ناکامی در فعالیت های تحصیلی و آموزشی، مصرف سیگار، سابقه تنش در محیط خانواده و عدم سازگاری انتظارات ورزشی و وسایل تحقق آنها دارای تأثیر مستقیم بر گرایش به ارتکاب رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ورزشی هستند. این طرح در چند زمینه کاربرد دارد: ?- شناسایی و آگاهی از عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز ?- یافته های این پژوهش می تواند به مسئولان امور ورزشی و برگزار کنندگان مسابقات فوتبال کمک کند تا با برنامه ریزی دقیق تر و آگاهانه تر از بروز رفتارهای پرخاشجویانه و خشونت آمیز در بین تماشاگران فوتبال جلوگیری به عمل آورند. 3 روان شناسی اجتماعی کاربردی 4 علل و ندالیسم درتهران و راههای پیشگیری و درمان ویژگی اثر : «علل وندالیسم در تهران و راههای پیشگیری و درمان» نیز عنوان پژوهش دیگری از علیرضا محسنی تبریزی است. این تحقیق در صور و قالبی پربارتر با عنوان وندالیسم در قالب کتاب انتشار یافت و به سرعت به منابع دانشگاهی رشته روان شناسی اجتماعی بدل گشت. کتاب حاضر در هفت فصل فراهم آمده است: فصل اول تحت عنوان کلیات پس از ارائه تاریخچه ای از مفهوم و وجه تسمیه آن در ادبیات آسیب شناسی اجتماعی به تعریف و معنی وندالیسم می پردازد و با طرح وندالیسم به عنوان یک آسیب اجتماعی، به عنوان یک رفتار نابهنجار و به عنوان یک معضل اجتماعی، می کوشد جایگاه آن را به عنوان یکی از صور کژرفتاری ها و انحرافات در طبقه بندی انواع جرایم و نابهنجاریها مشخص نماید. در فصل دوم مبانی نظری وندالیسم با استعانت از یک رویکرد تلفیقی به تفصیل مطرح شده است. در این فصل ابتدا آن دسته از نظریه های جامعه شناسی انحرافات که با مباحث روان شناختی اجتماعی وندالیسم خصوصاً اتیولوژی آن بعنوان یکی از صور بزهکاریها و کجروی های اجتماعی قرابت و انتساب بیشتری دارند مطرح می شوند. سپس تئوریهای روانشناسی و روانکاوی انحرافات بخصوص آن دسته از نظریه های روان شناسی مرتبط با رفتار وندالیستی مرور و بررسی می گردند. بالاخره در قسمت پایانی این فصل نظریه های روان شناسی اجتماعی انحرافات که بطور اخص بر وندالیسم و ویرانگری تأکید دارند مطرح می شوند. فصل سوم تحت عنوان خشونت و وندالیسم در ورزش فوتبال ناظر بر بررسی خشونت و ویرانگری در ورزش فوتبال است. در این فصل ضمن

گونه شناسی خشونت و پرخاشگری، خاستگاه و مبانی نظری خشونت در ورزش براساس پارادایم های زیست شناسی، روانکاوی و روان شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی تبیین می شوند و بالاخره پژوهش های انجام شده در باب وندالیسم و خشونت در ورزش فوتبال در چند کشور مطرح و نتایج حاصله که مبین اتیولوژی و اپیدمیولوژی خشونت و وندالیسم در محیط های ورزشی است تشریح می گردند. فصل چهارم زیر عنوان اتیولوژی وندالیسم ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است و می کوشد در پرتو مبانی و یافته های تجربی به سبب شناسی وندالیسم بپردازد. در فصل پنجم اپیدمیولوژی و همه گیرشناسی وندالیسم مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل به استناد اطلاعات تجربی در چند کشور نظیر ایالات متحده آمریکا، هلند، آلمان، فرانسه و نظایر آن وسعت و گستره وندالیسم بررسی می شود. فصل ششم یافته های دو پژوهش تجربی را در باب وندالیسم در ایران مطرح می سازد.پژوهش اول مروری است بر یافته های تحقق «وندالیسم در تهران بزرگ» که عمدتاً ناظر بر علل و انگیزه های رفتار وندالیستی است. تحقیق دوم عوامل جامعه شناسی خشونت تماشاگران فوتبال را در تهران تبیین می کند. فصل هفتم زیر عنوان پیشنهادات و توصیه های کاربردی، کلیه سیاست ها و استراتژیهای اجرایی را در شکل طرح های مداخلات اجتماعی، آگاه سازی، پیشگیری و درمان وندالیسم مطرح می سازد.5 مبانی و کلیات روان شناسی اجتماعی ، نظریه های روان شناسی اجتماعی وندالیزم:مبانی روانشناسی اجتماعی رفتار واندالیستی در مباحث آسیب شناسی اجتماعی ویژگی اثر : تالیف،1383

محسنی، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : جامعه شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : منوچهر محسنی پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، در سال 1340ه.ش وارد دانشگاه تهران شد و هم زمان در دو رشته علوم اجتماعی و علوم اداری به تحصیل پرداخت. وی دورة کارشناسی ارشد را در موسسه تحقیقات اجتماعی، که زیر مجموعه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود، طی نمود و برای تحصیلات تکمیلی عازم فرانسه عزیمت شد. محسنی در سال 1351 با درجه دکترا، تحصیلات خود را در پاریس به پایان رساند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : منوچهر محسنی در سال های 1344 - 1343 به عنوان پرسشگر و مصاحبه کننده در سطح تهران فعالیت خود را آغاز نمود. پس از مدتی وارد گروه تحقیقات روستایی موسسه تحقیقات اجتماعی شد و فعالیت خود را در این موسسه ادامه داد. او در سال 1353 و به دنبال آن در سال 1358 با موسسه پژوهش در علوم اجتماعی و توسعه ایران ، پی گیری و پژوهش در طرح پیمایش ملی را به عهده گرفت چنانکه در سال 1373 مسئولیت این طرح به صورت مستقیم به ایشان واگذار شد. از دیگر مشاغل وی معاونت دانشکدة بهداشت دانشگاه تهران و بعد از آن مدیریت مرکز نوآوری جامعه پزشکی بوده است. در حال حاضر استاد طرحی به نام « جامعه شناسی فرهنگی ایران » را زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات ( وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ) دنبال می نماید.فعالیتهای آموزشی : منوچهر محسنی همکاری با مراکز آموزشی و دانشگاهی را در سال 1352 ، با عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران آغاز کرد. سپس حوزه فعالیت آموزشی خود را در دانشگاه های شهید بهشتی ، تربیت مدرس ، امام صادق (ع) ، علوم بهزیستی و علوم پزشکی ایران گسترش داد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فعالیت های منوچهر محسنی عموماً با انجام امور علمی و تحقیقاتی سپری شده است. وی به طور کلی بیشتر اوقات خود را با مطالعه ، آموزش ، تحقیق و حضور در کنگره ها و سمینارهای ملی و بین المللی می گذراند. سابقه همکاری او با نشریات و مجلات علمی را نیز می توان با ارائه 18 مقاله در مجلات بین المللی و 32 مقاله در مجلات دانشگاهی ایران مورد نظر و توجه قرار داد.آثار : جامعه شناسی اطلاعاتی ویژگی اثر : این کتاب درهفت فصل و با

عناوین شناخت جامعه اطلاعاتی ، تکنولوژی اطلاعاتی ، اینترنت و جامعه اطلاعاتی ، ارتباطات علوم رسانی الکترونیک ، جامعه اطلاعاتی و زمینه های اجتماعی و فرهنگی ، جامعه اطلاعاتی ساختارسیاسی و اقتصادی و بالاخره سازماندهی و مدیریت اطلاعات نوشته شده است . مولف در پیشگفتار کتاب نوشته است : «اصطلاح جامع اطلاعاتی و تجدید سازمان جامعه ، پیرامون جریان اطلاعات است . »2 جامعه شناسی پزشکی ، جامعه شناسی علم ، جامعه شناسی عمومی ، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی ویژگی اثر : این اثر با همکاری دکتر باقر ساروخانی صورت گرفته شده است .6 جمعیت شناسی ، مقدمات جامعه شناسی

محمودی بختیاری، علیقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیقلی محمودی بختیاری ، در هفتم آذرماه سال 1311 شمسی چشم به جهان گشود. پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند ، در سال 1332 برای ادامه ی تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال 1337 از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال 1338 دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال 1342 دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت. وی از سال 1339 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. در شهریور سال 1346 برای تدریس وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، به این دانشگاه رفت. دکتر محمودی ، در سال 1349 به دانشگاه ابوریحان بیرونی ( دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب ) مأموریت یافت. در سال 1350 با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید. او در سال 1351 از این سمت کناره گرفت و تا سال 1359 ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار گردید.آنگاه در سال 1355 بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دو ماهه به آمریکا رفت.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی گرایش : زبان شناسی والدین و انساب : علیقلی محمودی بختیاری ، فرزند مهراب ، نوه ی حاج عبدالله خان بهداروند و نبیره ی محمودخان ، رئیس و سردودمان ایل بختیاروند هفت لنگ بختیاری می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیقلی محمودی بختیاری ، تحصیلات مقدماتی را در مکتب سنتی گذراند ، سپس به دبستان رفت و با امتحان ورودی به کلاس چهارم راه یافت. آنگاه دوره ی اول و دوم متوسطه را در خرم آباد و سال سوم را در الیگودرز و سال های چهارم و پنجم را در بروجرد به انجام رسانید. وی در سال 1332 برای ادامه ی

تحصیل راهیِ تهران شد و پس از گذراندن سال ششم متوسطه در دبیرستان مروی ، در کنکور دانشگاه شرکت جست و به دانشکده های حقوق و ادبیات راه یافت ؛ اما رشته ی ادبیات را برگزید و در سال 1337 از دانشکده ادبیات فارغ التحصیل گردید. محمودی در سال 1338 دوره ی فوق لیسانس علوم اجتماعی را گذراند و در سال 1342 دوره ی دکترای رشته ی زبان شناسی و زبان های باستانی ایران را پی گرفت و از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به اخذ درجه ی دکترا توفیق یافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیقلی محمودی بختیاری از سال 1339 به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و دو سال معاونت اداره ی تألیف و ترجمه ی اداره ی کل نگارش و سرپرست نظارت بر کتاب های درسی را به عهده داشت. وی در سال 1350 با حفظ سمت به معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی منصوب گردید و در سال 1351 از این سمت کناره گرفت و تا سال 1359 ، مدیریت گروه بنیادهای آموزش و پرورش را عهده دار بود.فعالیتهای آموزشی : علیقلی محمودی بختیاری در دبیرستان های فیروزبهرام ، رازی ، ادیب و چند دبیرستان دیگر تدریس نمود. سپس در شهریور سال 1346 برای تدریس ادبیات فارسی و رشته ی مترجمی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دعوت به کار شد و از مهرماه همان سال با تأسیس دانشکده علوم و ارتباطات اجتماعی ، برای تدریس ادبیات معاصر و فن نویسندگی فراخوانده شد. وی از سال 1338 با تصویب شورای علمی دانشکده به عنوان استاد تمام وقت مشغول به کار شد و علاوه بر تدریس ادبیات معاصر و آیین نگارش ، درس های ادبیات کلاسیک « فرهنگ و تمدن ایران » نیز به او واگذار گردید. دکتر محمودی ، در سال 1349 به دانشگاه ابوریحان بیرونی ( دانشسرای عالی سپاه دانش - دانشگاه سپاهیان انقلاب ) مأموریت یافت. آنگاه در سال 1355 بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا ، به مدت یک سال به تدریس و مطالعه و تکمیل دوره ی زبان شناسی در آن دانشگاه اشتغال داشت و پس از بازگشت به ایران ، دوباره بنا به دعوت دانشگاه یوتا ، سفری دوماهه به آمریکا رفت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علیقلی محمودی بختیاری از سال 1334 با همکاری دوستانش « انجمن ادبی دانشکده » را بنیاد نهاد ، که یکی از انجمن های فعال و پربار آن روزگار بود.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علیقلی محمودی بختیاری از دوران کودکی آغاز به سرودن شعر کرد و در دوران دانشجویی رسماً کارِ شعر و شاعری را شروع نمود و در آغاز شعرهای فارسی سره می سرود ، اما وی هیچ وقت به شعر و شاعری متظاهر نبود. در سال 1351 در پایان کتاب « شکرستان » ، نمونه های شعر خود را به چاپ رسانید و در سال 1357 نیز در آخرِ کتاب « گنج راز » به عنوان نمونه ، اشعاری ارائه کرد. از فعالیت های دکتر

محمودی در زمان معاونت دانشگاه ابوریحان بیرونی ، ایجاد بخش دانشجویان خارجی بود و در کنار آن ، طرح بازآموزی زبان و فرهنگ ایرانی را به استادان و دبیران زبان و ادبیات فارسی دانشگاه های هند و پاکستان به تصویب رسانید. وی در سال 1356 خود سفری به پاکستان کرد و با دیدار از دانشگاه های سراسر آن کشور ، زمینه ی مساعدی را برای فراخوانی همه ی استادان زبان و ادبیات فارسی سراسر شبه قاره هند و پاکستان فراهم نمود. او در سال 1357 به مصر سفر نمود و ضمن دیدار از دانشگاه های قاهره و اسکندریه ، در دانشگاه عین الشمس قاهره سخنرانی کرد و طرح گسترش زبان فارسی در آن دانشگاه را با توجه به کثرت داوطلب پی ریزی نمود.جوائز و نشانها : در سال 1356 ، کتاب « زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران » علیقلی محمودی بختیاری به عنوان کتاب درسی در بخش خاورشناسی دانشگاه یوتا انتخاب شد.آثار : او - تو - من ویژگی اثر : عرفان از دیدگاه حافظ.2 بابل دل ایرانشهر ، چرا حافظ ؟ ، خاقانی در ایوان مدائن ، دفتر دوم فرهنگ و تمدن ایران ، دفتر دوم گنج گهر ، راهی به مکتب حافظ ، زایش دوباره در آفرینش و عشق از دیدگاه مولانا جلال الدین بلخی ، زمینه ی فرهنگ و تمدن ایران ، شکرستان ، فراز و نشیب سیاست و شیوه ی کشورداری ایران ، کمینگاه دشمن، کوروش در بابل ، گنج راز ، گنج گهر ویژگی اثر : نمونه های نثر و نظم.16 هفت نگار در هفت تالار ویژگی اثر : تحلیلی اجتماعی از هفت پیکر نظامی.17 ویرایش و آرایش دفتر یکم سبک شناسی ( تاریخ تطور شعر فارسی ) ویژگی اثر : تألیف: ملک الشعرای بهار.

محمودیان، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین محمودیان دانشیار و مدیر گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. وی مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران ، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسین محمودیان مدرک کارشناسی را در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران (سال؟)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری را در رشته جمعیت شناسی از دانشگاه نشنال استرالیا اخذ نموده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر محمودیان می‌توان مواردی همچون «معاونت اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی» و سمت «مشاور پژوهشی استانداری سمنان» را نام برد. فعالیتهای آموزشی : موارد تدریس دکتر محمودیان «آمار مقدماتی»، «آمار در جمعیت شناسی»، «جمعیت و تنظیم خانواده»، «جامعه شناسی روستائی»، «روش تحقیق»، «روش تحلیل جمعیت شناسی»، «کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی»، «مبانی جامعه شناسی» و «مبانی جمعیت شناسی» (در مقطع کارشناسی) و «باروری»، «جمعیت و جامعه»، «طرح تحقیق» و «مقدمات آمار» (در مقطع کارشناسی ارشد) است.چگونگی عرضه آثار : مسئولیت طرح های تحقیقاتی مختلفی از جمله «کاهش باروری و تغییر در موقعیت زنان در ایران,1384»، «بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر سلامت کودکان زیر 5 سال در ایران,1386»، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استانهای کشور در سالهای 1355و 1365 و 1375» و «بررسی ویژگیهای اقتصادی-اجتماعی سالمندان: گذشته، حال و آینده» را نیز بر عهده داشتندآثار : 1 بررسی میزان و علل مشارکت روستاییان در طرحهای عمرانی ویژگی اثر : تالیف 13712 دانش خانواده ویژگی اثر : پدیدآورنده: احمد احمدی، محمدرضا شرفی، حسین محمودیان، سهیلا خوش بین ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 26 شهریور، 13873 درآمدی بر مطالعات جمعیتی ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین محمودیان (مترجم)، دیوید لوکاس (گردآورنده)، پل مایر (گردآورنده) ناشر:

دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 01 بهمن، 13844 فرهنگ ده های ایران-استان همدان ویژگی اثر : تالیف1369

مریجی، شمس الله

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شمس الله مریجی
محل تولد : آمل
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
حقیر پس از اخذ دیپلم تجربی و اتمام نظام وظیفه سال 1366 در امتحانات ورودی حوزه علمیه قم پذیرفته شده و وارد مدرسه امام علی علیه السلام شدم مقدمات را نزد اساتید بزرگواری چون حجج اسلام مرتضی آقا تهرانی ، محسن غرویان ، حسینی ، متقی و طالقانی تلمذ نمودم و سال 1378 لمعه را نزد اساتید بزرگوار اشتهاردی ، طالقانی ، سعیدی ، و اصول فقه را نزد حجه الاسلام حسینی بوشهری خواندم و پس از سه سال سطح را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات طاهری خرم آبادی ، نکونام ، بوشهری ، اعتمادی ، مرحوم پایانی و ستوده و ... به اتمام رسانده و از سال 1371 در درس خارج اصول به مدت 7 سال (یک دوره کامل) از محضر آیت الله سبحانی کسب فیض نمودم و پنج سال در خارج فقه آیت الله فاضل لنکرانی (رحمه الله علیه) تلمذ نموده و پس از آن در حال حاضر بمدت هفت سال نیز از محضر آیت الله جوادی آملی بهره می گیرم .
همزمان با تحصیل در علوم حوزوی ، از سال 1370 وارد موسسه در راه حق شده و از علوم جدید نیز بهره گرفتم و تا سال 1380 دو دوره کارشناسی ارشد دردو رشته معارف و جامعه شناسی گذراندم و در حال حاضر نیز دوره دکتری یا سطح 4 اندیشه معاصر مسلمین در موسسه باقر العلوم (ع) مشغول می باشم .
از سال 1376 وارد عرصه تدریس در دانشگاه های دولتی و آزاد در تهران و قم شدم . علاوه بر تدریس در دانشگاه ها ، در مراکز تخصصی حوزه نیز تدریس داشته و دارم که برخی از آنها عبارتند از موسسه امام خمینی(ره) که هم اکنون نیز مشغولم ، موسسه باقر العلوم علیه السلام ، تخصصی تبلیغ ، تاریخ و مرکز جهانی .
عناوینی که تدریس کرده و می کنم :

در رشته جامعه شناسی : مبانی جامعه شناسی ، تغییرات اجتماعی ، جامعه شناسی تبلیغ ، جامعه شناسی ارتباطات ، جامعه شناسی انقلاب ، جامعه شناسی تاریخی .
در رشته معارف : معارف اسلامی 1 و 2 ، کلام قدیم ، شبهات کلامی .
همچنین در دوره های طرح ولایت دانشجویی که در تابستان ها تشکیل می گردد تدریس می کنم .

مشیرفراهی، جعفر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید جعفر مشیرفراهی
محل تولد : مشهد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1340/1/31
زندگینامه علمی
اینجانب سیّد جعفر مشیر فراهی فرزند سیّد حسن در تاریخ 31/ 1 / 40 ه. ش مطابق با 4 ذی القعده الحرام 1380 ه. ق در شهر مقدّس مشهد متولد شدم . در 5 ماهگی پدرم مرحوم آیت الله مشیر را که از نوادگان مشاور التولیه آستان قدس رضوی بود ، از دست دادم . در سال 1358 موفق به اخذ دیپلم در رشته ریاضی شدم . از سال 56 تفکرات سیاسی و ضد شاهی در من شکل گرفت و در انقلاب ، شرکت فعّالانه داشتم . در سال60 به خدمت سربازی رفته و پس از 5/8 ماه از خدمت معاف شدم . حدود 7 ماه در جبهه ها حضور رزمی، تبلیغی داشتم در سال 61 وارد حوزه علمیه شده و دروس حوزه را تا سطح خارج ادامه دادم ( 3 سال درس خارج ) و از اساتیدی نظیر آیت الله صالحی ، فقیه سبزواری ، واعظی ، مرتضوی ، رضا زاده و مرحوم فلسفی بهره مند شدم و اکنون مدرس دروس سطوح ( لمعه ) هستم . در سال 63 وارد آموزش و پرورش شده و در رشته مربی پرورشی به فعالیت پرداختم و در سال 71 وارد دانشگاه فردوسی مشهد شده و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری علوم اجتماعی ادامه تحصیل دادم (1379) در برخی از مراکز تربیت معلم و سازمان تبلیغات اسلامی در رشته جامعه شناسی تدریس داشتم و هم اکنون در مراکز پیش دانشگاهی مشغول تدریس در حوزه علوم اجتماعی هستم .

معلی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد معلی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1359/1/1
زندگینامه علمی
تا اول دبیرستان در تهران بودم سپس به مدرسه شهیدین رفتم .مقدمات وسطح رادرشهیدین خواندم درحال حاضر درجامعه شناسی موسسه امام خمینی(ره) هستم .درزمینه کامپیوتر حدود چند سالی کار برنامه نویسی برای موسسات مختلف میکردم . دریکی دو سال اخیر در زمینه طراحی سایت وساخت cd های مولتی مدیا بیلدر و تالیف 7 کتاب کامپیوتر فعالیت داشته ام .

معیدفر، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید معید فر در سال 1374 موفق به اخذ دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس میشود و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سعید معیدفر مدرک کارشناسی را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تهران(1359)، کارشناسی ارشد را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1366) و دکتری را در رشته جامعه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس (1374) اخذ نموده است. عنوان رساله وی در دوره کارشناسی ارشد «بررسی ساختاراقتصادی اجتماعی روستا و مهاجرت از روستا (در استان اصفهان)» و دوره دکتری « بررسی مهاجرتهای روستاییاستان همدان» است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : در خصوص دیگر خدمات علمی و اجرایی آقای دکتر معیدفر می توان مواردی همچون سردبیر نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی (1384 -1387)، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (1383 -1387)، رئیس پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1380 -1382)،,عضو شورای انتشارات دانشکده علوم اجتماعی (1378 -1379)، عضو شورای پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی (1378 -1382)، دبیر سمینار دانشگاه جامعه و فرهنگ اسلامی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (1377 -1378)، مشاور مدیر کل پژوهشهای کاربردی دانشگاه تهران,معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (1377 -1378)، مدیر گروه ارتباطات,دانشکده علوم اجتماعی (1376 -1377)، عضو کمیسیون پژوهشی فرهنگی دانشگاه,معاونت پژوهشی دانشگاه (1375 -1376)، دبیری سمینار توسعه فرهنگی,دانشکده علوم اجتماعی، معاون اداری مالی ,دانشکده علوم اجتماعی (1373 -1376) و مدیر کل پژوهش‌های بنیادی ,وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1371 -1372) را نام برد. «در دفتر انجمن، هر روز شاهد پیوستن افرادی به عنوان اعضای جدید هستیم و خانواده جامعه شناسی در حال بزرگ و بزرگتر شدن است. امسال با هدف سر و سامان دادن به عضویت ها، اعضای انجمن را به تجدید عضویت فرا خواندیم و بسیاری با انجمن تجدید عهد و پیمان کردند و خواستار تداوم ارتباط و فعالیت خود در انجمن شدند. تمایل روزافزون جامعه شناسان

برای تقویت تعاملات انجمنی و داوطلبانه در حال گسترش است و به نظر میرسد بدین ترتیب یکی از بنیانهای مهم رشد جامعه شناسی، در ایران در حال تکوین است و اجتماع علمی جامعه شناسان به بلوغ خود نزدیک شده است» فعالیتهای آموزشی : دکتر معید فر سالهاست که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تدریس است. و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز میباشد. موارد تدریس وی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه شناسی انقلاب»، «مبانی تاریخ اجتماعی» و «نظریه های جامعه شناسی 2» (در مقطع کارشناسی) و «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «بینشهای جامعه شناسی2 »، «جامعه شناسی انقلاب»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی»، «جامعه شناسی تاریخی»، «اقشار و گروههای آسیب پذیر»، «تغییرات فرهنگی»، «سمینار بررسی مسائل اجتماعی» (در مقطع دکتری) است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : معید فر علاوه بر تدریس و پژوهش همایش های متعددی در حوزه علوم اجتماعی، را از جمله همایش توسعه فرهنگی،همایش توسعه و امنیت اجتماعی، همایش دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی و... دبیری کرده است. آرا و گرایشهای خاص : دکتر معید فر می گوید:«یکی از مناقشات مهم میان جامعه شناسان، این بوده است که آیا آنان در کنار وظایف علمی و آکادمیک، رسالت های اجتماعی نیز دارند یا نه؟ در این باره نظرات متعددی وجود داشته است. پارتو معتقد است جامعه شناسی در پی حقیقت رفتارهاست و نباید در جست وجوی فایده رفتارها باشد، بنابراین جامعه شناس مسئولیتی در برابر اجتماع ندارد. در حالی که دورکیم معتقد است جامعه شناسی اگر رسالت اجتماعی به عهده نداشته باشد و به درد بهبود حال جامعه نخورد ارزش یک ساعت کار کردن را هم ندارد. این مناقشه مستقیم یا غیر مستقیم در میان جامعه شناسان تداوم داشته است. حتی حوزه های فکری جامعه شناسی نیز اغلب متأثر از این دو رویکرد مخالف است. برای مثال در جامعه شناسی انگلستان به فایده این علم توجه شده است. به همین دلیل در آن کشور جامعه شناسی نقشی فعال در حوزه سیاست گذاری فرهنگی، اجتماعی به عهده گرفته و اکثر آثار منتشر شده و حتی بزرگان جامعه شناس این کشور، ارتباط نزدیکی با حوزه سیاست گذاری اجتماعی دارند. در کتابفروشی ها دیده میشود که بخش اعظم کتاب های جامعه شناسی، تحت عنوان سیاست اجتماعی طبقه بندی شده است. در کشورهای دیگری مانند فرانسه و آلمان، جامعه شناسی بیش تر وظایف معرفت شناختی به عهده گرفته و کم تر درصدد مداخله و سیاست گذاری مستقیم بوده است. اما در این کشورها نیز جامعه شناسان بزرگ در نقش رهبران فکری و روشنفکران ظاهر شده اند و رسالت های اجتماعی کلانی را در تغییر و تحولات اجتماعی عهده دار شده اند. در

آمریکا نیز ترکیبی از این دو رویکرد وجود داشته است. همین طور که می دانیم به طور کلی جامعه شناسی که با نام سن سیمون و اگوست کنت کار خود را شروع کرد نیز در واکنش نسبت به تحولات عظیم فرهنگی، اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب های اجتماعی و برای پاسخ گویی به نیازهای زمانه خود ضرورت پیدا کرد و هر دوی این بنیانگذاران نیز خود را در برابر حوادث اجتماعی مسئول و رسالتی بر دوش می دانستند. به هر حال، جامعه شناسان به ویژه در عصر تحولات عظیم سیاسی، اجتماعی، در سطح خرد (کاربرد دانش اجتماعی در حل معضلات اجتماعی) یا کلان (رهبری فکری مبتنی بر یافته های علمی) مداخله فعال در سیاست گذاری اجتماعی را وظیفه خود دانسته اند. البته در اینجا شائبه سیاسی شدن دانش جامعه شناسی نیز وجود داشته و از جهات متعدد موجب نگرانی های به حقی بوده است. سیاست زدگی که آفتی حتی برای احزاب و گروه های سیاسی است و در جامعه ما نیز پیامدهای بسیار زشت آن را به ویژه در سال های اخیر و در عمل گروه های سیاسی شاهد بوده ایم، خطری است که از سوی دیگر باید متوجه آن بود. این همان افراط و تفریطی است که در هر نوع اعتقاد، نگرش یا رفتاری امکان بروز و ظهور دارد و باید از آن احتراز کرد. نمی توان به بهانه مداخله و سیاست گذاری در ورطه سیاست زدگی افتاد و نباید از ترس سیاست زدگی، به عالم انتزاع وانزوا فرو رفت و از هر نوع ایفای نقش فعال در صحنه اجتماعی اجتناب ورزید. به نظر می رسد که کار دشواری است. هم باید کاری کرد که معیارهای علمی و اصالت جامعه شناسی محفوظ بماند و هم باید با مداخله فعال در روند تحولات اجتماعی تأثیر گذار بود وگرنه دیر یا زود اندیشه بی خاصیت بودن جامعه شناسی فراگیر خواهد شد. در واقع هر یک از جامعه شناسان به ویژه آنان که با علاقه و اشتیاق به سراغ این حوزه از دانش روی آورده اند، تحت تأثیر بزرگان و کنش گران فعال جامعه شناسی قرار داشته اند که در جامعه خود نقش آفرین بوده اند» چگونگی عرضه آثار : اما معیدفر علاوه بر همه مشغله های مدیریتی و کارهای اجرایی از تحقیق و پژوهش در عرصه کاری اش بازنمانده و تحقیقات میدانی و کتابخانه ای متعددی را به انجام و سرانجام رسانده است. از آن جمله بررسی مهاجرت های روستایی استان همدان، بررسی مشکلات فرهنگی اجتماعی دانشجویان، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن در واحدهای تولیدی صنعتی استان تهران، بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاهای کشور، میزان بهره مندی شهروندان تهرانی از مطبوعات، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در میان کارکنان ادارات دولتی استان، نقش دانشگاه و تحصیلات دانشگاهی در تحول ارزش ها و نگرش ها، بررسی پدیده استفاده اعتیادی

از اینترنت و پیامدهای آن در میان نوجوانان و جوانان (۲۵-۱۵ سال) شهر تهران و... و همچنین از جمله تحقیقات غنی و جذاب معیدفر درباره اخلاق کار در جامعه ایرانی بوده است. وی نگارش مقالات متعددی در نشریات تخصصی جامعه شناختی پرداخته است.از آن جمله است: جامعه شناسی معرفت ،۱۳۷۳ نامه علوم اجتماعی شماره ۷ ترجمه از لوئیس کوزر،مسأله اجتماعی و مسأله دینی خرداد ، ۸۰ نشریه علوم سیاسی، معرفی و نقد کتاب روشه، گی : جامعه شناسی تالکوت پارسونز؛ ترجمه عبدالحسین نیک گهر شهریور،۷۷ نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی )،معرفی و نقد کتاب جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان تألیف غلامرضا صدیق اورعی مرداد ،۷۹ نشریه: پژوهش، ...آثار : بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن ویژگی اثر : نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، وی در این خصوص میگوید: «من در سال تحقیقی را در مورد «اخلاق کار» در واحدهای تولیدی و صنعتی انجام دادم و نیز در همین زمینه، تحقیقی در واحدهای دولتی انجام دادم و در هردو تحقیق، تحصیلات یکی از پارامترهای بسیار مهمی بود که می توانست میزان اخلاق کار را در میان دو گروه جمعیتی تحصیلکردگان دانشگاهی و غیرتحصیلکردگان دانشگاهی تغییر بدهد. در آن دو تحقیق مشخص شد، میزان اخلاق کار تحصیلکردگان دانشگاهی یا کسانی که تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند، به طرز معناداری کمتر از کسانی بود که تحصیلات دانشگاهی نداشتند. یعنی برخلاف انتظار، کسانی که تحصیلات دانشگاهی نداشتند از اخلاق کاری بالاتری برخوردار بودند. فرض کنید اگر متوسط اخلاق کار در کل جمعیت از می شد وقتی که جمعیت را به دو بخش تحصیلکردگان بالای دیپلم و کسانی که در حد دیپلم و زیر دیپلم سواد داشتند تقسیم کردیم، مشاهده شد که برای مثال اخلاق کاری تحصیلکردگان حدود و اخلاق کاری دیپلمه ها و زیردیپلم حدود ?/? به دست می آمد و هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر می رفت این کاهش اخلاق کار هم بیش تر می شد. برای سنجش اخلاق کار، ابتدا معیار و شاخصی را با عنوان شاخص سنجش میزان اخلاق کار (I.E.W.O) بومی کردیم و اعتبار و روایی آن را سنجیده و در واقع آن را بومی کردیم. برای مثال پاسخ ها در ? گزینه آمده بود و ما این گزینه ها را مطابق اوضاع اخلاق کار در کشور، به ? گزینه تقلیل دادیم تا اخلاق کار و ابعاد مختلف آن را در ایران بسنجیم. تا پیش از آن تصور می شد، اخلاق کار در جامعه ایران به نسبت جوامع توسعه یافته بسیار پائین است و به فرض گفته می شد که اخلاق کار ضعیف است. اما تحقیقات به عمل آمده نشان داد که اخلاق کار در ایران به طور تقریبی متوسط روبه بالا است وقابل قبول ارزیابی شد و فاصله بسیار زیادی با میزان اخلاق کار در کشورهای توسعه یافته ندارد.» 2 بنیادهای نظریه اجتماعی; ترجمه منوچهر

صبوری کاشانی ویژگی اثر : (1378)3 تفکر نظری در جامعه شناسی ویژگی اثر : (1375)4 جامعه شناسی تالکوت پارسونز; ترجمه عبدالحسین نیک گهر ویژگی اثر : (1377)5 جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران ویژگی اثر : (1385)6 جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : نشر سرزمین ما، 7 جامعه شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران ویژگی اثر : (1379)8 رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی ویژگی اثر : (1383)9 فرهنگ کار نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ویژگی اثر : 138010 نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ویژگی اثر : اثر پیتر ورسلی؛ کتاب نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی اثر پیتر ورسلی ،جامعه شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران ،بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، نشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و کتاب فرهنگ کار اشاره کرد.11 نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی ویژگی اثر : اثر دانیلین لوزیک؛ مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تحلیل مسائل اجتماعی نوشته دانیلین لوزیکنیز نیز از سوی معیدفر ترجمه شده است. در این کتاب با طرح عمده ترین مباحث نظری در جامعه شناسی مسائل اجتماعی، چندین مسأله کلان اجتماعی ایران به عنوان کشوری در حال گذار با رویکردی کارکردگرا و انتقادی و تأکید بر عوامل عینی و ساختاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

منابع زندگینامه :روزنامه ایران صحه مهرگان 14-12-1385

مقدس جعفری، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن مقدس جعفری در سال 1329 در شهر بروجرد به دنیا آمد . دوران ابتدایی و دبیرستان را در زادگاهش گذراند وی تحصیلاتش را در رشته فلسفه از دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد و دوره کارشناسی ارشد و دکترای جامعه شناسی را در کشور هندوستان گذراند و در سال 1366 از دانشگاه پونا این کشور مدرک دکترای خود را اخذ کرد وی عضو هیئت علمی دانشگاه کرمان بوده است و هم اکنون حکم بازنشستگی خود را با درجه دانشیاری در سال 1385 دریافت کرده است.گروه : علوم انسانی رشته : جامعه شناسیگرایش : جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغوالدین و انساب : جد بزرگ مقدس جعفری، حاج ملارضا پنج نسل قبل از شهر محلات جهت حوزه علمیه بروجرد به این شهر مهاجرت کرده اند. و نسلهای بعد هم همگی از تحصیلات حوزوی بخوردار بودند.خاطرات کودکی : دکتر مقدس جعفری دوران کودکی خود را مانند هم نسلهای خود به درس و مشق و مدرسه مربوط میشود و تفاوتهای نوع زندگی کودکان و نوجوانان عصر حاضر و آن زمان را از خاطرات خود عنوان میکند و قابل توجه که . از همین رو وی قصد دارد تا این خاطرات و وقایع را برای نسلهای جدید مدون کند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر مقدس جعفری می گوبد: «در خانواده متوسط پایین با چهار برادر زندگی و رشد کرده ام . پدرم از صداقت ویژه ای برخوردار بود و به واقع نام صادق داشت زندگی اش سرشار از صداقت سادگی و ایمان و انساندوستی بود . مادر نیز مهربان و عطوفت را با تمام وجود به سویم کوچاند. خدایشان رحمت کند . برادر دوم که انسان وارسته ای است الگوی مناسب رفتاری و تحصیلی برای من بود و در زندگی بسیار مدیون او هستم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم متوسطه رشته ادبی دبیرستان مهرگان بروجرد خرداد 1348 کارشناسی فلسفه اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد بهمن 1351 کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه اسلامی علیگره هندوستان 1355 دکترای جامعه شناسی تیزهوشان و نوابغ دانشگاه پونای هندوستان 1366فعالیتهای ضمن تحصیل : کار برای امرار معایش در حین تحصیل ، ورزش ، مطالعه از فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.استادان و مربیان : از دوران دبیرستان دکتر مقدس جعفری به برخی از نامها مانند : مرحوم مومنی، بهرامی ، فدایی، ناظمی، و آقایان سیف باجلان فرخی،

بهمن رازانی، همتی هوشنگ و ... اشاره میکند و از آنها تاثیرات فراوان گرفته است و از استادان مرحوم دکتر مشکوه الدینی ، استاد جلال الدین آشتیانی ، دکتر مجتهد زاده، دکتر علی شریعتی، دکتر زامیار و اقایان دکتر ابراهیمی دینایی دکتر مهدوی دامغانی، دکتر صدر نبوی، پروفسور عسگری، پروفسور داملی، پروفسور ساکسینا را میتوان نام برد.همسر و فرزندان : همسر دکتر مقدس جعفری دبیر دبیرستان است و دارای سه فرزند دو دختر و یک پسر هستند . که همگی مشغول تحصیل هستند.وقایع میانسالی : وی از وقایع این دوران را بیماریهای زودرس عنوان کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - رئیس دانشگاه ابوریحان بیرونی منطقه لرستان و خوزستان سال 1359 - مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان از سال 74-1367 - سه دوره معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به مدت 9 سال 84-1374فعالیتهای آموزشی : دکتر مقدس جعفری بیش از 30 سال تدریس در مقاطع مختلف به ویژه مقاطع دانشگاهی را در دانشگاه مختلف کشور در کارنامه دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - راه اندازی گروه علوم اجتماعی و مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید باهنر کرمان - راه اندازی گروه علوم اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : - عضو هیئت تحریریه چند مجله علمی و دانشگاهی در سطح کشور - عضو در چند انجمن علمی و ادبی - عضویت در هیئت ممیزه دانشگاهی جنوبشرق گروه علوم انسانی از بدو تاسیس تا به حال و نیز مطالعه و پیاده روی از دیگر فعالیتهای دکتر مقدس جعفری است.آرا و گرایشهای خاص : وی علاقه زیاد و ویژه ای به ایران و فرهنگ آن از جمله تاریخ، شعر، ادبیات، موسیقی و فلسفه و جامعه شناسی دارد.جوائز و نشانها : 1- پژوهشگر نمونه دانشگاه کرمان در سال 1376 2- پژوهشگر نمونه استان کرمان در سال 1377 3 - دارای طرح نمونه پژوهشی فرهنگی استان در سال 1382 (ارشاد اسلامی کرمان) 4- دارای طرح نمونه پژوهشی در خصوص فرهنگ و آموزشی عشایر در سطح ملی و کشورچگونگی عرضه آثار : دکتر مقدس جعفری دارای نزدیک به 70 مقاله چاپ شده د مجلات علمی و ارائه شده در همایشهای علمی خارج و داخل کشور و نیز تعدادی نیز کارهای ژورنالیستی و رسانه ای در سطح روزنامه های محلی و ملی به چاپ رسانده استآثار : 1 پوشش ایرانیان ویژگی اثر : در این پژوهش عمدتا به مساله پوشش ایرانیان از ابتدا تا دوره معاصر پرداخته است2 سلیمانیها ویژگی اثر : دانشگاه کرمان 1379، این اثر نتیجه دو سال مطالعه بر روی عشایر سلیمانی استان کرمان است که یکی از بزرگترین عشایر منطقه محسوب میشود.3 میمند میراث گرانقدر فرهنگی ویژگی اثر : مقاله در باره روستای میند از توابع شهر بابک ،

فصلنامه پژوهشگران فرهنگ
منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط دکتر مقدس جعفری
بنا به درخواست بنیاد ایرانشناسی - خرداد 1386

مقدم، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن مقدم در سال 1287 ،در تهران به دنیا آمد. از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت. مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امورخارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود رابه نام « جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان « مکتوب از امروز تا قاهره » در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت. حسن مقدم سرانجامدر سال 1304 چشم از جهان فروبست.گروه : علوم انسانی رشته : علوم اجتماعی والدین و انساب : حسن مقدم مشهور به علی نوروز ، فرزند محمدتقی احتساب الملک ، در تهران به دنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن مقدم از شش سالگی به تحصیل پرداخت و چهار سال در ایران و یازده سال در سوئیس مشغول تحصیل بود. وی پس از از اخذ گواهینامه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه شد و در رشته علوم اجتماعی به گرفتن لیسانس نایل آمد. پس از آن به استانبول رفت و در همان ایام به تکمیل اطلاعات خود درباره ادبیات ایران همت گماشت.زمان و علت فوت : حسن مقدم در سال 1304 چشم از جهان فروبست.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن مقدم در بیست سالگی به خدمت وزارت امورخارجه در آمد و تا پایان عمر در این سمت باقی ماند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسن مقدم در سال 1339 ق در استانبول با لاهوتی مجله ادبی « پارس » را در دو بخش فارسی و فرانسه منتشر کرد که سر دبیر و نویسنده بخش فرانسه آن نیز بود. وی تقریباً سراسر اروپا و قمستی از آسیا و آفریقا را سیاحت کرد و آنچه را که که در این مسافرت ها دید و دریافت در دفتر خاطرات خود به زبان فرانسه یادداشت نمود. مقدم در سوئیس به عضویت انجمن ادبی

«بل لتر » در آمد و در آن انجمن با بسیاری از دانشمندان زمان ، مثل آندره ژید و استراوینسکی همکاری داشت. او آثار خود را به زبان های فارسی و فرانسه می نگاشت و با نام های مستعار و بیشتر به امضای علی نوروزی انتشار می داد. وی کنفرانس هایی در باره تاثیر زبان فرانسه در فارسی در انجمن ایران جوان برگزار کرد و چندین جلسه در تالار دارالفنون درباره تئاتر و تاریخ آن سخنرانی نمود و نمایشنامه معروف خود رابه نام « جعفر خان از فرنگ آمده» نوشت و خود در نمایش آن بازی کرد. مقدم سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان « مکتوب از امروز تا قاهره » در روزنامه «ایران» نوشت که در آن از اوضاع اجتماعی و سیاسی و اقتصادی اغلب کشورهای اروپا سخن گفت.آثار : ایرانی بازی

میر شمس شهشهانی، سهیلا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر سهیلا میرشمس شهشهانی ، متولد 1327 ه.ش در تهران، دارای دکتری انسان شناسی از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا در سال1981.م و عضو هئیت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ازسال1370 می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : علوم اجتماعیوالدین و انساب : سهیلا میرشمس شهشهانی دارای دو برادر است که آنها ریاضیدان هستندخاطرات کودکی : سهیلا میرشمس شهشهانی قبل از رفتن به آمریکا چنین می گوید:فکر می کردم روانشناسی بخوانم. تصورم این بود که رشته روانشناسی، یک رشته خیلی جذاب است ولی وقتی دربهار سال 1956 به خارج رفتم، کم کم علایقم تغییر کرد. تحصیلات رسمی و حرفه ای : دیپلم: 1345 / آمریکا. کارشناسی: فلسفه / 1348 / دانشگاه کالیفرنیا، برکلی. کارشناسی ارشد: انسان‌شناسی / 1352 / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ. دکتری: انسان‌شناسی / 1360 / نیویورک / گرادویت فکولتی نیواسکول فور سوشال ریسرچ است.خاطرات و وقایع تحصیل : سهیلا میرشمس شهشهانی در باره تعیین رشته خود چنین میگوید: قبل از رفتن به آمریکا، عمدتاً با روانکاوی آشنا بودم و فکر می کردم که روانکاو خواهم شد. من از طریق برخی مقالات و دایره المعارف فهمیده بودم که روانکاوی چه هست ولی وقتی که در آمریکا، آثاری بیش تر را مطالعه کردم، دیدم روانکاوی آن طور که دوست داشتم، جذاب نیست. در دانشگاه هم وارد رشته فلسفه شدم.در ترم اول که ترم تابستانه بود، فقط یک درس را گرفتم و آن هم کتاب جمهوری افلاطون بود.بعد از اخذ مدرک لیسانس فلسفه، به نیویورک رفتم و در کلاس یکی از معروف ترین استادان انسان شناسی شرکت و به این رشته علاقه پیدا کردم. البته دپارتمان انسان شناسی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی، بسیار معروف بود ولی من در دوره لیسانس به انسان شناسی علاقه نداشتم. وقایع میانسالی : سهیلا میرشمس شهشهانی پس از فراغت از تحصیل و بازگشت از آمریکا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در گروه علوم اجتماعی پذیرفته شد و وی هم اکنون در آنجا سمت دانشیاری دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سهیلا میرشمس شهشهانی عضو هئیت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید بهشتی و سردبیر مجله انسان شناسی، و سردبیر مجله فرهنگ انسان و معاون

کنونی مجمع بین المللی علوم انسان شناسی و قوم شناسی می باشد.آرا و گرایشهای خاص : سهیلا میرشمس شهشهانی معتقد است: انسان شناسی نسبت به یک جامعه شناخت می دهد. ممکن است توانمندی های جامعه موضوع تحقیق باشد و یا این که کسی بخواهد ضعف ها را نشان دهد.

میرزایی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد میرزایی
محل تولد : میاندوآب
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1356/5/10

زندگینامه علمی
بعد از اتمام دوره متوسطه در رشته ریاضی فیزیک و قبولی در کنکور سراسری 1374 در رشته مهندسی برق (گرایش الکترونیک) با مشورت و راهنمایی و صلاحدید پدرم وارد حوزه علمیه شده و رشته مهندسی را ادامه ندادم (سال ورود به حوزه 1374). در مدت 5 سال در حوزه علمیه «حضرت ولی عصر بناب» مقدمات را به اتمام رسانده و درسال 1379 عازم قم شدم. همزمان با تحصیل در مقطع سطح، وارد موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) در رشته «معارف اسلامی و جامعه شناسی» شدم. در سال 1383 دوره لیسانس را همزمان با اتمام پایه 10 به پایان رساندم و تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته «الهیات» ادامه داده و فارغ التحصیل شدم. سابقه 3 سال درس خارج دارم و همچنان مشغولم. انشاء الله.

نورانی، امیر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
امیر نورانی مکرم دوست
محل تولد : رشت
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1348/1/2

زندگینامه علمی
آقای امیر نورانی مکرم دوست در سال 1348هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت «علیهم السلام» در شهر رشت دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی در سال 1362 وارد حوزه علمیه رشت گردید و از محضر بزرگان آن دیار بهره ها برد.
از سوی دیگر به شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1372 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل در قم از محضر بزرگانی چون: «آیت الله استادی»، «آیت الله استاد پایانی»، «استاد آل غفور»، «استاد حسینی خراسانی» و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته «جامعه شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1378 از دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان: «بررسی باورهای دینی در ارتباط نوسازی» دفاع کرد. وی پس از طی تحصیلات جهت خدمت علمی و فرهنگی به مردم دیار خویش به زادگاهش بازگشت و هم اکنون علاوه بر مدیریت گروه معارف دانشگاه گیلان، نیز در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال دارد.

نیک گهر، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالحسین نیک گهر، استاد دانشگاه، جامعه شناس و مترجم، به سال ۱۳۱۶ در شهر تالش دیده به جهان گشود. از سال ۱۳۲۲ به خاطر شغل پدر ساکن رشت شد و دبستان و دبیرستان را در بهترین مدارس رشت گذراند. بعد از پایان دوره دبیرستان بی درنگ در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و توانست در رشته فلسفه و علوم تربیتی با کسب رتبه اول مدرک کارشناسی اش را دریافت کند.در سال ۱۳۳۹ به خاطر موفقیت و کسب رتبه اول به فرانسه اعزام شد. از همراهان او می توان به دکتر علی شریعتی اشاره کرد. در سال ۱۳۴۳ مدرک دکترای جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن کسب کرد. بعد از بازگشت از فرانسه مدتی در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه شناسی تدریس می کرد و مدتی بعد به دانشگاه تهران منتقل شد. و در امتحان استادیاری آن دانشگاه که در سال ۱۳۴۷ برگزار شد شرکت کرد و توانست در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ به عنوان استادیار دانشگاه تهران مشغول به تدریس شود. در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام او توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند. عبدالحسین وی اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند. نیک گهر با پشتکار خود تاکنون توانسته یک تنه آثار بسیاری در زمینه تألیف و ترجمه از خود به جا بگذارد به طوری که همه کتاب هایش مورد استقبال و توجه بسیاری از اساتید دانشگاه و دانشجویان قرار گرفته است.
گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در رشت، دیپلم ششم ادبی دبیرستان مروی تهران ۱۳۳۵ - لیسانس فلسفه و علوم تربیتی، دانشجوی رتبه اول از دانشگاه تبریز ۱۳۳۹ و اعزام به فرانسه - دکترای جامعه شناسی دانشگاهی از سوربن ۱۳۴۳ - اعزام به فرانسه و اخذ دکتری دولتی جامعه شناسی از سوربن ۱۳۵۴ خاطرات و وقایع تحصیل : در سال ۱۳۵۰ با توجه به شرایط جامعه- انقلاب فرهنگی- فرصت مطالعاتی ایجاد شد و برای

دومین بار به فرانسه عزیمت کرد تا با تکمیل تحصیلاتش بتواند به کشور و جامعه اش خدمت کند، در این ایام نیک گهر توانست مدرک دکترای دولتی جامعه شناسی اش را از دانشگاه سوربن دریافت کند.هم دوره ای ها و همکاران : نیک گهر، بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ دانشجوی ریمون آرون بوده است و از دوستان او می توان مرحوم دکتر احمد تفضلی، بهمن سرکاراتی زبان شناس نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نیک گهر در سال ۱۳۵۴- ۱۳۵۵ رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۶- ۱۳۵۷ مدیر گروه آموزشی جامعه شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۵۷-۱۳۵۸ رئیس دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران بوده است.اکنون در مرکز مطالعات و سنجش افکار عمومی مشغول به کار و تحقیق است. او از سال ۱۳۷۵ تاکنون با حضور مستمر در این مرکز با اجرای صدها طرح تحقیقاتی توانسته به رشد و ارتقای فرهنگی این سرزمین کمک شایانی کند.فعالیتهای آموزشی : دکتر نیک گهر تدریس در دانشگاه مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ را در کارنامه خود دارد و همچنین وی استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران ۱۳۴۸ – ۱۳۵۰، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران در ۱۳۵۴ و راهنمایی ده ها پایان نامه در دوره کارشناسی ارشد و دکتری بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سابر فعالیتهای دکتر نیک گهر علاوه بر تالیف و ترجمه، طرح و اجرای بیش از یکصد طرح پژوهشی در مؤسسات تحقیقاتی؛ موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی ۱۳۷۰ – ۱۳۷۹، پژوهشگاه نیرو ۱۳۸۲- ۱۳۸۳و مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی از ۱۳۷۵ تا امروز است.آرا و گرایشهای خاص : نیک گهر معتقد است: «هرشری را می توان به خیری تبدیل کرد.» عبدالحسین نیک گهر معتقد است: «جهانی سازی اگر آگاهانه صورت نگیرد، فرهنگ ها را در مقابل هم قرار می دهد. تنها با داشتن علم اطلاعات نمی توانیم با همدیگر رابطه برقرار کنیم. انسان ها نیاز به شناسایی فرهنگ های مختلف دارند.با شناختن فرهنگ یکدیگر می توانیم به همدیگر ارزش قائل شویم و از باید و نباید های یکدیگری آگاه شویم. اگر پیام از شمال می آید مردمان سرزمین جنوبی قادر به درک آن پیام نیستند. زیرا فضا و مکان و زمان فرستنده پیام با فضا، مکان و زمان گیرنده پیام یکسان نیست که واکنش های تأسف باری به وجود می آورد. در واقع یازده سپتامبر یک هشدار است که تنها اطلاعات شبکه ای نمی تواند دنیا را به هم وصل کند و آنها را نزدیک گرداند و به یک سو که همان صلح جهانی است هدایت کند. صلح جهانی و تفاهم جهانی آرزویی که با این روش هیچگاه محقق نمی شود. در این راستا، باید با برنامه ریزی فرهنگی و طرح های فرهنگی انسان ها را به سمت ارتقای فرهنگی هدایت کرد وگرنه گسیختگی فرهنگی نتایج ناگوار و سختی به بار

می آورد.» چگونگی عرضه آثار : او با آن که در سن ۴۵ سالگی بازنشسته شده اما با ارائه طرح های تحقیقاتی و داشتن بیش از سی جلد تألیف و ترجمه توانسته است در حوزه کاری اش مؤثر باشد.او تألیفات وترجمه هایش را به منظور پرکردن فضاها و خلأهای کتب درسی مورد تدوین و تألیف قرارداده و در این زمینه نیز بسیار موفق بوده است. زیرا تألیفات و ترجمه هایش چندین چاپ به خود دیده اند و این مسأله خود گواه همین امر است.آثار : آینده آزادی ویژگی اثر : ترجمه، ژان ماری گنو، 2 پایان دموکراسی ویژگی اثر : ماری گنو، 13813 تکاپوی جهانی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژان - ژاک سروان شرایبر (چاپ هفتم)4 جامعه شناسی تالکوت پارسونز ویژگی اثر : ترجمه، اثر گی روشه 5 جامعه شناسی شهر ویژگی اثر : ترجمه، اثر یانکل فیالکوف انتشارات آگه. کتاب «جامعه شناسی شهر» اثر یانکل فیالکوف با ترجمه عبدالحسین نیک گهر یکی از کتاب هایی است که مورد توجه بسیاری از محققان و علاقه مندان قرار گرفته است.این کتاب از پنج فصل تشکیل شده است: شهر، پدیده جامعه شناختی، شهر، صورت اجتماعی، شهر، یک یا چند سبک زندگی، شهر، یک سازمان سیاسی و پیمایش شهری امروز و یگانگی شهر، این کتاب تلفیقی است از آموزش هایی که در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی معماری و شهرسازی درباره شهر تدریس می شود. اهل حرفه، جامعه شناسان، جغرافی دانان، انسان شناسان، دانشجویان معماری و شهرسازی با پرسش های شان به مرور زمان به عمق اندیشه ما درباره شهر افزوده اند.این کتاب دو اصل روش شناختی را مد نظر دارد: رویکرد تاریخی و تحقیق میدانی.عبدالحسین نیک گهر با روحیه بسیار صمیمی و مهربانش این کتاب با ارزش و ارزنده را به همکارانش در مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی پیشکش کرده است. او معتقد است که حضور همکارانش طراوت کلاس درس را برایش یادآوری می کند.«جامعه شناسی ورزش» اثر ژاک دوفرانس نیز عنوان دیگری از ترجمه های عبدالحسین نیک گهر است که توسط نشر توتیا به بازار کتاب آمده است.نیک گهر معتقد است: «جامعه شناسی ورزش رشته ای نوپا و در حال بالندگی است. جامعه شناسان به اهمیت بازی ها و ورزش ها، به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی پی برده اند و به ورزش به عنوان رفتار و «عادت واره ای» که ساختار اجتماعی را بازتاب می دهد، توجه نشان می دهند. این کتاب نیز همچون دیگر ترجمه های نیک گهر مورد استقبال و توجه اساتید و دانشجویان علاقه مند به عرصه های جدید پژوهشی در جامعه شناسی قرار گرفته است. 6 جامعه شناسی ماکس وبر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژولین فروند (چاپ سوم 7 جامعه شناسی هنر ویژگی اثر : ترجمه، اثر ناتالی هنینکِ انتشارات آگه. «جامعه شناسی هنر»

اثر ناتالی هینیک نیز یکی دیگر از تألیفات نیک گهر است.جامعه شناسی هنر، دانشی میان رشته ای است که با تاریخ فرهنگی، زیبایی شناسی، تاریخ هنر، انسان شناسی، روان شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انتقادی، جامعه شناسی پیمایشی و... مرزهای مشترک و نامشخص دارد. این کتاب، نخستین درسنامه جامعه شناسی هنر به زبان فارسی است که درونمایه آن را نه «هنر و جامعه»، نه «هنر در جامعه»، بلکه «هنر به مثابه جامعه» تشکیل می دهد. در این کتاب مؤلف از مرور رویکردهای متفاوت به موضوع هنر، از جمله رویکرد زیباشناختی، تاریخی و انتقادی و بیان دستاوردهای هر یک از آنها و نقد عالمانه مدل های تحلیلی گذشته که بر خلاف متعارف «شفافیت شان با بهره وری واقعی شان نسبت معکوس دارد»، رویکردهای امروزی را که کمتر بار ایدئولوژیکی دارند و نیز کمتر معرف حضور متخصصان هستند، معرفی می کند. نیک گهر با ترجمه سه گانه جامعه شناسی هنر، جامعه شناسی ورزش و جامعه شناسی شهر در راستای تازه و نو کردن فضای آموزش عالی حوزه های جامعه شناسی گام مهمی برداشته است که خدمتی بسیار ارزنده و قابل تقدیر است.8 جامعه شناسی ورزش ویژگی اثر : ترجمه، اثر ژاک دو فرانس انتشارات آگه9 خاطرات ریمون آرون ویژگی اثر : ترجمه، (جلد، صفحه)، 10 روش تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه،اثر ریمون کیوی و... (چاپ چهاردهم انتشارات توتیا.یکی از ترجمه های بسیار روان عبدالحسین نیک گهر «روش تحقیق در علوم اجتماعی» اثر ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود است. این کتاب ترجمه یکی از جدیدترین کتاب های درسی روش تحقیق در علوم اجتماعی است. مؤلفان کتاب، ریمون کیوی و لوک وان کامپنهود از استادان دانشگاه و محققان سرشناس بلژیکی هستند که علاوه بر تدریس نظری و تحقیق کاربردی، عمری را در مؤسسات تحقیقات دانشگاهی صرف تربیت محققان اجتماعی کرده اند و این کتاب حاصل تجربه های چندین ساله این استادان است که در این سالیان به دست آمده است. البته گفتنی است که ترجمه ساده و روان نیک گهر موجب شده این اثر با استقبال ویژه ای روبرو شود.11 شوربختی روس ویژگی اثر : ترجمه، هلن کاررانکوس، 12 فرهنگ انتقادی جامعه شناسی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو چاپ اول فرهنگ معاصر. «جامعه شناسی ماکس وبر» اثر ژولین فروند را می توان نام برد. «فرهنگ انتقادی جامعه شناسی» اثر ریمون بودون و فرانسوا بوریکو، از تازه ترین آثار ترجمه عبدالحسین نیک گهر است که به تازگی توسط فرهنگ معاصر به چاپ رسیده است.این فرهنگ مدخل است که موضوع های آن در گروه خانگی زیر دسته بندی شده است: ?- طبقات بزرگ پدیده های اجتماعی (مانند تعارض های اجتماعی، ایدئولوژی ها و...) ?- انواع وجوه اصلی سازمان اجتماعی (مانند

دیوانسالاری، سرمایه داری و...) ?- مفاهیم عمده خاص جامعه شناسی (نابسامانی اجتماعی، کاریزما و...) ?- مفاهیم متداول و مشترک چندرسانه (ساخت، نظام) ?- پارادایم ها و نظریه ها (ساخت گرایی، کارکردگرایی، فرهنگ گرایی و...) ?- مسائل نظری عمده اجتماعی (نظارت اجتماعی، قدرت، اقتدار و...) ?- مسائل عمده معرفت شناسی (عینیت، پیش بینی، نظریه و...) ?- بنیانگذاران عمده جامعه شناسی (دورکیم، ماکس وبر، اسپنسر، زیمل و...) نیک گهر ترجمه این کتاب را شروع می کند و با وسواس علمی و دقت آن را به پایان می رساند. او در این مدت با همت و حوصله و رویکردی متفاوت ترجمه این اثر ارزنده را به علاقه مندان علوم اجتماعی و محققان ارائه کرده است و تلاش او بسیار ستودنی است. نیک گهر معتقد است: «ما تولید فرهنگی نداریم، اما تولید مادی داریم» و از نظر او تولید مادی چاپ کتاب و خوانده شدن کتاب تولید فرهنگی است. او با امید ایجاد شرایطی برای تولید فرهنگی با پشتکار و همتی متعالی دست به تألیف و ترجمه کتاب های بسیار مفید زده و می زند. 13 فرهنگ علوم اقتصادی - بازرگانی، اداری ویژگی اثر : تألیف14 مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : تألیف چاپ پنجم15 منطق کنش اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه، اثر ریمون بودون

وثوقی، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منصور وثوقی در سال 1320 در برازجان بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکترای رشته جامعه شناسی از دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال 1974 می باشد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده جامعه شناسی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جامعه شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی منصور وثوقی به قرار زیر است: - دیپلم متوسطه طبیعی در سال 1339 - کارشناسی رشته علوم اجتماعی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال 1344 - کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی از دانشگاه تهران در سال 1346 - دکترای رشته جامعه شناسی دانشگاه رنه دکارت سوربن-فرانسه در سال 1974همسر و فرزندان : منصور وثوقی متاهل و دارای 3 فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق شغلی و مدیریتی دکتر منصور وثوقی به قرار زیر است: - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی"موسسه مطالعات و تحقیقات دانشگاه تهران " از سال 1343 تا 1346 - پژوهشگر بخش تحقیقات روستایی "موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران" از سال 1346 تا 1349 - سرپرست بخش تحقیقات روستایی موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال 1354 تا 1371 - استادیار گروه آموزشی جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1354 تا 1369 -مدیر گروه جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1360 تا 1364 - معاون اداری و مالی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1367 - معاون آموزشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از سال 1374 تا 1375 - دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه تهران از سال 1369 تا کنون - مدیر گروه توسعه روستایی دانشگاه تهران از سال 1381 تا کنون - عضو انجمن بین المللی جامعه شناسان فرانسه زبان(A.I.S.L.F) - عضو انجمن جامعه شناسی ایران - عضو انجمن انسان شناسی ایرانفعالیتهای آموزشی : موارد مورد تدریس در دانشگاه: مبانی جامعه شناسی،جامعه شناسی روستایی،نظریه های جامعه شناسی،تغییرات اجتماعی،مسائل اجتماعی ایران،جامعه شناسی تاریخی ایران در مقطع کارشناسی ارشد: سمینار جامعه شناسی روستایی،اندیشه های اجتماعی معاصر،بینش های جامعه شناسی،نظام های بهرهبرداری در مقطع دکترا:

جامعه شناسی ایران ،سمینار مسائل توسعه اجتماعی- اقتصادی ایرانچگونگی عرضه آثار : - تالیف 5 عنوان کتاب - تالیف حدود 10 مقاله بزبانهای فارسی و انگلیسی - همکاری در انجام بیش از 10 طرح پژوهشی،انجام حدود 10 طرح پژوهشیآثار : 1 تعاونیهای روستائی منطقه تهران ویژگی اثر : موسسه اموزش و تحقیقات تعاونی 13482 تغییرات اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: گی روشه، منصور وثوقی (مترجم) ناشر: نشر نی - 15 مرداد، 1386 چاپ اول 1366،چاپ هفدهم 1384 انتشارات نی3 جامعه شناسی روستایی ویژگی اثر : چاپ اول 1366،چاپ دهم 1382-انتشارات کیهان4 جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مهرداد رزاقی، منصور وثوقی (مترجم)، حسن ملک (مترجم) ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 5 مبانی جامعه شناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی، علی اکبر نیک خلق ناشر: بهینه - 15 اسفند، 1386 چاپ اول 1370،چاپ بیست و دوم(ویرایش جدید)1383-انتشارات بهینه6 مبانی جامعه شناسی 1، رشته علوم اجتماعی ویژگی اثر : پدیدآورنده: منصور وثوقی ناشر: دانشگاه پیام نور - 1382 7 مفاهیم اساسی توسعه ویژگی اثر : در دست چاپ

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه توسط دکتر منصور وثوقی بنا به درخواست واحد آموزش بنیاد ایرانشناسی زمستان 1384

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

یعقوبی، عبدالرسول

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرسول یعقوبی
محل تولد : بروجن
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
سال 1362 تحصیلات متوسطه را به پایان رساندم. در سال 1363 برای تحصیل در علوم حوزوی، در مدرسه ای با نام نامی «امام خمینی (ره)» در یکی از کوچه های خیابان موسوم به باجک، به تحصیل در حوزه علمیه قم مشغول شدم. پس از به پایان بردن دوره ادبیات، همزمان با تحصیل در (فقه و اصول) در موسسه «در راه حق»، الهیات و معارف اسلامی را شروع کردم. هنوز یک سال نگذشته بود که به حکم وظیفه به شهرستان مراجعت و مدَّت دو سال مسئولیت اداره و تدریس در حوزه علمیه خواهران را بر عهده گرفتم. پس از بازگشت از شهرستان، مجدداً در کنار دروس فقهی و اصولی، به آموزش «الهیات و معارف اسلامی» پرداخته و بعد از پنج سال در تیرماه سال 1374 فارغ التحصیل شدم.
علاقه مندی به رشته های علوم انسانی، ما را به وادی «جامعه شناسی» کشاند. تحصیل در این رشته نیز 5 سال به طول انجامید و بالاخره در تیرماه سال 1381، کارشناسی ارشد رشته «جامعه شناسی» را به پایان رساندم. هم اکنون مطالعات و تحقیقاتم، منحصراً در موسسه «آموزشی و پژوهشی امام خمینی» از طریق گروه «تاریخ و اندیشه معاصر» است. عضویت در این گروه، تا کنون 4 سال به طول انجامیده است.

جغرافیا، باستان شناسی

ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم عبیداللَّه، اصلا ایرانی بود، و در علم جغرافیا مهارت داشت (ف. 300 ه.ق.) کتاب معروف اوالمسالک والممالک (ه.م.) در جغرافیاست.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

ابن‌خُرداذْبِه، ابوالقاسم عبیداللَّه

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 300 /280 -205 ق)، مورخ، جغرافیدان و موسیقیدان. پدربزرگ وی زرتشتی بود و به دست برامکه اسلام آورد. به روایتی پدرش در خلافت مأمون حاکم طبرستان بود و خود او نیز ظاهراً در خراسان به دنیا آمد. گفته‌اند که برای کسب علم شوق وافر داشت و هنر و ادب را به خوبی فراگرفت. وی در موسیقی نیز دست داشت و آن را نزد اسحاق موصلی فراگرفت. نخست چندی در ولایت جبال مأمور پست و خبر بود و سپس با حفظ سمت به بغداد و سامرا رفت و در دربار معتمد، خلیفه‌ی عباسی، از مقربین گشت. فهرستی از آثار او را ابن‌ندیم در کتاب خود آورده که اکثر آنها مفقود شده است. مهم‌ترین اثر وی «المسالک والممالک» یا «تاریخ ابن‌خرداذبه» است که به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است و مشتمل بر اطلاعاتی درباره‌ی راهها و شهرها می‌باشد. این کتاب مورد استفاده‌ی جغرافی‌نویسان پس از او از قبیل: ابن‌فقیه، مقدسی، ابن‌حوقل و جیهانی قرار گرفته است، ولی درباره‌ی ارزش علمی این کتاب نویسندگان قدیم عرب و خاورشناسان جدید آراء متضاد ارائه کرده‌اند؛ از دیگر آثار او: «کتاب اللهو و الملاهی»، درباره‌ی موسیقی و موسیقیدانان؛ «کتاب جمهرة انساب الفرس والنواقل»، درباره‌ی طایفه‌ی ایرانیان و اقوام جابه جا شده؛ «کتاب التاریخ»، که مسعودی آن را بهترین و کامل‌ترین تألیف در نوع خود دانسته است؛ «الندماء والجلساء»؛ «ادب السماع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :استادان موسیقی (29 -28)، الاعلام (343 /4)، تاریخ ادبیات در ایران (350 -349 /1)، تاریخ گزیده (697)، تاریخ موسیقی (557 /2، 131، 73، 58 /1)، تاریخ هنرهای ملی (727 /2)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (529 -528 /4)، دائرةالمعارف البستانی (457 /1)، دایرةالمعارف فارسی (18 /1)، ذیل تاریخ بغداد (13 -11 /17)، ریحانه (498 -497 /7)، سرآمدان فرهنگ (39 /1)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (245)، کارنامه بزرگان (31 -30)، کشف الظنون (1665، 278)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌خرداذبه)، معجم المؤلفین (236 /6)، هدیة العارفین (645 /1).

ابن‌رُسْته، ابوعلی احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز ح 300 -290 ق)، دانشمند و جغرافیدان. درباره‌ی زندگینامه‌ی وی فقط از روی تنها اثرش اطلاعاتی به دست آمده است. در اصفهان متولد شد. در 290 ق به مکه رفت و در همان جا میان سالهای 290 تا 300 ق دانشنامه‌ی جغرافیایی گسترده‌ای به نام «الاعلاق النفیسه» نوشت که تنها جلد هفتم آن باقی مانده است. در نوشتن این دانشنامه از اقوال دانشمندانی چون احمد بن کثیر فرغانی، احمد بن طیبّ سرخسی و کتابهای ابوعبداللّه جیهانی و ابن‌خرداذبه سود جسته است. ابن‌رسته از جغرافی‌نویسان مکتب عراق است و برای تأیید نظریات نجومی خود مکرراً به آیات قرآنی استشهاد کرده وی جغرافیای توصیفی خود را از مکه و مدینه به شیوه‌ای بسیار منظم و علمی آغاز کرده است. کتاب با جغرافیای ریاضی (کیهان نگاری) آغاز می‌شود و در آن به وضع زمین در جهان و شکل و اندازه و کرویت آن اشاره شده است. ابوعلی در جغرافیای سرزمینها از سرزمینهای اسلامی فراتر رفته و درباره‌ی سرزمین خزرها، بلغارها، اسلاوها و روسها نیز بحث کرده است و حتی روایت محمد بن اسحاق را از کشور خمرها (کامبوج کنونی) آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ اصفهان (9)، تاریخ نجوم اسلامی (229 -228)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (575 -574 /4)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌رسته)، معجم المؤلفین (31 /2)، مقدمه بر تاریخ علم (734 /1).

ابن‌سرابیون، سهراب

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، جغرافی‌نویس. از زندگی وی اطلاع چندانی در دست نیست. تنها اثر بازم انده از و ی کتاب «عجائب الاقالیم السبعه» است که میان سالهای 289 تا 334 ق نوشته است. چنان که خود می‌گوید، بیش از همه از کتاب «صورة الارض» خوارزمی سود جسته است. گستردگی دانش وی درباره‌ی بغداد، رودها و جویبارهای آنجا نشان از آن دارد که وی مدتهای مدیدی در بغداد اقامت داشته است. اطلاعات وی درباره‌ی کوهها، رودها، راههای زمینی و دریایی چنان دقیق است که لسترنج از روی آنها نقشه‌ی بغداد را در قرون وسطی تهیه کرده است. ابن‌سرابیون روش نقشه‌کشی را با تصویر استوانه‌ای شرح داده است. از بسیاری جاها، مانند بعلبک و کشمیر برای نخستین بار در کتابش سخن رفته است. کتابهای ابن‌سرابیون و خوارزمی مکمل یکدیگرند، چنانکه یکی از استادان دانشگاه علیگره نقشه‌ی مفصل دنیا را بدان‌گونه که ایشان وصف کرده‌اند ترسیم کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران و اسلام (4/ 624- 625)، مقدمه بر تاریخ علم (1/ 733).

ابن‌فقیه همدانی، ابوبکر، ابوعبداللّٰه احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 340 ق)، جغرافیدان و ادیب. از مردم همدان بود. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. برخی از جغرافی‌نویسان مسلمان در آثار خود از او یاد می‌کنند و با نسبت دادن تألیفاتی مرکب از پنج کتاب به وی، بر آثار او خرده می‌گیرند و او را به نداشتن دقت متهم می‌سازد. از آثارش: «البلدان»؛ «مختصر البلدان».[1]
ابوبکر شهاب‌الدین احمد بن محمد بن اسحاق همدانی. از جعرافی‌دانان مشهور بود. وی در سال 290 ه.ق. کتاب البلدان را تألیف کرد. این کتاب به گفته ابن‌الندیم نزدیک هزار ورق است که بیشتر آن را ابن فقیه از جیهانی گرفته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] احسن التقّاسیم (7 -6 /1)، بزرگان و سخن سرایان همدان (138 /1)، ریحانه (141 -140 /8)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5 و 767 -766 /6)، مقدمه بر تاریخ علم (734 /1).

اصطخری فارسی، ابواسحاق ابراهیم

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 346 ق)، جغرافیدان. معروف به کرخی. در استخر فارس متولد شد و پس از تحصیل فنون مختلف به تحصیل دانش جغرافی پرداخت و امام جغرافیدانان عرب شد. ابواسحاق بیشتر سرزمین‌های اسلامی و کشورهای مجاور آن را سیاحت کرد و اوضاع و احوال اکتشافی خود را ضبط نمود و در کتابی به نام «صور الاقالیم» به رشته تحریر درآورد. از دیگر آثار وی: «المسالک و الممالک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 58)، ایضاح المکنون (2/ 473)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 351)، تاریخ نظم و نثر (71)، دائره‌المعارف البستانی (745-744 /3)، الذریعه (20/ 377)، ریحانه (142 -141 /1)، لغت‌نامه (ذیل/ اصطخری)، معجم المؤلفین (1/ 104)، هدیه العارفین (1/ 6).

افشین، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یدالله افشین در سال 1323 در شهر مرزی ماکو به دنیا آمد.ایشان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال 1344 وارد دانشکده افسری شد و در سال 1347 با اخذ لیسانس و درجه ستوان دومی فارغ التحصیل گردید.در سال 1365 به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود.نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل 14 سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد.کتاب مذکور ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله افشین تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در سال 1344 وارد دانشکده افسری شد و در سال 1347 با اخذ لیسانس و درجه ستواندومی فارغ التحصیل گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یدالله افشین در سال 1365 به عضویت هیئت علمی دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درآمد که تا پایان خدمت نظامی اش، در این سمت مشغول تدریس و تحقیق بود. نوع خدمت نامبرده به او این امکان را داد تا نقاط مختلف کشور را از نزدیک مشاهده کرده و یادداشتهای لازم از مسائل جغرافیایی کشور بویژه رودخانه های ایران را که کاربرد زیادی در مسائل نظامی دارند ثبت نماید. کتاب رودخانه های ایران حاصل 14 سال تلاش آقای یدالله افشین می باشد. جوائز و نشانها : کتاب"رودخانه های ایران"تالیف،یدالله افشین ، در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : 1 رودخانه های ایران ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «رودخانه های ایران»: رودخانه های ایران؛ یدالله افشین؛ تهران: وزارت نیرو، 1373. افزایش سریع جمعیت کشور، وضع نابسامان عرضه موارد غذایی

در بازارهای جهانی و بهره گیری قدرتهای بزرگ از غذا به عنوان حربه سیاسی، خودکفایی مملکت را در این زمینه به منظور حفظ استقلال اقتصادی و سیاسی گریزناپذیر ساخته است و در این راستا، استحصال و تأمین آب کافی برای توسعه کشاورزی و صنعت و مصارف روستایی و شهری را در رأس برنامه ها قرار داده است. نگاهی به کتاب «رودخانه های ایران»، نشان می دهد چه حجم عظیمی از آبهای با ارزش رودخانه ها از کشور خارج می شود و به ممالک همجوار یا دریاها می ریزد و یا در دل کویرها و دشتها و باتلاقها فرو می رود و استفاده از این آبهای به هدر رفته، چه امکانات گسترده ای برای گسترش کشاورزی و صنعت فراهم می کند. کتاب حاضر حاوی شرح مشخصات، ویژگیها و امکانات بالقو؟ نزدیک به 3500 رودخان؟ بزرگ و کوچک ایران از سرچشمه تامصب است. مطالب کتاب با نگاهی به 4 حوزه آبگیر اصلی ایران، براساس 12 حوزه کوچک و بزرگ تقسیم و عرضه شده و حوزه ها و رودهای هر حوزه و شاخه های هر رودخانه به صورت الفبایی تنظیم گردیده است. این کتاب در 2 مجلد با مقدمه کامل و فهرست راهنمای الفبایی نام رودخانه ها و منابع و مآخذ، همراه با تعدادی عکس و نقشه جغرافیایی چاپ و منتشر شده است

امیرلو، عنایت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنایت الله امیرلو در سال 1323 ، در قزوین متولد گردید. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه ، در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال 1345 به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان نشاسی دوره سنگ پی گرفت. عنایت الله امیر لو از سال 1347 به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت الله امیرلو پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران مشغول تحصیل شد. در سال 1345 به کشور ژاپن عزیمت نمود و در دانشگاه هیروشیما تحصیلات خود را در زمینه انسان شناسی جسمانی و نیز باستان نشاسی دوره سنگ پی گرفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت الله امیر لو از سال 1347 به استخدام اداره کل باستان شناسی و سپس مرکز باستان شناسی ایران درآمد. وی همچنین مسئول تهیه شناسنامه برای بسیاری از اشیاء موجود در کاخ موزه گلستان بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عنایت الله امیرلو در تاسیس گنجینه اشیاء و ذخایر بازیافته موجود در میراث فرهنگی استان و تهیه برای اشیا مکشوفه قاچاقچیان همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عنایت الله امیر لو پس از اتمام تحصیلات خود ، در سال 1358 به ایران بازگشت و فعالیت علمی خود را دنبال نمود. وی در دوران حیات خود فعالیت های ذیل را به انجام رسانده است: - شرکت در کاوش های تپه قیطریه تهران - شرکت در کاوش های معبد آناهیتا کنگاور - شرکت در کاوش های شهر ساسانی - اسلامی سیراف بوشهر - شرکت در کاوش های تپه سه گابی ، تویسرکان - بررسی شهرستان دماوند ( کشف محوطه ای از دوره پارینه سنگی در روستای قلعه عسگر دماوند ) ، سه فصل - بررسی منطقه قاضی میرجعفر یزد - کاوش در فهرج یزد آثار : باستان شناسی اسراییل ، به مثابه ابزاری در خدمت صهیونیسم ویژگی اثر : با همکاری مصطفی تنها ، موزه ، ش 4و32 سالیابی محوطه محوطه های باستانی ایران به روش کربن 14 ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ

سال دوم ، ش 1 ، پاییز و زمستان 13663 قلعه عسسگر دماوند تهران ویژگی اثر : راهنمای نمایشگاه دومین گردهمایی باستان شناسی ایران ـ تهران 13764 کاربرد ریاضیات در پژوهشهای باستان شناسی ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ سال هفتم ش2و1 ، یادنامه هلن کنتور5 مقدمه ای بر مطالعات دروان سنگ ویژگی اثر : فروهر ( نشریه سازمان فروهر ) ، ش 4 ، شهر یور 13636 نگاهی به فرهنگهای کهن سنگی ایران ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ ـ ش 1 ، پاییز و زمستان 1365
منابع زندگینامه : نشریه باستان پژوهان ، « ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران » ، زمستان 1379

آذرنوش، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسعود آذرنوش در سال 1324در کرمانشاه به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی در دانشگاه تهران گذراند و برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت نمود و در آنجا موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه کالیفرنیا شد. رساله دکترای آذرنوش در خصوص هنر ساسانی در شرق فارس و منطقه حاجی آباد بوده است. ایشان علاوه بر سوابق پژوهشی میدانی و تدریس در دانشگاههای تهران از تالیفات متعددی به زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه برخوردار است از جمله سوابق اداری ایشان می توان به مسئولیت معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی اشاره نمود.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : مسعود آذرنوش در 5 فروردین 1324در کرمانشاه متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : مسعود آذرنوش پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، مشغول به تحصیل در رشته باستان شناسی پرداخت، و در سال 1347موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشگاه تهران شد. وی پس از خدمت وظیفه مشغول به تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی شد و در سال 1353پایان نامه خود را با عنوان (تمدن و هنر هیئت) موفق به دریافت درجه کارشناسی ارشد شد. در سالهای پس از انقلاب برای تحصیل به اروپا و سپس آمریکا عزیمت کرد و در سال 1366رساله دکترای خود را با عنوان: هنر ساسانی در شرق فارس» کاوشهای حاجی آباد در نزدیکی داراب، ایران» در گروه باستان شناسی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا ارائه داد. زمان و علت فوت : مسعود آذرنوش زمانی که از مأموریت اداری از هگمتانه همدان به تهران بازگشته بود، در اثر سکته قلبی در هفتم آذر ماه 1387 دار فانی را وداع گفت و در قطعه نام آوران به خاک سپرده شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و اداری مسعود آذرنوش از سال 1349ـ1375به شرح زیر می باشد: ـ سرپرست هیئت های کاوش و بررسی، مرکز باستا ن شناسی ایران 59ـ1349 ـ استادیار موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران، از 1375. ـ عضو انجمن ایران شناسی اروپا. ـ مشاور مجله باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی. ـهمکار مجله کتابشناسی انتقادی چکیده های ایران شناسی(Abstracta iranica) ـمدیر گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران . ـبورس تحقیقاتی از موسسه باستان شناسی

آلمان،برلن ،1365. ـبورس تحقیقاتی از موزه پلیتن ،نیویورک 67ـ1366. ـانجمن حفظ آثار باستانی و بناهای تاریخی ایالت بروکسل ،بلژیک ،74ـ1373. فعالیتهای آموزشی : مسعود آذرنوش در دانشگاههای تهران، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی تهران دروس زیر را تدریس کرده است: باستان شناسی اشکانی، باستان شناسی ساسانی، باستان شناسی یونان و روم، روش کاوش و بررسی (نظری و عملی) و تاریخچه باستان شناسی. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مسعود آذزنوش در سالهای 57ـ1345 حضور فعالی در کاوشها و بررسی میدانی ایران داشت چنانکه می توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1346. - استان خراسان،دانشجو ـ کار آموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1347. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کارآموز، به سر پرستی سیف اله کامبخش فرد، 1347. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان، دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی عزت الله نگهبان، 1348. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه دانشجو ـ کارآموز، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،1351. - کاوشهای مسجد سلیمان، نماینده مر کز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ر.گیرشمن،1352. - شرکت در کاوشهای کنگاور، مسوول کار گاه، به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد،1352. - شرکت در کاوشهای هفت تپه خوزستان،معاون هیئت، به سرپرستی عزت الله نگهبان،1353. - کاوش کردار تپه، نماینده مرکز باستان شناسی ایران، به سرپرستی ک.کرمر،1353. - شرکت در کاوشهای کنگاور کرمانشاه، مسئول کارگاه، به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد،1353. - شرکت در کاوشهای شوش مسوول کارگاه شائور، به سرپرستی ژ.پر، 1355. -کاوشهای گورستان محوطه سنگ شیر و تپه هگمتانه همدان، سرپرست هیئت، 1355 - کاوشهای کنگاور و در چال، سرپرست هیئت، 1356. - بررسی های حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت،1354. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، 1357. - کاوشهای کنگاور کرمانشاه، سرپرست هیئت، 1357. - کاوشهای حاجی آباد (میل نقاره و چهار ستون) فارس، سرپرست هیئت، 1376. - کاوشهای حاجی آباد (تل سفیدک) فارس، سرپرست هیئت، 1377. - کاوشهای ابراهیم آباد قزوین (کاوش آموزشی گروه باستان شناسی دانشگاه تهران)، سرپرست هیئت، 1379.چگونگی عرضه آثار : مسعود آذر نوش نتایج مطالعات و پژوهشی های باستان شناسی خود را در همایشها و کنگره های ملی و بین المللی متعددی عرضه نموده است، از جمله این همایش ها عبارتند از: - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران (مونیخ، آلمان) -سمپوزیوم های چند گانه باستان

شناسی و هنر ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب (تهران)؛ -موزه مترو پلیتن (نیویورک، آلمان) -کلوپ باستان شناسی دانشگاه کلمبیا (نیویورک، آمریکا) -موزهای سکلر و فریر (واشنگتن، آمریکا). -همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو (پاریس، فرانسه) -همایش بین المللی جاده ابریشم، یونسکو و پژوهشگاه علوم انسانی (تهران) -نخستین (تورین، ایتالیا)؛ دومین (بامبرگ، آلمان) و چهارمین (پاریس، فرانسه) کنفرانس اروپایی پیرامون پژوهش های ایران شناسی. آثار : nbsp1 A New sasania temple in Iranica antiqua19842 deux sasions de : اثر ویژگی easten fouilles a la necropole de sang - e shir (hamedan) : اثر ویژگی( : In the akten des vll . Internationlen kongresses fur iranische kunst and archaeologie , munchen publish19793 first preliminary report, : اثر ویژگی Excavations at hagiabad : اثر ویژگی iranica Antiqua19834 Excavations at kangavar Archaologische mitteihungen aus iran 19815 From persepollise to al - fustet :continuation of acha menid in proceedings of the : اثر ویژگی architectural concepts second european conference of iranian studies , bamberg , 30th september to 4 th october , 1991 ,Publish in 19956 les : اثر ویژگی hagi abad residense sassanide dans le fars dossirers de larcheologie empires perses , d alexandre aux sassanides 19997 Hamedan,survey of Excavationsin in the : اثر ویژگی iran,19758 Kangavar : اثر ویژگی iran1973-74 dictionary of art 19969 kngavar un temple seleucide d dossiers : اثر ویژگی , anahita devient un munoment sassanide de l archeologie empires perses d alexandre aur sassanide 199910 la more de gulien I apostat selon ies sources byzantion , revue internationale des : اثر ویژگی iraniennes etudes byzantions 199211 les fouische de hagi abad ویژگی arabie orientale , mesopotamie et iran meridional de l : اثر age du fer au debut de la period islamique 198412 Mil-e naqarah hanah , complex of two cahar taps in eastrn fars Archeologia iranica et oreintalis miscellanea in : اثر ویژگی honorem louis vanden berghe198913 Parthian and In the splendor of iran14 sapur II : اثر ویژگی sassanian stucoo : اثر ویژگی ardasir II, ans sapur III :Another Perspective Archaeologische mitteilungen aus iran198615 sassanian

In the splendor of iran16 sassanian : ویژگی اثر architecture Art in Eastern fars :the Excavation of a manorhouse at hagi in dissertation Abstracts : ویژگی اثر abad darab , iran internation, section 198817 Seleucid and parthian In the splendor of iran18 Stucco , III, : ویژگی اثر architecture I n the dictionary of art : ویژگی اثر history and uses , I ancient (london :macmillan) forthcoming199619 The manor house of hagi abad and the chranology of the sasssanin Gavernose Histore et culter de parsi centrale : ویژگی اثر . of kusansar ایدز preslamique ecarites et documents archejologiques20 Fire temple andب 137521 زتان : ویژگی اثر آینده و، اخلاق، anahita temple Adiscussion on some iranian palaces of some mesopotamia 198722 : ویژگی اثر iranianpalaces of worship بخش دوران تاریخی در چکیده های باستان شناسی ویژگی اثر : مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه درتهران .23 به مناسبت سفر گرجستان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ 1378.24 چشم انداز کرد لر در هزاره ی یکم پیش ازمیلاد. ویژگی اثر : نشریه ی انجمن فرهنگ ایران باستان 1353.25 خلیج فارس ، خلیج یتیم ویژگی اثر : نگاه نو 137226 فصل دوم کاوشهای محوطه ی باستانی سنگ شیر در همدان . ویژگی اثر : گزارش های چهارمین مجمع سالانه ی کاوشهای و پژوهشهای باستان شناسی در ایران ،تهران ، 1355.27 کاوشهای گورستان محوطه ی سنگ شیر . ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه ی کاوش ها وپژوهش های باستان شناسی در ایران ، تهران ،1354.28 کهن ترین پاپیروس عربی ویژگی اثر : ترجمه از یوسف راغب که وقف میراث جاویدان می باشد1379.29 نگاهی دیگر به شاهپور دوم ، اردشیر دوم و شاهپور سوم:پیشنهادی برای باز نویسی بخشی از تاریخ دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ 1375.30 هنر ایران در دوره ی اشکانیان ویژگی اثر : دائر النعارف بزرگ اسلامی31 هنر ایران در دوره ی ساسانیان ویژگی اثر : دائر المعارف بزرگ اسلامی32 ور تاجیکان ویژگی اثر : معارف دوره دوازدهم 1374.

آسایش، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین آسایش در سال 1311 در شهر تبریز بدنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال 1336 در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی از دانشگاه تبریز را گذراند. وی به علت شاگرد اولی از بورسیه دولتی استفاده کرده و عازم فرانسه شد و تا مقطع دکتری رشته جغرافیا، گرایش روستاشناسی در دانشگاه سوربن تحصیل کرد. ایشان پس از مراجعت به ایران در دانشگاه تبریز با مرتبه استادیاری مشغول به فعالیت شد و تا سال 1364 در این دانشگاه بودند که به افتخار بازنشستگی نائل آمد. دکتر آسایش فعالیت علمی خود را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ادامه داد و تاکنون با رتبه علمی دانشیاری انجام وظیفه می‌کند.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای روستاییوالدین و انساب : پدر حسین آسایش، خیاط بود و امور خیاطی استاد محمدحسین شهریار را بر عهده داشت. پدر بزرگش به حرفه علافی مشغول بود که در زمان خود شغلی مهم بوده است. مادر ایشان نیز خانه‌دار بوده است.خاطرات کودکی : حسین آسایش از دوران کودکی خود خاطرات زیادی بیاد دارد که از آن جمله‌اند: تشکیل حکومت ملی دموکرات در آذربایجان به دست جعفر پیشه‌وری، قطع رابطه با حکومت مرکزی به مدت دو سال، چاپ اسکناسهایی به زبان ترکی، مکاتبات اداری به زبان آذری، تدریس در دانشگاهها و مدارس به زبان آذری (کتابهای موجود هم به زبان ترکی چاپ شده بودند)، تاسیس اولین دانشگاه در تبریز، انتصاب آقای بی‌ریا به سمت ریاست فرهنگ و ...اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : حسین آسایش در خانواده ای از نظر شرایط مادی متوسطی بدنیا آمد. او به همراه خانواده (هفت خواهر و برادر) در خانه 250 متری در تبریز در کنار پدری خیاط زندگی می‌کرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین آسایش پس از طی دوره ابتدایی و متوسطه در تبریز، در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشگاه تبریز پذیرفته شد و در سال 1336 از همان دانشگاه فارغ التحصیل گردید. وی به علت شاگرد اولی از طرف دولت در سال 1339 به فرانسه عزیمت کرد و در دانشگاه سوربون پاریس به تحصیل پرداخت و دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی را با درجه عالی از انستیتو جغرافیای دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : حسین آسایش از تحصیل در

مدارس به زبان آذری خاطراتی به یاد دارد. وی از مدیر مدرسه خود چنین نقل می کند: مدیر مدرسه ما فرد خوبی بود که به گفته خودش چندین بار مدرسه اش را به خاطر اینکه سواد آموزی گناه است به آتش کشیده بودند و بعدها معلوم گردید که فرزندان آنها در انگلستان مشغول به تحصیل بودند.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین آسایش در کنار تحصیل به آموزش حرفه خیاطی نزد پدر می پرداخت و همچنین در مقاطع ابتدایی و متوسطه به تدریس مشغول بود.استادان و مربیان : حسین آسایش از دوران تحصیل خود اساتید و مربیانی داشته است که در زندگی علمی وی تاثیر بسزایی داشتند که از آنجمله می توان به چند تن اشاره کرد: آقای میرزا عبدالله ساویز (مدیر مدرسه ابتدایی و متوسطه)، آقای دربندی (معلم کلاس سوم ابتدایی)، آقایان دکتر تاجبخش، دکتر صوفی املشی، دکتر ودیعی (اساتید دوره کارشناسی)، پروفسور ژرژ (استاد معروف دانشگاه سوربن دوره دکتری).هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر فرید، دکتر محمود پور، دکتر سید رحیم مشیری، دکتر عزت الله عزتی، دکتر پرویز کردوانی و ... از همکاران و هم‌دوره‌ای‌های حسین آسایش می‌باشند.همسر و فرزندان : حسین آسایش متاهل است. وی دارای سه فرزند پسر است. فرزند ارشد در آمریکا بسر می برد و یک کمپانی در رابطه با هوا و فضا و ناسا دارد. دیگر فرزندانش شغل پدر را ادامه نداده و وارد بازار کار شدند و هم اکنون از تاجران بنام بازار می‌باشند.وقایع میانسالی : دکتر حسین آسایش پس از بازنشستگی به تهران منتقل شد و دوره دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تاسیس کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین آسایش پس از اخذ مدرک دکترای جغرافیای انسانی با گرایش روستاشناسی از پاریس، به ایران مراجعت کرد و در دانشگاه تبریز با مرتبه علمی استادیاری استخدام شد. وی تا سال 1364 (تا زمان بازنشستگی) در همان دانشگاه بود. ایشان پس از بازنشستگی به تهران منتقل و در دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت علمی خود را مجدد شروع کرد و در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری از سال 1370 به بعد (تاکنون) به تدریس پرداخت. ایشان در کنار تدریس و تحقیق، دارای سمت‌هایی بوده‌اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد: - عضو هیئت علمی و دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد علوم و تحقیقات) - موسس و رئیس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) - موسس و رئیس دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل بودجه و تشکیلات دانشگاه تبریز - مدیر کل اداره کل خدمات دانشگاه تبریز - مشاور وزارت جهاد کشاورزی در سازمان امور اراضی در تهیه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی

ایران - عضو کمیته شورای برنامه ریزی آموزش عالی در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران - عضو انجمن جغرافیایی فرانسهمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : حسین آسایش دوره دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی را در دانشگاه آزاد اسلامی تهران راه اندازی کرده است. وی همچنین موسس مرکز تحقیقات روستایی دانشگاه تبریز (این موسسه دومین موسسه بعد از موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بود) و دفتر طرح و برنامه ریزی دانشگاه تبریز می‌باشد.شاگردان : حسین آسایش درباره شاگردان خود چنین می گوید: شاگردانم که در موقعیت بسیار مهم و کلیدی مشغول به فعالیت هستند، خیلی زیاد است، از جمله چند نفر وکلیل مجلس شورای اسلامی، دو نفر در سازمان ملل در کمیته بحران جمعیت و دهها استاد و روسای دانشگاهها. دکتر قالیباف و سرلشکر مصطفوی هم از دانش آموختگان دکتر آسایش می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : حسین آسایش در زمینه های پیرامون مسائل روستا در ایران و جهان به تحقیق و مطالعه می پردازد.جوائز و نشانها : - اخذ مدال درجه اول فرهنگ به مناسبت شاگرد اولی در مقطع کارشناسی در سال 1337 - دریافت لوح تقدیر سپاس از دست آیت الله هاشمی رفسنجانی به عنوان استاد برگزیده جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران - اخذ لوح تقدیر از دومین همایش ملی توسعه روستایی ایران در سال 1386 - و چندین لوح تقدیر دیگر و از دیگر سران عالی رتبه کشورچگونگی عرضه آثار : - انتشار 17 جلد کتاب دانشگاه مربوط به مسائل و مشکلات و برنامه ریزی روستایی توسط دانشگاههای کشور - مدیریت و اجرای 11 طرح تحقیقاتی روستایی منطقه ای و ناحیه ای در ایران - مدیریت و اجرای 3 طرح بین المللی مربوط به مسائل روستایی ایران - انتشار 20 مقاله در نشریات مختلف داخلی و خارجی مربوط به مسائل روستاییآثار : 1 اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 11 آذر، 1374 2 اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 28 شهریور، 1375 3 اقتصاد روستایی (رشته جغرافیا) ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 18 بهمن، 1374 4 برنامه ریزی روستایی در ایران ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه پیام نور 13755 برنامه ریزی روستایی در ایران، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 6 جغرافیای اقتصادی ایران 2، صنعت، حمل و نقل، انرژی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1383 7 جغرافیایی صنعتی ایران(بخش صنایع سنگین و نیمه سنگین) ویژگی اثر : تالیف،انتشارات دانشگاه تبریز، شماره

13548-173 جمعیت و مسائل روستایی آذربایجان شرقی ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز 13479 راهنمای تحقیق روستاهای ایران ویژگی اثر : تالیف، موسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز 134510 روش شناسی و تکنیک های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش، سیدرحیم مشیری ناشر: قومس - 16 فروردین، 1381 11 روشهای برنامه ریزی ناحیه ای (مدلها و روشها و فنون) ویژگی اثر : تالیف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر ری 138312 کارگاه برنامه ریزی روستایی، رشته جغرافیا ویژگی اثر : پدیدآورنده: حسین آسایش ناشر: دانشگاه پیام نور - 1373 13 مقدمه ای بر اقتصاد روستایی ایران ویژگی اثر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه سال 1385

بختیاری، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کارتوگراف.
تولد: 1306، تهران.
درگذشت: 15 آبان 1362، تهران.
عبدالله بختیاری دوران تحصیلی و شغلی خود را در تهران به پایان رسانید و به اخذ دیپلم نایل گشت. در سال 1327 در اداره‌ی فرهنگ وقت رسما به سمت آموزگاری استخدام گشت و پس از گذشت سی سال خدمات آموزشی در آن اداره به درجه‌ی بازنشستگی نایل آمد.
عبدالله بختیاری در نوروز سال 1352 که سالهای پایانی خدمات آموزشی را سپری می‌کرد اقدام به تأسیس و بنیانگذاری سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی جهان (گیتاشناسی) نمود. محل تأسیس ابتدا در محل مسکونی وی در خیابان ایرانی کنونی بود.
وی ابتدا به تهیه و انتشار اولین نقشه از شهر تهران به متن انگلیسی نمود زیرا تعداد هتل‌ها و جهانگردان آن زمان قابل توجه بود و هر تازه واردی که به تهران وارد می‌شد اقدام به خرید یک نقشه می‌نمود. وی در آنها با علاقه‌ی خاصی اقدام به تهیه وسایل نقشه‌کشی به صورت سنتی و دستی می‌نمود.
دومین اثر بختیاری ترجمه‌ی نقشه‌ی انگلیسی به فارسی بود که با نام مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی جهان منتشر گشت (برای ثبت نام مؤسسه‌ی جهان اقداماتی انجام شد که به علت مغایرت و تکرار آن جهان موفق نگشت) و نام آن به سازمان گیتاشناسی از تاریخ سال 1356 به صورت رسمی تغییر یافت.
عبدالله بختیاری در سال‌های نخست فعالیت خود بیست و یک نقشه را زیر نظر و با کوشش و راهنمایی‌های همیشگی خویش نسبت به فرزندان خود تهیه و منتشر نمود. در سال 1355 اطلس آموزشی کامل گیتاشناسی را آغاز نمود و پس دو سال تلاش مستمر و هزینه گزاف در اردیبهشت ماه 1357 اولین اطلس آموزشی منتشر گشت. جایگاه اطلس فوق تاکنون در محافل علمی و آموزشی کشوراز نظر کیفیت و دقت تهیه حفظ شده است. اطلس فوق سرآغازی برای فعالیتهای بیشتر و تدوین کتاب علمی و نقشه‌ها گشت. در همین زمان بود که کتابی دیگر تحت عنوان گیتاشناسی کشورها به چاپ رسید که نقطع عطفی در تاریخ فعالیت‌های فرهنگی این

مؤسسه به شمار می‌رفت.
از مهمترین اقدامات دیگر عبدالله بختیاری در سال 1359 بود که برای اولین بار همکاری مشترکی با یک شرکت دانمارکی صورت پذیرفت. این اقدام شامل تهیه و ترجمه کرده‌های جغرافیایی به خط فارسی بود که شامل یک سری کره (طبیعی- سیاسی) در اندازه‌های مختلف با انواع پایه‌ها ساخته شد که به سرعت تعدادی محدود از آنها وارد شد و توزیع گشت.
در ابتدای سال 1362 بود قصد داشت که «نقشه‌ی تهران بزرگ» در مقیاس 1 ،10 ،000 در پانزده شیت چاپ نماید که متأسفانه بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت.
سازمان گیتاشناسی هم اکنون به دست فرزندان ایشان هدایت می‌شود.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بخشنده نصرت، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت معلم تهران
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بدری‌فر، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیای ناحیه‌ای، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: پیام‌نور
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران، دکترای جغرافیای ناحیه‌ای از دانشگاه آنکارا.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تحقیق در شاخه جغرافیای ناحیه‌ای که در مورد مطالعات ناحیه‌ای و عناصر بوجود آورنده آن از قبیل شهر و روستا و بالاخره فعالیت‌های اقتصادی و هر نوع فعالیتی که از انسان سر بزند در ارتباط با شرایط محیطی و برقراری رابطه بین آنها و تعیین جایگاه هر عنصر در ناحیه یا یک نظام زیست محیطی است، انجام طرح‌های جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی (مطالعات ژئوپولتیکی)، بررسی مشکلات آموزشی دانشجویان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 7 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مبانی جغرافیای منطقه‌ای مناطق طبیعی، جغرافیای اقتصادی عمومی در بخش‌های کشاورزی، دامپروری، صنعتی و حمل و نقل.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
جغرافیا و آموزش از راه دور، جغرافیا و کاربری زمین، مطالعات روستایی، پراکندگی فعالیت‌های آموزش باز به عنوان یک نوآوری در فرآیند آموزش در فضاهای جغرافیایی ایران، آموزش از راه دور مفاهیم و تعاریف، مطالعه تطبیقی نظام آموزش باز و آموزش سنتی، جایگاه مربیان آموزش در نظام آموزش باز.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

بدیعی، ربیع

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، جغرافیدان.
تولد: 1300.
درگذشت: 27 دی 1371.
ربیع بدیعی پس از دریافت لیسانس تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران به فرانسه رفت و در رشته‌ی جغرافیا درجه دکتری گرفت. پس از بازگشت به تدریس پرداخت. وی مدت‌ها مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه تهران را بر عهده داشت. از تألیفات وی جغرافیای مفصل ایران به چاپ رسیده است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

بغایری، عبدالرزاق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1286 ق)، جغرافیدان و نویسنده. در سبزوار متولد شد، نخست به همراه خانواده‌اش به اصفهان رفت و پس از آن به تهران آمد. تحصیلات اولیه را نزد پدر آموخت و آنگاه وارد دارالفنون شد و پس از شش سال در رشته‌ی مهندسی فارغ‌التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیل، به تدریس ریاضیات و جغرافیا اشتغال ورزید. در سال 1316 ق مدرسه‌ی خود را در تهران تأسیس کرد و ضمنا در مدرسه‌ی علوم سیاسی وزارت خارجه نیز تدریس می‌کرد. در تحدید حدود و نقشه‌برداری از مرزهای کشور مأموریت داشته است. از کارهای او «ترسیم نقشه‌ی ایران»؛ «تعیین انحراف قبله»؛ «تهیه نقشه‌ی پنج قاره‌ی عالم» و «نقشه تهران» می‌باشد. وی در تهران درگذشت. از تألیفات اوست: «اصول علم جغرافیا»؛ «معرفة القبله»؛ «ما مهندس داریم».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (71 -69 /2)، شرح حال رجال (141 -140 /6)، گلزار معانی (140 -136)، مؤلفین کتب چاپی (838 -837 /3).

بلاذری، ابوجعفر، ابوالحسن احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 279 ق)، مورخ، جغرافیدان، ادیب، شاعر و مترجم. اصل و ریشه ایرانی دارد ولی نشو نمایش در بغداد بود. از مترجمان مشهور فارسی به عربی است. از گروه انبوهی از مشایخ عراق و دمشق و انطاکیه روایت کرده و از آخرین مشاهیر مورخان فتوحات اسلامی است. او نزد خلفای عباسی هم‌عصرش چون متوکل و مستعین معتز تقرب داشت. در آخر عمر به جهت خوردن میوه‌ی بلاذر (بلادر مساوی است با آناکردیوم) مبتلا به اختلال حواس شد و در بیمارستان بغداد جان داد. از آثار وی: «انساب الاشراف»؛ «البلدان الصغیر»؛ «البلدان الکبیر»، ناتمام؛ «عهد اردشیر»؛ «فتوح البلدان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (252/1)، دایرة المعارف فارسی (438/1)، ریحانه (276 -275 /1)، سیر النبلاء (163 -162 /13)، الفهرست لابن الندیم (164)، کشف الظنون (1402، 179)، الکنی و الالقاب (93 -92 /2)، لسان المیزان (490 -489 /1)، معجم الادباء (102 -89 /5)، معجم المؤلفین (202 -201 /2)، الوافی بالوفیات (241 -239 /8).

بلخی ابوزید، احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(322 -235 ق)، ادیب، متکلم، فیلسوف شیعه و جغرافیدان. در شامستیان، از روستاهای نزدیک بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر او از سجستان و معلم کودکان بود. در جوانی به بغداد رفت تا در مذهب امامیه تحقیق کند. در آنجا به محضر یعقوب بن اسحاق کندی راه یافت و نزد او به کسب علوم عقلی پرداخت. وی هشت سال در عراق بسر برد، و در این مدت فلسفه، نجوم، طب، طبیعیات و علم کلام و دیگر دانشها را فراگرفت، سپس از راه هرات به بلخ بازگشت. ابوزید علاوه بر تألیفات گران قدر، شاگردانی نیز داشت از جمله: ابن فریغون، ابوالحسن محمد یوسف عامری، ابومحمد حسن وزیری. برخی از محققان، زکریای رازی را نیز در فلسفه از شاگردان او می‌دانند و رازی به سبب تعلیمات وی به فلسفه نو فیثاغوری متوجه گردید. ابوزید را سومین متکلم بزرگ عالم اسلام می‌دانند. و بعضی منابع وی را در عراق جاحظ خراسان لقب دادند. حدود هفتاد تألیف به او نسبت داده‌اند، از جمله: «صور الاقالیم الاسلامیه»؛ «جمل مصالح الانفس»؛ «العلم و التعلیم»؛ «تفسیر ابی زید بلخی»؛ «لغات القرآن»؛ «شرایع الادیان»؛ «رسالة حدود فلسفه»؛ «فضیلة علوم ریاضیات»؛ «الاسماء و الکنی و الالقاب»؛ «عصمت الانبیاء».[1]
احمد بن سهل بلخی، متکلم و فیلسوف خراسان، از شاگردان مشهور کندی (یعقوب بن اسحاق). وی در آغاز قرن چهارم می‌زیست (ف. 322 ه.ق.) گذشته از کتبی که در کلام تألیف کرد، کتابهای معتبری نیز در فسلفه و علوم به رشته تحریر درآورد، مانند: حدود الفلسفة، مایصح من احکام النجوم، کتاب الاخلاق الامم، و کتاب مشهور صورالاقالیم در جغرافیا.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (1/ 131)، اعیان الشیعه (3/ 216- 219)، تاریخ ادبیات در ایران (1/ 117)، تاریخ فلاسفه‌ی ایرانی (68 -65)، تاریخنگاران ایران (1/ 43- 44)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (1044- 1043 8/)، الذریعه (18/ 330، 255- 253 /4)، روضات الجنات (50 -49 /4)، ریحانه (7/ 120)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (229 -228)، کشف الظنون (1440، 1084، 602، 227)، الکنی و الالقاب (1/ 81)، لسان المیزان (1/ 277)، لغت‌نامه (ذیل/ ابوزید)، معجم الادباء (3/ 64- 86)، معجم

المؤلفين (240 /1)، الملل و النحل (365)، الوافى بالوفيات (413 -409 /6)، هديه العارفين (59 /1).

بهرامی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی بهرامی در سال 1284در تهران در یک خانواده نامدار ایرانی متولد شد .وی تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع دکتری ادامه داد. ایشان اولین تحصیل کرده ایرانی در رشته باستان شناسی و هنر در دانشگاه پاریس بود. وی فعالیت های پژوهشی و تخصصی خود را در حین تحصیل با شرکت در کنگره ملی باستان شناسی و هنر ایران آغاز کرد و در بازگشت به ایران با فعالیت های آموزشی در دانشگاه تهران ادامه داد. وی دیدگاه های تازه ای از تاریخ ،باستان شناسی ، تزئینات کتیبه شناسی و بخصوص سفالگری را مطرح ساخت . وی درسال 1330 شمسی در سن 46 سالگی وفات یافت .گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : مهدی بهرامی در سال 1905میلادی (1284 ه ش )در تهران در یک خانواده نامدار ایرانی متولد شد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی بهرامی پس از اتمام تحصیل در دوره دبیرستان ،مدتی در دستگاه قضایی دولت کار می کرد .مدتی بعد در ،بوسیله دولت ایران جهت ادامه تحصیل به اورپا فرستاده شد .در سال 1934بعنوان اولین تحصیلکرده ایرنی در رشته باستان شناسی و هنر در دانشگاه پاریس .موفق به اخذ درجه دکتری شد . زمان و علت فوت : مهدی بهرامی در اکتبر 1951 (1330 شمسی )در سن 46 سالگی در حالی جهان را وداع گفت ،که بسیاری از آرزوهایش ناکام ماند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهدی بهرامی در سال 1934به بخش اسلامی موزه دولتی برلین پیوست و تا سال 1935در آنجا باقی ماند .در سپتامبر همان سال ،از طرف بخش اسلامی موزه برلین در سومین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران که در لنینگراد و مسکو برگزار شد،شرکت کرد .در سال 1936 به تهران بازگشت و در موزه باستان شناسی ،مسوولیت بخش اسلامی این موزه را بعهده گرفت . همزمان با این کار ،به تدریس باستان شناسی و هنر ،بویژه هنر دوره اسلامی ،در دانشگاه تهران ،مشغول شد.در سال 1936 به تهران بازگشت و در موزه باستان شناسی ،مسوولیت بخش اسلامی این موزه را بعهده گرفت . همزمان با این کار ،به تدریس باستان شناسی و هنر ،بویژه هنر دوره اسلامی ،در دانشگاه تهران ،مشغول شد. [باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379 ]فعالیتهای آموزشی : مهدی

بهرامی در سال 1934به بخش اسلامی موزه دولتی برلین پیوست وتا سال 1935در آنجا باقی ماند .در سپتامبر همان سال ،از طرف بخش اسلامی موزه برلین در لنیگراد و مسکو برگزار شد،شرکت کرد. چگونگی عرضه آثار : در سال 1948،به عنوان یکی از اعضای فعالی بود که موفق شدند نا نمایشگاهی از اثار هنر ایران را در موزه سرنوچی cernuchi پاریس برگزار کنند . در پاییز 1949،مهدی بهرامی توانست ،مجموعه ارزشمندی از آثار ایرانی را درموزه متروپولیتن آمریکا به نمایش بگذارد که مدتی بعد موفق شد همین آثار را در نمایشگاه بوستون نیز به نمایش بگذارد .د ر این نمایشگاه نیز همانند نمایشگاه پاریس ،کاتالوگ راهنمای ارزشمندی از آثار ایران ارائه شد و تاثیر مثبتی در زمینه شناخت هر چه بهتر هنر ایران به دیگر ممالک داشت .در آگوست 1951،دکتر بهرامی در کنگره خاور شناسان در استانبول شرکت کردو توانست مباحث جدیدی از سفالگری ایرانی راطرح کند. بیشتر آثار او در مورد کاشیهای لعابدلر دامغان و کتیبه های منظوم بدست آمده از آنجا و سایر کاشی ها ،بدنبال یک کار مطالعاتی دقیق و علمی که او بر روی سفالینه های لعابدار گرگان انجام داد ،شکل گرفت .کار ارزشمند و دقیقی که او بر روی سفال های گرگان انجام داد ،پژوهشگران را بار دیدگاههای تازه ای از تاریخ ،باستان شناسی ،تریینات و کتیبه شناسی آشنا کرد.بطور کلی ،اکثر کطالعات وکتر بهرامی در زمینه باستان شناسی و هنر ایران بخصوص سفالگری می باشد. آثار : nbsp1 A gole medal in the in the freer gallery of art  2 A master potter of kashan contribution a letude de la ceramique musulmane de L Iran  4 courrier d art de tehran a . Encensior se bronze de l epoque parthe  5 epoque musulmane  6 further dated examples of persion wares  7 Gurgan faiences iranian art  9 la reconstruction des carreax de damghan d apres leurs inscriptions  10 leprobleme des atelieras d etoiles des lustree  11 Lexposition d art iranien aaa paris(epoque archaique)  12 Liran a paris  13 portrait painting during the last centuries  14 Recherhes sur les carreaux de revetement lustre dans la ceramique persane du XIIIau Xisiecle  15 some examples of il -khanid art bull  16 some obgects recently discovered in iran  17 the arts of iran pottery vessels (in iran) g  18 the collection of chinese procelain from thr ardabil shrine  19 works of iranian art from american collectiones  20 آثار پیش از تاریخ در کوهستان قم ویژگی اثر : آموزش و پرورش سال 131921 آثار تاریخی تفرش ویژگی

اثر : آموزش وپرورش سال 131922 تصویر لطفعلی خان زند ویژگی اثر : یادگار سال 132323 خوابگاه الجالیتوسلطان در سلطانیه ویژگی اثر : آینده سال 130524 روابط صنعتی ایران با اروپادر ایران باستان ویژگی اثر : آموزش و پرورش 132325 شبیه سازی ویژگی اثر : ایران سال 132026 شبیه سازی ویژگی اثر : ایران سال 132027 صنایع ایران و ظروف سفالین ویژگی اثر : تهران 132728 ظروف سیمین ساسانی در موزه ملی تهران ویژگی اثر : یادگار سال 132329 ظروف لعابی گرگان ویژگی اثر : کلک سال 137030 علیرضا عباسی و رضا عباسی ویژگی اثر : یادگار سال 132531 قالی بافی ایران در دوران باستان ویژگی اثر : ایران سال 131932 قالی های بافت تبریز در سده دهم هجری ویژگی اثر : ایران سال 132033 کاسه سفالین زرین فام ویژگی اثر : یادگار سال 132334 گنبد سلطان محمد خدابنده یا ابواب البر ویژگی اثر : آینده 130635 گنجینه زرین هخامنشی در پاریس ویژگی اثر : اطلاعات ماهانه36 گنجینه مازندران ویژگی اثر : آموزش و پرورش سال 132837 مهمترین جامع التواریخ ویژگی اثر : یادگار سال 132438 همیاری در جهت مطالعه سرامیک ایران در دوران اسلامی ویژگی اثر : آثار ایران سال136539 هنرهای زیبای ایران در دوره اسلام ویژگی اثر : ایران سال 1319

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان 1379

بیرام شیرازی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1266 ش)، مورخ، نویسنده و باستانشناس. وی در شیراز به دنیا آمد. پدرانش همگی اهل دانش بودند. پس از تحصیل مقدمات در خدمت شیخ علی ناجی، سید علی یزدی، سید محمد مدرس یزدی و حاج سید ابوطالب مجتهد شیرازی علوم متداول عربی و فارسی را آموخت. وی بسیاری از علوم عصر خود را به وسیله‌ی مطالعه کتابهای تاریخ- جغرافی و باستانشناسی فراگرفت و به تحقیق در زمینه‌ی تاریخ ایران پرداخت. شغل او همواره زراعت بود و کشاورزی را بر تمامی مشاغل حتی استادی دانشگاه ترجیح می‌داد. از آثار وی: «تاریخ مفصل و جامع ایران از بدو پیدایش تا انقراض سلسله‌ی قاجاریه» از این کتاب حدود یکصد صفحه در دست است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (516 -515 /1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (143/2).

بیگ‌زاده شکوئی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تربیت مدرس
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای جغرافیای شهری.
مرتبه علمی:
استاد نمونه دانشگاهها در سال 1372، برنده جایزه بهترین کتاب سال 1365 و برنده مدال درجه یک علمی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح آلونک‌نشینی و پایگاه علمی جغرافیا در ایران (با همکاران)، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 14 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و 5 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 9
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای شهری و فلسفه جغرافیا.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 36، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
مسائل جغرافیائی، مسائل شهری، فلسفه جغرافیا.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

پوراحمد، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر احمد پور احمد در سال 1337 در کرمان متولد شد.ایشان دارای دکتری رشته جغرافیایی انسانی با تخصص برنامه‌ریزی شهری از دانشگاه تربیت مدرس(در سال 1373 ) می باشد. وی پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی درآمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت. کتاب "قلمرو فلسفه جغرافیا "تالیف ،ایشان ، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : برنامه‌ریزی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : احمد پوراحمدپس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1367، در دوره دکترای همان دانشگاه پذیرفته و سرانجام در سال 1373 دکترای جغرافیای انسانی با تخصص در برنامه‌ریزی شهری را با درجه عالی دریافت کرد. وقایع میانسالی : احمد پوراحمد پس از انقلاب اسلامی به عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به عضویت کمیته برنامه‌ریزی رشته جغرافیا شورای عالی (ستاد) انقلاب فرهنگی درآمد و همزمان به عنوان مسوول همه پژوهشی جغرافیا در دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، به فعالیت پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد پوراحمد تاکنون سمت‌هایی از جمله معاونت آموزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (76-1374)، مدیر کل امور پژوهش دانشگاه (1385-1376)، عضویت در هیات ممیزه مرکزی جهاد دانشگاهی، عضویت در شورای مرکزی انجمن جغرافیایی ایران و در حال حاضر ریاست دانشکده جغرافیا و مشاور معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه را برعهده دارد و در سال 1385 به عنوان مدیر نمونه دانشگاه تهران مورد تشویق قرار گرفته است. فعالیتهای آموزشی : دکتر احمد پوراحمد رسما از سال 1373 فعالیت خود را در گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرده و بیش از 10 درس مختلف در رشته‌های مربوط به جغرافیا را در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می کند.جوائز و نشانها : دو عنوان از کتاب‌های احمد پور احمد موفق به کسب جایزه از جشنواره فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال 1379 و کتاب سال دانشجویی

کشور در سال 1381 شده‌اند. همچنین کتاب "قلمرو فلسفه جغرافیا "تالیف ،ایشان ، در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. دکتر احمد پوراحمد در سال 1383 به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران برگزیده شد و همچنین در سال 1385 به عنوان پژوهشگر برگزیده دانشگاه، نشان پژوهش دانشگاه تهران را کسب کرد. دو عنوان از طرح‌های ایشان به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال 1373 رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال 1380 برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که 3 عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و 2 مورد دیگر به عنوان پایان نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور انتخاب و تشویق شده‌اند.چگونگی عرضه آثار : دکتر احمد پوراحمد تاکنون راهنمایی تعداد زیادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری را برعهده داشته که 3 عنوان از آن‌ها به عنوان پژوهش‌های برگزیده کشور در زمینه جغرافیای فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و 2 مورد دیگر به عنوان پایان نامه‌های برگزیده دانشجویی کشور انتخاب و تشویق شده‌اند. وی همچنین، بیش از 15 طرح پژوهشی را اجرا کرده که دو عنوان از طرح‌های مذکور به عنوان طرح برگزیده هفتمین جشنواره بین‌المللی خوارزمی در سال 1373 رتبه سوم تحقیق را به خود اختصاص داده و دیگری به عنوان طرح نمونه دانشگاه تهران در سال 1380 برگزیده شده است. دکتر احمد پوراحمد تاکنون بیش از 60 مقاله علمی پژوهشی در مجله‌های معتبر دارای ایندکس داخلی و خارجی به چاپ رسانیده یا در کنفرانس‌های علمی داخل و خارج از کشور ارایه کرده است. *** آثار : 1 برنامه‌ریزی، بهسازی و نوسازی شهری ویژگی اثر : تالیف2 تحولات کارکردی بازار کرمان ویژگی اثر : تالیف3 توسعه کالبدی فضایی شهر سنندج با استفاده از GIS ویژگی اثر : تالیف4 جغرافیا و بهسازی و بازسازی شهری ویژگی اثر : تالیف5 جغرافیا و ساخت شهر کرمان ویژگی اثر : تالیف6 جغرافیای عملیات ماندگار جنگ ایران و عراق ویژگی اثر : تالیف7 جهانی شدن و شهر ویژگی اثر : ترجمه8 روش تحقیق کیفی در جغرافیای انسانی و قلمرو و فلسفه جغرافیا ویژگی اثر : تالیف9 روش‌های کیفی تحقیق در علوم اجتماعی ویژگی اثر : ترجمه10 شهرها و فرهنگ‌ها ویژگی اثر : ترجمه11 فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها ویژگی اثر : تالیف12 قلمرو فلسفه جغرافیا ویژگی اثر : تالیف احمد پوراحمد.- تهران: موسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران. 1385 . 376 ص . نقشه . جدول. عکس. .این کتاب در دوره بیست و پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است13 مبانی جغرافیایی زلزله و آتشفشان ویژگی اثر : ترجمه

ترابی طباطبایی، جمال الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیدجمال الدین ترابی طباطبایی ـ سکه شناس برجسته معاصر در ششم جمادی الاول ۱۳۴۴ هجری قمری مطابق با پنجم اردیبهشت ۱۳۰۴ خورشیدی در محله مهاد مهین تبریز متولد شد. شهرت جهانی استاد ترابی در مورد علم سکه شناسی را نامه هایی که از دانشمندان و موزه های معتبر جهان نظیر دکتر جرج مایلز ریاست موزه نیویورک، والتر هینتس، برت فراگنر، اینگرکریر، هاری فلدمن و گوتفرید هرمان از سکه شناسان معروف جهان به وی نوشته و درخواست کمک برای خواندن و مشخص نمودن زمان برخی سکه های ایرانی و اسلامی را نموده و یا از وی کتاب و تحقیقاتش را خواسته اند، تأیید می کند. کتاب سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران چاپ ۱۳۵۵ وی به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است.
گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : سکه شناسی والدین و انساب : سیدجمال الدین ترابی طباطبایی اولاد میرزا محمدرضی الحسنی الحسینی است که ریشه و اصل کمالات استاد، برگرفته از خاندان پاک نبوی است که نسبت طاهرشان با سی و سه پشت به کریم اهل بیت ـ حضرت امام حسن مجتبی (ع) ـ می رسد و بدیهی است که نشوونما در محیطی پاک و در دامان سلاله پیامبر، دوران کودکی و نوجوانی و جوانی ایشان را مشحون از سیادت و متانت و معنویت ساخته است و با همین پرورش مفید و روحیه ای شاداب بود که در شوق تحصیل و تدریس، روی به مدرسه و دانشگاه نهاد تا هرچه بیشتر بر اطلاعات خود بیفزاید و خود را برای فعالیت های سترگ در جهت خدمت به ایران و جهان آماده نماید.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی را در دبستان تمدن و متوسطه را در دبیرستان های رشدیه و فردوس تبریز به پایان برد و سپس در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی در دانشسرای عالی تهران مشغول به تحصیل شد و همزمان با رتبه یک دبیری به استخدام وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش) درآمد.استادان و مربیان : ترابی طباطبایی در شاخه های مختلف درخت پربار علم از محضر اساتیدی خوشه چینی کرده که هر کدام مانند ستاره درخشانی در آسمان علم و فرهنگ می درخشند که از جمله این اساتید عباس اقبال آشتیانی، نصرالله فلسفی، علی اکبر بینا، وحیدالملک شیبانی، مجیر شیبانی، احمد مستوفی، محمد

معین، پرویز ناتل خانلری، مسعود خان کیهان و محمدباقر هوشیار را می توان نام برد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ترابی طباطبایی در سال ۱۳۳۷ مأمور تشکیل و تدوین موزه آذربایجان شد و تا سال ۱۳۴۰ به عنوان رئیس موزه مشغول به خدمت بود. از آن سال در دانشسرای مقدماتی پسران و دختران و دبیرستان دهخدا و ایراندخت تبریز به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۶ به وزارت فرهنگ و هنر منتقل و تصدی موزه آذربایجان را به عهده گرفت. تا سال ۱۳۵۲ رئیس موزه بود و از آن سال تا ۱۳۵۷ ریاست اداره باستان شناسی و فرهنگ عامه آذربایجان شرقی را بر عهده داشت و در این سال با شغل سازمانی کارشناس آثار باستانی و فرهنگ عامه بازنشسته شد. فعالیتهای آموزشی : ترابی طباطبایی بعد از اتمام تحصیل در ساوه و دامغان مشغول تدریس گردید. سپس به تبریز منتقل و به تدریس علوم اجتماعی و تعلیم رسم فنی، زبان فرانسه و کارهای دستی پرداخت. از سال 1340 در دانشسرای مقدماتی پسران و دختران و دبیرستان دهخدا و ایراندخت تبریز به تدریس پرداخت. استاد ترابی که در گروه تاریخ دانشگاه تبریز چند سالی سکه شناسی تدریس کرده، در مورد انتقال تجربه های ارزشمند خود در باب سکه شناسی، خط شناسی و کتیبه خوانی می گوید: «عقیده بر این دارم که اندوخته علمی و معنوی را نبایستی به گور برد.» وی همواره می نویسد و همیشه به دنبال مطلب و مأخذ و هدفی است و تا به نتیجه نرسیده، دست از تحقیق و پژوهش بر نمی دارد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دوره بازنشستگی استاد ترابی طباطبایی به منزله شروع کار بیشتر برای وی تلقی شده و بعد از بازنشستگی اقدام به جمع آوری و تدوین آثار علمی و تحقیقاتی خود و چاپ آنها به صورت کتب و مقالات متعدد نموده است.جوائز و نشانها : کتاب سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران چاپ ۱۳۵۵ وی به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است. آثار : آثار باستانی آذربایجان ویژگی اثر : چاپ 2 رسم الخط ایغوری و سیری در سکه شناسی ویژگی اثر : چاپ 13513 سکه های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران ویژگی اثر : چاپ ، این کتاب به عنوان کتاب سال معرفی شده و جایزه بهترین کتاب سال را به خود اختصاص داده است.4 سکه های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی ویژگی اثر : چاپ 5 سکه های شاهان اسلامی ایران ویژگی اثر : چاپ 13506 سکه های ماشینی ایران و مقدمه ای بر سکه شناسی ویژگی اثر : چاپ 7 سکه های ماشینی و سیری بر سکه شناسی ویژگی اثر : چاپ دوم با تکمله 8 کلیبر (سرزمین دژهای تسخیرناپذیر) مسجد صفوی خسروشهر ویژگی اثر : چاپ 10 مسجد کبود تبریز ویژگی اثر : چاپ دوم

با تکمله11 نسب نامه شاخه ای از طباطبایی های تبریز ویژگی اثر :
چاپ12 نقشها و نگاشته های مسجد کبود تبریز ویژگی اثر : چاپ 1349

جداری عیوضی، جمشید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال 1345 و دکترای جغرافیای طبیعی (ژئومرفولوژی) از دانشگاه استانبول ترکیه در سال 1351.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ژئومرفولوژی، بررسی ژئومرفولوژی کمی حوضه رود سمنان، تدریس دروس ژئومرفولوژی ایران، جغرافیای آبها، نقشه‌خوانی، تهیه و تفسیر نقشه‌های مرفولوژی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای آبها.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 4، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
کویرکبودان، شمال غرب ایران یک واحد بزرگ فرمولوژیکی، فرآیندهای بیرونی تشکیل‌دهنده ناهمواری در کف دریای خزر.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

جعفرپور، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مدرس، جغرافیادان.
تولد: 1317.
درگذشت: 8 آبان 1368، تهران.
ابراهیم جعفرپور، فرزند قهرمان، فارغ‌التحصیل دانشگاه تبریز در رشته‌ی جغرافیا بود. وی از دانشگاه استانبول (1971) در همین رشته فارغ‌التحصیل شد و سپس به عنوان استاد میهمان از دانشگاه تهران به دانشگاه دورهام در انگلستان رفت.
ابراهیم جعفرپور دارای تخصص جغرافیای طبیعی (اقلیم‌شناسی) بود. از سال 1352 در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و دروس مختلفی از جمله هواشناسی، اقلیم‌شناسی، اقالیم ایران، کاربرد اقلیم‌شناسی در برنامه‌ی ناحیه‌ای، روش‌های اقلیم‌شناسی، جغرافیای کشورهای همجوار، جغرافیای زیستی، شناخت و فلسفه جغرافیا را درس می‌داد.
دکتر جعفرپور در همایش‌های داخلی و بین‌المللی جغرافیا نیز شرکت داشته است: یازدهمین جلسه گروه کارشناسان سازمان ملل متحد برای نام‌های جغرافای (مهر 1363، ژنو)؛ سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران (16 الی 10 اردیبهشت ماه 1364، تهران). پنجمین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران.
وی همچنین در سال 1360 به عنوان عضو هیئت رئیسه‌ی انجمن جغرافیدان ایران تعیین شد.
از جمله تألیفات ابراهیم جعفرپور می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: جغرافیای قدرت‌های بزرگ اقتصادی (آلمان فدرال و فرانسه) و پژوهش‌های اقلیمی در غرب ایران. وی همچنین مقاله‌هایی به زبان فارسی وانگلیسی در «مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی»، «مجله‌ی جغرافیا»، «نشریه‌ی مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران» و «نشریه‌ی انجمن جغرافیدانان ایران» به رشته‌ی تحریر درآورد.
ابراهیم جعفرپور به سبب سکته‌ی قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

جمالی، فیروز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر فیروز جمالی درسال 1323 در شهرستان مراغه بدنیا آمد.وی در سال 1364مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام – انگلستان با موفقیت اخذ کرد. دکتر جمالی از سال 1351 به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری ،دانشگاه تبریز می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : فیروز جمالی تحصیلات ابتدایی را در دبستان بدر به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1344 از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریزو کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را در سال 1351از دانشگاه تهران دریافت نموده اند و در سال 1364مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام – انگلستان با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : جغرافیای فقر آمریکا ب - دکتری: مهاجرتهای بین استانی ایران با تاکید بر استان آذربایجان شقی وقایع میانسالی : فیروز جمالی در سال 1364مدرک دکتری در رشته جغرافیا را از دانشگاه دورهام – انگلستان با موفقیت اخذ کرد. وی از سال 1351 به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی مشغول خدمت هستند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی فیروز جمالی به قرار زیر است: قبلی : مدیریت گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، سرپرست مرکز پژوهشهای جغرافیای دانشگاه تبریز فعلی :عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریزفعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی فیروز جمالی به قرار زیر است: تدریس: 1-دوره کارشناسی: جغرافیای جمعیت - فلسفه جغرافیا - اکولوژی شهری ، جغرافیای جمعیت و مهاجرتهای داخلی ایران ، 2- تحصیلات تکمیلی: مکتبهای جغرافیایی، تحلیل های جمعیتی در برنامه ریزی شهری ،فلسفه های سیاسی، جغرافیا ومحیط و شهرنشینی درجهان سوم چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر جمالی به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشرشده : 16 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 18 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 2 مورد

تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 10 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 5 مورد آثار :  1 مقدمه ای بر جغرافیای جمعیت ویژگی اثر : پدیدآورنده: ویلبر زلینسکی، فیروز جمالی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 20 خرداد، 1386

جهانبخش، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکترسعید جهانبخش درسال 1332 در تبریز، بدنیا آمد.ایشان دارای مدرک دکتری رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن ( در سال 1366) می باشد.وی پس از اخذ دکتری رشته فوق از سال 1367 به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شدند.نامبرده هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به همکاری خود با دانشگاه مذکور ادامه می دهد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : هیدروکلیماتولوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید جهانبخش تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1353 از دبیرستان منصور اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیا را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای محیطی را در سال 1362از دانشگاه هیروشیما – ژاپن دریافت نموده اند و در سال 1366 مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : برآورد تبخیر و تعرق از گیاهان بر مبنای بیلان آب و بیلان حرارت ب - دکتری : مطالعات بنیادی تبخیر و تعرق از شالیزارها وقایع میانسالی : دکتر جهانبخش در سال 1366 مدرک دکتری در رشته هیدروکلیماتولوژی را از دانشگاه کیوتو- ژاپن با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1367 به عنوان عضو هیات علمی در گروه جغرافیای طبیعی دانشکده علوم انسانی واجتماعی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر سعید جهانبخش می توان به موارد زیر اشارت کرد: قبلی : ریاست دانشکده- معاونت دانشکده - مدیریت گروه - معاونت گروه فعلی:عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی سعید جهانبخش به ترتیب زیر است: الف: تدریس 1- دوره کارشناسی : هوا و اقلیم شناسی - آگروکلیماتولوژی 2- تحصیلات تکمیلی: میکرو کلیماتولوژی -ژئوهیدرولوژی - هیدرومتئورولوژی کمی - زبان خارجه تخصصی ب - برگزاری کارگاه ها : کارگاه آموزشی آب و هواشناسی کاربردی - بهمن 80 دانشگاه تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر جهانبش به ترتیب زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : 24 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 5 مورد

تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 20 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 4 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 4 مورد

جیهانی، ابوعبداللَّه احمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 385 ق). ادیب و جغرافیدان. اهل جیهان از توابع ماوراءالنهر بود و به مدت دو سال وزیر منصور بن نوح سامانی. ابوعبداللّٰه کتابی در جغرافیا، نام: «المسالک والممالک»، به عرب تألیف کرده که مقدسی وصف مفصلی از آن کرده است. از دیگر آثار وی: «آیین»؛ «مقامات کتب العهود والخلفاء والامراء»؛ «کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات» و «رسائل». [1]
ابوعبداللَّه احمد بن محمد بن نصر، از رجال ادب وسیاست اواخر قرن چهارم ه. وی از سال 365 ه.ق. به وزرات منصور بن نوح سامانی انتخاب شد و در 367 از وزارت معزول گردید و عتبی (ه.م.) به جای او منصوب شد. جیهانی کتابی در جغرافیا تألیف کرد به نام کتاب «المسالک والممالک» (ه.م.) و «کتاب رسائل» نیز از اوست.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات ایران (351/1)، ریحانه (448/1)، سرآمدان فرهنگ (120/1)، الفهرست ابن‌ندیم ترجمه (228)، کشف الظنون (1664)، لغت‌نامه (ذیل/ احمد)، المسالک والممالک (304)، معجم المولفین (165/2).

چوبک، حمیده

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
حمیده چوبک در سال 1331 در بوشهر متولد شد .دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی را در سال 1362 در دانشگاه تهران با رساله «افکار شناسی سفالینه های اسلامی »به اتمام رسانید . سپس برای گذراندن دوره دکتری در رشته باستان شناسی گرایش اسلامی وارد دانشگاه تربیت مدرس شد. وی علاوه برتالیفات متعدد،پروژه های بسیار مهمی درزمینه باستانشناسی با انجام رسانده است .گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : دوران اسلامی والدین و انساب : حمیده چوبک در سال 1331 در شهر بوشهر به دنیا آمد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : حمیده چوبک پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه ،در رشته باستان شناسی مشغول تحصیل شد .دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان شناسی را در دانشگاه تهران با دفاع از رساله « افکار شناسی سفالیته‌های اسلامی » به اتمام رساند . سپس دکتری خود رادر رشته باستان شناسی گرایش اسلامی از دانشگاه تربیت مدرس اخذکرد . استادان و مربیان : استاد راهنمای حمیده چوبک در تدوین رساله فوق لیسانس خانم دکتر سیمین دانشور بود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اداری و اجرایی حمیده چوبک از سال 1354-1377 به شرح زیر می باشد: -کارشناس باستان شناسی مرکز باستان شناسی 56-1354. -موزه دار موزه آبگینه و سفالینه های ایران 62-1356 . -موزه دار مجموعه کاخ موزه های ایران 72-1362 . -کار شناس باستان شناسی مرکز میراث فرهنگی استان تهران ،76-1372 . -عضو علمی پژوهشکده باستان شناسی ،گروه اسلامی ،1377. فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی حمیده چوبک به شرح زیر می باشد: راهنمایی و مشاوره پایان نامه های مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد. تدریس درس (سفالگری و طراحی )مقطع کارشناسی ارشد باستان شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی میدانی حمیده چوبک ازسال 1367-1379 به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای ری باستان،عضو هیات ،74-1367 . شرکت در کاوشهای تپه حصار ،عضو هیات ،1374. شرکت در کاوشهای قلعه پرتقالیهای جزیره هرمز ،معاون هیات ، 1372. شرکت در کاوشهای ربع رشیدی تبریز ،معاون هیات ،1373. شرکت در کاوشهای دره شهر ایلام ،عضو هیات ،1373. شرکت

درکاوشهای تپه واوان (شهرک واوان )،معاون هیات ،1374. شرکت درکاوشهای چاهان ،جازموریان کرمان ،سرپرست کاوش ،1377. شرکت در کاوشهای جازموریان کرمان،سرپرست کاوش ،1377. شرکت در کاوشهای تپه میل ورامین ،معاون هیات .1378 . شرکت در کاوشهای شهر قدیم کیش .معاون هیات .1377-78. مدیر پروژه آثار فرهنگی - تاریخی الموت ،1379. مسوول هیا ت ایرانی در پروژه مشترک با کشور ایتالیا در مسجد جامع اصفهان ،1379. آثار : choubak H. Vne etonnante 1 cermique Dans vne necro pole parthe dans;aregion de kerman dossoers Archeologie 19992 - : ویژگی اثر تالیف سفالینه اسلامی کاشان ترجمه سفالینه اشکانی ویژگی اثر : اثر ای. هرینک . سازمان میراث فرهنگی .13764 گزینه سفالینه اسلامی پوئینک ویژگی اثر : گزارش های باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی، شماره اول-13765 مروری بر ویژگیهای معماری و شهر سازی شوش درسده های نخستین اسلامی ویژگی اثر : تالیف و ترجمه کاوش‌های فرانسویان در شوش، تاریخ معماری و شهر سازی ایران، سازمان میراث فرهنگی ، جلد5، 1377
منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبداللّٰه

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 834/833 ق)، مورخ و جغرافیدان. اصلش از بهدادین خواف بود، و علت اینکه بعضی او را هروی خوانده‌اند شاید بدین خاطر است که مدت زیادی را در هرات زیست. تربیت و تحصیل وی در همدان صورت گرفت. وی از همان دوران جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان پیوست و مورد التفات امیر قرار گرفت. بعد از تیمور ملازم شاهرخ میرزا و بایسنقر میرزا شد و به نام آنان به تألیف و تصنیف پرداخت. او از مورخان موثق دور تیمور بود و در ضبط دقق وقایع و صحت گفتار معروف. شهاب‌الدین در شهر زنجان وفات یافت و نزدیکان مزار اخی فرج زنجانی دفن شد. آثار او عبارت‌اند از: «ذیل جامع التواریخ رشیدی»؛ «ذیل تاریخ طبری»؛ «تاریخ آل‌کرت»؛ «تاریخ طغاتیمور»؛ «تاریخ سربداران»؛ «تاریخ امیرارغون شاه»؛ «تاریخ شاهرخ»؛ که تمامی کتابهای تاریخی مذکور و چند کتاب دیگر مجموعه‌ای تاریخی را تشکیل می‌دهند به نام «مجموعه حافظ ابرو» و شامل تاریخ جهان از آغاز آفرینش تا سال 830 ق است، به نام «مجمع التواریخ سلطانی»و «زبدة التواریخ».[1]
شهاب‌الدین عبداللّٰه بن عبدالرشید مورخ نامی دوره تیموری (ف. 834 ه.ق.). وی در دربار امیر تیمور بود و در سفرها نیز در رکاب او حرکت میکرد و پس از تیمور نزد شاهرخ پایه ارجمند یافت و مقرب شاه گردید و همواره در سفر و حضر ملازم بود. حافظ ابرو به رموز و آیین تاریخ نویسی آگاه بود و مخصوصا از احوال و امور روزانه سیاست زمان خود اطلاع کافی داشته و در نوشته‌های خود تا حد امکان آنچه را که می‌دیده یا از اشخاص موثق می‌شنیده معتبر دانسته و کمتر به افسانه و حکایت پرداخته است و در منقولات خود غالبا جانب حقیقت و راستی را گرفته. وی زبانهای عربی و ترکی را می‌دانسته و در سرودن شعر نیز به دست داشته. آثار مهم او عبارتند از: کتاب جغرافا (817)، ذیل ظفرنامه شامی، تاریخ شاهرخ، ذیل جامع التواریخ رشیدی.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (489 -486 /4)، تاریخ در ایران (94 -93)، تاریخ نظم و نثر (238 -237)، حبیب السیر (8/4)، دایرةالمعارف فارسی (827/1) الذریعه (23/12، 49/10، 115/5)، ریحانه (10 -9 /2)، سرآمدان فرهنگ (296 -295 /1)، طبقات اعلام

الشیعه (قرن 28/9)، کشف الظنون (951)، الکنی والالقاب (166/2)، گلستان هنر (30)، لغت‌نامه (ذیل/ حافظ ابرو)، هدیة الاحباب (122 -121).

حافظ نیا، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدرضا حافظ نیا در سال 1334 ه. ش در روستای خُراشاد بیرجند و در خانواده ای کشاورز متولد شد. او تحصیلات ابتدائی و تحصیلات متوسطه خود را در شهر بیرجند به اتمام رسانید و در رشته جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی ( که دو سال بعد به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام یافت) پذیرفته شد. او دوره لیسانس (کارشناسی) را در رشته جغرافیای طبیعی(علمی) و در جریان انقلاب اسلامی به زندان افتاد. با پیروزی انقلاب اسلامی از زندان رهایی یافت و بمدت 4 سال مسئولیتهای سیاسی به عهده داشت و سپس در سال1363 ه.ش از سیاست کناره گیری کرد و به فعالیتهای آموزشی و علمی رو آورد. او در سال 1364ه.ش در کنکور فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شد و تحصیلات خود را در رشته جغرافیای انسانی ادامه داد و در سال 1366 ه. ش از این مقطع فارغ التحصیل شد و بلافاصله در اولین کنکور دکتری جغرافیای انسانی (گرایش سیاسی) همین دانشگاه شرکت نمود و به عنوان اولین و تنها دانشجوی دکتری پذیرفته شد. سپس او بهمراه دانشجویان پذیرفته شده در دومین کنکور دکتری که در ترم بعد برگزار شد تحصیلات خود را ادامه داد و آنرا در بهمن ماه 1369 با درجه ممتاز به پایان رسانید. دکتر حافظ نیا در سال 1367 ه.ش به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس به کار مشغول شد و در سال 1370 به رتبه استادیاری و در سال 1378 به رتبه دانشیاری و در سال1382 به رتبه استادی ارتقاء یافت. او پس از سالها تدریس و تحقیق هم اکنون (1385ه.ش) به عنوان استاد تمام پایه 25 در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای سیاسیوالدین و انساب : - پدر محمدرضا حافظ نیا مرحوم رجب حافظ نیا، متولد سال 1304 ه. ش در روستای خراشاد از توابع بیرجند می باشد. او در شهریور ماه 1340 ه.ش در اثر بیماری یرقان و در سن 36 سالگی فوت نمود. شغل اصلی او کشاورزی و دارای استعداد و ذوق شاعری بود. تعدادی از اشعار او هم اکنون در دسترس قرار دارد. - مادر او خانم خدیجه خراشادی زاده، متولد سال 1307 ه.ش در روستای خراشاد می باشد.خاطرات کودکی : محمدرضا حافظ نیا از حیات پدرش چیزی را به خاطر نمی آورد. تنها صحنه ای که به یاد دارد احتمالاٌ مربوط به آخرین

سال حیاتش است و آن اینکه در حیاط خانه اش در روستا او را مشغول انجام کارهای روزمره دیده بود. - خاطره دیگر اینکه در شهریور ماه 1340 در منزل خود شاهد ازدحام جمعیت بود و نمی دانست موضوع چیست و با بچه های هم سن و سال خود مشغول بازی بود. در حالیکه ازدحام مزبور مربوط به مراسم فوت پدرش بوده است! تحصیلات رسمی و حرفه ای : 1- اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان شوکتی بیرجند در سال 1352 ه. ش 2- اخذ لیسانس در جغرافیای طبیعی(علمی) از دانشگاه تربیت معلم در سال 1356 ه.ش 3- اخذ فوق لیسانس ( کارشناسی ارشد) در جغرافیای انسانی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1366 ه. ش 4- اخذ دکتری (PhD ) در جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1369 ه.ش 5- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " مدیریت عمومی" در سال 1365 ه. ش 6- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " کامپیوتر" در سال 1366 ه. ش 7- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " مدیریت آموزشی" در سال 1367 ه. ش 8- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت "روش تحقیق" تحت نظر کالج کلمبو در سال 1367 ه. ش 9- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " تقویت مهارتهای آموزشی" در سال 1381 ه. ش 10- گذراندن دوره آموزشی کوتاه مدت " تقویت مهارتهای پژوهشی " در سال 1381 ه. ش 11- طی دوره فرصت مطالعاتی در کشورهای فرانسه و آلمان در سال 85-1384 ه.ش. خاطرات و وقایع تحصیل : در دوره ابتدائی، محمدرضا حافظ نیا از کتابهای پدرش دو کتاب را به یاد دارد. یکی کتاب "نسیم شمال" بود که گاهی اوقات او اشعار نسیم شمال را با حرارت قرائت می کردو برخی از بزرگتر ها به او می گفتند این کتاب ممنوع است و اگر بفهمند تو را مجازات می کنند. او در عالم کودکی این مطلب را متوجه نمی شد! کتاب دیگر "بهارستان" مرحوم آیتی بود که آقای غنی معلم کلاس سوم آنرا از او گرفت و علی رغم پیگیریهای فراوان هیچگاه آنرا پس نداد. او بخاطر این کتاب توسط مادرش تنبیه شد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدرضا حافظ نیا در کنار تحصیل برای کمک به خانواده کار کشاورزی و نساجی و خوابار فروشی را دردوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه داشت و در دوره لیسانس در رستوران و سپس کار دانشجویی در سلف سرویس و تکثیر دانشگاه در تهران همچنین دردوره دکترای استفاده از مأموریت تحصیلی بویژه در تهران از جمله فعالیتهای وی می باشد.استادان و مربیان : - در دوره ابتدائی، آقایان: رضوانی، شوکت آبادی، غنی و نیکخواه - در دوره متوسطه، آقایان: وریدی، صباغ، آرین، حسنپور، حنفیها، احمدی و جاجوئی - در دوره لیسانس، آقایان: دکتر امین سبحانی، دکتر جعفرپور، دکتر کلاهی، دکتر دیانتنژاد و خانمها: دکتر یحیوی و دکتر فشارکی - در دوره فوق لیسانس و دکتری، آقایان:

دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی، دکتر سعید سمنانیان، دکتر احمد احمدی، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر مسعود مهدوی، دکتر مهدی طالب، دکتر بهلول علیجانی، دکتر مصطفی مومنی، دکتر شاپور گودرزی نژاد و دکتر سید غلامرضا شیرازیان و نیز خانمها: دکتر دره میرحیدر و دکتر فاطمه بهفروز. در بین این بزرگان، نقش دکتر حسین شکوئی، دکتر عزت ا... عزتی و دکتر دره میرحیدر بارزتر بوده است. هم دوره ای ها و همکاران : - در دوره ابتدائی، آقایان: محمدعلی معروفیان، ابراهیم خراشادیزاده، حسن نداف، حسنرضا سهیل، عباس خراشادیزاده و محمد کفکینژاد - در دوره متوسطه، آقایان: احسانی،گنجی، دکتر مهدی قندهاری(در حال حاضر استاد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران)، عباس خراشادیزاده، پرویز فروزانفر و حسن رضا خراشادیزاده - در دوره لیسانس، آقایان: یدالله کریمیپور، عباس فخاری، محمدعلی رومی، محمدعلی معروفیان، سید علیرضا خراشادیزاده، سید علی اولیائی، علیرضا چاچی، محمدعلی خراشادیزاده، اسدالله جامعی، محمد بیکزاده، علی وزیری و علی رادی راز - در دوره کارشناسی ارشد و دکتری: دکتر یدالله کریمیپور، دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر احمد پور احمد، دکتر محمد سلیمانی، دکتر محمد سلمانی، دکتر حسین نگارش، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر زهرا حجازی زاده و دکتر حسن کامران دکتر حسین شکوئی، دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، دکتر پیروز مجتهدزاده، دکتر زهرا احمدیپور، دکتر اکبر پرهیزکار، دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، دکتر منوچهر فرج زاده، دکتر مهدی طاهرخانی و دکتر سیاوش شایان همکار بوده و با آقای دکتر عزت الله عزتی و دکتر دره میرحیدر دوستی دارد که آنها بر او سمت استادی داشته اند. همسر و فرزندان : خانم سکینه خراشادیزاده دختر عموی محمدرضا حافظ نیا است که به عنوان همسر ایشان در کنارشان بوده است. 1- یاسر حافظنیا، فارغ التحصیل مهندسی معدن – اکتشاف، از دانشگاه صنعتی امیرکبیر 2- حمیدرضا حافظنیا، فازغ التحصیل مهندسی صنایع، از دانشگاه صنعتی شریف 3- حامد حافظنیا، دانش آموز سال سوم ریاضی- فیزیک دبیرستان تزکیه منطقه 2 تهران (شاگرد اول) 4- بهزاد حافظنیا، دانش آموز سال اول دبیرستان مطهری در منطقه 2 تهران وقایع میانسالی : محمدرضا حافظ نیا زمانیکه افسر وظیفه بود به دنبال اقدام شجاعانه خود در دفاع از مردم انقلابی ایران، در مرداد ماه 1357 ه.ش که فرمانده لشگر 77 خراسان را مورد هدف قرار داد تا اعتراض و سرپیچی خود را از دستور ارتش برای سرکوب تظاهرات مردم مشهد اعلام نماید، دستگیر و به زندان افتاد. مقاصد اصلی او از این اقدام عبارت بود از: 1- الگوسازی برای افسران و سربازان ارتش شاه برای سرپیچی از دستورات

فرماندهان خود در مخالفت با سرکوب تظاهرات مردم و انقلابیون ایران 2- گشودن راه تخریب ارتش از درون که مهمترین تکیهگاه قدرت رژیم شاهنشاهی در جریان سرکوب تظاهرات انقلاب اسلامی تلقی می شد 3- تضعیف روحیه سران رژیم شاه از سوئی و نیز تقویت روحیه مردم ایران در تداوم نهضت انقلابی از سوئی دیگر.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : 1- دبیر و رئیس دبیرستان دولت آباد زاوه در شهرستان تربت حیدریه در سال 1358 ه.ش 2- فرماندار شهرستان بجنورد در سال 1359 ه.ش 3- فرماندار شهرستان تربت حیدریه در سال 1361 ه.ش 4- معاون سیاسی و اداری استانداری ایلام در سال 1362 ه.ش 5- مشاور نیروی انسانی وزارت آموزش و پروش در سال 1363 ه.ش 6- مشاور و مدیر کل آموزش ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش در سال 1364 ه.ش و پایهگذار طرح ادامه تحصیل معلمان و فرهنگیان کشور 7- معاون پژوهشی سازمان مطالعه و تدوین سمت در سال 1367 ه.ش 8- معاون پژوهشی دانشکده علوم انسانی و مشاور پژوهشی رئیس دانشگاه تربیت مدرس در سال 1370 ه.ش 9- وابسته فرهنگی ایران در لاهور پاکستان در سال 1372 ه.ش 10- مدیر کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال 1377ه.ش 11- رئیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال 1378 ه.ش فعالیتهای آموزشی : محمدرضا حافظ نیا در سال 1358 ه.ش به عنوان دبیر دبیرستان در شهرستان تربت حیدریه به استخدام آموزش و پرورش در آمد. سپس در سال 1359ه.ش برای مدت 4 سال به وزارت کشور مأمور شد و در سال 1363 به وزارت آموزش و پرورش برگشت و در کنار مسئولیتهای اجرائی به تدریس در دبیرستان و مراکز تربیت معلم مشغول گردید. او پس از اخذ درجة کارشناسی ارشد، در سال 1367ه.ش به دانشگاه تربیت مدرس منتقل و به عنوان مربی مشغول به کار شد و در سال 1370 به رتبه استادیاری ارتقاء یافت. او در سال 1378 به درجه دانشیاری و در سال 1382 به درجه استادی ارتقاء پیدا کرد و هم اکنون در دانشگاه تربیت مدرس مشغول انجام خدمت است. دکتر حافظنیا در دانشگاه تربیت مدرس و سایر دانشگاهها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می نماید.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : 1- راه اندازی طرح ادامه تحصیل معلمان کشور در سال 1364 ه.ش که منجر به تأسیس مراکز آموزش عالی فرهنگیان گردید 2- تأسیس مرکز مطالعات آفریقا در دانشگاه تربیت مدرس در سال 1378ه.ش 3- تأسیس انجمن ژئوپلیتیک ایران با همکاری تعدادی از اساتید جغرافیای سیاسی در سال 1381ه.ش 4- تأسیس فصلنامه بین المللی «ژئوپلیتیک» با درجه علمی- پژوهشی در سال 1384ه.ش سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدرضا حافظ نیا

همچنین تا کنون طرح های تحقیقاتی زیر را به انجام رسانده است: 1- عضو و رئیس کمیسیون علوم انسانی هیأت ممیزه به مدت 8 سال 2- عضو هیأت ممیزه دانشگاه تربیت مدرس 3- عضو شورای دانشگاه تربیت مدرس در سالهای 71-70 و 83-1380 4- عضو شورای تحصیلات تکمیلی در دانشکده علوم انسانی 5- مدیر گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس در سالهای 77-1375 6- دبیر10 مورد از همایشهای داخلی و بین المللی 7- سردبیر مجلات علمی-پژوهشی: فصلنامه مطالعات ملی، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک و فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات دفاعی 8- عضو هیأت تحریریه فصلنامههای علمی- پژوهشی: تحقیقات جغرافیایی، پژوهشهای جغرافیایی، مدرس علوم انسانی، پژوهش علوم انسانی ، مطالعات جغرافیایی، Journal of Applied Sciences, Research Journal of Environmental Sciences, Trends in Applied -Sciences Research, Research Journal of Social Sciences. 9 ارائه طرحهای: « تأسیس دانشگاه تربیت مدیر برای کشور» و «رشد پلکانی مدیران در سازمانهای حکومتی ایران» در سال 1363ه.ش به ریاست جمهوری با هدف تخصصی کردن و بهینه سازی اداره امور کشور و انتصاب مدیران سطوح مختلف سازمانهای اجتماعی و حکومتی 10- ارائه طرحهای: «موسسه جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران» در سال 1370ه.ش و نیز «اتحادیه آسیائی» در سال 1372 ه.ش به ریاست جمهوری اسلامی ایران 11- پیشنهاد تأسیس دانشگاه فراگیر آموزش از راه دور برای معلمان و فرهنگیان کشور در سال 1366ه.ش 12- عضو و نایب رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران 13- عضو انجمن جغرافیایی ایران 14- عضو انجمن جغرافیدانان انگلستان (15 ( RGS & IBG- عضو انجمن جغرافیایی هندوستان (16 ( GSI- عضو انجمن بین المللی جامعه شناسی ادیان 17- عضو کمیته علمی سمپوزیوم بین المللی «آینده حیات و تمدن بشری» دانشگاه فرانکفورت آلمان سال 1384/ 2005م 18- عضو کمیته برنامهریزی جغرافیا در وزارت علوم (72-1370ه.ش) 19- عضو و رئیس کمیته پژوهشی جغرافیا در وزارت علوم (72-1367ه.ش) 20- عضو کمیته تدوین کتب دانشگاهی رشته جغرافیا در سمت (72-1368ه.ش) 21- رئیس کمیته علوم انسانی جشنواره جوان خوارزمی (سالهای81 و 1382ه.ش) 22- داور طرحهای پژوهشی جشنواره خوارزمی (سالهای71، 82 و 1383ه.ش) 23- بنیانگذار و سردبیر فصلنامه ایرانشناسی به زبانهای انگلیسی و اردو در پاکستان در سال 1373ه.ش شاگردان : محمدرضا حافظ نیا ضمن تدریس در دانشگاه , راهنمایی و مشاوره دانشجویان خود را نیز به عهده داشته است چنانکه می توان به افراد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی

ارشد: 1) رضا پرواز، بررسی عوامل تداوم بحران در افغانستان (1379) 2) مهدی نیکبخت، بحران آب و تنشهای سیاسی اجتماعی در گناباد (1379) 3) حسن کاویانی راد، نقش اقلیت بلوچ در وحدت ملّی (1379) 4) ناصر شمس خامنه، ژئوپلتیک آب (هیرمند) (1376) ب- دکتری 1) محمدحسین افشردی، تحلیل ژئوپلتیکی سیاست خارجی ایران در قفقاز (1379) 2) محمدباقر قالیباف، تحلیل دولت ملّی در ایران (1379) 3) عباس مهری، موانع همگرائی ایران و ج. آذربایجان (1377) عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف ) کارشناسی ارشد 1) محمدمهدی هوشیار، تحلیل الگوی تقسیمات کشوری در شمال خراسان (1379) 2) حسینعلی برزگران، تحلیل عملکرد فضائی - مکانی شهر بیرجند (1372) 3) سیدحسین قالیباف، بررسی راههای توسعه شهرهای بیرجند (1372) 4) علی سعادت بخش، بررسی اختلاف ایران وعراق بر سر اروندرود (1379) 5) حجت اله شرفی، تحلیل عملکرد کمیته امداد امام ... (1379) ب) دکتری 1) محمد اخباری، نقش هید روژئوپلیتیکی ایران (1377) 2) حمیدرضا محمدی، تحلیل ژئوپلیتیکی بحران کردستان (1378) 3) علی حاجی نژاد، تحلیل نقش و جایگاه سازمانهای عمران منطقه ای در کوله روستای سیسان (1379) 4) خانم مرجان بدیعی، تحلیل خلاء استراتژی ژئوپلیتیکی مثلث ایران، افغانستان و پاکستان (1379) آرا و گرایشهای خاص : محمدرضا حافظ نیا طرفدار فلسفه انسانگرائی است و دارای تفکر و نگرش انسانگرایانه و بشردوستانه میباشد. او بر این باور است که فلسفه زندگی را کمال یابی مستمر بشریت، عشق به خدا و خالق جهان، تأمین مطلوب نیازهای مادی و معنوی انسانها، نوع دوستی و احترام به آزادی و حقوق انسانها و سایر مخلوقات ، رفاه و آسایش، آرامش و امنیت، عدالت جغرافیایی و اجتماعی و همزیستی با طبیعت تشکیل میدهد. بر این اساس معتقد است که سازههای فلسفی، مذهبی، ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، نظامی، امنیتی، آموزشی، درمانی و غیره باید بر مدار خدمت به انسانها تعریف و ساماندهی شوند. دکتر حافظنیا همچنین به ترویج مکتب جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انسانگرا اهتمام میورزد. او بر این باور است که موثرترین عوامل تولید رنج برای بشریت، سیاستمداران جاهطلب، رهبران دینی انحصارطلب و مدیران و فعالین اقتصادی زیادهطلب میباشد. جوائز و نشانها : 1- دریافت لوح به مناسبت انتخاب شدن به عنوان "استاد نمونه" در ایران در سال 1385ه.ش 2- دریافت لوح به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشگر برتر ایران در حوزه علوم انسانی و اجتماعی 3- دریافت لوح به مناسبت انتخاب کتاب "جغرافیای سیاسی ایران" به عنوان کتاب سال دانشگاهی ایران در سال 1382ه.ش 4- دریافت لوح به مناسبت انتخاب

کتاب "جغرافیای سیاسی ایران" به عنوان کتاب قابل تقدیر در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال 1383ه.ش چگونگی عرضه آثار : محمدرضا حافظ نیا علاوه بر عضویت در انجمن جغرافیدانان ایران ، دستی بر قلم نیز داشته و ضمن تالیف آثار متعدد، با نشریات مختلف همکاری داشته است. 1- تدوین و انتشار 13 جلد کتاب ( دو مورد به زبان انگلیسی ) 2- اجرای 9 طرح تحقیقاتی و پژوهشی 3- چاپ و نشر 60 مقاله علمی-پژوهشی در مجلات علمی معتبر داخل و خارج از کشور 4- ارائه 50 مقاله علمی در همایشها و کنفرانسهای علمی داخلی و بین المللی 5- چاپ و نشر حدود 130 مقاله متنوع در فصلنامهها ، ماهنامهها و نشریات مختلف آثار : Educational System in Iran., Iran 1 Shenasi, Lahore No.4, 1995. Family Planming in Iran, 29 th International Geographical Congtess, Seoul South Korea, August 2000 3 Geopolitical Analysis of the Kashmit Crisis, South Asian Studies, Vol, 1, 1994, Punjabun University. 4 Indo - Iran Cultural Relations, befor the Islamic Period; The first Seminar on Indo - Iran relation, University of Mumbai - India, March 2000 5 Islamic Revolutions Foundations, Iran Shenasi, No.3/1, 1996. 6 Population Policies of the Islamic Republic of Iran, Iran Shenasi @ uarterly; No.13,14,1996. آراء ابن خلدون در زمینه آثار عوامل جغرافیائی بر انسان، فصلنامه مدرس، شماره اول، 1375. اجتماع تبلیغی در رایانه، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه فرهنگ، شماره 23، سال ششم، 1375. الگوی مناسب نظام بین الملل، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، سال هفتم، شماره 25، پائیز 1378. الگوی نظام مشارکت بین المللی و تنش زدائی در روابط ملّتها، همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا با دانشگاه مشهد، 1379. تحولات اکولوژیکی در بخش مرکزی شهر تهران، محمدرضا حافظ نیا- عبدالرضا رحمانی فضلی ، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی - شماره 4 ، سال دوم، 1367 ، تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلتیک خزر، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 27، 1378. تفاوتها و تعارضها در حوزه ژئوپلتیک خزر، هفتمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، 1378. تنگه هرمز و اقتصاد منطقه ای خلیج فارس، کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه تهران، 1369. تنگه هرمز و الگوی حمل کالا و نفت در خلیج فارس، مسائل حمل و نقل ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1369. چالشهای ژئوپلتیکی اقتصاد ایران در دهه آینده، همایش چالشهای انسانی اقتصاد ایران در دهه 80، پژوهشکده اقتصاد. تهران، 1379. راه حل مهاجرتهای روستائی در ایران، تحلیل مهاجرتهای روستائی،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1365. روابط فرهنگی ایران و هند قبل از اسلام، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، سال چهاردهم شماره 52و 53، 1378. رویکرد جدید سیاست خارجی و تحوّل موقعیت ژئوپلتیکی ایران، دهمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه امام حسین، 1378. ژئواستراتژی ایران در جنگ دوم جهانی، هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه اصفهان، 1371. ژئوپلتیک ایران پس از جنگ سرد، سمینار جغرافیا و کاربردهای امنیّتی و دفاعی آن، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، 1377. 22 ژئوپلتیک تنگه هرمز، سمینار سازمان جغرافیائی، تهران، 1370. علل فقر خانواده های تحت پوشش کمیته امداد درایران، سمینار دست آوردهای تحقیقاتی کمیته امداد امام خمینی (ره)، دانشگاه تهران، 1373. قدرت و بسط فرهنگی در شبه قاره هند، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه دانشور، شماره 17، سال پنجم، 1376. قدرتهای جهانی و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس، سمینار جغرافیائی جهان بینی، سیاست و محیط ، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، 1371. لزوم بازنگری فرآیند آموزش جغرافیا در ایران، سمینار آموزش جغرافیا در ایران، دانشگاه تربیت معلم، تهران، 1372. لزوم تفسیم استان خراسان ، همایش علمی بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار، 1376. موقعیّت اجتماعی و اقتصادی پنجاب در پاکستان فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره 40، سال یازدهم، 1375. ناامنی طبیعی و بازدارندگی توسعه: مورد ایران، سمینار جغرافیا در عرصه سازندگی، دانشگاه تهران، 1376. نظام آموزشی در ایران، سمینار ایرانشناسی (1)، پاکستان، لاهور،1995. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، سمینار بین المللی ایران و جنگ جهانی دوم، تهران، 1378. نقش ژئواستراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، کنفرانس شهریور 20، موسسه مطالعات فرهنگی، تهران، 1370. نگاهی اجمالی به وضعیت جغرافیائی پاکستان، محمدرضا حافظ نیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شماره 39، سال دهم، 1374 نهادهای انقلاب اسلامی، سمینار ایرانشناسی (2)، پاکستان، لاهور، 1996. همگرائی و موانع فراوری آن در خلیج فارس، سمینار بین المللی رویکردهای درون منطقه ای خلیج فارس، تهران، 1376. وضعیت ژئوپلتیکی منطقه خلیج فارس، سمینار بین المللی مسائل جغرافیائی جهان اسلام، دانشگاه امام حسین (ره)، تهران، 1371. 37 ویژگیهای ژئوپلتیکی منطقه خزر، همایش تحولات ژئوپلتیکی حوزه خزر، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، 1379

منابع زندگینامه :تکمیل پرسشنامه فرهیختگان توسط آقای دکتر محمدرضا حافظ نیا بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی

حاکمی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی حاکمی در سال 1296 در شهر رشت به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی و معماری در مقطع کارشناسی دانشگاه تهران گذراند. فعالیت‌های وی در موزه ایران‌باستان و شورای عالی باستان شناسی و عضویت در نمایشگاه های آثار ایرانی در برخی از کشورهای خارجی از عمده فعالیت‌های اداری و عرضه تالیفات متعدد از عمده فعالیت‌های وی پس از اتمام تحصیلات رسمی اوست.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : علی حاکمی تحصیلات ابتدایی را در رشت به پایان رساند . در سال 1313در دانشکده ادبیات دانشسرای عالی دررشته باستان شناسی به تحصیل مشغول و نیز در سال 1317موفق به اخذ لیسانس شد.با اجازه از وزارت فرهنگ در سال 1332شمسی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته معماری نام نویسی کرد و پس از چندی با درجه لیسانس معماری تحصیلات خود را با اتمام رساند. استادان و مربیان : علی حاکمی در اداره کل باستان شناسی زیر نظر استادانی چون دکتر مهدی بهرامی و دکتر عیسی بهنام به کار تحقیق و مطالعه آثار دوران اسلامی ونیز اشیاء دوران تاریخی ایران پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی حاکمی در سال 1318 در اداره کل باستان شناسی که تازه دایر شده بود و از دو قسمت موزه ایران باستان و تعمیر و مرمت بناهای تاریخی تشکیل می شد استخدام شد. او مدت سه سال در بخش اسلامی موزه ایران باستان زیر نظر مرحوم دکتر مهدی بهرامی به مطالعه آثار دوران اسلامی پرداخت . پس از مدتی از آنجا به بخش تاریخی موزه ایران باستان منتقل گردید و مدت چند سال زیر نظر دکتر عیسی بهنام به کار تحقیق و مطالعه اشیاء دوران تاریخی ایران اشتغال داشت .تا آنکه در سال 1334شمسی ریاست بخش تاریخی موزه ایران باستان را بر عهده گرفت وپس از آن به مدیریت موزه ایران باستان ارتقاءیافت . وی دراین مدت به عضویت شورای عالی باستان شناسی و شورای مرمت آثار باستانی و بناهای تاریخی و چند کمیسیون دیگر درآمد . آخرین پست وی ریاست بخش کاوشهای علمی اداره کل باستان شناسی بود. سوابق اجرایی و اداری علی حاکمی از سال 1342-1318 به شرح زیر می باشد: -کارشناس اداره باستان شناسی سه سال در بخش اسلامی موزه ایران باستان و چند سال در بخش تاریخی این

موزه از سال34-1318. -مدیر موزه ملی ایران 1334. - عضو شورای عالی باستان شناسی . -عضو شورای مرمت آثار باستانی و بناهای تاریخی . - ریاست بخش کاوشهای علمی اداره کل باستان شناسی . -عضویت در نمایشگاه آثار ایران در توکیو ،ژاپن 1337. -عضویت در نمایشگاه آثار هفت هزار ساله ایران در لاهه ،هلند ،1340. -عضویت درنمایشگاه آثار هفت هزار ساله ایران در میلان ،ایتالیا ،1342. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشهای میدانی علی حاکمی از سال 56-1318 به شرح زیر می باشد : کاوش در تپه خوروین در ساوجبلاغ کرج 1328. کاوش در تپه حسنلو رضاییه 1329. کاوش در خورهه محلات 1334. کاوش در علی آباد فرشگان 1336. کاوش در اسماعیل آباد ساوجبلاغ 38-1337. کاوش در منطقه گیلان 1342. کاوش در قریه نسفی در رود بار گیلان 1343. کاوش در جوبن و کلورز در رود بار گیلان 1344. کاوش در ناوه ،سیاه دره ،لیلی جان و سیاه دشت بن از توابع عمار لو 1345. کاوش در کلورز در رودبار گیلان 1346. کاوش در کلورز در رود بار گیلان 1347. کاوشهای حاشیه دشت لوت و حاشیه شرقی شهداد (خبیص )1355. کاوش در ملایر 1352. کاوش و تهیه نقشه تخت جمشید و کاوش در پاسارگارد و مشهد مرغاب و تهیه بنای تپه میل و همچنین گمانه زنی در چند نقطه اطراف بنا و تعمیر بنای تپه میل و همچنین گمانه زنی در چند نقطه اطراف بنا و کاوش و گمانه زنی درباغ قدیمی چهل ستون 1356. چگونگی عرضه آثار : علی حاکمی نتایج مطالعات و پژوهشهای باستان شناسی خود را در قالب سخنرانی با شرکت در همایش‌های داخلی و خارج از کشور ارائه نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود: سخنرانی با عنوان اشیاءدر کلورز (رود بار گیلان )،موزه ایران باستان ،1349. سخنرانی به عنوان کاوش شهداد ،کنگره باستان شناسی ایران ،دانشگاه آکسفورد ،1350. سخنرانی با عنوان خطوط نشانه ای مکشوفه در کاوشهای شهداد ،دانشگاه مونیخ (کنگره هفتم باستان شناسی ایران1354. کاوشهای کلورز (رودبار )،چندسخنرانی درانجمن ایران باستان . ظروف و ماکت های سنگ صابون ،سمیناروئیز ،1987 . مجله صنعتگران ذوب مس درشهداد دوران برنز ،سمینار ،پاریس ،1989. آثار : آب تخت جمشید در زمان هخامنشیان ویژگی اثر : نشریه بررسیهای تاریخی. جلد5، شماره2. 13492 آشنایی بایک مجسمه و نقش یک مهر ویژگی اثر : نشریه پژوهشهای باستان شناسی .13543 اشیا ء فلزی مکشوفه در کلورز گیلان ویژگی اثر : یادنامه پنجمین کنگره باستان شناسی 13514 بررسیهای باستان شناسی حاشیه دشت لوت ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران، جلد اول شماره 2 -13485 بشقاب نقره منحصر به فرد ساسانی (مکشوفه در حوالی ساری ) ویژگی اثر : نشریه گزارشهای باستان شناسی ،جلد 3،

13346 چگونگی کاوشهای مختصر گنج تپه و تپه های اطراف خوروین و آجین دوجین ویژگی اثر : گزارشهای باستان شناسی، جلد اول7 حفاری در تپه موشلان (ساوجبلاغ ) ویژگی اثر : سالنامه کشور ایران،شماره 148 روابط بومیان سرزمین هایی که بعد ها نام ایران و هند گرفت ویژگی اثر : نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره 20، فروردین 13589 سنگ نبشته مربوط به زمان مردوک آپال ایدین مکشوف در سر پل ذهاب ویژگی اثر : نشریه باستان شناسی و هنر ایران، شماره 1، 134710 شرح ونتیجه کاوشهای علمی حسنلو (سلدوز ) ویژگی اثر : با همکاری محمود راد، گزارشهای باستان شناسی 135111 طاق بستان ویژگی اثر : نشریه بررسیهای تاریخی، شماره 412 قدیمی ترین مهر انگشتری داریوش بزرگ ویژگی اثر : نشریه گزارشهای باستانی .133413 کاوش خورهه محلات ویژگی اثر : در مجله ESMEO East & West 199014 کاوشهای حاشیه دشت لوت (خبیص / شهداد) ویژگی اثر : نشریه هنر ومردم، شماره 126، 135215 کاوشهای رود بار گیلان شامل: نسفی، جوبن،کلورز و نیز سیاه دره و ناوه در عمارلو 16 کتاب کاوشهای شهداد ویژگی اثر : موسسه شرق شناسی ایتالیا ESMEO17 کتیبه بزرگ نهاوند ویژگی اثر : نشریه باستان شناسی ، اداره کل باستان شناسی کشور. شماره2/1، 133818 کشف یک بنای دوره ساسانی (نزدیک ری ) ویژگی اثر : گزارش یونسکو جلد 8، شماره1/219 کلورز ویژگی اثر : نشریه وحید، شماره 6- 134820 مجسمه هرکول در بیستون ویژگی اثر : نشریه باستان شناسی و هنر ایران، شماره 3/4، 1338

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 13792کتاب گیلان ، گروه پژوهشگران ، جلد دوم ، تهران: نشر گروه پژوهشگران ، ص 699

خلیلیان، علی محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی محمد خلیلیان در دوم اردیبهشت سال 1328 در روستای رستم آباد از توابع شهرستان مهران به دنیا آمد .گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : علی محمد خلیلیان در 2 اردیبهشت سال 1328 در روستای رستم آباد از توابع شهرستان مهران به دنیا آمد . نام پدر علی محمد نور علی بود .مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مهمترین اقدامات انجام شده در زمان تصدی علی محمد خلیلیان به شرح زیر می باشد : - تلاش در جهت تحویل گرفتن موزه های استانی درتهران که پس از مدت کوتاهی از زمان تصدی مدیریت موزه های رضا عباسی و آبگینه تحویل مدیریت میراث فرهنگی استان تهران گردید . - تلاش در جهت تحقق شناسایی اموال فرهنگی عبوری موجود در استان تهران و انتقال آنهابه موزه های سراسر کشور تا حدمقدورات و امکانات موجود - پیشنهاد تشکیلات جدید سازمانی و جایگاه مسئولیت های موجود پس از دوره مدیریت گذشته و ایجاد پستهای کارشناسی مسئول دررده های مختلف - تحویل و تحول واحد هنرهای سنتی به معاونت پژوهشی سازمان به صورت یکجاساير فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق اجرایی و علمی علی محمد خلیلیان به شرح زیر است : - کارشناس اموال عتیقه و حفاظت بین الملل اموال فرهنگی - ریاست اداره بازرسی و امور حفاظت بین المللی اموال فرهنگی و تاریخی - مدیریت میراث فرهنگی استان تهران - رئیس انجمن باستان شناسی کشور - رئیس گروه اموال فرهنگی و تاریخی پژوهشکده باستان شناسی کشور - عضو هئیت علمی سازمان میراث فرهنگی کشور و استاد مرکز آموزش عالی میراث فرهنگیآثار : آیین سنتی چمر درایلام ویژگی اثر : ویژه نامه نخستین گردهمایی مردم شناسی کشورو مجله فرهنگ ایلام شماره 1 بهار 13712 اموال تاریخی و فرهنگی درگستره تاریخ ایران ویژگی اثر : مجله میرا ث فرهنگی ، شماره 16 ، پاییز وزمستان 753 بحثی پیرامون مقاله مقبره ای از دوران عیلام جدید درارجان ویژگی اثر : اثر شماره 14-13-12 اسفندماه13644 چگا خلامان محوطه ای از دوره آغاز نوسنگی در امیر آباد ، مهران ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران ، یاد نامه دکتر نگهبان به سال 13785 سراب قوه دانه کوزوان زیست بومی مناسب برای استقرار انسان عصر نو سنگی در بهداشت جلگه کرمانشاه و غرب ایران ویژگی اثر : مجله کردی آدینه

شماره 35-34 سال 13766 گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان ویژگی
اثر : مجله اثر شماره 9-8-7 بهمن ماه 1361

خیام، مقصود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1317، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی رشته جغرافیا از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، تحصیلات عالی در انستیتو جغرافیای آلپی دانشگاه علمی و پزشکی گرنوبل فرانسه، دکترای سیکل سوم با تخصص ژئومورفولوژی با درجه بسیار عالی.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تبریز در سال 1349 و ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تدریس اصول و مبانی ژئومورفولوژی، طرح در زمینه هیدرولوژی، پژوهش و تحقیق ژئومورفولوژی ایران در آذربایجان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 7 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مبانی و اصول ژئومورفولوژی، ژئومورفولوژی اقلیمی و دینامیک خارجی، اصطلاحات مصور ژئومورفولوژی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 21، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
مسائل مختلف ژئومورفولوژی با تأکید بر ایران.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

درویش صفت، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر درویش‌صفت سال 1332 در چالوس به دنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه زوریخ سویس (در سال 1373) می باشد.دکتر درویش صفت از سال 1364 از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی از سال 1380 به عنوان دانشیار دانشگاه تهران فعالیت های خود را ادامه داده است. کتاب"اطلس مناطق حفاظت شده ایران" تالیف علی اصغر درویش صفت ، در سال 1386به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد برگزیده شد. گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : سنجش از دورتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی اصغر درویش صفت دیپلمش را سال 1350 در چالوس گرفت و در سال 1355 کارشناسی خود را در رشته منابع طبیعی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد را در سال 1364 در رشته جنگل‌داری از همان دانشگاه اخذ کرد. وی در سال 1373 موفق به اخذ دکتری در رشته «سنجش از دور» از انستیتو جغرافیا دانشگاه زوریخ سویس شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر درویش صفت از سال 1364 از اعضای فعال هیات‌های علمی دانشگاهی بوده است. وی مسوولیت‌هایی را در زمینه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود برعهده داشته که برخی از آن‌ها عبارتند از: کارشناس: 1364-1357، کارشناس جنگل در «جنگل آموزشی و پژوهشی دانشگاه تهران» عضویت در هیات علمی: از سال 1364 به عنوان مربی آموزشی، از سال 1373 به عنوان استادیار و از سال 1380 به عنوان دانشیار دانشگاه تهران زمینه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی: سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی و پژوهشی علی اصغر درویش زاده به قرار زیر است: تدریس: دروس مرتبط با سنجش از دور و سامانه اطلاعات جغرافیایی برای رشته‌های منابع طبیعی، محیط زیست و کشاورزی پژوهش: اجرای شش طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه تهران و چهار طرح پژوهشی کاربردی در ارتباط با سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور فرصت مطالعاتی: طی دوره شش ماهه در سال 1378 در شاخه نوین سنجش از دور به نام سنجش از دور ابر طیفی در دانشگاه زوریخ کشور سوییس سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : علی اصغر درویش صفت در کنار مطالعه کتب تخصصی به

اشعار شاعران ایرانی مثل حافظ، سعدی و... علاقه دارد. جوائز و نشانها : دکتر درویش صفت جوایزی را برای فعالیت‌های خود دریافت کرده است. جوایز: - دریافت لوح تقدیر برای ارایه مقاله برتر در بخش فنی کنفرانس بین‌المللی سنجش از دور در کشور مالزی در سال 2005 - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان دومین اطلس برتر جهان در سال‌های 2007-2006 از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی از بین تمامی کشورهای عضو (86 کشور) و برای اولین بار در خاورمیانه - دریافت لوح تقدیر به مناسبت انتخاب اطلس مناطق حفاظت شده ایران به عنوان کتاب برتر دانشگاهی در جشنواره پژوهشی دانشگاه تهران، 1386 - دریافت پایه تشویقی در دانشگاه تهران به دلیل میزان فعالیت‌های پژوهشی در سال‌های 1385-1383 - اطلس مناطق حفاظت شده ایران در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی نقشه و اطلس (August, 2007, Moseow 10-4) که از سوی انجمن بین‌المللی کارتوگرافی برگزار شد، به عنوان دومین اطلس برتر جهان انتخاب شد. -چگونگی عرضه آثار : راهنمایی رساله: راهنمایی سه رساله دکتری و نوزده رساله کارشناسی ارشد مقاله: ارایه بیش از پانزده مقاله در مجلات علمی و پژوهشی بین‌المللی و همچنین بیش از سی مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی آثار :  1 اطلس مناطق حفاظت شده ایران ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران .این کتاب در سال 1386 به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.2 کتاب ارزیابی و برنامه‌ریزی محیط زیست با سامانه اطلاعات جغرافیایی ویژگی اثر : از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1380 (به اتفاق آقای دکتر مجید مخدوم)

رامشت، محمدحسین

قرن:20
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد حسین رامشت متولد سال 1334و دارای مدرک دکتری رشته جغرافی شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1371 است. ایشان هم اکنون دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی جغرافیا - 1357 - دانشگاه اصفهان - ایران کارشناسی ارشد جغرافیا - 1364 - دانشگاه شهید بهشتی تهران - ایران دکترای جغرافیا ژئومرفولوژی - 1371 - دانشگاه تربیت مدرس تهران - ایران همسر و فرزندان : محمد حسین رامشت متاهل و دارای دو فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد حسین رامشت عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه اصفهان می باشد. از دیگر سمتهای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: - رئیس دانشگاه اصفهان - رئیس دنشکده جغرافیا از سال 1371-1377 - ویرایشگر و استاد دانشکده علوم انسانی (پژوهشگر ) از سال 1378فعالیتهای آموزشی : عنوان دروسی که توسط محمد حسین رامشت ارائه می شود به قرار زیر است: جغرافی شناسی ایران- جغرافی شناسی کاربردی - روشها و تکنیکهایی در جغرافی شناسی- جغرافی شناسی در مدیریت محیط- رساله شناسی در جغرافیا- جغرافیا شناسی پویا- جغرافیای خاکآرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه محمد حسین رامشت به قرار زیر است: ژئومرفولوژی و دیدگاه فلسفی در جغرافیا چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات منتشر شده در مجلات بزبان فارسی:56 مورد - تعداد مقالات منتشر در مجلات بزبان انگلیسی:3 مورد - طرح های پژوهشی محمد حسین رامشت : 1. اقلیم و معدن بازفت، جهادسازندگی، 1373 2. مطالعات خاک و معدن دورکی باب، جهادسازندگی، 1374 3. مطالعات خاک دو معدن بوشکان، جهادسازندگی، 1374 4. مولفه های جغرافیایی کیش، منطقه آزاد کیش، 1377 5. آثار یخچالی در زفره اصفهان،دانشگاه اصفهان، 1381 6. رسوبات پاراکلیشیال و کیاس تئوری ، 1380 7. اندیشه های نظری در ژئومرفولوژی، آثار : 1 جغرافیای خاکها ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، 1369 و 1379 2 جغرافیای طبیعی خلیج فارس ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، 1367 3 جغرافیای طبیعی هورالعظیم ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، 1366 4 ژئومرفولوژی کاربردی ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان ،

1384 5 کاربرد ژئومرفولوژی در برنامه ریزی ویژگی اثر : دانشگاه اصفهان، 1375 6 نقشه های ژئومرفولوژی ویژگی اثر : انتشارات سمت، 1384، 1385 چاپ دوم

ربیعی نوری، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، جغرافیدان. از آثار وی: «اطلس ربیعی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (170/1).

رجائل اصل، عبدالحمید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1321، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دوره‌های تخصصی کلیماتولوژی و نقشه‌های ژئومورفولوژی، دکترای تخصصی در ژئومورفولوژی طی چهار سال از دانشگاه کلرمون فران فرانسه در سال 1351.
مرتبه علمی:
استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه تبریز در سال 1366.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
ژئومورفولوژی، کلیماتولوژی، هیدروگرافی، کاربرد ژئومورفولوژی و کلیماتولوژی در عمران ناحیه‌ای، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 5 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و یک پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
آب و هواشناسی، اسناد و مدارک برای تفسیر نقشه‌های جغرافیائی و زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی کاربردی (روش و مفاهیم) و کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 14، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
استفاده از نقشه‌های ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی‌های عمرانی، فرسایش در نواحی آتشفشانی اطراف کرمان، اهمیت پژوهش‌های جغرافیای طبیعی در عمران ناحیه‌ای و نقش ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی‌ها.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

رزم آرا، حسینعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سرهنگ حاج‌محمد، در 1272 در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس رشدیه، اقدسیه، الیانس فرانسه و مدرسه‌ی قزاقخانه به اتمام رسانید و به درجه‌ی افسری رسید. چندی هم در فرانسه علوم جغرافیای نظامی را تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در قزاقخانه مشغول خدمت شد و در درجه سلطانی از احمدشاه لقب «افتخار نظام» گرفت. پس از کودتا در 1300 امتیاز مجله‌ی قشون را دریافت کرد و دو سالی آن مجله را انتشار می‌داد که حاوی اخبار نظامی و تعلیمات قشونی بود.
در 1302 مجله‌ی قشون را به فرج الله بهرامی (دبیر اعظم) واگذار کرد و خود امتیاز مجله‌ی پهلوی را گرفت که هر دو هفته یکبار انتشار می‌داد. این نشریه نیز مانند مجله‌ی قشون، مجله‌ی خبری و تعلیماتی بود و مجموعا 118 شماره منتشر شد.
رزم‌آرا تدریجا مدارج نظامی را در طول زمان طی کرد و بعد از شهریور 1320 درجه سرتیپی گرفت و به ریاست اداره جغرافیایی ارتش منصوب شد. از اهم مشاغل وی در ارتش می‌توان ریاست ستاد و معاونت و استادی دانشگاه جنگ را نام برد. وی مدتی هم ریاست ستاد لشکر خراسان را عهده‌دار بود. وی در رشته‌ی تخصصی خود (جغرافیای نظامی) بسیار مطلع بود و تالیفات زیادی از خود باقی گذارد. از جمله ده جلد فرهنگ جغرافیائی ایران، راهنمای ایران، راهنمای تهران، طریقه‌ی زندگی در جامعه را می‌توان نام برد. وی صاحب اختراعاتی نیز بود مانند قبله‌نما، سمت‌نمای نابینایان که مورد توجه علمای کشورهای خارج قرار گرفت. رزم‌آرا چندی عضو فرهنگستان ایران بود و در بسیاری از موسسات تحقیقاتی و علمی جهان مشارکت داشت.
(تو 1272 ش)، نویسنده. ملقب به افتخار نظام. از آثار وی: «بوصله القبله، فتاوی و تقاریظ»؛ «راهنمای ایران»؛ «فرهنگ جغرافیای ایران»، به همکاری چند نفر از افسران ارتش؛ «قبله‌نما»، «مرآت البلدان یا تشریح طبی»؛ «نجوم برای همه».[1]
مؤلف، محقق.
تولد: 1272.
درگذشت: اردیبهشت 1364.
حسینعلی رزم‌آرا، فرزند محمد، تحصیلات خود را در دبستانهای رشیده،

اقدسیه، الیانس فرانسه و دبیرستان نظام تهران گذراند. سپس از دانشکده‌ی علوم جغرافیایی فرانسه و دانشگاه جنگ تهران فارغ‌التحصل شد. وی به زبان فرانسوی و انگلیسی و روسی آشنایی داشت.
حسینعلی رزم‌آرا از آبان 1327 تا مهر 1332 رییس دایره‌ی جغرافیایی ارتش بود. از جمله فعالیت‌های وی در دوره‌ی ریاست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: چاپ و انتشار راهنمای ایران (1330) راهنمای تهران (1332) و راهنمای همدان، نقشه‌برداری از شهر ری به مقیاس 1 :2000 و شهر رشت، عکس‌برداری هوایی و تهیه‌ی نقشه از منطقه‌ی جنگی لاجیم و بستر زاینده رود، تهیه‌ی نقشه‌های برجسته از ایران و آذربایجان و فلات ایران و تهران و دماوند و منجیل و قافلان کوه و همدان و الوند. و از همه‌ی اینها مهمتر در زمینه‌ی جغرافیا تهیه و چاپ فرهنگ جغرافیایی ایران در یازده جلد (یک جلد برای استان مرکزی و ده جلد برای ده استان آن روز کشور).
رزم‌آرا که قدیمی‌ترین افسر نقشه‌بردار ایران به شمار می‌رفت، با وجود آن که نقشه‌برداری را با روش‌های قدیمی از وت، معلم آلمانی دارالفنون آموخته بود، در سال 1326 به مدت دو سال به اروپا رفت و در مؤسسه‌ی جغرافیای ملی فرانسه به نوآموزی پرداخت و سخت تحت تأثیر روش‌های جدید فوتوگرافی (تبدیل عکس هوایی به نقشه) واقع شد به طوری که پنج افسر نقشه‌بردار مجرب را برای نوآموزی به همان مؤسسه‌ی فرستاد. او همچنین دو افسر دیگر را هم فرستاد که در برگشت به دایره‌ی جغرافیایی از لحاظ آموزش‌های لازم به کارمندان فنی کمک برسانند. در نتیجه تلاشهای مستمر ایشان بود که بالاخره در سال 1331 دو دستگاه مولتی پلکس و یک دستگاه چاپ نقشه در دایره‌ی جغرافیایی ارتش به کار افتاد و تبدیل عکس به نقشه که جهشی بزرگ در امر نقشه‌برداری به شمار می‌رفت عملا امکان‌پذیر شد.
حسینعلی رزم‌آرا همچنین در دانشکده‌ی افسری آن زمان به تدریس نقشه‌برداری پرداخت. وی در سال 1352 در نخستین کنگره‌ی جغرافیدانان ایران حضور داشت.
از جمله تألیفات حسینعلی رزم‌آرا می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: مرآة البدن یا تشریح طبی (1328)؛ نقشه برداری، فرهنگ جغرافیایی ایران (با همکاری چند نفر، ده جلد، 1332)؛ راهنمای ایران (1330)؛ بوصلة القبلة، فتاوی و تفاریظ (1334)؛ بوصلة القبلة (فارسی و عربی، ترجمه‌ی سید کاظم آذری به زبان عربی، 1335)؛ راهنمای شهر تهران (با همکاری چند نفر، 1331)؛ طریقه‌ی زندگی در جامعه؛ فهرست نشریات دایره‌ی جغرافیایی ارتش (1338)؛ قبله‌نما (عربی، ترجمه‌ی دکتر موسی حکمت به زبان عربی، 1332) قبله‌نما (1332)؛ متد رزم‌آرا (1328)؛ نجوم

برای همه (ماکسول راید، 1335).
اختراعات وی به این شرح هستند: دستگاه آموزش عملیات نقشه‌برداری؛ قبله‌نمای رزم‌آرا؛ سمت‌نمای نابینایان.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] مؤلفین کتب چاپی (931 -930/ 2).

رویانی طبرستانی، علی

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم ق)، مورخ و جغرافیدان. از جمله آثار وی «تاریخ طبرستان» است که یکی از منابع اصلی مرعشی در تالیف «تاریخ طبرستان و رویان» بوده.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (262/3)، فهرستواره‌ی کتابهای فارسی (884/2)، کشف الظنون (297).

رهبر، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی رهبر در سال 1316 شمسی در سمنان بدنیا آمد.وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در سمنان گذراند و جهت ادامه تحصیل وارد دانشسرای کشاورزی ساری شد . طولی نکشید مسیر تحصیلی خودرا به سمت باستان شناسی بسط داد و وفق به اخذ رتبه اول این رشته شد . وتوانست با بورس تحصیلی که دولت یونان در اختیار دانشگاه قرار داده بود به آتن سفر نماید . مهدی رهبر مدت سه سال در دانشگاه آتن به تحصیل پرداخت. در دانشگاه آتن، بنا به مقررات دانشگاه های یونان موضوع « آکروتروهای معابد یونانی در دوره کلاسیک و هلنستیک » را انتخاب کرد. وی پیش از اتمام تحصیل ضرورتا به ایران بازگشت ولی دیگر فرصتی برای بازگشت و اتمام تحصیل برای ایشان پیش نیامد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی رهبر تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در سمنان گذراند و پس از آن در دانشسرای کشاورزی ساری تحصیلات خود را پی گرفت . وی در سال 1336 با احراز رتبه اول از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد. با وجود آن که در آن زمان شاگردان اول با هزینه دولت ادامه تحصیل می دادند به عللی موفق به ادامه تحصیل نشد. در سال 1344 وارد دانشگاه تهران شد و در رشته باستان شناسی به تحصیل پرداخت . در سال 1348 با احراز رتبه اول از دانشگاه فارغ التحصیل شد و با بورسی که دولت یونان در اختیار دانشگاه قرار داده بود، به آتن سفر کرد. مدت سه سال در دانشگاه آتن به تحصیل پرداخت. اودراین دانشگاه ، بنا به مقررات دانشگاه های یونان موضوع « آکروتروهای معابد یونانی در دوره کلاسیک و هلنستیک » را انتخاب کرد. وی پیش از اتمام تحصیل مجبور به بازگشت به ایران شد ولی دیگر فرصتی برای بازگشت و اتمام تحصیل برای ایشان پیش نیامد. استادان و مربیان : مهدی رهبر مدت سه سال در آتن زیر نظر پرفسور کندولئن تحصیل کرده است. فعالیتهای آموزشی : - تدریس « هنر وباستان شناسی » مقطع کارشناسی ،دانشگاه تهران ،(68- 1362 ) - تدریس «مبانی باستا ن شناسی » مقطع کاردانی ،دانشکده میراث فرهنگی - «مرمت تابوت لعابدار اشکانی » دانشکده پردیس ،استاد راهنما ،دوره کارشناسی - «حفاظت و مرمت آثار و تزیینات گچی در کاوش های باستان شناسی بند در گز » دانشکده پردیس ،استاد مشاور ،دوره کارشناسی

ارشد - «ریتون ـبررسی فنی و هنری و سیر تحول آن در ایران از آغاز تا اسلام » دانشکده هنر ، دوره کارشناسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق میدانی مهدی رهبر به شرح زیر می باشد : - بررسی باستان شناسی منطقه کنگاور ،به سر پرستی کایلر یانگ ،1353 . - کاوش در قلعه یزد گرد کرمانشاه (دو فصل ) ،به سرپرستی ادواردکیل ،54-1353 - کاوش در محوطه سنگ چخماق سمنان ، به اتفاق پرفسور ماسودا ،1354 - کاوش در شوش (سه فصل ) ،به سرپرستی ژان پرو ،ارایه گزارش ، 56-55-1353 - کاوش در جزیره هرمز ،به اتفاق حسین بختیاری ،1355 - کاوش دربیستون کرمانشاه ( سه فصل ) ، سرپرست هیات ،ارایه گزار ش ،56-55-1353 - کاوش در خورهه استان مرکزی ،(دوفصل ) سرپرست هیات 75-1355 - بررسی و گمانه زنی در خورهه استان مرکزی ،سرپرست هیات ،1375 - گمانه زنی در چشمه غلام ویس دراستان کرمانشاه ،سرپرست هیات ،1354 - گمانه زنی درمحوطه باستانی کنار و دراسفند قد کرمان ، سرپرست هیات ،1361 -کاوش در آرامگاههای الیمایی گلاک شوشتر (چهار فصل ) سرپرست هیات ، 77-69-1365-66 - بررسی و گمانه زنی درمسیرجاده شوشتر به مسجد سلیمان ،سرپرست هیات ،1368 - بررسی و گمانه زنی میان آب شوشتر ،سرپرست هیات ، 1369 - گمانه زنی در حسین آباد شوش ، سرپرست هیات ،1364 - گمانه زنی در محوطه باستانی علی آباد کتول ، در استان گلستان ،سرپرست هیات ،1360 - تعیین حریم محوطه باستانی شوش ،سرپرست هیات ، ارایه گزارش ،1366 - تعیین حریم و گمانه زنی تپه پشت پمپ بنزین شوش ،سرپرست هیات ،1369 - گمانه زنی درگورستان هخامنشی دوسران زنجان ، سرپرست هیات ،1366 - گمانه زنی در تپه بکندی قزوین ،سرپرست هیات ،1362 - گمانه زنی و بررسی غار اولین آوا در لرستان ، سرپرست هیات ،1368 - گمانه زنی در برد سیر کرمان ، سرپرست هیا ت ،1360 -گمانه زنی و کاوش درشغاب بوشهر ،سرپرست هیات ،1377 - گمانه زنی و تعیین حریم چغاز زنبیل ،سرپرست هیات ،1375 - کاوش در بندیان در گز ، سرپرست هیات ، 79-1377 - تعیین حریم و گمانه زنی جاده کمربندی اندیمشک در خوزستان ،سرپرست هیات 1367 - کاوش در محوطه باستانی آتشکوه دراستان مرکزی ،سرپرست هیات 1379 - کاوش در محوطه باستانی صالح داود خوزستان ،سرپرست هیات 1378 - مدیر پروژه بزرگ شوش - هفت تپه - چغازنبیل ،طی سالهای 77-76-75-74-1373 - بررسی و گمانه زنی تپه گتوند ،سرپرست هیات 1367 چگونگی عرضه آثار : مهدی رهبر در همایشهاو کنگره های ملی و بین المللی متعددی برای عرضه نتایج مطالعات و پژوهشهای باستان شناسی خود شرکت نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره

می‌شود: - پنجمین سمپوزیوم باستان شناسی ایران 1355 - ششمین سمپوزیوم باستان شناسی ایران 1356 - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی ایران ،مونیخ ،1976 - اولین گردهمایی باستان شناسی ایران بعد از انقلاب ـشوش 1373 - اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ،کرمان 1374 - دومین گردهمایی باستان شناسی ایران بعد از انقلاب ـتهران 1376 - دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران ،کرمان 1377 - انجمن ایران و فرانسه 1376 - سمینار بین المللی باستان شناسی در مسیر جاده ابریشم ـتهران 1376 - دانشگاه فردوسی مشهد 1377 - برای استادان و دانشجویان رشته تاریخ دانشگاه بجنورد 1379 ویژگی اثر : iran 19962 decouverte de panneaux de stics ویژگی اثر : sassanides dossire archologie 19993 decouverte ویژگی اثر : dun monument depooue sassanide a bandian iran 19965 gelalak ویژگی اثر : studia iranica 19984 dowsaran ویژگی اثر : iran 19986 khorheh -une residence parthe sur le ویژگی اثر : plateau iranine dossire archeologie7 1999 tombeaux d epooue parthe de gelalak dossier : archeologia 90-938 tombeaux el ymeen de gelalak pres de shushtar ویژگی اثر : archeologia 19979 trente -cino metres de stucs depooue sassanide archeologia199710 : ویژگی اثر آرامگاه دوره اشکانی «الیمایی » شوشتر ویژگی اثر : سازمان میراث فرهنگی 136511 بررسی آرامگاه منسوب به پیر شمس الدین سمنان ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 137412 بررسی تپه کینده اصفهان ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 137213 بررسی گورستان خضر خرم آباد ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136214 بررسی منطقه کنگاور ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135315 بررسی و گمانه زنی ارک بردسیر کرمان ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136016 بررسی و گمانه زنی تپه بکندی ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136217 بررسی و گمانه زنی کنارو ـ قره قطویه ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی18 بررسی و گمانه زنی میان آب شوشتر ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136919 پژوهشی درباره یک مجسمه مرمری یونانی مکشوفه از برازجان ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران 137820 چند پیکره کوچک مفرغی دوران سلوکی در موزه ایران باستان ، سفال نخودی رنگ و گسترش آن در جهان باستان ویژگی اثر : 136222 شناسایی و بررسی میان آب شوشتر ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136823 شناسایی وبررسی آب شوشتر به مسجد سلیمان ویژگی اثر : آرشیو

سازمان میراث فرهنگی 136724 علائم حجاران ساسانی در بیستون ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی135725 فصل اول کاوشهای باستان شناسی صالح داود خوزستان ویژگی اثر : 137926 فصلی جدید در کاوش های باستان شناسی بیستون ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136827 کاوش آرامگاههای الیمایی گلاک ویژگی اثر : میراث فرهنگی ،یادنامه گردهمایی باستان شناسی ،137328 کاوش های باستان شناسی بندیان ویژگی اثر : گزارشهای باستان شناسی ،ش 1 ،137329 کاوش های باستان شناسی شوش ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135630 کاوش های باستان شناسی شوش ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135331 کاوش های فصل اول و دوم بندیان ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 4-137332 کاوش های فصل سوم بندیان ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 137533 کاوشهای باستان شناسی بندیان ویژگی اثر : سیمای میراث فرهنگی خراسان 137834 کاوشهای باستان شناسی تپه سنگ چخماق ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135435 کنارو در پیوند با تمدنهای جنوب شرقی ایران ویژگی اثر : میراث فرهنگی ،ش 3و4، 137036 گزارش سامان دهی و مرمت بناهای تاریخی شوش ،هفت تپه وچغازنبیل ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 137337 گزارش کوتاه از سرماج ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135638 گزارش مقدماتی کاوش در محوطه آرامگاههای الیمایی گلاک ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136939 گزارشی از کمرد جاجرود ـچهل گیسو ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135840 گزلرش بررسی و گمانه زنی تپه گتوند ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136741 گمانه زنی عباس آباد کتول ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136042 گمانه زنی و تعیین خریم تپه پشت پمپ بنزین شوش ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 135543 گمانه زنی و حفاری در گورستان شغاب ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 137744 گورستان دوره هخامنشی دردوسران ـ زنجان ویژگی اثر : میراث فرهنگی ،ش 17 ، 137645 مرمت قلعه شوش ویژگی اثر : میراث فرهنگی 137346 معرفی نیایشگاه بندیان و مشکلات معماری آن ویژگی اثر : مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهر سازی ایران 137847 نمونه هایی از مظاهر اسارت ویژگی اثر : بررسی های تاریخی ،ش 11 ، 135548 نیایشگاه صائبین درکنارو گرگر ویژگی اثر : مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران 137449 هویت نیزه شکسته اهدایی به موزه نظامی ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث فرهنگی 136450 یک بنای سلوکی -اشکانی در خورهه ویژگی اثر : آرشیو سازمان میراث

فرهنگی 135651 یک کلاه خودمادی ویژگی اثر : بررسی های تاریخی ،ش 6، سال نهم 1353
منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان 1379

زال پور، خسرو

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خسرو زال پور
محل تولد : کازرون
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1345/5/9
زندگینامه علمی
آقای خسرو زال پور در نهم مرداد سال 1345هجری شمسی در خانواده ای متدین، مذهبی و دوستدار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در زادگاه خویش با موفقیت سپری کرد. در پی تشویق خانواده و علاقه خویش به فراگیری علوم دینی از یک سو و از سوی دیگر شوق زیارت و هم جواری با بارگاه کریمه اهل البیت حضرت معصومه سلام الله علیه او را راهی حوزه علمیه قم گردانید. در سال 1361 وارد حوزه علمیه قم گردید و در مدرسه رضویه مشغول تحصیل گردید. از نخستین روزهای ورود با تلاش و کوشش فراوان به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن سطوح عالی در سال 1369 به حلقه دروس خارج راه یافت. وی در ایام تحصیل حورزوی در قم از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله فاضل، آیت الله محمدی خراسانی، آیت الله راستی، و دیگر ستارگان درخشان حوزه علمیه قم کسب فیض کرد.
استاد در کنار تحصیل دروس حوزوی از تحصیلات دانشگاهی غافل نماند و در رشته روابط بین الملل در مقطع کارشناسی ارشد در سال 1381از دانشگاه شهید بهشتی تهران فارغ التحصیل گردید. و با موفقیت از پایان نامه خویش با عنوان" نظام بین الملل و امنیت جمهوری اسلامی ایران" دفاع کرد.
استاد در ایام تحصیل در قم به امر تدریس در دانشگاهها پرداخت و در مراکزی چون دانشگاه رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد اراک و... به تدریس پرداخت، که حاصل زحمات ایشان پرورش دانشجویان فراونی می باشد. وی از امر تحقیق و نگارش و تألیف غافل نماند و آثاری از قبیل "پیرامون انقلاب و امام خمینی"و"پیرامون سازمان ملل و ساختار آن" مقالاتی را به رشته تحریر در آورده است.وی هم اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه رازی

کرمانشاه می باشد.

زاهدی، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید زاهدی در سال 1326 در شهر تبریز به دنیا آمد. دوره ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و بعد از کسب دیپلم رشته طبیعی در رشته جغرفیا شروع به تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیا را در گرایش هیدرولوژی و کیلی تولوژی از کشور فرانسه اخذ کرد وی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تبریز در گروه جغرافیا است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : هیدرولوژی و کیلی تولوژیوالدین و انساب : پدر مجید زاهدی حسین زاهدی است و جدشان محمد باقر زاهدی. نام مادر محترمشان حلیم خاتونخاطرات کودکی : مجید زاهدی آن دوران را اینگونه توصیف میکند: «دوران کودکی دوره معصومیت و سادگی بود ولی با درسهایی که به اجبار باید حفظ میکردیم و دلیل آنهمه زحمت را نیز نمی دانستیم از یک طرف و صادقانه بگویم بد اخلاقی و خشونت بعضی و یا بهتر بگویم بیشتر معلمان، دوره کودکی را که از هر نظر مهم و با ارزش بود، برایمان تلخ کردند.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : مجید زاهدی میگوید: «خانواده متوسطی داشتم و پدرم لباس و لوازم خانگی می فروخت و من و برادرانم در اوقات بیکاری و فراغت به او کمک میکردیم.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : مجید زاهدی تحصیلات ابتدایی را در دبستان سعدی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1348ازهنرستان کشاورزی اخذ کرده‌اند . ایشان مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای طبیعی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را در سال1355 از دانشگاه گرنوبل - فرانسه دریافت نموده اند و در سال 1358 مدرک دکتری در رشته جغرافیای طبیعی را از دانشگاه گرنوبل - فرانسه با موفقیت اخذ کرده‌اند . عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : هیدرولوژی حوضه آبریزقزل اوزن ( ایران) ب - دکتری : مطالعات کلیماتولوژیکی و هیدرولوژی سلسله جبال بلدون وگراندروس ( آلپ فرانسه ) خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات دوران کارشناسی مجید زاهدی به حادثه ای اشاره میکند که در یک یک سفر 15 روزه و گردش علمی از طرف دانشگاه، در هنگام استراحت در مسیر برای شنا وارد رودخانه ای میشود و به علت سرعت بالای آب و یک بی احتیاطی در داخل رودخانه گرفتار میشود و چنیدین کیلومتر آب او را با خود میبرد و شناکرن وی نیز اثری نداشته، بعد از طی مسافت طولانی و رفتن به زیر

آب و بیرون آمدن و خستگی زباد به جریان آرام آب میرسد که با کمک عده ای محلی که کنار رودخانه بودند وی نجات پیدا میکند.فعالیتهای ضمن تحصیل : در دوران تحصیل پیش دانشگاه مجید زاهدی کمک به پدر، کارهای مکانیکی اتومبیل و بالاخره به عنوان تکنسین به کارهای دندانسازی و تهیه پروتز می پرداخته وی از دوران دانشجویی میگوید: « دوره دانشجویی در فرانسه به همکاری دوستانم در کنار دریاچه ویزل قایق پارویی اجاره میدادیم که کار مشغول و پر درآمدی بود.»استادان و مربیان : دکتر حبیب زاهدی،دکتر مقصود خیام، دکتر عبدالحمید رجایی، پروفسور ژان لو، پروفسور شارل فلیپ پگی از استادان مجید زاهدی میتوان نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر ستار صدر موسوی،دکتر سعید جهانبخش، دکتر بهروز ساری صراف، یوسف مسعودی فر، بهمن هادیلی، دکتر کریم چمن زاده دلیر، دکتر فیروز جمالی، خانم دکتر معصومه رجبی، خانم دکتر ملکه عزیزی، دکتر حسین شکوئی، دکتر قائمی از همدوره ایهای مجید زاهدی هستند.همسر و فرزندان : همسر مجید زاهدی سرکار خانم فیروزه معینی یکی از ناشران کتاب کودک هستند. وی دارای دو فرزند پسر به نامهای پُلاد زاهدی دانشجوی کامپیوتر، الیاد زاهدی دانشجوی مکانیک است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مدیر گروه جغرافیای طبیعی دانشگاه تبریز، معاون آموزش دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، معاون پژوهشی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانگشاه تبریز، مدیر مسئول و سر دبیر نیازمندیهای تبریز و نیز عضویت در کیمته سدهای بزرگ ایران و مشاور سازمان آب منطقه ای آذربایجان شرقی و اردبیل از فعالیتهای مجید زاهدی است.فعالیتهای آموزشی : تدریس مجید زاهدی در دانشگاه تبریز و دروس هیدرولوژی آبهای سطحی، هیدرولوژی شهری، آمار و احتمالات در جغرافیا و کارتوگرافی از فعالیتهای آموزشی وی است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیتهای مجید زاهدی : انتشار نشریه نیازمندیهای تبریز- انتشار نقشه اتوبوس رانی تبریز و نقشه قدیم تبریز چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر مجید زاهدی به قرار زیر است : تعداد مقاله های منتشرشده : 9 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 4 مورد تعداد کتابهای تالیف شده : 1 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 14 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 3 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 7 مورد آثار : 1 پیش بینی هوا به زبان ساده ویژگی اثر : ترجمه2 کارتوگرافی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات سمت، برای دانشجویان جغرافیاو نقشه برداری3 هیدرولوژی ویژگی اثر : در دست چاپ4 هیدرولوژی آبهای سطحی ویژگی اثر : ترجمه نوشته پروفسور ژان لو،

برای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته های جغرافیایی طبیعی و هیدرو لوژی

زمانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس زمانی در سال 1297 در گناباد خراسان دیده به جها ن گشود .وی تحصیلات ابتدایی خود را در گناباد و دیپلم ادبی خود رادر مشهد سال 1333گرفت. ایشان موفق به اخذ مدرک لیسانس باستان شناسی با رتبه اول در دانشگاه تهران شدو چهار سال از طرف دولت بورس کشور فرانسه گردید و دوره دکترای خود را در ظرف مدت دو سال و نیم از مدرسه لوور فرانسه گرفت وبه ایران بازگشت . دکتر زمانی تالیفات متعددی در خصوص بناهای تاریخی و تاریخ هنر ایران منتشر کرده است . وی درسال 1352 بر اثر سانحه رانندگی بدرود حیات گفت .گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : عباس زمانی در سال 1297 در گناباد خراسان دیده به جها ن گشود .تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس زمانی در سال 1315 گواهینامه شش کلاسه ابتدایی را در گناباد در یافت کرد .وی در سال 1333 به مشهد آمد وموفق به اخذ درجه دیپلم ادبی شد .سال بعد در کنکور دانشگاه شرکت نموده و در رشته حقوق پذیرفته شد .کمتر از یک سال حقوق خواند و سپس رشته اش را عوض کرده به دانشکده ادبیات رفت .این تغییر رشته به خاطر علاقه شدید وی به رشته باستان شناسی بود . در سال 1339با رتبه اول در دانشکده ادبیات لیسانس باستان شناسی خود را دریافت کرد.از طرف دولت یک بورس چهار ساله در اختیارش گذاشته شد تا برای ادامه تحصیل به فرانسه برود .راهی فرانسه شدو با پشتکار ،علاقه و استعداد فوق العادی که داشت دوره چهار ساله دکترا را در مدت دو سال و نیم گذراند و به ایران بازگشت .طی دوره دکترا در مدرسه لوور ،دوره زبان فرانسه را نیز گذراند و حتی در میان فارغ التحصیلان رشته زبان فرانسوی عنوان شاگرد او ل را کسب کرد. همسر و فرزندان : عباس زمانی در سال 1327 با خانم فخر الدین مطلبی ازدواج کردو حاصل ازدواج آنها دو دختر فرشته و فریور و یک پسر بنام فرهاد بود. زمان و علت فوت : عباس زمانی در آخرین سفر خود در راه تهران -مشهد دچار سانحه رانندگی شد .نزدیک ظهر 28 تیر ماه 1352 در حالی که بیست و دو کیلومتر از قوچان رد شده بودند که ناگهان اتومبیلی که از روبرومی آید ،هنگام سبقت گرفتن از یک اتوبوس .با اتومبیل حامل دکتر و خانواده اش به شدت تصادف کرد .خطر متوجه دیگران نبود.دکتر را به مشهد و سپس به تهران منتقل کردند .هفت

روز مقاومت کرد لیکن درست یک هفته پس از تصادف در روز پنج شنبه چهارم مرداد ماه ساعت 8/30 صبح زندگی را بدرود گفت . فعالیتهای آموزشی : عباس زمانی در سال 1315با تصدیق ششم ابتدایی در اداره معارف آن زمان مشغول کار شد.تا سال 1323به تدریس پرداخت و از آن سال به ریاست کار گزینی اداره فرهنگ سابق گناباد منصوب و مشغول کار شد و همزمان تدریس را ادامه داد.شادروان زمانی پس از بازگشت به وطن ،در دانشکده های الهیات ،ادبیات ،هنرهای زیبا و هنرهای دراماتیک به تدریس پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تدریس در دانشگاه ادامه داد. آثار : آثار تاریخی مهم گناباد ویژگی اثر : تخستین کنگره تحقیقات ایرانی 13522 اشیاء تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : هنر و مردم 13503 پیچ تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر : معماری ایران 13634 پیچ تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : هنر و مردم 13495 خط کوفی تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر : معماری ایران 13636 خط کوفی تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر : هنر و مردم 13527 در مساجد ایران نقشه سبک بدوی عرب وجود ندارد ویژگی اثر : معماری ایران 13638 در مساجد ایران نقشه سبک بدوی عرب وجود ندارد ویژگی اثر : هنر و مردم 13519 درباره تحولات درفش ایران ویژگی اثر : هنر و مردم 134810 دو اثر تاریخی در پسکلوت گناباد ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135211 سه اثر تاریخی در زیبد گناباد ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی135112 شباهت تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی ویژگی اثر : معماری ایران 136313 شباهتهای تخت جمشید هخامنشی و اصفهان عصر صفوی ویژگی اثر : هنر ومردم 135014 شیار تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : معماری ایران 136215 طاقنما و نغول تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ، طاقنماو نغول تزیینی در آثار تاریهی اسلامی ویژگی اثر : هنر و مردم 135217 طرح آربسک و اسلیمی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر : هنر ومردم 135218 طرح اربسک و اسلیمی در آثار تاریخی اسلامی 19 قدمت و تمدن نه هزار ساله دشت قزوین ویژگی اثر : هنر ومردم 135120 قلعه دختر شوراب گناباد ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135021 قلعه دختر مزار بجستان گناباد ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 125222 قلعه فرود گناباد برکی مشهور از یک داستان باستانی ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135223 گنبد دو پوش تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ویژگی اثر : هنر و مردم 135224 گوشوار وگوشواره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : هنر و مردم 135025 مزار سلطان محمد عابد ویژگی اثر : تهران 136326 مزار سلطان محمد عابد کاخک گناباد ویژگی اثر : هنر ومردم 135127 مزار سلطان محمدی معروف به

کاخک گناباد ویژگی اثر : هنر ومردم 135128 مسجد جامع گناباد ویژگی اثر : معماری ایران 136329 مسجد جامع گناباد ویژگی اثر : هنر ومردم 134930 مقبره جغتین گیسور ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135131 مقرنس تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : معماری ایران 136332 مقرنس تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : هنر ومردم 135033 منار و مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : معماری ایران 136334 منارو مناره تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران ویژگی اثر : هنر ومردم 135135 هنر سفالسازی در مندگناباد ویژگی اثر : هنر ومردم 1351

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان 1379

سحاب، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1379 -1300 ش)، محقق و جغرافیدان. مشهور به پدر کارتوگرافی ایران. وی را پدر جغرافیا و نقشه‌کشی ایران می‌دانند. در روستای فم از توابع تفرش، به دنیا آمد. پس از تحصیل در مکتب خانه، به همراه پدر به تهران آمد و وارد مدرسه کمالیه شد و دوره‌ی متوسطه را در مدارس ابن‌سینا و علمیه گذراند و در همین زمان استعداد و علاقه او به جغرافیا آشکار گردید. پدرش که به دلیل هزینه‌ی سنگین ترسیم نقشه‌های کتاب «جغرافیای آسیا» کارپنتر انگلیسی، با مشکل مواجه بود، فرزندش را به هنگام انجام تکالیف مدرسه به تهیه‌ی نقشه تشویق می‌کرد. همین موضوع زمینه‌های تأسیس مؤسسه جغرافیای و کارتوگرافی ایران را در 1315 ش فراهم آورد و وی به همراه پدرش، استاد ابوالقاسم سحاب، این مؤسسه را تأسیس نمود. مهندس سحاب در همان ایام به تهیه‌ی نقشه فرانسه و سپس نقشه اروپا اقدام کرد که مورد توجه صاحبنظران قرار گرفت. شهرت وی در آن دوران به جهت پیشرفتهای روزافزونش در امور تهیه‌ی نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی بود. او سپس تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران ادامه داد و بعد از مدتی نقشه تهران را تهیه کرد. وی از 1320 تا 1335 ش پس از مطالعه و بررسی و سفر به سی هزار روستا و شهر در سراسر کشور نقشه‌های متعددی ترسمی کرد که بر آثار تاریخی و فرمهای سنتی استوار است، از جمله نقشه‌های استان اصفهان، استان آذربایجان شرقی، استان مازندران، مشهد، بندرعباس و شیراز می‌باشند. او همچنین در سالهای 1320 تا 1330 ش نقشه های کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکیه، کویت، عراق، عربستان، هندوستان و اندونزی را با سبک خاص رسم تصاویر و تذهیب حاشیه ترسیم کرد. استاد سحاب در 1339 ش با تحمل مشکلات فراوان اولین دوره‌ی نقشه‌های آموزشی را برای مدارس در هشت قطعه (شامل نقشه‌های ایران، جهان‌نما و یکایک قاره‌ها) ترسیم نمود. او همچنین با همکاری مؤسسه‌ی کلمبوس آلمان اولین کره‌ی جغرافیایی را با خط فارسی در جهان تولید نمود. سرانجام مهندس سحاب، به علت بیماری قلب، در بیمارستان شهید مدرس تهران درگذشت. از دیگر آثار وی: تهیه‌ی اولین دوره‌ی نقشه‌های توریستی و ایرانگردی استانهای ایران؛ «اطلس مصور ایران و جهان»؛ «تاریخ شصت سال کارتوگرافی ایران».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اطلاعات (ش 22069، ص 4)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی دانشمند فقید استاد عباس سحاب، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3260/ 2).

سرائی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامهریزی شهری و استادیار پایه 17 دانشگاه یزد و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تفت است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیا و برنامهریزی شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسین سرائی دارای مدرک دکتری جغرافیا و برنامهریزی شهری می‌باشد. - موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد: «بازار یزد، پیدایش، پویش و کارکردهای آن» - موضوع پایان نامه دکتری «فرایند عرضه زمین و تأثیر آن بر کیفیت گسترش شهرها، مورد شهر یزد» مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مدیریتی و اجرایی دکتر محمدحسین سرائی به قرار زیر است: - مسئول روابط عمومی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از یک سال، - مدیر گروه علوم انسانی دانشگاه پیام نور تفت، بیش از دو سال، - معاون گروه جغرافیای دانشگاه یزد، قریب پنج سال، - معاون مدیر کل دانشجوئی دانشگاه یزد از 24/6/1386 تاکنون، - نماینده تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیا در مجتمع علوم انسانی از 1/6/1386 تا ایجاد دانشکده علوم انسانی، - نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکدهٔ علوم انسانی در مجتمع علوم انسانی از 6/11/1386 تا انحلال مجتمع علوم انسانی، - نماینده مجتمع علوم انسانی در شورای طرحهای عمرانی جهت پیگیری ساختمان مجتمع علوم انسانی، - عضو پیوسته انجمن بین‌المللی همکاری‌های علمی ایران شناسی، - عضو پیوستهٔ انجمن جغرافیدانان ایران. چگونگی عرضه آثار : - راهنمای یازده پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - مشاوره هفت پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - داوری ده‌ها پایان نامه فوق لیسانس با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - داوری ده‌ها مقاله علمی- پژوهشی با موضوعات شهری و برنامه‌ریزی شهری - تعداد مجری طرحهای پژوهشی: بیش از سه مورد - تعداد مقالات علمی- پژوهشی ارائه شده توسط ایشان: بیش از 10 مورد - تعداد مقاله پذیرفته شده جهت سخنرانی و چاپ: بیش از 8 مورد

سعیدی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عباس سعیدی در سال 1329 خورشیدی در تهران بدنیا امد. ایشان پس اخذ دیپلم طبیعی در رشته جغرافیا به تحصیل پرداخت و مدرک کارشناسی جغرافیا و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی را از دانشگاه ملی تهران بترتیب در سالهای 1353 و 1355 اخذ کرد. ومدرک دکتری رشته علوم طبیعی را از دانشگاه فیلیپس واقع در شهر ماربورگ آلمان در سال 1363 دریافت کرد.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه 18 گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال 1364 می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیاگرایش : علوم طبیعیتحصیلات رسمی و حرفه ای : اخذ دیپلم متوسطه رشته علوم طبیعی از دبیرستان ادیب،اتهران در سال1349 اخذ مدرک لیسانس رشته جغرافیا از دانشگاه ملی ایران در سال1353 اخذ مدرک فوق لیسانس رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه ملی ایران، در سال1355 اخذ مدرک دکتری رشته علوم طبیعی از دانشگاه فیلیپس،آلمان/ماربورگ در سال1363 پس از دکتری رشته آموزش دانشگاهی و توسعه بین‌الملل از دانشگاه کاسل آلمان/ کاسل،در سال 1364مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شغل و همکاری علمی ـ تحقیقاتی عباس سعیدی: ـ عضو هیأت علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی از سال 1364 (رتبه علمی: دانشیار پایهٔ 18)؛ ـ همکاری با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (از سال 1365)؛ در حال حاضر: مدیر گروه جغرافیای دانشنامه فارسی و عضو شورای عالی مرکز؛ همچنین مولف و ویراستار؛ ـ همکاری با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از سال 1369 به عنوان مشاور عالی اجتماعی ـ اقتصادی؛ ـ عضو هیأت رئیسه انجمن جغرافیایی ایران از آغاز فعالیت پس از انقلاب (دو دوره دبیر انجمن) تاکنون (1382)؛ چگونگی عرضه آثار : عباس سعیدی آثار خود را بصورت تالیف کتب (شامل سه کتاب است) و ترجمه یک کتاب ارائه می کند. ایشان همچنین مقالاتی در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در یازده جلد دارد . - راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی: 30 پایان نامه - راهنمایی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد: 47 پایان نامه - راهنمایی پایان‌نامه‌های دکتری: 3 پایان نامه طرح پژوهشی دکتر سعیدی به قرار زیر است: سطح‌بندی روستاهای کشور (با همکاری مهدی طالب، صدیقه حسینی و...)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 3 جلد، 1371-1377؛

استقرار بهینه روستاهای پراکنده استان کهگیلویه و بویر احمد (با همکاری مهدی طالب، جواد صفی‌نژاد)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 4 جلد، 1373؛ گونه‌شناسی معماری و سازه‌ای مسکن روستایی استان سمنان، 3 جلد، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی/ بنیاد مسکن، 1376؛ ساماندهی روستاهای پراکنده شهرستان ایذه، بنیاد مسکن... استان خوزستان، 3 جلد، 1377-1378؛ کیش: مروارید خلیج فارس، سازمان منطقه آزاد کیش، 1379. مکان گزینی سکونتگاههای روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، 1381؛ امکانات و تنگناهای منابع آب کشور از دیدگاه جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی، 1380-1381؛ آثار : 1 ایران: شهر ـ روستا ـ عشایر (اکارت اهلرس) ویژگی اثر : ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران، چاپ اول، 13802 شیوه‌های سکونت گزینی و گونه‌های مسکن روستایی، بنیاد مسکن/برنامه توسعه سازمان ملل ویژگی اثر : تهران، 13753 مبانی جغرافیای روستایی ویژگی اثر : انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، 1377 (چاپ چهارم، 1381)4 مبانی دانش جغرافیا، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی، وزارت آموزش و پرورش، ویژگی اثر : چاپ اول، 1374 (چاپ هشتم، 1381)

سمسار، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن سمسار متولد سال1313 شیراز دارای دکتری تاریخ از دانشگاه تهران، عضو هئیت علمی و مدیر بخش معماری و هنر دایره المعارف بزرگ اسلامی از سال1365 می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدحسن سمسار درسال1313 ه.ش در اواسط سلطنت رضا شاه پهلوی چشم به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن سمسار دارای لیسان باستان شناسی و تاریخ هنر از دانشگاه تهران در سال1337، لیسانس تاریخ درسال1342، لیسانس مطالعات تاریخی و تحقیقات تاریخ از دانشگاه تهران و دکتری تاریخ از همان دانشگاه است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری در رشته تاریخ و تحصیلات در رشته ی باستان شناسی از مقاطع مهم زندگی محمدحسن سمسار بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن سمسار درحین تحصیل تاریخ به مطالعات و تحقیقات باستان شناختی علاقه بسیار داشته است.وقایع میانسالی : محمدحسن سمسار مدتی سرپرست موزه ها کارشناس آثار هنری و نسخ خطی وزارت فرهنگ و هنر و استاد مدعو دانشگاه مدرس و عضو هئیت علمی دایره المعارف بزرگ اسلامی است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عضو هئیت علمی و مدیر بخش معماری و هنر دایره المعارف بزرگ اسلامی از سال1365 ه.ش، موزه دارد و رئیس موزه های هنرهای تزیینی و سرپرست کل اداره موزه ها از سال1337 تا 1357 و کارشناس نسخ خطی وزارت فرهنگ و هنر ، مدرس تاریخ هنر درگروه باستان شناسی و استاد مدعو دانشگاه تهران و تربیت مدرس بوده است.فعالیتهای آموزشی : محمدحسن سمسار سالهاست که به تدریس باستان شناسی و حفاظت نسخ خطی در دانشگاه تهران و تربیت مدرس بوده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسن سمسار درکنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موزه داری در ایران پرداخته است. آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن سمسار از جمله باستان شناسانی است که به حفاظت مکتوب و موزه داری علاقمند است.آثار : جغرافیای تاریخی سیراف ، گزینه ای در شاهکاری نگارگری و خوشنویسی تهران ، گنجینه کتب و نقاشی خطی ، موزه های ایران ، هنر ایران
منابع زندگینامه :(موزه های ایرانی) ایران، (29آذر 84)ص 11

سید سجادی، منصور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید منصور سید سجادی متولد سال 1347 شهر کرج است. وی پس از گذراندن دوره دبیرستان در رشته ادبیات و علوم انسانی به عنوان دانشجوی رشته ادبیات وارد دانشگاه تهران شد. وی بر حسب اتفاق به دلیل بدست نیاوردن نمرات کافی بناچار وارد رشته باستانشناسی گردید و پس از چند دوره حفاری در نقاط مختلف ایران و همکاری با باستانشناسان برجسته جهان، از آن رشته فارغ التحصی گردید و راهی خدمت سربازی شد. سپس به استخدام مرکز باستانشناسی ایران درآمد و بعد از همکاری با آن مرکز با بورس تحصیلی وارد کشور ایتالیا و دانشگاه شرق شناسی ناپل شدو در سال 1368 موفق به دریافت دکترای ایرانشناسی از آن دانشگاه گردید. وی پس 18 سال دوری از ایران در سال 1376 به ایران بازگشت و با مطالعات چند ساله خود را در زمینه شهر سوخته در موسسه شرق شناسی ایزمئو با حفاری در محوطه باستانی شهر سوخته از سر گرفت کا تا کنون ادامه دارد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : ایرانشناسی خاطرات کودکی : شاید آن کودک ۱۱ ساله که نخستین مطالعه جدی خود را با رمان بینوایان ویکتور هوگو؛ که از دایی خود هدیه گرفته بود آغاز کرد، هرگز باور نمی کرد روزی سرپرست هیأت باستان شناسی محوطه ای شود که یکی از کهن ترین و بزرگترین تمدن های شرق فلات ایران است. ادبیات، تاریخ و جغرافیا موضوع هایی بودند که به شکلی غریزی سید منصور سید سجادی را مجذوب خود می کردند. علاقه بیش از حد سجادی به این موضوع ها باعث می شد تا در دوره دبستان و دبیرستان نیز او این قبیل موضوع ها را دنبال کند و نمرات خوبی از آن ها بگیرد. در کلاس ششم نقش انسان های ماقبل تاریخ و جانوران عظیم الجثه روی کتاب تاریخ و جغرافیای آن دوران توجه سجادی نوجوان را به خود جلب کرده بود و خودش می گوید، این نخستین تماس وی با عالم باستان شناسی بود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : - تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی در کرج مدرسه دکتر مرادیان، دبیرستان های فارابی و دهخدا - دیپلم رشته ادبی ( تهران) ۱۳۴۷ - لیسانس در رشته باستان شناسی و هنر از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ۱۳۵۱ - درجه دوتوره (dottore) در رشته خاورشناسی از دانشگاه شرق شناسی ناپل ۱۳۵۷ با درجه عالی - دکتری در ایران شناسی از دانشگاه شرق شناسی ناپل ۱۳۶۸

خاطرات و وقایع تحصیل : سید منصور سید سجادی جوان پس از ورود به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، روانشناسی و ادبیات انگلیسی و فارسی و برخی دروس عمومی نخستین تماس او با این رشته بودند، اما زندگی سجادی از زمانی مسیر خود را تغییر داد که او موفق نشد نمرات کافی برای رفتن به رشته جامعه شناسی و روانشناسی را که در آن زمان، تحصیل در این رشتهها میان دانشجویان ادبیات «مد» شده بود را پیدا کند. البته سجادی شیفته تاریخ و جغرافیا بود و شاید با رفتن به رشته جامعه شناسی و روانشناسی خیلی دوام نمی آورد و دوباره به سوی علایق خود می رفت. سجادی تا آن زمان نمی دانست در دانشگاه رشته ای به نام باستان شناسی هم وجود دارد. او در سال ۱۳۴۷ برای تعیین رشته خود با این نام آشنا شد و از میان رشته های روزنامه نگاری و باستان شناسی، به گفته خودش خیلی تصادفی وارد رشته باستان شناسی شد. «در آن زمان دانشجویانی که نمرات کافی از دروس عمومی نمی گرفتند برای ادامه تحصیل و داشتن مدرک لیسانس به رشته باستان شناسی می آمدند. البته دراین میان بودند کسانی مثل من که بر حسب علاقه این رشته را انتخاب می کردند. در میان دانشجویان این رشته بودند کسانی که در سنین بالاتری بودند و برای ارتقای شغلی و مقامی ،رشته باستان شناسی را انتخاب می کردند تا با گرفتن لیسانس به اهداف خود برسند. خلاصه رشته باستان شناسی در آن زمان چنین وضعی داشت. » وی از دوران مرمت و آماده سازی کاروانسرای سگزآباد تخاطره جالبی دارد : سجادی می گوید: «کار عبثی بود. خاکی که روی سر در را گرفته به صد سال اخیر مربوط می شد و باید آن را تا رسیدن به کف دوره صفوی برمی داشتم. اما از خوش روزگار یک سکه دوره صفوی در سردر پیدا کردم و همین باعث شد تصویر و نام من در کتاب ۵۰ سال باستان شناسی ایران دکتر نگهبان برود. در آن کتاب نگهبان از من به عنوان دانشجوی سابقه دار یاد کرده است. » توزی از سوی مؤسسه شرق شناسی ایزمئو مأمور کاوش های باستان شناسی در شهرسوخته شده بود. آمدن توزی به حسن لو باعث آشنایی سجادی با شهر سوخته و دعوت از وی شد. سجادی پذیرفت و سال بعد با توزی راهی شهر سوخته شد همکاری با توزی نخستین گام های سجادی در آشنایی با شهرسوخته بود. از خاطرات آن زمان کشف کتیبه شهرسوخته از همه برای سجادی شیرین تر است. فعالیتهای ضمن تحصیل : تا پیش از سال ۱۳۴۸ دانشجویان رشته باستان شناسی به حفاری اجباری نمی رفتند به همین دلیل لیسانس گرفتن در این رشته آسان تر از دیگر رشته ها بود. اما ورود سجادی به رشته باستان شناسی همزمان با آمدن دکتر یوسف مجیدزاده از آمریکا به ایران شد و از سر اتفاق پس از ملاقات با سجادی جوان که تازه باستان شناسی را در دانشگاه آغاز کرده بود، او را با خود به

تپه «چغامیش» در خوزستان برد. این نخستین باری بود که سجادی یک سایت باستانی را از نزدیک می دید و روی آن حفاری باستان شناسی انجام می داد. سال ۱۳۴۹ نخستین سال حفاری اجباری برای باستان شناسان بود و به همین دلیل مورد اعتراض برخی از دانشجویانی قرار گرفت که تنها برای گرفتن لیسانس به دانشگاه آمده بودند. اعتراض آنان به جایی نرسید و نگهبان همه را برای حفاری اجباری به تپه قبرستان سگزآباد قزوین برد. این نخستین حفاری سجادی بود و وی در حفاری تمام نمرات خود را الف گرفت برگشت سجادی به دانشگاه پس از یک دوره حفاری درست زمانی بود که گذراندن ۲۰ واحد درسی به صورت حفاری از سوی دانشکده برای دانشجویان رشته باستان شناسی اجباری شد. این ایده دکتر نگهبان بود که در آن زمان رئیس گروه باستان شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. پیش از این دکتر نگهبان کاروانسرای سگزآباد را از ژاندارمری گرفته بود و به همراه دانشجویان رشته باستان شناسی به مرمت و آماده سازی این کاروانسرا پرداخت. هیچ یک از باستان شناسان نمی دانستند آماده سازی این کاروانسرا به منظور آماده سازی محلی برای سپری کردن حفاری اجباری است. در آن زمان نگهبان سجادی را مأمور کاوش در محل سردر کاروانسرا کرد. استادان و مربیان : ازاستادان سید منصور سید سجادی میتوان به دکتر یوسف مجیدزاده اشاره کرد که ملاقات اتفاقی این دو باعث شد آنها برای حفاری به تپه چغامیش بروند.هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران سید منصور سید سجادی در حفاریهای باستانشناسی در تپه چغامیش میتوان به دکتر مجید زاده و خانم کن تور و آقای دلوگاس دو باستانشناس مطرح آمریکایی در حفاریهای تپه چغامیش در ابتدای دوره تحصیلی باستانشناسی وی اشاره کرد او می‌گوید: «حفاری با کن تور و دلوگاس که هر دو استادان رشته باستان شناسی در دانشگاه شیکاگو بودند شانس بزرگی بود. در آن حفاری تازه فهمیدم هر آنچه در دانشگاه خوانده ام تنها تئوری بوده و دنیای باستان شناسی جای دیگری است. » و نیز همکاری با دایسون باستانشاس آمریکایی، نخستین مأموریت اداری او به عنوان نماینده دولت به همراه هیأت باستان شناسی آمریکایی به سرپرستی «دایسون» در تپه حسن لو آذربایجان غربی بود. «من باستان شناس خوش شناسی بودم. در طول فعالیتم در مرکز باستان شناسی با بهترین باستان شناسان خارجی همکاری کردم. بودن در هیأت دایسون به من چیزهای تازه ای آموخت. او یکی از بهترین باستان شناسان دنیا بود. مدت یک سال و نیم در هیأت دایسون بودم تا این که «مائوریتسیو توزی» برای مطالعات گیاه باستان شناسی به تپه حسن لو آمد. » توزی از سوی مؤسسه شرق شناسی ایزمئو مأمور کاوش های باستان شناسی در شهرسوخته شده بود. آمدن توزی به حسن لو باعث آشنایی سجادی با شهر

سوخته و دعوت از وی شد. سجادی پذیرفت و سال بعد با توزی راهی شهر سوخته شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - عضو گروه های بررسی و کاوش در: تپه قبرستان قزوین، چغامیش خوزستان، حسنلو آذربایجان غربی، ماهیدشت کرمانشاه، ایذه بختیاری، غبیرا کرمان، شهر سوخته، بررسی سیستان، - عضو و معاونت گروه باستان شناسی در: سیراف ( بندر طاهری) خلیج فارس، بررسی بروجرد، بررسی ایذه و بختیاری. فعالیتهای آموزشی : سید منصور سید سجادی تا کنون در کنار فعالیت های خود به تعلیم کار میدانی به بیش از ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های سیستان و بلوچستان و دانشگاه زابل که تعداد قابل توجهی از آنان اکنون در رده های نسبتاً بالای سازمان میراث فرهنگی کار می کنند و یا در دانشگاه‌ها مشغول تدریس هستند، پرداخته است. آموزش حفاری دانشجویان دانشگاه زابل بعد از بازگشت به ایران به درخواست هیئت علمی آن دانشگاه سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پس از انقلاب فعالیت های باستان شناسی شهرسوخته متوقف شد، اما سید منصور سید سجادی در مؤسسه ایزمئو و در سالن شهرسوخته به مدت ۱۸ سال مشغول مطالعه روی یافته های باستان شناسی این محوطه باستانی شد. پس از این دوران سجادی دوباره به ایران بازگشت و در سال ۱۳۷۶ خواستار ادامه کاوش های باستان شناسی در شهرسوخته شد. در آن زمان کسی را در ایران نمی شناخت و بر حسب اتفاق با چند اسم از طریق دوستان سابق خود آشنا شد. یکی از آن اسامی «ضروری» بود که اکنون به مدت ده سال است با سجادی در گورستان شهرسوخته فعالیت می کند و اکنون سرپرست گورستان این محوطه باستانی است. یکی دیگر از اسامی فروزانفر بود. او از ابتدا با سجادی در شهر سوخته بود و در تمامی مطالعات انسان شناسی به هیأت سجادی یاری رساند. سال ۱۳۷۶ بررسی منطقه با هیأتی که تشکیل شده بود فصل جدیدی از کاوش های شهر سوخته آغاز شد. در همان آغاز سجادی در یک برنامه ریزی از قبل تعیین شده در کنار بخش های دیگر محوطه تصمیم به حفاری بخش گورستانی شهر سوخته کرد. برای این منظور یک زمان ۱۰ ساله در نظر گرفته شد. کاوش‌ها در گورستان شهرسوخته اطلاعات ارزشمندی را برای باستان شناسان به ارمغان آورد. پیش از این دکتر سجادی برای نخستین بار در باستان شناسی ایران لزوم کاربرد علوم دیگر در باستان شناسی رادر سال۱۳۶۵ در مقاله ای مطرح کرد. این کار را در گروه باستان شناسی شهر سوخته که امروزه مهمترین و کاملترین گروه باستان شناسی کشور هست انجام گرفت و سجادی مجموعه ای از علوم میان رشته ای باستان شناسی از قبیل انسان شناسی استخوانی، گیاه باستان شناسی، مطالعات باستان شناسی روی سنگ های قیمتی و. . . را در شهر سوخته راه

انداخت. این مطالعات اکنون در بیشتر هیأت های باستان شناسی ایران انجام می شود. نهادینه شدن مطالعات زیست شناسی، گیاه شناسی و بویژه انسان شناسی به طوری دنبال شد که در حال حاضر شهر سوخته دارای بزرگترین مجموعه انسانی در سرتاسر ایران است. سفال منقوش به بز شهرسوخته از جمله اشیایی بود که به وسیله ایتالیایی ها در شهر سوخته کشف شد. این نقش بزی را نشان می دهد که در پنج حرکت در حال خوردن برگی از درخت است. این سفال نخستین انیمیشن جهان شناخته شده است. سجادی پس از انقلاب نخستین بار مسأله انیمیشن شهر سوخته را مطرح کرد. از دیگر یافته های باستان شناسی شهر سوخته کشف جمجمه ای متعلق به دختری ۱۳ ساله بود که در ۴۵۰۰ سال قبل مورد جراحی قرار گرفته بود. نخستین بار مسأله جراحی جمجمه سر در شهر سوخته و به وسیله سجادی عنوان شد. از جمله مهمترین یافته های باستان شناسی در شهر سوخته کشف طبخ غذا در این محوطه باستانی است. باستان شناسان تا کنون با بررسی های علمی روی اشیای به دست آمده و دانه های گیاهی و بقایای جانوری دستور تهیه بیش از ۵ نوع غذای باستانی که در زمان مردم شهر سوخته رایج بوده است را کشف کرده اند. سجادی امروز یکی از شناخته ترین باستان شناسان جهان است. او تا کنون علاوه بر فعالیت های باستان شناسی در ایران تعدادی محوطه های باستان شناسی را در ایتالیا و دیگر کشورهای جهان را نیز حفاری کرده است. غبیرا ( کرمان)، بردسیر ( کرمان)، جیرفت وهلیل رود (کرمان)، نور آباد در لرستان، شهر سوخته، کوه خواجه، دهانه غلامان، تپه طالب خان و تپه بمپور در سیستان و بلوچستان و همچنین حفاری و بررسی در محوطه های دوران پیش از تاریخ و آغاز تاریخی در ایتالیا، و ترکمنستان و گرجستان و مجارستان از جمله این فعالیت ها است. چگونگی عرضه آثار : - سخنرانی های متعدد در باره تاریخ و فرهنگ ایران، بویژه شهر سوخته در همایش های ملی و بین المللی در ایران و سایر کشور ها - طرح لزوم کاربرد علوم دیگر در باستان شناسی در سال ۱۳۶۵ برای نخستین بار - انجام مطالعات زیست شناسی، گیاه شناسی و بویژه انسان شناسی به طوری که در حال حاضر شهر سوخته دارای بزرگترین مجموعه انسانی در سرتاسر ایران است - طرح مسأله انیمیشن شهر سوخته برای نخستین بار - طرح مسأله جراحی جمجمه سر برای نخستین بار فهرست کتاب ها و مقاله های وی: ۲۷ مقاله به فارسی۶، کتاب به فارسی۱۲، تک نگاری به فارسی ۲، کتاب ترجمه از انگلیسی و ایتالیایی ۲ مقاله از انگلیسی و ایتالیایی ۲۱، مقاله به انگلیسی ۱، کتاب به ایتالیایی درباره قنات ۱، کتاب به انگلیسی. (تنظیم و ترجمه و ویرایش و چاپ کتاب کاوش های شهداد مرحوم علی حاکمی به انگلیسی)۶، مقاله به ایتالیایی،دو مقاله به فرانسه،دو مقاله به روسی،یک

مقاله به آلمانی ۴، تک نگاری به انگلیسی آثار : آرمان ایران. گفتاری درباره ریشه ها و اصل نام ایران ویژگی اثر : ترجمه، نوشته گراردو نیولی ( از انگلیسی2 کتاب تحقیقات تاریخی در باره سیستان باستان ویژگی اثر : ترجمه، نوشته گراردو نیولی (از ایتالیایی)3 مقالات : - «باستان شناسی بلوچستان»: دایرة المعارف بزرگ اسلامی - یک مقاله در باره شهر سوخته در یک مجموعه کتاب در باره این شهر ( انگلیسی) - یک مقاله در باره منابع سنگ لاجورد جیرفت ( انگلیسی) از مهمترین کار های در دست تألیف یک دوره کتاب در باره کاوش های شهر سوخته: مقاله های فارسی«بررسی های باستان شناسی در شمال خوزستان» در : Archaeological investigations in Northern Xuzestan 1976H.T. Ann Arbore, 1979,PP 1 (ed. ) Wrigth 1362- «نگاهی به فرهنگهای ناشناخته نیمه شرقی فلات ایران: شهر سوخته» در: فروهر

سیفی، عبدالحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، جغرافیدان و مورخ. کتابی در جغرافیای شهر و تاریخ آستان قدس و رویداد حجاب دارد به نام «تاریخچه‌ی خراسان».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرستواره‌ی کتابهای چاپی (178/1).

شاپور شهبازی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا شاپور شهبازی در خانواده ای اصیل در شیراز متولد شد و یکی از مفاخر بزرگ ایران محسوب میشوند.او جزء بهترین هخامنشی شناسان جهان بود که در راه شناخت این دوره از تاریخ ایران زحمات فراوانی کشید. وی در اینباره صدها مقاله به چاپ رساند و نشریات فراوانی را پایه گذاری کرد.شهبازی یکی از دانشمندان تاریخ ایران بود و او را به عنوان یکی از بزرگترین هخامنشی شناسان جهان می شناختند.شاپور شهبازی نه تنها در دوره هخامنشی؛ بلکه در دوره های ساسانی و اسلامی نیز یکی از صاحبنظرن ایرانی محسوب می شدند. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : هخامنش شناس تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیرضا شاپور شهبازی در رشته باستانشناسی و زبانهای باستانی دکتری داشتند .زمان و علت فوت : علیرضا شاپور شهبازی از 9 ماه قبل برای درمان بیماری سرطاان عازم آمریکا شد و در این مدت تحت معالجه قرار گرفت اما سرانجام 25تیر ماه 1385 دارفانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علیرضا شاپور شهبازی مدتها به عنوان مشاور عالی با بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد همکاری میکردند. در این راه شاگردان فراوانی را تربیت کرده اند و در کارهای بنیاد نظارت علمی داشتند. از جمله مهمترین فعالیت های مرحوم شهبازی در بنیاد پارسه پاسارگاد یاری رساندن در ترسیم استراتژی پژوهشی بنیاد بود. از دیگر فعالیتهای دکتر شهبازی میتوان به همکاری تنگاتنگ وی با فرهنگستان علوم اشاره کرد که تدوین بخش هخامنشی دایرهالمعارف بزرگ اسلامی نیز توسط وی انجام گرفته است.چگونگی عرضه آثار : علیرضا شاپور شهبازی کتابهای زیادی درباره تاریخ و تمدن ایران نوشته اند . او کتابهای زیادی در دست انتشار دارد که برخی از آنها توسط بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد منتشر می شود .آثار : تدوین بخش هخامنشی دایرهالمعارف بزرگ اسلامی ویژگی اثر : در اثر همکاری وی با فرهنگستان علوم2 تهیه راهنمای گردشگری ویژگی اثر : تدوین بخش هخامنشی دایرهالمعارف بزرگ اسلامی3 راهنمای مستند و علمی تخت جمشید ویژگی اثر : راهنمای مستند و علمی تخت جمشید که امروزه به عنوان یکی از مراجع محققین مورد استفاده قرار می گیرد اشاره کرد.

شایان، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیاوش شایان در سال 1333 به دنیا آمد. او در رشته جغرافیای طبیعی تحصیلات آکادمیک را دنبال کرد و با اخذ دکترای ژئومرفولوژی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی از سال1370 با تربیت معلم تهران و از سال 1375 همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد و هم اکنون نیز عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. او ضمن ارائه مقالات تخصصی در همایشها و سمینارهای مختلف، آثاری نیز به رشته تحریر درآورده و باتوجه به همکاری نزدیکی که با نشریات تخصصی داشته برخی مقالات خود را در این نشریات به رشته تحریر درآورده است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش شایان پس از اتمام دوره دبیرستان، وارد دانشگاه تبریز شد و در سال 1358 لیسانس جغرافیای طبیعی را به اتمام رساند. پس از آن مقطع کارشناسی ارشد را در رشته جغرافیای طبیعی با گرایش اقلیم شناسی در دانشگاه تهران دنبال کرد و تا سال 1366تحصیلات این مقطع ادامه یافت. او سرانجام در سال 1379 به اخذ درجه دکترای جغرافیای طبیعی با گرایش ژئومرفولوژی نائل آمد.هم دوره ای ها و همکاران : سیاوش شایان با دکتر حسین شکویی، استاد گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر فرج ا...محمودی.استاد ژئومورفولوژی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران و دکتر عبدالرضا افتخاری، استادیار جغرافیای روستایی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس همکاری نزدیکی دارد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش شایان به عنوان کارشناس برنامه ریزی وتالیف کتابهای درسی جغرافیا با سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی همکاری دارد. او همچنین از سال 1375به عنوان مدیر داخلی مجله رشد آموزش جغرافیا همکاری خود را آغاز و تاکنون ادامه دارد.فعالیتهای آموزشی : سیاوش شایان عضو هیات علمی گروه جغرافیای دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس می باشد. علاوه بر آن وی از سال1370 با تربیت معلم تهران و از سال 1375 همکاری خود را به عنوان استاد مدعو با گروه جغرافیای دانشگاه تهران آغاز کرد.او تاکنون تدریس دروس زیر را به عهده داشته است: نام درس دوره 1-جغرافیای ناحیه ای ایران(کوهستانی) کارشناسی 2-ژئومرفولوژی شهری کارشناسی 3-کاربرد ژئومرفولوژی

دربرنامه ریزی شهری وروستایی کارشناسی 4-جغرافیای طبیعی شهر(ژئومرفولوژی) کارشناسی ارشد 5-اکوسیستم های محیطی کارشناسی ارشد 6-مطالعات محیطی در برنامه ریزی روستایی کارشناسی ارشد 7-مدیریت زیست محیطی دکتری 8-ژئومرفولوژی ومدیریت محیط دکتری 9 - برنامه ریزی محیطی کارشناسی ارشد 10-واحدهای ژئومورفولوژی ایران کارشناسی ارشد 11-متون جغرافیایی (شهری- روستایی-طبیعی و انسانی ) کارشناسی و کارشناسی ارشد سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش شایان با فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی ( موسسه جغرافیا دانشگاه تهران )، فصلنامه فرهنگان(موسسه فرهنگی علیمرادیان)، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا ( سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی)، کتاب ماه تاریخ وجغرافیا (وزارت فرهنگ وارشاداسلامی) و کتاب سال جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. او از داوران جشنواره خوارزمی به شمار می آید. از جمله فعالیتهای دیگر دکتر شایان عبارتند از: 1-عضویت وشرکت در کمیته آموزشی ،کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی،وزارت کشور،75-1374 2-عضویت وشرکت در کمیته آموزشی زلزله،کمیته ملی سازمان پژوهشهای علمی کشور ،وزارت علوم ،تحقیقات وفناوری،1375 3-شرکت در کارگاه برنامه ریزی درسی وآموزش جغرافیا،مرکز آموزش مدیریت دولتی،تهران،1374 4-شرکت در کارگاه روشهای تدریس،دانشگاه تربیت مدرس ،تهران،1379 5-عضویت وشرکت در کمیته برنامه ریزی درسی جغرافیا،سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی،1364تا کنون 6-عضویت در کمیته ایرانشناسی،سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی،1378تا کنون 7-عضویت درهیئت تحریریه مجله رشد آموزش جغرافیا،1365تاکنون 8-عضویت درهیئت تحریریه فصلنامه فرهنگان،1378تاکنون 9-عضویت در انجمن جغرافیایی ایران1381 آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی سیاوش شایان عبارتند از: 1-ژئومرفولوژی کاربردی (در برنامه ریزی های محیطی) 2-اکوسیستم های کوهستانی وتغییر در مورفولوژی نواحی کوهستانی 3-هیدرولوژی جریانی(رودخانه ای) و اشکال حاصل از جریان وتحولات ژئومورفولوژیکی حاصل از آن 4- کاربردهای علم سنجش از دور در مطالعات ژئومورفولوژیکی 5- تحولات ژئومرفولوژی ایران طی کواترنر 6- فرسایش آنتروپوژنیک (حاصل فعالیت انسان)ونتایج آن در تحولات آب ،خاک.گیاه 7- مبناهای ژئومورفولوژیکی در ارزیابی های زیست محیطی

شفقی، سیروس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1312، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته جغرافیا، تاریخ و علوم تربیتی در سال 1337، دکترا در رشته جغرافیای شهری و زمین‌شناسی و مردم‌شناسی از دانشگاه کلن آلمان در سال 1344.
مرتبه علمی:
آسیستان علمی دانشگاه کلن آلمان به مدت 20 ماه، پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشگاه اصفهان در سال 1356.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعه و تحقیق در زمینه جغرافیای اصفهان، تأثیر جغرافیائی وقف در اصفهان و مطالعات طرح تغییر محور مجتمع فولاد مبارکه، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 2
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای شهری، مبانی کوچ‌نشینی و مسائل کشاورزی ایران.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 29، تعداد مقالات بزبان خارجی: 8
زمینه علمی مقالات:
مسائل جغرافیائی ایران، مسائل جغرافیای شهری ایران و مسائل کوچ‌نشینی در ایران.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

صالحی، محمدصالح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد صالح صالحی در سال 1324 روز 20 تیر ماه در شهر اردبیل دیده به جهان گشود .وی تحصیلات ابتدایی خود را تا ششم ریاضی در مدارس اردبیل گرفت و برای تحصیل در رشته باستان شناسی وارد دانشگاه تهران شد.پس از دریافت لیسانس باستان شناسی با کسب بورس عازم کشور فرانسه شد.صالحی فوق لیسانس و دکتری خود را از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد. دکتر صالحی در تابستان 1374 وقتی که به همراه دانشجویان برای کاوش های آموزشی باستان شناسی به قزوین عزیمت کرده بود در یک سانحه رانندگی به دیار باقی شتافت.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : محمد صالح صالحی در 20 تیر ماه 1324در شهر اردبیل متولد شد .طیق رسوم خانوادگی در مراسم نامگذاری ، نام پدر بزرگ را (محمد صالح)برای او انتخاب کردند ولی در بین خانواده و دوستان (سالار )نامیده می شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد صالح صالحی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا ششم ریاضی با رتبه ممتاز در مدارس اردبیل گذراند و پس از اخذ دیپلم ریاضی برای تحصیل در رشته باستان شناسی وارد دانشگاه تهران شد. وی از این دانشگاه موفق به اخذ رتبه لیسانس گردید. پس از آن با کسب بورس از دانشگاه سوربن فرانسه ، عازم آن کشور گردید و مدارج فوق لیسانس و دکترای خود را از دانشگاه سوربن دریافت کرد. زمان و علت فوت : محمد صالح صالحی در تابستان 1374 وقتی که به همراه دانشجویان برای کاوش های آموزشی باستان شناسی به قزوین عزیمت کرده بود در یک سانحه رانندگی به دیار باقی شتافت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و اداری محمد صالح صالحی به شرح زیر می باشد: عضو هیات گروه باستان شناسی دانشگاه تهران . عضو هیات علمی موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران . رییس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی میدانی محمد صالح صالحی به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای دشت قزوین .
منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان 1379

صدیقی، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
جغرافیدان، استاد.
تولد: 1313.
درگذشت: 1361، پاریس.
مهدی صدیقی فارغ‌التحصیل جغرافیا از دانشگاه سربن (پاریس) است. از سال 1348 خدمت دانشگاهی خود را آغاز کرد، و به تدریس دروسی مانند جغرافیای ریاضی، جغرافیای انسانی، هوا شناسی، زمین‌شناسی ژئومورفولوژی، و تفسیر عکس پرداخت. وی بعدها به مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه مشهد رسید. از جمله تألیفات وی می‌توان به این کتاب اشاره کرد: فوتوگرامتری و عکس‌های هوایی (1352). دکتر مهدی صدیقی همچنین مقالاتی برای مجله «دانشکده‌ی ادبیات مشهد» نوشت.
دکتر مهدی صدیقی در سال 1361 در پاریس درگذشت و پیکر وی به مشهد منتقل شد.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

صراف، محمدرحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رحیم صراف در 23 آبان 1318 در شهر خوی بدنیا آمد . وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع فوق‌لیسانس در دانشگاه تهران گذراند و دکترای این رشته از موسسه باستان شناسی آسیای نزدیک وابسته به دانشگاه مونیخ آلمان دریافت کرد. دکتر صراف فعالیت‌های تخصصی خود را در ایران پس از اتمام تحصیل، با تصدی مشاغل اداری در مرکز باستان شناسی ایران و معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی و همچنین تدریس در دانشگاه های تهران، تربیت مدرس و ازاد اسلامی و تالیف و ترجمه آثار متعدد آغاز کرده و ادامه داده است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : محمد رحیم صراف در 23 آبان 1318 در خوی متولد شده است.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد رحیم صراف ، پس از تولد در شهرستان خوی به همراه خانواداش به تبریز مهاجرت نمود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رحیم صراف تحصیلات ابتدایی را در مدرسه سعدی تبریز آغاز کرد لیکن ادامه تحصیلات وی در مدرسه حافظ و دبیرستان دارالفنون تهران سپری شد. در سال 1339 پس از اخذ دیپلم ،در آزمون رشته باستان شناسی پذیرفته شد و سال 1342 لیسانس باستان شناسی را دریافت کرد. سپس به تحصیل در مقطع فوق لیسانس باستان شناسی (در سالهای 47-1345 ) پرداخت . در سال 1350 از طرف دولت ایران برای گذراندن تحصیلات عالی به آلمان اعزام شد وطی سالهای 56-1351 موفق به اخذ درجه Ph.D از دانشگاه مونیخ آلمان در موسسه باستان شناسی آسیای نزدیک شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رحیم صراف پس از اخذ لیسانس از دانشگاه تهران، و انجام خدمت سربازی پرداخت، (در سال 1344) به عنوان کارشناس باستان شناسی در اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه سابق استخدام شد. دکتر صراف پس از بازگشت به ایران و اتمام تحصیل در آلمان، تحقیقات تخصصی را در مرکز باستان شناسی دنبال کرد و با تشکیل سازمان میراث فرهنگی به عنوان عضو هیئت علمی معاونت پژوهشی آن سازمان به فعالیت های پژوهشی اشتغال یافت. سوابق اجرایی و اداری دکتر محمد رحیم صراف از سال 67-1344 به شرح زیر می باشد: -کارشناس باستان شناسی ،اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه 1344. -کارشناس مرکز باستان شناسی

ایران 1356. -استاد یار پژوهشی ،معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی 1367. فعالیتهای آموزشی : محمد رحیم صراف در زمینه باستان شناسی ایران و بین النهرین در دانشگاه های زیر تدریس کرده است: گروه باستان شناسی دانشگاه تهران . گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس . گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی میدانی محمد رحیم صراف به شرح زیر می باشد: شرکت در کاوشهای بمپور ،تل ابلیس ،هفت تپه ،بیشابور . سرپرستی کاوشهای تپه هگمتانه . سرپرستی کاوشهای تپه چشمه علی ری . آثار : Exploration of Excavation area B 1 ویژگی اثر : W ith Joseph R. Caldwell.Investigations at Tal - i Iblis , No9, Illionis 19672 Keramik von Tal -- i Iblis und ihre zeitliche und raumliche Beziehunyen zu den auderen iranischen und mesopotamischen kulturen ویژگی اثر : in, AMI, Erg.7, Berlin Reallexikon der Asstrologie : ویژگی اثر : 19803 Tal- I Iblis in und vonderasiatichen archaologi e, Berlin4 تحقیقات باستان شناسی در تپه هگمتانه همدان ویژگی اثر : اولین گردهمایی باستان شناسی ایران -شوش،13735 تل ابلیس ویژگی اثر : مجموعه مفالات کرمان شناسی، مرکز کرمان شناسی. 13696 جام برنزی کیدین هوتران مکشوفه از ارجان بهبهان ویژگی اثر : نشریه اثر، شماره 17، بهار 13697 حلقه سیمین قدرت اونتاش گال -پادشاهی از سلسله ایکهالکی (1275-1240) ویژگی اثر : نشریه اثر، شماره 26و 27، 13758 دوراونتاش یاشهر اونتاش گال ایلامی (چغازنبیل) ویژگی اثر : میراث فرهنگی: یاد نامه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران، شماره 12، 13739 شناخت و حفظ میراث های فرهنگی یک مسئولیت ملی است ویژگی اثر : نشریه پیام آبادگران ، شماره 95، 137210 شهر بیضا ویژگی اثر : ترجمه اثر دیتریش هوف، منتشر شده در مجموعه شهر های ایرانی، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد 4، 137011 شهر های ساسانی ویژگی اثر : ترجمه ای از اثر دیتریش هوف، منتشر شده در مجموعه نظری بر شهر نشینی و شهر سازی در ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، جلد اول، 135612 کشفیا ت جدید از شهر باستانی هگمتانه ویژگی اثر : نشریه میراث فرهنگی، شماره 14، 137413 مراسم تطهیر مذهبی ایلامی ویژگی اثر : ترجمه اثر گ. گروپ، میراث فرهنگی ، شماره 8-9، 137214 نقوش برجسته ایلامی ویژگی اثر : انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، 137215 نقوش حکاکی شده دره دیویت الوند همدان ویژگی اثر : گزارشهای باستان شناسی (1)، سازمان میراث فرهنگی، 137616 نو یافته های معماری و شهر سازی در تپه هگمتانه ویژگی اثر : مجموعه

مقالات کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران جلد دوم، 137417
هفتمین فصل کاوش در تپه هگمتانه ویژگی اثر : اولین گردهمایی باستان شناسی ایران -تهران، 137618 هگمتانه ویژگی اثر : مجموعه شهر های ایران که به کوشش محمد یوسف کیانی در سال 1368 توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد.
منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

صفاران، الیاس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
الیاس صفاران در سال 1339 ، در شهر قزوین به دنیا أمد. وی از جمله اساتید بزرگ باستان شناسی در ایران و تحصیلات خود را تا مقطع فوق دکترا در این زمینه ادامه داده است. علاوه بر قرار گرفتن در سمت های مهم اداری ، به امر تدریس و فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی اشتغال دارد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : الیاس صفاران از جمله اساتید بزرگ باستان شناسی در ایران است. وی پس از تحصیلات مقدماتی و متوسطه ، تحصیلات خود را در مقاطع مختلف به شرح ذیل به انجام رساند: - کارشناسی مرمت آثار و ابنیه تاریخی ، دانشگاه هنر ، تهران 1367. - کارشناسی ارشد علوم باستانی ( گرایش هنر ، باستان شناسی و مرمت ) ، دانشگاه لیموژ فرانسه ، 1992 میلادی. - دکترای علوم باستانی ( گرایش هنر ، باستان شناسی و مرمت ) ، دانشگاه لیموژ فرانسه ، 1996 میلادی ( عنوان رساله دکترا: ایران و یونان باستان: عناصر هنری و فرهنگی ایرانیان _ تغییرات و روابط متقابل با یونان ، حفظ و مرمت _ . - فوق دکترای تاریخ هنر و باستان شناسی اسلامی ، موزه ، انسان شناسی دانشگاه پاریس - فرانسه ( عنوان رساله فوق دکترا: راهکارهای نوین بازشناسی تاریخ ن هنر ، باستان شناسی و میراث فرهنگی _ دوران مختلف اسلامی ). مشاغل و سمتهای مورد تصدی : الیاس صفاران پس از پایان تحصیلات خود ، به ایران بازگشت و سمت های اجرایی و اداری متعددی را پذیرفت ، که مهمترین آن به شرح ذیل می باشد: - رییس جهاد دانشگاهی واحد هنر ، پردیس 70-1363. - پژوهشگر و مسئول بخش تحقیقات جهاد دانشگاهی واحد هنر ، 70-1363. - مسئول دفتر فنی دانشگاه هنر ، 70-1366. - عضویت در ( A.R.C.O.M ) وزارت فرهنگ فرانسه ،از سال 1992. - عضویت در (C.R.N.S-A.R.S.A.G) وزارت آموزش عالی و تحقیقات فرانسه ، از 1992. - عضویت در مرکز آفریقا شناسی - عضویت در شورای بین المللی زیست محیطی - عضو حفاظت گران و مرمت گران آثار تاریخی ـ فرهنگی ایران - عضو و دبیر شورای تخصصی ـ علمی گروه باستان شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس 1367. - نماینده گروه باستان شناسی برای شورای پژوهشی دانشکده از 19 آبان 77 تا 16 آبان 78. - نماینده تام الاختیار جهاد هنر در خصوص تالیف کتب دانشگاهی در سازمان سمت ، از

1377. - مسئول سازمان راه اندازی طرح کار دانش جهاد هنر ، از 1376.
- مسئول راه اندازی پژوهشکده هنر و علوم باستانی جهاد هنر ، از 1377.
- مشاور گروه پژوهشی باستان شناسی سازمان سمت ، از 1377. -عضو گروه تاریخ و باستان شناسی شورای بررسی متون و کتب دانشگاهی ، پژهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری - داوری کتب گروه باستان شناسی و رمت سازمان سمت[ نشریه باستان پژوهان ، « ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران » ، زمستان 1379 ]فعالیتهای آموزشی : الیاس صفاران علاوه بر قرار گرفتن در سمت های مهم اداری ، به امر تدریس نیز اشتغال داشت. از جمله فعالیت های آموزشی وی به شرح ذیل می باشد: - مدرس و مدیرگروه مرمت آثار و ابنیه تاریخی دانشگاه هنر. - استادیار دانشگاه تربیت مدرس ( از سال 1376). آثار : تکنیک مجسمه سازی با خمیر نان ویژگی اثر : انتشارات رنزو زانویی ، میکائیل ، 1378.2 شهرباارزش دندانها ویژگی اثر : نوشته C.I.V ، امید دانش ، تهران:1378

منابع زندگینامه :نشریه باستان پژوهان ، « ویژنامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران » ، زمستان 1379

صمدی، حبیب‌الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، باستان‌شناس و نویسنده. در 1319 ش موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی باستان‌شناسی شد و پس از آن در موزه ایران باستان اشتغال یافت و در ضمن کار، به تألیف کتابهایی در زمینه‌ی کار خود می‌پرداخت. از آثار وی: «راهنمای موزه‌ی آستان قدس رضوی»؛ «ویرانه‌های شوش».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (3376، 1660 / 2)، مؤلفین کتب چاپی (486 / 2).

ضیاء توانا، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم زمین، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی جغرافیا با رتبه اول از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی)، دکترای علوم طبیعی با امتیاز بسیار خوب از دانشگاه ماربورگ آلمان غربی.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه شهید بهشتی تا سال 1370، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی در سال 1370.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
تحقیق و پژوهش در زمینه بررسی جایگاه جغرافی‌دانان در بازسازی آلمان، جغرافیای شهری ایران، تدریس دروس جغرافیای اقتصادی، جغرافیای انسانی، جغرافیای روستایی، جغرافیای ناحیه‌ای، روش تحقیق، جغرافیای کاربردی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، راهنمائی مشاوره و نظارت بر 9 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای اقتصادی (کشاورزی- روستائی).
تعداد مقالات بزبان فارسی: 7، تعداد مقالات بزبان خارجی:-
زمینه علمی مقالات:
جغرافیای روستایی ایران، جغرافیا و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، جغرافیای شهری.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

طلایی مغانجوقی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن طلایی مغانجوقی دارای مدرک طبیعت و باستان شناسی از دانشگاه منچستر انگلستان در سال 1363 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار - گروه باستان شناسی و هنر - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : طبیعت و باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن طلایی مغانجوقی کارشناسی باستان شناسی را در دانشگاه تهران و تحصیلات تکمیل خود را در دانشگاه منچستر انگلستان در سال 1363 با رساله ای در مورد "عصر آهن ایران بر اساس یافته های باستان شناسی محوطه باستانی هفتوان تژه در شمال غرب ایران " گذرانده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسن طلایی مغانجوقی در کنار تحصیل به یادگیری زبانهای فرانسه و انگلیسی می پرداختند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات علمی و اجرایی حسن طلایی مغانجوقی به قرار زیر است: • دانشیار - گروه باستان شناسی و هنر - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران • 1378 ,سمت سرپرست مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران,دانشگاه تهران • 1374 ,سمت سرپرست مؤسسه باستان شناسی دانشگاه تهران,دانشگاه تهران • 1371 ,سمت استادیار ,دانشگاه تهران • 1370 ,سمت استادیار ,دانشگاه تبریز • 1354 ,سمت کارشناس,مرکز باستان شناسی ایران (سابق ) فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط حسن طلایی مغانجوقی در دانشگاههای مختلف به قرار زیر است: دانشگاه تهران : کارشناسی : پیش ازتاریخ بین النهرین - استخوان شناسی - ایران درآغازشهرنشینی 1 - باستانشناسی ایران درهزاره 1 - شناخت تابلت ومهرها - طبقه بندی سفال کارشناسی ارشد : باستانشناسی ماقبل تاریخ بین النهری دکتری : گاهنگاری دوران پیش ازتاریخ - بررسی باستان شناسی پیش ازتاریخ دانشگاه تبریز : دروس مربوط به پیش از اسلام ایران دانشگاه تربیت مدرس : باستان شناسی و هنر هزاره اول پ.م ایران - هنر و تکنیک سفالگری پیش از تاریخ سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی : بیش از 9 مورد - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : بیش از 7 مورد - تعداد مقالات ارائه شده در همایشها: بیش از 9 مورد - تعداد سخنرانی ها در کنگره های

داخلی و خارجی : 10 مورد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده حسن طلایی مغانجوقی به قرار زیر است: • 1386-1386,مطالعه بررسی و معرفی اشیاء فلزی سرخدم لری • 1383-1384,تحلیل ساختار نقوش سفالهای چشمه علی وسیلکIII گزارشهای علمی طرحهای تحقیقاتی: - ساخت معبد منقوش زاغه(محل اجرا موسسه باستان شناسی) - بانک سفال ایران(طرح ملی) محل اجرا موسسه باستان شناسی آثار : باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م ویژگی اثر : انتشارات سازمان تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها 1385 (چاپ پنجم) 2 عصر مفرغ ایران ویژگی اثر : انتشارات سازمان تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) 1385 (چاپ اول)3 هشت هزار سال سفال ایران ویژگی اثر : در دست تالیف

علیجانی، بهلول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر بهلول علیجانی در سال 1325 در تبریز متولد شد. تحصیلاتش را در رشته جغرافیا آغاز کرد از آنجایی که او دانشجوی مستعدی بود برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت کرد و موفق شد دورهٔ فوق لیسانس رشته جغرافیای طبیعی و دورهٔ دکترا رشته آب و هواشناسی سینوپتیک را در دانشگاه ایالتی میشیگان به پایان برساند او در سال 1360 به ایران بازگشت و همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسرای عالی یزد مشغول تدریس شد. کتاب"مبانی آب و هواشناسی" تالیف بهلول علیجانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : رشته آب و هواشناسی سینوپتیکتحصیلات رسمی و حرفه ای : بهلول علیجانی در مهر سال 1348 در رشتهٔ جغرافیای طبیعی دانشسرای عالی تهران پذیرفته شد و در سال 1352 مدرک لیسانس جغرافیا را دریافت کرد. پس از دو سال تدریس در دبیرستان های فیروزکوه، در سال 1354 در امتحان اعزام دانشسرای عالی تهران قبول شد و در خرداد 1355 جهت ادامهٔ تحصیل در دانشگاه ایالتی میشیگان به آمریکا رهسپار شد. دورهٔ فوق لیسانس را در جغرافیای طبیعی و دورهٔ دکترا را در آب و هواشناسی سینوپتیک به پایان رسانید و در سال 1360 به ایران بازگشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهلول علیجانی پس از اخذ مدرک دکتری آب و هواشناسی سینوپتیک،از آمریکا در سال 1360 به ایران بازگشت. همزمان با بازگشائی دانشگاه ها، در دانشسرای عالی یزد مشغول تدریس شد. مشاغل ایشان در طی این مدت، عبارت بوده است از: تدریس در دانشگاه یزد، معاونت دانشسرای عالی یزد، مدیریت گروه جغرافیا در دانشگاه یزد، تدریس در دانشگاه تربیت مدرس، تدریس در دانشگاه تربیت معلم، معاونت پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات، عضویت در هیئت تحریریه مجله و فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیائی آستان قدس رضوی و مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تربیت معلم، دبیر اجرائی اولین سمینار بررسی مسائل آموزش جغرافیا در ایران (سال 1372)؛ عضویت در کمیتهٔ جغرافیای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، عضویت در کمیتهٔ برنامه ریزی جغرافیای شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی. جوائز

و نشانها : کتاب"مبانی آب و هواشناسی" تالیف بهلول علیجانی ، در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ایشان علاوه بر این تألیفات و اجرای چندین طرح تحقیقاتی _ همچون طرح تحقیقی مطالعه اقلیم نوار مرزی با گروه جغرافیای دانشگاه امام حسین و طرح پژوهشی نقش ارتفاعات البرز در توزیع بارندگی _ مقالاتی نیز نوشته و انتشار داده اند که به قرار ذیل است:(بیش از 10 مورد) - علیجانی، ب، 1371، عوامل سینوپتیک، بارش های ایران، مجله دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران. - علیجانی، ب، 1366، رابطهٔ پراکندگی مسیرهای سیکلونی خاورمیانه با سیستمهای هوایی سطح بالا، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی شمارهٔ 4. - علیجانی، ب، 1367، آب و هوا و برنامه ریزی فعالیتهای نظامی، فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی شمارهٔ 10. - علیجانی، ب، 1369، چگونگی تشکیل فرابار سیبری و اثر آن بر اقلیم شرق ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیائی، شمارهٔ 17. دکتر علیجانی بیش از 7 مقاله را در سمینارهای داخلی و خارجی ارائه کرده است. وی همچنین دارای دو طرح تحقیقاتی می باشد.
آثار : آب و هوای کر؟ زمین ویژگی اثر : جلد دوم، منطق؟ برون حاره (ترجمه)؛ سمت (زیرچاپ).2 اصول عکس های هوائی ویژگی اثر : (تألیف)؛ انتشارات دانشگاه پیام نور3 درآمدی بر روش ها و فنون میدانی جغرافیا ویژگی اثر : (ترجمه)؛ انتشارات وزارت کشاورزی.4 مبانی آب و هواشناسی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب در دوره یازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.

غیور، حسنعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی جغرافیای طبیعی از دانشگاه اصفهان در سال 1348، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران در سال 1350، دکترای هیدرومتداورولوژی از دانشگاه سباسکس انگلستان در سال 1356.
مرتبه علمی:
استادیار در سال 1356، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در سال 1370.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
هماهنگ کننده گروههای مطالعاتی طرح تغییر محور فولاد مبارکه در سال 1363، هیدرولوژی، ژئومورفولوژی، هیدرواقلیم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 12 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی:-
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی: 3
زمینه علمی مقالات:
هیدرومتداورولوژی، هیدرولوژی، ژئومورفولوژی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

فرج زاده، منوچهر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر منوچهر فرج زاده اصل در سال 1344، در مراغه به دنیا آمد. او پس از اتمام دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی از دانشگاه تبریز، در سال 1374 به اخذ در جه دکترا نائل آمد و در همین سال به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس فعالیت خود را آغاز کرد. او ضمن فعالیت آموزشی در انجام طرحهای تحقیقاتی ، تالیف و چاپ مقالات تخصصی اهتمام زیادی ورزیده است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر فرج زاه پس از اتمام دوره دبیرستان، کارشناسی جغرافیای طبیعی را در سال 1366 و کارشناسی ارشد همین رشته را از دانشگاه تبریز اخذ نمود. او سرانجام در سال 1374 به دریافت درجه دکترا از دانشگاه تربیت مدرس نائل آمد.هم دوره ای ها و همکاران : دکترفرج زاده با دکترشکویی ، دکتر افتخاری و دکترپرهیزکار که از اعضا گروه جغرافیا دانشگاه تربیت مدرس می باشند، همکار می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از جمله فعالیتهای که دکتر فرج زاده تاکنون تصدی آنها را داشته است عباتند از: - عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس از 1374 تاکنون. - - عضو کمیته تخصصی تحصیلات تکمیلی گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس از 1374 تاکنون. - مدیر بخش GIS موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله در سال 1375. - معاون اداری و مالی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس از 1378 تا 1381 - مدیر گروه سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی دانشگاه تربیت مدرس از 1375 تا کنون. او همچنین عضو انجمن جغرافیدانان ایران ، عضو انجمن و نایب رئیس انجمن سنجش از دور و GIS ایران و عضو انجمن بینالمللی هیدرولوژی می باشد. دکتر فرج زاده علاوه بر فعالیت های یاد شده، سهم قابل توجه ای در اجرای پروژه های زیر داشته است: 1- مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح لایروبی رودخانه بهمنشیر (70-1369)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران2- مسئول مطالعات اقلیمی شناسی و هیدرولوژی طرح لایروبی خور جاسک (1370)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران3- مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح احداث موجشکن بندر صلخ (71-1370)، شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران4- مسئول مطالعات منابع پایه در طرح پهنبندی

روانگرایی ایران (71-1370) پژوهشگاه بینالمللی زلزلهشناسی و مهندسی زلزله 5- مسئول تلفیق اطلاعات طرح پهنهبندی لغزه منطقه جاجرود با استفاده از GIS (1373) پژوهشگاه بینالمللی زلزلهشناسی و مهندسی زلزله6- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای پراکنده استان کهکیلویه و بویراحمد (1374) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی7- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای پراکنده استان قزوین (1374) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی8- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی شهرستان تکاب (1375) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی9- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی شهرستان پیرانشهر (1375) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی10- مسئول مطالعات منابع پایه طرح ساماندهی سکونتگاههای روستایی بخش پیشین (1375) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی11- مشاور عالی طرح حادثهخیزی استان کرمانشاه (1376) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه12- مشاور عالی طرح ساماندهی روستایی پاوه و پیرانشهر (1376) بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه13- مسئول مطالعات منابع پایه و عضو کمیته راهبری طرح توسعه اقتصادی و اجتماعی استان هرمزگان (1377) استانداری هرمزگان14- مسئول مطالعات اقلیم شناسی طرح پهنهبندی خشکسالی در کشور (1381) مرکز تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری15- مسئول مطالعات اقلیمشناسی طرح تهیه نقشه دمای دریای خزر با استفاده از تصاویر ماهواره نوا مرکز سنجش از دور ایران16- مدیر علمی و تلفیق برنامه اقدام ملی بیابانزدایی و تعدیل اثرهای خشکسالی در کشور (82-80) سازمان جنگلها و مراتع کشور17- مسئول تلفیق مطالعات مکانیابی تأسیسات کنار راه بزرگراه شهید کلانتری (ارومیه تا تبریز)، 1382 18- قائم مقام مطالعات طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور، (ادامه دارد) شرکت مهندسین مشاور سازهپردازی ایران فعالیتهای آموزشی : دکتر فرج زاده اصل از سال 1374 تاکنون به عنوان استادیار دانشگاه تربیت مدرس به امر تدریس فعالیت داشته است. او آمار ، اصول و کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی، هیدرولوژی آبهای سطحی را در مقطع کارشناسی و مدیریت زیست محیطی و مبانی کامپیوتر و برنامه نویسی را در مقطع دکتری تدریس می کند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرج زاده ضمن ارائه مقالات متعدد در نشریات تخصصی و کنفرانسهای علمی، داوری مجلاتی چون مجله مدرس علوم انسانی، جشنواره خوارزمی، مجله علمی پژوهشی پژوهشهای جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مجله علمی پژوهشی ، پژوهش و سازندگی ومجله علمی ترویجی رشد آموزش جغرافیا را عهده داشته

است. او همچنین راهنمایی و مشاوره پایانامه های بسیاری را به عهده داشته که از جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد: عناوین پایان نامه های کارشناسی ارشد راهنمایی شده 1- نقش کاربری اراضی در ایجاد و تشدید حرکات توده ای جنگل واز (1374) 2- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روشهای کنترل و مدیریت سیلاب (1374) 2- بررسی اثرات تغییرات ناشی از شهرسازی در مسیل های شمال تهران به منظور ارائه روشهای کنترل و مدیریت سیلاب (1374)3- تجزیه و تحلیل قابلیت رسوبدهی حوضه آبریز آق لاقان چای با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (1377) 4- تحلیل هیدروژئولوژیکی دشت دهلران با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (1377) 5- مدلسازی هیدروژئولوژیکی دشت مهران با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. 6- تحلیل چند متغییره وقوع زمین لغزه با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (1377) 7- کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در مطالعات باستانشناسی در منطقه شوش 8- رسوب سنجی و رسوب شناسی مخزن سد اکباتان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (1377) 9- مکان گزینی یک لشکر نمونه در عملیات آفندی با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (1378)10- ارزیابی و تحلیل اثرات ایجاد سد در تغییر پوشش اراضی با استفاده از سنجش از دور و GIS (مطالعه موردی: شهرستان، اهر، سد ستارخان) (1382)11- ارزیابی اثرات هیدرولوژیکی تغییرات کاربری اراضی بر رژیم سیل حوزههای شرقی دامنه شمالی البرز با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (1382)12- مدیریت و مکانیابی فضاهای آموزشی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مدارس راهنمایی منطقه 7 تهران (1381)13- ارزیابی و تحلیل توزیع فضایی کتابخانههای عمومی در شهر تهران (1382)14- ارزیابی ایمنی جادهای با رویکرد مخاطرات محیطی با استفاده از GIS ( مطالعه موردی: مسیر سنندج، مریوان) (1381)15- تحلیل تصادفات جادهای با رویکرد اقلیمی با استفاده ا ز GIS ، مطالعه موردی، محور فیروزکوه، ساری (1381)16- کاربرد سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی در تهیه نقشه سایتهای باستانی منطقه میاناب شوشتر، جنوب تهران (1382)17- کاربرد تصاویر سنجنده AVHRP در تهیه نقشه دمای سطح دریا (SST) در منطقه خلیجفارس (1379)18- پهنهبندی خطر زلزله با بکارگیری سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی در شهرستان تبریز (1379)19- مکان گزینی یک لشکر نمونه در یک عملیات آفندی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور (مطالعه موردی منطقه زاویه) (1377)20- پهنهبندی قابلیت

سیلخیزی حوزه آبخیز رودخانه گاورود در جنوب استان کردستان با استفاده GIS و 21(1378) RS- کاربرد مدل ریاضی و تکنیک ساج (GIS) در ترسیم و تحلیل خطوط همبارش، با تاکید بر دادههای فضایی و مکانی (مطالعه موردی منطقه نهاوند) (1377)22- مدلسازی بهینه کاربری اراضی در منطقه خرمآباد با استفاده از سنجش از دور (1378)23- بررسی عناصر اقلیمی و تاثیر آن بر پرورش زنبور عسل در شهرستان سلماس (1378)24- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی CN با استفاده از 25(1377) GIS- ارزیابی و مدلسازی روند تغییرات کاربری با استفاده از دادههای ماهوارهای چند زمانه و GIS (مطالعه موردی منطقه مراغه) (1378)26- مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (1378)27- امکانسنجی کاربرد عکسهای هوایی در مطالعات باستانشناسی مطالعه موردی: گنبد قابوس (1378)28- برآورد جریان سطحی در حوضه آبریز بشار به روش شماره منحنی (CN) با استفاده از 29(1377) GIS- ناحیهبندی اگروکلیمایی (اقلیم شناسی کشاورزی) استان همدان با استفاده از تکنیک سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم (1377) عناوین رسالههای دکترای راهنمایی شده1- مدلسازی برنامه محیطی با استفاده از سیستمهای جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (1381)2- تحلیل و الگویی مکانی و زمانی نظام بارش در ایران (1382) عناوین مشاورههای پایاننامههای کارشناسی ارشد 1- تحلیلی بر تاثیر رشته کوه زاگرس روی سیستمهای سینوپتیکی موثر بر اقلیم ایران مرکزی (1378)2- برنامهریزی توسعه فضائی شهرستان بناب (1382)3- تحلیل الگوی توزیع مکانی حرارت در شهر تهران با استفاده از دادههای سنجش از راه دور (1380)4- تجزیه و تحلیل خطر خشکسالی با استفاده از دادههای سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در استان خراسان (1380)5- تهیه نقشه پوشش برف با استفاده از تصاویر NOAA/AVHRR و تکنیکهای GIS (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانه کرج (1380)6- بررسی روند تغییرات دما، بارش و ساعات آفتابی در تهران (1379)7- مدلسازی خطر شیوع بیماری مالاریا در شهرستان کهنوج با استفاده از دادههای ماهوارهای (1379)8- تعیین شدت سیلخیزی زیر حوضهها و بررسی عوامل موثر بر آن در حوضه آبخیز دماوند9- مدلسازی برنامهریزی محیطی با استفاده از سیستمهای اطلاعات جغرافیایی مطالعه موردی: زیست منطقه طالقان (1378)10- بررسی امکان استفاده از شاخصهای پوشش گیاهی حاصل از تصاویر چه زمانهای ماهوارهای در طبقه بندی و مطالعه تغییرات زمانی پوشش گیاهی مطالعه موردی : استان اردبیل (1377)11- کاربردهای نظامی مدل

ارتفاعی زمین DTM و تعیین آن در روند عملیات (مطالعه موردی منطقه شرق تهران) (1377)12- مدلساز ی روند تغییرات کاربری اراضی با استفاده از دادههای سنجش از دور و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی (1377)13- تعیین بارش موثر کشاورزی در منطقه خرم آباد (1378)14- تعیین الگوی توزیع زمانی و مکانی بارشهای کوتاه مدت در استان تهران (1378)15- بررسی سینوپتیکی پدیده النینو و تاثیر آن بر روی ناهنجاری بارشهای جنوب و جنوب غرب ایران (1378)16- مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی (1378)17- النینو و رابطه آن با بارشهای ایران18- طراحی یکپارچهسازی اراضی کشاورزی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی19- مکانیابی مراکز خدماترسانی با استفاده از GIS مطالعه موردی: مدارس متوسطه شهر نفت (1379)20- بحران آب و تنشهای اجتماعی، سیاسی، مطالعه موردی گناباد (1378) عناوین مشاورههای رسالههای دکترا 1- تحلیل ابعاد فضایی رفاه اجتماعی روستایی و ارایه الگوی بهینه آن، مورد استان مرکزی(1380)2- تحلیل سینوپتیکی تاوه قطبی و اثرها آن در اقلیم ایران (1377)3- نظیرسازی هیدروکلیماتولوژیکی مدلهای بارش - رواناب در حوضههای آبریز جنوبغربی ایران (منطقه مورد مطالعه: حوضه آبریز رودخانههای خرمآباد و کشکان در استان لرستان) (1377)4- توسعه پایدار شهری با تاکید بر توانهای محیطی (مورد شهر کاشمر) (1377)5- بررسی کارایی استفاده از واحدهای ژئومرفولوژی در ارزیابی فرسایش و رسوب (مطالعه موردی حوضه آبخیز بوحان) (1378)6- ارزیابی قابلیتهای محیط طبیعی، کشت، گندم، دیم با تاکید بر اقلیم شناسی کشاورزی مورد: کرمانشاه (1377)7- نقش هیدروژئوپولیتکی ایران (محدوده مورد مطالعه : غرب ، جنوب غرب) (1377)8- تحول کارست و نقش آن در شناسایی منابع طبیعی با تکیه بر آبهای زیرزمینی (مطالعه موردی ناهمواریهای بیستون) (1378)9- تحلیل و ارائه الگوهای سینوپتیکی حاکم بر بارشهای شدید و فراگیر فصل تابستان ایران (1377)10- امکان سنجی باروری ابرها در ارتفاعات جنوبی کرمان

(1377) آثار : 1 Lake management using geographic information system, 8 th. conference of lake management . 1999 2 Liquefaction susceptibility macrozonation of Iran. 5th the conference of Zonation. France. 1997. 3 The estimate of soil erosion with MPSIAC model using remote sensing and geographic information system in Aglaganchi basin - northwest of Iran. 27 th . conference of remote sensing . 1998 4 ارزیابی منابع بالقوه آبهای زیرزمینی با استفاده از

سیستم اطلاعات جغرافیایی (منطقه مورد مطالعه: دشت دهلران)، مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس- شماره 4 - زمستان 1378- ص 39 تا 55 ، الگوهای فضایی و زمانی بارش در کشور، مجله مدرس علوم انسانی، برآورد دبی سیلاب در حوضههای آبریز بر مبنای ویژگیهای فیزیوگرافیک (مطالعه موردی: حوضههای آبریز زهره و خیرآباد) ، پهنه بندی زمین لغزه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. 1373 ، پهنه بندی فرسایش خاک با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. چهارمین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. 1376 ، پهنهبندی قابلیت و سایش خاک با استفاده از سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی - مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس - ص 150 تا 168- دوره دوم - شماره هشتم - پاییز 1377 ، پیشبینی احتمالاتی خشکسالی در ایران- مجله مدرس علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ص 55 تا 68 دوره دوم- شماره چهارم - پاییز1376 ، تحول ژئومورفولوژی ولکانو سدیمانترهای سهند. هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران . دانشگاه اصفهان. 1373 ، تغییرات زمانی و مکانی خشکسالی در ایران. اولین کنفرانس منطقه ای تغییر اقلیم .1374 ، تغییرات کاربری اراضی در حوضه آبریز واز و نقش آن در وقوع حرکات توده ای. مجموعه مقالات دومین کنفرانس زمین لغزه و کاهش خسارتهای آن در ایران. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. 1376 ، چشمانداز خطر بیابانزایی و تأثیر آن بر روند توسعه کشور - مجله جنگل و مرتع- انتشارات سازمان جنگلها و مراتع کشور- بهار 1381 ، چگونگی استفاده از روش تحلیل عاملی در ناحیهبندی فیزیوگرافیک حوضههای آبریز - مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم- دوره جدید سال هشتم- شماره 30 و 31 پاییز و زمستان 1379 ص 55 تا 69 ، خشکسالی در ایران- مجله دانش کشاورزی دانشگاه تبریز، جلد5 - ص 31 تا 53- شمارههای 1 و 2 سال 1374 ، خشکسالی و روشهای مطالعه آن مجله جنگل و مرتع، انتشارات سازمان جنگلها و مراتع کشور - 1375 - ص 22 تا 29 ، خشکسالی، از مفهوم تا راهکار (زیر چاپ) ، زمین لغزه در ایران، گستردگی و اهمیت اقتصادی آن. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله . 1374 ، سیستم اطلاعات جغرافیائی - فصلنامه دانشگاه انقلاب - ص 115 تا 129 - شماره 111- بهار 1377 ، سیستمهای اطلاعات جغرافیایی و کاربردهای آن در مسایل زلزله- پژوهشنامه موسسه بینالمللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله - سال چهارم - شماره ششم و هِفتم - 1374 ، کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی در توریسم(تحت

تألیف) ، کلان پهنه بندی قابلیت روانگرایی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. مجموعه مقالات اولین کنفرانس سیستم های اطلاعات جغرافیایی. انتشارات سازمان نقشه برداری کشور. 1373 ، کلان پهنه بندی قابلیت و احتمال روانگرایی ایران. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. انتشارات موسسه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله. 1374 ، مدلسازی میزان عملکرد محصول گندم دیم با توجه به پارامترهای اقلیمشناسی کشاورزی در استان آذربایجان غربی - مجله مدرس علوم انسانی ، ناحیهبندی اگروکلیمایی استان همدان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی با تاکید بر گندم دیم + نشریه پژوهشهای جغرافیایی- انتشارات دانشگاه تهران - ص93 تا 105- شماره 41-سال 33- اسفند 80

فرید، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یدالله فرید در سال 1308 شمسی در شهر تبریز به دنیا آمد.ایشان تحصیلات عالی (دورة دکترا) رادر دانشکدة ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی 1958 آغاز کرد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در 16 آوریل 1961 از رسالة خود دفاع کرد و با درجة ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز بودند که در سال 1358 به افتخار بازنشستگی نائل آمد. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و لزوم ایجاد دوره‌های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ 1/8/69 برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ 1/1/78 تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) درآمد و در یکی از محروم‌ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است. کتاب "شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی" تالیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای انسانی با گرایش شهریتحصیلات رسمی و حرفه ای : یدالله فرید تحصیلات ابتدایی، دبیرستانی و دانشسرای مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد و در سال 1326 به اخذ دیپلم ششم ادبی نائل شد. ضمن خدمت، در آموزش و پرورش در سال 1326 در رشتة تاریخ وجغرافیا و علوم تربیتی دانشکدة ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز ثبت نام کرد و بعد از سه سال تحصیل دانشگاهی، در سال 1329 موفق به اخذ لیسانس تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی شد و در رشتة علوم تربیتی رتبة اول آن سال بود. تحصیلات عالی (دورة دکترا) در دانشکدة ادبیات علوم انسانی دانشگاه سربن پاریس از اول سال تحصیلی 1958 آغاز شد و به مدت سه سال زیر نظر پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه، به تحقیق پرداخت و پس از انجام امتحان مقدماتی، در 16 آوریل 1961 از رسالة خود دفاع کرد و با درجة ممتاز، مدرک دکترای جغرافیایی انسانی با گرایش شهری را دریافت کرد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر فرید در جریان تحصیل، به منظور ژرفا

بخشیدن به تحقیقات خود، به مدت یک سال در انستیتوی ملی آمار و مطالعات اقتصادی فرانسه دربارهٔ مسایل جمعیتی به تحقیق پرداخت و در تاریخ 27ژوئن 1960 موفق به اخذ گواهی از آن انستیتو شد.استادان و مربیان : پرفسور پیرژرژ، استاد دانشمند ومعتبر فرانسه ،استاد دوره دکتری ،دکتر فرید بوده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یدالله فرید بعد از پایان تحصیلات در مردادماه سال 1340 به ایران مراجعت کرد.در سال 1343 بعد از انجام امتحان استادیاری در دانشگاه تهران و پذیرش در آن به طور رسمی به خدمت دانشگاه تبریز درآمد و تا سال 1358، علاوه بر تدریس در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و تدریس جمعیت شناسی برای دو ترم در برنامهٔ بهداشت سال پنجم پزشکی در سمت‌های مدیریت گروه آموزشی جغرافیا، معاونت و ریاست دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و مدیریت بخش شهرشناسی و جمعیت شناسی مؤسسهٔ تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز انجام وظیفه کرد و در سال 1358 بازنشسته شد. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها و لزوم ایجاد دوره‌های تکمیلی و کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های کشور دوباره به کار دعوت شد و در تاریخ 1/8/69 برای بار دوم همکاری خود را بر گروه جغرافیای دانشگاه تبریز ادامه داد. وی از تاریخ 1/1/78 تاکنون عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اهر) درآمد و در یکی از محروم‌ترین نقاط آذربایجان مشغول تدریس و تحقیق است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یدالله فرید ، علاوه بر تألیفات در زمینه رشته تخصصی خود ،چند طرح تحقیقاتی دربارهٔ مسائل جمعیتی و تنظیم خانواده، و افزون بر بیست مقاله در زمینه‌های جمعیت و رشد جغرافیایی دارد که حکایت از فعالیت و پشتکار بسیار او دارد.جوائز و نشانها : کتاب "شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی" تالیف یدالله فرید، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : 1 بریتانیا و بازار مشترک از دیدگاه جغرافیایی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات چهر، 1348)2 جغرافیا و شهرشناسی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات دانشگاه تبریز، 1368)؛ (کتاب تشویقی کتاب سال 1369)3 جغرافیای تغذیه ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسهٔ تحقیقات علوم اجتماعی وانسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، 13514 جغرافیای جمعیت ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسهٔ تحقیقات علوم اجتماعی انسانی وابسته به دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تبریز، 1346؛ چاپ چهارم، با تجدید نظر کلی در سال 1381)؛5 سه جلد تاریخ اتّحاد برای دور؟ اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان (تألیف/ ناشر: کتابفروشی حقیقت، سال‌های 1336ـ 1338)6 سه

جلد جغرافیای اتّحاد برای دورة اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ناشر: کتابفروشی حقیقت، 1337)7 سه جلد علوم اجتماعی اتحاد برای دورة اول دبیرستان‌ها ویژگی اثر : با همکاری مؤلفان دیگر (تألیف/ ناشر: کتابفروشی حقیقت، 1336 ـ1338 )8 سیر اندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات موسسة تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی وابسته به دانشکدة ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: 1357، چاپ پنجم: 1380)؛9 شناخت شناسی و مبانی جغرافیای انسانی ویژگی اثر : تالیف،این کتاب ، در دوره بیستم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب:شناخت¬شناسی و مبانی جغرافیای انسانی/ تألیف یدالله فرید. ـ اهر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر، 1379. هفت، 556 ص.: مصور، جدول، نمودار، نقشه. کتابنامه به صورت زیر نویس. اثر حاضر نخستین کتاب جامع و مفصّلی است که دربارة مبانی نظری جغرافیای انسانی به زبان فارسی تدوین شده است. مؤلف ارجمد که سالیان متمادی در این رشتة تخصصی مشغول تحقیق و تدریس و تألیف است، به منظور رفع کمبودِ منبع درس جغرافیای انسانی در دانشگاه‌ها، به تألیف این کتاب اهتمام ورزیده است. این کتاب در دو بخش و سیزده فصل تنظیم شده است. بخش اول، طی سه فصل، به تعاریف و مفاهیم و شناخت¬شناسی و شناخت شناسی جغرافیای انسانی و جغرافیای کورماتیک، به عنوان نوآوری دیگر شناخت شناسی و روش¬شناسی جغرافیای انسانی می‌پردازد. در فصل نخستین بخش دوم کتاب، تعاریف، مفاهیم و گرایش‌های نو در قلمرو جغرافیای انسانی مطرح شده است و از تحولات اندیشه‌های جغرافیای انسانی ثلثِ آخرِ قرنِ بیستم در کشورهای فرانسه زبان و سوئد، به عنوان پیشتاز نظریه‌های نوین سخن رفته و جغرافیای انسانی نسبت به علوم دیگر به عنوان دانش ترکیب فضایی و روابط همزیستی انسان‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در فصول دوم تا پنجم به مبانی فیزیکی، اکولوژیکی، بیولوژیکی و اجتماعی جغرافیای انسانی پرداخته و در فصول ششم تا نهم، جغرافیای روستایی، جغرافیای شهری، جغرافیای اقتصادی و جغرافیای فرهنگی مورد بررسی واقع شده است و در فصل دهم این بخش، از ناحیه به عنوان مناسب‌ترین محدودة فضایی برای تحقیقات جغرافیایی بحث شده است. مؤلف ارجمند در تنظیم مطالب، از آرا و نظریات جغرافی‌دانان معتبر صاحب مکتب خارجی، به ویژه از کشورهای فرانسه زبان، به طور وسیع استفاده کرده و همچنین از افکار واندیشه‌ها و کارهای ارزشمند جغرافی‌دانان کشورمان نیز سود جسته است. استناد به منابع معتبر و دست اول، تحلیل مطالب جدید در

حوزة جغرافیای انسانی، همبستگی و انسجام مطالب، تبیین مفاهیم و نظریه‌های دشوار به زبان ساده و رسا و مناسب با موضوع، از ویژگی‌های اثر حاضر است. 10 کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات دانشگاه تبریز؛ چاپ اول: 1371، چاپ سوم: 1380)11 مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران ویژگی اثر : (تألیف/ انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی وانسانی وابسته به دانشکدة ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، 1349)

قرخلو، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهدی قرخلو به سال 1330 در شهر نور آباد ممسنی استان فارس در یک خاواده کشاورز و عشیره به دنیا آمد. دوران ابتدایی وی، در مدارس عشایر زیر چادر سپری شد که از این حیث قابل توجه است. دوره دبیرستان را در رشته ریاضی بطور مستم آزاد بدون اینکه در کلاسی شرکت کند به پایان برد. .او کارشناسی جغرافیای اقتصادی را از از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی را از دانشگاه تهران کسب کرد. و دست آخر دکترای جغرافیای شهری را از دانشگاه اوتاوای کانادا در سال 1375 اخذ کرد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای شهریوالدین و انساب : پدر دکتر قرخلو در استان اصفهان زندگی میکند و مادر وی به رحمت ایزدی رفته است.خاطرات کودکی : قرخلو به دلیل اینکه زندگی کوچ نشینی داشتند و از ییلاق به قشلاق دائما در حرکت بودند تحصیلات ابتدایی خود را در همان مدارس عشایر که زیر چادر برگزار میشد ادامه داد. او از آن دوران خاطرات فراوانی در ذهن دارد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : دکتر قرخلو در یک خانوداده کشاورز پرورش یافت او می گوید: "شرایط زندگی مناسبی در دوران کودکی نداشتیم چون زندگی عشایری داشتیم از سال 1345 ساکن شدیم ئ به کشاورزی می پرداختیم که در آن دوره شرایط خانوادگی در حد متوسط بود. خانواده ای پر جمعیت بودیم در مجموع 15 برادر و خواهر هستیم و اکثر فرزندان خانواده تحصیل کرده هستند"تحصیلات رسمی و حرفه ای : مهدی قرخلو دوران ابتدایی را در چادر های آموزشی عشایر و دبیرستان را متفرقه و غیر حضوری در رشته ریاضی در سال 1355 به اتمام رساند. دوره کارشناسی را در دانشگاه اصفهان در رشته جغرافیای اقتصادی سال 1365 و کارشناسی ارشد را در دانشگاه تهران در رشته جغرافیای انسانی در سال 1368، و مدرک دکترای جغرافیای انسانی را از دانشگاه اوتاوای کانادا سال 1375 اخذ کرد.خاطرات و وقایع تحصیل : از وقایع این دوران دکتر قرخلو سفر به شیراز و اصفهان برای تحصیل و مهاجرت به کانادا و تحصیل در این کشور اشاره میکند.فعالیتهای ضمن تحصیل : از فعالیت های ضمن تحصیل قرخلو بعد از اتمام دوره دانشسرای عشایری در شیراز روی آوردن به شغل مقدس آموزگاری است که تا اینک در درجه استادی ادامه دارد. وی همچنین در دانشگاه اوتاوای کانادا مسئولیت آزمایشگاه GIS را بر عهده

داشته است.استادان و مربیان : از استادان وی دکتر شاپور گودرزی، دکتر رهنمایی، دکتر مشیری، دکتر کردوانی، و از استادان دانشگاه اوتاوا پروفسور میشل فیلیپ و پروفسور آندره لانگلوآ میتوان نام برد.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر مهدی قرخلو از همدوره ایهای خود به دکتر عظیمی استاد دانشگاه گیلان، دکتر جانی استاد دانشگاه مشهد،دکتر خورشیدوست از دانشگاه تبریز و دکتر قدیر استاد دانشگاه تهران اشاره کرد.همسر و فرزندان : دکتر مهدی قرخلو دارای همسر و چهار فرزند 3 دختر و یک پسر میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر قرخلو در فعالیت های اجرایی خود معاونت تحصیلات تکمیلی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در گذشته و معاونت مالی و پشتیبانی دانشکده جغرافیا را نیز در حال حاضر بر عهده دارد.فعالیتهای آموزشی : علاوه بر آموزگاری در دوران تحصیل دکتر قرخلو سابقه 10 سال تدریس در دانشگاه تهران دانشکده جغرافیا را در زمینه GIS و دیگر رشته ها را در کارنامه دارد و به آن مشغول است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر مهدی قرخلو در توسعه آزمایشگاه GIS دانشکده جغرافیا از سال 1376 به بعد همکاری داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر قرخلو علاوه بر شرکت در کنفرانس های بین المللی و چاپ مقاله های علمی به اجرای پروژه های تحقیق داخلی و خارجی نیز میپردازد.همفکران فرد : دکتر قرخلو از همفکران خود اساتید برجسته دانشکده جغرافیا؛ دکتر رهنما، دکتر فرهودی، دکتر پور احمد، دکتر حاتمی نژاد و دکتر زیادی و ... نام میبرد.چگونگی عرضه آثار : بیشتر آثار دکتر قرخلو ؛ ترجمه و تالیف و ارائه مقاله در سمینارهای مختلف در زمینه جغرافیا و GIS میباشد.آثار : جغرافیای جهانگردی و برنامه ریزی اوقات فراغت ویژگی اثر : تالیف، جهاد دانشگاهی، 13862 جغرافیای فرهنگی ویژگی اثر : ترجمه، نشر سمت، 13833 کاربرد اینترنت در جغرافیا و علوم انسانی ویژگی اثر : تالیف، 13854 کاربرد کامپیوتر در جغرافیا ویژگی اثر : تالیف، 13835 مهاجرت و اسکان عشایر ویژگی اثر : تالیف، نشر میان، 1382

قره نژاداشکن، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1316، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز در سال 1343 و دکترای تخصصی جغرافیای صنعتی از دانشگاه آنکارا در سال 1350.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه اصفهان از سال 1350 تا سال 1357 و دانشیار دانشگاه اصفهان از سال 1357.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
صنایع غذایی شهر اراک، کارخانه کک‌سازی ذوب‌آهن، کارخانجات سنگبری اصفهان، کارگاههای بافندگی اصفهان، تأثیر ذوب‌آهن اصفهان بر روی فعالیتهای زراعی منطقه لنجان، تدریس دروس مکان‌یابی صنعت، جغرافیای صنعتی ایران، جغرافیای اقتصادی و روشهای برنامه‌ریزی در دانشگاه اصفهان، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 3 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای گیاهی، جغرافیای صنعتی و جغرافیای طبیعی اروپا، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی چاپ دوم با تجدید نظر کلی تعیین محل صنایع با توجه به مواد اولیه و جغرافیای صنعتی ایران و مسائل و مشکلات.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 17، تعداد مقالات بزبان خارجی: 4
زمینه علمی مقالات:
اقتصاد صنعتی ایران بعد از جنگ دوم جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، نقش ژئوپولیتیک در تشکیل دولتها، تأسیس صنایع اتوماتیک مشکل بیکاری را حل نمی‌کند، بررسی پارچه‌های قلمکار اصفهان و تعیین حمل کارخانه غلطلک‌سازی در نورد و مبارکه و فعالیتهای صنعتی، مسائل و مشکلات و راه‌حلها.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

قزوینی، عمادالدین، ابوعبدالله زکریا

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(683 / 682 -605 / 600 ق)، عالم، ادیب، قاضی، فقیه، محدث، مورخ، جغرافیدان و خطاط. معروف به عماد قزوینی. نسبش به مالک بن انس انصاری خادم پیامبر (ص) می‌رسد. در قزوین به دنیا آمد. در جوانی به شام رفت و پس از تحصیلات به عراق مسافرت کرد. او شاگرد اثیرالدین ابهری حکیم بزرگ ایرانی بود. ابن‌طاووس، سید غیاث‌الدین عبدالکریم بن احمد بن طاووس، مجلس او را درک نموده است. وی در 650 ق قاضی حله و در 652 ق قاضی واسط شد و تا آخر عمر عهده‌دار آن منصب بود.در واسط درگذشت و پیکرش به بغداد نقل و در مقبره‌ی شونیزیه دفن شد. از آثار وی: «آثار البلاد و اخابر العباد»، در جغرافی، که ظاهرا در «کشف الظنون» به نام «عجائب البلدان» نیز آمده است؛ «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات»، به عربی، در وصف کائنات، در دو مقاله: مقاله نخست در علویات و مقاله دوم در سفلیات به نام سلطان معزالدین شاپور. این دو کتاب گرچه هر کدام کتابی مستقل است اما در حقیقت حکم دائره‌المعارف واحدی درباره عالم و موجودات و مخلوقات و بلاد و آثار آن دارد و این کتاب به فارسی و آلمانی و ترکی ترجمه شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (80 / 3)، تاریخ ادبیات در ایران (281 -279 / 3)، تاریخ نظم و نثر (146)، الذریعه (219 / 15 ،7 / 1)، روضات الجنات (373 / 3)، ریحانه (453 / 4)، کشف الظنون (1128 -1127 ،1126 ،9)، الکنی و الالقاب (62 -61 / 3)، معجم المؤلفین (183 / 4)، مینودر (837 5، -3 / 2)، هدیه الاحباب (216)، هدیه العارفین (373 / 1).

کابلی، میرعابدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر عابدین کابلی در سال 1322 در شهرستان بابل متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع لیسانس در دانشگاه تهران ادامه داد و مقطع کارشناسی ارشد را بدلایلی در همان دانشگاه ناتمام رها کرد. کابلی فعالیت خود را در اداره کل باستان شناسی پس از انجام خدمت سربازی آغاز کرد و از آن زمان در بسیاری از کاوش های باستان شناسی با مسئولیت های مختلف شرکت کرده است. این کاوش ها به دوران مختلف تاریخی مربوط می شوند. وی در خصوص مطالعات و پژوهش های انجام شده صاحب تالیفات متعددی است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : میر عابدین کابلی در 9 شهریور 1322 در بابل مازندران به دنیا آمد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : میر عابدین کابلی تحصیلات خود را در دبستان بدر , دبیرستان قناد و دبیرستان فردوسی سپری نمود و در سال 1343 موفق به دریافت دیپلم شد. در همان سال وارد دانشگاه شده و در رشته باستان شناسی و تاریخ هنر مشغول تحصیل شد.وی در سال 1347 از مقطع کارشناسی فارغ التحصیل گردید و تحصیل در دوره کارشناسی ارشد را ادامه داد . لیکن در سال 1349 بدلایلی چند انصراف داده است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : میر عابدین کابلی در سالهای 50-1348 خدمت نظام وظیفه را در قصر شیرین ، مرز خسروی و کرمانشاه به انجام رساند. وی از 16 خرداد 1350 به خدمت اداری مشغول شد. کابلی ابتدا در اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عامه و از 19 آذر 1351در مرکز با ستان شناسی ایران و سر انجام در آذر 1367 در سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به فعالیت شد . کابلی از سال 1352 تا 1356 معاون قسمت پژوهش اداره کل با ستان شناسی بود . و از سال 1356 تا 1359 به ریاست بخش کاوش اداره کل باستان شناسی منصوب شد . وی از سال 1367 تا 1372نیز معاون پژوهشی اداره میراث فرهنگی استان تهران بوده است. فعالیتهای آموزشی : از فعالیت های آموزشی میر عابدین کابلی می توان به تدریس «باستان شناسی کشورهای همجوار» در مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی و همچنین تدریس «آشنایی با میراث فرهنگی » و «آشنایی با فرش» و «صنایع مستظرفه» در دانشکده امور اقتصادی اشاره کرد. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یکی از عمده فعالیت های میر عابدین

کابلی، شرکت در پژوهش های میدانی است که بشرح زیر می باشد: - شرکت در کاوش های هفت تپه خوزستان (دوره: ایلامی میانه) در سال 1345، به مدت 20 روز - شرکت در کاوش های ابوفندوا در خوزستان (دوره : پیش از تاریخ) ، در سال 1345 بمدت 20 روز - شرکت در بررسی های محوطه باستانی شمال خراسان (عمومی) در سال 1346 بمدت 30 روز - شرکت در کاوش های شهداد کرمان ، در سال های ، 1352، 1351، 1350 ، هر سال بمدت 75 روز و به عنوان باستان شناس و معاون هیات و ارائه گزارش ، مقاله و سخنرانی - شرکت در بررسی های هلیلان در ایلام، به عنوان سرپرست مشترک هیات در سال 1353 و بمدت 65 روز و ارائه گزارش - شرکت در کاوش های شوش خوزستان ( پیش از تاریخ)، به عنوان باستان شناس در سال 1353 و بمدت 60 روز - شرکت در کاوش های تپه یحیی کرمان ( پیش از تاریخ) ، به عنوان نماینده مرکز باستان شناسی در سال 1354 و بمدت 60 روز - شرکت در کاوش های تپه حصار دامغان (پیش از تاریخ)، به عنوان باستان شناس و بمدت 20 روز در سال 1355 - شرکت در کاوش های شوش خوزستان 0پیش از تاریخ) به عنوان نماینده مرکز باستان شناسی بمدت 95 روز در سال 1355-1354 - شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) ، در سالهای 1355 و 1356 در هر سال بمدت 60 روز و به عنوان معاون هیات و سرپرست هیات - شرکت در کاوش های سنگ سیاه برازجان (هخامنشی) به عنوان باستان شناس و نقشه بردار، در سال 1357 بمدت 55 روز - شرکت در کاوش های تپه جلدو خرم آباد لرستان (پیش از تاریخ، ایلامی، ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات بمدت 30 روز در سال 1359 - شرکت در کاوش های ارجان بهبهان (ایلامی نو) به عنوان باستان شناس بمدت 25 روز و در سال 1360 - شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی، پارتی ، اسلام) به عنوان سرپرست هیات در سال 1362 و1363 بمدت 30 روز - شرکت در کاوش های تپه ماسور خرم آباد (اسلامی، تاریخی، پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت 30 روز - شرکت در کاوش های ویژه در بند مهران (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و بمدت 30 روز در سال 1367 - بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات و بمدت 30 روز - تعیین حریم محوطه باستانی شهداد کرمان (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت 30 روز در سال 1368 - شرکت در کاوش های ارجان خوزستان (ایلامی نو) به عنوان سرپرست هیات و بمدت 30 روز در سال 1368 -بررسی محوطه باستانی قمرود در قم (عمومی) به عنوان سرپرست هیات بمدت 20 تا 25 روز در سال های 1372،1371 ، 1370، 1369 - شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان

سرپرست هیات در سال 1373 - شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات در سال 1373 - شرکت در کاوش های شوش - خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات در سال 1374 - شرکت در کاوش های قره تپه قمرود (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال 1374 - شرکت در کاوش های شهداد کرمان (پیش از تاریخ) به عنوان سرپرست هیات و در سال 1374 - شرکت در کاوش های شوش خوزستان (هخامنشی) به عنوان سرپرست هیات و در سال 1375. چگونگی عرضه آثار : میر عابدین کابلی نتایج مطالعات و پژوهش های خود را در کنگره ها و همایش های ملی و بین المللی تخصصی ارائه داده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود: - دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران. موزه ایران باستان ، تهران 1352 - هفتمین کنگره بین المللی باستان شناسی و تاریخ هنر ایران، مونیخ 1354 - نخستین گردهمایی مردم شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران 1369 - نخستین گردهمایی باستان شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، شوش 1373 - نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در ایران ، بم(کرمان) در سال 1374آثار : 1 آب و آبیاری در شهداد هزاره سوم ویژگی اثر : منتشر شده در شماره 1 نشریه فروهر در سال 13622 باستان شناسی به روایت مردم ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه نامه فرهنگ ایران، شماره 12 سال 1364 مربوط به بنیاد نیشابور3 بررسی آثار بعد از اسلام در مجموعه بازیافته ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره پنجم سال 13714 بررسی آثار پیش ازاسلام در مجموعه باز یافته ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره سوم و چهارم در سال 13705 بررسیهای باستان شناسی در قمرود ویژگی اثر : این کتاب شامل متن، نقشه، طرح ، عکس و جدول است.6 درباره دومین فصل کائش در قره تپه قمرود ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره 17 دره ماژین و آثار باستانی کول کئنی در پیش کوه لرستان ویژگی اثر : ارائه شده در: Akten Des VII Internationalen Kongresses Fur Iranische Kunst und Archaologia Munchen . DIETRICH REIMER VERLAG I BERLIN 1979.8 روابط فرهنگی و بازرگانی شهداد و منطقه ترکستان در هزاره سوم ویژگی اثر : منتشر شده درمجموعه مقالات کرمان شناسی در سال 13699 شهداد ویژگی اثر : منتشر شده در جلد سوم مجموعه شهرهای ایران به کوشش دکتر محمد یوسف کیانی که در سال 1368 توسط جهاد دانشگاهی منتشر شد.10 شهداد تجلی گاه فرهنگ ایران در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره 16 سال

135311 شهداد در هزاره سوم پیش از میلاد ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های دومین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران -1353 ، زیر نظر فیروز باقر زاده12 شهداد مرکز ایالت آراتا ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ سال 1، شماره پیاپی 18 در سال 136513 شوش و میراث باستانی دشت شوشان ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی شماره 12 سال 137314 گزارش دهمین فصل کاوش گروه باستان شناسی دشت لوت در محوطه باستانی شهداد ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره 1 سال 137615 گزارش دومین فصل کاوش جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش و طرح مرمت و بازسازی دیوار تختگاه -بهار 1374 ویژگی اثر : منتشر شده در گزارش های باستان شناسی شماره 1 سال 137616 گزارش کاوش های تپه جلدو خرم آباد - 1360 ، گزارش کاوش های تپه ماسور خرم آباد- 1363 ، گزارش کاوش های کاخ هدیش در آپادانای شوش-1355 ، گزارش کاوش های گورستان هزاره سومی کان گنبد ایلام-1367 ، گزارش کاوش های محوطه باستانی ویغ ویژ در بند مهران- ایلام-1369 ، گزارش کاوش های نخستین فصل کاوش در جبهه غربی تختگاه آپادانای شوش- 1364 ، گزارش های محوطه ایلامی ارجان-1369 ، گزارش های یازدهمین فصل کاوش در محوطه باستانی شهداد ویژگی اثر : شامل متن ، نقشه ، طرح و عکس در سال 137424 مساکن شهر شهداد و مقایسه آن با سکونتگاههای جنوب شرق ایران در چهارهزار سال پیش ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ، جلد سوم ، 137525 نمود پاره ای از سنتهای پیش از تاریخی در دوران معاصر ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات اولین گردهمایی مردم شناسی در سال 1371

منابع زندگینامه :استان پژوهی , زمستان 1379 , ویژه نامه سمینار باستان شناسی دانشگاه تهران

کامبخش فرد، سیف الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیف الله کامبخش فرد در سال 1308 در تهران دیده به جهان گشود .وی تحصیلات عالی دانشگاهی خود را در رشته باستا ن شناسی تا مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران سپری کرد. فعالیت های تخصصی وی پس از اتمام تحصیلات در موزه ایران باستان، معاونت و دستیاری دکتر نگهبان در پایه‌گذاری و اداره موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و مسئولیت‌های مختلف در مراکز باستان شناسی بوده است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیف الله کامبخش فرد تحصیلات ابتدایی را دردبستان ادیب و متوسطه را در دارالفنون گذراند .سپس در رشته باستان شناسی ادامه تحصیل داده و موفق به دریافت درجه کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان شناسی در سال 43-1342 از دانشگاه تهران شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرای و اداری سیف الله کامبخش از سال 1365-1339به شرح زیر می باشد : عضو بخش پیش از تاریخ موزه ایران باستان 1339. -معاونت و دستیاری دکتر نگهبان در پایه گذاری و اداره موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران1345-1338 . -رییس آرشیو فنی موزه ایران باستان 1344. -رییس موزه ایران باستان 1358. -کارشناس ارشد و مسوول کاوشهای باستان شناسی در مرکز باستان شناسی ایران 1365-1359. کامبخش در سال 1365 از مشاغل اداری بازنشسته شد. فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی سیف الله کامبخش به خدمتش به عنوان معلم و دبیر وزارت فرهنگ پیش از عضویت در موزه ایران‌باستان بازمی‌گردد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی میدانی سیف الله کامبخش فرد از سال 1377-1339 به شرح زیر می باشد: -عضو هیات کاوشهای باستان شناسی مهران آباد ساوه به سرپرستی مشترک دکتر نگهبان و دکتر کایلریا نگ از کانادا گزارش این کاوش هرگز منتشر نگردید ،1339. -عضو فعال اولین هیات باستان شناسان ایرانی در کوهپایه های گیلان شرقی (املش )به ریاست دکتر محسن مقدم که گزارش کوتاهی از آن در دو صفحه دریادنامه پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران چاپ گردید ،تابستان 1340. -سرپرست هیات بررسیهای باستان شناسی دره های سیاهرود و سفید رود دحمت اباد رودبار (رشی ـچلگاسر ـدشت ویل ـسندس ـ دفراز و چراغعلی تپه

(مارلیک )،پاییز سال 1340. -کاوشگر ارشد و معاون هیات کاوشهای مارلیک به سرپرستی دکتر نگهبان ،1340. -کاوشگر ارشد و معاون دکتر نگهبان در فعالیتهای باستان شناسی پیلاقعه ـزینب بیجار ـ رود بیجار ـ علی کرم باغ ـکلایه رحمت آباد رود بار گیلان ،42-1341. -سرپرست هیات علمی کاوشهای باستان شناسی نیشابور (کوره های سفالگری دوره سلجوقی )1343. -سرپرست هیات علمی کاوشهای هفت تپه خوزستان به سرپرستی دکتر نگهبان ،1344. -سرپرست هیات بررسیهای باستان شناسی در گرمغان ،1344. -سر پرست هیات کاوشهای باستان شناسی در تپه های قیطریه ،1347. -سر پرست هیات کاوشهای باستان شناسی در تپه های قیطریه ،1348. -سر پرست کاوشهای باستان شناسیدر قصبه و محوطه معروف به آناهیتا کنگاور (کاوش آرفالیش )1347. -سرپرست و مجری طرح کاوشهای باستان شناسی و بازسازی معبد آناهیتا ـکنگاور 56-1348. -سرپرست کاوش در گور خمرهای کوهپایه های پرو1348. -سر پرست هیات کاوش و بازسازی تاق گر ا،55-1352. -به طور همزمان سرپرست بررسی و چگونگی حفاظت و مرمت ابنیه تاریخی منطقه غرب ایران (بیستون ـتاق بستان )56-1352. -سر پرست بررسی ،شناسایی ،نقشه برداری ،تعیین حریم وگلخانه زنی در دره شهر ایلام . -1364سرپرست کاوش در کوره های 3200 ساله سفالهای خاکستری رنگ تپه های کهریزک ری ،1362. -بررسیهای باستان شناسی (مجموعا طی بیست روز )در جزیره قشم با هماهنگی میراث فرهنگی و منطقه آزاد قشم )77-1376. آثار : 1 آثار تاریخی ایران ویژگی اثر : انتشار 13792 آثار و بقایای دهکده های پارتی (اشکانی ) ویژگی اثر : نشریه بررسی های تاریخی، سال دوم، شماره 1، 13463 بررسیهای باستان شناسی در آذر شهر مراغه ویژگی اثر : میراث فرهنگی 13734 بررسیهای باستان شناسی در دره ایلام شهر ویژگی اثر : شهر های ایران 13685 پدیده فرهنگی سفال خاکستری رنگ ویژگی اثر : یاد نامه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران -شوش13736 تاق گر ا ویژگی اثر : تاریخ معماری و شهر ساز ی ایران 13787 تحولات کالبدی و کاربردی غارها در روند معماری مذهبی ایران ویژگی اثر : معماری مساجد -گذشته ،حال و آینده 13768 تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس یافته های باستان شناسی ویژگی اثر : فضا 13709 روایتی از کاوشهای باستان شناسی در کوهپایه های گیلان شرقی (املش ) ویژگی اثر : باستان شناسی وتاریخ10 سخنی درباره پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران ویژگی اثر : هنر و مردم 134711 سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر ویژگی اثر : انتشار 137912 سفالگری نیشابور در سده های پنجم و ششم هجری ویژگی اثر : وزارت فرهنگ و هنر مردم 134813

سفالگری نیشابور در عهد سلجوقیان ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 134614 سنگ نبشته هایی در اطراف سبلان ویژگی اثر : یاد نامه پنجمین کنگره بین المللی باستان شناسی و هنر ایران، جلد اول، 134715 سنگ نبشته های اورارتویی و پهلوی ساسانی در آذربایجان ویژگی اثر : گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در پنجمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران134716 سنگ نبشته هایی در آذر بایجان شرقی و اطراف سبلان ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران 1347.17 سنگ نبشته هایی در اطراف سبلان ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران 134718 سنگ نگاره های بیستون ـتاق بستان و کاوشهای علمی در کنگاور ویژگی اثر : یادنامه سمپوزیوم باستان شناسی ایران134819 شکل گیری معماری معبد ناهید کنگاور در تاریخ ویژگی اثر : تاریخ معماری و شهر سازی ایران20 فلز کاری و زر گری در مارلیک ویژگی اثر : باستان شناسی و تاریخ21 قلعه جمهور (دژ بد )جایگاه بابک خرم دین ویژگی اثر : نشریه بررسیهای تاریخی، سال یکم، شماره4، 134522 قلعه جمهور (دژبذ) جایگاه بابک خرم دین ویژگی اثر : هنرو مردم 134523 قیطریه مرکز تمدن سه هزار ساله ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران 134824 کاوش در معبد آناهیتا ـکنگاور ویژگی اثر : نشریه بررسیهای تاریخی، سال سوم، شماره6، 1347.25 کاوش و بازساز ی معبد کنگاور ویژگی اثر : فرهنگ و معماری ایران 135526 کاوش و بازسازی تاق گرا ویژگی اثر : فرهنگ و معماری ایران 135527 کاوشهای باستان شناسی و بازسازی در کنگاور ویژگی اثر : شهر های ایران کاوشهای علمی در کنگاور -معبد آناهیتا ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران 135029 کاوشهای علمی در کنگاور -معبد آناهیتا ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران30 کاوشهای کنگاور ویژگی اثر : مجله انگلیسی 197331 کتیبه ای از شاپور دوم شاهنشاه ساسانی درمشکین شهر ویژگی اثر : هنر و مردم 134632 کشف کتیبه پهلوی ساسانی (آذر نار سه ـشاهپور دوم )در مشکین شهر ویژگی اثر : نشریه هنر و مردم، شماره 61-62، 1346.33 معبد آناهیتا -کاوشهاو بازسازی ها ویژگی اثر : گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در هفتمین کنگره باستان شناسی و هنر ایران -آلمان 135534 معبد آناهیتا -کاوشهاو بازسازیها ویژگی اثر : گزارش سومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران 135435 معبد آناهیتا -کاوشهای و بازسازیها ویژگی اثر : گزارش های دومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران 135236 معبد آناهیتا -کنگاور ویژگی اثر : گزارش به مجمع باستان شناسان جهان در ششمین کنگره ارگ بم -کرمان 137837 معبد آناهیتا -کنگاور (کاوشها و بازسازیها در معبد ناهید و تاق در ) ویژگی اثر : سازمان میراث فرهنگی 134738 معبد آناهیتا و تاق

گرا -کاوشهاو بازسازی ها ویژگی اثر : گزارشهای چهار مین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران1355

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

کردوانی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
پرویز کردوانی در سال 1310 در گرمسار بدنیا آمد. وی از جمله استادان رشته جغرافیا است که در زمینه « توسعه پایدار محیط زیست » تحقیقات زیادی را به انجام رسانده و در قالب مقالات و سخنرانی های متعدد بازتاب پیدا نموده است. او مدت زیادی را در خارج از کشور به سر برده و از سال 1345 که به ایران بازگشت و در دانشگاه ارومیه مشغول به کار شد. استاد در سال 1346 رهسپار تهران شد و تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد. پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : کویر شناسیوالدین و انساب : پرویز کردوانی فرزند حسین علی کردوانی ملقب به بلوکباشی می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : پرویز کردوانی تحصیلات ابتدائی را تا کلاس نهم در گرمسار خواند و دیپلم متوسطه را در مدرسه فرانسویها (دبیرستان رازی) در تهران گذراند.وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان ادامه داد و موفق شد دکتری خود را در باره "تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" به پایان برساند.خاطرات و وقایع تحصیل : پرویز کردوانی برای تهیه پایان نامه خود درباره " تأثیر انواع کودهای شیمیایی و حیوانی بر محصولات کشاورزی در خاکهای تحت تأثیر نمک (اراضی شور و قلیائی)" مجبور شد ، یک تن از خاک کویرها (نمکزارها)ی ایران را به آلمان منتقل کند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر ستونی و مجید رهنما از جمله دوستان و همکاران پرویز کردوانی هستند که در دانشگاه تهران و در تحقیقات کویر شناسی به اتفاق هم کار می کنند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پرویز کردوانی از سال 1345 که به ایران بازگشت و به عنوان اولین عضو هیأت علمی در دانشکده جدیدالتأسیس کشاورزی و دامپروری دانشگاه ارومیه مشغول شد. او در تاریخ 28/12/1347به گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران منتقل گردید.استاد در سال 1346 تحقیق پیرامون بیابان لوت را به همراه آقای دکتر ستونی شروع کرد که 5 سال به طول انجامیده و تا سال 1351 در بیابان لوت بودند. تا اینکه بالاخره ثابت کردندکه لوت گرمترین نقطه کره زمین است. سمت ها با حفظ وظایف آموزشی: استاد دانشگاه تهران،مدیرکل دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران 54-1348, رئیس

مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران 58-1354. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : پرویز کردوانی بنیانگذار مرکز تحقیقات کویری و بیابانی دانشگاه تهران است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : پرویز کردوانی درباره برنامه زندگی روزمره خود نقل کرده که « من ساعت11/30-11 شب می خوابم ، ساعت 2/30 دقیقه صبح بیدار می شوم و تا ساعت 3/30 ورزش می کنم ... از 3/30 تا 4 صبح هم صبحانه می خورم تا ساعت 6 صبح مطالعه می کنم و بعد برای اینکه توی ترافیک نمانم همان ساعت می روم دانشگاه . تا ساعت 9 شب یا در حال کار هستم یا مطالعه . 9 به بعد دیگر مطالعه نمی کنم چون شب دچار بی خوابی می شوم... » کردوانی معتقد است که هیچ تفریحی جز کار و مطالعه ندارد . او قبلا که حیاط داشت به باغبانی می پرداخت ولی الان از ساعت 9 تا 11 شب به قدم زدن و پیاده روی می پردازد. وی بیشترین تفریح خود را بیرون رفتن ، نوشتن و خواندن می داند. پرویز کردوانی بیست جلد کتاب به رشته تحریر درآورده است. که آخرین آن « خشکسالی و راههای مقابله با آن » می باشد. البته یکی دو کتاب دیگر نیز در دست تهیه دارد که هنوز ناتمام است. اولین آثار خود را حاصل تجربیاتی می داند که وی در طی سفر به دور دنیا کسب کرده است.شاگردان : دکتر ناصر کرمی ، یکی از شاگردان پرویز کردوانی است. رساله دکترای ناصر کرمی که با عنوان « امکان سنجی و ظرفیت سازی هنجارهای توسعه پایدار در مناطق خشک » با درجه عالی زیر نظر پرویز کردوانی تدوین شده است ، در حال حاضر تنها مرجع در این زمینه در کشور ما به شمار می آید.آرا و گرایشهای خاص : عقیده پرویز کردوانی برای توسعه پایدار و حفظ محیط زیست که در قالب مقالات و سخنرانی های او بازتاب پیدا می کند. اصولا دکتر کردوانی به اهمیت جلب توجه مردم به هنجار های توسعه پایدار اعتقادی ویژه دارد و شاید به همین خاطر هم باشدکه در بسیاری از کتاب ها و مقالاتش ، مخاطبان او به واقع نه دانشمندان همکار ، و بلکه عموم مردم هستند. مردمی که در نهایت مجری هر طرح توسعه محسوب می شوند و هیچ برنامه جامعی بدون مشارکت جدی و آگاهانه آنها هرگز تحقق نمی یابد. شاید یکی دیگر از دلایل محبوبیت کردوانی ویژگی های اخلاقی جذاب او باشد، از جمله جوش و خروش زیاددر سن بالای هفتاد سال ، کار مداوم و همیشگی ، و سخنرانی های مشهورش ، از جمله دیدگاه های همیشگی دکتر کردوانی می توان از « ضرورت احیای فناوری های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در ایران » نام برد. او حفظ ، احیاء و گسترش فناوری قنات را ضروری می داند. طوری که این نظر او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سالیان اخیر به شدت مورد توجه

سازمان ملل قرار گرفته است. اهمیت حفاظت از منابع طبیعی و بویژه « ضرورت حیاتی جلوگیری از فرسایش خاک » نیز از جمله دغدغه های همیشگی دکتر کردوانی بوده است.جوائز و نشانها : پرویز کردوانی در سال 1381 ه .ش برنده جایزه مهرگان علم شد. او این جایزه را به خاطر تالیف کتاب « خشکسالی و راههای مقابله با آن »دریافت کرده است. وی جایزه خود را که شامل یک تندیس به اضافه مبلغ یک میلیون تومان بود را به جوانان گرمسار اهداء کرد تا برایشان کتاب خریداری شود. دیگر افتخارات کسب شده استاد کردوانی به قرار زیر است: - احراز رتبه اول در بین تمامی دانشجویان رشته کشاورزی در آلمان در سال 1966 (1345) و دریافت جوائز به همین مناسبت از مقامات مربوط در آلمان و ایران - 5 سال تحقیق در بیابان لوت ایران 51-1347 و کشف جدید و منحصر به فرد در جهان در آن (گرمترین نقطه کره زمین به عبارت دیگر خیلی گرم تر از دیگر بیابانهای جهان, مانند کلوتها عارضه منحصر به فرد در جهان و دیگر ویژگی ها), احراز رتبه سوم در طرح کارائی علمی در بین تمامی 1367 نفر اعضاء هیأت علمی دانشگاه تهران و مؤسسات وابسته در سال تحصیلی 76-73. - انتخاب به عنوان شخصیت برجسته و مفاخر فرهنگی استان سمنان (زادگاه خود) در سال 1377 - احراز سه پایه ترفیع استادی در یک سال (دو پایه تشویقی به منظور قدردانی از فعالیتهای آموزشی و پژوهشی) در سال 1379 - دریافت جایزه کتاب برتر استان زادگان (سمنان), آبان 1380, برنده جایزه "مهرگان علم" به خاطر تألیف بهترین کتاب سال 1380 از بین 157 کتاب در زمینه محیط زیست - انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران, 1380 - دریافت لوح تقدیر به خاطر "اهداء کننده نمونه کتاب" در سطح استان زادگان, 1381 - انتخاب به عنوان عضو اصلی قطب علمی دانشگاه, 1381 - احراز رتبه 29 استادی در سال 82 و بازنشسته شدن در شهریور همین سال. -انتخاب به عنوان چهره ماندگار علمی کشور در سال 84. - تجلیل و قدردانی به مناسبت های مختلف توسط سازمانهای مختلف (بعد از بازنشستگی) چگونگی عرضه آثار : تألیفات و مقالات علمی - پژوهشی دکتر پرویز کردوانی : 21 جلد کتاب, ده ها مقاله علمی - پژوهشی چاپ شده به زبان فارسی-آلمانی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی, بیش از یکصد فقره سخنرانی در مجامع علمی داخلی و خارجی, عضویت در چندین مجامع علمی داخلی و بین المللی مانند: شبکه آب خاورمیانه, بنیاد مطالعات آسیائی, عضو هیأت امناء صلح سبز (جبهه سبز), رئیس کمیته بیابان زدائی انجمن متخصصان محیط زیست ایران, انجمن جغرافیایی ایران, عضو هیئت تحریریه و شورای انتشارات چندین مجله علمی - پژوهشی, اجرای چندین طرح تحقیقاتی درباره مناطق مختلف ایران به

ویژه نواحی بیابانی و کویری, داوری ده ها کتاب و صدها مقاله علمی و طرحهای تحقیقاتی, راهنمائی بیش از دویست فقره پایان نامه فوق لیسانس و ده فقره رساله دکتری دانشجویان دانشگاه ها, راهنمائی دانشجویان در سفرهای علمی به تمام نقاط کشور عزیزمان و 20 کشور خارجی, صدها فقره مصاحبه مطبوعاتی تلویزیونی, ماهواره ای و رادیوئی داخلی و خارجی. آثار : اثر انسان و عوامل طبیعی در پیشرو بیابان لوت (ایران) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران 13562 اکوسیستم های آبی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: علم - 1383 3 اکوسیستم های طبیعی، عمومی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: قومس - 1382 4 بررسی مسائل اقتصاد روستائی بیابانی شرق کاشان (روستاهای منطقه ایوزید آباد) ویژگی اثر : انتشارات مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران وابسته به دانشگاه تهران 1356 ( مشترک با آقای ذبیح اله کرمی خواجه)5 جغرافیای خاکها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 1382 6 حفاظت خاک ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 04 اردیبهشت، 1385 7 خاک و محیط زیست ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه آزاد ایران 13578 خشکسالی و راه های مقابله با آن در ایران: آب: در کشاورزی، صنعت و شهر ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 30 آبان، 1386 9 خشکسالی وراههای مقابله با آن ، ژئوهیدرولوژی ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 19 اردیبهشت، 1386 11 شهداد تا ده سلم(خاک آب پوشش گیاهی و اوضاع کشاورزی) ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا - دانشگاه تهران مرداد ماه 135012 کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن (مسائل، توانمندی ها و راههای بهره برداری) ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 29 اردیبهشت، 1386 13 مراتع ،مسائل و راه حلهای آن در ایران ویژگی اثر : انتشارات ،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران 137114 مراتع ایران ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 26 اردیبهشت، 1385 15 منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره برداری از آنها ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر: دانشگاه تهران - 29 اردیبهشت، 1386 16 مناطق خشک جلد دوم ،خاکها(طبقه بندی جغرافیایی و مسائل بهره برداری از آنها) احیاء اصلاح و آباد کردن ویژگی اثر : انتشارات،موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران -چاپ سوم 137117 مناطق خشک: ویژگیهای اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب و غیره ویژگی اثر : تالیف : پرویز کردوانی ناشر:

دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 03 مرداد، 1385 18 نمونه هایی از خاک های بخش شهداد کرمان ویژگی اثر : انتشارات موسسه جغرافیا،دانشگاه تهران تیر ماه 135019 نمونه هایی از خاکهای لوت زنگی احمد(بیابان لوت) ویژگی اثر : انتشارات موسه جغرافیا،دانشگاه تهران مرداد ماه 1349

کردوانی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود کردوانی در سال 1303 در بوشهر متولد شد . وی در طول تحصیل دوره دبیرستان به شوش رفته و کار کاوشگران فرانسوی را از نزدیک مشاهده نمود . همین امر زمینه ساز علاقه شدید وی به باستان شناسی گردید و ادامه تحصیل دردانشگاه تهران شد. پس از اتمام تحصیل در اداره کل باستان شناسی به خدمت گمارده شد و در حفاری‌های شوش با هیئت فرانسوی همکاری داشت. وی در سال‌های 58-1356 مدیریت اداره کل فرهنگ وهنر بوشهر را برعهده داشت.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمود کردوانی در سال 1325در شهر اهواز دوره پنجم متوسطه را به پایان رسانید و دیپلم کامل متوسطه را در تهران اخذ کرد .در سال 1337 در رشته باستان شناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل لیسانس باستان شناسی شد. خاطرات و وقایع تحصیل : سالهای تحصیلی محمود کردوانی ( 1375-1337 ) شرایط تحصیل دراهواز با یک دبیرستان و یک دانشسرای مقدماتی فراهم بودو درتحصیلات عالیه در تهران دنبال می‌شد. به همین جهت تحصیل دانشگاهی برای تمام قشرهای اجتماعی امکان پذیر نبود. به خصوص در خوزستان خانواده‌ها نسبت به تحصیلات عالی رغبتی نداشتند زیرا در آن زمان شرکت نفت جوانان دیپلمه را با حقوق ماهانه600 تومان استخدام می کرد در حالی که حقوق یک دبیر لیسانس در این زمان کمتر از 300 تومان بود. این عامل باعث می شد که جوانان پس از اخذ دیپلم فوراً در شرکت نفت استخدام شوند . وقایع میانسالی : محمود کردوانی در سال 1356 به مدیریت کل فرهنگ و هنر استان بوشهر منصوب شد و خدمت او در آن اداره 2 سال بطول انجامید. در آن سال به واسطه بارندگی شدید یک کاخ هخامنشی در روستای نظرآباد(بین بوشهر و برازجان) پیدا شد که فرصت کاوش را برای ایشان در منطقه فراهم ساخت. در نتیجه این کاوش‌ها از سه کاخ هخامنشی دیگر خاکبرداری شد. کردوانی ضمن این کاوش‌ها متوجه زیارتگاهی موسوم به «پیر پارسه» که مقبره هخامنشی است می‌شود. ظاهر زیارتگاه ، اتاقی مربع شکل بود که با سنگ سیاه ساخته شده و توسط اهالی روی بدنه دیوارها از درون و بیرون گچ اندود شده بود. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محود کردوانی پس از اخذ دیپلم بطور موقت در آموزش و پرورش مشغول به خدمت

شدو بنا به تعهدی که داشت چند سالی در خوزستان، گیلان و قزوین تدریس نمود. سوابق اجرایی و اداری محمود کردوانی از سال 58-1337 به شرح زیر می باشد: کارشناس باستان شناسی ، اداره کل باستان شناسی 1337 . مدیر کل فرهنگ و هنر استان بوشهر 58-1356. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی محمود کردوانی به شرح زیر می باشد: -شرکت در کاوش حلوان و فرهیتگان فارس ،به سرپرستی مهندس حاکمی 1337 . -شرکت در کاوشهای تپه حسنلو ،عضو هیات و بازرس فنی .به سرپرستی هیات دانشگاه پنسلوانیا 1338. -شرکت در کاوشهای شوش به سر پرستی رمن گیرشمن شرکت در کاوشهای شوش به سرپرستی ژان پرو . -شرکت در کاوشهای تپه یحیی کرمان عضو هیات به سرپرستی کارلوفسکی . - شرکت در کاوشهای هفتوان تپه سلماس عضو هیا ت به سرپرستی چالزبرنی . -شرکت در کاوشهای املش (عمام و سمام ) عضو هیات به سرپرستی دکتر مقدم . -شرکت درکاوشهای تپه مارلیک رودبار عضو هیات به سرپرستی دکتر نگهبان . -کاوش در هشت بهشت اصفهان سرپرست هیات . -کاوش در تپه چغا گاوانه اسلام آباد کرمانشاه سر پرست هیات . -بررسی باستان شناسی در استان کرمانشاه سرپرست هیات . -شرکت در کاوشهای جوبن و رستم آباد رودبار به سر پرستی مهندس حاکمی . -شرکت در کاوشهای نصفی رود بار به سرپرستی مهندس حاکمی . -کاوش در ایلام ،سرپرست هیات . -شرکت در کاوشهای تخت جمشید 1347 . -کاوش در تپه سبز مرودشت ،سرپرست هیات . -حفاری نجارتی در رودبار گیلان سرپرست هیات . -حفاری تجارتی در اشکور گیلان سرپرست هیات . آثار : کاخ هخامنشی شائور ویژگی اثر : کاوشهای 72-1971 در شوش.نگارنده با همکاری مرکز باستان شناسی ایران 13562 کاوشهای علمی تپه چغاگاوانه شاه آباد غرب ویژگی اثر : باستان شناسی و هنر ایران، شماره 7و 8 ، تابستان و پاییز 1350

منابع زندگینامه : باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

کریمی پور، یدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یدالله کریمی پور در سال 1335 در شهرستان بهبهان بدنیا آمد. تحصیلات اش را در رشته جغرافیای طبیعی شروع کرد و تا مقطع دکترا پیش رفت و موفق به اخذ دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (در سال 1371) گردید.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : جغرافیای سیاسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر یدالله کریمی نژاد به قرار زیر است: کارشناسی رشته جغرافیای طبیعی از دانشگاه تربیت معلم در سال 1361 کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1367 دکترای رشته جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1371همسر و فرزندان : یدالله کریمی نژاد متاهل و دارای 4 فرزند می باشد.فعالیتهای آموزشی : یدالله کریمی نژاد عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران می باشد.ایشان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های تربیت معلم ،تربیت مدرس و شهید بهشتی به امر تدریس اشتغال دارد.چگونگی عرضه آثار : یدالله کریمی نژاد دارای بیش از 12 مقاله چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی ،و 123 مقاله منتشر شده در مطبوعات و جراید می باشد.ایشان همچنین 11 طرحپژوهشی و سه طرح ملی را در کارنامه فعالیت های پژوهشی خود دارد.آثار : مقدمه ای بر ایران و همسایگان ویژگی اثر : موضوع: علوم سیاسی نویسنده :یدالله کریمی پور سال انتشار:1380 نوبت چاپ: اول تعداد صفحات : 243 ناشر : جهاددانشگاهی واحد تربیت معلم 2 مقدمه ای بر تقسیمات کشوری ایران ویژگی اثر : تالیف،در دو جلد

کلاهی، رسول

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رسول کلاهی در سال 1311 در شهر اردبیل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته جغرافیا با گرایش جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه سوربن پاریس است. دکتر کلاهی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال می باشد. گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای انسانی و اقتصادی تحصیلات رسمی و حرفه ای : رسول کلاهی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه تدین شهر اردبیل و متوسطه را در دبیرستان صفوی به پایان رسانید . در سال 1327 وارد دانشسرای مقدماتی تبریز شد و در سال 1329 موفق به اخذ دیپلم گردید. استاد در سال 1330 جهت تکمیل تحصیلات وارد دانشسرای عالی تهران شد و در سال 1333 رشته تخصصی خود را با موفقیت کامل به پایان رسانید و رتبه اول را در امتحانات بدست آورد. طبق قانون شاگرد اولی به فرانسه اعزام شد. استاد کلاهی سالها در دپارتمان جغرافیای دانشگاه معروف سوربن پاریس تحصیل نمودو از رساله خود تحت عنوان بررسی تطبیقی دو شهر روستایی در ایران و فرانسه (اردبیل و اتامپ) که زیر نظر پروفسور پیر ژرژ تالیف شده بود با موفقیت دفاع کرد و ضمن دریافت چندین شهادتنامه علمی در رشته های اقتصاد و تجارت جهانی و ارتباطات و انرژی به اخذ درجه دکتری جغرافیا با تخصص در جغرافیای انسانی و اقتصادی نائل آمد.وقایع میانسالی : دکتر گنجی در صفحه 124 کتاب " جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی " در باره رسول کلاهی چینین می نویسد: " ... در سال 1349 دکتر رسول کلاهی که سال قبل از دانشگاه شیراز به دانشسرای عالی تهران منتقل شده بود به مدیریت گروه آموزشی جغرافیا برگزیده شد و با تجربه ای که در دوران 8 ساله خدمت خود در شیراز کسب کرده بود توام با تدبیر ذاتی خود موفق شد و گروه آموزشی را در دشوارترین سالها بخوبی اداره کند و استحکام بخشید . در دوره مدیریت دکتر کلاهی جغرافیا در دانشسرای عالی توسعه فراوان یافت زیرا از طرفی ایجاد دوره شبانه وظایف عادی او را دو برساخته بود و از طرف دیگر اداره تدریس جغرافیا در زاهدان و یزد که در آنجا دانشسرای عالی شعبه هایی دایر کرده بود هم بر عهده گروه تهران بود و استادان جغرافیای دانشسرای عالی ناگزیر بودند مکرر به یزد و زاهدان مسافرت کرده و به پیشرفت برنامه های درسی آنجا کمک کنند" مشاغل و

سمتهای مورد تصدی : - عضو انجمن بین المللی جغرافیدانان جهان - عضو انجمن جغرافیدانان ایران - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه شیراز ازسال 1341-1347 - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشسرای عالی تهران از سال 1349-1351 - ارزیاب رشته های تحصیلی کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و قتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز 1370 - ارزیاب رشته های تحصیلی دکتری جغرافیا ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد دوره تحقیقات عالی 1370 - ارزیاب رشته های کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز 1370 - ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری در سال 1372 - ارزیاب رشته تحصیلی جغرافیا در مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دوره های تحقیقات 1372 - مسئول هماهنگ کننده دروس توسعه اقتصادی و برنامه ریزی مالیه عمومی و خط مشی دولت ها فراگرد تنظیم کنترل و بودجه دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی واحد تهران شمال 1378 - مسئول کنکور شبانه دانشگاه تربیت معلم تهران - مشاور برنامه ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - مدیر گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال 1370 تا سال 1378 - عضو شورای دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای هیئت ممیزه دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای تالیف و ترجمه دانشگاه تربیت معلم - عضو شورای تدارکات دانشگاه تربیت معلم - رئیس کمیته هماهنگی و همکاری در آموزش و پژوهش جغرافیا در نخستین در نخستین کنگره جغرافیدانان ،تهران 1352 - دبیر انجمن پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران دانشگاه تربیت معلم ،تهران 1356 - عضو اصلی هیئت اجرایی انجمن جغرافی دانان ایران - رئیس شورای عمومی و اجرایی گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه شیراز دانشسرای عالی تهران ،دانشگاه تربیت ملم تهران ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل - رئیس ،دانشسرای عالی استان یزد 1358 - رئیس دانشسرای عالی استان سیستان و بلوچستان 1358فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی رسول کلاهی به قرار زیر است: - آموزگار دبستان دولتی انوری اردبیل نمیه اول سال تحصیلی 1328-1329 - دبیر دبیرستان های صفوی اردبیل ، دبیر دبیرستانهای شیراز (1334) - دانشگاه شیراز از سال 1341-1347 - دانسرای عالی تهران 1347-1352 - دانشگاه تربیت معلم تهران 1353-1359 - دانشگاه شهید بهشتی حدود 7 سال - دانشسرای عالی زاهدان - دانشگاه آزاد اسلامی واحد لار - دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری - عضو هیئت علمی رسمی تمام وقت دانشگا ازاد واحد تهران شمال بمدت 10 سال - دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب حدود 4 سال عنوان دروسی که

توسط رسول کلاهی ارائه شده به قرار زیر است: ژئومورفولوژی ،کلیما تولوژی ،کارتوگرافی ،هیدروگرافی ،بیوژئو گرافی کلیات طبیعی و انسانی و اقتصاد ایران و کشورها و مخصوصا جغرافیا جهان سوم ،روابط بین الملل، محیط شناسی انسانی جغرافیای سیاسی ،مبانی محیط زیست ،مبانی علم جغرافیا ، و ... و در حال حاضر جغرافیای شهر ی و روستای کلیات علم اقتصادی و برنامه ریزی و ....مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - تاسیس و راه اندازی گروه آموزش جغرافیا و تجهیز کامل آزمایشگاه جغرافیا در دانشگاه شیراز از سال 1340 تا 1347 - تاسیس و راه اندازی گروه آموزشی جغرافیا طبیعی و تجهیز آزمایشگاه ههای متعدد آن در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل از سال 1369 تا 1379 - تاسیس و راه اندازی کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی در دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل از سال 1379 - گسترش روز افزون و مداوم گروه آوزشی جغرافیا در دانشگاه تربیت معلم تهران و زاهدان و یزد با سمت مدیر گروهسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رسول کلاهی در کنار تدریس و تحقیق با مجلات علمی جغرافیا (انجمن جغرافیدانان) ،مجله زمین و زمان و چند ماهنامه و مجله دیگر همکاری داشته و دارد.آرا و گرایشهای خاص : جوائز و نشانها : فهرست جوایز علمی ،نشان و مدالهای دریافتی : - مدال درجه اول علمی بعلت احراز مقام اول در رشته های جغرافیا و تاریخ و علوم تربیتی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی ،سال 1333 استاد به موجب قانون برای ادامه تحصیل به کشورهای بلژیک و سویس و فرانسه اعزام گردیدند. - استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1374 - استاد نمونه در سطح دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1375 - استاد نمونه در سطح واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1376 -لوح سپاس و افتخار بمناسبت روز معلم ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1369 - لوح سپاس بماسبت روز معلم واحد تهران شمال 1370 - لوح سپاس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1374 - لوح سپاس دانشگاه ازاد اسلامی واحد تهران شمال 1375 - لوح سپاس بماسبت روز معلم واحد تهران شمال 1376 - لوح سپاس و قدردانی دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع رسانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال دی ماه 1378 - دریافت 3 سکه بهار آزادی بماسبت تلاش در تربیت نسل جوان در دانشکده ها ،واحد تهران شمال 3 سال متوالی - لوح سپاس و قدردانی بماسبت قبولی فارغ التحصیلان اردبیل در مقطع کارشناسی ارشد در تهران تعداد قبولیها 60 نفر - لوح قدردانی بماسبت ارائه مقاله تحقیقاتی در کنفرانس سراسری محیط زیت دانشگاه ازاد اسلامی واحد اردبیل

خرداد 1378 - لوح قدردانی مدیر گروه آموزشی مدیریت دانشگاه ازاد واحد تهران شمال1376 - لوح تقدیر مدیر گروه آموزشی علوم اجتماعی ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال 1376 و لوح تاییدیه و نشان از دانشگاه لوس آنجلس آمریکا- کالیفرنیا سال 1977 میلادی و تشویق نامه های متعدد دیگر.چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات متتشر شده در مجلات علمی : بیش از 58 مورد - تعداد مقالات ارائه شده در سمینارها و کنفرانسهای علمی : بیش از 15 مورد -استاد راهنمای بیش از 1000 پایان نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری آثار : اقتصاد ژاپن ، اهمیت جغرافیا در جهان امروز ویژگی اثر : علی کاردان جهرمی ،زیر نظر استاد کلاهی - چاپ شیراز3 توسعه اقتصادی ویژگی اثر : جلد اول انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال 13784 جغرافیای جهان سوم ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شیراز 13495 سوره مبارکه یس به زبان آذری ، مجموعه سخنرانی ها در پنجمین کنگره جغرافیدانان ایران ویژگی اثر : دانشگاه تربیت معلم تهران -1357 بکوشش استاد کلاهی دبیر اجرایی کنگره7 مجموعه مقد و بررسی 20 کتاب تاریخی و جغرافیایی ، نمودارهای جغرافیایی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه شیراز 1343-با مقدمه پروفسور والتر کروز عضو هیئت علمی دانشگاه هاروارد

منابع زندگینامه :سید محمد تقی ملیح ،شرح حال استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال ،تابستان 1380 صص103-116

کیانی، محمد یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد یوسف کیانی در سال 1317 در بابل بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی از دانشگاه لندن 1349 - (1970) است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده ادبیات گروه باستان شناسی و تاریخ دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر محمد یوسف به قرار زیر است: کارشناسی باستان شناسی دانشگاه تهران 1342 – کارشناسی تاریخ دانشگاه تهران 1343 – کارشناسی ارشد باستان شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران 1344 – دکترای باستان شناسی و تاریخ هنر اسلامی دانشگاه لندن 1349 - (1970) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمت های سابق محمد یوسف کیانی : کارشناس امور باستان شناسی 1343 - رئیس موزه های ایران 1354 - رئیس موزه ایران باستان 1355 - مدیریت هیأت بررسی و تحقیقات باستان شناسی دشت گرگان 1357 - 1349 - عضو هیأت علمی دانشگاه تهران سمت فعلی دکتر کیانی: دانشیار دانشکده ادبیات در گروه باستان شناسی و تاریخسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مسئولیت نمایشگاه های بین المللی محمد یوسف کیانی به قرار زیر است: هنرهای جهان اسلام لندن 1973 هنرهای ایران توکیو 1976 هنرهای ایران عهد ساسانی نیویورک 1977 چگونگی عرضه آثار : - تعداد عنوان رساله های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی : 15 مورد - تعداد مقالات بزبان فارسی : بیش از 13 مورد - تعداد مقالات بزبان خارجی : بیش از 9 مورد - شرکت در کنفرانس های بین المللی: هنر عهد سلجوقیان دانشگاه لندن 1973 هنر نقاشی لاک دانشگاه لندن 1981 هنر معماری اشکانی دانشگاه هیروشیما 1976 حفاظت آثار باستانی دانشگاه دهلی 1972 مدینه در جهان اسلام دانشگاه توکیو 1989 هنر کلاسیک دانشگاه برلین 1987 کاروانسراهای جاده ابریشم دانشگاه پکن 1993 هنرهای ایلخانی ادینبورواسکاتلند 1995 کاروانسراهای ایران کویت 1999 آثار :  1 استان سمنان ویژگی اثر : انتشارات صانعی 1984 2 پایتخت های ایران ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - میراث فرهنگ - 1375 3 تاریخ هنر معماری ایران ویژگی اثر : فارسی - (سمت) وزارت علوم - 1374 4 تاریخ هنر معماری ایران ویژگی اثر : سمت - فرهنگ و آموزش

عالی - 1375 5 تزئینات وابسته به معماری ایران ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - 1374 6 سفال ایرانی ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - نخست وزیری - جهاد - 13577 شهرهای ایران (جلد اول) ویژگی اثر : فارسی - جهاد دانشگاهی - 1367 8 شهرهای ایران (جلد چهارم) ویژگی اثر : فارسی - جهاد دانشگاهی - 1370 9 شهرهای ایران (جلد دوم) ویژگی اثر : فارسی - جهاد دانشگاهی - 1369 10 شهرهای ایران (جلد سوم) ویژگی اثر : فارسی - جهاد دانشگاهی - 1370 11 عاقبت خاک گل کوزه گران خواهیم شد ویژگی اثر : 137912 کاروانسراهای ایران (جلد اول) ویژگی اثر : فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - 1362 13 کاروانسراهای ایران (جلد دوم) ویژگی اثر : فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - 1369 14 کاروانسراهای ایران (جلد سوم) ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی - 1375 15 معماری ایران دوره اسلامی ویژگی اثر : سمت - فرهنگ و آموزش عالی - 1379 16 معماری ایران دوره اسلامی جلد 1و2 ویژگی اثر : فارسی جهاد دانشگاهی - 9-1366 17 معماری تیموری در ایران و توران ویژگی اثر : دونالد ویلبر - لیزا گلمبک (ترجمه) - 1376 18 معماری و شهرسازی ایران به روایت تصویر ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - 137419 مقدمه ای بر هنر کاشیکاری ایران ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - موزه رضا عباسی ایران - 1363 20 نظر اجمالی بر شهر نشینی و شهرسازی در ایران ویژگی اثر : فارسی - جهاد دانشگاهی - 1365 21 هنر اسلامی ایران ویژگی اثر : فارسی - انگلیسی - موزه رضا عباسی - 1362 22 هنر سفالگری ایران عهد اسلامی ویژگی اثر : فارسی - وزارت و آموزش عالی - 1365 23 یادگارهای رباط شرف ویژگی اثر : فارسی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی - 1360 24 یادنامه کنگره پنجم باستان شناسی ایران - انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : مرکز باستان شناسی ایران - 1350 25 یادنامه کنگره ششم باستان شناسی ایران - انگلیسی - فارسی ویژگی اثر : مرکز باستان شناسی ایران - 1352

کیهان، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1346 -1269 ش)، جغرافیدان و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. پدرش از نقاشان بزرگ و زبردست بود. کیهان تحصیلات مقدماتی را در خانه‌ی پدر به پایان رساند و سپس به مدرسه‌ی علمیه‌ی تهران رفت و نزد استادانی چون عبدالعظیم خان قریب، میرزا علی خان ناظم العلوم و آقا شیخ حمزه تحصیلات ابتدایی را تکمیل نمود. در 1284 ش به فرانسه رفت و در مدارس متوسطه‌ی آنجا به تحصیل پرداخت. پس از گذراندن امتحانات ورودی وارد مدرسه‌ی سن سیر شد و به اخذ درجه‌ی افسری نایل گردید. در 1295 ش به ایران بازگشت و در شیراز موفق به پایه‌ریزی صحیح و جدید تشکیلات پلیس شد. وی جزو افسران کودتای 1299 ش بود و در کابینه‌ی سید ضیاء مدتی کوتاه وزیر جنگ شد ولی به دلایلی بعد از مدتی استعفا کرد. در 1303 ش وارد وزارت معارف شد و در مدارس دارالفنون، علوم سیاسی، تجارت، حقوق و دانشسرای عالی و سرانجام در 1313 ش با سمت استادی در دانشگاه به تدریس پرداخت. وی همچنین در 1329 ش در کابینه‌ی علی منصور به وزارت فرهنگ منصوب شد و پس از آن مدتی نیز معاون دانشگاه بود. لازم به ذکر است احمد عبداللّه‌پور، مؤلف «وزرای معارف ایران» تاریخ تولد کیهان را 1276 ش ذکر کرده است. از آثار وی: «پیدایش فلات ایران»؛ «جغرافیای مفصل ایران»، در سه مجلد، در زمینه‌های طبیعی و سیاسی و اقتصادی.[1]
معروفه به ماژور مسعودخان، در 1269 تولد یافت. بعد از انجام تحصیلات مقدماتی در 1290 از طرف دولت به اروپا اعزام شد و دانشکده‌ی افسری ژاندارمری فرانسه را پایان داد. وقتی به ایران آمد، وارد ژاندارمری شد و غالبا در مدارس افسری تدریس می‌کرد. به دنبال انعقاد قرار داد 1919 سید ضیاءالدین مدیر روزنامه‌ی رعد، تمام همّ خود را مصروف نمود تا در بین افسران جوان و تحصیلکرده قزاقخانه و ژاندارمری دوستان و هم‌پیمانانی برای خود فراهم کند. یکی از کسانی که خیلی زود با سید ضیاء دوست و مأنوس شد، همین مسعود کیهان بود که در آن تاریخ درجه‌ی ماژوری یعنی سرگردی داشت. بدون شک سید ضیاء و مسعود خان از همان روزهای اول به فکر کودتا افتادند. تمام برنامه‌ها را با هم تنظیم می‌کردند و سرانجام کودتا انجام گرفت و سید ضیاءالدین فرمان نخست‌وزیری دریافت نمود و کابینه‌ای تشکیل داد. در آن کابینه مسعود

کیهان به مقام وزارت جنگ رسید. دو ماهی در وزارت جنگ استقرار داشت تا بین او و رضاخان سردار سپه رئیس دیویزیون قزاق که قدرت اجرائی و نظامی داشت، اختلاف حاصل شد در نتیجه کابینه ترمیم گردید. سردارسپه به وزارت جنگ و ماژور مسعودخان به وزیر مشاوری تعیین گردید. پس از سقوط سید ضیاءالدین، کیهان بیکار شد. در تشکیلات جدید ارتش نه تنها دعوتی از او نشد، بلکه او را کنار گذاشتند. چندی به تدریس در مدارس تهران پرداخت تا این که در 1313 که دانشگاه تهران تأسیس یافت، او را برای تدریس دعوت کردند. کرسی جغرافیای انسانی را به او دادند، بعد به عضویت فرهنگستان رسید. در 1325 به جای مرحوم غلامحسین رهنما معاون دانشگاه تهران شد. در 1329 در کابینه‌ی علی منصور که سه ماه بیشتر دوام نکرد، وزیر فرهنگ شد. مدتی نیز نایب‌التولیه مدرسه عالی سپهسالار بود. همسر وی دختر عبدالله وثوق (معتمدالسلطنه) بود. در 1345 در تهران وفات یافت.
برگرفته از کتاب :شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران (جلد سوم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (116/ 5)، روزشمار تاریخ (309، 108، 107، 104، 103، 102/ 1)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (321 -319/ 5)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (1039، 637/ 1)، مؤلفین کتب چاپی (187 -186/ 6)، وزرای معارف ایران (168 -166)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران (422 -419)، نخبگان سیاسی ایران (248/ 3).

گنجی، محمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد حسن گنجی، در 21 خرداد 1291 شمسی در بیرجند به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات ابتدایی در مدرسه شوکتیه بیرجند، وارد دارالمعلمین عالی تهران شد و در رشته تاریخ و جغرافیا به اخذ درجه لیسانس نائل گردید. در شهریور ماه همان سال به عنوان دانشجوی برگزیده رهسپار اروپا شد. وی در رشته جغرافیا در دانشگاه ویکتوریای منچستر انگلستان ادامه تحصیل داد و در سال 1317 درجه لیسانس تخصصی جغرافیا را احراز نمود. دکتر گنجی بار دیگر با استفاده از دو بورس تحصیلی در سال 1331 به منظور تکمیل تحصیلات خود عازم آمریکا شد و در دانشگاه کلارک آمریکا به اخذ درجه دکترای جغرافیا توفیق یافت. دکتر گنجی پس از پشت سر نهادن رتبه های علمی و مسئولیتهای دانشیاری، استادی، مدیریت گروه جغرافیا، ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی و معاونت دانشگاه تهران، بازنشسته گردید. با وجود این استاد هیچگاه دست از کار نکشید و از سال 1364 با مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی همکاری خود را آغاز کرد. دکتر گنجی از سال 1370 به عنوان مشاور رئیس دانشکده علوم زمین با دانشگاه شهید بهشتی همکاری دارد. از جمله سمت‌های دیگر وی، ریاست اداره کل هواشناسی ایران، ریاست هواشناسی منطقه آسیا و عضو کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهان است. وی برگزیده همایش طرح سپاس در سال 86 در فرهنگسرای سینا می‌باشد.گروه : علوم انسانیرشته : جغرافیاگرایش : اقلیم شناسیوالدین و انساب : نام پدر محمد حسن گنجی، ابوتراب است. افراد خانواده او بیشتر در خدمت امرای قاینات (بیرجند ) یعنی خاندان علم بودند و پدرش مدتها نایب الحکومه شهر قاین بود. او سه برادر و دو خواهر داشت که چهار نفر آنها بعد از اتمام مدارس ابتدایی یا متوسطه بیرجند در مدارس محلی به تدریس اشتغال داشتند. در حال حاضر همه آنها به غیر از دو نفرشان از دنیا رفته‌اند.خاطرات کودکی : محمد حسن گنجی در 21 خرداد 1291 خورشیدی برابر با 11 ژوئن 1912 میلادی در شهر کوچک و دورافتاده بیرجند در مرکز قائنات (قهستان) به دنیا آمد. سرزمین قهستان مانند جزیره‌ای در دریای شن بود و ورود به آن از هر سو نیازمند گذشتن از فرسنگ‌ها کویر بی‌آب و علف بود. اکثریت ساکنان آن و به ویژه اهالی بیرجند از ریشه ایرانیان قدیمی با رگه‌هایی از دیگر اقوام تشکیل می‌شد

که بیشتر از راه کشاورزی همراه با دامداری روزگار می‌گذراندند. خانواده گنجی نیز از همین مردمان بودند. شش ساله بود که وارد مدرسه شوکتیه در بیرجند شد. بیشتر دوران تحصیل مقدماتی او در دهه نخست 1300 خورشیدی با تحولات سیاسی، اجتماعی گسترده کشور و پایان سلطنت دویست ساله قاجار و آغاز دوران پهلوی همراه شد. بیرجند که تا آن زمان روستای دورافتاده‌ای با جمعیتی حدود 9000 نفر به شمار می‌رفت، کم کم به عنوان یک منطقه استراتژیک مطرح شد و مرکز فرماندهی تیپ نظامی قائنات و سیستان و بلوچستان لقب گرفت. در مدرسه شوکتیه رسم بر این بود که به شاگرد نخست، دوم و سوم به ترتیب مدال طلا، نقره و یک کتاب نفیس هدیه می‌دادند و گنجی در طول شش سال تحصیل چهار مدال طلا و دو نقره، به دست آورد و در جشن پایان دوره که آن مدال‌ها را به سینه زده بود چنان احساس سربلندی می‌کرد که به بیان خودش گویی قلعه خیبر را فتح کرده بود. وی همچنین به شکار کبک و تیهو که در آن زمان در کوهپایه‌های اطراف روستا زیاد دیده می‌شدند می‌پرداخت. اغلب خویشاوندان ایشان در روستا چهارپایانی مثل اسب، قاطر و الاغ داشتند و سوارکاری با حیوانات از سرگرمی‌های آن دوران به شمار می‌رفت. دو رویداد مهم در آن سال‌ها رخ داد که اثر عمیقی بر گنجی گذاشت: یکی خشکسالی شدیدی که تاثیرات انسانی دردناکی برجای گذاشت. پس از سه چهار سال همه قنات‌های بیرجند خشکید، محصولات کشاورزی از میان رفت و بسیاری از روستاییان به شهرهای دیگر کوچ کردند. خانواده گنجی در آن سال‌ها بسیار سختی کشیدند و حتی آب آشامیدنی را از جاهای دیگر فراهم می‌کردند. دومین رویداد هنگامی رخ داد که او کلاس چهارم یا پنجم دبستان بود. زمستان 1343 هجری قمری بود که پس از چند روز بارش پیوسته باران، سیلی بزرگ رخ داد و همه قنات‌ها را نابود کرد و آسیب زیادی به بار آورد. خاطره تلخ آن دو رویداد هواشناختی همچنان در ذهن گنجی ماند و حتی در انتخاب روش زندگی و روی آوردن او به دانش جغرافیا و هواشناسی تأثیر زیادی گذاشت. اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدحسن گنجی در خانواده‌ای که در آن اصول و اعتقادات دینی و مذهبی کاملاً رعایت می‌شد و از نظر مالی هم در شرایط متوسطی بود بدنیا آمد و بزرگ شد. پدرش به شغل کشاورزی و دامپروری اشتغال داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن گنجی پس از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه در زادگاه خود یعنی بیرجند در مهرماه 1309 خورشیدی به تهران آمد تا حقوق بخواند. ولی در تهران متوجه شد که بیشتر استادان مدرسه عالی حقوق آن زمان، فرانسوی هستند و چون زبان فرانسوی نمی‌دانست به دارالمعلمین عالی رفت که نخستین بنیاد آموزش عالی آن زمان بود. دارالمعلمین عالی، که در 1307 بنیان‌گذاری شده بود،

دو گروه «فلسفه و ادبیات» و «تاریخ و جغرافیا» داشت. گنجی در رشته تاریخ و جغرافیا نام نویسی کرد و پس از سه سال در 1312 لیسانس آن رشته را دریافت کرد. از آنجا که گنجی در کنکور اعزام به خارج در بخش معلمی تاریخ و جغرافیا مقام اول را به دست آورده بود، در 25 شهریور 1312 همراه با حدود 90 نفر دیگر که 20 نفر از آنان از دانش‌آموختگان دانشسرای عالی بودند، به فرانسه فرستاده شد. چون در دبیرستان شوکتیه بیرجند تا اندازه‌ای با زبان انگلیسی آشنا شده بود، او را با 12 نفر دیگر از دانشجویان که به زبان انگلیسی آشنایی داشتند، پس از چند روز ماندن در پاریس به لندن فرستادند. در آن روزها معمول بود که دانشجویان فرستاده شده به انگلستان را برای یکسال به زندگی در یک خانواده انگلیسی وا می‌داشتند تا زبان و آداب انگلیسی را فراگیرند. اما چون گنجی زبان انگلیسی را به اندازه نیاز می‌دانست، او را بی‌درنگ پس از ورود به انگلستان به دانشگاه ویکتوریا در منچستر معرفی کردند که در آن زمان یکی از پنج دانشگاه معتبر پس از آکسفورد و کمبریج به شمار می‌آمد. در سال دوم در انگلستان بود که پس از یک سال مطالعه و بررسی رشته‌های گوناگون، تصمیم خود را گرفت که در زمینه جغرافیا کار کند و از آن زمان تاریخ برای او در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. او در آن سال در گروه تخصصی جغرافیا در دانشگاه منچستر نام‌نویسی کرد و پس از چهارسال توانست لیسانس تخصصی و ممتاز در جغرافیا (B.A.Honurs) را به دست آورد که برابر کارشناسی‌ارشد به شمار می‌آید. او دلیل گرایش خود را به جغرافیا و به ویژه هواشناسی، دو رویداد خشکسالی و سیلی می‌داند که در روزگار کودکی و نوجوانی در زادگاهش رخ داد و باعث آسیب زیادی به روستاییان شده بود. همچنین، در روزگاری که در خارج تحصیل می‌کرد، بحث‌های داغی پیرامون نظریه تکامل در جریان بود و از آنجا که بارها شنیده بود که پاسخ جانداران به دگرگونی آب و هوا، نقش مهمی در تکامل جانداران دارد، به موضوع های مربوط به آب و هوا و محیط بسیار گرایش پیدا کرده بود. گنجی در مهرماه 1317 به ایران بازگشت و با عنوان دبیر (امروزه در رتبه‌بندی علمی دانشگاهی به آن مربی می‌گویند) در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. دوره خدمت دبیری او 14 سال به طول انجامید و چون با مقررات آن روز هرگز نمی‌توانست بدون درجه دکترا، استاد دانشگاه شود، با استفاده از فرصت مطالعاتی در شهریور 1331 به آمریکا رفت. او پس از دوسال تحصیل در دانشگاه کلارک (در شهر ورستر ایالت ماساچوست) که از مراکز بسیار معتبر آموزش و پژوهش جغرافیا بود، درجه دکترا در جغرافیا را به دست آورد. خاطرات و وقایع تحصیل : محمدحسن گنجی، در تمام دوره متوسطه همواره شاگرد اول یا دوم کلاس خود بود. در مدرسه

شوکتیه بیرجند، چنین مرسوم بود که در پایان سال تحصیلی به منظور تشویق دانش آموزان، به نفر اول در امتحانات پایان سال یک مدال طلا و به نفر دوم یک مدال نقره جایزه می دادند و دکتر گنجی در شش سال دوره متوسطه 4 مدال طلا و 2 مدال نقره کسب نمود. دوران تحصیل در مقطع ابتدایی و متوسطه دکتر گنجی با تغییرات و تحولات مملکت همزمان بود به این صورت که یک سلسله ارامنه و بیگانگان می‌رفتند و یک سلسله از آنها برمی‌گشتند. شهر چهره نظامی با نیروهای بیگانه به خود گرفته بود. از خاطرات دیگر ایشان می‌توان به صف‌آرایی دانش آموزان و مشارکت دادن آنها در تظاهرات سیاسی و همچنین دیدار آنها با افسرهای غیر بومی به صورت معلمین مدرسه اشاره کرد که برای دکتر گنجی خاطره انگیز بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدحسن گنجی از دوران تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه خود چنین به یاد می‌آورد: «در ایام تعطیل (تابستان) بسیاری از ما را به یادگیری حرفه‌های سنتی وا می‌داشتند و دانش آموزانی که پدرانی با حرفه بازاری داشتند در خلال تحصیل به پدر خود کمک می‌کردند. در زمان تحصیلات ابتدایی من پیش آهنگی در مدارس متداول شده بود و بسیاری از حرفه‌ها را از طریق پیش آهنگ به ما یاد می‌دادند.» دکتر گنجی، در ضمن تحصیل در انگلستان چندین مسافرت علمی همراه گروه‌های دانشگاهی به نواحی داخلی انگلستان و اسکاتلند و همچنین به شبه جزیره ایبری ( سپانیا و پرتغال) و اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد و فنلاند) و ممالک دیگر اروپایی انجام داد.استادان و مربیان : مربیان و استادان محمدحسن گنجی طی دوران تحصیل عبارت بودند از: میرزا احمد نراقی، شیخ احمد سلیمانی نراقی، کلنل علینقی وزیری مفیدالملک، سیدرضی حسین ( ناظم هندی )، عباس اقبال آشتیانی، ماژور مسعودخان کیهان، بدیع الزمان فروزانفر، سیدمحمدکاظم عصار، دکتر صادق رضازاده شفق، عبدالحسین شیبانی وحیدالملک، دکتر عیسی صدیق، دکتر اسدالله بیژن و ... .هم دوره ای ها و همکاران : آقایان احمد مستوفی، احمد سعادت عداله فریار، صورتگر، حسین علی سلطان زاده پسیان، احمد بهفروز، بهادر عامری (دندانپزشک)،جواد بیرجندی، حسام‌الدین ضیائیان، علیقلی حکیم نژاد (صاحب کارخانه آبسال)، محمد تقی سیاه‌پوش و ابراهیم صفوی از هم‌دوره‌ای‌های محمدحسن گنجی بشمار می‌روند.همسر و فرزندان : محمدحسن گنجی در 24 دیماه 1320 با سرکار خانم لطیفه جوادزاده (از ایرانیان مقیم ارمنستان) ازدواج کردند.وقایع میانسالی : محمدحسن گنجی از وقایع میانسالی خود چنین می‌گوید: من با دبیری در دانشگاه تهران شروع کردم و بعد از 13 سال استادیار این دانشگاه شدم، اولین کسی بودم که با تحصیلات عالیه جغرافیا به ایران برگشتم و در سال دوم تأسیس دانشگاه تهران به همراه دو نفر از همکارانم رشته جغرافیا را

پایه‌گذاری کردیم. بعد از ما شش نسل جغرافیدان در ایران تربیت شده است که من به نوعی خود را پدربزرگ این جریان احساس می‌کنم. مدتی رئیس دانشکده و معاون دانشگاه تهران بودم. در دوران بازنشستگی هم دانشگاه بیرجند را تأسیس کردم. قبل از انقلاب مدتی معاون پارلمانی وزارت راه بودم. پس از انقلاب در دوران جنگ ایران و عراق مشاور وزیر دفاع بودم حالا هم در این دانشگاه (شهید بهشتی) مشاور دانشکده علوم زمین هستم و دو دانشجوی دکتری دارم، بیش از صد مقاله به فارسی و انگلیسی نوشته‌ام و چهارده کتاب درسی به چاپ رسانده‌ام ، مهمتر از همه اینها انتشار کتابی با عنوان «جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی» که داستان علم جغرافیا در کشور است. پانزده سال است که با دائره‌المعارف اسلامی همکاری می‌کنم و این اواخر با مرکز گفتگوی تمدن‌ها ارتباط نزدیک دارم و قرار است اطلس جغرافیایی تمدن‌ها را تهیه کنم. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن گنجی در کنار فعالیت خود در دانشگاه تهران، از مهرماه 1335 تا مهرماه 1347 ریاست اداره کل هواشناسی ایران را نیز عهده‌دار بود. در این مدت، وی نماینده ثابت دولت ایران در سازمان هواشناسی جهانی، به مدت 5 سال ریاست هواشناسی منطقه آسیا ( به مدت 5 سال) و عضویت کمیته اجرایی سازمان مزبور را برعهده داشت. دکتر گنجی از اردیبهشت ماه 1342 تا مهرماه 1347 معاونت پارلمانی وزارت راه و در زمان ریاست دانشگاهیِ پروفسور رضا، از سال 1347 به مدت یک سال پست معاونت اداری و مالی دانشگاه تهران را عهده‌دار شد. آنگاه پس از چندی مشاور دانشگاه گردید و سپس از خردادماه 1353 عهده‌دار ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی گردید و تا پایان خدمت 37 ساله دانشگاهی خود در این سمت باقی بود. وی در اول بهمن ماه 1354 به افتخار بازنشستگی نائل آمد و از مهرماه 1354 تا پایان سال 1357 ریاست مؤسسه آموزش عالی امیر شوکت‌الملک علم بیرجند را برعهده داشت. وی از سال 1368 تا 1372 مشاور رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (سازمان جغرافیای سابق) بود. و از سال 1373 نیز با سمت مشاور دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی در طراحی و اجرای برنامه‌ها مشارکت داشته است. همچنین از سال 1365 عضویت بخش جغرافیایی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) را دارا بوده و با بیشتر دانشگاه‌های تهران مخصوصاً دانشگاه تربیت مدرس در دوره‌های دکترای جغرافیا تدریس و همکاری داشته است. وی همچنین عضویت کمیته رهبری اطلس اقلیمی ایران را در سازمان هواشناسی برعهده داشته است. از دیگر مشاغل وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: 1- عضو مادام العمر انجمن جغرافیائی انگلستان 2- عضو سابق انجمن سلطنتی مردم‌شناسی انگلستان و ایرلند

3- عضو شورای عالی آمار 4- عضو هیئت تحریریه دائره‌المعارف بریتانیا 5- عضو افتخاری انجمن آمریکائی پیشرفت علوم 6- عضو شورای عالی مردم‌شناسی 7- عضو انجمن جغرافیائی کشورهای آسیا و آفریقا 8- عضو کمیته ملی آبشناسی (یونسکو) 9- عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران 10- عضو کمیسیون بورسهای دانشگاهی 11- عضو کمیسیون همکاری فرهنگی ایران و فرانسه (دانشگاهی) 12- عضو کمیته جغرافیائی فرهنگستان ایران 13- عضو شورای عالی جغرافیائی وابسته به سازمان جغرافیائی کشور 14- عضو کمیته برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش 15- عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت 16- عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک 17- عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی تهران 18- عضو اتحادیه انجمن‌های علمی 19- رئیس اولین کنگره جغرافیدانان ایران 1352 20- عضو شورای دانشگاه تهران 21- اولین رئیس انجمن جغرافیدانان ایران 1353 تا 1357فعالیتهای آموزشی : محمدحسن گنجی پس از اخذ درجه لیسانس از انگلستان (در سال 1317)، به ایران بازگشت و به مدت 14 سال با سمت دبیری در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس جغرافیا پرداخت. وی همچنین پس از اخذ مدرک دکترا در سال 1334 از آمریکا به ایران بازگشت و پس از طی 5 سال دوره دانشیاری، در سال 1339 (با رتبه 10) به عنوان استادی پاره‌وقت دانشگاه تهران ارتقاء یافت و متصدی کرسی جغرافیای انسانی شد. در مهرماه 1347 خدمت تمام وقت دانشگاه را پذیرفت و از سال 1348 در سمت استاد و مدیر گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه انجام وظیفه کرد. [ گزارش گفتگو، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، سال اول، شماره 12، نیمه اول مهر 1380، ص 18 ـ اثرآفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران)، ج 5، زیر نظر دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص 81 ] مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله خدمات علمی محمدحسن گنجی می‌توان به تشکیل «انجمن جغرافی‌دانان ایران» و بنیان‌گذاری سازمان هواشناسی کشور اشاره نمود. وی در مهرماه 1354 به موجب ابلاغ وزیر علوم و آموزش عالی مأموریت یافت که مقدمات تهیه و تشکیل دانشگاهی را در بیرجند فراهم سازد و در تیرماه 1355، مؤسسه آموزش عالی امیرشوکت‌الملک علم بیرجند را بنیاد نهاد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمدحسن گنجی در کنار تدریس و تحقیق در بسیاری از موسسات دولتی و خصوصی که با اموری در زمینه‌های جغرافیایی ارتباط داشته‌اند در مراحل برنامه‌ریزی و همچنین اجرایی مشارکت داشته است.شاگردان : بیشتر اساتید جغرافیای کنونی دانشگاههای ایران یا مستقیماً در زمره شاگردان محمدحسن گنجی بوده‌اند و یا بطور غیر مستقیم از شخصیت علمی و تالیفات وی بهره برده‌اند. از

جمله شاگردان وی دکتر فاطمه بهفروز استاد گروه جغرافیای دانشگاه تهران می‌باشد. دکتر پیروز مجتهدزاده که در دوره کارشناسی شاگرد دکتر گنجی بوده است، درباره استاد خود چنین گفته است: «با همه استادانم رابطه‌ای نزدیک و منطقی داشتم، به ویژه با دکتر گنجی که رابطه‌مان به شکل رابطه پدر و فرزندی در روابط اجتماعی و نیز در محیط دانشگاه بود. صرف نظر از پدر و مادر که نقش انکارناپذیری در شخصیت من داشته‌اند، سه نفر دیگر هم تاثیر ژرفی بر زندگی من ایجاد کرده‌اند. نخستین آنها دکتر گنجی است که نگاه اساسی‌ام را به علم و زندگی مدیون او هستم. در دوران دانشجویی‌ام به همه استادانم احترام می‌گذاشتم ولی دکتر گنجی به راستی با بقیه تفاوت داشت. او کسی بود که می‌توانست همه گونه پرسش را در مباحث جغرافیایی و به ویژه هواشناسی پاسخ دهد. با وجود این، هیچ ادعایی نداشت و احترام عمیق من به او به سبب همین بی‌ادعایی است. همیشه سعی می‌کرد در حال آموختن باشد. من همواره در برابر پرسش‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی مختلفی که برایم پیش می‌آمد نزد او می‌رفتم. گنجی شخصیتی استثنایی و ارزشمند است و من شخصیتی در شأن و پایه او ندیده‌ام. در واقع آموختن من از دکتر گنجی فقط به دوره های خاص دانشگاهی مانند لیسانس و فوق لیسانس و حتی دکترا محدود نبود. من هنوز هم از او می‌آموزم.» همفکران فرد : علاوه بر عباس سحاب که بنیانگذار اولین موسسه کارتوگرافی بازرگانی ایران (موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب) است، مهندس عباس جعفری و سعید بختیاری از دوستداران نقشه و فعالان در انتشار مجموعه‌های اطلس و نقشه‌های جغرافیایی، پیروز مجتهدزاده، جواد صفی‌نژاد، مصطفی ارمنی، محمدتقی رهنمائی، ابراهیم مقیمی، دره میر حیدر، حسن کامران، محمد سلیمانی، حسین شکوئی و فرج الله محمودی همفکری نزدیکی با دکتر محمدحسن گنجی دارند.آرا و گرایشهای خاص : محمدحسن گنجی همواره مفهوم علم جغرافیا را در چهارچوب شناخت روابط بین انسان و محیط زندگی وی (دیدگاه «انسان محیطی»)، یا در قالب شناسایی مشخصات ناحیه‌ای شامل پدیده های طبیعی و انسانی (دیدگاه ناحیه ای) و بالاخره در محدوده بررسی پراکندگی مکانی هر پدیده جغرافیایی خاص (دیدگاه فضایی) مورد نظر قرار داده اند. این مطلب نشانه آن است که وی همواره در پی جدیدترین اطلاعات بین المللی درباره جغرافیا بوده است. در ارتباط با دیدگاههای سازمان یافته جغرافیای (انسان محیطی، ناحیه ای و فضایی) دکتر گنجی مسائل علم جغرافیا را در دو بخش طبیعی و انسانی قابل مطالعه می‌داند، که می‌توانند در چهارچوب روشهای عمومی و یا ناحیه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. و همگام با این توجیهات روش تحقیقی، استاد گنجی برای اصالت قوانین جغرافیایی در بررسی‌های ناحیه‌ای،

اهمیت و اعتبار خاصی قائل می‌شوند. ایشان با استناد به منابع جدید و معتبر خارجی در این زمینه معتقد است که پدیده‌های انسانی اگرچه به اندازه پدیده‌های طبیعی تابع قوانین علمی نیستند، معهذا با استفاده از اطلاعات آماری و روشهای کمیتی می‌توان در مورد یک پدیده خاص انسانی مدل‌سازی و یا تیپ‌شناسی کرد که این روش گامی به سوی قانون گرایی خواهد بود. از این گذشته، دکتر گنجی کاربرد کامپیوتر را جهت تحلیل این داده‌های آماری ضروری می‌داند و این نوگرایی دکتر گنجی، با توجه به اینکه وی قدیمی ترین استاد جغرافیای ایران است، قابل ملاحظه می باشد. [ بهفروز، دکتر گنجی و گسترش دانش جغرافیا در ایران، مجموعه مقالات جغرافیایی جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی، صص 5-24]جوائز و نشانها : محمدحسن گنجی، در سال 1354 به عنوان استاد ممتاز دانشگاه تهران انتخاب شد. وی در بیست و نهمین کنگره اتحادیه بین المللی جغرافیایی در کره جنوبی در سال 2000 میلادی به عنوان یکی از 15 جغرافیدان برجسته جهان شناخته شد و سازمان هواشناسی جهانی، جایزه علمی سال 2001 خود را به وی اعطا کرد. ایشان همچنین نشان درجه سه در خدمات دولتی را دریافت کرده است. دکتر گنجی از اوایل انقلاب تا اکنون بالغ بر 63 لوح تقدیر از مراکز آثار و مفاخر علمی، چهره‌های ماندگار، انجمن‌های علمی جغرافیایی و دانشگاهها دریافت کرده است. وی برگزیده همایش طرح سپاس درسال 86 در فرهنگسرای سینا می‌باشد.چگونگی عرضه آثار : محمدحسن گنجی سفرهای علمی متعددی به کشورهای اسکاتلند ، پرتقال ، دانمارک ، سوئد ، فنلاند ، پاکستان ، هندوستان ، ژاپن ، اندونزی ، مالزی ، سنگاپور ، هنگ کنگ ، لبنان ، اطریش ، آلمان ، هلند ، بلژیک ، اسپانیا ، فرانسه ، نروژ ، شوروی ( مسکو ، کیو ، ایروان و باکو ) ، استرالیا ، کانادا ، کشورهای متحده آمریکا و کلیه شیخ نشین های خلیج فارس نمود. وی عضو مادام العمر انجمن جغرافیایی انگلستان ، عضو سابق انجمن سلطنتی مردم شناسی انگلستان و ایرلند ، عضو شورای عالی آمار ، عضو هیئت تحریریه دایره المعارف بریتانیا ، عضو افتخاری انجمن آمریکایی پیشرفت علوم ، عضو شورای عالی مردم شناسی ، عضو انجمن جغرافیایی کشورهای آسیا و آفریقا ، عضو کمیته ملی آبشناسی یونسکو ، عضو هیئت ممیزه دانشگاه تهران ، عضو شورای دانشگاه تهران ، عضو کمیسیون همکاری فرهنگی دانشگاهی ایران و فرانسه ، عضو کمیته جغرافیایی فرهنگستان ایران ، عضو شورای عالی جغرافیایی وابسته به سازمان جغرافیایی کشور ، عضو کمیته برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی بازرگانی رشت ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی علوم اراک ، عضو هیئت امنای مدرسه عالی فنی ، عضو اتحادیه انجمن های علمی ، رئیس اولین کنگره جغرافی

دانان ایران (1352) ، اولین رئیس انجمن جغرافی دانان ایران (1353-1362) ، عضو سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی (سمت) ، عضو محققین مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی و عضو کمیته رهبری طرح اطلس اقلیمی ایران می باشد. دکتر گنجی در کنگره بین المللی جغرافیایی ( آمستردام - 1938 ، واشینگتن - 1952 ، دهلی نو - 1968 و مونترال کانادا - 1972) ، سمینار جغرافیایی کشورهای آسیایی و آفریقایی (علیکره هندوستان - 1956) ، کمیسیون حل اختلاف آب هیرمند بین ایران و افغانستان (واشنگتن - 1956) ، کمیته اجرایی طرح مناطق خشک یونسکو ( کانبرای استرالیا - 1956) ، کمیته منطقه ای سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی (رم - 1959) ، کمیته هواشناسی سازمان پیمان مرکزی ( آنکارا - 1959 ، 1960 ، 1961 و 1963 ، لندن - 1960) ، اجلاسیه هواشناسی منطقه آسیا ( رنگون بیرمانی - 1959 ، بانکوک - 1962 ، تهران - 1966 و توکیو - 1970) ، کمیسیون اقلیم شناسی سازمان هواشناسی جهانی (لندن - 1960 و استکهلم - 1965) ، کنگره سازمان هواشناسی جهانی (ژنو - 1963 ، 1967 و 1971) ، اجلاسیه کمیته اجرایی سازمان هواشناسی جهانی (ژنو - 1965 ، 1966 ، 1968 ، 1969 و 1971) ، کمیته ارتباطات سازمان عمران منطقه‌ای (اسلام آباد - 1966)، دومین کنگره سازمان ملل درباره یکنواخت ساختن اسامی (لندن - 1972) ، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای شرقی و اقیانوسیه (سنگاپور - 1972) ، دومین اجلاسیه گروه کارشناسان هواشناسی جهانی درباره کاربرد اقلیم شناسی در مسائل محیطی (ژنو - 1972) ، دومین کمیته فنی اندازه‌گیری آلودگی هوا (هلسینکی - 1973) ، کنفرانس یونسکو درباره آموزش جغرافیا در آسیای جنوبی (دهلی نو - 1974) ، هشتمین اجلاسیه گروه کارشناسان جغرافیای سازمان ملل (نیویورک - 1975) ، سمپوزیوم هواشناسی در رابطه با آمایش زمین دراشویل ( کارولینای شمالی - 1975) ، بیست و سومین کنگره بین المللی جغرافیا (مسکو - 1976) ، سومین کنگره سازمان ملل برای یکنواخت کردن اعلام جغرافیایی (آتن - 1356 ، مونترال - 1365 و ژنو - 1370) ، سفر عتبات عالیات در گروه دانشگاه تهران (1356) ، سفر چین در گروه دانشگاه تهران (1357) ، یازدهمین اجلاسیه گروه کارشناسان ملل متحد (ژنو - 1363) ، چهارمین اجلاسیه منطقه‌ای برای همسان سازی نام‌های جغرافیایی (تهران - 1369) ، سمینار مرزهای ایران در مرکز ژئوپلوتیک و مرزهای بین المللی دانشگاه لندن (لندن - 1370)، سمینار هویت ایران در پایان قرن بیستم در دانشگاه لندن (لندن - 1377) شرکت فعال داشته است. دکتر گنجی ، حدود 10 درس جدید و مختلف را به تدریج وارد برنامه رشته جغرافیا نمود و همه را شخصاً به تناوب در سال‌های تحصیلیِ مختلف

تدریس کرد. از آثار ایشان می‌توان به 1 جزوه درسی ، 16 اثر تألیفی ، 6 نقد کتاب ، 12 مقدمه کتاب ، 80مقاله علمی ، 19سخنرانی و 14 مقاله به زبان انگلیسی اشاره نمود.آثار : مقاله جغرافیایی ویژگی اثر : مجموعه ای است از مقالات جغرافیایی و اقلیم شناسانه و چند مقاله تاریخی که عمدتاً درباره ایران می باشد، این کتاب برای اولین بار در سال 1352 توسط موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب به چاپ رسیده است. { گنجی، 32 مقاله جغرافیایی، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب، 1352، پنج}2 آب و هوای ایران (فصلی از تاریخ ایران کمبریج 1968) ، آب و هوای ایران (قاهره) ، آب و هوای کشورهای آسیای مرکزی ، آتشفشان سنت هلن، آثاری از دکتر گنجی که به انگلیسی منتشر نموده اند ، آمار بارندگی در ایران ، آمایش زمین بصورت یک منبع طبیعی (نمونه هایی از آسیا) ،آمریکا را بشناسید ، آموزش جغرافیا ، اطلس اقلیمی ایران ، اطلس کامل تهران ، اکولوژی و اقلیم شناسی ، انتشارات پنهانی (یادداشت) ، انحطاط جغرافیایی شهر بیرجند ، ایران (دایره المعارف و رلدمارک چاپ نیویورک) ، برتراند راسل و جغرافیا ، برداشتی جغرافیایی از جمعیت مسلمان جهان و پاره ای از مشخصات و گرافیک آن ، بررسی اجمالی باران 13 سال اخیر ایران ، بستر جغرافیایی تاریخ ایران ، به انگیزه اگر باران به کوهستان ببارد ، پاره ای جنبه های جغرافیایی ایران ، پیام آقای دکتر محمدحسن گنجی ویژگی اثر : مجموعه سخنرانیهای چهارمین کنگره جغرافیدانان ایران (به اهتمام گروه آموزشی جغرافیا) ، دانشگاه فردوسی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مشهد، صفحات 18-7.24 پیشگفتار و نقد مقاله ها ویژگی اثر : فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 2، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، صفحات 10-5.25 تاثیر آب و هوا در زندگی بشر ، تاریخ جغرافیای اسلامی ، تاریخچه جغرافیا در اسلام ، تاریخچه نهضت های پان ، ترجمه بشر چیست ؟ ویژگی اثر : تألیف: مارک تواین.30 تغییرات آب و هوا ، تغییرات ناگهانی هوای ساحل جنوبی ، تقسیمات اقلیمی ایران ، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی ویژگی اثر : کتابی است در شرح سیر تطور علم جغرافیا در ایران معاصر که در 1367 در انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسید. [ جزنی « یادداشتهایی درباره مقام علمی دکتر گنجی، مجموعه مقالات جغرافیایی» (جشن نامه دکتر محمدحسن گنجی)، ص 12}34 جغرافیا و آمار ویژگی اثر : نشریه سالانه اداره کل آمار عمومی، تهران35 جغرافیای اقلیمی ، جغرافیای ایران ویژگی اثر : کتابی است درباره کلیات جغرافیای ایران و تقسیمات و فصل بندی مطالعات جغرافیایی در این باره، که در چهار فصل در جلد اول نشریه شماره 22 ایرانشهر منتشر شده است.37 جغرافیای سال پنجم ابتدایی ویژگی اثر : با همکاری دکتر لطف

الله مفخم پایان و حسین خلیل فر.38 جغرافیای سال ششم ابتدایی ویژگی اثر : با همکاری حسین خلیل فر.39 جنگ و جغرافیا یا روابط دول بزرگ در اقیانوسیه ویژگی اثر : این کتاب در 1321 توسط کتابفروشی پروین به چاپ رسید، بحث های ژئوپولتیکی جالبی درباره رقابت های استعمارگران در قاره اقیانوسیه را در بر می گیرد.40 خاورمیانه کجا است، خشکسالی در قائنات ، دون ژوان ایرانی ، روند تحقیقات جغرافیایی در ایران ، سازمان هواشناسی جهانی و هواشناسی ایران ، سخنی چند درباره هواشناسی ، شمه ای از خدمات جغرافیایی سازمان جغرافیایی و چندین مقاله جغرافیایی در دایره المعارف بزرگ اسلامی ، فهرست مقالات جغرافیایی ویژگی اثر : با همکاری جواد صفی نژاد.48 کتب جغرافیای دبیرستانی ، کلیات جغرافیای طبیعی ، کمک به اقلیم شناسی باستانی ایران ، گزارش ششمین کنگره بین المللی جغرافیایی در لندن ، گزارش کمیته هواشناسی مناطق خشک ، گزارش کنفرانس یونسکو در استرالیا درباره آب و هوای مناطق خشک جهان ، گزارش کنفرانس یونسکو درباره نحوه آموزش جغرافیا در جنوب خاوری آسیا ، لزوم تهیه نقشه های جغرافیایی ، مشخصات جغرافیای طبیعی ایران ، مطالعه اجمالیِ فرهنگ های جغرافیایی ، مطالعه جغرافیای در خواص جمعیتی امت مسلمان در جهان ، مفهوم جغرافیا و روش تدریس آن ویژگی اثر : نشریه انجمن دبیران علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیا، شماره 1، تهران.60 مفهوم واقعی نژاد ، مقالاتی درباره جغرافیای ایران ، مقدمه بر اصول جغرافیای انسانی و اشاراتی به جغرافیای انسانی ایران ، مقدمه بر اطلس افغانستان ، مقدمه بر اطلس بزرگ جهان، مقدمه بر اطلس تاریخی ایران، مقدمه بر اطلس خلیج فارس ،مقدمه بر اطلس عمومی جهان ، مقدمه بر جغرافیای پزشکی ویژگی اثر : تألیف: هوشورزدشت.69 مقدمه بر شهرستان نور ویژگی اثر : تألیف: پیروز مجتهدزاده.70 مقدمه بر کلیات ژئومورفولوژی ایران ویژگی اثر : تألیف: دکتر محمود حریریان.71 مقدمه بر گزیده ای از فرهنگ و اصطلاحات جغرافیایی ویژگی اثر : تألیف: عاشوری.72 مقدمه بر گیتاشناسی کشورها ، مقدمه بر متن انگلیسی مقاله دکتر مهدوی [ جزنی،«یادداشتهایی درباره مقام علمی دکتر گنجی،» مجموعه مقالات جغرافیایی (جشن نامه دکتر محمد حسن گنجی)، صص 19-11 ] ، ملاحظاتی درباره آلودگی هوا و باران در تهران ، ملاحظاتی درباره باران چند سال اخیر ایران، 6 ملاحظاتی درباره باران سال ، ملاحظاتی درباره باران های تابستان 1954 ، ملاحظاتی درباره پزشکان ایران مقیم آلمان غربی ، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن ، ملاحظاتی درباره جغرافیا و برنامه آن ویژگی اثر : نشریه گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه تهران، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

شماره 1، چاپ میهن، صفحات ج-ر.81 ملاحظاتی درباره سید محمد فرزان ،ملاحظاتی درباره نظرات و روشهای نو در جغرافیا ویژگی اثر : نشریه انجمن دبیران جغرافیا و تاریخ و علوم اجتماعی ، شماره 10، تهران83 ملاحظاتی موقت راجع به تبخیر در ایران ، نامه های قهستان ، نظری به نشریات ادواری جغرافیایی ، نقشه جغرافیا و سیاست ، نگرشی مجدد بر سمینار بین المللی جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران ، هانینگتون و پارسیان هند ، هوا آستانه فضا ، هواشناسی در ایران ، یادی از دکتر صدیق اعلم ( مردان نامی ایران)
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] جشن‌نامه‌ی دکتر محمد حسن گنجی، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب (مقدمه)، چهره‌های آشنا (507 -506)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر محمد حسن گنجی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (32 ،2488/ 2 ،1030 ،508 ،51/ 1) مقاله جغرافیایی (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (626/ 2).
پرسشنامه تکمیل شده توسط دکتر محمدحسن گنجی بنا به درخواست بنیاد ایران شناسی- بهار 13864زندگینامه مشاهیر معاصر ایران ، دبیرخانه همایش چهره های ماندگار ، شبکه چهار سیما ، مهر 1380 ، ص 42 ـ گزارش گفتگو ، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها ، سال اول ، شماره 12 ، نیمه اول مهر 1380 ، ص 185گزارش گفتگو ، مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها ، سال اول ، شماره 12 ، نیمه اول مهر 1380 ، ص 186گنجی، اطلس کامل گیتا شناسی (مقدمه) ، صفحات مقدمه

گودرزی‌نژاد، شاهپور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر شاپور گودرزی نژاد در سال 1303 در گرگان متولد شد. ایشان پس از اخذ کارشناسی جغرافیا از دانشگاه تهران ،فوق لیسانس و دورهٔ آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را نیز از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژنومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد.نامبرده در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران مشغول به خدمت است. کتاب"جغرافیا، ترکیبی نو" ترجمه ، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا تحصیلات رسمی و حرفه ای : شاپور گودرزی نژاد پس از طی دوره های ابتدایی و متوسطه، لیسانس تاریخ و جغرافیا را از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و لیسانس آموزش جغرافیا را از دانشسرای عالی دانشگاه تهران اخذ کرد. فوق لیسانس و دورهٔ آموزشی دکتری را در دانشگاه دولتی تنسی آمریکا گذراند و دکترای جغرافیا را از دانشگاه تهران دریافت داشت. وی همچنین گواهی تخصصی ژنومورفولوژی مناطق خشک- مشترک دانشگاه سوربن و دمشق تحت سرپرستی یونسکو- را کسب کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : شاپور گودرزی نژاد از سال 1341 در دانشگاه تهران مشغول به کار شد و در حال حاضر با سمت استادی در دانشگاه تهران به خدمت ادامه می دهد. دانشیاری مدعو در دانشگاه دورهام انگلستان (سال 76-75 م )، عضویت در شوراهای مختلف دانشگاه تهران و کمیتهٔ تخصصی جغرافیایی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تدریس در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و آزاد اسلامی نیز در شمار فعالیتهای آموزشی دکتر گودرزی نژاد قرار دارند. جوائز و نشانها : کتاب"جغرافیا، ترکیبی نو" ترجمه ، شاپور گودرزی نژاد، در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.آثار : جغرافیا، ترکیبی نو ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره پانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «جغرافیا، ترکیبی نو»: جغرافیا، ترکیبی نو (دو جلد)؛ پروفسور پیترهاگت؛ ترجمه شاپور گودرزی

نژاد؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، 1375. جغرافیا، ترکیبی نو اثری در زمینه ماهیت علم جغرافیا است که تمامی مفاهیم و قلمروهای جغرافیا را در یک چارچوب منطقی مورد بحث قرار می دهد. مطالب کتاب طوری تنظیم شده است تا هم از جنبه نظری و هم از جنبه کاربردی، افق دید دانشجویی را که آموزش قبلی جغرافی ندارد، به سرعت گسترش دهد و بر توان نتیجه گیری منطقی وی بیفزاید. پنج بخش این کتاب همچون زنجیره ای به یکدیگر متصل است و اصل بی طرفی و جامعیت درباره مطالب مورد بحث کاملاً رعایت شده است. سبک مقبول این کتاب به دانشجویان فرصت می دهد جغرافی را به طریق جامع بنگرند و طبقه بندی مرسوم و سنتی آن را، چه به صورت طبیعی یا انسانی و چه ناحیه ای یا سیستماتیک، رها کنند. یکی از امتیازات کتاب آن است که فهرست مراجع برای مطالعه بیشتر خوانندگان کتاب در انتهای هر فصل گنجانده شده است. کتاب از جهت رعایت نکات فنی، اصول ویرایش، ترسیم نقشه و نمودارها در ردیف آثار مطلوب جغرافیایی قرار دارد 2 جغرافیای ایران (انسانی) ، جغرافیای ترکیه ،روستاهای اسدآباد ، ژئومورفولوژی و مدیریت محیط (جلد 1و 2) ، سفرنامه پاتینجر
منابع زندگینامه :بنیاد ایرانشناسی

لاله، هایده

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
هایده لاله تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه سوربن پاریس تا مقطع دکتری ادامه داد. وی عضو هیات علمی دانشگاه تهران می باشد و در سمت های رییس موسسه باستان شناسی وابسته به این دانشگاه و همچنین مدیر گروه باستان شناسی فعالیت های آموزشی و پژوهشی در داخل کشور داشته است. ایشان علاوه بر شرکت در کاوش های باستان شناسی داخل ، تالیفات متعددی به زبان فارسی و فرانسه منتشر کرده است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : هایده لاله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه تحصیلات تکمیلی خود را در رشته باستان شناسی و تاریخ هنر در دانشگاه سوربن -پاریس (IV ) ادامه داد. وی در سال 1358موفق به اخذ درجه لیسانس ، در سال 1359کارشناسی ارشد باستان شناسی و تاریخ هنر و در سال 1360 موفق به اخذ مدرک D.E.A از همان دانشگاه شد. همچنین دکترای خود را از دانشگاه سوربن در سال 1368 دریافت کرد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و اداری هایده لاله از سال 1368تا سال 1382به شرح زیر می باشد : -همکاری با مجله چکیده های ایران شناسی Abstracta aranicaاز سال 1368تا کنون . -همکاری در برنامه پژوهش بانک اطلاعاتی میراث جهان اسلام ،مشرق ـمغرب ،برنامه مشترک مرکز ملی تحقیقاتی علمی فرانسه ،CNRS،دانشگاه سوربن -پاریسIVو دانشگاه المان ،از سال 1368تا کنون . -عضو نا پیوسته واحد تحقیقاتی U.R.A 1077 مرکز تحقیقات علمی فرانسه CNRS، از سال 1368تا کنون . -استاد یار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ،73-1372 . -استاد یار و عضو هیات علمی موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران ،از 1374تا کنون . -عضو هیات مشاوران مجله باستان شناسی و تاریخ ،مرکز تشر دانشگاهی ،از سال1376تا کنون . -عضو هسته تخصصی باستان شناسی ،موسسه ترجمه و نشر کتاب ،1376. -مشاوز ویژه نامه تاریخ علم ،مجله وقف میراث جاویدان ،1375. -دبیر ویژه نامه تهران ،مجله وقف میراث جاویدان .1378. -رییس کمسیون ادبیات و هنر امور پژوهشهای کاربردی ،موزه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران . -معاون موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران ،از آغاز سال 1379. -رییس گروه باستان شناسی دانشگاه تهران ،از آغاز سال

1382. فعالیتهای آموزشی : هایده لاله فعالیتهای آموزشی خود را از سال 1369آغاز نمودکه به شرح زیر می باشد : -دانشگاه سوربن -پاریس IV ،فرانسه ،هنر و معماری اسلامی کارشناسی ،70-1369 . -دانشگاه ورسای ،فرانسه ،هنر و معماری اسلامی ،1371. -پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ،هنر و معماری اسلامی ،کارشناسی ارشد ،73-1372 . -موسسه آموزش عالی سوره ،هنر و معماری اسلامی ،کاردانی ،73-1370. -دانشگاه تهران ،باستان شناسی وهنر اسلامی قرون 5تا 9 ه ق ،کارشناسی ارشد ،77-176و 76-175. -موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران ،روش تحقیق در باستان شناسی و هنر دوران اسلامی ،کارشناسی 77-1376. -دانشگاه تهران ،باستان شناسی و هنر سرزمینهای اسلامی ،کارشناسی .78-1377. -دانشگاه تهران ،باستان شناسی و هنر اسلامی قرن 10تا عصر حاضر ،کارشناسی ارشد ،79-1378 . سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : هایده لاله طی سالهای 71-1369 شرکت فعالی در کاوشها و بررسی میدانی داشت : -سه فصل حفاری های مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS ) وCasa de velazguez: سنس ،اندلس -اسپانیا. -یک فصل حفاری مرکز باستان شناسی شهر مورسی :مورسی ،اندلس -اسپانیا . چگونگی عرضه آثار : هایده لاله در همایشهاو کنگره های ملی و بین المللی متعددی برای عرضه نتایج مطالعات و پژوهشهای باستان شناسی خود شرکت نموده است که به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود: دانشگاه بامبرگ آلمان ،1369 . کنفرانس بین المللی بامبرگ آلمان سال 1370. کنفرانس بین المللی هنر اشکانی و ساسانی در انگلستان سال 1371 . کنفرانس بین المللی در سال 1371 . موزه لوور سال 1371. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعاتی فرهنگی سال 1372. انجمن حکمت و فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال 1373. کنفرانس بین المللی سال 1374(Edinburgh3 guly-2 agust) کنفرانس بین المللی 1374 (Cambridge,11-15 september1995) کنفرانس بین المللی 1375 (Bamberg,25-27 guly 1996 ) سمینار بین المللی باستان شناسی در امتداد جاده ابریشم .تهران ،4 تا 7 اردیبهشت 1376 ،یونسکو -پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی . دارالا ثار الاسلامیه ،کویت ،1377. همایش هویت فرهنگی ،دانشگاه تهران ،هفته پژوهش فرهنگی سال 1377. کنفرانس بین المللی 1378 ( Paris,6-10 september) آثار : Applied geometry in the 1 ویژگی اثر : islamic architecture of iran Gournal of the islamic enuironmental design research center , como , italy2 Apropos du trati d architecture de qiyas al-din gamsid kasani In B.G. Fragner , c. frangner, G.Gnoli. R. haag- ویژگی اثر :

higuchi, M.maggi, p. orsatti ed , proceedings of the second european conference of iranian studies 1991 roma . Is M.E.O.19953 la maqsure minumentalede la mosquee du in B . : ویژگی اثر vendredi de qazvin a pepoque salgukide Finster - ch.fragner-h . Hafenrichter eds . Rezeption in der islamischen kunst , beirutertexte und studen , band 61 , beirut , 19994 Les arcs brises persans remarques sur leurs historire : ویژگی اثر particilarites geometriques et techniques de lart 11 19905 Les muqarnes et leur repersentation dans les panneaux a décor geometrique de brique de la mosquee in melvill , charles ed . : ویژگی اثر de haydariyya de qazwin Proceedings of the third european conference of iranian stuies (combridge, 1995)6 Moqaranse, remarques sur la ویژگی conception geometrique et les orgines architecturales The art and archaeologi of ancient persia new light on : اثر the parthiar and sassanian empires , ed V.sarkhosh cirtis R. hillenbrand , m .rogers , tauris , london , new york , 19987 Splendoir of iran . Boot - clibborn and iran : ویژگی اثر Mosque university prees , london8 The organization of the The : ویژگی اثر architectural space in iranian dome chambers بناهای سلسله مرشدیه در کازرون art of the mongols .edinbough9
ویژگی اثر : مجموعه مقالات کنگره معماری و شهر سازی10 پیشنهادی برای تنظیم علمی بایگانی میراث وقف در سازمان اوقاف و امور خیریه
ویژگی اثر : وقف میراث جاویدان11 ترجمه باستان شناسی و هنر اسلامی
ویژگی اثر : منتشر شده در شماره 19-17 سال 96-1994مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران - پاریس 199912
مسجد جامع اشتر جان ویژگی اثر : دایره المعارف بزرگ اسلامی13
مسجد جامع اصفهان ویژگی اثر : دایره النعارف بزرگ اسلامی14
معماران دوره اسلامی ، دانش نظری و کادبردی علمی آن ویژگی اثر : وقف میراث جاویدان 1375
منابع زندگینامه :نشریه باستان پژوهی ،ویژه نامه نقش دانشگاه تهران در باستان شناسی ایران ،زمستان 1379

مجتهدی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1314، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: اصفهان
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تبریز در سال 1338، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه تهران در سال 1347، دکترای جغرافیای انسانی و اقتصادی از دانشگاه آنکارا در سال 1353 و تکمیل معلومات در دانشگاه دورهام انگلستان.
مرتبه علمی:
دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح تغییر محور فولاد مبارکه، بررسی انواع معیشت و سکونت در مناطق کوهستانی اصفهان.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیا و مطالعات شهری و توسعه، توسعه کشت برنج در شمال ایران.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 22، تعداد مقالات بزبان خارجی: 6
زمینه علمی مقالات:
توسعه کشت برنج، تغذیه در ایران، کشاورزی در ایران و توسعه، معادن غیر نفتی ایران، محیط زیست در ایران، آبیاری در ایران، انسان‌شناسی ایران، غارشناسی ایران، جغرافیای سکونت در ایران و محیط زیست پرندگان شمال ایران.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مجیدزاده، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
یوسف مجید زاده(1315 ،تبریز) تحصیلاتش را تا مقطع لیسانس در تهران گذراند و دکترای خود را رشته باستان شناسی و گرایش پیش از تاریخ و تمدن بین النهرین از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد. وی علاوه بر تدریس در دانشگاه تهران، فعالیت های مطالعاتی و پژوهشی خود را در قالب تالیف کتاب و مقاله به زبان فارسی و انگلیسی ارائه کرده است. کتاب "تاریخ و تمدن بین النهرین" تالیف یوسف مجید زاده، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : پیش از تاریخ ایران و بین النهرین والدین و انساب : یوسف مجید زاده در سال 1315 شمسی در تبریز بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : یوسف مچید زاده تحصیلاتش را تا پایان دوره لیسانس در تهران گذراند. در سال 1341 با رتبه اول در رشته باستان شناسی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. پس از آن از سال 1344 با استفاده از بورس شاگردان اول در مدرسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو در دوره فوق لیسانس مشغول تحصیل شد. یوسف مجیدزاده در سال 1355 در گرایش « باستان شناسی بین النهرین و ایران در پیش از تاریخ» به دریافت درجه دکتری نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : یوسف مجید زاده پس از اخذ درجه دکتری از دانشگاه شیکاگو (در سال 1355) به ایران بازگشت و با درجه استادیاری در گروه باستان شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران مشغول تدریس شد. در سال 1356 به درجه دانشیاری ارتقا یافت . پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت 3 سال به سمت مدیریت گروه باستان شناسی و تاریخ هنر و عضو شورای انتخابات و ترفیعات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران منصوب شدند.دکتر مجید زاده در سال 1367 بازنشسته شدند. وی از سال 1366 عضو شورای علمی مجله باستان شناسی و تاریخ، مرکز نشر دانشگاهی می‌باشند. فعالیتهای آموزشی : فعالیت آموزشی یوسف مجید زاده از سال 1355 تا سال 1367 در دانشگاه تهران صورت گرفت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : یوسف مجید زاده در سال 1359 مجله تخصصی کندکاو را بنیان نهاد و خود سردبیری آن را برعهده گرفت. از این نشریه فقط یک شماره به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شد. دکتر مجید زاده علاوه بر انجام

کاوش های میدانی در تپه چغامیش خوزستان (سه فصل)، دشت قزوین و سرپرستی کاوش‌های تپه قبرستان در دشت قزوین(هشت فصل) و محوطه ازبکی در ساوجبلاغ استان تهران از سال 1377، به تالیف مقالات و تالیفات علمی نیز پرداخته است. جوائز و نشانها : کتاب "تاریخ و تمدن بین النهرین" تالیف یوسف مجید زاده، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : مقالات مختلفی به زبان انگلیسی در مجلات علمی و تخصصی بین المللی و به زبان فارسی در مجلات علمی و دایرةالمعارفهای ایرانی از یوسف مجید زاده به چاپ رسیده است.آثار : An Early Industrial Proto-Urban Center on 1 the Central Iranian Plateau:Tepe Ghabristan ویژگی اثر : A. Leonard jr. and B.B. Williams (eds) , Essays in Ancient Civilization Presented to Helene J. Kanior. The Oriental Institute of the University of Chicago (Studies in Ancient Civilization, No 47 , Chicago , University of Chicago Press.19892 ِAn Early prehistorie Coppersmith Workshop at Tepe Ghabrestan ویژگی اثر : Akten des VII Internationalen Kongress fur Iranische Kunst und Archalogie.19793 Correction of the Internal Cronology for the Sialk III period on the Basis of the Pottery Sequence at Tepe Ghabristan ویژگی Iran,164 Excavations at Tepe Ghabristan.Iran .1955 : اثر IsMEO Rome,20005 Lapis Lazuli and the Great : ویژگی اثر paleorient 8/1. 19826 Sialk III and : ویژگی اثر Khorasan Road the Pottery Sequence at Tepe Ghabristan: The Coherence of Iran,19 : ویژگی اثر the Cultures of the Central Plateau of Iran Iran 30, 19928 The : ویژگی اثر .19817 The Arjan Bowl Development of Pottery Kiln in Iran From Prehistoric to Paleorient3.1955-779 The : ویژگی اثر Historical Period ویژگی .Excavation in Tepe Ghabristan The First Two Seasons Marlik,2. 1970-7110 The Land of Aratta : ویژگی اثر : اثر Journal of Near Eastern Studies 35. No 2. 197611 The Oldest Narrative Pictorial Phrase on a Pottery Vessel form Tappeh Iranian World . Essays on Iranian Art : ویژگی اثر Qabristan and Archalogy , Presented to Ezat .O.Negahban, eds. A. Alizadeh, Y.Majidzadeh, S.Malek Shahmirzadi , Iran University Press. 199912 The Oldest Pictorial Phrase on the

Survey and Pottery from tepe Ghabristan : ویژگی اثر 3.197913, Excavation آراتا ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد.14 آشور ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد.15 آغاز شهرنشینی در ایران ویژگی اثر : این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال 1368 منتشر گردید.16 اشمیت ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد.17 ایران در آستانه شهرنشینی و دولت- شهرها ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد.18 ایران در هزاره های پنجم و چهارم ق. م ویژگی اثر : این مقاله برای اطلس تاریخ ایران که توسط سازمان نقشه برداری کشور در سال 1378 منتشر شد ، تدوین گردید.19 باستان شناسی و تاریخ ویژگی اثر : این مقاله درشماره 13 نشریه نامه فرهنگ ایران در سال 1366 منتشر شد.20 بررسی چند منبع تاریخی اسماعیلیه از دیدگاه باستان شناسی ویژگی اثر : این مقاله درشماره4 ، سال دوم نشریه باستان‌شناسی و تاریخ در سال 1367 منتشر شد.21 برگردان مجله پیام یونسکو ویژگی اثر : این ترجمه از انگلیسی به فارسی صورت گرفت و نشریه با عنوان فراعنه مصر شامل هشت مقاله در سال 1368( شماره 230 ) منتشر شد.22 پیشنهادهای موکد ویژگی اثر : این مقاله درشماره 10 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1370 منتشر شد.23 پیکره ای سومری در خارک ویژگی اثر : مقاله ای است که در شماره های 21،22، سال یازدهم در نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1377 منتشر شد.24 تاریخ گذاری سر سنجاقهای مفرغی لرستان ویژگی اثر : این مقاله درشماره اول، سال سوم نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1367 منتشر شد.25 تاریخ و تمدن ایلام ویژگی اثر : این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال 1370 منتشر گردید.26 تاریخ و تمدن ایلام ، تاریخ و تمدن بین النهرین(تاریخ اجتماعی- فرهنگی)- جلد دوم ویژگی اثر : این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال 1379 منتشر گردید.28 تاریخ و تمدن بین النهرین(تاریخ سیاسی)- جلد اول ویژگی اثر : این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال 1376 منتشر گردید.این کتاب ، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ،به عنوان کتاب سال معرفی و برگزیده شد. آشنایی با کتاب: «تاریخ و تمدن بین النهرین» تاریخ و تمدن بین النهرین/ تألیف یوسف مجیدزاده؛ ویراسته شهناز سلطانزاده، هایده عبدالحسین زاده؛ ویرایش زیرنظر احمد حب علی موجانی.- تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1376-1380. کتابنامه. مندرجات: ج.1 تاریخ سیاسی.- ج.2. تاریخ فرهنگی- اجتماعی. ج.3 هنر و معماری. سالها بود که

در مطالعات مربوط به ایران شناسی در زمین؟ دوره های پیش از تاریخ و تاریخی جای خالی پژوهش جامعی دربار؟ تاریخ و تمدن سرزمینهای همسایه، به ویژه در مورد سرزمینهای بین النهرین باستانی، به زبان فارسی احساس می شد. اثر حاضر، مشتمل بر سه مجلّد، تحقیقی عالمانه و مستند است؛ حاصل جمع تازه ترین تحقیقاتی که دربار؟ این سرزمین کهن انجام گرفته است. نخستین مجلّد به «تاریخ سیاسی» اختصاص دارد و مؤلف محترم به ترتیبی بسیار شایسته، پس از معرفی جغرافیای سرزمین بین النهرین، گام به گام از کهن ترین سلسله های قدیم آغاز کرده (سلسله اکد، سومریها، آموریها، حمورابی، آشور، پادشاهان شمال بین النهرین و سوریه، کاسیها، امپراتوریهای آشور و بابل، کلدانیان) و تا فروپاشی امپراتوری بابل پیش می آید. مجلّد دوم با عنوان «تاریخ فرهنگی-اجتماعی» مطالب مربوط به مذهب، اساطیر، ادبیات، زندگی روزمره، قوانین حقوقی و اجتماعی، اقتصاد و سیاستهای اقتصادی، علوم، ریاضیات و نظام آموزشی را در برمی گیرد و با ارائ؟ متنهای متنوع، جنبه های تفکر آن دوران را به خوبی نمایانده است و در مجلّد سوم با عنوان «هنر و معماری» مباحث مربوط به آثار و بقایای هنر مجسمه سازی، نقوش برجسته، مهر و نقوش مهر، نقاشی و معماری را شامل می شود. در متن کتاب از ثبت لاتین نامهای بیگانه یا باستانی به صورت پانوشت خودداری شده و این کار در بخش فهرست راهنما انجام گرفته است تا به این ترتیب از یک سو از تعداد پانوشتها کاسته شود و از سوی دیگر ارجاع به آنها به آسانی صورت پذیرد. در بخش کتابشناسی سعی شده است عمد؟ کتابها و مقاله های مهم و معتبر در مطالعات مربوط به تاریخ بین النهرین گنجانده شود (نزدیک به هزار عنوان مأخذ به زبانهای اروپایی) و آن را به منبع جامع و باارزشی تبدیل کرده است. نوبودن و تازگی مطالب برای پژوهشگران ایرانی و بهره گیری مؤلف محترم از غالب منابع دست اول و تحقیقی، چه در زمین؟ تاریخی و چه باستان شناسی به همراه استنتاجهای منطقی از امتیازات این اثر است. 29 تاریخ و تمدن بین النهرین(هنر و معماری)- جلد سوم ویژگی اثر : این کتاب توسط مرکز نشر دانشگاهی در سال 1379 منتشر گردید.30 تپه قبرستان : یک مرکز صنعتی در آغاز شهر نشینی در فلات مرکزی ایران ویژگی اثر : این مقاله درشماره اول- سال چهارم، نشریه باستان شناسی و تاریخدر سال 1369 منتشر شد.31 ترجمه بازرگانان شوشی ویژگی اثر : اثر کایلر یانگ، که در شماره 3 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1366 منتشر شد.32 ترجمه بانیجوریان ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت33 ترجمه بحرین ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت

گرفت34 ترجمه بذه ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت35 ترجمه پادوسبانیان ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت36 ترجمه پالخاش ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت37 ترجمه پاونه ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت38 ترجمه پلاک عاج زیویه ویژگی اثر : اثر مارفین چارلز ورت، که در شماره سوم نشریه کندوکاو در سال 1358 منتشر شد.39 ترجمه تاریخ جلالی ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت .40 ترجمه جانبان ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت41 ترجمه جودی ویژگی اثر : این ترجمه که از انگلیسی به فارسی برای بنیاد دائره المعارف اسلامی صورت گرفت42 ترجمه سرچشمه تمدن ها ویژگی اثر : اثر ژوزف کالدول، که در شماره سوم نشریه کندو کاو در سال 1358 منتشر شد.43 ترجمه کاوش های چغامیش ویژگی اثر : اثر هلن کنتور و پییر دلوگاز، که در شماره های نهم و دهم زمستان 1355 نشریه باستان شناسی و هنر ایران منتشر شد.44 ترجمه کتاب هنر ایران باستان ویژگی اثر : اثر ایدات پرادا که توسط دانشگاه تهران در سال 1356 منتشر گردید.45 ترجمه مجله پیام یونسکو ویژگی اثر : این ترجمه از انگلیسی به فارسی صورت گرفت و نشریه با عنوان باستان شناسی در زیر آب شامل دوازده مقاله در سال 1366( شماره 210 ) منتشر شد.46 تل ابلیس ویژگی اثر : عنوان مقاله ای است که برای دائره المعارف بزرگ اسلامی تدوین شد.47 جام ارجان ویژگی اثر : این مقاله درشماره پیاپی 8و9 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1369 منتشر شد.48 دوران مفرغ در ماوراء النهر باستان ویژگی اثر : این مقاله درشماره دوم- سال سوم، نشریهباستان شناسی و تاریخ در سال 1368 منتشر شد.49 سفال برای باستان شناس ویژگی اثر : این مقاله درشماره سوم نشریه فروهر در سال 1358 منتشر شد.50 سفال در باستان شناسی ویژگی اثر : این مقاله درشماره 10 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1370 منتشر شد.51 سلسله مقاله های روش کاوش در باستان شناسی ویژگی اثر : این مقاله ها در نشریه باستان شناسی و تاریخ به ترتیب در شماره های پیاپی 13 تا 16 تا سال 1374 منتشر گردید.52 سنگ لاجورد و جاده بزرگ خراسان ویژگی اثر : این مقاله درشماره دوم نشریهباستان شناسی و تاریخ در سال 1366 منتشر شد.53 غارتگران آثار تاریخی و فرهنگی ویژگی اثر : این مقاله درشماره اول - سال یازدهم نشریه نشر دانش در سال 1369 منتشر شد.54 فلز و فلز

گری در ایران باستان ویژگی اثر : این مقاله درشماره 13 نشریه نامه فرهنگ ایران در سال 1366 منتشر شد.55 گزارش مقدماتی نخستین فصل حفریات باستان شناختی در محوطه ازبکی، شهرستان ساوجبلاغ - پاییز 1377 ویژگی اثر : این مقاله در شماره 25 نشریه باستان شناسی و تاریخ در سال 1379 منتشر شد.56 گوردن چایلد و باستان شناسی ویژگی اثر : این مقاله درشماره دوم- سال دهم ، نشریه نشر دانش در سال 1368 منتشر شد.57 مقاله حفریات در تپه قبرستان- سگزآباد ویژگی اثر : این مقاله در ضمیمه شماره دوم نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1356 منتشر شد.58 مقاله سرزمین آران ویژگی اثر : این مقاله درشماره سوم نشریه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران با نام کندو کاو در سال 1358 منتشر شد.59 مقاله کهنترین بیان تصویری بر سفالی از تپه قبرستان ویژگی اثر : این مقاله درشماره سوم نشریه گروه باستان شناسی دانشگاه تهران با نام کندو کاو در سال 1358 منتشر شد.60 نام خلیج فارس و باستان شناسان خارجی ویژگی اثر : این مقاله درشماره 6- سال سیزدهم نشریه نشر دانش در سال 1372 منتشر شد.

منابع زندگینامه : باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

محمودی، فرج‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد:-، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دریافت پایان‌نامه دکترای جغرافیای طبیعی با تشخیص ژئومرفولوژی در سال 1346 از کشور فرانسه و سپس تدریس دروس مختلف جغرافیای طبیعی به ویژه زمینه‌های مختلف ژئومرفولوژی عمومی ایران در دانشگاههای مختلف.
مرتبه علمی:
پس از طی مراحل استادیاری و دانشیاری، ارتقاء به درجه استادی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
اجرای طرحهای تحقیقاتی شامل تهیه اطلس‌های شیب در مقاطع ارتفاعی ایران و مطالعات موضوعی و موضعی پاره‌ای از عوارض طبیعی و سفرهای علمی، مطالعات عمیق در زمینه‌های مختلف محیط طبیعی در سراسر ایران و آشنایی با توانهای مساعد و مشکلات محیطی سرزمین ایران در زمینه مسائل طبیعی و نقش پدیده‌های محیطی در برنامه‌ریزیهای محلی و ناحیه‌ای و اجرای پروژه‌ها و کارتوگرافی (اطلس)، شناسایی دشت لوت، ریگزارهای ایران، ژئومرفولوژی و سیلابهای زاهدان، راهنمایی، مشاوره و نظارت بر 23 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و 2 پایان‌نامه دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 10
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
مسائل مختلف محیط طبیعی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 15، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
ژئومرفولوژی، نواحی خشک (بیابانهای ایران)، سیمای طبیعی نواحی مختلف ایران.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مشیری، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1309، مرتبه علمی: استاد، رشته: جغرافیا، دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دکترای جغرافیا.
مرتبه علمی:
استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1346، دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال 1353 و ارتقاء به درجه استادی دانشگاه تهران.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
عضویت در کمیته برنامه‌ریزی جغرافیای فرهنگستان علوم از سال 1359 تاکنون، انجام یک پروژه تحقیقاتی در زمینه جغرافیا، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر بیش از 20 پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترا.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 4
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
جغرافیای سیاسی و اقتصادی ایران، کلیات قاره‌ها، جغرافیای کوچ‌نشینی و مبانی کوچ‌نشینی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 6، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مصطفوی کاشانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1359 -1284 ش)، باستان شناس، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ابتدا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد ولی خدمت خود را در وزارت معارف در اداره‌ی تحقیقات آغاز نمود و به تدریج به رشته‌ی باستان‌شناسی علاقه‌مند شد و در این رشته تخصص یافت. وی حدود پنجاه سال از زندگی خود را در باستان شناسی ایران و در همراهی و همکاری با باستان شناسانی همچون کامرون، هرتسفلد، پوپ، گیرشمن گذراند و در حفریات و بازسازی تخت جمشید کوشش فراوان کرد. وی علاوه بر خدمت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ریاست اداره‌ی باستان شناسی را بر عهده داشت. مصطفوی در دوره‌ی ریاستش در اداره‌ی باستان شناسی اقدام به تأسیس نشریه‌ای علمی و اختصاصی به نام «گزارشهای باستان شناسی» کرد. او همچنین در تهیه و تدوین مقالات مربوط به آثار و ابنیه‌ی تاریخی، هنری و باستانی ایران، در «دایرةالمعارف فارسی»، همکاری داشت. از دیگر آثار وی: «ترجمه‌ی الواح گلی تخت جمشید»؛ «تخت جمشید» یا مشارکت علی سامی؛ «شرح اجمالی آثار تخت جمشید»؛ «هگمتانه»، در آثار تاریخی همدان و فصلی درباره‌ی ابوعلی سینا؛ «امانتداری خاک»؛ «آستانه‌ی حضرت عبدالعظیم»؛ «استمرار هنر معماری در ایران»؛ «ایران باستان»، ترجمه؛ «آثار ایران»، ترجمه جلد دوم و سوم؛ «اقلیم پارس»؛ «انعکاس دیروز در آیینه‌ی امروز»، در آثار باستانی.[1]
باستان‌شناس، محقق.
تولد: 1284.
درگذشت: 23 تیر 1359.
سید محمدتقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکده‌ی حقوق شد و موفق گردید در رشته‌ی حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آمد.
از سال 1304 الی 1308 آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصر خسرو و سیروس بود. سپس از مهر 1310 تا آبان 1337 در اداره‌ی عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به اداره‌ی کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان

شناسی، مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید، نماینده‌ی باستان‌شناسی در اصفهان، مأموریت مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی، معاون باستان شناسی، رییس اداره‌ی کل باستان‌شناسی، مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی درباره‌ی باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد.
وی چند شماره از مجموعه‌ی ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: آثار ایران (1318)؛ آستانه حضرت عبدالعظیم (1330)؛ الواح گلی تخت جمشید (1329)؛ امانت داری خاک (1356)؛ انعکاس دیروز در آئینه امروز، بقعه‌ی بی‌بی شهربانو (1334)؛ اقلیم پارس (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، 1978)؛ تخت جمشید (با مشارکت علی سامی، 1330)؛ تخت جمشید (نوشته رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، 1342)؛ سفارشنامه‌ی انجمن آثار ملی (1344)؛ شرح اجمالی آثار تخت جمشید (1330)؛ گزارش‌های باستان‌شناسی (سه جلد، 1335 -1329)؛ فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران (1334)؛ نگاهی به هنر معماری ایران (1346)؛ هگمتانه، آثار تاریخی همدان (1332).
فرزند سید محمود، در حدود سال 1285 متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و از دانشکده‌ی حقوق تهران لیسانس گرفت و زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی را به خوبی آموخت. چندی دبیر زبان فرانسه در دبیرستان ثروت بود. بعد به اداره عتیقات وزارت معارف منتقل شد و مشاغلی را بشرح زیر عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی، مأمور کاوشهای علمی شوش و تخت جمشید، نماینده باستان‌شناسی در اصفهان، و بالاخره رئیس و مدیرکل باستان‌شناسی.
مصطفوی کاشانی یکی از خادمین پرکار باستان‌شناسی در ایران است که آثار زیادی از خود باقی گذارده است که از جمله می‌توان کتاب بقاع متبرکه و زیارتگاههای خارج و داخل شهر تهران را نام برد که بسیار خواندنی و حاوی نکات جالبی است.
از دیگر تحقیقات او اقلیم فارس است. این کتاب معرفی آثار تاریخی تمام فارس می‌باشد. آثار تاریخی همدان، آستانه حضرت عبدالعظیم (ع)، فرشها و پارچه‌های عهد هخامنشی، بقعه بی‌بی شهربانو از دیگر آثار باارزش مرحوم مصطفوی است. وی در طول اداری خود در غالب کنگره‌های باستان‌شناسی در سایر کشورها دعوت می‌شد و اکثر موزه‌های بزرگ کشورها را بازدید کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 5 و 6، ص 479، ش 7 و 8، ص 612

609-)، چهره‌های آشنا (546 -545)، دایرةالمعارف فارسی (2793/ 2)، الذریعه (238/ 25)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3409، 2102/ 2 852، ،820 ،376 ،309 ،38 ،12/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (336، 337)، مؤلفین کتب چاپی (257 -256/ 2).

مطیعی لنگرودی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی در تاریخ دوازده اسفند ماه سال هزار و سیصد و بیست و پنج در استان گیلان، شهر لنگرود به دنیا آمد. در سال 1360 به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیه ای از دانشگاه کان فرانسه نایل گردید.ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می باشد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای روستایی و ناحیه ایتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد حسن مطیعی لنگرودی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان داریوش لنگرود به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در مقاطع دانشگاهی، عازم تهران شد. در سال 1353 از دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته جغرافیای انسانی شده و پس از گذشت سه سال اشتغال در ایران، همراه همسر و فرزند عازم کشور فرانسه شد. در سال 1357 به دریافت مدرک فوق لیسانس و در سال 1360 به دریافت درجه دکترا در رشته جغرافیا، گرایش زندگی روستایی و جوامع ناحیهای از دانشگاه کان فرانسه نایل گردیدهمسر و فرزندان : محمد حسن مطیعی لنگرودی متاهل است.وقایع میانسالی : محمد حسن مطیعی لنگرودی پس از بازگشت به ایران،در سال 1363 در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد با مرتبه استادیاری پایه دو شروع به کار نمود. در سال 1371 به مرتبه دانشیاری، و در سال 1378 به مرتبه استادی پایه 16 ارتقاء یافت. در سال 1382 به دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران منتقل شد، و در حال حاضر (شهریور 1384) استاد پایه بیست و سه دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل مورد تصدی محمد حسن مطیعی لنگرودی : مدیر گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد به مدت 6 سال (69-1364)؛ معاون پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت 5 سال (80-1375)؛ عضو کمیته برنامه ریزی جغرافیا در وزارت علوم و آموزش عالی به مدت 5 سال (69-1365)؛ سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، به مدت 2 سال (77-1375)؛ عضو شورای دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد به مدت سه سال (80-1378)؛ عضو شورای دانشگاه فردوسی مشهد به

مدت سه سال (80-1378)؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه ناحیهای، دانشگاه فردوسی مشهد؛ عضو هیأت تحریریه مجله فصلنامه تحقیقات جغرافیایی؛ عضو هیأت تحریریه مجله پژوهشهای جغرافیایی دانشگاه تهران؛ عضو هیأت تحریریه مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ مدیر مسئول مجلة جغرافیا و توسعه ناحیهای دانشگاه فردوسی مشهد ، مدیر قطب علمی مطالعات و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهرانفعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در گروه آموزشی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد و تهران . دروس تدریس شده در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری توسط محمد حسن مطیعی لنگرودی به قرار زیر است؛ برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، کشاورزی و توسعه پایدار، 1 جغرافیای اقتصادی روستاهای ایران، برنامه ریزی صنایع روستایی، اقتصاد توسعه با تاکید بر ایران، انسان، محیط و ایدئولوژی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای روستایی چگونگی عرضه آثار : محمد حسن مطیعی لنگرودی در کنار تدریس به مطالعه و پژوهش می پردازد که به چند مورد از تحقیقات و پژوهشهایی که ایشان مجری آن بودند اشاره می شود: عملکرد اقتصادی- اجتماعی تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد؛ بررسی و شناخت توان اشغالزایی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد؛ بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی خدمات برق رسانی، در نواحی روستایی بجنورد؛ تنگناهای توسعه فضایی در روستاهای درهای؛ بررسی زندگی روستایی در ایالت کبک کانادا (سفر مطالعاتی سال تحصلی 81-1380)؛ و طرحهای پژوهشی دیگر. دکتر محمد حسن لنگرودی مطیعی استاد راهنمای بیش از 100، پایاننامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است که به چند مورد از عنوان از آنها اشاره میکینم: - رساله دکتری، بررسی تأثیر فعالیتهای عمرانی بر تثبیت جمعیت روستایی، آقای امامعلی عاشری؛ ؛ - رساله دکتری تحلیل توزیع فضایی صنایع در نواحی روستایی شهرستان مشهد، آقای حسنعلی فرجی سبکبار؛ - رساله دکتری آقای علیاکبر عنابستانی، پایدارسازی اقتصاد روستایی از طریق یکپارچه نمودن توانهای تولیدی کشاورزی؛ - رسالة دکتری آقای محمود مرادی، با عنوان جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی بیرجند دکتر محمد حسن مطیعی لنگرودی دارای بیش از 34 مقاله چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی و مجری بیش از 10 طرح پژوهشی است.آثار : 1 برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران ویژگی اثر : تالیف- دانشگاهی مشهد،سال 1382؛2 جغرافیا در قرن بیست و یکم، ویژگی اثر : ویراستاری-انتشارات آستان قدس رضوی، سال 1378؛3 جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، ویژگی اثر : جهاد دانشگاهی مشهد، سال 1384؛4

جغرافیای اقتصادی ایران (صنعت) ویژگی اثر : تالیف - جهاد دانشگاهی مشهد، سال 13765 جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) ویژگی اثر : تالیف- جهاد دانشگاهی مشهد، سال 1374؛6 جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) ویژگی اثر : انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد،سال 1381؛7 جغرافیای اقتصادی خراسان، ویژگی اثر : تالیف _آستان قدس رضوی، سال 13738 روش تحقیق در جغرافیا ویژگی اثر : ترجمه - آستان قدس رضوی، سال 1371؛9 سیمای اقتصادی جهان، ویژگی اثر : ترجمه - انتشارات آستان قدس رضوی، سال 1370؛10 مدلهای فضایی پهنه بندی و مکانیکی ویژگی اثر : مقاله -نویسنده : حسنعلی فرجی سبکبار، حسن مطیعی لنگرودی.11 مقالههای چاپ شده در مجلات معتبر دانشگاهی:: 1- رشد جمعیت در هند، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1363؛ 2- الگوی متدولوژیک در مطالعات روستایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1365؛ 3- تحولاتی جدید در جمعیت جهان، مجله رشد آموزش جغرافیا، 1362؛ 4- تراکم جمعیت در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 1366؛ 5- تحولات جمعیت در جهان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 1366؛ 6- روشهای کمی در جغرافیای جمعیت، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 1367؛ 7- خودکفایی جهانی در تولید محصولات کشاورزی، مجله دانشکده ادبیات مشهد،1367؛ 8- عملکرد نظامهای بهرهبرداری کشاورزی در ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1370؛ 9- عملکرد تعاونیهای تولید مشاع در دشت مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1370؛ 10- عمران فضای روستایی ایران، مجله موسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، 1372؛ 11- نگرشی در کارکردهای جغرافیای اقتصادی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1372؛ 12- روند رشد جمعیت و مشکلات تامین اشتغال در استان خراسان، مجموعه مقالات دانشگاه سبزوار، 1373؛ 13- نگرشی جغرافیایی در اقتصاد تطبیقی روستاهای ایران، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1372؛ 14- اهداف جهانگردی در استان خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، 1376؛ 15- توان اشتغالزایی بخش کشاورزی در سبزوار، مجله دانشکده ادبیات مشهد، 1376؛ 16- بررسی و شناخت توان اشتغالزایی صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکده ادبیات مشهد 1377؛ 17- ضرورت و اهمیت تقسیم استان خراسان وروند توسعه ناحیهای، مجموعه مقالات همایش بررسی راهبردهای علمی و عملی تقسیم استان خراسان، دانشگاه سبزوار 1376؛ 18- توریسم فرهنگی، بستری برای گفتگوی ملل، همایش رویکرد فرهنگی به جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، 1379؛ 19- راهبردهایی در ارتباط با توسعه و عدالت اجتماعی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، 1380؛ 20- لنگرود در گذر زمان، نشر سالی، 1380؛ 21- روستا و روستانشینی در ایران، مجلة

علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال 1380؛ 22- اثرات اقتصادی، اجتماعی شهرکهای صنعتی در نواحی روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال 1380؛ 23- عوامل رکورد صنایع دستی در نواحی روستایی شهرستان مشهد، مجله دانشکدة ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال 1380؛ 24- روستا و توسعه، همایش توانمندیهای جغرافیا در برنامهریزیهای توسعه، گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دیماه 1380؛ 25 مدیریت جدید برای نوسازی روستایی- تجربه اروپا و شمال آمریکا، مجلة جغرافیا و توسعة ناحیهای، سال 1382؛ 26 نگرشی در تحولات اقتصاد روستایی، مطالعه روستاهای ایالت کبک کانادا، فصلنامة سرزمین، سال 1383؛ 27 روند بهرهبرداری و توسعة منابع آب کشاورزی در ...، مجلة دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال 1383؛ 28-Economic-social effects of industrial town in rural development, International conference, Department of Geography, Aligarh Muslim University,Aligarh-202002-INDIA, 3-5 November 2001. 29-The factors of handicraft stagnancy in rural region of Mashhad, International conference, Department of Geography, Banaras University, Varanasi, INDIA, 1-3 December 2001. و مقالات دیگر

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

معصومی، غلامرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
غلامرضا معصومی، پژوهشگر و کارشناس آثار تاریخی و باستانی ایران، فروردین ماه سال۱۳۱۷ در شهرستان قروه متولد شد. دوران کودکی را تا ۶سالگی در مکتبخانه به آموختن قرآن کریم صرف کرد، ضمن این که کتاب «نساب الصبیان» را خوانده و اشعار آن را حفظ کرده بود. او پس از این دوره وارد دبستان کمال شهر تاریخی همدان شد. سپس به مدرسه علمیه و دبیرستان سینا رفت و کلاس پنجم را در آنجا گذراند. مدرک دیپلم خود را در سال۱۳۳۴ از دبیرستان دارالفنون تهران گرفت. بلافاصله در کنکور دانشگاه شرکت کرد و در رشته باستان شناسی، حقوق و زبان انگلیسی پذیرفته شد. به دلیل علاقه بسیار به آثار باستانی و بناهای تاریخی، رشته باستان شناسی را انتخاب کرد و مشغول تحصیل شد. او تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در سال۱۳۳۸ به پایان رساند و در اداره هنرهای زیبای وقت استخدام شد و در این هنگام مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته باستان شناسی گرفت. در این اداره با سفر به مناطق مختلف ایران با تحقیق درباره فرهنگ ها و سنت های مردم هر منطقه، پژوهشی در حوزه مردم شناسی و فولکلور انجام داد. حاصل این فعالیت ها و سفرها چاپ مقاله هایی در این باره در مجله های دانشمند دنیای علم و بررسی های تاریخی بود، که بعدها در خارج از ایران این پژوهش ها را زیر نظر دکتر صادق کیا استاد زبان پهلوی دانشگاه تهران، درباره گویش های مردم کامل کرد. معصومی مدرک دکترای افتخاری خود را از یکی از دانشگاه های خارج از کشور دریافت کرده است. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : غلامرضا معصومی در 9 فروردین 1317 در شهر جزین -همدان متولد شد .وی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد .تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامرضا معصومی تا 6سالگی در مکتب خانه به یاد گیری قرآن پرداخت .دراین مدت کتاب «نساب الصبیان »را خواند و اشعار آن را حفظ نمود . پس از شش سالگی به دبستان کمال شهر همدان رفت و با قبولی در یک آزمون ، درکلاس چهارم ثبت نام کرد. پس از دو سال به دبستان علمیه که تحت پوشش جامعه تعلیمات اسلامی به مدیریت حجت السلام شیخ علی زنجانی بو د رفت . کلاس ششم را در آنجا گذراند . در سال 1334 در دردبیرستان دار الفنون تهران دیپلم کامل را اخذ کرد ، در کنکور دانشگاه شرکت کرد که از میان رشته های زبان

انگلیسی ،حقوق و باستان شناسی ، به علت علاقه زیاد در رشته باستان شناسی ادامه تحصیل داد. در سال 1338 دوره لیسانس را به پایان رساند سپس در دوره کارشناسی ارشد باستان شناسی مشغول تحصیل شد . وی همزمان با تحصیلات دانشگاهی درمدرسه مسجد مروی به تحصیل عربی و دروس حوزه پرداخت و آن را تا پایه سطح ادامه داد . معصومی درسال 1341 دوره کارشناسی ارشد را به پایان رساند و به خدمت سربازی مشغول شد . خاطرات و وقایع تحصیل : غلامرضا معصومی می گوید: «ضمن تحصیل در دانشگاه مجبور بودم برای تأمین معیشت کار کنم. یک سال در دبستان مهد تربیت، آموزگار ریاضی کلاس ششم بودم و هفته ای چند روز به کلاس می رفتم. مدت چهار سال یا بیشتر در روزنامه اطلاعات مشغول به کار تصحیح و ترجمه بودم و شب ها یا هر وقت دیگر که می توانستم، برای کار به روزنامه می رفتم.»فعالیتهای ضمن تحصیل : غلامرضا معصومی ضمن تحصیل برای تامین معیشت کار می کرد و یک سال در دبستان مهد تربیت آموزگار ریاضی کلاس ششم بود . مدت چهار سال در روزنامه اطلاعات به تصحیح و ترجمه اشتغال داشت .او تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در سال۱۳۳۸ به پایان رساند و در اداره هنرهای زیبای وقت استخدام شد و در این هنگام مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته باستان شناسی گرفت. در این اداره با سفر به مناطق مختلف ایران با تحقیق درباره فرهنگ ها و سنت های مردم هر منطقه، پژوهشی در حوزه مردم شناسی و فولکلور انجام داد.وقایع میانسالی : غلامرضا معصومی پدر یک شهید است. در سال ۱۳۶۷ پسرش عباس، در جنگ ایران و عراق در شلمچه شهید و خودش شیمیایی و مجروح شد و یک چشم خود را از دست داد و به همین دلیل به خواست خود در سال ۱۳۶۸ پس از سی سال کار و انجام وظیفه بازنشسته شد. او میگوید: «از سال ۶۸ تاکنون مدت ۱۳ سال است که وقتم را تلف نکردم و دائم در مطالعه و تحقیق و نوشتن گذرانده ام.»مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و مسئولیت های غلامرضا معصومی در سال 1367-1344به شرح زیر می باشد: - استخدام در هنر های زیبای کشور (1339 ) - کارشناس ارشد و رییس بخش تاریخی و لرستان و رییس هیات بررسی و حفاری - سرپرست موزه ایران باستان و مرکز باستا ن شناسی در زمان شادروان شهید رجایی فعالیتهای آموزشی : غلامرضا معصومی فعالیت آموزشی و تدریس را ضمن تحصیل دردوره لیسانس بعنوان آموزگار ریاضی کلاس ششم دردبستان مهد تربیت شروع کرد . غلامرضا معصومی در مدرسه عالی جهانگردی ، دفتر فرهنگ و هنر ،دانشگاه ملی شهید بهشتی و دانشگاه آزاد واحد جنوب مشغول به تدریس دروس ذیل شد: - معماری باستانی ایوان و هنرهای زیبا و تاریخ آنها( به مدت سه سال ) - باستان شناسی و حفریات

در ایران (هشت دوره برای سپاهیان دفتر فرهنگ و هنر ) - هنرهای سنتی و هنرهای زیبا ( به مدت دو سال ) - اخلاق ومعارف اسلامی ( به مدت سه سال ) آرا و گرایشهای خاص : غلامرضا معصومی با ابراز نگرانی از کارهای کلیشه ای در باستان شناسی و حفریات در کشور می گوید: «باید کارهای علمی بیشتری صورت گیرد. باید از افراد باسابقه استفاده کنند. عده ای از باستان شناسان خوب قدیمی که رفته اند، اما عده ای دیگر در کشور خودمان هستند و از آنها هیچ همکاری خواسته نمی شود. درست است که پیر شده ایم، اما می توانیم ایده بدهیم. کارهای لازمه رامی توانیم هدایت کنیم. آنچه در دانشگاه ها به عنوان واحد عملی حفاری تدریس می شود فقط یک تجربه است و برای باستان شناس قابل شدن، کافی نیست.». چگونگی عرضه آثار : معبد آناهیتای کنگاور، نخستین بنای مهم تاریخی است که دستان غلامرضا معصومی را به خوبی می شناسد. در زمان کار در اداره کل باستانشناسی او به اتفاق دکتر کامبخش فرد و چند دانشجوی همراه، معبد آناهیتا را از زیر خاک بیرون می آوردند. این صفه ۲۱۰ در ۲۰۸ متری، مدت ۳سال پذیرای معصومی و همکارانش بود تا خود را به ایرانیان و جهانیان نشان دهد. او در کازرون و بیشاپور همراه دکتر سرفراز بود. مناطق کلورز، جوبن و مارلیک در شمال، حسنلو در آذربایجان، شوش،گنبد قابوس و امامزاده جرجان در مازندران به همراه دکتر کیانی نیز حفاری کرده است. اما از این میان، بندر سیراف را همگان همراه با نام غلامرضا معصومی می شناسند. می گوید: «سیراف کنار دریا بود و از این نظر بسیار زیبا. گرچه مربوط به دوران اسلامی است، اما دارای محل و موقعیت بسیار خوبی برای گردشگری است. قبور سنگی اش برایم بسیار جالب بود. با مسئولان هم درباره آن و این که قابلیت تبدیل به مرکزی سیاحتی را دارد، صحبت کرده ام.» کتاب «سیراف» او گزارش کامل از فعالیت ها، مکشوفات و نتایجی است که غلامرضا معصومی در یک فصل کاوش آنها را نگاشت و امروزه بدون کوچکترین تغییری به چاپ سوم رسیده است. نخستین بار سال ۵۲ و بعد در سال های ۷۴ و ۸۳ نیز این کتاب تجدید چاپ شد. او همچنین در هیأت های مشترک باکشورهای دیگر به عنوان بازرس ایرانی هیأت حضور داشته است. معصومی در دوره پیروزی انقلاب اسلامی، در فعالیت های سیاسی هم شرکت داشت. چنان که در کمیته استقبال ازامام (ره ) بود. «فرهنگ و دایرة المعارف اساطیر و آئین های باستانی جهان» بخش کوچکی از فعالیت های او به شمار می روند. حدود ده سال است که بر روی آن متمرکز شده ام، اما پیش از آن تمام کارهایم و ذهنم در همین جهت بود. مشقت زیادی برای آن کشیدم. همه اروپا و آسیا و آمریکا را سفر کردم تا توانستم عکس هایی از آنها جمع آوری کنم. به همه کشورهای کهن و باستانی و آثار اساطیری آنها سر زدم.

در حال حاضر حرف الف به دو جلد رسیده که همه عکسدار و مصور است. معصومی همچنین در کنگره ها و همایش های بسیاری درحوزه باستان شناسی و مردم شناسی در داخل و خارج از ایران شرکت داشته و به ایراد سخنرانی پرداخته است که از جمله آنها می توان شرکت در هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی در دانشگاه ملی (شهید بهشتی، ۱۳۵۵)، کنگره تاریخ (۱۳۵۳) و کنگره پنجم هنر و باستان شناسی ایران (۱۳۴۷) اشاره کرد. او کار ناکرده ای دارد و آن تألیف کتاب «سرنوشت زن از آغاز تا امروز» است که با تهیه عکس های فراوان از محل های مختلف، سنگ نبشته ها و نقش برجسته ها، کتابی است تقریباً تمام شده که دلش می خواهد آن را دوباره روخوانی و مطالب جا افتاده را به آن اضافه کند. می خواهد ۱۶جلد کتاب دایرة المعارف را هر چه زودتر به پایان برد تا به کارهای ناتمام اش برسد. آثار : اب دوره هخامنشی بر کانش لاجوردی دوره هخامنشی موجود در موزه ایران باستان ویژگی اثر : هنر و مردم 13552 آتشدان مفرغی لرستان ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 13543 باستان شناسی ایران از 2407تا 2535 شاهنشاهی ویژگی اثر : روابط عمومی ارتش 13554 برای تخریب آثار فرهنگی ،ترفند دشمنان انقلاب ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی 13605 به مناسبت روز تاریخی 17شهریور پس از هفت سال موزه ایران باستان حرکت کرد ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی 13606 تخریب آثار فرهنگی ،ترفند دشمنان انقلاب 1 ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی13607 تخریب آثار فرهنگی ،ترفند دشمنان انقلاب 2 ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی 13608 دهکده شیخ کلخوران و مقابر باستانی آن ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی13539 رقصهای محلی هندوستان و جشن هولی ویژگی اثر : سالنامه پیک شمال 134110 ساغر های مفرغی لرستان ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 134811 سیراف یا بندر ظاهری ویژگی اثر : آثار ملی 135212 شاهکاری از 29 قرن پیش ویژگی اثر : دانشمند 135513 شتر زرین( افسانه های مربوط به کودکان ) ویژگی اثر : راهنمای گرد آوران گویشها 134114 شمه ای از پیشینه باستان شناسی ایران از 135سال پیش تا کنون4 ویژگی اثر : بررسی های تاریخی 135515 شمه ای از پیشینه باستان شناسی ایران از 135سال پیش تا کنون5 ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135516 شمه ای از پیشینه باستان شناسی ایران از 135سال پیش تا کنون6 ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 135517 شمه ای از پیشینه باستان شناسی ایران از 135سال تا کنون3 ویژگی اثر : بررسی های تاریخی 135518 شیشه و تاریخ شیشه در جهان و ایران ویژگی اثر : دنیای علم 135219 شیون در ایران باستان ویژگی اثر : هنر و مردم 135320 عروس درایل کلهر ویژگی اثر : هنر ومردم 135421 فال وفالگیری -دعا و جادو در دهات شاه آباد غرب

کرمانشاه ویژگی اثر : هنر ومردم 134622 گامی مثبت در حفظ آثار باستان شناسی ویژگی اثر : روز نامه جمهوری اسلامی 136023 لوح حمورابی ،نخستین قانون مدون دنیا ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی 136024 معرفی دهکده حسنلو و کاوش در تپه باستانی حسنلو ویژگی اثر : هنر و مردم 135525 معماری حسنلو ویژگی اثر : معماری ایران 136326 نسخه های خطی قرآن و خطوط اسلامی ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی 135927 نظری به باستان شناسی پیش از انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی ایران ویژگی اثر : نشریه مجموعه مقالات و اشعار .....روزشمار انقلاب 1359 یاد نامه دومین سالگرد انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشا د اسلامی28 نظری به باستان شناسی و تاریخ هنر ایران ویژگی اثر : جنگ سپاهان29 نقدی بر هنر (سلسله مقالات ) ویژگی اثر : اقتصاد اسلامی 136430 نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران ، نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران 2 ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی134932 نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران1 ویژگی اثر : بررسیهای تاریخی 134933 هرم سازی در مصر باستان -هرم پله پله جوزر و پیکره او ویژگی اثر : سالنامه پیک شمال134234 وزارت ارشاد اسلامی باید مردم جهان رابا فرهنگ اسلام آشنا سازد ویژگی اثر : روزنامه جمهوری اسلامی1360

مفیدی، بهزاد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهزاد مفیدی نصرابادی در شهریورماه 1339 در تهران بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع فوق دیپلم در تهران گذراند. وی تحصیلات تکمیلی خود را تا سطح دکترا در آلمان و در رشته باستان شناسی با گرایش های شرق نزدیک و زبان شناسی شرق کهن و مردم شناسی ادامه داد. دکتر مفیدی رساله دکترای خود را با عنوان «مراسم تدفین در بین النهرین در نیمه اول از هزاره اول قبل از میلاد» در دانشگاه توبینگن دفاع کرد. دکتر مفیدی در سال 1378 در همکاری با سازمان میراث فرهنگی، تحقیقات باستان شناسی چغازنبیل را بر عهده گرفت.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : پیش از تاریخ والدین و انساب : بهزاد مفیدی نصرآبادی در 18 شهریور 1339 در تهران بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : بهزاد مفیدی نصرآبادی تحصیلات ابتدایی خود را در سال 1350 در تهران به پایان رساند. پس از آن به دبیرستان خوارزمی رفت و دیپلم خود را در سال 1356 دریافت کرد. با اتمام تحصیلات متوسطه ، به انستیتوی تکنولوژی تهران در رشته رنگرزی (صنایع شیمیایی) پذیرفته شد.در سال 1359 فوق دیپلم خود را اخذ نمود و از آبان ماه 1359 تا آبان 1361 به انجام خدمت سربازی پرداخت. در سال 1362 برای ادامه تحصیل عازم کشور ایتالیا شد ، بعد از یادگیری زبان ایتالیایی به کشور آلمان عزیمت کرد. در آلمان مفیدی به تعلیم زبان آلمانی پرداخت و در امتحانات ورود به دانشگاه شرکت کرد و در رشته باستان شناسی شرق نزدیک با رشته های فرعی زبانشناسی شرق کهن و مردم شناسی در شهر فرایبورگ آلمان مشغول تحصیل گردید. بهزاد مفیدی در سال 1994 موفق به اخذ درجه فوق لیسانس شد وی برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به شهر توبینگن آلمان رفت و در ماه مه 1997 موفق به اخذ درجه دکترا شد. دکتر مفیدی نصرآبادی رساله دکتری خود را به عنوان جلد 23 از سری Baghdader Forschungen انتشار داده است. [استادان و مربیان : از استادان راهنمای بهزاد مفیدی نصرابادی در دانشگاه فرایبورگ آلمان پرفسور مارک آدولف براندس و پرفسور هورست اشتیبلی بودند. وی نزد پرفسور بوکارت کیناست دروس اکدی را تعلیم گرفت. در دانشگاه توبینگن نیز رساله دکترا را تحت نظارت پرفسور ریکاردو ایشمن و پرفسور ولفگانگ رولینگ تدوین کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : بهزاد مفیدی نصرابادی در سال

1998 در قسمت پژوهشی دانشگاه ماینز آلمان مشغول به کار شده و به تحقیق در باره تابوتهای منقوش به نقش برجسته انسانی در بین الهرین و ایلام پرداخت. نتایج این تحقیق در پاییز 1999 در انتشارات قسمت پژوهشی مربوط به چاپ رسید. دکتر مفیدی نصرآبادی از 15 تیر ماه 1378 تحقیقات باستان شناسی پروژه چغازنبیل را بر عهده گرفت و گزارش های اولیه آن را به سازمان میراث فرهنگی ارائه کرد. آثار : 1 Aspekte der koniglichen Bestattung 2 Bemerkungen zu den Aufbau 3 Jenseitsvorstellung im Alten Orient 4 Ruzension zum Buch 5 Tiekapelle 6 Undersuchungen zu den bestattungssitten Mesoptamies in der 1 .Halfte des ..... 7 اشاراتی بر شکل ساختمانی ذیقورات اتمن آنکی در بابل 8 تدفین در تابوتهای منقوش به تصویر انسانی در بین الهرین و ایلام با توجه به عقاید مذهبی آن دوران 9 تصویر گری حیوانات در حال انجام کارهای انسانی در شرق کهن ویژگی اثر : تز فوق لیسانس در دانشگاه فراییورگ .10 مراسم تدفین در بین الهرین در نیمه اول از هزاره اول قبل از میلاد ویژگی اثر : تز دکترا در دانشگاه توبینگن .11 نقدی بر Statische Wohnarchitektur 12 نکاتی درباره تدفین شاهان آشوری در دوران آشوری نو

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

مقدم، محسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محسن مقدم درسال 1279 درشهر تهران به دنیا آمد .تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تربیت آغاز کرده ودر مدرسه صنعتی دولتی ایران و آلمان ادامه داده است و در یازده سالگی به سویس عزیمت نموده و مدت چهار سال در کولژ کلاسیک شهر لوزان تحصیل کرده و در جنگ جهانی اول به ایران بازگشته و در مدرسه صنایع مستطزفه به تحصیل نقاشی پرداخته و بعد از جنگ مزبور به ایتالیا رفته و در شهر فلورانس مدت سه سال به تحصیل نقاشی ادامه داده آن گاه چندی در آلمان در موزه ها به مطالعه پرداخته و مدت ده سال در پاریس در رشته نقاشی و باستان شناسی تحصیل کرده و سه سال آخر اقامت در پاریس با بورس دولتی در مدرسه لوور به تحصیل باستان شناسی ایران و موزه داری مبادرت نموده است.از مدارک تحصیلی می توان به موارد زیر اشاره کرد: لیسانس در باستان شناسی، دیپلم نقاشی، گواهینامه موزه داری.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسه تربیت آغاز کرده و بعدا“ در مدرسه صنعتی دولتی ایران و آلمان ادامه داده است و در یازده سالگی به سویس عزیمت نموده و مدت چهار سال در کولژ کلاسیک شهر لوزان تحصیل کرده و در جنگ جهانی اول به ایران بازگشته و در مدرسه صنایع مستطزفه به تحصیل نقاشی پرداخته و بعد از جنگ مزبور به ایتالیا رفته و در شهر فلورانس مدت سه سال به تحصیل نقاشی ادامه داده آن گاه چندی در آلمان در موزه ها به مطالعه پرداخته و مدت ده سال در پاریس در رشته نقاشی و باستان شناسی تحصیل کرده و سه سال آخر اقامت در پاریس با بورس دولتی در مدرسه لوور به تحصیل باستان شناسی ایران و موزه داری مبادرت نموده است. مدارک تحصیلی: لیسانس در باستان شناسی، دیپلم نقاشی، گواهینامه موزه داری.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : خدمات دانشگاهی: همکاری به آندره گدار (1881-1965) در بنیانگذاری دانشکده هنرهای زیبا، نمایندگی دانشکده هنرهای زیبا در شورای دانشگاه به مدت نوزده سال ، مدیریت گروه فرهنگ هنر در دانشکده هنرهای زیبا، معاونت اداری و مالی دانشکده هنرهای زیبا، عضویت شورای مؤسسه باستان شناسی در دانشکده ادبیات، عضو علی البدل هیات رسیدگی انتظامی دانشگاه. بازرسی فنی اداره کل باستان شناسی، موزه داری موزه ایران باستان،

ریاست هیات علمی اعزامی به گیلان و سرپرستی حفاریهای باستان شناسی در دیلمان، ریاست هیات فرهنگی ایران در چکوسلواکی و لهستان و ایتالیا در تشکیل نمایشگاهی مینیاتور ایران در کشورهای مذکور، مشاورت افتخاری وزارت کشور در امور پارکها.فعالیتهای آموزشی : خدمات آموزشی: تدریس تاریخ هنر در مدرسه صنایع مستطزفه تهران، تدریس تاریخ هنر در دانشکده هنرهای زیبا، ریاست کارگاه نقاشی در دانشکده هنرهای زیبا، کرسی استادی تاریخ عمومی هنر در دانشکده هنرهای زیبا، تدریس افتخاری در امور پارکها در وزارت کشود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : خدمات فرهنگی:بنیانگذاری انجمن مطالعات راجع به ایران در پاریس و سردبیری آن.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ماموریتهای رسمی در خارج از کشور: نمایندگی رسمی ایران در جشن صد ساله ابنیه تاریخی فرانسه، نمایندگی رمسی ایران در کنگره بین المللی کتابداری در مادرید، نمایندگی رسمی ایران در نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان، نمایندگی رسمی ایران در کنگره بین المللی هنر کلاسیک در پاریس ، نمایندگی رسمی ایران در دومین کنگره بین المللی هنر ایران در لندن ، نمایندگی رسمی ایران در چهارمین کنگره بین المللی هنر ایران در نیویورک. سخنرانیها: در تهران: دانشکده هنرهای زیبا، دانشکده ادبیات، موزه ایران باستان، مؤسسه فرهنگی فرانسه، مؤسسه فرهنگی ایتالیا. در پاریس: دانشگاه سوربون، موزه گیمه، مؤسسه هنر و باستان شناسی. در ایتالیا: روم، فلورانس، میلان. در انگلستان: لندن، در شوروی: لنینگراد. در چکواسلواکی: پراگ، براتیسلاوا. در لهستان: ورشو، کراکووی.

منابع زندگینامه :فرهنگ جامع خاور شناسان ، و مسافران به مشرق زمین ، تالیف استاد نصر الله نیک بین ، ج 2 ، نشر آرون ، ص 1075

مقیمی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ابراهیم مقیمی در سال 1338 هجری خورشیدی در خوانسار متولد شد.وی در سال 1364 و 1368 هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد.ایشان در سال 1377 هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد. نامبرده در سال 1369 هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود.وی در سال 1378 هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال 1384 به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیات حصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم مقیمی در سال 1364 و 1368 هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه لیسانس و فوق لیسانس جغرافیای طبیعی از دانشگاه تهران شد.ایشان در سال 1377 هجری خورشیدی موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه تهران شد.فعالیتهای آموزشی : دکتر ابراهیم مقیمی در سال 1369 هجری خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه، مشغول به کار و مدتها به عنوان دبیر گروه و معاون مدیر پژوهش انجام وظیفه نمود.وی در سال 1378 هجری خورشیدی به دعوت گروه جغرافیا در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در بهمن ماه سال 1384 به دانشگاه تهران منتقل شد. اکنون دانشیار گروه جغرافیای طبیعی است. وی تا این تاریخ دروسی چون ژئومورفولوژی ایران، ژئومورفولوژی شهری، ژئومورفولوژی اقلیمی و کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی را در مقطع لیسانس ارائه کرده است. در مقطع فوق لیسانس دروس اکوسیستم های محیطی، تغیرات محیطی و واحدهای ژئومورفولوژی ایران، و در مقطع دکترا ژئومورفولوژی و مدیریت محیط را ارائه کرده است. وی در سال 1382 عضو شورای انتشارات دانشگاه تهران شد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم مقیمی دارای 40 مقاله علمی_پژوهشی، علمی_ترویجی، مقاله کامل کنگره ها، سمینارها و خلاصه مقاله (داخلی و خارجی) است.آثار : برنامه ریزی مسکن ویژگی اثر :

پدیدآورنده: محمدرضا پورمحمدی، ابراهیم مقیمی (ویراستار) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 30 آذر، 13872 روش تحقیق در جغرافیای طبیعی (ژئومورفولوژی) ویژگی اثر : پدیدآورنده: فرج الله محمودی، ابراهیم مقیمی ناشر: قومس - 13833 ژئومورفولوژی (اقلیم) ویژگی اثر : 13794 ژئومورفولوژی (دیدگاهها) ویژگی اثر : پدیدآورنده: ریچارد چورلی، استانلی آلفرد شوم، دیوید ساگدن، احمد معتمد (مترجم)، ابراهیم مقیمی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 27 شهریور، 13845 ژئومورفولوژی (زمین شناسی) ویژگی اثر : 13776 ژئومورفولوژی (فرایندها) ویژگی اثر : 13797 ژئومورفولوژی شهری ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم مقیمی، علیرضا استواری (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران - 30 آذر، 13878 کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی ویژگی اثر : 13789 مخاطرات محیطی ویژگی اثر : پدیدآورنده: شاپور گودرزی نژاد، کیت اسمیت، ابراهیم مقیمی (مترجم) ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) - 1382

ملک شهمیرزادی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
صادق ملک شهمیرزادی در سال 1322 شمسی در شهمیرزاد سمنان بدنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس در رشته باستان شناسی در تهران به انجام رساند. وی با عزیمت به آمریکا موفق به اخذ فوق لیسانس در گرایش باستان شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین از موسسه شرق شناسی شیکاگو شد و دکترای انسان شناسی خود را نیز با گرایش پیش از تاریخ از دانشگاه پنسیلوانیا دریافت کرد. دکتر شهمیرزادی علاوه بر شرکت و سرپرستی کاوش های میدانی تالیفات متعددی نیز عرضه کرده است.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : پیش از تاریخ والدین و انساب : صادق ملک شهمیرزادی در شهمیرزاد سمنان متولد شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : صادق ملک شهمیرزادی پس از اخذ دیپلم صنعتی از دبیرستان علمیه تهران در خرداد ماه 1339, در رشته باستان شناسی به تحصیل پرداخت.او در سال1343 لیسانس باستان شناسی را با پایان نامه ای تحت عنوان «بین الهرین وعلل بنای زیگورات » از دانشگاه تهران دریافت نمود. سپس به ایالات متحده امریکا رفت و درجه فوق لیسانس خود را با پایان نامه تحت عنوان « Problem of the Gold and Silver Vessels of the Caspian Culture» و همچنین موضوع « Round Houses in the Ancient Near East»در سال 1969 در رشته اصلی باستان شناسی پیش از تاریخ ایران و بین النهرین و رشته فرعی باستان شناسی و هنر مصر باستان را از موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو (خرداد 1348) اخذ کرد . پس از آن دکترای انسان شناسی در گرایش پیش از تاریخ را در سال 1356 (1977م) از دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا دریافت داشت. عنوان رساله دکترای او « Tepe Zagheh : Asixth Millennium B.C. Village in the Qazvin Plan of central Iranian Plateau» بود. بورس های تحصیلی که دکتر ملک شهمیرزادی از آن بهره‌مند گشت به عبارت زیر است: - بورس تحصیلی چهار ساله برای ادامه تحصیل در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به آمریکا از سال 1343 تا 1347 که از طرف بنیاد فولبرایت اهدا گردید. - بورس ویژه تحصیلی یادنامه کارل هـ. کریلینگ برای ادامه تحصیل در موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو به مدت یکسال از 1347 تا 1348. - بورس تحصیلات تکمیلی اعضای هیات علمی دانشگاه های ایران

برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا در بخش انسان شناسی دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا ، مشترکاً به وسیله وزارت علوم و آموزش عالی و دانشگاه تهران به مدت سه سال از شهریور ماه 1353 تا شهریورماه 1356. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : صادق ملک شهمیرزادی از سال 1365 مشاور مجله باستان شناسی و تاریخ در مرکز نشر دانشگاهی بود . همچنین از سال 1372 به عنوان عضو هیئت تحریریه مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقازمرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه با آن مرکز همکاری کرد. درسال 1372مسئولیت گروه فرهنگ باستان شناسی در طرح فرهنگهای تخصصی فرهنگستان زبان وادبیات فارسی را بر عهده گرفت ( این شورا فقط یک بار تشکیل گردید). دکتر ملک شهمیرزادی از سال 1373 تا پایان آذر ماه سال 1374 به عضویت شورای تهیه مدخل های «دانشنامه تهران» وابسته به بنیاد بزرگ فارسی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آمد. وی استاد بازنشسته دانشگاه تهران می باشد. وی از خرداد ماه 1374 به عنوان عضو شورای معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور ، به مدت دو دوره دو ساله با آن شورا همکاری کرد. از ماه اکتبر 1971 (مهرماه 1350 تا کنون): Membere of the Scientific Bord of Paleorient , Journal of Centre (National de la Recherch Scientifique (CNRS از ماه ژوئن 1991 (خرداد 1370 تاکنون): Membere of the Scientific Bord of Paleorient, Journal of Centre (National de la Recherch Scientifique (CNRS از ماه نوامبر 1995 (آبان ماه 1374) به مدت سه سال: Active Member of the New York Academy of Sciences
فعالیتهای آموزشی : در مدت سی سال خدمت آموزشی در گروه باستان شناسی دانشگاه تهران ، تدریس دروس کاوش در محل، طبقه بندی سفال و اشیا، طراحی فنی و نقشه برداری و عکاسی، بررسی آثار باستانی، سمینار و ترتیب نمایشگاه، تهیه گزارش مشروح، باستان شناسی و هنر مصر باستان، آشنایی با باستان شناسی، مبانی باستان شناسی فرهنگی، باستان شناسی پیش از تاریخ بین النهرین، باستان شناسی پیش از تاریخ ایران، باستان شناسی آسیای غربی و مصر( این واحد درسی را در دانشگاه های خارج از کشور ارائه کردند)، باستان و فرهنگ ایران باستان (این عنوان درسی رادر دانشگاه هلسینکی ارائه کردند). سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : صادق ملک شهمیرزادی در کاوش های متعددی در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - شرکت در حفریات مارلیک،به سرپرستی دکتر عزت الله نگهبان در دوران دانشجویی ، سال 1340 - شرکت در بررسی باستان شناسی کرمان، به سرپرستی دکتر ژوزف ر. کالدول ، اسفند 1342 و

فروردین 1343 - شرکت در سه فصل حفاری در دیکسون ماند واقع در ایالت ایلینوی امریکا در سال های 1344 (1965 م) ، 1345(1966م) ، 1346(1967م) در دوران دانشجویی و به سرپرستی دکتر ژوزف ر.کالدول. - شرکت در حفاری دکیتور واقع در ایالت ایلینوی آمریکا در سال 1346 (1967) در دوران دانشجویی به سرپرستی دکتر رابرت ه. هال - شرکت در حفاری چغامیش خوزستان، پاییز 1348 ، روسای این هیات عبارت بودند از: پرفسور پینهاس دلوگاز و دکتر هلن کنتور که دکتر شهمیرزادی به عنوان سرپرست بخشی از حفاری در این برنامه شرکت کرد. - شرکت در حفریات هفت تپه خوزستان 1349، 1350، 1351، 1352 چهار فصل به عنوان معاون هیات و به سرپرستی دکتر نگهبان . - سرپرست حفاری تپه سگزآباد واقع در دشت قزوین 1349 و 1350 (دو فصل) به ریاست دکتر نگهبان - سرپریت حفریات تپه زاغه واقع در دشت قزوین، در سال های 1351، 1352، 1353، 1358 (چهار فصل)، رئیس هیات در سه فصل اول دکتر نگهبان و در فصل آخر دکتر مجید زاده بود. - سرپرست هیات در حفاری آزمایشی تپه پوئینک ری، در سال 1374 - انجام بررسی باستان شناسی در منطقه سمنان در سال 1363 - بررسی منطقه «حوضه مسیله» واقع در جنوب تهران نزدیک ورامین آبان 1372 و اسفند 1373. - سرپرست حفاری در «آق تپه» گنبد کاووس از 15مهر تا 30 آذر 1379. همچنین دکتر شهمیرزادی از امتیازهای علمی زیر استفاده کرد: - بورس مسافرت و بازدید از موزه های اروپا و شرکت در یک فصل حفاری در چغامیش خوزستان از طرف بنیاد فورد تابستان و پاییز 1348 - بورس بنیاد ژاپن به منظور بازدید از موزه ها و مراکز فرهنگی شهرهای مختلف ژاپن به مدت دو هفته در تیرماه 1372 - بورس مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ، سفارت جمهوری اسلامی ایران در فنلاند و دانشگاه هلسینکی فنلاند، به مدت سه هفته برای تدریس در دانشگاه هلسینکی. آثار : آثار دوران پارینه سنگی حوضه مسیله در جنوب تهران ویژگی اثر : منتشر شده در شماره اول خبرنامه مرکز تحقیقات و مطالعات ایرانگردی و جهانگردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، آذر 1372.2 اشاره ای مختصر به تحول باستان شناسی در ایران ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه اثر شماره های 12و 13 و 14 که توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سال 1365 منتشر شد.3 اشاره ای بر پیش از تاریخ دامغان ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه بناها و شهر دامغان به کوشش م.م فلامکی ، نشر فضا ، سال 13684 انتقال اندیشه : سوسک مصری در دشت قزوین ویژگی اثر : منتشر شده در شماره های پیاپی 13 و 14 نشریه باستان شناسی و تاریخ ، اسفند 1372.5 باستان شناسی چیست و باستان شناس کیست ویژگی اثر : منتشر شده در جلد

دوم مجموعه مرز پر گهر، نامگانی استاد علی سامی، (28 مقاله در زمینه های باستان شناسی، فرهنگ و ادب، تاریخ و هنر ایران)، به کوشش دکتر طاووسی، 13726 بافت روستای پیش از تاریخ زاغه ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه شماره 6 ساختمان آبان ماه 1367.7 بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا براساس روش تدفین در زاغه ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ ، بهار و تابستان 13678 بررسی مطالعات باستان شناسی در ایران ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات نخستین انجمن واره بررسی مسایل ایران شناسی به کوشش علی موسوی گرمارودی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه ، تهران 13699 پیشنهادی برای ترتیب آرشیوی از آثار غیر منقول فرهنگی ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ ، شماره دوم بهار و تابستان 136810 تاملی در علل جابه جایی استقرارهای پیش از تاریخ در حاشیه کویر در فلات مرکزی ایران ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، شماره پیاپی 8و9 اسفند ماه 1369.11 تپه زاغه: تحلیلی اجمالی از منازل مسکونی ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه باستان شناسی و تاریخ، شماره اول و دوم آبان ماه 137112 تصویری از پوشش گیاهی و حیوانی حاشیه کویر در 7000 سال پیش ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه مقالات سمینار مسایل مناطق بیابانی و کویری ایران، مرکز تحقیقات کویری و بیابانی ایران، در سال 137113 سفالهای هزاره پنجم قبل از میلاد میدان باستانی دلازیان سمنان ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه اثر شماره های 12و 13 و 14 که توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سال 1365 منتشر شد.14 شهر نشینی و شهر سازی از آغاز تا هزاره پنجم پیش از میلاد ویژگی اثر : منتشر شده در مجموعه نظری اجمالی به شهر و شهرسازی در ایران به کوشش محمد یوسف کیانی در سال 136515 مروری بر تاریخچه مطالعات باستان شناسی در ایران ویژگی اثر : منتشر شده در شماره دوم نشریه باستان شناسی و تاریخ ، بهار و تابستان 136616 مسئله سفال خاکستری رنگ در ایران ویژگی اثر : دیباچه ای بر کتاب تهران سه هزار و دویست ساله براساس کاوش های باستان شناسی. نشر فضا 137017 مقدمه ای بر شهرنشینی ویژگی اثر : دیباچه ای بر کتاب نخستین شهر ، تالیف روث وایت هاوس، ترجمه مهدی سحابی، تهران 136918 نخستین مورخ ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه دانشنامه ، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، سال اول . شماره 1. 136919 نقش موزه ها در تعلیم و تربیت ویژگی اثر : منتشر شده در نشریه میراث فرهنگی ، شماره سوم و چهارم ، پاییز 1370

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور، زمستان 1379

ملکزاده، ملکه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ملکه ملکزاده ( بیانی ) ، فرزند دکتر مهدی ملکزاده به سال 1289 شمسی در تهران متولد شد. وی تحصیلات خود را تا اخذ دیپلم زبان فرانسه موفق به اخذ دیپلم زبان فرانسه از مدرسه ژاندارک ادامه داد. وجود زمینه ی هنری در او باعث گردید در کنار تحصیل ، به هنر نقاشی به ویژه مینیاتور روی آورد و برای تکمیل آموخته های خود راهی فرانسه گردد . بیانی همزمان با تحصیل در دانشکده هنر های زیبای پاریس در دانشکده لوور ، وابسته به دانشگاه سوربن پاریس نیز به تحصیل در رشته ی باستان شناسی پرداخت و به اخذ فوق لیسانس از آن دانشکده نائل آمد و در علم سکه شناسی سرآمد شد. او پس از چهار سال به ایران بازگشت و در سال 1317 در موزه ایران باستان که تازه تأسیس یافته بود ، وارد خدمت شد. در سال 1347 با دعوت دانشگاه تهران به تدریس « سکه شناسی » و « مهر شناسی » در گروه باستانشناسی پرداخت ، تا اینکه در سال 1357 بازنشسته گردید. بانو ملکه ملکزاده ( بیانی ) در تاریخ دوازدهم خرداد ماه سال 1378 دار فانی را وداع گفت.گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی والدین و انساب : ملکه ملکزاده ، فرزند دکتر مهدی ملکزاده و نواده ی ملک المتکلمین ، شخصیت بزرگ و مشهور دوره ی مشروطیت ایران و از جانب مادر نواده ی میرزا سلیمان خان میکده ، از رجال نیک نام دوره قاجار و از مشروطه خواهان معروف بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : ملکه ملکزاده در شش سالگی در مدرسه ی ” ناموس ” به تحصیل اشتغال ورزید و همزمان در خانه به فراگرفتن زبان فرانسه پرداخت. از برای اخذ دیپلم این زبان یک سال در مدرسه ی ” ژاندارک ” به تحصیل پرداخت و موفق به اخذدیپلم زبان فرانسه شد. و خود زمینه هنری در وی باعث گردید ، همزمان در خانه به فراگیری نقاشی مشغول گردد وپس از مدتی میرزا هادی خان تجویدی ، نزد استاد بزرگ و معروف مینیاتور ایران رفته ، و به فراگرفتن مینیاتور اشتغال ورزید. در سال 1313 شمسی برای تحصیلات عالی به پاریس (فرانسه) عزیمت نمود و در دانشکده هنرهای زیبا که شهرت بین المللی دارد ، فراگیری هنر نقاشی را ادامه داد و موفق به اخذ دیپلم از آن دانشکده شد. همزمان ، در دانشکده لوور ، وابسته به دانشگاه سوربن پاریس به تحصیل در رشته ی باستان شناسی پرداخت و به اخذ درجه ی فوق لیسانس از آن دانشکده نائل آمد و

در علم سکه شناسی سرآمد شد.استادان و مربیان : ملکه ملکزاده ، هنر مینیاتور را نزد میرزا هادی خان تجویدی فراگرفت.همسر و فرزندان : ملکه دکتر ملکزاده بیانی با دکتر بیانی ،استاد دانشگاه تهران ازدواج کرد و ثمره ازدواج ایشان دکتر شیرین بیانی ( اسلامی ندوشن ) و دکتر سوسن بیانی ( سمیعی ) می باشد ، که اولی استاد دانشگاه تهران به تدریس در رشتة تاریخ و دومی استادیار دانشگاه تهران به تدریس رشتة باستان شناسی اشتغال دارند .زمان و علت فوت : ملکه ملکزاده ( بیانی ) در تاریخ دوازدهم خرداد ماه سال 1378 دار فانی را وداع گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ملکه ملکزاده پس از چهار سال تحصیل در خارج از کشور به ایران بازگشت و در سال 1317 در موزه ایران باستان که تازه تأسیس یافته بود ، وارد خدمت شد. در طول دوران خدمت تا زمان بازنشستگی با سمت « موزه داری » و « ریاست بخش سکه ها ، مهرها و الواح » در آن موزه به کار اشتغال داشت.فعالیتهای آموزشی : ملکه ملکزاده در سال 1347 بادعوت دانشگاه تهران ، درگروه باستان شناسی به تدریس سکه شناسی و مهرشناسی پرداخت. او در این زمینه تا سال 1357 به تدریس اشتغال داشت.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : از جمله اقدامات ملکه ملکزاده : 1- تأسیس نمایشگاه هنری و تاریخی ایران و تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران ـ ایتالیا در ایتالیا 2- برپایی و ریاست نمایشگاه هفت هزار سال هنر ایران در میلان ( ایتالیا ) 3- تأسیس موزه سکه بانک سپه که یکی از معتبرترین موزه های سکه در ایران گردید.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : ملکه ملکزداه در کنگره های بین المللی داخلی و خارجی متعددی شرکت کرد و سخنرانی هایی ایراد نمود از جمله: کنگره ایران شناسی دانشگاه آکسفورد انگلستان ، کنگره ایران شناسی وزارت فرهنگ و هنر سابق در تهران ، کنگره های باستان شناسی و ایران شناسی تهران ، همدان و اصفهان ، ایراد سخنرانی درباره ی فرهنگ و هنر ایران در رادیوی دولتی ایتالیا ، ایراد سخنرانی در همین زمینه در تالار سلطنتی میلان ( ایتالیا). از دیگر فعالیت های فرهنگی ایشان: 1- عضویت در یونسکو (شعبه ایران) در اولین دوره ی تأسیس این مؤسسه ی علمی ، فرهنگی در ایران 2- قرارگرفتن در فهرست مشاهیر علم و فرهنگ جهان ، کتابی که توسط دانشگاه کمبریج انگلستان مدون گردیده است. 3- قرارگرفتن در فهرست بانوان مشهور جهان از جهت فرهنگی و هنری و علمی ، کتابی که توسط دانشگاه کمبریج انگلستان مدون گردیده است. 4- عضویت در انجمن بین المللی کارشناسان سکه که مرکز آن در فرانسه و سوئیس می باشد . از خانم ملکزاده در حدود پنجاه مقاله به زبان های فارسی و فرانسه ، در مجلات معتبر داخلی و خارجی به چاپ رسیده که درباره ی سکه ها و مهرهای دوران باستان و سکه های

دوره اسلامی ایران می باشد ، و در مجمو عه هایی به چاپ خواهد رسید. بانو ملکزاده همچنین برای انجام سفرهای علمی و تحقیقاتی مسافرت هایی به فرانسه ، انگلیس ، آلمان ، ایتالیا ، سوئیس ، بلژیک ، هلند و عراق داشته است.آرا و گرایشهای خاص : از جمله فعالیت های دیگر ملکه ملکزاده در کنار کار باستان شناسی و سکه شناسی ، پرداختن به هنر نقاشی بود که شاید بتوان او را در ردیف مشهورترین نقاشان معاصر ایران قرار دارد. سبک وی " امپرسیونیسم " بود ، ولی به سبک کلاسیک و مینیاتور نیز تسلط داشت. تابلوهای نقاشی وی جزء آثار هنری ایران به شمار می آیند.جوائز و نشانها : ملکه ملکزاده در طول تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای پاریس ، در چند نمایشگاه داخلی همان دانشکده شرکت جست و دو بار جزء دانشجویان ممتاز به اخذ جایزه نائل آمد. آثار : تاریخ سکه ، دوره ی پارتی ، تاریخ سکه از قدیمی ترین ازمنه تا دوره ی اشکانیان ، تاریخ مهر در ایران ، سکه های ایران در دوره ی هخامنشی ، سیمای شاهان و نا م آوران ایران باستان

موسوی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود موسوی در سال 1316در خانواده ای قدیمی و سنتی به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در رشته باستان شناسی تا مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران ادامه داد. وی پس از اتمام تحصیل در سازمان میراث فرهنگی به عنوان مدیر پژوهشی مشغول بکار شد و در سال 1373 به عنوان دبیر اجرایی نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی- شوش، را برگزار نمود. وی در کاوش‌های میدانی متعددی شرکت و یا سرپرستی کرده است. گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی گرایش : باستان شناسی تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی رادر مدرسه توفیق زنجان به پایان برد .تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ناصر خسرو ،مدرس و علمیه به اتمام رساند . در سال 1337به دانشگا ه راه یافت و در رشته باستان شناسی در دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد . مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق اجرایی و اداری محمود موسوی از سال 73-1366 به شرح زیر می باشد: مدیریت پژوهشهای باستان شناسی ،سازمان میراث فرهنگی 1366. دبیر اجرایی نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی -شوش 1373. فعالیتهای آموزشی : همزمان با تحصیل در دانشگاه به استخدام دولت در آمد .ابتدا با عنوان نقشه بردار و حفار معدن آن زمان سرگرم کار شد .در سال 1345 پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی به اداره کل باستان شناسی و فرهنگ عام منتقل و کار تخصصی خود را در محوطه های باستانی دنبال کرد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سوابق پژوهشی محمود موسوی به شرح زیر می باشد : شرکت در کاوشهای استان ایلام و پشتکوه لرستان ،هیات باستان شناسان بلژیکی به سر پرستی لویی واندنبرگ . شرکت در بررسی های شناسی غارهای بین خوی وسرشت ،هیات باستان شناسان دانشگاه آمریکا ،به سرپرستی پروفسور چارلزبرنی . شرکت در کاوشهای تخت سلیما ن تکاب در آذربایجان غربی .هیات باستان شناسان آلمانی به سرپرستی آندریاس لیپرت . شرکت در کاوشهای حلیمه جان رودبار گیلان ،هیات باستان شناسان ژاپنی از دانشگاه توکیو به سر پرستی شینجی فوکایی . شرکت در کاوشهای کحوطه های باستانی زابل ، هیات باستان شناسان ایتالیایی (از موسسه ایزمئو). مشارکت در بررسی های باستان شناسی منطقه آذربایجان شرقی به سرپرستی سیف اله کامبخش فرد .

مشارکت و عضویت و معاونت در کاوشهای تخت جمشید به سرپرستی اکبر تجویدی . مشارکت در کاوشهای هیات آموزشی دانشگاه تهران در سگزآباد قزوین (نماینده مرکز باستان شناسی ایران ) به سرپرستی عزت الله نگهبان . سرپرستی بررسیهای باستان شناسی در اشکور گیلان ، هیات اعزامی مرکز باستان شناسی ایران . سرپرستی کاوشهای مسجد جامع ابرقو . سرپرستی هیات بررسی و تعیین حریم تپه چغاگاوانه شاه آباد غرب. سرپرستی هیات تجدید نظر در حریم تخت جمشید . سرپرستی هیات کاوشهای جزیره کیش . سرپرست هیات کاوشهای مسجد جمعه اردبیل . سرپرست هیات کاوشهای حریم مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی .آثار : آغاز دوره تاریخی درایران شمالی بر اساس یافته های باستان شناسی ویژگی اثر : میراث فرهنگی 13732 باستان شناسی ایران ویژگی اثر : سیمای فرهنگی ایران 13773 باستان شناسی در پنجا ه سالی که گذشت ویژگی اثر : میراث فرهنگی 13694 باستان شناسی در جهان اسلام ویژگی اثر : دانشنامه جهان اسلام 13755 باستان شناسی گیلان ویژگی اثر : کتاب گیلان 13696 بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی ویژگی اثر : دانشنامه جهان اسلام 13767 پی گردی و کاوش در مسجد جامع ساوه ویژگی اثر : گزارش چهارمین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی در ایران 13558 تاریخچه باستان شناسی ایران ویژگی اثر : معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 13789 توس شهر خفته در تاریخ ، کاوش باستان شناسی در شهر تاریخ حریره جزیره کیش ویژگی اثر : گزارشهای باستان شناسی 137611 کاوش در بخش غربی مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی ،اردبیل ویژگی اثر : مجموعه مقالا ت دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران -ارگ بم12 مسجد جامع اردبیل ویژگی اثر : مجموعه مقالات همایش معماری مسجد 137613 مقدمه ای بر باستان شناسی کرمان ویژگی اثر : مجموعه مقالات کرمان شناسی ،مرکز کرمان شناسی 136914 یاد نامه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران بعد از انقلاب ویژگی اثر : سازمان میراث فرهنگی 137615 یادمان خشتی کوه خواجه زابل و( خلاصه ای از نتایج مطالعات و کاوشهای انجام شده در آن) ویژگی اثر : مجموعه مفالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی ایران16 یادی از علی سامی ویژگی اثر : مجله باستان شناسی و تاریخ 1368

منابع زندگینامه :باستان پژوهی، ویژه نامه سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شنااسی کشور، زمستان 1379

مؤمنی ازندریانی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1319، مرتبه علمی: دانشیار، رشته: جغرافیا، دانشکده: علوم انسانی، دانشگاه: شهید بهشتی
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی تهران در سال 1341، کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی از دانشگاه تهران در سال 1347 و دکترای جغرافیا از دانشگاه فیلیپس ماربورگ آلمان غربی در سال 1355.
مرتبه علمی:
پس از طی مرحله استادیاری، ارتقاء به درجه دانشیاری دانشگاه شهید بهشتی.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
رابطه شهر و روستا و تشخیص مکانهای مرکزی در دشت گرمسار، تدریس دروس جغرافیای شهری ایران، جغرافیای شهری عمومی، جغرافیای جمعیت، جغرافیای شهری (برنامه‌ریزی اکولوژی شهری) در دانشگاههای شهید بهشتی، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
شهرستان تفت، بررسی مشخصات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی شهر و مناطق روستائی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 5، تعداد مقالات بزبان خارجی: 1
زمینه علمی مقالات:
فراز و فرود شهر هرمز، تعریف، مواضع، موضوعات، هدفها و کاربرد جغرافیا در نظام جمهوری اسلامی، جایگاه وقف در ساختار فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهرها و روستاهای ایران، ردیابی فرهنگ وحی در ساختار شهر دولت‌آباد ملایر، مأخذشناسی جغرافیای شهری ایران، موقوفات و توسعه شهری.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

میر حیدر مهاجرانی، دره

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دره میرحیدر در سال 1313 در شهر کرمانشاه متولد گردید. وی دارای دکترای جغرافیای سیاسی از دانشگاه ایندیانای آمریکا و عضو هئیت علمی دانشگاه تهران ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه جغرافیا با رتبه علمی استادی می باشد.نامبرده در سال 1382 به افتخار بازنسشتگی نائل آمده است.ایشان عضو وابسته ی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران است. دکتر میرحیدری در نشریات فرهنگی ایران ، مقالات متعددی را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است. کتاب"جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا"ترجمه دره میر حیدری ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : علوم انسانی رشته : جغرافیا گرایش : جغرافیای سیاسیوالدین و انساب : " قبل از هر چیزی باید سپاسگذار خداوند متعال باشم که مرا در یک خانواده با فضیلت ،متدین و روشن بین به دنیا آورد که هر چه دارم از انهاست.گرچه در کودکی پدرم را از دست دادم ولی نفس قدسی و خاطر نمازهای شب و راز و نیازهای او هنوز با من است و همین ها بوده که زندگی مرا تا کنون بیمه کرده است.پدرم در ساوه به دنیا آمده بود و تحت نظارت پدرش حاج سید عبدالکریم مقلب به حاج سید آقا تحصیلات ابتدایی را انجام داد و سپس در نوجوانی با همراهی ایشان برای تحصیلات بالاتر به تهران آمد و در حوزه علمیه مدرسه مروی به تحصیل الهیات و معارف اسلامی پرداخت.ایشان پس از تحصیلات خارج حوزه در تهران ماندگار شد.پدرم علاوه بر این با نام سید محمود الحسینی ساوجی از خوشنویسان بنام دوره ناصری بوده است و مجموعه بسیار ارزشمند خط از ایشان به یادگار مانده است. مادرم در یک خانواده متمکن و متدین در تهران بدنیا آمد.پدر وی سعید الملک اهل سیاست و طرفدار حکومت مشروعه بود.پدر بزرگ مادرم حاج حسینعلی خان نوری از فضلا و شعرای معروف عهد ناصری بوده و دیوان شعر او با تخلیص وفا که کلا در مدح اهل بیت امامت و طهارت می باشد چاپ و در اختیار علاقمندان به شعر و ادب قرار گرفته است. مادرم در چنین خانواده ای معلم سرخانه داشت و ضمن فراگیری

فارسی و حساب قرائت قران نیز فرا می گرفت.پس از مدتی با استعداد سرشاری که داشت حافظ قرآن شد و اشعار دیوان حافظ و گلستان سعدی و بابا طاهر را هم از حفظ داشت و در محاوره به مناسبت از آنها استفاده می کرد.ایشان مادری کارآمد و دلسوز و پاک نیت بود و در نتیجه فرزندانی تحویل جامعه داد که همگی با داشتن تحصیلات عالی منشا خدمات علمی و فرهنگی مهمی برای مملکت شدند. پدر و مادرم در تهران با هم ازدواج کردند و چهار فرند اول یعنی سه دختر و یک پسر را در تهران به نیا آوردند. بعدا پدرم ماموریتی در کرمانشاه پیدا کرد و پس از چندی خانواده را هم به آنجا منتقل نمود و من (1311) و برادر کوچکرم در کرمانشاه بدنیا آمدیم"تحصیلات رسمی و حرفه ای : دره میرحیدر ، تحصیلات ابتدایی و قسمتی از تحصیلات متوسطه ی خود را در شهر زادگاهش سپری نمود و سال های آخر تحصیلات متوسطه ی خود را در تهران گذرانده و به اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان شاهدخت نائل آمد. وی بلافاصله پس از اتمام دوره ی متوسطه ، وارد دانشگاه گردید و پس از موفقیت در قسمت دبیری در رشته ی تاریخ و جغرافیا در دانشکده ادبیات به تحصیل پرداخت ، آنگاه از طرف دولت برای ادامه ی تحصیل به آمریکا اعزام شد. تحصیلات در آمریکا ، نزدیک شش سال به طول انجامید و او در طی این مدت به اخذ درجات عالیه ای چون: گواهینامه با درجه ی عالی در زبان انگلیسی از دانشگاه میشیگان در آناربر ،درجه ی M.A از دانشگاه دولتی اوهایو در رشته ی جغرافیا و درجه ی Ph.D از دانشگاه دولتی ایندیانا در جغرافیای سیاسی نائل آمد. وی پایان نامه کارشناسی ارشدش را تحت عنوان مسایل راه های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفسور رندال گذراند. تخصص اصلی و جغرافیای سیاسی و تخصص منطقه ای او، در زمینه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بوده است. «در آنجا گفتم به دلیل وضعیت دشوار جغرافیایی که ایران دارد و مناطق کوهستانی و بیابانی و خشک را در خود جای داده و به خاطر شکل خاص جغرافیایی کشور و فاصله زیاد بخش شمال غرب و جنوب شرقی کشور از یکدیگر، احداث راههای ارتباطی، هم هزینه بر است و هم نیاز به تکنولوژی های پیشرفته ای دارد که از خارج وارد می شود.» عنوان تز دکترایش، «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص به ایران باز گشت.خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر میر حیدر از خاطرات تحصیلش چنین یاد می کند: "من کلاس اول ابتدایی را در 5 سالگی نزد مادرم در خانه خاندم و در اخر سال امتحان دادم و رفتم کلاس دوم. در کلاس دوم و سوم یک شاگر متوسط بودم ولی از کلاس چهارم تا تحصیلاتم در کرمانشاه شاگرد اول بودم و مورد تشویق اولیاء و مدرسه و اداره فرهنگ قرار می

گرفتم. در کرمانشاه پس از دانشسرای مقدمانی کلاس بالاتری نبود و من با بورس تحصیلی که برای ادامه تحصیل داشتم باید به تهران می رفتم و خوشبختانه موجباتی فراهم شد که کل خانوانده به تهران منتقل شدیم و در اینجا من کلاس ششم ادبی را در دبیرستان شاهداخت تهران خواندم." وی در هر سه سال مقطع لیسانس شاگرد اول شده و در نتیجه موفق به کسب مدال علمی و جایزه می شود. در سال ۱۳۳۲ تحصیلاتش را به اتمام می رساند و در سال ۱۳۳۵ مطابق مصوبه قانونی، به همراه تعداد دیگری از نفرات ممتاز سایر رشته ها و به عنوان بورسیه برای ادامه تحصیل به خارج عزیمت می کند و به آمریکا می رود. استادان و مربیان : دکتر میر حیدر از اساتید دوره خود چنین می گوید: " من باید به خود ببالم که در دوره ای درس می خواندم که بهترین استادان در دانشگاه بودند. در رشته تاریخ با استادان برجسته ای مثل نصر الله فلسفی ،بیانی،مینوی ،شیبانی،بهمنش،بینا درس داشتیم و در جغرافیا دکتر مسعود کیهان،دکتر احمد مستوفی،دکتر محمد حسن گنجی و دکتر احمد سعادت که هر کدام در رشته خود اسوه بودند.من چون تعهد دبیری داشتم درسهای فلسفه و منطق و روانشناسی هم در برنامه ام بود و استادانی مثل دکتر هوشیار ،دکتر خوانساری،دکتر جلالی و دکتر کنی استادان درسهای مختلف ما بودند.تاثیری که استادان جغرافیا در من گذاشتند موجب شد که بعدا زمانی که به خارج رفتم در رشته جغرافیا ادامه تحصیل دهم" او پایان نامه کارشناسی ارشد ش را در دانشگاه اوهایو آمریکا تحت عنوان مسایل راه های ارتباطی در ایران را زیر نظر پروفسور رندال گذراند.وی به غیر از اساتید ایرانی از استادان غیر ایرانی مانند پروفسور کیمبل و پروفسور پاندز به نیکی یاد می کند. دکتر میر حیدر از مرحوم مستوفی و دکتر محمد حسن گنجی چنین می گوید: «بعد از این که از آمریکا برگشتم و به عنوان استادیار برگزیده شدم این دو را بیشتر شناختم و بخصوص اشراف آنها را به تمام مسائل جغرافیایی و نه فقط یک رشته خاص مطلع شدم و خیلی من را تحت تأثیر قرار دادند.» همسر و فرزندان : دکتر دره میر حیدر از ازدواج خود چنین می گوید: در طول این سالهای تدریس در دانشگاهها،ضمن همکاری با استادان سابق خودم فرصت آشنایی با استادان جدیدی هم برای تدریس به گروه جغرافیا پیوستند و شاخه های مختلف این گروه را به وجود آوردند به دست آمد. دراین میان آشنایی من با آقای دکتر مصطفی مهاجرانی که از کارشناسان مبرز سازمان برنامه بود و در عین حال ریاست بخش روستایی تحقیقات احتماعی دانشگاه تهران را هم به عهده داشت و ضمنا برای تدریس در دوره فوق لیسانس دعوت شده بود عمیق تر شد و در نهایت به ازدواج منجر گردید.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دره میرحیدر ،پس از بازگشت به ایران در سال 1342 به

عضوبت هیات علمی گروه جغرافیای دانشگاه تهران در آمد و از آن تاریخ تا کنون در امر آموزش و تحقیق فعالیت داشته است. دره میرحیدر، عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران است. یکی از موثرترین اقدام این استاد برجسته، نگارش مقدمه ای بر کتاب IRAN از سری کتاب های Countries of the World که در سال 2008 و از سوی موسسه نشنال جیا گرافیک منتشر شد، نوشته است. از دیگر مشاغل وی می توان به عضویت در انجمن جغرافیدانان آمریکا از سال ۱۹۶۲، عضویت در انجمن جغرافیایی ایران ، عضو مؤسس و رئیس هیأت مدیره انجمن ژئوپولتیک ایران(برای دو دوره) ، عضویت در گروه جغرافیای فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی (برای دو دوره)، رئیس اولین و دومین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران در سالهای 1383 و 1384 و عضو کمیته برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ،هسته گروه آموزشی جغرافیا انشگاه پیام نور اشاره کرد. دکتر میر حیدر در سال 1359 به افتخار بازنشستگی زودهنگام نائل آمد."دوران بازنشستگی زودرس برای من توفیقی شد تا دید خودرا نسبت به مسائل سیاسی ایران و جهان وسعت دهم و به همکاری علمی و آموزشی با دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه و سایر مراکز علمی بپردازم.در همین دوران بود که کتاب جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا را ترجمه کردم" دکتر میر حیدر پس از بازنشستگی در سال 1370 از سوی دانشگاه آزاد اسلامی به خدمت گرفته شد و در سال 1373 مجدد برای تدریس و فعالیت های آموزشی به دانشگاه تهران خواسته شد او پس از یک سال تعلل به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد و در سال 1374 به مقام استدای نائل آمد.فعالیتهای آموزشی : دره میرحیدر با ورود به دانشگاه تهران و به پیشنهادی که ارائه می دهد، برای اولین بار در ایران درس اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در برنامه دروس دوره لیسانس قرار می گیرد و اولین کتاب جغرافیای سیاسی مدون و نظام یافته را به نام «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی» در سال ۱۳۴۷ منتشر می کند. در سال ۱۳۴۳ هم با تأسیس دوره فوق لیسانس جغرافیای انسانی در دانشگاه تهران به ارائه دروس ژئوپولتیک و مسائل جغرافیای سیاسی جهان می پردازد. در سال ۱۳۴۷ دانشیار می شود و به غیر از تدریس در دانشکده ادبیات، فعالیت در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ، دانشگاه پدافند ملی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روابط بین الملل، دانشکده افسری و بعد از انقلاب در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه امام حسین(ع) را به دیگر فعالیت های آموزشی اش می افزاید. در سال ۱۳۵۸ با تکمیل مدارک مربوطه، مرحله به مرحله را می گذراند تا به رتبه استادی نائل می شود ولی در مراحل پایانی، اعلامیه ای توسط وزارت

علوم صادر می شود و هرگونه ارتقای علمی استادان ممنوع می شود. با آغاز انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاه های کشور تقاضای بازنشستگی اش را به مقامات مسؤول ارائه می دهد و مورد پذیرش هم قرار می گیرد. از آن پس فعالیت های علمی اش را در مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه ادامه می دهد و به تدریس در دانشگاه های دیگر هم گرایش پیدا می کند. در سال ۱۳۷۴ بنا به دعوت دانشگاه تهران و تصویب هیأت وزیران پس از گذشت ۱۴ سال مجدداً به عضویت هیأت علمی دانشگاه تهران درآمده و در همان سال هم به درجه استادی نائل می آید و بعد از چند سال تدریس و تحقیق مجدداً در سال ۱۳۸۲ بازنشسته می شود ولی همچنان تدریس در مقاطع فوق لیسانس و دکترای جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران را ادامه داده است. او بعد از بازگشت از آمریکا، جغرافیای سیاسی را براساس رویکرد کارکردگرایی جغرافیدان مشهور آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ به نام «ریچارد هارتشون» آموزش می داد. در این رویکرد عوامل مرکزگرا و مرکز گریز که بر عملکرد حکومت تأثیر می گذارند مورد بررسی قرار می گیرد. او دعوت به تدریس دانشگاه ایندیانا را بعد از اتمام تحصیل رد می کند و به دلیل علاقه ای که به مملکت خود داشته و اینکه از تخصص خود برای پیشرفت ایران استفاده کند به سرعت به ایران برمی گردد. روش تدریس او به این صورت است که در ابتدای تدریس، سؤالی را مطرح می کند و می کوشد دانشجویان را به تفکر در مورد آن سؤال تشویق و علاقه مند کند. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : او همچنین در تأسیس دوره های فوق لیسانس جغرافیای سیاسی در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت معلم نقش قابل توجهی داشته است. وی همچنین عضو موسس انجمن جغرافی دانان ایران (تاسیس در سال 1381) و فصلنامه علمی -پژوهشی ژئوپلتیک است.از دکتر میر حیدر به عنوان بنیانگذار جغرافیای سیاسی نظام مند یاد می شود سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دره میرحیدر در نشریات فرهنگی ایران ،بیش از 30 مقاله را به چاپ رسانده است. وی موفق به ایراد سخنرانی های جامعی نیز در زمینه ی جغرافیای سیاسی شده و با بیانات خود در کنگره های داخلی و کنفرانس های جهانی چهره ی فرهیخته ای را از خود نشان داده است.شاگردان : از جمله دانشجویان سرشناس دره میر حیدر که در مقطع کنونی هر یک جایگاهی کسب کرده اند که زمانی در زمینه جغرافیای سیاسی در محضر میرحیدر علم آموخته اند می توان به دکتر پیشگاهی فرد، دکتر مجتهدزاده، دکتر کریمی پور، دکتر قالیباف شهردار تهران و دکتر رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران اشاره کرد. آرا و گرایشهای خاص : عنوان تز دکترای دره میر حیدر با عنوان «عوامل جغرافیایی مؤثر بر بقای

سیاسی ایران» بوده که در سال ۱۹۶۲ با درجه عالی از آن دفاع کرده است و با همین پیش زمینه و تخصص وقتی به ایران برمی گردد برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است که بعد از گذشت بیش از چهل سال تدریس و تحقیق در این حوزه همچنان در دانشگاه مادر ایران حضور می یابد و به کارش تداوم می دهد. در تزش کوشیده نشان دهد تا چه حد عوامل جغرافیایی و به ویژه موقعیت ژئوپلتیک ایران، منابع نفتی و معدنی و سایر ویژگی های جغرافیایی کشور در حیات سیاسی ایران و حکومت ها تأثیرگذار بوده اند. در آن سالها عمدتاً تأثیر جغرافیا بر سیاست مورد توجه بوده چه در قسمت ژئوپولتیک و چه در جغرافیای سیاسی ولی هم اینک جغرافیای سیاسی بیشتر بر ایدئولوژی ها، سیاست های دولت ها و رهبران سیاسی و صاحبان اندیشه و احزاب و تأثیرات آنها بر چشم اندازهای جغرافیایی مورد ارزیابی قرار می گیرد. ضمن اینکه نمی شود وضعیت جغرافیایی را که بستر این فعالیت ها است نادیده گرفت. از دید میرحیدر، این تحول یک تحول مثبت است و واقع گرایی بیشتری را دنبال می کند. «در گذشته ، عوامل جغرافیایی را تعیین کننده قلمداد می کردند ولی امروزه موقعیت جغرافیایی عامل اساسی و تعیین کننده به شمار نمی آید و بنابراین ما هم نمی توانیم بگوییم که کشور ما موقعیت جغرافیایی کم نظیری دارد و تصور کنیم منافع کشور به راحتی تأمین می شود. چون امروزه گاه ژئوپولتیک جهانی مانع تأمین منافع ما می شود و لذا دیپلماسی و سیاست باید به عنوان مکمل موقعیت جغرافیایی مدنظر قرار گیرد و اگر دیپلماسی نباشد، موقعیت جغرافیایی ما هم چندان کارساز نیست.» او نسبت به رویکرد قبلی جغرافیایی سیاسی تعصب خاصی ندارد و به قول معروف خود را «به روز» نموده و به رویکرد جدیدی که از دهه ۱۹۷۰ به بعد فراگیر شده روی می آورد. «وقتی آدم می بیند که نگرش جدید درست است آن را انتخاب می کند. نگرش قبلی به کلی عقب افتاده است و نقش عوامل جغرافیایی را در روابط بین الملل عاملی تعیین کننده نمی داند. الآن ما معتقدیم که عامل جغرافیایی، تأثیرگذار است و نه تعیین کننده. در مقابل قدرت و ژئوپولتیک جهانی نقش تعیین کننده تری پیدا کرده است.» جوائز و نشانها : کتاب"جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا"ترجمه دره میر حیدری ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.دکتر میرحیدر از سال 1370 بهترین مترجم زن در دانشگاه الزهرا شناخته شد. وی همچنین جایزه کتاب برگزیده دانشگاهی را در سال 1380 دریافت نمود. در سال 1384 از وی به عنوان چهره ماندگار جغرافیا به انتخاب جامعه جغرافی

دانان ایران تقدیر به عمل آمد. خلاصه ای از جوایز و لوحهای تقدیر دریافتی دره میر حیدر به قرار زیر است: مدال درجه اول فرهنگ برا احراز رتبه اول در دانشگاه تهران دریافت فلوشیپ(جایزه پژوهشی) از طرف دانشگاه ایندیانا برای تمام تحقیق درباره رساله دکتری اعزام به آمریکا برای گذراندن فرصت مطالعاتی (1356) دریافت جایزه و لوح تقدیر برای کتاب برگزیده دانشگاههای 1369 لوح تقدیر و جایزه با عنوان بهترین مترجم زن از طرف دانشگاه الزهراء در سال 1369 لوح تقدیر و جایزه برا کتاب سال ج.ا.ا از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال 1370 اعزام به آمریکا برای ارائه سخنرانی در کنگره اتحادیه بین المللی جغرافیایی در واشنگتن در سال 1371 لوح تقدیر و جایزه برای کتاب برگزیده دانشگاهها در سال 1380 لوح تقدیرو جایزه تشویقی کتاب سال ج.ا.ا در سال 1381 لوح تقدیر و جایزه در همایش تجلیل از پیشکسوتان دانشگاه تهران در سال 1383 کسب تندیس و جایزه با عنوان قلم های ماندگار در همایش تجلیل از مولفان کتابهای درسی در سال 1384 کسب عنوان چهره های ماندگار جغرافیا در سال 1384 منتخب جامعه جغرافیدانان ایران در سال 1384 دریافت 16 لوح تقدیر دیگر برای ارائه سخنرانی در همایش و مجامع علمی داخلی و خارجیچگونگی عرضه آثار : دره میرحیدر برای اولین بار جغرافیای سیاسی را به شکل سیستماتیک و مدرن به دانشجویان ایرانی تعلیم می دهد و از این جهت ترویج رشته جغرافیای سیاسی مدیون دره میرحیدر است. وی با تألیف کتاب اصول و مبانی جغرافیای سیاسی در سال 1347، اولین کتاب دانشگاهی و علمی را در این رشته ارایه نمود. از دیگر تألیفات وی مبانی جغرافیای سیاسی، جغرافیای سیاسی برای دانش آموزان دبیرستان سال سوم نظام جدید، مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی می باشد. میرحیدر 52 عنوان مقاله به زبان فارسی و 8 عنوان مقاله به زبان انگلیسی را به چاپ رسانده است. وی همچنین 37 عنوان سخنرانی در دانشگاه ها و مجامع علمی و بین المللی دارد. راهنمایی بیش از 21 پایان نامه و رساله دکتری و کارشناسی ارشد را در فعالیت های پژوهشی خود دارد. آثار : اصول و مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف،مخصوص دانشجویان پیام نور،چاپ اول آزمایشی پاییز 1370،چاپ دوم 1371 انتشارات دانشگاه پیام نور2 اصول و مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف، انتشارات دانشگاه تهران،چاپ اول 1347 چاپ دوم با تجدید نظر 1351،چاپ سوم با تجدید نظر 1354،چاپ چهارم 13583 ایران ویژگی اثر : تالیف،علاوه بر دکتر میرحیدر 2 نویسنده انگلیسی نیز در تالیف کتاب "ایران" نقش داشته اند و این کتاب در حال حاضر کتاب درسی دانش آموزان دبیرستانی آمریکا، انگلیس و کانادا است. 4 جغرافیای سیاسی برای دانش آموزان سال سوم

دبیرستان، نظام جدید ویژگی اثر : تالیف،چاپ دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش،سال تحصیلی 1371-72 با تجدید نظر در سالهای 1373-745 جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا»: در بین جوامع دانشگاهی و دانشجویان جای کتابی که درباره جغرافیای سیاسی باشد، خالی و نیاز مبرم به آن محسوس بود، کتاب حاضر که اصل آن به زبان انگلیسی است و دو نفر متخصص فن آن را نگاشته‌اند تا حدود زیادی این خلاء را جبران کرده و احتیاج دانش پژوهان را پاسخ گفته است و از ویژگیهای ترجمه آن است که مترجم اشتباهات مولفان را در پابرگها یاد آور شده و نیز کلیه نامها که در اصل کتاب لاتین شده و در نقشه‌های موجود عربی است، معادل عربی آنها نوشته شده است. .ترجمه و تحقیق نویسندگان آلاسدایر درایسدل و جرالد اچ بلیک،6 جهان سوم و کشورهای پیشرفته ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده چتربی،انتشارات موسسه تحقیقات علوم اجتماعی 13497 درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات سازمان جغرافیایی ،بهمن 1379،این کتاب که با همکاری دکتر رحیم صفوی صورت گرفته کتاب برگزیده دانشگاه های ایران شد و سپس به عنوان کتاب تشویقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب شد. 8 گرایش تازه در جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : ترجمه،نویسنده پرسکات ،انتشارات دانشگاه تهران 13589 مبانی جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : تالیف،انتشارات سازمان مطالعات و تدوین(سمت)تهران،چاپ اول 1371،چاپ سوم با تجدید نظر کامل در سال 1373،تجدید نظر کامل در سال 1380 و چاپ دوازدهم مفاهیم بنیادین در جغرافیای سیاسی ویژگی اثر : انتشارات سازمان جغرافیایی 1386

نگهبان، عزت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عزت الله نگهبان در سال 1304 در اهواز به دنیا آمد . پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه ، به تحصیل در رشته باستانشناسی ، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته و در سال 1335 موفق به دریافت درجه دکترا گردید . پس از بازگشت از آمریکا در سال 1336 به سمت دانشیار رشته باستان شناسی ، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد . در سال 1338 موفق به تاسیس موسسه باستان شناسی در دانشگاه تهران شد . نگهبان علاوه بر مشاغل دانشگاهی ، به مشاغل دیگری نیز همچون معاون فنی اداره کل باستان شناسی ، مشاور فنی وزارت فرهنگ ایران ، مشاور عالی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و ... منصوب گردید .گروه : علوم انسانی رشته : باستان شناسی همسر و فرزندان : همسر عزت الله نگهبان یک امریکایی بنام میریام لویس میلر Miriam Lois Miller دانشجوی کتابداری دانشگاه شیکاگو بود.وقایع میانسالی : عزت الله نگهبان در طول اقامت و تحصیل در شیکاگو در اینترناشینال هاوس در نزدیکی دانشگاه زندگی می کرد و در همین مکان با دختری به نام میربام لویس میلر (دانشجوی کتابداری)، آشنا شد و با وی ازدواج کرد. وی پس از بازگشت به ایران به استخدام دانشگاه تهران در آمد. و در سال 1345 با اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران به درجه استادی ارتقا یافت. او پس از سالها خدمت در 1357 بازنشسته شد و به فیلادلفیای امریکا عزیمت نمود و پس از آن به چاپ گزارشی نهایی فعالیت های باستان شناختی خود مشغول شد . . البته وی از آن پس بعنوان راهنمای بخش موزه دانشگاه پنسیلوانیا مشغول می باشد.زمان و علت فوت : عزت‌الله نگهبان، پدر باستان‌شناسی مدرن ایران که به بیماری آلزایمر و پارکینسون نیز مبتلا بود، به گفته "بهمن نگهبان" فرزندش، روز 14 بهمن 87 در آمریکا ، بدرود حیات گفت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : استاد باستان شناسی دانشگاه تهران، مهندس حفار اصلی در تپه مارلیک در 2-1961م./ 40-1339 هـ.ش مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تهران (1356-1346)، موسس و رئیس موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران (56-1336 هـ.ش)، رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (57-1354)، مشاور فنی اداره باستان شناسی (1347)فعالیتهای آموزشی : عزت الله نگهبان پس از بازگشت از

امریکا با درجه دانشیاری به استخدام دانشگاه تهران درآمد و با اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران در سال 1345 به درجه استادی ارتقا یافت. وی از 1346 تا 1356 مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تهران بود.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : عزت الله نگهبان در 1958.م/ 1336 هـ.ش موسسه باستان شناسی دانشگاه تهران را بنیان گذاشت. وی با ایجاد کارگاه دائمی در دشت قزوین برای فعالیتهای دانشجویان گام موثری درروند پیشرفت آنها داشت.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عزت الله نگهبان همواره یکی از سرسخت ترین مدافعان برنامه های منظم کردن فعالیت های مربوط به باستان شناسی بود و برخی وی را دشمن بزرگ قاچاقچیان و دلالان عتیقه در ایران می دانستند. وی همواره در پی مباره علیه قاچاق میراث فرهنگی بود و در 1347 نقشی اساسی در تصویب قطعنامه ای در محکوم کردن قاچاق و فروش اشیای عتیقه داشت.شاگردان : شاگردان عزت الله نگهبان، امروز همگی از بزرگان باستان شناسی و هنر ایران بشمار می روند و عبارتند از: یوسف مجید زاده،محمد رحیم صراف، علی اکبر سرفراز،مهدی رهبر، صادق شهمیرزادی، یوسف نقیب زاده، محمد یوسف کیانی، پرویز ورجاوند.همفکران فرد : رابرت بریدوود و همکارانش از جمله فرانک هول، کنت فلانری، پتی جودانسون و برروس هاو،در دهه 1960 به دعوت دکتر نگهبان به ایران آمده بودند تا درباره آغاز روستانشینی و توسعه اقتصاد معیشتی بر پایه کشاورزی در ایران تحقیق و حفاری کنند اودر این راه با آنان شریک مساعی نمود.جوائز و نشانها : در 23 ماه مه 1999.م/ اردیبهشت 1377 دکتر نگهبان که مسئول گروه خاورمیانه ای موزه دانشگاه پنسیلوانیای امریکا بود، طی مراسم افتتاح نمایشگاه گنجینه مارلیک در موزه ملی ایران (موزه ایران باستان سابق) از سوی سازمان میراث فرهنگی ایران بزرگترین جایزه فرهنگی باستان شناسی را دریافت نمود. چگونگی عرضه آثار : عزت الله نگهبان آثار خود را در آغاز از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی و پس از عزیمت به امریکا توسط انتشارات موزه دانشگاه پنسیلوانیا (university Museum Publications) منتشر نمود. از وی چندین کتاب بیش از 70 مقاله مهم علمی در زمینه باستان شناسی به چاپ رسیده است. ویژگی اثر : حفاریهای دکتر نگهبان در مارلیک و هفت تپه بی سابقه بوده است ونخستین کاوشهایی که درباره تاریخ ایلام میانه و نیز تحقیقات وی درباره فرهنگ های هزاره اول شمال ایران(مارلیک) بی نظیر و گشاینده رشته جدیدی در تحقیقات باستان شناسی ایران است.2 A Brief Report on the Excavation of Marlik Tepe and Pileh Qaleh Iran : ویژگی اثر 2:13-193 A Brief Report on the Painted Building of Zaghe

Paleorient : اثر ویژگی ((Late 7th-Early 6 th Millemium BC .5:239-250.4 A Guide of Haft Tepe Excavation and Museum Tehran: General Department of Museum. Ministry : اثر ویژگی of Culture and Art.5 Archaeological Activities in Iran, 1935-A Survey of Persian Art 14b:2930-2933. : اثر ویژگی .1960 Arthur U. Pope (ed, Oxford: Oxford University Press.)6 High Concil of Culture and Art : اثر ویژگی Archaeology of Iran ویژگی Publications, Vol. 18. Tehran7 Architecture of Haft Tepe Archaeologische Mittelungen aus Iran 6:9-29.8 Brief : اثر .General Report on Third Season of Excavation of Haft Tepe Memoria Volume of the Vth International Congress : اثر ویژگی on Art and Archaeology, Tehran Esfahan, Shiraz, 11th-18th of April, 1968. Special Publication of the Ministry Culture and Arts, Vol. 1.153-163.9 Brief Report on Haft Tepe Proceedings of the 3rd Annual : اثر ویژگی Excavation, 1974 Symposium on Archaeological Research in Iran, F.Bagherzadeh (ed). :171-178. Tehran: Center for Archaeological Research.10 Brief Report on the Excavation Iran 7:175-179.11 Clay Hman : اثر ویژگی .of Haft Tepe Iranica Antiqua 10:1-20.12 : اثر ویژگی Figurines from Zaghe Antike Welt : اثر ویژگی Die elamische Siedlung Hft Tepe Zeitschrift fur Archaeologie und Kulturgeschichte, Heft 2:42-Actes de VIIe Congress : اثر ویژگی 48.13 Excavation at Marlik International des Prehistoriques et Protohistoriques 5:220-: اثر ویژگی .222. Prague.14 Excavations at Haft Tepe, Iran Philadelphia: University Museum of Archaeology and : اثر ویژگی Anthropology.15 Further Finds from Marlik Illustrated London News, May 5, pp.699-701.16 Haft Tepe : اثر ویژگی `Roundels, an Example of Middle Elamite Art American journal of Archaeolog 88:3-10.17 Horse and Mule Archaeologia Iranica et : اثر ویژگی Figurines from Marlik Orientalis, Miscellanea in Honorem Louis Vanen Berghe. L. de Meyer and E.Haeriuck (eds): 287-309.18 Maceheaeds American Journal of Archaeology : اثر ویژگی from Marlik 85:367-378. Metal Vessels from Marlik. Prahistorische Bronzefunde, Abyeilung 2(3). Munich: Verlag C.H.Beck.19

: ویژگی اثر Man and Beasts in Pottery from Marlik Burials Illustrated London News, December 20,pp.1011-1013.20 Marlik, A Preliminary Report on Marlik Excavation, Gohar Rudbar, 1961-62. Special : ویژگی اثر Rud Expedition Publication of the Ministry of Education. Tehran,21 Marlik, A : ویژگی اثر Royal Necropolis of the Second Millennium Archaeologia Viva 1:58-79.22 Marlik: The Complete Vols. Philadelphia: University 2 : ویژگی اثر Excavation Report of Pennsylvania [علیزاده، مجید زاده و ملک شهمیرزادی، باستان شناسی و هنر ایران (32 مقاله در بزرگداشت دکتر عزت ا.. نگهبان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1378. صص هفده- نوزده ]23 The : ویژگی اثر Masterpieces from a Forgotten Kingdom UNESCo Courier, Jonne, pp. 16-21.24 Mosaic, Glass and Frit In, Essays in Ancient : ویژگی اثر Vessels from Marlik Civilization Presented to Helene J.Kantor. Studies in Ancient Oriental Civilizations 47: 34-37. Alan Leonard and Bruce Williams (eds). Chicago: Oriental Institute.25 Mound of Time Magazine, January 12, p.60.26 : ویژگی اثر Golden Eggs with R. J. Braidwood and) : ویژگی اثر Near Estern Prehistory b.Howe) Schience 131 (3412): 1536-1541.27 Notes on some Journal of Near Estern Studies : ویژگی اثر objects from Marlik Iranica : ویژگی اثر 24-(4):309-327.)28 Pendants from Marlik : ویژگی اثر Antiqua 24: 175-208.29 Persian Calligraphy Expedition 31 (1): 26-39.30 Pottery and Bronze Human Archaeologische Mitteihngen aus : ویژگی اثر Figures of Marlik Iran 12:157-173.31 Preliminary Report of Qazvin Expedition: Qabrestan and Sagzabad, : ویژگی اثر ,Excavations at Zaghe 1971-72. Marlik 2:33-52.32 Preliminary Report of the Memorial Volume of the : ویژگی اثر Excavation of Sagzabad VI th International Congress on Art and Archaeology, Tehran, 1976: 247-272.33 Preliminary Report on the Excavation of Marlik 1:1-20 (Journal of : ویژگی اثر Sagzabad, 1970 Season the Institute and Department of Archaeology, Faculty of Letters and Human Sciences, University of Tehran).34 : ویژگی اثر Relative Prehistoric Chronology of Iranian Plateau A Survey of persian Art 14:2930-2933. Arthur U. Pope (ed).

Tehran: Soroush Press.35 Report of the 7 th Congress of Acten des VII : اثر ویژگی Iranian Art and Archaeology Internationalen Kongresses fur iranische Kunst und Archaologie, Munchen, 7-10 september 1976. Archaologische Mitteilungen aus Iran Erganzungsband 10:645-646.36 Report of the Vith International Congress of Marlik 1:33-37.37 : اثر ویژگی Iranian Art and Archaeology A Survey of : اثر ویژگی Sagzabad Excavations, 1970-1971 Persian Art 15:3413-3419. Arthur U. Pope (ed. .Tehran: Soroush Press.)38 Seal Impressions on a Jar-Stopper from south Asian Archaeology studies. : اثر ویژگی .Haft Tepe Grgory Possehl (ed).: 87-99.. New Delhi.39 Seals from Marlik Acten : اثر ویژگی Marlik 2:1-23.40 Seals of Marlik : اثر ویژگی des VII Internationalen Kongresses fur iranische Kunst und Archaeologie, Munchen , 7-10 September 1976. Archaologische Mitteilunen aus Iran Erganzungsband 10-108-137.41 Silver Vessel of Marlik with Gold Spout and Iranica Varia, Papers in Honor : اثر ویژگی Impressed Designs of Professor Ehsan Yarshater. 144.151. Leiden: Brill.42 The Viewpoint, October, pp.21-24.43 : اثر ویژگی .Artists of Marlik Journal of the : اثر ویژگی The Gold Vase With the Story of Life Faculty of Letters and Human Sciences 23 (1-2) : 42-67. Tehran Universty.44 The Goledn King of the Marlik Acroolis Illustrated London News, May 8, pp. 26-27.45 The : اثر ویژگی Contribuyion a L'histoire : اثر ویژگی Haft Tepe Bronze Plaque de l'Iran, Melanges offerts a Jean Perrot:137142. Paris:Edition Recherche sur les Civilisations.46 The Royal Horizon, November, pp.100-104.47 : اثر ویژگی Gold of Marlik Journal of Near Eastern : اثر ویژگی The Seals of Marlik Tepe : اثر ویژگی Studies 36(2): 81-102.48 The Treasures of Marlik Archaeology 18 (2):109-11249 The Wonderful Gold Bulletin of the Anjoman : اثر ویژگی Treasures of Marlik Farhang Iran Bastan 1:31-41.50 Weapons from Marlik. الواح Archaologische Mitteilungen aus Iran (Er._16. Berlin. 51 سومری(تالیف) ویژگی اثر : سخن، دوره سیزدهم، شماره 3، ص 373-371.52 تخت سلیمان(تالیف) ویژگی اثر : راهنمای کتاب، (نشریه انجمن

کتاب ایران)، دوره پنجم، شماره 12-11. ص 1056-1054.53 تمدنهای پیش از تاریخ ایران (تالیف) ویژگی اثر : سخن، دوره دوازدهم،شماره 12-11، ص 1260-125754 جام سه هزار ساله مارلیک با نقش اسب شاخدار (تالیف) ویژگی اثر : هفتاد مقاله: ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، گردآورنده یحیی مهدوی، ایرج افشار، تهران: اساطیری، می 32-15.55 جام طلای افسانه زندگی مکشوفه در حفاری مارلیک (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات وعلوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره پیاپی 94-93، ص 67-42.56 جام مارلیک: حیثیت هنر ایران (تالیف) ویژگی اثر : دستاورد (نشریه سازمان صنایع دستی ایران)، شماره 10، ص 35 و 12-7.57 حفاری باستان شناسی (تالیف) ویژگی اثر : مجله تحولات و پیشرفتهای دانشکده ادبیات (دانشگاه تهران)، ص 29-25.58 حفاری در هفت تپه، دشت خوزستان (تالیف) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور. [علیزاده، مجید زاده، ملک شهمیرزادی، باستان شناسی و هنر ایران، صص هفده- نوزده] از این گذشته. پایان نامه‌ی فوق لیسانس دکتر نگهبان تحت عنوان «سیر سفال نخودی رنگ در خوزستان» زیر نظر دونالدمک کان در 1333 در دانشگاه شیکاگو نگاشته دفاع شد.[باستان پژوهی (ویژه نامه‌ی سمینار نقش دانشگاه تهران در روند مطالعات باستان شناسی کشور)، زمستان 1379، ص 31]59 حفاری دشت قزوین فصلهای 1351-1350. (تالیف) ویژگی اثر : مارلیک، شماره 2، ص 52-33.60 حفاظت و مرمت آثار باستانی و شهرهای تاریخی (تالیف) ویژگی اثر : مجله اولین سمینار مرمت بناها و شهرهای تاریخی (دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران)، ص 95-91.61 حفریات مارلیک (تالیف) ویژگی اثر : نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، شماره 1، ص 41-31.62 راهنمای موزه و حفاری هفت تپه(تالیف) ویژگی اثر : انتشارات اداره کل موزه ها، وزارت فرهنگ و هنر.63 شهرسازی و شهرنشینی از هزاره چهارم تا هزاره اول قبل از میلاد (تالیف) ویژگی اثر : نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران به کوشش محمد یوسف کیانی ، تهران، ص 51-22.64 ظروف فلزی مارلیک، حفاری مارلیک سالهای 41-1340 (تالیف) ویژگی اثر : تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.65 کتیبه بزرگ سنگی هفت تپه: اهمیت حفاری هفت تپه در تاریخ گذشته ایران (تالیف) ویژگی اثر : هنر و مردم، شماره 66، ص 14-8.66 کنگره تمدنهای باستانی دشت جنوب غربی ایران (تالیف) ویژگی اثر : آینده، دوره دواز دهم، شماره 6-4، ص 248-244.67 کنگره تمدنهای باستانی دشت جنوب غربی ایران (تالیف) ویژگی اثر : آینده، دوره دوازدهم، شماره 6-4، ص 248-244.68 گزارش دو ماهه عملیات حفاری منطقه سگز آباد (تالیف) ویژگی اثر : مارلیک (نشریه موسسه و گروه

باستان شناسی دانشگاه تهران)، شماره 1، ص 25-1.69 گنجینه مارلیک(تالیف) ویژگی اثر : ماهنامه فرهنگ، شماره 1، ص 17-12.70 مارلیک . گنجینه ای از هنر ایران باستان (تالیف) ویژگی اثر : مهر، شماره 48، ص 57-56، 52، 9-8.71 مارلیک: گزارش مقدماتی حفریات چراغعلی تپه (تالیف) ویژگی اثر : هیئت حفاری رودبار، 41-1340، انتشارات مخصوص وزارت فرهنگ، چاپ دوم 1356.72 مختصری درباره حفاری مارلیک (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره 2، ص 235-145.73 معماری هفت تپه (تالیف) ویژگی اثر : مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه تهران)، شماره پیاپی 98-97، ص 73-1.74 مقدمه ای بر تمدن و تاریخ ایلام (تالیف) ویژگی اثر : تاریخ (نشریه گروه آموزشی تاریخ دانشکده ادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران)، شماره 2، ص 158-91.75 نظری به کوششهای باستان شناسی در ایران (تالیف) ویژگی اثر : فرهنگ و زندگی (نشریه دبیرخانه شورای عالی فرهنگ و هنر)، شماره 6، ص 101-96.

کشاورزی

احمدی، رمضانعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رمضانعلی احمدی متولد سال 1318 ه.ش دارای دکتری رشته گیاه پزشکی و عضو هئیت علمی دانشگاه شیراز با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر افت سن برجو و سرو مزارع گندم بهاره می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر رمضانعلی احمدی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهدو کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و کتری رشته گیاهپزشکی از دانشگاه کالیفرنیا می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر رمضانعلی احمدی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر رمضانعلی احمدی در کنار تحصیل به مطالعه ، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر رمضانعلی احمدی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی درد انشگاه شیراز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر رمضانعلی احمدی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه دامپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شیراز است.فعالیتهای آموزشی : دکتر رمضانعلی احمدی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه شیراز به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر رمضانعلی احمدی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتررمضانعلی احمدی از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره تاثیر آفت سن برجود و سر و مزارع گندم بهاره انجام داده است.آثار : تاثیر آفت سن بر جود و سر و مزارع گندم بهاره
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

ارشاد، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر جعفر ارشاد در سال 1315 در گرگان بدنیا آمد.ایشان دارای دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی از دانشگاه فنی برلین -آلمان در اواخر سال 1349 است.وی استاد پژوهش پایه 31 موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور بود که در سال 1386 به درخواست شخصی به افتخار بازنشستگی نائل آمد.گروه : کشاورزیرشته : بیماری شناسی گیاهیگرایش : قارچ شناسیوالدین و انساب : پدر جعفر ارشاد حیدر قلی ارشاد و نام مادر محترمشان نرگس تزرئی بود.برادران و خواهران تنی و ناتی ایشان به ترتیب زیر است: برادران تنی : امین و حسین برادران ناتنی : زیدالله و محمد رضا خواهران ناتنی: جهان سلطان و منصورهخاطرات کودکی : جعفر ارشاد از دوران کودکی خود بجزء بازیها و سرگرمیهای کودکانه چیز زیادی به یاد ندارد. ایشان از خاطرات آن دوران چنین می گوید: "به یاد دارم در تابستان که هوا که گرم بود مادرم بعد از نهار ما (من و برادرم) را وادار به خواب و استراحت می کرد. ولی جذابیت بازیها مانع از خوابیدن می شد و بمحض خوابیدن مادر از درب و پنجره به بیرون می رفتیم ناگفته نماند که کهگاهی هم قبل از خروج از منزل گیر می افتادیم." از خاطرات تلخی که دکتر ارشاد بیاد دارد از دست دادن مادر خود در تابستان سال 1328 بود.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : جعفر ارشاد در خانواده ای از نظر اقتصادی در وضع مطلوب نبود پدرش کشاورزی بود و در باغهای استیجاری به کار می پرداخت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جعفر ارشاد دوران ابتدایی را از سال 1323-1329 را در دبستان فردوسی گرگان سپری کرد.مقطع متوسطه را از سال 1329-1335 در دبیرستان ایرانشهر گرگان در رشته طبیعی گذراندند و دیپلم اش را گرفت. ایشان دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد از سال 1335-1339 در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در رشته دفع آفات (گیاه پزشکی) است. وی دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی گرایش قارچ شناسی خود را از سال 1345-1349 از دانشگاه برلین آلمان اخذ کردند.خاطرات و وقایع تحصیل : جعفر ارشاد از دوران تحصیل خود چندین خاطره را به یاد دارد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم : یکی از خاطرات دکتر ارشاد این بود که وی به همراه یکی از همکسلاسیهایش تصمیم به وارد شدن به دانشسرای مقدماتی کردند . با آن که درس دکتر نسبت به همکسلایش خوب ولی به

پیشنهاد وی از مطالعه زیادی جهت امتحان ورودی الزامی نبود غافل از این که او خودش سخت به مطالعه پرداخت و در امتحان ورودی قبول شد و دکتر ارشاد از راهیابی به دانشسرای مقدماتی باز ماند. از دیگر خاطرات دکتر ارشاد ،تصمیم وی برای ثبت نام در دبیرستان نظامی بود که با مخالفت پدر و مادر بزرگش مواجه شد و از این تصمیم خود منصرف شد.از دیگر خاطرات خوب اش قبولی در دانشکده کشاورزی تهران بود .فعالیتهای ضمن تحصیل : جعفر ارشاد در کنار تحصیل تابستانها در کنار پدر به کشاورزی می پرداخت و گاهی اوقات به میوه فروشی روی می آورد بطوری که بی کاری برای ایشان مفهومی نداشت. در مقطع دکتری کارمند رسمی موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور بود.استادان و مربیان : دکتر حسن مهدوی اردبیلی ، دکتر منجمی(فیزیک)،دکتر حسن شیبانی(باغبانی)،مهندس مفیدی (گلکاری)،دکتر بحری (دامپروری) ،مهندس انتظام (زمین شناسی ) دکتر اسماعیل زاهدی (گیاه شناسی)،دکتر محمود شجاعی (جانور شناسی) و غیره در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و پروفسور لیمبرگ،پروفسور کریسچ ،پروفسور فریدل و غیره از اساتید در مقطع دکتری جعفر ارشاد می باشند.هم دوره ای ها و همکاران : مرحوم دکتر قوام الدین شریف ،مرحوم مهندس خلیل دهیار ،مهندس ناصر زالیپور ،مهندس بهمن امانی ،مهندس رحمانی ،دکتر فیروز ابراهیم نسبت ،مهندس پرویز طاهریان و غیره از همکارن جعفر ارشاد می باشند.همسر و فرزندان : جعفر ارشاد در سیزدهم آبان با سرکار خانم زبیده کلانتری از دواج کردند.ماحصل این ازدواج سه فرزند به اسامی ملاحت ،مریم و لیلی است که همگی دارای تحصیلات دانشگاهی و متاهل هستند.وقایع میانسالی : از تلخ ترین وقایع بوقوع پیوسته برای جعفر ارشاد از دست دادن فرزند اولش (ملاحت) در سال 1382 بود که تاثیر روحی بدی روی خانواده وی به همراه داشت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : جعفر ارشاد کار خود را به عنوان محقق در موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور وابسته به جهاد کشاورزی از سال 1341 شروع کردو تا زمان بازنشستگی (1386) به این کار ادامه داد.هنگام بازنشسته گی عضو هیئت علمی با مرتبه استاد پژوهش پایه 31 بود.در سال 1358 رئیس بخش تحقیقات گیاه شناسی در موسسه ذکر شده بودند و تا تاریخ بازنشستگی در این پست اشتغال داشتند.در سال 1358 همچنین به سرپرستی موسسه تحقیقات گیاه پزشکی منصوب گشت و تا سال 1362 این سمت را هم دارا بود. در سال 1360 همزمان پست معاون تحقیقات در سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی را تا سال 1371 نیز بر عهده داشتند. از دیگر سمت های دکتر ارشاد می توان به چند مورد زیر نیز اشاره کرد: - مدیر مسئول نشریه بیماریهای گیاهی - سردبیر نشریه رستینها - عضو هیئت تحریریه نشر علمی

پژوهشی علوم کشاورزی - عضو کمیته فیتو فتورا - مربوط به اتحادیه بین المللی انجمن های بیماریهای گیاهی در دو دوره 1983-1988 و 1988-1992 - عضو کمیته آسیایی در اتحادیه بین المللی قارچ شناسی از سال 1994 تا 2001 - رئیس کنگره بین المللی قارچ شناسی آسیا 2001 فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس جعفر ارشاد به شرح زیر است: - چهارده نیم سال تحصیلی در رشته قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی در مقطع کارشناسی در دانشکده علوم دانشگاه شهید بهشتی بین سالهای 1356-1362 - دو نیم سال تحصیلی در رشته قارچ شناسی در مقطع دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در سالهای 1372 و 1373 - هشت نیم سال در مقطع کارشناسی ارشد و دو نیم سال در مقطع دکتری در رشته قارچ شناسی در واحد علوم و تحقیقات تهران دانشگاه آزاد اسلامی در سال 1375 تا 1380مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : جعفر ارشاد در اعتلای بخش تحقیقات رتینها در موسسه تحقیقات گیاهپزشکی کشور سهم قابل توجه ای داشته است.وی همچنین عضو موسس و عضو انجمن بیماری شناسی گیاهی ایران می باشد.جوائز و نشانها : - تشویق کتبی از وزیر کشاورزی بدلیل انجام تحقیقات قارچشناسی و نگارش کتاب "قارچهای ایران "در سال 1356 - تشویق کتبی از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی بدلیل سعی در پیشبرد اهداف سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی در سال 1364 - تشویق کتبی از رئیس موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی به مناسبت ارائه گزارش طرحهای تحقیقاتی در سال 1356 - لوح تقدیر از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات کشاورزی به مناسبت انتخاب شدن به عنوان محقق نمونه در سال 1374 - لوح تقدیر از وزیر کشاورزی به عنوان محقق نمونه وزارت کشاورزی در سال 1374 - تقدیر کتبی از وزیر کشاورزی به مناسبت تالیف کتاب "قارچهای ایران "در سال 1374 - لوح تقدیر از معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهشهای علمی کشور به مناسبت برگزیده شدن یکی از مقالات تحقیقاتی به عنوان مقاله تحقیقاتی نمونه سال 1374 - تقدیر کتبی از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات ،آموزش و ترویج کشاورزی به مناسبت مطلوب بودن نتایج تحقیقات در سال 1378 - لوح تقدیر از علوم تحقیقات وفناوری به مناسبت کسب رتبه اول پژوهشکر نمونه سال 1380 وزارت جهاد کشاورزی - تقدیر نامه از معاون پژوهش و برنامه ریزی دفتر همکاریهای فنآوری در نهاد ریاست جمهوری به مناسبت انتخاب پژوهشگر نمونه کشور در سال 1380 - لوح تقدیر از رئیس جمهور به مناسبت کسب رتبه دوم تحقیقات کاربردی در پانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی در سال 1380 - لوح تقدیر از COMSTECH در فوریه 2002 - دریافت

نشان درجه 3 پژوهش کشور از ریاست جمهور در سال 1383 - لوح تقدیر از رئیس موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی به مناسبت تلاش در امر تحقیقات در سال 1383 - لوح تقدیر از معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی به مناسبت تلاش در امر تحقیقات در سال 1384چگونگی عرضه آثار : - تعدا پایان نامه های کارشناسی ارشد راهمنایی شده توسط جعفر ارشاد : 13 پایان نامه - تعدا پایان نامه های دکتری راهمنایی شده : 18 پایان نامه - تعداد مقالات چاپ شده و ارائه شده : بیش از 136 مقاله - معرفی و نام گذاری 23 اریه قارچ برای اولین بار در سطح دنیا - معرفی حدود 500 گونه قارچ برای اولین بار در ایران

---

آثار : قارچهای ایران ویژگی اثر : تالیف-چاپ دوم

استوان، هادی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر هادی استوان در سال 1346 در شهرستان کازرون بدنیا آمد. وی دارای مدرک دکترای رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (در سال 1376) می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : کنه شناسی،حشرات آبزی،IPMوالدین و انساب : نام پدر هادی استوان، علی و به حرفه کشاورزی مشغول است و مادر محترمشان بانو سکینه دهقانی نام دارد. ایشان پنج برادر و سه خواهر دارد.خاطرات کودکی : هادی استوان علاقه زیادی به طبیعت و موجودات پیرامون خود داشته و به شگفتیهای آفرینش و زندگی جانداران و گیاهان از همان دوران کودکی علاقه‌مند بوده است. این علاقه باعث شد وی به تحصیل در رشته حشره شناسی روی بیاورد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : به گفته خودشان ، دارای همسری بی نظیر و وفادار است و به همراه دو فرزند خویش زندگی بسیار خوب و آرامی دارد.او بیشتر موفقیتش را مدیون حمایتهای معنوی پدر و مادر خود و حمایتهای معنوی و فداکاریها و از خودگذشتگیهای همسر مهربانش در تمام طول زندگی می داند.دعاهای خیر پدر و مادر همیشه راهگشای زندگیش بوده است. پدر و مادر مهربان همسرشان همواره در خوشیها و ناخوشیهای زندگی همراه و همگامش بوده اندتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر هادی استوان به قرار زیر است: - دیپلم رشته تحصیلی تجربی از دبیرستان بستانپور کازرون در سال 1364 - کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی گیاه پزشکی از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال 1369 - کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه تربیت مدرس تهران و بورسیه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1373 و نیز دارای مدرک مدرسی - دکترای (Ph.D) رشته حشره شناسی کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و بورسیه همان دانشگاه در سال 1376 (و کسب رتبه اول میان فارغ التحصیلان دکترای حشره شناسی) خاطرات و وقایع تحصیل : هادی استوان از دوران تحصیل در مقطع کارشناسی که مصادف با جنگ تحمیلی عراق برعلیه ایران بودخاطرات زیادی به یاد دارد.وی از آن دوران چنین یاد می کند:" با تمام وجود

مشکلات خاص خودش با توجه به سابقه طولانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران و اساتید بسیار خوب و مجربی که در این دانشکده وجود داشت ،باعث گردید که از میان 15 نفر اعلام شده برای ورود به دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی دانشگاههای دولتی از سراسر ایران، نه نفر از جمله اینجانب از این دانشگاه باشند."فعالیتهای ضمن تحصیل : هادی استوان در ضمن تحصیل تمامی وقت خود را در آزمایشگاه و کتابخانه دانشگاه می گذراند و به تحقیق و تدریس علاقه خاصی داشت.او دوره های مختلف آموزشی را در زمینه های کامپیوتر ،مقاله نویسی ،مدیریت، روانشناسی و غیره را گذرانده است.استادان و مربیان : دکتر محمود شجاعی،دکتر کریم کمالی،مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی،دکتر سیاوش تیرگری،دکتر ابراهیم باقری زنوز،دکتر قدیر نوری قنبلانی،دکتر عزیز اله علیزاده،دکتر واهه میناسیان،دکتر ابراهیم سلیمانژادیان،دکتر جمشید حیاتی،دکتر قربان نورمحمدی،دکتر محمد سعید مصدق،دکتر حسین حجت و سایر اساتید دانشگاههای تهران،تربیت مدرس ،شهید چمران اهواز و علوم و تحقیقات تهران از اساتید هادی استوان بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : همدوره ایها: دکتر یعقوب فتحی پور،دکتر علی درخشان شادمهری،مهندس شهرام میر فخرایی،دکتر مهرداد عباسی،دکتر مهران غزوی،دکتر محمد حاجیان شهری،دکتر علیرضا صبوری،دکتر حسین صائب، مرحوم دکتر سید مهدی حسینی،دکتر حمید بلقیس زاده، دکتر آوید رضوی نعمت الهی و غیره- همکاران: دکتر محمود شجاعی،دکتر کریم کمالی،دکتر سیاوش تیرگری،دکتر قدیر نوری قنبلانی،دکتر یعقوب فتحی پور،دکتر سهراب ایمانی،دکتر قربان نورمحمدی،دکتر علیرضا صبوری،دکتر علی اصغر طالبی،دکتر سعید محرمی پور،دکتر حمیدرضا زمانی زاده،دکتر حمید رضا مژدهی و اکثر اساتید دیگر دانشگاههای ایرانهمسر و فرزندان : همسر هادی استوان، سرکار خانم شیدا نیاکان (متولد 1352) نام دارد. وی دارای دو فرزند دختر بنامهای شادی استوان (متولد 1371) و هستی استوان (متولد 1380) می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای اجرایی و مدیریتی هادی استوان به قرار زیر است: - عضو هیئت علمی، بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم و تحقیقات از سال 1376-1386 - عضو هیئت علمی و استاد حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس از سال 1386 تا کنون -رئیس پژوهش، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال 1377-1381 - نایب رئیس دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال1382-1385 - رئیس بخش گیاه پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از

سال1380-1385 - رئیس بخش حشره شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات از سال 1384-1386 - رئیس بخش حشره شناسی دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، واحد علوم و تحقیقات فارس از سال 1386 تا کنون - عضو انجمن حشره شناسان ایران از سال 1368 تا کنون - عضو انجمن محیط زیست ایران از سال 1375 تا کنون - مدیر گروه گیاه پزشکی - مدیر کل امور پژوهشی - معاونت دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی - مدیر گروه حشره شناسیفعالیتهای آموزشی : تدریس دروس مختلف در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری کارشناسی: کنه شناسی، مدیریت کنترل آفات،حشره شناسی عمومی کارشناسی ارشد: کنه شناسی تکمیلی، مرفولوژی حشرات، سیستماتیک حشرات، ناقلین عوامل بیماریزای گیاهی، مدیریت کنترل آفات، اکولوژی حشرات، کنترل بیولوژیک آفات دکتری: رفتارشناسی حشرات، حشرات آبزی، رده بندی گروههای خاص حشرات و سایر بندپایانمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی که دکتر هادی استوان یکی از بانیان آن بوده است به قرار زیر می باشد: - تمامی مجموعه پژوهشی واحد علوم و تحقیقات تهران - دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم تحقیقات تهران - گروه گیاهپزشکی واحد علوم و تحقیقات تهران - مرکز تحقیقات حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس- آزمایشگاه و گروه حشره شناسی واحد علوم و تحقیقات فارس - مجله علمی پژوهشی علوم کشاورزی- مجله گیاهپزشکی- انجمن کنه شناسی ایرانسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر هادی استوان در کنار تدریس و تحقیق، در چند طرح تحقیقاتی به عنوان همکار و یا مجری طرح همکاری می کندشاگردان : دکتر احمد عطامهر، دکتر هادی کیادلیری، دکتر مسیح رزمجو، دکتر رضا وفایی شوشتری، دکتر حمید ساکنین چلاو، دکتر مجید فلاح زاده، دکتر سید ابراهیم کمالی کیوی، دکتر مهدی غیبی، دکتر حسن قهاری آهنگری کلایی، دکتر علیرضا جلالی زند، دکتر داوود شیردل ترکمبور، دکتر رضا جعفری، دکتر شیلا گلدسته، مهندس شهرام حسامی، مهندس جواد سروش، مهندس نازیلا اسقایی، مهندس رضا دامغانی، مهندس هادی دبیدی، مهندس محمود مهرانیان، مهندس مجید میری و غیره از شاگردان و دانش آموختگان دکتر هادی استوان می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مطالعاتی و پژوهشی هادی استوان به قرار زیر است: حشرات آبزی، کنه شناسی کشاورزی، مبارزه بیولوژیک و کشاورزی پایدارجوائز و نشانها : - هیئت علمی برتر سال 1385، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران - پژوهشگر برتر سال 1386، واحد علوم و تحقیقات فارس، دانشگاه آزاد اسلامی - رتبه اول مقالات در همایش منطقه ای کاربرد فناوری های نوین در کشاورزی - رتبه سوم

یازدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی (همکار طرح تحقیقاتی کنترل بیولوژیک)چگونگی عرضه آثار : - استاد راهنمای بیش از 34 رساله در مقطع کارشناسی ارشد - استاد راهنمای 9 رساله در مقطع دکترای تخصصی - استاد مشاور بیش از 50 رساله کارشناسی ارشد و دکترا - 98 مقاله ارائه شده و چاپ شده در کنفرانسهای علمی و بین المللی داخلی و خارجی (در کشورهای سوئیس، چین، مغرب، هلند، مالزی، بلژیک، کانادا، فنلاند و غیره) - 100مقاله کامل چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی (دارای رتبه ISI) همراه با کشف و توصیف گونه های جدید کنه ها برای دنیا آثار : فهرست کنه های ایران ویژگی اثر : مولفان: دکتر کریم کمالی، دکتر هادی استوان، مهندس احمد عطا مهر. این کتاب 192 صفحه به زبان انگلیسی در سال 2001 چاپ شده است و دارای خلاصه فارسی می باشد. در این کتاب 1040 گونه که همراه با گونه های جدید برای ایران معرفی شده اند و یکی از رفرنسهای اصلی برای محققان داخلی و خارجی برای اطلاع از فون کنه های ایران است.

اسماعیلی، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرتضی اسمعیلی دارای دکتری گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیمشاغل و سمتهای مورد تصدی : مرتضی اسمعیلی عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط مرتضی اسمعیلی به قرار زیر است: کارشناسی ارشد • رفتارشناسی حشرات آثار : حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : ترجمه-دانشگاه تهران ,1378 2 مقالات چاپ شده در مجلات داخلی • اسمعیلی مرتضی ,"یک فرومون جلب کننده برای پروانه کرم خراط و مبارزه مستقیم با ان در باغهای میوه", ,21-20, ,1378 • اسمعیلی مرتضی ,"زمستان گذرانی سنگ در شرایط اب و هوایی همدان", ,11, ,1378
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

اشکان، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیدمحمد اشکان در سال 1321در یزد بدنیا آمد. تحصیلات دانشگاهی را در رشته گیاه پزشکی به صورت کارشناسی ارشد پیوسته در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران آغاز کرد و در سال 1341 موفق به اخذ مدرک فوق شد. او در سال 1358 دکترای کشاورزی رشته بیماری‌شناسی گیاهی را از دانشگاه مذکور دریافت نمود. ایشان عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی دانشگاه ولی عصر رفسنجان بود که در اواخر سال 1375 بازنشسته شد. ولی استاد از فعالیت‌های خود دست برنداشت و همکاری خود را با دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سر گرفت که تا کنون نیز ادامه دارد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : بیماری‌شناسی گیاهیوالدین و انساب : پدر سیدمحمد اشکان، سیدابراهیم زاده روستای غرآباد (واقع در شش فرسخی یزد) است. او نزد استاد علی‌اکبر (دایی او) به شاگردی بنایی و معماری پرداخت بطوری‌که خود استادکار و معمار ماهری در یزد بود و تا آخر عمر خود چندین آب انبار، حسینیه و مسجد را تجدید بنا و یا بازسازی کرده بود. مادر سیدمحمد، همروستایی پدرش و خانه‌دار است.خاطرات کودکی : «تحصیلات شش ساله ابتدایی در دبستان مدیر طاهری یزد در شرف اتمام بود، برای فراغت از مدرسه ابتدایی و صدور گواهینامه پایان تحصیلات ابتدایی نیاز به چند قطعه عکس بود، عکاس را با آن دوربین صندوقچه ای که پرده سیاه و سه پایه بلندی به همراه داشت به صحن مدرسه می‌آوردند و از دانش‌آموزان عکس می‌گرفتند. دستور این بود که عکس با کت گرفته شود، بیشتر بچه‌های کلاس کت نداشتند. من کت یکی از دانش‌آموزان همکلاسی را گرفتم و عکس انداختم. عکس بسیار شیکی شده بود. یک نسخه از آن عکس هنوز به تصدیق کلاس ششم ابتدایی من الصاق و به مهر اداره فرهنگ یزد و به ریاست مرحوم معصوم‌خانی ممهور است.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سیدمحمد اشکان در خانواده‌ای با شرایط مالی متوسط بدنیا آمد. پدر خانواده به شغل بنایی اشتغال داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی سیدمحمد اشکان به ترتیب زیر است: - شش سال تحصیل مقطع ابتدایی در دبستان مدیر طاهری و پنج سال از شش سال تحصیلات دوره متوسطه در یزد - سال ششم دبیرستان در دبیرستان

دارالفنون تهران - کارشناسی ارشد پیوشته در رشته گیاه پزشکی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال 1341 - دیپلم زبان انگلیسی از کانون زبان ایران (انجمن ایران و آمریکای سابق) در سال 1345 - دیپلم زبان آلمانی از انستیتوی گوته، گرافینگ آلمان غربی در سال 1347 - دکترای کشاورزی در رشته بیماری شناسی گیاهی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال 1358 دوره‌های تحصیلی و کارآموزی: - دوره بازآموزی در زمینه بیماریهای گیاهی و قارچ‌شناسی در BBA آلمان، بمدت یکسال در سال 1348 - دوره تخصصی در زمینه بیماریهای درختان میوه در انستیتوی تحقیقات بیماریهای درختان میوه هایدلبرگ آلمان غربی بمدت سه ماه در سال 1354فعالیتهای ضمن تحصیل : سیدمحمد اشکان پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی در سال 1341، در موسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی که اکنون به موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور تغییر نام داده است، تا اواخر سال 1372 به فعالیت پرداخت. او عضو انجمن اسلامی بود و به ورزش‌هایی همچون بدنسازی علاقمند بود.استادان و مربیان : سیدمحمد اشکان از دوران تحصیل در دارالفنون تهران سه دبیر خود را بیاد دارد، صدیق اسفندیاری (فارسی)، موسی آذر نوش (ریاضیات) و فریدون کوشا(شیمی). در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دکتر مهدوی اردبیلی، انتظام، عطایی، دواچی و منوچهری از جمله اساتید وی بودند که در زندگی علمی سیدمحمد اشکان تاثیر بسزایی داشته‌اند.همسر و فرزندان : سیدمحمد اشکان متاهل و دارای همسر و سه فرزند می‌باشد. فرزند اول، پریسا (کارشناسی ارشد مشاوره خانواده- خانه‌دار)، فرزند دوم، علی (کارشناسی رشته الکترونیک) و فرزند آخر، میترا، در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت سیستم و بهروه‌وری می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق خدمت در زمینه تحقیق و تدریس سیدمحمد اشکان به قرار زیر است: - از بهمن ماه سال 1341 در معاونت وزارت کشاورزی، موسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی مشغول به کار شد. از آن تاریخ تا خرداد ماه سال 1374 در آن موسسه مشغول پژوهش بود، یکسال مسئولیت معاونت و یک و نیم سال هم ریاست آن موسسه را برعهده داشت. - از خرداد سال 1374 به دانشگاه ولی عصر رفسنجان وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی منتقل و به عنوان عضو هیئت علمی، رئیس دانشکده کشاورزی و سرپرست بخش گیاه پزشکی مشغول کار و اواخر سال 1375 بازنشسته شد. - از مهر ماه سال 1377 تا کنون عضو هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین است و از بهمن ماه سال 1379 مدیریت گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی آن دانشگاه به وی تفویض شده است. - از سال 1372 تا کنون در اجرای طرحهای تحقیقاتی

گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران همکاری دارد. عضویت در انجمن‌های علمی و برنامه‌های انتشاراتی: - عضو و یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران - عضو و دبیر هیئت تحریریه نشریه بیماریهای گیاهی از سال 1359 تا 1377 - سردبیر مجله علمی- پژوهشی «بیماریهای گیاهی» بمدت 18 سال - عضو هیئت تحریریه نشریه سازمان حفظ نباتات از سال 1358 تا 1370 - عضو کمیته کشاورزی جهاد سازندگی شمیران از سال 1358 بمدت سه سال - عضو کمیته برنامه‌ریزی تحقیقات و آموزش کشاورزی در سال 1358 - عضو کمیته فنی و طرحهای تحقیقاتی موسسه بررسی آفات از سال 1360 بمدت 6 سال - عضو شورای انتشارات موسسه بررسی آفات از سال 1360 بمدت 4 سال - عضو کمیته مشورتی ارتقاء گروه محققان موسسه بررسی آفات در سال 1358 - عضو کمیته برنامه ریزی 5 ساله تحقیقات کشاورزی در سال 1367 - عضو کمیته بررسی کنندگان مقالات هشتمین تا آخر سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران - عضو کمیته ارتقاء پایه و مرتبه علمی اعضای هیئت علمی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی به مدت دو سال - عضو هیئت مدیریه انجمن بیماری‌شناسی گیاهی ایران از سال 1377 تا 1379فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس و فعالیت‌های آموزشی سیدمحمد اشکان در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی به قرار زیر است: - تدریس بیماری شناسی گیاهی و بیماریهای درختان میوه در دانشگاه تبریز در سال تحصیلی 4- 1353 - تدریس بیماری شناسی گیاهی در دانشکده کشاورزی زنجان در سال تحصیلی 1358-1359 - تدریس بیماریهای گیاهی، بیماریهای درختان میوه، قارچ شناسی و قارچ کشها در دانشگاه ولی عصر رفسنجان در سال 1374 و 1375 - تدریس بیماریهای درختان میوه برای کارشناسان باغبانی بنیاد مستضعفان در سال 1358 - تدریس بیماریهای گیاهی و قارچ شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین از سال 1377 تا کنون - تدریس بیماریهای مهم درختان میوه در دانشکده کشاورزی دانشگاه ازاد اسلامی واحد ورامین از سال 1378 تا کنونمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سیدمحمد اشکان یکی از بنیانگذاران انجمن کارشناسان بیماریهای گیاهی ایران است. از دیگر مراکزی که وی از بانیان آن می‌باشد می‌توان به انجمن بیماری‌شناسی گیاهی ایران، آزمایشگاه بیماری‌های درختان میوه در موسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، آزمایشگاه قارچ‌شناسی در دانشکده کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین- پیشوا اشاره کرد.جوائز و نشانها : تشویقات و تقدیرات سیدمحمد اشکان به سبب انجام وظایف تحقیقی و تخصصی: - تشویق بخاطر ابراز لیاقت در اجرای طرحهای تحقیقاتی به وسیله رئیس وقت موسسه در سال 1346 -

تقدیر بخاطر ابراز علاقه و همکاری ارزنده در تهیه و تدوین طرح جامع تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وقت وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر یزدی صمدی در سال 1360 - تقدیر بخاطر تصدی سرپرستی موسسه بررسی آفات توسط وزیر کشاورزی در سال 1363 - تقدیر به دلیل فعالیتهای ثمربخش در کمیسیون هماهنگی توسط معاون وزیر در امور تحقیقاتی و آموزشی، آقای دکتر توفیقی سه مرتبه در سالهای 1365،1366 و 1368 - تقدیر به سبب کوشش یک دوره سه ساله در کمیته فنی موسسه به وسیله رئیس وقت موسسه در سال 1367 - تقدیر بخاطر همکاری در تهیه و تدوین برنامه پنج ساله تحقیقات کشاورزی به وسیله معاون وزیر در امور تحقیقات، آقای دکتر توفیقی و نیز وزیر کشاورزی در سال 1368چگونگی عرضه آثار : - تعداد 20 طرح پژوهشی به عنوان همکار و مجری - گزارش‌های علمی هفت فقره - خلاصه مقالات ارائه شده در کنگره ها، 14 فقره - مقالات علمی، پژوهشی، 26 فقره - جزوه‌های درسی، 7 فقره - کتب علمی منتشر شده،7 عنوان تصحیح و ویراستاری کتاب، 11 موردآثار : بیماریهای تا ویژگی اثر : ترجمه، 344 ص، مرکز نشر دانشگاهی- 13742 بیماریهای توت فرنگی ویژگی اثر : ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، 396 ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال 13843 بیماریهای درختان سیب و گلابی ویژگی اثر : ترجمه،392ص، مرکز دانشگاهی 13784 بیماریهای درختان میوه هسته دار ویژگی اثر : ترجمه، 356 ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال 13815 بیماریهای مرکبات ویژگی اثر : ترجمه با همکاری زهرا زکیئی، 376 ص، مرکز نشر دانشگاهی در سال 13866 بیماریهای مهم درختان میوه در ایران ویژگی اثر : تالیف،472ص، آییژ در سال 13857 فرهنگ اصطلاحات آبیاری ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 13788 فرهنگ اصطلاحات بیماری شناسی گیاهی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 13789 فرهنگ اصطلاحات ترویج و آموزش کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137910 فرهنگ اصطلاحات جنگل و محیط زیست ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 138111 فرهنگ اصطلاحات حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 138012 فرهنگ اصطلاحات زراعت و اصلاح نباتات ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137813 فرهنگ اصطلاحات علوم باغبانی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137814 فرهنگ اصطلاحات علوم دامی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری

- انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137915 فرهنگ اصطلاحات علوم و صنایع غذایی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137916 فرهنگ اصطلاحات ماشینهای کشاورزی ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 137917 فرهنگ اصطلاحات مرتع و آبخیزداری ویژگی اثر : تصحیح و ویراستاری - انتشارات دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم 138018 قارچ شناسی مقدماتی ویژگی اثر : تالیف، 231 ص، آییژ (کتابیران) در سالهای 1383 و 1385
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

افتخار شاهرودی، فریدون

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فریدون افتخارشاهرودی دارای دکتری دامپروری و عضو هیئت علمی و دانشیار دانشکده کشاورزی /گروه علوم دامی دانشگاه فردوسی مشهد است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریوقایع میانسالی : فریدون افتخار شاهرودی پس از کسب دکتری دامپروری به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد . وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریدون افتخار شاهرودی عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد است.وی همچنین از تاریخ 1367 تا 1368 مدیر گروه دامپروری دانشگاه فردوسی مشهد بوده است.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس تدریس شده توسط فریدون افتخار شاهرودی : طرح آزمایشهای دامپروری اصلاح دام تکمیلی 1 روشهای پیشرفته آماری اصلاح دام تکمیلی 2 سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریدون افتخار شاهرودی در کنار تدریس به تحقیق و تدوین مقاله در زمینه های بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای و ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال خراسان (با استفاده از الگوریتم dfreml می پردازد. چگونگی عرضه آثار : فریدون افتخار شاهرودی آثار خود را در قالب تالیف مقالات و کتب در زمینه تخصصی خود در مجامع علمی ، کنفرانسها و همایشها ارائه می کند. ایشان دارای تحقیقاتی در زمینه های اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات... ،اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین و بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل است. آثار : اثر انرژی دوره پرورش و سطوح انرژی و چربی جیره تخم گذاری بر عملکرد مرغان های لاین ویژگی اثر : (20-03-2000 )مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان2 اثر نوع منبع و سطح کلسیم جیره غذایی و اندازه ذرات... ویژگی اثر : (23-09-2001 ) مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان3 ارتباط طول دوره آبستنی با بعضی از صفات اقتصادی گاوهای شیری هلشتاین کانادایی ویژگی اثر : (21-03-2001 ) مجله علوم و صنایع کشاورزی4 ارزیابی اثرات مادری بر صفات وزن و رشد بره گوسفند کردی شمال

خراسان (با استفاده از الگوریتم dfreml ویژگی اثر : (2001-03-21 ) مجله پژوهش و سازندگی5 بررسی اثر عوامل محیطی بر تغییرات صفات و برآورد همبستگی های فنوتیپی و ژنتیکی بین صفات تیپ در گاو های ویژگی اثر : (2001-03-21 ) مجله پژوهش و سازندگی6 بررسی اثرات محیطی و برآورد پرامترهای فنوتیپی و ژنوتیپی رکوردهای ماهانه و تجمعی در گاوهای شیری هلشتای ویژگی اثر : (2001-03-21 ) مجله پژوهش و سازندگی7 بررسی برخی عوامل موثر بر میزان تولید شیر در نژاد هلشتاین گاوداری صنعتی پالاهنگ ویژگی اثر : (2001-03-21 ) مجله پژوهش و سازندگی8 مقالات علمی در همایش ها :0624 -01-10 اولین سمینار پژوهشی پوست، چرم و الیاف دامی کشور بررسی اثرات برخی از عوامل ژنتیکی و محیطی موثر بر درجه پوست گوسفند قره گل 2002-20-02 the second international iran and russia conference abstracts Genetlc and phenotypic factors affecting daily gain of karakul sheep 2001-01-20 اولین کنگره بیولوژی کاربردی ایران استفاده از روش های بیولوژیکی مولکولی در اصلاح دامهای اهلی

الهی نیا، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی الهی نیا دارای مدرک دکتری رشته بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان در سال 1367و هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه 23 دانشگاه گیلان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : بیماری شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: دیپلم : دیپلم کشاورزی در سال 1346 و دیپلم طبیعی 1347 کارشناس (لیسانس) : تولید فرآورده های گیاهی (زراعت و باغبانی) سال 1352 دانشگاه شهید چمران اهواز دکتری: بیماری شناسی گیاهی (گیاهپزشکی) از دانشگاه سالفورد منچستر انگلستان سال 1367 مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی سید علی الهی نیا به قرار زیر است: سرپرست کتابخانه دانشکده علوم کشاورزی سرپرست واحد زنبورداری نماینده مرکز نشر ستاد انقلاب فرهنگی دردانشگاه گیلان معاون مالی و اداری دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان سرپرست آموزشکده کشاورزی صومعه سرا دردانشگاه گیلان رئیس دانشکده علوم کشارزی دانشگاه گیلان رئیس برگزاری یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران مدیر کل تحصیلات تکمیلی دانشگاه گیلان مدیر گروه گیاهپزشکی دانشگاه گیلان رئیس مؤسسه تحقیقات برنج کشور عضو شورای عالی تحقیقات ، آموزش و ترویج کشاورزی ایران عضو ستاد کل برنج کشور ریاست شورای برنامه ریزی تحقیقات برنج کشور مشاور و عضو گروه مشاوران تحقیقاتی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی ایران مشاور معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی عضو گروه اجرائی تحول بنیادی در ساختار تحقیقات کشاورزی کشور عضو کمیتة علمی بررسی کنندگان مقالات یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران. عضو کمیته علمی بررسی کنندگان مقالات علمی پنجمین کنگره زراعت و اصلاح نباتات ایران آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه سید علی الهی نیا به ترتیب زیر است: بیماری شناسی گیاهی: بماریهای قارچی : بیماریهای ویروسی چگونگی عرضه آثار : - تعداد تحقیقات: 13 مورد - تعداد مقالات انگلیسی: 8مورد - تعداد مقالات فارسی: 9 موردآثار : بیماری شناسی گیاهی قارچشناسی و شناخت سایر عوامل بیماریزا در گیاهان ویژگی اثر : تالیف . 1382.دانشگاه گیلان. 2000 نسخه2 بیماریهای درختان میوه و

برخی از گیاهان باغی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : زیر چاپ. .دانشگاه گیلان. 4000 نسخه3 بیماریهای سبزی و صیفی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : ژیر چاپ. .دانشگاه گیلان. 4000 نسخه4 بیماریهای گیاهان زراعی و روشهای مبارزه با آنها ویژگی اثر : زیر چاپ. .دانشگاه گیلان. 4000 نسخه5 قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافهات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر : تالیف. 1377. دانشگاه گیلان .چاپ دوم در 3000 نسخه6 قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی با اضافهات به ضمیمه اطلس رنگی ویژگی اثر : تالیف. 1377. دانشگاه گیلان .چاپ سوم در 3500 نسخه7 قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی مقد ماتی ویژگی اثر : تالیف. 1372. دانشگاه گیلان در 3000 نسخه

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

امیدبیگی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا امید بیگی در سال 1336 در شهر تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته باغبانی گرایش تولید گیاهان دارویی از آکادمی علوم مجارستان است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشکده کشاورزی دانگاه تربیت مدرس می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : تولید گیاهان دارویپوالدین و انساب : پدر و مادر رضا امیدبیگی هر دو دار فانی را وداع گفتند. ایشان جمعاً هفت برادر و خواهر هستند.خاطرات کودکی : رضا امیدبیگی از آن دوران خود چنین می‌گوید: «پس از مرگ پدرم ، مادرم از من خواست که درس را رها کرده و برای اینکه مغازه نانوایی پدرم به تعطیلی کشانده نشود به مغازه بروم. من هم امر مادر را البته به اجبار اطاعت کرده و مدت یک ماه به مغازه رفتم. اما این امر مرا عذاب می‌داد و دوست داشتم که درس بخوانم تا اینکه یک روز به پشت بام مغازه رفتم و شروع کردم به داد و فریاد کشیدن و خواسته‌ام را با فریاد به گوش همه رساندم که من می‌خواهم درس بخوانم. این جریان با وساطت خویشان و همسایگان و راضی شدن مادرم به ادامه تحصیل من خاتمه یافت.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا امیدبیگی در خانواده ای متوسط و مذهبی بدنیا آمد. وی پدرش را در نوجوانی در سن 15 سالگی از دست داد بطوری که از پدر دو مغازه به ارث مانده بود و از آن طریق به امرار و معاش می‌پرداختند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا امیدبیگی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشته علوم طبیعی در تهران به پایان رساند و تحصیلات دانشگاهی را در رشته زیست‌شناسی گرایش علوم گیاهی در دانشگاه تهران به پایان برد و در این دانشکده در رشته مذکور شاگرد ممتاز شناخته شد، به همین دلیل به اخذ بورس تحصیلی نائل گردید. برای ادامه تحصیل به کشور مجارستان عزیمت کرد و کارشناسی ارشد رشته تولید گیاهان دارویی را از دانشگاه علوم باغبانی بوداپست دریافت کرد. ایشان دکتری رشته تولید گیاهان دارویی را از آکادمی علوم مجارستان و فوق دکتری در رشته علوم و تولید گیاهان دارویی ازدانشگاه باری ایتالیا اخذ کرده است.خاطرات و وقایع تحصیل : از خاطرات رضا امیدبیگی می توان به گذراندن یک دوره آموزشی و پژوهشی در یکی از مراکز تحقیقاتی در بوداپست اشاره کرد که بعلت خارجی بودن ایشان از انجام آن ممانعت می کردند تا اینکه دکتر امیدبیگی

پس از دو سال تلاش توانست این دوره را با موفقیت سپری کند.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا امیدبیگی در کنار تحصیل به انجام کارآموزی‌های مختلف در مراکز تحقیقاتی تولیدی مختلف کشور مجارستان می‌پرداخت.استادان و مربیان : استاد دکتر سید محمد فخر طباطبائی (استاد دانشگاه تهران) و پروفسور برنات (رئیس دپارتمان تولید گیاهان دارویی بوداپست) از استادان رضا امیدبیگی بشمار می‌آیند.همسر و فرزندان : رضا امیدبیگی متاهل و دارای همسری بنام سرکار خانم صدیقه تنها (دارای مدرک دیپلم و خانه‌دار) است. ایشان دارای سه فرزند می‌باشند: - محمدعلی امیدبیگی ، دانشجوی کارشناسی اشد رشته سازه های آبی - محمود امیدبیگی ، محصل کلاس سوم راهنمایی - غزال امیدبیگی ، محصل کلاس پنجم دبستانوقایع میانسالی : از مهمترین وقایع دوران میانسالی رضا امیدبیگی به تولید انبوه رسیدن چند گیاه دارویی غیر بومی ایران بود که بذر آن را برای اولین بار به ایران آورده بود. فراوری مواد موثر این گیاه سبب اشتغال‌زایی و کارآفرینی صدها خانواده محروم در نقاط مختلف بویژه در استان کهگلیویه و بویراحمد شده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رضا امیدبیگی پس از بازگشت به ایران در سال 1372 در دانشگاه تربیت مدرس در دانشکده کشاورزی گروه علوم باغبانی به کار مشغول شدند و پس از 9 سال به درجه استادی نائل آمدند. از دیگر مشاغلی که مورد تصدی ایشان بوده یا است به شرح زیر است: - معاون پژوهشی دانشکده به مدت 4 سال - رئیس گروه باغبانی - هم اکنون - مشاور گیاهان دارویی در وزارت کشاورزی به مدت 5 سال - عضو کمیسیون ارزشیابی مدارک تحصیلی خارجی - هم اکنون - عضو گروه واژه گزینی تخصصی علوم کشاورزی شاخه باغبانی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی - عضویت هیئت تحریریه تعدادی از مجلات داخلی و خارجی فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط رضا امیدبیگی به قرار زیر است: مباحث نوین در باغبانی ، روشهای ویژه پرورش سبزی ، تولید گیاهان دارویی و ادویه‌ای ، اثر تنشهای محیطی بر گیاهان ، اکوفیزیولوژی گیاهان ، گیاهان دارویی سمی و سنتی ، پس از برداشت گیاهان دارویی ، کشت و صنعت گیاهان دارویی‌مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رضا امیدبیگی شرکتی تحت عنوان کشت و صنعت گیاهان دارویی را تاسیس کرده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا امیدبیگی در کنار تدریس به تالیف و ترجمه در زمینه رشته تخصصی خود می‌پردازد.آرا و گرایشهای خاص : رضا امیدبیگی در این بار چنین می‌گوید: «علاقه شدید من به تولید مواد مختلف طبیعی که در صنایع مختلف کاربرد دارند باعث گردیده که داروهایی را در این زمینه فرموله کنم که هم اکنون در بازار دارویی کشور موجود است. هم چنین مواد

طبیعی مورد نیاز در صنایع غذایی ، آرایشی بهداشتی ، لبنیات ، نوشابه سازی و دام و طیور توسط اینجانب تهیه و مورد استفاده مراکز فوق قرار می گیرد.»جوائز و نشانها : - استاد نمونه و تلاشگر دانشگاه در سال 1378 - عضو برجسته علمی دانشگاه در سال 1378 - پژوهشگر برتر دانشگاه در سال 1379 - برنده جایزه علمی در بیستمین کنگره بین المللی گیاهان معطر و عصاره ها در وین کشور فرانسه در سال 2001 - پژوهشگر برتر دانشگاه از سال 1380 -1384چگونگی عرضه آثار : رضا امیدبیگی دارای 19 تالیف در زمینه تولید و فرآوری گیاهان دارویی است. وی دارای بیش از 97 مقاله منتشر شده در ژورنالهای معتبر علمی و پژوهشی و بیش از 94 مقاله ارائه شده در کنفرانسهای ملی و بین المللی است.
آثار : تولید و فرآوری گیاهان دارویی ویژگی اثر : جلدهای اول ، دوم و سوم- اولین تالیف در کشور از این نوع
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

امین بخش، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد امین بخش متولد 1323 در تبریز است.ایشان دارای مدرک دکتری رشته ژنتیک کمی و کاربردی از دانشگاه پاریس6 – فرانسه در سال 1352 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی علوم جانوری مرکز تحقیقات علوم پایه دانشگاه تبریز می باشد. گروه : کشاورزیرشته : ژنتیک گیاهیگرایش : ژنتیک کمی و کاربردیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد امین بخش ،تحصیلات ابتدایی را در دبستان سردار ملی به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1342از دبیرستان تربیت اخذ کرده است ایشان مدرک کارشناسی رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد ژنتیک کمی را در سال 1348 از دانشگاه پاریس 6 – فرانسه دریافت نموده اند و در سال 1352مدرک دکتری در رشته ژنتیک کمی و کاربردی را از دانشگاه پاریس6 – فرانسه با موفقیت اخذ کرده اند. عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : برآورد ضریب وراثت پذیری فاکتورهای تولیدی در مرغ کوتوله و طبیعی ب - دکتری : مطالعه روی یک ژن نانیسم ( کوتوله کننده) وابسته به جنس در مرغ وقایع میانسالی : محمد امین بخش از سال 1352به عنوان عضو هیات علمی در گروه جانوری دانشکده علوم طبیعی مشغول خدمت شده اند. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی محمد امین بخش به قرار زیر است: قبلی : نماینده دانشکده علوم طبیعی درشورای پژوهشی و تالیف وترجمه - نماینده گروه در مرکز تحقیقات علوم پایه ایران - مدیریت گروه علوم جانوری فعلی: مدیریت گروه علوم زیستی جانوری - نماینده گروه در مرکز تحقیقات علوم پایه ایران - نماینده گروه علوم جانوری در قطب علمی زیست شناسی فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی محمد امین بخش به قرار زیر است: تدریس دروس در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی: 1-دوره کارشناسی : مبانی ژنتیک - ژنتیک انسانی - زیست شناسی - ژنتیک پزشکی 2- تحصیلات تکمیلی : ژنتیک انسانی - بیولوژی ملکولی و تکامل - ژنتیک ملکولی چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی محمد امین بخش به ترتیب زیر است: تعداد مقاله های منتشرشده : 6 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 2 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 1 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 1 مورد

انصاری، مجید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید انصاری متولد 1318 ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه امریکایی بیروت با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون چرخه عوارض سموم شیمیایی برمیوه ها می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مجید انصاری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاهتهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه امریکایی بیروت میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی مجید انصاری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : مجید انصاری د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : مجید انصاری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه امریکایی بیروت درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مجید انصاری عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه امریکایی بیروت است.فعالیتهای آموزشی : مجید انصاری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه امریکایی بیروت به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : مجید انصاری در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : مجید انصاری از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها دارد.آثار : عوارض سموم شیمیایی بر میوه ها
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

ایرانشهر، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر موسی ایرانشهر در 16 آذر ماه 1302 هجری شمسی در شهر تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در محل زادگاهش فراگرفت و پس از طی تحصیلات عالی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، در سال 1977 دکتری خود را از دانشگاه وین دریافت کرد. کتاب «آشنایی با زبانلاتینی و کاربرد گیاه شناسی آن» تالیف دکتر ایرانشهر به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال 1386،از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده است.گروه : کشاورزیرشته : مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای : موسی ایرانشهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در محل زادگاهش فراگرفت و پس از طی تحصیلات عالی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، در سال 1977 دکتری خود را از دانشگاه وین دریافت کرد.استادان و مربیان : دکتر اسفندیاری از اساتید دکتر موسی ایرانشهر می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر ایرانشهر که در سال 1325 به استخدام وزارت کشاورزی درآمده بود، ابتدا در قسمت‌های دفتر فنی سازمان جنگل‌بانی و اداره آموزش مشغول انجام وظیفه شد ولی بعد، به خاطر علاقه خاصی که به رشته گیاه‌شناسی داشت در سال 1345 با پیوستن به استاد خویش دکتر اسفندیاری و دوست قدیمی‌اش، مهندس بهبودی در بخش تحقیقات گیاه‌شناسی، وارد موسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی شد و مدتی بعد مدیریت بخش «هرباریوم» را برعهده گرفتفعالیتهای آموزشی : دکتر موسی ایرانشهر سه دوره تدریس زبان لاتینی در دوره دکتری گیاه شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران را در گروه زیست شناسی به عهده داشته اند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر ایرانشهر درباره برنامه روزنامه خود چنین می گوید:"کارم بیشتر نوشتن و تحقیق است. دائما روی گیاهان مطالعه دارم. "آرا و گرایشهای خاص : 60سال سابقه تحقیق در گیاه شناختی ایران دارد. نام دکتر ایرانشهر نامی آشنا و شناخته شده در گیاه شناسی ایران و همچنین مجامع علم گیاه شناسی اروپا و جهان است. جوائز و نشانها : کتاب "آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه‌شناسی آن" تالیف موسی ایرانشهر به عنوان کتاب سال برگزیده سال 1386 از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و تقدیر شده است.چگونگی عرضه آثار : دکتر ایرانشهر هیچگاه از تلاش خود در راه پیشرفت گیاه‌شناسی کشور و

تکمیل «هرباریوم» ایران باز نایستاد، وی با پیمودن بیش از 60000 کیلومتر راه در شهرها، روستاها، کویرها، کوه‌ها و دشت‌های ایران زمین و به همراهی افرادی چون رشینگر، آلاوا، ریدل، رنس، لاموند، ارشاد، ترمه، موسوی و...، نزدیک به 500 روز از عمر تحقیقاتی خود را در راه دستیابی و گردآوری گیاهان کشور سپری کرد و نمونه‌های گیاهی بی‌شماری را از طبیعت کشورمان برای غنی ساختن «هرباریوم ایران» به ارمغان آورد. گونه‌های زیادی از گیاهان کشور به افتخار او نام‌گذاری و توصیف شده است، گرچه وی مولف حدود 37 تاکسون جدید در جهان گیاه‌شناسی است. دکتر ایرانشهر که تاکنون 22 فقره آثار علمی خود را در زمینه گیاه‌شناسی منتشر کرده است، ضمن همکاری با دیگر «هرباریوم‌های» کشور، کماکان به تحقیقات خود در امر شناسایی گیاهان و «هرباریوم» ایران ادامه داده و در خارج از کشور نیز از همکاران نزدیک پروفسور رشینگر اتریشی، سردبیر مجموعه «فلور ایرانیکا»ست و اولین گیاه‌شناس ایرانی است که در این منبع برجسته، آثارش به چاپ رسیده است.

---

آثار : آشنایی با زبان لاتینی و کاربرد گیاه‌شناسی آن ویژگی اثر : تالیف موسی ایرانشهر- تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران 1385. 253 صفحه درپی برگزیده شدن کتاب «آشنایی با زبانلاتینی و کاربرد گیاه شناسی آن» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال 1386،شده است.

ایزدپناه، کرامت‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کرامت‌الله ایزدپناه دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز با درجه استادی می باشد. گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیوقایع میانسالی : کرامت‌الله ایزدپناه پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در آمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : کرامت‌الله ایزدپناه عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر مشاغل ایشان: رئیس مرکز تحقیقات ویروسی غلات شیراز رئیس بخش گیاهپزشکی در دانشگاه شیراز عضو جدید ایرانی فرهنگستان علوم برای جهان سوم(TWAS)سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاگردان : چگونگی عرضه آثار : عنوان پایان نامه راهنمایی شده : شناسایی و فروانی نسبی ویروسهای مولد موزائیک لوبیا در استان فارسآثار : اتیولوژی ، انتقال و دامنه میزبانی عامل جاروئی یونجه در جنوب ایران ویژگی اثر : مقاله2 موزائیک مرغ در نقاط مختلف ایران ویژگی اثر : مقاله
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

آتش افروز، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسین آتش افروز متولد 1322ه.ش دارای دکترای دامپروری و عضو هئیت علمی دانشگاه اورسی پاریس با درجه دانشیاری می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ ( گاو و گاومیش) می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکترحسین آتش افروز دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا و دکتری رشته دامپروری از دانشگاه یوتا می باشد. خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکترحسین آتش افروز میباشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر حسین آتش افروز در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر حسین آتش افروز پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هئیت علمی گروه دامپروی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر حسین آتش افروز عضو هئیت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اورسی است.فعالیتهای آموزشی : دکتر حسین آتش افروز سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه دامپروری در دانشگاه اورسی به تدریس دروس تخصصی رشته دامپروی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر حسین آتش افروز در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر حسین آتش افروز از جمله علمای دامپروی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره بیماریهای انگلی روده دامهای بزرگ ( گاو و گاو میش) انجام داده است.

آرزم، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد آرزم متولد 1324ش دارای دکترای رشته اصلاح نباتات عضویت هیئت علمی دانشگاه شفیلد انگلستان با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات و آثار پیرامون روشهای نوین شیمیایی و دفع آفات میوه ها می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد آرزم دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه ارگان آمریکا دکترای رشته باغبانی از دانشگاه شفیلد انگلستان میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام و تحصیل در رشته اصلاح نباتات و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد آرزم بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمد آرزم د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر محمد آرزم پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد آرزم عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه شفیلد انگلستان است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمد آرزم سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی دانشگاه شفیلد انگلستان می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمد آرزم در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.
آثار : روشهای نوین سمپاشی و دفع آفات میوه ها

آلیاری، هوشنگ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر هوشنگ آلیاری، دانشیار گروه آموزشی زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه تبریز،در سال 1319 در تبریز بدنیا آمد. وی در سال 1349 مدرک دکتری در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیبگ - آلمان با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1351به عنوان عضو هیات علمی در گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این همکاری تا کنون ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای : هوشنگ آلیاری تحصیلات ابتدایی را دردبستان فرهنگ به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1338 از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی - تولیدات گیاهی را از دانشگاه لیبیگ - آلمان و کارشناسی ارشد کشاورزی - تولیدات گیاهی را در سال 1345 از دانشگاه لیبگ - آلمان دریافت نموده اند و در سال 1349 مدرک دکتری در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیبگ - آلمان با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : Die asiatische Getreide Wanze Studien ueber Wachstum, Ertragsbildung und Entwicklung :ب - دکتری .Naerstoffaufnahme der Baumwolle im aegaeischen Roum وقایع میانسالی : هوشنگ آلیاری در سال 1349 مدرک دکتری در رشته کشاورزی عمومی را از دانشگاه لیبگ - آلمان با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1351به عنوان عضو هیات علمی در گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی هوشنگ آلیاری به قرار زیر است: قبلی : مدیر گروه زراعت و اصلاح نباتات - معاون گروه زراعت و اصلاح نباتات فعلی:عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه تبریز عضو مرکز بین المللی تکنولوژی الیاف ( آلمان - برمن ) - عضو انجمن زراعت و اصلاح نباتات ایران فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی هوشنگ آلیاری: تدریس: 1-دوره کارشناسی: زراعتهای خصوصی - زراعت گیاهان صنعتی - زراعت حبوبات و گیاهان منطقه ای - زراعت غلات 2-تحصیلات تکمیلی: زراعت تکمیلی - زراعت گیاهان دارویی و ادویه ای - کشاورزی پایدار چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : تعداد مقاله های منتشرشده : 23 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در

کنفرانسها: 25 مورد تعداد کتابهای تالیف شده : 1 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 30 مورد تعداد پایاننامه های دکتری: 7 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 1 مورد

آهون منش، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علی آهون منش در سال 1322 در تهران متولد شد.وی پس از اخذ کارشناسی رشته گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز برای تکمیل معلومات دانشگاهی به آمریکا عزیمت کرد و تا مقطع دکتری به تحصیل پرداخت و موفق شد دکتری و فوق دکتری همان رشته را به ترتیب در سالهای 1357 و 1358 از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کند.نامبرده هم اکنون عضوهیئت علمی و رئیس دانشگاه صنعتی اصفهان می باشد. کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه،علی آهون منش(یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : علی آهون منش تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران و اصفهان گذراند. در سال 1351 موفق به اخذ لیسانس گیاه پزشکی از دانشگاه تبریز شد. آنگاه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و فوق لیسانس، دکترا و فوق دکترای خود را به ترتیب در سالهای 1354 و 1357 و 1358 از دانشگاه کالیفرنیا دریافت نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی آهون منش پس از بازگشت به ایران در کنار فعالیتهای آموزشی، معاونت امور تحقیقات و آموزش و ترویج وزارت کشاورزی و ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان را برعهده داشت و درحال حاضر در مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان به خدمت اشتغال دارد.جوائز و نشانها : کتاب "کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه،علی آهون منش(یکی از مترجمین) ، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : علی آهون منش علاوه بر تألیف و انتشار 27 مقاله به زبانهای فارسی در مجلات علمی داخل کشور و 7 مقاله به زبان انگلیسی در نشریات علمی خارج از کشور، کتابهای را نیز تألیف و ترجمه نموده است.آثار : عوامل آلوده کننده هوا و اثرات آن بر گیاهان زراعی کتاب روشهای مدیریت بیماریهای گیاهی تألیف فرای ویژگی اثر : ترجمه3 کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «کنترل بیولوژیکی

عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد»: کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد/ دی هورن بای؛ترجم؟ احمد علوی و علی آهون منش .- تهران: نشر آموزش کشاورزی: 1376.- 2ج. زمانی بود که بشر به کمک آفت کشهای شیمیایی می توانست به مقابله با عوامل بیماری زای گیاهی بپردازد و همزمان با استفاده از کودهای مصنوعی شاهد رشد و باردهی چشمگیر زراعی باشد. اما سالهاست که با پیشرفت علوم پزشکی ثابت شده است که بسیاری از سموم دفع آفات نباتی برای انسان سرطان زا هستند و غالب آفت کشها پدید؟ تخریب لای؟ اوزون را شدت می بخشند. بنابراین تدبیری باید اندیشید که در عین مقابله و پیشگیری از خسارات ناشی از عوامل بیماری زای گیاهی و حفظ روند تولید کشاورزی جهت تغذیه جمعیت روزافزون دنیا، محیط شکننده و حساس زمین بیش از این دستخوش آسیب نشود. بدین ترتیب گرایش به مبارز؟ بیولوژیکی مورد توجه و علاق؟ پژوهشگران قرار گرفت و تحقیق و تعمق در این حیطه ادامه یافت. کتاب کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای خاکزاد از جمله آخرین رساله هایی است که در این زمینه به چاپ رسیده و به علت غنای علمی و توجه به جنبه های مختلف مبارزه بیولوژیکی در ابعاد اجرایی وسیع، سخت مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان کتاب امید دارند که ترجم؟ این کتاب، خلاء محسوسی را که در این زمینه در منابع فارسی موجود است تا حدی جبران کند. کتاب فوق که از ترجمه ای دقیق و روان برخوردار است. در دو جلد و سی فصل توسط معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت کشاورزی منتشر شده است.

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بابادوست کندری، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد بابا دوست کندری متولد 1330ه.ش، دارای فوق دکتری گیاهپزشکی از دانشگاه ایالتی کلرودینای شمالی آمریکا سال 1362، عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشگاه تبریز می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمدبابا دوست کندری درسال 1330 ه.ش چشم به جهان گشود. تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدبابا دوست کندری دارای کارشناسی گیاهپزشکی از دانشگاه تبریز در سال1351، کارشناسی ارشد بیماری شناسی گیاهی ازدانشگاه ایالتی واشنگتن در سال1358، دکتری بیماری شناسی گیاهی درسال1361 و فوق دکتری در رشته میکوتوکسینها از دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی درسال1362 می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ دکتری و فوق دکتری گیاهپزشکی از آمریکا، از مقاطع مهم زندگی علمی بابا دوست کندری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدبابا دوست کندری ضمن تحصیل به مطالعه، تحقیق و تالیفآثاری پیرامون حشره شناسی و بیماریهای گیاهی مشغول بوده است.وقایع میانسالی : محمد بابا دوست کندری پس از فراغت از تحصیل در دانشگاه به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز استخدام شد. وی هم اکنون با سمت دانشیار به فعالیت در آنجا مشغول است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدبابا دوست کندری عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز می باشد.فعالیتهای آموزشی : محمدبابا دوست کندری سالهاست که به تدریس دروس مربوط به گیاهپزشکی و حشره شناسی در دانشگاه تبریز مشغول به کار است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد بابا دوست کندری در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون کنترل بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها ، حشره شناسی و ... مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : محمدبابا دوست کندری از جمله گیاهپزشکانی است که تحقیقاتی پیرامون بیماریهای گیاهی، میکوتوکسینها و حشره شناسی داشته است.آثار : حشره شناسی کنترل بیماریهای گیاهی میکرتوکسینها
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بابالار، مصباح

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مصباح بابالار متولد 1330 خورشیدی زرند ساوه میباشند.وی لیسانس خود را از مدرسة عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس 7) دریافت نمود. دکتر بابالار در سال 1364 به استخدام دانشگاه تهران و دانشکدة کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت 5 سال مأمور به خدمت در دانشگاه رازی کرمانشاه شد. نامبرده هم اینک با رتبه علمی دانشیاری در دانشگاه تهران مشغول فعالیت است.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : بیولوژی و فیزیولوژی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات ابتدایی و بخشی از تحصیلات متوسطه را در زرند ساوه گذرانید. در ادامة تحصیل، دیپلم متوسطه تجربی را از دبیرستان هنر بخش تهران دریافت کرد. وی لیسانس خود را از مدرسة عالی مهندسی کشاورزی مازندران و فوق لیسانس و دکتری بیولوژی و فیزیولوژی گیاهی را از دانشگاه ژوسیوی فرانسه (پاریس 7) دریافت نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر بابالار در سال 1364 به استخدام دانشگاه تهران و دانشکدة کشاورزی (گروه باغبانی) درآمد. در بدو استخدام به مدت 5 سال مأمور به خدمت در دانشگاه رازی کرمانشاه شد. از سال 1371 و بعد از خاتمة مأموریت به دانشکدة کشاورزی دانشگاه تهران بازگشت. وی هم اینک به عنوان دانشیار در دانشگاه تهران مشغول است.ایشان همچنین مدتی عهده دار سمت مدیر کل پژوهش های کاربردی دانشگاه تهران بوده است.فعالیتهای آموزشی : سوابق آموزشی و عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر بابالار : مدرس کارشناسی ارشد : * کشت بافت و سلول گیاهی * تغذیه و متابولیسم در گیاهان باغبانی * فیزیولوژی پس از برداشت تکمیلی دکتری : * بیوشیمی گیاهیچگونگی عرضه آثار : از دکـتر مـصباح بابالار تعدادی مقالات در نشریه های بین المللی و کنگره های جهانی و مجله های علمی پژوهشی داخلی چاپ شده است . نیز از ایشان تعدادی مقاله در سمینارها ارائه شده است. آثار : تغذیه درختان میوه ویژگی اثر : پدیدآورنده: مصباح بابالار (مترجم)، محسن پیرمرادیان (مترجم) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 14 تیر، 13852 تغذیه معدنی گیاهان ویژگی اثر : پدیدآورنده: مه لقا

قربانعلی، مصباح بابالار ناشر: دانشگاه تربیت معلم -
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

باقری زنوز، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ابراهیم باقری زنّوز در سال 1311 در بخش زنّوز از توابع آذربایجان شرقی به دنیا آمد.ایشان در سال 1347 مدرک دکترا رشتة حشره‌شناسی را از دانشکدة علوم دانشگاه پاریس اخذ کرده است. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران با رتبه علمی استادی می باشد. کتاب "سخت بالپوشان زیان‌آور" ابراهیم باقری زنوز ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : ابراهیم باقری زنّوز تحصیلات ابتدایی را در زنّوز و تحصیلات دبیرستانی را در مرند و تبریز به پایان رسانید و در سال 1332 وارد دانشگاه شد و در سال 1335 موفق به دریافت درجة مهندسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران گردید. در سال 1343 با استفاده از بورس تحصیلی دولت فرانسه، راهی آن کشور شد و در سال 1347 به اخذ درجة دکترا در رشتة حشره‌شناسی از دانشکدة علوم دانشگاه پاریس نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر باقری زنّوز پس از بازگشت به ایران در سمت استادیار تمام وقت در دانشکدة کشاورزی دانشگاه تهران به کار تدریس و تحقیق پرداخت و بر اثر تلاشهای آموزشی و پژوهشی به مقام دانشیاری و پس از آن به رتبه علمی استادی ارتقا یافت. نامبرده در حال حاضر، سرپرستی گسترش موزة جانورشناسی و مدیریت گروه گیاه‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را عهده‌دار است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط ابراهیم باقری زنوز به قرار زیر است: کارشناسی • آفات انباری کارشناسی ارشد • جوندگان زیان آورمحصولات کشاورزی • سیستماتیک گروههای خاص حشرات بندپا • فیزیولوژی پیشرفته حشرات • فیزیولوژی حشرات • مرفولوژی حشرات جوائز و نشانها : کتاب "سخت بالپوشان زیان‌آور" ابراهیم باقری زنوز ، در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : ابراهیم باقری زنّوز تاکنون دهها مقاله پژوهشی و گزارش علمی به زبانهای فارسی و خارجی در مجلّات و نشریّات مختلف از قبیل: نشریّ? دانشکده

کشاورزی، مجلّة جامعه حشره‌شناسان ایران، نشریه انستیتو بررسی آفات و بیماریهای گیاهی، مجلّة سازمان حفظ نباتات و کتاب آفات انباری ایران به چاپ رسانید، همچنین مبادرت به تألیف 2 جلد کتاب در زمینة اصول مبارزه با آفات محصولات انباری کرده است. - مقالات ارائه شده در همایشها:8 مورد - مقالات چاپ شده در مجلات داخلی :بیش از یک مورد آثار : اصول مرفولوژی و فیزیولوژی حشرات ویژگی اثر : ترجمه,دانشگاه تهران,1378 2 سخت بالپوشان زیان‌آور ویژگی اثر : این کتاب در دوره پنجم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شده است- آشنایی با کتاب: «سخت بالپوشان زیان‌آور» در این کتاب، سخت بالپوشان زیان‌آور که به محصولات غذایی و صنعتی در انبارها زیانهای فراوانی وارد می‌کنند مورد بررسی قرار گرفته‌اند و طرز شناسایی، نحو؟ زندگی، چگونگی خسارتها و زیانهای اقتصادی این آفات به بحث کشیده شده، راههای مبارزه با آنها به ویژه با استفاده از سموم گازی بیان شده است

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بشیری، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیاوس بشیری متولد 1323ه.ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هئیت علمی دانشگاه استکهلم با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون شناخت و درمان بیماریها و افات میوه های سردسیری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکی تحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش بشیری دارای کارشناسی رشته کشاورزی ازدانشگاه شیراز و دکتری رشته از دانشگاه استکهلم می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش بشیری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیاوش بشیری در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی درحوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سیاوش بشیری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشگی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه استکلهم در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش بشیری عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دردانشکده کشاورزی دردانشگاه استکهلم است.فعالیتهای آموزشی : سیاوش بشیری سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه استکهلم به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش بشیری درکنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سیاوش بشیری از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشهای و تلاشهای علمی وسیعی درباره شناخت و درمان بیماریها و آفات میوه های سردسیری انجام داده است.
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

بنی پور، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالقاسم بنی پور در سال 1346 در خانواده مذهبی و کشاورز در بخش کوی شرقی شهرستان گناباد به دنیا آمد مقطع ابتدایی و دوره متوسطه و دبیرستان را در زادگاهش گذراند و رشته دکتری عمومی و تخصصی دامپزشکی خود را از دانشگاه شیراز اخذ کرد و در حال حاضر به عنوان متخصص علوم آناتومی (شامل گرایش های آناتومی بافت شناسی و جنین شناسی) و با درجه علمی دانشیار به تدریس مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : علوم آناتومیوالدین و انساب : پدر ابوالقاسم بنی پور محمد علی بنی پور (بنی عباس، نام سابق) و مادر محترمشان سرکاخانم معصومه حبیبی است.خاطرات کودکی : ابوالقاسم بنی پور 1ور طبیعت شهرستان زادگاهش و کمک پدر در انجام گارهای سخت کشاورزی بازی با هم سن و سالهایش در محیط سرسبز و پرطراوت زادگاهش از خاطرات فراموش نشدنی دوره کودکی ایشان است. این سبک زندگی که مختص زندگی در شهرستان هاست، ضمن ایجاد نشاط باعث برخورداری فرد از اراده قوی، پشتکار بالا و تحمل شرایط سخت میشود. همچنین بنی پور شرکت در مراسم مذهبی بویژه در ایام تاسوعا و عاشورا نیز از خاطرات خوب دوران کودکی خود نام میبرد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده ابوالقاسم بنی پور خانواده ای مذهبی و کشاورز بودند که لازمه امرار معاش زندگی اننجام کارهای سخت کشاورزی و تلاش مستمر را می‌طلبد و در عین حال که محیطی پر نشاط ، پر صفا و صمیمیت همیشه در خانواده و اعضای آن حکم فرما بود وی در این خصوص می گوید: "من از این بابت همیشه دست پدرم را می‌بوسد."تحصیلات رسمی و حرفه ای : گذراندن دوره ابتدایی در دبستان مظفر گناباد دوره دبیرستان در مدارس خواجه نصیر و شهید بهشتی در رشته علوم تجربی در گناباد کسب دکترای حرفه ای در دانشگاه شیراز سال 1371 دکترای تخصصی دامپزشکی گرایش علوم آناتومی در دانشگاه شیراز سال 1375خاطرات و وقایع تحصیل : ابوالقاسم بنی پور شهادت برادرش غلامحسین بنی‌پور در زمان تحصیل در مقطع متوسطه سال 1362 را از وقایع تلخ آن دوران ذکر میکند وی در این باره میگوید: "او دلاورانه و قهرمانانه در راه دفاع از اسلام و میهن خود جنگید و به درجه رفیع شهادت نائل آمد."استادان و مربیان : از استادان ابوالقاسم بنی پور

در دانشگاه شیراز میتوان به دکتر سید رضا قاضی و دکتر سید هادی منصوری اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر ابوالقاسم بنی پور سرکار خانم زهرا رحمانی است که در رشته پزشک عمومی تحصیل کرده است و از این ازدواج وی دارای دو فرزند به نامهای رویا و علیرضا میباشد که در حال حاضر دختر وی در کلاس اول راهنمایی مشغول به تحصیل است و پسر کوچیکترش سه ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - مدیر گروه علوم پایه دانشگاه دامپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو شورای پژوهشی دانشگاه دامپزشکی - عضو هسته کار آفرینی دانشگاه فردوسی مشهد - عضو قطب علمی سقط جنین و مرگ و میر نوزادان نشخوارکنندگان - عضو هیئت تحریریه مجله علمی تحقیقاتی Journal of Applied Animal Reseavch مجله گروه ISI - عضو اننجمن دامپزشکی ایران از مسئولیت های دکتر بنی‌پور میباشد.فعالیتهای آموزشی : ابوالقاسم بنی پور در رشته های مختلف دامپزشکی در دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد و نیز چند مرکز دانشگاهی دیگر مشغول له تدریس است.جوائز و نشانها : - استاد نمونه دانشگاه فردوسی مشهد - انتخاب طرح پژوهشی دکتر بنی‌پور تحت عنوان "مطالعه بافت شناسی هدایتی قلب در خوکچه هندی" به عنوان طرح برگزیده در جشنواره استانی فردوسی مشهد برگزیده شد.

پارسا پژوه، داود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1320، مرتبه علمی: استاد، رشته: صنایع چوب، دانشکده: منابع طبیعی، دانشگاه: تهران
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
دیپلم مهندسی در رشته جنگل و مرتع از دانشکده کشاورزی کرج دانشگاه تهران در سال 1344، کارشناسی ارشد بیولوژی گیاهی (چوب‌شناسی) از شهر نانسی فرانسه در سال 1347 و دکترای مهندسی تکنولوژی چوب از فرانسه در سال 1349.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تهران در سال 1349، دانشیار دانشگاه تهران در سال 1354 و استاد دانشگاه تهران در سال 1363،استاد نمونه دانشگاه تهران در سال 1371، استاد ممتاز دانشگاههای ایران در سال 1372.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
چوب‌شناسی، حفاظت چوب تکنولوژی چوب، استفاده از نی، نگهداری چوبهای واقع در آب، نگهداری تراورس چوبی، تیر چوبی، استاد راهنمای یک پایان‌نامه دکترا و 10 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
ابداع:
جایگزینی روش روپینگ بجای روش بتل در تأسیسات حفاظت چوب (روش حفاظت چوب).
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 3
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 1
زمینه علمی تألیفات:
تکنولوژی چوب، چوب‌شناسی، اطلس چوب (تشریح میکروسکوپی چوب).
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 10، تعداد مقالات بزبان خارجی: 7
زمینه علمی مقالات:
چوب‌شناسی، حفاظت چوب و تکنولوژی چوب.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

پرهام، یوسف

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یوسف پرهام متولد 1323 ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه لسینگ با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون شیوه های محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر یوسف پرهام دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه لسینگ میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یوسف پرهام بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر یوسف پرهام د ر کنار تحصیل به مطالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر یوسف پرهام پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه لسینگ در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر یوسف پرهام عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لسینگ است.فعالیتهای آموزشی : دکتر یوسف پرهام سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی لسینگ به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر یوسف پرهام در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر یوسف پرهام از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره شیوه های محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی انجام داده است.آثار : شیوههای محافظت از مرکبات در کانتینر های کشتی
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

پورجم، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم پور جم در سال 1338، در آباده به دنیا آمد. او در سال 1363 لیسانس علوم زراعی را در دانشگاه شیراز به پایان رساند. پس آن از وارد دانشگاه تربیت مدرس شد و کارشناسی ارشد را با گرایش بیماری شناسی گیاهی در سال 1367 و دوره دکتری را با گرایش نماتد شناسی در سال 1377 از این دانشگاه اخذ نمود. دکتر پورجم با اتمام تحصیلات خود، ضمن تدریس در دانشگاه، به گسترش فعالیت تحقیقاتی و پژوهشی پرداخت و با چاپ مقالات مختلف علمی و حضور در کنفرانسها و همایشهای تخصصی بر تجربیات خود افزود.گروه : کشاورزیرشته : بیماری شناسی گیاهیگرایش : بیماریهای گیاهی

_____

آثار : Borhani, A. Kheiri, A., Okhovat, M., Eshtiaqi, H. and Pourjam, E. (2001). Effect of Fusarium Solani on Population of Pratylenchus Vulnus in Acer Seedlings. Proceeding of Asian International Mycological Congress, P. 78 POURJAM, E. & TAHERI, A. (2001). Scanning Electron Microscopy Study of Aprutides Guidettii and Pratylenchus Vulnus (Nematoda: Tylenchida) from Iran. Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia, pp. 33-34 POURJAM, E., Bert, W. and Karimi, M. (2000). A new Anguinid from Iran. Proceeding of 52nd International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. 186 Pourjam, E., Geraert, E, and Alizadeh, A. (2000). Some Pratylenchids from Iran. International Nematology 2: 855 - 869 5 POURJAM, E., GERAERT, E. and Alizadeh, A. (1999). Some Pratylenchides from Iran. Proceeding of 51st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P.186 6 POURJAM, E., GERAERT, E. KHEIRI, A., and Alizadeh, A. (1999). The Genus Pratylenchus from Iran with notes on Pratylenchus neglectus and P. thornei. Proceeding of 51st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium,

P. 58 POURJAM, E., JAMALI, S., KHEIRI, A., DAMADZADEH M. & BERT, W. (2001). Aphelenchoides Species Associated with Cereals in Isfahan (Iran). Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia. pp. 134-135 8 POURJAM, E., JAMALI., KHEIRI, A., DAMADZADEH M. & BERT, W. (2001). Tylenchs (Nematoda: Tylenchina) Associated with Cereals in Center of Iran. Proceeding of Fourth International Nematology Symposium in Russia. Moscow, Russia, pp. 84-85 POURJAM, E., KHEIRI, a., and GERAERT, E. (1997). The Genus Pratylenchus Filip jev, 1936 (Tylanchida: Pratylenchidae) from north of Iran - Mededelingen Faculteit Landbouwkundige en Toegepaste Biologische Wetenschappen, Universiteit Gent 62/3a: 741-756 POURJAM, E., KHEIRI, A., and GERAERT, E. (1997). The Genus Pratylenchus Filip jev, 1936 (Tylanchida: Pratylenchidae) from north of Iran. Proceeding of 49th International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. 146 POURJAM, E., Moens, M. Waeyenberge, L., and GERAERT, (1999). Morphpological, Morphometrical and Mulecular Study of Pratylenchus Coffeae and P. Loosi (Nematoda: Pratylenchidae). Mededelingen Faculteit Landbouwkundige en Toegepaste Biologische Wetenschappen, Universiteit Gent 64 (3a): 391- 401 12 POURJAM, E., Moens. M. Waevenberge. L., and GERAERT, E, (1999). Morphpological, Morphometrical and Mulecular Study of Pratylenchus Coffeae and P. Loosi (Nematoda: Pratylenchidae). Proceeding of 51st International Symposium on Crop Protection Gent, Belgium, P. 186 13 POURJAM, E., Seraji, A. and Kheiri, A. (2000). Occurrence of Some tylenchds (Nematoda: Tylenchida) In Iran. Proceeding of Seventh Arab Congress of Plant Protection Amman, Gordan, P. 371 برهانی، ع، خیری، ا، اخوت، م، پورجم ا و اشتیاقی ح (1379 ). اثرات متقابل نماتد مولد زخم Pratylenchus Vulnus، با قارچ Fusarium oxsysporum در گیاه جنگلی افرا پلت. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحة 166 برهانی، ع، خیری، ا، اخوت، م، پورجم ا و اشتیاقی ح (1379 ). اثرات متقابل نماتد مولد زخم

Pratylenchus Vulnus، با قارچ Fusarium oxsysporum در گیاه جنگلی افرا پلت. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحة 166 برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379 ). تکثیر نماتد مولد زخم ریشه Pratylenchus Vulnus . در محیط کشت دیسک هویج و به منظور تهیه مایع تلقیح و استفاده از آن رای اثبات بیماریزائی در افراپلت. خلاصه مقالات اولین کنگره بیوتکنولوژی کاربردی ایران. صفحه 104 برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379 ). تکثیر نماتد مولد زخم ریشه Pratylenchus Vulnus . در محیط کشت دیسک هویج و به منظور تهیه مایع تلقیح و استفاده از آن رای اثبات بیماریزائی در افراپلت. خلاصه مقالات اولین کنگره بیوتکنولوژی کاربردی ایران. صفحه 104 برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379 ). افرا پلت و شیردار دو میزبان جدید برای نماتد مولد زخم Pratylenchus Vulnus. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران صفحة 358. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379 ). افرا پلت و شیردار دو میزبان جدید برای نماتد مولد زخم Pratylenchus Vulnus. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران صفحة 358. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379). بررسی علت ضعف و مرگ و میر نهالهای افراپلت و شیردار در نهالستان شرکت نکاچوب و روشهای کنترل آن. خلاصه مقالات دومین اجلاس بین المللی جنگل و صنعت. صفحه 22. برهانی، ع، خیری، ا، و پورجم ا (1379). بررسی علت ضعف و مرگ و میر نهالهای افراپلت و شیردار در نهالستان شرکت نکاچوب و روشهای کنترل آن. خلاصه مقالات دومین اجلاس بین المللی جنگل و صنعت. صفحه 22. پدرامفر، ح، خیری، الف و پورجم، الف (1377 ). پیدایش نماتد Heterodera oryzae در مزارع برنج استان گیلان و مطالعه خصوصیات ظاهری و مرفومتری آن. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 87 پورجم، ابراهیم (1368). پیدایش قارچ Tilletia triticoides در ایران. خلاصه مقالات نهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 126 پورجم، الف و محمدی، الف (1374). تاثیر درجه حرارت بر روی بیماریزایی و تولید مثل دو گونه نماتد قارچ خوار. خلاصه مقالات اولین سمپوریوم قارچ خوراکی ایران، صفحه 10. پورجم، الف، خیری، الف، گرارت، ای و علیزاده، ع (1377 ). Hirschmaniella anchoryzae و Aprotides guidettii دو گزارش جدید برای ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 317. پورجم، الف، خیری، الف، گرارت، ای و علیزاده، ع (1377 ). پیدایش چند گونه Pratylenchus در ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 318 پورجم، الف، خیری، الف، گرارت، ای و علیزاده، ع (1377 ). تغییرات در دو گونه نماتد Pratylenchu thornei و P.

neglectus جمع آوری شده از ایران. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 316 پورجم، الف، خیری، الف، گرارت، ای و علیزاده، ع (1378). وجود تغییرات در دو گونه نماتد Pratylenchus thorneiو . neglectus P جمع آوری شده از ایران. مجله بیماریهای گیاهی، 35: 47- 70 پورجم، الف، خیری، الف، گرارت، ای و علیزاده، ع (1378). وجود تغییرات در دو گونه نماتد Pratylenchus thorneiو . neglectus P جمع آوری شده از ایران. مجله بیماریهای گیاهی، 35: 47- 70 پورجم، الف، کریمی و خیری، الف (1379 ). Serratula latifolia یک میزبان جدید برای افراد خانوادة Anguinidae . خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 187. سراجی، ع، پورجم، ا و خیری، ا (1379 ). شناسایی نماتدهای انگل گیاهان مهم زراعی منطقة سیستان. خلاصه مقالات چهاردهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحة 389. قنبرنیا، خیری، الف و پورجم، الف (1379). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان مجلة علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، 4: 59- 71 قنبرنیا، خیری، الف و پورجم، الف (1379). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان مجلة علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، 4: 59- 71 قنبرنیا، ک، خیری، الف و پورجم، الف (1377 ). شناسایی نماتدهای انگل گیاهی مزارع پنبه گرگان و ورامین. خلاصه مقالات سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 115 محمدی الف. و پورجم، الف. (1373). اصول پرورش قارچهای خوراکی. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (1373). اصول پرورش قارچهای خوراکی. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (1380). اصول پرورش قارچهای خوراکی (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف. و پورجم، الف. (1380). اصول پرورش قارچهای خوراکی (چاپ دوم). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف، علیزاده، ع و پورجم، الف. (1374). بیماریهای غلات دانه ریز (ترجمه). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس محمدی الف، علیزاده، ع و پورجم، الف. (1374). بیماریهای غلات دانه ریز (ترجمه). انتشارات دانشگاه تربیت مدرس 41 محمدی، الف و پورجم، الف (1373). ارزش غذایی قارچ خوراکی. مجله پژوهش و سازندگی، 22: 55- 64. 42 محمدی، الف و پورجم، الف (1373). ارزش غذایی قارچ خوراکی. مجله پژوهش و سازندگی، 22: 55- 64. محمدی، الف و پورجم، الف (1374). بیماری سوختگی قارچ خوراکی دکمه ای (Agaricus bisporus) در ایران. خلاصه مقالات دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران. صفحه 389. محمدی، الف و پورجم، الف (1374). فرمولاسیون کمپوست برای تولید قارچ خوراکی دکمه ای (Agaricus bisporus) در سطح تجاری. خلاصه مقالات

اولین سمپوریوم قارچ خوراکی ایران، صفحه 12. محمدی، الف و پورچم، الف (1373). مقایسه عملکرد سویه های مختلف قارچ خوراکی دکمه ای برای کاشت در سطح تجاری. مجله پژوهش و سازندگی، 24: 60- 64
محمدی، الف و پورچم، الف (1373). مقایسه عملکرد سویه های مختلف قارچ خوراکی دکمه ای برای کاشت در سطح تجاری. مجله پژوهش و سازندگی، 24: 60- 64

پورمیرزا، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر پورمیرزا متولد تهران و دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی گرایش سم شناسی در سال 1368 از دانشگاه کاردیف انگلستان است. ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : سم شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : مدارج علمی علی اصغر پورمیرزا به ترتیب زیر است : کارشناسی : حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ 1350از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد:حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ 1353 از دانشگاه تهران دکتری: حشره شناسی گرایش سم شناسی در تاریخ 1368 از دانشگاه کاردیف انگلستان عنوان پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد : بررسی حساسیت لاروهای کرم غوزه در برابر سموم سوپراسیدواندوسولفان . عنوان پایان نامه در مقطع دکتری : STUDIES ON THE SUSCEPTIBILITY OF HELIOTHIS ARMIGERA TO BACILLUS THURINGIENSIS AND ALPHA CYPERMETHRIN AND THE EFFECT OF HOST PLANT ON THE SUSCEPTIBILITY مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی اصغر پورمیرزا عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه ارومیه است. ایشان هم اکنون مدیرگروه گیاهپزشکی و در گذشته : ریاست دانشکده ، معاون آموزشی دانشکده - مدیرگروه گیاهپزشکی را برعهده داشتند.فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است : تدریس دروس کارشناسی : سم شناسی ، آمار ، طرح آزمایشات تدریس دورس کارشناسی ارشد یا دکترای حرفه ای : سم شناسی تکمیلی - آمار حیاتی ـ روش تحقیق تدریس دوره دکتری : به عنوان استاد مدعو سم شناسی تکمیلی - مدل سازی کامپیوتری در حشره شناسی در دانشگاههای تهران و تربیت مدرسآرا و گرایشهای خاص : زمینه های تحقیقاتی مورد علاقه علی اصغر پورمیرزا به قرار زیر است: 1-فرمولاسیون سموم شیمیایی 2-فرمولاسیون سموم میکروبی 3-بررسی اثرات سموم از نظر کشندگیچگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی :76 مقاله - راهنمای پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی :18 پایان نامه طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا و پایان یافته دکتر پور میرزا به ترتیب زیر است: 1-بررسی تولید نیمه صنعتی سوشهای بومی NPV موثر روی هیلیوتیس و

کارادرینا 2- بررسی امکان فرموله کردن نماتدهای STEINERNEMATIDAE جهت مبارزه بیولوژیکی با أفات 2-جمع أوری و شناسایی فون حشرات آذربایجانغربی 3-بررسی مقایسه‌ای تاثیر نماتد STEINERNEMATIDAE و باکتری باسیلیوس تورنژیننیس برروی لارو پشه ها آثار : درمان مسمومیت های حاد ویژگی اثر : 1374 - ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه2 زراعت غلات ویژگی اثر : 1382 ، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه به طور مشترک با آقای دکترمهدی تاجبخش3 سم شناسی ویژگی اثر : ناشر دانشگاه بوعلی سینا به طور مشترک با آقای دکترمحمدخانجانی4 طرح های آزمایشی در علوم کشاورزی ویژگی اثر : 1373 ، ناشر جهاد دانشگاهی دانشگاه ارومیه

پیراسته، بهمن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر بهمن پیراسته دارای دکترای رشته ژنتیک گیاهی و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیفعالیتهای ضمن تحصیل : استادان و مربیان : فعالیتهای آموزشی : سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : شاگردان : آثار : تولید سبزی ویژگی اثر : ور، جورج، دبلیو 1373 (ترجمه )مصطفی مبلی و بهمن پیراسته ،انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

پیغامی، ابراهیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابراهیم پیغامی دارای دکترای رشته گیاهپزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز دانشکده کشاورزی با درجه دانشیار می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : وقایع میانسالی : ابراهیم پیغامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : ابراهیم پیغامی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشگاه تبریزاست.آثار : اصول قارچ شناسی ویژگی اثر : پدیدآورنده: کنستانتین جان آلکسوپولوس، چارلز میمس، مردیت بلک ول، ابراهیم پیغامی (مترجم)، حسین صارمی (مترجم)، مقصود پژوهنده (مترجم)ناشر: جهاد دانشگاهی (واحد مشهد) - 23 بهمن، 13842 اصول مبارزه با بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : مولف: ابراهیم پیغامی 92 صفحه سال انتشار: 1378 انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد3 بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر : مولف: ابراهیم پیغامی 200 صفحه سال انتشار: 1372 انتشارات عمیدی تبریز 4 بیواکولوژی عوامل بیماریزای خاکزاد گیاهان ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: دانیال - 13825 قارچ شناسی تکمیلی ویژگی اثر : پدیدآورنده: ابراهیم پیغامی ناشر: احرار - 13816 ویژه نامه ناظر شماره 1 ویژگی اثر : تالیف
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

تفضلی، عنایت الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال 1354 است. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز به تدریس و تحقیق مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عنایت‌الله تفضلی دارای دکتری باغبانی از دانشگاه ردینگ انگلستان در سال 1354 است. خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته و سفر به کشور های آمریکا و انگلستان از خاطرات و وقایع مهم زندگی علمی عنایت‌الله تفضلی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عنایت‌الله تفضلی در کنار تحصیل به یادگیری زبانهای انگلیسی و آلمانی می پرداخت.هم دوره ای ها و همکاران : وقایع میانسالی : عنایت‌الله تفضلی پس از حراز دکتری باغبانی در دانشگاه شیراز مشغول به تدریس شد . وی پس از طی مراتب علمی استادیاری و دانشیاری به رتبه علمی استادی دانشگاه شیراز درآمد.وی در کنار تدریس به تحقیق در زمینه مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما و اثر تنظیم کننده های رشد در زمان گل انگیزی بر کیفیت و کیفیت انگور وغیره ...می پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عنایت‌الله تفضلی عضو هیات علمی و استاد دانشگاه شیراز است.فعالیتهای آموزشی : عنایت‌الله تفضلی به تدریس دروس های مختلف زیردر دانشگاه شیراز می پردازد: تنظیم کننده های رشد ،میوه های گرمسیری و نیمه گرمسیری ،میوه های دانه ریز ،اصول باغبانی ،سبزیکاریچگونگی عرضه آثار : عنایت الله تفضلی آثار خود را در قالب تالیف و ترجمه کتب و مقاله و همچنین با انتشار آنها در مجلات معتبر علمی بین المللی ارائه میکند. ایشان بیش از 10 پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. وی همچنین دارای چندین طرح تحقیقاتی پایان یافته است که در زیر به چند عنوان از آنها اشاره می شود: مقایسه اثرات و ساخت ایرانی ccc و مقایسه با مشابه خارجی - مجری مقایسه اثر تنک دستی و شیمیایی بر خصوصیات خرما- مجری اثر تنظیم کننده های رشد در زمان گل انگیزی بر کمیت و کیفیت انگور - مجری آثار :  1 اصول باغبانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، ایرج روحانی، بیژن شیبانی، عنایت الله تفضلی ناشر: دانشگاه شیراز - 13832 انگور ویژگی اثر : دانشگاه شیراز

- فارسی 13713 فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی (شامل تعریف و معادل فارسی واژه های علمی): علوم باغبانی ویژگی اثر : پدیدآورنده: مرتضی خوشخوی، عنایت الله تفضلی، احمد خلیقی، وازگین گریگوریان، علیرضا سپاهی، محمدرضا داهی (ویراستار)، سیدمحمد اشکان (ویراستار)، غلامرضا ستوده (ویراستار) ناشر: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ - 26 اردیبهشت، 1385
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

توسلی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مجمود توسلی متولد 1318 هـ.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه ایالتی آلاباما با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون آبیاری ترکیبی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالیفرنیا می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمود توسلی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکتری رشته باغبانی از دانشگاهایالتی الاباما می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده و زندگی علمی دکتر محمود توسلی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمود توسلی در کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکترمحمود توسلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمود توسلی عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه آلاباما است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمود توسلی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه آلاباما به تدریس درونی تخصصصی رشته ماشین آلات کشاورزی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمود توسلی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول بوده است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمود توسلی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری ترکیی بارانی و زهکشی درختان چوب صنعتی کالادونیا انجام داده است.آثار : 1 آبیاری ترکیبی باران و زهکشی درختان چوب صنعتی کالدونیا
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

جلالی سندی، جلال

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر جلال جلالی سندی در سال 1338 در فومن متولد شد.ایشان مدرک دکتری رشته حشره شناسی رااز دانشگاه بنارس هندوستان در سال 1370 اخذ کرده است.وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : حشره شناسی کشاورزیوالدین و انساب : پدر جلال جلالی سندی مهدی جلالی سندی (معلم) و نام مادر محترمشان فاطمه صفوی است.ایشان نیز 4 برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی : دوران کودکی جلال جلالی سندی در روستای سندی از توابع شهر فومن سپری شد .تا کلاس چهارم ابتدایی در فومن به تحصیل پرداخت و بعد از آن برای ادامه تحصیل به رشت عزیمت کرد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : خانواده جلال جلالی سندی در خانواده ای مذهبی ،فرهنگی و متوسط بدنیا آمد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلال جلالی سندی تا چهارم ابتدایی را در شهر فومن گذراند و پس از آن تا دوره متوسطه در رشت به تحصیل پرداخت و در سال 1357 دیپلم تجربی را از دبیرستان نوربخش رشت اخذ کرد.تحصیلات دانشگاهی ایشان در هندوستان بوده است. کارشناسی کشاورزی از دانشگاه بنگلور هندوستان در بین سالهای 1358-1362 کارشناسی ارشد گیاهپزشکی گرایش حشره شناسی از دانشگاه آترا هندوستان دربین سالهای 1362-1365 دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه بنارس هندوستان در بین سالهای 1365-1370 دوره میکروسکوپ الکترونی-دانشگاه بنارس هندوستان در سال 1989- دوره کاربرد الکترو فورز در کشاورزی –دانشگاه گیلان در سال 1378- همسر و فرزندان : جلال جلالی سندی متاهل و دارای همسر و یک فرزند می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مورد تصدی جلال جلالی سندی به قرار زیر است: - سرپرست موزه جانورشناسی دانشکده علوم کشاورزی از سال 1372 الی 1382 - مدیر گروه گیاه پزشکی از سال 1378 الی 1380 - معاون آموزشی و دانشجویی دانشکده کشاورزی از سال 1380 -1385 - عضو انجمن حشره شناسان ایران - شورای آموزشی و پژوهشی دانشکده کشاورزی از سال 1378الی1385 - شورای آموزشی دانشگاه گیلان از سال1380 الی1385 - شورای دانشگاه از سال 1384الی1385 فعالیتهای آموزشی :

دروس ارائه شده توسط جلال جلالی سندی در دانشگاه گیلان به شرح زیر است: الف ) دوره کارشناسی زیست شناسی-جانور شناسی-حشره شناسی و دفع آفات-حشره شناسی تخصصی-نرمتنان و مهره داران زیان اور کشاورزی ب ) دوره تحصیلات تکمیلی مرفولوژی حشرات-فیزیولوژی حشرات سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جلال جلالی سندی در کنار تدریس به تحقیق و نقاشی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه جلال جلالی سندی : فیزیولوژی تولید مثل در حشرات –استفاده از مواد گیاهی در کنترل حشرات چگونگی عرضه آثار : مقالات انگلیسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : 7 مقاله مقالات فارسی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی : 16 مقاله شرکت در کنفرانسها و مقالات ارائه شده :34 مقاله پروژه های تحقیقاتی انجام یافته : الف ) پروژه های انجام شده در پنج سال اخیر 1-بررسی تاثیر حشره کشی ،عقیم زایی و هورمون جوانی از گیاهان هرز رو منطقه گیلان علیه حشرات باغی و زراعی. 2-بررسی نوسانات فصلی تریپس توت در مزرعه تحقیقاتی مرکز تحقیقات کرم ابریشم ایران –پسیخان. 3-فون حشرات پارازیت و پرداتور استان گیلان1380(همکارمجری). 4Puricularia grisea-ارزیابی عصاره چند گونه از گیاهان بومی در جلوگیری از رشد قارچ عامل بیماری بلاست برنج.1385.(مجری) ب) پروژه های جاری ( در دست اجرا ) 1- غربال چند گونه از گیاهان دارویی مهم ایران برای فعالیت ضد حشره ای علیه چهار گونه آفت انباری 2- جمع آوری و شناسایی فون بال ریشکداران استان گیلان آثار : تنظیم کننده های رشد در حشرات ویژگی اثر : انتشارات حق شناس 193 صفحه منابع زندگینامه /http://iranologyfo.com:

جوکار، یعقوب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر یعقوب جوکار متولد 1323 ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه مارسی با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر یعقوب جوکار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه مارسی فرانسه میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر یعقوب جوکار بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر یعقوب جوکار د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر یعقوب جوکار پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه مارسی درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر یعقوب جوکار عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه مارسی است.فعالیتهای آموزشی : دکتر یعقوب جوکار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه مارسی به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر یعقوب جوکار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر یعقوب جوکار از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره شیوه های انتقال بیماری از گیاهان به انسان انجام داده است.آثار : شیوه انتقال بیماری از گیاهان به انسان
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

حجارود، قربانعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیخ,سوئیس است. وی عضو هئیت علمی دانشگاه تهران(کشاورزی) با درجه استاد است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : قربانعلی حجارود دارای دکتری گیاه پزشکی از دانشگاه پلی تکنیک زونیخ,سوئیس است.وقایع میانسالی : قربانعلی حجارود پس از احراز دکتر ی رشته گیاه پزشکی به عضویت دانشکده کشاورزی/گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : قربانعلی حجارود استاد و عضو هیئت علمی دانشگده کشاورزی ،گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : عناوین دروس آموزشی ارائه شده قربانعلی حجارود به شرح زیر است: کارشناسی ارشد • قارچ شناسی تکمیلی • قارچشناسی • قارچشناسی تکمیلی چگونگی عرضه آثار : قربانعلی حجارود به موازات تدریس به تحقیق در زمینه های گونه جدیدی از قارچهای Frysiphaceae از ایران ،مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندرقند بعداز برداشت در کرمانشاه ،کمک به شناسائی گونه های puccinia در ایران و بررسی اثر آفتاگونیست چند جدا شده Triehoderma روی phytophthora erythrose ptiea عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی می پردازد.آثار : 1 مقالات ارائه شده در همایشها: • حجا رود قربانعلی,"بررسی مقاومت چند رقم برنج نسبت به بیماری کله قهوه ای",دومین همایش ملی استفاده بهینه از کود و سم در کشاورزی,کرج/ایران ,02-,بهمن,1379 • حجا رود قربانعلی,"بیماریزائی یا سفیدشدن گیاهچه های مرکبات ",دومین کنگره علوم باغبانی ایران,کرج/ ایران ,02-,شهریور,1379 • حجا رود قربانعلی,"تنوع شدت بیماریزائی جرایه های قارچ Ascochyta rabia جمع آوری شده از مناطق مختلف استان کرمانشاه بر روی ارقام نخود معمولی",هشتمین کنفرانس سراسری زیست شناسی,دانشگاه رازی / ایران ,09-,شهریور,1378 • حجا رود قربانعلی,"معرفی دو قارچ جدید روی برگ زرشک در خراسان",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"معرفی گونه های قارچی جدا شده به عنوان لکه قهوه ای ذرت در استان های مازندارن و

گیلان",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"بیماریهای قارچی بعد از برداشت ریشه چغندر قند در استان خوزستان ",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"مطالعه فلور قارچهای کرج",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"چرخه زندگی بیماری پوسیدگی طوقه برنج ناشی از giberella fijikuroi در گیلان ",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"بررسی بیماری سفیدک داخل یونجه و شرایط اقلیمی مؤثر در بروز اپیدمی آن در استان همدان",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"مطالعه تابستانگذرانی و جستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت ",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"گونه جدیدی از قارچهای erysiphacea از ایران",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر چند قارچکش و قارچ انتاگونیست روی قارچ عامل بیماری پوسیدگی گل آذین خرما",سیزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • حجا رود قربانعلی,"بررسی مقاومت سه رقم پیاز ایرانی در برابر پوسیدگی سفید پیاز ",دومین سمینار تحقیقات سبزی وصیفی,کرج/ایران ,21-,مرداد,1374 • حجا رود قربانعلی,"اولین گزارش از جداسازی و شناسایی قارچ paecilomycs farinosu از سیستمهای نماتد و بررسی یاثرانتاگونیستی آن روی تخمهای نماتد در ایران",دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"بررسی شانکر سیتو سپورایی درختان سیب در استان همدان",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"شناسایی قارچ های خانواده erisiphacea در منطقه حفاظت شده گلستان",دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"معرفی قارچ عامل پوسیدگی ساقه برنج در گیلان",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"معرفی pestalotiopsis smilacis به عنوان گونه جدید برای میکوفلور ایران ",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"معرفی چندعامل قارچی بیماری پوسیدگی غلات برنج در گیلان",دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"مطالعاتی در

مورد زنگهای خانواده cyperacea در ایران",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"گزارشی از وجود قارچ انگل نماتدهای ماده در ایران",دوازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"جداسازی fusarium solani از سیستمهای نماتد و بررسی اثر انتاگونیستی آن روی تخم های نماتد ",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • حجا رود قربانعلی,"بررسی میکوفلور زعفران",دومین گرد همائی زعفران و زراعت گیاهان داروئی ,گناباد / ایران ,17-,آبان,1373 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر آنتاگونیسی جدا شده تریلودر ماروی قارچ selerotinia sclerotiorun (Lib )de bary عامل اسکلروتینیائی بادنجان",یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران ,رشت / ایران ب ,06-,شهریور,1372 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر چند قارچ کش در کنترل بی»اری گموز پسته در اثر phydophthora spp ",یازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران ,رشت / ایران ,06-,شهریور,1372 • حجا رود قربانعلی,"بررسی بیماری پوسیدگی سفید سیر در اثر قارچ scl2 مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: • Hajarood Ghorbanali,"aesedium scorzonorae lalifoliae sp nov.and puceinia dore matis ammoniaci sp.two new species of uredinales in iran", lidia,3, 122-119 ,2615 • Hajarood Ghorbanali,"two taxa new to the iranian rust flora", lidia,3, 76-73 ,2614 • Hajarood Ghorbanali,"la maladie des taches bumes du tournesol", phytofathologiche eatseherift,78, 277-274 ,2594 • Hajarood Ghorbanali,"etudes taxonomiques sur les phoatoloje miyake et leurs formes moisines", sydowia,22, 107-57 ,2589 • Hajarood Ghorbanali,"Genetic structure of Iranian Pyricularia grisea populations based on rep-PCR fingerprinting.",European Journal of Plant Pathology,110,909-919 ,2004 • Hajarood Ghorbanali,"Fertility status and distribution of mating type alleles of the Rice Blast Fungus, Magnaporthe grisea in northern Iran",comm. APPl.Biol . Sci جلد 69 شماره 4,537-539 ,2004 • Hajarood Ghorbanali,"Olive Verticillium wilt or dieback olive in Iran.",Comm.Appl.Biol. جلد 69 شماره 4,433-442 ,2004 • Hajarood Ghorbanali,"Evaluation of chickpea resistance against some isolates of Ascochyta rabiei, the

causal agent of Ascochyta blight.",Comm. Appl. Biol. Sci. Ghent Universit,جلد 69 شماره 4,663-665 ,2004 مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: • حجا رود قربانعلی,"مطالعه اثر اسیبنزلار-اس-متیل در کنترل بیماری سفیدک پودری خیار ",مجله علوم کشاورزی ایران ,35 ( 2 ),285 -292 ,1383 • حجا رود قربانعلی,"تاکسونومی Puccinia coronata s. l. عامل زنگ تاجی در ایران",رستنیها,5 ( 1 ),107- 89 ,1383 • حجا رود قربانعلی,"شناسائی نژادهای فیزیولوژیک قارچ عامل بیماری سفیدک داخلی آفتابگردان در استان مازندران و دشت گرکان",مجله علوم کشاورزی ایران,جلد31شماره1,90-85 ,1379 • حجا رود قربانعلی,"اطلاعاتی جدید از فلورقارچهای میکرومیست ناحیه کرج (1)",رستنیها ,جلد1,130-103 ,1379 • حجا رود قربانعلی,"مطالعه رنگهای گیاهان تیره cyperacaae در ایران ",رستنیها ,جلد1,41-23 ,1379 • حجا رود قربانعلی,"تحقیقی درزمینه شناسائی قارچهای تیره Erysiphacaae در استان گیلان (1)",رستنیها ,جلد1,149-131 ,1379 • حجا رود قربانعلی,"گونه جدیدی از قارچهای Frysiphaceae از ایران ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد35شماره 4-1,124-122 ,1378 • حجا رود قربانعلی,"اولین گزارش از تشکیل تلئومورف قارچ rhizocdonia solani جدایه چغندر قند در ایران",مجله بیماریهای گیاهی,جلد35شماره 4-1,180-179 ,1378 • حجا رود قربانعلی,"بررسی پوسیدگی ساقه برنج در گیلان",مجله بیماریهای گیاهی,جلد34شماره1و2,83-76 ,1377 • حجا رود قربانعلی,"مارچهای مولد پوسیدگی ریشه چغندرقند بعداز برداشت در کرمانشاه ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد34شماره1و2,91-84 ,1377 • حجا رود قربانعلی,"جداسازی قارچهای paecilomycos sppوFusarium solani از Heterodera schacahtii و کارآئی آنها در کنترل بیولوژیکی تخم های نماقد در شرایط آزمایشگاه",مجله بیماریهای گیاهی,جلد 34شماره3و4,196-186 ,1377 • حجا رود قربانعلی,"بروز بی»اری پوسیدگی سفید روی کلزا در استان گیلان ",آفات وبیماریهای گیاهی ,جلد66شماره1و2,143 ,1376 • حجا رود قربانعلی,"کمک به شناسائی گونه های puccinia در ایران",مجله بیماریهای گیاهی,جلد32شماره3و4,267-244 ,1375 • حجا رود قربانعلی,"پیدایش gibbere lla zede patch فرم جنسی عامل پوسیدگی غلاف برنج در گیلان ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد32شماره3و4,292 ,1375 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثرچند قارچکش در کنترل بیماری پوسیدگی طوقه برنج در گیلان ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد32شماره3و4,277-268 ,1375 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر آفتاگونیست چند جدا شده Triehoderma روی phytophthora

erythrose ptiea عامل بیماری پوسیدگی صورتی غده سیب زمینی ",مجله علوم کشاورزی ایران,حلد25شماره2,72-61 ,1373 • حجا رود قربانعلی,"Pestalatiapsio mattrassii عامل بیماری سوختگی خاکستری برگ چای و یک نمونه جدید برای میکوفلور ایران ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد30شماره4-1,80-79 ,1373 • حجا رود قربانعلی,"بررسی بیماریزائی برخی از گونه های بذر زاد روی گیاهچه پنبه", مجله بیماریهای گیاهی,جلد 29ش1و2,41-35 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"مطالعه گونه های septoria در ایران", مجله بیماریهای گیاهی,جلد 29ش1و2, 75-53 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"بررسی میکوفلور بذر پنبه در ایران ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد29 شماره3و4,139-132 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"معرفی یک قارچ جدید جداشده از درختان سیب ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد 29 شماره1و2,83-77 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"کمک به شناسائی سیاهکهای ایران",مجله بیماریهای گیاهی,جلد29شماره1و2,106-105 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"معرفی قارچ fusaiem solani به عنوان عامل پوسیدگی سیاه ریشه نخود ایرانی در ایران",مجله بیماریهای گیاهی,جلد29شماره3و4,148-147 ,1372 • حجا رود قربانعلی,"شناسائی و پراکندگی گونه های Tilletia روی گندم در غرب و شمالغرب ایران",مجله بیماریهای گیاهی,جلد28شماره4-1,96-85 ,1371 • حجا رود قربانعلی,"بررسی بیماری پوسیدگی طوقه وریشه (گموز) درختان پسته درمنطقه رفسنجان",مجله بیماریهای گیاهی,جلد26 شماره4-1,11-1 ,1369 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر چند قارچکش درمبارزه با عوامل بیماری پوسیدگی طوقه وریشه پسته ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد26شماره4-1,56-47 ,1369 • حجا رود قربانعلی,"بررسی تأثیرعوامل جوی در اسپرزائی pyricularia orgzae",مجله بیماریهای گیاهی,جلد25 ش4-1,58-49 ,1368 • حجا رود قربانعلی,"جداسازی phytophthora citrophthora از طوقه وریشه درختان پسته دامغان ",مجله بیماریهای گیاهی,جلد25سماره4-1,73 ,1368 • حجا رود قربانعلی,"بررسی تاکسونومیک و پاتولوژیک در باره قارچهای شبه جنس sytosporaehrb و اشکال جنسی آنها روی درختان میوه ایران . قسم4 مقالات چاپ شده در همایشها: • حجا رود قربانعلی,"رده بندی عامل زنگ قهوه ای",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"جداسازی Gaeumannomyces graminis var. graminis از غلاف طوقه برنج در مازندران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"مقاومت چند رقم نخود در برابر تعدادی از جدایه های قارچ Ascochyta rabiei در استان کرمانشاه",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی

ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"اثر عصاره برگ Reynoutria sachalinensis بر واکنش های دفاعی بوته خیار در جریان ابتلا به بیماری سفیدک پودری ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"شناسایی دودمان کلونی در جمعیت قارچ Magnaporthe grisea و بررسی نحوه پراکنش آنها به کمک rep-PCR در گیلان",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"شناسایی گونه های جنس Ganoderma Karst. ( Basidiomycota در شمال ایران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"گزارش تلئومورف Gibberella zeae Fusarium graminearum از مازندران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"کنترل بیولوژیکی قارچ Sclerotinia sclerotiorum عامل بیماری پوسیدگی ریشه آفتابگردان بوسیله سودوموناسهای فلورسنت",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"استخراج و شناسایی مواد ضد باکتری از کارپوفور ( Ganoderma applanatum Basidiomycota ) جمع آوری شده از شمال ایران ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"مطالعه برخی خصوصیات بیولوژیکی و کشت و پرورش مصنوعی گونه های Ganoderma lucidum و ( G. applanatum Basidiomycota ) جمع آوری شده از شمال ایران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"نقش حرارت درمانی قلمه های زیتون در کاهش آلودگی انها به بیماری پژمردگی ورتیسیلیومی ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر چند ترکیب شیمیایی در القاء مقاومت خیار علیه بیماری سفیدک پودری ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • حجا رود قربانعلی,"بررسی اثر چند آنتاگونیست بر Phytophthora citrophthora عامل بیماری گموز ( پوسیدگی طوقه و ریشه ) پسته ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • Hajarood Ghorbanali,"Olive Verticillium wilt or dieback of Olive in Iran",56th International Symposium on Crop Protection ,بلژیک ,06-05 ,Hajarood • may,2004 Ghorbanali,"Fertility status and distribution of mating type alleles of the rice blast fungus, Magnaporthe grisea in northern Iran",56th International Symposium on Crop

may,2004 • Hajarood,06-05, بلژیک, Protection Ghorbanali,"Seed born fungi of rice ( Oryza sativa ) in Mazandaran",56th International Symposium on Crop
may,2004 • Hajarood,06-05, بلژیک, Protection Ghorbanali,"Evaluation of chickpea resistance against some isolates of Ascochyta rabiei blight",56th International
may,2004,06-05, بلژیک, Symposium on Crop Protection
منابع زندگینامه :http://www.iranologyfo.com

حجازی، میرجلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر میرجلیل حجازی،دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ،درسال 1334 در شهرستان مرند بدنیا آمد.نامبرده در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1364 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : میر جلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1352 از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال 1359 از دانشگاه دیویس - امریکا دریافت نموده اند و در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایان نامه : الف - کارشناسی ارشد Weed control by tarping the soil with clear polyethylene : plastic ب - دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham:life table studies and ovicidal activity وقایع میانسالی : میر جلیل حجازی در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1364 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی : عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی ، مدیریت گروه گیاهپزشکی ومعاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی-عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی میر جلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس 1-دوره کارشناسی: سمشناسی - علفهای هرز و کنترل آنها 2-تحصیلات تکمیلی:سمشناسی تکمیلی-مدیریت آفات- فیزیولوژی علفکشها- روش تحقیق وآفتکشهاومحیط زیست چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : 13 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 23 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : راهنمایی (7

فقره پایان یافته - 4مورد در حال انجام ) مشاوره: 6 فقره پایان یافته - 1 فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی ( 1 فقره انجام یافته - 2 فقره در حال انجام )
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجازی، میرجلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر میرجلیل حجازی،دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ،درسال 1334 در شهرستان مرند بدنیا آمد.نامبرده در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1364 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این فعالیت در دانشگاه مذکور تا کنون ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : میر جلیل حجازی تحصیلات ابتدایی را در دبستان فرمانفرمائیان به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1352 از دبیرستان فردوسی اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاه پزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حفاظت گیاهان و مدیریت آفات را در سال 1359 از دانشگاه دیویس - امریکا دریافت نموده اند و در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : Weed control by tarping the soil with clear polyethylene plastic ب - دکتری: Effect of Benzoylphenylureas on Platynota stultana Walsingham:life table studies and ovicidal activity وقایع میانسالی : میر جلیل حجازی در سال 1364 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی را از دانشگاه دیویس - امریکا با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1364 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی دکتر حجازی: قبلی : عضویت در کمیته اجرایی و کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاهپزشکی ، مدیریت گروه گیاهپزشکی ومعاونت گروه گیاهپزشکی فعلی: عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه گیاه پزشکی-عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی میر جلیل حجازی به قرار زیر است: تدریس 1-دوره کارشناسی: سمشناسی - علفهای هرز و کنترل آنها 2-تحصیلات تکمیلی:سمشناسی تکمیلی-مدیریت آفات- فیزیولوژی علفکشها- روش تحقیق وآفتکشهاومحیط زیست چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : 13 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها: 23 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : راهنمایی (7

فقره پایان یافته - 4مورد در حال انجام ) مشاوره: 6 فقره پایان یافته - 1 فقره در حال انجام تعداد پایاننامه های دکتری: راهنمایی ( 1 فقره انجام یافته - 2 فقره در حال انجام )
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حجت، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید حسین حجت در سال 1314 خورشیدی در تهران بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته حشره شناسی از کالج امپریال لندن - انگلستان در سال 1341 است. وی عضو هیئت علمی و استاد بازنشسته دانشگاه شهید چمران اهواز می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیوالدین و انساب : پدر سید حسین حجت فضل الله حجت است و مادر محترمشان پس از ازدواج با پدرش احترام السادات لقب گرفت.ایشان دارای سه خواهر بنامهای صدیقه (کارمند بازنشسته شهرداری ) ،فاطمه (فرهنگی بازنشسته در آمریکا ) و خدیجه حجت (بازنشسته بانک کشاورزی) و یک برادر بنام سید محمد حسن حجت بازنشسته سازمان صنایع نظامی کشور می باشد.خاطرات کودکی : دوران کودکی سید حسین حجت همچون دوران کودکی دیگران به بازی و تفریح سپری شد. ایشان از خاطرات خود در این باره از فلک و تنبیه با ترکه یا چوب بدست زدن ترس داشت.او همچنین از دیو و جن و موجودات خیالی و داستانی هم می ترسید.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید حسین حجت در خانواده ای از نظر مالی متوسط بدنیا آمد. هر چند که در بعضی از دوره های زندگی با وجود کمبودهایی با مشکلاتی مواجه می شد ولی از آن دوران به نیکی یاد می کند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : سید حسین حجت تحصیلات ابتدایی را دبستان عنصری تهران در سال 1318 و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف تهران به پایان رسانده و در سال 1334 موفق به اخذ دیپلم متوسطه در رشته علوم طبیعی گردید. دوره کارشناسی ارشد پیوسته را در دانشکده کشاورزی در رشته دفع آفات کشاورزی در سال 1338 و دوره دکتری را در کالج امپریال لندن واقع در کشور انگلستان در رشته حشره شناسی در سال 1341 گذرانید. عنوان پایان نامه دوره دکتری ایشان : اثرات تراکم جمعیت و مقایر کم سموم حشره کش بر سن پنبهخاطرات و وقایع تحصیل : سید حسین حجت از خاطرات خود در این دورن چنین می گوید: با وجود مخالفت پدرم علاقه زیادی به موسیقی به خصوص سنتور داشتم. ضمن تحصیل نواختن این ساز را بخوبی آموختم و در جشن های دانشکده کشاورزی در ارکستر می نواختم. دکتر حجت در دوران تحصیل در مقاطع دانش آموزی جزء دانش آموزان و شاگردان متوسط و خوبی بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید

حسین حجت در کنار تحصیل به آموختن موسیقی (سنتور ) و شرکت در کلاسهای شبانه (مکانیکی اتومبیل ) دانشکده فنی دانشگاه تهران می پرداخت.استادان و مربیان : آقی قریب (معلم ادبیات دبیرستان شرف)مرحوم عباس دوراچی ،مرحوم دکتر جلال افشار ،دکتر محمود شجاعی ،پروفسور ریچاردو و غیره از استادان دکتر حجت بودند.هم دوره ای ها و همکاران : مهندسین عبدالله ابراهیمی ،ضیاء ابطحی ، داریوش عطاء الله اشرافیان ، عطاء الله سالور ، محمود امین ،رحیم بابا خانی ،هوشنگ بردمند ، محمد جوادی ، جواد شاه حسنی ، جمشید خیرابی ،خسرو زاهدی،محمد رهقی ،غلامرضا رجبی و غیره از همدوره ایهای و همکاران سید حسین حجت بشمار می روند.همسر و فرزندان : سید حسین حجت متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم سودابه زعیمی و دو فرزند پسر بنامهای بابک و سیامک حجت (در آمریکا موسسه رایانه ای دارند) و یک فرزند دختر بنام سارا حجت دارای کارشناسی مترجمی انگلیسی می باشد.وقایع میانسالی : از وقایع میانسالی سید حسین حجت می توان به فرار از اهواز بعلت شرایط جنگی و ترک منزل سازمانی در دانشگاه شهید چمران اهواز و مسافرت بخاطر فرصت های مطالعاتی به آمریکا ،سویس و انگلستان، اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید حسین حجت در اسفند 1342 با مرتبه استادیاری در دانشگاه شهید چمران اهواز مشغول به خدمت گردید در اردیبهشت سال 1352 به مرتبه دانشیاری و در بهمن سال 1385 به مرتبه استادی ارتقاء پیدا کرد.از دیگر مشاغل مورد تصدی ایشان بدین قرار است: مدیر گروه گیاهپزشکی اهواز در دوره جنگ تحمیلی ، مدیر کل پژوهشی دانشگاه شهید چمران اهواز ، عضو کمیته ترفیعات دانشگاه شهید چمران ،سردبیری مجله علمی کشاورزی دانشگاه شهید چمران و عضو هیئت تحریریه مجله علمی کشاورزی .فعالیتهای آموزشی : سید حسین حجت در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس دروس حشره شناسی و دفع آفات و دروس وابسته می پردازدمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید حسین حجت از بانیان تاسیس گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید حسین حجت در کنار تدریس به تحقیق و پژوهش و تالیف مقالاتی در زمینه اثر استرس بر موجودات زنده ،تئوری اثر استرس بر گیاهان و جانوران و غیره می پردازد.شاگردان : از شاگردان سید حسین حجت می توان به آقای سمیع و آقای دوستی اشاره کرد.جوائز و نشانها : سید حسین حجت در سال 1356 برنده جایزه نشان پژوهنده همراه با 10 سکه طلا می باشد.چگونگی عرضه آثار : سید حسین حجت مولف 5 کتاب فارسی چاپ شده و در حال حاضر مشغول تالیف یک جلد کتاب دیگر بزبان فارسی است. ایشان مترجم

2 جلد کتاب چاپ شده و در حال ترجمه یک جلد کتاب دیگر می باشد. دکتر حجت مولف 18 مقاله کامل چاپ شده بزبان فارسی در مجلات ،یک مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه مقالات سمینارها ،4 خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها ،5 مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجلات ،یک خلاصه مقاله چاپ شده بزبان انگلیسی در مجموعه خلاصه مقالات سمینارها ،یک مقاله ترجمه شده بزبان فارسی در مجلات ،4 خلاصه مقاله چاپ شده بزبان فارسی در مجلات و یک نشریه فنی ترویجی می باشد.

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حداد ایرانی نژاد، کریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر کریم حدادایرانی نژاد،استاد گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز ،درسال 1330 در تبریز بدنیا آمد.نامبرده در سال 1377 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال 1358 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز مشغول خدمت شد.این همکاری دکتر حدادایرانی نژاد تا کنون با دانشگاه مذکور ادامه دارد. گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : کریم حدادایرانی نژاد تحصیلات ابتدایی را در دبستان بدر به پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1348 از دبیرستان منصور اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته گیاهپزشکی را از دانشگاه تبریز و کارشناسی ارشد حشره شناسی را در سال 1358 از دانشگاه مریلند - امریکا دریافت نموده اند و در سال 1377 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرده‌اند. عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : ارزیابی خسارت طبیعی و تقلیدی سوسک برگخوار غلاتOulema melanopus در مراحل مختلف رشدی گندم و اریته پتوماک ب - دکتری: بررسی فون کنه های مزارع پنبه دشت مغان و ارزیابی اثرات صفات مرفولوژیکی ارقام مختلف پنبه در بیولوژی کنه دو نقطه ای Tetranychus articae وقایع میانسالی : کریم حدادایرانی نژاد در سال 1377 مدرک دکتری در رشته حشره شناسی کشاورزی را از دانشگاه تربیت مدرس با موفقیت اخذ کرد. وی از سال 1358 به عنوان عضو هیات علمی در گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی دکتر حدادایرانی نژاد به ترتیب زیر است: قبلی:معاون اداری ومالی دانشکده کشاورزی- رئیس اداره آموزش دانشکده کشاورزی - معاون گروه گیاهپزشکی فعلی:1 - مدیر داخلی مجله دانش کشاورزی 2 - عضویت در کمیته تحصیلات گروه 3 - مسئول کمیته چاپ و انتشارات شانزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران 4- عضو هیئت علمی و استاد گروه آموزشی گیاه پزشکی دانشگاه تبریز 5-ناظر طرح تحقیقاتی از صندوق حمایت از پژوهشگران جوان نهاد ریاست محترم جمهوری فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی کریم حدادایرانی نژاد به قرار زیر است:

تدریس: 1-دوره کارشناسی: 1- آفات مهم درختان میوه 2-آفات مهم گیاهان زراعی 3- کنه شناسی مقدماتی 2-تحصیلات تکمیلی: 1- کنه شناسی تکمیلی 2- کنه شناسی پیشرفته 3 - روشهای پژوهش در کشاورزی جوائز و نشانها : دریافت لوح تقدیر از دانشگاه تبریز به مناسبت انتخاب پژوهشگر دوم نمونه دانشکده کشاورزی چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : 30 مورد داخلی - 8 مورد خارجی تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 15 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 2 مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 20 مورد تعداد پایاننامه های دکتری : 4 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب تمام شده : 1 عدد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب در حال اجرا : 1 عدد آثار : آفات سبزی و صیفی ایران ویژگی اثر : دیدآورنده: محمد خانجانی، علی اصغر پورمیرزا (ویراستار)، کریم حدادایرانی نژاد (ویراستار)، فرشاد دشتی (ویراستار) ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - 23 مرداد، 1386 2 آفات گیاهان زراعی ایران ویژگی اثر : دیدآورنده: محمد خانجانی، یوسف آرام (ویراستار)، کریم حدادایرانی نژاد (ویراستار)، نسرین درویشی (ویراستار) ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - 28 اسفند، 1384 3 کنه های زیان آور محصولات کشاورزی ایران ویژگی اثر : پدیدآورنده: محمد خانجانی، کریم حدادایرانی نژاد ناشر: دانشگاه بوعلی سینا - 13 آذر، 1385 منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حسینی شاهرودی، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر ناصر حسینی شاهرودی متولد 1318 ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه ردینگ انگلستان با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون دگرگونی ژنتیکی و رابطه آن با پیووند زدن در گیاهان می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر ناصر حسینی شاهرودی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه لندن میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی ناصر حسینی شاهرودی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر ناصر حسینی شاهرودی د ر کنار تحصیل به مطالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر ناصر حسینی شاهرودی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه ردینگ انگلستان در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر ناصر حسینی شاهرودی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه ردینگ انگلستان است.فعالیتهای آموزشی : دکتر ناصر حسینی شاهرودی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی ردینگ انگلستان به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و کشاورزی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر ناصر حسینی شاهرودی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر ناصر حسینی شاهرودی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره دگرگونی ژنتیکی و رابطه آن با پیووند زدن در گیاهان انجام داده است.آثار : دگرگونی های ژنتیکی حاصل از پیوند زدن گیاهان
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

حلاجی، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر موسی حلاجی متولد 1321 ه.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هئیت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجة دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثاری پیرامون طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر موسی حلاجی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان آمریکا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه آرگان و دکتری رشته باغبانی از دانشگاه شفلید انگلستان می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر موسی حلاجی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر موسی حلاجی درکنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر موسی حلاجی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هئیت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه فردوسی مشهد درآمد. وی هم اکنون دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر موسی حلاجی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه باغبانی، در دانشکده کشاورزی در دانشگاه فردوسی مشهد است.فعالیتهای آموزشی : دکتر موسی حلاجی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه باغبانی در دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر موسی حلاجی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر موسی حلاجی از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی و سیعی دربارة طراحی باغهای کشت صنعتی و شرکتهای کشت و صنعت انجام شده است.آثار : شهرکهای کشت و صنعت طراحی باغهای کشت صنعتی
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

خانجانی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد خانجانی در سال 1341 در همدان متولد شد و آخرین مدرک تحصیلی خود را در سال 1375 از دانشگاه تربیت مدرس اخذ کرده اند. وی در حال حاضر دارای مرتبه استادی و مؤلف 8 عنوان کتاب در زمینه های آفات گیاهان زراعی و آفات سبزی صیفی، سم شناسی و کنه شناسی؛ 32 مقاله در مجلات معتبر داخلی و خارجی و 62 مقاله چاپ شده در کنفرانسهای بین المللی و داخلی هستند. در بین کتابهای چاپ شده، مجموعه اطلس کامل آفات گیاهی ایران وجود دارد و به لحاظ اینکه اولین مجموعه کامل آفات ایران می باشد به عنوان مرجعی برای علاقمندان به آفات ایران در داخل و خارج از کشور می باشد. وی تا کنون بیش از 40 گونه جدید جانوری را برای اولین بار برای فون جانوری جهان به عنوان گونه جدید کشف، توصیف و نامگذاری کرده است و همچنین تا کنون 13 طرح پژوهشی مختلف در زمینه کشاورزی را انجام داده و بعضاً آنهایی که کاربردی بودند، راهگشای مسائل بخش کشاورزی بوده است.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیوالدین و انساب : پدرمحمد خانجانی کشاورز بودند و در سن 57 سالگی در سال 1367 این جهان را بدرود گفتند. وی سواد خوبی داشتند و تا چهارم ابتدایی زمان قدیم خوانده بودند. اینجانب آموزش قرآن کریم را نزد ایشان فرا گرفتم و در سن 9 سالگی بطور کامل آن را فرا گرفتم. ایشان از بنیان گذاران هیأت مذهبی روستا بودند. مادرم نیز مسئولیت خانواده را به عهده داشتند و در امور کشاورزی به ویژه در برداشت محصول پدر را یاری می کردند.خاطرات کودکی : محمد خانجانی خاطرات کودکی خود را به زبان خودش اینجور نقل می کند: اولین روزی که به مدرسه رفتم، بعد که عصر برگشتم از عموی بزرگم که کدخدا بودند پرسیدم عمو من چه کاره شدم؟ ایشان برگشتند و گفتند شما لیسانس شدی. من آن موقع معنی و مفهوم پاسخ وی را نمی دانستم. بعد که مدارج دانشگاهی را به تدریج دریافتم متوجه شدم که عمو به تحصیل یک روزه من مدرک لیسانس داده است. در سال دوم ابتدایی دو نفر سپاهی دانش در روستای ما بودند تصادفاً معلم ما آقای مهندس رحیم مقدس زاده از تبریز بودند در کنار تابلو حروف الفبا زده بودند من کلماتی که نمی دانستم با آن حروف جور می کردم و می نوشتم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد خانجانی در یک خانواده کشاورز مذهبی متولد شد

امرار معاش خانواده وی از طریق کشاورزی تأمین می شد. تمام دوران کودکی را در روستای سرخ آباد همدان سپری کرد. همیشه محیط آرام و با نشاطی داشت. همه اعضای خانواده در پیشبرد امور زندگی خانواده نقش داشتند بطوریکه امور زندگی به خوبی پیش می رفت. کار کشاورزی که کار دقیقی است و هر کاری باید در زمان خودش انجام شود به خوبی صورت می گرفت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد خانجانی پس از دوران متوسطه خود موفق به قبولی در دانشگاه تهران در رشته مهندسی کشاورزی- گیاه پزشکی شد. ایشان مدرک لیسانس خود را در سال 1367 از دانشگاه تهران کسب نمود. وی درسال 1369 موفق به کسب درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس در رشته حشره شناسی- کشاورزی گردید. درسال 1375 از دانشگاه تهران در رشته حشره شناسی- کشاورزی موفق به درجه دکترای گردید. خاطرات و وقایع تحصیل : محمد خانجانی همیشه دروس روز بعد را قبل مطالعه و با حضور ذهن در کلاس ظاهر می شد. در دوره ابتدایی معلم کلاس دوم سپاه دانش داشتند به نام مهندس رحیم مقدس زاده، ایشان اهل تبریز و مهندس الکترونیک بودند. با علاقه تدریس آنها را در دوزه ابتدایی انجام دادند با آنکه لیسانس بودند ولی بسیار به کار خود عشق می ورزیدند. وی او را بسیار به تحصیل علاقمند نمودند به گونه ای که موقعی که دوم ابتدایی بودم توانایی نوشتن و خواندن کلیه کلمات فارسی را فرا گرفته بود. وی بعد از 18 سال برای تعویض گواهینامه خود به همدان آمده بود و به روستای محمد خانجانی و به خانه آنها آمد. محمد به وی گفت که در دوره دکتری تحصیل می کند و عضو هیات علمی دانشگاه شده است. وی بسیار خوشحال شد. این موضوع همچنین موجب شادی خانواده وی نیز گردید.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد خانجانی در دوره تحصیلی راهنمایی و دبیرستان به پدر و مادر در امور کشاورزی کمک می کرد و در دوره لیسانس که در دانشگاه تهران بود در کارهای فوق برنامه دانشجویی، کمیته رفاهی دانشکده مشغول فعالیت بود. در دوره فوق لیسانس نیز علاوه بر تحصیل، در جاد سازندگی استان همدان مسئول واحد حفظ نباتات جهاد استان بود. تفکیک وظایف وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی که در سال 1369 انجام شد باعث شد امور زراعت در وزارت کشاورزی وقت متمرکز شود و اینجانب باید از جهاد کشاورزی می رفت. تصمیم گرفت به دانشگاه برود. در اسفند 1369 به دانشگاه رفته و تقاضای استخدام نمود و پذیرفته شد.استادان و مربیان : محمد خانجانی2 سال دوره ابتدایی را نزد مهندس رحیم مقدس زاده گذراند. یکی از معلمین راهنمایی آقای محمد علی جعفری بودند. بعد از گذشت 25 سال هنوز ارتباط معلم ـ شاگردی را حفظ کرده است. از دبیرستان نیز با آقای جواد صدیق که معلم معارف اسلامی و همچنین آقای

رضایی معلم ادبیات وی بودند روابط خود را حفظ کرد. با تمام اساتید دوره لیسانس خود در دانشگاه تهران آقایان دکتر باقری زنوز، دکتر رسولیان، دکتر خیری و مرحوم دکتر اسماعیلی که هم استاد دوره لیسانی و فوق لیسانس بودند، دوره دکتری نیز آقای دکتر کریم کمالی که به حق تأثیر بسیار شگرفی در پیشرفت علمی و زندگی وی داشتند.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایهای محمدخانجانی می توان به موارد زیر اشاره نمود: دکتر علی اصغر طالبی، دکتر غلامحسین طهماسبی، دکتر سید ابراهیم صادقی، دکتر جلیل حاجی زاده، دکتر سید حسین گلدانسازهمسر و فرزندان : محمد خانجانی در 16 اسفند 1369 با سرکار خانم نسرین درویشی ازدواج کرد. این ازدواج در دوره دانشجویی دوره دکتری انجام شد. حاصل این ازدواج یک دختر به نام مریم که هم اکنون سال اول دبیرستان هستند و یک پسر بنام علی که هم اکنون دانش آموز مقطع ابتدایی (سوم) هستند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : از مشاغل و مسئولیتهای محمد خانجانی می توان به موارد زیر اشاره کرد: 1- استاد گروه گیاه پزشکی از سال 1375 تا سال 1381 و از سال 1385 تا حال حاضر در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان 2- دانشیار گروه گیاه پزشکی از سال 1381 تا سال 1385 در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان 3- مدیر کل امور پژوهشی از سال 1375 تا سال 1380 در دانشگاه بوعلی سینا در شهر همدان 4-عضو کمیته تخصصی آفات و بیماریهای جنگل و مرتع کشور از سال 1375 تا سال 1379 وزارت جهاد سازندگی 5- عضو شورای پژوهشی محیط زیست از سال 1377 تا سال 1380 سازمان محیط زیست در شهر همدان 6- سرپرست و مسئول را ه اندازی آزمایشگاه کنه شناسی از سال 1370 تا حال حاضر در دانشکده کشاورزی شهر همدان 7- سرپرست و مسئول را ه اندازی کلکسیون حشرات از سال 1367 تا حال حاضر دردانشکده کشاورزی درشهر همدان 8- عضو شورای دانشگاه از سال 1377 تا 1380 در دانشگاه بوعلی سینا شهر همدان 9- عضو شورای پژوهشی سازمان کشاورزی از سال1375 تا 1380در سازمان کشاورزی در شهر همدان 10- مسوول واحد حفظ نباتات از سال 1367 نا سال 1369 در جهادسازندگی در شهر همدانفعالیتهای آموزشی : محمد خانجانی در حال حاضر در دانشگاه پیام نور، مرکز آموزش شهید مدنی، در دوره آموزش ضمن خدمت وزارت جهاد کشاورزی (میاندوآب، بندرعباس، همدان) همکاری داشته است. همچنین با دانشگاههای تهران (دانشکده کشاورزی)، دانشکده علوم دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس تبریز، اهواز همکاری داشته و از تاریخ 27/11/1369 نیز با دانشگاه بوعلی سینا به عنوان عضو رسمی هیأت علمی مشغول به کار شد و هم اکنون با درجه علمی استاد در آموزش

دانشجویان رشته های مختلف کشاورزی به ویژه گیاهپزشکی همکاری دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمد خانجانی در شکل گیری دوره دکتری حشره شناسی کشاورزی دانشگاه ارومیه نقش داشته، همچنین در دوره لیسانی گیاهپزشکی و فوق لیسانس حشره شناسی کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا نقش داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد خانجانی علاوه بر فعالیت آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، با مراکز تحقیقاتی سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی همکاری مستمر دارد و تحقیقات متعددی را برای دستگاههای اجرایی کشور داشته است.همفکران فرد : همیشه دوستان و همکلاسی های محمد خانجانی فردی با پشتکار و جدی توصیف می نمودند به گونه ای که این وضعیت زبان زد تک تک آنها بود. به قول آنها روحیه همکاری جمعی خوبی داشت. به دانشگاه که آمده بود یکی از اساتید به اوگفت: شما محقق خوبی هستی، اگر دنبال تحقیق را بگیری موقعیت شما بهتر از هر امر دیگری خواهد بود.جوائز و نشانها : از تقدیرهای محمد خانجانی موارد زیر است که به آن اشاره شده است: 1- پژوهشگر برتر استان در سال 1379 2- پژوهشگر سال 1379 دانشکده کشاورزی ـ اولین سال انتخاب پژوهشگر برتر در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی 3- پژوهشگر برتر سال 1381 دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (سومین هفته پژوهش استان) 4- پژوهشگر برتر سال 1381-1382 دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا (چهارمین هفته پژوهش استان) 5- پژوهشگر نمونه گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی در سال 1381-1382 (هفته پژوهش چهارم) 6- پژوهشگر برتر در سطح کل دانشگاه بوعلی سینا در سال 1382 7- پژوهشگر برتر انجام بهترین طرح کاربردی دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال 1382 8- پژوهشگر برتر سال 1382 دانشکده کشاورزی 9- تقدیر به خاطر کشف گونه جدید جانوری در سطح جهان در سال 1382 10- مقاله برتر اولین همایش تخصصی گردوی کشور در سال 1382 11- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه رازی به خاطر ویرایش علمی کتاب حشره شناسی کشاورزی 12- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشگاه بوعلی سینا در سال 1383-1384 13- پژوهشگر برتر دانشگاه و استان در ششمین مراسم هفته پژوهش استان در سال 1384 14- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا در سال 1384 از کتاب آفات گیاهان زراعی ایران 15- تقدیر معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فنآوری و رئیس ستاد برگزاری ششمین هفته پژوهش و فنآوری کشور 16- تقدیر و تشویش طرح پژوهشی مطالعه کنه های درختان میوه غرب ایران و دشمنان طبیعی آنها (به عنوان طرح برتر) 17- تقدیر معاون پژوهشی دانشگاه بوعلی سینا به خاطر چاپ مقاله در

مجلات بین المللی با نمایه ISI 18- تقدیر استاندار به عنوان پژوهشگر برتر استان در سال 1384 19- چاپ مقاله ISI در مجلات بین المللی در سال 2003 20- پژوهشگر برتر دانشکده کشاورزی در سال 1385 در هفتمین مراسم هفته پژوهش استان 21- تألیف و چاپ بیشترین عنوان کتاب در سطح دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا در سال 1385 22- دریافت لوح تقدیر جشنواره ملی کلزا در اردیبهشت 1385 23- لوح تقدیر به خاطر ارائه مقاله روشهای کنترل تلفیقی آفات یونجه در سال 1385 24- انتخاب عضو افتخاری موسسه بیوگرافی آمریکا، Research Board of Advisors 25- Leading Scientists of world در سال 2005 میلادی 26- انتخاب 2000 دانشمند برجسته بین المللی قرن 21 در سال 2005 27- عضو کمیته علمی ـ بین المللی کنفرانس بین المللی رهیافتهای بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال 2007 در کشور هندوستان 28- انتخاب شدن بهترین مقاله کنفرانس بین المللی رهیافت بیوتکنولوژی در مدیریت منابع زیستی در سال 2007 در کشور هندوستان 29- شهروند برگزیده سال 1385 شهر همدان. چگونگی عرضه آثار : حدود 16 عنوان طرح پژوهشی از محمد خانجانی در شهر همدان و در سازمانهای مختلف آن ارائه داده است. که از سال 1373تا سال 1385 ادامه داشته است. حدود 78 مقاله در زمینه های مختلف علمی وی از سال 1996 تا 2006 در کشورهای مختلف ارائه داده است. آثار : آفات سبزی و صیفی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، 1384-1386، در سه جلد2 آفات گیاهان زراعی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، 1383-1384، در سه جلد3 اصول کنترل آفات (حشرات و کنه ها) ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، 13854 انگور (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، 13855 حشره شناسی کشاورزی ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه رازی ، کرمانشاه، 13836 راهنمای تشریح آزمایشگاه جانوری ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه رازی ، کرمانشاه، 13867 راهنمای رنگی مهار زیستی آفات در نگهداری گیاهان ویژگی اثر : ویراستار ، انتشارات دانشگاه مازندران ، ساری، 13858 سم شناسی ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، 13849 کنه های زیان آور محصولات کشاورزی ایران ویژگی اثر : دانشگاه بوعلی سینا، همدان ، 138510 گردو (کاشت، داشت و برداشت) ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، 138411 مدیریت کنترل تلفیقی آفات، بیماریها و علفهای هرز یونجه در ایران ویژگی اثر : وزارت جهاد کشاورزی، معاونت نیروی تجهیز و نیروی انسانی، تهران - کرج ، 1384 منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

خرمشاهی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
احمد خرمشاهی دارای دکترای رشته دفع آفات و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز با درجه دانشیاری تمام وقت می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : دفع آفاتوقایع میانسالی : احمد خرمشاهی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : احمد خرمشاهی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است.چگونگی عرضه آثار : احمد خرمشاهی استاد راهنمای پایان نامه : بررسی ترجیحات غذائی شپشهء دندانهدار Oryzaephilus(col./silvanidae) Surinamensis L. روی بذور گندم - جو - برنج و ذرت آثار : دفع آفات نباتی شناختی بر مدیریت تلفیقی آفات ویژگی اثر : نویسنده:مری لؤیزفلینت -رابرت ون دن بوش مترجمان: پرویز طالبی چایچی – احمد خرمشاهی -انتشارات عمیدی – 13733 علفهای نوز

خسروشاهی، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اصغر خسروشاهی اصل متولد سال 1332 در شهر مراغه است. ایشان دارای مدرک دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه Reading انگلستان در سال 1367 است.نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه ارومیه است.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییگرایش : صنایع لبنیاتتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی اصغر خسروشاهی اصل به ترتیب زیر است: کارشناسی :مهندسی کشاورزی گرایش صنایع کشاورزی، 1355 دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران(کرج) با معدل 53/3 از 4 (رتبه اول دانشکده کشاورزی, دانشگاه تهران). کارشناسی ارشد: مهندسی کشاورزی گرایش صنایع کشاورزی، 1357 دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (کرج) با معدل 4 از 4 (رتبه اول دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران). دکترا : صنایع غذایی با گرایش صنایع لبنیات از دانشگاه Reading انگلستان ،1367. وقایع میانسالی : اصغر خسروشاهی اصل از سال 1357 به خدمت دانشگاه ارومیه درآمد و هم اکنون بعنوان استاد پایه 30 در گروه آموزشی علوم و صنایع غذایی دانشگاه ارومیه مشغول به خدمت می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : پست‌های مدیریتی اصغر خسروشاهی اصل به قرار زیر است: 1-عضویت در کمیته سرپرستی دانشکده کشاورزی از سال 1358 بمدت 12 ماه. 2-مدیر گروه ترویج و آموزش کشاورزی از تاریخ 14/2/59 بمدت 2 سال. 3-معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی ازتاریخ 4/5/59 بمدت 18 ماه. 4-معاون اداری و مالی دانشکده کشاورزی از تاریخ 30/8/61 بمدت 9 ماه. 5-مدیر گروه علوم و صنایع غذایی از تاریخ 15/9/69 بمدت 5 سال. 6-معاون اداری ومالی دانشکده کشاورزی از تاریخ 29/10/69 بمدت 2 سال. 7-معاون آموزشی دانشکده کشاورزی از تاریخ 12/11/71 بمدت 11 ماه. 8-معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی از تاریخ 21/5/75 بمدت 3 سال و 4 ماه. 9-مدیر گروه علوم و صنایع غذایی از تاریخ 22/10/78 بمدت 3 سال. 10- رئیس دانشکده کشاورزی از تاریخ 16/7/81 لغایت 19 / 3 / 83 به مدت 20 ماه. 11- معاون پژوهشی دانشگاه از تاریخ 12/ 3/ 83 لغایت 11 / 8/ 83 به مدت 5 ماه. 12- مدیر گروه صنایع غذایی از تاریخ 7 / 9 / 83 لغایت 7/11/85 به مدت 26 ماه عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی : 1- عضویت در کمیته تخصصی علوم و صنایع غذایی

شورای عالی برنامه ریزی . 2- عضویت در کمیته امنیت غذا وابسته به کمیسیون پزشکی شورای پژوهشهای علمی کشور. 3- عضویت در شورای استاندارد استان آذربایجان غربی. 4- عضویت در کمیته استانی غذا استان آذربایجان غربی. 5- عضویت در کمیته تخصصی گروه کشاورزی هیات ممیزه شمالغرب کشور. عضویت در انجمن های علمی : 1- عضو هیات تحریریه مجله پژوهش در علوم کشاورزی، دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه. 2- عضو هیات تحریریه مجله پژوهشهای علوم و صنایع غذایی ایران، دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد . 3- سردبیر مجله پژوهش در علوم کشاورزی از تاریخ 18/ 8/84 . فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریس اصغر خسروشاهی اصل : تدریس در دانشگاهها -صنایع لبنیات تکمیلی (کارشناسی ارشد) در دانشگاههای ارومیه و تبریز -توکسیکولوژی مواد غذایی ( کارشناسی ارشد) در دانشگاه ارومیه -شیر و فرآورده‌های آن (دکترای تخصصی بهداشت مواد غذایی) در دانشکده دامپزشکی ارومیه -صنایع لبنی (1) در دانشگاه ارومیه -صنایع لبنی (2) در دانشگاه ارومیه -تجزیه مواد غذایی در دانشگاه ارومیه -کنترل شیمیایی مواد غذایی (دکتری حرفه ای) در دانشگاههای ارومیه و آزاد ارومیه -اصول تبدیل و نگهداری فرآورده های کشاورزی در دانشگاه ارومیه -سردخانه و انبار در دانشگاه ارومیهسایر فعالیتها و برنامه های روزمره : اصغر خسروشاهی اصل به زبان انگلیسی کاملا مسلط است.جوائز و نشانها : اصغر خسروشاهی اصل پژوهشگر نمونه دانشکده کشاورزی در سال 1385 بوده است.چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی:13 مقاله - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات خارجی : 10 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در کنگره ها، سمینارها و همایش¬ها:47 مقاله - استاد راهنمای پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری عمومی :11 مورد - استاد مشاور پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی :9 مورد

---

آثار : تکنولوژی تولید بستنی ویژگی اثر : ( ترجمه ). انتشارات انزلی. ارومیه-1374 2 شیمی تجزیه مواد غذایی ویژگی اثر : ( ترجمه).انتشارات دانشگاه ارومیه. ارومیه-1376

خلیلی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی خلیلی دارای دکترای رشته هوا شناسی وعضویت هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است.گروه : کشاورزیرشته : هوا و اقلیم شناسیگرایش : هوا شناسیوقایع میانسالی : علی خلیلی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته هوا شناسی به عضویت هیئت علمی گروه آبیاری وآبادانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : علی خلیلی عضوهیئت علمی و استاد گروه آبیاری وآبادانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است.فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط علی خلیلی به شرح زیر است: کارشناسی • ارزیابی طرحهای اقتصادی • اقتصادکارونیروی انسانی • تبخیروتعرق • هواواقلیم شناسی کارشناسی ارشد • اقتصادکلان2 • اقلیم شناسی درکشاورزی • اقلیم شناسی مناطق خشک • اقلیم شناسی درکشاورزی • اقلیم شناسی مناط قخشک • اقلیم مناطق خشک • ( بیومیکروکلی )خرداقلیم شناسی زیستی • مبانی هواشناسی • هیدرومتئورولوژی دکتری • میکروکلیماتولوژی • هیدرومتئورولوژی چگونگی عرضه آثار : علی خلیلی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق درباره تدوین یک سامانه جدید پهنه بندی اقلیمی از دیدگاه نیازهای گرمایش-سرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران ، تحلیل روند تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایستگاه قدیمی ایران در یکصدو شانزده سال گذشته، تغییرات سه بعدی میانگین های سالانه دراز مدت دمای هوا در گستره ایران و پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر و غیره می پردازد. آثار : ارزیابی کارایی چند نمایه خشکسالی هواشناسی در نمونه های اقلیمی مختلف ایران ویژگی اثر : نیوار- دوره : ، شماره : 48-49، بهار و تابستان 1382، ص. 79 تـا 93.2 پهنه بندی اقلیمی پارک ملی کویر ویژگی اثر : 32, ,13783 پیشنهاد روش برای پهنه بندی اقلیمی در محیط GIS مطالعه موردی شمال غرب ایران در سیستم سلیانینوف ویژگی اثر : بیابان,نهم-شماره237-2,227 ,13834 تحلیل روند تغییرات بارندگیهای سالانه و فصلی و ماهانه پنج ایستگاه قدیمی ایران در یکصدو شانزده سال گذشته ویژگی اثر : بیابان,جلد نهم-شماره 34-1,25 ,1383

بیابان,جلد نهم-شماره 5 1383, 34-1,25 تدوین یک سامانه جدید پهنه بندی اقلیمی از دیدگاه نیازهای گزمایش-سرمایش محیط و اعمال آن بر گستره ایران ویژگی اثر : فصلنامه تحقیقات جغرافیایی,شماره 14-4,5 13836, تغییرات سه بعدی میانگین های سالانه دراز مدت دمای هوا در گستره ایران ویژگی اثر : 13787, ,32 خاکهای ایران ویژگی اثر : تالیف,موسسه تحقیقات خاک و آب ,13838 شناخت اقلیمی ویژگی اثر : ج1,ترجمه,وزارت نیرو ,1378 9 مطالعه بیوکلیماتولوژیک موریانه های ایران ویژگی اثر : آفات وبیماریهای گیاهی,71-2,121-139 ,1382

ذوالنون، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد ذوالنون متولد 1324 ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضویت هیئت علمی دانشگاه داکوتای شمالی با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون دفع آفات نباتی به روشهای بیولوژیک و کشت همسایه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد ذوالنون دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه داکونای شمالی دکترای رشته اصلاح نباتات از دانشگاه داکوتای شمالی میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد ذوالنون بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمد ذوالنون د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد ذوالنون عضوهیئت علمی و دانشیار گروه اصلاح نباتات در دانشکده کشاورزی در دانشگاه داکوتای شمالی است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمد ذوالنون سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه اصلاح نباتات به تدریس دروس تخصصی رشته اصلاح نباتات دانشگاه داکوتای شمالی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمد ذوالنون در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمد ذوالنون از جمله دانشمندان اصلاح نباتات است که پژوهشها و تحقیقات مفصل و عمیقی درباره دفع آفات نباتی به وسیله روشهای بیولوژیک و کشت همسایه انجام داده است.

رجایی، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد رضا رجایی متولد 1318 ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه کلیپرتون انگلستان با درجه استاد باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون آفت مارمادیای رونده در حبوبات میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد رضا رجایی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی محمد رضا رجایی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمد رضا رجایی د ر کنار تحصیل مشغول به مطالعه ،تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : محمد رضا رجایی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه اوهایو در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد رضا رجایی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است.فعالیتهای آموزشی : محمد رضا رجایی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناتسی در دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد رضا رجایی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : محمد رضا رجایی از جمله گیاه شناسان و گیاه شناسانی است که تحقیقات علمی و عمیق وسیعی درباره گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهان دارد. آثار : آفت مار ماریای رونده در حیویات گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

رحمتی، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علیرضا رحمتی انزابی متولد 1318 هـ.ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضو هیئت علمی دانشگاه لانکاستر انگلستان درجه دانشیار می باشد وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون تاثیر حشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر علیرضا رحمتی انزابی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گشاه پزشکی از دانشگاه لانکستر می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم زندگی علمی دکتر علیرضا رحمتی انزابی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر علیرضا رجمتی انزابی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : دکتر علیرضا رحمتی انزابی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی، به عضویت هیئت علمی گروه ریست شناسی در دانشکده علوم پایه دانشگاه لانکاستر در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیاز در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر علیرضا انزابی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه لانکاستر انگلستان است.فعالیتهای آموزشی : دکتر علیرضا رحمتی انزابی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی دانشگاه لانکاستر انگلیس به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پرازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر علیرضا رحمتی انزابی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : دکتر علیرضا رحمتی انزابی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیقی درباره تاثیر جشرات انگلی در ایجاد غده در چوبهای صنعتی دارد. آثار : تاثیر حشرات در ایجاد غده در چوبهای صنعتی منابع زندگینامه /http://iranologyfo.com:

رزم دوست، فریبا

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فریبا رزم دوست متولد 1318 ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل ) با درجه دانشیاری باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون بررسی ویروسهای قارچ زدگی سیب زمینی میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : فریبا رزم دوست دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته گیاه پزشکی از دانشگاه هاروارد میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی فریبا رزم دوست بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : فریبا رزم دوست د ر کنار تحصیل مشغول به مطالعه ،تحقیق و تالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : فریبا رزم دوست پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه دردانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل ) در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فریبا رزم دوست عضوهیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل ) است.فعالیتهای آموزشی : فریبا رزم دوست سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه هاروارد (انستیتوی مندل ) به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : فریبا رزم دوست در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : فریبا رزم دوست از جمله گیاه پزشکانی و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیق درباره بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی دارد.
آثار : بررسی ویروسهای قارچ زدگی در سیب زمینی منابع زندگینامه
/http://iranologyfo.com:

روزگار، طالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید طالب روزگار متولد 1322 ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه تورنتوی کانادا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون کشت مرکبات مدیترانه ای در نواحی سردسیر می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید طالب روزگار دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز دکترای رشته باغبانی ازدانشگاه واشنگتن میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سید طالب روزگار بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید طالب روزگار در کنار تحصیل به مطالعه ،پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سید طالب روزگار پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه تورنتوی کانادا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید طالب روزگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تورنتوی کانادا است.فعالیتهای آموزشی : سید طالب روزگار سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی تورنتوی کانادا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و پرورش میوه می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سید طالب روزگار در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سید طالب روزگار از جمله دانشمندان علم باغبانی است که تحقیقات و پژوهشهای و تلاشهای علمی عمیق و وسیعی درباره کشت مرکبات مدیترانه ای در نواحی سردسیر انجام داده است.آثار : کشت مرکبات مدیرترانه ای در نواحی سردسیر کانادا
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

زاد، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سید جواد زاد در سال 1319 در شهر قم دیده به جهان گشود. ایشان دکترای رشته گیاه پزشکی را در سال 1354 از دانشگاه نانسی فرانسه اخذ کرده است. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : قارچ شناسی و بیماری شناسی گیاهیوالدین و انساب : پدر سید جواد زاد، مرحوم حاج سید علی زاد، شاغل در بازار و نام مادر محترمشان مرحومه حاجیه خانم زهرا زاد (دارای مدرک تحصیلات ششم ابتدایی - خانه‌دار) بود و پدر بزرگش مرحوم حاج عباس زاد، تاجر در سرای حاجب الدوله تهران بود. دکتر زاد نیز دو برادر و یک خواهر دارد.خاطرات کودکی : سید جواد زاد از سن 5 سالگی برای فراگیری قرآن به مکتب علوم دینی رفت.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : سید جواد زاد در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. خانواده اش از نظر مالی در وضعیت متوسطی قرار داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : حرفه آموزی و تحصیلات رسمی سید جواد زاد به ترتیب زیر است: - سال 1326-1332 دوره تحصیلات ابتدایی در مدرسه نشاط تهران - سال 1332-1339 دوره تحصیلات متوسطه دردبیرستان رهنمای تهران - سال 1339-1343 دوره مهندسی کشاورزی در دانشگاه تهران - سال 1348-1352 دوره کارشناسی ارشد گیاه پزشکی دانشگاه تهران - سال 1350-1352 دوره کارشناسی ارشد D.E.A دانشگاه نانسی فرانسه - سال 1352-1354 دوره دکتری قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی نانسی فرانسهخاطرات و وقایع تحصیل : سید جواد زاد از دوران تحصیل خود کودتای 28 مرداد 1332، ملی شدن صنعت نفت و همچنین وقوع زلزله بوئین زهرای قزوین را به یاد دارد.فعالیتهای ضمن تحصیل : سید جواد زاد در حین تحصیل به یاد گیری زبان انگلیسی و همچنین فعالیت های ورزشی می پرداخت.استادان و مربیان : مربیان و استادان سید جواد زاد در دوران متوسطه و دانشگاه به قرار زیر است: - دبیرستان: مرحوم محمد علی دفتری ، مرحوم سید جوادی - دانشگاه: مرحوم دکتر محمد حسن مهدوی ، دکتر دواچی ، دکتر منوچهری ، دکتر خبیری ، دکتر شیبانی و دکتر شجاعیهم دوره ای ها و همکاران : دکتر حمید صاحب کشاف ، دکتر عباسعلی زالی (وزیر اسبق کشاورزی) ، دکتر حسین صدقی (استاد دانشگاه چمران اهواز) ، دکتر غلامرضا سلطانی (استاد دانشگاه شیراز) ، دکتر قربانعلی

حجارود (استاد دانشگاه تهران) و دکتر محمود اخوت (استاد دانشگاه تهران) از هم‌دوره‌ای‌های سید جواد زاد می باشند. و از همکاران وی می توان به دکتر عباس شریفی ، دکتر یزدی صمدی ، دکتر علی خلیلی ، دکتر علی محمد برقعی ، دکتر حسن رحیمی اشاره کرد.همسر و فرزندان : سید جواد زاد متاهل و دارای همسر بنام سرکار خانم فرشته سوداگر (دارای مدرک کارشناسی زبان انگلیسی) می باشد. ایشان 4 فرزند دارد: - دکتر محمد علی زاد دارای درجه دکتری پزشکی دانشگاه شهید بهشتی - خانم مهندس نازنین زاد دارای مدرک مهندس کامپیوتر دانشگاه آزاد اسلامی - مهندس امیر علی زاد دارای درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه امیر کبیر تهران - خانم گلناز زاد دانشجوی رشته هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامیوقایع میانسالی : سید جواد زاد در سال 1343 به استخدام دانشگاه تهران در آمد ، در سال 1350 برای اخذ درجه دکتری به کشور فرانسه رفت و در سال 1352 ازدواج نمود. در سال 1368 به درجه استادی دانشگاه تهران مفتخر گردید و در سال 1383 برای استفاده از فرصت مطالعاتی به دانشگاه آدلاید استرالیا مسافرت نمود. در سال 1363 به ریاست دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران منصوب گردید و قریب به 22-23 سال در مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران خدمت کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید جواد زاد عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است. از دیگر سوابق اجرایی و مدیریتی ایشان: - رئیس بخش بیماریهای گیاهی - 1361-1363 و 1367 -1372 و 1374-1376 مدیر گروه ، کشاورزی و منابع طبیعی مرکز نشر دانشگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1363-1367 رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران - 1376-1381 معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده کشاورزی - 1381-1383 معاون آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران - 1383-1385 معاون پشتیبانی دانشکده علوم باغبانی - گیاه پزشکی دانشگاه تهرانفعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی/ گروه گیاه پزشکی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط سید جواد زاد: کارشناسی: - بیماریهای گیاهی - بیماریهای مهم درختان میوه - میکو توکسین ها کارشناسی ارشد: - بیماری شناسی بذر - بیولوژی و شناسائی علفهای هرز و انگلی - سلامت بذر - فیزیولوژی پاراتیسم در بیماریها دکتری: - بیماریشناسی بذر وی همچنین تدریس دروس فیزیولوژی پارازیتیسم در دانشگاه تربیت مدرس تهران را بر عهده دارد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : سید جواد زاد آزمایشگاه بیماری شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را تاسیس کرده است. وی در احداث آزمایشگاه بیماریهای گیاهی - احداث هرباریوم همکاری داشته

است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : آرا و گرایشهای خاص : زمینه های پژوهشی مورد علاقه سید جواد زاد تحقیق در زمینه بیماری شناسی گیاهی است.جوائز و نشانها : دریافت چندین جایزه و لوح تقدیر و لوح افتخار از طرف ریاست دانشگاه تهران ، مدیریت دانشگاه تهران و مدیریت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران ، وزارت کشاورزی ، وزارت ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش .چگونگی عرضه آثار : سید جواد زاد در چند طرح تحقیقاتی به عنوان مجری طرح بوده یا در طرح همکاری داشته است که به چند عنوان از آنها اشاره می شود: - طرح بررسی بیماریهای گیاهی ایران - مجری طرح - طرح بررسی بیماریهای دانه های روغنی - مجری طرح - طرح بررسی سفیدک داخلی آفتاب گردان - مجری طرح - طرح بررسی بیماریهای بوته میری زیره سبز - مجری طرح - طرح تکمیلی کلکسیون آزمایشگاه بیماریهای گیاهی - همکار طرح دکتر سید جواد زاد بیش از 100 پایان نامه کارشناسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است. ایشان همچنین دارای بیش از 26 مقاله منتشر شده در مجلات بین المللی خارجی به زبانهای فرانسه و انگلیسی ، بیش از 32 مقاله به زبان فارسی چاپ رسیده در مجلات داخلی می باشد. مقالات چاپ شده در مجلات خارجی: 4 مورد مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: 5 مورد مقالات چاپ شده در همایشها : 21 مورد مقالات ارائه شده در همایشها: 16 مورد طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده: 4 مورد آثار : بیماری شناسی بذر ویژگی اثر : دانشگاه تهران - فارسی - آماده چاپ2 بیماری گیاهی ویژگی اثر : دانشگاه تهران - فارسی - آماده چاپ3 بیماریهای درختان میوه ویژگی اثر : دانشگاه تهران - فارسی - زیر چاپ4 طرحهای تحقیقاتی به پایان رسیده: • بررسی شدت بیماریهای پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در ارتباط با نماتد مولد ریشه -1381 • شناسایی عوامل قارچی و باکتریایی موثر در مبارزه بیولوژیک گل جالیز -1379 • بیماریهای نباتات زراعی و باغی - 1376 • 1383، مقایسه اثر عصاره باقلا و گوجه فرنگی و چند آنالوگ استریو گول بر جوانه زنی بذر گل جالیز قارچ شناسی و بیماریهای قارچی گیاهی ویژگی اثر : تالیف، آییژ، 1384 6 قارچ شناسی و بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : تالیف- با همکاری دکتر اخوت منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

زارعی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین زارعی متولد1318 ه.ش تهران دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضو هئیت علمی دانشگاه کلیپوتون انگلستان با درجة استاد می باشد. وی دارای تحقیقات بر آثاری پیرامون گیاه پزشکی و ژنتیک گیاهی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسین زارعی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته گیاه پزشکی از دانشگاه اوهایو می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکتری در آن رشته از مقاطع مهم زندگی علمی حسین زارعی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : حسین زارعی در کنار تحصیل مشغول به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری در زمینه تخصصی مورد علاقه خود بوده است.وقایع میانسالی : حسین زارعی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هئیت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده علوم پایه دانشگاه اوهایو درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین زارعی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشگی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه اوهایو است.فعالیتهای آموزشی : حسین زارعی سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه زیست شناسی دانشگاه اوهایو به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشگی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : حسین زارعی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری تخصصی، پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : حسین زارعی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که تحقیقات مفصل و عمیق درباره گیاه پزشکی و بیماریهای گیاهان دارد. آثار : بیماریهای گیاهان گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

زهرائی، تقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تقی زهرائی صالحی در سال 1343 در یکی از روستاهای شهرستان بوئین زهرا به نام خونان بدنیا آمد. بعد از پایان دوره متوسطه در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد و دکترای دامپزشکی خود را در همان دانشگاه در سال 1368 اخذ کرد. در همان سال دوره تخصصی میکروبیولوژی پذیرفته و در سال 1373 فارغ التحصیل گردید و به عنوان استادیار و اینک به عنوان دانشیار در دانشکده دامپزشکی مشغول تدریس و پژوهش است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : باکتری‌شناسیوالدین و انساب : پدر تقی زهرائی صالحی ، علی عسگر زهرایی صالحی فردی زحمت کش و کشاورز بوده است و در سال 1380 دار فانی را وداع گفت مادر وی طوبی خانم 82 ساله و در قید حیات هستند.خاطرات کودکی : دوران کودکی تقی زهرائی صالحی در همان روستای خونان با حال و هوای شرایط روستا گذشت ، بازیهای کودکانه، کار در مزرعه و کشاورزی و تحمل سختی های مخصوص روستا از خاطراتی است که زهرائی صالحی ازآن دوران به یاد دارد.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : به گفته تقی زهرائی صالحی شرایط خانوادگی ایشان از نظر مادی و چه از نظر معنوی خوب بود و پدرشان فردی زحمتکش و مادرشان هم خانه دار و پر تلاش بودند. و خانواده از محیطی آرام ، سالم و عاطفی برخوردار بود.تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دیپلم متوسطه سال 1362 - دکترای حرفه ای دامپزشکی سال 1368 - دکترای تخصصی میکروبیولوژی (Ph.D) سال 1373 - همچنین دکتر زهرائی در کلاسهایی که از طرف حوزه علمیه قم تشکیل میشد به مدت 2 سال شرکت کرد و از محضر استادان فراوانی بهره برده است.خاطرات و وقایع تحصیل : همواره تقی زهرائی صالحی در تمام مقاطع تحصیلی مقام اول را از آن خود کرده است و این را از خاطرات خوب دوران تحصیل خود بیان میکند.استادان و مربیان : از مربیان تقی زهرائی صالحی میتوان به : اول دبستان آقای الله وردی،دوم دبستان سرکار خانم رنجبر، سوم دبستان خانم اعتمادی، چهارم دبستان سرکار خانم البسة، پنجم دبستان خانم ناهید عقدایی،اول و دوم راهنمایی خانم بابایی، سوم راهنمایی اقای محمد منافی، دبیرستان آقایان صفیعی، شکروی، جهانخانه، علوی و امامی اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر تقی زهرائی صالحی سرکار خانم پروانه میرزایی است که در رشته

مهندسی الکترونیک تحصیل کرده اند و هم اکنون دبیر دبیرستان شهید صدوقی تهران هستند. حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر میباشد که الهام زهرائی صالحی هم اکنون کلاس اول دبیرستان و امیر محمد تنها یک ساله است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : تقی زهرائی صالحی مدیر گروه میکروبیولوژی از سال 85-1380 بوده است و هم اکنون معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده دامپزشکی است.فعالیتهای آموزشی : تقی زهرائی صالحی هم اکنون به تدریس در دانشکده دامپزشکی مشغول است و سابقه تدریس در دانشگاهای کرمان، تهران، کرج، گرمسار، زابل، کازرون را نیز داراست.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : تقی زهرائی صالحی هم اکنون به مطالعه و تحقیق در زمینه باکتریها مشغول است و کارهای تحقیقاتی فراوانی نیز انجام داده است : - تحقیقات در مورد جنبه های مختلف سالموندهای بیماریزا در انسان و دام - بررسی جنبه هاب مختف اسهال گوساله ها - بررسی عوامل مدت در اشریشا کل E.Coli - ارزیابی واکسن های E.Coli - ارزیابی روشهای نوین تشخیصهمفکران فرد : دکتر محمد ربانی و دکتر محمد رضا فخرانیه از نامهایی است که تقی زهرائی صالحی از همکاران و همفکران خود نام برده است.جوائز و نشانها : - مجری طرح برگزیده دانشگاه تهران در سال 1382 - مجری طرح نمونه دانشگاه تهران در سال 1383 - پژوهشگر برگزیده دانشگاه تهران در سال 1383 و دریافت نشان درجه 2 پژوهش

ستوده، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سیاوش ستوده متولد 1323 هـ.ش دارای دکترای رشته باغبانی و عضو هیئت علمی دانشگاه روانشتاین با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون سازگاری میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم برّی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سیاوش ستوده دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ود کتر رشته باغبانی از دانشگاه روانشتاین می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی سیاوش ستوده بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سیاوش ستوده در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سیاوش ستوده پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در انجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سیاوش ستوده عضو هیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه روانشتاین است.فعالیتهای آموزشی : سیاوش ستوده سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه روانشتاین به تدریس دروس تخصص رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سیاوش ستوده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون خوزه های علمی علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سیاوش ستوده از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم برّی انجام داده است.
آثار : سازگار سازی میوه های نواحی نیمه مرطوب با اقلیم بری
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ستیغ، عبدالرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالرضا ستیغ متولد 1324 ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون سمپاشی دوره ای میوه های مدیترانه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عبدالرضا ستیغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه اصفهان و دکترای باغبانی از دانشگاه پاریس میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی عبدالرضا ستیغ بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عبدالرضا ستیغ د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : عبدالرضا ستیغ پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عبدالرضا ستیغ عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) است.فعالیتهای آموزشی : عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه پاریس (انستیوی ژاک میسترال) به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره سمپاشی دوره ای باغبانی میوه های مدیترانه انجام داده است.آثار : آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سحری، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی سحری در سال 1339 در شهر قم به دنیا آمد. وی دکترای رشته مهندسی صنایع غذایی در گرایش تکنولوژی مواد غذایی از دانشگاه ایالتی صنایع غذایی مسکو را در سال 1376 اخذ کرد. وی از سال 1370 عضو هیئت علمی در گروه صنایع غذایی دانشگاه تربیت مدرس مشغول به خدمت بوده و ادامه دارد.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییگرایش : تکنولوژی مواد غذاییاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : محمد علی سحری در خانواده ای متوسط د رکنار پدری با سواد درجه عالی (اجتهاد) و مادری با سواد پرورش یافت خانواده از لحاظ اقتصادی متوسط و مذهبی و نیز تحصیل کرده بوده است، حتی فردی بی سواد در آن دوران در خانواده وجود نداشت است. و به دلیل تلاش پدر و مادر در تربیت صحیح، جوی آرام و منطقی همیشه در زندگی بر قرار بوده و تمامی هم والدین به تربیت و تحصیل فرزندان مصروف شده است.تحصیلات رسمی و حرفه ای : - دیپلم متوسطه از دبیرستان کامکار یا صدر سال 1357 - کارشناسی مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) در سال 1364 - کارشناسی ارشد مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1370 - دکترای مهندسی صنایع غذایی گرایش تکنولوژی مواد غذایی از دانشگاه ایالتی صنایع غذایی مسکو 1376خاطرات و وقایع تحصیل : وقایع 19 دی قم و تظاهرات مردمی و اعتصابات دانشگاه ها قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن وقوع انقلاب فرهنگی و دوباره تعطیلی دانشگاه ها و باز گشایی آنها در سال 1362 و در پی آن شروع جنگ تحمیلی از وقایعی است که محمد علی سحری از آن نا می‌برد.فعالیتهای ضمن تحصیل : فعالیتهای سیاسی در انجمن های اسلامی داخلی و در اروپا و تدریس از سال1358 برای امرار معاش در دبیرستانهای تهران از فعالیتهای دوران تحصیل محمد علی سحری است.استادان و مربیان : محمد علی سحری اولین معلمان خود را پدر، مادر، پدر پزرگ و دایی بزرگوارشان نام میبرد و در ادامه به علت کسرت نامها در تمام مقاطع تحصیل معلمان خود را ارج مینهد و همیشه باری آنها دعای خیر آرزو دارد.همسر و فرزندان : محمد علی سحری در سال 1361 ازدواج کرده و دارای دو فرزند به نامهای مصطفی و نورا است و همگی مشغول تحصیل هستند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد علی سحری در کنار تدریس مدیر گروه ، رئیس

دانشکده و معاون پژوهشی، سردبیری مجله، عضو هیئت تحریریه مجلات، عضو فرهنگستان، عضو هیئت ممیزه دانشگاه، دبیر کنفرانس و ... مشغول به خدمت بوده است.فعالیتهای آموزشی : محمد علی سحری از سال 1358 به تدریس در مدارس تهران همراه با تحصیل را شروع کرد و سال 1365 در مراکز دانشگاهی مشغول شد و سال 1370 به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه تربیت مدرس انتخاب و تا به حال ادامه دارد.آرا و گرایشهای خاص : محمد علی سحری از فعالان انجمن های اسلامی در داخل و اروپا بوده و اعتقادات وی ملهم از بنیانگزار جممهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) میباشد.جوائز و نشانها : معرفی به عنوان دانشجوی نمونه خارج از کشور از طرف وزارت علوم در سال 1377 و دریافت جایزه از دست ریاست جمهوری وقت ، استاد نمونه ،پژوهشگر برتر دانشگاه (چند سال بصورت مستمر)، ثبت Patent در داخل و خارج کشور.چگونگی عرضه آثار : چاپ کتابهای تالیفی، مقالات متعدد در مجلات علمی - پژوهشی داخل و خارج و در کنفرانسهای علمی داخل و خارج از آثار محمد علی سحری است.

سرمدنیا، غلامحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامحسین سرمدنیا در سال 1327 خورشیدی دیده به جهان گشود. ایشان دارای مدرک دکتری مهندسی کشاورزی از دانشگاه آریزونای آمریکا (در سال 1359) می باشد.نامبرده پس از اتمام تحصیلات عالیه به میهن بازگشت و از همان تاریخ در دانشگاه اصفهان به عنوان استادیار به تدریس و تحقیق مشغول شد. کتاب"جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم "تالیف غلامحسین سرمدنیا (با همکاری عوض کوچکی) ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامحسین سرمدنیا دورة تحصیلات متوسطه را در سال 1350 در شهر اصفهان بپایان رساند، سپس وارد دانشگاه شیراز شد و در سال 1355 موفق به دریافت درجة مهندسی کشاورزی از آن دانشگاه گردید. وی در ادامة تحصیلات دانشگاهی راهی آمریکا شد و به ترتیب در سالهای 1357 و 1359 به دریافت درجة فوق لیسانس و دکترا از دانشگاه آریزونای آمریکا نایل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : غلامحسین سرمدنیا پس از اتمام تحصیلات عالیه به میهن بازگشت و از همان تاریخ در دانشگاه اصفهان به عنوان استادیار به تدریس و تحقیق مشغول شد.جوائز و نشانها : کتاب"جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم "تالیف غلامحسین سرمدنیا (با همکاری عوض کوچکی) ، در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : غلامحسین سرمدنیا تا کنون چندین مقالة علمی در مجلات داخلی و خارجی بچاپ رسیده است. آثار : تولید محصولات زراعی ویژگی اثر : تالیف2 جنبه‌های فیزیولوژیکی زراعت دیم ویژگی اثر : تالیف-با همکاری آقای دکتر عوض کوچکی -این کتاب در دوره ششم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است3 فیزیولوژی گیاهان زراعی ویژگی اثر : تالیف

سعیدی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عباس سعیدی ،تحصیلات دانشگاهی خود را در مقطع کارشناسی کشاورزی رشته علوم زراعی دردانشگاه ایالتی سان‌لوئیس اوبیسپوکالیفرنیا – آمریکا به پایان برد وی تحصیلات تکمیلی خود را نیز در کشور امریکا ادامه داد و موفق به اخذ مدرک دکتری و فوق دکتری به ترتیب در رشته ژنتیک و اصلاح نباتات و ژنتیک مولکولی گیاهی از دانشگاه ایالتی کلرادو- آمریکا شد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار گروه بیوتکنولوژی, دانشکده مهندسی انرژی و فناوری های نوین دانشگاه شهید بهشتی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : ژنتیک گیاهیگرایش : ژنتیک مولکولی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی دانشگاهی دکتر عباس سعیدی به ترتیب زیر است: • لیسانس کشاورزی رشته علوم زراعی (1365-1362) دانشگاه ایالتی سان‌لوئیس اوبیسپوکالیفرنیا – آمریکا • فوق‌لیسانس رشته اصلاح نباتات (1367-1365) دانشگاه ایالتی نیومکزیکو – آمریکا • دکترای رشته ژنتیک و اصلاح نباتات (72-1367) دانشگاه ایالتی کلرادو – آمریکا • فوق‌دکترای - ژنتیک مولکولی گیاهی 1372 لغایت 1373 دانشگاه ایالتی کلرادو- آمریکا مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی عباس سعیدی به قرار زیر است : استادیار تحقیقاتی - دانشگاه ایالتی کلرادو – امریکا1372 عصو هیأت علمی (دانشیار) - مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر 1385-1373 رییس بخش تحقیقات غلات- مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر1381 – 1374 رییس مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر- وزارت جهاد کشاورزی1380-1378 رییس اولین کنگره منطقه‌ای زنگ زرد گندم برای مرکز ، غرب آسیا و شمال آفریقا1380 اولین عضو ایرانی در هیأت اجرایی کنگره بین‌المللی گندم1384-1378 مشاور دفتر همکاریهای فن‌آوری نهاد محترم ریاست جمهوری (معاونت علوم زیستی) 1373 تاکنون رییس دانشکده و مدیر گروه بیوتکنولوژی- دانشکده مهندسی انرژی و فناوری های نوین- دانشگاه شهید بهشتی1385 تا کنون عضویت در مراکز علمی و پژوهشی : بنیانگذار و عضو هیأت رئیسه انجمن متخصصین و دانشمندان رشته کشاورزی و علوم زیستی‌در آمریکای شمالی 1371 نماینده سازمان تحقیقات و آموزش جهاد کشاورزی در کمیته کارشناسی شورای عالی بیوتکنولوژی – دفتر همکاریهای فن‌آوری

نهاد محترم ریاست جمهوری 1377-1374 عضو کمیسیون بیوتکنولوژی شورای پژوهشهای علمی کشور – ریاست جمهوری 1379-1376 عضو کمیته تخصصی کشاورزی کمیسیون بیوتکنولوژی – ریاست جمهوری 1379-1376 بنیانگذار و عضو انجمن بیوتکنولوژی کشور 1375 - تاکنون مدیر مسئول مجله نهال و بذر 1381-1378 مدیر مسئول مجله علوم زراعی ایران 1381-1379 عضو هیأت تحریریه مجله زیتون 1381 - 1377 عضو هیأت تحریریه بولتن بیوتکنولوژی 1380 -1375 عضو هیأت‌تحریریه مجله علوم زراعی 1377 عضو هیأت‌تحریریه مجله نهال و بذر1380-1376 رئیس و عضو هیأت مدیره انجمن علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران 1381-1379 فعالیتهای آموزشی : سوابق تدریسی و آموزشی عباس سعیدی به ترتیب زیر است: تدریس ژنتیک مقطع فوق‌لیسانس دانشگاه ایالتی کلرادو – آمریکا تدریس ژنتیک (آزمایشگاه) مقطع فوق لیسانس دانشگاه ایالتی کلرادو– آمریکا تدریس در زمینه اصلاح نباتات برای مقاومت به حشرات مقطع دکترا دانشگاه تبریز تدریس در زمینه اصلاح نباتات پیشرفته مقطع فوق‌لیسانس دانشگاه تربیت مدرس تدریس دوره آموزشی تراریخت مقطع فوق لیسانس – دکتری ایران تدریس دوره تکنولوژی زیستی مقطع فوق لیسانس – دکتری ایران تدریس معرفی گیاهان زراعی جدید (New Crops) و اثرات آنها بر تنوع زیستی کارگاه آموزشی تنوع زیستی مشهد 1381 ایران تدریس تأمین بذر سیب‌زمینی مورد نیاز کشور از طریق بیوتکنولوژی مرکز آموزش کشاورزی شهیدمدنی 1382 ایران استاد راهنما و استاد مشاور 30 نفر دانشجویان مقطع فوق لیسانس و دکترا دانشگاه های مختلف کشور اجراء بیش از 50 پروژه و طرح تحقیقاتی پایه‌ای و کاربردی مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : بنیانگذار و عضو هیأت رئیسه انجمن متخصصین و دانشمندان رشته کشاورزی و علوم زیستی‌در آمریکای شمالی 1371آرا و گرایشهای خاص : علایق پژوهشی عباس سعیدی : ژنتیک تنش های زنده (بیماری ها و آفات) و غیر زنده (خشکی و شوری) جوائز و نشانها : جوایز علمی دریافتی عباس سعیدی : • کسب رتبه سوم پژوهشگر نمونه سال 1380 - از طرف وزیر علوم، تحقیقات و فن‌آوری • دریافت خوشه طلایی گندم به مناسب خودکفائی تولید گندم در کشور- آبان 1383 چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات علمی منتشر شده: بیش از 70 مورد -اختراع و اکتشاف ثبت شده و آثار پژوهشی و فنی برگزیده در داخل یا خارج از کشور: کشف و شناسائی دو ژن جدید مقاومت به شتة روسی گندم‌بنامهای Dn2 و Dn6، آمریکا،1996(1375)، Crop Science، سعیدی – کوئیک شناسائی و کشف دو مارکر RFLP برای دو ژن مقاومت به شته روسی گندم بنامهای Dn2 و Dn4، آمریکا،1998(1378)،

Genome, 6-41:303، ما - سعیدی – کوئیک و لاپتیان تهیه نقش ژنی و شناسایی مکان کروموزومی ژنهای مقاومت Dn2 و Dn4 به شته روسی در گندم، آمریکا،Plant Genome ،(1375)1996، ما - سعیدی – کوئیک و لاپتیان معرفی نه رقم جدید گندم بنامهای : توس، پیشتاز، شیراز، شهریار، دز، هامون، آرتا، مغان و دریا، ایران، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی،1383 معرفی سه رقم جدید گندم دوروم (صنایع ماکارونی) بنامهای: کرخه، آریا و سهند، ایران، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی،1383

سفیدبخت، نصرالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نصرالله سفید بخت متولد 1311 ش در شیراز است .وی دارای دکترای تخصّصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال 1346 و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : نصرالله سفید بخت دارای دکترای تخصّصی علوم دامی از دانشگاه ایالتی یوتا- آمریکا در سال 1346است.وقایع میانسالی : نصرالله سفید بخت پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامی به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی دردانشگاه شیراز در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : نصرالله سفید بخت عضو هیئت علمی و استاد گروه دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است. از دیگر سمت های مدیریتی و اجرای ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: دبیر دبیرستان سعادت در بوشهر دبیر مرکز آموزش کشاورزی استان فارس عضو پیوسته و رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران. فعالیتهای آموزشی : نصرالله سفید بخت به تدریس دروس زیر در دانشگاه شیراز می پردازد: دامپروری عمومی ،پرورش گوسفند و بز، فیزیولوژی تولید مثل ،بهداشت و پرورش دام ،آناتومی و فیزیولوژی دامی.جوائز و نشانها : دریافت لوح تقدیر استاد منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی در سال 1386، از رئیس جمهور وقت جناب آقای محمود احمدی نژادچگونگی عرضه آثار : نصرالله سفید بخت دارای 6 طرح تحقیقاتی و بیش از 6 مقاله به زبان فارسی و بیش از 12 مقاله به زبان خارجی دارد. آثار : صنایع پوست در دامهای بزرگ (گاو) مقایسه و مقاومت مولکول پوست طبیعی و چرم مصنوعی

سلطانی، غلامعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر غلامعلی پیوست در سال 1325 در شهرستان لنگرود به دنیا آمد.وی دکتری باغبانی رشته سبزیکاری از دانشگاه یوستوس- لیبیگ گیسن و مؤسسه تحقیقات کشاورزی اشپایر آلمان در سالهای LUFA, Speyer 1354-1354 اخذ کرد ( رساله تحت عنوان: تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه) ایشان هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه 28 دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان است. گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : سبزیکاریوالدین و انساب : پدر غلامعلی پیوست ،غلامحسین پیوست و نام مادر محترمشان ملوک دباغزاده است.خاطرات کودکی : غلامعلی پیوست درباره دوران کودکی خود چنین یاد میکند: "در سن 5 سالگی به دبستان رفتم و تا سن هفده سالگی در شهرستان لنگرود زندگی کردم.داشتن دوستان و همشاگردان زیاد از بهترین خاطرات دوران کودکی من بود.طی دوران تحصیل به طبیعت سر سبز گیلان علاقه خاصی داشتم و همواره مطالعاتم را در دوران دبیرستان در پارکها و جنگلها انجام می دادم.بهمین علت انگیزه تحصیلات عالیه در رشته باغبانی در من را بوجود آورد که خواسته مرا برآورده میکرد."تحصیلات رسمی و حرفه ای : غلامعلی پیوست پس از اخذ دیپلم طبیعی از شهرستان لنگرود در دانشگاه یوستوس- لیبیگ (Justus-Liebig ) گیسن آلمان به تحصیل کشاورزی پرداخت.وی از سال 1345-1350 مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را گذراند و در سال 1354 موفق به دریافت دکتری خود از همان دانشگاه در رشته سبزیکاری گردید. عناون پایان نامه کارشناسی ارشد دکتر غلامعلی پیوست:انواع کودهای شیمیائی، نحوه کودپاشی و تاثیر آن برروی زمین و گیاه عنوان پایان نامه دکتری دکتر غلامعلی پیوست:تاثیر مقادیر مختلف کمپوست زباله و فاضلاب (هوازی و غیر هوازی) روی سبزیهای مختلف در رابطه با میزان هیدراتهای کربن چند حلقوی معطر در زمین و گیاه خاطرات و وقایع تحصیل : غلامعلی پیوست در دوران تحصیل همواره شاگرد متوسطی بود .وی با دیدن یک فیلم خارجی در شهرستان لنگرود که خاطرات یک دانشجوی خارجی را در یک آمریکا تشریح می کرد، او را مصمم کرد برای ادامه تحصیل به خارج از کشور عزیمت کندفعالیتهای ضمن تحصیل : غلامعلی پیوست در ضمن

تحصیل در کشور آلمان همواره به کاردانشجویی مشغول بودند.استادان و مربیان : از اساتید غلامعلی پیوست می توان به پروفسور وها سیگل و دکتر هلمت راسپ اشاره کرد.همسر و فرزندان : غلامعلی پیوست در سال 1358 با سرکار خانم پروین رمضانی خرازی (مربی و فارغ التحصیل ازدانشگاه یومسیت منچستر انگلیس در رشته پتروشیمی - 15 سال پیش با دکتر پیوست همکار دانشگاهی بودند) ازدواج کرد و ماحصل این ازدواج دو فرزند دختر می باشد. فرزند ارشد دکتر پیوست ایران پیوست دارای مدرک کارشناسی رشته گرافیک (ارتباط تصویری) و دختر دیگرش نگین پیوست هم اکنون در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گرایش برق (نانوتکنولوژی) است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی غلامعلی پیوست: 1- عضو هئیت داوران کتب رشته باغبانی مرکز نشر دانشگاهی. تهران از سال 1363-1361، 2- عضو کمیته پژوهشی دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان.از سال 1375، 3- عضو هئیت رئیسه جلسات سخنرانی کنگره علوم باغبانی ایران.از سال 1375، 4- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی طرحهای تحقیقاتی سازمان تات استانهای گیلان، مازندران و گرگان.از سال 1377-1375، 5- مدیر گروه باغبانی از سال 1375 -1371، 6- سرپرست گلخانههای دانشکده علوم کشاورزی از سال 1381 تاکنون، 7- عضو کمیته اجرایی سومین سمپوزیوم بین المللی Gian سال 1384 در دانشگاه گیلان، 8- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات اولین همایش تکنولوژی گلخانه ای در استان گیلان (1384)، 9- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران- مشهد (1384). 10- عضو هئیت رئیسه جلسات سخنرانی چهارمین کنگره علوم باغبانی ایران. 1384، 11- عضو هیئت داوران دفاع از رساله دکتری رشته علوم باغبانی تحت عنوان : واکنشهای فیزیولوژیکی گوجه فرنگی گلخانه ای پیوندی و غیر پیوندی به شیوه محلول رسانی در سیستم هیدروپونیک. پردیس کشاورزی و منابع طبیعی - دانشکده علوم باغبانی و گیاهپزشکی دانشگاه تهران (1384). 12- مدیر گروه علوم باغبانی از تاریخ 27/6/85 تاکنون. 13- عضو کمیته بررسی و ارزشیابی مقالات پنجمین کنگره علوم باغبانی ایران- شیراز (1386). 14- عضو ستاد باغبانی استان گیلان (1386). 15- عضو ستاد گلخانه استان گیلان (1386). فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان. عنوان دروس ارائه شده توسط غلامعلی پیوست : دوره کارشناسی: سبزیکاری عمومی، سبزیکاری خصوصی دوره کارشناسی ارشد: روش های ویژه پرورش سبزی، سبزیکاری تکمیلی، مدیریت گلخانه، مباحث نوین در باغبانی، فیزیولوژی سبزیها. دوره دکتری: فیزیولوژی سبزیها، پرورش قارچهای خوراکی تکمیلی، کشتهای بدون خاک،

سمینار، مسئله مخصوص، مباحث نوین در سبزیکاری. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : غلامعلی پیوست در کنار تدریس و تحقیق به پیاده وری و جمع آوری قارچهای خوراکی از جنگل می پردازد.شاگردان : غلامعلی پیوست در طول 29 سال خدمت خود در دانشگاه گیلان بیش از 5000 دانشجو را تعلیم داده است.همفکران فرد : از همفکران غلامعلی پیوست در زمینه باغبانی می توان به دکتر عبدالله حاتم زاده ،دکتر رضا فتوحی قزوینی ،دکتر حمید اوغلی ،دکترحسن پور ،دکتر داود بخشی و دکتر محمود قاسم نژاد اشاره کرد.آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه غلامعلی پیوست: سبزیکاری: سبزیکاری فضای آزاد، سبزیکاری در گلخانه و تونلهای پلاستیکی، سبزیکاری در کشتهای بدون خاک، پرورش قارچهای خوراکی و داروئی، کار برد کمپوست زباله در کشاورزی، زراعت مارچوبه و سایر سبزیهای لوکس، کشاورزی اورگانیک. چگونگی عرضه آثار : تعدا مقالات بزبان انگلیسی = 12 مقاله تعدا مقاله های فارسی = 5 مقاله تعدا خلاصه مقالات بزبان فارسی = 19 مقاله تعدادخلاصه مقالات خارجی =6 مقاله پایان نامه های کارشناسی ارشد پایان یافته تحت راهنمایی و جاری= 16 پایان نامه سمینارهای کارشناسی ارشد باغبانی تحت راهنمائی = 10 سمینار شرکت در مجامع علمی = 11 مورد سخنرانیها = 11 مورد طرحهای تحقیقاتی پایان یافته دکتر پیوست: 1- پیوست، غلامعلی. 1375. تعیین بهترین زمان آبیاری در زراعت بادام زمینی. سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران. 2- رمضانی خرازی، پروین. و . غلامعلی پیوست. 1383. اندازه گیری ترکیبات فنلی و پساب حاصل از کارخانجات روغن گیری زیتون. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. 3- رمضانی خرازی، پروین و غلامعلی پیوست. 1385. استخراج و تعیین نوع ترکیبات فنلی در پساب حاصل از کارخانجات روغن کشی زیتون. وزارت صنایع معادن. 4- پیوست، غلامعلی. 1385. بررسی کاشت کاهو، ترب و سیر بعد از برداشت برنج در شالیزار استان گیلان. شورای عالی تحقیقات کشور. طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا دکتر پیوست: 1- رمضانی خرازی، پروین. و غلامعلی. پیوست. 1384. اندازه گیری ترکیبات فنلی و تعیین خواص شیمیایی سه رقم زیتون منطقه شمال کشور. دانشگاه گیلان و وزارت صنایع معادن. 2- نوری رودسری، ا. پیوست، غ.ع.، علی موسوی، ع.، رمضانی خرازی، پ. و الفتی، ج.ع. 1386. امکان سنجی کاهش مصرف کودهای شیمیایی در تولید خیار گلخانه ای به روش کشت بدون خاک آثار : 1 اطلس پرورش قارچهای خوراکی ویژگی اثر : ، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (1384)، چاپ دوم (13842 پرورش قارچ خوراکی شامپینیون ویژگی اثر : . انتشارات دانشگاه گیلان ، چاپ اول (1375 )، چاپ دوم ( 1381)، چاپ سوم( 1386).3 سبزیکاری ویژگی اثر

: انتشارات دانش پذیر، چاپ اول ( 1377)، چاپ دوم (1381 )، چاپ سوم( 1384)، چاپ چهارم (1385).4 سبزیکاری زیر پوشش پلاستیک ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان ، چاپ اول (1369)، چاپ دوم (1375)، چاپ سوم (1381)، چاپ چهارم (1385 ).5 کشتهای گلخانهای خاکی و بدون خاک ویژگی اثر : ، انتشارات دانش پذیر، چاپ اول (1384). چاپ دوم (1385)، چاپ سوم(1386).

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

سلیمانی، خشایار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر خشایار سلیمانی متولد 1322 ش یوتا دارای دکترای رشته دامپروری عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین می باشد.
گروه : کشاورزی
رشته : دامپروری
تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر خشایار سلیمانی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه کالیفرنیا دکترای رشته دامپروری از دانشگاه یوتا میباشد
خاطرات و وقایع تحصیل : انجام و تحصیل در رشته دامپروری و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر خشایار سلیمانی بوده است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر خشایار سلیمانی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.
وقایع میانسالی : دکتر خشایار سلیمانی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی دردانشگاه یوتا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر خشایار سلیمانی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتا است.
فعالیتهای آموزشی : دکتر خشایار سلیمانی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه دامپروری به تدریس دروس تخصصی رشته کشاورزی و دامپروری دانشگاه یوتا می پردازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر خشایار سلیمانی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.
آرا و گرایشهای خاص : دکتر خشایار سلیمانی از جمله علمای دامپروری است که پژوهشها و تحقیقات مفصل و عمیقی درباره رژیم غذایی و رابطه آن با میزان شیر و چربی گاو هلشتاین انجام داده است.

آثار :
1 رژیم غذایی و رابطه آن با میزان چربی و شیر گاو و نژاد هلشتاین

سیدالاسلامی، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسین سید الا سلامی متولد 1319در اصفهان است.وی دکترای رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در سال 1357 است.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته کشاورزی و حفاظت گیاهان از دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز در سال 1344 کارشناسی ارشد ودکتری در رشته حشره شناسی از دانشگاه میشیگان استیت آمریکا در سال 1357همسر و فرزندان : حسین سید الا سلامی متاهل است.وی دارای یک فرزند است.وقایع میانسالی : حسین سید الا سلامی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسین سید الا سلامی عضوهیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان است. از دیگر سمت های مورد تصدی ایشان: معاون پژوهشی در موسسه پژوهشی بیماریها و آفت نباتی در وزارت کشاورزی عضو سابق جامعه حشره شناسان آمریکا عضو جامعه حشره شناسان آیران داور مقالات برای ژورنالهای علمی رئیس بخش حفاظت گیاهان دانشگاه اصفهان نائب رئیس دانشکده کشاورزی در امور پژوهشی دانشگاه اصفهان دارای 4 ماه فرصت مطالعاتی در دانشگاه مارسی -نیوزلند فعالیتهای آموزشی : حسین سید الا سلامی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه اصفهان به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : عنوان پروژه مورد علاقه حسین سید الا سلامی : مدیریت آفت حشره ای و کنترل اساس بیولوژی روی آفات درختان میوه بخصوص روی حشرات نیم بال.چگونگی عرضه آثار : مقالات منشر شده در ژورنالهای علمی :22 مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانسها: 28 مقاله دکتر حسین سید الا سلامی استاد راهنمای 41 پایان نامه بوده است. وی همچنین دارای 3 طرح پژوهشی است. آثار : تغییرات ژنتیک در بوته های کویر مرکزی گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شجاع غیاث، جلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر جلیل شجاع غیاث،دانشیار گروه آموزشی علوم دامی دردانشگاه تبریز،در سال 1330در تبریز، بدنیا آمد.نامبرده در سال 1370مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1360به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.این همکاری تا کنون در دانشگاه مذکور ادامه دارد.
گروه : کشاورزی
رشته : دامپروری
تحصیلات رسمی و حرفه ای : جلیل شجاع غیاث تحصیلات ابتدایی را دردبستان سالاربه پایان رسانده و دیپلم خود را در سال 1349از دبیرستان دهقان اخذ کرده‌اند. ایشان مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی را از دانشگاه تبریزو کارشناسی ارشد دامپروری را در سال 1358از دانشگاه لانک دک - فرانسه دریافت نموده اند و در سال 1370مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرده‌اند.
عنوان پایاننامه : الف - کارشناسی ارشد : بررسی پارامترهای ژنتیکی تولیدات گوسفند ب - دکتری : بررسی رابطه ژنتیکی فاکتور ا IGf- با تولید شیر گاوهلشتاین
وقایع میانسالی : جلیل شجاع غیاث در سال 1370مدرک دکتری در رشته دامپروری را از دانشگاه ژامبلو - فرانسه با موفقیت اخذ کرد. و از سال 1360به عنوان عضو هیات علمی در گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی مشغول خدمت شد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سمتهای اجرایی و مدیریتی جلیل شجاع غیاث : قبلی :رئیس دانشکده کشاورزی فعلی: عضو هیئت علمی و دانشیار گروه آموزشی علوم دامی دردانشگاه تبریز
فعالیتهای آموزشی : فعالیتهای آموزشی دکتر جلیل شجاع غیاث به قرار زیر است: تدریس : 1-دوره کارشناسی : دروس اصلاح دام 1و2 . پرورش گاو شیری 2-تحصیلات تکمیلی : دروس ژنتیک جمعیت ، ژنتیک کمی و اصلاح تکمیلی دام
چگونگی عرضه آثار : تعداد مقاله های منتشرشده : 12 مورد تعداد مقاله های ارایه شده در کنفرانسها : 15 مورد تعداد کتابهای ترجمه شده : 2

مورد تعداد پایاننامه های کارشناسی ارشد : 25 مورد تعداد طرحهای تحقیقاتی مصوب : 7 مورد

شجاعی، محمود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمود شجاعی متولد سال1306ه.ش دارای مدرک دکترای تخصص درحشره شناس و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک کشور بلژیک و عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمودشجاعی دارای مدرک کارشناسی وکارشناسی ارشد ودکترای تخصصی درحشره شناسی و گیاه پزشگی از انستیتو آلرولومیک بلژیک می باشد.فعالیتهای ضمن تحصیل : محمود شجاعی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون گیاه پزشکی حشره شناسی ، جانورشناسی کشاورزی ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران به مطالعه پرداخته است.وقایع میانسالی : محمود شجاعی پس از اخذ مدرک دکترای تخصصی در حشره شناسی و گیاه پزشکی از انستیتو آکرولومیک بلژیک به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی استادی را کسب نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمودشجاعی عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پس از طی کردن استادیاری و دانشیاری به درجه ی استادی در این دانشکده رسید.فعالیتهای آموزشی : محمودشجاعی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس این رشته پرداخته و راهنمایی به مشاوره و نظارت بر بیش از 50پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا را بر عهده داشته است . ایشان به مطالعه ی فونستیک و بیواکولوژیک زنبورهای مفید تریکتوگراما درفلات ایران ، تاکسونومیک مجموعه حشرات فلات ایران ، بیولوژی و اکولوژی حشرات زیان آور و مفید ،فونستیک و بیواکولوژیک زنورهای مفید تریکوگراما در فلات ایران و غیره ..پرداخته است.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمودشجاعی 2مورد ابداع در زمینه ی مبارزه بیولوژیک با حشرات زیان آوردارد.جوائز و نشانها : محمود شجایی جایزه بهترین کتاب در سال 1346 را دریافت کرد.چگونگی عرضه آثار : محمود شجاعی به موازات تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف پیرامون حشره شناسی، مرفولوژی، فیزیولوژی، زمینه زیست محیطی حشرات زیان آور و مفید دراکوسیستم های زراعی و طبیعی فلات ایران، اتولوژی و بیولوژی پرداخته است. ایشان بیش از 38 مقاله به زبان فارسی و بیش از 18 مقاله به

زبان خارجی در موضوعات فوق دارد.دکتر شجاعی همچنین 3 تالیف در زمینه اتولوژی و اتوژفی و دشمنان طبیعی و مبارزه بیولوژیک در زندگی اجتماعی حشرات نیز دارد. آثار : اتولوژی افتوژفی حشره شناسی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شریف برهانزهی، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمد شریف برهانزهی متولد 1320 ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه وست مینیستر با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون گیاه پزشکی و کشاورزی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر محمد شریف برهانزهی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه کالیفرنیا میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر محمد شریف برهانزهی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر محمد شریف برهانزهی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر محمد شریف برهانزهی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه وست مینیستر درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر محمد شریف برهانزهی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه وست مینیستر است.فعالیتهای آموزشی : دکتر محمد شریف برهانزهی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه وست مینیستر به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر محمد شریف برهانزهی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری تخصصی ،پژوهشی و عمیق می پردازد.آرا و گرایشهای خاص : دکتر محمد شریف برهانزهی از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره گیاه پزشکی و کشاورزی علمی نوین دارد. آثار : گیاه پزشکی و کشاورزی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

شریفی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عباس شریفی تهرانی متولد بیستم دیماه 1316 از تهران می باشد. او دارای مدرک دکترای در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از دانشگاه فرانسه در سال 1349 است. وی عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی استادی است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیاوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : عباس شریفی تهرانی در سال 1316 ه.ش چشم به جهان گشود . وی مهمترین خاطرات آن زمان را ملی شدن صنعت نفت می داند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : عباس شریفی تهرانی دارای کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در سال 1341،دیپلم تحصیلات عالی کشاورزی (D.E.A) در سال 1346 و دکتری در رشته گیاهپزشکی (سم شناسی) از فرانسه در سال 1349 است.فعالیتهای ضمن تحصیل : عباس شریفی تهرانی ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون روشهای مبارزه با عوامل بیماری زای قارچی گیاهان شامل مبارزه شیمیایی ، مبارزه بیولوژیکی پرداخته است.وقایع میانسالی : عباس شریفی تهرانی پس از اخذ مدرک دکترای گیاهپزشکی به عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و هم اکنون با درجه استادی مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباس شریفی تهرانی در دانشگاه تهران درسال 1354 به عنوان و دانشیاری دانشگاه و سپس به مرحله ی علمی استادی این دانشکده درسال1364 است. خدمات علمی و اجرایی عباس شریفی تهرانی به شرح زیر است:
• 1362 -1381, آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران
• 1354 -1362, آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران
• 1350 -1354, آموزشی- پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران
1342 -1350, آموزشِ - پژوهشی,دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. عناوین دروس آموزشی ارائه شده توسط عباس شریفی تهرانی: کارشناسی: • اصول مبارزه باآفات وبیماریها • بیماریهای فیزیولوژیک • سم شناسی کارشناسی ارشد:
• فیزیولوژی پاراتیسم دربیماریها • فیزیولوژی پارازیتی سم دربیماریهای
• مدیریت مبارزه بابیماری گیاهی دکتری: • شیمی وتوکسیکولوژی قارچها

فیزیولوژی قارچها تکمیلی • مدیریت عوامل بیماریزای گیاهی تکمیل سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : جوائز و نشانها : دریافت لوح تقدیر به مناسبت اجرای طرح برجسته سال دانشگاه تهران در سال1370 استاد نمونه کشور و دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری سال 1377 پژوهشگر برجسته و دریافت لوح تقدیر در دانشگاه تهران درسال 1380 چهره ماندگار درسال 1382 دریافت لوح تقدیر از جشنواره خوارزمی 1383 دریافت لوح تقدیر به مناسبت طرح نمونه کاربردی دانشگاه تهران درسال 1385چگونگی عرضه آثار : عباس شریفی تهرانی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون موضوعاتی چون کنترل بیماریهای گیاهی شامل: بررسی اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کش بر بیماریهای قارچی گیاهان ، بررسی روش کنترل بیولوژیکی با بیماریهای قارچی گیاهان پرداخته است. ایشان دارای چند طرح تحقیقاتی را به پایان رسانیده است که عناوین آنها به شرح زیر است: • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-1383,صندوق حمایت از پژوهشگران • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه-1383,ساختمان معاونت پژوهشی دانشگاه تهران • استفاده از باکتریهای آنتاگونیست در کنترل بیولوژیک بیمارگرهای گیاهی در شرایط مزرعه -1383 • 1385-1385,استفاده از فرمولاسیون پودری دو استرین از Bacillus subtilis در کنترل بوته میری کلزا در اثر • Rhizoctonia 1384-1384,کنترل بیو لوژیکی Tiavosporella phaseolina عامل پوسیدگی زغالی سویا

---

آثار : اثر ترکیبات شیمیایی قارچ کشی روی عوال بیماری زای قارچی گیاهان 2 فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی جلد دوم (بیماری شناسی گیاهان ) ویژگی اثر : ترجمه,فرهنگستان علوم -دانشگاه تهران ,13783 کنترل بیولوژیکی بیماریهای قارچی گیاهان 4 مدیریت بیماریهای گیاهی 5 مقالات ارائه شده در همایشها(1): • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر فرمولاسیون پودری دو جدایه از Pseudomonas fluorescens در کنترل Rhizoctonia solani عامل مرگ گیاهچه کلزا",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی توکسین تولید شده توسط جدایه های قارچ Alternaria alternata f.sp.lycopersici عامل شانکر ساقه گوجه فرنگی",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"کنترل بیولوژیکی مرگ گیاهچه لوبیا ناشی از قارچ Rhizoctonia solani با استفاده از باکتریBurkholderia cepacia",هفدهمین کنگره

گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر قارچ Fusarium oxysporum عامل پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در گلخانه وشرایط مزرعه",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های Pseudomonas fluorescens در کنترل بیولوژیک قارچPenicillium digitatum عامل کپک سبز مرکبات",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"شناسایی ترکیبات اسانس گونه گیاهی Artemisia khorasanica وبررسی فعالیت ضد قارچی آن روی برخی از قارچ های خاکزی بیماریزای گیاهی",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تاثیر برخی شرایط محیطی روی تولید آنتی بیوتیک دی استیل فلورو گلوسینول",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,07-12,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"تاثیر محیط کشت بر میزان رشد و خاصیت آنتاگونیستی چند جدایه از pseudomonas fluorescensو Bacillus subtilis",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,07-12,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تاثیر نور?دما ورطوبت در تندش کنیدیوم های Erysiphe betae عامل بیماری سفیدک پودری چغندر قند",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,07-12,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی کارایی برخی روشهای سرولوژیکی و مولکولی در تشخیص و ردیابی باکتری Erwinia amylovora عامل آتشک درختان میوه دانه دار",هفدهمین کنگره گیاه پزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی بیماریزایی چهار جدایه از Erysiphe betae روی پنج ژنوتیپ چغندر قند با استفاده از روش دیسکهای برگی",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,07-12,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"تاثیر محیط کشت و زمان انکوباسیون در میزان آنتی بیوتیکهای تولید شده از سودوموناسهای فلورسنت",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"مقایسه فعالیت چند آنزیم به عنوان نشانگر مقاومت القایی در خیار علیه بیماری سفیدک پودری",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر نمکهای کربنات و بیکربنات به تنهایی و در تلفیق با باکتری Pantoae agglomerans در کنترل قارچ Penicillium digitatum عامل کپک سبز میوه مرکبات در شرایط آزمایشگاه وسردخانه",هفدهمین کنگره گیاهپزشکی,ایران ,12-07,شهریور,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیستی بر

Phytophthora citrophthora عامل بیماری گموزیسته",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مقایسه فنوتیپی بیوشیمیایی و آنتی بیوگرام استرین های ایران باکتری pseudomonas syringae pv.syringae جدا سازی شده از میزبانهای مختلف ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های Bacillus وPseudomonas روی قارچ Verticillium عامل پژمردگی ورتیسیلیومی پنبه ",مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,02-,فروردین,1379 • شریفی تهرانی عباس,"مقاسه سرولوژیکی وملکولی استرینهای Pseudomanas syringae .pv.syringae جداشده از درختان میوه هسته دار - گندم وجو ",مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,02-,فروردین,1379 • شریفی تهرانی عباس,"فعالیت القائی آنزیم کیتیناز در برگهای گندم مقاوم پس از مایه زنی با نژاد ناسازگار Puccinia striiformis f.sp.tririci عامل بیماری زنگ زرد ",مقالات چهاردمین کنگره گیاه پزشکی ایران,اصفهان/ایران ,02-,فروردین,1379 • شریفی تهرانی عباس,"مقایسه ویژگیهای فیزیولوژیکی - بیوشیمیایی - دامنه میزبانی وآنتی بیوگرام جدایه های ایرانی عامل بیماری شانکر درختان میوه هسته دار با جدایه های Pseudomanas syringae pv.syringae عامل بیماری بلایت باکتریایی",مقالات چهاردمین کنگره گیاه 6 مقالات ارائه شده در همایشها(2): • شریفی تهرانی عباس," فعالیت و نقش آنزیم اکسید کننده پراکسیداز در مکانیزم مقاومت گندم به بیماری فوزاریومی خوشه ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"تجزیه وتحلیل پیشرفت بیماری بلایت فوزاریومی خوشه گندم در سه رفم فلا ح- گلستان وتجن در شرایط کنترل شده با استفاده از مدلهای اپیدمیولوژیکی",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس," بررسی حساسیت 15 رقم یونجه به بیماری سفیدک داخلِ در شرایط آزمایشگاه ومزرعه ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر جدایه هایی از قارچهای Paecilomyces spp. و Fusarium solani درکنترل بیولوژیکی نماتد سیست چغندر قند در شرایط اطاقک رشد",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"شناسائی نژادهای فیزیولوژیک قارچ Blumeria graminis f.sp.tritici عامل بیماری سفیدک پودری گندم در سیستان ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی

ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس," ارزیابی مقاومت وفعالِت آنزیمهای پلی فنل اکسید از PPO وکاتالاز CAT در ارقام مختلف زرد آلو پس از تلقیح با عامل بیماری شانکر باکتریایی ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی عامل بیماری شانکر باکتریایی درختان هسته دار در منطقه کرج ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"شناسائی وبررسی خصوصیات فنوتیپی Agrobacterium vitis عامل باکتریایی بیماری سرطان طوقه مو در مناطق کرج وتاکستان ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر 2استرین از سودوموناسهای فلئورسانت روی قارچ Pythium ultimum عامل بیماری مرگ گیاهچه خِار",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر آنتاگونیستی جدایه های تریکودرما وگلیوکلادیوم روی قارچ Phytophthera capsici عامل بیماری بوته میری فیتوفترایی فلفل",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه وتعیین دامنه میزبانی سفیدک داخلی خیار در منطقه جیرفت ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه تابستانگذرانی وجستجوی اسپور عامل بیماری سفیدک داخلی خیار در منطقه جِیرفت ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند قارچکش روی بیماری سفِدک داخلی خیار در کشت زیر پوشش پلاستیکی در منطقه جیرفت ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"تعیین عوامل بیماریزای فوزاریومی نیشکر در استان خوزستان ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"بازیابی پیروکیلون در بوته برنج پس از گرانولپاشی در خاک وارتباط آن با کنترل بیماری بلاست برنج ",مقالات سیزدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1377 • شریفی تهرانی عباس,"جداسازی قارچ Fusarium از سیستمهای نماتد Heterodera وبررسی اثر آنتگونیستی آن ",مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • شریفی تهرانی عباس,"اولین گزارش از جداسازی وشناسایی قارچ Paecilomyces از سیستمهای نماتد Heterodera schachtii وبررسی اثر آنتا گونیستی آن روی تخمهای نماتد در ایران ",مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی

ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • شریفی تهرانی عباس,"بررسِی گلخانه ای اثر چند قارچکش وچند ایروله تریکودرما و گلیوکلادیوم روی Dematophora necatrix ",مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی نقش آلودگی وانتقال بیماری بوته میری زیره سبز از طریق بذر ",دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج /ایران ,01-,فروردین,1374 • شریفی تهرانی عباس,"معرفی قارچ عامل بیماری پوسیدگی ساقه برنج در گیلان ",مقالات دوازدهمین کنگره گیاه پزشکی ایران,کرج/ایران ,01-,فروردین,1374 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تاثیر قارچ آنتاگونیست تریکودرما روی عامل بیماری پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در شرایط آزمایشگاه 7 مقالات ارائه شده در همایشها(3): • Sharifi Tehrani Abbas,"Biochemical and serological comparison of iranian strains of Pseudomonas syringae pv.the causal agent of stone fruit canker and cereal blight",The second International Iran and Russia Conferenc,Moscow/Russia ,21-,march,2622 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Batrytis cinerea the eausal agent of gray mold of strawberry by antagonistic tungi",52th International symposium on grop protection .Univ of Gent Belgium,عدم اعلام ,21-,march,2621 • Sharifi Tehrani Abbas,"Induced chitinase activity in resistant wheat leavs inoculeted with an incompatible race of Puccinia striiformis f.sp.Tritici, the causal agent of yellow rust disease",52th International symposium of crop protection Uinv.Gent.Belgiumh ,عدم اعلام ,21-,march,2621 • Sharifi Tehrani Abbas,"51th International symposisum on Grop protection Univ . of Gent m Belgium",Biocontrol of Phytophthora capsici , the caual agent of pepper damping -off . by antagonistic bacteria ,عدم اعلام ,21-,march,2620 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Fusarium crown and root rot of Tomato by Fluorescent Pseudomonads ",50th International symposium on Grop protection Univ , of ,Gent Belgium ,عدم اعلام ,21-,march,2619 • Sharifi Tehrani Abbas,"Study on the changes in total phenol content in two wheat cultivars to yellow rust diseas and it's role in resistance",International conference on Integrated plant

disease Management for Sustaineble Agriculure,New Dehli/India ,21-,march,2618 • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de Quelques fongicides sur Fusarium Oxysporum F.sp.Lycopersici , agent du fletirissement de tomate",47th International symposium on Grop protection Univ , of ,Gent march,2616 • Sharifi Tehrani,-21, اعلام عدم, Belgium Abbas,"The Effect of Trichoderma harzianum on Phytophthora drechsieri, the caual agent of cucumber damping -off",XIIIth International plant protection Congress,Hague/netherland ,21-,march,2616 • Sharifi Tehrani Abbas,"Study of Corn leaf blight",47th Innternational عدم, symposium on Grop protection Univ .of.Gent , Belgium march,2616 • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de,-21, اعلام quelques fongicides sur Rosellinia necatrix agent du pourridie des racines", 46th international symposium on march,2615 • Sharifi,-21, اعلام عدم, crop protection Univ Tehrani Abbas,"Action de qucelques fongicides sur les cham pignons provocants la gommose du pistachier",45th international symposium on crop protection ,Univ .ofGent march,2614 • Sharifi Tehrani,-21, اعلام عدم, ,Belgium Abbas,"Gestion chimique de1'oidium du concombre ",6th International Congress of plant pathology,Montreal/Canada ,21-,march,2614 • Sharifi Tehrani Abbas,"44th International symposium on Crop Protection univ of Gent , Belgium",Activity of some fongicides on Ph,Drechslevi , the اعلام عدم, causal agent of the green death of cucumber march,2613 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee,-21, de laction du Biloscazol et celle des Dichlofunid et Capton sur les taches brunes de l' amandier . Polystigma ochraceum ",43th International symposium on Crop Protection univ of march,2612 • Sharifi Tehrani,-21, اعلام عدم,Gent , Belgium Abbas,"L'action de quelques fongicides sur la carie du ble aux champs irrigues et non irregues ",XXXXII th International عدم, symposium on Crop protection univ . of Gent , Belgium march,2611 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude,-21, اعلام comparee de laction de saufre et celle de benomy 1et

Tridemorph sur l' oidium du concombre. ",XXXXIXth International symposium on Crop Protection univ .of Gent , march,2608 • Sharifi Tehrani,-21, اعلام عدم, Belgium Abbas,"Etude comparee de laction de quelques fongicides sur la tavhes brunes de l' amandier . Polystigma ochraceum ",XXXVII th International symposium on grop protection march,2606 • Sharifi,-21, اعلام عدم,univ.of Gent , Belgium • :(4)مقالات ارائه شده در همایشها Tehrani Abbas,"Etude compar8 Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de quelques fongicides sur la croissance du mycelium et le pouvoir pathogend'Alternaria tenuis",3th congress of the Mediterramean phytopathologica,Oeiras/Portugal ,21-,march,2593 • Sharifi Tehrani Abbas,"Action de fongicides sar la physiologie et la morphologie de Botrytis عدم,cinerea ",VIIth Internatinal congress of plant protection march,2591 • Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of,-21, اعلام antifungal activity of carbonate and bicarbonate salts alone or in combination with biocontrol agents in control of citrus green mold",59th international symposium on crop may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,protection Abbas,"Biological control of sclerotinia sclerotiorum( LIB.) de bary, the causal agent of white mold , by pseudomonas species on canola petals",59th international symposium on may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,crop protection Abbas,"A study on antifungal activity of some plant essences in control of Rhizopus stolonifer caused agent of strawberry grey rot",59th international symposium on crop may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,protection Abbas,"Effect of timing of application pseudomonas fluorescens in suppression sclerotinia sclerotiorum, the causal agent of white mold in canola",59th international may,2007 •,22-22, بلژیک,symposium on crop protection Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of the effects of chemical versus biological control on botrytis cinera agent of gray mold disease of strawberry",59th international symposium may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,on crop protection

Abbas,"Biocontrol of phytophthora cactorum the causal agent of root and crown rot on apple (malus domestica) by formulated pseudomonas floueresens",59th international may,2007 •,22-22, بلژیک,symposium on crop protection Sharifi Tehrani Abbas,"Evaluation of production of some antifungal metabolites by fluorescent pseudomonads in vitro and their inhibitory effect on penicillium digitatum in semi commercial condition",59th international symposium on may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,crop protection Abbas,"Effect of carbon and nitrogen sources on growth and biological efficacy of pseudomonas fluorescens Bacillus subtilis against rhizoctonia solani ,the causal agent of bean damping-off",59th international symposium on crop may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,protection Abbas,"Detection of PHLD gene in some fluorescent pseudomonads isolated from iran and its relative with antifungal activities ",59th international symposium on crop may,2007 • Sharifi Tehrani,22-22, بلژیک,protection Abbas,"Introduction of some important antagonistic bacteria affecting on damping-off of canola in iran",59th -22, بلژیک,international symposium on crop protection may,2007 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of,22 some pathogenic fungi by Bacillus subtilis",59th -22, بلژیک,international symposium on crop protection may,2007 • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of some,22 antifungal metabiolites of fluorescent pseudomonas on Rhizobacteria solani the causal agent of bean damping-off ,",7th internationalworkshop,neterlands ,28-02,may,2006 • Sharifi Tehrani Abbas,"study on some rhizobacteria against rhizobacteria solani on common bean",7th international workshop on plant growth promoting rhizobacteria,netherlands ,28-02,may,2006 • Sharifi Tehrani Abbas,"powder formulations of two strains of bacillus subtilis for control of rape damping-off caused by Rhizoctonia solani",58 th international symposium on crop may,2006 • Sharifi Tehrani,02-26, بلژیک,protection

Abbas,"effect of fluorescent pseudomonads and trichoderma sp., and their combination with two chemicals on penicillium digitatum caused agent of citrus green mold",58th international symposium on crop protection,بلژیک, 26-مقالات may,2006 • Sharifi Tehrani Abbas,"chemical com9,02 چاپ شده در مجلات خارجی: • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Botrytis cinerea the causal agent of Gray mold of Strawberry by antagonistic fungi",Med.Fac.Landbouww. Univ (in press),0,0,0 ,2621 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Phytophthora capsici the causal agent of pepper daming - off by antagonistic bacteria",Med.Fac.Landbouww Univ,0,64-3b,419-423 ,2620 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of Fusaium crown and root rot of tomato by fluorescent pseudomonads",Med.Fac.Landbouww. Univ,0,64-3b,425-429 ,2620 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biocontrol of soil borne fungal plant diseases by 2,4 - diacetylphloroglucinol - producing fluorescent pseudomonads with different profiles of amplif",European Journal of Plant Pathology,0,104,631-643 ,2619 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de 1'action du Bitertanol et celle des Dichlofluanide et Captan sur les taches de 1' amandier",Med.Fac.Landbouww.rijksuniv,0,56-ab,535-537 ,2617 • Sharifi Tehrani Abbas,"l'action de quelques fongicides surLa carie ble Tilletia Foetida (waLL) Liro aux champs irriguess et non - irriges ",Med.Fac.Landbouww.rijksuniv,0,55-3a,1015-1018 ,2611 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de 1 action du soufre et celle ds Benomy 1 et Tridemorph sur 1 oidium du concombre",Med.Fac.Landbouww . Rijksuniv,0,52,929-933 ,2608 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de 1 action de quelques fongicides sur les taches runes de 1 amardier Polystiqma ochraceum (wahl)Sacc",Med .Fac.Landbouww. Rijksuniv ,0,50- 3b,1259-1262 ,2606 • Sharifi Tehrani Abbas,"Etude comparee de 1 action de quelques fongicides en plein champ sur 1 oidium du concambre",Med.fac.Landbouww. Rijksuniv ,0,49.2a,407-410 ,2605 • Sharifi Tehrani Abbas,"Bekampfungsversuche mit

vier neuen Fungiziden gegen Weizenflugrand { Ustilago Triici (pers)Rostr und Weizenstein brand Tilletia Tritici im Iran .Anz } ",Pflanzenschutz , Umweltschutz,0,48,74-71 ,2596 • Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de quelques fongicides sur la croissance du mycellium et le pouvoir pathagene de Sclerotinia sclerotiorum (lib.)DeBy",Phytiatrie - phytopharmacie,0,32,189-192 ,2595 • Sharifi Tehrani Abbas,"Influence de subsitiutions nitrees et aminees dans le noyau benzeniqes sur le developpement de Btrytis cinerea pers",Phytiatrie -phytopharmacie,0,19,27-32 ,2591 • Sharifi Tehrani Abbas,"Acion de quelque fongicides sur Botrytis cinerea",Phytiarie - Ohytopharmacie ,0,4,311-315 ,2589 • Sharifi Tehrani Abbas,"Study on the overwintering of cleistothecia and conidia of Erysiphe betae causal agent of جلد,sugar beet powdery mildew in Iran.",Comm.Appl.Biol.Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Contribution • 2005, -3,333 شماره 70 of phla and some metabolites of fluorescent pseudomonads شماره 70 جلد,to antifungal activity.",Comm.Appl.Biol.Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Occurrence and • 2005, 155-3,151 physico -serological properties of potato vorus PVS) in • 2005, 425-3,423 شماره 70 جلد,Iran",Comm.Appl.Biol.Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Tiarosporella phaseolina the causal agent of charcoal rot of 2005, 192-3,189 شماره 70 جلد,soybean.",Comm.Appl.Biol.Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of Inoculum density and • substrate type on phytophthora drechsleri",comm. APPl.Biol Sharifi Tehrani • 2004, 656-4,653 شماره 69 جلد,. Sci Abbas,"Antagonistic effect of several bacteriaea on Fusarium شماره69 جلد,oxysporum F.sp.cepa",comm. APPl.Biol . Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Effect of • 2004, 661-4,657 Acibenzolar S-methyl on the phenolic content in cucumber • 2004, 563-4,555 شماره69 جلد,.",comm. APPl.Biol . Sci Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Chickpea 651-4,649 شماره69 جلد,Fusarium Wilt",comm. APPl.Biol . Sci 2004, 10 مقالات چاپ شده در مجلات داخلی: • زبرجد عبدا... , شریفی تهرانی عباس , حجارود قربانعلی , محمدی مجتبی,"بررسی تاثیر باکتریهای

آنتاگونیست بر کنترل بوته میری سویا در اثر Phytophthora sojae",علوم کشاورزی ایران,37-شماره 4,671 ,1385 • صاحبانی نوزاله , زاد جواد , شریفی تهرانی عباس , خیری احمد , محمدی مجتبی,"بررسی تغییرات کمی فنل کل ریشه گوجه فرنگی در تعامل بین نماتد مولد گره ریشه Meloidogyne javanica و قارچ عامل پژمردگی آوندی Fusarium oxysporum f.sp. lycopersici",علوم کشاورزی ایران,37-شماره 4,746 ,1385 • شریفی تهرانی عباس,"اثر دما و رطوبت در جوانه زنی آسکوسپور و کنیدیوم Uncinula necator عامل بیماری سفیدک سطحی مو",علوم کشاورزی ایران,جلد37-شماره3,487 ,1385 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه تولید متابولیتهای ضد قارچی باکتریهای Bacillus subtilisو Streptomyces sp",همایش بیوتکنولوژی کشاورزی,11,11 ,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر باکتری آنتاگونیست سودوموناس فلورسنت در افزایش رشد گیاه کلزا",همایش بیوتکنولوژی کشاورزی,11,11 ,1385 • شریفی تهرانی عباس,"تاثیر محیط کشت و زمان در میزان آنتی بیوتیکهای تولید شده از سودوموناسهای فلورسنت",مجله بیماریهای گیاهی,42-شماره1,125 ,1385 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تعامل جدایه ژنوتیپ بین Erisiphe betae و چغندرقند در شرایط گلخانه",مجله چغندرقند,جلد21- 2,123 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تاثیر سودوموناسهای فلورسنت روی قارچ Sclerotinia sclerotiorum(Lib.)de Bary عامل پوسیدگی ریشه آفتابگردان ",مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد 36 شماره 803-4,791 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تعامل جدایه - ژنوتیپ بین Erysiphe betae و چغندر قند در شرایط گلخانه ",چغندر قند 9,(4)12 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست بر Fusarium oxysporum عامل پژمردگی فوزاریومی نخود ایرانی در شرایط گلخانه ",مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد 36 شماره 717-3,711 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی پایداری قارچ Erysiphe betae عاما بیماری سفیدک پودری چغندر قند",علوم کشاورزی ایران,شماره 6 جلد 36,1355 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"اثرات آنتاگونیستی گونه های Tricoderma spp روی قارچPhytophthora capsici عامل پوسیدگی ریشه و طوقه فلفل ",بیماریهای گیاهی,جلد41 شماره 3,345 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گذرانی Uncinula necator(Schw.) Burrعامل بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان ",مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی ,شماره اول ,225 ,1384 • شریفی تهرانی عباس,"اثر شرایط محیطی روی رها شدن کجوانه زنی و بیماری زایی

آسکوسپورهای Uncinula necator عامل بیماری سفیدک سطحی انگور ",مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد 36شماره 1 ,1384 ,128-121 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه ارتباط بین مراحل مختلف بیولوژی نماتد مول گره و شدت بیماری فوزاریومی گوجه فرنگی و امکان سیستمیک شدن حساسیت ایجاد شده به وسیله نماتد در گیاه به قارچ ",مجله علوم کشاورزی ایران ,جلد 36شماره 1 ,1384 ,207-199 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تعامل نماتد گالزای بذر گندم Anguina tritici و باکتری عامل بیماری خوشه صمغی گندم Rathayibactertritici",مجله علوم کشاورزی ایران,جلد36 شماره 6,1355 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی پایداری قارچ Erisiphe betae عامل بیماری سفیدک پودری چغندر قند در منطقه کرج و قزوین",علوم کشاورزی ایران,جلد36 شماره 6,1381 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بازیابی پیروکیلن در بوته برنج پس از گرانول پاشی در خاک و ارتباط آنها با کنترل بلاست برنج",علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی,جلد 8شماره 1,205-212 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه اثر اسیبنزولار - اس متیل در کنترل بیماری سفیدک پودری خیار ",علوم کشاورزی ایران,جلد 35 شماره 2,285-292 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه تولید برخی از متابولیتهای ضد میکروبی بوسیله تعدادی از سودوموناسهای فلئورسنت",علوم کشاورزی ایران,جلد 35 شماره 3 ,731-739 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه بیماری شانکر ساقه گوجه فرنگی در استان بوشهر",علوم کشاورزی ایران,جلد 35 شماره 1,245-252 ,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی تاثیر قارچهای آنتاگونیست trichoderma، علیه بیماریهای پژمردگی فوزاریومی گوجه فرنگی در ااثر Fusarium oxysporum f.s.lycopersici در شرایط گلخانه ",مجله علوم کشاورزی ایران,1,32-37 ,1379 • شریفی تهرانی عباس,"فعالیت آنزیم پراکسید از در واکنشهای مقاومت وحساسی11 مقالات چاپ شده در همایشها(1): • شریفی تهرانی عباس,"The agonistic effect of antibiotic producing Pseudomonas flurescens isolates on mycelial growth of phytophtora citrophtora , the causal agent of pistachio gummosis.",چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام ,ایران ,01-04,خرداد,1384 • شریفی تهرانی عباس,"Pistachio gommosis in rafsanjan and sirjan areas.",چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته و بادام ,ایران ,01-04,خرداد,1384 • شریفی تهرانی عباس,"Appearance of Phytophtora nicotiana in Rafsanjan ",چهارمین سمپوزیوم بین المللی پسته وبادام ,ایران ,01-04,خرداد,1384 • شریفی تهرانی عباس,"Study on biocontrol mechanism of some

antiagonistic bcteria Phytophtora ciphithora, the causal چهارمین سمپوزیوم بین المللی,". agent of pistachio gummosis پسته و بادام ,ایران ,04-01,خرداد,1384 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی مکانیسم بیو کنترول چند باکتری آنتاگونیست روی قارچ F.oxysporum عامل پوسیدگی ریشه و طبق پیاز در آزمایشگاه ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیست روی قارچ Fusarium oxysporum عامل پوسیدگی ریشه و طبق پیاز در مزرعه ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"اثر عصاره برگ Reynoutria sachlinensis بر واکنش دفاعی بوته خیار در جریان ابتلا به بیماری سفیدک پودری ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی نقش کلیستوتسیوم در زمستان گذرانی عامل بیماری سفیدک سطحی انگور در استان خراسان",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"شناسایی گونه های جنس Ganoderma karst در شمال ایران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"الگوی PFGE استرین های باکتری Erwinia amylovoraعامل بیماری آتشک درختان میوه دانه دار در مقایسه با تیپهای اروپایی",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند باکتری آنتاگونیستی بر Phytophthora citrophthora عامل بیماری گموزیسته",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"کنترل بیولوژیکی قارچ Sclerotinia sclerotiorum عامل بیماری پوسیدگی ریشه آفتابگردان بوسیله سودوموناسهای فلورسنت",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مطالعه بررسی خصوصیات بیولوژیکی و کشت وپرورش مصنوعی گونه های Ganoderma lucidum, G. Applanutum جمع آوری شده از شمال ایران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"شناسایی دودمان کلونی در قارچ Magnaporthe grisea وبررسی نحوه پراکنش آنها به کمک REP-PCR در گیلان ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی مقاومت لاینها و ارقامی از گندم به بیماری سفیدک سطحی در شرایط گلخانه ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 •

شریفی تهرانی عباس,"مقایسه سرولوژیکی استرین های باکتری pseudomonas syringae pv.syringae از پنج گروه میزبانی مختلف ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"مقایسه فنوتیپی بیوشیمیایی و آنتی بیوگرام استرین های ایران باکتری pseudomonas syringae",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"استخراج و شناسایی مواد ضد باکتری از کارپوفور Ganoderma applanatum جمع آوری شده از شمال ایران",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی ویژگیهای مولکولی استرینهای ایرانی pseudomonas syringae pv syrngae جدا شده از میزبانهای مختلف ",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"تعامل بین سویه های آنتاگونیست pseudomonas fluorescens Trichoderma atroviride در بیان ژن کیتیناز",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,12-08,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"بررسی اثر چند ترکیب شیمیایی در القاء مقاومت خیار علیه بیماری سفیدک پودری",شانزدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران,ایران ,08-12,شهریور,1383 • شریفی تهرانی عباس,"جایگاه و ویژگیهای قطبهای علمی و نقش آنها در توسعه علوم و فن آوری کشور ",همای12 مقالات چاپ شده در همایشها(2): • Sharifi Tehrani Abbas,"Identificatin of phytophthora nicotianae the causal agent of pistachio gummosis for first time in Rafsanjan,Iran.",The second Asian conference on plant pathology ,سنگاپور ,28-25 ,june,2005 • Sharifi Tehrani Abbas,"Effect on some antagonistic bacteria against Phytophtora drechseleri,the causal agent of cucumber root and crown rot .",The second Asian conference on plant pathology ,سنگاپور ,28-25 ,june,2005 • Sharifi Tehrani,28-25, سنگاپور, pathology Abbas,"Biological control of Tiarosporella phaseolina the causal agent of charcoal rot of soybean.",57th International symposium on crop protection ,بلژیک ,12-10 ,may,2005 • Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Sclerotina sclerotiorum and Sclerotina minor ,the causal agents of sunflower root rot in Iran by fluorescent

pseudomonads.",57th International symposium on crop may,2005 • Sharifi Tehrani,12-10, بلژیک, protection Abbas,"Occurrence and physico-serological properties of potato virus (PVC) in Iran.",57th International symposium on may,2005 • Sharifi Tehrani,12-10, بلژیک, crop protection Abbas,"Biochemical changes in tomato defence mechanismes by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode. Part I .effect on pal and oxidoreductase",57th International symposium on crop may,2005 • Sharifi Tehrani,12-10, بلژیک, protection Abbas,"Biochemical changes in tomato defense mecanisms by tomato fusarium wilt in relation to root knot nematode part II .Effect on total phenol.",57th International symposium may,2005 • Sharifi Tehrani,12-10, بلژیک, on crop protection Abbas,"Contribution of Phla and some metabolites of fluorescent psedomonads to antifungal activity.",57th -10, بلژیک, International symposium on crop protection may,2005 • Sharifi Tehrani Abbas,"serological,12 comparison of Iranian strains of pseudomonas syringae pv.syringae from various host plants ",15th Inernational may,2004 • Sharifi,16-11, چین,plant protection congress Tehrani Abbas,"Biochemical phenotypical and antibiogram comparisons of Iranian strains of pseudomonas syringae pv.syringae isolated from various host plants ",15th may,2004 • ,16-11, چین,Inernational plant protection congress Sharifi Tehrani Abbas,"Biological control of Fusarium oxysporum the causal agent of chickpeaFusarium wilt by antagonistic Rhizobacteria",15th Inernational plant may,2004 • Sharifi Tehrani,16-11, چین,protection congress Abbas,"Study on resistance of wheat cultivars to powdery mildew under Green House conditions.",15th Inernational may,2004 • Sharifi,16-11, چین,plant protection congress Tehrani Abbas,"Effect of tomato and board bean root extract analogs on broomrape seed Germination",15th Inernational may,2004 • Sharifi,16-11, چین,plant protection congress Tehrani Abbas,"Effect of Acibenzolar S-methyl on the

phenotic content and specific activites ofperoxidase , chitinase and phenylalanine ammonia lyase of host leaves in cucumber powdery mildew interaction ", 56th Inernational may,2004 •,06-05, بلژیک,symposium on crop protection Sharifi Tehrani Abbas,"Effect inoculum density and substrate type on saprophytic survival of phytophthora drechsleri the causal agent of Goummosis on pistachio in Rafsanjan , Iran -05, بلژیک,",56th Inernational symposium on crop protection may,2004 • Sharifi Tehrani Abbas,"Changes in phenolic,06 content and specific activities of peroxidase ,phenylalane Ammonia lyase and chitinouse in cucumber learves inoculated wilth podosphaera fusca,the causal agent of powdery mildew",56th Inernational symposium on crop may,2004 • Sharifi Tehrani,06-05, بلژیک,protection Abbas,"Phenotypical, serological and molecular comparisons of Iranian strains of psedomonas syringa منابع زندگینامه

/http://iranologyfo.com:

شهبازی، اسماعیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
اسماعیل شهبازی در سال 1315 در شهرستان نهاوند دیده به جهان گشود.وی با قبولی در دانشسرای کشاورزی ورامین در روستای مامازن در حومه ی تهران تحصیلات متوسطه خود را آغاز نمود و در رشته ترویج فنون حرفه ای کشاورزی در سال 1339موفق به اخذ مدرک فوق دیپلم، لیسانس خود در مهندسی صنایع کشاورزی را در سال 1349 و فوق لیسانس در رشته ی ترویج کشاورزی را در سال 1350 از دانشکده ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت دریافت داشت. در جریان تکمیل تحصیلات عالیه ی این حرفه آموزی، دکترای مهندسی خود در تولیدات کشاورزی(آموزش ترویج و توسعه ی روستائی) را در سال 1357 از دانشگاه ملّیِ پلیتکنیک تولوز در فرانسه، دریافت نمود. وی فعالیتهای خود را با سرپرست مرکز آموزشِ فنّی و حرفه ای اسکان عشایر فارس آغاز نمود. از اسماعیل شهبازی در قسمت های مختلف کاری تقدیر به عمل آمده است و از ایشان به عنوان «چهرة ماندگار ترویج کشاورزی علمی کشور» تقدیر به عمل آمد.گروه : کشاورزیرشته : آموزش و ترویج توسعه روستاییگرایش : اقتصاد کشاورزیوالدین و انساب : نام پدر اسماعیل شهبازی مرحوم حاج خلیل گوشه ای نهاوندی فرزند مرحوم محمّدعلی و مادرش مرحومه حاجیّه ربابه شهبازی فرزند مرحوم حاج هَدا تاجرِ نهاوندی.خاطرات کودکی : اسماعیل شهبازی از خاطرات دوران کودکی خود اینطور بیان می کند: روزی که در سال 1329 و در گرماگرم جنبش هایِ اولّیه ی مردم شهرمان برای کسب آزادیهایِ مدنی، به عنوان یک دانش آموز دبیرستانی از سوی فرهنگیانِ جوان، در یکی از تجمّعاتِ مردمیِ شهر سخنرانی کردم و مورد تشویق پُرشور مردم قرار گرفتم و از یکی از مشاهیر وقت، جایزه ی ارزنده ای دریافت داشتم.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : اسماعیل شهبازی می گوید: از همان اوان کودکی، به تَبَعیت از شرایط زندگی خانوادگی که حدود پنج ماه از سال (از خرداد تا مهر) را به باغ میوه ی ملکی خود در خارج از شهر نقل مکان می کردیم، به کارِ باغبانی و باغداری که توسّط پدر و مادرم اداره میشد، توجّه داشتم و غیرِ مسئولانه کارآموزی می کردم. پس از فوتِ پدر،کارآموزیِ غیر مسؤلانه ای من تبدیل به کارورزیِ مسؤلانه شد و عملاً، به خصوص بهره برداری از حقابه گیری و آبیاریِ باغ از سال 1325، عامل اصلی و مباشر خانوار در

امور باغ شدم. این عاملیّت و مباشرت نه تنها در مورد باغ میوه ای که به ناحقّ، خیلی زود از تملّک و تصرّفِ خانواده ی ما خارج شد، بلکه در مورد یک باغ میوه و چندین فقره املاک زراعی و رقبات دیگر نیز تا سال 1333 ادامه داشت.تحصیلات رسمی و حرفه ای : اسماعیل شهبازی از سال 1333 که در امتحان ورودی دانشسرای کشاورزی ورامین در روستای مامازن در حومه ی تهران پذیرفته شد، حرفه آموزی خود در زمینه های کشاورزی را به صورت علمی و آکادمیک آغاز کرد و در این مسیر، دیپلم کشاورزی خود از دانشسرای کشاورزی را در سال 1335، فوق دیپلم خود در ترویج فنون حرفه ای کشاورزی را در سال 1339، لیسانس خود در مهندسی صنایع کشاورزی را در سال 1349 و فوق لیسانس در رشته ی ترویج کشاورزی را در سال 1350 از دانشکده ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت دریافت داشت. در جریان تکمیل تحصیلات عالیه ی این حرفه آموزی، دکترای مهندسی خود در تولیدات کشاورزی(آموزش ترویج و توسعه ی روستائی) را در سال 1357 از دانشگاه ملّیِ پلیتکنیک تولوز در فرانسه، دریافت نمود. خاطرات و وقایع تحصیل : هرج و مرجهای اجتماعی در دوران تحصیل در دبیرستان به سببِ وجود احزاب و دستجات سیاسی مختلف در سطح جامعه و نفوذ ایادی آنها به داخل مدارس و ایجاد چند دستگیهای ناسالم بین هم شاگردیها و معلمان و دبیران شاغل در هر واحد فرهنگی، بخصوص در طول سالهای1330 تا مردادماه 1332 از اتفاقات دوران تحصیل اسماعیل شهبازی به شمار می آید.فعالیتهای ضمن تحصیل : اسماعیل شهبازی در در دوره ی تحصیل در دانشسرا نه تنها عضو انجمن اسلامی دانش آموزان بود بلکه با همکاری همکلاسی شفیق خود آقای عبدالّرحیم اشراق، در مقام سر دبیر و مدیرمسؤل ، و تنی چند از دیگر دانش آموزان دانشسرا، روزنامه ی «آهنگ روستا» را ابتدا به صورت دیواری و سپس به شکل استنسیلی با شمارگانِ کمتر از 100 نسخه تهیه و تنظیم و در سطح دانشسرا ، منتشر کرد. از جملَه ی دیگر فعّالیّتها اینکه، در اولیّن دوره ی تحصیلات دانشگاهی اش جذب تیم بسکتبال شده و مدتی نیز سمت کاپیتانیِ آن را بر عهده داشت.استادان و مربیان : اسماعیل شهبازی از مربی دوره ی دانشسرای کشاورزی مرحوم مهندس خسرو صدری، در دوره تحصیلات دانشگاهی در خارج از کشور از پیر استادِآمریکائی خود دکتر وارد (Dr.Ward) و دکتر فوزی الحاجِ لبنانی در دانشگاه آمریکائی بیروت و نیز از دکتر فلیپ ماسون فرانسویَ در دانشگاه پلیتکنیک تولوز، همواره بیشترین بهره های معنوی را برده است.هم دوره ای ها و همکاران : اسماعیل شهبازی از همدوره ای های دانشسرایی و دانشگاهی خود از مهندس سیّد احمد منتظری متخصّص باغبانی در کانادا، دکتر حمید سیادت استاد پژوهش در علوم آب وخاک، دکتر سیّدکاظم صدر و دکتر ابراهیم

حسینی نسب به ترتیب استاد اقتصاد در دانشگاههای شهید بهشتی و تربیت مدرس، دکتر جلال جمالیان استاد صنایع غذائی و تغذیه در دانشگاه شیراز ، دکتر حمید مهرآوران استاد گیاهپزشکی در دانشگاه ارومیّه یاد می کند. و از همکاران خود در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و دانشگاهها و فرهنگستان علوم به دکتر جعفر ارشاد استاد پژوهش قارچ شناسی، دکتر ابراهیم پذیرا استاد پژوهش در علوم آب وخاک و دکتر آهنگ کوثر استاد پژوهش در منابع آب و آبخیزداری، دکتر محمّدحسن روزی طلب استاد پژوهش در علوم آب وخاک، دکتر بهمن یزدی صمدی استاد دانشگاه تهران در علوم اصلاح نباتات و زراعت، دکتر نصراله سفیدبخت استاد علوم دامی در دانشگاه شیراز و... اشارت داشت. همسر و فرزندان : اسماعیل شهبازی در سال 1341 با علویّه خانم زهره حسینی علوی فرزند مرحوم آسید شهاب الدین(علیمحمد) نوه ی مرحوم آمیرزا محسن حسینی علوی و نوه ی دختری مرحوم آیت اللّه آسید زین العابدین سجّادی (آقابزرگه ی نهاوندی) است ازدواج کرد. و حاصل این ازدواج تنها فرزند پسری است به نام امیر ابراهیم شهبازی که فرهیخته ی سال 1376 دانشگاه شهید بهشتی تهران( دانشگاه ملّیِ سابق) و فعلاً نیز به عنوان مهندس آرشیتکت، در «مهندسین مشاور طرح آفرید» در بخش خصوصی مشغول به کار است. وقایع میانسالی : اسماعیل شهبازی از اتفاقات زندگی خود این طور بیان می کند: در تابستان1381 مسافرتی شخصی به کشورکانادا داشتم که ضمن آن، از برنامه های آموزشی و پژوهشی دانشگاه گوولِف در زمینه های مطالعات توسعه ی روستائی آگاهی یافتم. نتیجتاً، مبادرت به تهیّه ی یک گزارش جامع از تحوّلات علمی در زمینه های مطالعات توسعه ی روستائی در کانادا نمودم و به عنوان مسئول شاخه، نسخه ای از این گزارش را به گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ارائه دادم . نسخه ای دیگر از این گزارش را نیز به ریاست وقتِ دانشگاه شهید بهشتی( دکتر هادی ندیمی) تقدیم داشتم. خوشبختانه دانشگاه مذکور در آن ایام دست اندر کارتأسیس و توسعه ی اولیّن پارک علمی وتحقیقاتی خود در روستای کنیجکلا در حومه ی شهر زیراب از شهرستان سوادکوه بود و لذا، بر مبنای برنامه ی مصوّب و به همّت ریاست دانشگاه و تلاش ریاست پژوهشکده ی علوم محیطی و حمایت بی دریغ پروفسور عطاءاله قبادیان، از پائیز 1382 ، با پذیرش 42 نفر داوطلب از طریق آزمون سراسری، اولین دوره ی کارشناسیِ آبادانی روستاها در قالب دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در پردیس زیراب آغاز به کار کرد. عنوان این رشته طبق مصوبه شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم تحقیقات و فناوری در تاریخ 86/11/6 به رشته ی کارشناسی مهندسی تکنولوژی آبادانی روستاها

ارتقاء یافت. این رویداد میمون از همان سال 82 موجب تحکیم اراده ی اینجانب برای ادامه ی استقرار در روستای شیرجیکلا (محلِّ زندگی) و ادامه ی همکاری با گروه پژوهشی کشاورزی اکولوژیک و گروه آموزشی آبادانی روستاهای دانشگاه شهید بهشتی در روستای کنیجکلا ( محلِّ کار) در 25 کیلومتری شمال پردیس زیر آب شد. مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مروّج کشاورزی، سرپرست مرکز آموزشِ فنّی و حرفه ای اسکان عشایر فارس، کمک کارشناس ترویج، مربّیِ بخش اقتصادِ دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز و هم زمان، سرپرست ایستگاه تحقیقات دانشکده کشاورزی درکوشککِ مرودشت فارس، شیراز کارشناسِ ستادی ترویج کشاورزی کشور، محققِ بخش روستائی مؤسسه ی تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران، مدرّس و مدیر گروه ترویج مدرسه ی عالی کشاورزی همدان، کارشناس و معاون دفتر تمرکز تحقیقات کشاورزی، سرپرست مرکز اسناد و مدارک علمی کشاورزی، مدیر کلِّ سازمان ترویج کشاورزی کشور، رئیس سازمان آموزش کشاورزی کشور، رئیس دفتر تحقیقات اقتصاد کشاورزی کشور، مدیر مؤسّسه ی فرهنگی علی مرادیان(نهاوند شناسی)، مدیر گروه آموزشی آبادانی روستاها در دانشگاه شهید بهشتی.فعالیتهای آموزشی : (1)مربی تمام وقت دانشکده کشاورزی دانشگاه شیـراز در سال تحصیلی51-1350. (2) استاد مدعوّ دانشکده ادبیات و علوم انسانی ( بخش عمران ملی ) دانشگاه شیراز در سال تحصیلی 51-1350 . (3) استـاد پاره وقت و مدیر گـروه ترویج وهمــزمان، سرپرست امــور پایان نامــه های دوره ی لیـسانس مهـندسی کشاورزی در مدرسه ی عالی کشاورزی همدان و نیز مدیرجلسات دفاع از پایان نامه ها درساله ای تحصیلی 1351 تا 1354. (4) استاد مدعوّ دانشکده کشاورزی و دامــپروری دانشــگاه ارومیــه در سال تحصیلی55-1354. (5) استاد مدعوّ واحد ترویج کشاورزی دانشکده کشـاورزی دانشگاه تهـران در کرج در سالهای تحصیلی 55-54 و 56-1355 . (6) استاد مـدعوّ دانشـکدههـای علـوم اجتـماعی دانشـگاه تهــران و دانشگـــاه عـلامه طبـاطبـائی در سالهای تحصیلی 1358تا 59 و1361تا63 ، تهران. (7) استاد مدعوّ گـروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشــاورزی دانشگاه تـربیت مــدرس در سالهای تحصیلی 1366 تا 1374 (8) استاد مدعوّ گروه تـرویج و آموزش کشاورزی دانشـکده کشاورزیِ دانشگـاه تهـران در سالهای تحصیلی 1365 تا 1380 (9) استاد مدعوّ بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز درسال تحصیلی80-1379 و 1383- 1382. (10) استاد مــدعوّ گـروه جغرافیـای دانشکـده ی علـوم زمینِ دانشگاه شهید بهشتی در سال تحصیـلی 79- 1378. (11) دانشکده ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در پردیس زیراب

در سالهای تحصیلی 1382 تا کنون. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : (1)کمک مؤسّس و سرپرست مرکز آموزش فنی و حرفه ای کشاورزیِ عشایرِ اسکان یافته ی قشقائی، پائیز و زمستان 1339، کازرون، استان فارس و بنادر و جزایر خلیج فارس. (2) مؤسّس و مدیرگروه آموزشیِ ترویج کشاورزی در مدرسة عالی کشاورزی همدان درسالهای تحصیلی1351 تا 1354. (3) کمک مؤسّس سازمانِ تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعیِ کشور به راهبری مهندس حسین میرحیدر و مدیریّت دکتر محمّد رضانیا در طول سالهای 1353تا 1356. (4) مؤسّسِ رشته های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری ترویج و آموزش کشاورزی در طول سالهای 1359 تا 1377 در مقام رئیس کمیته ی برنامه ریزی ترویج و آموزش و عضو گروه کشاورزیِ ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه ریزی آموزش عالی کشور به راهبری دکتر بهمن یزدی صمدی. (5) مؤسّس و اولین رئیس دفتر تحقیقات اقتصاد کشاورزی در سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی کشور از 1365 تا1372. (6) عضو هیأت مؤسّس و سه دوره رئیس هیأت مدیره انجمن علمی ترویج و آموزش کشاورزی کشور در طول سالهای 1372 تا 1380. (7) عضوهیأت مؤسّس ورئیس هیأت امناء و مدیرمؤسّسه ی فرهنگی علیمرادیان(نهاوند شناسی) ازسال1374. (8) عضو هیأت مؤسّس انجمن اقتصاد کشاورزی ایران از سال 1374 . (9) کمک مؤسّس دانشکدهی تربیت بدنی و علوم ورزشی شهرستان نهاوند به حمایت مهندس محمّدحسین علیمرادیان و پیگیری آقایان خداداد(حسن)پاسیار و محمّدرضا امامی. (8) عضو مؤسّس و اولین سردبیر فصلنامه ی علمی ـ آموزشی فرهنگان از سال 1378 . (9) عضو هیأت مؤسّس و هیأت امنای مؤسّسة آموزش عالی آبادانی روستاها دراستان همدان از سال 1375. (10) عضو هیأت مؤسّس و عضو افتخاری انجمن علمی کشاورزی بوم شناختی ایران از سال 1384. (11) تدبیر و تبیین و ترویج نظریّه ی ضرورت ملّی ـ منطقه ای ایجاد مراکز تحقیقات تک محصولی در مراکز ثقلِ تولید محصولات و فعّالیّت های کشاورزی. (12) تبیینِ نظامِ سُنّتی نسق بندی اراضی زراعی در روستاهای غرب کشور. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : (الف) تدریسِ هفتگی در گروه آبادانی روستاها در پردیس زیراب، دانشگاه شهید بهشتی، (ب) مشاوره و راهنمائی دانشجویان سال چهارم گروه آبادانی روستاها در جریان تهیّه و تنظیم پایاننامه ی کارشناسی(پروژه) خود برای فارغ التحصیل شدن. (ج) مدیریّت گروه آموزشی آبادانی روستاها در پردیس زیراب، دانشگاه شهید بهشتی، (ج) شرکت در جلساتِ آموزشی و پژوهشی و یا اجرائی در دانشگاه متبوع و دیگر نهاد های مربوط، (د) شرکت درگردهمآئی های عمومی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و نیز،

در جلسات ماهیانه ی شاخه ی اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی در فرهنگستان علوم در تهران. (ه) داوریِ رساله های دوره ی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی و کتابهای دانشگاهی، (و) شرکت در جلساتِ مربوط به عنوان عضو تحریریّه و نیز، مطالعه و بررسی و داوری مقالات رسیده در زمینه های ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه و عمران روستائی به فصلنامه های علمی ـ پژوهشی. (ز) تهیّه ی مقالات علمی برای بنیاد دانشنامه ی بزرگ فارسی ودائره المعارف بزرگ اسلامی. (ح) تهیّه ی مقالات تحقیقی و تحلیلی برای شرکت و ارائه در همایشها و یا درج در فصلنامه های علمی ـ پژوهشی و یا علمی ـ ترویجی. آرا و گرایشهای خاص : اسماعیل شهبازی معتقد به: *ـ توسعه ی مرزهای دانش در زمینه های کشاورزی، *ـ ارتقاء سطح دانشهای کاربُری و فرهنگی روستائیان، * شناختِ مهارت و دانش بومی در زمینه های کشاورزی و زندگسی روستائی به منظور احیایِ بخش ها و عناصر مناسب و کارآمد، * ـ ضرورت بومیک ردن فناوریهای نوین، و * خودکفائی در محصولات کشاورزیِ استراتژیک. جوائز و نشانها : *ـ سه بار قرار گرفتن در لیست افتخار رئیس دانشکده (The Dean's Honor List) در دوره ی کارشناسی در دانشکده ی علوم کشاورزی دانشگاه آمریکائی بیروت(13481347، ،(.A.U.Bو 1348 لبنان.« ولی اسماعیل شهبازی این هدیه را دریافت نکرد» * ـ دریافت جایزه ی بورسیّه ی تحصیلی به مناسبت شاگرد دومی در دوره ی کارشناسیِ مهندسیِ(B.Sc.) صنایع در دانشکدهی علوم کشاورزی در1349 ،. .A.U.B. * ـ دریافت جایزه ی بورسیّه ی A.U.Bبرای ادامه ی تحصیل در دوره ی دکترای ترویج در امریکا و مراجعت به A.U.B.برای اشتغال به عنوان عضو هیأت علمی به مناسبت فارغ التحصیل شدن در دوره ی کارشناسی ارشدِ (M.Sc.) ترویج و آموزش کشاورزی با درجه ی عالی از دانشکده ی علوم کشاورزی ـ این جایزه ی پیشنهادیAUB را نپذیرفت و بلافاصله پس از اتمام دوره ی کارشناسی ارشد، از بیروت به ایران مراجعت و در دانشکدهی کشاورزی دانشگاه شیراز مشغول به کار شد. * ـ به مناسبت تهیّه و نشرکتابِ توسعه و ترویج روستایی، از انتشارات دانشگاه تهران درسال 1372: *-دریافت جایزة اوّل و لوح تقدیر ریاست جمهوری اسلامی ایران، در دوازدهمین دورة کتاب سال جمهوری اسلامی ایران،برای ترجمه کتاب"توسعه و ترویج روستایی" طیّ مراسمی در روز 15 بهمن ماه 1373 ، در تالار وحدت، تهران . *-دریافت لوح تقدیر و جایزة پنجمین دورة برگزاری کتب برگزیدة دانشگاهی ایران در سال 1372، طیّ مراسمی در دوازدهم اردیبهشت ماه 1373، درتالار فردوسی دانشگاه تهران، تهران. *-دریافت جـایزة اوّل، تنـدیس جشـنوارة و دیپلم افتخار بهترین تألیف کتاب سال روستا در سال 1372، طیِ مراسمی درهشتمین

جشنوارة هنری،ادبی روستا در شهریورماه سال1373، تئاترشهر، تهران. * ـ دریافتِ لوح تقدیرِ ریاست جمهور وجوایزکتاب سال از وزیرِ فرهنگ و ارشاد اسلامی در بهمن ماه 1382 به مناسبت همکاری در تهیّه و نشر مجموعه ی 15 جلدیِ فرهنگ کشاورزی و منابع طبیعی، با همکاری اعضای گروه علوم کشاورزیِ فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ، از انتشارات دانشگاه تهران در سال 1381. * ـ دریافت دیپلم افتخار و جایزة دوم بهترین ترجمة کتاب سال روستا در سال1370، به مناسبت ترجمه کتاب مرجع ترویج کشاورزی به اتفاق مهندس احمد حجّاران، از انتشارات سازمان ترویج کشاورزی، طیّ مراسمی درششمین جشنوارة هنری– ادبی روستا، خردادماه 1371، تأترشهر، تهران. * ـ دریافت لوحِ افتخارِ جایزه ی ادبی سال 2007 میلادیِ خانة فرهنگ ناجی نعمان، نویسنده ی شهید لبنانی، به مناسبت تألیف کتابِ جنبش چهارپایان ـ داستان گونه ای متمرکز بر حمایت از حقوق طبیعی و محیط زیست جانداران ـ از انتشارات مؤسّسه ی انتشارات امیرکبیر در سال1384، تهران. * ـ دریافت تندیسِ خدمت و لوح زرین به مناسبت انتخاب شدن به عنوان«چهرة ماندگار ترویج کشاورزی علمی کشور» طیّ مراسمی به منظور معرفی نمونه های کشوری و بنا به اجتهار، پدر علم ترویج ایران در در هفته ی کشاورز و پنجاهمین سالگرد تأسیس رشته ی آموزشی ترویج کشاورزی در دانشگاه های ایران، دی ماه 1381، تالار هفتِ تیر، وزارت جهاد کشاورزی، تهران. چگونگی عرضه آثار : اسماعیل شهبازی در مکانهای ذکر شده آثاری را از خود به جا گذاشته است: * ـ مراکزکشاورزی و روستائی مانند مراکزخدمات ترویجی و آموزشی، شوراهای اسلامی روستاها، و... * ـ مجامع فنّیِ سیاست گذاری و برنامه ریزی و ارزشیابی برنامه های توسعه ی کشاورزی و عمران روستائی مانندکارگروهها، شاخه ها، کمیسونها ،کمیته ها و شوراهای مربوط به نهادها و اُرگانهای علمی و ارشادی و اجرائیِ کشور، * ـ محافل دانشگاهی و پژوهشگاهی و فرهنگستانی اعمّ از کلاس ها و جلسه ها و گردهمآئی ها و دیدارها و همایشها، و * ـ مجامع عمومی و جلسات تخصّصیِ انجمن های علمی، هیآت تحریریّه و امناء و مؤسّس و مانند این ها. *در مورد سایر آثار بطور کلی، تالیف 10جلد کتاب، ترجمه 4 جلد کتاب ، تالیف و انتشار 7فقره گزارش نهایی طرحهای اجرا شده تحقیقاتی و ارائه و انتشار 86 مقاله فنی و علمی و پژوهشی و ترویجی

---

آثار : آسیب شناسی توسعه و ترویج روستائی1 ویژگی اثر : آماده ی چاپ از سال 1384 دست نامه نوآورانه در 18 مبحث و پنج پیوست در 203 صفحه، که مبتنی بر چندین دهه کار و مطالعه در مجامع علمی

سیاستگذاری و برنامه ریزی و ارزشیابی برنامه هایِ توسعه ی کشاورزی و عمران روستائی و نیز، متکی برسال ها تجربه ی زندگی و اشتغال در مناطق روستائی و تعامل با روستائیان می باشد. 2 توسعه و ترویج روستائی2 ویژگی اثر : از انتشارات مؤسّسة انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اوّل 1372، چاپ دوم 1375، چاپ سوم 1381، چاپ چهارم 1384 ( با تجدید نظر و اضافات). کتابی درسی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد است که چاپ چهارم آن مشتمل بر هفده فصل و دوازده پیوست در 804 صفحه می باشد. این کتاب به عبارتی، دائره المعارف و اولین مرجع فارسی در علم ترویج است3 رهنمودی بر رهیافت های بدیل ترویج ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب:«توسعه و ترویج روستایی»: توسعه و ترویج روستایی؛ دکتر اسماعیل شهبازی؛ تهران: دانشگاه تهران: 1372. «توسعه و ترویج روستایی» محصول سی و شش سال خدمت مؤلف در ترویج، به عنوان مروّج، مدرس و محقق در مواضع و مواقع مختلف است. بحث بنیادین این کتاب، بر اصول، اهداف، استراتژی ها و روشهای ترویج به عنوان یک مکتب آموزشی برای روستائیان متمرکز است و پیام محوری آن نیز اصالتاً بر این موضع دلالت دارد که در فرآیند توسع؟ روستائی، اساساً می باید ترویج را به عنوان عمده ترین استراتژی برای شروع و جریان آموزش درکار توسعه به خدمت گرفت. و به کلامی دیگر، راهبُرد آموزش ترویجی در کار توسع؟ روستائی، حکمی است که این کتاب ضمن توصیف اصول و اهداف و روشهای آن، سعی بر اثبات آن دارد. این کتاب، مشتمل بر یک مقدمه و 16 فصل ظاهراً مستقل و معناً مرتبط و پیوسته به همدیگر است. مؤلف در باب انگیزه های نگارش این کتاب، دو هدف عمده را بر شمرده است: یکی، کمک به غنای ادبیات ترویج به منظور ایجاد امکان برای دانشجویان، دانش پژوهان و علاقه مندان امر توسع؟ به منظور آشنایی با بنیان مکتب آموزشی ترویج به عنوان یکی از اساسی ترین راهبردهای توسعه روستایی، بویژه در کشورهای جهان سوم؛ و دیگری دستیابی محققان و مدرسان به تجرب؟ مؤلف. مؤلف تأ حدود بسیار زیادی به اهداف خود در این کتاب نائل آمده است. 4 روستازادگانِ دانشمند3 ویژگی اثر : از انتشارات مؤسّسة فرهنگی و هنری شقایق روستا، چاپ نوبت اوّل: 1381 رُمان گونه ای در بیست و پنج بخش و دو پیوست، مجموعاً در 530 صفحه با دیدی جامعه شناسانه به بررسی زندگی ساده ی روستائیانِ گرفتار در چنبره ی نظامِ ارباب ـ رعیّتیِ غالب در غرب کشورمانِ ایران پرداخته و در واقع،کارِ ایران شناسی راَ از روستاشناسی آغاز کرده است. در این کتاب، جریان عادیِ زندگیِ مشقّت بار مردم

روستائی توصیف گردیده است. همزمآن، سعَی شدهَ است تا بازَتابهایَ فطری روستائیان در برخورد با ناملایمات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در خلال آنها، با جریان طوفان زایِ اصلاحات ارضی از یک سوی و با مظاهرِ زندگی مدرن از سوی دیگر، برآورد و تبیین شود. جوانان روستایِ«بی نام آبادِ» دیروز و «نامدارانِ» امروز، دلشاد و مفتخر از پیروزیِ حقّ بر باطل، زمامِ امور توسعه و عمران و آبادانیِ روستایِ خود را در دست گرفتند. ولی کم کَم، شواهد نشان میداد که اینِ جوانان در معرضِ آسیبهای اجتماعیِ بیشماری قرار دارند5 مدیریت امور مزرعه ویژگی اثرَ : ترجمه6 مقدمه ای بر آموزش و ترویج و توسع? شیوه های نوین روستاها

شهیدی، فخری

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
فخری شهیدی دارای مدرک دکتری رشته علوم و صنایع غذایی (گرایش میکروبیولوژی مواد غذایی) ازدانشگاه های مک‌گیل کانادا (دروس و بخشی از تز) و تهران (دنباله تز) در سال 1374 (با درجه عالی) می باشد.ایشان عضو هیأت علمی گروه علوم و صنایع غذایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد با درجه علمی دانشیاری می باشد. گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییگرایش : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : سوابق تحصیلی فخری شهیدی : 1ـ اخذ دیپلم طبیعی از دبیرستان پروین تربت حیدریه، سال 1353(با معدل 17 از 20) 2ـ اخذ مدرک لیسانس در رشته مهندسی صنایع غذایی از دانشگاه فردوسی مشهد، سال 1358 (رتبه اول با معدل 39/ 3 از 4 نمره) 3ـاخذ مدرک فوق لیسانس در رشته صنایع فرآورده‌های کشاورزی (صنایع غذایی) از دانشگاه تربیت مدرس تهران، سال 1366 (رتبه اول با معدل 39/18) 4ـ اخذ مدرک دکتری (Ph. D) در رشته علوم و صنایع غذایی (گرایش میکروبیولوژی مواد غذایی) ازدانشگاه های مک‌گیل کانادا (دروس و بخشی از تز) و تهران (دنباله تز) سال 1374 (با درجه عالی) عناوین پروژه، پایان‌نامه و تز مقاطع مختلف تحصیلی: 1ـ پروژه لیسانس تحت عنوان «سیب و فرآورده‌های آن» (با نمره 20) 2ـ پایان‌نامه فوق‌لیسانس تحت عنوان «ارزیابی اثر عسل و پکتیناز بر شفاف کردن آب سیب» (با نمره 20 و درجه ممتاز) 3ـ تز دوره دکتری (PhD) تحت عنوان «نقش باکتری های اسید لاکتیک در کنترل آلودگی های باکتریایی گوشت» (با درجه عالی) مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سوابق کاری و اجرایی فخری شهیدی به ترتیب زیر است: 1ـ مسئول فنی کارخانه شهدریزان (کمپوت و کنسرو)، سال 1360ـ 1359 2ـ کارشناس صنایع غذایی، بخش صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، سال 1366ـ 1360 3ـ عضو هیأت علمی گروه علوم و صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1366 تا کنون 4ـ همکاری باسازمانهای مختلف ازجمله وزارت صنایع، جهاد سازندگی، وزارت کشاورزی، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی و غیره در زمینه آموزشی پژوهشی در طول زمان اشتغال در دانشگاه سوابق فعالیت های اجرایی 1- همکاری در ایجاد و راه اندازی پایلوت صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد 1360-1363 2ـ ایجاد و راه‌اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی (شامل

کمپوت و کنسرو، اصول تبدیل فرآورده‌های زراعی و باغی، صنایع گوشت، خشکبار صنایع تخمیری) در دانشکده کشاورزی، سال 1363 ـ 1360. 3ـ مسئولیت پایلوت پلنت صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد، سال 1363ـ1360. 4ـ نماینده گروه علوم و صنایع غذایی در کتابخانه به مدت چهار سال متناوب. 5ـ عضو شورای تحصیلات تکمیلی گروه علوم و صنایع غذایی از سال 1374 تا کنون 6ـ معاون گروه صنایع غذایی، 1375 7ـمدیریت گروه علوم و صنایع غذایی از تیر ماه 1375 تا مرداد ماه 1379 8ـ معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی از مرداد ماه 1379 تا 1381 9ـ ایجاد و راه‌اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی تکمیلی (صنایع فرآورده‌های کشاورزی تکمیلی)، سال 1375ـ 1374 10ـ نماینده گروه علوم و صنایع غذایی در سازمان سنجش جهت طرح سئوالات کنکور کارشناسی ارشد در سال های 1375،1383،1384 11ـ عضو شورای آموزشی، شورای پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده از تیرماه 1375 تا کنون 12ـ عضو کمیسیون های محیط زیست و توسعه پایدار ، سال 1376-1379 13ـ عضو کمیسیون بیوتکنولوژی مواد غذایی زیر شاخه بیوتکنولوژی ، از سال 1376 تا کنون 14ـ عضو کمیسیون صنعت و معدن استان، از 1378 تا کنون 15ـ عضو هیأت مدیره مجتمع صنایع غذایی از 1375 تا مرداد 1379 16ـ عضو کمیته استانی هماهنگی و برنامه‌ریزی اجرای سیستم حصپ از فروردین سال هشتاد تا کنون 17ـ عضو کمیسیون بررسی طرح ها و برنامه ها ی ردیف 503492، 1379 18ـ عضو کمیته تخصصی کشاورزی و دامپزشکی بررسی طرحها و برنامه‌های ردیف 503492,1376 19ـ دبیر اجرایی سومین همایش ملی بیوتکنولوژی جمهوری اسلامی ایران از مرداد 81 تا تیر 82 20ـ عضو کمیته نظارت بر طرحهای تحقیقاتی مربوط به واحد های تولیدی به منظور تعیین معاونت 2 در هزار 1381 تا کنون 21-مدیر گروه علوم و صنایع غذایی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1383 تا1385 22-نماینده دانشکده کشاورزی در طرح تحقیقاتی اساسی وزارت صنایع و معادن 23-عضو هیئت تحریریه مجله علوم و صنایع غذایی گروه فعالیتهای آموزشی : تدریس دروس مختلف تئوری و عملی صنایع غذایی شامل اصول نبدیل مواد غذایی ،کمپوت و کنسرو،اصول نگهداری مواد غذایی ،اصول حمل و نقل ونگهداری مواد غذایی در سرد خانه و انبار ،اصول تغذیه ،صنایع تخمیری ،صنایع غذایی 1و2 ،میکروبیولوژی مواد غذایی (مقطع کارشناسی ) ،صنایع غذایی تکمیلی (مقطع کارشناسی ارشد ) ،تکنولوزیهای پیشرفته در صنایع غذایی آنزیمولوژی مواد غذایی و اثر فرایند بر مواد غذایی(مقطع دکتری )در طول خدمت در دانشگاه فردوسی مشهد و سایر مراکز از جمله آموزشگاه شهید هاشمی نژاد ، جهاد سازندگی خراسان ،مرکز دوره های بازآموزی ، آموزش و پرورش استان

خراسان از سال 1360 تا کنون مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - همکاری در ایجاد و راه اندازی پایلوت صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد 1360-1363 ـ ایجاد و راه‌اندازی آزمایشگاه صنایع غذایی (شامل کمپوت و کنسرو، اصول تبدیل فرآورده‌های زراعی و باغی، صنایع گوشت، خشکبار صنایع تخمیری) در دانشکده کشاورزی، سال 1363 ـ 1360. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیت‌های آموزشی ـ پژوهشی و اجرایی فخری شهیدی : 1ـ عضو هیأت علمی و مشاور در سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی مرکز خراسان از سال 1366 لغایت 1369، از سال 1374 تا کنون 2ـ مشاوره افتخاری ادراه کل صنایع خراسان از سال 1365 تا 1369. 3ـ تدریس دروس مختف در آموزشگاه شهید هاشمی‌نژاد، کلاسهای آمادگی کنکور فوق لیسانس،وزارت کشاورزی سال 1373. 4ـ همکاری با کمیته صنایع روستایی جهاد سازندگی و سپاه خراسان طی سالهای 1366 تا 1369 5ـ همکاری با اداره استاندارد در تدوین استانداردها (7 مورد) و آئین‌کارها (دو مورد) به عنوان رئیس جلسات. 6ـ دوره فرصت مطالعاتی شش ماهه درگروه صنایع غذایی و تغذیه دانشگاه ایالتی آیووا آمریکا. مرداد 82 لغایت بهمن 82 چگونگی عرضه آثار : - تعداد سرپرستی یا مشاوره پایان‌نامه یا پروژه : 30 رساله - تعداد طرحهای پژوهشی : 21 طرح - تعداد مقالات ارائه شده علمی در مجلات معتبر : 23 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی معتبر: 42 مقاله

---

آثار : آنزیم ها در صنایع غدایی ویژگی اثر : ترجمه - شهیدی ،فخری و حسینی نژاد ،مرضیه.1382.انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد2 اصول عمل آوری خشکبار ویژگی اثر : ویرایش علمی -دکتر مرتضوی و همکاران3 تخم مرغ و فرآورده‌های آن ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه فردوسی1382 4 تغذیه و بیوتکنولوژی تخم مرغ ویژگی اثر : ترجمه - با همکاری ".کرمانشاهی حسن،هاشمی تبار غلامرضا ،توکل افشاری جلیل،شهیدی فخری ،قدوسی حمید بهادر. 1383.انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد 5 سیب و فرآورده‌های آن ویژگی اثر : (کتابچه، تألیف)، جهاد سازندگی خراسان، 13606 فراوری فراورده های جانبی مرکبات ویژگی اثر : -ویرایش علمی -(دکتر مرتضوی و همکاران) 7 فرهنگ افزوده‌های غذایی ویژگی اثر : (ترجمه)، انتشارات آستان قدس. سال 1367، تجدید چاپ، انتشارات بارثاوا، سال 13738 کارخانه‌های مواد غذایی ویژگی اثر : (ترجمه)، انتشارات تیهو، 1378، تجدید چاپ انتشارات تیهو، 1390 9 ماکارونی و فرآورده‌های آن ویژگی اثر : (ترجمه)، وزارت صنایع، 136510 میکروبیولوژی و ایمونولوژی ویژگی اثر : ترجمه - با

همکاری -شهیدی فخری ،محبی محبت ،عدالتیان محمد رضا.1382.انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد11 نگهداری بیولوژیکی گوشت ویژگی اثر : (تألیف)، انتشارات بارثاوا، 1375

شیشه بر، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر پرویز شیشه بر در سال 1337 در تهران بدنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اهواز ،تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی کشاورزی گیاهپزشکی،دانشگاه شهید چمران اهواز آغاز و تا مقطع کارشناسی ارشد رشته حشره‌شناسی گرایش کنه‌شناسی پیش رفت و در سال 1368 موفق به اخذ مدرک فوق شد. وی برای تکمیل معلومات دانشگاهی عازم ایرلند شد و درمقطع دکترا رشته حشره شناسی گرایش کنترل بولوژیکی - اکولوزی،در دانشگاه دوبلین ،ایرلند به تحصیل پرداخت و در سال 1374 فارغ التحصیل گردید. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه شهید چمران می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسی(کنترل بیولوژیک)والدین و انساب : پدر بزرگ پرویز به شغل شیشه بری اشتغال داشت و پدرش هم همین کار پدربزرگ را ادامه داد .بطوری که در موقع شناسنامه دار کردن افراد در زمان رضا شاه پهلوی فامیل آنها به شیشه بری انتخاب گردید.دکتر شیشه بر می گوید: " پدر پدر بزرگ من مسئول کاروان حاجیان از دزفول به مکه مکرمه بوده است .وی آدم دنیا دیده ای بوده است و به کشور های مختلفی مسافرت داشته بود،اصل و اصلیت من دزفولی است. مادرم خانه دار است " پرویز شیشه بر جمعا شش برادر و خواهر بودند(چهار برادر و دو خواهر)خاطرات کودکی : پرویز شیشه بر از خاطرات دوران کودکی خود چنین بیان می کند: " دوران کودکی من در یک خانواده متوسط سپری شد. مادربزرگم یک تنور در خانه داشت و برای خودمان و همسایه ها نان می پخت . همیشه پدرم مرا تشویق به درس خواندن می کرد."تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر پرویز شیشه گر به ترتیب زیر است: ابتدایی در مدرسه خرد در اهواز تحصیلات متوسطه در دبیرستانهای ملی مهر و برگمهر در اهواز کارشناسی ،مهندسی کشاورزی گیاهپزشکی،دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ 1/1/1364 کارشناسی ارشد، حشره‌شناسی گرایش کنه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز در تاریخ 1/1/1368 دکترا ،حشره شناسی گرایش کنترل بولوژیکی - اکولوزی،دانشگاه دوبلین ،ایرلند در تاریخ 1/1/1374 خاطرات و وقایع تحصیل : دوران تحصیل پرویز شیشه بر مصادف با انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی و همچنین جنگ تحمیلی بر علیه ایران بود.لذا

تحصیل وی به مدت نه سال به طولانجامید. ایشان در دوران تعطیلی دانشگاه به عنوان نویسنده در صدا و سیمای مرکز خوزستان در برنامه شاهد و کشاورزی مشغول به کار بود.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر شیشه بر در زمان تعطیلی دانشگاه ها در مقطع کارشناسی ، در مرکز صدا و سیمای خوزستان مشغول به کار گردید وی در دوران تحصیل در دوره دکتری در خارج از کشور(ایرلند) در یک پروژه تحقیقاتی مربوط به کشورهای اروپایی فعالیت داشت و از آن تجارب بسیار را کسب کرد.استادان و مربیان : دکتر کریم کمالی،دکتر محمد سعید مصدق،دکتر سید حسین حجت،دکتر ابراهیم سلیمان نژادیان،دکتر عبدالکریم شایگان از اساتید و مربیان پرویز شیشه بر بودند. وی از آنها به عنوان الگوی های زندگی علمی خود یاد می کند و یاد آنها را گرامی می دارد.هم دوره ای ها و همکاران : مهندس محمد رضا اسکندری (وزیر فعلی کشاورزی )،دکتر صفدر حسینی(وزیر اسبق کار و اقتصادی) و دریا دار شمخانی از همدوره ایهای دکتر پرویز شیشه بر بودند.همسر و فرزندان : دکتر شیشه بر در سال 1359 با همسر خود سرکار خانم فریده شیشه بر(ختر عمویش) ازدواج کرد .ایشان دارای دکتری رشته تغذیه می باشد و هم اکنون در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور به امر آموزش مشغول است. حاصل ازدواج دکتر شیشه بر دو فرزند ،یک پسر و یک دختر می باشد. فرزند پسر هم اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آبیاری است و دخترش هم در رشته کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبائی در حال تحصیل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : معاونت اموزشی مجتمع عالی رامین،دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین از تاریخ 1/1/1375 تا تاریخ 29/12/1377 معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی به مدت سه سالفعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط پرویز شیشه بر به قرار زیر است: کنه شناسی تکمیلی (کارشناسی ارشد) کنه شناسی پیشرفته (دکتری) ناقلین عوامل بیماریزای گیاهی (کارشناسی ارشد) مرفولوژی حشرات(کارشناسی ارشد) آفات گیاهان جالیزی(کارشناسی)سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر شیشه بر در کنار فعالیت های آموزشی و پژوهشی ، به مطالعه و کارهای اجرایی می پردازد.جوائز و نشانها : کسب مدال طلا به خاطر ارائه شش مقاله ممتاز در سطح ISI در کشور ایرلند ( طبق نامه ارسالی در سال 1998)

---

آثار : سفید بالک ها(وضعیت آفتی و مدیریت آنها) ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز2 غذا ،آفات گیاهی و محیط زیست ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز3 کنترل بیولوژیکی به وسیله دشمنان طبیعی ویژگی اثر : پائول دباک – دیوید رزن

– پرویز شیشه بر – انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز – 1380 4
مدیریت حشرات آفت ویژگی اثر : دیوید دنت، پرویز شیشه بر (مترجم)، ولی الله ظفری (ویراستار)، کریم کمالی (ویراستار) ،نشر: دانشگاه شهید چمران (اهواز) (15 اسفند، 1385)5 نقش کنه ها در کنترل آفات ویژگی اثر : ترجمه،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز منابع زندگینامه
/http://iranologyfo.com:

صادقی، سیاوش

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیاوش صادقی متولد 1325 ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضویت هیئت علمی دانشگاه بوردو ی فرانسه با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون استفاده از نگهدارنده های طبیعی برای بسته بندی غذا می باشد .گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر سیاوش صادقی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران دکترای رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس میباشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل و در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر سیاوش صادقی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر سیاوش صادقی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر سیاوش صادقی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به عضویت هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دردانشگاه بوردو ی فرانسه در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر سیاوش صادقی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه بوردو ی فرانسه است.فعالیتهای آموزشی : دکتر سیاوش صادقی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشگاه بوردو ی فرانسه به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر سیاوش صادقی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیاوش صادقی از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشهای علمی و وسیعی درباره استفاده از نگهدارنده های طبیعی برای بسته بندی غذا انجام داده است.

صبوری، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علیرضا صبوری در سال 1347 در شهر نوشهر روستای چیلک به دنیا آمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. و در سال 1370 در رشته گیاهپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز فارغ التحصیل گردید و دوران کارشناسی ارشد و دکترا را در رشته حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس در سال 1377 به پایان برد. و به عنوان هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران مشغول به کار شد و موفق به کسب رتبه اول اولین دوره جشنواره جوان خوارزمی گردید.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : کنه شناسیوالدین و انساب : نام پدر علیرضا صبوری خلیل صبوری فرزند محمد حسین و نام مادر محترمشان زهرا فرزند محمد تقی میباشد.خاطرات کودکی : علیرضا صبوری از آن دوران میگوید: « چون کوچکترین عضو خانواده بودم مورد محبت سایر اعضای خانواده بویژه که از ضریب هوشی بالایی نیز برخوردار بودم. در همین دوران بود که شاهد پیروزی انقلاب اسلامی بودم.»اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : علیرضا صبوری در خانواده مذهبی پرورش یافت و پدرشان از بزرگان منطقه بود و مورد ا حترام شغل وی کشاورزی بود و از نظرمالی خانواده ای متوسط مانند سایر کشاورزان بودند.تحصیلات رسمی و حرفه ای : علیرضا صبوری دوران دبیرستان در دبیرستان میرزا کوچک خان نوشهر گذراند . اخذ مدرک کارشناسی گیاهشناسی از دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز سال 1370، کارشناسی ارشد حشره شناسی در سال 1373و دکترای حشره شناسی گرایش کنه شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1377خاطرات و وقایع تحصیل : سال اول تحصیل علیرضا صبوری در دوره کارشناسی مصادف بود با سال آخر جنگ تحمیلی . «شهر اهواز هنوز چهره جنگی داشت و مردم به دیدن هواپیماهای عراقی عادت داشتند و هم چنین شلیک ضد هوایی، به همین دلیل کسی به پناهگاه نمیرفت.»استادان و مربیان : دوران ابتدایی: خانم شهری،خانم مهناز جهانشاهی، خانم هایده صمیمی. دوران راهنمایی و دبیرستان : بهرام خزایی ،عزت ا... ازادیان، داراب امین زاده ، آقای بابایی، اسفندیار جلالی. از معلمان و دبیران دکتر صبوری بودند. و در دانشگاه : دکتر کریم کمالی،ابراهیم باقری زنوز، دکتر محمود شجاعی،مرحوم دکتر مرتضی اسماعیلی، دکتر حسن ملکی میلانی، دکتر احمد صحرا گرد تمامی اعضای هیئت علمی گروه گیاه پزشکی

دانشگاه شهید چمران اهواز سال های 70-1366 بوده اند.هم دوره ای ها و همکاران : از همکاران علیرضا صبوری میتوان به اعضای هیئت علمی گروه گیاهپزشکی دانشگاه تهران اشاره داشت . و از هم دوره ایهای دوره کارشناشی : شهریار حسابی، غلامرضا عباسپور، ناجی شهیب زاده، فرشاد استانی، غلامرضا مقتدر و ... دوره کارشناسی ارشد و دکترا : یعقوب فتحی پور، هادی استران، شهرام میر فخرایی، علی زرنگار، حمید رضا گودرزی، قربانعلی اسدی، علی درخشان شادمهری، کریم خداد ایرانی نژاد، مرتضی ابراهیمی ،یونس کریم پور و جمشید اکبریان نام برد.همسر و فرزندان : همسر علیرضا صبوری سرکارخانم میترا بختیاری مقدم و نام فرزندشان نیکو صبوری میباشد.وقایع میانسالی : علیرضا صبوری از وقایع آن دوران به ازدواجشان در سال 1374، تولد فرزند شان 1376، اخذ مدرک دکترا در سال 1377 و کسب رتبه دانشیاری در سال 1382 اشاره میکند.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - معاون گروه گیاهپزشکی 83-1381 - مدیر گروه گیاهپزشکی 85-1383 - سرپرست موزه جانورشناسی از سال 1385 تا کنونفعالیتهای آموزشی : تدریس درسهای مختلف کنه شناسی در دوره های مختلف تحصیلی در دانشگاه تهران و راهنمایی پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد و دکترا از فعالیتهای آموزشی علیرضا صبوری میباشد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - گرایش بیوسینما تیک کنه ها در دوره دکتری رشته حشره شناسی در دانشگاه تهران، - انجمن کنه شناسی ایران (در حال تاسیس) از مراکزی است که علیرضا صبوری تاسیس کرده اند.شاگردان : از شاگردان علیرضا صبوری میتوان به : محمد علی اکرمی، آزاده زاهدی گلپایگانی، مرجان خلیلی مانی، مسعود حکیمی تبار، مرجان سیدی، مریک راشکی، مریک کشاورز، مجتبی حسینی اشاره کرد.همفکران فرد : علیرضا صبوری از همفکران خود به حسین الهیاری، جاماسب نوروزی و مهدی ساعی دهقان نام میبرد.جوائز و نشانها : - رتبه اول اولین جشنواره جوان خوارزمی - دانشجوی پژوهشگر برگزیده دوره بیست ساله دانشگاه تربیت مدرس مجری طرح نمونه بنیادی دانشگاه تهران و پژوهشگر نمونه آن دانشگاهچگونگی عرضه آثار : ارائه 70 مقاله بین المللی در کنفرانسهای مختلف داخلی و خارجی و چاپ در مجلات مختلف علمی و کتاب کنه های ایران از آثار علیرضا صبوری هستند. آثار : کنه های ایران منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

صفرعلیزاده، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدحسن صفرعلیزاده ، متولد 1321ه.ش است . او دارای دکتری اسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی ) از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه فرانسه است.او پس از اتمام تحصیلات ازسال 1358 تا سال 1368 به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال 1368 تا 1370 با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت نامبرده هم اکنون بارتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق مشغول است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدحسن صفرعلیزاده دارای کارشناسی کشاورزی از دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز در سال 1346، کارشناسی ارشد رشته آسیب شناسی حشرات از دانشگاه علوم وفنون مونپلیه در سال 1358 ودکتری اسیب شناسی حشرات (گیاه پزشکی ) از دانشگاه علوم و فنون مونپلیه فرانسه است.وقایع میانسالی : محمدحسن صفر علیزاده پس از اتمام تحصیلات ازسال 1358 تا سال 1368 به عنوان استاد یار دانشگاه بوعلی سینا همدان به تدریس مشغول شد و همچنین از سال 1368 تا 1370 با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه ارومیه به تدریس پرداخت وی هم اکنون بارتبه علمی دانشیار در دانشگاه ارومیه به تدریس و تحقیق پیرامون بررسی مواد تولیدی باکتری B.TH سزوپیت 14 بر روی لاروپشه ها و خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم و غیره .. می پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدحسن صفرعلیزاده عضو هئیت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه است. عضویت در کمیته های تخصصی و اجرایی محمدحسن صفر علیزاده به قرار زیر است : ـ نمایندگی تحصیلات تکمیلی در جلسات دفاع پایان نامه ـ عضویت در کمیته های تخصصی و اجرائی در سطح استان ـ عضویت در کمیته های تخصصی و اجرائی در سطح دانشگاه ـ نماینده گروه در شورای پژوهشی دانشکده و نماینده گروه در کمیته تحصیلات تکمیلی دانشکده و نماینده دانشکده در شورای انتشارات دانشگاهفعالیتهای آموزشی : محمدحسن صفرعلیزاده پس از بازگشت به ایران تدریس را از سال 1358 با رتبه علمی استاد یاری در دانشگاه بوعلی سینا همدان آغاز کرد . او همچنین در دانشگاه ارومیه با همین رتبه علمی (استادیار) به تدریس پرداخت و هم اکنون با

رتبه علمی استادی در دانشگاه ارومیه مشغول به تدریس و تحقیق است. تدریس دروس : حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیکی ـ مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال 1356 تا 1359 در دانشگاه ارومیه از سال 1368 تا ادامه دارد. تدریس دروس : حشره شناسی عمومی ـ جانور شناسی ـ آفات درختان میوه ـ اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیک ـ کنه شناسی تکمیلی ـ سینماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال 1371 سوابق تدریس در در دانشگاهها : در دانشگاه همدان از سال 1355 تا سال 1367 تدریس دروس : حشره شناسی و جانور شناسی عمومی در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیکی ـ مورفولوژی حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال 1356 تا 1359 دانشگاه ارومیه از سال 1368 تا ادامه دارد. تدریس دروس : حشره شناسی عمومی ـ جانور شناسی ـ آفات درختان میوه ـ اصول مبارزه با آفات در دوره کارشناسی و تدریس دروس : مبارزه بیولوژیک ـ کنه شناسی تکمیلی ـ سینماتیک حشرات در دوره کارشناسی ارشد از سال 1371چگونگی عرضه آثار : محمدحسن صفرعلیزاده در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق وتالیف آثاری پیرامون اصول مبارزه با آفات و ....می پردازد.او همچنین استاد راهنمای بیش از 2 پایان نامه کارشناسی ارشد بوده است. ایشان دارای بیش از 5 مقاله به زبان فارسی و خارجی پیرامون موضوعات حشره شناسی و دفع آفات بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی لیسه درختان میوه و بررسی تاثیر باکتری B.TH بر روی حشره برگخوار درختان بلوط دارد.

_____

آثار: امکان مبارزه میکروبیولوژیک با لیسه درختان بررسی تاثیر b.th بر روی حشره برگخوار درختان بلوط بررسی تاثیر تولیدی باکتری b.th سزوپیت 14بر روی لارو پشه ها بررسی خصوصیات بیواکولوژیکی شپشک ریشه گندم منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ضمیری، محمدجواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمدجواد ضمیری در سال 1327 در شهرستان نیریز فارس متولد شد.وی دارای دکترا رشته ی فیزیولوژی تولید مثل از دانشگاه کوئیتنرلند استرلیا (در سال 1358 )است.نامبرده هم اکنون عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز بامرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.کتاب"تولید مثل در گاو" ترجمه ،محمد جواد ضمیری ، در دوره دوازدهم (در سال 1372) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.
گروه : کشاورزی
رشته : دامپروری
تحصیلات رسمی و حرفه ای : محمدجواد ضمیری پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه درهمان شهر در سال 1346 وارد دانشگاه شیراز شد و در رشتۀ مهندسی کشاورزی به تحصیل پرداخت و در سال 1349 در مقطع کارشناسی فارغ التحصیل گردید سپس برای ادامۀ تحصیل به استرالیا رفت و در سال 1353 به اخذ درجۀ کارشناسی ارشد از دانشگاه کوئینزلند در رشتۀ تولید مثل و در سال 1358 به اخذ درجه دکتری از همان دانشگاه در رشتۀ فیزیولوژی تولید مثل نائل آمد. و پس از آن نیز دورۀ فوق دکتری را در دانشگاه یاد شده در ارتباط با هورمون شناسی ابتدای آبستنی باموفقیت گذراند.
خاطرات و وقایع تحصیل : محمدجواد ضمیری از سفر به کشور های استرالیا ،آمریکا ،هندوستان ،مالزی ،سنگاپور و تایلند خاطرات خوبی را به یاد دارد.
فعالیتهای ضمن تحصیل : محمدجواد ضمیری در کنار تحصیل به یادگیری زبان انگلیسی مبادرت می ورزید.
وقایع میانسالی : محمد جواد ضمیری پس از اتمام تحصیلات و بعد از احراز دکتری در رشته فیزیولوژی در دانشگاه شیراز به تدریس مشغول شد . ایشان هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری به تدریس و تحقیق در زمینه های بررسی خصوصیات تولیدی مرغهای بومی استان فارس و بررسی تاثیر بتا آگونیستها ب ترکیب لاشه گوسفندان ایرانی و غیره .. می پردازد.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمد جواد ضمیری عضو هیئت علمی و

دانشیار و رئیس بخش - معاون پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است.
فعالیتهای آموزشی : محمد جواد ضمیری به تدریس دروس تشریح و فیزیولوژی دام (کارشناسی)،فیزیولوژی تولید مثل (کارشناسی)،پرورش گاو شیری (کارشناسی) ،هورمون شناسی (کارشناسی ارشد) ،فیزیولوژی شیر دهی (کارشناسی ارشد ) و تغذیه دام (کارشناسی) در دانشگاه شیراز می پردازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : محمد جواد بیش از 20 پایان نامه دکتری و کارشناشسی ارشد را راهنمایی و مشاوره و نظارت کرده است که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: - بررسی امکان افزایش دو یا چند قلو زایی با استفاده از hcG و فتوباربیتال ،کارشناسی ارشد 1370 - بررسی تغییرات غلظت ریبوفلاوین در تخم مرغهای بومی و رابطه آن با بارداری ،کارشناسی ارشد 1365 - بررسی تولید و ترکیب شیر در گوسفندان قزل ،کارشناسی ارشد 1369 - بررسی تاثیر سالبیوتامول بر ترکیب بدن خوکچه هندی ،کارشناسی ارشد 1373 - بررسی تغییرات استروئید های جنسی پس از زایش در گاومیش ،کارشناسی ارشد 1373 - بررسی اثر تداوم HCG برچند قلوزایی در گوسفند،1375
جوائز و نشانها : - کتاب"تولید مثل در گاو" ترجمه ،محمد جواد ضمیری ، در دوره دوازدهم (در سال 1372) کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد. - انتخاب دکتر محمد جواد ضمیری به عنوان پژوهشگر و مترجم نمونه دانشگاه.
آثار :
1 آنزیمهای گلایکولیز در رحم گوسفند
ویژگی اثر : biol.reprod انگلیسی 1979
2 اثرات سلنیوم دوتیامین بر گوسفندان ایرانی
ویژگی اثر : hran.agric.res انگلیسی 1996
3 بررسی خصوصیات شیر دهی گوسفندان قزل و مهربان
ویژگی اثر : Small rum.res انگلیسی 1997
4 پرورش گاو شیری
ویژگی اثر : گرد آوری و تدوین ،دانشگاه شیراز فارسی 1375
5 تاثیرات کمبود غذا بذ تولید مثل موش
ویژگی اثر : Aust.j.biol.sic انگلیسی 1978
6 تولید مثل در گاو
ویژگی اثر : ترجمه دانشگاه شیراز ،انگلیسی 1372،این کتاب در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و

ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب: «تولید مثل در گاو»: تولید مثل در گاو؛ آ. ر. پیترز – ب. جی. بال؛ ترجم؟ دکتر محمدجواد ضمیری؛ شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، 1372. «تولید مثل در گاو» جنبه های فیزیولوژیکی و کاربردی تولید مثل در گاو را براساس پژوهشها و تجربه ها به گونه ای فشرده اما فراگیر و مفید بیان میکند. هدف این کتابب، نگرشی همه جانبه بر تولید مثل گاو است که همراه با تغییرات ناشی از به کارگیری روشهای فارماکولوژیکی، تکنولوژیکی و مدیریتی، با در نظر داشتن بازده تولید مثل، شرح داده می شود؛ بنابراین، کتابب برای افرادی نوشته شده است که نیازمند پیش دانشی پایه ای در زمینه های مختلف تولید مثل گاو هستند. استفاده از تحقیقات و اطلاعات علمی که حاصل سالها صرف وقت و سرمایه است مسلماً از یک طرف به افزایش سطح علم کارشناسان و از طرف دیگر به کارگیری نظارت آن در عمل به افزایش سطح تولید کمک می نماید. کتابب مشتمل بر پانزده بخش است. در انتهای مطالب، واژه نام؟ فارسی – انگلیسی و نیز انگلیسی – فارسی گنجانیده شده است

7 رابطه بین وزن و ابعاد دنبه در قزل و مهربان

ویژگی اثر : Small rum.res انگلیسی 1997

8 فیزیولوژی گوارش در نشخوارکنندگان

ویژگی اثر : مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام ،فارسی 1375

9 مبانی هورمون شناسی پزشکی

ویژگی اثر : ترجمه ،دانشگاه شیراز انگلیسی ،زیر چاپ

برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

منابع زندگینامه : 1www.ketabesal.ir2تهرانی زاده، محسن، شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، ج اول، دفتر شورای جذب نخبگان، تهران:1373، صص59-4583غریبی حسین ، بانک اطلاعلت محققین و متخصصین کشور شماره 4 چاپ 1376 صص 356-357

طالبی، علی اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اصغر طالبی در سال 1340 در شهر تفت- یزد بدنیا آمد. ایشان دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه تربیت مدرس در سال 1377 می باشد. نامبرده هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی-تهران- گیاهپزشکی- 1367 کارشناسی ارشد- تربیت مدرس -حشره شناسی کشاورزی-1371 دکتری- تربیت مدرس -حشره شناسی کشاورزی- 1377 همسر و فرزندان : دکتر علی اصغر طالبی متاهل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مورد تصدی علی اصغر طالبی به ترتیب زیر است: مربی-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال 1372 تا 1377) استادیار-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال 1377 تا 1383) دانشیار-دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران (از سال 1383 تا .....13) عضو انجمن حشره شناسان ایران داوری مجلات علمی 1) مجله انجمن حشره شناسی ایران 2) مجله علمی کشاورزی(دانشگاه شهید چمران اهواز) 3)مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه صنعتی اصفهان) 4) مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان) 5-پژوهشنامه علوم کشاورزی (دانشگاه گیلان) 6- آفات و بیماری‌های گیاهی(مؤسسه تحقیقات آفات و بیماری‌های گیاهی) 7-مجله علوم کشاورزی ایران (دانشگاه تهران) 8- دانش کشاورزی (دانشگاه تبریز) فعالیتهای آموزشی : دروس تدریس شده توسط علی اصغر طالبی به قرار زیر است: کارشناسی حشره شناسی تکمیلی ، اصول رده بندی حشرات ، کارشناسی ارشد مرفولوژی حشرات ، سیستماتیک حشرات ، مبارزه بیولوژیک با حشرات دکتری آنتموفاژها, اصول و قوانین نامگذاری و رده بندی حشرات مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : علی اصغر طالبی موزه حشره شناسی در دانشکده کشاورزی را تاسیس کرده است. سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیت های علی اصغر طالبی به شرح زیر است: - تهیه چهار فیلم علمی در مورد حشرات و پخش آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران - تدریس درس آفات گیاهان زینتی برای دانشجویان دانشگاه جامع علمی و کاربردی از طریق سیمای جمهوری

اسلامی در 34 برنامه (1381-1382) همفکران فرد : علی اصغر طالبی از همفکری نزدیکی با دکتر کریم کمالی ،دکتر سعید محرمی پور،دکتر یعقوب فتحی پور برخوردار است. آرا و گرایشهای خاص : زمینه های مورد علاقه تحقیقاتی علی اصغر طالبی : 1) کنترل بیولوژیک آفات 2) رده بندی حشرات 3) گرده افشانی گیاهان توسط حشرات چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات علمی چاپ شده در مجلات علمی و پژوهشی :19 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در مجامع علمی : 52 مقاله - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت راهنمایی : 6 پایان نامه - تعداد پایان نامه های کارشناسی ارشد تحت مشاوره : 9 پایان نامه - تعداد پایان نامه های دکتری تحت مشاوره : 2 پایان نامه آثار : کنترل بیولوژیک حشرات ویژگی اثر : در دست نوشتن2 مطالعه حشرات (راسته پروانه ها) ویژگی اثر : در دست نوشتن منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عبادی، رحیم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رحیم عبادی متولد 1326 در اصفهان است.وی دارای مدرک دکترای حشره شناسی و جانورشناسی از دانشگاه دیوس دانشگاه کالیفرنیا در سال 1358 است. نامبرده عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : رحیم عبادی دارای دکترای کشاورزی در رشته ی حشره شناسی و جانورشناسی است.همسر و فرزندان : رحیم عبادی متاهل و دارای یک فرزند دختر و یک فرزند پسر است.وقایع میانسالی : رحیم عبادی پس از اخذ مدرک دکترای کشاورزی درگرایش حشره شناسی به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان استخدام شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : رحیم عبادی عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان پس از طی مرحله ی استادیاری به مرحله ی علمی دانشیاری این دانشکده رسید. از دیگر سمتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: سردبیر پورنال (علو و تکنولوژی در کشاورزی و منابع طبیعی از سال 1371 تا کنون رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشگاه صنعتی اصفهان (دانشکده کشاورزی ) از سال 1384 تا 1386 رئیس دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال 1377 تا 1380 قائم مقام پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال 1373 تا 1375 رئیس بخش حفاظت از گیاهان دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان از سال 1371 تا 1373 قائم مقام ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان از سال 1364 تا 1366 مسئول کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی اصفهان 1361 تا 1364فعالیتهای آموزشی : رحیم عبادی درگروه کشاورزی دانشکده ی صنعتی اصفهان به تدریس دروس رشته کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره بر نظارت بر بیش از 4پایان نامه کارشناسی ارشد و دکترا را بر عهده داشته است.جوائز و نشانها : تقدیر نامه از ریاست جمهوری اسلامی ایران - دکتر احمدی نژاد در سال 1386 تقدیر نامه وزیر علوم وتحقیقات و فناوری تقدیر نامه از وزیر جهاد کشاورزیچگونگی عرضه آثار : رحیم عبادی در کنارتدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثاری پیرامون بیماریها و آفات و شکارچی های زنبورهای عسل ، پرورش زنبور عسل، یافته های ایمونولوژیک دردرماتولوژی طب

اطفال ، کنترل کرم موم خوار و شناخت بیولوژی آن در ایران، پیازجایگزینی شکر در تغذیه زنبور عسل با ترکیبات ارزان قیمت، مرفولوژیک توده های مختلف زنبور عسل ایران و مقایسه آن با یکدیگر می پردازد. ایشان دارای 45 مقاله به زبانهای فارسی و خارجی است. آثار : امراض آفات وانگلهای زنبور عسل ویژگی اثر : انتشارات راه نجات - فارسی - اصفهان2 فرهنگ زنبور عسل ویژگی اثر : انتشارات ارکان -فارسی - اصفهان3 لغت نامه برای اصلاحات نگهدارندگان زنبور ویژگی اثر : وزارت جهاد سازندگی مرکز پژوهشی حیوانات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

عباسی، فرخ

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر فرخ عباسی متولد 1318 ش تهران دارای دکترای رشته گیاهپزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه اولترا با درجه دانشیار باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون تاثیرشته های مخرب بر ذرت علوفه ای میباشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر فرخ عباسی دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد دکترای رشته گیاهپزشکی از دانشگاه کالیفرنیا میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاهپزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر فرخ عباسی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر فرخ عباسی د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر فرخ عباسی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاهپزشکی به عضویت هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه اولترا در آمد وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرخ عباسی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه اولترا است.فعالیتهای آموزشی : دکتر فرخ عباسی سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاهپزشکی در دانشگاه اولترا به تدریس دروس تخصصی رشته گیاهپزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فرخ عباسی در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر فرخ عباسی از جمله گیاه پزشکانی است که تحقیقات و پژوهشهای علمی و عمیق وسیعی درباره تاثیر شته های مخرب محیط زیست بر ذرت علوفه ای انجام داده است.
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

علاءالدین، سیامک

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیامک علاءالدین متولد 1318 ش دارای دکترای رشته باغبانی عضویت هیئت علمی دانشگاه یوتای امریکا با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید می باشد.
گروه : کشاورزی
رشته : باغبانی
تحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر عبدالرضا ستیغ دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد و دکترای باغبانی از دانشگاه یوتای امریکا میباشد
خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته باغبانی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر عبدالرضا ستیغ بوده است.
فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر عبدالرضا ستیغ د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.
وقایع میانسالی : دکتر عبدالرضا ستیغ پس از اخذ مدرک دکتری در رشته باغبانی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه یوتای امریکا درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.
مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر عبدالرضا ستیغ عضوهیئت علمی و دانشیار گروه باغبانی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه یوتای امریکا است.
فعالیتهای آموزشی : دکتر عبدالرضا ستیغ سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه باغبانی در دانشگاه یوتای امریکا به تدریس دروس تخصصی رشته باغبانی و کشاورزی می پردازد.
سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عبدالرضا ستیغ در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.
آرا و گرایشهای خاص : دکتر سیامک علاءالدین از جمله دانشمندان علم

باغبانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره آبیاری هوشمند مطابق با فصول و موقعیت خورشید انجام داده است. آثار :
1 تولید میوه های مقاوم برای یخچالهای کانتینر ی در کشتی های صادرات

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

علوی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سیداحمد علوی در سال 1326 در قم دیده به جهان گشود.وی پس از اخذ مدرک کشاورزی از دانشگاه تهران ، تحصیلات تکمیل خود را در انگلستان دنبال کرد و موفق شد تا مقطع دکتری پیش رود و دکتری رشته میکروبیولوژی را از دانشگاه لندن (در سال 1360) اخذ نماید. وی پس از مراجعت به ایران به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران در آمد که کماکان ادامه دارد. کتاب"کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه ،سید احمد علوی(یکی از مترجمین)، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : بیماری شناسی گیاهیگرایش : میکروبیولوژیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سید احمد علوی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در قم به انجام رساند. درسال 1340 به دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران راه یافت و در سال 1344 موفق به اخذ مهندسی کشاورزی در رشتۀ گیاه پزشکی شد.در سال 1355 برای ادامه تحصیل عازم انگلستان شد. ابتدا به مدت یک سال در کالج بین‌المللی زبان انگلیسی مدرک FCE و CPE و RSA (سطوح 2 و 3) را اخذ کرد و آنگاه در دانشگاه لندن تحصیل در رشتۀ تخصصی خود را پی گرفت.نامبرده در سال 1360 موفق به دریافت درجه دکترای میکروبیولوژی شد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سید احمد علوی پس از دریافت درجه دکترای میکروبیولوژی از دانشگاه لندن انگلستان ، به ایران بازگشت. وی به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی تهران مشغول خدمت شد که کماکان ادامه دارد. از سال 1367 تاکنون مشاور وزیر کشاورزی و سرپرست دفتر روابط بین الملل و از سال 1374 نیز سرویراستار و دبیراجرایی دایرةالمعارف جامع علوم کشاورزی است. ضمناً مسؤولیتهای علمی و پژوهشی دیگری را نیز در این سالها عهده دار بوده است.جوائز و نشانها : کتاب"کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد"ترجمه ،سید احمد علوی(یکی از مترجمین)، در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : دکتر علوی مقالات علمی و تحقیقاتی زیادی در زمینۀ بیماریهای گیاهی در مجلات علمی داخلی و خارجی منتشر کرده است

آثار : بررسی آثار ترجمه شده اسلامی خشخاش کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد ویژگی اثر : ترجمه،(یکی از مترجمان).این کتاب در دوره شانزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد»: کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای گیاهی خاکزاد/ دی هورن بای؛ترجم؟ احمد علوی و علی آهون منش .- تهران: نشر آموزش کشاورزی: 1376.- 2ج. زمانی بود که بشر به کمک آفت کشهای شیمیایی می توانست به مقابله با عوامل بیماری زای گیاهی بپردازد و همزمان با استفاده از کودهای مصنوعی شاهد رشد و باردهی چشمگیر زراعی باشد. اما سالهاست که با پیشرفت علوم پزشکی ثابت شده است که بسیاری از سموم دفع آفات نباتی برای انسان سرطان زا هستند و غالب آفت کشها پدید؟ تخریب لای؟ اوزون را شدت می بخشند. بنابراین تدبیری باید اندیشید که در عین مقابله و پیشگیری از خسارات ناشی از عوامل بیماری زای گیاهی و حفظ روند تولید کشاورزی جهت تغذیه جمعیت روزافزون دنیا، محیط شکننده و حساس زمین بیش از این دستخوش آسیب نشود. بدین ترتیب گرایش به مبارز؟ بیولوژیکی مورد توجه و علاق؟ پژوهشگران قرار گرفت و تحقیق و تعمق در این حیطه ادامه یافت. کتاب کنترل بیولوژیکی عوامل بیماری زای خاکزاد از جمله آخرین رساله هایی است که در این زمینه به چاپ رسیده و به علت غنای علمی و توجه به جنبه های مختلف مبارزه بیولوژیکی در ابعاد اجرایی وسیع، سخت مورد توجه قرار گرفته است. مترجمان کتاب امید دارند که ترجم؟ این کتاب، خلاء محسوسی را که در این زمینه در منابع فارسی موجود است تا حدی جبران کند. کتاب فوق که از ترجمه ای دقیق و روان برخوردار است. در دو جلد و سی فصل توسط معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی وزارت کشاورزی منتشر شده است. 4 نماتدشناسی

فتوحی قزوینی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر رضا فتوحی قزوینی در سال 1333 در قزوین بدنیا آمد. ایشان دارای دکترای رشته بیوتکنولوژی (میوه کاری) از دانشگاه سالفورد انگلستان در سال 1374 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار پایه 25 دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیگرایش : بیوتکنولوژی- میوه کاریوالدین و انساب : پدر رضا فتوحی قزوینی حاج غلامحسین فتوحی، کارمند سابق شرکت نفت قزوین بود. نام مادر محترمشان خانم عشرت توفیقی دارای سواد خواندن قرآنی بود. دکتر فتوحی قزوینی دارای سه خواهر و دو برادر است.خاطرات کودکی : رضا فتوحی قزوینی از دوران کودکی خود خاطراتی به یاد دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: - به لحاظ تشویق و ترغیب مادر و پدر در دوران ابتدایی قرآن و ادعیه را به خوبی با تجوید کامل فرا گرفتم. - در دوره دبیرستان برخی از علوم دینی و کمی از دروس حوزوی را نزد آیت الله حاج شیخ هادی باریک‌بین و آقای حجت الاسلام حاج سید جلیل زرآبادی فرا گرفتم. - در سالهای 1347 و 1348 در انجمن اسلامی ناشرین حق قزوین و سپس انجمن اسلامی دانشجویان فعال بودم. در سال 1349 مرحوم استاد مطهری به قزوین آمدند و در مسجد ستوده به سخنرانی پرداختند که من قبل از سخنرانی ایشان چند آیه قرآن تلاوت کردم. - زلزله مهیب بوئین زهرا و قزوین را به خوبی به یاد دارم و حدود 15 روز همه مردم شبها در کنار خیابان می‌خوابیدند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : رضا فتوحی قزوینی در خانواده‌ای مذهبی و در شرایط وضعیت مالی متوسطی بزرگ شد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : رضا فتوحی قزوینی دوران ابتدایی و متوسطه را در رشته طبیعی در قزوین گذراند. در دوران دبیرستان بخشی از علوم اسلامی و حوزوی را در مدرسه شیخ‌الاسلام به تحصیل پرداختند. تحصیلات دانشگاهی ایشان به ترتیب زیر است: - کارشناسی در رشته مهندسی باغبانی، دانشگاه جندی شاپور (1351- 1355) - کارشناسی ارشد (مدرسی) در رشته باغبانی، دانشگاه تربیت مدرس و تهران، با ارائه رساله در ارتباط با مرکبات (1364- 1362)، - دکترا (Ph.D): دانشگاه سالفورد انگلستان (1374- 1371). رساله دکتری دکتر فتوحی: مقاومت به سرما در مرکبات بود که با روشهای بیوتکنولوژی انجام گرفت و حاصل این کار معرفی لاینهای مقاوم به سرما از رقم پرتقال والنسیا بود که

تحویل مؤسسه مرکبات کشور شد.خاطرات و وقایع تحصیل : رضا فتوحی قزوینی از اعتصابهای دانشجویی در دوران تحصیل کارشناسی که معمولا در آذر ماه اتفاق می‌افتاد چنین به یاد دارد: «به علت راه‌اندازی و شرکت در اعتصابها و توزیع آثار شخصیتهای بزرگ مذهبی سیاسی مانند دکتر شریعتی و استاد مطهری یک نوبت در سال 1352 به مدت کوتاه باز داشت شدم» دکتر فتوحی همچنین از دوران کارشناسی ارشد که مسئولیت پیگیری و راه‌اندازی دوره‌های دکتری کشاورزی را طی حکمی که از طرف ریاست وقت دانشگاه (دکتر حبیبی) داشت خاطرات زیادی به یاد دارد.فعالیتهای ضمن تحصیل : رضا فتوحی قزوینی در دوره دکتری مسئول هسته تخصصی بیوتکنولوژی در دانشگاه انگلستان بود و در طی چهار سال اقامت در آنجا چهار سمینار علمی را برگزار کردند، در آخرین سمینار همه ایرانیان از سراسر انگلستان جمع شدند.استادان و مربیان : مربیان در دوران قبل از دانشگاه رضا فتوحی قزوینی به قرار زیر است: آقای حاج شیخ هادی باریک‌بین، حاج سید جلیل زرآبادی، آقایان نوری (دبیر فیزیک)، آقازاده (شیمی)، اسماعیلی (زیست‌شناسی) اساتید دوره کارشناسی: دکتر عظیمی، دکتر کمالی (حشره شناسی)، دکتر اهدایی (اصلاح نباتات). اساتید دوره کارشناسی ارشد: دکتر بهبودیان(فیزیولوژی)، دکتر صدیقی (اصلاح نباتات)، مهندس منیعی (میوه‌های آجیلی)، دکتر طلایی، مهندس یونس ابراهیمی و در انگلستان پروفسور ویلیزر.هم دوره ای ها و همکاران : هم‌دوره‌ای‌های رضا فتوحی قزوینی در مقاطع مختلف تحصیل به شرح زیر است: کارشناسی: پروفسور فلاحی (دانشگاه آیدا هو) کارشناسی ارشد: مرحوم دکتر علی وزوایی، دکتر منصور غلامی دکتری: دکتر محمود اثنی عشری، مرحوم دکتر رحمان دادمان و دکتر یوسف حمید اوغلی از همکاران دکتر فتوحی می‌توان به دکتر نصرت الله ضرغامی، دکتر خوشخوی و دکتر روشن حیدری (دانشگاه لندن، امپریال کالج) اشاره کرد.همسر و فرزندان : همسر رضا فتوحی قزوینی، سرکار خانم مینا محمودی گیلانی است که دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم باغبانی از دانشگاه سالفورد انگلستان می‌باشد. ماحصل این ازدواج چهار فرزند به نامهای زیر است: - یک دختر (فرانک) که هم اکنون دانشجوی دکتری رشته مخابرات در دانشگاه براتفورد انگلستان و عضو هیئت علمی دانشگاه قم است. - محمدحسین فتوحی، متاهل و به همراه همسرش دانشجوی مقطع دکتری مخابرات هستند. - محمدعلی متاهل و دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی قدرت می‌باشد. - محمدجواد دانشجوی کارشناسی رشته برق در دانشگاه تهران است.وقایع میانسالی : توفیق در توسعه کمی و کیفی دانشگاه گیلان، خاطره تلخ درگذشت دوست ارجمندش دکتر دادمان (وزیر راه و ترابری) و درگذشت دوست دیگر دکتر علی وزوایی دانشیار دانشگاه

تهران از وقایع و خاطرات رضا فتوحی قزوینی می‌باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : فعالیتهای اجرائی رضا فتوحی قزوینی به ترتیب زیر است: 1- معاون امور جنگ دانشگاه گیلان (1364- 1365) 2- رئیس دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان (1365- 1366) 3- معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه گیلان (1366- 1370 و 1376- 1384) 4- عضویت یا مسئولیت کمیته‌ها و شوراهای مختلف اداری، فرهنگی، اجرایی و علمی دانشگاه و یا استان 5- عضو کمیسیون مشورتی بیوتکنولوژی (از خرداد 1376) شورای پژوهشهای علمی کشور 6- عضو انجمن بیو تکنولوژی ایران 7- عضو هیئت مدیره انجمن علوم باغبانی ایران 8- دبیر هیئت ممیزه دانشگاه گیلان (1382-1384) 9- عضو شورای دبیران پژوهشنامه کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه گیلان 10- عضو شورای دبیران مجله علوم و فنون باغبانی ایران، انجمن علوم باغبانی از 1383 11- قائم مقام دبیر شورای عالی زیست فناوری ایران و رئیس گروه تخصصی توسعه سرمایه انسانی و مدیریت در دبیرخانه زیست فناوری تا سال 1385فعالیتهای آموزشی : دروس ارائه شده توسط رضا فتوحی قزوینی در دانشگاه گیلان: دوره کارشناسی: ازدیاد نباتات میوه‌های گرمسیری میوه‌های دانه‌ریز دوره کارشناسی ارشد: فیزیولوژی درختان میوه مناطق معتدله اثر تنش‌های محیطی روی گیاهان کشت بافت و ریز ازدیادی دکتری: گلدهی و رشد و نمو میوهمراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : رضا فتوحی قزوینی تقریبا تمام رشته‌های تحصیلی بویژه کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه گیلان را تا سال 1385 را راه‌اندازی کرده است. وی همچنین آزمایشگاه کشت بافت دانشگاه گیلان را تاسیس کرد وی جهت ایجاد رشته موسیقی و گرافیک در دانشکده هنر و معماری و همچنین راه‌اندازی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه گیلان تلاشهای زیادی کشید. دکتر فتوحی در انگلستان جهت اتحاد و انسجام و هماهنگی در تحصیل و تحقیق در رشته بیوتکنولوژی هسته تخصصی بیوتکنولوژی را راه‌اندازی کردند.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : رضا فتوحی قزوینی در کنار تدریس به تالیف و تدوین کتب و مقالات علمی در زمینه رشته تخصصی خود می‌پردازد.شاگردان : دکتر کافی، آقایان عسگری و میغانی (دانشگاه کرمان)، رقامی (دانشگاه رفسنجان)، محمدجواد فتاحی و یحیی تاجور (موسسه مرکبات کشور) و خانم تاتاری (موسسه تحقیقات باغبانی کرج) از دانشجویان رضا فتوحی بودند.همفکران فرد : دکتر منصور غلامی، دکتر محمود اثنی عشری (دانشگاه بوعلی سینا)، دکتر علیرضا طلائی، دکتر ضرغام (دانشگاه تهران)، دکتر خوشخوی، دکتر راحمی، دکتر تفضلی (دانشگاه شیراز)، دکتر آرمین (دانشگاه کرمان)، دکتر یوسف حمید اوغلی، دکتر نادر نریمان‌زاده، دکتر مجید متقی طلب، دکتر علی‌اصغر ورسه‌ای،

دکتر هفت چناری و دکتر صحراگرد (دانشگاه گیلان) از همفکران رضا فتوحی قزوینی می‌باشند.آرا و گرایشهای خاص : رضا فتوحی معتقد است که اعمال مدیریت علمی بر سرمایه‌های انسانی و طبیعی که ذخایر ارزشمند آن در کشور ما وجود دارد تنها راه بیشرفت است و توسعه رسانه‌های خصوصی، تحمل آراء و نظرات متفاوت و پرهیز از انحصارگرایی اعتبار و شان جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد. چگونگی عرضه آثار : رضا فتوحی قزوینی بیش از 30 مقاله در مجلات علمی پژوهشی داخل و خارج به چاپ رسانده است و حدود 70 مقاله در کنفرانس‌ها و سمینارهای داخل و خارج ارائه کرده است. آثار : پرورش مرکبات در ایران ویژگی اثر : تالیف- انتشارات دانشگاه گیلان (چاپ اول 1378 و چاپ دوم با اضافات 1385)2 تحقیقات در کشورهای اسلامی ویژگی اثر : انتشارات دانشگاه گیلان (1377)3 هوهویا در ایران برای بیابان زدایی، صنعتی و بهداشتی ویژگی اثر : تالیف- انتشارات نیلوفرانه

منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

فرجاد، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
کتر علی فرجاد متولد 1324 هـ.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هیئت علمی دانشگاه کارکامون با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقا و آثاری پیرامون تهیه نگهدانده های طبیعی برای مواد غذایی بسته تهیه شده می باشد.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر علی فرجام دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ،کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته صنایع غذایی و اخذ مدرک دکتری آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علی فرجاد بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر علی فرجاد در کنار تحصیل به مطالعه پزوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فرجام عضو هیئت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشگاه کشاورزی در دانشگاه کارکاسون است.فعالیتهای آموزشی : دکتر علی فرجام سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه صنایع غذایی دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس رشته صنایع غذایی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر علی فرجاد در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر علی فرجاد از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیع درباره تهیه نگهدارنده های طبیعی برای مواد عذایی بسته بندی شده انجام داده است .

---

فرهی آشتیانی، صادق

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر صادق فرهی آشتیانی در سال 1312 در آشتیان بدنیا آمد. وی دارای دکتری گیاه و تغذیه خاک از دانشگاه جاستوس لیبینگ آلمان در سال 1343 و عضو هیئت علمی دانشکده گیاه دانشگاه تربیت مدرس با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : گیاه و تغذیه خاکتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر فرهی آشتیانی دارای کارشناسی ارشد رشته کشاورزی و دکتری رشته گیاه و تغذیه خاک از دانشگاه جاستوس لبینگ به ترتیب در سالهای 1341 و 1343 می باشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : - استاد یار دانشگاه اصفهان و اهواز 1354-49 - - استادیار دانشگاه اصفهان 1349-59 - استاد تمام دانشگاه اصفهان 1356-1365 - استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس 1365 تا کنون - عضو انجمن گیاه فیزیولوژیستهای آمریکا - عضو انجمن زیست شناسان ایران فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس ارائه شده توسط دکتر فرهی آشتیانی : فیزیولوژی گیاه- رشد و نمو- گیاهان سبز – حاصلخیزی خاک- متابولیسم گیاه- تغذیه معدنی گیاه- حرکت محلول سر گیاه- فتوسنتز- رشد و نمو پیشرفته – توسعه و تنظیم رشد – فیزیولوژی محصولات گیاه آرا و گرایشهای خاص : دکتر صادق فرهی آشتیان از جمله گیاه پزشکانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره فیزیولوژی گیاهی و گیاه پزشکی و تغییرات اقلیمی نیز انجام داده است.چگونگی عرضه آثار : عنوان پایان نامه راهنمایی شده توسط دکتر فرهی آشتیانی: بررسی تاثیر تنش آبی و کودنیتروژنی برمیزان رشد ، عناصر معدنی محتوی بافت و اسانس در گیاه زیره سبز (Cuminum cyminum L. مقالات ارائه شده در مجلات علمی : 21 مقاله مقالات ارائه شده در کنفرانس ها ک 18 مقاله آثار : اثر رز بنگال بر تولید آستاگزانتین در جلبک سبز تک سلولی هماتوکوکوس پلوویالیس جداسازی شده از منطقه کوه صفه اصفهان ویژگی اثر : مقاله:ایرج نحوی، صادق فرهی آشتیانی، سعید افشارزاده و مجید مهدیه 2 اثرات متقابل سدیم و پتاسیم بر میزان رشد و جوانه زنی دو رقم جو ویژگی اثر : مقاله3 تأثیر پایه بادام و هلو بر میزان رشد و جذب یون در درختان هلوی حساس به کلروز آهن ویژگی اثر : مقاله - نویسندگان:صادق فرهی آشتیانی و کارل هرمان نریمان4 تاثیر شکل ازت بر رشد و میزان آستاگزانتین محتوای جلبک سبز تک سلولی هماتوکوکوس

پلوویالیس ویژگی اثر : مقاله -نویسنده : صادق فرهی آشتیانی، مجید مهدیه5 تجربیات در فیزولوژی گیاهان ویژگی اثر : تالیف6 تغییرات اقلیمی و فیزیولوژی گیاهی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

فلاحتی، ماهرخ

قرن:14
جنسیت:زن
ملیت:ایران
دکتر ماهرخ فلاحتی رستگار دارای دکترای رشته گیاه پزشکی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد با درجه دانشیار مشغول به خدمت است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیوقایع میانسالی : دکتر ماهرخ فلاحتی رستگار پس از کسب دکتری گیاهپزشکی خود به عضویت هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد درآمد . وی هم اکنون با رتبه علمی دانشیاری مشغول به تدریس و تحقیق در دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر فلاحتی رستگار عضو هیئت علمی و دانشیار گروه گیاهپزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد است. وی همچنین از سال 1379-1381 مدیر گروه گیاهپزشکی دانشگاه فردوسی مشهد بود.فعالیتهای آموزشی : عنوان دروس تدریس شده توسط دکتر فلاحتی رستگار : مدیریت مبارزه بابیماریهای گیاهی قارچ شناسی گیاهی قارچ شناسی سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر فلاحتی رستگار در کنار تدریس به تحقیقاتی در زمینه تخصصی خود می پردازد.به عنوان مثال عنوان طرح تحقیقاتی پایان یافته دکتر به شرح زیر است: پلاستینه کردن قارچهای ماکروسکپی( حفظ و نگهداری طولانی مدت) آثار : تشخیص بیماریهای گیاهی ویژگی اثر : مترجم: بهروز جعفرپور و ماهرخ فلاحتی رستگار 340 صفحه سال انتشار: 1371 انتشارات جهاد خلاصه :روشهای تشخیص بیماری از جمله روشهای ساده تر و کوتاهتر و روشهای ویزه تشخیص بیماریهای غیرپارازیتی و پارازیتی مانند باکتریائی، نماتدها، ویروسی، میکوپلاسمائی، قارچها و گروههای اصلی آنها از سر فصلهای کتاب می باشند.2 مقالات علمی در نشریه داخلی:مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان بررسی تفاوت بیماری زایی پاتوتیپ های 4و6 قارچ a. rabiei عامل بیماری برق زدگی نخود علوم و صنایع کشاورزی ارزیابی خواص قارچ کشی عصاره برخی از اندامهای گیاهی مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تشخیص نژادهای فیزیولوژیک ascochyta rabiei, عامل بیماری برق زدگی نخود، در چند منطقه کشور مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان تعیین تنوع قارچ عامل بیماری برق زدگی نخود {Ascochyta rabiei(pass.) Lab} ایران با استفاده از مارکرهای مجله علوم کشاورزی

ومنابع طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان تعیین گروه بیماریزایی جدایه های قارچ Ascochyta rabiei در ایران مقالات کامل در گزارش همایشها:بیست و سومین دوره سمینار کارخانه های قند و شکر در استان خراسان روش کاربردی استخراج dna از قارچ بیماریزای rhizoctonia solani در چغندر قند و امکان بررسی تنوع بین ایز چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران کنترل بیولوژیکی پوسیدگی ریزوکتونیایی ریشه چغندر قند با قارچ های تریکودرما، گلیوکلادیوم و باکتری باسی چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران اتیولوژی پوسیدگی خشک سیب زمینی در استان خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران تعیین نژادهای فیزیولوژیک قارچ tilletia laevis عامل بیماری سیاهک پنهان معمولی گندم در خراسان چهاردهمین کنگره گیاه پزشکی ایران شیوع بیماری رایزومانیا در استان خراسان منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

کاشانیان، ناصر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ناصر کاشانیان دارای کارشناسی کشاورزی و دکترای رشته دامپروری از مرکز تحقیات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال 1339 است.ایشان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی به تدریس و پژوهش پیرامون بررسی صفات کمی و کیفی پشم، پشم شناسی مشغول است.
گروه : کشاورزی
رشته : دامپروری خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی کشاورزی، دکترای دامپروری از مرکز تحقیقات پشم و پوست وابسته به دانشگاه یوستوی لیبک در سال 1339.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
وقایع میانسالی : دکتر ناصر کاشانیان پس از اخذ مدرک دکتری در رشته دامپروری به عضویت هیئت علمی گروه دامپروری در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به انجام خدمت است.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
طرح تجزیه شیمیایی و فیزیکی پشم، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 2 پایان‌نامه دکترا و کارشناسی ارشد در زمینه توان تولید گوسفند بومی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 1
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
پشم‌شناسی.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 8، تعداد مقالات بزبان خارجی: 5
زمینه علمی مقالات:
بررسی صفات کمی و کیفی پشم.
آثار :
1 بررسی آثار آبستنی ، شیردهی ، شن و جنس بر کمیت و کیفیت پشم

گوسفندان ورامین
ویژگی اثر : مقاله
2 بررسی خصوصیات کمی و کیفی الیاف بز مرغز و اثر برخی عوامل بر آنها
ویژگی اثر : مقاله
3 بررسی صفات کمی و کیفی پشم
4 پشم شناسی
ویژگی اثر : تالیف-1351
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

کاشی، عبدالکریم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر عبدالکریم کاشی متولد حدود دهه ی 1322 ه.ش دارای مدرک درجه دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان درسال1347 و عضو هئیت علمی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران با مرتبه ی علمی دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : باغبانیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر عبدالکریم کاشی دارای مدرک تحصیلی و کارشناسی ارشد کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال1964، درجه ی دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان درسال1347 ه.ش بوده است.خاطرات و وقایع تحصیل : اخذ مدرک دکترای علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال 1347 ه.ش از مهمترین مقاطع علمی زندگی دکتر عبدالکریم کاشسی بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر عبدالکریم کاشی در ضمن تحصیل به مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعاتی چون به زراعی و به نژادی سبزی، صیفی و سیب زمینی و اکوفیزیولوژی و سیتولوژی سبزی ها، پرداخته است.وقایع میانسالی : دکتر عبدالکریم کاشی پس از اخذ مدرک علوم کشاورزی از دانشگاه گوتینگن آلمان در سال1347 به ایران بازگشت و به عنوان عضو هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران استخدام شد و مرتبه ی علمی دانشیاری را کسب نمود.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر عبدالکریم کاشی عضو هیات علمی و استادیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال 1353تا سال1365 و دانشیار گروه باغبانی دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران از سال1365تا کنون بوده است.فعالیتهای آموزشی : دکتر عبدالکریم کاشی در دانشکده ی کشاورزی دانشگاه تهران به تدریس دروس رشته ی کشاورزی پرداخته و راهنمایی و مشاوره و نظارت بر 16پایان نامه کارشناسی ارشد را بر عهده داشته است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر عبدالکریم کاشی در کنار تدریس به مطالعه و تحقیق و تالیف آثار پرورش توت فرنگی ، به زراعی و به نژادی سبزی پرداخته است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر عبدالکریم کاشی از جمله متخصصان رشته ی کشاورزی می باشد که در اموری چون به زراعی و به نژادی سبزی، سیفی و سیب زمینی دارای تخصص می باشد.آثار : به زراعی و به نژادی سبزی صیفی . سیب زمینی
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

لامع، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسن لامع دارای دکترای رشته میکروبیولوژی مواد غذاییاز دانشگاه پاریس و عضو هئیت علمی دانشگاه تهران با درجه استادی است.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییگرایش : میکروبیولوژی مواد غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسن لامع دارای کارشناسی کشاورزی از دانشگاه تهران در سال 1339 است. دیگر سوابق تحصیلی ایشان به شرح زیر است: طی دوره کامل انستیتو ناسیونال آگرونومیک پاریس (INA)،اخذ مدرک سیکل دوم بیو شیمی ،میکروبیولوژی و فیزیولوژی گیاهی از دانشگاه علوم پاریس ،دکتری میکروبیولوژی مواد غذایی از آزمایشگاه میکروبیولوژِ (INA) پاریس،گذراندن یک دوره یکساله میکروبیولوژی شیر و یک دوره هفت ماهه میکروبیولوژی گوشت و فرآورده های گوشتی در CNRZفرانسه بصورت کارورزی.وقایع میانسالی : حسن لامع پس از اخذ مدرک دکتری در رشته میکروبیولوژی مواد غذایی به عضویت هئیت علمی گروه صنایع غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسن لامع عضو هئیت علمی و استاد گروه صنایع مواد غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران است.چگونگی عرضه آثار : حسن لامع دارای بیش از 16 مقاله بزبان فارسی و بیش از 11 مقاله بزبان خرجی و همچنین دارای 2 تالیف است. ایشان بیش از 20 پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری را راهنمایی مشاوره و نظارت کرده است. دکتر لامع دارای تحقیقاتی در زمینه های میکرو بیولوژی و تکنولوژی مواد غذایی است.
آثار : بیوتکنولوژی ویژگی اثر : مقاله2 صنایع غذایی ویژگی اثر : مقاله3 میکروبیولوژی مواد غذایی ویژگی اثر : مقاله

محرمی پور، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید محرمی پور در سال 1339, در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام دوره کارشناسی گیاهپزشکی در دانشگاه تهران و طی دوره کارشناسی ارشد حشره شناسی در دانشگاه تربیت مدرس، دکترای حشره شناسی را در سال 1376 در دانشگاه اوکایاما به پایان برد. پس از آن به امر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس مشغول گردید. دکتر محرمی پور ضمن تدریس و عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن , دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده و آثار نیز به چاپ رسانده است.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید محرمی پور پس از اتمام تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه تهران شد و در رشته گیاهپزشکی به تحصیل پرداخت او پس از اخذ لیسانس در سال 1364, تحصیلات خود را در رشته حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس پی گرفت و درسال 1369 دوره کارشناسی ارشد را به پایان برد. وی سرانجام در سال 1376، با اخذ درجه دکترا از دانشگاه اوکایاما فارغ التحصیل شد.هم دوره ای ها و همکاران : : دکتر کریم کمالی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس و دکتر علی اصغر طالبی عضو گروه حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از جمله همکاران سعید محرمی پور به شمار می آیند.فعالیتهای آموزشی : سعید محرمی پور ابتدا از سال 1372 تا 1376 به عنوان مربی در دانشگاه تربیت مدرس شروع به تدریس نمود. سپس از سال 1376 تا 1378 به عنوان استادیار به فعالیت خود ادامه داد. او دروسی چون آفات درختان میوه - آفات گیاهان زراعی، فیزیولوژی حشرات - روشها و وسایل تحقیق در حشره شناسی برنامه نویسی کامپیوتری و مقاومت گیاهان به آفات مدلسازی کامپیوتری در حشره شناسی را تاکنون تدریس نموده است.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سعید محرمی پور ضمن عضویت در انجمن حشره شناسان ایران و انجمن حشره شناسان ژاپن , دستی در نشریات تخصصی نیز داشته و داور مجلاتی چون دانش کشاورزی تبریز، علوم کشاورزی گیلان، کشاورزی مدرس عهده دار بوده است.شاگردان : سعید محرمی پورضمن تدریس , راهنمایی و مشاوره تعدادی از شاگردان خود را نیز به عهده داشته است که از جمله می توان

به موارد زیر اشاره کرد: عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت راهنمایی الف) کارشناسی ارشد: 1- ابراهیم گیلاسیان - بررسی فول بال ؟ گیاهان زینتی و زراعی گرگان و بیولوژی گونه غالب(1377) 2- محمد خیراندیش- بررسی فول بال ؟ گیاهان زینتی و زراعی در کرمان و مطالعه مقدماتی تراکم جمعیت گونه های فعال در گل رز (1377) عناوین پایان نامه ها و اسامی دانشجویان تحت مشاوره الف) کارشناسی ارشد 1- علی جعفری ندوشن - بررسی کارائی بالتوری chrysoperla carnea در کنترل و سیل پسته(1377) 2- محمد رحمانی مقدم- بررسی میزان حساسیت جمعیتهای مختلف و سیل پسته به حشره کش فوزالول در باغات پسته استان کرمان (1377) ب) دکتری: 1- احمد بغدادی: بررسی خصوصیات بیوشیمیائی پروتئین و بعضی از خواص فیزیولوژیک مقاومت سن گندم به سرما(1377) 2- مهدی ضرابی: مطالعات مقدماتی بیولوژی و اکولوژی سرخرطومی چغندرقند با تاکید به ارزیابی خسارت حشرات کامل در ناحیه اصفهان (1378) آرا و گرایشهای خاص : زمینه تحقیقاتی و مطالعاتی سعید محرمی پورعموماً در زمینه مقاومت گیاهان به آفات , فیزیولوژی حشرات و... بوده است. آثار : مکانیسم مقاومت جو به رشته های غلات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

مرید، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر سعید مرید در سال 1340 در شهر مرید بدنیا آمد. ایشان دارای مدرک دکتری رشته منابع آب مدیریت از انستیتو تکنولوژی هند، دهلی از سال 1380 است. وی هم اکنون عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس می باشد. گروه : کشاورزیرشته : ساختمانهای آبیگرایش : منابع آب مدیریتتحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی دکتر مرید به ترتیب زیر است: کارشناسی- تهران- آبیاری- 1365 کارشناسی ارشد- تربیت مدرس هیدرولوژی- 1369 دکتری- انستیتو تکنولوژی هند، دهلی- منابع آب مدیریت- 1380 همسر و فرزندان : دکتر سعید مرید متاهل است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای مورد تصدی دکتر سعید مرید به شرح زیر است: - کارشناس ارشد منابع آب، واحد مطالعات جهادسازندگی‌استان تهران، از سال 1360 - مدیرعامل، مهندسین مشاور آبخاک تهران، از سال 1370 - عضو هیئت علمی(مربی)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال 1373 - عضو هیئت علمی(استادیار)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال 1380 - مدیر گروه منابع آب پژوهشکده مهندسی منابع آب, دانشگاه تربیت مدرس، 1382 - عضو هیئت علمی(دانشیار)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، از سال 1384 عضویت در مجامع علمی : - عضو انجمن منابع آب ایران - عضو هیئت تحریریه مجله علمی پژوهشی تحقیقات فنی و مهندسی - عضو انجمن بین المللی علوم هیدرولوژی - عضو کمیته تحقیاقات منابع آب وزارت نیرو - عضو کمیته راهبردی طرح بین المللی چالش آب و غذا (وزارت جهاد کشاورزی) آرا و گرایشهای خاص : زمینهها و علائق تحقیقاتی دکتر سعید مرید به قرار زری است: - خشکسالی و جنبه های مختلف آن - مدلهای جامع سیستمهای منابع آبی - پیش بینی سیل - سیستم اطلاعات جغرافیائی و سنجش دور - هیدرولوژی برف جوائز و نشانها : - بهترین مقاله در بخش کشاورزی در سالهای 1373تا 1375 ، انتخاب شده توسط شوری پژوهشهای علمی کشور. - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال 1380 - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال 1384 - عضو هیئت علمی برتر دانشگاه تربیت مدرس در سال 1385 چگونگی عرضه آثار : - تعداد مقالات علمی چاپ شده : 23 مقاله - تعداد مقالات ارائه شده در

مجامع علمی: 18 مقاله - تعداد طرحهای تحقیقاتی انجام شده و در دست اقدام: 14 طرح

مصدق، محمدسعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر محمدسعید مصدق متولد 1319 در شهر اهواز است. وی دارای دکتری حشره شناسی از دانشگاه ردینگ انگلستان از سال 1351 تا 1355 است.وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران به تدریس و تحقیق مشغول است.دکتر مصدق بانی و موسس اولین موزه جانور شناسی در دانشکده کشاورزی ملاثانی در سال های 1346-1349 است.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : مبارزه بیولوژیک و زنبور عسلوالدین و انساب : محمد سعید دارای چهار برادر و سه خواهر می باشد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی محمدسعید مصدق به ترتیب زیر است: ابتدایی : دبستان خیام - اهواز - ایران مهرماه1327 –خردادماه1333 دبیرستان : شاپور – اهواز- ایران مهرماه1333 – خردادماه1339 - طبیعی کارشناسی ارشد : دانشکده کشاورزی- ملاثانی- ایران- مهرماه1339 – دیماه 1343 - کشاورزی دکتری : دانشگاه ردینگ- ردینگ- انگلستان- مهرماه 1351 – تیرماه 1355 حشره شناسی • عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد: حفاظت منابع طبیعی : بررسی آبهای سطح الارضی(رودخانه های) خوزستان • عنوان پایان نامه دکتری: The biology of Plodia interpunctella(Hubner) with particular reference To the role of the mandibular glands.
خاطرات و وقایع تحصیل : تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از دانشگاه انگلستان ازمقاطع مهم زندگی علمی محمد سعید مصدق بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : کار تابستانه ی دانشجویی و همکاری در امور زهکشی و ساختمانی دانشکده کشاورزی رامین(ملاثانی) و دانشکده شهید چمران(جندی شاپور) 43 -1340همسر و فرزندان : دکتر محمد سعید مصدق متاهل و دارای سه فرزند(دو دختر و یک پسر) است.وقایع میانسالی : محمدسعید مصدق پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی در دانشگاه شهید چمران به تدرس پرداخت. وی یک فرصت مطالعاتی در دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی آمریکا از مهر ماه 1363 لغایت مرداد ماه 1364 در زمینه مطالعه کنه تراشه ای (Acarapis woodi R. ) و نقش زنبورعسل نر در انتقال آن بین کندوهای مجاور و زنبورستان های دیگر پرداخت. وی هم اکنون با رتبه علمی استادی در دانشگاه شهید چمران اهواز به تدریس و تحقیق می

پردازد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : محمدسعید مصدق عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه شهید چمران اهواز است. از دیگر سمت های ایشان می توان به چند مورد زیر اشاره کرد: 1- عضو هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی – مهرماه 1365 لغایت 4/9/70 2- نماینده شورای پژوهشی دانشگاه در مجله علمی کشاورزی 27/1/75 لغایت مهرماه 77 3- سردبیر مجله علمی کشاورزی – مهرماه 1377 لغایت خرداد ماه 1380 4- نماینده دانشکده در شورای پژوهشی دانشگاه . 5/9/70 لغایت 27/10/72 و 27/1/75 لغایت مهرماه 1377. 5- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده به مدت 2 سال . 6- دبیر کمیته تألیف و ترجمه دانشکده از 5/9/70 لغایت 27/10/72. 7- عضو کمیته تألیف و ترجمه دانشکده کشاورزی از تاریخ 10/9/81 به مدت 2 سال 8- عضو هیأت ممیزه دانشگاه از 6/9/70 لغایت تیرماه 1383 . 9- عضو کمیته تخصصی گروه کشاورزی از 6/9/70 تاکنون و تا تاریخ 15/2/84 10- دبیر کمیته تخصصی گروه کشاورزی از 2/12/75 لغایت دیماه 1380 11- عضو هیأت ممیزه مرکزی در وزارت علوم ،تحقیقات و فنآوری از آذر ماه 1380 لغایت دیماه 1382 . 12- فرصت مطالعاتی: آمریکا-دانشگاه ایالتی کارولینای شمالی از مهر ماه 1363 لغایت مرداد ماه 1364 - عضویت در انجمنهای علمی : 1- عضو انجمن حشره شناسان ایران. 1355 تاکنون. 2- عضو انجمن حشره شناسان انگلستان - 1354 تاکنون. 3- عضو انجمن بین المللی تحقیقات زنبورداری (1355 – ( I.B.R.A. تاکنون فعالیتهای آموزشی : تدریس در دوره های کارشناسی ،کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران. مرتبه دانشگاهی و تاریخ دریافت: 1-مربی دیماه 1343 آبانماه 1355 2-استادیار آبانماه 1355 خرداد ماه 1363 3-دانشیار خرداد ماه 1363 خرداد ماه 1369 4-استاد خرداد ماه 1369 پایه35 دکتر مصدق به تدریس دروس های مختلف در مقاطع زیر می پردازد که به شرح زیر است: کارشناسی :( سم شناسی - زنبورعسل و حشرات گرده افشان - آفات انباری - تکنولوژی مبارزه شیمیایی) کارشناسی ارشد : ( سم شناسی تکمیلی- مبارزه بیولوژیکی- فیزیولوژی حشرات ) دکتری حشره شنا سی ( فیزیولوژی پیشرفته -حشرات صنعتی - حشرات اجتماعی - آفت کشها و محیط زیست). دکتری دامپزشکی : ( پرورش و بیماریهای زنبورعسل ) دکتری تخصصی دامپزشکی : ( بیولوژی و فیزیولوژی بندپایان ) دکتری پزشکی : ( حشرات ناقل از نظر پزشکی) تدریس شده یا می شود. مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : محمدسعید مصدق بانی و موسس اولین موزه جانورشناسی دردانشکده کشاورزی (ملاثانی) دانشگاه در سال های 1350-1346 است.وی همچنین بنیان گذار اجرای طرح های مبارزه بیولوژیک به منظور کاهش مصرف سموم و جلوگیری از

باقیمانده ی سموم روی محصولات کشاورزی و آلودگی محیط زیست، با اجرای طرح های مختلف و آموزش باغداران جهت شناسایی و کاربرد حشرات مفید در مبارزه آفات می باشد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : 1-تدریس 2 -انجام پروژه های تحقیقاتی در دست اجرا 3-شرکت در جلسات هیات ممیزه دانشگاه ،کمیته های منتخب و گروه تخصصی هیات ممیزه دانشگاه ،شورای گروه ، هیات تحریریه مجله علمی کشاورزی،کمیته ی انتشارات دانشگاه و دفاعیه ی پایان نامه ها در طول هفته . 4-کمک و رفع مشکلات مربوط به پروژه های پایان نامه ئی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری. 5-رفع اشکالات درسی دانشجویان 6-رفع مشکلات شخصی و راهنمایی دانشجویان 7- کتابخانه ، مطالعه نشریات علمی به روز در کتابخانه 8-رفع مشکلات مراجعه کنندگان روزمره به دفتر کار (دانشجویان رشته های دیگر،سایر دانشکده ها، همکاران دانشگاهی و افراد غیر دانشگاهی)در مورد مبارزه بیولوژیک با آفات ، مبارزه با عقرب ، مبارزه با موریانه ، آفات کشاورزی و غیره. 9-انجام امور روزمره در رابطه با مایحتاج و سایر نیاز های خانواده. آرا و گرایشهای خاص : دکتر مصدق همچنین تحقیقاتی در پیرامون زمینه های زیر دارد که می توان به چند مورد از آنها اشاره کرد: بررسی فون کفشدوزکهای ا ستان های خوزستان (1368) کرمان (1370 ) جنوب شرقی خراسان (1372 ) گلستان (1373 ) و چهارمحال و بختیاری (1374 ). بررسی کفشدوزکهای جنس Stothorus spp. مطالعه بیولوژی رژیم غذایی و تغییرات جمعیت گونه S.gilvifrons (Mulsant) در مزارع نیشکر استان خوزستان (1378) . بررسی اثر دیازینون و پریمیکارب بر روی شته سبز هلو Myzus persicae (Sulzer) و تعیین دز غیر کشنده روی کفشدوزک هفت نقطه ای Coccinella septempunctata L. (1381 ).بررسی دشمنان طبیعی شته خرزهره در دو استان فارس و خوزستان (1381 ) .بررسی کفشدوزکهای مزارع یونجه و شته های مورد تغذیه آنها در خوزستان (1383 ). بیواکولوژی سرخرطومی شبدر Apion aestivum Germar در دزفول ( 1374 ). بررسی بیولوژی مینوزبرگ مرکبات Phyllocnistis citrella Stainton و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان ( 1377 ) . مطالعه بیولوژی هلیوتیس گوجه فرنگی و دشمنان طبیعی آن در منطقه جیرفت و امکان مبارزه بیولوژیک با آفت با استفاده از Bacillus thuringiensis (B.) (1375 ). فون بالتوریهای جنس Chrysoperla spp. و بررسی رژیم غذایی گونه غالب در استان خوزستان (1383 ). بیواکولوژی سفید بالک پنبه Bemisia tabaci (Genn.) و کارایی پارازیتوئید های متداول آن در اهواز (1383 ). دشمنان طبیعی شته های گندم و جو در خوزستان (1383 ). بررسی کنه های Eriophyidae در

خوزستان (1383 ). بررسی کنه های خاکزی دراهواز (1383). فون کنه های خانواده Laelapidae در اهواز و حومه (1378 ). بررسی بیواکولوژی تریپس پیاز Thrips tabaci Lindeman و شناسایی دشمنان طبیعی آن در استان خوزستان (1379 ). بررسی اثر Bacillus thuringiensis (B). در کنترل کرم برگخوار مصری پنبه Spodoptera littoralis در شرایط آزمایشگاهی (1379 ). بررسی بیواکولوژی کارادرینای ذرت و تاثیر Bacillus thuringiensis و سایر عوامل بیولوژیک بر علیه آن در استان خوزستان (1369 ). بیولوژی و تعیین بهترین زمان مبارزه با مگس انجیر در خوزستان (59-1357 ). بررسی بیولوژی شب پره خشکبار Plodia interpunctella (Hub.) با تاکید بر نقش ترشحات غدد ماندیبولی لارو های آن (1355 ). شته های گندم و سایر گرامینه ها در منطقه شیراز (1372 )جوائز و نشانها : 1- دریافت لوح تقدیر برای بیشترین تعداد طرحهای پژوهشی خاتمه یافته در دانشگاه . 1377 2- انتخاب طرح شماره 219 به عنوان بهترین طرح پژوهشی دانشگاه در سال 1376 3- استاد نمونه ، اردیبهشت ماه 1380 4- استاد آموزشی نمونه دانشکده کشاورزی 1383 5- استاد نمونه کشور 1383 6- پژوهشگر برتر 1384 چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی دکتر محمد سعید مصدق اعم از انتشارات کتب و مقاله و سرپرستی پایان نامه ها به قرار زیر است: 1- تعداد کتابهای تألیفی : چاپ شده 3 – در دست اقدام 3 2- تعداد نشریات آموزشی : چاپ شده 13 3- تعداد مقالات منتشر شده : الف -فارسی : 1- مجلات علمی معتبر 40 2- مجلات ترویجی ( زیتون )13 3- کنفرانسهای داخلی : 77 ب- سایر زبانها: مجلات علمی معتبر بین المللی 22 کنفرانسهای بین المللی 40 ج -تعداد طرح های اجرائی و پژوهشی: -طرحهای اجرایی : پایان یافته 8 در دست اقدام :--- -طرح های پژوهشی: پایان یافته 60 در دست اقدام:6 امار تعداد پایان نامه های که توسط محمدسعید مصدق راهنمایی ،مشاوره و داوری شده به صورت زیر است: الف – کارشناسی ارشد : 1. استاد راهنما 28 نفر 2. استاد مشاور 22 نفر 3. استاد ناظر و داور : 28نفر ب- دکتری : 1. استاد راهنما 3 نفر 2. استاد مشاور 3 نفر 3. داور 4 نفر آثار : 1 آفت کش های مجاز در ایران و کاربرد آنها ،اداره ی حفظ نباتات استان لرستان ، محمد سعید مصدق،144،1363ص. ویژگی اثر : مصرف بی رویه آفت کش ها و در نتیجه بهم خوردن اکوسیستم محیط زیست ،ناشی از عدم آگاهی مصرف کنندگان سموم می باشد . دانش بسیاری از مصرف کنندگان سموم از موادی که روزانه با آن سر و کار دارند در حد اطلاعات آنها از قرص های مسکنی است که به سادگی از داروخانه ها و یا بساط دستفروشی هاخریداری می نمایند. در این رابطه وظیفه ی خطیر کارشناسان حفظ

نباتات بالا بردن اطلاعات مصرف کنندگان سموم و نظارت دقیق در استفاده صحیح از این مواد می باشد.کشاورزان و سایر افراد مستقیماً به مسئولین مراجعه و در مورد آفات، نحوه ی مبارزه و کاربرد سموم اطلاعاتی کسب می نمایند.این راهنمایی ها باید از حد مشورت پا فراتر نهاده و ضمن بررسی دقیق ،در صورت نیاز ،اجازه ی مصرف آفت کش ها به مراجعه کنندگان داده شود. یکی از راه های نظارت بر چگونگی استفاده ی به موقع از آفت کش ها ،تربیت تکنسین و استقرار این افراد در سطح روستاها است.چنانچه این افراد به اندازه ی کافی تعلیم دیده باشند ، می توانند با نمونه برداری صحیح از منطقه ی تحت نظارت خود ،آفات مختلف را شناسایی و ضمن مطالعه ی دوره ی زندگی و زمان طغیان آنها در موقع مقتضی دستورات لازم برای مبارزه را به کشاورزان بدهند. از آنجایی که دسترسی به کتب منتشر شده در زمینه ی دفع آفات و کتب موجود در کتابخانه ها برای همگان به آسانی میسر نمی باشد، این مجموعه که از طریق اداره ی حفظ نباتات استان لرستان به چاپ رسیده است ،می تواند راهنمایی برای علاقمندان این رشته بوده و به علاوه آنان را از خطرات ناشی از مصرف بی رویه ی سموم و عواقب آن آگاه سازد. کلیه مطالب نوشته شده در این کتاب به علت محدود بودن هزینه ی چاپ به اختصار آورده شده است.لذا توجه خوانندگان و علاقمندان را به لیست کتابهایی که در فهرست منابع استفاده از آنها نام برده شده است جلب می نماید. 2 فهرست نیمه توصیفی بندپایان تعیین هویت شده (کشاورزی،بهداشتی،...) و سایر آفات کشاورزی استان خوزستان ،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.محمد سعید مصدق و فرحان کچیلی 1381، 475 ص. ویژگی اثر : شناسایی و داشتن اطلاعات کافی از بند پایان خصوصاً آفات و ناقلین بیماریزا در هر منطقه و داشتن مجموعه ای از مشخصات و آشنایی با فوائد و زیان آنها، کمک موثری در بهبود وضع کشاورزی و بهداشت آن منطقه است. این مجموعه اطلاعات بسیار ارزنده ای از حشرات ، سایر بندپایان و تعداد دیگری ازآفات زراعی ،حشرات مفید (گرده افشان ها، انگلها و شکارگر ها) ، ناقلین بیماریهای انسان و دام از استان خوزستان را ارائه می کند.در این کتاب مجموعاً اطلاعات مربوط به 1000گونه از بندپایان متعلق به 734 جنس از 199 خانواده گردآوری و ثبت شده است . علاوه بر بندپایان ، 34گونه متعلق به 2جنس از 13 خانواده از آفات دیگر نظیر نماتد ها ،جوندگان و....نیز در آخر کتاب به این مجموعه اضافه شده است . مطالب تهیه شده می تواند کمک های موثری به حل مسائل آموزشی ، تحقیقاتی ، اقتصادی و بهداشتی نموده و پایه ای برای طرح های پژوهشی آینده در منطقه و بالطبع کشور باشد. 3 کنه های زیان آور زنبورعسل ،چاپ سوم ،انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز،152 ص.

محمد سعید مصدق و عزیزالله کمیلی،1370. ویژگی اثر : کنه هایی را که انگل زنبوران عسل بوده و یا به دلایل دیگردر کندو یافت می شوند به سه دسته تقسیم می کنند: 1-کنه های انگل 2 ((Parasitic mites-کنه های مسافر ((3 Phoretic mites-کنه های کندوزی پوسیده خوار ((House mites تعداد گونه کنه های انگل محدود است ولی بعضی از آنها قادرند که خسارت بسیار زیادی به کلنی های زنبورعسل وارد نمایند. گونه های (کنه تراشه ای Acarapis woodi R. ) ، (کنه واروآ Varroa jacobsoni Oud.) و (کنه کلارا Tropilaelaps clareae D.&B) از جمله کنه های مهم انگل و خطرناک زنبور عسل می باشند. در چند دهه ی اخیر ، یک گونه کنه ی بومی اروپاو یک گونه کنه ی بومی آسیا، توسط انسان به اکثر نقاط دنیا منتقل گردیده و صنعت زنبورداری را مورد تهدید قرار داده است. در این کتاب ضمن معرفی کنه های مهم انگل زیان آور برای زنبورعسل ، شکل شناسی ، زیست شناسی ، راههای تشخیص و مبارزه با آنها در حد امکان شرح داده شده است . بر عهده ی اهل فن و متخصصین است که کمک ها و راهنمایی های لازم را از زنبورداران دریغ ننمایند. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

مصری نیا، سعید

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سعید مصری نیا متولد 1318 ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه استراسبورگ با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون مبارزه بیولوژیک با سن گندم می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : سعید مصری نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه پاریس میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر سعید مصری نیا بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : سعید مصری نیا د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : سعید مصری نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی زراعی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه استراسبورگ درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : سعید مصری نیا عضوهیئت علمی و دانشیار گروه زیست شناسی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه استراسبورگ است.فعالیتهای آموزشی : سعید مصری نیا سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه زیست شناسی در دانشگاه استراسبورگ به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سعید مصری نیا در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : سعید مصری نیا از جمله گیاه پزشکان و گیاه شناسانی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی درباره مبارزه بیولوژیک با سن گندم را دارد. آثار : مبارزه با بیولوژیک با سن گندم منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

معینی، محمدسالار

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدسالار معینی در سال 1348 در مشهد متولد شد.وی یکی از مترجمین کتاب "تغذیه طیور" می باشد. کتاب مذکور ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریتحصیلات رسمی و حرفه ای : محمد سالار معینی بعد از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال 1366 در رشتۀ دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. در سال 1370 تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد، در رشتۀ تغذیه دام ادامه داد و در حال حاضر دانشجوی دورۀ دکترای همان رشته در دانشگاه فردوسی مشهد می باشد.جوائز و نشانها : محمد سالار معینی یکی از مترجمین کتاب "تغذیه طیور" می باشد. کتاب مذکور ، در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : محمد سالارمعینی علاوه بر کتاب تغذیه طیور، کتاب و مقالات ذیل را نیز با همکاری آقایان دکترابوالقاسم گلیان عرضه داشته است: - اثر طول مدت گرسنگی در اندازه گیری انواع انرژی قابل متابولیسم مواد خوراکی با استفاده از دو روش سیبال و فارل. (مقاله) - بررسی امکان استفاده علمی از انرژی قابل متابولیسم حقیقی تصحیح شده برای ازت (TMEM) در جیره نویسی برای طیور. (مقاله) - تعیین انرژی قابل متابولیسم حقیقی مواد خوراکی مورد استفاده در تغذیه طیور در استان خراسان آثار : احتیاجات غذایی طیور ویژگی اثر : ترجمه،با همکاری دکتر ابوالقاسم گیلان2 تغذیه طیور ویژگی اثر : ترجمه،این کتاب در دوره چهاردهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است. آشنایی با کتاب: «تغذیه طیور»: تغذی? طیور، اس. لیزن، جی. دی. سامرز، ترجم? دکتر ابوالقاسم گلیان، مهندس محمد سالار معینی، تهران: واحد آموزش و پرورش معاونت کشاورزی سازمان اقتصادی کوثر، 1374. توسع? کمّی و کیفی رشته های دامپزشکی و دامپروری نیازهای علمی جدیدی را می طلبد و تغذی? طیور به شکل صنعتی و مدرن از علوم نسبتاً جدید است. کتاب حاضر به دلیل دربرداشتن آخرین دستاوردهای علمی در زمینه های مختلف تغذی? طیور حائز اهمیت است. اگرچه مطالب کتاب برای کشور

کانادا طرح و عنوان شده است، موارد اشتراک زیادی برای استفاد? متخصصان ایرانی در آن وجود دارد. این کتاب به لحاظ پرداختن به مسائل اساسی و پایه ای تازگی دارد و ترجم? خوب و جداول و اشکال مختلف- طی هفت فصل- بر ارزش آن افزوده است. کاربرد این ترجمه برای مقاطع مختلف تحصیلی و دربرگیری طیف نسبتاً وسیعی از تغذیه برای انواع طیور را می توان از امتیازات خاص آن دانست

ملکی میلانی، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر حسن ملکی میلانی دارای دکتری رشته حشره شناسی از دانشگاه علوم پاریس در سال 1348 است.وی عضو هئیت علمی دانشگاه تبریز با درجة دانشیاری می باشد.گروه : کشاورزیرشته : حشره شناسیگرایش : حشره شناسی زراعی و جنگلیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر حسن ملکی میلانی دارای کارشناسی ارشد حشره شناسی از دانشکده علوم پاریس در سال 1343 ،گواهی نامه عالی تخصصی حشره شناسی زراعی و جنگلی از انستیتو ناسیونال آگرونومیک (I.N.A) پاریس است.وی دکتری رادر سال 1348 از دانشکده علوم اخذ کرد.وقایع میانسالی : دکتر حسن ملکی میلانی پس از اخذ مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هئیت علمی دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر حسن ملکی میلانی عضو هئیت علمی و دانشیار گروه مبارزه با آفات زراعی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تبریز است.چگونگی عرضه آثار : دکتر ملکی میلانی دارای تحقیقاتی در زمینه جمع آوری و شناسایی سخت بالپوشان مفید ایستگاه تحقیقاتی وابسته به دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز است. ایشان دارای 3 تالیف و بیش از چندین مقاله به زبانهای فارسی و خارجی در زمینه علمی پرورش حشرات با محیط غذایی مصنوعی ،بررسی اکوپاتولوژیک بیماری و بررسی سیتوپلاسمی و بررسی سازگاری یا عدم سازگاری و ویروس پلی ئدرز هسته ای یک شب پره در شب پرده دیگر است. آثار : پدیدة چند شکلی و زیست شناسی ملخهای مهاجر روشهای جمع آوری و نگهداری و بررسی حشرات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

منصوری، علیرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر علیرضا منصوری متولد 1323 ش دارای دکترای رشته گیاه پزشکی عضویت هیئت علمی دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی ) با درجه دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات وآثار پیرامون چرخه ویتامین ها در ریشه تا میوه غلات می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر علیرضا منصوری دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه شیراز کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاهشیراز ودکترای گیاه پزشکی از دانشگاه لندن (انستیتوی هاروی ) میباشدخاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشته گیاه پزشکی و اخذ مدرک دکترای در آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر علیرضا منصوری بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتر علیرضا منصوری د ر کنار تحصیل به مطالعه پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر علیرضا منصوری پس از اخذ مدرک دکتری در رشته گیاه پزشکی به عضویت هیئت علمی گروه کشاورزی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه لندن درآمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر علیرضا منصوری عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه لندن است.فعالیتهای آموزشی : دکتر علیرضا منصوری سالهاست که به عنوان عضو هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشگاه لندن به تدریس دروس تخصصی رشته گیاه پزشکی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر علیرضا منصوری در کنار تدریس به مطالعه تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است. آثار : چرخه ویتامین در ریشه تا میوه غلات منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

منیعی، عباسعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مهندس عباسعلی منیعی در سال 1298 شمسی در شهرستان تبریز متولد شد . ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران، در سال 1332 مدرک کارشناسی ارشد همان رشته را از دانشگاه کشاورزی یوتا در آمریکا اخذ کرد.ایشان از سال 1336 در کنار سایر پستهای مدیریتی تدریس در مراکز آموزش عالی را شروع کرد و در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس تدریس نمود. کتاب "مبانی علمی پرورش درختان میوه" تالیف عباسعلی منیعی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.گروه : کشاورزیرشته : مهندسی کشاورزیتحصیلات رسمی و حرفه ای : عباسعلی منیعی پس از گذراندن دوره متوسطه در سال 1318 موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران گردید و در سال 1332 نیز به اخذ درجه کارشناسی ارشد (M.S) از دانشگاه کشاورزی یوتا در آمریکا نائل آمد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : عباسعلی منیعی از سال 1319 وارد خدمات دولتی شد و در مشاغل مختلفی انجام وظیفه نمود که از آن جمله می‌توان از ریاست سازمان توسعه استان سیستان بلوچستان در سالهای 1351 تا 1356 و معاونت امور زراعت وزارت کشاورزی و در حال حاضر از مشاورت عالی حوزه معاونت باغبانی وزارت کشاورزی نام برد.فعالیتهای آموزشی : عباسعلی منیعی از 1336 امر تدریس در مراکز آموزش عالی را شروع کردند و در دانشگاههای مختلف از جمله دانشگاههای تهران، شیراز و تربیت مدرس دروس مربوطه را تدریس نموده‌اند.جوائز و نشانها : کتاب "مبانی علمی پرورش درختان میوه" تالیف عباسعلی منیعی ، در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.چگونگی عرضه آثار : عباسعلی منیعی مقالات متعددی را به رشته تحریر درآورده و در مجلات کشاورزی به چاپ رسانده است.

---

آثار : زندگی یک گیاه ویژگی اثر : ترجمه و تدوین2 سیب و گلابی و به ویژگی اثر : تالیف3 مبانی علمی پرورش درختان میوه ویژگی اثر :

تالیف،این کتاب در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ،از طرف وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی و برگزیده شده است.آشنایی با کتاب :«مبانی علمی پرورش درختان میوه»: بدیهی است که کشاورزی و تولید مواد غذایی از اساسی‌ترین مسائل کشور است و مدت‌ها بود که انتظار می‌رفت تا محققان و دانش پژوهشان این رشته تحقیقی ارائه دهند تا اینکه مؤلف کتاب از مبانی علمی پرورش درختان میوه» این مهم را تا حدود زیادی انجام دادند، نویسنده با بیش از چهل سال تجربه علمی و عملی مربوط به دروس نوین باغداری، اقدام به تألیف یک رشته کتابهای علمی در زمینه میوه نموده که اولین جلد آن به صورت کتاب در آمده است، ویژگی کتاب پاسخگوئی به سئوالات بنیادی در زمینه پرورش درختانی میوه به طور اعم و درختان مثمر سردسیری و نیمه سردسیری به طور اخص است.

مهرابی نیا، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر اصغر مهرابی نیا متولد 1324.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هئیت علمی دانشگاه کارکایون با درجة دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون ارزش غذایی بیشتر و لبنیات پاستوریزه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اصغر مهرابی نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشتة صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر اصغر مهرابی نیا بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتراصغر مهرابی نیا در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر اصغر مهرابی نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به عضویت هئیت علمی گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اصغر مهرابی نیا عضو هئیت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه کارکاسون است.فعالیتهای آموزشی : دکتر اصغر مهرابی نیا سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه صنایع غذایی در دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر اصغر مهرابی نیا از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی دربارة ارزش غذایی لبنیات به ویژه شیر پاستوریزه انجام داده است.

---

آثار : ارزش غذایی لبنیات ویژه شیر پاستوریزه

مهرابی، اصغر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر اصغر مهرابی نیا متولد 1324.ش دارای دکترای رشته صنایع غذایی عضو هئیت علمی دانشگاه کارکایون با درجة دانشیار می باشد. وی دارای تحقیقات و آثاری پیرامون ارزش غذایی بیشتر و لبنیات پاستوریزه می باشد.گروه : کشاورزیرشته : صنایع غذاییتحصیلات رسمی و حرفه ای : دکتر اصغر مهرابی نیا دارای کارشناسی رشته کشاورزی از دانشگاه تهران کارشناسی ارشد رشته کشاورزی از دانشگاه تهران و دکتری رشته صنایع غذایی از دانشگاه پاریس می باشد.خاطرات و وقایع تحصیل : انجام مطالعه و تحصیل در رشتة صنایع غذایی و اخذ مدرک دکترای آن رشته از مقاطع مهم و تعیین کننده در زندگی علمی دکتر اصغر مهرابی نیا بوده است.فعالیتهای ضمن تحصیل : دکتراصغر مهرابی نیا در کنار تحصیل به مطالعه، پژوهش و تدوین کتبی در حوزه های تخصصی مورد علاقه خود می پرداخت.وقایع میانسالی : دکتر اصغر مهرابی نیا پس از اخذ مدرک دکتری در رشته صنایع غذایی به عضویت هئیت علمی گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه تهران در آمد. وی هم اکنون با سمت دانشیار در آنجا مشغول به انجام خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر اصغر مهرابی نیا عضو هئیت علمی و دانشیار گروه صنایع غذایی در دانشکده کشاورزی دردانشگاه کارکاسون است.فعالیتهای آموزشی : دکتر اصغر مهرابی نیا سالهاست که به عنوان عضو هئیت علمی گروه صنایع غذایی در دانشگاه کارکاسون به تدریس دروس تخصصی رشته صنایع غذایی می پردازد.سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر اصغر مهرابی نیا در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و تالیف آثاری پیرامون حوزه های علمی مورد علاقه خود مشغول است.آرا و گرایشهای خاص : دکتر اصغر مهرابی نیا از جمله دانشمندان صنایع غذایی است که پژوهشها و تلاشهای علمی وسیعی دربارة ارزش غذایی لبنیات به ویژه شیر پاستوریزه انجام داده است.

---

آثار : ارزش غذایی لبنیات ویژه شیر پاستوریزه

میناسیان، واهه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر واهه میناسیان متولد 1318 ه.ش تهران دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنیای آمریکا است. وی عضو هئیت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با درجه استادی می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : آسیب شناسی گیاهیتحصیلات رسمی و حرفه ای : واهه میناسیان دارای دکتری رشته آسیب شناسی گیاهی از دانشگاه ریورساید کالیفرنیای آمریکا است.وقایع میانسالی : واهه میناسیان پس از اخذ مدرکدکتری در رشته آسیب شناسی گیاهی به عضویت هئیت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز درآمد. وی هم اکنون با سمت استادی در آنجا مشغول به خدمت است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : واهه میناسیان عضو هئیت علمی و استاد گروه زیست شناسی در دانشکده علوم پایه در دانشگاه شهید چمران اهواز است. آثار : بیماریهای گیاهان گیاه پزشکی منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

ناظر عدل، کامبیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1318، مرتبه علمی: استاد، رشته: دامپروری، دانشکده: کشاورزی، دانشگاه: تبریز
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
کارشناسی ارشد دامپروری از آلمان در سال 1343، دکترای دامپروری از آلمان در سال 1346.
مرتبه علمی:
استادیار دانشگاه تبریز در سال 1346، دانشیار دانشگاه تبریز در سال 1350، استاد دانشگاه تبریز از سال 1369 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
استفاده از پروتئین Saccharomyees cereviceae به عنوان مکمل پروتئینی در تغذیه جوجه‌های گوشتی.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 8
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی:-
زمینه علمی تألیفات:
اغلب کتب در زمینه دامپروری است از جمله پرورش طیور، بز، شتر، کرم ابریشم و غیره.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 9، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
اغلب در رابطه با مسائل طیور.
آثار دیگر:
1 اثرات استفاده از برخی از الکترولیت ها در آب آشامیدنی بر عملکرد جوجه های گوشتی تحت شرایط تنش گرمایی/
ویژگی اثر : مقاله
2 نژادها، نگهداری و ناهنجاریهای ارثی در بز
ویژگی اثر : تالیف کامبیز ناظر عدل. انتشارات جهاد دانشگاهی ، 1369.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد اول)

نواب گجراتی، حسنعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حسنعلی نواب گجراتی دارای دکترای رشته گیاه پزشکی (سال اخذ مدرک دکتری 1349) و عضویت هیئت علمی دانشگاه شیراز با درجه دانشیار می باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیتحصیلات رسمی و حرفه ای : حسنعلی نواب گجراتی مدرک دکترای رشته گیاه پزشکی را در سال 1349 اخذ کرده است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : حسنعلی نواب گجراتی عضوهیئت علمی و دانشیار گروه گیاه پزشکی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز است.آرا و گرایشهای خاص : زمینه تحقیقاتی حسنعلی نواب گجراتی پیرامون حشره شناسی می باشد.
منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

نوری قنبلانی، قدیر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر قدیر نوری قنبلانی متولد 1327 اردبیل است. ایشان پس از اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی و گذراندن دوره سربازی، در خرداد ماه سال 1352 برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال 1353 موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد و در خرداد 1356 موفق به اخذ مدرک دکترا با درجه عالی از کشور آمریکا شد. وی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی گروه گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی با درجه استادی می‌باشد.گروه : کشاورزیرشته : گیاه پزشکیگرایش : حشره شناسیوالدین و انساب : پدر و مادر قدیر نوری قنبلانی از خانواده حاج نوری است که انساب آنها تا جایی که شجره تاریخی نشان می‌دهد از حدود 8 نسل پیش و از دوران صفویه در اردبیل ساکن بودند. این خانواده به شغل ساربانی و حمل کالا با شتر در بین شهرهای کشور مشغول بودند، ولی به تدریج که اتومبیل جای شتر را در حمل بار گرفته، افراد این خانواده به تدریج شغل ساربانی را رها کرده و با خرید زمین‌های زراعی در اطراف شهر اردبیل به شغل کشاورزی و دامپروری مشغول شده‌اند. به همین دلیل پدر و مادر وی (قدیر) به شغل شریف کشاورزی و دامپروری مشغول بودند. قدیر نوری قنبلانی نیز سه برادر و دو خواهر دارد.خاطرات کودکی : «دوران کودرکی و نوجوانی من مثل اکثر هم سن و سالان دوران سختی بود. در آن زمان هنوز محرومیت شدیدی بر جامعه و مخصوصاً در شهر ما حاکم بود. از آب لوله‌کشی و برق در شهر خبری نبود. تنها یک موتورخانه در شهر اردبیل برای تولید برق وجود داشت که احتمالاً برق مورد نیاز ادارات و خانه‌های اشراف و اعیان شهر را تامین می‌کرد. من شبها در نور چراغ فتیله‌ای درس می‌خواندم. در منزل ما از رادیو و تلویزیون خبری نبود.حتی زمانی که به دبیرستان می‌رفتم فقط در مسیر مدرسه‌ام از روی کنجکاوی هر روز تیتر روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را که تنها روزنامه فروش شهر در پشت ویترین خود می‌گذاشت مطالعه می‌کردم ... خانواده ما با خانواده پدر بزرگم در خانه مشترکی که حیاط نسبتاً بزرگی داشت زندگی می‌کردند. یک اتاق و یک مطبخ در اختیار ما بود که وضع چندان مناسبی نداشت، ولی پدر و مادر بنده با همدیگر رابطه بسیار صمیمی داشتند و در تمامی امور زندگی مادرم یار و همکار پدرم بود پدر و مادرم فقط در حد قرآن خواندن سواد داشتند. از قرار

معلوم بنا به فتوای یکی از علمای شهر برای افراد هم سن و سال پدر و مادر من مدرسه رفتن حرام بود. لذا شاید 99 درصد افراد همسن والدین بنده در اردبیل بیسواد بودند و این موضوعی بود که در تمامی دوران زندگی اینجانب باعث رنجش خاطر من می‌شد.»تحصیلات رسمی و حرفه ای : قدیر نوری قنبلانی دوره دبستان را در مدرسه امیر نظام اردبیل به پایان برد. «در آن زمان امتحانات آخر سال دبستان یکجا و به صورت آزمون نهایی برگزار می‌شد.در آن سال‌ها در کل اردبیل 6 دبستان پسرانه و یک دبستان دخترانه وجود داشت که همه با هم امتحان نهایی را دادیم و من شاگرد اول دبستان شدم.» وی دوره متوسطه رادر دبیرستان شاه عباس اردبیل به اتمام رساند. در سال 1346 بلافاصله پس از اخذ مدرک دیپلم علوم تجربی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز پذیرفته شده و در سال 1350 با کسب رتبه شاگرد اولی از دانشکده فوق فارغ التحصیل شد. ایشان پس از گذراندن دوره سربازی، در خرداد ماه سال 1352 برای ادامه تحصیل با استفاده از بورس تحصیلی به آمریکا اعزام شد. در اسفند سال 1353 موفق به اتمام دوره کارشناسی ارشد و در خرداد 1356 موفق به اخذ مدرک دکترا با درجه عالی از کشور آمریکا شد. خاطرات و وقایع تحصیل : قدیر نوری قنبلانی از دوران تحصیل خود چنین خاطره‌ای بیاد دارد: «وقتی در مهر ماه سال 1340 در دبیرستان شاه عباس ثبت نام کرده و مشغول به تحصیل شدم، فاصله دبیرستان از منزل ما خیلی زیاد بود و حداقل نیم ساعت با پای پیاده طول می‌کشید که به مدرسه بروم. از قرار معلوم چون من در دوره دبیرستان شاگرد اول کل شهر شده بودم لذا من را هم به مراسم جشن مهرگان، که در آن سال برگزار می‌شده و از شاگرد اول‌ها، بزرگان علم و هنر و غیره تجلیل می‌شد، دعوت کرده بودند. ولی من بی‌خبر بودم و در همان روز جشن، بعد از ظهر مدیر دبیرستان به من گفت که باید پس از اتمام درس به آن مراسم بروم. البته آن موقع تلفنی نداشتیم تا بتوانیم به خانواده خبر بدهیم و من هم تا آن زمان در چنین مراسمی شرکت نکرده بودم و فکر می‌کردم نهایتاً بیشتر از نیم ساعت طول نخواهد کشید. خلاصه من به مدرسه رفتم و در آنجا به من یک خودنویس لامی جایزه دادند ولی جشن خیلی طول کشید تا به اتمام برسد. ساعت 8 بعد از ظهر شده بود. بعد از پایان جشن من دوان دوان خود را به منزل رساندم ولی پدر و مادرم و افراد فامیل که به شدت از تاخیر من نگران شده بودند و تمامی کوچه‌ها را به دنبال من گشته بودند حرف‌های مرا باور نکردند و مرا به فلک بستند و آنقدر مرا کتک زدند که فردا نتونستم به مدرسه بروم و این تنها روزی بود که در کل دوران تحصیلم نتوانستم در کلاس درس حاضر شوم.فعالیتهای ضمن تحصیل : قدیر نوری قنبلانی در دوران متوسطه مسئولیت انجمن علمی را بر عهده داشت. «هر

سال در روز معینی مردم به مدرسه می‌آمدند و من چشم یک گوسفند، قسمت‌های مختلف بدن یک مرغ و یا یک ماهی را برایشان تشریح می کردم. به خاطر دارم که آن روز به خصوص در هر سال برایم خیلی مهم بود، چون من روپوش سفید می‌پوشیدم و با احساس بسیار خوبی در مقابل بازدیدکنندگان عمل تشریح را انجام می‌دادم.» ایشان در دوره دکترا نیز از طریق انتخابات به مدت دو سال به عنوان رئیس انجمن علمی حشره شناسی دانشگاه آیداهو انتخاب شد و فعالیت های علمی فراوانی در این مدت انجام داد.استادان و مربیان : دکتر زهسازیان (استاد بیماریهای گیاهی)، آقای دکتر رزاق رزاقی (استاد رشته حشره شناسی دانشگاه تبریز)- پروفسور اوکیفی، مرحوم پروفسور آکر، پروفسور بار، پروفسور پشو (دانشگاه ایالتی واشینگتن) و پروفسور مولباره (دانشگاه ایالتی واشینگتن آمریکا) از اساتید قدیر نوری قنبلانی در ایران و آمریکا بوده‌اند.هم دوره ای ها و همکاران : دکتر نژاد دهقان، آقایان جیمز فیشر، دکتر دین جانسون از هم‌دوره‌ای‌های دوران تحصیل دکتر نوری قنبلانی در ایران و آمریکا بودند. از سایر همکاران و هم‌دوره‌ای‌های وی می توان به دکتر کریم کمالی (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر عزیز خرازی (استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران)، دکتر رحیم عبادی و دکتر علی آهومنش (اساتید محترم دانشگاه صنعتی اصفهان)، دکتر سعید مصدق (استاد دانشگاه شهید چمران اهواز) و دکتر مصطفی ولیزاده، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر حسین سیفلو و دکتر حسین‌پور فیض (اساتید محترم دانشگاه تبریز)، دکتر جواد فرهودی و دکتر رضوی روحانی (اساتید محترم دانشگاه ارومیه) و همچنین دکتر مصطفی معین، دکتر موسی کلانتری و دکتر محمدرضا عارف اشاره کرد.همسر و فرزندان : قدیر نوری قنبلانی در سال 1360 در سن 33 سالگی با سرکار خانم نارملا علیمرادی ازدواج کرد. ماحصل این ازدواج دو فرزند بنامهای علیرضا (متولد 1361 دارای مدرک کارشناسی ارشد زراعت و در موسسه آموزش عالی سبلان مشغول به کار است) و نادیا (متولد 1366 و دانشجوی رشته ادبیات فارسی و متاهل) می‌باشد.وقایع میانسالی : قدیر نوری قنبلانی پس از احراز مدرک دکتری در رشته حشره شناسی به عضویت هیئت علمی گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محققی اردبیل در آمد. وی هم اکنون با سمت استاد در آنجا در حال خدمت است. وی همچنین مشاغلی چون رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال 1380 و مشاور کشاورزی استاندار محترم استان اردبیل را در کارنامه فعالیت اجرایی خود دارد. از وقایع تلخ وی می‌توان به از دست دادن برادر کوچکترش بنام کمال در یک سانحه تصادف در سال 1361 و فوت پدرش در سال 1383 اشاره کرد.مشاغل و سمتهای مورد

تصدی : قدیر نوری قنبلانی عضو هیئت علمی و استاد گروه گیاه پزشکی در دانشکده کشاورزی در دانشگاه محقق اردبیلی است. از مشاغل دیگر ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: - رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ 8/1/1358 تا 20/3/1365 - رئیس مجتمع آموزشی عالی اردبیل از تاریخ 20/3/1365 تا 18/10/1370 - رئیس دانشگاه محقق اردبیلی از 18/10/1370 تا 20/10/1372 - رئیس دانشکده کشاورزی اردبیل از تاریخ 20/5/1377 تا 19/9/1383 - مدیر گروه گیاه پزشکی از 8/8/1384 تا کنون - عضو هیئت امنای دانشگاه محقق اردبیلی از 2/2/1384 تا کنون - عضو شورای دانشگاه محقق اردبیلی از 10/7/1384 تا کنون - عضو شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه محقق اردبیلی از 10/6/1384 تا کنون - عضو کمیته اجرایی دانشگاه محقق اردبیلی از سال 1385 تا کنون - رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل از سال 1381 تا کنون - مشاور کشاورزی استاندار محترم اردبیل - عضو شورای فضای سبز استان اردبیل - عضو شورای حل اختلاف شهرستان اردبیل - عضو انجمن حشره شناسی ایران - عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران- گروه کشاورزی شاخه گیاه پزشکی، از سال 1385 تا کنون - عضو هیئت تحریریه مجله‌های: دانش کشاورزی، خانه انجمن حشره شناسی ایران، پژوهشنامه علوم کشاورزی دانشگاه گیلان، علم و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی فعالیتهای آموزشی : سابقه تدریس در دانشگاههای مختلف کشور: - تدریس در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته گیاه پزشکی دانشگاه محقق اردبیلی از اسفند ماه سال 1367 تا کنون - تدریس در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری حشره شناسی دانشگاه تربیت مدرس از سال 1369 تا 1380 - تدریس در دوره های کارشناسی ارشد حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس (اکولوژی و مقاومت گیاهان به حشرات) - تدریس در دوره های دکترای حشره شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و تبریز از سال 1369 تا کنون (دینامیسم جمعیت حشرات، رفتار شناسی حشرات و ارزیابی خسارت آفات) - عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز از شهریور ماه سال 1356 تا اسفند ماه سال 1367 مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : - یکی از بانیان دانشگاه محقق اردبیلی - موسس سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اردبیل - یکی از بنیان گزاران موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی سبلان اردبیل در سال 1383سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : دکتر قدیر نوری قنبلانی در کنار فعالیت‌های روزمره و تدریس، به مطالعه و تهیه مطالب درسی، مطالعه پایان نامه های دانشجویی و مطالعه کتب تاریخی و ادبی می‌پردازد. «به موسیقی

اصیل علاقه وافری دارم و در فرصت‌های مناسب به آنها گوش فرا می‌دهم. علاقه زیادی به طبیعت و حیات وحش دارم و به دلیل سنخیت رشته تحصیلیم در ایام بهار و تابستان ساعات زیادی از فراغتم را در طبیعت و به همراه دانشجویانم به مطالعه و بررسی حیات وحش می‌پردازم.»شاگردان : دکتر قنبلانی تا کنون استاد راهنمای تعداد قابل توجهی از دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند. وی هم اکنون استاد راهنمای بیش از 17 رساله دکترا در دانشگاههای تربیت مدرس، تهران، علوم تحقیقات و تبریز بوده است.همفکران فرد : دکتر کریم کمالی (دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر ضیاء بنی هاشمی، دکتر کرامت الله ایزدپناه، دکتر مفتون و دکتر سفید بخت (دانشگاه شیراز)، دکتر عزیز جوانشیر، دکتر مقدم و دکتر مصطفی ولیزاده (تبریز) از همفکری نزدیکی در زمینه‌های مختلف علمی با دکتر قدیر نوری قنبلانی برخوردارند.جوائز و نشانها : - لوح تقدیر از ریاست محترم جمهور به عنوان استاد نمونه کشوری در سال 1383 - لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1373 به خاطر انتخاب کتاب «کشت بافت‌های گیاهی» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران - لوح تقدیر از وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1381 به خاطر انتخاب کتاب «اکولوژی حشرات» به عنوان کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران - چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه تبریز با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ... - لوح تقدیر از ریاست محترم دانشگاه تربیت مدرس در سال 1382 به عنوان استاد مدعو نمونه - لوح تقدیر از استاندار محترم اردبیل در سال 1383 به عنوان مشاور علمی استاندار - چندین لوح تقدیر از روسای محترم دانشگاه محقق اردبیلی با عناوین پژوهشگر نمونه، مدیر نمونه، استاد نمونه و ...چگونگی عرضه آثار : از قدیر نوری قنبلانی تا کنون بیش از 32 مقاله در زمینه تخصصی‌اش منتشر شده است. همچنین وی در کنار تدریس به مطالعه، تحقیق و پژوهش در زمینه رشته تخصصی خود پرداخته است که به دو دسته خاتمه یافته و در دست اجرا تقسیم می‌شود: الف- خاتمه یافته: 1- بررسی نوسانات جمعیت سوسک کلرادوی سیب زمینی در اردبیل 2- بررسی تکمیلی روی سوسک کلرادو در منطقه اردبیل 3- بررسی روشهای حفظ و ذخیره رطوبت خاک 4- بررسی و مطالعه پوشش گیاهی استان اردبیل 5- وضع موجود و برنامه ریزی بخش زراعت و باغبانی استان اردبیل 6-جمع‌آوری و شناسایی ملخهای استان اردبیل 7- شناسایی و بررسی تنوع زیستی مهره داران استان اردبیل 8- مطالعه ایمنولوژیک و حفظ تعادل آبهای داخلی استان اردبیل 9- بررسی مقاومت سوسک کلرادوی سیب زمینی به چهار گروه حشره کشها 10- ارزیابی مقاومت گونه‌های وحشی سیب زمینی به سوسک کلرادو ب- در دست اجرا: 1-

2- مطالعه روش پرورش مصنوعی سوسک کلرادوی سیب زمینی شناسایی شته‌های ناقل بیماری‌های ویروسی سیب زمینی از دیگر فعالیت‌های پژوهشی ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد: - تعداد مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی- پژوهشی خارجی و داخلی: 32 مورد - خلاصه مقالات ارائه شده در کنفرانسهای داخلی و خارجی: 38 مورد - استاد راهنمای بیش از 17 پایان نامه دکتری آثار : ارزیابی خسارت آفات ویژگی اثر : 1374- انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی- در مورد چگونگی برآورد خسارات حشرات آفت،علف های هرز و عوامل بیماری های گیاهی در زبان فارسی کتابی چاپ و منتشر نشده است. نظر به اینکه برآورد میزان خسارت آفات برای بررسی توجیه اقتصادی مبارزه با آفتاب در تفکر کنترل تلفیقی آفات ipm اهمیت اساسی دارد و همچنین برای طراحان و برنامه ریزان بخش کشاورزی و بخش اقتصادی کشور مورد نیاز می باشد، لذا مطالب این کتاب که حاوی یک روش برآورد اقتصادی برای هر یک از 140 آفت، بیماری و علف هرز مهم جهان می باشد بسیار مورد استقبال دانشجویان ، پژوهشگران و بخش اجرایی قرار گرفت. ضمناً به عنوان منبع اصلی در تدریس درسی با همین در دوره دکترای حشره شناسی مورد استفاده قرار دارد.2 اکولوژی جمعیت حشرات ویژگی اثر : 1373- انتشارات دانشگاه تهران- این کتاب نخستین کتابی بود که در زمینه اکولوژی جمعیت حشرات به زبان فارسی چاپ می شد. در این کتاب نظریه های مختلف مرتبط با تغییرات جمعیت حشرات به ویژه طغیان ها و افول های جمعیت های و معادلات ریاضی مرتبط با آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از همان ابتدای چاپ این کتاب، به عنوان کتاب درسی در دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی تدریس شده است.3 اکولوژی حشرات ویژگی اثر : 1380- انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی- این کتاب توسط پروفسور Price در آمریکا در سال 1998 چاپ شده است. دکتر قنبلانی این کتاب را در طی مدت شش سال با تلاش شبانه روزی ترجمه کرده است که دارای 1354 صفحه در دو جلد منتشر شده است. این کتاب در سال 1381 به عنوان کتاب سال دانشگاه تهران برگزیده شده است.4 تجربیاتی در کشت بافتهای گیاهی ویژگی اثر : 1372- انتشارات دانشگاه تبریز- دکتر قنبلانی درباره این کتاب چنین می گوید: «در سال 1367 به مدت 9 ماه برای گذراندن فرصت مطالعاتی همراه با خانواده به دانشگاه آی داهو در آمریکا رفتم. قرار بود در پروژه ای در مورد انتقال ژن مقاومت به سوسک کلرادوی سیب زمینی از یک گونه سیب زمینی وحشی به سیب زمینی اهلی من هم با فردی که روی این موضوع کار می کرد همکاری نمایم. به زودی متوجه شدم که لازمه شرکت فعال در این پروژه داشتن اطلاعات علمی با سطح بالا در زمینه

کشت بافت های گیاهی است. لذا در حالی که خودم چندین درس را به عنوان استاد مدعو در آمریکا تدریس می کردم با ثبت نام در چندین کلاس کشت بافت های گیاهی و شرکت فعال در این کلاسها دوره تخصص «کشت بافتهای گیاهی» را گذراندم و پس از مراجعت به ایران اولین کتاب را در این زمینه تحت همان عنوان تدوین کردم.»5 سوسک کلرادوی سیب زمینی ویژگی اثر : 1365- انتشارات دانشگاه تبریز- سوسک کلرادوی سیب زمینی تا سال 1363 به عنوان یک آفت قرنطینه ای در کشور ما محسوب می شد. ولی متاسفانه در آن سال برای نخستین بار در بعضی از مزارع سیب زمینی دشت اردبیل مشاهده گردید. لارو و حشره کامل این آفت از شاخ و برگ سیب زمینی تغذیه کرده و در صورت عدم کنترل آفت و بالا بردن جمعیت آفت، محصول سیب زمینی به کلی منهدم می شود. چون در آن سال ها هیچگونه اطلاعاتی در مورد این آفت به زبان فارسی وجود نداشت، لذا اینجانب با مرور بیش از 200 مقاله علمی در مورد این آفت و با مخلوط کردن تحقیقات دو ساله خودم کتابی در این زمینه تالیف و چاپ نمودم که به شدت مورد توجه، استقبال و استفاده دانشجویان گیاه پزشکی، بخش اجرایی و زارعین قرار گرفت.6 مقاومت گیاهان به حشرات ویژگی اثر : 1374- انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد- نظر به اینکه استفاده از ارقام گیاه برای کنترل حشرات آفت جزو سالمترین، موثرترین و کم هزینه ترین روش های مبارزه با آفت می باشد که از دهه 1930 در دنیا و بویژه در آمریکا رایج شده است و از طرف دیگر این موضوع که تخصص اصلی دکتر قدیر نوری قنبلانی می باشد تا دهه 1370 در ایران کاملاً مورد بی توجهی قرار گرفته بود، لذا وی با تدوین و انتشار کتابی در همین زمینه و تدریس مطالب این کتاب در دوره های تحصیلات تکمیلی دانشگاههای تهران و تربیت مدرس انگیزه لازم را در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حشره شناسی و سایر پژوهشگران برای انجام تحقیق در این زمینه ایجاد نموده و ده ها پروژه کارشناسی ارشد و دکترا را در این گرایش هدایت می کردند. منابع زندگینامه :http://iranologyfo.com/

وجدانی، پرویز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر پرویز وجدانی در سال 1324 در تهران بدنیا آمد.وی در سال 1342 با اخذ رتبه اولی در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز ،اولین دوره تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز نمود و به خاطراحراز رتبه اولی در طی چهار سال تحصیل،از بورس کمک هزینه تحصیلی استفاده می کرد.وی در سال 1346 موفق به اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی در رشته اگرونوفی کشاورزی از این دانشکده شد.ایشان کارشناسی ارشد رشته اصلاحات و نباتات را از دانشگاه تهران کسب کرد.دکتر وجدانی در سال 1355 برای گذراندن دوره دکتری در رشته ژنتیک به دانشگاه کالیفرنیای آمریکا عزیمت کرد و بمدت چهار سال در این دانشگاه به تحصیل پرداخت و در خرداد ماه سال 1359 در رشته ژنتیک کمی موفق به اخذ دکتری شد.نامبرده تا زمان بازنشستگی (خرداد ماه سال 1379) در سازمان تحقیقاتی کشاورزی به عنوان استاد پژوهشی به فعالیت های تحقیقاتی و پژوهشی و آموزشی می پرداختند.دکتر پرویز وجدانی عضو فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و همچنین عضو (مدعو) فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران بوده و هستند.گروه : کشاورزیرشته : ژنتیک گیاهیگرایش : ژنتیک کمی و آماروالدین و انساب : پدر پرویز وجدانی مرحوم مهندس مشیت الله وجدانی متولد 1294 در بیرجند است. وی داری مدرک مهندسی کشاورزی بود که در خدمت وزارت کشاورزی بوده است و در طول خدمت خود مسئولیت هایی را بر عهده داشته است که می توان به معاونت سازمان ترویج کشاورزی . غیره اشاره کرد.او در سال 1373 پس از چند سال مبارزه با بیماری مهلک سرطان دار فانی را وداع گفت.مادرش هم بانو فاطمه ایرماندوخت متولد 1300 در شهر مقدس مشهد است. ایشان هم در سال 1385 پس از چند سال کسالت بر اثر عارضه سکته قلبی چشم از جهان فروبست.دکتر وجدانی نیز دارای یک خواهر بنام مهندس پروین وجدانی(مهندس کشاورزی و هم اکنون در امریکا بسر می برد) و چهار برادر بنامهای مهندس خسرو وجدانی،هوشنگ وجدانی ، مهندس فرهنگ وجدانی و فرزاد وجدانی می باشد.خاطرات کودکی : پرویز وجدانی از دوران کودکی خود خاطراتی بیاد دارد که به مواردی از آنها اشاره می شود: "دوران کودکی من متاسفانه با شرایط خوبی آغاز نشد،زیرا از یکی دو ماهگی دچار بیماری عفونی شدید شدم که بیش از 9 ماه بطول انجامید

و مرا تا مرز مرگ پیش برد ولی خوشبختانه به کمک امکانات درمانی محدود آن زمان و فداکاری های والدینم بخصوص مادرم جان سالم به در بردم.البته من بدلیل سن کم چیزی بیاد ندارم ،بلکه همیشه مادرم از آن برای من سخن می گفتند." از دیگر خاطرات وی "شرایط رفاهی ما در دوران کودکی بسار معمولی بود.هم باز ی های من اکثرا برادرانم و تعداد معدودی از بچه های بستگان و همسایگان بودند.سرگرمی های ما هم عمدتا همان بازی های داخل کوچه و خانه بود که ان برای مردم عادی و معمولی بود.من همیشه چند اسباب بازی مدرن مثل آدم آهنی و هفت تیر ترقه ای که پدرم از خارج برایم آورده بود و غیره خاطرات بسیار خوبی دارم."اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : پدر دکتر پرویز وجدانی کارمند دولت بود او حقوق و درآمد محدودی داشته است و از ارث و میراث پدری نیز نداشت."با توجه به اینکه خانواده پر جمعیتی بودیم و رفت و آمدهای یادی هم داشتیم زندگی ما وضع بسیار معمولی داشت ولی خوشبختانه هیچ وقت محتاج نبودیم و همیشه به انچه داشتیم قانع بودیم و از زندگی رضایت داشتیم" مهمترین هم و غم پدر مادر دکتر وجدانی تربیت صحیح فرزندان و تحصیل آنها بود که آنعا در این زمینه خوشبختانه به آرزوهای خود رسیده بودند. پرویز از مادر خود در مدیریت این شرایط از زندگی می گوید: "مادرم به فنون خیاطی ،بافندگی و گلدوزی تسلط داشت و در دوران کودکی و نوجوانی ما ،اکثر البسه های مورد نیاز توسط وی تهیه می شد که در کنار سایر مسئولیت های خانه ،کاری بس شوار و طاقت فرسا بوده است."تحصیلات رسمی و حرفه ای : تحصیلات رسمی و حرفه آموزشی پرویز وجدانی به ترتیب زیر در دوره های مختلف مراحل خود را طی کرده است. - تحصیلات دوره ابتدایی خود را از سن 6 سالگی در دبستان دولتی خواجوی تهران آغاز کرد و در طی سالهای 1330 تا 1336 آنرا با موفقیت به پایان رسانید. که در هر سال از تحصیل ،رتبه اولی را احراز می کرد. - او در مهر ماه سال 1336 وارد دوره اول متوسطه شده و این دوره سه ساله را نیز با رتبه اولی به پایان رسانید. و در مهر ماه سال 1339 دوره دوم متوسطه را آغاز کرد .پرویز وجدانی رشته تحصیل خود را در دوره متوسطه ،رشته " طبیعی " را برگزید او باز این دوره سه ساله را در دبیرستان دولتی دکتر هوشیار با رتبه اول سپری کرد.و دست اخر در سال 1342 دیپلم متوسطه خود را دریافت نمود. - در سال 1342 با اخذ رتبه اولی در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز ،اولین دوره تحصیلات دانشگاهی خود را آغاز نمود و به خاطر احراز رتبه اولی در طی چهار سال تحصیل،از بورس کمک هزینه تحصیلی استفاده می کرد.وی در سال 1346 موفق به اخذ مدرک کارشناسی کشاورزی در رشته اگرونوفی کشاورزی از این دانشکده شد. - پرویز وجدانی پس از استخدام موقت در

موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه بذر و گذراندن دوره خدمت سربازی نظام وظیفه در سال 1348 در دوره کارشناسی ارشد رشته اصلاحات و نباتات در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران پذیرفته و تحصیلات تخصصی خود را اغاز نمود و در سال 1351 موفق به اخذ مدرک فوق از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد." با توجه به اینکه تنها دانشجویی بودم که گرایش آمار و تحقیق را در گروه زراعت و اصلاح نباتات در این دانشکده می گذراندم و اکثریت دروس تخصصی این گرایش دروس آماری بود بنا به پیشنهاد استاد گرانقدرم مرحوم دکتر عباسقلی خواجه نوری ،بیشتر دروس خود را در موسسه عالی آمار که ریاست آن را بعهده داشت می گذراندم" - در طی سالهای 1349 تا سال 1355 شش دوره کامپتوتری را در شرکتهای معتبر کامپیوتری تهران گذراند و گواهینامه های رسمی آز آنها دریافت نمود. - در سالهای 1351 تا سال 1355 چندین دوره زبان انگلیسی را نیز در کلاسهای رسمی زبان در تهران گذرانید و موفق به اخذ امتیاز لازم جهت شرکت در امتحان تافل برای دوره دکتری در دانشگاه کالیفرنیای آمریکا شد - در سال 1355 برای گذراندن دوره دکتری در رشته ژنتیک به دانشگاه کالیفرنیای آمریکا عازم شد و بمدت چهار سال در این دانشگاه به تحصیل پرداخت و در خرداد ماه سال 1359 در رشته ژنتیک کمی و گرایش فرعی موفق به اخذ دکتری شد.خاطرات و وقایع تحصیل : " در واقع تمام خاطرات و وقایع دوران تحصیل هر فرد برای او جالب و ارزشمند است ولی یادآوری و نگارش همه و یا حداقل بخش مهمی از آنها کاری بس دشوار و حتی غیر ممکن است به همین دلیل در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می شود: - حادثه شکستگی دستم در شب امتحان: سال چهارم دبیرستان بودم که در یکی از روزهای امتحانات آخر سال که فقط دو امتحان ادبیات و جبر باقی مانده بود .برای جلوگیری از افتادن برادر کوچکم که به داخل حوض منزل ناچارا از روی حوض پریدم و در اثر برخورد پایم با لبه حوض ،مچ دست راستم شکست و مجبور به گچ گرفتن آن شدم. با وصف کردن وضع جمسی خود برای دبیران ذیربط دبیر ادبیات قبول کرد که از من امتحان شفاهی بگیرد ولی متاسفانه دبیر جبر با اینکه میدانست من شاگرد اول دبیرستان و کلاس بودم ولی به دلیل اینکه در یکی از امتحانات بین سال یکی از هم کلاسی ها بدون اطلاع من از روی دست من تقلب کرده بود و باعث ناراحتی ایشان شده بود قبول نکرده که از من امتحان شفاهی گرفته شود و به همین دلیل من قادر به نوشتن ورقه خود نشدم و ایشان مرا در این درس تجدید کرد البته این اولین و اخرین تجدیدی من در تمام دوران تحصیلم بود و جالب اینکه علی رغم همین نمره تجدیدی در این درس من رتبه اول را در خرداد ماه بدست آوردم و صد البته که این سخت گیری و غرض ورزی دبیر محترم هرگز از یادم نمی رود.

- وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در دوران تحصیلات دکتری من : این واقعه عظیم در بهمن ماه سال 1357 مصادف با دوره تحصیلات دوره دکتری من در امریکا بود.قطعا همه از بحرانهای آن روزها در داخل کشور و انعکاس آن در خارج از کشور مطلع هستید.مسلما با مبارزاتی که در داخل و خارج ازکشور بر ضد آمریکا صورت می گرفت و به ویژه موضوع اشغال سفارت امریکادر تهران و گروگان گیری تعدادی از اتباع امریکایی چنان تاثیری بر مقامات دولتی و حتی مردم آمریکا گذاشته بود که واقعا عرصه را بر ایرانیان مقیم امریکا تنگ کرده بودند و به همین دلیل شرایط تحصیل و حتی زندگی عادی برای ما دانشجویان نیز تا مدتها بسیار سخت بود و خاطرات این دوران همیشه برای من باقی مانده است."فعالیتهای ضمن تحصیل : عمده فعالیت های جنبی ضمن تحصیل پرویز وجدانی در دوران متوسطه به دو دسته ورزشی و هنری تقسیم می شود."فعالیت های ورزشی من در چهار سال اول دبیرستان در رشته فوتبال و در دو سال اخر در رشته بسکتبال بوده است و پیشرفت های خوبی در حد عضویت در تیم های دبیرستانی داشته ام. فعالیت های هنری من در زمینه های نقاشی و موسیقی در دوران تحصیلات دبیرستان بسیار توسعه یافت به طوری که اوقات زیادی را صرف تمرین نقاشی عمدتا به صورت خودجوش می کردم.البته گاهی هم از دبیر هنردبیرستان خود کمک هایی میگرفتم. با توجه به علاقه ای که به ساز گیتار پیدا کرده بود ابتدا مدتی به صورت خود آموزشی و سپس در دو دوره جداگانه به آموختن این ساز در رشته پاپ و کلاسیک پرداختم و پیشرفت های قابل ملاحظه ای هم داشتم." دکتر وجدانی در دوران تحصیل در دانشکده کشاورزی در اهواز ،مسئولیت انجمن هنری را برعهده داشته است وی همچنین در گروه موسیقی دانشکده نیز عضویت داشته است. در دوران تحصیل در دانشگاه تهران ،بدلیل اشتغال در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر و نیز وضعیت تاهلی ،فرصت کمتری برای ادامه فعالیت های هنری و ورزشی داشتند.معهذا در هر فرصتی که پیدا می کرد به تمرینات خود در زمینه نقاشی و موسیقی می پرداخت. ایشان از فعالیت های ضمن تحصیل در دوره دکتری چنین می گوید: "در دوران تحصیلات دکتری در امریکا ، با توجه به وضعیت تاهلی و حجم بسیار زیاد درسها و مسائل پژوهشی ذیربط فرصت های کمتری برای فعالیت های جنبی پیش می آمد.معهذا در فرصت های ممکن مسافرتهای کوتاه به همراه خانواده و دوستان ،بازدید از مناطق دیدنی ،شنا و گاهی تمرین موسیقی به عنوان یک سرگرمی یا تفریح از جمله مشغله های فرعی من بود"استادان و مربیان : اساتید ایرانی : دکتر رستمی،دکتر نجفی ،دکتر میرعمادی،دکتر سلمان زاده ،دکتر عظیمی ،مهندس قطب،دکتر خواجه نوری ،دکتر یزدی صمدی،دکتر درویش ،دکتر

صحت نیاکی ،دکتر ابراهیمی ،دکتر حجت ،دکتر زالی ، دکتر داود زاده ،دکتر سخاوت و دکتر پروین اساتید خارجی : دکتر هنکلیرسون ،دکتر آلن ،دکتر بورنس ،دکتر پیلر،دکتر شیلالا،دکتر کینتون ،دکتر والش،دکتر جی .گی .ونیس ،دکتر کی.فوسترهم دوره ای ها و همکاران : هم دوره ایهای دانشگاه دکتر پرویز وجدانی : دکتر ساسخواه ،مهندس قرائت ،دکتر چجی،مهندس مویدی ،مهندس توکلی ،مهندس ضیائی ، مهندس رفیعی ،مرحوم مهندس قطبی ،مهندس پاک سرشت ،مهندس ابن جلدل،مهندس سلیمان نژادیان و غیره ... همکاران بخش تحقیقات غلات در سطح کارشناسی : دکتر کاوه ،دکتر وهابیان ،مهندس محلدجی،مهندس تجدد ،مهندس تولکی ،مهندس علوی ،مهندس صدری ،مهندس ابراهیمیان ،دکتر رجب زاده ،دکتر پیمان و غیره ... همکاران بخش تحقیقات ژنتیک و ذخایر(؟) گیاهی در سطوح کارشناسی : دکتر مظفری ،دکتر طائب ،دکتر بزرگی پور فدکتر ارشد ،دکتر سپهوند،مهندس شاهمرادی ،مهندس شفاء الدین ،مهندس خاقانی ،مهندس نیکپور ،مهندس فروتن ،مهندس علی آبادی زاده ،مهندس فروتن پور ،مهندس بحرائی ،مهندس صفائی و غیره ...همسر و فرزندان : اولین ازدواج ،دکتر پرویز وجدانی در سال 1348 با یکی از بستگان خانواده مادریش صورت گرفته است که ماحصل این ازدواج یک فرزند دختر بنام ندا(متولد در سال 1351 )است.او در زمینه های هنری از قبیل شعر ،نقاشی ،موسیقی وهنرهای گرافیکی و معرق فعالیت می کند.وی متاهل و دارای دوفرزند پسر است. ازدواج دوم ایشان در سال 1361 یعنی پس از اتمام دوره دکتری و بازگشتش به ایران با خانمی از اهالی سیرجان صورت گرفت.ماحصل این ازدواج فرزند پسری است بنام هومن (متولد 1362) .او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی کامپیوتر (سخت افزار) در دانشگاه ازاد اسلامی تهران به پایان رسانیده است.هومن در حال حاضر مجرد است.وقایع میانسالی : دکتر پرویز وجدانی از وقایع به وقوع پیوسته خود در زندگی خود چنین یاد می کند: "ازدواج اول من و در پی آن جدایی و از هم پاشیدن شیرازه زندگیم که با اقدام یک جانبه و بدون اطلاع همسر سابقم در امریکا پیش آمد که از مهمترین وقایع غیرمنتظره زندگی من محسوب می شود." وی هم چنین از نجات جان پسرش از یک بیماری خطرناک که در سال 1380 اتفاق افتاده بود خدارا شاکر است.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : مشاغل و سمتهای داری و مدیریتی دکتر پرویز وجدانی به قرار زیر است: مسئولیت آزمایشگاه مرکزی در بخش تحقیقات باغبانی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر در سال 1346 مسئولیت تحقیقات به زراعی غلات کرج در موسسه فوق الذکر از سال 1348 تا سال 1351 مسئولیت هماهنگی تحقیقات به زراعی غلات کشور ،با حفظ سمت ردیف 2 در موسسه فوق

از سال 1351 تا سال 1360 مسئولیت واحد آمار و کامپیوتر موسسه فوق الذکر با حفظ سمت های ردیف 2و3از سال 1350 تا سال 1369 مسئولیت بخش تحقیقاتی ژنتیکی و سرپرستی بانک ژن گیاهی ملی در موسسه فوق الذکر از سال 1361 تا سال 1373 ماموریت خدمت درستادمرکزی سازمان تحقیقات کشاورزی از سال 1373 تا سال 1374 ماموریت خدمت در حوزه معاونت آموزشی و تجهیز نیروی انسانی سازمان فوق الذکر از سال 1375 تا سال 1379 مسئولیت شورای انتشارات موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر از سال 1367 تا سال 1373 مسئولیت برگزاری و هماهنگی سخنرانی علمی موسسه فوق الذکراز سال 1365 تا سال 1373 عضویت کمیته امور فنی و تحقیقاتی موسسه فوق الذکر از سال 1361تا سال 1373 عضویت هیئت تحریریه مجله علمی تحقیقی "نهال و بذر " و سردبیری این مجله از سال 1367 تا سال 1373 همکاری با تعدادی از مجلات علمی کشور در زمینه ویراستاری علمی مقالات مسئولیت هماهنگی فعالیت ها و تحقیقات ذخایر (؟) گیاهی ایران در مناطق غرب آسیا و شمال آفریقا WANA از سال 1368 تا سال 1373 عضویت در فرهنگستان علوم ایران ،شاخه زراعت و اصلاح نباتات گروه کشاورزی از سال 1370 تا سال 1386 عضویت (مدعو) در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران از سال 1379 تا سال 1386 عضویت در شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال 1368 تا سال 1378 عضویت در انجمن متخصصین زراعت و اصلاح نباتات ایران عضویت در هیئت تحریریه مجله زیتون وابسته به وزارت کشاورزی بمدت دو سال عضویت در کمیته ذخایر (؟) مناطق غرب آسیا و شمال غرب آفریقا WANA از سال 1363 تا سال 1373 عضویت در انجمن سابق ژنتیک ایران از سال 1351 تا سال 1355 عضویت افتخاری در انجمن جدید ژنتیک ایران از سال 1385 دکتر وجدانی از خرداد ماه سال 1379 به افتخار بازنشستگی نائل آمده است. فعالیتهای آموزشی : فعالیت های آموزشی : تدریس بسیاری از دروس تخصصی آمار ،طرح ازمایشات ،ژنتیک و روش های تحقیق در دوره های باز آموزی وزارت کشاورزی برای کارشناسان و محققین موسسات مختلف طی سال های 1361 تا 1379 تدریس دروس مختلف مشتمل بر ژنتیک کمی ،ژنتیک جمعیت ،ژنتیک ملکولی ،ژنتیک بیومتری،ژنتیک تکمیلی ،آمار پیشرفته ،بیومتری های 1و2،آمار مقدماتی،طرح های آزمایش های کشاورزی مقدماتی و پیشرفته و روشهای تحقیق در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های مختلف داخل کشوراز سال 1362 تا سال 1378 مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : مراکزی دکتر وجدانی از بانیان آن می باشد: - بانک ژن گیاهی ملی ایران ،در موسسه تحقیقات

اصلاح و تهیه نهال و بذر - بخش تحقیقات ژنتیک،در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر - واحد آمار و کامپیوتر ،در موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر سایر فعالیتها و برنامه های روزمره : سایر فعالیت های : پرویز وجدانی از سایر فعالیت های خود در اوقات فراغت و غیره چنین می گوید: ساعات فراغت من با مطالعه ،ورزش سبک ،رسیدگی به گل و گیاه،موسیقی ،نقاشی و تماشای برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی می گذرد.البته با توجه به علاقه فراوانی که به دید و بازدید دوستان و بستگان دارم در هر فرصت ممکن به این امر اقدام می کنم. شاگردان : دکتر پرویز وجدانی دانش آموختگانی در دانشگاههای مختلف کشور بخصوص دانشگاه تربیت مدرس،دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و واحد کرج ،دانشگاه تهران ،دانشگاه گیلان ،دانشگاه صنعتی اصفهان،دانشگاه ازاد جیرفت،و غیره داشته است.جوائز و نشانها : نشانهای و جوایز دریافتی دکتر پرویز وجدانی به قرار زیر است: الف) در زمینه های علمی : تقدیر آموزش و پرورش منطقه ذیربط بخاطر احراز رتبه اول در امتحانات نهایی دبیرستانی در رشته طبیعی در منطقه در سال 1342 اخذ بورس تحصیلی و کمک هزینه تحصیلی بخاطر احراز رتبه اول در کنکور دانشکده کشاورزی دانشگاه اهواز از سال 1342 تا سال 1346 اخذ لوح تقدیر و تندیس از انجمن ژنتیک ایران در سال 1385 عضویت افتخاری در انجمن ژنتیک ایران در سال 1385 اخذ تقدیرنامه و جایزه بخاطر انتخاب مجموعه 15 جلدی "فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی " تهیه شده توسط گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران به عنوان کتاب برگزیده سال از طرف دانشگاه تهران در سال 1382 چندین مورد تقدیر و تشکر در جلسات علمی داخلی موسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر طی دوران خدمت دولتی ب) در زمینه هنری : احراز رتبه دوم در رشته گیتار و اخذ مدال نقره و گواهینامه مربوط در مسابقات هنری دانشگاه های کشور در سال 1346چگونگی عرضه آثار : فعالیت های پژوهشی : اجرای 69 طرح یا پروژه تحقیقاتی با سمت مجری مسئول اجرای 37 طرح پا پروژه تحقیقاتی با سمت همکار مجری اجرای 6 طرح و پروژه تحقیقاتی با سمت هماهنگ کننده مشارکت در اجرای 42 طرح و پروژه تحقیقاتی دانشگاهی (در قالب پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری ) با سمت استاد راهنما یا استاد مشاور مشارکت در اجرای یک پروژه تحقیقاتی با سمت ناظر ارائه 25 مورد گزارش های سالانه طرح های تحقیقاتی غلات ارائه یا مشارکت در ارائه 56 مورد گزارش های نهایی طرح های تحقیقاتی غلات و سایر محصولات ارائه 62 مورد مقالات علمی و کلیدی (13 مورد در نشریات و مجامع بین المللی و 49 مورد در نشریات و مجلات علمی داخلی) ارائه 13 مورد در نشریات داخلی بخش های

تحقیقاتی در موسسه اصلاح و تهیه نهال و بذر ارائه 2 مورد گزارش های کشوری در مجامع بین المللی مشارکت در ارائه 42 مورد پایان نامه در سمت استاد راهنما یا استاد و مشاور مشارکت در تحقیق و انتشار گزارش نهایی پروژه تحقیقاتی "ارزشیابی وضعیت کتابهای علمی رشته کشاورزی ایران از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران. مشارکت در تحقیق و انتشار گزارش نهائی پروژه تحقیقاتی " ارزشیابی وضعیت علمی رشته های کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه های کشور " از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران مشارکت درتحقیق و انتشارگزارش نهایی پروژه تحقیقاتی "آینده و امنیت غذایی کشور "از طریق گروه کشاورزی فرهنگستان عوم ایران مشارکت در بررسی های تخصصی و تصویب معادل های فارسی واژه های تخصصی رشته زراعت و اصلاح نباتات از طریق فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران ارائه 22 سخنرانی در مجامع علمی خارج از کشور ارائه 206 سخنرانی علمی مستقل و یا مشترک در مجامع علمی داخل کشور همکاری در راهنمایی و مشاوره بیش از 42پایان نامه دوره های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه های مختلف کشور از سال 1362 تا سال 1379

---

آثار : احتمالات آمار و مقدماتی کاربردی ویژگی اثر : این کتاب که به صورت مشترک توسط دکتر پرویز وجدانی و دکتر عباس گرامی تالیف گردیده است. این کتاب از طریق انتشارات حوزه معاونت آموزش و تجهیز نیروی انسانی سازمان تحقیقات کشاورزی منتش شده است.در این کتاب به اصول و مبانی آمار مقدماتی و احتمالات در سطح دوره کارشناسی پرداخته شده است.2 دانشنامه بیو تکنولوژی و ژنتیک ویژگی اثر : این دانشنامه توسط مرکز دانشنامه بزرگ فارسی وابسته به وزارت علوم در دست تهیه است. در این دانشنامه واژه های تخصصی در زمینه های ژنتیک و بیوتکنولوژی در مقالات علمی یا تعاریف تخصصی توسط اساتید ذیربط ارائه گردیده است.دکتر وجدانی در تهیه و ارائه مقالات این دانشنامه نقش قابل توجهی دارد.3 فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی -رشته زراعت و اصلاح نباتات ویژگی اثر : این کتاب یکی از پانزده جلد مجموعه ای تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات کشاورزی و منابع طبیعی " است که توسط اعضاء گروه کشاورزی فرهنگستان علوم ایران تالیف گردیده است.این کتاب در سال 1382 به عنوان کتاب برگزیده سال از طرف دانشگاه تهران انتخاب و معرفی شده است.

وجگان، مهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
دکتر مهدی وجگان سال 1345 در شهرری متولد شد دوران ابتدایی تا دبیرستان را در همان شهر سپری کرد. پس از ورود به دانشگاه تهران در سال 1369 موفق به دریافت دکترای دامپزشکی گردیدو سپس بعد از قبولی در دوره تخصصی در سال 1374 مدرک تخصصی رشته مامایی و بیماریهای تولید مثل دام را کسب نمود و از سال 1375 تا کنون به عنوان استادیار در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران مشغول به تدریس و آموزش و تحقیق است.گروه : کشاورزیرشته : دامپروریگرایش : مامایی و بیماریهای تولید مثلوالدین و انساب : پدر دکتر وجگانی، غلامحسین وجگانی و مادر محترم وی نصرت بهرام دریابیگی به ترتیب متولد شهر کاشان و اصفهان میباشد که فاقد تحصیلات هستند، برادر وی دکتر محمد وجگانی متولد 1339 شهر ری دارای مدرک دکترای تخصصی ایمونولوژی و استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران است و خواهرشان فاطمه وجگانی متولد 1343 دیپلم هستند.اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : با توجه به اینکه پدر دکتر وجگای از کارگران کارخانه ریسندگی اطلس بافت بودند و درااای یک مغازه خرازی هم در حله مسکونیشان بودند به حمدا... مشکل مالی نسبت به اطرافیات به گفته خود ایشان نداشتند ولی به لحاظ تامین نسبی مالی و شرایط بسیار خوب درون خانواده بوجود آمده بود شرایط گرم و دوست داشتنی بر خانواده حاکم بود که این فضا امکان تحصیل و ... را فراهم میکرد.تحصیلات رسمی و حرفه ای : گرفتن دیپلم علوم تجربی سال 1363،اخذ مدرک دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران سال 1369 و همچنین مدرک تخصصی دامپزشکی مامایی و بیمایهای تولید مثل دام از دانشگاه تهران سال 1374خاطرات و وقایع تحصیل : دکتر مهدی وجگانی در این باره میگوید :«شاید تلخ ترین خاطرات این دوران بتوانم به از دست دادن دو نفر از همکلاسیهای بسیار خوبم به نامهای شهید میرزایی و شهید رجبعلی افسری اشاره کنم که لحاظاتی که در کنار ایشان بودم و درسهایی که از این عزیزان گرفتم تا پایان عمر فراموش نخواهم کرد.»فعالیتهای ضمن تحصیل : همکاری با جهاد دانشگاهی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران از فعالیت های ضمن تحصیل مهدی وجگانی بوده است.استادان و مربیان : دکتر سید محمد فقیهی و دکتر پور بازرگانی و دکتر حسن تاجبخش از نمونه استادانی بودند که وجگانی از محضر این اساتید در

دانشگاه دامپزشکی بهره برده است.هم دوره ای ها و همکاران : از همدوره ایها دوران دکترای دامپزشکی که به عنوان همکار نیز مشغول به خدمت هستند میتوان به : دکتر سید جاوید آل داوود، دکتر افشین رئوفی، دکتر فرید مست زاری، و از همکاران هیئت علمی ایشان در سایر دانشگاهها دکتر حسن قوسیان ، دکتر شیخانی دکتر صداقت رامیتوان نام برد.همسر و فرزندان : دکتر وجگانی در سال 1369 ازدواج کرده و دارای یک فرزند پسر و دو فرزند دختر میباشد.مشاغل و سمتهای مورد تصدی : دکتر وجگانی در مقاطعی ریاست بیمارستان آموزشی و پژوهش دانشکده واقع در کرج و معاونت اداری و مالی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران و مدیر گروه علوم درمانگاهی را برعهده داشته است.فعالیتهای آموزشی : از فعالیتهای آموزشی دکتر وجگانی به تدریس دوره دکترای عمومی و تخصصی در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران میتوان اشاره کرد.مراکزی که فرد از بانیان آن به شمار می آید : دکتر وجگانی موسس آزمایشگاه IVf (لقاح خارجی رحم) در دانشکده دامپزشکی بوده است.جوائز و نشانها : لوح تقدیر به همراه جوایز در خصوص شرکت در طرح شبیه سازی گوسفند Cloning از افتخارات دکتر وجگانی است. آثار : مبارزه بر علیه ورم پستان ویژگی اثر : ترجمه2 نا باروریهای تغذیه ای و متابولیک در گاو ویژگی اثر : ترجمه3 نابروری و مامایی در مادیان ویژگی اثر : ترجمه4 ورم پستان در گاو ویژگی اثر : ترجمه

رجال و تراجم

ابطحی اصفهانی، محمدباقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابطحی شهرت سلسله‌ای از سادات رفیع‌الدرجات است و تیره‌های مختلفی هستند که در اصفهان و کاشان و تهران و قم و خراسان و سایر نقاط ایران و عراق سکونت دارند بعضی از آنها حسینی و بعضی موسوی و برخی رضوی و یا علوی و غیره می‌باشند ولی به این شهرت و صفت هویت خود را معروف ساخته‌اند مثلا اخ‌الزوجه نگارنده جناب حجه‌الاسلام حاج سید حسن ابطحی خانی نسبا موسوی هستند ولی به ابطحی شهرت یافته‌اند.
یکی از این تیره‌ها ابطحی‌های اصفهان و خمینی‌شهرند که در آن سامان و قم و تهران و ری زندگی می‌کنند و تمامی با همبستگی و خویشاوندی دارند و در پشت سوم و چهارم الی دهم یکی می‌شوند و از آنهاست جناب حجه‌الاسلام و محقق فهام و مفسر علام آقای حاج سید محمدباقر ابطحی فرزند آیت‌الله حاج سید مرتضی ابطحی که در تاریخ 1349 قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و متون فقه و اصول در تاریخ 1366 قمری به قم مهاجرت نموده و از محضر زعیم اعظم آیت‌الله بروجردی و آیات دیگر حوزه علمیه چون آیت‌الله آقای خمینی و گلپایگانی و حاج سید احمد خونساری و آقای اراکی و محقق یزدی استفاده کامل نموده و هم علوم عقلیه فلسفه و الهیات شفا را از استاد بزرگوار علامه طباطبائی فراگرفته و ضمنا تدریس فقه و اصول را برای عده‌ای از محصلین می‌نمایند.
آثار علمی معظم‌له عبارت است از: 1- الدور اللامعه فی الاحادیث الجامعه 2- المدخل للتفسیر الموضوعی للقرآن الکریم پنج مجلد که جلد اول آن مطبوع و بقیه آماده برای طبع است.
3- ترتیب اساتید الوسائل و مصادرها و تحقیق رجالها علی اسلوب منهجی دراسی
آیت‌اللّه آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی اولین فرزند حجةالاسلام والمسلمین حاج سید مرتضی موحد ابطحی و سبط مرحوم آیت‌اللّه متقی حاج سید محمد تقی فقیه احمدآبادی در سال 1346 قمری در شب دوم ماه مبارک رمضان در بیت علم و تقوا متولد شده و مقدمات و متون فقه و اصول را در حوزه علمیه (مدرسه صدر اصفهان) نزد والد ماجدش و اساتید مشهور اصفهان از جمله آیت‌اللّه حاج آقا رحیم ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ

محمود مفید فراگرفته و در ربیع‌الاول سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و در مدرسه حجتیه اقامت و از دراسات و ابحاث مرحوم آیت‌اللّه حجت و نیز محضر و درس زعیم اعظم آیت‌اللّه العظمی بروجردی قدس سره حاضر و با اینکه در آن موقع سنش از بیست تجاوز نکرده بود کاملا با ایراد و نقد و صحبت کردن در درس معظم له جلب نظر ایشان را نموده و پاسخ می‌گرفت و کتاب قضاء و شهادات را در محضر آیت‌اللّه العظمی حاج سید احمد خونساری استفاده نموده و در سال 1370 ق- ه به قصد استفاده از حوزه علمیه نجف مسافرت به آن سامان و از محضر آیات عظام و اساتید بزرگ آمیرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم و آیت‌اللّه شاهرودی و خوئی مستفیض و بهره‌مند شده لیکن به علت گرمای طاقت‌فرسای نجف مجبور به مراجعت به قم گردیده و پیوسته تحقیق راه و روش تعالیم فقه و اصول و رجال و حدیث و تفسیر را از محضر آیت‌اللّه العظمی بروجردی و نائب‌الامام آیت‌اللّه العظمی خمینی و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و آقای شریعتمداری و آقای حاج شیخ محمد علی اراکی و مرحوم آقای محقق یزدی و فلسفه و اسفار و شفاء را از فیلسوف بزرگ علامه طباطبائی و قانون بوعلی را از والد ماجدش و علامه حاج میرزا محمد طبیب‌زاده فراگرفته و ضمناً به تدریس سطوح عالیه فقه و اصول پرداخته و اکنون دارای حوزه درسی تحقیقی و استدلالی فقه و اصول که جمعی از فضلا و محصلین با استداد از محضر و بیاشان استفاده می‌کنند. می‌باشند.

دارای تالیفات و آثار علمی چندی می‌باشند که از دیدگاه دانش‌پژوهان می‌گذرانم. 1- کتاب زکوة و خمس و صوم و اعتکاف از کتاب جامع‌الاحادیث آیت‌اللّه العظمی بروجردی که با شرکت و معاونت چند تن از فضلاء چون حجةالاسلام حاج آقا جواد خندق‌آبادی و حاج آقا جلال گلپایگانی و آقای حاج سید محمدعلی موحد ابطحی (برادر گرامی خود) تالیف نموده و به آن مرحوم تحویل که بعد از رحلتش با تجدید نظر و مقابله با حضرت آیت‌اللّه العظمی خوئی به‌طبع رسید.

2- الدرر العلامه فی الاحادیث الجامعه للاحکام الفقهیه... که آن مقدمه‌ای است برای کتاب جامع‌الاحادیث که اخبار طولانی در آن تقطیع شده است.

3- المدخل الی (التفسیر الموضوعی) للقرآن الحکیم پنج جلد که جلد اول در دو جزء به چاپ رسیده است.

4- جامع الاثار فی تفسیر القرآن که به اسلوب جدید تمام اخبار مصادر و جوامع احادیث اهلبیت علیهم‌السلام بررسی (به کمک فضلاء لجنه تحقیق).

5- معجم اسناد روایات که از تمام احادیث موجوده در مصادر اولیه و جوامع بزرگ حدیث چون بحارالانوار و عوالم و وسایل اتخاذ و به اسلوب جدولی منظم و با کمک فضلاء لجنه تحقیق در شرف اتمام است.

6- توحیدالروایات که در تمام اخبار مصادر و جوامع حدیث در هر موضوع با استقصاء وحدت روایت از نظر سند و متن (با کمک فضلاء لجنه انجام گرفته).
7- فقه جامع‌الاحادیث که از نظر تفسیر و دلالت بر حدیث و جمع دلالات احادیث و بررسی معارضات و کیفیت علاج و جمع آن (با کمک فضلاء لجنه تحقیق).
اما باقیات الصالحات و آثار تاریخی معظم له.
1- مدرسه الامام‌المهدی در قم 2- مدرسه علمی در شهرستان اقلید 3- مساجد بسیاری در منطقه وسیع اقلید و سرحد چهار دانگه ییلاق تمام عشایر فارس 4- مراکز تبلیغ در شهرستان اقلید و سرحد چهار دانگه 5- درمانگاه ولی عصر (ع) در حومه اقلید 6- بیمارستان ولی عصر (ع) در شهرستان اقلید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابطحی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
برادر معظم له حجه‌الاسلام ذخر العلماء الاعلام آقای آقاسید محمدعلی ابطحی در سال 1350 قمری در اصفهان متولد و پس از طی مقدمات و سطوح عالیه در سال 1368 به قم مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص آیت‌الله العظمی بروجردی استفاده نموده، و در سال 1378 قمری مهاجرت به نجف نموده و در آنجا از محضر درس مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم و آیت‌الله العظمی خوئی و مرحوم آیت‌الله میرزا عبدالهادی شیرازی استفاده نموده، و ضمنا اشتغال به تدریس فقه و اصول دارند از تالیفات ایشانست تهذیب المقال فی تنفیح الرجال للشیخ النجاشی که جلد اول و دوم آن به طبع رسیده است.
حاج سید محمد علی فرزند دوم حجةالاسلام و المسلمین آقای حاج سید مرتضی حفید آیت‌اللّه حاج سید محمدتقی فقیه احمدآبادی صاحب (مکیال المکارم) معظم له که از فقهاء و جامع معقول و منقول و از اساتید حوزه علمیه نجف اشرف و اصفهان می‌باشد.
در شهر اصفهان سال در 1349 ق روز 26 صفرالمظفر متولد گردید و پس از تحصیلات فارسی به علوم عربی اشتغال پیدا کرد و اکثر کتب نحو و صرف و منطق را نزد پدر بزرگوارش تلمذ نمود و منظومه منطق حاج سبزواری را نزد استاد بزرگوار آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا کلباسی و شرح نفیسی و شرح اسباب را نزد پدر خود و مقداری از قانون را نزد اساتید معروف آیت‌اللّه حاج میرزا علی آقا شیرازی قدس سره و سطح اصول و فقه تا کفایه و مکاسب شیخ را نزد اساتید عالی‌قدر حوزه اصفهان از جمله آیت‌اللّه ارباب و آیت‌اللّه حاج شیخ محمود مفید استفاده کرد.
در سال 1364 به حوزه مقدسه (قم) مشرف و اکثر تحصیلات فلسفه را فیلسوف بزرگ علامه بزرگوار آیت‌اللّه حاج سید محمدحسین طباطبائی صاحب (المیزان) دام ظله بود.
و به درس اسفار و شفاء ابن سینا و سایر دروس و ابحاث معظم له حاضر شده و در فقه و اصول به درس آیات عظام حوزه مرحوم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و آیت‌اللّه العظمی آقای حجت و سایر آیات و اساتید حوزه حاضر و از میرزین فضلاء و مؤلفین و مدرسین حوزه به شمار می‌رفت و در درس آیت‌اللّه بروجردی ره اشکالات او مورد توجه بود و آن مرحوم اظهار علاقه به وی می‌نمود و از مؤلفین کتاب نفیس (جامع‌الحادیث) می‌باشد.

و در ربیع‌الاول سال 1374 به نجف اشرف تشرف پیدا کرده و به درس آیات عظام آیت‌اللّه حکیم، و آیت‌اللّه سید عبدالهادی و آیت‌اللّه خوئی حاضر و پس از وفات استاد بزرگوارش آیت‌اللّه بروجردی به تدریس اصول و فقه خارج و تالیف منحصراً پرداخته و جماعتی از فضلاء به درس وی حاضر می‌شدند.
و پس از حادثه اسف‌بار بیرون کردن حوزه علمیه نجف اشرف و ایرانیان به مدتی در دهم جمادی‌الثانی 1394 به علت کسالت قلبی به ایران آمدند و تاکنون در اصفهان استاد خارج فقه و اصول و تفسیر و رجال در اصفهان و مورد استفاده حوزه علمیه اصفهان و مردم این شهر می‌باشند.
مترجم گرامی ما از دانشمندان پرکار و جدی چه در تحصیل و چه در تدریس و چه در تالیف می‌باشند و از روز ورود به تحصیل تا حال حاضر همواره اشتغال به مطالعه و تالیف کتب قیمه و مفیده داشته و هرگز بیکار نبوده و لذا تالیفات بسیاری در قم و نجف نموده‌اند که فهرست آن را غیر از تقریرات بحث اساتید از نظر اهل ادب می‌گذرانیم. و اکثراً تاکنون طبع نشده و از مطبوعات آن است. 1- تهذیب المقال اول، و دوم که در نجف اشرف و اخیراً در بیروت- تجدید طبع شده.
2- شرح رساله ابی‌غالب زراری ره.
3- تاریخ آل زراره.
و از غیر مطبوع - مؤلفات معظم له:
1- الطبقات‌الکبری، در احوال و تراجم اصحاب پیغمبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) 36 مجلد.
2- شرح رجال نجاشی 6 مجلد.
3- شرح رجال کشی 2 مجلد.
4- شرح فهرست شیخ طوسی 2 مجلد بزرگ.
5- اخبارالرواة در شناسائی رواة شیعه از طریق روایاتی که در مدح و ذم آنان رسیده و یا از طریق روایاتی که او روایت نموده.
6- شرح کفایةالاصول 3 مجلد دوره اصول تحقیقی استدلالی.
7- شرح (عروةالوثقی فقه استدلالی، کتاب طهارت، و صلوات و صوم، و خمس، و حج و اجاره و مضاربه و نکاح و وصیت آن تالیف شده.
8- الجهاد فی الاسلام فقه استدلالی.
9- الخمس فی الاسلام.
10- شرح وسایل‌الشیعه شرح تحقیقی کامل از نظر سند، و دلالة و سایر جهات فقهیه آنها و قسمتی از کتب آن تالیف شده مثل کتاب طهارت، صلواة، صوم، حج، جهاد، نکاح.
11- کتاب الامام امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) 2 مجلد.
12- علوم‌القرآن 2 مجلد.

13- المعراج- بحث استدلالی مبسوط در معراج.
14- التوحید بحث استدلالی مبسوط در الهیات.
15- النبوه.
16- النهضة.
17- الحکومة الاسلامیه بحث استدلالی مبسوط در انحاء حکومات و حکومت اسلامی. 18- المالکیة فی الاسلام.
19- رسالة فی الرضاع.
20- رسالة فی صلواة الجمعه.
21- رسالة فی النیابه.
22- رسالة فی صلة الرحم.
23- رسالة فی الشفاعه.
24- رسالة فی الذباحه.
25- شرح‌الوسیله.
26- نخبة الاثر فی رجال المعتبر.
27- مصادر تراجم رواة الشیعه.
28- موالید النبی الاکرم و الائمه (ع) و وفیاتهم.
29- تاریخ اصبهان.
30- الزهراء علیهاسلام.
31- علی (ع) فی القرآن.
32- النبی و عایشه.
33- علی و عایشه.
34- ازواج النبی و عایشه.
35- تاریخ عایشه.
36- ابوهریره.
37- مراسیل ابن ابی‌عمیر و اصحاب الاجماع.
38- الموعودالمنتظر (ع).
39- اخبارالزمان و وفیات الاعیان.
40- شرح کتاب طهارت و صلوة وافی فیض، شرح استدلالی و غیر از این رسائل دیگری که تالیف آن کامل نشده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

ابن ابی‌حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمان

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 327 -240 ق)، متکلم، مفسر، فقیه، رجال‌شناس، حافظ و محدث. در ری متولد شد و در همانجا نشو و نما یافت. وی در محله‌ی درب حنظله‌ی ری ساکن، و خانه و مسجدش در آن محل واقع بود. به همراه پدر به حج رفت و سفرهای بسیاری نیز به شهرهای مختلف اسلامی، همچون شام و مصر و اصفهان داشت. قرآن را نزد فضل بن شاذان آموخت و پس از آن به فراگیری حدیث روی آورد، زیرا پدرش اجازه نداده بود که قبل از قرائت قرآن به حدیث بپردازد. در فراگیری حدیث از محضر استادان بسیاری از جمله پدرش، ابوحاتم رازی، و ابوسعید اشج و یونس بن عبدالاعلی و علی بن مُنذر طریقی و احمد بن سِنان و مسلم بن حجاج و حجّاج بن شاعر و ابراهیم مُزنی و بحر بن نصر و محمد بن عبدالملک بن زَنجویه و ابوزرعه رازی و ابن وارة بهره جست و از آنها حدیث شنید. ابن عدی، حسین بن علی حسینک تمیمی، علی بن عبدالعزیز بن مَردک، حَمد اصفهانی، ابواحمد حاکم، احمد بن محمد بصیر رازی، ابراهیم بن محمد بن یَزداد، احمد بن محمد بن یزداد، ابراهیم بن محمد نصرآبادی، ابوسعید عبدالوهاب رازی و دیگران از وی حدیث نقل کرده‌اند و او را ثقه دانسته‌اند. چون ابن ابی‌حاتم، امیرالمؤمنین علی (ع) را مقدم بر عثمان می‌داند، سلیمانی وی را شیعه به حساب آورده است. پدرش ابوحاتم، عبادت و ورع وی را ستوده ست. از آثار وی: «الجرح والتعدیل». «تقدمة المعرفة للجرح والتعدیل»؛ «التفسیر»؛ «الردعلی الجهمیه»؛ «العلل» یا «علل الحدیث»؛ «المسند»؛ «الفوائد الکبیر»؛ «ثواب الاعمال»؛ «المراسیل»؛ «فوائد الرازیین» یا «فوائد اهل الری»؛ «الکنی»؛ «الزهد».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 99)، ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه (32)، تهذیب التهذیب (9/ 29)، الجرح والتعدیل (مقدمه/ د- ط)، ریحانه (2/ 286)، سیر النبلاء (13/ 263- 269)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 4/ 147)، کشف الظنون (1840، 1458، 1440، 583- 582، 436)، لسان المیزان (4/ 299- 300)، لغت‌نامه (ذیل/ رازی)، معجم المؤلفین (5/ 170- 171)، هدیة العارفین (1/ 513).

ابن بابویه ابوجعفر، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوجعفر محمد بن علی ابن حسین فرزند مهتر ابوالحسن علی بن حسین قمی و ملقب به صدوق (ف. 381. ه.ق.). او از اساتید بسیار از جمله پدر خود و محمد بن حسن ابن‌الولید ادب و فقه را فراگرفت.
وی با سلاطین و اعاظم شیعه زمان خود آمیزش داشت. کتاب من لا یحضره الفقیه خود را که از کتب معتبر شیعه و یکی از کتب اربعه است به نام الولید نوشته است. مدتی نیز در بغداد تدریس می‌کرده در اواخر عمر در ری متوطن شد و وزیر رکن‌الدوله، صاحب بن عباد او را گرامی می‌داشت. ابن بابویه کتاب عیون الاخبار الرضا را به نام صاحب بن عباد نوشت. از کتب دیگر اوست: اکمال‌الدین، امالی، معانی، الاخبار، کتاب التوحید، ثواب الاعمال، علل الشرائع، کتاب الخصال، و کتاب الاعتقاد که همه به طبع رسیده.
محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی. کنیه وی ابوجعفر و لقبش (صدوق) است و او چنانکه شیخ گوید: به جلالت قدر معروف و به قوه حافظه موصوف در مضمار فقاهت یکه‌سوار و در میدان احادیث و اخبار و بصیرت به احوال رجال علمدار، او را کتابهای بسیار و مصنفات بیشماری است و آنها را در فهرست ذکر کرده‌ایم.
نجاشی و علامه فرموده‌اند: او پیشوای ما شیعه و فقیه ماست. و در خراسان رئیس طایفه بوده.
در سنه‌ی 355 وارد بغداد شد و با حداثت سن شیوخ طائفه بسماع حدیث مستفیض و بهره‌مند شدند و علامه نیز پس از این سخن او را به جلالت قدر و حفظ و بصیرت به احوال رجال و ناقدیت اخبار ستایش کرده و گفته است در قمیین مانند او در قوه حافظه و حفظ حدیث و کثرت علم دیده نشده قریب سیصد کتاب تصنیف کرده و آنها را در کتاب کبیر خود ذکر کرده‌ایم و به موافقت نجاشی گفته وفات وی در ری سنه‌ی 381 بوده.
وحید بهبهانی قدس سره الشریف در تعلیقه از محقق بحرانی نقل کرده که در حاشیه کتاب بلغه که در علم رجال است چنین گفته: مشایخ ما یکی از دیگری از شیخ‌بهائی رحمةاللّه‌علیه روایت کرده‌اند که: کسی از وی از حال این شیخ بزرگوار سؤال کرد. پس از تعدیل و توثیق و ثنا و ستایش او فرمود که در قدیم‌الایام کسی از من سؤال کرد که زکریا بن آدم و شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه کدام یک افضل و در مرتبه جلالت اکملند

گفتم زکریا بن آدم، چه اخبار بسیار و احادیث بی‌شمار از ائمه اطهار علیهم صلوات‌اللّٰه الملک الغفار در مدح او وارد شده. پس از این جواب در خواب خدمت شیخ صدوق (ره) رسیدم آن جناب به من عتاب کرده فرمود، از کجا دانستی که زکریا بن آدم از من افضل است و روی از من برگردانید.
این بزرگوار در السنه اهل علم ملقب به رئیس المحدثین و صدوق مطلق است و گفتیم که او با برادرش (حسین بن بابویه) بدعاء حضرت صاحب‌الامر عجل‌اللّٰه‌فرجه متولد شده‌اند و مدح ایشان قبل از ولادتش به زبان آن لسان اللّٰه جاری شده.
بالجمله جلالت او پیدا و آشکار و عدالت او کالشمس فی رایعة النهار است کتب و مصنفات وی بتفصیل در کتاب رجال شیخ و نجاشی (ره) مذکور است و حضرتش را در مجلس رکن‌الدوله دیلمی با علمای مخالفین در اثبات خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین و حقانیت مذهب شیعه مناظره‌ایست که قاضی نوراللّٰه شوشتری نوراللّٰه مرقده الشریف در (مجالس المؤمنین) آن را نقل کرده از خوف اطناب از درجش اجتناب شد.
قبر شریفش در شهر ری نزدیکی قبر منور حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام در وسط باغ مستوفی با بقعه و قبه عالی زیارتگاه عامه مردم است، این نویسنده ترجمه او را مفصلا با تراجم دانشمندان و رجال علمی که در اطراف مزار او مدفون‌اند در کتاب «تذکرة المقابر» فی «احوال المفاخر» خود نگاشته‌ام من جمله کرامات آن بزرگوار که جماعتی از اعلام در کتب خود ثبت نموده‌اند در زمان فتحعلیشاه خواستند قبر شریفش را تعمیر نمایند ناگزیر به نبش شدند دیدند جسد مطهرش بحال خود باقیست و نپوسیده است و بر نوک ناخن و محاسن او رنگ حنا باقی است.
مرحوم حاج شیخ عبداللّٰه مامقانی در رجال خود (تنقیح المقال) می‌گوید و از چیزهائی که گواهی به جلالت او می‌دهد اضافه بر آنچه گذشت که برای من نقل کرده‌اند بسند صحیح متجاوز از چهل سال قبل، از عدل ثقه امین سید ابراهیم لواسانی تهرانی (جد سادات لواسانی) قدس سره که در اواخر صده سوم بعد از هزار (1300) سیل قبر او را خراب کرد و جسد شریفش نمودار شد، سید لواسانی از اشخاصی بوده که داخل قبر شده و دیده که جسد شریفش صحیح و سالم است و تغییر نکرده گویا روح او الآن از جسدش مفارقت نموده و رنگ حنا بر محاسن و زردی حنا در پای او موجود است.
نگارنده گوید- این حکایت را شنیدم از سید استادم علامه بزرگوار فقیه و محدث اهل البیت علیهم‌السلام آیةاللّٰه نجفی مرعشی مدظله که فرمودند مرحوم پدرم علامه ورع حاج سید محمود مرعشی در سفر مشهدش در تهران با عده‌ای از علماء مرکز به زیارت بدن شریف مرحوم صدوق موفق شده و دست او را بوسیده که نرم بود و ناخن یک دستش را گرفته و دست

دیگرش را نگرفته بود (گویا دست راست را روز پنجشنبه گرفته و دست چپ را برای روز جمعه گذارده که در شب جمعه وفات نموده).
و این مطلب از متواتراتست و افرادی که به این فیض رسیده‌اند نامبردگان زیراند:
1- سید ابراهیم لواسانی 2- میرزا ابوالحسن جلوه حکیم و فیلسوف آن عصر 3- سید محمود مرعشی 4- حاج آقا محمد آل آقا سبط وحید بهبهانی 5- آخوند ملا محمد اندرمانی و بعضی دیگر.
از تصنیفات و تألیفات آن بزرگوار قدس سره که مطبوع و در کتابخانه نگارنده موجود است نامبرده‌های زیر است: 1- کتاب من لا یحضره الفقیه 2- کتاب علل‌الشرایع 3- کتاب معانی‌الاخبار 4- کتاب الامالی 5- کتاب التوحید 6- کتاب خصال 7- کتاب المقنع 8- کتاب ثواب الاعمال 9- کتاب عقاب الاعمال 10- کتاب عیون اخبارالرضا 11- کتاب الاعتقادات 12- کتاب حقوق الاخوان 13- کتاب صفات الشیعه 14- کتاب اکمال‌الدین و اتمام النعمه که به امر حضرت صاحب‌الامر روحی له الفداء نوشته است و از کتابهای بسیار ارزنده او کتاب مدینةالعلم است که متأسفانه از قرن ششم به بعد مفقود شده و اثری از او نیست و به گفته بعضی از بزرگان اگر مفقود نشده بود ما را از کتب اربعه مستغنی می‌کرد.
این بزرگوار دانشمندی نابغه و متحرک بوده و فکری مواج داشته است. او در روزگار سلطنت رکن‌الدوله دیلمی و وزارت صاحب بن عباد که هر دو شیعی مذهب و شخصیتی ممتاز داشته‌اند به منظور معرفی شیعه، دست به یک سلسله مسافرتهای طولانی زد و همه جا با استقبال شایان اهل فضل و رجال حدیث روبرو شد، این مسافرتها از ری که مقر وی بود شروع و به ری نیز پایان یافت، به طوری که از تألیفات او استفاده می‌شود صدوق در سال 352 هجری در نیشابور بود که آن روز مرکز علمی بزرگ اهل تسنن بود توقف داشت و همانسال به بغداد و از بغداد به کوفه رفته و تا سال 354 در کوفه بوده سپس در 355 به بغداد مراجعت کرده و در 367 به خراسان سفر کرد و تا سال 368 در نیشابور ماند و همان سال عازم ماوراءالنهر و بخارا شد و در سال 372 کتاب با عظمت «من لا یحضره الفقیه» را در قصبه «ایلاف» از توابع شهر تاریخی «بلخ» تألیف کرد.
رجال و دانشمندانی که افتخار مجاورت این بزرگوار را یافته‌اند بسیار و از معاریف و مشاهیر آنان نامبردگان زیر می‌باشند.
1- مرحوم علامه عالیقدر و حکیم ربانی حاج شیخ علی مدرس نوری (ره)
2- مرحوم سید المتالهین فیلسوف و حکیم امامیه علامه بزرگ میرزا ابوالحسن جلوه.
3- مرحوم شیخ الحکماء والفقهاء میرزا طاهر تنکابنی.
4- مرحوم عالم جلیل‌القدر میرزا مسیح طالقانی استاد و مدرس مدرسهِ

مروی که ماده تاریخ فوتش این آیه: (لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً للّه) است
5- مرحوم حجةالاسلام و شیخ الاعلام حاج شیخ محمد آملی والد ماجد آیةاللّه آملی معاصر ما.
6- عالم بزرگوار حاج شیخ احمد خندق‌آبادی پدر بزرگوار شیخ المحدثین حاج شیخ جعفر خندق‌آبادی معاصر.
7- دانشمند جلیل‌القدر حاج شیخ محمد خندق‌آبادی فرزند آن مرحوم.
و بسیاری دیگر که ذکر آنها موجب اطناب و طالبین مراجعه به کتاب تذکرةالمقابر نویسنده کنند.
(وف 381 ق)، محدث، مفسر، فقیه، اصولی، حافظ قرآن و رجال‌شناس شیعی. مشهور به شیخ صدوق. وی یکی از برجسته‌ترین فقها و محدثان شیعه است. اهل قم بود و در خانواده‌ای فقیه و دانشور به دنیا آمد. پدرش، ابوالحسن علی بن حسین، شیخ قمی‌ها در زمان خویش، نیز محدث و فقیه والایی بود. در قم از پدرش و محمد بن حسین بن ولید و محمد بن علی ماجیلویه و احمد بن علی بن ابراهیم قمی و دیگران، فقه و حدیث آموخت. استادان شناخته شده‌ی او را در قم و دیگر شهرها متجاوز از دویست نفر می‌دانند. سپس راهی سفری دراز گردید و در ری، نیشابور، مشهد، بلخ، بخارا، مدینه، کوفه، بغداد و همدان، نزد عالمان بزرگ آن عصر به تحصیل علم پرداخت و از سرآمدان شیعه‌ی آن روزگار شد. شیخ مفید و حسین بن عبیداللّه غضائری و حسین بن علی بن بابویه از شاگردان معروف او بودند. دانش، حافظه قوی و استواری او در معارف شیعی، آثارش را به لحاظ اهمیت در صدر قرار می‌دهد. در آخرین سالهای زندگی به درخواست شیعیان ری در آن شهر ساکن شد و در همان جا درگذشت. تألیف حدود سیصد اثر را به وی نسبت می‌دهند و نجاشی از یکصد و هشتاد کتاب او نام می‌برد. مهم‌ترین اثار وی عبارت‌اند از: «من لا یحضره الفقیه»، یکی از کتب چهارگانه‌ی شیعه؛ «الاعتقادات»؛ «مدینة العلم»؛ «عیون اخبار الرضا (ع)»، که به درخواست صاحب بن عباد نوشت؛ «الخصال» «اثبات الخلافة»؛ «فضائل الشیعة»؛.«علل الشرایع»؛ «دعائم الاسلام»؛ «ثواب الاعمال»؛ «کتاب الامالی»، معروف به «مجالس»؛ «معانی الاخبار»؛ «اثبات الوصیة»؛ کتاب «التوحید»؛ «صفات الشیعة»؛ «نصوص الائمة».[1]
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (159 / 7)، اعیان الشیعه (25 -24 / 10)، ایضاح المکنون (584، 505، 491، 490، 456، 350، 342، 316، 315، 297، 261، 196، 103، 2 / 477، 473، 348، 123، 1)، تاریخ ادبی ایران (548 -547 / 1)، تاریخ بغداد (89 / 3)، خاتمة مستدرک الوسائل (265 -257، 240 / 3)، دانشنامه (432 -431 / 3)، دایرة المعارف

فارسی (17 -16 / 1)، الذریعه (179 / 24، 232 / 22، 204 / 21، 260 / 16، 375، 313، 45 / 15، 162 / 7، 482 / 4، 315، 226 / 2)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (316 -311 / 2)، روضات الجنات (135 -123 / 6)، رجال ابن‌داود (قسم 325 -324 / 1)، ریاض العلماء (122 -119 / 5)، ری باستان (422 / 2، 426 -424 / 1)، ریحانه (439 -434 / 3)، سیر النبلاء (304 -303 / 16)، الفهرست لابن الندیم (363)، الفهرست للطوسی (305 -304)، فوائد الرضویه (564 -560)، کشف الظنون (1174)، الکنی والالقاب (223 -221 / 1)، لغت‌نامه (ذیل/ ابن‌بابویه)، مؤلفین کتب چاپی (617 -612 / 5)، مجالس المؤمنین (463 -454 / 1)، معجم المؤلفین (3 / 11)، معجم رجال الحدیث (326 -316 / 16)، هدیة الاحباب (50 -49)، هدیة العارفین (53 -52 / 2).

ابن ماکولا، سعدالملک، ابونصر علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(486 /475 -422 /421 ق)، رجال‌شناس، حافظ، محدث و شاعر. از فرزندزادگان ابودلف عجلی است. اصل وی از گلپایگان بود. در عکبرا، نزدیک بغداد، متولد شد. نزد ابن‌بشران، خرائطی حنبلی، ابوالطیب طبری و قشیری درس خواند و در 447 ق پس از مرگ عمویش، قاضی‌القضات بغداد شد. وی با ابراهیم بن اسحاق حبّال دوستی داشت و با احمد عتیقی و خطیب بغدادی معاشر بود. ابن مأکولا با محافل نیمه حنبلی و نیمه شافعی اطراف ابن‌مسلمه وزیر و قائم، خلیفه عباسی که تلاش در براندازی آل‌بویه، که خاندان ماکولا قدرت و ثروت از آنها داشتند، پیوستگی داشت. ابونصر به شام، مصر، عراق، ماوراءالنهر، جزیره و خراسان سفر کرد و از دانشمندان آن مرز و بوم حدیث شنید و کسانی مثل حسن بن احمد سمرقندی و شجاع بن فارس ذهلی از وی روایت کرده‌اند. او سرانجام به دست غلام ترک خود به قتل رسید. در مکان و سال مرگ وی اختلاف است. از جمله آثارش: «الاکمال فی المؤتلف والمختلف» در اسماء الرجال و بررسی اسامی متشابه رجال حدیث است؛ «تهذیب مستمر الاوهام علی ذوی التمنی والاحلام»؛ «مفاخر القلم والسیف والدینار»؛ «الوزراء».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 183)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (826 -825 /6)، دائرةالمعارف البستانی (674 -673 /1)، سیر النبلاء (578 -569 /18)، کشف الظنون (1758، 1637)، الکنی والالقاب (399 /1)، المستفاد فی ذیل تاریخ بغداد (203 -201)، معجم الادباء (111 -102 /15)، معجم المؤلفین (257 /7)، وفیات الاعیان (306 -305 /3)، هدیة الاحباب (85)، هدیة العارفین (693 /1)، ریحانه (185 /8).

ابن‌بُطه قمی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهارم ق)، ادیب، محدث، نحوی، لغوی و رجال‌شناس امامی. در روزگار غیبت صغری در قم و بغداد می‌زیست. وی معاصر شیخ کلینی بود. محدثان و رجال‌نویسان شیعی وی را محدث دارای مسامحه می‌دانند و می‌گویند که در روایتهایش احادیث سستی یافت می‌شود. وی از احمد بن محمد بن خالد برقی و حسین به حسن قمی و محمد بن حسن صفّار و محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب حدیث شنید. علی بن حاتم از وی روایت کرده است. از آثار وی: «تفسیر اسماء اللّه تعالی و ما یدعی به»، «کتاب قرب الاسناد»، «فهرست ابن‌بطه». نجاشی در کتاب خود آثار دیگری از وی را آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (2/ 261)، الذریعه (70 /17، 375- 374/16)، رجال النجاشی (283 -282 /2)، ریحانه (417 /7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 254 -253 /4)، الفهرست للطوسی (39)، معجم المؤلفین (9/ 148).

ابن‌عَدیّ جرجانی، ابواحمد عبداللَّه

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(365 -277 ق)، حافظ، محدث، رجال‌شناس و فقیه شافعی. مشهور به ابن‌عدی و ابن قَطّان. در گرگان به دنیا آمد. در طلب حدیث از اسکندریه تا سمرقند سفر کرد، و از محمد بن خزیم، عبدالصمد بن عبداللّه بن ابی‌زید، عبدان اهوازی، ابومحمد بن صاعد و دیگران که متجاوز از هزار نفرند حدیث شنید. برخی نیز چون ابوالعباس بن عقده، استاد خود وی، و حمزه بن یوسف سهمی و ابوسعد مالینی و دیگران از او حدیث شنیده، و وی را محدثی فقیه و حافظ دانسته‌اند. در گرگان وفات یافت. از آثار او: «الکامل فی الجرح والتعدیل» یا «الکامل فی معرفة الضعفاء و المتروکین من الرواة»، در معرفی ضعیفان اهل حدیث؛ «الانتصار» یا «الابصار»، در نقل حدیث جماعتی از متقدمان؛ «علل الحدیث»، در هشت جزء؛ «معجم»، در اسامی استادانش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 239)، ایضاح المکنون (2/ 274)، تاریخ اسلام (حوادث 341 -339/ 380 -351)، دانشنامه‌ی ایران و اسلام (5/ 703)، ریحانه (1/ 401 -402)، سیر النبلاء (16/ 154 -156)، کشف الظنون (1382)، معجم البلدان (2/ 141 -142)، معجم المؤلفین (6/ 82)، هدیة العارفین (1/ 447).

ابن‌منجّم، ابوالحسن علی

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(352 -277 /276 ق)، ادیب، شاعر، منجم، متکلم و نسب‌شناس. وی در بغداد متولد شد. با صاحب بن عباد نیز مدتی معاشر بود.، ندیمی گروهی از خلفاء را کرد گویا به وزارت نیز رسید. از آثارش؛ کتاب «القوافی»؛ فضائل «شهر رمضان»؛ «الرّد علی الخلیل»، در عروض؛ کتاب «النیروز النوروز والمهرجان»؛ «الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء» و «اللفظ المحیط بنقض مالفظ به اللقیط»، در معارضه‌ی کتاب «الفرق والمعیار» ابوالفرج اصفهانی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (5/ 183)، ریحانه (8/ 267، 369/ 7)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (238)، کشف الظنون (1559، 1468، 1256)، لغت‌نامه (ذیل/ علی)، معجم الادباء (120 -112 /15)، معجم المؤلفین (7/ 256)، وفیات الاعیان (376 -375 /3)، هدیة العارفین (1/ 680).

ابن‌ولید قمی، ابوجعفر محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 343 ق)، فقیه، محدث و رجال‌شناس شیعی. از محمد بن صفار و سعد بن عبداللّه اشعری و دیگران علم آموخت. وی به دقت در شنیدن حدیث شهرت داشت. نجاشی او را ثقه خوانده است. شیخ صدوق، تلعکبری، ابوالحسین بن ابی‌جیدوعلی بن حسین بن بابویه از شاگردان وی بودند و از او روایت کرده‌اند. فرزندش، احمد بن محمد استاد شیخ مفید و از مشایخ اجازه اوست. از آثارش: «التفسیر القرآن»؛ «الجامع»؛ و فهرستی در رجال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :رجال ابن‌داود (قسم 308 /1)، رجال الطوسی (495)، رجال النجاشی (302 -301 /2، 123 /1)، ریحانه (265 /8)، الفهرست للطوسی (285 -284)، الکنی والالقاب (446 /1)، معجم رجال الحدیث (208 -206 /15).

ابوالشیخ اصفهانی، ابومحمد عبدالله

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(369 -274 ق)، محدث، مفسر و رجالی. محدث اصفهان بود. وی از کودکی در جستجوی حدیث بود. از جد مادری‌اش، محمود بن فرج زاهد، و محمد بن عبدالله همدانی، رییس اصفهان، و ابراهیم بن رسته، و احمد بن رسته اصفهانی، و ابوالقاسم بغوی و علی بن سعید رازی، و محمد بن یحیی مروزی، و جعفر فریابی حدیث شنید. ابن‌منده و ابن‌مردویه و احمد بن عبدالرحمان شیرازی و سفیان بن حسنکویه و ابونعیم حافظ و محمد بن علی بن بهروز مرد و فضل بن محمد کاشانی و محمد بن علی بن سمویه و احمد بن محمد یزدی از وی حدیث شنیدند. ابن مردویه او را محدثی امین و مورد اعتماد دانسته است. وی شصت سال به تصنیف و تألیف اشتغال داشت. از آثا وی: «التفسیر»؛ «ثواب الاعمال»، در پنج مجلد؛ «السنن»؛ در چند مجلد؛ «السنة»؛ «طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها»، در دو مجلد؛ «العظمة»، رساله‌ای در تاریخ.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (4/ 264)، ریحانه (156 -155 /7)، سیر النبلاء (280 -276 /16)، کشف الظنون (1439، 1407، 1406)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالله)، معجم المؤلفین (6/ 114)، هدیة العارفین (1/ 447).

احمدیان، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عالم علوم دینی.
تولد: 1300(1340 ق.)، نجف‌آباد.
درگذشت: 18 فروردین 1367(28 ذیقعدة 1417 ق.).
آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطول) و حاشیه و معالم همت برگماشت.
سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی مرعشی، میرزا محمدعلی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمدباقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال 1320 پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، حوزه‌ی علمیه‌ی نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی مانده سطوح مکاسب و رسائل و کفایة الاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیفات و تحقیق دست یازید.
ایشان در سال 1393 ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.
از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد:
رسالة فی المکاسب المحرمة؛ رسالة فی الاستصحاب (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ قاعدة الضرر؛ الصحابة الکرام (سه جلد)؛ رسالة فی الخمس؛ رسالة فی القضاء؛ رسالة فی الدیات؛ المعمرون (حدود 550 نفر)؛ الاربعون حدیثا؛ شرح کتاب نقد الرجال میر مصطفی تفرشی؛ طبقات مفسرین شیعه (از صدر اسلام تاکنون)؛ کشکول (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر،

منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در 1500 صفحه می‌باشد)، حاشیه بر کتاب مسالک الافهام؛ تحقیق و حاشیه بر زبدة التفاسیر ملا فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنة عشر.
آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین 1367(28 ذیقعده 1417 ق.) در هفتاد و هفت سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع، در قبرستان شیخان در خاک آرمید.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

ادهم نژاد، بهمن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بهمن ادهم نژاد اطاق وری
محل تولد : لنگرود
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/4/30
زندگینامه علمی
اینجانب بهمن ادهم نژاد لنگرودی مشهور به محمد تقی در تاریخ 30/ 44/ 1344شمسی در روستای کردسراکوه از توابع بخش "اتاق ور" شهرستان لنگرود در خانواده متدین و کشاورز متولد شدم. تحصیلات را تا سیکل در همان منطقه ادامه داده و آن گاه بخاطر مشکلات مالی به کمک خانواده شتافتم.
در سال 1362 وارد حوزه علمیه لاهیجان شدم و تا سال 1366 شمسی موفق به تکمیل مقدمات و مقداری از سطح شدم و آن گاه در سال 1366 شمسی به تهران آمدم و در مدرسه علمیه قائم چیذر به مدت 3 سال به ادامه تحصیل پرداخته و در سال 1369 شمسی تاکنون در حوزه علمیه مبارکه قم مشغول بوده و از محضر اساتید بزرگواری همانند حضرات آیات عظام آقایان: سید محمد علی مرتضوی لنگرودی، فاضل هرندی، محامی خراسانی، مجتهدی خراسانی، مرحوم پایانی، محفوظی، استادی، ذوالقدری، زنجانی، سید احمد خاتمی، علوی گرگانی، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی، مرحوم وجدانی فخر و... بهره مند بوده و هستم که خداوند سایه همه اساتید بزرگوارمان را بر سر ما مستدام بدارد و عزیزان از دست رفته مان را غریق دریای رحمت خویش فرماید.
از بدو ورود به حوزه علمیه از آنجایی که علاقه و ذوق نویسندگی را در خود احساس کردم مدتی را در مجله «نور علم» نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و مجله «پیام حوزه» اشتغال داشتم و کار نویسندگی را از روزنامه جمهوری اسلامی و مجله حوزه نشریه دفتر تبلیغات اسلامی آغاز کردم که تاکنون دهها جلد تألیف مستقل دارم که 4 جلد آن به زیور طبع آراسته شده است و بیش از 200 مقاله داشته ام که بیش از نیمی از آنان چاپ شده است و برخی از آنان به مرور به چاپ خواهد رسید. اغلب و بلکه تمام مقالات و تألیفاتم در رشته رجال و تراجم شیعه بوده است و

بیشترین مطالعات روزانه حقیر را همین موضوع تشکیل می دهد و البته از مطالعات فقه و تاریخ و اخلاق بی بهره نیستم.

اژه ای، علی اکبر

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری ستاره ای در آسمان علم و فقاهت تشیع درخشید که تلألو درخشش آن تا ابد روشنگر راه مشتاقانَ علم و حقیقت خواهد بود و او کسی نیست جزملا علی اکبر اژه ای از چهره های درخشان علمی و فرهنگی اصفهان در قرن سیزدهم هجری، وی در روستای اژه از توابع رویدشت در دامان خانواده ای اهل فضل و تقوی پای به عرصه گیتی نهاد و پرورش یافت.
نیاکانش همه از علما و بزرگان عرصه علم و فقاهت بوده اند. ملا علی اکبر مرحوم محمد شریف بن شمس الدین محمد مشهور به مولانا شریفا (آقای شریفای اژه ای اصفهانی) از علمای صاحب نام عصر صفوی بود که شاگردی شیخ بهایی را نموده و از استادان عالم و محقق بزرگ شیعه مرحوم ملا محمد باقر مجلسی به شمار می رفت و به سال 1087ق درگذشت و در رویدشت به خاک سپرده شد اینک مزارش زیارتگاه اهل دل است. همچنین آخوند ملا اکبر از نوادگان دختری علامه فاضل اصفهانی (فاضل هندی) به شمار می رود. آخوند ملا علی اکبر قدم در راه نیکان گذاشت و برای کسب معرفت به اصفهان آمد و از محضر بزرگانی همچون میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی از چهره های درخشان و مدرسین برجسته مدرس چهارباغ و آقا محمد بیدآبادی عالم و فاضل متأله و عارف برجسته قرن دوازدهم بهره مند شد و خود چشمة خودشان علم و حکمت گردید و به مقام اجتهاد نائل آمد در زمینه های فقه، اصول و حکمت جامع علوم گردید. وی از جمله علمای اصولی است که با عقاید شیخ احمد احسائی زعیم فرقة شیخیه و میرزا محمد اخباری سخت مخالف بود و در رد عقاید آنها رسالاتی نوشت. از جمله این ردیه ها: رساله ای در رد پادری نصرانی که شبهاتی به دین اسلام وارد آورده است و ردیّه بر برخی رسائل شیخ احمد احسایی وردیّه ای بر حاج میرزا محمد اخباری که منکر اساس اجتهاد در احکام شرعی بوده است.
وی دارای شخصیتی با ویژگیهای بارز اخلاقی بود و صاحب روضات او را فقیهی متکلم و واعظی متبحر عنوان می کند و از فصاحت و بلاغت، زهد و تقوی و مقام بلند عرفانی اش بسیار یاد می کند. مرحوم عبدالکریم گزی هم در بیان شخصیت او می نویسد: « این بزرگوار از اهل زهد و تقوی و ریاضات شاقّه و قناعت و تهجّد و نماز شب و حالت خوش بوده....»

ملا علی اکبر اژه ای کلامی دلنشین داشت و مواعظ و نصایحش که با حلاوت خاص بیان شده دل را جلا می دهد:« اگرکسی دیده بگشاید و ساعتی سر برگریبان تفکر فرو برد ودر احوال خود تفکر نماید خواهد یافت که این عمر مانند کشتی بر روی دریا در گذراست ومردم مسافرند. اول منزل گهواره و وقت تولد و آخر منزل لحد و قبر و وطن یا بهشت است یا جهنم»

این عارف اندیشمند اندوخته های علمی خود را در قالب کتب و رسالات متعددی برای آیندگان به یادگار گذارده و آثار ارزشمندی در علوم مختلف از وی به جا مانده است. از جمله :

- رساله نماز شب که دربارۀ چگونگی نماز شب و آداب و ثواب آن بوده و به نوعی بیانگر شخصیت مؤلف است.
- رساله سیر آسمانی در معراج،- ارشاد الواعظین وانحاج الطالبین در اجتهاد و...

این استاد فرزانه شاگردان بسیاری تربیت نمود از جمله از آنها حاج میرزا زین العابدین خوانساری پدر صاحب روضات ملا علی اکبر در محله جوباره سکونت داشت و در مسجد علی در محله هارونیه امامت جماعت را داشت و در همین مدرسه هم تدریس می نمود . وی در کسوت فقر و درویشی روزگار می گذرانید در تهجد و شب زنده داری بسیار استوار بود.

سرانجام مرغ جان این عالم ربانی در یازدهم شوال 1232 ق از قفس خاکی تن رها شد و به افلاک پرگشود و پیکرش را در تخت فولاد در جوار قبر مرحوم ملا اسماعیل خواجویی به خاک سپردند.

استادی، رضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
رضا استادی یکی از ستارگان درخشان حوزه علمیه قم است. که در سال 1316 شمسی در تهران به دنیا آمده و در دامان والدشان حاج خداداد استادی که از مردان نیک و خیر تهران است پرورش یافته و پس از خواندن دروس ابتدائی به تحصیل علوم دینی پرداخته و در خدمت حاج شیخ عبدالکریم حقشناسی و حاج شیخ احمد مجتهدی و حاج شیخ هادی مقدس واعظ و مرحوم حاج میرزا عبدالعلی تهرانی و دیگران مقدمات و سطوح را خوانده و سپس عزیمت به قم نموده و سطوح وسطحی و نهائی را از اساتید بزرگ آیات حوزه چون حاج شیخ محمدتقی ستوده و حاج میرزا حسین نوری و حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی و حاج میرزا محمدشاه آبادی و حاج شیخ جعفر سبحانی و آقای منتظری و حاج آقای مکارم و آقای آذری و حاج سید محمدباقر سلطانی و جوادی آملی استفاده نموده سپس حدود 12 سال از دروس خارج فقه و اصول آقایان مراجع و اساتید بزرگ چون حاج آقا حسن فرید محسنی اراکی و آیت‌اللّه محقق داماد و آیت‌اللّه العظمی گلپایگانی و حاج شیخ محمدعلی اراکی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم تبریزی و حاج آقا موسی شبیری زنجانی استفاده کرده و در خلال این سالها عزیمت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات آنجا چون آیت‌اللّه خوئی و آیت‌اللّه خمینی و آیت‌اللّه حاج سید محمدباقر صدر شهید استفاده نموده و در طول بیست سال غالبا شریک بحث آیت‌اللّه سید محسن خرازی بوده.
آقای استادی در خلال تحصیل اشتغال به تدریس سطوح فقه و اصول شرح لمعه و اصول مظفر و رسائل و مکاسب و کفایه و اصول عقاید داشته و دارند.
آثار و تألیفات استادی
آقای استادی در طول پانزده سال است که در کنار تدریس اشتغال به تألیف و تصنیف و ترجمه و تصحیح دارند و از خود آثار به جای گذارده که اغلب به طبع رسیده است و آنها از این قرار است:
1- فهرست کتابهای خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم در دو مجلد که به چاپ رسیده است- چاپ قم.
2- فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت‌اللّه گلپایگانی جلد دوم و سوم.
3- فهرست کتب خطی مدرسه حجتیه.

4- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد جامع چهل ستون تهران.
5- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حسینیه شوشتریهای نجف اشرف ج 11- 12.
6- فهرست صد و شصت نسخه خطی چاپ قم.
7- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه حجت (ره).
8- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه طبسی حایری.
9- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حاج شیخ علی خونساری.
10- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم.
11- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌اللّه زنجانی.
12- کتابنامه نهج‌البلاغه چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.
13- کتابنامه امام صادق علیه‌السلام چاپ موسسه راه حق قم.
14- کتابنامه امام حسین علیه‌السلام.
15- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سید مهدی روحانی.
16- اصول دین برای همه چاپ دارالفکر.
17- شوری در قرآن و حدیث.
18- مدارک نهج‌البلاغه.
19- تحقیق در یک مسئله فقهی.
20- بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید.
21- خاتمیت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث.
22- شفاعت در قرآن و حدیث.
23- چهل داستان چاپ کتابفروشی علامه.
24- تحقیق درباره دعاء ندبه.
25- توضیحی در پیرامون آیه خمس.
26- امامت در چند درس.
27- تحقیق در پیرامون فقه الرضا و چندین مقاله و جزوه‌های دیگر که به طبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

اظهری، محمدرضا

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1301.
درگذشت: 1372.
اهتمام در چاپ تذکرةالعلماء (نوشته محمد بن سلیمان تنکابنی، با همکاری غلامرضا پرنده؛ مشهد، 1372).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

اعلمی، سلیمان

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حضرت مستطاب شیخنا الجلیل الکبیر المتتبع حجه‌الاسلام والمسلمین الحاج شیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی المهرجانی اصلا والنجفی تحصیلا و الحایری مسکنا والقمی خاتمه در سال 1320 در مهرجان از مضافات جندق و بیابانک متولد شده و پس از برهه‌ای از زمان مشرف به خراسان شده و مدتی در آنجا اقامت نموده و به تحصیل پرداخته آنگاه در سال 1340 ق مهاجرت به نجف اشرف و اعتاب عالیات نموده و با جدی تمام سطوح را در مدت ده سال نزد اساتید نجف خوانده و مسافرتی هم به زیارت مشهد نموده و بعد به اتفاق مادر و دو برادر مراجعت به نجف کرد و از محضر مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله کمپانی اصفهانی و حاج شیخ علی زاهد قمی استفاده نموده و مسافرتی به مکه کرده و با عده‌ای از علماء اهل سنت ملاقات و مباحثاتی در امور دینیه نموده و بعد از مراجعت در سال 1368 ق مهاجرت به کربلا نموده و به درس مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی و آیت‌الله میلانی حاضر شده و مشغول به تالیف کتاب مقتبس الاثر و مجدد مادثر فی تاریخ البشر در علوم مختلفه در علم رجال از صحابه و تابعین و رواة و علماء و غیرهم نموده و در سال 1374 مشرف به ارض اقدس شده و بعد مراجعت به تهران و پس از چندی توقف در آنجا منتقل به قم در عصر زعامت آیت‌الله العظمی بروجردی منتقل به قم و در مدرسه فیضیه اقامت و از محضر معظم‌له استفاده و در خلال مشغول به طبع کتاب نفیس خود گردیده و تاکنون که ربیع‌الثانی 1393 قمریست بیست و هشت مجلد آن از طبع خارج شده است.
مرحوم علامه آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء درباره کتاب معظم‌له گوید بسم‌الله الرحمن الرحیم و له الحمد نظرت فی اجزاء هذه الموسوعه القیمه نظره عابره و هی وانکان عجلی لکن قد ظهرلی ان جناب المولف العالم العلامه الجلیل الموید من الاله الاجل الشیخ محمدحسین بن الشیخ سلیمان الاعلمی ادام الله تاییده قد بذل جهده و استفرغ وسعه و احسن فی ما جمع و اصاب فیما وضع و رفع فشکر الله مساعیه و زاد معارفه و معالیه و رفقه لاتمامه فانه اذاتم یکون من جلائل المولفات النافعه والله ینفعه و ینفع به صدر من کربلاء المشرفه 16

شعبان 1369 قمری
و مرحوم آیت‌الله الحاج السید یونس اردبیلی رحمه‌الله درباره کتاب ارزنده وی گوید بعد البسمله هذا هو الکلام الفحل و القول الجزل وفقه الله راقمه الاحقر یونس الموسوی الاردبیلی کتبه فی جمادی‌الاولی 1374 قال الشاعر:
هذا کتاب نافع للبشر
سطوره منظومه کالدرر
مبرهن احوال ما قد غبر
جاء اسمه مقتبس للاثر
اکثر اعلام عصر تقاریظی بر این اثر ارزنده و نفیس نوشته‌اند که در جلد اول و دوم و سوم آن مندرج می‌باشد فرزندان فاضل و عالمی به نام شیخ محمدحسن و شیخ محمدحسین و شیخ محمدمحسن دارد که در سلک روحانیت به خدمات دینی اشتغال دارند داماد معظم ایشان خطیب توانا آقا سید حسین شهرستانی است ادام‌الله توفیقاتهم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

افندی اصفهانی، عبدالله

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1130 -1066 ق)، عالم امامی و رجال‌شناس. در اصفهان به دنیا آمد. نیای او محمدصالح بیک از مقربان درگاه شاه عباس اول و پدر از فضلا و علمای عهد خود بود. در کودکی بعد از فوت مادر و پدرش تحت تعلیم برادرش آقامیرزا محمدجعفر قرار گرفت. علوم دینی را در محضر استادانی چون محقق شیرازی، میرزا محمد شیروانی، آقا حسین خوانساری و علامه‌ی مجلسی فراگرفت. به گفته‌ی خود نیمی از زندگیش را در سفر بوده است. به خراسان و فارس و حجاز و عراق سفر کرد و از کتابخانه مجلسی در اصفهان و کتابخانه‌های شهرهای گوناگون از جمله کتابخانه‌های مختلف عثمانی راه جست و آن چنان تقرب یافت که در مجلس او کرسیی خاص خود داشت و لقب افندی را کسب نمود. سپس او ساکن شهر تبریز شد و سالیانی در آن جا زیست و همان جا ازدواج کرد و سرانجام در تبریز درگذشت. آثار بسیاری از وی به جا مانده از جمله: «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء»، به عربی که شرح حال علمای اسلام از زمان غیبت تا سال 1119 ق است، در 10 مجلد که نیمی از آن به علمای شیعه و نیم دیگر به علمای اهل سنت اختصاص یافته؛ «روضه الشهداء» به سه زبان فارسی، ترکی و عربی؛ «ثمار المجالس و نثار العرایس»، به تقلید از کشکول شیخ بهایی؛ حاشیه بر «وافی» ملامحسن کاشانی؛ «صحیفه ثالثه سجادیه» یا «الدرر المنظومه الماثوره»، در دعاهای امام زین‌العابدین (ع) که در صحیفه کامله اولی و در صحیفه ثانیه شیخ حر عاملی موجود نیست؛ کتاب «الخطب» یا «بساتین الخطباء» یا «ریاحین القدس» یا «ریاض الازهار» یا «عونه الخطیب» در سه مجلد؛ «وثیقه النجاه من ورطه الهلکات»؛ ترجمه «جاماسب نامه»، از پهلوی به فارسی؛ شرح فارسی بر «شافیه‌ی» ابن حاجب؛ «تفسیر سوره‌ی واقعه»، به فارسی؛ «لسان الواعظین و جنان المتعظین»، در چند جلد؛ «الامان من النیران»، در تفسیر قرآن؛ «رساله فی وجوب صلاه الجمعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (251/4)، اعیان الشیعه (65 -64 /8)، الذریعه (343/2، 93/4، 22/5، 49/6، 268/7، 138/8، 312/18، 27/25)، روضات الجنات (249 -247 /4)، ریاض العلماء (234 -230 /3)، ریحانه

(163 -161 /1)، فوائد الرضویه (255 -253)، لغت‌نامه (ذیل/ عبدالله)، الکنی والالقاب (50 -48 /2)، معجم المولفین (99/6).

امیری اراکی، جواد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
درگذشت: 1359.
از آثار اوست: با دانشمندان شیعه و مکتب آنها آشنا شویم (تألیف، قم، سه جلد).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

امین‌احمد رازی، محمد مؤمن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1002 ق)، تذکره‌نویس و ادیب. در ری متولد شد، پدرش از جانب شاه طهماسب صفوی به کلانتری ری مأمور بود، امین‌احمد نیز از اعیان دربار صفوی بود و به روزگار شاه‌عباس کبیر به هندوستان رفت و به دربار جهانگیر شاه راه یافت و طی مدت شش سال تذکره نفیس خود، «هفت اقلیم» را به رشته‌ی تحریر درآورد. امین احمد در هندوستان درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :از سعدی تا جامی (288)، تاریخ ادبیات در ایران (1691-1688 /5)، تاریخ تذکره های فارسی (414 -410 /2)، تاریخ نظم و نثر (382)، الذریعه (230 -229 /25 ،52/4)، طرائق الحقائق (159/3)، کاروان هند (116 -115 /1)، کشف الظنون (2044).

اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1030 -973 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به اوحدی. از خاندان مشایخ معروف بلیانی کازورن بود. نسب او با هفت واسطه به یکی از مشایخ این طایفه یعنی اوحدالدین عبداللّه بن ضیاءالدین مسعود می‌کشد و نسب ضیاءِالدین مسعود بلیانی با پنج واسطه به ابوعلی نیشابوری معروف به دقّاق، از عارفان بزرگ سده‌ی چهارم و آغاز سده‌ی پنجم قمری، می‌رسد. پدرش پیش از ولادت او به هندوستان رفت و در همان جا درگذشت. تقی‌الدین تا دوازده سالگی که مادرش درگذشت در اصفهان ماند و مقدمات ادب و بعضی از معارف را فراگرفت. پس از فوت مادرش به شیراز رفت و نزد ملامیر قاری گیلانی ریاضیات و علوم غریبه را آموخت و داماد او شد. در دکان میرمحمود طرحی شیرازی که مجمع شاعران بود با چند تن از آنان که سرشناس‌تر از همه عرفی شیرازی بود آشنا شد. از مختصان و تربیت شدگان شاه طهماسب اول بود و در دربار شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده و سپس شاه‌عباس اول مقام داشت و ملازم رکاب شاه‌عباس بود. در شهرهایی مانند قزوین و قم و کاشان و اصفهان و یزد و شیراز به سر برد و بین سالهای 1009 -1005 ق به زیارت عتبات رفت. در اواخر عمر در 1015 ق در عهد جهانگیر شاه به هندوستان رفت. پس از یک سال و نیم همراه اردوی جهانگیر متوجه‌ی آگره شد و پس از مدتی کمتر از یک سال به گجرات رفت و سه سال آنجا اقامت نمود.در سال 1020 ق قصد حجاز کرد که ممکن نشد. به آگره بازگشت و در آنجا به تألیف «عرفات» پرداخت. وی در هندوستان درگذشت. از آثار وی: «سرمه‌ی سلیمانی» در بیان واژه‌های دشوار فارسی و برخی از نامهای تاریخی و جغرافیایی و داروها و پاره‌ای اصطلاحات و کنایه‌ها؛ «تذکره‌ی عرفات العاشقین و عرصات العارفین» که تذکره‌ی عمومی است و شامل سرگذشت و منتخب اشعار بیش از سه هزار و سیصد شاعر متقدم و متأخر تا زمان مؤلف و به ترتیب الفبایی است؛ اوحدی در سال 1022 ق تألیف آن را آغاز کرد و در سال 1024 ق به پایان رسانید؛ «مفتاح مفاتیح»؛ «کافیة القافیه»؛ «جفر اوحد»؛ «عینیه»؛ «دیوان وحشی» را هم او گرد آورده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1732 -1730 /5)، تاریخ

تذکره‌های فارسی (23 -21 /2)، تاریخ نظم و نثر (380 -379)، تذکره‌ی نصرآبادی (304 -303)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (371 -370 /1)، الذریعه (173/9، 173، 104 /12)، ریحانه (201/1)، صبح گلشن (89 -88)، فارسنامه‌ی ناصری (1445/2)، فرهنگ سخنوران (109)، لغت‌نامه (ذیل/ اوحدی)، مرآت الفصاحه (74 -73).

آخوندزاده‌ی هروی، محمد صدیق

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1286 ق)، قاضی، شاعر و تذکره‌نویس. قاضی ملامحمد صدیق بیشتر عمر خود را در کابل گذراند. سپس به زادگاه خویش هرات بازگشت و به امور قضایی پرداخت. وی همچنین ریاست انجمن ادبی هرات را بر عهده داشت. از او به عنوان قاضی صاحب نیز یاد شده است، چه، علاوه بر ریاست انجمن ادبی، قضاوت شرعیه‌ی هرات نیز بر عهده‌ی وی بود. آخوندزاده‌ی هروی در گفتن ماده تاریخ نیز مهارت داشت. اثر وی «تذکره النساء»، تألیف 1327 ق، که در شرح حال 140 نفر از زنان شاعره مسلمان عرب و عجم است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (1/ 394- 395).

آل بحرالعلوم، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1377 -1281 ق)، فقیه، اصولی، رجالی و محدث. در نجف به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی جدش، سید علی، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات علوم سطوح عالی فقه و اصول را نزد سید محمدکاظم یزدی و سید محمد بحرالعلوم و آخوند خراسانی خواند و به دریافت اجازه نایل شد. او در تاریخ و رجال و درایه چیره‌دست بود. از آثار وی: «تقریرات یزدی و خراسانی»، در مباحث فقهی و اصولی؛ «تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم»، در دو مجلد، جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم‌السلام و مشاهد آنان است و جلد دوم در شرح سی و نه حدیث که در صدر کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علما نگاشته شده؛ «تحفة الطالب»؛ «اسرار العارفین»، در شرح دعای کمیل؛ «بغیه الطالب»؛ «حدائق العارفین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (3/ 448، 451 /2/ 51)، علماء معاصرین (276 -271)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 298- 299)، معجم المؤلفین (3/ 145).

آل بحرالعلوم، محمدرضا

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1253 -1189 ق)، فقیه، اصولی، محدث و رجالی. در نجف به دنیا آمد. مقدمات علوم و ادبیات را نزد پدر خواند. فقه و اصول ر نزد عالمانی چون شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد سعید دینوری و شیخ محمدتقی ملاکتاب تکمیل کرد و از ایشان به دریافت اجازه نایل شد. او پس از پدر عهده‌دار سرپرستی حوزه‌ی نجف و مرجعیت دینی شد. از آثارش: «اصول الفقه»؛ «شرح الشرایع»؛ «شرح اللمعه»؛ «کشف القناع فی اصحاب الاجماع»؛ «الفقه الاستدلالی»؛ «الفوائد الرجالیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (282 /9 ،19 /7)، الذریعه (338 ،286 /16 ،205 -204 ،120 /2)، شهیدان راه فضیلت (496 -495)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 573 -571 /13)، فوائد الرضویه (182)، مکارم الآثار (1446 -1445 /4).

بافقی یزدی، ابوالحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف قبل از 1244 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و رجالی. از شاگردان علامه وحید بهبهانی و سید علی طباطبایی، صاحب «ریاض»، است. بافقی در جنگ روس و ایران شرکت داشت. از آثارش: «الوجیزة فی الدرایة»، مرتب بر مقدمه و شش فصل است که به گفته‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی از این کتاب مهارت علمی مؤلف در حدیث و رجال و دیگر علوم آشکار می‌شود. وی از تألیف این کتاب در 1237 ق فراغت یافته است. در نسخه‌ای از این کتاب که در 1244 ق کتابت شد به وفات مؤلف قبل از 1244 ق تصریح شده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (48/25)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 34/13).

بحرانی، هاشم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1109 /1107 ق)، فقیه، مفسر، محدث و رجالی امامی. معروف به علامة البحرین. در کتکان از توابع بحرین به دنیا آمد. نسب او را به سید مرتضی علم الهدی و از او به امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند. او محدثی متتبع بود و در کثرت تتبع او را ثانی مجلسی می‌دانند. دامنه مرجعیت او از بحرین فراتر رفت و در بیشتر شهرهای شیعه‌نشین از وی تقلید می‌کردند. صاحب «جواهر» او و مقدس اردبیلی را، به عنوان نمونه یاد می‌کند و واجد ملکه عدالت می‌داند. سید هاشم بحرانی از کسانی چون شیخ فخرالدین طریحی نجفی و سید عبدالعظیم استرآبادی نقل روایت کرده و علمایی همچون شیخ حر عاملی از وی روایت کرده‌اند. او دارای بیش از هفتاد و پنج تألیف بزرگ و کوچک دارد که صاحب «ریاض العلماء» اکثر این کتابها را در نزد فرزندش، سید محسن دیده است. از جمله آثار وی: «اثبات الوصیة»؛ «ارشاد المسترشدین»؛ «البرهان فی تفسیر القرآن»، در شش مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینه تفسیر از کتابهای ناشناخته کهن؛ «معالم الزلفی فی معارف النشأة الاولی و الاخری»؛ «مدینة المعجزات» یا «مدینة المعاجز»؛ ترتیب کتاب «تهذیب» شیخ طوسی؛ «البهجة المرضیة فی اثبات الخلافة و الوصیة»؛ «نزهة الابرار و منار الافکار فی الجنة و النار»؛ «روضة العارفین»؛ «غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام»؛ «الدر النضید فی فضائل الحسین الشهید»؛ «تنبیه الاریب»، در رجال «تهذیب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (48/9)، اعیان الشیعه (250 -249 /10)، ایضاح المکنون (716، 689، 634، 505، 456، 442، 141، 125 /2، 595، 453، 421، 419، 323، 279، 203، 179 /1)، تاریخ ادبیات در ایران (249/5)، الذریعه (48/7، 93/3، 398/2)، روضات الجنات (169 -166 /8)، ریاض العلماء (304 -298 /5)، ریحانه (233/1)، فوائد الرضویه (706 -705)، الکنی و الالقاب (108 -107 /3)، معجم المؤلفین (132/13).

براتی، عبدالعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
عبدالعلی براتی
محل تولد : مسجد سلیمان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1341/1/1
زندگینامه علمی
پس از اخذ دیپلم در سال 1360 وارده حوزه شدم حدود 12 سال در دروس خارج حوزه شرکت نمودم. نزدیک به 15 سال در مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی به فعالیتهای پژوهشی مشغول بوده ام از جمله آنها پژوهشکده باقرالعلوم(ع) . تاکنون حدود سی مقاله تالیف کرده ام و بیش از یکصد کتاب، مقاله و پایان نامه را نقد، بررسی و ارزیابی کرده ام. در حوزه اطلاع رسانی به ویژه کتابشناسی سالها تجربه علمی و عملی دارم که محصول آن در تولید نرم افزار کتابشناسی هادی با کمک دیگر دوستان و همکاران فنی امروز در دسترس بسیاری از مراکز پژوهش و پژوهشگران و حوزه و دانشگاه است. این نرم افزار اندیشه ای جدید در حوزه فهرست نویسی و مأخذ شناسی در حوزه علوم اسلامی و علوم انسانی را عرضه می کند.
مشاوره و راهنمایی غیر رسمی به طلب، داشنجویان و محققان و نویسندگان در تدوین به ویژه رساله و مقاله از فعالیتهای مهم اینجانب بوده است و هم اکنون بسیاری از پایان نامه ها حوزه های علمیه خواهران توسط اینجانب مأخذ شناسی می شود.بارها شیوه کتابداری و کتابشناسی مرسوم را به نقد کشیده ام و آن را بویژه در حوزه علوم اسلامی ناکافی می دانم.در مباحث علوم اسلامی و سیاسی به تدریس در آموزش و پرورش (معلمین)، دبیرستنها و دانشگاه نیز چندین سال هست مشغول بوده ام.

برقعی، علی‌اکبر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید علی اکبر بن السید الجلیل السید رضی برقعی از علماء فضلاء و نویسندگان ادباء معاصر تهران است. وی در شب یازدهم ماه مبارک رمضان سال یکهزار و سیصد و هفده قمری ه در شهرستان دینی و دارالعلم والایمان قم دیده بجهان گشوده و در مکتب قدیم الفباء را آموخته سپس به ترکیب کلمات فارسی که ترکیبی از زبان فارسی و عربی بود چنانکه هم هست پرداخته و از آن پس به فراگرفتن علوم ادبیه و فقه و اصول و منطق و کلام و فلسفه و هیئت همت گماشته و از علوم جدید که در ایران تازه پا می‌نهاد طرفی بسته است.
اساتید معظم له در رشته‌های مختلف غیر از اساتید علوم ادبی بدین نامها می‌باشند.
1- عالم جلیل و فقیه نبیه آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد معروف به ارباب که علاوه بر معلومات عقلی و نقلی محضری دوست داشتنی و بیانی دلنشین داشت.
2- عالم اصولی خبیر آقای شیخ ابوالقاسم معروف بصغیر
3- عالم بسیار مدقق و متفکر آقای آقا شیخ ابوالقاسم کبیر
4- فاضل فکور که هم ادیب بود و هم فقیه آقای شیخ حسن فاضل
5- فقیه متبحر و اصولی محقق آیت‌اللَّه حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی (موسس حوزه علمیه قم) که 15 سال در حلقات درس ایشان شرکت نموده و استفاده کرده است.
6- آیةاللَّه حاج میرزا حسین نائینی که حقیقتا احاطه عجیبی به چندین علم داشت.
7- آیت‌اللَّه العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی (البته از این دو بزرگوار فقط در موقع توقفشان در قم که بعنوان تبعید بسر می‌بردند استفاده نموده است)
8- در منطق و فلسفه و هیئت استاد یگانه و حکیم فرزانه آقا میرزا علی‌اکبر حکمی یزدی.
مشایخ اجازات ایشان چهار نفرند.
1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج میرزا محمد ارباب که در سال 1337 قمری مرقوم داشته‌اند.
2- مرحوم ثقةالاسلام محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی در سال 1342

قمری نوشته‌اند.
3- مرحوم آیةاللّٰه آقا میرزا محمد تهرانی سامرائی در سال 1352 قمری نوشته‌اند.
4- مرحوم علامه تهرانی آقا شیخ محسن معروف به آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که در تاریخ مزبور مرقوم داشته‌اند.
آثار و تألیفات ارزنده‌ی ایشان که بطبع رسیده است باین شرح است:
1- راهنمای دانشوران در ضبط و تقیید نامها و نسبتها در سه مجلد.
2- کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی.
3- کانون احساسات در رستاخیز شگفت‌انگیز امام حسین علیه‌السلام.
4- مهر تابان در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه‌السلام
5- جلوه حق
6- تذکره مبتکران در بنیان گذاران علوم و فنون.
7- بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن.
8- راهنمای دینداران پیرامون چندین بحث جالب دینی.
9- درج گهر در متن سخنان کوتاه پیغمبر و ترجمه فارسی آن.
10- راهنمای قم در تاریخ قم و تاریخ اماکن مقدسه.
11- چرا از مرگ بترسم، پیرامون واقعیت مرگ و اثبات روح
12- ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تألیف علامه سید حسن صدر. بنام شیعه یا بنیان‌گذاران فنون و علوم اسلام.
13- مقالات بسیار در موضوع‌های مختلف.
و اما آنچه را که تاکنون بطبع نرسیده است بسیار و از آنها کتب زیر است:
1- هدایا العقول فی الحکم المأثوره عن العتره و الرسول. این کتاب را بفارسی ترجمه نموده بنام گنجینه‌ی حکمت.
2- کتاب الروض المنی در دو مجلد فی الحکمه و الادب.
3- کتاب السراج الوهاج فی اسرار المعراج بعربی.
4- رساله الناهیه عن الفحشاء در اسرار نماز بعربی
5- رهبر دانشوران در شناخته شدگان بکنیه و لقب و ترجمه خطبه حضرت فاطمه علیهاالسلام و شرح آن و نام این کتاب جزو تالیفاتشان در پشت جلد کتاب کاخ دلاویز مذکور است.
(1366 -1278 ش)، فقیه، نویسنده و شاعر، متخلص به کاشف. در شهر قم متولد شد. وی نسبتش به موسی مبرقع، فرزند امام محمد تقی (ع)، می‌رسد. آموزش مقدماتی را در مکتب فراگرفت و از آن پس به تحصیل علوم عربی، دینی و ادبی پرداخت. از بزرگترین استادان وی در رشته‌های مختلف، می‌توان از حاج میرزا حسین نایینی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی نام برد. برقعی نزد آقا میرزا علی اکبر حکمی یزدی منطق، فلسفه و هیئت را فراگرفت. آیت الله ارباب و محدث

قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی از مشایخ اجازه‌ی وی بودند. برقعی مشاور آیت الله حایری در برخی از مسائل حوزه‌ی علمیه‌ی قم بود. او در سال 1313 ش یک دبستان و در سال 1315 ش یک دبیرستان در قم بنا کرد. وی به منظور شرکت در کنگره‌ی جهانی صلح به پاریس و وین دعوت شد و در آنجا سخنرانی کرد که پس از بازگشت به ایران، به شیراز و بعد به یزد تبعید شد. از اشعار وی تنها دو هزار بیت باقی مانده است. از آثار او می‌توان از «راهنمای دانشوران» در سه مجلد؛ «جلوه‌ی حق» و «مهر تابان»، در سیرت امیرالمؤمنین (ع)؛ «کاخ دلاویز»، در تاریخ شریف رضی؛ «تذکره‌ی مبتکران»؛ «درج گهر»، در سخنان سید بشر؛ «کانون احساسات»، پیرامون جنبش امام حسین (ع)؛ «بامداد روشن»، در اسرار صلح امام حسن (ع)؛ «چرا از مرگ بترسم»، پیرامون واقعیت مرگ؛ «هدایا العقول»؛ «تبصره‌ی معلمان»، در نحو؛ «السراج الوهاج»؛ «روض المنی فی المختار من قصار الکلمات امیرالمؤمنین (ع)»؛ «سیاست‌نامه حضرت علی (ع)»؛ «راهنمای قم»؛ «دیوان» شعر نام برد.[1]
فقیه، محقق، شاعر.
تولد: 1278(1317 ق.)، قم.
وفات: 13 مرداد 1366.
آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سید رضی، پس از تحصیلات علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزه‌ی درسی به وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.
در بیست سالگی از مراجع زمان اجازه اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیه معقول شیخ علی‌اکبر حکمی یزدی بودند.
در سال 1313 یک دبستان و سال 1315 یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزه‌ی علمیه‌ی، آیت‌الله برقعی یکی از مشاروان او بود و درباره مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.
در سال 1329 که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست

ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (ره) (شاه سابق) تهران تحت عنون «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به واسطه ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگره‌ی جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.
آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقمند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.
فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: راهنمای دانشوران (سه جلد؛ 1329 -1328)؛ راهنمای قم (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رسید یاسمی، 1317)؛ راهنمای دینداران (1324)؛ کانون احساسات (در واقعه کربلا)؛ کاخ دلاویز (یا تاریخ شریف رضی؛ 138)؛ مهر تابان (در سیرت علی (ع)؛ 1317)؛ جلوه حق (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ 1319)؛ بامداد روشن (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن (ع) به معاویه؛ 1320)؛ ترجمه شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام (اثر سید حسن صدر؛ 1319)؛ تذکره مبتکران، درج گهر (در سخنان حضرت سید البشر؛ 1366 ق.)؛ چرا از مرگ بترسم (اثر ابن مسکویه، ترجمه لماذا اخاف الموت، قم، چاپ دوم، 1327)، راه نو در جهان‌شناسی؛ دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)؛ سیاست‌نامه حضرت علی (ع).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] سخنوران نامی معاصر (2931 -2924/ 5)، فرهنگ سخنوران (755)، الذریعه (229/ 17 ،64/ 10 ،899/ 9). گنجینه‌ی دانشمندان (393 -389/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (493 -491/ 4).

بروجنی، حسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1257 ق)، عالم رجالی. از بزرگان و دانشمندان رجالی سده سیزدهم هجری است که در بروجن متولد شد و بعد از تحصیل دانش به نگارش کتابی در احوال رجال حدیث پرداخت. این کتاب تعلیقه‌ای است بر « مشیخه من لا یحضره الفقیه» که در سال 1257 ق از تألیف آن فراغت یافت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 296/13)، معجم المؤلفین (209/3).

بوستان، مجدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1364 -1317 ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در خراسان متولد شد و در مشهد نزد آخوند ملا احمد کدکنی و ادیب نیشابوری درس خواند و فرانسه را نزد میرزا حسین تهرانی حبیب فراگرفت. در تهران نیز از محضر آقامیرزا مهدی آشتیانی و ضیاءالدین درّی اصفهانی استفاده کرد. سپس به خدمات دولتی روی آورد و مدتی نیز تدریس کرد خدمات ادبی و اجتماعی وی با نگارش مقالات در روزنامه‌ها و مجلات مهم مانند «مهر»، «منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» در خراسان شروع شد، که به انتشار روزنامه «بوستان» در خراسان و عضویت در انجمن فرهنگستان ایران در تهران و همکاری در نشر مجله‌ی «ارمغان» انجامید. برخی از تألیفات وی عبارت‌اند از: «طریقه‌ی ترجمه»؛ «رساله‌ی خرافات»؛ «پندنامه منظوم»؛ «تذکره‌ی منتهیان».[1]
محقق، روزنامه‌نگار.
تولد: 17 ذیقعده 1317 ق.
درگذشت: 2 اسفند 1364.
مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فراگرفت. در سال 1333 ق. (مطابق با 1293 و 1294) در مشهد نزد میرزا حسین تهران طبیب (ساکن سر قبر میر در محله نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال 1303 که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.
بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال 1306 در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور 1347 از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.
وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامه‌ی «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال 1307 به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح دیوان بابا طاهر عریان با اتفاق محمد

حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: رساله خرافات، دستور شرق (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)، پندنامه منظوم (نصحیت مادر به دختر، چاپ سنگی در تهران 1306)، تذکره‌ی منتهیان (جلد دوم طریقه ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: اوهام خواص «غلطهای مشهور»؛ ترجمه احوال بزرگان؛ شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی؛ سید حسن مشکانی طبسی (شرح حال)؛ یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی.
بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجله «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجله‌ی «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمیدجلال»، «بنده خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.
مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمدتقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعید شدگان زمان رضاشاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق به سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیه فرمانده ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر
منابع زندگینامه :[1] تاریخ جراید (26 -24 /2)، الذریعه (170/15)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (85 -84 /2)، مؤلفین کتب چاپی (188 -187 /5).

بهاری همدانی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1333 -1277 ق)، عارف، فقیه، عالم، محدث و رجالی. در بهار از توابع همدان متولد شد و همان جا نزد پدر خود درس خواند. پس از آن به همدان و بروجرد رفت و به ترتیب نزد محمد اسماعیل همدانی و میرزا محمود طباطبایی بروجردی تلمذ کرد پس از پایان سطوح و قرائت درس خارج به نجف رهسپار شد، و نزد ملا حسینقلی همدانی تحصیلات خود را ادامه داد و از خواص اصحاب او شد. پس از مرگ استادش، ملا حسینقلی همدانی، و بعد از مدت بیست سال توقف در نجف به همدان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست و در همان شهر دفن شد. در «اعیان‌الشیعه» چهل و چهار تألیف او نام برده شده است. از آثار وی: «ابهی الدرر فی تکملة عقد الدرر»؛ «البیان فی حقیقه الایمان»؛ «السلاح الحازم لدفع الظالم»، رد ابن‌حجر در منع ذم معاویه»؛ «نثار اللباب»؛ «الدرة الغرویة والتحفة الحسینیه»؛ «تسدید المکارم و تفضیح المظالم»؛ «الطلع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید»؛ «رسالة فی احوال أخطب خوارزم»؛ حاشیه بر «قوانین الاصول»؛ «ایضاح الخطاء»، در نکوهش استبداد؛ رساله‌ای در «عدالت».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (3/ 537- 538)، الذریعه (24/51، 179- 178/ 15، 12/208، 8/104، 175- 174/ 6، 3/173، 2/494، 1/79)، فوائد الرضویه (418)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 45- 46)، معجم‌المؤلفین (3/ 36- 37).

بهبهانی، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1216 -1144 ق)، فقیه، متکلم و رجال‌شناس امامی. در کربلا رفت و چندین سال در آنجا با پدر خود به تدریس اشتغال داشت. بعد از ورود به عراق به علت شیوع طاعون و به جهت اصرار اهالی کرمانشاه به ایران آمد و بقیه ایام عمر را در آن ولایت به سر برد، چندان که به آقا محمدعلی کرمانشاهی معروف شد و اعقابش نیز به آن منسوب شدند. بهبهانی از سرآمدان علمای معقول و منقول و محققی بی‌نظیر در متون فروع و اصول و معارف و ادبیات عرب بود تا آنجا که پدرش او را بهاءالدین روزگار خود می‌دانست. آقا محمدعلی، پس از پدر، از مراجع بزرگ ایران بود و تا زنده بود فقیهی به شهرت و بزرگواری وی در ایران وجود نداشت. او در اجرای حدود و احکام، شخصاً اقدام می‌کرد. آقا محمدعلی با صوفیه سخت مخالف بود و در رد آنها «رساله‌ی خیراتیه» را نوشت. در سال 1192 ق به رشت رفت و با هدایت‌اللّه خان رشتی مصاحب شد و کتاب «مقامع» را به نام او تألیف کرد. آقا محمدعلی در کرمانشاه درگذشت، مقبره‌ی وی به نام سر قبر آقا معروف است. از آثار وی: «مقامع الفضل»، شامل هزار و دویست مسأله و حاوی مطالب مشکله بسیاری از فقه و تاریخ که حاکی از جامعیت و آگاهی بهبهانی در اکثر علوم و فنون متداول می‌باشد و هر یک از مطالب طرح شده در خور آن است که کتابی مستقل شود؛ «انتخاب الزاد»؛ «تاریخ الحرمین»؛ «سنة الهدایة لهدایة السنة»؛ «سهوالاقلام»؛ «الفائدة فی مصرف رد المظالم»؛ «الفذالک فی شرح المدارک»؛ «رسالة فی الفیض الالهی»؛ «قطع القال والقیل فی انفعال القلیل»؛ «قطع المقال فی رد اهل الضلال»، در رد صوفیه؛ «مساحة البلاد»؛ «مشکاةالعارفین»؛ «مظهر المختار»؛ «معترک الاقوال»؛ «معرفةالائمة»؛ «مفتاح/فتاح المجامع بمفاتیح الشرایع»؛ «خوان الاخوان».[1]
دوانی در زندگانی وحید ص 362 گوید: آقا محمدعلی آئینه تمام‌نمای پدر عالیقدرش وحید بهبهانی و نابغه عظیم‌الشأنی است که تاریخ رجال اسلام مانند او را کمتر بیاد دارد
کلیه تراجم‌نویسان و تاریخ‌نگاران قرن 13 و 14 وی را به عظمت و جلالت و نبوغ علمی و فکری ستوده و یاد نموده‌اند.
او اول فردیست که از فرزندان وحید از کربلاء به کرمانشاه روی فرمان والد ماجدش مهاجرت و عزیمت نمود و بیت آل آقا از او شروع گردید

معظم له در کرمانشاه خدمات بسیاری نموده از جمله مبارزه با فرقه صوفیه و دراویش (نعمت‌اللهی) و کشتن معصوم علیشاه قطب آن فرقه و غیر از آن که شرحش موکول بکتاب مبسوطی خواهد بود طالبین را ارجاع به کتاب وحید بهبهانی دوانی و مرآت‌الاحوال آقا احمد و غیره می‌نمایم
خلاصه آن بزرگوار با یک جهان عظمت و ریاست و مرجعیت و آقائی بتمام معنی در آخر عمر مبتلا به کسالت (اسهال) شده و در روز جمعه که مصادف با مبعث نبی اکرم صلی اللّه علیه و آله سال 1216 قمری بود در اثنای نماز ظهرین برحمت ایزدی پیوست
تألیفات و آثار علمی آن رادمرد از اینقرار است
1- منع‌المنع در حلیت جمع بین دوزن فاطمی رد بر شیخ یوسف بحرانی که قائل به حرمت بوده است (نگارنده گوید و حق با شیخ یوسف است زیرا قطعاً و قهراً هر دو و یا یکی از آنها ناراضی و ناراحت خواهد شد و از ناراحتی آنها مادرشان حضرت فاطمه سلام‌اللّه‌علیها اذیت خواهند شد و ایذاء آن مکرمه هم حرام خواهد بود) 2- پنج رساله به فارسی در مناسک حج 3- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار 4- مقامع الفضل 5- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع 6- رساله در امامت 7- فذالک حاشیه بر مدارک و مسالک 8- (خوان الاخوان اخوا لکشکول والمخلات و ریاض الجنان) 4 مجلد 9- قطع‌المقال 10- ملتقط الدر فی تحقیق الکر 11- معترک المقال فی علم الرجال 12- رساله علیه علویه در پاسخ مسائل جبلیه 13- الرغایب در فوائد غریبه 14- رساله تفضیلیه 15- رساله خیاریه 16- رساله خیراتیة در رد صوفیه 17- تاریخ حرمین شریفین مکه و مدینه در دو جلد بنام ام‌القری 18- الفوائد در اصول عقاید 19- شرح تجرید و ده‌ها رساله دیگر
فرزندان آقا محمدعلی
آن مرحوم دارای 9 فرزند چهار دختر و پنج پسر به اسامی 1- آقا محمدجعفر 2- آقا احمد 3- آقا اسماعیل 4- آقا محمود 5- آقا محمد بوده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (26 -25 /10)، ایضاح‌المکنون (507/2). تاریخ بروجرد (151 -145 /1)، الذریعه (177/25، 14/22، 405، 158/17، 375/20، 21/ 59، 169- 170، 209، 246، 347، ،348 130، 101، 89/ 16، 266، 234/ 12، 95/6، 249/3، 359/2)، روضات‌الجنات (145 -142 /7)، ریحانه (399 -198 /3)، شرح حال رجال (423/3)، طرائق‌الحقائق (185 -184 /1)، فوائد الرضویه (576 -574)، الکنی والالقاب (110 -109 /2)، گنجینه‌ی دانشمندان (356 -355 /6)،

مرآت‌الاحوال (مقدمه)، معجم‌المؤلفين (44 -43 /11)، مكارم‌الآثار (567 -561 /2)، هديةالاحباب (183 -182)، هديةالعارفين (368/2).

تجلیل، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج میرزا ابوطالب فرزند مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر تجلیل (که از عباد و صلحاء زمان خود و به قوت ایمان و کمالات نفسانیه ممتاز و در شعبان 1391 ق به رحمت ایزدی پیوسته است) از افاضل دانشمندان و مبرزین تلامذه آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی است که پس از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی جز معظم‌له به درس دیگری حاضر نشده می‌باشد دارای مقام علم و تقوا و متانت و فضائل نفسانی است.
در سال 1345 ق در تبریز متولد شده و با تشویق والد بزرگوارش در سلک روحانیت وارد و پس از خواندن مقدمات ادبیه و منطق و کلام و مقداری از سطوح در تبریز در سال 1364 ق به قم مهاجرت نموده و پس از فراغت از سطوح نهائی در سال 1365 ق به درس علامه بزرگوار آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله العظمی حجت تا زمان فوتشان حاضر گردیده و نیز در فلسفه از مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن الهی و میرزا مهدی آشتیانی و زعیم مجاهد آیت‌الله العظمی امام خمینی و علامه و فیلسوف بزرگوار طباطبائی استفاده نموده است.
آقای تجلیل در خلال تحصیل نیز به تدریس مکاسب و کفایه از سال 1366 تا سال 1390 مشغول و از سال 1391 به تدریس خارج عروه و کفایه اشتغال دارد.
از موفقیت آن جناب شرکت (در لجنه ضبط مدارک شیعه) است که حضرت علامه ذوفنون مرجع عالیقدر آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی مدظله برای معاونت ایشان در جمع فضائل امیرالمومنین و ائمه طاهرین علیهم‌السلام و سائر مدارک شیعه از کتب عامه تشکیل داده و با اطلاع وسیعی که مخصوص معظم‌له است انجام می‌گیرد و انصافا این اقدام ایشان مایه فخر قرن حاضر و آن مقدار مدارکی که تاکنون جمع و مجلدات آن به طور فشرده و اسقاط مکررات اسانید و متون به عنوان ملحقات احقاق‌الحق منتشر می‌شود بی‌نظیر است.
اما آثار آقای تجلیل از مطبوع و مخطوط به قرار زیر است:
1- کتاب البیع مشتمل بر دو قسمت (1) تقریرات مرحوم آیت‌الله الکبری حجت ره 2- و نظریات خودشان که به طبع رسیده است.
2- رساله حجیه الشهره (مطبوع) که در آن حجیه شهره قدما را در فقه با شرایط خاصی اثبات شده و 18 حجت فقهی در آن مورد بحث قرار گرفته

است.
3- معجم الثقات و ترتیب الطبقات (مطبوع) که در آن 1588 نفر موثق بالخصوص و 1009 موثق بالعموم از اسانید استخراج و 1008 ممدوح از کتب شیعه جمع‌آوری شده است.
4- مدارک الحج (مخلوط) مشتمل بر احادیث هر یک از احکام حج و تقسیم آن بر حسب دلالت که با مرحوم آیت‌الله بروجردی تالیف شده است.
5- صلوه المسافر (مخطوط) تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت که آن مرحوم بر آن تفریظ نوشته‌اند که طبع شود.
6- تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی در صلوه 7- تقریرات آن مرحوم در وصیت 8- دراسات الاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله بروجردی مخطوط 9- تحریرالاصول تقریرات مرحوم آیت‌الله حجت مخطوط.
10- رساله فی الاستصحاب (مخطوط) 11- فوائد نفیسه فی الاصول (مخطوط) 12- آنچه حجاج باید بدانند (مطبوع) 13- حواشی علی مختصر المحقق (مخطوط) 14- حواشی علی العروه (مخطوط) 15- رساله فی الاجتهاد و التقلید 16- حواشی علی کتب الرجال 17- رساله فی میزان الاستدلال علی الاعتبارات 18- فلسفه حقوق اسلامی و تطبیق آن با حقوق ملل دیگر که بسیار مبسوط است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

تویسرکانی، عبدالغفار

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میرزا عبدالغفار حسینی تویسرکانی فرزند محمد حسین عالم و محقق جلیل، فقیه و مجتهد عالی مقام. که از محضر بزرگانی همچون آقا سید محمد شهشهانی وملا حسینعلی تویسرکانی و....کسب علم نمود.
وی مدتی در شهر همدان به تزکیه وکسب معارف پرداخت وآنگاه در سال 1266 ق برای تحصیل مدارج عالیه به اصفهان هجرت نمود وتا آخر عمر در در این شهر زیست .
این عالم بزرگوار در فقه واصول از شاگردان عالم برجسته مدّرس مطلق ( میر سید حسن) ودر معقول از محضر درس حکیم آقا محمد رضا قمشه ای کسب علم نمود. وی در مراتب علم چنان بود که خواص وعوام به او ارادت می ورزیدند. و به نماز ایشان در مسجد حاج محمد جعفر آباده ای حاضر می شدند.
همچنین وی یکی از مشوّقین صاحب روضات در تألیف کتاب ارزشمند خویش«روضات الجنات» بوده وخود نیز صاحب آثار ارزشمند همچون:
1- حواشی بر اسفار
2- حاشیه بر شرح اشارات
3- حاشیه بر شرایع و... می باشد.
فرزندان این عالم بزرگوار نیز مانند پدر اهل علم وفضل بودند. از جمله فرزندش حاج میرزا محمد باقر تویسرکانی از فقهاء وعلمای پرهیزگار زمان خود که صاحب آثار ارزشمند بوده و فرزند دیگرش حاج میرزا ابوالحسن تویسرکانی عالم فاضل جلیل را می توان نام برد ( هر دوی آنان کنار پدر بزرگوارشان مدفون می باشند.)
سرانجام این عالم بزرگوار در سال 1319 ق وفات یافت ودر تخت فولاداصفهان در تکیه ای که هم اکنون به نام او مشهور است مدفون گردید . ماده تاریخ فوت وی چنین است.
که مداح شوشتر زغفّار ذنب مرا سال تاریخ شد
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی القبور (415 -414)، الذریعه (94/5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1148 -1147 /13).

تهرانی، محمدحسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در سال 1376 قمری بود که مرحوم مبرور شیخ‌العلماء والمحدثین العلامة المتتبع الحاج الشیخ محمدحسن الرازی مشهور به حاج شیخ آقا بزرگ التهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه و نقباء البشر و طبقات اعلام الشیعه و غیرها وارد به قم و مورد تجلیل و تکریم آیت‌اللّه العظمی بروجردی و قاطبه علماء قرار گرفت. این بزرگوار که استاد اجازه و شیخ و جازه متاخرین و معاصرین بوده است، از علماء ابراریست که در حدود هشتاد سال از عمر شریف خود را مصروف تألیف و تصنیف نموده و ساعتی فارغ نبوده است حق عظیمی بر اسلام و مسلمین خاصه بر شیعیان و بالاخص بر روحانیون جهان دارد در یازدهم ربیع‌الاول 1293 متولد و در 1389 قمری بدرود حیات گفته است.
تولدش در تهران واقع و پس از رشد و طی مقدمات در سال 1313 ق از ایران به عراق مسافرت نموده و از محضر محقق خراسانی کفائی و شریعت اصفهانی و آیت‌اللّه یزدی اخذ علوم نموده و تقریرات فقه و اصول آنان را به رشته تحریر آورده و در سامرا از محضر آیت‌اللّه مجاهد میرزا محمدتقی شیرازی استفاده نموده و بعد به تألیف و تصنیف کتب پرداخته و الحق تألیفات مفیده و ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت و خدمت شایسته‌ای به مسلمین نمود. نسبت به این نگارنده محبت و توجهی مخصوص داشت و اجازه جامعی برایم به طرق عدیده‌اش مرقوم فرمود در سال 1378 که مشرف به زیارت روضه مرتضویه شدم به زیارتش رفتم وقتی وارد به کتابخانه‌اش شدم دیدم مشغول مطالعه و نوشتن است تا مرا دید و شناخت از جا برخاست و مرا در آغوش گرفت و معانقه گرمی نمود و فرمود کتابخانه مرا می‌بینی که همه‌گونه کتاب دارد ولی انیس من کتاب آثار الحجه تو می‌باشد که از آن بسیار استفاده کرده و می‌کنم.
معظم له دو سفر به ایران آمد برای زیارت مشهد مقدس و در هر سفر چند ماه در قم و تهران و مشهد توقف نموده و از کتابخانه‌های عمومی آستان قدس رضوی و کتابخانه ملک تهران و غیره و کتابخانه خصوصی آیت‌اللّه العظمی نجفی مرعشی مدظله استفاده نموده و مواد کتاب ارزنده الذریعه الی تصانیف الشیعه خود را تحصیل آنگاه مراجعت به نجف نمودند. بسیار بی‌آلایش و ساده و باصفا و زودباور بود و از این سادگی وی برخی از مغرضین و منحرفین از ولایت سوء استفاده کرده و در بعضی از

تألیفات او دست برده و تحریف کرده و نسبت به بعضی از اعاظم روی اغراض نفسانی اسائه ادب نموده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

جزایری شوشتری، محمدشفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1274-1211 ق)، عالم دینی، فقیه و رجال‌شناس امامی. از نوادگان سید نعمت‌اللّه جزایری بود. در شوشتر به دنیا آمد و پس از نشو و نما به اصفهان رفت و در محضر استادانی چون محمدابراهیم کلباسی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و سرانجام از وی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمدشفیع گذشته از فقه در علم رجال نیز مهارت داشت. پیکر وی در تخت پولاد اصفهان مدفون است. از آثارش: «کشف الریاض» که حاشیه‌ای است بر «ریاض المسائل» سید علی طباطبائی؛ حاشیه‌ی «نقد الرجال» میرمصطفی تفرشی؛ «رساله‌ای در منجزات مریض»؛ تحقیقات متفرقه در نحو و فقه و رجال.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکرة القبور (371 -370)، الذریعه (36/18)، معجم المؤلفین (392/13، 70/10)، مکارم الآثار (2062/6، 411 -408 /2).

جزایری شوشتری، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1384/1283 -1321 ق)، فقیه و نسّابه. معروف به امامزاده. وی در دو سالگی با پدرش به شوشتر کوچ کردند. درین شهرنشو و نما کرد و مقدمات علوم را نزد کسانی چون پدر و پسر عمویش، سید محمدعلی، فرزند سید بزرگ و دیگران فراگرفت. در سال 1344 ق به نجف رفت و به مجلس درس شیخ نعمت‌اللّه دامغانی و دیگر عالمان پیوست. پس از چندی به شوشتر بازگشت و به انجام خدمات دینی مشغول شد. چندی به کشورهای افریقایی سفر کرد. پس از بازگشت، چون پدرش به اهواز رفته بود، به آنجا مهاجرت کرد. اندکی پس از درگذشت پدر، به نجف رفت و از مجلس درس آقا ضیاءالدین عراقی و حاج سید ابوالقاسم خویی بهره‌ها برد و چندی نیز از محضر درس آق سید ابوالحسن اصفهانی استفاده کرد. سپس برای بار دوم و این بار به نمایندگی از طرف آیت‌اللّه بروجردی برای تبلیغ اسلام راهی آفریقا شد. پس از چندی به نجف بازگشت و در این شهر درگذشت. از جمله آثار وی: «بوستان پیغمبر» یا «خاندان سادات جزایری»، که زندگینامه‌ی سادات جزایری است؛ «گلستان پیغمبر» که زندگینامه‌ی سادات مرعشی شوشتر است؛ «تفسیر آیات بینات النازلة»، در فضایل اهل‌بیت سید کاینات؛ «تقریرات» برخی از دروس خودش.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (220/18، 236/4).

چهارسوقی، محمدباقر

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی اصفهانی مشهور به « صاحب روضات » عالم فاضل مجتهد، ادیب و محقق رجالی برجسته از علمای بزرگ شیعه در قرن سیزدهم فرزند عالم برجسته حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری ( مدفون در تکیه شیخ محمد تقی رازی ) می¬باشد.
این عالم بزرگوار در خوانسار متولد شد و تحصیلات خود را در اصفهان نزد علمای بزرگی چون سید محمد شهشهانی، سید صدرالدین عاملی ، شیخ محمد تقی رازی ( صاحب حاشیه)، سید محمد باقر حجت الاسلام، حاج محمد ابراهیم کلباسی و ... انجام داد. در نجف اشرف از بزرگانی چون سید ابراهیم قزوینی کسب علم نمود و از بزرگانی چون شیخ محمد کاشف الغطاء و ... اجازه دریافت نمود. پس از بازگشت به اصفهان به تدریس ، تحقیق ، تألیف و عبادت روزگار سپری نمود.
در عهد خود مرجعیت قضا و فتوی را داشت و در مسجدی که در محله چهارسوق به نام وی نام گذاری شد امام جماعت بود. در تقوی و دیانت مورد تأیید تمامی علما و مردم زمانش بود. در مقامات عرفانی او آورده اند ظل السلطان می خواست مالی را به آقا میرزا محمد باقر واگذار کند، صاحب روضات گفته بود قریه توکل آباد من برای کفاف مخارج خود و خاندانم کافی است. ظل السلطان ابتدا تصور می¬کرد که واقعا توکل آباد یکی از روستاهای آباد اصفهان است وقتی پرس و جو کرد فهمید که مقصود او توکل به خداوند است.
ایشان در شب دوشنبه 9 جمادی الاول 1313 هـ . ق در گذشت و بنا بر وصیتش در تخت فولاد در جوار قبر میرزا حسین خان کشیکچی به خاک سپرده شد.
به جهت احترام و تجلیل از مقام برجسته وی به همت میرزا سلیمان خان رکن الملک و فرزندان این عالم بزرگوار بعقه ای بر سر قبرش بنا گردید.
تألیفات ایشان عبارتند از: احسن العطیه یا شرح برالفیه ، تسلیه الاخوان، حاشیه بر شرح لعمه، حاشیه بر قوانین، رساله در ضروریات دین، رساله در شرح حدیث حی ، رساله در امر به معروف و نهی از منکر، رساله عملیه، قصاید عربی و فارسی در مدح و فضیلت اهلبیت پیغمبر، مجالسی در مصائب حضرت سید الشهداء و کتابهای ارزشمند بسیار دیگر.
او تالیفات چندی در فقه، اصول و کلام دارد. از جمله: «روضات الجنات»،

در احوال علما و سادات؛ «احسن العطیه» در شرح «الالفیه» شهید اول؛ «تسلیه الاحزان» فارسی، در مصیبت؛ حاشیه بر «شرح لمعه »؛ «ارجوزه»، در اصول فقه؛ «اقسام اسباب البلایا النازله فی هذه الدنیا علی الشقی و السعید»؛ «تفصیل ضروریات الدین و المذهب»؛ «حاشیه‌ی قوانین الاصول»؛ «قرةالعین و سرور النشاتین»؛ «رساله عملیه»؛ «رساله فی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر».
مشهورترین کتاب ایشان « روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات » به عربی است که بیش از ده سال از عمر خویش را مشغول تحقیق و تألیف این کتاب ارزشمند نموده است. این کتاب از کتاب های رجال شناسی بسیار محققانه و عمیق بوده و مورد استفاده بسیاری از محققین و رجال شناسان قرار گرفته و بسیاری ازبزرگان حواشی و فهرست ها بر این کتاب نموده اند. شهرت این کتاب به حدی بود که پس از درگذشت این عالم بزرگوار به مرور زمان این خاندان به « صاحب روضات » و فرزندان بزرگوارش به « سادات روضاتی» معروف گشتند.

حزین لاهیجی، محمدعلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1181 -1103 ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به حزین و معروف به شیخ علی حزین. وی در اصفهان متولد شد. بعد از هجوم افاغنه در سال 1135 ق به اصفهان، از آن شهر فراری شد و سرگردان، تا اینکه در سال 1146 ق از ترس نادرشاه به هند رفت و تا آخر عمر حدود سی و پنج سال در هندوستان زندگی کرد و در سال 1181 ق در حدود هفتاد و هشت سالگی در بنارس درگذشت و در همان شهر دفن شد. او از احفاد شیخ زاهد گیلانی، عارف معروف، بوده است و خطوط را بسیار نیکو می‌نوشت و صاحب کمالات صوری و معنوی بود. او سرگذشت خود و حوادث و وقایع عصر خویش را با احوال و اوضاع سیاسی به قلم شیوایی نوشته است. حزین با اکثر علوم و فنون آشنایی کامل داشت. تالیفات متعددی در نظم و نثر به عربی و فارسی داشته که مهمترین آنها عبارت‌اند از: «تذکره‌ی شعرا»؛ «تاریخ حزین»؛ «دیوان» اشعار؛ «کلیات» شامل قصاید، قطعات و مثنویهای «صفیر دل»؛ «چمن و انجمن»؛ «مطمح الانظار»؛ «فرهنگنامه»؛ و «تذکارات العاشقین»، در برابر «لیلی و مجنون».[1]
(ع. بخش 1) (شیخ) محمدعلی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی (و. اصفهان 1103 ه.ق./ 1691 م.- ف. بنارس (هند) 1181 ه.ق./ 1767 م.). وی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی است. اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمدعلی در آن شهر تولد یافت، و در حمله افغانان از اصفهان بیرون شد، و پس از سفر در بلاد ایران و عراق و حجاز و یمن به هند شتافت و تا پایان عمر در آن ناحیه بود. حزین کتابی در احوال شاعران به نام «تذکره حزین» و سرگذشتی به نام «تاریخ حزین» دارد که هر دو حاوی اطلاعات سودمندست. حزین دیوان اشعار خود را در چهار قسمت مدون کرده، و آن مشتمل بر انواع مختلف شعر است سخن او متوسط و مقرون به سادگی و روانی و حد فاصلی است میان سبک شاعران قدیم و سبک هندی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (189/7)، اعیان الشیعه (6/10)، تاریخ ادبیات ایران، براون (185 -182، 94 -93 /4)، تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (381 -379 /2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (359 -355 /1)، تذکره المعاصرین (82 -42)، لغت نامه (ذیل/ حزین لاهیجی)،

دایرةالمعارف فارسی (843/1)، الذریعه (1001- 190 /21 ،235/9 356/3،)، ریاض العارفین (68)، ریحانه (42 -41 /2)، سبک شناسی (306 -305 /3)، سرآمدان فرهنگ (301/1)، سفینه المحمود (625 -624 /2)، سیری در شعر فارسی (150 -148)، شاعری در هجوم منتقدان در شرح احوال و آثار حزین، شام غریبان (87 -86)، شخصیتهای نامی (160 -159)، شرح حال رجال (229/3)، طرائق الحقائق (520/3)، فرهنگ ادبیات فارسی (181 -180)، فرهنگ سخنوران (252)، گنج سخن (137 -134 /3)، مولفین کتب چاپی (104 -102 /4)، مخزن الغرائب (805 -801 /1)، معجم المولفین (19/11)، نامها و نامدارهای گیلان (397 -396).

حسنی داوودی، جمال‌الدین، ابوالعباس احمد

قرن:9
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(828 -748 ق)، نسب‌شناس امامی معروف به ابن عنبسه یا ابن عقبه یا ابن عنبه یا ابن عتبه. نسبش با هیجده واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. وی به عنوان بزرگترین نسابه‌ی طالبی از شهرت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بود. از شاگردان احمد بن محمد عبیدی نسب‌شناس بود و از همه مهمتر پدرزنش، ابن معیه، تاج‌الدین ابوعبدالله محمد بن قاسم، شیخ شهید اول، بود که مدت دوازده سال در فقه، حدیث، علم انساب و ریاضی و شعر سمت استادی وی را داشت و جمال‌الدین به واسطه او از علامه حلی روایت کرده است. از آثار وی: عمده الطالب الکبری فی انساب آل ابیطالب»؛ «عمده الطالب الصغری فی انساب آل ابیطالب»؛ «بحر الانساب فی نسب بنی‌هاشم»؛ «التحفه الجمالیه»؛ «تحفه الطالب»؛ «النسب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :دانشنامه‌ی ایران اسلام (743 -742 /5)، الذریعه (448 425، -424 /3 ،376 -375 /2)، ریحانه (127/8)، فوائد الرضویه (21)، کشف الظنون (1168 -1167)، الکنی و الالقاب (367/1)، هدیه الاحباب (74)، هدیه العارفین (124 -123 /1).

حسینی اشکوری، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
شب 13 ربیع‌الاول سال 1350 ق در نجف اشرف متولد شده.
مرحوم پدرش حاج سید علی اشکوری از شاگردان آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ شعبان گیلانی بود و مقداری از تقریرات اصولی و فقهی‌آقا ضیاء را نوشته است.
جدش سید حسن بن سیدعلی بن سید معصوم حسینی اشکوری از یکی از محال گیلان به نحف اشرف هجرت نموده و از شاگردان آیت‌الله آخوند خراسانی بود و حدود سال 1367 در نجف بدرود حیات گفت.
نزد اساتید برجسته‌ی نجف تحصیلات مقدمات و سطوح را به پایان رساند و در خصوص علوم ادبی عرب تخصص پیدا نموده و کوشش زیادی کرده است.
در سن هیجده سالگی ترک تحصیل نموده از نجف به بغداد رفتند و چهارسال به کسب اشتغال داشته و وضع مادی و کسبشان بسیار خوب بود، اما چون در خود قدرت انجام کارهای علمی می‌دیدند خود لازم دانستند که در این راه بذل مساعی کنند لذا به نجف بازگشته و به ادامه‌ی تحصیل پرداختند.
در نجف اشرف از سال 1378 ق به کار نویسندگی و تحقیق و تصحیح کتابهای علمی عربی پرداخته و در راه احیاء و زنده نمودن کتب قدما تا توانستند جدیت کرده و در ظرف چند سال پاره‌ای از کتابهای مهم را تحقیق و چاپ نمودند.
در اثر پیش‌آمدهائی ناگزیر به سال 1391 ه به قم هجرت نموده و مشغول به تالیف و تحقیق شده‌اند.
بیشتر اوقاتشان صرف می‌شود در تالیف کتاب «مولفات الامامیه العربیه» که بیش از صد جلد می‌باشد، و کتاب «الاسماء و مصادر» که بیش از پنجاه جلد می‌باشد و «فهرست کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی» که حدود بیست جلد می‌باشد.
سید احمد حسینی اشکوری فرزند عالم ربانی و زاهد سبحانی حاج سید علی فرزند سید حسن اشکوری در شب سیزدهم ربیع‌الاول 1350 قمری در نجف اشرف به دنیا آمده و در آنجا نشو و نما یافته و علوم اولیه و اولیات علوم دینیه را نزد افاضل علماء و مدرسین نجف خوانده و دروس عالیه را نیز به سبک سنتی معموله در نجف اشرف در خدمت جماعتی از

برزگان آن سامان به اتمام رسانده.
و اکثر از درسهای خصوصی استفاده کرده و پس از فراغت از آن در سال 1380 ق به تألیف و به تحقیق پرداخته و شوق مفرطی به مطالعه و تحقیق آثار بزرگان داشته و موفق به مطالعه و بررسی صدها کتاب نویسندگان و مولفین شده و مسافرتها به داخل و خارج کشور برای مطالعه و دیدن کتب مطبوعه و غیره نموده است.
در اواخر 1391 قمری منتقل به ایران و در قم رحل اقامت افکنده و به تألیف و تحقیق و مباحثات پرداخته و از بسیاری از شهرها و استانها دیدن نموده و درباره کتب مخطوطه کاوش و تفحص به عمل آورده و از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی دیدن کرده و بر بسیاری از مصادر صالحه و کتب مخطوطه قدیمه که از مواریث اسلامی بوده راه یافته و استفاده نموده و ده‌ها کتاب که از دانشمندان قدیم بوده به تحقیق ایشان به عراق و ایران و بیروت به طبع رسیده است.
و از کارها و تاسیسات ایشانست (مجمع الذخائر الاسلامیه) در قم و از تألیفات به چاپ رسسیده معظم له کتب زیر است:
1- الامام الحکیم در سال 1385 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
2- الامام الثائر در سال 1386 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
3- الامام الشاهرودی در سال 1386 ق در نجف اشرف به طبع رسیده.
4- فهرست مخطوطات رشتی که به کتابخانه آیت‌اللّه الحکیم اهداء شده.
5- فهرست مخطوطات خزینه امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در سال 1391 ق به طبع رسیده.
6- زندگانی شریف مرتضی در سال 1385 ق به طبع رسیده.
7- دلیل المخطوطات که جزء اول آن در سال 1397 در قم به طبع رسیده.
8- التعریف بالتراث مقالاتی که در مجله هادی چاپ شده.
9- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه گلپایگانی که جزء اول آن در سال 1357 به طبع رسیده است.
10- فهرست مخطوطات کتابخانه آیت‌اللّه مرعشی (ره) که تاکنون بیست جلد آن به طبع رسیده است.
11- تراجم الرجال در قم چاپ شده.
12- اجازات الحدیث علامه مجلسی در سال 1410 ق در قم چاپ شده.
13- تلامذه شاگردان مجلسی در قم چاپ شده.
از کتابهائی که به عربی ترجمه نموده‌اند
1- القرآن فی الاسلام در سال 1393 ق در بیروت چاپ شده.
2- رابطه العالم الاسلامی.
و از تألیفات چاپ نشده ایشان کتب زیر است:
1- مهذب الذریعه الی تصانیف الشیعه.

2- المفصل فی تراجم الاعلام.
3- حدیث جوله.
4- نهج‌البلاغه فی الشعر العربی.
5- معجم الاعلام الامامیه.
6- مولفات الزیدیه.
7- قضیه حیاتی.
8- من کل لون (از هر رنگی).
9- فهرست مخطوطات کتابخانه حکیم در نجف.
10- التراث العربی در کتابخانه آیت‌اللّٰه مرعشی.
11- اجازات الحدیث.
12- معجم المولفات القرانیه.
13- احسن المواثر فی اعلام القرن الخامس العشر.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

خاتون آبادی، عبدالکاظم

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابن میر محمّد صادق بن میر عبدالحسین عالم فاضل نسّابه، در سال 1095 متولّد، و در 21 شعبان سال 1151 وفات یافته، در صحن نجف اشرف مدفون گردیده.
وی مؤلّف شجره نامه‌ای است که در آن سادات خاتون آبادی را تا سال 1139 نام برده است.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

خزائلی، محمدعلی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد علی خزائلی
محل تولد : نجف آباد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1334/1/1
زندگینامه علمی
حاج شیخ محمد علی خزائلی فرزند عبد الله در 26 دی ماه 1334 هجری شمسی در خانواده ای زحمتکش و کشاورز و مذهبی وابسته به روحانیت در شهرستان شهید پرور و مهد علم و ایثار ، نجف آباد چشم به جهان گشود و در دامن مادری پاکدامن و علاقمند به روحانیت و عاشق و دلباخته اهل بیت (ع) بنام حاجیه معصومه مصطفایی ، تربیت و پروش یافت و ازآغاز نوجوانی علاقه وافری به روحانیت اصیل و متعهد و مراکز دین و مساجد و حوزه های علمیه داشت و در ضمن فراگیری علوم جدید ، در کار کشاورزی همراه با پدر بزرگوارش شرکت داشت. پس از اتمام دوره راهنمایی (سال 1349) در سن شانزده سالگی ، تشنگی و شوق زاید الوصف به معارف دینی و نامساعد بودن اوضاع اجتماعی آن زمان و کافی نبودن محیط مدارس دولتی برای تامین خواسته های معنوی و روحانی، ایشان را به حوزه مقدسه علمیه کشاند و با شوق و اشتیاق شروع به تحصیل علوم دین کرد و دروس اخلاق ، عقاید ، صرف ، نحو ، ادبیات ، منطق ، معالم الاصول و معانی و بیان را در محضر اساتید بزرگواری نظیر : مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی (پدر خانم خود) امام جمعه فقید نجف آباد اصفهان ، حاج دایی خود حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ ابوطالب مصطفایی ، مرحوم سید محمد باقر حسنی ، حاج سید حسین اسماعیلیان و حاج شیخ محمود واحد فرا گرفت ، و برای ادامه تحصیلات دینی و بهره گیری از اساتید بلند مرتبه در علوم بلند پایه در سال 1355 راهی حوزه علمیه قم شد و دوره سطح را خدمت اساتید گرانقدر ، آیات : فاضل هرندی ، ستوده ، سید علی محقق داماد و سید حسن طاهری خرم آبادی فرا گرفت و همراه دروس حوزوی تحصیلات متوسطه را به انجام رسانید و موفق به اخذ دیپلم گردید . پس از گذراندن سطح عالی علوم حوزوی شروع به فراگیری خارج فقه و اصول نمود و فلسفه ، اخلاق ، عرفان (کتاب های منظومه ، منطق و

حکمت ، اسفار ، فصوص الحکم و مصباح الانس ، علم هیئت) را از محضر حضرات آیات : مرحوم ایزدی ، انصاری شیرازی ، گرامی ، جوادی آملی ، محمدی گیلانی و حسن زاده آملی به طور کامل در سالیان متمادی فرا گرفت و علم رجال و درایه را خدمت اساتید بزرگوار ، آیات : آقا موسی شبیری زنجانی ، جعفر سبحانی، و تجلیل تبریزی کسب فیض نمود و تفسیرقرآن کریم را خوشه چین خرمن پرفیض مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس ایزدی ، و حضرات آیات : خزعلی ، مشکینی و جوادی آملی بود .
خارج فقه و اصول را مدت قریب 25 سال خدمت حضرات آیات عظام : گلپایگانی ، حاج شیخ جواد تبریزی ، حاج شیخ حسینعلی منتظری ، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی ، وحید خراسانی و مکارم شیرازی بود و سرانجام به یاری خداوند منان و عنایات خاصه امام زمان (عج) با تلاش و کوشش پیگیر و جدیت تمام به درجه اجتهاد نایل آمد . مبارزات و فعالیت های سیاسی : ایشان در دوران جوانی علاقمند به مسایل سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی بود . در مسایل دینی و سیاسی از حضرت امام خمینی (ره) تقلید می کرد و با هدایت و ارشاد و الگوگیری از علمای بزرگ و مبارز در دوران رژیم ستم شاهی از مبارزان و مخالفان سرسخت نظام شاهنشاهی بود و در این رابطه با یورش ماموران ساواک به حوزه ها چندین بار تحت تعقیب و به زندان افتاد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با الهام گیری از علمای بزرگ و مبارز که در داخل و خارج از کشور فعالیت داشتند و در زندان و تبعید به سر می بردند به نشر و تکثیر رساله های عملیه حضرت امام خمینی (ره) و اعلامیه های افشاگرانه و روشنی بخش می پرداخت . هم زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم ، شب و روز در فرصت های مناسب سعی می کرد با هدایت حجه الاسلام حاج شیخ محمود واحد اعلامیه های حضرت امام را که از نجف اشرف صادر و به ایران می رسید به درب منازل علما و مدرسان قم برساند و مخفیانه داخل خانه ها آنها بیاندازد .
در شهرستان های مختلف کشور به خصوص مناطق محروم به تشکیل کلاس های روشنگرانه و آگاهی بخش برای نوجوانان و جوانان عزیز میپرداخت و با عشق و علاقه و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت در مناطق دزفول و شهر کرد و اصفهان به تبلیغ و ارشاد جوانان می پرداخت .
طلاب زیادی با راهنمایی ایشان از شهرستان دزفول و شهرکهای اطراف به حوزه علمیه قم آمدند و بعدا تعدادی از آنها به شهادت رسیدند و تعدادی هم اکنون بحمد الله از فضلای آن محل شده اند و در حوزه علمیه قم به تدریس و تحقیق مشغولند .
نامبرده با عشق و ایمانی که به تبلیغ و ارشاد داشت جوانان زیادی را با مبانی و احکام اسلامی و قرآن و مقدمات انقلاب و افکار عالی علمای بزرگ و راستین آشنا نمود . بارها از طرف ماموران ساواک و چماقداران

رژیم ستم شاهی در هجوم به مساجد شهرستان های محروم مثل شهرستان بن شهر کرد ، به علت جلوگیری از سخنرانی های آتشین و افشاگرانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شبانه از آن محل در شب تاسوعا با لباس مبدل فراری داده شد . اما استاد در این راستا به خاطر اعتقاد و ایمانی که به برپایی نظام عادلانه الهی و استقرار آزادی قلم و بیان و اندیشه در چارچوب حکومت اسلامی داشت از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد ، و با استقلال و اراده قوی شب و روز در کنار تحصیل و تدریس در حوزه و دانشگاه ، مراکز علمی ، محافل و مساجد و مراکز تبلیغی به مبارزه خود علیه رژیم طاغوت ادامه داد تا بحمد الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسید . با شروع جنگ تحمیلی در جبهه های مختلف غرب و جنوب چند نوبت به یاری رزمندگان عزیز- که بسیاری از آنان هم اکنون متنعم به نعم الهی در بهشت برین اند شتافت و انجام وظیفه نمود . بعد از پیروزی انقلاب نیز در سنگر قضاوت و تدریس و تحقیقات و ارشاد و تبلیغ قرار گرفت .

تدریس : سابقه تدریس و شاگرد پروی استاد از اوایل دوران طلبگی شروع شد و هر چه ر ا فرا گرفت تدریس نمود و زمانی که رژیم پهلوی درب حوزه علمیه نجف آباد را بست در مساجد اطراف شهر به تحصیل و تدریس مشغول بود و شاگردان زیادی را در دوره ادبیات ، فلسفه ، اخلاق و تفسیر تا سطح عالی فقه و اصول تربیت نمود و نزدیک به 30 سال است در حوزه علمیه قم و بعضی حوزه های شهرستان ها و مراکز علمی و دانشگاهی اشتغال به تدریس در علوم مختلف داشته و دارند . ایشان چندین مرتبه رسائل و مکاسب و فلسفه و کفایه را تدریس نموده است و الان 9 سال است مشغول تدریس خارج اصول و مکاسب مرحوم شیخ و فلسفه هستند . همچنین نزدیک 16 سال است در مرکز امتحانات شفاهی از اعضاء هیئت ممتحنه می باشند .

خوانساری، ابوتراب عبدالعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1346 -1271 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی و رجالی. وی عالم در علوم عقلی و نقلی بود. در خوانسار متولد شد و در اصفهان تحصیل کرد. در علوم شرعیه و حساب و جغرافیا و ریاضیات و هندسه به مقام بلندی رسید. او از شاگردان سید حسین کوه کمری بود که بعد از وفات او مشغول به تدریس شد و در احکام و فتاوی مرجع خاص و عام گردید. محمدمهدی اصفهانی درباره‌ی وی رساله‌ای به نام «مواهب الباری فی ترجمه العلامه الخوانساری» نگاشته است. پیکر وی را پس از مرگ در وادی السلام نجف دفن کردند. از آثار وی: «الاحکام الوضیعه»؛ «اصاله العدم»؛ «اصول الفقه»؛ «البیان»، در تفسیر قرآن؛ «الصراح فی الاحادیث الحسان و الصحاح»؛ «سبیل الرشاد فی شرح نجاه العباد»، در ده مجلد؛ «النجوم الزاهرات»، در اثبات امامت ائمه (ع).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (156/4)، الذریعه (238/23، 172/3، 117/2، 303/1)، ریحانه (189 -187 /2)، علماء معاصرین (143 -139)، معجم المولفین (90/3).

خوئی، ابوالقاسم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولدش در نیمه ماه رجب سنه هزار و سیصد و هفده در شهر خوی واقع شده و والد ماجدش مرحوم حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی در سال 1364 قمری در مشهد مقدس برای نگارنده گفت قبل از ولادتش یکی از فضلاء خوی از شاگردان من که طلبه باتقوا و متدینی بود نزد من آمد و گفت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را در خواب دیدم و چند پیام برای شما داده و گفت فرمودند به سید علی‌اکبر بگو نماز و روزه استیجاری را بده و آن خانه را هم مال ایتام نیست مال مدعی است به صاحبش بگذار و حملی که همسرت دارد پسر است نامش را ابوالقاسم بگذار.
آن بزرگوار پس از تولد و نشو و نما در خاندان علم و دانش در سال 1330 با مرحوم والدش به نجف مشرف شده و به ادامه تحصیل پرداخته تا در مدت کوتاهی حاضر درس مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی گردیده و گوی سبقت از همگنان ربوده و تقریرات استادش مرحوم نائینی را به نام (اجود التقریرات) به رشته تحریر و طبع آورده و شهرت علمیش مخصوص در علم اصول زبانزد همه گردیده و حوزه درس مستقلی تشکیل و فضلاء بلاد از همه جا به درسش حاضر و کسب افتخار می‌نمودند.
از مزایای درس معظم‌له عربی تدریس کردن بود زیرا با اینکه ایرانی و آذربایجانی بود درس فقه و اصول خود را در مسجد الخضراء عربی سلیس و کتابی و فصیح بدون هیچ وقفه و لکنتی بیان می‌کرد که عرب و عجم از او استفاده و کامیاب می‌شدند.
مرحوم والدش حجه‌الاسلام حاج سید علی‌اکبر موسوی خوئی که از علماء مشهد و ائمه جماعت مسجد جامع گوهرشاد بودند سیدی بسیار جلیل و بزرگوار و به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد با داشتن چنین فرزند برومندی که از مبرزین علماء و مراجع و مجتهدین شیعه می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دارابی شیرازی، احمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1257 ق)، عالم و کاتب. مشهور به شیرازی. وی در نجف ساکن بود. از آثار وی کتابت «تذکره تستر» سید عبداللّٰه تستری در سال 1275 ق.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :طبقات اعلام الشیعه (قرن 78/13).

دارابی، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س یازدهم ق)، تذکره‌نویس، نویسنده و شاعر. وی گاهی عارف و گاهی شاه تخلص می‌کرد. وی از نویسندگان و شاعرانی بوده که تا اوایل سده‌ی دوازدهم هجری می‌زیسته است. تحصیلات خود را در ایران انجام داد و مدتی در خدمت شیخ بهاءالدین عاملی شاگردی کرد و بعد از آن سفرهایی به مکه و عتبات و هندوستان نمود و در بازگشت از هند مدتی نزد سید نورالدین مرعشی به مقابله کتابهای حدیث پرداخت. مدتی نیز در اصفهان زیست. از آثار او: تذکره‌ی «لطایف الخیال»؛ «لطیفه‌ی غیبیه»؛ «معراج الکمال».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات در ایران (1793 -1791 /5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (99 -87 /2)، تذکره‌ی نصرآبادی (186)، ریاض العلماء (275 -274 /5)، صبح گلشن (220)، فرهنگ سخنوران (491)، کاروان هند (854 -850 /2).

داور شیرازی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1325 -1251 ق)، فقیه، عارف، حکیم، تذکره‌نویس، شاعر، متخلص به داور. در شیراز متولد شد. در زادگاهش علوم ادبی و عربی، فقه و اصول و ریاضیات را فراگرفت و در عین حال مشغول ریاضت نیز بود. به کرمان رفت و در آنجا هم چله‌نشینی کرد و هم ریاضیات را تکمیل کرد و در شیراز مدتی به تدریس فقه و اصول و تفسسیر کلام پرداخت. داور مدتی امام جماعت شاهچراغ بود و در شاعری استاد فرصت شیرازی و قدسی مشهدی. از آثار وی: «اصلاح الفاظ»؛ «حاشیه‌ی تفسیر صافی»؛ شرح «زیارت عاشورا»؛ «ضیاء القلوب»؛ «نور الیقین فی شرح الاربعین»؛ «دیوان» اشعار؛ «مرآت الفصاحه»؛ «اساس الکمال»؛ «گنج گوهر»؛ «العشره الکامله»؛ «الاربعین»، در شرح چهل حدیث.[1]
(شیخ) محمد مفید بن محمد نبی بن محمد کاظم بن عبدالنبی شیرازی، امام جماعت شاه چراغ در شیراز و مردی فاضل (و. 1251- ف. شیراز 1325 ه.ق.). وی استاد فرصت بود افادات او در باب اشعار حافظ در حواشی دیوان حافظ چاپ قدسی مندرج است. قبرش در قبرستان «درسلم» در جنوب شیراز است
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] آثار العجم (33 -26)، ایضاح المکنون (688، 461، 265، 101، 2/ 90، 1/)، تاریخ تذکره‌های فارسی (263 -247 /2)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (517 -493/ 2)، الذریعه (268 -267 /127، 15 /1088 -1087، 319 /9)، ریحانه (360 -359 /5)، مرآت الفصاحه (مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (271 -270 /6)، هدیه العارفین (469/2).

دربندی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1286/1285 ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. مشهور به فاضل دربندی. متولد و بزرگ شده‌ی دربند ایران. مدتی در کربلا زیست. دربندی از شاگردان شریف العلمای مازندرانی بود و از معاصران شیخ مرتضی انصاری. در بلاغت و فصاحت عرب و عجم و علوم عربی و رجالی و کلام و حکمت بی‌نظیر بود. میرزا محمد تنکابنی، صاحب «قصص العلماء»، و میرزا سید محمدرضا موسوی هندی، ملقب به میرزا علی جاه بهادرخان، از شاگردان وی بودند. در تهران درگذشت و در کربلا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «اسرار الشهاده» یا «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات»، و ترجمه قسمتی از آن به نام «سعادات ناصری»؛ «جواهر الایقان»؛ «الجوهره» یا «جوهر الصناعه»، در اسطرلاب؛ «خزائن الاحکام»؛ «خزائن الاصول»؛ «قوامیس القواعد»، در رجال؛ «قوامیس الصناعه فی فنون الاخبار»، در اخبار و تراجم.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (18 -17 /1)، اعیان الشیعه (88 -87 /2)، الذریعه (153، 152 /7، 291، 289 /5، 279، 46 /2)، ریحانه (216/2)، شرح حال رجال (138 -137 /4)، قصص العلماء (113 -107)، الکنی و الالقاب (229 -228 /2)، لغت نامه (ذیل/ فاضل)، المآثر و الآثار (139)، معجم المؤلفین (309، 304 /2)، هدیه الاحباب (135 -134).

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، تذکره‌نویس. تذکره‌ای به نام «چمن سرور» در لطایف شعری و نثری و حکایتها برای امیرزاده اسماعیل مرعشی تالیف کرده است؛ «اقبالنامه»؛ تنظیم فهرست و نگارش دیباچه و ملحقات به «سفینه‌ی خوشگو» به دستور محمدعلی میرزای دولت شاه و پس از وی فرزندش حشمت‌الدوله، که حدود دوازده سال تنظیم و جمع‌آوری این نسخه‌ی مشوش، به طول انجامید.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (1/ 713- 716)، فهرستواره کتابهای فارسی (310/1).

دوانی، علی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
نویسنده ارجمند و خطیب دانشمند حجه‌الاسلام آقای حاج شیخ علی دوانی از مشاهیر گویندگان و معاریف نویسندگان و اساتید اهل منبر و وعظ و خطابه و عالمی کامل و فاضلی عامل و ادیبی ادیب و شاعری حسیب و محققی فرزانه است.
وی در سال 1308 شمسی در «دوان» نزدیک کازرون که تا شیراز بیست فرسنگ فاصله دارد و زادگاه فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی می‌باشد به دنیا آمده و در سن 8 سالگی از موطن خود به آبادان نزد ارحامش که در آنجا ساکن بودند رفته و 7 سالی در آنجا اقامت و دروس مقدماتی را در این شهر آموخته و سپس مهاجرت به نجف نموده و در تحت رعایت و توجهات مخصوص مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی حدود 4 سال و نیم در نجف اشرف اقامت و به فرا گرفتن علوم دینی از ادبیات و سطوح وسطی در خدمت مدرسین بزرگواری چون آقا شیخ کاظم تبریزی و آقا شیخ علی کاشانی و حاج شیخ علی‌آقا فلسفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدرضا طبسی و غیرهم پرداخت و ضمنا خود به تدریس دروس خوانده اشتغال داشته تا در سال 1327 شمسی به واسطه کسالت عارضه عازم ایران و پس از زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در محرم آن سال در شهر (نهاوند) برای نخستین بار سرگرم وعظ و تبلیغ گردیده و در همان شهر با صبیه مرحوم آیت‌الله آقا احمد آل آقا نهاوندی از احفاد مرحوم استاد کل آقا محمدباقر وحید بهبهانی ازدواج و ناگزیر رحل اقامت در قم افکنده و بقیه سطوح را از دانشمندان حوزه چون آیت‌الله صدوقی یزدی و آیت‌الله لاکانی و آیت‌الله العظمی آقای مرعشی نجفی به پایان رسانیده و دروس معقولی شرح منظومه را هم خدمت آیت‌الله فکوری یزدی و آیت‌الله آقا رضای صدر و قسمتی از اسفار و تفسیر قرآن را از محضر علامه بزرگوار آقای طباطبائی فراگرفته و پس از دادن امتحان در دروس خارج آیت‌الله العظمی بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی حاضر و بهره‌مند گردیده است.
در سال 1337 شمسی با همکاری جمعی از افاضل حوزه‌ی علمیه قم مجله درس‌هائی از مکتب اسلام را تاسیس و خود یکی از اعضاء موسس و هیئت مدیره و تحریریه اصلی آن مجله بوده و پس از تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم به عنوان استاد تراجم علماء شیعه مدت 6 سال اشتغال به

تدریس داشته است.
جناب آقای دوانی در مدت 22 سالی که در قم اقامت داشت در محرم و صفر و ماه مبارک رمضان مانند اکثر فضلاء سخنگوی حوزه علمیه در اغلب شهرهای ایران و بعضی جزایر مانند (خارک) و کویت 7 سال متوالی مسافرت کرده و در همه جا مواجهه به استقبال گرم مردم شده و خدمات ارزنده و آثار خالده‌ای چون تاسیس مساجد و مدارس و نشر معارف اسلامی شیعه نموده و سفری هم به کشورهای عربی کرده که مشاهدات و مطالعات خود را طی کتابی به نام سفری به ممالک عربی خاورمیانه نوشته که هنور به طبع نرسیده است.
آقای دوانی از نویسندگان مشهور امروز به شمار می‌رود و تاکنون 24 کتاب پر ارزش تالیف و تصنیف و ترجمه و منتشر نموده که می‌نگاریم:
1- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی.
2- شرح زندگانی استاد کل وحید بهبهانی.
3- مقدمه و اصلاح کتاب شاه راه هدایت.
4- فروغ هدایت ترجمه کتاب مصباح‌الهدایه آیت‌الله حاج سید علی بهبهانی
5- ترجمه سیزدهم بحارالانوار به نام:(مهدی موعود)
6- مقدمه و اصلاح و اضافات تاریخ قم مرحوم ناصرالشریعه.
7- شرح زندگانی آیت‌الله بروجردی.
8- داستانهای اسلامی جلد اول.
9- داستانهای اسلامی جلد دوم.
10- نهضت روحانیون ایران.
11- اجتهاد در مقابل نص ترجمه النص و الاجتهاد مرحوم شرف‌الدین عاملی.
12- صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام ترجمه مواقف صانحه فی تاریخ الاسلام.
13- داستانهای ما جلد سوم داستان‌های اسلامی.
14- هزاره شیخ طوسی 2 جلد.
15- شعاع وحی بر فراز کوه حرا.
16- سیمای جوانان.
17- علی علیه‌السلام چهره درخشان اسلام.
18- تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا- فرانسه- سویس- ایتالیا- جزایر دریای مدیترانه.
19- سیری در زندگانی شیخ طوسی.
20- شیعه در اندونزی.
21- در پیرامون همسران پیامبر.
22- موعودی که جهان در انتظار اوست.

23- جهانگردی و جهان گردان نامی.
24- آثار تمدن اسلام در اسپانیا و پرتقال.
مضافا بر آثار مطبوعه مذکوره ایشان مدت بیست سال است که سرگرم نگارش تراجم علماء شیعه و بیوگرافی دانشمندان اسلام بوده‌اند و از سال اول انتشار مجله مکتب اسلام تا سال پنجم را از کلینی تا شهید ثانی نوشتند و اکنون پس از مطالعات عمیق و جمع آوری منابع و مدارک سنی و شیعی وزیدی و اسماعیلی و داخلی و خارجی در بیش از ده جلد به عنوان (مفاخر اسلام) آماده چاپ دارند و کتاب (شرح زندگانی وحید بهبهانی) ایشان مورد توجه خاص آیت‌الله العظمی بروجردی واقع شد و از طرف آن مرحوم به دریافت بهترین جایزه و عالیترین تشویق و تقدیر قرار گرفتند.
و تا سال 1390 ق در قم اقامت داشتند ولی مدت 3 سال است که در تهران مقیم هستند و به کار تالیف و تصنیف و تبلیغ مبانی اسلام اشتغال دارند و ایشان گذشته از ذوق و شوق نویسندگی دارای طبع روان می‌باشند و اشعار بسیاری در مدایح و مرائی اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام و فقدان مراجع بزرگ و قصاید دیگر سروده‌اند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

دیوان بیگی شیرازی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1241- وف بعد از 1313 ق)، تذکره‌نویس، مورخ. از اهالی محله‌ی میدان شاه شیراز بود و معاصر ناصرالدین شاه و دارای منصب ایشک آقاسی باشی بود. وی سفرهای مختلف به اقطار ایران داشت و در طی همین مسافرتها با بسیاری از شاعران دیدار کرد و شرح حال آنها را فراهم نمود و در نگارش تذکره بزرگ و نسبتا جامع خود «حدیقه الشعراء» بهره جست. در این تذکره بیش از 1500 تن از شاعران ایران در فاصله‌ی سالهای 1200 ق تا 1310 ق معرفی شده‌اند. آثا دیگر وی: «تاریخ یزد» یا «اخبار الیزد»؛ «کتابی در مصائب اهل‌بیت نبوت (ع)» و ذیلی بر کتاب «ریاض الجنه». وی در شیراز درگذشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران، دوره‌ی بازگشت (74 -73 /2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (457 -439 /1)، حدیقه الشعراء (مقدمه کتاب)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (213 -212 /1)، الذریعه (385/6)، شرح حال رجال (28 -27 /6)، مکارم الاثار (1140 -1139 /4).

ذکری کاشانی، تقی‌الدین محمد

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1024/1022 -946 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به ذکری و معروف به میر تذکره. در کاشان متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. وی پیش محتشم کاشانی شاگردی کرد و به تتبع دیوانها و جمع‌آوری شرح حال شاعران پیش از خود و معاصر خویش پرداخت و مشروح‌ترین تذکره‌ی شاعران فارسی، «خلاصه الاشعار و زبده‌الافکار» را فراهم آورد. از دیگر آثار وی: «مجمع القصاید»، مشتمل بر قصیده‌هایی که مولف از متقدمان برای تذکره‌ی خود برگزیده در پنج مجلد؛ تدوین «دیوان» محتشم؛ «ماثر الخضریه»، در شرح حال و آثار خضرای نهاوندی، حاکم کاشان و روزگار شاعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ ادبیات ایران (1715 -1713 /5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (563 -524 /1)، تاریخ نظم و نثر (379)، دایره المعارف فارسی (907/1)، الذریعه (339، 174 /9، 212/7، 31، 30 /4)، فرهنگ سخنوران (190)، مکتب وقوع (518 -494).

رازی، ابوحاتم محمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(277 -195 ق)، حافظ، محدث، مفسر و رجال شناس اهل سنت. معروف به حافظ شرق. چون ساکن محله‌ی درب حنظله‌ی ری بود، او را حنظلی نیز گفته‌اند. از چهارده سالگی به استماع و کتابت حدیث پرداخت و در کسب علم سرگشته‌ی شهرها شد. به عراق و شامات و مصر و حجاز سفر کرد و از علمایی چون عبیداللّه بن موسی و ابونعیم، در کوفه و محمد بن عبداللّه انصاری و اصمعی، در بصره و هوذه بن خلیفه در بغداد، و ابومسهر در دمشق و ابویمان در حمص، و سعید بن ابی‌مریم در مصر و بسیاری دیگر حدیثها شنید و در طلب آن بیش از هزار فرسنگ راه با قدم پیمود. او از کارشناسان بزرگ متن و اسناد حدیث و جرح و تعدیل راویان حدیث بود، لذا به او شیخ‌المحدثین نیز گفته‌اند. وی از اقران بخاری، مسلم، ابوزرعه رازی و ابوزرعه دمشقی بود و این دو از راویان ابوحاتم هستند. ابوداوود و نسائی، صاحبان «سنن»، به نقل حدیث از او پرداخته‌اند و نسائی از وی تعبیر به «ثقه» کرده است. از شاگردان بنام او فرزندش، عبدالرحمان بن ابی‌حاتم است. ابن ابی‌حاتم در مقدمه‌ی کتاب «الجرح و التعدیل» شرح حال زیبای برای پدر نگاشته و به نکاتی که حاکی از عظمت قدر و وسعت حفظش می‌باشد، اشاره کرده است. عبداللّه بن جعفر حمیری شیعی و سعد بن عبداللّه اشعری قمی نیز از راویان او هستند. او در هشتاد و دو سالگی در ری درگذشت. از آثر وی: «تفسیر القرآن»؛ «الجامع فی الفقه»؛ «الزینه»، در حدود چهارصد برگ؛ «طبقات التابعین».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (250/6)، تاریخ بغداد (77 -73 /2)، تهذیب التهذیب (29 -27 /9)، الجرح و التعدیل (مقدمه/ 368 -349، ق 2 ج 204/3)، دایرةالمعارف فارسی (29/1)، رجال ابن‌داود (قسم 498/2)، رجال الطوسی (512)، رجال النجاشی (401/1)، ری باستان (349 -348 /2)، ریحانه (286/2)، سیر النبلاء (263 -247 /13)، الفهرست ابن‌ندیم، ترجمه (354)، الفهرست الطوسی (276)، الکنی و الالقاب (44/1)، لغت نامه (ذیل/ رازی، ابوحاتم رازی)، معجم المؤلفین (35/9)، الوافی بالوفیات (183/2)، هدیه العارفین (19/2).

راهب هروی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س سیزدهم ق)، شاعر و تذکره‌نویس. اصل وی از هرات بود. کتابی موسوم به «دیر راهب» به نظم درآورد و «تذکره‌ای» به نام علیرضا پاشا، والی بغداد، تنظیم کرد که ناتمام ماند. از اوست:
آنان که شب و روز مرا مونس و یارند
یکروزه چو گل، یک شبه چون شمع مزارند
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تایخ تذکره‌های فارسی (240 -239 /1)، فرهنگ سخنوران (367)، مصطبه‌ی خراب (70 -69).

رحمان ستایش، محمدکاظم

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد کاظم رحمان ستایش
محل تولد : شیراز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
درسال 1360 شروع به تحصیل دروس حوزوی نمودم. در شیراز از درس حضرت آیت الله سید علی اصغر دستغیب و استاد شیخ علی موحد تا اتمام لمعتین و اصول فقه استفاده کردم. در سال تحصلی 63 تا 64 به قم مهاجرت کردم و یک سال در مدرسه امام مهدی (عج) زیر نظر آیت الله العظمی گلپایگانی تحصیل کردم. دروس سطح عالی را نزد اساتید برجسته حوزه آقایان شیخ علی پناه اشتهاردی، وجدانی فخر، اعتمادی، پایانی، ستوده، روشنی، تا سال 1366 گذراندم. فلسفه را از دروس آقایان روشنی، انصاری شیرازی، حسن زاده آملی استفاده کردم. از سال 1366 در درس اساتید خارج فقه و اصول شرکت کردم که شرح آن چنین است :2 سال کتاب القصاص آیت الله مشکینی، 5 سال ولایت فقیه و کتاب الزکات آیت الله منتظری، 7 سال کتاب الطهارةو صلاة و حدود آیت الله تبریزی، 4 سال خارج اصول آیت الله تبریزی، 2 سال خارج اصول آیت الله فاضل لنکرانی، 3 سال خارج بیع آیت الله وحید خراسانی،15 سال خارج اصول آیت الله وحید خراسانی، 2 سال خارج اجاره آیت الله شبیری زنجانی،3 سال خارج خلل صلاة و کتاب الحج آیت الله سید محمد روحانی،3 سال تعطیلات درس رجال استاد سید محمد جواد شبیری، 5 سال تفسیر آیت الله جوادی آملی، تقریر همه دروس و اکثرا به عربی تدوین شده است. در سال 1371 فعالیت پژوهشی رسمی را با همکاری با معاونت اندیشه اسلامی مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (درآن زمان) آغاز کردم.
درسال 1374 در راه اندازی پژوهشکده فقه و حقوق دفتر تبلیغات مشارکت داشته و تا سال 1380 به صورت مستمر با این پژوهشکده همکاری داشته ام. مدیریت گروه پژوهشی، تاسیس و مدیریت کتابخانه تخصصی فقه وحقوق را نیز بر عهده داشته ام. از سال 1377 به مرکز

تحقیقات دار الحدیث دعوت شدم و به عنوان مدیر گروه رجال فعالیت نمودم از سال 1378 معاونت پژوهشی و آموزشی این مرکز را نیز پذیرفتم و تا کنون در این سمت بوده ام. در طول سال های 1381 و 1382 با موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی همکاری داشته ام و ضمن فعالیت پژوهشی، مدیریت و راه اندازی واحد پژوهش های گفتاری را بر عهده داشته ام. در تمام این مدت در ضمن مسئولیت و مدیریت پژوهشی، فعالیت پژوهشی مستمر و تدریس هم داشته ام. برخی از آثار پژوهشی هم به عنوان آثار برگزیده یا تشویقی معرفی شده اند. گذشته از این آثار، محصولات مختلفی نیز با نظارت یا راهنمایی یا مشاوره اینجانب تدوین شده است که شرح آن به قرار زیر است. 1. راهنمایی یا مشاوره حدود 20 پایان نامه کارشناسی ارشد در مراکز مختلف آموزشی2. اشراف/ معجم مصطلحات الرجال و الدرایة / دار الحدیث 3. نظارت/ دانش رجال از دیدگاه اهل سنت/ دار الحدیث 4. نظارت/ مأخذ شناسی رجال شیعه/ دار الحدیث 5. جهود الشیخ المفید و مصادره الفقهیه/ بازنویسی دو فصل آن/ دفتر تبلیغات 6. گفتگوهای فلسفه فقه/ شرکت در گفتگوها/ دفتر تبلیغات .

رویدشتی اصفهانی، حمیده

قرن:11
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1087 ق، از زنان عالم، فاضل، عارف و رجالی. وی دختر مولانا محمد رویدشتی اصفهانی، از شاگردان شیخ بهایی، بود. به نوشته صاحب ریاض. این بانو نزد پدرش درس خوانده بود. پدرش او را می‌ستود و با ظرافت می‌گفت: «حمیده ربطی به رجال دارد! یعنی توجه به علم رجال دارد.» و با مزاح او را «علامته» (با دو تاء) می‌خواند و می‌گفت: یکی از این دو تاء برای تانیث و دیگری علامت مبالغه است!» وی می‌نویسد: «این بانو... استاد بانوان عصر خود بود و در علم رجال اطلاع کافی داشت و هم دارای نوشته‌های پاکیزه بود. او بازمانده فضلای سرشناس و زنی پرهیزگار بود. حواشی و دقت نظرهایی بر کتب حدیث مانند استبصار شیخ طوسی و غیره دارد که دلالت بر نهایت فهم و دقت نظر و اطلاع وی می‌کند؛ به خصوص در آنچه مربوط به تحقیق در علم رجال است. من نسخه‌ای از استبصار را دیده‌ام که تا آخر کتاب را حاشیه زده بود و گمان می‌کنم به خط خود او (حمیده) بود.» و می‌افزاید: «پدرم (قدس سره) بارها حواشی او را در حاشیه‌های کتب حدیث نقل می‌کرد و می‌گفت که نیکو نوشته آن را تحسین می‌کرد. نسخه‌ای از کتاب استبصار در نزد ماست که حواشی حمیده به خط پدرم تا آخر کتاب صلوة بر آن است و دارای فواید نیکویی است. از اتفاقات شگفت‌آور این است که این دختر به خواهش مادرش با مردی نادان از بستگان خود در آن قریه ازدواج کرد.»
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منابع: تذکرةالقبور، 30؛ الذریعه، 103 / 7 18 / 6؛ ریاض‌العلماء، 405 -404/ 5 طبقات اعلام‌الشیعه، 192 -191 / 5؛ فهرست کتابخانه عمومی معارف (کتب خطی)، 56 / 1؛ مفاخر اسلام، 121 -120 / 8؛ النساءالمؤمنات، 311 -310.

روضاتی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج میر سید احمد روضاتی اصفهانی بن مرحوم حجةالاسلام و المسلمین حاج سید محمد باقر بن مرحوم علامه فقیه آیت‌اللّه آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی ابن مرحوم علامه کبیر شهیر آیت‌اللّه اقا سید محمد مسیح بن مرحوم علامه مشهور در آفاق آیت‌اللّه العظمی آقا سید محمد باقر خونساری صاحب کتاب معروف (روضات‌الجنات) از علماء معاصر تهران است. وی در هفتم ماه رجب سال 1347 ق در اصفهان بدنیا آمده و پس از تحصیلات علوم جدید بتحصیل علوم دینی پرداخته و مقدمات و سطوح عالی را در اصفهان خوانده آنگاه به قم آمده و کفایه را از محضر آیت‌اللّه العظمی مرعشی نجفی مد ظله و آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حایری فراگرفته و بدرس خارج مرحومین آیتین خونساری و حجت شرکت نموده و در خلال آن شرح تجرید و شرح شوارق لاهیجی را از حضرت آیت‌اللّه العظمی حاج احمد خونساری مد ظله استفاده نموده و از محضر و درس فقه و مقداری اصول آیت‌اللّه العظمی بروجردی اعلی اللّه مقامه بهره‌مند گردیده و تقریرات دروس ایشان را برشته تحریر درآورده خصوصا مسئله لباس مشکوک را بصورت رساله جداگانهای بنام (السبیل المسلوک فی اللباس المشکوک) نوشته و پس از ده سال اقامت در قم باصفهان مراجعت و بتدریس معالم و شرح لمعه در مدرسه صدر و اقامه جماعت در مساجد اجداد خود مانند (مسجد البادران هنگام ظهر و مسجد خیابان هنگام شب و مسجد شیخ بهائی هنگام صبح) و بیان درس تفسیر قرآن کریم برای مؤمنین اشتغال داشته سپس بر حسب تصادف به تهران آمده و جمعی از مومنین و نماز گزاران (مسجد الرحمن) واقع در شمال تهران از معظم له برای اقامه جماعت در آن مسجد تقاضا نموده و ایشان هم اجابت و تا این تاریخ بانجام وظیفه اشتغال دارد.
نگارنده گوید: علامه روضاتی معاصر را از اولی که در حوزه علمیه قم دیده و آشنا شده اهل مطالعه و تألیف و تصنیف یافتم همواره موفق بوده و میباشد و از تالیفاتی که از آن جناب بطبع رسیده کتب زیر می‌باشد:
1- کتاب (المستدرکات علی روضات الجنات) که مدت 12 سال در تألیف آن رنج برده و هر چه از قلم جدش در اصل کتاب ساقط شده از تراجم دانشمندان شیعه و سنی همه را با مدارک متقن تا عصر حاضر استدراک نموده که با اصل روضات طبع میشود.

2- کتاب (مناهج المعارف یا فرهنگ عقاید شیعه) که اصل کتاب از تألیفات جد اعلای وی مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج میرزا ابوالقاسم خونساری معروف به میر کبیر است که از شاگردان علامه مجلسی صاحب بحارالانوار بوده و یکدوره اصول دین را بفارسی در کمال تحقیق تألیف فرموده و این کتاب در (300 صفحه) بطبع رسیده و نصف از کتاب پاورقی‌های مبوسط ایشانست و مقدمه مبسوطی مشتمل بر شرح حال مؤلف و خاندان و فرزندان او نوشته است و کتاب بسیار نفیسی میباشد.
3- (سلسله المخطوطات) و آن عبارت از چاپ کتابهای دانشمندان قدیم است که چاپ نشده بضمیمه مقدمه و پاورقیها که دو نمونه آن بطبع رسیده است:
1- کتاب (النهریه) که چهار رساله فقهی است با مقدمه و پاورقی ایشان که در سال 1377 ق بطبع رسیده.
2- کتاب (زواهر الجواهر) که با مقدمه و تذییل ایشان در سال 1379 چاپ شده است.
3- کتاب (گفتگوی شیعه و سنی) که تاکنون دو مرتبه چاپ شده است.
4- کتاب (فلسفه روزه) که نیز دو مرتبه بطبع رسیده است.
5- کتاب (میزان‌الانساب) که اصلش از تألیفات جد وی مرحوم آیت‌اللَّه العظمی میرزا محمد هاشمی چهار سوقی صاحب (کتاب مبانی الاصول) با مقدمه و تذییل زیادی از ایشان در سال 1373 ق چاپ شده است.
6- کتاب (فوائد منطقی) با شرح کبرای منطق که اصل آن تألیف اسفرائینی با مقدمه و پاورقی در سال 1385 در اصفهان چاپ شده است.
7- مقدمه مبسوطی بر کتاب سفینه البحار مرحوم محدث قمی.
8- مقدمه بر کتاب رسائل شیخ انصاری.
9- مقدمه بر کتاب حاشیه جواد بر قوانین که بطبع رسیده است.
10- ندای شیعه از انتشارات (مسجد الرحمن) که تاکنون چندین شماره آن بنامهای زیر چاپ شده: 1- چرا امام حسین علیه‌السلام قیام فرمود. 2- چرا ما باید فقط مسلمان باشیم 3- بررسی کوتاهی از شخصیت حضرت زهراء علیهاسلام. 4- چرا ما باید فقط شیعه باشیم.
11- کتاب (شیعه و ترقیات شگفت‌آور آنان) که در طی 12 شماره از روزنامه چهل ستون از شماره 142 تا (155) سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار قمری در اصفهان چاپ شده است.
اما تألیفات چاپ نشده آن جناب از این قرار است:
1- السبیل المسلوک در لباس المشکوک.
2- (مغانم الفصول فی شرح معالم الاصول) که شرح مزجی بر کتاب معالم الاصول است و مرحوم علامه رازی در (جلد 14 کتاب الذریعه ص 70) و در حرف میم هم در جلد 21 ص 293 آن را ذکر کرده است.

3- رساله در عدالت.
4- سیر علم الاصول فی مختلف العصور که تاریخچه‌ای است از علم اصول.
5- موقظ الاعلام فی تراجم الاسره و الاقوام در سه مجلد تألیف نموده و شرح حال و تراجم سه خاندان بزرگ در آن ذکر شده و مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی هم در کتاب (مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال در صفحه‌ی 64 آنرا معرفی کرده است).
6- کتاب (المشایخ و الاساتذه) که شرح حال اساتید و مشایخ اوست و مرحوم صاحب الذریعه در جلد 21 ص 39 آن را یاد کرده است.
7- کتاب محاسن الاجازات فی سلسله الروایات که نیز آن مرحوم در جلد 20 ص 133 آنرا تعریف نموده.
8- کتاب (سیره صاحب الروضات و حیاته العلمی)
9- کتاب (علماء الاسره) که شرح حال علماء خاندان خود را نوشته است.
10- کتاب مناظرات مذهبی در 3 مجلد که جلد اول آن بنام (گفتگوی شیعه و سنی) چاپ شده است.
11- صوفی بازی در 2 جلد رد بر صوفیه.
12- پاسخ پرسشها در سه مجلد که جلد اول آن (فلسفه روزه) بچاپ رسیده.
13- فرهنگ منظوم یا شرح نصاب.
14- فلسفه نماز.
15- در پیرامون کتاب فلسفه روزه.
16- کتاب ماحرای (ریش و سبیل) در اثبات حرمت ریش تراشی نوشته است.
17- گمراهان باب و بهاء.
18- کتاب (الفوائد النمینه) در دو مجلد که صاحب الذریعه در جلد 16 صفحه‌ی 329 یاد کرده است.
19- قلائد العقیان ترجمه سوره حمد از تفسیر تبیان شیخ طوسی.
20- ترجمه مسکن الفوائد شهید ثانی.
21- کتاب (الوجوه الکشره فی ترجمه ابن العشه که شرح حال عجیب و غریب ابن العشره است و مختصر آنرا در مقدمه (زواهر الجواهر) بطبع رسیده است.
22- حواشی بر کتب درسی.
23- حواشی بر کتب رجالی.
علامه روضاتی معاصر دارای بیست و سه اجازه روایتی جامع و غیره از آیات عظام و مشایخ کرام اجازه گذشته و معاصرین میباشد که برای رعایت اختصار از ذکر آنان خودداری نمودم و شرح حال و مآثر و آثار آن

جناب را اکثر نویسندگان رجالی حاضر در کتب خود ذکر کرده‌اند و ترجمه و شرح احوال خاندان و اسلاف جلیل ایشان زینت‌بخش کتب رجالی میباشد و ما بعضی از آنها را در باب اصفهان نگاشتیم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)

روضاتی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی بن آیه‌الله العظمی آقا میرزا مسیح روضاتی در 21 ماه صفر 1283 در اصفهان متولد شده و در فقه و اصول بدرجه عالیه اجتهاد رسیده و از مشایخ خود اجازه اجتهاد داشت و تمام عمر خود را بمطالعه و تألیف و اقامه جماعت و نشر احکام صرف کرد و کتابخانه بسیار نفیسی داشت که همیشه در گوشه آن مشغول تألیف بود و در خدمت مرحوم حاج میرزا بدیع و جد خود صاحب روضات و عموی خود صاحب مبانی الاصول تلمذ نموده و از جدش صاحب روضات و عمو و پدرش خود اجازه داشت و در مدت حیاتش در مسجد خیابان اقامه جماعت نموده و نشر احکام میفرمود. از آثار و تألیفات ایشانست کتاب بزرگ (مکائد الشیطان) و نیز شش جلد بزرگ که هر جلدی بیش از پانصد صفحه است در جنگ متفرقات.
در 16 ماه رمضان 1360 قمری وفات نموده و در مقبره جدش مدفون گردیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

روضاتی، محمد باقر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
بیت روضاتی اصفهان از بیوتات اصیل و ریشه‌دار علمی استان اصفهانست.
سر سلسله این بیت مرحوم مبرور سیدالفقهاء والمجتهدین آیه‌الله حاج سید محمد باقر موسوی خونساری صاحب کتاب مستطاب (روضات الجنات) میباشد.
این بیت بیش از یکقرن است که در اصفهان و غیره خدمتگزار دین بوده و هستند.
از این بیت رجال علم و دانشمندان بزرگ برخاسته‌اند و اکنون مردان با فضیلتی از این بیت در اصفهان مانند حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمود روضاتی بخدمات دینی اشتغال دارند.
از معاریف معاصر این بیت جناب حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد روضاتی مقیم تهرانست.
والد آنجناب مرحوم حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سید محمد باقر روضاتی فرزند فقیه مجتهد آیه‌الله آقا میرزا جلال‌الدین روضاتی در 12 ربیع المولود 1316 قمری در اصفهان متولد شده و تحصیلات خود را نزد علماء اصفهان مانند مرحوم آقای حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا احمد مدرس اصفهانی و حاج میرزا محمد رضا خونساری و آقا شیخ محمد خراسانی و آقا سید مهدی درچه‌ای و آقای حاج میرزا محمد صادق مدرس در فقه و اصول تلمذ نموده و از مرحوم آیه‌الله آقا شیخ محمد حسین فشارکی و آیه‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیه‌الله العظمی بروجردی و آیه‌الله صدر و آیه‌الله حاج سید محمد تقی خونساری اعلی‌الله مقامهم اجازه روایتی داشته و تا آخر عمر در مسجد خیابان و مسجد شیخ بهائی اقامه جماعت و ترویج دین و بیان احکام نموده تا در روز 29 ماه رجب 1383 قمری در اصفهان وفات نموده و با تشییع کم نظیری در تکیه (مقبره) جد خود صاحب روضات مدفون و جمعی از ادباء و شعراء اصفهان در رثاء ایشان قصائدی گفته‌اند از جمله آقای برنا گوید:
باقر عالم فاضل ز جهان کرد عبور
شد پناهنده بدرگاه خداوند غفور
زد رقم از پی تاریخ وفاتش (برنا)
باقر عالم و زاهد بجنان شد مسرور
1383 قمری

از آثار اوست کتاب کوچکی در نحو فارسی که ظاهرا شرح و ترجمه (عوامل ملا محسن) است.
2- کتابی در شرح لغات تاریخ معجم 3- جنگی در متفرقات شبیه کشکول.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد سوم)

## رونق سنندجی، عبداللّٰه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1280 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به رونق. اصلش از همدان بود. جدش به سنندج آمد و متوقف شد. وی نیز در آنجا متولد گردید. در خدمت والیان سندج منشی بود. وی تذکره‌ای در احوال و اشعار شعرای کردستان نگاشت و به نام امان‌اللهی والی، آن مجموعه را «حدیقه امان‌اللهی» نام گذاشت، که در تذکره‌ها به نام «تذکره‌ی صغیر» نیز معروف است. ظاهرا تذکره‌ی دیگری هم به نام «تذکره‌ی کبیر» داشته است. رونق اندکی از اشعار خود نیز را در خاتمه‌ی آن نقل نموده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (438 -436 /1)، حدیقه امان‌اللهی (مقدمه)، حدیقه الشعراء (698 -697 /1)، فرهنگ سخنوران (405)، مجمع الفصحا (339 -338 /4).

ریحان یزدی، علیرضا حسینی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1363 -1290 ش)، فقیه، مفسر، مورخ، رجالی، نویسنده و شاعر. در یزد متولد شد. پس از تحصیل مقدمات در بیست و یک سالگی برای تکمیل تحصیلات خود به قم مهاجرت کرد و از محضر آیت‌اللّه حائری و استادان دیگر استفاده برد. سپس به تهران آمد و به انجام وظائف مذهبی و ترویج دین مشغول شد. گاه گاهی شعر می‌سرود. و غزلیاتی دارد. از آثارش: «آینه‌ی دانشوران»، دائرةالمعارف گونه‌ای حاوی بیوگرافی علمای یزد و معاصران نویسنده در قم و تاریخ تاسیس حوزه؛ «درس انشاء یا علم بیان»؛ «تفسیر ریحان»؛ ترجمه‌ی فارسی سره «بلوهر»؛ «کتابهایی که خوانده‌ام».[1]
سید علی‌رضا (ریحان) یزدی که سالهاست در تهران اقامت دارند و در آنجا در مسجد سجاد یزدیها در خیابان میرفندرسکی اقامه جماعت می‌نمایند و هم چند ماهی به هند مسافرت و در حیدرآباد و بمبئی تبلیغ دین و ضمنا تتبع در کتابخانه‌های آن سامان می‌نمایند.
آقای ریحان محرم 1330 قمری در یزد به دنیا آمده و در حال حاضر شصت و پنجسال از عمرش می‌گذرد.
وی ترجمه خود را در کتاب دانشمندان گمنام یا آئینه دانشوران خود به طور مفصل نوشته است طالبین به آنجا مراجعه نمایند.
آثار قلمی ریحان از این قرار است: 1- آئینه دانشوران 2- درس انشاء یا علم بیان 3- بازرگانی محمد (ص) 4- تفسیر ریحان 5- بلوهر ترجمه فارسی سره از عربی 6- کتابهائی که خوانده‌ام مشتمل بر دوازده جلد 7- داماد کربلا.
آقای ریحان سفرهای عدیده به کشور پهناور هندوستان نموده و از بسیاری از شهرهای مهم آن دیدن و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی آنجا را دیده و از هر باغ گلی چیده و از هر خرمن خوشه‌ای برداشته و به نام (آنچه من دیده و خوانده‌ام) تدوین نموده است.
نگارنده در دو سفری که در سال 1389 و سال 1390 قمری به هندوستان رفتم دو ماهی در مدینه هتل حیدرآباددکن با معظم‌له مصاحب و مجاور و ناظر سعی و کوشش ایشان بودم ادام‌اللّه توفیقه.
وی دارای ذوق سرشار و طبع روان و موزونی می‌باشد و اشعار بسیاری سروده که شایسته است جمع گردد به صورت دیوان ریحان درآید.

شاعر، عالم دینی.
تولد: 1330، ق.، یزد.
درگذشت: 1367.
سید علیرضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی». فرزند سید محمد مدرس، از تربیت شدگان حوزه‌ی درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون بازرگانی محمد (ص) و درس انشاء و آینه‌ی دانشوران است. وی شعر نیز سروده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)
منابع زندگینامه :[1] آثار الحجه (263 -262 /2)، آیینه‌ی دانشوران (مقدمه)، تاریخ تذکره‌های فارسی (822/2)، تذکره سخنوران یزد (545 -541)، الذریعه (19/26)، گنجینه‌ی دانشمندان (457 ،451 /7)، مؤلفین کتب چاپی (566 -565 /4).

زروندنی رحمانی، محمد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد زروندی رحمانی
محل تولد : نیشابور
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1336/1/1
زندگینامه علمی
سال 1336 در روستای زروند از بخش طاغون کوه نیشابور در خانواده ای مذهبی متولد شدم . در طول سه سال تحصیلی موفق شدم تا کلاس پنجم ابتدائی را با نمره های خوب به پایان برسانم . سال 1349 به مدرسه علمیه گلشن در نیشابور رفته ، امثله و شرح آنرا ظرف مدت هفت- هشت روز تمام کردم . بعد از نه ماه وارد حوزه علمیه مشهد شدم و در مدرسه ای بنام مدرسه آقای موسوی نژاد که از بهترین مدارس دارای برنامه مشهد بود ، پذیرفته شدم . اولین استاد بنده در همان روستای خودمان جناب آقای شیخ قاسم شور گشتی بود .
دروس مقدماتی و بخشی از دروس سطح را در مشهد خواندم از جمله بخش اول رسائل را خدمت استاد عزیز مرحوم شهید هاشمی نژاد تلمذ نمودم و مکاسب محرمه را خدمت مقام معظم رهبری خواندم .
سال 1354 به حوزه علمیه قم آمدم . سال 56-55 بود که در مدرسه خان مستقر شدم و از اساتید متعددی استفاده کردم ؛ بخشی از مکاسب را نزد آیت الله صانعی خواندم و بخش باقیمانده رسائل را خدمت آقای اعتمادی گذراندم . کفایه را نیز نزد حضرات آیات فاضل ، سلطانی ، سبحانی و مظاهری تلمذ نمودم . در تفسیر، درس آیت الله خزعلی و آیت الله مشکینی شرکت کردم .اما اساتیدی که درس خارج را خدمتشان تلمذ کردم عبارتند از : آیات عظام وحید خراسانی ( حدود بیست و دو- سه سال خارج فقه و اصول ) ، شیخ جواد تبریزی ( هفت- هشت سال خارج فقه ) ، میرزا هاشم لاریجانی ( مدت کوتاهی خارج اصول ) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی .دروس فلسفه ( منظومه ، نهایه الحکمه ، اسفار ، فصوص الحکم و اشارات ) را نزد حضرات آیات محمدی گیلانی ، حاج شیخ یحیی انصاری دارابی ، مصباح یزدی ، جوادی آملی و حسن زاده آملی خواندم .

از الطاف الهی این بوده که این توفیق را داشته ام و از همان سالهای اولی که وارد حوزه علمیه مشهد شدم ، تدریس را شروع کردم و تا کنون علاوه بر دروس مقدمات ، دروس سطح از جمله رسائل ، مکاسب ، کفایه ، بدایه و نهایه را سالهای سال تدریس کرده ام . در حال حاضر علاوه بر چندین جلد کتاب ( که در دست چاپ می باشد ) ، افزون بر نود و پنج مقاله در مجله تخصصی فقه و مجلات دیگر از بنده چاپ شده است .

زنجانی، عزیزالدین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1330 -1255 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، ادیب و شاعر. در زنجان به دنیا آمد. پس از تحصیل مقدمات در زادگاهش به قزوین رفت و در آنجا به تحصیل ادامه داد. در 1278 ق به عراق رتف و در نجف اشرف نزد شیخ انصاری و علامه سید حسین ترک کوه‌کمری و میرزای شیرازی تحصیلات خود را تکمیل کرد. در 1288 ق به زنجان بازگشت و پس از وفات پدرش مرجع ریاست شرعی شد و منصب قضا و افتاء بدو رسید. وی دارای تصانیف بسیاری است که از جمله آثارش: «لطائف الکلام فی الاوانی الذهب و الفضه من الاحکام»؛ «مفتاح الظفر»، در نماز سفر؛ «التحیه المبارکه»، در احکام سلام؛ شرح «دعاء کمیل»؛ «جواب السوال عن آیات بدء الخلق و آیه رد الشمس لسلیمان»؛ «الصبح الصادق»، به فارسی، در مسائل اجتماعی و وظائف سلطان؛ «معارج الرضوان فی مصائب الامام العطشان»؛ تعلیقات بر «الرسائل»؛ حواشی بر «الریاض»؛ «رساله فی حرمه الخمر»؛ وی قصایدی به عربی و فارسی نیز داشته است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (63/9)، الذریعه (321/18)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81 -80 /14)، علماء معاصرین (340 -339)، المآثر و الآثار (149)، مکارم الآثار (1503 -1502 /5).

ساوجی، نظام‌الدین، محمد

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف بعد از 1038 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ‌بهائی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ‌بهائی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در 1033 ق سفری به عتبات عالیات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ‌بهائی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه‌ی عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه‌ی عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (1038 ق)، در شهر ری درگذشت. از دیگر آثارش: «زینة‌المجالس»، به شیوه‌ی «کشکول» استادش شیخ‌بهائی، «نظام الاقوال»، در شناخت رجال، «الصحیح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (253 -252/ 9)، الذریعه (191/ 24، 15/ 95، 15 ،452 ،12 ،340/ 3)، ریاض‌العلماء (243 -242/ 5)، ریحانه (204 -203/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 618/ 11)، الکنی والالقاب (257/ 3)، لغت‌نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم‌المؤلفین (250/ 9)، هدیة‌الاحباب (257).

ساوئی، ابوالفضل

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالفضل ساوئی از علماء و ادباء و اطباء زمان خود و یکی از مؤلفین کتاب (نامه دانشوران) به امر ناصرالدین شاه قاجار بوده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد پنجم)

سبحانی، جعفر

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آقای حاج شیخ جعفر بن العلامه الزاهد حاج شیخ محمدحسین سبحانی تبریزی از اساتید بنام و فضلاء بلا کلام و مدرسین والامقام حوزه علمیه قم است که در فروردین ماه 1308 شمسی در تبریز متولد شده و در مهد علم و فضیلت تربیت یافته و مقدمات و سطوح را در مدت 5 سال در تبریز خوانده و در سال 1365 قمری مهاجرت به قم نموده و در مدت دو سال بقیه سطوح را خوانده و به درس و بحث آیت‌الله العظمی حجت و آیت‌الله العظمی بروجردی شرکت نموده و دراسات و تقریرات آن دو بزرگوار را به رشته تحریر آورده و در خلال آن از آیات عظام دیگر حوزه استفاده نموده و فلسفه و معقول را از علامه طباطبائی فراگرفته و جلد اول اصول فلسفه را به امر استادش علامه به عربی ترجمه و منتشر نموده است.
استاد سبحانی حوزه درس بخصوصی دارند و در تربیت و پرورش طلاب و فضلاء روش مخصوصی دارند و از روز تاسیس دارالتبلیغ اسلامی قم در رشته‌های تفسیر و عقاید و رجال در آن مهد بزرگ اسلامی به تدریس پرداخته‌اند و نیز از روز نخستین مجله وزین و ارزنده (درسهائی از مکتب اسلام) از مؤسسین آن و جزو هیئت تحریریه آن بوده و در هر شماره از این مجله علمی و دینی (که ارگان رسمی حوزه علمیه قم) است علاوه بر مقاله مخصوصی که به نام وی چاپ می‌شود و مقاله دیگر یکی پیرامون تفسیر قرآن و دیگری پاسخ به سوالات علمی خوانندگان می‌نویسد گذشته از مقالات مذکوره آثار علمی دیگری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
1- اصول فلسفه که در نجف اشرف طبع شده.
2- تهذیب‌الاصول در سه مجلد تقریرات یکی از اساتید عالی مقام خود که در قم به طبع رسیده.
3- مفاهیم القرآن که در دست انتشار است.
4- فروغ ابدیت در دو جلد در زندگی پیامبر عالیقدر اسلام که از مدارک صحیح اسلامی با تجزیه و تحلیل کامل نوشته شده است.
5- رسالت جهانی پیامبران در نبوت عامه.
6- قرآن و معارف عقلی تفسیر سوره حدید.
7- مرزهای اعجاز، ترجمه بخش اعجاز قرآن تفسیر (البیان).
8- تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن.

9- سیستم اخلاقی اسلام تفسیر سوره حجرات.
10- رمز پیروزی به عنوان اخلاق برای جوانان نوشته و مکرر به طبع رسیده است.
11- سرچشمه هستی در توحید.
12- داروینسم شرح نظریه تکامل انواع (ترانسفورمیسم) مکرر چاپ شده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد دوم)

سپهرم، مسعود

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1300 ش)، تذکره‌نویس. در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در مدارس سیروس، امیر معزی و ثروت به پایان رسانید. مدت ده سال علوم قدیمی مانند صرف و نحو و ادبیات عرب و علوم معقول و منقول را نزد استادان فن فراگرفت. از آثار وی: «اشعار جاویدان پارسی»، شرح زندگانی عده‌ای از مشاهیر؛ «تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :مؤلفین کتب چاپی (177 -176 /6).

سرخسی، شرف‌الدین یوسف

قرن:8
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(721 -639 ق)، نساخ و محدث. در سرخس برآمد و ساکن دمشق شد. او از علمای حدیث بود. برزالی و ذهبی و ابن‌رافع از شاگردان وی می‌باشند. سرخسی در دمشق دیوانهای شعری لطیف همچون شعر ابن المشد و الشواء را نسخه‌نویسی می‌کرد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (331/9).

سردار کابلی کرمانشاهی، حیدرقلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1293 ق)، عالم دینی، فیلسوف، فقیه اصولی، محدث، متکلم، رجالی، مورخ و ریاضیدان. از علمای بزرگ شیعه در قرن چهاردهم قمری بود. اصلش از ایران و از قزلباشان است. پدرش ساکن افغانستان بود و سردار در کابل به دنیا آمد. در هشت سالگی به خواندن و نوشتن پرداخت. چون دارای استعداد فوق‌العاده‌ای بود به زودی ریاضیات و زبان انگلیسی را فراگرفت. در 1304 ق پدرش خانواده خود را به عراق برد و در کاظمین ساکن کرد. معلم وی در ریاضیات و انگلیسی نیز به همراه آنان مهاجرت کرد و شش سال نیز در عراق به وی آموزش داد و او در حساب و هندسه و هیئت و جغرافی و علوم غریبه صاحب نظر شد. وی همچنین در لغات و ادبیات عربی و فارسی و سانسکریت و هندی و عربی و لاتین دستی توانا داشت. سردار کابلی در این مدت علاوه بر آموزش علوم جدیده به تحصیل علوم قدیمه نیز پرداخت و سپس به نجف رفت و فقه و اصول را در محضر علامه میرزا محمدعلی رشتی چهاردهی و شیخ علی‌اصغر تبریزی و دیگران فراگرفت و فلسفه را نزد استادان بزرگ آن آموخت. در 1310 ق در خدمت پدر عازم ایران شد و در کرمانشاه با شیخ عبدالرحمان شافعی مکی ملاقات کرد و مجذوب کمالات وی گشت و در همان جا ماندگار شد. او از شیخ خود، چهاردهی، و سید حسن صدر و سید عباس لاری و محدث قمی و سید آقا یحی تهرانی و سید محسین امین و شیخ آقا بزرگ تهرانی دارای اجازه بود. شیخ مرتضی گیلانی نجفی از شاگردان وی می‌باشد. سردار کابلی استاد ریاضی و هندسه آیت‌اللّٰه حجت بود. پدرش قبل از مرگ سرپرستی خانواده‌ی خود را به وی سپرد و او را ملقب به سردار کرد. سردار کابلی در کرمانشاه به نشر احکام و تالیف و تصنیف مشغول شد. او به شهرهای بسیاری سفر کرد و با علمای هر شهر مصاحبت نمود. سرانجام در کرمانشاه درگذشت و جنازه‌اش به نجف انتقال یافت و در کنار پدرش در وادی‌السلام دفن شد. از آثار وی: «الاربعون حدیثا»، در فضایل امیرالمومنین (ع) از طرق اهل سنت؛ «تبصره الحر فی تحقیق الکر»، در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت و حجم؛ «تحفه الاحباب»، در بیان آیات قرآن؛ «تحفه الاجله»، در شناخت قبله، که برای فهم کتاب به دانش جبر و مثلثات و هیئت و جغرافی نیاز است؛ «العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص»، در اعمال فلکی؛ کتابی در «المساحه»، ترجمه از

انگلیسی؛ ترجمه «انجیل برنابا»، از انگلیسی به فارسی؛ «غایه التعدیل فی معرفه حقیقه الاوزان و المکاییل»؛ «کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع»؛ «مناهج الوفاق»، در اعداد؛ شرح حدیث امیرالمومنین (ع) در بیان قطر و محیط خورشید و ماه و اختلاف افق خورشید؛ «دیوان ابوطالب (ع)» و شرح «لامیه‌ی» آن؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبه‌ی حضرت زینب (ع)»؛ «مصباح القواعد»، در قواعد علوم ریاضی؛ «مثنوی» در نظم «الباب الحادی عشر»؛ «الدرر النثیره»، شبیه به «کشکول»، در سه مجلد.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (340/2، 200 -197 /1)، اعیان الشیعه (274 -273 /6)، الذریعه (283/22، 116/21، 46، 17، 11/16، 139، 80 -79 /8، 410، 317 /3، 366/2، 493، 415 /1)، ریحانه (7 -5 /5، 15 -13 /3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 699 -693 /14)، علماء معاصرین (296 -292)، گنجینه‌ی دانشمندان (227 -225 /6).

سلطان المتکلمین، محمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 1353 ق)، عالم دینی، رجالی و واعظ. مدتها در تهران و مشهد به وعظ و خطابه می‌پرداخت. از وعاظ مشروطه طلب بود، و همه‌ی طبقات از منبرش سود می‌جستند. وی دارای تالیفات چندی است. از جمله آثارش: «زبده المآثر»، در شرح حال برادرش حاج ملا باقر واعظ تهرانی و ذکر تالیفات او؛ منظومه‌ی «تریخ ام‌المصائب سیدتنا زینب بنت امیرالمومنین (ع)»، به فارسی، در حدود پنجاه هزار بیت؛ «اساس السیاسه فی تاسیس الریاسه»، در ابتدا عهدنامه‌ی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر شرح داده شده و سپس سایر اخلاق و آداب ریاست بیان شده؛ «بشارات الامه»، در موالید ائمه (ع)، که در ابتدای آن اصول عقاید مفصلا بیان شده؛ «ترجمه موسی المبرقع».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (32/12، 166/4، 263، 112 /3، 7/2)، شرح حال رجال (198/5)، ریحانه (62 -61 /3)، علماء معاصرین (368 -367)، معجم المؤلفین (58/9).

سمعانی مروزی، قوام‌الدین

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(562 -506 ق)، مورخ، حافظ، محدث، فقیه، نسابه و مفسر شافعی. در مرو متولد شد. در چهار سالگی پدرش او را در محضر عبدالغفار شیرویی و عبید قشیری و سهل سبعی حاضر کرد. او به اشاره‌ی پدرش از ابومنصور محمد کراعی و محمد دقاق حدیث شنید. هنوز کودک بود که پدر را از دست داد و عمو و دیگر خویشان کفالت او را بر عهده گرفتند و او را از همان نوجوانی علاقه‌مند به علم و دانش نمودند. در 530 ق به نیشابور سفر کرد و برای طلب علم و استماع حدیث به شرق و غرب و شمال و جنوب عالم سفر کرد و با علما و محدثین بسیاری ملاقات نمود. شمار مشایخ او را بالغ بر چهار هزار تن دانسته‌اند که در «سیر النبلاء» و دیگر کتب رجال نام شهرهایی که وی بدان سفر کرده و مشایخ معروفی که ملاقات کرده، آمده است. از وی تصانیف نیکوی بسیاری بجای ماند که از آن جمله‌اند: «تذییل تاریخ بغداد»، در پانزده مجلد؛ «تاریخ مرو» یا «تاریخ المراوزه»، متجاوز از بیست مجلد؛ «الانساب» حدود هشت مجلد؛ «طراز الذهب فی ادب الطلب»؛ «معجم البلدان»؛ «الاسفار عن الاسفار»؛ «الاملاء و الاستملاء»؛ «التذکره و التبصره»؛ «الدعوات»؛ «سلوه الاحباب و رحمه الاصحاب»؛ «التحبیر فی المعجم الکبیر»؛ «الامالی»؛ «وفیات المتاخرین» یا «تاریخ الوفاه، للمتاخرین من الرواه»؛ «الادب و استعمال الحسب»؛ «المناسک»؛ «فضل یس»؛ «الرسائل و الوسائل»؛ «تبین معادن المعانی»، در لطائف قرآن کریم.[1]
(ع. منسوب به سمعان، بطنی از تمیم) ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی شافعی فقیه و مورخ و حافظ حدیث (و. 562 ه.ق./ 1113 م.- ف. 562 ه.ق./ 1167 م.). وی به شهرهای دور سفر و با علما و محدثان ملاقات کرد و از آنان علم آموخت و گروهی نیز از او کسب علم کردند. از اوست: کتاب الانساب، کتاب تذییل تاریخ بغداد، تاریخ مرو، فضائل الصحابة معجم المشایخ، تاریخ الاوفاة للمتأخرین من الرواة الامالی، التحبیر فی المعجم الکبیر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (179/4)، ایضاح المکنون (30/2)، ذیل تاریخ بغداد (16/ مقدمه)، روضات الجنات (96 -95 /5)، ریحانه (7/3)، سیر النبلاء (465 -456 /20)، کشف الظنون (1737، 1735، 1123، 1108

162، 169، 179، 288، 303، 370، 374، 729، 756، 902، 998، ،999
161، ،131 ،86 ،49 ،35)، الکنی و الالقاب (322/2)، لغت نامه (ذیل/ ابوسعد)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (173 -172 /19)، معجم المؤلفین (5 -4 /6)، وفیات الاعیان (379 -378 /1)، هدیه العارفین (609 -608 /1).

سیفی، علی اکبر

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
علی اکبر سیفی
محل تولد : بابلسر
شهرت : سیفی مازندرانی
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1335/1/1
زندگینامه علمی
در سال 1350 برای شروع تحصیل به حوزه خاتم الانبیاء بابل رفته و پس از یک سال به حوزه علمیه قم مشرف شدند. ایشان با پشتکار و جدیت فراوان دروس مقدماتی و سطح را در طول سه سال به پایان رسانده و با اینکه درگیر مسائل سیاسی کشور بودند هیچگاه از تعلیم و تعلم علوم حوزوی غفلت نورزیده و با جدیت و پشتکار بسیار زیاد دروس خارج حضرت آیت الله میرزا هاشم آملی را به نوشته عربی تقریر فرموده و به نظر معظم له می رساندند و ایشان نیز پس از ملاحظه تقریرات، تشویق و ترغیب فراوانی می نمودند. از سال 1355 تا پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر راهپیمایی هایی که علیه رژیم پهلوی،در برخی از شهرهای استان مازنداران برگزار می شد به رهبری و یا پشتیبانی ایشان بود تا جائیکه، نام ایشان در لیست ساواک و اداره امنیت ملی استان بعنوان اخلالگر و مخرب، ثبت شده و همیشه تحت پیگرد بودند و حتی چندین مرتبه هم مورد حمله مسلحانه نیروهای ساواک قرار گرفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند قبل با جدیت فراوان، دروس آیت الله گلپایگانی را به عربی تقریر و هر از چند گاهی جزوات و تقریرات خود را به معظم له ارائه و مورد تشویق و ترغیب ایشان، قرار می گرفتند. در همان زمان توفیق تدریس لمعه، مکاسب و رسائل و فلسفه را نیز داشتند.
پس از آغاز جنگ تحمیلی، حضوری فعال در جبهه های حق علیه باطل داشتند و موفق به تدریس یک دوره کلام و معارف اسلامی در جبهه شدند که مورد استقبال سرداران و فرماندهان سپاه قرار گرفت.ایشان با توجه به اینکه مسئوول تبلیغات لشکر 25 کربلای مازنداران بودند ولی همواره، در طول جنگ نیز، دروس فقه و اصول را رها ننموده و جزء اصلی کارهای خود را اختصاص به پرداختن عمیق به این علوم می دادند. در سال 1360 افتخار جانبازی از ناحیه چشم را داشته و هم اکنون یک چشم ایشان،

بیناست. پس از چنگ تحمیلی نیز، در دروس خارج آیت الله اراکی و پس از آن در جلسات خصوصی فقه آیت الله تبریزی و سید محمود شاهرودی حاضر شده و خود نیز به تدریس خارج کفایه به زبان عربی مشغول بودند. از سال 1372 در مدرسه فیضیه و گلپایگانی تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرده و تالیفات خود را که از مجموعه دروس و تحقیقاتشان بود، به مرحله چاپ رسانیدند که انتشارات جامعه مدرسین و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) به چاپ آنها اقدام نموده و می نمایند. هم اکنون، ایشان یکی از مدرسین دورس عالی حوزه علمیه قم بوده و شاگردانشان نیز اغلب از محققان و مدرسان دروس سطح می باشند.

شبیری، موسی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید موسی شبیری زنجانی فرزند مرحوم آیت‌اللّه آقای حاج سید احمد زنجانی مدفون در صحن مطهر حضرت معصومه (س) از افاضل مدرسین و متتبعین و محققین حوزه علمیه قم می‌باشند که در تاریخ هشتم ماه مبارک رمضان 1326 قمری در قم چندماه بعد از مهاجرت مرحوم آیت‌اللّه والدشان در این شهر مقدس متولد شده.
این بیت را والدشان برای تعیین تاریخ ولادت حقیر سروده‌اند:
سال تاریخ ولادت عجب الهامم شد
از مبارک رمضان هشت کم هنگام سحور
مبارک رمضان که با 1354 مطابق است بعد از کم کردن هشت با 1346 قمری که سال تاریخ ولادت است موافق خواهد شد ضمنا در این بیت به ماه و روز و ساعتند نیز اشاره شده است مانند «هنگام زوال رابع شهر صفر» که برای تاریخ ولادت خودشان سروده‌اند.
باری ایشان بعد از گذراندن دروس ابتدائی در مدارس جدیده در سال 1359 قمری به مقدمات علومی دینی اشتغال پیدا کردم و چون دروس مقدماتی چندان جاذبیت نداشت و از طرفی در آن زمان رغبت عمومی به ورود در مدارس دینی نبود و هم بحثی نداشتم حدود یکسال به طور غیر جدی به درسها اشتغال داشتم بعد از یکسال در اثر یافتن بعضی از هم بحثی‌ها که از مستعدین درجه اول بودند و جاذبیت دروس غیر ابتدائی با جدیت تمام در مدت نسبتا کوتاهی دروس مقدماتی و سطوح را به پایان برده و در سال 1363 قمری در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه صدر حاضر شده و مقداری از بحث خبر واحد را نوشته سپس بعد از ورود مرحوم آیت‌اللّه بروجردی به قم در محرم 1364 در درس خارج فقه و اصول ایشان شرکت کرده و همچنین مدتی در درس خارج اصول مرحوم آیت‌اللّه حجت و مختصری در بحث خارج فقه ایشان حاضر گردیدم و مقداری از تقریرات اصول از اوائل درس را نوشته استاد عمده ایشان مرحوم آیت‌اللّه داماد بوده که حدود بیست سال از بحث فقه و قریب یکدوره از درس اصول آن مرحوم بهره‌مند گردیده و کتاب طهارت و خمس و زکاه و صوم و حج را به استثناء مقداری از بحث طهارت که به مناسبت سفر عراق تعطیل شده از محضرشان استفاده کرده و مقدار بسیار کمی نیز از بحث دوره اول کتاب صلاه را مستفیض شده است.

در سال 1374 قمری به عتبات عالیات مشرف شده و در درس فقه آیت‌اللّه حاج سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حکیم قدس سرهما و درس اصول آیت‌اللّه خوئی مدظله شرکت کرده بعد از حدود هفتاد روز به ایران مراجعت کرده و در سال 1375 بار دیگر به عتبات مشرف شده حدود 6 ماه در دروس آیات مزبور حاضر گشته و در رمضان آن سال مقداری از مبحث رضاع را از بحث تعطیلی آیت‌اللّه خوئی استفاده کرده ضمنا مختصری در قم از منظومه سبزواری را پیش مرحوم علامه طباطبائی خوانده و کمی هم مباحثه کرده ولی چون به این علم مانوس نبوده درس و بحث در مدت کوتاهی تعطیل شده همچنین مقداری جبر و هندسه را با یکی از اعاظم دوستان خود بحث کرده است.
اما اساتید ایشان قبل از ورود به درس خارج زیادند برای نمونه نام مبارک چند تن از آنان را متذکر می‌شویم.
1- مرحوم آیت‌اللّه والدشان که اولین استاد و آخرین اساتید سطوح عالیه ایشان بودند قسمتی از مقدمات و کمی از کفایه را پیش ایشان خوانده.
2- محقق بزرگوار آقای سید مرتضی علوی اصفهانی داماد آیت‌اللّه گلپایگانی مدظله که استاد مطول ایشان بودند و از نظر تعمق و حسن تقریر نظیر ایشان را در موضوع مزبور ندیده‌اند.
3- رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌اللّه خمینی که قسمت عمده مبحث برائت شیخ انصاری را نزد ایشان خوانده و گاهی به بحثهای خارج از کتاب نیز می‌پرداختند.
4- مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ مرتضی حائری که قسمتی از بیع مکاسب شیخ و مقدار کمی از بحث ظن و استصحاب فرائد و مختصری از کفایه را پیش ایشان خوانده درس اگرچه اسماً درس سطح حساب می‌شد ولی واقعا درس خارج بوده است.
تألیفات معظم‌له
ایشان با اینکه صفحات زیادی را در فقه و اصول و حدیث و تراجم و رجال و انساب و غیره نوشته است و تقریرات درس عده‌ای از اساتید را نگاشته ولی در اثر کثرت تشکیک و تجدیدنظر که آفت بزرگی است برای حفظ مواریث علمی این آثار مدون نشده فقط مقدار کمی به عنوان مقاله چاپ شده و متاسفانه قسمت زیادی در اثر عدم اهتمام مفقود گردیده و مقدار موجود هم اغلب مسوده است. از خداوند متعال توفیق تبییض و تکمیل آنها را مسئلت می‌نمایم.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

شرابیانی، محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1322 -1254 ق)، فقیه اصولی و رجالی امامی. معروف به فاضل شرابیانی. در شرابیان به دنیا آمد. و در تبریز برآمد. در حدود 1272 ق به نجف مهاجرت کرد و در محضر شیخ انصاری و آیت‌اللّه کوه‌کمری و استادان دیگر تلمذ کرد. او از برجسته‌ترین شاگرد شیخ انصاری به شمار می‌آمد. در عهد میرزای شیرازی به تدریس اشتغال داشت و مرجع تقلید جمعی بود و بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت عام یافت و تمامی مردم آذربایجان و قفقاز از وی تقلید می‌کردند. سید محسن امین از شاگردان اوست. وی در نجف اشرف از دنیا رفت. از آثارش: حاشیه «رسائل» و «مکاسب» شیخ انصاری؛ «المتاجر»؛ «تقریرات» دروس فقه و اصول استادش سید حسین کوه‌کمری، در نه مجلد؛ کتابی در «صلاه»؛ کتابی در «اصول فقه» بزرگتر از «قوانین»؛ «رساله‌ی عملیه».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (223/7)، اعیان الشیعه (36/10)، الذریعه (385/4)، ریحانه (184/3)، شرح حال رجال (200/5)، علماء معاصرین (80 -76)، الکنی و الالقاب (354/2)، مؤلفین کتب چاپی (665 -664 /5)، معجم المؤلفین (129/11)، مکارم الآثار (1258 -1256 /4).

شریعتمدار استرآبادی تهرانی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1318 -1249 ق)، عالم، فقیه اصولی، رجالی و ادیب. وی در کربلا متولد شد و در همان شهر نشو و نما یافت. به همراه پدر به سفر در شهرهایی همچون کرمانشاه، تهران، استراباد، مشهد رضوی و سرانجام تهران پرداخت. در خلال سفر از پدر علوم عربی و سطوح فقه و اصول را فراگرفت. پس از درگذشت پدر و رسیدن به سن بلوغ به نجف رفت و در محضر درس و بحث شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر و شیخ راضی شرکت کرد و فقه و اصول را در نزد ایشان تکمیل نمود و در بیست و سه سالگی به دریافت درجه‌ی اجتهاد نائل شد. وی از شیخ راضی و شیخ مشکور و علامه انصاری دارای اجازه بود. پس از آن به تهران آمد و به مرجعیت عام و خاص رسید. در عین حال به تدریس و تصنیف نیز پرداخت. از آثار وی: «مظاهر الآثار و حقایق الاسرار»، در پنج مجلد بزرگ؛ «ینابیع العقول»، در علم اصول، در سه مجلد؛ «اساس الاحکام»، در شرح «شرایع الاسلام»، در چهار مجلد؛ «نصره المستبصرین»، در شرح «التبصره»؛ «معراج المومنین»، در شرح «الالفیه» شهید؛ «النفلیه»، در نماز؛ «ادعیه الوباء و الطاعون و جمله من الامراض و بعض العوذات و الاحراز»؛ «تحفه الممالک فی ترکیب الفیه ابن مالک»؛ «اثبات الفرقه الناجیه»؛ «رساله فی سند دعاء الخضر»؛ «مجمع الاراء و الادله»، در فقه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (141/9)، الذریعه (289/25، 177/24، 234، 162- 161/ 21، 15- 14/ 20، 235/12، 47/11، 472/3، 4/2، 98/1)، ریحانه (211- 210/ 3)، شرح حال رجال (224/6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 392- 391/ 14)، لغت نامه (ذیل/ شریعتمدار)، معجم المؤلفین (213/9)، مکارم الآثار (1350- 1349/ 4).

شمس‌العلماء، محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(شیخ) محمد مهدی بن (ملا) غلامعلی مشهور به حاجی آقا خوند بن حسن بن رضا بن خدابنده بن رضا بنده (ف. 1331 ه.ق./ 1913 م.). پدر وی در عبدالرب‌آباد (ه.م.) ساکن بود و در آن حدود مشهور و صاحب ریاست دینی بود. محمد مهدی مقدمات علوم را از صرف و نحو و معانی و بیان و فقه و اصول در قزوین نزد علمای مشهور آن شهر فراگرفت. سپس به تهران آمد و سالی چند در مدرسه دوست علی خان معیرالممالک به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در حدود سال 1249 ه ق. بر حسب انتخاب اعتضادالسلطنه وزیر علوم دانشوران (ه.م.) در اداره دارالتألیف پذیرفته شد. مؤلفان کتاب مزبور تا آخر عمر اعتضادالسلطنه (1298 ه.ق.) تحت نظر وی برای جلد اول کار کردند و پس از وفات آن شاهزاده آن اداره و همه متعلقات آن به حکم ناصرالدین شاه به اعتمادالسلطنه (ه.م.) منتقل گردید وی فضلای عضو اداره دارالتألیف یا دارالترجمه را وامید داشت کتابهایی که خود او موضوع آنها را اقتراح می‌کرد تألیف کنند و سپس خود وی آنها را به اسم خویش منتشر می‌کرد. مثلا کتاب المآثر و الآثار به قلم شمس‌العلماء صاحب ترجمه است، و دیگر جزو اعظم سه جلد مطلع الشمس نیز عینا به انشاء اوست (مگر شرح احوال شعرای فارسی). وی از دوستان و همکاران صمیمی عبدالوهاب قزوینی (ه.م.) بود و در سنی قریب 70 سالگی درگذشت (قزوینی. یادگار 3 :5 ص 57 به بعد).
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

شوشتری، شفیع

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
فرزند سید محمد بن عبدالکریم بن جواد بن عبدالله بن نورالدین علی بن سید نعمه الله موسوی جزایری.
عالم فاضل، از علمای ازکیا بوده، و در جمله علوم بالاخص فقه و رجال مهارت داشته، و در اصفهان در محله دردشت ساکن، و به درس و مباحثه و اقامه جماعت و ارشاد مردم اشتغال داشته.
در 1211 متولد، و در 21 ذی الجحه الحرام سال 1274 وفات یافته، در صحن تکیه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد مدفون گردید.
کتب زیر از اوست:
1- حواشی بر شرح کبیر، معروف به «کشف الریاض» 2- فوائد متفرقه ای در رجال، که اغلب آن را در حواشی کتب رجالی به خط زیبای خوش مرقوم داشته است که اگر جمع آوری شود کتاب بزرگی خواهد شد. 3- حواشی بر نقد الرجال.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد دوم)

شهرستانی، هبةالدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1386 -1301 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجالی. ملقب به هبةالدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره‌مند گشت. در 1319 ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و خود مستقلا به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمدرضا شبیبی و سید سعید کمال‌الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمدباقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف‌الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه‌ی روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او در 1328 ق مجله‌ی «العلم» را منتشر نمود که نخسین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه‌ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و به ویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل برند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیة» همکاری داشت، و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره‌ی ملک فیصل، پادشاه عراق، عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در 1340 ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در 1342 ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جعفری) منصوب گشت. همچنین در 1352 ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبةالجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة والامة»؛ «الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة»؛ «الجان والجن»؛ «حکمة الاحکام»؛ «الشریعة والطبیعة»؛ «فغان اسلام» یا

«دعوةنامه»؛ «ماهو نهج‌البلاغة»؛ «المعارف العالية للمدارس الراقية»؛ «ثقاة الرواة»؛ «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا والرجوم»؛ «نقض الفرض فی اثبات حرکة الارض»؛ «نهضة الحسین (ع)»؛ «الهیة والاسلام»؛ تفسیر سوره‌ی «الواقعة»؛ «توحید اهل التوحید»؛ «المرجانیة»، در تلخیص «دلائل الخیرات»؛ «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف؛ «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال والنساء» یا «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء والرجال»؛ «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قران؛ «رواشح الفیوض فی علم العروض»؛ «اشاعة النوادر».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (261/ 10)، الذریعه (260 -259/ 25، 430/، 290 -105، 106، 277، 278، 19/ 32، 20/ 302، 23/ 230، 243، 24/ 3/، 16/ 183، 101، 14/ 37- 38، 12/ 139، 257، 11/ 44، 189، 10/ 87/، 8/ 378، 6/ 8، 76، 77، 5/ 229، 484، 4/ 63، 130، 486- 487، 3/ 481، ،214 ،99/ 2)، ریحانه (352 -350/ 6)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 1418 -1413/ 14)، علماء معاصرین (211 -201)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (762 -761/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (285 -282/ 4).

شیخ‌الاسلام زنجانی، فضل‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1373 -1303 ق)، فقیه، متکلم، رجالی و حکیم. در زنجان به دنیا آمد. مقدمات و متون را نزد استادان زنجانی فراگرفت و فلسفه را از علامه میرزا عبدالمجید آموخت و به درس خارج علامه میرزا عبداللّه زنجانی حضور یافت. در 1331 ق به همراه برادرش به نجف مهاجرت کرد و در آنجا نزد آیت‌اللّه سید محمدکاظم یزدی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و دیگر مدرسان به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در 1339 ق به زنجان بازگشت و به وظائف امور علمی و شرعی مشغول گردید. او از آیت‌اللّه سید حسن صدر عاملی کاظمی و علامه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه سید محمود شکری علوی آلوسی دارای اجازه بود. از آثارش: حاشیه بر «منطق» شرح «منظومه» سبزواری؛ رساله‌ای در رد نظریه‌ی «واحد بسیط...»؛ «تاریخ علم کلام در اسلام»؛ حاشیه بر «اوائل الشوارق» ملا عبدالرزاق لاهیجی؛ نقد «رساله‌ی حدوث» ملا صدرا شیرازی؛ «تشیع در تاریخ اعتقادی و سیاسی و ادبی شیعه» یا «تاریخ مذهب شیعه»؛ تعلیقاتی بر کتاب «اوائل المقالات» شیخ مفید؛ شرح و حاشیه‌ای بر «منهج المقال» استرآبادی؛ «شرح حال رجال زنجان و راویان آن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :شهیدان راه فضیلت (390 -389)، علماء معاصرین (228 -224)، مؤلفین کتب چاپی (871 -870 /4).

صارمی، ابوطالب

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، نویسنده، مترجم و مدرس. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اراک و تهران به پایان رساند. از اوان کودکی به فراگیری زبان فرانسه و انگلیسی پرداخت و پس از چندی بر این دو زبان مسلط شد. در 1314 ش به درجه‌ی افسری نایل گردید. وی مشاغل مختلفی را عهده‌دار بود. از جمله: مترجم دانشگاه جنگ، خدمت در اصل چهار و سازمان همکاری بهداشت در بابلسر و تدریس زبان انگلیسی در دانشکده افسری و دانشکده تکمیلی دانشگاه جنگ، از آثار وی: «آمریکا»، ترجمه؛ «احتراع تلفن»، ترجمه، «اختلافات زبان انگلیسی»؛ «ایده آلیست» یا «یار غائب»؛ «برده‌ی آزادی‌بخش»، ترجمه؛ «چنگیزخان»، ترجمه؛ «راهنمای ترجمه»؛ «روح انسان»، ترجمه؛ «فلسفه علمی»، ترجمه.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :فهرست کتابهای چاپی فارسی (2460، 1765، 1641 / 2 / 1120، 410، 130، 129، 65 -55 / 1)، مؤلفین کتب چاپی (182 -181 / 1).

صدر عاملی کاظمی، ابومحمد حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1354 -1272 ق)، فقیه، اصولی، متکلم، محدث، رجالی و مورخ. در کاظمین، در خانواده‌ای که اصلش از جبل‌عامل و سکونتش در اصفهان و مهاجرتش به عراق بود، به دنیا آمد. وی برادرزاده‌ی آیت‌الله سید صدرالدین عاملی کاظمی بود. در چهارده سالگی صرف و نحو معانی و بیان و بدیع و منطق را فرا گرفت و تحصیل فقه را آغاز کرد در هیجده سالگی به نجف رفت و کلام و حکمت را از محمد تقی گلپایگانی آموخت، فقه خارج استدلالی را از شاگردان صاحب «جواهر» و اصول استدلالی را از شاگردان شیخ انصاری و علم حدیث و رجال و ریاضیات را از بزرگان وقت فراگرفت و قسمتی از علوم غریبه را نزد شیخ عبدالحسین هندی خواند.در 1297 ق از نجف به سامراء رفت و در حوزه‌ی درس میرزای شرازی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. در پایان 1314 ق به کاظمین بازگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. سید صدر از مشایخ اجازه در زمان خود بود و جمع کثیری از بزرگان همچون علامه سید محمد مرتضی جنفوری هندی و شیخ مهدی بن شیخ محمد علی ثقه‌الاسلام اصفهانی و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی و محدث قمی از وی دارای اجازه بودند. کتابخانه شخصی او یکی از ارزشمندترین کتابخانه‌های عراق بود. سید حسن صدر بیش از صد اثر از خود به جای گذاشت و کتاب «تأسیس الشیعه» خویش را مبتکرانه نگاشت و در این کتاب بر اساس تواریخ و سیر مورد اعتماد، ثابت و روشن نمود که علمای شیعه در تأسیس و تألیف نحو و صرف و عروض و لغت و علوم بلاغت و کلام و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق پیشگام بوده و پیش از دیگران به تألیف و تصنیف پرداخته‌اند. مختصر این کتاب «الشیعه و فنون الاسلام» است. از دیگر آثار وی: «نهایه الدرایه»، شرح و «جیزه‌ی» شیخ بهائی، در درایه الحدیث؛ «ذکری المحسنین»؛ «نزهه اهل الحرمین»؛ «وفیات الاعلام من الشیعه الکرام»؛ رساله‌ای در «رد وهابیت»؛ «سبیل الرشاد»، در شرح «نجاه العباد»، در سلوک و بیان طریق عبودیت؛ «سبیل النجاه»، در فقه معاملات؛«تکمله امل الآمل»؛ «جامع اخبار الغیبه»؛ «تبیین الاباحه للمصلین»؛ «تحصیل الفروع الدینیه فی فقه الامامیه»؛ «حدائق الوصول الی علم الاصول»؛ «مجالس المومنین»، در وفیات ائمه معصومین (ع)؛ «مختلف الرجال»؛ «مناقب آل الرسول من طریق الجمهور»؛ «خلاصه

النحو»؛ «آداب الحج واسراره»؛ «انتخاب القریب من التقریب»، گردآوری نام محدثانی که ابن‌حجر آنان را شیعه ذکر کرده است؛ «الدرر الموسویه فی شرح العقائد الجعفریه».

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :آثار الحجه (209 / 1)، الاعلام (240 -239 / 2)، اعیان الشیعه (330 -325 / 5)، تأسیس الشیعه (مقدمه 35 -1)، الذریعه (114 / 24 ،320 / 22 ،137 / 3 ،359 / 2 ،16 / 1)، ریحانه (425 -424 / 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 449 -445 / 14)، علماء معاصرین (175 -170)، لغت‌نامه (ذیل/ صدر)، معجم المؤلفین (300 -299 / 3)، مکارم الآثار (2019 -2015 / 6).

صدیق، حسن

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1297.
درگذشت: زمستان 1363، اراک.
حاصل کوشش‌های حسن صدیق یک رشته مقالات درباره‌ی کرج و اراک و کتاب مفصلی است که خود آن را «هزار چهره‌ی نامی اراک» می‌نامید و متأسفانه مرگ فرصت نداد تا هیچ یک از کارهای خود را به طبع برساند.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طاهری یزدی، عبدالغفور

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1356 -1272 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به طاهری. از شاعران و دانشمندان سرشناس یزد در دوره‌ی اخیر است که صاحب آثار منظورم و منثور متعددی است. از آثار وی: «مصابیح الانوار»، در تفسسیر؛ «لؤلؤ منثور»، در حکمت؛ «تذکره الواعظین»، برای اهل وعظ و خطابه؛ «تذکره السلاطین»، تاریخ عمومی از آفرینش تا رویدادهای 1314 ق با مقدمه‌ای در جغرافیای جهان و خاتمه‌ای در سرگذشت پیامبر (ص) و امامان (ع)؛ تذکره‌ی «جلالی»، که به نام جلال‌الدوله سلطان حسین میرزا، پسر ظل‌السلطان، فرمانروای یزد، در وصف شهرها و شاهان ایران نگاشت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تذکره‌ی سخنوران یزد (201 -200)، الذریعه (386 / 18 ،،52 ،34 / 4)، فهرست‌واره‌ی کتابهای فارسی (596 ،183 / 1).

طباطبایی بروجردی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در روزهای پایانی صفر 1292 ق . خانه حجة الاسلام حاج سید علی بن سید احمد طباطبایی با تولد نوزادی که ((حسین )) نام گرفت. غرق درذکر و سپاس پروردگار شد.
سید حسین اندک اندک بالید، جامع المقدمات ، سیوطی ، منطق و گلستان سعدی را در مکتب آموخت و سپس در مدرسه نوربخش به تکمیل اندوخته ها و تهذیب نفس پرداخت . نحو، صرف ، بدیع ، عروض ، منطق ، فقه و اصول بخشی از دستاورد سالهای مدرسه نور بخش شمرده می شد. سالهایی که سید حسین سخت کوشید و در پناه عنایتهای ویژه الهی به پیشرفتی چشمگیر دست یافت .
آنگاه عزم اصفهان سپاهان کرد و پس از جلب رضایت پدر سمت آن سرزمین دانش خیز به راه افتاد. آقا نوح الدین ، پسر عمو سید حسین ، در مدرسه صدر روزگار می گذراند؛ دانشجوی سخت کوش بروجرد یکسره نزد پسر عمویش شتافت و در حجره او اقامت گزید. رابطه پسر عموهای بروجردی بسیار نیک بود. آقا نوح الدین در روزهای آغازین به سید حسین گفت : اگر می خواهی در دانش اندوزی و تدریس کامروا شوی باید در محافل علمی سخن بگویی و در درس اشکال کنی و گرنه تا پایان عمر چون من گمنام می مانی .
زیر باران
سید حسین نخست در درس استاد گرانقدر آقا سید محمد باقر درچه ای شرکت جست .
دانشور درچه ای ، که نورالهی در دیدگان داشت ، بزودی گوهر یگانه بروجرد را باز شناخت ، او را به خود نزدیک کرد و از عنایات ویژه خویش برخوردار ساخت . حضرت آیة الله ملا محمد کاشی ، مجتهد وارسته میزار ابوالمعانی کلباسی ، دانشور گرانمایه سید محمد تقی مدرس و حکیم برجسته میرزا جهانگیر قشقایی از دیگر استادان ستاره تابناک بروجرد شمرده می شدند.
استادان گرانپایه ای که هر یک به گونه ای سید حسین را از عنایت خویش بهره مند ساختند و در شکل گیری شخصیت گوهر گرانبهای خاندان طباطبائی دخالت داشتند. سید دانش پژوهان بروجردی در بامداد یکی از روزهای ربیع الاول 1314 سرمست از باده دانش و حکمتی که استادان

نامور حوزه سپاهان در کام روانش می ریختند، در برابر حجره اش نشسته بود که پیکی نامه پدر را به وی سپرد.
هر چند نامه پدر سید حسین را در شادی فرو برد ولی این سرور دیری نپایید زیرا پدر او را به وطن فرا خوانده بود. ستاره بروجرد با این اندیشه که شاید پدر می خواهد او را به نجف گسیل دارد رنج سفر و بریدن از درس را به جان خرید و به زادگاهش برگشت ولی پدر اندیشه ای دیگر در سر داشت . او با پای فشاری بر خواسته خویش مقدمات ازدواج فرزند را فراهم آرد. بدین ترتیب دانشجوی جوان بروجردی در 22 سالگی ازدواج کرد. دو یا سه ماه در زادگاهش ماند و سپس با خانواده سمت اصفهان رهسپار شد.
نامه سرنوشت
1319 ق . برای گوهر یگانه بروجرد سال تحول بود. نامه پدر به دستش رسید و او را آماده سفر ساخت . پدر چنان نوشته بود که می خواهد وی را به نجف گسیل دارد. بنابراین پس از نه سال زندگی سراسر تلاش و پژوهش در اصفهان به زادگاهش بازگشت . اندکی در آن سامان توقف کرد و سپس همراه برادر کوچکش ، سید اسماعیل ، رهسپار نجف شد.
برادران بروجردی در 1320 به حریم پاک امیر مومنان علیه السلام گام نهادند. سید حسین ، که 28 سال داشت و مجتهدی جوان شمرده می شد، به درس حضرت آیة الله العظمی محمد کاظم خراسانی شتافت و خود را در برابر تابش مستقیم آفتاب دانش آن مرجع وارسته جای داد. بزودی نظرهای بجا و قابل تاءمل دانشو تازه وارد توجه استاد بزرگ حوزه نجف را جلب کرد و میان آنها پیوندی ناگسستنی پدید آورد. به گونه ای که اگر پس از درس آخوند خراسانی ، سخنی بر زبان نمی آورد، استاد وی را مخاطب قرار می داد و می فرمود: آقا نظری ندارید؟
اندک اندک ارج سید حسین بر شاگردان محفل آخوند نیز آشکار شد. آنها از او خواستند تا پس از خروج استاد از محفل ، درس وی را با شرح و توضیح فزونتر بازگو کند. بدین ترتیب یکی از برنامه های مجتهد بروجردی تقریر درس استاد شد.
آن بزرگمرد هشت سال در حریم حضرت علی علیه السلام اقامت گزید. علاوه بر آخوند خراسانی از بزرگانی چون حضرات آیات شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد کاظم یزدی بهره کافی برد، گروهی از دانشجویان را از درس فصول (در علم اصول ) خویش کامروا ساخت ، سر انجام در اواخر 1328 به اصرار پدر راه بروجرد پیش گرفت و در 1329 با استقبال پرشور مردم به زادگاهش گام نهاد.
او بر آن بود که پس از اقامتی کوتاه در وطن دیگر بار سمت نجف بال گشاید و به آستان مقدس علوی پناهنده شود. ولی بیماری و مرگ پدر

سفرش را به تاءخیر انداخت . در این سوگ نامه صاحب کفایة الاصول سبب تسلای خاطرش شد. آخوند خراسانی ضمن تسلیت وفات حاج سید علی از اشتیاق وافر خویش برای دیدار مجتهد بروجرد پرده برداشته بود.
این نامه مهرآمیز سید دانشوران بروجرد را بر آن داشت که امور خانواده را سامان دهد و به نجف شتابد. چند ماه بعد همه چیز برای سفر آماده بود که خبر رحلت استاد گرانقدرش وی را در اندوه فرو برد. آن بزرگمرد پیوسته می گفت : مرگ دو پدر در مدت کوتاه کمتر از 6 ماه بسیار بر من سنگین و ناگوار بود.
خبر مرگ استاد اشتیاق سفر را در وجودش میراند. زندگی در نجف بی حضور استاد خراسانی برایش دشوار بود. پس اندیشه هجرت از سر بردن کرد و در بروجرد بساط تدریس و ارشاد مردم گسترد. اندک اندک مؤ منان شهر ارج ستاره خاندان طباطبایی دانستند و زمام امور معنوی خود را به وی سپردند. ارادت حضرت آیة الله حاج محمد رضا دزفولی به سید مجتهدان بروجرد بر شهرت و اعتبارش افزود. پس از رحلت فقیه دزفولی انبوه مقلدانش به آن مجتهد وارسته رجوع کردند و مرجعیت آن بزرگمرد در منطقه گسترش یافت .
در برابر شب
در این سالها تبلیغ بهایی گری از سوی برخی از مسؤ ولان شهر و اهانت آشکار آنها مقدمات دینی مردم سرور مجتهدان بروجرد را در نگرانی فرو برد. او با تهران تماس گرفت ، وضعیت نامطلوب برخی از ادارات را با پایتخت نشینان در میان نهاده ، خواستار برکناری مسؤ ولان دین ستیز شد و چون بی اعتنایی سران دولت را مشاهده کرد معترضانه شهر را ترک گفت .
پیروان پاکدل آن مرجع روشن بین در مسجاها گرد آمدند، سخنرانان بر منبرها جای گرفتند و همه یکصدا به حمایت از مرجع دلاور بروجرد پرداختند. مسؤ ولان شهر که توان رویارویی با مردم را در خویش نمی دیدند خواسته فقیه طباطبایی را اجابت کردند و آن راهبر توانا در میان ابراز احساسات پرشور مؤ منان به شهر بازگشت .
سفر سبز
از رخدادهای مهم دیگر این سالها وفات دخت گرانقدر مرجع پارسای بروجرد بود. استاد پس از این حادثه ناگوار راه خراسان پیش گرفت تا در پناه آفتاب توس دمی از رنج هستی بیاساید.
چون توقف آن فقیه فرزانه در مشهد به درازا کشید نمایندگان مردم بروجرد نزدش شتافتند و او را بدان دیار خواندند. دانشمند فروتن طباطبایی خواسته آنها را اجابت کرد، پس از سیزده ماه رهسپار زادگاهش شد و پس از توقفی کوتاه در قم و تهران در میان استقبال پر شور مؤ

منان به بروجرد گام نهاد.
او سپس راه عراق پیش گرفت ، مدتی در نجف ماند و با بزرگانی که به استقبالش شتافته بودند، دیدار کرد. آنگاه رهسپار حجاز شد، پس از به جای آوردن مراسم حج به عراق بازگشت ، چندی در حریم امیرمؤ منان توقف کرد و سپس روانه ایران شد.
در بند دژخیم
همزمان با اوج گیری اعتراضهای مؤ منان علیه رضا خان و هجرت اعتراض آمیز روحانیان کشور به قم ، سرور فقیهان بروجرد به مرز ایران گام نهاد. مزدوران دربار، که از پیوستن او به مهاجران و رساندن پیام مراجع نجف به معترضان می هراسیدند در مرز قصر شیرین وی را دستگیر کردند و به پایتخت بردند.
در تهران رضاخان به دیدارش شتافت . او که در پی یافتن فردی برای رویارویی با شیخ عبدالکریم حائری بود با سید مهربانی کرده ، گفت : چیزی از من بخواه .
فقیه بروجردی اظهار بی نیازی کرد ولی در برابر پافشاری شاه ناگریز لب گشاده ، فرمود: وقتی در ارکان حرب بودم مقدار جیره غذایی سربازان را ناکافی دیدم ، اگر می خواهید کاری کنید فرمان دهید جیره آنها فزونی یابد.
آنگاه در پاسخ رضا خان ، که مساءله نادیده گرفتن جایگاه آیة الله العظمی حائری و پیروی دولتیان از مجتهد بروجردی را مطرح کرد، فرمود: خیر، شما با ایشان تماس بگیرید، من هم اگر کاری داشتم از طریق آن جناب با شما در میان می نهم .
آنگاه وی را به همراهی با روحانیت و عمل به دستورات الهی فرا خوانده ، چون می دانست اجازه سفر به قم و بروجرد به او نمی دهند، فرمود برآنم به مشهد سفر کنم .
اندکی پس از خروج رضا خان تیمورتاش پنجاه هزار تومان نزد آن مرجع وارسته آورد. فقیه بروجردی از پذیرش هدیه درباره خودداری کرد و بامداد روز بعد راه خراسان پیش گرفت .
دیدار بزرگان
مدتی پس از بازگشت سید به زادگاهش ، ورود حاج آقا حسین قمی به تهران و پیشنهادهای وی به دولت بار دیگر آن رادمرد را به عرصه تلاشهای سیاسی آشکار کشاند. او که چون آیة الله العظمی قمی به لزوم پیروی از دستورات الهی می اندیشید بر آن شد سمت تهران رهسپار شود ولی بستگان ، وی را از این کار باز داشتند. فقیه روشن بین از رؤ سای عشایر خواست با تهران تماس گرفته ، حمایت عشایر از پیشنهادهای حاج آقا حسین قمی را به پایتخت گزارش دهند. البته آن بزرگوار خود نیز به تهران تلگراف زد که ، اگر دولت سخن آیة الله قمی را نپذیرد به پایتخت خواهد

رفت و مسؤ ولیت فرجام چنین اقدامی تنها به عهده دولت است .
در سایه تلاشهای آن راهبر سخت کوش سرانجام دربار خواستهای حاج آقا حسین را پذیرفت و آن بزرگوار سمت عراق رهسپار شد. فقیه بروجردی در ملایر به دیدار آن دانشور برجسته شتافت و یک ساعت با وی گفتگو کرد.

هجرت

بیماری استاد فقیهان بروجرد را باید در شمار دیگر رخدادهای مهم سالهای زندگی آن مرجع وارسته در زادگاهش به شمار آورد. بیماری دشواری که سرانجام با عمل جراحی و استراحت هفتاد روزه در بیمارستان فیروزآبادی تهران مهار شد.
چون او از بند بیماری رهایی یافت ، با دو پیشنهاد روبرو شد: از یک سو نمایندگان بروجردیان برای بازگرداندنش پیاپی به تهران می شتافتند و از سوی دیگر دانشوران ساکن قم او را به زندگی در حریم حضرت معصومه علیه السلام فرا می خواندند. استاد برای اقامت در قم با قرآن به رایزنی پرداخت . آیة سوره مؤ منون چراغ سبز الهی به این نیت پاک بود. پس همراه دانشمندان قم راه آن دیار پیش گرفت و در میان استقبال مردم و بزرگان حوزه بدان سرزمین آسمانی گام نهاد.
بدین ترتیب آفتاب رخشان فقاهت در چهاردهم محرم 1364 ق .از افق قم بر آمد و جهان را از نور دانش گرمای معنویت خود سرشار ساخت .

در تابش آفتاب توس

مدتی پس از اقامت در قم ستاره تابناک مرجعیت رهسپار توس شد تا در پناه خورشید ولایت جام وجودش را از امدادهای سبز پیشوای هشتم شیعه آکنده سازد. در این سفر دانشور وارسته حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی جایگاه نماز خویش در مسجد گوهرشاد را به وی سپرد و از آن بزرگمرد خواست ، ماه مبارک رمضان در آن مکان نورانی اقامه جماعت کند.
استاد بزرگ حوزه پس از ماه مبارک رمضان به قم شتافت و دیگر بار به وظایف سنگین خویش روی آورد.

مرجع موید

با رحلت مرجع بزرگوار حضرت آیة الله العظمی سید الوالحسن اصفهانی مرجعیت گوهر یگانه بروجرد فراگیر شد و مؤ منان از هر سو به آن فقیه وارسته مراجعه کردند.
ناگفته پیداست که عنایات و تاءییدات الهی در رویکرد عمومی به آن فقیه وارسته نقشی سبز داشت . خاطره ها و سخنان بر جای مانده از دانشوران آن روزگار نشان می دهد که آفتاب رخشان سلسله طباطبایی زیر باران پیوسته امدادها و عنایتهای فرامادی قرار داشت . برای مثال

حضرت آیة الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی ، که خود از بزرگان روحانیت شیعه بشمار می آمد، پس از وا نهادن مجراب خویش به مرجع بروجردی به نجف شتافت .
مرجع شیعیان جهان ، حضرت آیة الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی ، که از بیماری رنج می برد، جناب نهاوندی را ماءمور اقامه جماعت کرد.
شیخ نهاوندی دنباله این ماجرا را چنین بیان کرده است :
شب اولی که به جای ایشان برای خواندن نماز جماعت رفتم ، وقتی بر سجاده قرار گرفتم ، آوایی شنیدم که گفت ((عظمت ولدی عظمتک )) - فرزندم را بزرگ داشتی من نیز تو را بزرگ داشتم - برگشتم ، به همه سو نگاه کردم ، مردم در صفهای جماعت نشسته بودند، کسی جز من پیام غیبی را در نیافته بود.
علاوه بر گفتار دانشمند گرانمایه حضرت شیخ علی اکبر نهاوندی کردار آن مرجع وارسته بویژه در سالهای زندگی قم دلیل روشنی بر معنویت و همراهی پیوسته تایید الهی با فقیه فروتن بروجردی است . کرداری که شاگردانش از آن پرده برداشتند و برای همیشه در سینه تاریخ به یادگار نهادند:
1- همسر یکی از دانشجویان باردار بود. هنگام زایمان او را نزد پزشکی به نام اسماعیل موسوی برد. پس از زایمان ، پزشک به پدر نوزاد گفت : این پسرت را من نجات دادم ، اگر من نبودم می مرد، دوست دارم نامش را اسماعیل بگذاری .
دانشجوی جوان نیز نام کودک را اسماعیل نهاد ولی دریغ که نوزاد از نخستین روز تولد در بیماری و درد فرو رفت . تلاشهای شبانه روزی پدر و مادر و مراجعه به پزشکان گوناگون سودمند واقع نشد و کودک میان دنیا و برزخ سرگردان ماند. دانشجو، که دستش از همه جا کوتاه می نمود، نزد استاد وارسته حوزه حضرت آیة الله العظمی بروجردی سفره دل گشاد و گفت : آقا، خداوند نوزادی به من داده که از نخستین روز تولد تا کنون پیوسته بیمار است ، نمی دانم چه کنم :
استاد مهربان فرمود: نامش را عوش کنید خوب می شود.
دانشجو، که هرگز داستان سفارش پزشک و نامگذاری نوزاد را برای استاد نگفته بود، شگفت زده به خانه رفت ، نام کودک را ((امیر)) نهاد و او را برای همیشه از بیماری و رنج رهایی بخشید.
2- دانشجویی دیگر داستان دلدادگی اش به استاد را چنین باز گفته است :
وقتی تازه به قم آمده بودم ، آقا برایم شهریه فرستاد. من نپذیرفتم و گفتم : زمینی در شمال دارم که در آمدش مراکافی است .
پس از چندی خشک سالی شمال را در بر گرفت . من برای گذران زندگی به قرص روی آوردم . چون میزان بدهی ها زیاد شد، ناگزیر فرشهای خانه

را جمع کردم و یکی از بازاریان را به خانه بردم تا آن را بخرد. مرد بازار بهایی اندک برای فرش بر زبان آورده ، بهایی که برای پرداخت بدهی هایم کافی نبود. بازاری دیگری را به خانه بردم ، اما او بهایی کمتر از اولی پیشنهاد کرد.
من سرگردان و مردد بودم که ناگهان صدای در مرا به خود آورد، شتابان سمت در دویدم ؛ حاج احمد، خادم استاد، پشت در بود. او پاکتی به من سپرد و گفت : این را آقا برای شما فرستاده .
به پاکت نگریستم ، اثری از پول در آن نبود. چون گشودم چکی در آن یافتم . چکی که مبلغ آن درست به اندازه بدهی ام بود. شگفتی وجودام را فراگرفت زیرا جز من و خداوند هیچ کس از میزان کامل بدهی ام خبر نداشت .
سالهای درخشان
حضور فقیهی با چنین معنویت و تاءیید الهی حوزه مقدس قم را که ، زیر ضربات پیوسته عوامل رضاخان ناتوان شده بود، جانی تازه بخشید. اینک همه چیز برای گسترش حوزه و مستحکم ساختن بنیادهای علمی و اقتصادی آن آماده بود. پیروان مؤ من فقیه بروجردی انبوه وجوه شرعی و هدایای خویش را نزد مرجع وارسته شان گسیل می کردند و دانشجویان از گوشه و کنار کشور برای بهره گیری از دریای دانش آن بزرگمرد به قم می شتافتند.
مرجع پاکدلان با روشن بینی خاص خویش آستین همت بالا زد و در کنار تدریس روزانه به اصلاحات اساسی دست یازید.
سامان دادن به وضعیت درسی حوزه .
رسیدگی به مسایل مالی دانش پژوهان ، بر قرار ساختن ارتباط با دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه و محافل رسمی برادران اهل سنت برای ایجاد وحدت میان گروههای مسلمان ،گسیل کردن نمایندگانی به اروپا و امریکابرای شناساندن اسلام واقعی به مردم آن مناطق بخشی از اقدامات آن آفتاب فروزان به شمار می رود.
ناگفته پیداست که فقیه فرزانه ای چون وی هرگز نمی توانست در برابر رویدادهای داخلی بی تفاوت باشد. او چنان می اندیشید که ((اگر مردم عالم شوند و دین هم بطور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین )) پس در کنار رسیدگی به وضع دانشجویان علوم دینی و حوزه ها دبستانها و دبیرستانهای دولتی را نیز از کمکهای نقدی خویش بهره مند ساخت و در رونق آنها کوشید.
او پیوسته مراقب بود تا بیگناهی به زندان اتهام نیفتد و مؤ منی ناخواسته در دام اهریمنان جای نگیرد. بنابراین چون از مساءله متهم شدن یک مسلمان بی گناه به قتل فردی بهایی آگاه شد در نگرانی فرو رفت .

چند بهایی یکی از همکیشان خود را کشته ، با نیرنگ جوانان مؤ من را به قانون سپردند. یکی از این جوانان به اعدام محکوم شد و حکم باید درروز نیمه شعبان به اجرا در می آمد. این خبر مرجع پارسای قم را در نگرانی فرو برد. بی درنگ نامه هایی خطاب به شاه ، نخست وزیر و آیة الله بهبهانی نوشته ، به تهران گسیل داشت ، سپس به هر که سودمند می دانست تلفن زده ، قضیه را دنبال کرد تا سرانجام نیمه شب خبر لغو حکم اعدام را به وی رساندند. با شنیدن این خبر اشک از دیدگانش روان شد و پروردگار را بسیار سپاس گفت : در این لحظه یکی از نزدیکان به اتاقش آمد و پرسید: شما هنوز بیدارید؟
مرجع بزرگ شیعه پاسخ داد: خیلی مهم بود ولی به خیر گذشت . هر وقت فکر می کردم خون مسلمان بی گناهی ریخته می شود، همه بدنم می لرزید و متحیر می ماندم که فردای قیامت جواب خداوند عالم را چه بگویم .
آنچه گذشت در کنار خدمات رفاهی فقیه بروجردی به مسلمانان سراسر جهان ، که تاءسیس بیش از هزار مسجد، مدرسه ، بیمارستان ، کتابخانه ، گرمابه و دبستان در ایران ، عراق ، لبنان ، آفریقا و اروپا، نمونه کوچکی از آن شمرده می شود، مرجع شیعیان را از محدوده مرزهای کشور فراتر برد و به شخصیتی جهانی تبدیل کرد. شخصیتی که شاعران و نویسندگان اهل سنت در شعرها و مقاله های خویش وی را می ستودند. شاهان شیعه و سنی برایش هدیه فرستادند. برای مثال زمانی ملک سعود، پادشاه حجاز، یک چمدان بزرگ حاوی پانزده نسخه قرآن کریم ، قطعاتی از پرده خانه خدا و چیزهای گرانبهای دیگر نزد آن دانشمند وارسته گسیل داشت .
سرور فقیهان شیعه تنها قرآنها و پرده کعبه را پذیرفت و باقی را همراه نامه ای به ملک سعود بازگرداند و گفت چون هدیه نمی پذیرم . این را نیز نمی توانم قبول کنم ولی ناگزیر قرآن و پرده کعبه را می پذیرم و باقی را به رسم هدیه به شما باز می گردانم تا هنگام دعا به یادم باشید.
دانشور جامع
یکی از نکات مهم و قابل توجه در شخصیت آیة الله العظمی بروجردی جامعیت علمی آن بزرگوار بود. استاد فقیهان شیعه را نمی توان تنها یک فقیه به شمار آورد. او از علوم دیگر روزگار به اندازه ای آگاهی داشت که موجب شگفتی صاحبنظران می شد. دو خاطره ای که تاریخ در این باره ثبت کرده است می تواند دلیل روشنی بر درستی این سخن باشد:
1. وزیر فرهنگ وقت همراه مسعودی ، رئیس روزنامه اطلاعات ، نزد ایشان شتافت . کسی که آنها را خدمت آقا برده بود دست مبارکش را بوسید، در پی او وزیر فرهنگ نیز چنین کرد ولی مسعودی از این کار سرباز زد. پس از معرفی ، آقا درباره تاریخچه روزنامه ، نگاری ، اهداف آن ،

اولین روزنامه نگار و... سخن گفت .
آنگاه پرسشی جغرافیایی مطرح کرد و چون وزیر فرهنگ از پاسخ باز ماند خود به تبیین پاسخ و توضیح آن پرداخت .
هنگام خداحافظی مسعودی پیش از همه دست آقا را بوسید و پس از بیرون آمدن گفت : آقا چنان پیرامون روزنامه نگاری صحبت کرد که گویا یک روزنامه نگار است .
2. روزی دیگر سرتیپ رزم آرا خدمت گوهر یگانه دریای فقاهت شتافت تا قبله نمای اختراعی خویش را به وی بنمایاند. آقا درباره نجوم و ریاضی مطالبی بیان کرد. سرتیپ پس از خروج گفت : من خیال می کردم آقا تنها در فقه و اصول مجتهد است ولی معلوم می شود در هر فنی تخصص دارد چون مطالبی که امروز اظهار داشت از مسایل دقیقی است که حتی بسیاری از استادان از آن آگاهی ندارند.
میراث ماندگار
مرجع روشن بین شعیه در کنار تدریس و کارهای روزانه به تحقیق نیز می پرداخت و نتایج پژوهشهای خویش را ثبت می کرد. آن بزرگوار در پاسخ علاقه مندانی که در پی بهره گیری از نگاشته هایش بودند فرمود: زیاد چیز نوشته ام ... بعضی از آنها بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است .
ذکر نام بخشی از آثار علمی آن دانشور وارسته می تواند نشانه تلاش فراوان وی در این راه باشد:
1. تجرید اسانید الکافی
2. تجرید اسانید التهذیب
3. اسانید کتاب من لایحضره الفقیه
4. اسانید رجال کشی
5. اسانید استبصار
6. اسانید کتاب خصال شیخ صدوق
7. اسانید کتاب امالی
8. اسانید کتاب علل الشرایع شیخ صدوق
9. تجرید فهرست شیخ طوسی
10. تجرید رجال نجاشی
11. حاشیه بر کفایه الاصول
12. حاشیه بر نهایه شیخ طوسی
13. حاشیه بر عروة الوثقی
14. حواشی و مستدرکات فهرست شیخ منتجب الدین رازی
15. حواشی کتاب مبسوط
16. رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه

17. اصلاح و مستدرک رجال طوسی
18. بیوت الشیعه
19. جامع احادیث الشیعه
آن بزرگوار از سالهای زندگی در بروجرد همواره در اندیشه نگارش مجموعه ای بود که فقیهان را در استنباط احکام یاری دهد و آنها را از مراجعه به کتابهای روایی متعدد بی نیاز سازد. چون به قم گام نهاد. و شاگردانی خبره تربیت کرد این اندیشه را با آنها در میان گذاشت و به یاری گروهی از آنان در مدت هشت سال اثر بیست جلدی ((جامع احادیث الشیعه )) را آماده چاپ ساخت .
فقیه یگانه جهان اسلام در کنار تلاشهای علمی و اجتماعی فراوان به پاسداری از میراث دانشوران پیشین نیز ارج می نهاد در فرصتهای گوناگون آثار علمی مخطوط و کمیاب را به چاپ می رساند. کتابخانه های کوچک و بزرگ بنیاد می نهاد و آثار دانشمندان را از این راه در اختیار جویندگان دانش می گذاشت . کتابخانه بزرگ آن فقیه نستوه در کنار مسجد اعظم قم نشانه توجه مرجع شیعه به این امر خداپسندانه است . دربار و مرجعیت
دربار از مشکلات پیوسته فقیه پاکراءی بروجرد به شمار می آمد. تبلیغات پر حجم وزنامه ها و مجلات وابسته در راه دین زدایی و دور ساختن مردم از فرهنگ اصیل اسلامی مرجع بیدار شیعه را رنج می داد. بنابراین گاه بر می آشفت و خشمگینانه به شاه هشدار می داد. روزی به اقبال ، نخست وزیر وقت ، گفت : پدرش (رضا خان ) بی سواد بود ولی یک مقدار شعور داشت . اما این شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی شود.
گاهی از پذیرش او خودداری می کرد و می فرمود: حتما می خواهد همانطور که چند تا عکس با زنش در این مسافرت گرفته است بیاید با من هم عکس بگیرد.
و زمانی به شدیدترین وجه ممکن در برابر نقشه های او می ایستاد. برای مثال وقتی شاه مساءله تغییر خط ایران از فارسی به لاتین را مطرح کرد. در این راه تبلیغات فراوان انجام داد، مرجع دلاور شیعه چون سدی آهنین در برابر دربار ایستاد و گفت :... من تا زنده ام اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند به هر جا که می خواهد منتهی شود.
منابع موجود نشان می دهد که آن پیرفرزانه در کنار کمک به انقلابیون مؤ من سیاسی بسیار دقیق داشت . او چنان می اندیشید که مردم برای تحمل دشواریها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبرو شوند مرجعیت را تنها می نهند. بنابراین زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را موجب فرو غلتیدن فزونتر او در دامان بیگانگان می دانست پس گاه با وی مدارا

می کرد تا آن جوان مغرور جای پای خود را سست نبیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد.

فصل سوگ

اندک اندک شوال 1380 ق . فراسید و بیماری بر پیکر مرجع نود و سه ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوریهای استاد فقیهان تفاوت داشت . در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند.استاد، که بسیار اندوهگین می نمود، سربلند کرد و گفت : خلاصه عمر ما گذشت ما رفتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم . یکی از حاضران گفت : آقا، شما دیگر چرا؟ بحمدالله این همه آثار نیک از خود بر جای نهاده اید شاگردان پرهیزگار تربیت کرده اید، کتابهای پرارزش به رشته نگارش کشیده اید. مسجدها و کتابخانه ها ساخته اید. ما باید چنین سخنی بر زبان رانیم .

فقیه پارسای شیعه فرمود: خلص العمل فان الناقد بصیر بصیر. (باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی زیرا او به همه چیز بیناست و از انگیزه های بشر آگاه است .)

این سخن حاضران را بسیار تحت تاءثیر قرار داد.

چند روز پس از این گفتگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام در سیزدهم شوال 1380 ه ق برابر با دهم فروردین 1340 ه ش ، برای همیشه چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم ، که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد.

طباطبائی، عبدالعزیز

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید عبدالعزیز فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید جواد طباطبائی یزدی (حفید و نوه آیت‌اللّٰه العظمی آقا سید محمدکاظم طباطبائی یزدی صاحب کتاب عروه‌الوثقی و حاشیه مکاسب و غیره) که در تاریخ بیست و یکم جمادی‌الثانی 1348 برابر با چهارم آبانماه 1318 شمسی در نجف اشرف متولد شده و پس از طی مراحل مقدمات علوم اولیه ادبی را نزد حاج سید هاشم حسینی تهرانی و حاج سید جلیل طباطبائی یزدی و شرح منظومه را خدمت آیت‌اللّٰه حاج سید عبدالاعلی سبزواری و اسفار را خدمت آیت‌اللّٰه حاج شیخ صدراء بادکوبه‌ای خوانده و سطوح فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ ذبیح‌اللّٰه قوچانی و حاج میرزا حسین نبوی کاشمری و مرحوم آیت‌اللّٰه حاج سید علی علامه فانی اصفهانی و حاج شیخ علی سرابی و حاج شیخ عبدالحسین دشتی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ مجتبی لنکرانی فراگرفته و خارج علم تفسیر و فقه و اصول را از محضر استاذ الاساتید آیت‌اللّٰه العظمی خوئی دام ظله العالی آموخته و همین طور چند سالی در دروس خارج آیت‌اللّٰه العظمی میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّٰه حاج شیخ حسین حلی حاضر شده و استفاده نموده و در این اثناء مدت بیست و پنج (25) سال از محضر پر فیض دو استاد بزرگ مرحوم علامه مجاهد امینی صاحب الغدیر و علامه رازی حاج شیخ آقا بزرگ صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه بهره‌مند گردیده و از تربیت یافتگان مکتب این دو بزرگوار بشمار آمده است.
پس به کمک مرحوم علامه امینی در پیشبرد کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف اشرف فعالیتهای موثر و چشمگیری داشته و نوشتن فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه نیز به عهده ایشان بوده است.
در اسفند ماه 1349 شمسی و ذی‌حجه 1389 قمری برای شرکت در کنگره هزاره شیخ طوسی از طرف دانشکده مشهد مقدس دعوت شده و از نجف به ایران آمده و در کنگره شرکت کرده و بنابر درخواست کتابخانه آستانه قدس حدود یکسال در مشهد مانده و نسخه‌های خطی فقه و اصول و حدیث آنجا را نوشته و باز به نجف بازگشته و تا سال 1356 برابر 1396 قمری در نجف به فعالیتهای علمی و مذهبی خود ادامه داده تا در تاریخ یاد شده به ایران آمده و در قم اقامت نموده و همچنان به فعالیتهای مذهبی و علمی خود ادامه داده است.

و اکنون در حوزه علمیه قم وجود مغتنم و مفیدیست و در مسائل کتابشناسی و نسخه‌شناسی و حدیث و رجال و غیره نویسندگان و مولفان کتب و محققان متون و موسسات علمی و بنیادهای فرهنگی به ایشان مراجعه و از وجودشان استفاده می‌برند و نسبت به همه با گشاده‌روئی و ملاطفت جواب و پاسخ مثبت داده و راهنمائی و کمک می‌نمایند و بالاخص موسسه آل‌البیت قم که یک موسسه تحقیقاتی معروف است روابط بیشتری با ایشان دارند و آن جناب هم به این موسسه کمکهای زیادی می‌نمایند.

مسافرتهای ایشان

مترجم محترم ما به منظور بازدید کتابخانه و استفاده از نسخه‌های خطی و احیاء عکسبرداری از بعضی از آنها علاوه از کتابخانه‌های عمومی و شخصی ایران به کشورهای حجاز و اردن و سوریه و ترکیه و لبنان و انگلستان نیز مکرر سفر کرده و از کتابخانه‌های کشورهای مزبور استفاده‌های شایانی نموده است و در هر یک از مسافرتها خاطراتی را مرقوم داشته‌اند.

تألیفات ایشان

1- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف اشرف.
2- فهرست قسمتی از نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
3- معجم اعلام‌الشیعه
4- علی ضفاف الغدیر
5- تعلیقات بر طبقات اعلام الشیعه
6- مستدرک الذریعه
7- تعلیقات بر الذریعه
8- تهذیب الذریعه
9- مکتبه العلامه الحلی فهرست تألیفات علامه حلی و نسخه‌های خطی آن.
10- المهدی علیه‌السلام فی السیره النبویه
11- اهل البیت فی المکتبه العربیه
12- الحسین والسنه
13- نتایج الاسفار
14- قید الاوابد

تصحیح متون

1- فهرست شیخ منتجب‌الدین ابن بابویه قمی
2- فهرست شیخ طوسی
3- مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام احمد بن حنبل
4- الاربعون المنتقی فی فضائل علی المرتضی تألیف ابوالخیر قزوینی مطبوع در سال 92.
5- ترجمه الحسن و الحسین علیهماالسلام از طبقات ابن‌سعد

6- مقتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام تألیف ابن ابی‌الدنیا مطبوع در سال 86.
7- رساله ذهبی در حدیث الغدیر
شرکت در کنگره‌های علمی
1- هزاره شیخ طوسی در مشهد
2- هزاره نهج‌البلاغه شریف رضی در تهران
3- کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام در مشهد
4- کنگره حسین (ع) در لندن
5- کنگره و هزاره حادثه غدیر خم در لندن
اجازات ایشان
معظم‌له از مرحوم علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللَّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللَّه العظمی خوئی مدظله اجازات روایتی و غیره دارند و خود نیز به چندین نفر اجازه روایتی داده‌اند.
فقیه.
تولد: 1308(23 جمادی‌الآخر 1348 ق.)، نجف.
درگذشت: 8 بهمن 1374(7 رمضان 1416 ق.)، قم.
آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سید هاشم حسینی تهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فسلفه در نجف فراگرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فراگرفت. در فقه نیز از آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله العظمی ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه و علامه عبدالحسین امینی صاحب الغدیر آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین موسوعه‌ی بزرگ شیعی یعنی الذریعه با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانه‌ی امیرالمومنین نجف که توسط علامه‌ی امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانه‌ی آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعه‌ی رجالی شیعه یعنی معجم رجال الحدیث آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی

یزدی متصدی مدرسه‌ی سید در نجف گردید و سال ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در 1396 ق. نجف را به قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از سوی مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسه‌ی آل‌البیت (ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.
مشایخ اجازه‌ی ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله العظمی خویی.
کتاب‌های ایشان از این قرار است: اساتید و مشایخ شیخ طوسی؛ اضواء علی الذریعة؛ الشیخ المفید و عطاؤه الفکری الخالد؛ الشیعه و هجمات الخصوم؛ الغدیر فی الثراث الاسلمی (کتابنامه غدیر هم، بیروت، 1314 ق.)؛ الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربة فی مکتبات ترکیا؛ المهدی (ع) فی السنة النبویة، انباء السماء برزیة کربلا؛ اهل‌البیت علیهم‌السلام فی المکتبة العربیة (معرفی و توصیف کتاب های عربی اهل سنت در فضایل اهل‌بیت، دو جلد)؛ تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة (اولین نوشتار استاد در 1377 ق.)؛ حیاة الشیخ یوسف البحرانی، علی ضفاف الغدیر(چاپ نشده)؛ فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة امیرالمؤمنین (ع) العامة فی النجف الاشرف؛ فهرس المخطوطاعت تبریز؛ فهرس المنتخب من مخطوطات لندن؛ فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز؛ فهرس کتب الحدیث فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرس کتب الفقهیه فی مکتبة الامام الرضا (ع)، فهرست کتابخانه علامه طباطبایی دانشگاه شیراز؛ فی رحاب نهج‌البلاغة (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ قید الاوابد و جمع الشوارد؛ ما ینبغی نشره من الثرات (معرفی کتاب های ارزنده مخطوط)؛ مخطوطات اللغة العربیة؛ مستدرک الذریعة، معجم اعلام الشیعة؛ مکتبة العلامة الحلی (که خلاصه آن در مقدمه ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ نتائج الاسفار (چاپ نشده). کتاب هایی که به قلم ایشان تصحیح شد؛ از این قرار است: فهرست منتخب الدین رازی؛ الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی؛ ترجمة الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد؛ مقتل امیرالمؤمنین (ع)؛ الحسین (ع) والسنة (مجموعه سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)، ترجمة امیرالمؤمنین من تاریخ ابن عساکر، طریق حدیث من کنت مولاه فعلی مولاه (حافظ ذهبی)؛ عقدالدرر فی اخبار المهدی المنتظر (سلمی شافعی دمشقی)؛ فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین (حموی جوینی)؛ فهرست تصانیف کراجکی (آماده چاپ)؛ فهرست

شیخ طوسی، فهرست شیخ منتخب الدین الاربعون المنتهی من مناقب المرتضی (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ مطالب السئول (زیر چاپ)؛ مناقب امیر المؤمنین (ع) (احمد بن حنبل).
آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان 1374 به سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه (س) مدفون است.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

طبرسی، امین‌الدین، امین الاسلام، ابوعلی فضل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 548 ق)، فقیه، محدث، مفسر، محقق و لغوی امامی. معروف به شیخ طبرسی و صاحب «مجمع البیان». او از برجسته‌ترین پیشوایان مذهب شیعه در قرن ششم هجری است. خودش و پسرش، حسن بن فضل، صاحب «مکارم الاخلاق»، و نوه‌اش، علی بن حسن، صاحب «مشکاه الانوار» و دیگر نزدیکان او همگی از بزرگان علما می‌باشند. وی از شیخ ابوعلی، فرزند شیخ طوسی، و شیخ عبدالجبار قاری رازی، فقیه بزرگ شیعه در ری، روایت کرده و «صحیفه الرضا (ع)» از جمله مرویات اوست. طبرسی از مشایخ روایت پسرش، رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، و ابن‌شهر آشوب مازندرانی و شیخ منتجب‌الدین و قطب راوندی و شاذان بن جبرییل قمی و شیخ عبدالله دوریستی و برخی دیگر از بزرگان علمای شیعه است. در 523 ق از مشهد رضوی به سبزوار رفت و تا پایان عمر در سبزوار ماند. صاحبان «ریاض العلماء» و «روضات الجنات» و نیز محدث نوری در «مستدرک» گفته‌اند که وی شهید گشته است. جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و در محل غسل امام رضا (ع)، مشهور به قتلگاه، دفن کردند. از آثارش: «اعلام الوری باعلام الهدی»، در فضایل ائمه (ع)؛ «الوسیط»، در تفسیر؛ «الوجیز» یا «الکافی الشافی» یا «الکاف الشاف من کتاب الکشاف»، ملخص «کشاف» زمخشری درتفسیر؛ «الوافی»، در تفسیر؛ «تاج المواليد»؛ «الآداب الدینیه»؛ «مجمع البیان لعلوم القرآن»، که شیخ شهید (ره) درباره‌اش گفته که این تفسیری است که مثلش نوشته نشده؛ «جوامع الجامع»، در تفسیر، که آن را بعد از «مجمع البیان» تألیف کرده و در آن لطایف «کشاف» و فواید «مجمع» را جمع نموده است، دکتر گرجی نسخه‌ی آن را تصحیح و بر آن تعلیقاتی نگاشته است؛ «معارج السؤل»؛ «نثر اللئالی»، به سبک «غرر و درر» آمدی؛ «غنیه العابد و منیه الزاهد»؛ «عده السفر و عمده الحضر»؛ «العمده»، در اصول دین و فرائض و نوافل؛ «النور المبین»؛ «الجواهر»، در نحو.[1]
(ع. معر. تفرشی) 1- ابوعلی فضل ابن حسن طبرسی ملقب به امین‌الدین و امین‌الاسلام، مفسر و دانشمند معروف شیعه (و. بین 480 -468 ه.ق.- ف. 548 ه. ق.). شهرتش به تصریح علی بن زید بیهقی دانشمند معاصر و هموطن وی در تاریخ بیهق «طبرسی» (به فتح اول و سکون ثانی و کسر ثالث) منسوب به طبرس معرب تفرش است، بنا به نقل افندی شاگرد

مجلسی در ریاض‌العلماء علامه مجلسی و نیز عده‌ای دیگر از علمای همزمان وی طبرسی را به احتمال قوی اهل تفرش میدانستند. منسوب دانستن وی به طبرستان نه سند قدیمی دارد و نه با قانون می‌سازد. باری طبرسی تا سال 523 ه.ق. در مشهد مقدس اقامت داشت و در این سال به سبزوار رفت و تا پایان عمر آنجا متوطن بود. مدفنش در مشهد مقدس است. وی از فقه و تفسیر و نحو و لغت و شعر و حساب و جبر و مقابله مشارالیه بود. در فقه فتاوای مخصوص دارد. مشاره تألیفاتش بر بیست بالغ می‌شود. از آن جمله است: مجمع‌البیان (ه. م.) در تفسیر، جوامع الجامع (ه.م.) در تفسیر، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة در حکمت عملی، اعلام الوری به اعلام الهدی در تاریخ ائمه، تاج الموالید در تاریخ و انساب، العمدة در اصول دین و فرائض و نوافل، نثر اللآلی در کلمات قصار علی 4 و غیره. 2- رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل، فرزند ابوعلی فضل از علمای بزرگ قر. 6 ه. در فضایل و کمالات مرتبه‌ای بلند داشت و نزد پدرش تلمذ کرد، اوراست: جامع الاخبار (که بعضی آن را منسوب به محمد بن محمد شعیری و دسته‌ای منسوب به جعفر بن محمد دوریستی و عده‌ای از تألیفات ابوالحسن علی حناط دانسته‌اند)، مکار الاخلاق که در مصر و ایران به طبع رسیده. اسرارالامامة (درباره مؤلف این کتاب هم قول بسیار است. سال فوتش به دست نیامده) (دکتر حسین کریمان).
الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی ره که دشمنان و دوستان وی اعتراف به فضل او دارند.
اوست مفسر جلیل و عالم کامل نبیل و ثقه بزرگوار و فقیه عظیم‌الشأن صاحب تألیفات کثیره و تصنیفات عدیده مانند 1- مجمع‌البیان در تفسیر قرآن 2- الوسیط (تفسیر متوسط) 3- الوجیز (تفسیر مختصر) 4- جوامع الجامع 5- الاداب الدینیه للخزانة المعنیه 6- غنیة العابد 7- منیة الزاهد 8- تاج الموالید 9- کنوز النجاح 10- عدة السفر 11- عمدة الحضر 12- النور المبین 13- الفائق 14- اعلام الوری باعلام الهدی و کتب دیگری که در روضات نسبت به او داده است.
بالجمله این بزرگوار پدر ابونصر حسن بن فضل صاحب مکارم‌الاخلاق و جد ابوالفضل علی بن حسن صاحب مشکوةالانوار در ادعیه است.
بیت او از علماء بزرگ بوده‌اند در سال 523 قمری از مشهد رضوی به سبزوار منتقل شد و در سال 548 قمری از دنیا رفت.
جنازه او را به مشهد مقدس حمل کردند و در قبرستان معروف به قتلگاه که اکنون در خیابان طبرسی که بنام او شهرت گرفته مدفون نمودند.
و آنجا را از این رو قتلگاه گفته‌اند که در اواخر دولت صفویه در آنجا به دستور عبداللّه خان ازبک افغانی قتل عام کردند
صاحب روضات گوید از صاحب ریاض‌العلماء منقولست که میان همه

طبقات معروف شده که شیخ طبرسی سکته کرد مردم به گمان اینکه او رحلت نموده او را دفن کردند و چون در قبر بهوش آمد راه بیرون شدن را بر خود مسدود دید در آن حال نذر کرد که اگر حق تعالی او را خلاص بفرماید از آن بلیه کتابی در تفسیر قرآن تالیف نماید پس اتفاق افتاد که یکی از گورکنان بقصد دزدیدن کفن شیخ قبر او را نبش کرد و چون خواست کفن از تنش بیرون کند که ناگاه شیخ دست او را گرفت.
نباش را ترس شدیدی عارض شد شیخ شروع کرد با او تکلم کردن وحشت او زیادتر شد شیخ گفت مترس من زنده‌ام و سکته کرده بودم الحال بهوش آمدم و چون از کثرت ضعف نیروی راه رفتن ندارم مرا بدوش بگیر به خانه ببر.
پس نباش او را به خانه برد شیخ او را خلعت پوشانید و مال فراوانی داد و نباش توبه کرد بدست شیخ طبرسی و آن کار زشت را ترک نمود به برکت شیخ علیه‌الرحمه
پس آنجناب شروع کرد به تألیف مجمع‌البیان بجهت وفاء به نذر خویش و خداوند او را توفیق اتمام داد
فوائد الرضویه ص 352
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] الاعلام (353 -352 / 5)، ایضاح المکنون (433 / 2)، اعیان الشیعه (401 -398 / 8)، تأسیس الشیعه (340)، تاریخ ادبیات در ایران (259 / 2)، الذریعه (24 / 20، 249 -248 / 5، 242، 240/ 2، 18 / 1)، روضات الجنات (349 -342 / 5)، ریحانه (36 / 4)، شهیدان راه فضیلت (91 -89)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 217 -216 / 6)، فوائد الرضویه (352 -350)، کشف الظنون (1602، 126)، الکنی و الالقاب (444 / 2)، لغت‌نامه (ذیل/ طبرسی)، معجم المؤلفین (67 -66 / 8)، هدیه الاحباب (194-193)، هدیه العارفین (820 / 1)، یادداشتهای قزوینی (280 -277 / 5).

طبرسی، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا حسن بن العالم العلام والحجةالاسلام حاج میرزا محمدتقی مازندرانی قدس اللّه سره.
فاضل مراغه‌ای در (المآثر والاثار) ص 155 گوید: حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء می‌باشد به جلالت قدر و علو شأن از اقران ممتاز است.
ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام را از معاصرین کمتر بقدر او موفق شده‌اند.
در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است.
پدر جلیل‌الشأنش میرزا محمدتقی مازندراني از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلیشاه رحمه‌اللّه بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین می‌باشد.
و هم از تبحر نام و تتبع علم در مصنفات علماء اسلام با علی مقام رسیده وصیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است.
تصنیفات سودمند دارد.
منها 1- نفس الرحمن فی ترجمه سلمان 2- دارالسلام فیما یتعلق بالمنام 3- النجم الثاقب فی احوال الامام الغالب 4- الکلمة الطیبه 5- رساله میزان السماء 6- الصحیفة الرابعه 7- جنةالمأوی 8- مستدرک الوسائل در سه مجلد تا آنجا که گوید این عالم عامل و فقیه فاضل و محدث کامل در حضرت حجةالاسلام ثقة الانام مجدد الاحکام نائب الامام (ع) حاج میرزا محمدحسن بسیار موثق و معتمد و مؤتمن است.
نگارنده گوید: مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه که از شاگردان آن مرحوم بوده در قسم دوم از جزء اول طبقات از ص 543 تا ص 555 حدود 12 صفحه ترجمه آن بزرگوار نوشته و وفات او را در شب چهارشنبه 28 جمادی الثانیه 1320 ق ذکر نموده است.
(حاج) میرزا حسین بن محمد تقی نوری از ثقات علمای شیعه در اوایل قر. 14 ه. (ف. 1320 ه.ق.). وی را ثالث مجلسین دانسته‌اند، و از شاگردان

شیخ مرتضی انصاری و حاج ملا علی کنی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی است. تألیفاتش بسیار است، از آن جمله: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در احادیث و اخبار، فصل‌الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، حاشیه منتهی المقال ابوعلی در علم رجال، النجم الثاقب و غیره (دکتر حسین کریمان).
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

طبرسی، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1345 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، متکلم و رجالی. پدرش از بزرگان و علمای قزوین بود. خود صاحب عنوان از شاگردان علامه ملا محمدتقی هروی اصفهانی بود. وی در بارفروش مرجع امور شرعی مردم بود و تا لحظه‌ی وفات مرجعیت داشت. در مقبره بارفروش دفن است. او دارای تالیفات و تصنیفات سودمند بسیاری است. از آثارش: «نتیجه المقال»، در علم رجال، که تلخیص شده‌ی کتاب «رجال» استادش شیخ محمدتقی هروی است؛ «حدیقه الشیعه»، در اخلاق و مواعظ؛ «حدیقه العارفین»؛ «سراج الامه»، در شرح «شرح اللمعه»، در چند مجلد؛ شرح التصریف» ملا سعدالدین تفتازانی؛ حاشیه بر «فرائد الاصول» شیخ انصاری، در دو مجلد؛ رساله‌ی عملیه‌ی «صراط النجاه». حدث قمی در «فوائد الرضویه» او را به عنوان شاگرد صاحب «جواهر» آورده و نظم «تتمیم الدره فی صلاه الجمعه» را به وی نسبت داده است.[1]
شیخ محمد حسن بن صفر علی بارفروشی مازندرانی معروف به شیخ کبیر از اکابر علماء امامیه عصر گذشته ماکه عالم عامل فاضل کامل متبحر محقق مدقق جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بوده و در فقه و اصول و رجال و کلام و اخلاق و غیر آنها تألیفات نافعه بسیاری دارد که محل استفاده افاضل میباشد.
1- حاشیه رسائل شیخ مرتضی انصاری که در میان دیگر حواشی آن کتاب ممتاز است 2- حاشیه شرح تصریف ملاسعد تفتازانی 3- حدیقه الشیعه در اخلاق و مواعظ فارسی 4- حدیقه العارفین در مناقب و مصائب 5- سراج الامه فی شرح اللمعه 6- شرح تصریف ملاسعد 7- نتیجه المقال فی علم الرجال و اکثر آنها در تهران بطبع رسیده غیر از دومی و ششمی. در ماه شوال 1345 قمری وفات نموده و در مقبره خود که معروف است در وسط شهر بابل مدفون گردید و در جنب قبر او مقامی بنام حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله فرجه میباشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (159/9)، الذریعه (50/24، 149/13، 156/12، 387، 156/6)، ریحانه (331/3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 404/14)، فوائد الرضویه (452)، المآثر و الآثار (177)، مؤلفین کتب چاپی (2/ 582- 583)، معجم المؤلفین (195/9).

عالم خراسانی، بی‌بی

قرن:13
جنسیت:زن
ملیت:ایران
1335 -1274 ق، از زنان دانشمند و پارسا. وی دختر حاج میرزا طاهر خراسانی و از اهالی خراسان بود. مقدمات علوم اسلامی و فنون ادب را نزد پدرش، متولی مسجد گوهرشاد، و دیگران فراگرفت. سپس با شاعر معروف، سید میرزا حبیب‌اللّه شهیدی خراسانی (1327 ق) ازدواج کرد. فقه و اصول و حدیث و عرفان را از محضر همسرش بهره‌مند شد. و به مطالعه و تحقیق در سیره انبیاء، تاریخ و قصص عرب، اشعار جاهلیت، ادبیات و احوال اولیاء و عرفا پرداخت. تبحر و تخصص ویژه‌ای در شرح حال اولیا و عرفا و تاریخ انبیاء و دوران قبل از اسلام داشت. همسرش در مقدمه دیوان شعر خود او را چنین وصف کرده است: «بی‌بی عالم مقدمات تحصیلی را علی‌الرسم در خانواده آموخته بود و بعداً در همسری و معاشرت آقا به مطالعه تواریخ انبیاء و رسل و حکایت احوال اولیا و عرفا پرداخت. تهجد و نوافل و تعقیبات نمازها و تلاوت قرآن روزانه را ترک نمی‌کرد و بر سجاده نماز، هر روزه دو صفحه‌ای از مثنوی مولوی با آهنگ ملکوتی تلاوت می‌کرد و خلاصه از نادرات عارفان زمان خود به شمار می‌رفت».
برگرفته از کتاب :مشاهیر زنان ایرانی و پارسی گوی
منابع زندگینامه :منبع: دایرةالمعارف تشیع، 549 / 3.

عاملی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ع. منسوب به جبل عاملی) ابوجعفر محمد بن جبل عاملی مشهور به شیخ حر عاملی و معروف به صاحب رسائل، فقیه و محدث مشهور شیعی (و. مشعر) از قرای جبل عامل (1033- ف./ مشهد 1114 ه.ق.). وی نزد عم خود شیخ محمد حر و جد مادرش شیخ عبدالسلام و نیز نزد شیخ زین‌الدین نوازه شهید ثانی و گروهی دیگر تحصیل کرد و پس از 40 سالگی به مشهد رفت و مجاور گردید و چند بار نیز به زیارت کعبه شتافت. مدفن وی در مشهد در صحن عتیق قرب مدرسه میرزا جعفر است. اوراست: رسائل (که در آن اخبار کتب اربعه شیعه را گردآورده)، اثبات الهداية، هداية الامة، جواهر السنية (احادیث شیعه)، نزهة السماع (در حکم اجماع)، بداية الهداية، فصول المهمة، (در اصول ائمه)، رساله (رد بر صوفیه)، رساله (در تواتر قرآن)، رساله (در رجال)، رساله (در احوال صحابه)، الآمل (ترجمه احوال علمای جبل عامل). دیوان شعر.
محمد ابن علی بن حسن بن علی بن حسن مشغری (و. مشغر جبل‌عامل 1033 ه.ق.- ف. مشهد 1104 ه.ق.). وی تا سن چهل سالگی در سوریه و جبل‌عامل نزد استادان شیعی تعلیم یافت و دو بار به حج رفت و سپس به عراق و خراسان رهسپار گردید و به منصب شیخ‌الاسلامی و قاضی‌القضاتی مشهد منصوب شد و دوبار نیز از آنجا به حج رفت. آثار او عبارتند از: اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، الاثنا عشرية فی رد الصوفيه، الاجازات، احوال الصحابة، اربعین حدیث، ارجوزة در زکات، ارجوزة در هندسه. پس از وفات او را در صحن آستانه قدس نزدیک در مدرسه میرزا جعفر دفن کردند.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)

عذری بیگدلی، اسحاق

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1185 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به عذری. وی برادر آذر بیگدلی و از تذکره‌نویسان و شاعران غزل‌سرای ایران است که در جوانی درگذشت. عذری تذکره‌ای به نام تذکره‌ی «اسحاق» در چهار قمست قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات تألیف کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (183 -182 / 1)، دویست سخنور (238 -237)، الذریعه (709 / 9)، ریحانه (117 / 4)، سفینه المحمود (411 -409 / 2)، فرهنگ سخنوران (627 -626)، نگارستان دارا (237 / 1).

عسکری، مرتضی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س چهاردهم ق)، عالم دینی و نویسنده. مشهور به علامه‌ی عسکری. در سامراء نشوونما یافت و ازین جهت به عسکری مشهور شد. از مضحر بزرگان سامراء و نجف کسب فیض کرد. سالها به امر آیت‌الله حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از وی داشت و به انور دینی، اقامه جمعت و تألیف مشغول بود. چندین بار مورد حمله و اعتراض دولت بعثی عراق واقع شد، تا در 1391 ق اجبار به ایران مهاجرت کرد و در تهران سکونت گزید و به تصنیف و تألیف و همچنین نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال ورزید. از آثارش: «عبدالله بن سبا»، دو جلد؛ «احادیث عایشه» به عربی؛ «خمسون و مائه صحابی مختلق» یا «150 صحابی ساختگی»، دو مجلد.[1]
سید مرتضی عسکری بن آیت‌اللّه حاج سید محمد شیخ الاسلام ساوجی از علماء مبرز و نویسندگان متبحر و ممتاز معاصر شمیران است.
وی در سامرا نشو و نما یافته و از این جهت به عسکری شهرت یافته و از محضر آیات عظام سامرا و نجف اشرف استفاده نموده و سالها بامر آیت‌اللّه العظمی حکیم در بغداد اقامت و وکالت مطلقه از معظم له داشته و بخدمات دینی از قبیل اقامه جماعت و تألیف کتب مفیده و ارشاد مردم شیعی بغداد نموده و کرارا مورد حمله و اعتراض دولت شوم بعثی عراق واقع شده تا سال 1391 ق که مجبورا به ایران مهاجرت و در شمال تهران (نزدیک تجریش) سکونت و بتألیف و نقد و انتقاد کتب عامه اشتغال دارند.
از آثار ارزنده آن جناب که بطبع رسیده کتب زیر است:
1- عبداللّه بن سبا ج 1- این کتاب در نجف و قاهره و بیروت و تهران و هند و پاکستان طبع شده.
2- عبداللّه بن سبا ج 2- این کتاب به (عربی) در تهران چاپ گردیده است.
3- احادیث عایشه ج 1- این کتاب بعربی در تهران و به (اردو) در پاکستان چاپ شده.
ترجمه فارسی کتاب مزبور، بقلم محمد صادق نجمی و هاشم هریسی در قم و تهران چاپ شده.
4- خمسون و مائه صحابی مختلق ج 1- این کتاب به (عربی) در بیروت و بغداد چاپ شده.
5- خمسون و مائه صحابی مختلق ج 2- آماده برای طبع میباشد.
نگارنده گوید: علامه شهیر آقای حاج سید مرتضی عسکری شهرت خدمات

و آثارش در عراق و ایران باندازه ایست که دوست و دشمن را بتقدیر و تحسین واداشته و شروع خدمات ایشان بیک کتاب یا رساله مستقلی نیازمند است.
نوشته‌ها و تألیفات معظم له مورد توجه دانشمندان بزرگ مصری و غیره میباشد از جمله علامه بزرگ مصری استاد محقق شیخ محمود ابوریه تقریظ مبسوطی بکتاب احادیث عایشه ایشان نوشته که شایان اهمیت است و ترجمه آن در مقدمه کتاب عایشه در دوران (علی علیه‌السلام) بطبع رسیده است.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد چهارم)
منابع زندگینامه :[1] گنجینه‌ی دانشمندان (660 -659 / 4).

عطار اصفهانی، ابوبکر محمد

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 466 ق)، حافظ، محدث و رجالی. وی نویسنده‌ی ابونعیم حافظ بود. در طلب حدیث سفرها نمود و از ابوعمر هاشمی و علی بن قاسم نجاد در بصره، و از ابوالقاسم حرفی و ابوعلی بن شاذان در بغداد، و از ابوبکر بن مردویه و ابوسعید محمد بن علی بن عمرو نقاش و همطبقه آنها در اصفهان حیدث شنید. سعید بن ابی‌رجاء و حسین خلال و فاطمه بنت محمد بن بغدادی و اسماعیل بن علی حمامی و دیگران از وی حدیث روایت کرده‌اند. سمعانی گوید که او حافظ حدیث و در نزد اهل شهرش عظیم‌الشأن بود و مجالس املای حدیث چندی برقرار کرد. دقاق گوید: «او از حفاظی بود که از حفظ املا می‌کرد.»
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ بغداد (417 / 1)، سیر النبلاء (339 -338 / 18)، شذرات الذهب (325 / 3)، العبر (320 / 2)، النجوم الزاهره (98 / 5)، الوافی بالوفیات (355 / 1).

عوفی، نورالدین، سدیدالدین محمد

قرن:7
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 630 ق)، شاعر و تذکره‌نویس. از اعقاب عبدالرحمان بن عوف از صحابه‌ی رسول بود. ولادتش در بخارا بود و تحصیلات وی در همان شهر صورت گرفت و آن‌گاه به سفر پرداخت و بسیاری از بلاد ماوراءالنهر و خراسان و سیستان را دید. در بخارا خدمت امام برهان‌الاسلام تاج‌الدین عمر بن مسعود از ائمه آل‌برهان و امام رکن‌الدین مسعود بن محمد امام‌زاده تحصیل کرد. وی مدتی در قندهار در دربار قلج طمغاج‌خان ابراهیم راه داشت و به خدمت پسرش قلج ارسلان خاقان نصره‌الدین عثمان بن ابراهیم بود و مدتی سمت صاحب دیوانی و انشاء آن شاهزاده را داشت. تا اواخر قدرت سلطان محمد خوارزمشاه وی در خراسان و ماوراءالنهر بسر می‌برد و به جمع‌آوری اطلاعات ذی‌قیمت خود که در کتابهای خویش ثبت کرده است، مشغول بود و در اوان حمله‌ی مغول به بلاد سند رفت و خدمت ناصرالدین قباجه از ممالیک غوریه را اختیار کرد. بعد از شکست ناصرالدین قباجه به خدمت شمس‌الدین التتمش درآمد و به هندوستان رفت و بعد از این تاریخ از زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. از آثار مشهور او: «لباب الالباب»، قدیم‌ترین کتاب در احوال و اشعار شعرای ایرانی؛ «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، شامل مطالب تاریخی مهم، که در 630 ق به پایان رسیده است.[1]
(منسوب به عوف) سدیدالدین محمد بن محمد بخاری، نویسنده و دانشمند معروف ایرانی در اواخر قر. 6 و اوایل قر. 7 (بین 572 ه.ق./ 1176 م.- 635 ه.ق/ 3 -1232 م.). وی از اعقاب عبدالرحمن بن عوص صحابی معروف است. جد عوفی امام ابوطاهر یحیی بن طاهر ابن عثمان از علمای حدیث و معرف انساب عرب بود و خال او شرف‌الزمان مجدالدین محمد بن ضیاءالدین عدنان سرخکتی دانشمند و مؤلف تاریخ ملوک ترکستان (خاقانیان) است. عوفی در نیمه دوم قر. 6 در بخارا به دنیا آمد و تحصیلات خویش را در همان شهر به انجام رسانید. پس از آن مدتها در بلاد ماوراءالنهر و سیستان و خراسان به سیر و سیاحت و دیدار فضلا پرداخت و تا سقوط خوارزمشاهیان در خراسان به سر می‌برد و گاه به وعظ و تذکیر اشتغال می‌ورزید. مدتی هم صاحب دیوان قلج ارسلان خاقان نصرةالدین عثمان بن ابراهیم بود. مقارن حمله مغول عوفی به سند گریخت و به خدمت ملک ناصرالدین قباجه از ممالیک غوری درآمد، و کتاب لباب‌الالباب

(ه.م.) را به نام عین‌الملک وزیر این پادشاه تألیف کرد و سپس تألیف جوامع‌الحکایات (ه.م.) را به نام ناصرالدین قباجه آغاز نمود. ناصرالدین در سال 625 ه.ق. از شمس‌الدین التتمش شکست خورد و خود را به رود سند انداخت و غرق شد. جمیع خدم و حشم وی به التتمش پیوستند، از آن جمله عوفی بود که به خدمت وزیر التتمش ابوسعد جنیدی مخصوص گردید و جوامع الحکایات را که نخست می‌خوست به نام ناصرالدین قباجه تألیف کند- به نام این وزیر به رشته تحریر درآورد. عوفی «فرج بعد از شدت» (ه.م.) تألیف تنوخی را هم از عربی به فارسی ترجمه کرده است.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد پنجم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1030 -1026 / 2)، تاریخ تذکره‌های فارسی (80 -77 / 2)،تاریخ نظم و نثر (98 -97)، دایره‌المعارف فارسی (1785 / 2)، الذریعه (1001 ،775 / 9 ،50 / 5 45، / 4)، ریحانه (219 / 4)، سبک‌شناسی (38 -36 / 3)، فرهنگ سخنوران (660)، لباب الالباب (ترجمه مصنف/ یب- که)، لغت‌نامه (ذیل/ عوفی)، مجله‌ی دانشکده‌ی مشهد (س 3، ص 93 -89)، مجمع الفصحا (1168 / 3)، مؤلفین کتب چاپی (777 -776 / 5).

غندجانی شیرازی، ابومحمد حسن

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 428 ق)، ادیب، لغوی و نسب‌شناس. معروف به اسود غندجانی. به آورده‌ی حموی در «معجم البلدان» نسبت وی به غندجان فارس است. او در شناخت روزگاران عرب و اشعار آنها تبحر داشت. هم او گوید که یکی از تصانیف غندجانی را دیده که در آن نوشته بوده: در 412 ق تصنیف و در 428 ق بر او خوانده شده است. از آثارش: «فرحه الادیب»، در رد یوسف بن ابی‌سعید سیرافی، در شرح «ابیات سیبویه»؛ «اضاله الادیب»، در رد ابن‌اعرابی، در «نوادر»ی که ثعلب روایت کرده است؛ «نزهه الادیب»، رد بر ابوعلی؛ «قید الاوابد»، در رد ابن‌سیرافی، در شرح «ابیات اصلاح المنطق»؛ کتاب «الخلیل» یا «الخلیل»، به ترتیب حروف معجم؛ «السل و السرقه»؛ کتابی در «اسماء الاماکن».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (194 / 2)، ایضاح المکنون (186 / 2)، کشف الظنون (87، 1939)، لسان المیزان (367 -366 / 2)، معجم الادباء (265 -261 / 7)، معجم البلدان (244 / 4)،معجم المؤلفین (197 / 3)، هدیه العارفین (275 / 1).

فقیه محمدی، محمدمهدی

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد مهدی فقیه محمدی جلالی
محل تولد : آستانه اشرفیه
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1351/1/1

زندگینامه علمی
نگارنده در هشتم اردیبهشت 1351 ه . ش در خانواده ای مذهبی که بالغ بر سه قرن روحانی و از سرشناسان شهرستان آستانه اشرفیه بوده اند بدنیا آمدم در سال 1368 رسما وارد حوزه علیمه جعفریه آستانه اشرفیه شده و توانستم از محضر اساتیدی همچون شیخ موسی کهنسال و استاد حجة الاسلام المسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسان ادیب استفاده نمایم. پس از اتمام مقدمات جهت استفاده بیشتر به حوزه علمیه جامع رشت هجرت نموده و اصول فقه مظفر را نزد آیة الله استاد حاج سید مجتبی رودباری حفظه الله گذرانده و سپس با موفقیت کامل در امتحانات ورودی حوزه علمیه خراسان مجاورت مشهد رضوی را برگزید و از اساتیدی همچون آیت الله سید جواد سبزواری و استاد حجة الاسلام و المسلمین حاج سید جواد میر حسینی خراسانی ادیب کسب فیض نمودم. در مشهد رضوی در کنار دروس حوزه به مکالمه عربی و اردو همت گماشته و در کمتر از 8 ماه توانست به خوبی مکالمه عربی را فرا گرفته و به زبان اردو آشنا شوم. همچنین در تابستان سال 1373 رسما قلم به دست گرفته و تحقیقات خود را در زمینه بقاع متبرکه آغاز نمودم به گونه ای که شرح حال تمامی امام زادگان خراسان، نیشابور، سبزوار، کاشمر، مشهد را مفصلا همراه شجره نامه آنان بررسی کردم. طبق دعوت نامه ای که اوقاف استان قم بعمل آورد جهت بررسی بقاع متبرکه استان مذکور و جهت استفاده بیشتر از اساتید بزرگ حوزه علمیه قم و استجابت دعوت اداره کل اوقاف قم در سال 1374 به آنجا هجرت نموده و در کمتر از یک سال کتاب تاریخ قم و زندگانی امامزادگان داخل شهر را تحقیق و تالیف نمودم که از سوی مسجد مقدس جمکران به چاپ رسید و مورد استقبال علماء،

فقهاء و محققین قرار گرفت. نگارنده شش ماه پس از تالیف کتاب مذکور موفق به دیدار ولی امر مسلمین حضرت آیة الله العظمی سید علی خامنه ای دامت برکاته شد و مورد عنایت معظم له قرار گرفتم و در همان دیدار پس از مباحثه 20 دقیقه ای با معظم له از سوی ایشان لقب محقق گرفته و همین امر باعث شد که در میان طلاب گیلانی به محقق گیلانی شهرت یابم هنوز چند ماهی از دیدار مذکور نگذشته بود که از سوی دفتر مقام معظم رهبری جهت تحقیق در مورد بقعه ای در شهر آمل مامور شده و پس از یک ماه بررسی حول زندگانی حسن بن علی الاطروش مجددا به ملاقات خصوصی آن رهبر فرزانه نایل و مراحل تحقیق را شخصا تقدیم نموده و باز هم مورد عنایت معظم له قرار گرفتم. نگارنده در قم به درس خارج اصول حضرت استاد آیة الله جعفر سبحانی و درس فقه آیة الله العظمی سید محمد صادق روحانی و حضرت آیة الله سید محمد علی میلانی شرکت و از محضر شان استفاده می نماید. طبق دعوتی که آستانه مقدس علی بن موسی الرضاء از ایشان نمود در سال 1380 به مشهد رضوی مهاجرت کرد و در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی طبق قرار دادی به فعالیت پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی طبق قرار دادی به فعالیت پژوهشی به کار مشغول شدم. نگارنده در کنار تعلم به تحقیق و تالیف اشتغال دارد و تخصص در علم رجال و انساب و تاریخ امام زادگان و شرح حال آنان می باشد. از جمله جوانترین محققان کشور است.

فلکی همدانی، ابوالفضل علی

قرن:5
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 427 / 407 ق)، حافظ، محدث، صوفی، رجالی، مصنف و فقیه شافعی. جدش در علم نجوم و حساب سرآمد بود، بدین جهت به فلکی مشهور شد و ابوالفضل علی را گاه ابن‌فلکی نیز گفته‌اند. وی برای جمع‌آوری حدیث سفرها کرد و از ابن‌رزقویه و ابولحسین بن بشران و قاضی ابوبکر حیری و به قول شیرویه از تمام مشایخ همدان و عراق و خراسان حدیث شنید. خواجه عبدالله انصاری گوید که بشری را پرحافظه‌تر از فلکی ندیدم. حسنی و میدانی از وی حدیث روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت. فلکی کتابهایی تصنیف کرد که از آن جمله طبقاتی است به نام «المنتهفی فی الکمال فی معرفه الرجال» یا «منتهی الکمال فی معرفه الرجال»، در هزار جزء از دیگر آثارش: کتاب «الالقاب» یا «معرفه القاب المحدثین» است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :سیر النبلاء (504 -502 / 17)، شذرات الذهب (231 185، / 3)، طبقات الحفاظ (431-430)، کشف الظنون (1858، 1739، 1397)، معجم المؤلفین (72 -71 / 7)، الوافی بالوفیات (34 -33 / 21)، هدیه العارفین (687 / 1).

قاینی خراسانی، ابوطالب

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1230- شهادت ح 1293 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، متکلم و مصنف. در قائن به دنیا آمد. مقدمات و علوم اولیه را همراه ملا محمد حسن قاینی نزد علمای قاین فراگرفت. آن‌گاه به مشهد رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله سید محمد رضوی، معروف به قصیر خراسانی، و آیت‌الله شیخ محمد رحیم بروجردی استفاده برد و به اخذ اجازه‌ی اجتهاد و افتاء از سوی آنان نائل آمد. سپس به حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان رفت، و با ملا حمزه قاینی در بحث حجه‌الاسلام حاج محمد حسن کرباسی شرکت کرد. پس از چندی از فرزندش، آیت‌الله شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی، اجازه‌ی اجتهاد و لقب مصباح الشریعه گرفت. آن‌گاه به نجف رفت و از محضر فقیه مشهور شیخ محسن خنفر بهره برد و تقریرات درس او را نوشت و مدتها در ملازمت آن استاد بود و از وی نیز اجازه‌ی اجتهاد گرفت. پس از آن به قائن بازگشت و مرجع خاص و عام گردید و در ضمن انجام امور شرعی مردم و تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قائن، به تصنیف کتب باارزشی همت گماشت. آیت‌الله شیخ محمد باقر گازاری (قاینی) بیرجندی و ملا محمد بن ملا عبدالحسین قاینی و نجف بن علی‌اکبر بیرجند و محمد حسین قاینی کاخکی از شاگردان او بودند. وی هنگامی که به حج مشرف شد در کراچی پاکستان توسط افراد امیر علم‌خان، حاکم قاین، به شهادت رسید و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الدره الباهره»، در توحید؛ «الدره»، در معارف خسمه؛ «ینابیع الولایه»، رساله‌ای در احکام ولایت قانونی و اقسام آن؛ «الکواکب السبعه» یا «سبه‌ی سیاره»، در هفت مساله اصولی؛ «فوائد الغرویه»، در درایه و رجال؛ «ماحی الضلاله و الغوایه»، در رد کتاب «شمس الهدایه و قالع الضلاله» خان ملاخان، معروف به ملا شمس مفتی هرات؛ «الدروس»، تقریرات درس استادش شیخ خنفر؛ «المکاسب»؛ «مناسک الحج»؛ «رساله فی صلاه المسافر»؛ «السؤال و الجواب»، به فارسی و عربی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (364 / 2)، بزرگان قائن (91 -73)، بهارستان آیتی (282 -281)، الذریعه (291 -290 / 25، 254 -253، 150 / 288، 22 / 17- 18، 20 / 83، 19 / 242، 15 / 144، 12 /88، 90 /8)، ریحانه (428 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 42-40 / 13)، فوائد

الرضویه (418)، گنجینه‌ی دانشمندان (133 -132 / 6)، معجم المؤلفین (29 / 5)، مؤلفین کتب چاپی (183 -182 / 1).

قزوینی حلی نجفی، معزالدین محمد مهدی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1300 -1222 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مفسر، رجالی و شاعر. اصلش از قزوین بود. نسب این خاندان به محمد بن زید شهید فرزند امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد و در حله ساکن شد. او را قزوینی کبیر نیز نامیده‌اند، تا در مقابل یکی از فرزندزادگانش به نام مهدی بن هادی بن میرزا صالح بن محمد مهدی، قزوینی صغیر صاحب «دیوان»، مشخص باشد. سید مهدی در نجف از محضر شیخ موسی و شیخ علی و شیخ حسن، فرزندان شیخ جعفر صاحب «کاشف الغطاء»، و سید باقر قزوینی و سید علی قزوینی و سید محمد تقی قزوینی استفاده کرد و از آنها اجازه‌ی روایت گرفت. او نزد شیخ مرتضی انصاری و میرزای بزرگ شیرازی تلمذ کرد و در بیست سالگی به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی از مشایخ اجازه‌ی علامه نوری صاحب «مستدرک الوسائل» بود. او علاوه بر تبحری که در فقه و اصول و کلام و حکمت و توحید و امامت و تفسیر و حدیث داشت در کمالات نفسانی نیز کم‌نظیر بود. در بازگشت از حج درگذشت و در نجف، در مقبره‌ی آل قزوین دفن شد. از وی متجاوز از سی اثر باقی مانده است. از آن جمله: «اسماء قبائل العرب» یا «اسماء القبائل والعشائر»؛ «البحر الزاخر فی اصول الاوائل و الاواخر»؛ «تفسیر سوره الاخلاص، الفاتحه و القدر»؛ «فلک النجاه فی احکام الهداه»؛ «التقیه»؛ «آیات الوصول الی علم الاصول»، در مباحث الفاظ از مسائل اصول فقه، به عربی؛ «فرائد الاصول» یا «الفرائد »، در اصول؛ «بصائر المجتهدین»، در شرح «تبصره المتعلمین» علامه حلی؛ «الاقفال»، در نحو و شرح آن به نام «المفاتیح» یا «مفاتیح الاقفال»؛ «مواهب الافهام»، در شرح «شرایع الاسلام»؛ «الصوارم الماضیه لرد الفرقه الهاویه و تحقیق الفرقه الناجیه»، در امامت؛ «آیات المتوسمین»، در حکمت الهی؛ «منظومه تامه» در اصول؛ منظومه در تمام عبادات، متجاوز از پانزده هزار بیت.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (335 / 7)، اعیان الشیعه (146 -145 / 10)، خاتمه مستدرک الوسائل (136 -127 / 2)، الذریعه (62 / 25، 239 / 24، 292، 238، 122 / 23، 299، 134- 133 / 33، 21 / 161، 17 / 314، 313- 133، 132 / 16، 317، 93 / 15، 329، 13 / 83، 7 / 210، 6 / 2، 6، 34، 68، 274، 389، 3 / 40، 125، 4 / 336، 341، 342، 405،

485، ،462 ،449 ،49 ،48 / 1)، ریحانه (457 -456 / 4)، علماء معاصرین (11 -6)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (56 / 12)، مینو در (974 ،963 ،951 ،950 ،921 -920 ،918 ،860 -859 ،847 ،851 ،840 ،821 ،804 ،776 ،311 -310 ،292 ،239 ،232 ،231 ،135 ،114 -113 ،94 ،84 ،81 ،68 ،63 ،10 -8 / 2).

قزوینی یزدی، عبدالنبی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ح 1125- ز 1197 ق)، فقیه، حکیم، فیلسوف، متکلم، رجالی و عالم امامی. اصل وی از قزوین و ساکن یزد بود. او عالم و حکیم بزرگ امامی و معاصر علامه بحرالعلوم (م 1212 ق) است. در سفر حج در 1175 ق با آقا محمد باقر بهبهانی ملاقات کرد. وی از سید بحرالعلوم روایت می‌کند و آن جناب نیز از وی روایت کرده است، بدین گونه که هر یک از ایشان با اجازه از دیگری روایت می‌نماید. بر این اساس است که در بعضی از کتب حدیث و رجال به وی عنوان شیخ سید بحرالعلوم داده‌اند. از آثارش کتاب «تتمیم امل الآمل» است که آن را به امر سید بحرالعلوم در 1191 ق تألیف نمود، و سید از این کتاب مدح بلیغی کرده است.قزوینی تقریظی بر «مشکاه الهدایه» سید مهدی بحرالعلوم دارد که آن را در 1197 ق نگاشته و در آن تقریظ مشایخ خود چون میر محمد صالح حسینی قزوینی و میر محمد ابراهیم قزوینی و ملا علی اصغر مشهدی رضوی را نامبرده و گفته که ایشان از علامه مجلسی و محقق خوانساری و محقق سبزواری روایت کرده‌اند. قزونیی تعلیقاتی بر رساله‌ی «مطالب النفس و مسائلها» حکیم حمزه گیلانی دارد. او همچنین تقریظی بر «مرآت الازمان» محمد بن محمد زمان کاشانی دارد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :خاتمه مستدرکات (106 -105 / 2)، الذریعه (64 / 21 ،263 -262 / 20 ،89 / 6 ،339 -337 / 3 ،207 / 1)، ریحانه (453 / 4)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 479 -476 / 12)، فوائد الرضویه (259)، لغت‌نامه (ذیل/ قزوینی)، معجم المؤلفین (200 / 6)، هدیه الاحباب (171).

قمی، جواد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در مآثر و آثار می‌گوید: حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم و مروجی مبسوط الید بود و در نهی از منکر و منع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعیه از هیچ نکته فرونمی‌گذاشت مکرر به تهران آمد و صحبت شریفش ادراک شد. در فقه و اصول و رجال تصنیفات دارد در ماه رمضان سال 1303 قمری هجری به شهر قم رحلت یافت رفع اللّه درجته.
فرزند ارجمندش مرحوم عالم جلیل و فاضل کامل نبیل مرحوم حاج میرزا زین‌العابدین که از اجلاء علماء و از طراز اول تلامذه مرحوم آخوند ملا محمدکاظم خراسانی قدس سره بود در حاشیه رجال ابوعلی به خط خود حالات ایشان را از این قرار نگاشته:
الحاج سید جواد قمی اعلی اللّه مقامه ملقب به جواد نام شریفش سید محمدتقی است تلمذ نمود در عنفوان شباب بر جماعتی از اعلام و کوچ کرد از قم به اصفهان به جهت تلمذ برسید جلیل و عالم نبیل سید محمدباقر اصفهانی و تلمذ نمود در آن شهر نیز بر جماعتی از اعلام پس کوچ کرد به مشهد مقدس غری و تلمذ نمود مدت کمی نزد شیخ اجل مرتضی انصاری و رجوع نمود به قم و تصنیف کرد در قم کتاب «مقالید الاحکام» را در شش جلد و آن کتاب بزرگ پرفائده و پر فرعی است و کتاب «الدرة الباهره فی احکام العترة الطاهره» و آن در دو مجلد است و کتاب «ینابیع» در توحید و ثبوت و اثبات کفر بعض اهل الحاد و بدعت و از برای اوست قریب بیست رساله با اینکه مشغول بود به ترویج دین و قمع ظالمین و او را رحمةاللّه علیه محاسباتی بود با نفس خود در ایام حیاتش و مردی ورع و زاهد و کثیرالتهجد والبکاء بود بسیاری از اوقات مناجات ابی‌حمزه ثمالی را در قنوت نماز وترش قرائت می‌نمود و او را کرامات باهراتی است در موقع وفات شصت و سه سال داشت در روز شنبه سوم شهر صفر سنه 1303 رحلت و در دارالایمان قم در بقعه زکریا بن آدم نزد قبر پدر و جدش مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد اول)

قوچانی، عباس

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
حاج شیخ عباس قوچانی از افاضل دانشمندان خراسان و قوچان است در نجف اشرف وی در قوچان متولد شده و مقدمات و سطوح وسطی را در آنجا و مشهد مقدس خوانده آنگاه مهاجرت به نجف اشرف نموده و از محضر آیات عظام و بالاخص مرحوم آیت‌اللّه العظمی شاهرودی و آیت‌اللّه حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه العظمی خوئی و در اخلاق و عرفان از محضر جمال السالکین عالم ربانی و آیت سبحانی حاج میرزا علی آقای قاضی استفاده نموده تا به مدارج علم و اخلاق رسیده است.
و گذشته از معظم له آقایان آقا شیخ عبداللّه بلقانی و آقا شیخ عبداللّه ابراهیمی و آقا شیخ براتعلی حسین‌زاده و آقا شیخ ذبیح‌اللّه سلامی و آقای صاحب‌الزمانی از مدرسین مدرسه عوضیه قوچان و ائمه جماعت مساجد این شهرستان می‌باشند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

قهپایی، زکی‌الدین، عنایت‌الله

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س دهم و یازدهم ق)، عالم امامی، رجالی، محدث، محقق و مورخ. معروف به زکی نجفی. اصل او از قهپایه اصفهان بود. در نجف به تحصیل پرداخت و همان جا ساکن شد. وی شاگرد محقق اردبیلی و شیخ بهایی و ملا عبدالله تستری و معاصر با سید امیر مصطفی تفرشی بود. در تمامی علوم دینی متداول بویژه رجال و درایه توانا بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در 1016 ق آن را تألیف نموده بود. از آثار وی: «مجمع الرجال»، که در 1016 ق آن را تألیف نموده و جزوه بهترین کتب رجالیه است؛ «ترتیب اختیار کتاب رجال الکشی»؛ «ترتیب رجال النجاشی»، و حواشی بر آن؛ «ترتیب رجال شیخ الطائفه»؛ «ترتیب فهرست شیخ الطائفه»؛ حاشیه بر «نقد الرجال» میر مصطفی تفریشی.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (381 / 8)، الذریعه (29 / 20، 228، 226 / 6، 71- 70، 66، 65 / 4)، روضات الجنات (394- 393 / 4)، ریحانه (498- 497 / 4)، الفوائد الرضویه (342)، الکنی و الالقاب (97- 96 / 3)، لغت‌نامه (ذیل/ قهپایی)، معجم المؤلفین (14 / 8).

کازرونی ابوالعباس، احمد

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوالعباس احمد بن منصور بن احمد بن عبداللَّه شافعی کازرونی از دانشمندان قرن ششم هجری است در 516 تولد یافته و در 578 وفات نموده از آثار او کتاب (معجم الشیوخ) در هفت جلد می‌باشد.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

کاشانی، حبیب الله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ملا) حبیباللَّه بن علی مدد بن رمضان، از علمای امامیه‌ی قرن 14 ه. (و. 1340 ه.ق). وی عابد و زاهد و متقی و عرفان مسلک و دارای اخلاق نیکو بود و علاوه بر علوم دینی متداول از بعض علوم غریبه آگاه و دارای قریحه‌ی شعر بود. او در 14 سالگی از نحو و صرف عربی و مقدمات متداول فارغ شد و نزد حاج سید حسین و بعض دیگر به تحصیل فقه پرداخت و مقداری از فصول را نزد شیخ محمد اصفهانی خواهرزاده‌ی خود صاحب فصول و قسمت عمده از رسائل شیخ مرتضی انصاری را نزد حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری تهرانی خواند و مقداری از حکمت را نزد شاگردان ملا هادی سبزواری آموخت و در 16 سالگی به تحصیل اجازه‌ی روایت و در 18 سالگی به اجازه‌ی اجتهاد از طرف استاد خود حاج سید حسین مذکور نایل آمد و همه‌ی عمر را به انزوا گذرانید و عزت را در عزلت دید و اوقات خود را به تألیف و تدریس مصروف داشت. او راست: اسرارالعارفین فی الاخلاق والمعارف، اصطلاحات الصوفیة، اصطلاح علم الجفر، الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة، ایضاح‌الریاض (حاشیه بر ریاض‌المسائل)، تذکرةالشهداء، تفسیر بعض سور و غیره (ریحانةالادب، لغ.)
حبیباللَّه الشریف بن ملا علی مدد بن رمضان ساوجی کاشانی عالمی فقیه و رئیسی جلیل و مؤلفی مروج و مکثر در تألیف بوده است. وی در حدود 1262 متولد شده و در سال 1340 ق وفات نموده است. مرحوم آخوند ملا حبیباللَّه یکی از مفاخر دانشمندان کاشان و صاحب تألیفات عدیده مانند (لباب‌الالقاب) و (توضیح‌البیان) و (منتقدالمنافع) در شرح مختصر النافع در 12 جلد و (ریاض‌الحکایات) و (عقاید الایمان) و (گلزار) و (شکایت‌نامه) و (منیةالاصول) و (درةالجمان) و تذکرةالشهداء و ده‌ها کتاب دیگر که جمعاً بیش از یکصد و بیست کتاب و رساله می‌شود. بوده است.
آن مرحوم دارای چندین فرزند عالم و فاضل بوده‌اند. 1- مرحوم حجةالاسلام آقا حسین شریف 2- ثقةالاسلام آقا احمد شریف 3- ثقةالاسلام آقا محمدشریف که در قید حیات و از محترمین کاشان می‌باشند.
دامادهای ارجمندی داشته‌اند که از علماء بزرگ کاشانند 1- مرحوم آیت‌اللَّه حاج سید فخرالدین امامت 2- مرحوم آیت‌اللَّه آخوند ملا عبدالرسول مدنی والد آیت‌اللَّه حاج آقا رضا مدنی معاصر که مذکور خواهد شد.

و مخفی نباشد که مرحوم آخوند ملا حبیب‌اللّه چون در سنین کودکی والدش را از دست داد در تحت تربیت و پرورش مرحوم آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی (جد مرحوم آیت‌اللّه مجاهد حاج سید ابوالقاسم کاشانی معاصر) قرار گرفت و در کاشان از وی و در تهران از شیخ محمد اندرمانی و شیخ محمد (خواهرزاده صاحب فصول) و میرزا ابوالقاسم کلانتر صاحب (تقریرات شیخ انصاری) و شیخ هادی مدرس تهرانی و در کربلا از فاضل اردکانی استفاده نموده و از غالب آنان اجازه داشته است.
در کاشان ریاست علمی و دینی و در عین حال صاحب کرامت و مقامات معنوی بوده است.
(ح 1340 -1262 ق)، عالم دینی، عابد، عارف و شاعر، متخلص به سالک. اصل وی از ساوه است و پدرش از علمای آنجا بود که مدتی در قزوین سکنی گزید و سپس به کاشان منتقل گردید. ملا حبیب در کاشان به دنیا آمد. در دوران کودکی تحت تربیت و پرورش آیت‌اللّه آقا سید حسین حسینی کاشانی قرار گرفت و صرف
و نحو و مقدمات را از ایشان آموخت. در شانزده سالگی به دریافت اجازه‌ی روایتی و در حدود نوزده سالگی به دریافت اجازه اجتهاد از استادش سید حسین کاشانی نایل شد. سپس به تهران آمد و قسمتی از «فصول» را نزد شیخ محمد اصفهانی، خواهرزاده صاحب «فصول»، خواند و از محضر شیخ محمد اندرمانی استفاده نمود. او آن‌گاه قسمت عمده‌ی «رسائل» شیخ انصاری را نزد میرزا ابوالقاسم کلانتر، صاحب «تقریرات»، شیخ مرتضی انصاری و حکمت را نزد شیخ هادی مدرس تهرانی، از شاگردان برجسته‌ی حاج ملا هادی سبزواری، فراگرفت. سپس به عراق رفت و در کربلا از محضر فاضل اردکانی استفاده نمود. او از اغلب اساتید خویش صاحب اجازه بود. سپس به کاشان بازگشت و ریاست علمی و دینی آنجا را عهده‌دار شد. وی صاحب کرامات و مقامات معنوی بود. از آثارش: «ایضاح الریاض»، حواشی «ریاض المسائل»؛ «منتقد المنافع»، در شرح «المختصر النافع»؛ «الانوار السانحة فی تفسیر الفاتحة»؛ تفسیر هر یک از سوره‌های: «جمعه»، «دهر»، «فتح» و «ملک»؛ «توضیح السبل»، در بیان ادیان؛ «اسرار العارفین»، در اخلاق و معارف؛ شرح هر یک از دعاهای: «کمیل»، «جوشن»، «سحر»، «صباح»، «عدیله» و «زیارت عاشورا»؛ «لباب الالباب فی القاب الاطیاب»؛ «نخبة التبیان»، در معانی و بیان؛ «توضیح البیان»، در تسهیل اوزان؛ «ریاض الحکایات»، در قصص و امثال. کاشانی منظومه‌های بسیاری در فقه، اصول، عقاید، بیان، بدایع و درایه، به عربی و فارسی، دارد که «منیة الاصول»، در درایه از منظومه‌های عربی و «نصیحت نامه» و «شکایت نامه» و «گلزار اسرار» از منظومه‌های فارسی اوست.[1]

برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (559/ 4)، الذریعه (4/ 23 ،277 /215، 18 /282، 15 /214، 14 ،324- 323 /67، 11 /231، 9 /98، 8 /271، 7 ،492- 491 /182، 4)، ریحانه (20 -18/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 361 -360/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (252 -250/ 6)، لغت‌نامه (ذیل/ حبیب‌اللّه)، معجم المؤلفین (187/ 3).

کرباسی، ابوالمعالی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1315 -1247 ق)، فقیه اصولی، رجالی، محقق و مجتهد. در اصفهان به دنیا آمد. از محضر سید محمد بن عبدالصمد شهشهانی و سید حسن مدرس اصفهانی استفاده نمود. کرباسی عالمی متبحر و دارای تتبع بسیار بود. او استاد آیت‌اللّه بروجردی بود. در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد. از آثار وی: «الاستخارات»؛ «البشارات»، در اصول فقه؛ «الجبر و التفویض»؛ «الاسرافیة»؛ «الاستیجاریة»؛ «الاستشفاء بالتربة الحسینیة»؛ «شرح زیارة عاشوراء»؛ شرح «الکفایة» سبزواری، در فقه؛ «حجیة المظنة»؛ «تعارض الاستصحاب و اصالة الصحة»؛ «تعارض الاستصحابین». از دیگر آثار وی نگارش کتب مستقلی در شرح حال محدثین بزرگی چون: ابن الغضائری، ابوبکر حضرمی، آقا حسین خوانساری، حفص بن غیاث، حماد بن عثمان، سلیمان بن داوود، شیخ بهائی، علی بن سندی، قاسم بن محمد، محمد بن سنان، محمد بن فضل، محمد بن قیس، نجاشی و جمعی دیگر می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (475)، تذکرة القبور (106 -105)، الذریعه (36/ 14، 308/ 13، 276/ 6، 83/ 5، 110/ 3، 57، 35، 23، 19، 18-/ 2)، ریحانه (270 -269/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 80 -79/ 14)، الکنی و الالقاب (159/ 1)، گنجینه‌ی دانشمندان (243/ 2).

کرباسی، کمال‌الدین ابوالهدی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1356 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، رجالی و زاهد. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در محضر پدرش و عده‌ای دیگر از علما گذراند، سپس برای تکمیل تحصیلات در حدود 1320 ق به نجف مهاجرت کرد و در اصول و فقه از محضر آخوند ملا کاظم خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی استفاده نمود. پس از رسیدن به مقامات عالی اجتهاد به اصفهان بازگشت و به درس و بحث و تدریس پرداخت و حوزه‌ی درس فقه و اصول و رجال تشکیل داد. وی از علمای روزگارش به دریافت اجازه نایل آمده بود و از سید حسن صدر و میرزا محمد هاشم خوانساری چهار سوقی و حاج ملا علی محمد نجف‌آبادی اجازه‌ی روایت داشت. وی خود نیز از مشایخ اجازه‌ی آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی و سید حسن خراسانی و شیخ عبدالحسین گروسی بود. در اصفهان درگذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در کنار پدرش در تخت فولاد دفن شد. از آثار وی: «البدر التمام و البحر الطمطام»، در شرح حال پدر و جدش؛ «التحفة الی سلالة النبوة»، اجازه‌ی مبسوطی است برای آیت‌اللّه سید شهاب‌الدین نجفی؛ حاشیه بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی؛ «الدر الثمین فی جملة من المصنفات و المصنفین»؛ «درة البیضاء»، در اجازه‌ی روایت؛ «زلات الاقدام»، در اشتباهات رجالی؛ «سماء المقال فی تحقیق علم الرجال»؛ «الصراط المستقیم فی التمییز بین الصحیح و السقیم»؛ «القواعد الرجالیة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (453/ 2)، تذکرة القبور (107 -106)، الذریعه (337/ 16، 34/ 15، 229/ 12، 64 -63/ 8، 403، 67/ 3)، ریحانه (300 -298/ 7)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 81/ 14)، گنجینه‌ی دانشمندان (244/ 2)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1068 -1067/ 3)، معجم المؤلفین (146/ 13)، مکارم الآثار (1304/ 4) ، مؤلفین کتب چاپی (308 -307/ 1).

کشی، ابوعمرو محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف ح 340 ق)، فقیه و رجالی بزرگ امامی. نسبتش به کش از شهرهای ماوراء النهر می‌رسد. کشی معاصر عیاشی سمرقندی و از شاگردان او بود و از او بهره‌ها برد و در منزل وی در سمرقند حدیث شنید و بر وی قرائت کرد و در جرح و تعدیل بر وی اعتماد نمود. هارون بن موسی تلعکبری از او روایت می‌کند. کشی استاد ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است. او همطبقه ثقة الاسلام کلینی است. ابوعمرو کشی به کتاب رجالش معروف است. به آورده‌ی «معالم العلماء» نام کتاب «معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین» است که شیخ طوسی آن را در 456 ق ملخص و تصحیح کرد و «اختیار معرفة الرجال»، معروف به «رجال کشی»، نامید و از عصر علامه تا زمان ما آنچه در دست است همان «اختیار الرجال» طوسی است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اختیار معرفة الرجال (مقدمه)، الاعلام (201/ 7)، الذریعه (141/ 10)، روضات الجنات (206/ 6)، سفینة البحار (481/ 2)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 296 -295/ 4)، فرقه های اسلامی (138)، فوائد الرضویه (587 -585)، الکنی و الالقاب (116 -115/ 3)، لسان المیزان (101/ 8)، معجم رجال الحدیث (64 -63/ 17)، معجم المؤلفین (85/ 11)، هدیة الاحباب (226)، هدیة العارفین (22/ 2).

کمره‌ای، خلیل

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1405 -1317 ق)، فقیه، اصولی و استاد. در کمره، از توابع خمین، به دنیا آمد. پس از کسب علوم مقدماتی در جاپلق، به خوانسار رفت و در محضر آخوند ملا محمد بیدهندی و سید علی اکبر بید هندی و آقا سید احمد جاده‌ای تلمذ کرد. در 1337 ق به سلطان‌آباد (اراک) رفت و از شاگردان نخست آیت‌اللّه حایری گشت و علم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی آموخت، و نزد سایر اساتید علوم عقلی و ریاضی و اخلاق را فراگرفت. در 1340 ق ساکن قم شد. و به افاده و استفاده مشغول گشت، و از درس میرزا علی اکبر حکمی یزدی بهره گرفت و «اسفار» را نزد آیت‌اللّه رفیعی قزوینی و حدیث را از محدث قمی و شیخ آقا بزرگ تهرانی و آیت‌اللّه شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و آیت‌اللّه سید محسن جبل عاملی و اخلاق و عرفان را نزد آیت‌اللّه حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی تکمیل کرد و اجازه‌ی اجتهاد و نقل حدیث از استادان خود گرفت. از این زمان به حاج میرزا خلیل مجتهد معرف شد و خود به تدریس «کفایه» و «مکاسب» و اصول فقه و معقول و هیئت و هندسه پرداخت. او از مدرسین معقول و منقول حوزه و دانشگاه بود و مدت‌ها به تدریس «تفسیر» ی که بر قرآن نوشته بود اشتغال داشت. دکتر خزائلی، آیت‌اللّه طالقانی، آیت‌اللّه کاظم گلپایگانی، حجةالاسلام انصاری قمی و حجه‌الاسلام تربتی از شاگردان وی بودند. در 1354 ق در رابطه با مسأله کشف حجاب دستگیر و زندانی و پس از یک ماه آزاد شد. آیت‌اللّه کمره‌ای در 1371 ق، به همراه آیت‌اللّه سید محمود طالقانی و آیت‌اللّه سید رضا زنجانی و سید صدرالدین بلاغی به پاکستان دعوت و در کراچی، به ریاست مؤتمر عالم اسلامی انتخاب شد. در 1379 ق با همین سمت به بیت‌المقدس رفت و به دستور آیت‌اللّه بروجردی با شیخ محمد شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر، درباره‌ی اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد. در 1395 ق، پاپ پل ششم، پیشوای کاتولیکهای جهان، توسط سفارت واتیکان در تهران، دوازده مشکل کلامی را از وی استعلام نمود و پاسخ ایشان به فرانسه ترجمه و ارسال شد. از آیت‌اللّه کمره‌ای در حدود هفتاد اثر به جای مانده است از جمله: شرح «نهج‌البلاغه»، در بیست و سه جلد؛ «عنصر شجاعت»، در هفت مجلد؛ «افق وحی»؛ «افق اعلی»؛ «ملکه اسلام»؛ «علی و الزهراء»؛ «قبله اسلام»؛ تفسیر «سوره‌ی نور»؛ «آثار

مقدس، احادیث و اخبار اسلام»؛ «علم الحدیث و طبقة الکبری»؛ «اسرار حج»؛ «بیت‌المقدس و تحول قبله»؛ «مادر، وظائف زن در اسلام».[1]
حاج میرزا خلیل کمره‌ای دامت برکاته از علماء و حکماء و دانشمندان و نویسندگان طراز اول تهرانست که در خیابان زرین نعل ساکن و در مسجد معروف فخرالدوله واقع در دروازه شمیران اقامه جماعت و ترویج دین و تفسیر قرآن مبین نموده و تنویر افکار و قلوب ارادتمندان و دانش جویان و حقیقت طلبان را می‌نمایند.
در سال 1317 قمری برابر 1276 شمسی در جنوب جلگه کمره که بسیار حاصلخیز و پر برکت و از قدیم مسکن شیعیان خالص بوده در بلد کوهستانی و سرچشمه رودخانه‌ها چشم بجهان باز کرده و پس از پرورش در آن هوای آزاد و تحصیل علوم ابتدائی و مقدماتی برای کسب علوم عالیتر مجبور به هجرت از وطن شده و برای ادامه تحصیلات خونسار را که یکی از زیباترین مناطق کوهساری بشمار می‌رود انتخاب نموده و در آنجا از محضر یکی از اوتاد زمان بنام آخوند ملا محمد بید هندی علاوه بر تحصیل مقدمات و فنون علم و قرائت قرآن از پارسائی و وارستگی محضر آن مرد روحانی بیش از پیش استفاده نموده و در سال 1337 قمری با فوت مرحوم آخوند بید هندی برای ادامه تحصیلات نزد مجتهد بزرگوار حاج سید علی اکبر بیدهندی و آسید احمد جاده‌ای رهسپار شده و از محضر آن دو عالم ربانی استفاده شایان نموده و در نوروز همان سال بکمره برگشته و در سن بیست سالگی تأهل اختیار کرده و برای تحصیلات بیشتری به شهرستان اراک که مرکز علم و دانش بوده آمده و مشغول ادامه تحصیل شده و سه سال تمام در اراک علوم فقه و اصول را در خدمت حاج شیخ عبدالغنی و حاج شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد آقای سید محمد بروجردی و هم چنین درس خارج را در سال 1340 قمری از محضر مرحوم آیت‌اللّه العظمی حاج شیخ عبدالکریم یزدی تلمذ نموده و در نوروز آنسال که آن مرحوم به قم مهاجرت و تشکیل حوزه دادند بنا بر دعوت آن مرحوم با قافله‌ای از طلاب کاروانی تشکیل و با وسائل آن روز به قم رهسپار شده و اقامت نمودند.
در آن موقع استاد فسلفه و حکمت قم مرحوم حاج میرزا علی اکبر یزدی مدرس و همدرس مرحوم فیلسوف شهیر میرزا جهانگیر خان قشقائی که در عصر خود بی نظیر بوده، دوره فلسفه و حکمت حاجی سبزواری و فلسفه عالی صدر المتألهین و دوره ریاضیات را نزد حکیم مزبور فراگرفته و نیز دو دوره درس اصول و یکدوره درس خارج فقه را در حوزه مرحوم آیت‌اللّه حایری یزدی تلمذ نموده و این دروس بالغ بر چهارده سال که در قم اقامت داشتند ادامه داشت و طرز اصول اصحاب سامرا را بوسیله آیت‌اللّه حایری و اصول اصحاب نجف را بوسیله دیگران مانند آیت‌اللّه

میرزا سید علی یثربی کاشانی فراگرفته و از مقایسه بین دو طرز اصول و تکمیل فلسفه و معقول و غور در مباحث عقلی که پیش آمده بود لذت وافری می‌بردند.
متعاقب آن بتدریس کفایه و مکاسب و اصول فقه و معقول و همچنین بتدریس هیئت و هندسه مشغول بودند.
در سال 1354 ق که غائله تغییر لباس پیش آمد ایشان تبعید به تهران شده و حدود یک ماه زندانی شده آنگاه بقید توقف در تهران آزاد گردیده و تاکنون چهل سال است که در عاصمه تشیع بخدمات دینی و روحی اشتغال دارند.
در سال 1367 ق بمکه معظمه مشرف شده و در سال 1371 ق بدعوت شعوب المسلمین پاکستان بکراچی رفته و در آن حفله و کنفرانس بزرگ اسلامی بیاناتی ایراد نموده که موجب اعجاب همگی گردیده و نیز سفری به بیت المقدس نموده و در مؤتمره اسلامی آنجا شرکت کرده و هم در کنگره اسلامی حجاز و مکه معظه دعوت شده در تمام این مراحل نداء شیعه را که مغز و لب و حقیقت اسلام است ظاهر نموده و اثرات عمیقی در روح دانشمندان مسلمین گذارده است.
نگارنده گوید: علامه کمره‌ای از دانشمندان بزرگواریست که بسهم خود خدمات بسیار ارزنده از راه بیان و قلم بعالم اسلام نموده است. تألیفات و تصنیفات آموزنده‌ای شاهد این گفتار و گواه این مدعا است و فهرست آن در رساله‌ی جداگانه‌ای بطبع رسیده با شرحی از کتب مفیده آنجناب که اسامی آنها را می‌نگارم:
1- کتاب افق وحی 2- کتاب افق اعلی نگاهی بچهره محمد و علی علیهماالسلام 3- علی و الزهراء- سرچمشه آب حیات 4- ملکه اسلام فاطمه زهراء علیهاسلام 5- ترجمه قصیده النبی محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم 6- نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان 7- نهج‌البلاغه و جنگ 8- پیام میلاد امیرالمومنین علیه‌السلام بسلاطین اهل قبله 9- کتابی بقلم امیرالمؤمنین علیه‌السلام 10- نامه کودک در مسجد 11- محنت اسلام 12- عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن جلد اول 13- جلد دوم عنصر شجاعت 14- جلد سوم عنصر شجاعت 15- جلد چهارم عنصر شجاعت (مسلم بن عقیل) 16- چند مرحله از زندگانی امام حسین 17- تاج مأمون‌الرشید 18- مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی 19- فلسفه غیبت امام زمان عجل اللّه فرجه 20- امامزاده عبداللّه علیه‌السلام در ری 21- شرح حال محمد بن ابی‌بکر 22- پیام ایران بنجد و حجاز و مصر 23- امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری 24- خواب دیدن ائمه اطهار علیهم‌السلام 25- قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام 26 - بیت المقدس و تحول قبله 27- آفاق کعبه 28- پنج رساله در حج و

قبله 29- نهیب پیغمبر صلی اللّه علیه و آله بملوک و امراء و فقهاء علماء از خیف منی 30- کلید امن جهان 31- کلید امن دنیا 32- رساله مناسک و مسائل حج و عمره 33- ندائی از سرزمین بیت المقدس 34- اجتماع پیرامون خانه تقدیس 35- اسرار حج 36- تفسیر سوره نور 37- ندای اذان و ثواب آن بفارسی 38- دروس متون احادیث 39- الحدیث عند الشیعه تا تاریخ تدوین حدیث 40- تصحیح تفسیر دانشگاه (بفارسی) 41- غروب آفتاب در اندلس 42- کتاب مادر 43- مقدمه مواقع النجوم 44- تحشیه رساله لقاء اللّه 45- تصحیح و تحشیه مراقبات السنه 46- من روح الفرج بعد الشده (بعربی) 47- مقاله در سالنامه نور دانش سال 1326 تحت عنوان اسرار موت و حیات 48- آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام 49- علی علیه السلام و آل‌محمد صلی اللّه علیه و آله 50- آل رسول‌اللّه 51- رابطه عالم اسلامی بزبان فارسی در جواب علماء کردستان 52- رابطه عالم اسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام بزبان عربی 53- آراء ائمه الشعیه الامامیه فی الغلاه.

آثاری که آماده طبع است

1- جلد پنجم عنصر شجاعت 2- جلد دوم قبله اسلام 3- جلد دوم افق اعلی 4- تفسیر تعدادی از سور قرآن 5- جلد دوم سرچشمه آب حیات 6- جلد دوم افق وحی 7- جلد دوم دروس متون احادیث 8- پیام بلال حبشی مولای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم از با کعبه بسیاهان جهان 9- ترجمه کتاب الاسلام علی مفترق الطرق.

معظم له دارای فرزندان برومندی می‌باشند که در میان آنان دانشمند معظم و فاضل برومند جناب آقای حاج میرزا محمدحسن ناصر آقای کمره‌ای بفضل و تقوا و اطلاعات عمیقی موصوف و بیشتر امور والد ماجدش بدست با کفایت و نظر صائب او انجام می‌گیرد.

علم ربانی.

تولد: 1317(1276 ق.)، کمره از توابع اراک.

درگذشت: 19 مهر 1363، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قرائت قرآن را فراگرفت. با فوت ملا محمد بیدهندی به نزد سید علی‌اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال 1337 ق. به حوزه‌ی علمیه‌ی اراک (مدرسه‌ی سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اولین شاگردان حوزه‌ی علمیه‌ی وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شیخ عباس ادریس‌آبادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد

سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال 1340 ق. نزد آیت‌الله حائری یزدی تلمذ نمود.
در سال 1339 ق. از حوزه‌ی علمیه‌ی اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به قم منتقل شد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی نیز حاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقا میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به «حکیم» تلمذ می نمود پس از وفات آقا میرزا علی‌اکبر حکیم الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکره‌ی بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با حضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عبدالله تبریزی مذاکره می نمود.
اساتید دیگر وی عبارتند از: آیت‌الله ملکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدث قمی و علامه عاملی. آیت‌الله کمره‌ای سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فسلفه پرداخت.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1341 ق.، به سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضاشاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال 1371 ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال 1379 ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشاره‌ی آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، درباره‌ی فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تششیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال 1385 ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.
آیت‌الله کمره‌ای در سال 1349 در هزاره‌ی شیخ طوسی درباره مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.
آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهمپیمایی تاسوعای 1375 به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حمله عراق به ایران با نوشتن مقاله «عرب این ننگ را به کجا می بری؟»، در روزنامه‌ی، «اطلاعات» به حمایت از موضع به حق ایران برخاست.
آیت‌الله کمره‌ای در دوره‌ی دکترای دانشکده الهیات دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.
از آثار وی می توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: تفسیر سوره‌ی نور (در دو مجلد)؛ عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ شرح نهج‌البلاغه؛ نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان؛ نهج‌البلاغه و جنگ؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا؛ نوید اسلام؛ ندای اذان و احادیث استحباب آن؛ مادر و وظیفه زن در اسلام؛ فتح مکه غروب آفتاب

در اندلس؛ اسرار حج؛ قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام؛ یک دوره کامل تفسیر قرآن؛ افق وحی؛ افق اعلی؛ نگاهی به چهره محمد (ص) و علی (ع)؛ علی و الزهزاء سرچشمه‌ی آب حیات؛ ترجمه قصیدةالنبی (ص) پیام امیرالمؤمنین به سلطان اهل قبله؛ کتابی به قلم امیرالمومنین (ع) نامه‌ی کودک در مسجد، محنت اسلام؛ چند مرحله اسلام؛ چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)؛ تاج مأمون‌الرشید؛ مجلس مباحثه‌ی امام رضا (ع) با عمران صابی؛ فلسفه غیبت امام زمان (ع) (عج) امامزاده عبدالله (ع) در ری؛ شرح حال محمد بن بکر؛ پیام ایران به نجد و حجاز و مصر؛ امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری؛ خواب دیدن ائمه اطهار (ع)؛ بیت‌المقدس و تحول قبله؛ پنج رساله در حج و قبله؛ کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ رساله مناسک و مسائل و حج و عمره؛ ندایی از سرزمین بیت‌المقدس؛ اجتماع پیرامون خانه مقدس دروس متون احادیث؛ الحدیث؛ تصحیح تفسیر دانشگاه (به فارسی)؛ کتاب مادر؛ مقدمه مواقع النجوم؛ تحشیه رساله لقاءالله؛ تصحیح و تحشیه مراقبات السنه، من روح الفرج بعد الشدة (به عربی)؛ آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام؛ علی (ع) و آل محمد؛ آل محمد رسول‌الله؛ رابطه اسلامی (به زبان فارسی)؛ در جواب علمای کردستان؛ رابطه‌ی عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع) به زبان عربی؛ آراء ائمه الشیعه فی الغلاة نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی. آثاری که آماده طبع است: جلد پنجم عنصر شجاع؛ جلد دوم قبله اسلام؛ جلد دوم افق اعلی؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم سرچشمه آب حیات؛ جلد دوم افق وحی جلد دوم دروس متون احادیث؛ پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان؛ ترجمه کتاب علی مفترق‌الطرق.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینه دانشوران (493 -491 ،188 -187)، الذریعه (219/ 22 ،44/ 17 ،352/ 15 ،126 -125/ 14)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 705 -704/ 13)، عنصر تلاش و کوشش، گلزار معانی (582 -566)، گنجینه‌ی دانشمندان (43/ 5 ،540 -535/ 4)، مؤلفین کتب چاپی (35 -32/ 3).

کوه کمری، محمد حجت

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1372 -1310 ق)، فقیه، اصولی، محدث، رجالی، مجتهد و مرجع تقلید. پدرش آقا سید علی کوه کمری از علمای بزرگ تبریز و از شاگردان حاج میرزا حبیب‌اللّٰه رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی بود. اصل وی از کوه کمر تبریز بود. نسبش به سید محمد مصری ملقب به حجازی از اولاد علی اصغر بن امام سجاد (ع) می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. پس از فراگیری ادبیات و مقدمات، از درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و فیزیک و شیمی از اساتید وقت استفاده نمود. او قسمت عمده‌ی تحصیلات فقهی و اصولی خود را در خدمت پدرش فراگرفت. سپس در 1330 ق به نجف مهاجرت نمود و فقه را در محضر آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی و رجال و حدیث را در محضر آقا سید ابوتراب خوانساری فراگرفت . وی همچنین از محضر آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی و حاج شیخ علی قوچانی و حاج شیخ علی گنابادی و آیت‌اللّٰه میرزا حسین نایینی و آیت‌اللّٰه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّٰه شیخ ضیاءالدین عراقی و دیگر بزرگان استفاده نمود. تا آنکه در نجف مریض شد و به خواست پدرش به تبریز بازگشت و پس از درگذشت آیت‌اللّٰه سید محمد کاظم یزدی و آیت‌اللّٰه شریعت اصفهانی به نجف مراجعت کرد و سالها از محضر اساتید آنجا استفاده نمود تا آنکه خود به تدریس در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره‌ی میرزای شیرازی و تصنیف مشغول شد. در 1349 ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس خارج فقه و اصول استدلالی پرداخت و پس از درگذشت شیخ عبدالکریم حایری، بر حسب سفارش ایشان به انجام امور مذهبی و اقامه حوزه‌ی علمیه مشغول گردید. آقا شیخ عبداللّٰه مامقانی، شریعت اصفهانی، سید حسن صدر کاظمی، سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد باقر بیرجندی و پدرش، سید علی کوه کمری، از مشایخ روایت وی و حاج میرزا حسین نایینی، سید محمد فیروزآبادی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حایری و شریعت اصفهانی از مشایخ اجتهاد و روایت او بودند. در قم درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی بنای مسجد و مدرسه‌ی حجتیه است و از آثار علمی وی: «الاستصحاب»؛ «کتاب البیع»؛ «تنقیح المطالب المبهمة فی حکم عمل الصور المجسمة»؛ «جامع الاحادیث و الاصول»؛ حاشیه بر «الکفایة»؛ «الصلوة»؛ «الوقف»؛ «لوامع الانوار الغرویة فی

مرسلات الآثار النبوية»؛ «مستدرک المستدرک فی استدراک مافات عن صاحب المستدرک».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الذریعه (465/ 4 ،193/ 3 ،25/ 2)، ریحانه (25 -23/ 2)، زندگینامه‌ی رجال و مشاهیر (82 -81/ 3)، علماء معاصرین (216 -214 ،187)، گنجینه‌ی دانشمندان (320 -309 ،306 -305/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ حجت کوه کمری)، معجم المؤلفین (177/ 9).

کیانی، مسیب

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مسیب کیانی
محل تولد : نهاوند- گیان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1347/7/30
زندگینامه علمی
اینجانب اواخر سال 1363 وارد حوزه علمیه نهاوند گردیدم و بعد از حدود هشت ماه به قم منتقل و در مدرسه علمیه مهدی موعود (عج الله) زیر نظر حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مشغول به تحصیل شدم و دروس مقدماتی را در آن مدرسه و سطح را در مدارس حوزه علمیه قم به اتمام رساندم.
در سال 1375 در درس خارج فقه و اصول شرکت نمودم. در سال 1374 وارد پژوهشکده باقرالعلوم (ع) وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی شده و به پژوهش و تحقیق در این موسسه مشغول و به فعالیت در زمینه علوم اسلامی و کار نمایه سازی و اطلاع رسانی در این مجموعه مشغول بودم.
در سال 1377 وارد دانشگاه مفید در قم گردیدم. در سال 1380 فارغ التحصیل رشته «علوم سیاسی» در مقطع کارشناسی شدم. در طول حضور در پژوهشکده در برنامه (نمایه سازی، کتاب شناسی، کتابخانه و همچنین اطلاع رسانی) جهت تدوین پایان نامه ها، رساله، مقالات و راهنمائی «افراد، محققین، طلاب و دانشجویان» مشغول بوده ام.

گلچین معانی، احمد

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(تو 1379 -1295 ش)، استاد دانشگاه، تذکره نویس، مورخ، مصحح، فهرست نویس و شاعر، متخلص به گلچین. در تهران و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات، در 1313 ش، به استخدام وزارت دادگستری درآمد و تا 1338 ش در آنجا مشغول خدمت بود. او از 1330 ش در کتابخانه ملی نیز خدمت می‌کرد و بعد از 1338 ش به طور تمام وقت در کتابخانه‌ی مجلس مشغول شد. در 1342 ش به دعوت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، برای تنظیم فهرست کتب خطی آنجا، به مشهد مهاجرت کرد. وی در حین خدمت دولت به تحصیل ادامه داد و از محضر اساتید مختلف بهره برد. در 1356 ش برای تدریس در دوره‌ی فوق لسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد دعوت شد. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد و در پانزده سالگی رسما قدم در وادی شعر نهاد و آثارش در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» انتشار یافت. او با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت. وی در 1314 ش به انجمن ادبی حکیم نظامی پیوست و با وحید دستگردی همکاری نمود. در آن انجمن، علاوه بر شعرخوانی، «خمسه» نظامی مقابله و تصحیح می‌شد و گلچین از محضر استادان ادب فنون و رموز شعر آموخت. وی پس از درگذشت استاد وحید برای تأسیس انجمن ادبی ایران در منزل محمد علی ناصح زحمات زیادی کشید. گلچین معانی مقالات ادبی، تاریخی و کتابشناسی زیادی در مجلات مختلف از جمله: «ارمغان»، «مهر»، «دانش»، «یغما»، «سپاهان»، «راهنمای کتاب» و غیره نوشته است. از آثار وی: «گلزار معانی»؛ «شهر آشوب در شعر فارسی»؛ «تاریخ تذکره‌های فارسی»، در دو مجلد؛ تذکره‌ی «پیمانه»، ذیلی بر تذکره‌ی «میخانه»؛ «کاروان هند»؛ رساله در احول «آل بنجیر»؛ «مکتب وقوع در شعر فارسی»؛ تصحیح و تکمیل تذکره‌ی «میخانه» عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی؛ تصحیح «لطایف الطوایف»؛ «راهنمای گنجینه‌ی قرآن»؛ «فرهنگ اشعار صائب»؛ «دیوان» شعر. اهتمام در انتشار کتابهای: «تاریخ ملا زاده» احمد بن محمود بخاری، در ذکر مزارات بخارا؛ «کنوز الاسرار و رموز الاسرار»، شرح منظوم «السوانح فی العشق» احمد غزالی؛ فهرست مجموعه‌های خطی کتابخانه‌ی مجلس؛ فهرست قسمتی از کتب خطی کتابخانه‌ی عبدالحسین بیات.[1]

احمد گلچین معانی، از شاعران و محققان نامدار است که به سال 1295 خورشیدی در تهران متولد گردید و یکی از محققانی است که کتاب‌های وی مأخذی برای همه شیفتگان اهل هنر و تحقیق می‌باشد. وی در سال 1313 در ادار کل ثبت مشغول خدمات دولتی گردید.

«اشک و آه»

بی‌تو سوزی بدل انگیخته دارم چون شمع
اشک و آهم بهم آمیخته دارم چون شمع
چه کشی دامنم از دست، که سیلی ز سرشک
تا بدامن ز غمت ریخته دارم چون شمع
همه شب بهر نثارت رهت از مخزن چشم
رشته‌های گهر آویخته دارم چون شمع
اشک من تیره از آنست، که خاکستر غم
بسر از آتش دل بیخته دارم چون شمع
چون گهر روشن از آنم که بجز رشته اشک
رشته‌ها از همه بگسیخته دارم چون شمع
نیست تا در برم آن آتش سوزان، گلچین
شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

«ماه»

دیدی ای ماه که شمع شب تارم نشدی
تا نکشتی ز غمم، شمع مزارم نشدی
بی‌خبر از بر من رفتی و این دردم کشت
که خبردار ز دشواری کارم نشدی
روی برتافتی و پشت و پناه دل من
نشدی کز همه جا رو بتو آرم، نشدی
زاریم دیدی و آنقدر تغافل کردی
که خبردار ز حال دل زارم نشدی
غافل از یاد تو بودم که نگشتی یارم؟
یا بدیدی که غم روی تو دارم، نشدی؟
یاد آن عهد، که از یکدلی و یک جهتی
لحظه‌ی دور، ز آغوش و کنارم نشدی
گفتی آرام ندارد دل گلچین بی من
چکنم مایه آرام و قرارم نشدی
باز هم مهر تو می‌پرورم اندر دل تنگ
گرچه عمری بتو دل بستم و یارم نشدی

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] از بهار تا شهریار (508 -496/ 2)، چشمه‌ی روشن

(706 -702)، چهارصد شاعر برگزیده‌ی پارسی‌گوی (809)، الذریعه (218/ 18، 931/ 9)، سخنوران نامی معاصر (3059 -3053/ 5)، صدف (567 -553)، فرهنگ سخنوران (779)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (2808/ 2، 837، 755/ 1)، کتابنامه‌ی نخستین دهه‌ی انقلاب (307)، کیهان فرهنگی (س 8، ش 8، ص 9 -3)، گلزار معانی (610 -585).

گلستانه

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(گلستان) ابن شاه ابوتراب محمدعلی حسینی یا حسنی معروف به گلستانه و ملقب به علاءالدین، از سادات گلستانه ساکن اصفهان (ف. 1110 ه.ق؟) وی دانشمندی است عابد و محقق. از آثار او است: 1- بهجةالحدائق. 2- ترتیب مشیخیه‌ی من لا یحضر الفقیه. 3- حدائق‌الحقائق فی شرح کلمات کلام‌اللّه الناطق. 4- روضةالشهداء و شرح الاسماءالحسنی. 5- منهج‌الیقین.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مامقانی، عبدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1351 -1290 ق)، عالم امامی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، رجالی، محدث و ادیب. معروف به علامه مامقانی و فاضل مامقانی. از بزرگان علمای امامیه و حاوی فروع و اصول بود. اصلش از مامقان آذربایجان است. در نجف به دنیا آمد. در پنج سالگی شروع به فراگیری قرآن کرد. صرف و نحو و مقدمات و سطوح فقه و اصول را در محضر پدرش و شیخ هاشم ارونقی ملکی و شیخ غلامحسین دربندی و شیخ حسن میرزا (م 1313 ق) فراگرفت تا در فقه و اصول سرآمد شد. در 1308 ق به حوزه‌ی درس اصول استدلالی و در 1309 ق به حوزه‌ی درس فقه استدلالی پدر بزرگوارش راه یافت و «تقریرات» هر دو درس خارج را نگاشت. قوه‌ی استنباط و اجتهاد وی بارها از طرف پدرش تأیید شد و او را به دریافت اجازه مفتخر کرد. آن گاه وی خود به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت و شاگردان بسیاری بر گردش جمع شدند. او از پدرش روایت کرده و شیخ محمد حرز نیز از وی روایت کرده است. او مرجع تقلید بسیاری از مردم آذربایجان بود. در نجف درگذشت و در کنار پدرش، در مقبره‌ی خانوادگی در منزلشان، دفن گردید. از آثارش: «اجابة السئوال»؛ «ارشاد المستبصرین»؛ «ازاحة الوسوسة»؛ «تحفة الصفوة»؛ «تحفة الخیرة»؛ «تنقیح المقال فی علم الرجال»، در سه مجلد بزرگ، که مشهورترین و مهم‌ترین تألیف اوست؛ جوابات «المسائل البصریة»؛ جوابات «المسائل البغدادیة»؛ حاشیه بر «العروة الوثقی»؛ «الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود»؛ «مرآة الکمال فی الآداب و السنن» و ترجمه‌ی فارسی آن؛ «سراج الشیعة فی آداب الشریعة»؛ «الفوائد الطبیة»؛ «کشف الاستار فی تکلیف الکفار بالفروغ»؛ «هدایة الانام فی حکم مال الامام»؛ «مجمع الدرر» معروف به «اثنی عشریه»؛ «مناهج الیقین»؛ «منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الاسلام»؛ «مقباس الهدایة فی علم الدرایة»؛ «مطارح الافهام فی مبانی الاحکام».[1]
عبداللّه بن العلامة الکبری حاج شیخ محمدحسن از اکابر و فحول علماء امامیه و عالمی عامل و فقیهی کامل محدثی رجالی و ادیبی اریب حاوی فروع و اصول و دارای کمالات نفسانیه و اخلاق فاضله و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بوده و گوی سبقت از افاضل وقت ربوده و در بعضی از علوم غریبه نیز حظی داشته است.

آن جناب در ربیع‌الاول 1290 قمری در نجف متولد و در 16 شوال 1351 قمری در جوار علی (ع) به رحمت حق پیوسته در مقبره والدش که دارای گنبد و قبه عالی است مدفون گردیده است.
تالیفات و آثار علمی معظم‌له از اینقرار است.
1- ارشاد المستبصرین 2- تحفة الخیره 3- تحفة الصفوة فی الحیوة 4- تنقیح المقال فی احوال الرجال 5- الدر المنضود فی صیغ الایقاعات و العقود 6- سراج‌الشیعه 7- السیف البتار 8- مرآت الرشاد 9- مرآت الکمال 10- مطارح الافهام 11- مقباس الهدایه 12- مناهج المتقین 13- منتهی مقاصد الانام 14- نتایج التنقیح 15- نهایة المقال و کتب دیگر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (173/ 25 ،159/ 23 ،349 ،18/ 22 ،339 ،338، 336، 284- 283، 272، 230، 229، 27/ 20 ،36 ،12- 11 / 18 /161، 17 ،346 ،22 ،13/ 16 ،286 ،157/ 12 ،137 ،78- 77/ 8 ،149/ 6 ،216 ،215/ 5 ،467- 466/ 4 ،447 ،432/ 3 ،528 ،520 ،120 ،118/ 1)، ریحانه (159 -157/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1199 -1196/ 14)، علماء معاصرین (159 -158)، الکنی و الالقاب (134/ 3)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1146 -1145/ 3)، معجم المؤلفین (116/ 6).

مبشری، اسدالله

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مترجم.
تولد: 1289، تهران.
درگذشت: 21 مهر 1369، تهران.
دکتر اسدالله مبشری، فرزند ابوالقاسم، تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه تهران و سپس فرانسه به پایان رسانید. سال‌ها در وزارت دادگستری مقام‌های قضایی را تصدی می‌کرد. در دولت مهندس مهدی بازرگان وزیر دادگستری بود. وی غزل نیکو می‌سرایید و طبعی روان داشت.
از آثار اوست: اسلام و موسیقی (1323)؛ پرتگاه مبشری (مجموعه شعر، تهران 1310، تبریز، 1312)؛ روش نویسندگی (تهران، 1333)؛ عبقریه محمد (عباس محمود عقاد، ترجمه، جلد اول 1327، جلد دوم، 1332)؛ منظومه شب‌ی (مجموعه شعر، زنجان، 1316).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

مجلسی، محمدتقی

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1070 -1004/ 1003 ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، رجالی، عابد و زاهد. نسبش به حافظ ابونعیم اصفهانی، صاحب «حلیة الاولیاء» می‌رسد. اصلش به آورده‌ی «روضة الصفا» از دارالمرز رشت، و به گفته‌ی معلم حبیب‌آبادی در «مکارم الآثار» از قریه مجلس از روستاهای جبل عامل است و از آنجا که تخلص شعری پدرش، مقصود علی، مجلسی بوده این سلسله به مجلسی معروف گشته‌اند. ملا محمدتقی در اصفهان به دنیا آمد. مادرش دختر درویش محمد نطنزی اصفهانی می‌باشد. وی در فقه و تفسیر و حدیث و رجال متبحر و در عبادات و عرفان پیرو استاد خود ملا عبدالله شوشتری بود. او نخستین کسی است که بعد از ظهور دولت صفویه به نشر احادیث شیعه پرداخت. در محضر شیخ بهائی و ملا عبدالله شوشتری و پسرش ملا حسنعلی شوشتری و میر شرف‌الدین علی شولستانی نجفی تلمذ نمود و به دریافت اجازه نایل شد. ملا محمدتقی از محقق کرکی، مشهور به محقق ثانی، و ملا عبدالله شوشتری و شیخ بهائی روایت کرده است. میر فندرسکی و قاضی معزالدین محمد اصفهانی و شیخ یونس جزایری و قاضی ابوالشرف و شیخ عبدالله بن شیخ ابوالبرکات و ملا محمدقاسم، دایی‌اش، به آورده‌ی «تذکرة القبور»، از دیگر مشایخ وی می‌باشند. فرزندش، ملا محمدباقر مجلسی، و آقا حسین محقق خوانساری و میر عبدالحسین خاتون‌آبادی اصفهانی از شاگردان وی بودند. شیخ عبدالله بن جابر عاملی از او روایت می‌کند. در اصفهان درگذشت و در جنب جامع عتیق دفن شد. مقبره‌ی وی به سر قبر آخوند معروف است. از آثار وی: «روضة المتقین»، در شرح «من لا یحضره الفقیه»، که آن را به امر شاه عباس به فارسی شرح کرد و «اللوامع القدسیة» یا «لوامع صاحبقرانی» نامید؛ «حدیقة المتقین فی معرفة احکام الدین لارتقاء معارج الیقین»؛ «احیاء الاحادیث فی شرح تهذیب الحدیث»، که همان شرح «تهذیب» شیخ طوسی است؛ «تفسیر» فارسی؛ «مناسک الحج»؛ «الاربعون حدیثا»، که در آن به ذکر مشایخ خود پرداخته است؛ شرح بر «صحیفه‌ی سجادیه»، به عربی و فارسی؛ حاشیه بر «نقد الرجال»؛ «طبقات الرواة»؛ شرح «خطبه همام»؛ حاشیه بر «اصول کافی».[1]
ملا محمدتقی، فرزند مقصود علی اصفهانی (ف. 1070 ه.ق) از متبحران علمای شیعه‌ی اثنی عشری است که احادیث و اخبار شیعه‌ی امامیه را

جمع‌آوری کرده است. وی از شاگردان شیخ‌بهائی (ه.م) است. و در جامع عتیق اصفهان مدفون است. ملا محمدتقی در زمان شاه عباس کبیر می‌زیسته و پدر ملا محمدباقر مجلسی (ه.م) می‌باشد. تعداد تألیفاتش متجاوز از 10 مجلد، مجلسی اول، مجلسی پدر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان الشیعه (193 -192/ 9)، تذکرة العلماء (167 -164)، تذکرة القبور (221 -219)، خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (217 -212/ 2)، الذریعه (258/ 22 ،370 -369 ،368/ 18 ،149 -148/ 15 ،67 -66/ 14 ،348 ،305 ،226/ 13 ،303 -302 ،190/ 11 ،227 ،145/ 6 ،389 ،413 ،307/ 1)، روضات الجنات (119 -114/ 2)، روضة الصفا (585/ 8)، ریاض العلماء (47/ 5)، ریحانه (201 -198/ 5)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 102 -101/ 11)، فوائد الرضویه (446 -439)، قصص العلماء (228 -214)، الکنی و الالقاب (152 -150/ 3)، مفاخر اسلام (44 -28/ 8)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1153 -1152/ 3)، معجم المؤلفین (137/ 9)، هدیة الاحباب (233 -232).

محبوبی، مجید

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مجید محبوبی
محل تولد : ملکان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1352/1/1
زندگینامه علمی
مجید محبوبی در دوازدهمین روز اسفند سال 1352 در روستای قره‌گل شهرستان ملکان به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در روستا گذراند. بعد از اتمام دوره راهنمایی و تحصیل یک ساله در دبیرستان بوعلی سینا شهرستان میاندوآب، سال 1369 وارد حوزه علمیه‌ولیعصر(عج) تبریز شد. در تبریز به کلاسهای قصه‌خوانی استاد عبدالمجید نجفی راه یافت و به آموزش اصول قصه‌نویسی پرداخت. آشنایی با شعرای موفق و مطرحی چون آقایان جلال محمدی، سید قاسم ناظمی، محمدرضا لوایی، اسحاق راهب و همچنین نویسنده ادبیات مقاومت جناب داوود امیریان، اشتیاق او به نویسندگی را مضاعف کرد. محبوبی در کنار تحصیلات حوزوی، به طور چشمگیری به مطالعه آثار بزرگان داستان‌نویسی همت گمارد که در این میان انس و الفت او با کتابهای مرحوم جلال آل احمد بیشتر بود. آشنایی محبوبی با مجله «سوره نوجوانان»، علاقه او به ادبیات بزرگسال را کاهش داد. او در این مقطع همه هم و غمش را به این مجله معطوف کرد و اگرچه نوشته‌های او در آن زمان مناسب چاپ در آن مجله تشخیص داده نشد؛ ولی چندی بعد با چاپ اولین قصه‌اش در مجله «سلام بچه‌ها»، که تشویقهای مداوم استاد مظفر سالاری را به همراه داشت، وارد وادی ادبیات کودک و نوجوان شد. محبوبی در مجلاتی مانند«سروش نوجوان»، «سلام بچه‌ها»، «پوپک»، «انتظار نوجوان»،«ملیکا»، «یاران امین» و «قاصدک» برای کودکان و نوجوانان و در مجلاتی چون «کتاب ماه کودک و نوجوان»، «کوثر»، «مبلغان»، «پگاه»، «پیشگامان»، «شمیم یاس» و «خشت اول» برای بزرگسالان قلم زده است. از این نویسنده تاکنون این کتابها منتشر شده است:1. آن روز، آن مهمانی، 2. یک روز بهاری 3. کبوتر سفید، 4. هدیه، 5. تربت و دریا، 6. اولین برفی که زمین نشست، 7. آفتاب حکمت، 8. آینه اخلاص، 9. روح اخلاص، 10. گزیده‌ای از حکایات شیخ

عباس قمی، 11.ستارگان حرم (گروهی) 12. گلشن ابرار(گروهی)، 13. مهربانترین، 14. فرزند کعبه، 15. خانه در آتش، 16. ملاقات در شب مهتابی.
همچنین کتابهای 1. دیدار در خانه دوست، 2. خورشید در نخلستان، 3. دعای باران، 4. فرشته‌ای در کویر، 5. بارانی از مهر، 6. زیباترین شب، 7. همسفر با فرشته، 8 . رؤیای شیرین، 9. فرشته‌ای در قصر، 10.آن شب، آن شعر، 11.نوشتهٔ نامرئی، را در زیر چاپ دارد.
«نامزد دریافت جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی» در سال 1386 و «مؤلف برتر اولین جشنواره مرزبانی وحی و خرد» در سال 1387، تنها عناوینی است که تا به حال محبوبی در عرصه رقابتهای فرهنگی ادبی به دست آورده است.

محرابی کرمانی، سعید

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(س نهم و دهم ق)، تذکره‌نویس و شاعر. خاندان او در کرمان معروف و دارای علم و زهد بوده‌اند. معروفترین مرد خاندان وی شیخ سیف‌الدین ابوالمعالی باخرزی ملقب به شیخ عالم بوده است. محرابی صوفی مشرب بوده و با ادبیات فارسی و عربی آشنایی داشته است. از آثارش: «مزارات کرمان» یا «تذکرة الاولیاء» محرابی کرمانی، که سید محمد هاشمی کرمانی در اسفند ماه 1330 ش به اهتمام و سرمایه‌ی حسین کوهی کرمانی آن را چاپ نمود. «تاریخ نظم و نثر» سال تألیف کتاب را 939 ق ذکر کرده است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ نظم و نثر (257)، تذکره‌ی شاعران کرمان (447 -444)، الذریعه (326/ 20)، ستارگان کرمان (341 -338)، عرفای کرمان (105 -104)، مزارات کرمان (مقدمه/ بیست و دو- بیست و هشت).

محقق خوانساری، حسین

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1099/ 1098 -1016 ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، رجالی، محدث، متکلم، مدرس، محقق و شاعر. وی جامع معقول و منقول بود و به جهت تدریس در هر یک از این علوم به استاد الکل فی الکل معروف شد. چون پدر و پسرش هر دو جمال‌الدین نام داشتند ملقب به ذوالجمالین شد. اصلش از خوانسار است. در نوجوانی برای کسب علوم به اصفهان رفت و در مدرسه‌ی خواجه ملک نزدیک مدرسه‌ی شیخ لطف‌اللّه مشغول تحصیل شد. او علوم معقول و منقول را از میرفندرسکی و ملا محمدتقی مجلسی و خلیفةالسلطان و محقق سبزواری و دیگر علما فراگرفت و به مقام علمی بالایی رسید. او به تیزهوشی و سرعت انتقال معروف بود و مشکلات علمی را با اندک تأملی حل می‌نمود. فرزندانش، آقا جمال خوانساری و آقا رضی خوانساری، و سید نعمت‌اللّه جزایری و شیخ جعفر قاضی و ملا میرزا شیروانی و ملا محمد سراب تنکابنی و عده‌ای دیگر از شاگردان او بودند. ریاست علمی و مذهبی زمانش بدو منتهی می‌شد و وی پناه‌گاه فقرا و مساکین بود. در شعر طبعی روان داشت و شعر و نثرش به عربی و فارسی مشهور است. در اصفهان درگذشت و در قبرستان تخت فولاد نزدیک مقبره‌ی بابا رکن‌الدین دفن شد. شاه سلیمان صفوی مقبره‌ای برایش بنا کرد که پس از دفن شدن فرزندانش در کنارش، به تکیه‌ی خوانساریها معروف گردید. از آثارش: ترجمه‌ی قرآن؛ فسیر «سورة الفاتحة»؛ ترجمه‌ی «صحیفة السجادیة»؛ «مشارق الشموس»، در شرح «الدروس» شهید اول؛ «تواریخ وفیات العلماء»؛ «الجبر و الاختیار»؛ حاشیه بر «شرح جدید التجرید» قوشچی؛ حاشیه بر «شرح الاشارات» خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «محاکمات» قطب‌الدین رازی؛ حاشیه بر «معالم الاصول»؛ شرح «کافیه» ابن حاجب؛ شرح «هیئت» قوشچی؛ رساله در «مقدمة الواجب»؛ رساله‌هایی در شبهات متفرقه، از جمله: «شبهة الایمان و الکفر»، «شبهة الطفرة» و «شبهة الاستلزام»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (150 -148/ 6)، ایضاح المکنون (485/ 2)، تاریخ ادبیات در ایران (316 -314/ 5)، تذکره‌ی شعرای خوانسار (26 -23)، تذکرة القبور (298 -297)، تذکره‌ی نصرآبادی (153 -152)،

خاتمه‌ی مستدرک الوسائل (173 ،51/ 2)، الذریعه (106/ 22 ،36/ 21 ،111 ،192 ،206 ،7 /19 ،9 /247 ،13 /25 ،91 ،244 ،20 /132- ،133 ،68/ 6 ،81/ 5 ،339 ،126 ،112/ 4)، روضات الجنات (347 -339/ 2)، ریاض العارفین (187)، ریاض العلماء (60 -57/ 2)، ریحانه (242 -239/ 5)، شرح حال رجال و مشاهیر نامی (408 -407)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 167 -166/ 11)، فقهای نامدار شیعه (238 -234)، فوائد الرضویه (155 -153)، الکنی و الالقاب (159 -158/ 3)، لغت نامه (ذیل/ حسین خوانساری)، معجم المؤلفین (48/ 4)، مواد التواریخ (174 -173)، هدیة الاحباب (235 -234)، هدیة العارفین (324/ 1).

محلاتی، ذبیح‌اللّه

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1406 -1310 ق)، عالم دینی، متکلم، خطیب و محقق. در محلات به دنیا آمد. پس از نشو و نما و تحصیل مقدمات در زادگاهش، نزد شیخ عبدالحسین کبیر، به همراه مادر برای تکمیل علوم به نجف رفت. او در محضر علامه نایینی و آیت‌اللّه ضیاءالدین عراقی و آیت‌اللّه اصفهانی و آیت‌اللّه حاج سید حسن صدر و آیت‌اللّه جواد بلاغی تلمذ کرد و همچنین از اساتیدی چون آیت‌اللّه سید محمد فیروزآبادی و آیت‌اللّه میرزا آقا اصطهباناتی و آیت‌اللّه شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران بهره برد تا به مراتب علمی نایل شد و از اساتید بزرگ نجف اجازه اجتهاد و روایت گرفت. سپس در سامراء ساکن گردید و به بحث و تألیف مشغول شد و در ضمن آن از بحثهای رجال و حدیث و درایه آیت‌اللّه میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شد. در 1376 ق به ایران بازگشت و در تهران ساکن گردید و به تألیف و امامت جماعت پرداخت. از آثارش: «ریاحین الشریعة»، شرح حال زنان دانشمند شیعه، در شش مجلد؛ «اختران تابناک»؛ «مأثر الکبراء فی تاریخ سامراء»، به عربی؛ «الحق المبین»، در قضاوتهای امیرالمؤمنین (ع)؛ «شمس الضحی»؛ «قرةالعین»، در حقوق والدین؛ «کشف العثار»، در مفاسد خمر و قمار؛ «کشف الغرور»، در مفاسد بی‌حجابی؛ «کشف البنیان عن جنایات عثمان»؛ «کشف حقیقت»؛ «کشف الغاشیة»؛ «کشف الهاویة»، در جنایات معاویه؛ «لطائف الحکایات»؛ «کشف المغیبات»؛ «فرسان الهیجاء»؛ «وقایع الایام»، در هشت مجلد که سه مجلد آن «مجالس الواعظین» نام دارد؛ «الکلمة التامة»، در احوال اکابر عامه.[1]
حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی عسکری تهرانی از علماء اعلام و محدثین گرام و وعاظ والامقام و نویسندگان بنام معاصرند در تهران تولدش در محلات واقع شده و مهاجرت به عراق و نجف اشرف نموده و سطوح را از مدرسین عالی نجف فراگرفته و به درس خارج آیات عظامی چون مرحوم آیت‌الله نائینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و آیت‌الله حاج شیخ جواد بلاغی و دیگران حاضر شده و در کاظمین از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسن صدر هم استفاده نموده و در سامره از رجال و حدیث و درایه آیت‌الله میرزا محمد عسکری تهرانی بهره‌مند شده و به افتخار مصاهرت آن مرحوم نائل گردیده آنگاه مهاجرت به تهران نموده و به

ترویج دین و تبلیغ و نشر آثار و اخبار اهل‌بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرداخته و در مسجد مشیرالدوله واقع در خیابان اهل علی خیابان مسکرآباد تهران نیز به اقامه جماعت اشتغال دارند.
تالیفات مفیده و ارزنده بسیاری دارد که اغلب آنها به طبع رسیده است و در حال حاضر در کثرت تالیف کم‌نظیر می‌باشند و آنها از این قرار است:
1- ریاحین‌الشریعه در احوال بانوان شیعه در 5 جلد مکرر به طبع رسیده است.
2- تاریخ سامره در سه مجلد که دو مرتبه چاپ شده است.
3- کشف الاشتباه در کجرویهای اصحاب خانقاه به طبع رسیده است.
4- کشف الهاویه در احوال و مطاعن معاویه به طبع رسیده است.
5- الحق المبین در قضاوتهای امیرالمومنین علیه‌السلام که تاکنون شش مرتبه به طبع رسیده است.
6- لطایف الحکایات به طبع رسیده است.
7- اختران تابناک به طبع رسیده است.
8- فرسان الهیجاه در دو مجلد مکرر به طبع رسیده است.
9- کشف حقیقت مشتمل بر فتاوای اهل سنت و قدح آنها به طبع رسیده است.
10- کشف‌الغرور در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن. به طبع رسیده است.
11- کشف‌المغیبات مشتمل بر اخبار غیبیه. به طبع رسیده است.
12- کشف‌الغاشیه در زندگانی عایشه. به طبع رسیده است.
13- کشف‌البنیان در جنایات عثمان. به طبع رسیده است.
14- نارالله الموقده علی الکافرین متضمن حمله‌های حضرت علی علیه‌السلام.
15- قره‌العین- فی حقوق الوالدین.
16- کشف‌العمار یا کانون فساد الی ساحل نجات.
17- مطلوب الراغب در احکام ریش و شارب.
18- کشف‌التهمه.
19- السیوف البارقه.
20- وقایع‌الایام- یا مجالس الواعظین دو جلد.
21- شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء.
و حدود 34 جلد کتاب دیگر در فنون مختلفه که مخطوط و آماده طبع است.
فقیه، محقق.
تولد: 1271(1310 ق.)، محلات.
درگذشت: اسفند 1364.
علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین

کبیر در محلات به پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و درایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروز آبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزه‌ی سامرا و مدرسه‌ی میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه به فارسی در پنج جلد. دوره‌ی اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال 1327 به تهران بازگشت.
از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرة المعارف شش جلدی ریاحین الشریعه (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینه علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ الحق المبین (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ اختران تابناک (در دو جلد)؛ فرسان الهیجاء (در ترجمه سیدالشهداء به ترتیب حروف در دو جلد)؛ قرة العین فی حقوق الوالدین؛ وقایع الایام (دو جلد)؛ لطایف الحکایات یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر 303 حکایت در 576 صفحه در دو جلد)؛ کشف الاشتباه (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ کشف الهاویه (در احوال و مظالم معاویه)؛ کشف حقیقت (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ کشف الغرور (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ کشف المغیبات (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین)؛ کشف الغاشیه (در زندگانی و هویت عایشه)؛ کشف البنیان (در ترجمه عثان بن عفان)؛ کشف العثار (در مفاسد شراب و قمار)؛ کشف الاکاذیب (در عجز خلیفه‌ی دوم از پاسخ به مسائل)، کشف الخفاء (در خصوص تذکرة الاولیاء)، کشف المنافع (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ کشف زردشتی از طریقه (زردشتی) کشف التهمه؛ مطلوب الراغب (در احکام ریش و شارب)؛ السیوف البارقه (در رد صوفیه)؛ نارالله الموقده علی الکافرین (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ قلائد النحور (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)، مجالس الواعظین (در چهار جلد)، شمس الضحی (در نقل و تحویل

سر مبارک سید الشهداء) شرافة السخیاء و رذالة البخلاء، ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر؛ طعن سنان (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)، المعالی (در احیاء العلوم غزالی)؛ امثال القرآن؛ بیاض (در اشعار متفرقه)؛ خیر الکلام (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ صندوق النفایس؛ کشکول؛ مجموعه کبیری (عربی و فارسی)؛ نعم النصیر (ترجمه‌ی بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] الذریعه (128 -127/ 25 ،6/ 19 ،122 ،44 ،42/ 18 ،165 ،152 -151 ،72/ 17 ،168/ 16 ،293 ،99/ 12 ،314 -313/ 11 ،285 ،38/ 7 ،255/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 716 -715/ 14)، کیهان فرهنگی (س 2، ش 12، ص 39)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1162/ 3).

مدرس خیابانی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمدعلی بن محمدطاهر بن نادر بن محمدطاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس خیابانی (و. 1296 ف. 1373 ه.ق) مؤلف ریحانةالادب در تراجم و شرح حال اطبا و علما و عرفا و حکما و ادبا و فضلا با ذکر کنیه و لقب آنها. مدرس خیابانی غیر از ریحانةالادب تألیفات دیگری نیز دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حیاض الزلائل فی ریاض المسائل» در شرح کتاب طهارت از ریاض که معروف به شرح کبیر است، دیگر «فرهنگ بهارستان» در مرادفات فارسی. دیگر «فرنگ نگارستان» در لغت فارسی. دیگر «فرهنگ نوبهار» در لغت فارسی، دیگر کتاب «غایةالمنی فی تحقیق الکنی» در بیان کنیه‌های حیوانات در زبان عرب.
برگرفته از کتاب :فرهنگ فارسی معین (جلد ششم)

مدرس رضوی خراسانی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1365 -1274 ش)، محقق، دانشمند، مصحح و استاد دانشگاه. پدرش، میرزا محمدباقر، از علمای بزرگ خراسان و مدرس اول آستان قدس رضوی بود. در مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید زادگاهش فراگرفت. سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. وی کتابهای «مغنی» و «مطول» تفتازانی و قسمتی از شرح «منظومه» حاج ملا هادی سبزواری را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری آموخت. «تحریر اقلیدس» و «مجسطی» و کتب ریاضی قدیم و «شرح لمعه»، در فقه و «قوانین»، در اصول را نزد پدر خواند. سپس از محضر آقا بزرگ حکیم استفاده نمود و «شرح هدایة» و «شرح اشارات» را نزد او خواند. آنگاه مدتی از درس خارج فقه و اصول آیت‌اللّٰه قمی و آیت‌اللّٰه آقا میرزا محمد آقازاده استفاده کرد. در 1298 ش به تهران آمد و از محضر آقا سید محمد تنکابنی و آقا میرزا محمدطاهر تنکابنی بهره برد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید خود در مدارس سپهسالار و آلیانس پرداخت. او از 1310 ش به معلمی و ناظمی مدرسه‌ی سپهسالار (شهید مطهری فعلی) و تدریس در مدارس دارالفنون، علمیه، معرفت و شرافت پرداخت و بعد از 1317 ش به معلمی و بعدها به سمت استادی دانشکده‌ی علوم معقول و منقول منسوب گردید. وی نزدیک دو سال همکار علامه‌ی دهخدا در تکمیل «لغت نامه» بود. از آثار وی: «احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی»؛ «تاریخ رجال خراسان»؛ «تاریخ مشهد رضوی»؛ رساله‌ای در «علم عروض»؛ تعلیقات «حدیقة الحقیقة» سنایی؛ تصحیح «المعجم فی معاییر اشعار العجم»؛ تصحیح و اهتمام «اساس الاقتباس» خواجه نصیرالدین طوسی؛ تصحیح «تاریخ بخارا»؛ تصحیح «دیوان» سید حسن غزنوی؛ مقدمه و تعلیقات «ترجمه‌ی میزان الحکمة» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره الحکمة» خازنی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «شجره‌ی طیبه»، در انساب سلسله‌ی سادات علویه رضویه، «دیوان» انوری و «دیوان» سنایی غزنوی.[1]
پژوهشگر.
تولد: 1274(1313 ق.)؛ مشهد.
درگذشت: 28 تیر 1365.
سید محمدتقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس

جدید مشهد فراگرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال 1338 ق. به تهران آمد به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسه عالی سپهسالار و مدرسه آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف درآمده و در مدارس مشهد و از سال 1310 در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکده‌ی معقول و منقول و دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.
از آثار اوست: تصحیح آثار علوی یا کائنات جو (ابوحاتم مظفر اسفزاری، 1319)؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی (1334)؛ احوال و آثار ملک‌الشعرای بهار (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ اساس الاقتباس (خواجه نصیر طوسی، 1326)؛ بیست باب در معرفت اسطرلاب (به اهتمام، 1335)؛ تاریخ بخارا (به اهتمام، 1317)؛ تعلیقات حدیقة الحقیقة (1344)؛ تنسوخ‌نامه‌ی ایلخانی (از خواجه نصیر طوسی، 1348)؛ حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد 1330)، تصحیح دیوان حکیم سنائی (1320)؛ تصحیح دیوان سید حسن غزنوی (1328)؛ تصحیح دیوان انوری ابیوردی (دو جلد، 1340 -1336)؛ شجره‌ی طیبه (تألیف محمدباقر رضوی، تکمله و تصحیح و تهیه‌ی مشجرات، 1348)؛ شرح مشکلات دیوان انوری (از ابوالحسن حسینی فراهانی، 1340)؛ مثنوی‌های حکیم سنایی (1348)؛ مجمل التواریخ (درباره‌ی تاریخ زندیه، از ابوالحسن گلستانه، 1319)؛ تصحیح مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی (شش رساله، 1335)؛ تصحیح المعجم فی معاییر اشعار العجم (اثر نظامی عروضی، از روی نسخه تصحیح محمد قزوینی، 1336)؛ ترجمه‌ی میزان الحکمه (اثر عبدالرحمن خازنی، متن قدیمی، 1346)؛ یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی (1335، با مقدمه‌ی موسی عمید). تاریخ شهر مشهد نام کتاب دیگری است که در سال 1313 به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] طبقات اعلام الشیعه (قرن 247/ 14)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3435، 3047/ 2، 913، 177، 125/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 8، ص 14 -3، س 3، ش 8، ص 40)، مؤلفین کتب چاپی (255 -254/ 2).

مدرس رضوی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1311 -1239 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مجتهد، رجالی، محدث، مدرس و عارف. در مشهد به دنیا آمد و مقدمات را در آنجا فراگرفت. در 1263 ق به نجف رفت و در مدت بیست سال در محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی نجفی و شیخ راضی نجفی و دیگران تلمذ نمود و ملازم بحثهای آنان بود تا به درجه‌ی علمی بالایی رسید. او به افتخار دریافت اجازه از شیخ انصاری نایل شد. سپس به ایران بازگشت و در شهر خود به تدریس و تألیف پرداخت. در مشهد درگذشت و در حرم رضوی، در دارالضیافة، دفن شد. از آثارش: حاشیه بر «القوانین»؛ حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «رسالة فی الدرایة و الرجال»؛ «رسالة فی الهیئة»؛ شرح «الشرایع»؛ «نتایج الافکار»، تقریراتی در اصول فقه؛ «تقریرات الفقه»؛ رساله در «مقدمة الواجب»؛ رساله در «اقسام الولایات»؛ «احکام الغصب»؛ «منجزات المریض»؛ «اساس الفقه»؛ «مطالب الحکمة».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان الشیعه (16/ 10)، الذریعه (255/ 25 ،44/ 24 /326، 13 ،177 ،95/ 6)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 1454 -1453/ 14)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (604 -603/ 2)، معجم المؤلفین (17/ 11)، مکارم الآثار (1079 -1078/ 4).

مدیر شانه‌چی، کاظم

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سال تولد: 1306، مرتبه علمی: استاد، رشته: فقه و مبانی اسلامی، دانشکده: الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه: فردوسی مشهد
خلاصه شرح حال تخصصی
سوابق تحصیلی:
گذراندن تحصیلات حوزوی نزد اساتید عظام مشهد حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی، حاج میرزا احمد خراسانی، حاج سید محمدهادی میلانی و اخذ درجه اجتهاد در سال 1336.
مرتبه علمی:
استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد از سال 1337 تاکنون.
زمینه‌های علمی و تحقیقاتی:
مطالعات و پژوهشهای فقهی و مذهبی، تألیف کتاب >مسندالنبی< شامل هزاران حدیث نبویه فقهی در پاسخ به اهل سنت که احادیث امامیه را فتاوای شخصی ائمه تلقی می‌کنند. تألیف کتاب تاریخ فقه شیعه و فقهای بزرگ آن مذهب، عضویت در مجمع تقریب بین‌المذاهب و بنیاد نهج‌البلاغه، سفرهای تحقیقاتی به کشورهای اسلامی، حضور در بیش از 20 سمینار و کنگره داخلی و خارجی و ارائه مقالات در زمینه علوم اسلامی، راهنمائی، مشاوره و نظارت بر 34 پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
تألیفات
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان فارسی: 25
تعداد تألیفات (نگارش یا ترجمه کتاب) بزبان خارجی: 4
زمینه علمی تألیفات:
علم‌الحدیث، فقه و مبانی اسلامی، کتابشناسی، تاریخ اسلام.
مقالات
تعداد مقالات بزبان فارسی: 42، تعداد مقالات بزبان خارجی: 2
زمینه علمی مقالات:
تاریخ مشاهیر اسلام، کتابخانه‌های اسلامی، کلام و اعتقادات، مزارات خراسان، مبانی حقوق اسلامی.
برگرفته از کتاب :شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور (جلد سوم)

مراغه‌ای اعتمادالسلطنه، محمدحسن

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مرحوم محمدحسن خان مراغه‌ای ملقب به اعتمادالسلطنه و صنیع‌الدوله بن میرزا علی‌خان مراغه‌ای صاحب کتاب (المآثر و الاثار) ادیبی اریب و مورخی بزرگ و نویسنده‌ای سترک و وزیر ناصرالدین شاه قاجار بوده است.
از آثار و تالیفات او کتب ارزنده زیر است 1- مرآت البلدان در چند جلد بزرگ به طبع رسیده 2- المنتظم الناصری 3- مطلع الشمس 4- المآثر و الاثار 5- خیرات حسان در سه مجلد 6- حجه‌السعاده فی حجه‌الشهاده 7- تاریخ ایران 8- تاریخ فرانسه 9- مأثر السلطان وی در 18 شوال 1313 قمری سال فوت ناصرالدین شاه وفات نموده و در ماه تاریخ وفاتش گفته‌اند
به هر تاریخ وفات می‌داد
آن وزیر فاضل باطنطنه
از رحمت سروش غیب گفت
در جنان شد اعتمادالسلطنه
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد هفتم)

مرعشی نجفی، شهاب‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1411 -1318/ 1315 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مرجع تقلید، محدث، نسابه، رجالی، مدرس، مورخ و ریاضیدان. نسبش به امام سجاد (ع) می‌رسد. در نجف به دنیا آمد. مقدمات و علوم ادبی را از پدرش و شیخ مرتضی طالقانی و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی و علم انساب آل‌رسول را از پدرش و سید محمدرضا صائغ بحرانی و علم تفسیر را از پدرش و شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین شیرازی عسکری و میرزا محمدعلی چهاردهی رشتی و فقه و اصول استدلالی را از آقا ضیاءالدین عراقی و شیخ مهدی مازندرانی و سید حسن صدر و شیخ مهدی خالص و علم کلام را از شیخ محمدجواد بلاغی و شیخ محمداسماعیل محلاتی و ریاضیات را از شیخ یاسین علیشاه هندی و میرزا محمود اهری فراگرفت. در 1342 ق به تهران آمد و در عرفان و علوم عقلی از محضر میرزا مهدی آشتیانی و میرزا طاهر تنکابنی و در ریاضیات از محضر میرزا حیدرعلی نایینی استفاده نمود. سپس به قم رفت و در محضر آیت‌اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تلمذ نمود و از او و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی اجازه‌ی اجتهاد داشت. او از علمای عامه و علمای زیدیه و علمای اسماعیلیه و بسیاری از علمای امامیه اجازه روایت داشت. پس از درگذشت آیت‌اللّه حایری وی عهده‌دار اداره حوزه‌ی علمیه، تدریس، مرجعیت و امامت جماعت و ایجاد بناهای خیریه و انتشار کتب گردید. در قم درگذشت و در کتابخانه‌ی خود دفن شد. از آثارش: بنای مدارس: علمیه، مهدیه و مؤمنیه در قم؛ تأسیس حسینیه‌ی مرکز تبلیغی قم؛ کوی آیت‌اللّه مرعشی نجفی، بالغ بر یکصد و چهل خانه، برای سکونت طلاب و فضلاء؛ کتابخانه‌ی آیت‌اللّه مرعشی نجفی در قم، که بیش از سی و پنج هزار کتاب آن از کتب شخصی ایشان و بقیه اهدایی مردم است و متجاوز از پانزده هزار کتاب خطی نفیس دارد و از این رو از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران به حساب می‌آید. از آثار علمی وی: «اجوبة المسائل»؛ «اعیان المرعشیین»، در شرح احوال خاندان مرعشی؛ «انس الوحید»؛ «التجوید»؛ «روض الریاحین»؛ «طبقات النسابین»، از صدر اسلام تا عصر حاضر؛ «الفروق»؛ «القبلة»، مشتمل بر مباحث هیئت؛ «المسلسلات الی مشایخ الاجازات»؛ «مشجرات آل الرسول (ص)»، در انساب آل‌محمد (ص)؛

«مصباح الهدایة فی شوارع الکفایة»، که حاشیه مختصر بر «کفایة الاصول» آخوند خراسانی است؛ «المعول فی امر المطول»؛ «مقدمة التفسیر»؛ «مناسک الحج»؛ «الهدایة»، در شرح «الکفایة»؛ «مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار»؛ «مزارات علویین» در ایران و غیره؛ «الصناعات الفقهیة»، در شرح الفاظ مصطلح فقهاء؛ «جذب القلوب الی دیار المحبوب»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»؛ حاشیه بر «معالم»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری؛ «الرد علی مدعی التحریف».[1]
یکی از مفاخر امروز عالم تشیع است که حق عظیمی بر حوزه علمیه قم و اسلام و مسلمین دارد و یکی از افتخارات بزرگ شیعه است و در میان عموم مسلمین شهرت بسزائی دارد و بسیار مورد تجلیل و تکریم علماء اهل سنت مصر و سوریا و یمن و حجاز و پاکستان و هندوستان و افغانستان و جاوه و سودان و اندونزی و غیره است و از وی به امام اعظم و علامه اکبر و نسابه بحاثه و مجاهد بزرگ تعبیر می‌کنند.
اسم شریفش سید شهاب‌الدین و کنیه‌اش ابوالمعالی و شهرتش مرعشی نجفی است.
در صبح روز پنجشنبه بیستم ماه صفر 1318 قمری در نجف اشرف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب می‌باشد زیرا از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام‌الدین مرعشی مشهور به میربزرگ موصول می‌باشد که از بزرگترین خانواده‌های علویین و اشرف و اجمل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن به اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب بصیر و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده‌اند و جده پدری ایشان شریفه طباطبائیه و جده مادری ششمی وی که مدفون در رواق مطهر حضرت رضا علیه‌السلام است دختر شاه‌عباس صفوی می‌باشد.
شرف تتابع کابر عن کابر
کالرمح انبوب علی انبوب
نسب شریفش چنانچه مشروحا ذکر شد بسی وسه واسطه به امام چهارم حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین علیهماالسلام منتهی می‌شود و والده ماجده ایشان علویه صالحه فاضله بنت مرحوم آیت‌الله آقاسید ابوالقاسم خوئی فرزند مرحوم آقا سید مهدی خوئی است که از بنی اعمام مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج سیدحسین کوه کمری عم بزرگوار مرحوم آیت‌الله آقای سیدمحمد حجت می‌باشد.
ترجمه این بزرگوار زینت کتب رجالی مانند اعیان الشیعه و ریحانه الادب جلد چهارم صفحه 11 و علماء معاصرین صفحه 217 و آثارالحجه جلد 2 صفحه 46 و معارف الرجال جلد دوم صفحه 268 و مشاهیر دانشمندان اسلام جلد چهارم صفحه 108 طبقات الشیعه جزء دوم از قسم اول صفحه

847 و ده‌ها کتاب دیگر مانند زندگانی پیشوای اسلام عمادزاده اصفهانی و مقامات معنوی آقای معلم و غیره می‌باشد.
علماء معاصرین گوید: صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول و بکثرت مشایخ نسبت به اهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری می‌باشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز به حضرتش فرستاده و به پاسخ متین و متقن نائل می‌گردند. که از آنهاست سوالات شیخ عبدالسلام کردی شافعی و سوالات فاضل متبحر عیسی اسکندر معروف لبنانی است که در عصر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است و صاحب ترجمه علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله عملی در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق به کار برده جمعی از یهود و نصاری در اثر تبلیغات حقایق سمات وی مشرف به اسلام شدند و نیز گروهی از بابیه و صوفیه و دیگر منحرفین از اسلام و ایمان باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده‌اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغی گلی چیده و از هر بلبلی نوائی شنیده و مرجع افاده و استفاده افاضل وقت خود بوده و می‌باشند.
و از کثرت زهد و ورع پیرامون زخارف دنیویه نگردیده و علاقه قلبی را بالمره از آنها قطع و فقط به جمع کتب متنوعه علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض است و ربطی به زخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و دارند و کتابخانه ایشان مانند نگارخانه ارتنک حاوی گلهای رنگارنگ می‌باشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه می‌توانند از آن گلزار محمدی و بوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و یا عطری مناسب مشام خود استشمام نماید.
در سخاوت و بذل و کرم و سعه صدر نادره زمان و وحید دورانست. مراجع و زعماء مبسوط الید بسیاری دیده‌ام ولی به این صفات و خصایص کمتر یافته‌ام.
انصاف می‌دهم که دلیران و دلبران
بسیار دیده‌ام ولی نه به این حسن دلبری
بالاخص در اعطاء کتب و انفاق انگشتر که اقتداء به جد کرام خود امیرالمومنین علیه‌السلام نموده و هزاران نفر از دانشمندان و علماء اعلام و خطباء عظام و اصناف دیگر انام را به بذل انگشتر عقیق و فیروزه و غیره مسرور و مفتخر نموده است.
اساتید و مشایخ اجازه معظم له

آن جناب مقدمات را از مرحوم شیخ زاهد عابد شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود و دیگر مشایخ وقت اخذ نموده و علم تجوید را از شیخ نورالدین شافعی بکتاشی که در تلاوت قرآن عاصم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمدرضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد مکرم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمدحسین بن محمدخلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمدحسین مذکور و هم میرزا محمدعلی رشتی صاحب کتاب شرح القبله و آقا میرزا محمود شیرازی و آقا شیخ محمدحسین قاجاری تهرانی نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجلاء و سه سال در سامره و کاظمین در فقه و حدیث و رجال و درایة حاضر حوزه مرحوم آیت‌الله آقا سید حسن صدر و در اصول از بحث مرحوم آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ مهدی خالصی استفاده کرده آنگاه به نجف مراجعت و علم کلام و تفسیر را از آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی و آیت‌الله شیخ محمداسمعیل محلاتی فراگرفته و در سال 1342 ق به تهران وارد و در آنجا حدود یکسال توقف نموده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل تهران مانند آیت‌الله آقا حسین نجم‌آبادی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی نوری و دیگران استفاده کرده تا آنکه حاوی مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و در سال 1343 قمری مهاجرت به قم نموده و تا این تاریخ که سال 1393 هجریست پنجاه سال در این بلده طیبه مشغول به تدریس و تالیف کتب متنوعه و اقامه جماعت و مرجعیت و سرپرستی حوزه مقدسه علمیه قم می‌باشند و با این همه مشاغل و گرفتاریهائی که شب و روز وی را مستغرق نموده است کمتر مستحب و نافله است که از وی فوت شود.

مشایخ اجازه آن جناب که تمامی از مراجع تقلید و علماء اعلام و فقهاء عظام فریقین امامیه و عامه و زیدیه و اسماعیلیه‌اند از دویست نفر متجاوز است که برای تبرک چند نفر آنان را ذکر می‌نمایم.

1- السید حسن صدر کاظمین 2- السید نجم‌الحسن الهتدی موسس مدرسه الواعظین در لکنهو هندوستان 3- السید ناصر حسین ابن آیت‌الله السید حامد حسین صاحب عبقات الانوار 4- السید محسن الامین الشامی 5- السید ابوالقاسم الدهکردی 6- السید عبدالحسین بروجردی آل کمونه 8- الشیخ علی بن محمد الرضا آل کاشف الغطاء 8- الشیخ هادی آل کاشف

الغطاء 9- الشیخ مرتضی آل کاشف الغطاء 10- الشیخ محمدجواد البلاغی 11- الشیخ محمداسماعیل محلاتی 12- السید جعفر آل بحرالعلوم 13- الشیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی 14- المیرزا محمد العسکری التهرانی 15- آیت‌الله السید ابوالحسن اصفهانی 16- آیت‌الله السید محمد فیروزآبادی 17- آیت‌الله المیرزا حسین نائینی 18- آیت‌الله الحاج الشیخ عبدالکریم الحایری 19- آیت‌الله الحاج آقاحسین قمی 20- آیت‌الله حاج آقاحسین بروجردی و آیت‌الله آخوند ملامحمدحسین فشارکی و آیت‌الله آقاسید محمد نجف‌آبادی و آیت‌الله آقاسید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله آقا شیخ عبدالنبی نوری و آقای امام جمعه خوئی و آقای شیخ مهدی حکمی قمی و آقای شیخ محمدعلی آیت‌الله شاه‌آبادی و آقا میرزا ابوالهدی کرباسی و آقای حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی مشهدی و آقا سید محسن اراکی و آقای حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و آقای حاج شیخ عباس محدث قمی و آقای حاج شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی و آقا میرزا ابوالحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه و آقا شیخ عبدالحسین رشتی صاحب حاشیه کفایه و آقاسید مهدی بحرانی نسابه نجفی و آقامیرزا محمدعلی اردوبادی و آقا سیدمحمدباقر کشمیری و آقاسید راحت حسین رضوی کوپال پوری و آقا سید عبدالباقی شیرازی ملاباشی و صدها نفر دیگر و اجازات اجتهاد ایشان از آقا ضیاءالدین عراقی و آقای فشارکی و آقای یثربی کاشانی و آقا شیخ محمدحسن اصفهانی و آقا شیخ عبدالکریم یزدی.
آثار علمی و قمی معظم‌له که به طبع رسیده و یا مخلوط مانده است بسیار است از آن جمله:
1- تعلیقات بر احقاق الحق قاضی نورالله شهید در بیست و شش مجلد که یازده مجلد آن به طبع رسیده و باقی آماده برای طبع می‌باشد و این تعلیقات خود شرح مبسوط و کتاب مستقلی در ولایت امیرالمومنین علی علیه‌السلام و خاندان عصمت و طهارت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و فضائل آن خاندان است از هزاران کتب اهل سنت انتخاب شده بنحو استدلال با رعایت اختصار.
2- غایه القصوی لمن رام التمسک بالعروه الوثقی حواشی بر عروه الوثقی علامه یزدی در دو مجلد بزرگ.
3- توضیح‌المسائل که بکرات به طبع رسیده 4- حاشیه بر فصول المهمه شیخ حر عاملی 5- کتاب الهدایه حاشیه بر کفایه.
6- دفع الغاشیه عن وجه الحاشیه (حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی در منطق) 7- المعول فی امر المطول.
8- جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح و وقایع ایام عمر 9- مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار حاشیه بر تقریرات اصول شیخنا الانصاری.
10- مشجرات آل الرسول که از بزرگترین تصنیفات شیعه و گرانبهاترین

کتب در انساب است در چند مجلد.
11- الرساله الافطسیه در نسب گروهی از سادات طفرود که در تهران چاپ شده.
12- الرحله الشیرازیه که در مسافرت به شیراز نوشته‌اند 13- الرحله الاصفهانیه در مسافرت به اصفهان تالیف نموده‌اند.
14- مزارات علویین در ایران و خارج ایران.
15- کتاب المسلسلات فی مشایخ الاجازات در سه مجلد به شرح زیر 1- در اجازات علماء امامیه از اثناعشریه که به معظم‌له داده‌اند 2- اجازاتی که علماء عامه از حنفی‌ها و مالکیها و شافعیها و حنبلیها و زیدیه و غیر آنان که برای آن جناب نوشته‌اند 3- اجازاتیکه ایشان به دیگران داده‌اند.
مرجع تقلید، محقق، عالم دینی.
تولد: 1276(20 صفر 1315 ق.)، نجف اشرف.
درگذشت: 7 شهریور 1369(7 صفر 1412 ق.) قم.
آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغار کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. در وس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسن سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمدکاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جده خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فراگرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سید محمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سید ابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سید محمدرضا مرعشی نجفی رفسنجانی شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نمعت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبائی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمدکاظم خرم آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمدکاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی‌خان مؤید الطباء و علم رجال و درایه و

حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی، فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی‌اصغر ختیایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمداسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فراگرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی‌اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.
آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه‌ی روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب المسلسلات فی الاجازات آمده است.
آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم 1342 از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های دررس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی‌اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.
آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزه‌ی نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضاشاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضاشاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسه درس در مدرسه فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.
آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در 1380 ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در

اداره‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی قم مشغول بود.
آثار و تألیفات وی به این شرح است: تعلیقات احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد، مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، شرح و حاشیه بر عمدة المطالب (در چند مجلد)، طبقات النسابین، الهدایة فی معاضل الکفایة، حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، المسلسلات فی الاجازات، مسارح الافکار فی مطارح الانظار (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)، المعول فی امر المطول، الوقت و القبلة الرد علی مدعی التحریف، مصطلحات فقهیه، الغایة القوی، سلوة الحزین و مونس الکئیب، المشاهد و المزارات، القصاص علی صوء القرآن و سنته (به قلم عادل علوی، 1374).
از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)، ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان، ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود، تأسیس کتابخانه با خرید قطعه زمین به مساحت 1500 متر مربع مقابل مدرسه مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای 3500 متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمه‌ی شعبان 1349 با حدود 16000 جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت 2400 متر مربع فراهم و در اختیار تولیت کتابخانه قرار داد. در توسعه‌ی جدید 16000 متر مربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از 120000 جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.
این کتابخانه (تا سال 1374) نزدیک به 500000 جلد کتاب چاپی، 35000 مجلد با 50000 عنوان نسخه خطی، بیش از 20000 جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به 5000 جلد نسخه عکسی، حدود 8000 میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.
آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دوبار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و

انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر 1412 برابر با هفتم شهریور ماه 1369 در سن نود و شش سالگی، پس از اقامه‌ی آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمه معصومه (س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکته قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانه عمومی خود ایشان دفن گردید.

برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

منابع زندگینامه :[1] آینه‌ی دانشوران (181 -177)، الذریعه (204/ 23 /276، 21 /376، 20 /355، 264/ 18، 186/ 16، 88/ 15، 215، 140/ 12، 378/ 6، 260/ 2)، ریحانه (134 -129/ 3)، طبقات اعلام الشیعه (قرن 848 -847/ 14)، علماء معاصرین (219 -217)، گلزار معانی (702 -695)، گنجینه‌ی دانشمندان (52 -37/ 2، 215 -211، 56 -51/ 1)، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف (1190 -1189/ 3).

مروجی طبسی، محمدمحسن

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محمد محسن مروجی طبسی
محل تولد : قم
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1360/1/1

زندگینامه علمی
پدر اینجانب علاوه بر پدر بودن استاد اصلی من در پیشرفت های علمی این حقیر بوده است و نقش بسزایی در تربیت علمی من روا داشته اند و در دامان ایشان پرورش یافتم .
مدرسه علمیّه شهیدین و مدیریت محترم این مدرسه که زمینه رشد علمی طلاب را در این مدرسه شریف فراهم ساخته اند ، که در قالب واحد تحقیقات مدرسه و اساتید مبرز آن و کتابخانه غنی و متین، این زمینه فراهم شد .
قبل از ورود به حوزه در ایام ماه مبارک رمضان در محله ، مکانی به نام مدرسه قرآن و عترت وجود داشت که در لیالی ماه مبارک رمضان به آنجا رفته و دروس معارف و تفسیر را فرا می گرفتم و از آنجا نوشتن و تحقیق شروع شد که اولین کار خلاصه تفسیر سوره مدثر بر اساس تفسیر نمونه بود .
در سال 1376 اوائل دوران طلبگی با گروهی از دوستان طلبه قرار خلاصه برداری و مباحثه کتب شهید مطهری را شروع کردیم که در ادامه این مباحثات تبدیل به بررسی زندگی اهل بیت شد ولی به این صورت که ایام شهادت و ولادت اهل بیت (ع) را تحقیق می کردیم و به نوبت در ایام شهادت و ولادت هر معصوم بر اساس منتهی الآمال برای جمع کنفرانس می دادیم که محصول این جلسات نخستین مقاله این حقیر به نام "خدیجه مادر امت" شد که در مجله کوثر به چاپ رسید و کم کم به صورت فردی در مورد شخصیت های تاریخی قرآنی شروع به نگارش و قلم زدن کردم مانند "پیامبران ناشناخته" که در قرآن اسامی آنها آمده ولی اطلاعات دقیقی درباره آنان وجود ندارد ( مانند حضرت ادریس ، الیاس ، الیسع و ذوالکفل علیهم السلام ) که تمامی آنها در مجلات کوثر، سروش وحی و

مبلغان و گلستان قرآن به چاپ رسیده است .
درسال 1381 ، مدرسه شهیدین به مناسبت سال امام علی علیه السلام همایشی تحت عنوان "علی امام قرنها" برگزار نمود که در آنجا مقاله ای به نام "علی نخستین مسلمان" ارائه شد و حائز رتبه ممتاز و اول شد .
در سال 1382 و 1383 نیز به مناسبت سال امام علی و امام حسین همایش هایی تحت عنوان "نهج البلاغه آشنای غریب" و "خورشید نیزه ها" برگزار شد که در آن مقاله ای به نام بازخوانی یک ریزش (سعد بن ابی وقاص) و عبدالله بن عباس و قیام حسینی ارائه شد که حائز رتبه ممتاز و اول شد که در مجله کوثر و تاریخ در آیینه پژوهش به چاپ رسید .
در حال حاضر نیز مشغول نگارش امامان شیعه از دیدگاه اهل سنت هستم که چهار امام آن نوشته شده و در مجله کوثر به چاپ رسیده است و امیدوارم خداوند متعال و اهل بیت عصمت بویژه امام زمان (عج) توفیقاتشان را بر ما بیفزایند و زیر سایه توجهات آنان قلم فرسایی کنیم و اهل عمل به این علوم باشیم .

مروزی، ابوطالب عزیزالدین اسماعیل

قرن:6
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(572- وف بعد از 614 ق)، محدث، فقیه، اصولی، نحوی، لغوی، شاعر، منجم و نسب شناس. نسب او به محمد دیباج، فرزند امام صادق (ع)، می‌رسد. جد سوم وی از قم به مرو سفر کرد و در آنجا سکنی گزید. در مرو متولد شد و تحصیلات خود را در زادگاه خود مرو آغاز کرد و نزد کسانی چون قاضی محمد بن سلیمان فقیهی دانش آموخت. در جوانی به قصد زیارت خانه خدا از مرو خارج شد. در 592 ق به بغداد که رسید از ادامه سفر منصرف شد و مدتی همان جا ماند. ابوطالب از شهرهای خوارزم، هرات، نیشابور، گرگان، ری، یزد، شیراز، رامهرمز و همدان نیز دیدن کرد و از مشایخ و دانشمندان این شهرها بهره جست. در میان مشایخ او باید از فخر رازی، عبدالسید خوارزمی، بلغاری، محمد دیباجی، محمد ماهروی، اسماعیل کاشانی و ابن سمعانی نام برد. تاریخ بازگشت وی به مرو روشن نیست. زمانی که در مرو بود با فخر رازی دیدار کرد و در همان زمان بود که کتاب «الفخری» را برای وی تألیف کرد. در مرو در منزل خود مجالس درس برگزار می‌کرد و در آن طالبان علوم حضور می‌یافتند. یاقوت حموی که از شاگردان وی می‌باشد پس از توصیر صفات زیبای استادش در «معجم الادباء» چند بیت از اشعار او را آورده است. تنها اثر بازمانده از وی «الفخری فی انساب الطالبین» است که در قم به چاپ رسیده؛ اثر دیگر وی «حظیرة القدس»، در حدود 60 مجلد، در خصوص انساب طالبیان بود و تلخیص آن «بستان الشرف» در حدود 20 مجلد؛ و کتابی نیز درباره‌ی نسب شافعی تألیف کرد.از آثار دیگر او: «زبدة الطالبیه»؛ «غنیة الطالب فی نسب آل ابی‌طالب»؛ «المثلث» و «الموجز» در نسب.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (1/ 308)، اعیان الشیعه (320 -319 /3)، الذریعه (252 /23، 79 /19، 67 /16، 29 /12، 26/7، 107- 106 /3)، ریحانه (112 /3)، لغت‌نامه (ذیل/ اسماعیل)، معجم الادباء (150 -142 /6)، معجم المؤلفین (266 /2)، هدیة العارفین (211 /1).

مسکین اصفهانی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1303 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به مسکین. وی معاصر دیوان بیگی، صاحب «حدیقة الشعراء» بود و در اصفهان با هم مصاحبت داشتند. او در سرودن انواع شعر دست داشت. از آثارش: «تذکره‌ی مسکین»، تذکره گونه‌ای شامل مقداری از اشعار بیست و پنج تن از شعرای غزلسرای اصفهان، که با قطره‌ی سامانی آغاز می‌شود و به میرزا عبدالله سرگشته پایان می‌یابد؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (347 -343/ 1)، حدیقة العشراء (1635 -1633/ 3)، الذریعه (1038/ 9)، فرهنگ سخنوران (841).

معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میرزا محمدعلی معلم فرزند مرحوم زین‌العابدین بن حسین بن علی‌اکبر بن محمد بن حسین حبیب‌آبادی متولد 1308 و متوفی 1396 قمری یکی از دانشمندان و نویسندگان گمنام و ادباء عظام استان اصفهانند.
ترجمه و آثار ارزنده آن مرحوم چنانچه در رساله یادنامه چهلمین روز درگذشت آن فقید سعید است به طور خلاصه از قلم آن مرحوم از این قرار است وی در محرم سال 1308 قمری در حبیب‌آباد که در سه فرسخی اصفهان قرار دارد در خانواده کشاورزی به دنیا آمده و از سن هفت سالگی در مکتب شروع به درس کرده و تا سال 1322 قمری برخی از علوم را آموخته و مدتی ترک تحصیل نموده و مجدداً در سال 1328 ق باز به تحصیل پرداخته و بیشتر علوم را از اشخاص متفرقه فراگرفته و اکثر کتب را به مطالعه اتقان نموده و مشکلات آن را از اهل آن پرسیده و رفع مشکل و اشکال خود نموده است.
مرحوم معلم که قبلاً به مستعصم و آذر تخلص می‌نموده یکی از چهره‌های دانش و ادب و تاریخ اصفهان است و این نویسنده گرچه توفیق درک محضرشان را ننموده اما آنطور که از بعضی از بزرگان شنیده‌ام یکی از دانشمندان ادیب و ادباء حسیب اصفهان و از مفاخر حبیب آباد و بلکه اصفهان بوده و دارای آثار گرانقدری است که خود آنها معرف آن فقید سعید است که فهرست آن را که خود آن مرحوم برای بعضی از تذکره‌نویسان تهران مرقوم داشته‌اند از نظر اهل ادب می‌گذرانم.
تألیفات علامه متتبع معلم حبیب‌آبادی.
1- اجزائی در احادیث و مطالب متفرقه.
2- احوال چهار نفر از علماء مسجد شاهی اصفهان.
3- احوال سید محمدحسن موسوی اصفهانی.
4- احوال شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی.
5- احوال شیخ‌الاسلام‌های اصفهان.
6- اربعین در ذکر چهل حدیث.
7- اشعار متفرقه از شعراء عدیده در مجموعه.
8- کتاب امالی در مطالب رجالی در احوال بعضی از علماء متفرقه و مطالب دیگر مربوط بدانها.
9- کتاب جعبه در مطالب متفرقه که به طور معروف و معمولی کشکول

می‌باشد.
10- جمع عدد گندمهای شطرنج.
11- حواشی بر بسیاری از کتب که عمده و اغلب آنها کتب احوال علماء و بزرگان می‌باشد (که اسامی آنها در یادنامه ذکر شده است.
12- رساله‌ای در احوال اولاد حاج سید محمدباقر حجةالاسلام بیدآبادی اعلی اللّه مقامه.
13- کتاب «رشحات سمائی» در احوال شیخ بهائی.
14- کتاب عراضةالاخوان در سفرنامه خراسان.
15- فهرست اسماء رواه اشعریین قم در صده سیم و چهارم.
16- فهرست باب دهم المآثر والآثار.
17- فهرست کتب مؤلفه خود آن مرحوم با اساتید و مشایخ اجازه.
18- فهرست کتب ملکی آن مرحوم و اجمالی از احوال مؤلفین آنها.
19- فهرست کتاب مجالس‌المؤمنین.
20- کتاب قبور عتبات عالیات و قبور واقعه در بین راه آن از اصفهان به طریق نطنز و کاشان و قم و کرمانشاه تا کاظمین و سامره و کربلاء معلی و نجف اشرف. 21- کتاب کشف‌الخبیه از مقبره زینبیه).
22- کتاب الکلمات‌الطیبات در فهرست (روضات‌الجنات).
23- الکلمات‌العالیه در حاشیه بر روضات‌الجنات.
24- کتاب لآلی‌البحور در توقیعات ایام شهور.
25- دیوان اشعار در سه مجموعه سه جلد از اشعار عربی و فارسی آن مرحوم.
26- کتاب الطعام‌المری در تطبیق تاریخ شمسی و قمری از هجرت تا 1400 سال قمری.
27- مختصرالتواریخ.
28- کتاب مختصرالمکارم.
29- کتاب مقالات مبسوط.
30- مرسله‌های علمی و جوابهای آن با چندین نفر از علماء و فضلاء و غیره.
31- مقالات متفرقه در احوال علماء و غیره.
32- مقالات معنوی.
33- مکارم‌الآثار در اعیان علمی دوره قاجار.
34- کتاب مکمل الافهام در ذکر فضلاء اعلام.
35- نمونه مختصر المکارم... نویسنده گوید حقیر هیچ کدام از تألیفات آن مرحوم را زیارت نکرده ولی از توضیح خود آن مرحوم چنین معلوم می‌شود که بیشتر آن مکررات باشد با نامهای مختلف و غالب آنها درباره رجال و دانشمندان است تألیفات متنوع آن کمتر است.

(1396 -1308 ق)، رجالی، معلم، محقق و شاعر، متخلص به معلم. در روستای حبیب‌آباد برخوار اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در حبیب‌آباد و اصفهان به اتمام رسانید. او مدتی در روستای خود ساکن بود. در 1358 ق به اصفهان رفت و در قرائت خانه‌ی شهرداری و مدرسه‌ی کاسه‌گران به تدریس پرداخت. بیشتر اوقات وی در لغت، ادبیات، تاریخ، هیئت، ریاضیات و شعر صرف شد. او از آخوند ملا محمدحسین مجتهد فشارکی اصفهانی و حاج شیخ محمدباقر بیرجندی و حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و حاج میرزا محمدرضا کرباسی و حاج سید محمدتقی یزدآبادی اصفهانی اجازه‌ی روایت داشت. او در علم رجال و شرح حال بزرگان، محقق و متتبعی کم‌نظیر بود و کتب زیادی در این موضوع نگاشت. به عربی و فارسی شعر می‌گفت و در اوایل مستعصم، سپس آذر و بعدها معلم تخلص می‌کرد. کتب و رسایل تألیفی معلم حبیب‌آبادی متجاوز از یکصد مجلد می‌باشد. از آثارش: «مکارم الآثار»، در احوال رجال دوره‌ی قاجار؛ «اربعین»؛ «امالی»، در متفرقات رجالی؛ «رشحات سمائی»، در شرح حال شیخ بهائی؛ «کشف الخیبه عن مقبرة الزینبیه»؛ «مختصر التواریخ»؛ «لئالی البحور»، در توقیعات ایام و شهور؛ «عراضه‌ی اخوان»، در سفرنامه‌ی خراسان؛ «مختصر المکارم»، فهرست کامل اعلام «روضات الجنات»؛ «الکلمات العالیات»، حاشیه بر «روضات الجنات»؛ حاشیه بر «قصص العلماء»؛ حاشیه بر «طریق البکاء»؛ حاشیه بر «تذکرة القبور» ملا عبدالکریم گزی؛ حواشی غیر مدون بر بسیاری از کتب رجالی؛ «دیوان» شعر.[1]

فرزند سید زین‌العابدین در 1308 ه.ق در دهکده‌ی حبیب‌آباد از دهستان «برخوار» اصفهان متولد شد. از سن هفت سالگی تحصیلات خود را در مکتب‌خانه آغاز نمود. مقدمات فارسی و عربی را به انضمام مقدماتی از صرف و نحو فرا گرفت، سپس وارد اصفهان شد و در مدرسه‌ی کاسه‌گران اصفهان حجره‌ای گرفته تحصیلات خود را ادامه داد و دوره سطح را بطور کامل فرا گرفت و در دروس خارج عده‌ای از علماء اصفهان را زیارت کرد. سید محمد علی روضاتی در مقدمه‌ی جلد سوم مکارم‌الآثار درباره‌ی حبیب‌آبادی می‌نویسد: «علاو بر ملاقات جمعی از علمای اعلام و فضلا و دانشمندان اصفهان و جاهای دیگر و استفاده از آثار و مآثر آنان حضورا و یا به مکاتبه، از پنج نفر از علماء بزرگوار اجازه روایت دارد.»

علمائی که به وی اجازه روایت داده‌اند عبارتند از: مرحوم آخوند ملامحمد حسین مجتهد فشارکی اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدباقر بیرجندی، مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نجفی، مرحوم حاج میرزا محمد کلباسی اصفهانی و مرحوم حاج سید محمد تقی یزدآبادی اصفهانی.

مرحوم معلم حبیب‌آبادی به چند تن از شاگردان خود اجازه‌ی روایت داده‌اند.

مرحوم حبیب‌آبادی از جوانی کار خود را براساس تحقیق و تألیف قرار داد و تحقیقا در طول عمر پربرکت خود بالغ بر سی مجلد کتاب نوشت که از مهمترین تألیفات وی کتابی است در ده جلد تحت عنوان مکارم‌الآثار در احوال رجال دو قرن 13 و 14 که تاکنون هفت مجلد آن به همت آقای محمد علی روضاتی چاپ شده و در دسترس دانش‌پژوهان قرار گرفته است. مبنای تألیف این کتاب بر احوال رجال علمی و گاهی بندرت مشاهیر دیگر از ابتدای دوره‌ی قاجاره تا عصر حاضر است.
مرحوم جلال‌الدین همائی در مجله راهنمای کتاب سال بیستم از شماره 8 تا 10 مقاله مفصلی نگاشته‌اند و تصویر زیبائی از نویسنده‌ی مکارم‌الآثار نشان می‌دهد، از جمله می‌نویسد: در فن اختصاصی منحصر بفرد که قسم تراجم احوال از اقسام فنون ادبی است بی‌حد شیفتگی و دل‌باختگی داشت. وقتی که از نام و نسب و تاریخ ولادت و وفات یکی از بزرگان دین و دنیا باشند متقن معتبر اطلاع حاصل می‌کرد او را چندان شعف و وجد و حال دست می‌داد که وصف کردنی نیست. در آن روزگار که اوائل آشنائی و معاشرت ما بود هنوز به تألیف کتاب عظیم مکارم آثار دست نزده و اصلا به این فکر نیفتاده بود. بعدها کم‌کم به این کار افتاد و حوالی پنجاه سال متوالی بدون فترت و انقطاع زیت عمر سوخت و رنج تتبع و تحقیق و زحمت خواندن و نوشتن کشید تا کتابی چنین مهم و ارزشمند که برای تاریخ رجال قرن 13 و 14 است آماده گردید.
مرحوم معلم حبیب‌آبادی در 13 رجب 1396 ه.ق درگذشت. بقرار اطلاع آقای حاج سید محمد علی روضاتی که مردی فاضل و دانشمند است تقبل نموده‌اند تمام مجلدات مکارم‌الاثار را بچاپ برسانند و تاکنون در اثر همت والای ایشان 7 جلد چاپ شده است و گویا در این ایام در اثر کهولت نمی‌توانند این مهم را انجام دهند. خوشبختانه فرزندان برومند ایشان عمل خیر پدر بزرگوار خود را ادامه خواهند داد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (460 -458)، الذریعه (146 -145/ 22 ،192/ 20 ،258 ،33/ 18 ،241/ 15)، مکارم الآثار (ج 1/ مقدمه، 3 ،12 -9/ مقدمه)، مؤلفین کتب چاپی (182 -181/ 4).

مفید، محمد

قرن:4
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
ابوعبداللّه محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید است در جلالت و کرامتش کافی است توقیع شریف از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر عجل اللّه فرجه الشریف برای او ورثائی که در مرگش فرمودند.
لاصوت الناعی لفقدک انه
یوم علی آل الرسول عظیم
ولادتش در سال 336 قمری و وفاتش در ماه رمضان سال 413 در سن 76 سالگی در بغداد واقع شد و هشتاد نفر از شیعیان در تشییع او شرکت نموده و او را در کاظمین در پائین پای قبر حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام دفن نمودند و بیش از دویست تصنیف و تألیف برای او نوشته‌اند که از آنهاست ارشاد و اختصاص والمقنعه در فقه و مسار الشیعه والمجالس والعیون والمحاسن و...
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد ششم)

موسوی، محمدتقی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
آیت‌الله شهید سید محمد تقی موسوی اصفهانی
مرحوم آیت‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی معروف به «فقیه احمدآبادی» در سال 1301 ق.) در اصفهان در خانواده‌ای اهل علم و فضیلت که نسل‌اندرنسل از عالمان دین بودند به دنیا آمد و در سال 1348 ق. در سن 47 سالگی به توطئهٔ یکی از سران فرقهٔ ضالهٔ بهاییت با خوراندن زهر کین به شهادت رسید.
در دوران عمر کوتاه اما پربرکتش حدود هفده جلد کتاب و رساله نگاشت که از میان آنها چهار جلد پیرامون حضرت مهدی(ع) و غیبت و انتظار و وظایف منتظران می‌باشد.
فقیه احمدآبادی در ده سالگی بر نصاب الصبیان شرح نوشت و در پانزده سالگی کتاب ایضاح الشبهات را نگاشت و در بیست و پنج سالگی کتاب ابواب الجنات فی آداب الجمعات را تألیف کرد و سرانجام در سن سی سالگی به فرمان امام عصر(ع) اثر ارزشمند خود را درباره آن حضرت(ع) و وظایف منتظران و دعا برای آن وجود شریف آغاز کرد و تا پایان عمر به تحقیق و تألیف و تکمیل آن اهتمام و اشتغال داشت.
آثار ارزندهٔ اودر حدّ کمال و پختگی و ژرف نگری وریشه دار است، و این به خاطر خلوص نیت و پاکی قصد ونظر در تحصیل علم و پیمودن مراحل تعلیم می باشد که در عمل، تلاش خالصانه اش در توجه به سوی الله بوده، از غیر بریده بود.
اضافه برآن ارادت شدیدی نسبت به خاندان رسالت و ائمه هدی علیه السلام داشت، و در تمام احوال به آنها توسل می جست ودر همهٔ افعال و اقوالش به آنها اقتدا می کرد واز آنها پیروی می نمود، وازتعالیم مقدسه آنها بهره می گرفت.
به خصوص به امام منتظر حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف توجّه ویژه ای داشت، در معرفت آن حضرت و انجام وظایفی که لازم است اهل ایمان در زمان غیبت انجام دهند به مراحل و منازل والا وشامخی نایل آمده بود، به طوری که چند کتاب و رسالهٔ مهم و سودمند در این باره تألیف کرده که مهمترین آنها کتاب مکیال المکارم است.
در زندگی این سید بزرگوار خصوصیات قابل تقدیری وجود دارد که لازم است به آن توجه شود وآن عبارت است از اینکه: او به شئون و زرق وبرق

دنیا توجه ای نداشت، و به اندکی از امور معیشت وکمی مادیت قناعت کرده بود.
در امور مادی جامةقناعت پوشیده ، از خلق اعراض نموده و به طلب علم وکمال پرداخته بود. نه در پی جاه و جلال می رفت و نه در جمع و مال ومنال می کوشید؛ دنیا وآخرت خویش را با ولای خاندان رسول الله آباد ساخته بود.
از جمله دیگر فعالیت های مؤلف که در کنار کارهای ارزندة علمی خود انجام داده، نسخه برداشتن از روی کتابهای گرانبها که به مطالعه ودرس آنها نیاز داشته است.
سید بزرگوار در ساعتهای فراغت قصاید و ابیاتی می سروده و اشعار خود را به خاندان عصمت بویژه امام مهدی (عجل الله فرجه) اختصاص دارد .
اشعار او در لابلای تألیفات و نوشته هایش پراکنده می باشد، و تخلص او (تقی) و احیاناً شرعی زاده بوده است.
وی در مسجد مرقد مطهر سید اسماعیل نوادة امام زین العابدین (ع) در جای پدرش اقامة جماعت می کرد، ودر جمع کردن اخبار وآثار وارده دربارة حضرت مهدی (ع) بسیار اهتمام داشت.
البته باید گفت از خط خوبی نیز برخوردار بوده است.

دربارة کیفیت شهادت آن سید بزرگوار در کتاب نگاهی به زندگانی جهانگیرخان قشقایی به نقل از شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر چنین آورده شده است:
سید شهید در ماه رمضان المبارک 1348 ق. به علت کسالت، در بیمارستان انگلیسی‌ها بستری شدند و در آن جا تحت عمل جراحی قرار گرفتند شب 25 ماه مبارک، متصدی بیمارستان که از سران فرقة ضالة بهاییت بود و «سر الله خان» نام داشت، همة بستگان و اطرافیان آن مرحوم را از اتاق بیرون کرده و سمی را که در استکان داشته به ایشان می‌خوراند، اطرافیان و دامادهایشان در آن لحظة آخر از [پشت در اتاق] می‌شنوند که آن سید بزرگوار پیوسته صدا می‌زده: حبیبی یا حسین! از داماد ایشان «مرحوم حضرت آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی» منقول است که «سید شهید در حالی که در بیمارستان بستری بودند، می‌فرمودند: «بناست حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) تشریف بیاورند.»4
همچنین فرزند ایشان سید محمد موسوی اصفهانی ـ در مقدمة کتاب نور الأبصار در این باره آورده‌اند:
او ستاره‌ای درخشنده بود که با طلوع خود دل‌ها را مجذوب خویش نمود، ولی افسوس که زود غروب نمود و سرانجام با توطئة دشمنان دین و نوشیدن زهر کین به وسیلة یکی از اعضای فرقة ضالة [بهاییت] به شهادت

رسید و در ماه مهمانی پروردگار به ضیافت الهی نائل گشت.5
نگاهی کوتاه و گذرا بر زندگانی این دلباخته و شیفتة حضرت بقیةالله و قضایای تشرفات ایشان آدمی را به خوبی به این نکته واقف می‌سازد که آن سید شهید و علامة فقید مورد عنایت و کرامت حضرات معصومین(ع) به ویژه حضرت مهدی(ع) بوده و آن بزرگوار توجهی مخصوص به آن مرحوم داشته و وی نیز ارتباطی وثیق و اتصالی عمیق با ساحت مقدس مهدوی(ع) داشته است. مکیال‌المکارم
مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بنا بر آنچه که سید محمدعلی روضاتی در مقدمة کتاب درباره آن نگاشته‌اند: «کتابی است ارزنده، ابتکاری و مهم. مؤلف بسیاری از مطالب مربوط به عقیدة مهدویت و موضوع حضرت حجت(ع) را تحت عنوان «دعا برای آن حضرت و تضرع به درگاه الهی برای حفظ وجود شریف امام عصر(ع) از ناملایمات و آفات» مورد بررسی قرار داده است».
این کتاب مشتمل بر بحث‌های مختلف و بسیار با اهمیت در زمینه‌های فقه، حدیث، کلام، رجال، تفسیر و حتی فلسفه و ادبیات است که با اسلوبی بدیع و سبکی جالب و نتیجه‌گیری‌هایی درست همراه می‌باشد.
در این کتاب با دلایل عقلی و نقلی ثابت شده که دعا برای امام عصر(ع) از مهم‌ترین وسائل برای رسیدن به مراحل عالی کمال و نیل به درجات برجستة معنوی است و آثار دنیوی بسیاری را نیز در پی دارد.
این اثر به شهادت صاحب نظران، از نظر جامعیت و ژرف‌اندیشی و بهره‌گیری از علوم عقلی و نقلی و استنباطات دقیق و اجتهادات عمیق از آیات و روایات بی‌نظیر بوده و به خوبی می‌توان دست عنایت مولا که مؤلف را هدایت و دلالت می‌کند، دید.
آیت‌الله صافی گلپایگانی (ازمراجع عظام تقلید) دربارة این کتاب می‌نویسد:
این کتاب گویای حوصلة فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست و در موضوع خود بی‌نظیر است و جز این کتاب، در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی(ع) و فواید آن، کتابی سراغ ندارم.6
داستان تألیف کتاب
مؤلف بنا به آنچه که در مقدمة کتاب آورده، انگیزه تألیف کتاب را چنین می‌نویسد:
ما نمی‌توانیم حقوق آن حضرت را ادا نماییم و شکر وجود و فیوضاتش را آن طور که شایسته است به جای آوریم. [پس] بر ما واجب است آن تعداد از ادای حقوق آن حضرت را که از دستمان ساخته است انجام دهیم، و بهترین امور در زمان غیبت، انتظار فرج آن بزرگوار و دعا کردن برای تعجیل فرج او، و اهتمام به آنچه مایة خشنودی آن جناب و مقرب شدن در

آستان او است. و من در باب هشتم کتاب ابواب الجنّات فی آداب الجمعات هشتاد و چند فایده، از فوائد دنیوی و اخروی دعا کردن برای فرج آن حضرت(ع) را ذکر کرده بودم اما بعد به فکر افتادم که کتاب جداگانه‌ای در این باره بنگارم که آن فواید را در برگیرد، و به سبک جالبی آن را به رشتهٔ تحریر درآوردم. اما حوادث زمان و رویدادهای دوران و ناراحتی‌های بی‌امان، مانع از انجام اینکار می‌شد، تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود؛ یعنی مولا و حبیب دل شکسته‌ام و امامی که در انتظارش هستیم او را به خواب دیدم که با بیانی روح‌انگیز چنین فرمود: «این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را مکیال‌المکارم فی فوائد الدعاء للقائم(ع) بگذار!»
همچون تشنه‌ای از خواب بیدار، و در پی اطاعت فرمانش شدم ولی توفیق یاریم نکرد، تا این که در سال گذشته 1330 ق. به مکهٔ معظمه سفر کردم و چون در آن جا بیماری وبا شیوع یافت، با خداوند عزّوجلّ عهد بستم که هر گاه مرا از گرفتاری‌ها نجات دهد و بازگشتم را به وطن آسان گرداند تألیف کتاب را شروع نمایم. پس خداوند بر من منت نهاد و مرا به سلامت به وطن بازگرداند، پس به تألیف کتاب اقدام نمودم تا به عهدی که با خداوند بسته بودم، عمل کرده باشم...7
پی‌نوشت‌ها:
1. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المومنین، ج1، ص453.
2. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ترجمه منصور پهلوان، نشر دارالحدیث، ج2، باب 45 ص270.
3. موسوی اصفهانی، همان، ج1، ص7-4.
4. زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص183-181، به نقل از: شهدای روحانیت در یکصد سال اخیر، ج2، ص64-57.
5. نورالابصار، ص12-10.
6. به نقل: از زندگانی جهانگیرخان قشقایی، ص180.
7. موسوی اصفهانی، همان، ج1، ص50-48، ترجمه حائری قزوینی چاپ نگین.
8. موسوی اصفهانی، همان، ج2، ص387، همچنین ج1، ص225.
9. موسوی اصفهانی، همان، ج1،ص494-493.
10. موسوی اصفهانی، همان، ج2، ص322.

موسوی، میرمحمود

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
میر محمود موسوی
محل تولد : زاویه سفلی
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1344/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب میر محمود موسوی فرزند میر علی اکبر به سال 1344 شمسی در روستای «زاویه سفلی» از توابع شهرستان «چالدارن آذربایجان غربی» به دنیا آمدم. تحصیلات دوره ابتدائی را در همان محل به پایان بردم. دوره راهنمائی را در شهرستان خوی و دبیرستان را در تهران به پایان رساندم. به سال 1361 در مدرسه «طالبیه تبریز» مشغول دروس حوزوی شدم و از سال 1362 تا 1365 در مدرسه «شیخ عبدالحسین» تهران مقدمات و بخشی از سطح یک حوزه را فرا گرفتم و از سال 1365 تا 1370 در مدرسه «مروی تهران» سطح دو را به پایان رساندم.
سال 1370 شمسی وارد حوزه علمّیه قم شدم و از محضر اساتید محترم: «مصطفی اعتمادی» و «محسن دوزدوزانی» رسائل، مکاسب و کفایة الاصول را استفاده کردم. سپس از دروس خارج فقه و اصول و تفسیر آیات عظام: «جعفر سبحانی»، «مرحوم میرزا جواد تبریزی»، «جوادی آملی»، «فاضل لنکرانی»، «مکارم شیرازی» و «محمّد مؤمن» بهره بردم. در همین سالها از سال 1372 وارد کار پژوهشی شدم و از راهنمائی های آقای «علی رفیعی علامرودشتی» سود بردم و مشغول تهیّه مقالاتی در خصوص معرفی کتابخانه های بزرگ جهان شدم، حاصل آن مقالات گوناگونی است که در فصلنامه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده است.
سپس از محضر حجة الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی و آقای سید محمد اصفیائی در زمینه نسخه پژوهی و فهرست نگاری استفاده برده و مشغول فهرست نگاری نسخه های خطی شدم، حاصل آن تاکنون چندین جلد فهرست است که پنج جلد آن به صورت گروهی (28 - 32) و دو جلد آن (33 - 37) با همکاری حجة الاسلام آقای دکتر سیّد محمود مرعشی تدوین شده است. در کنار فهرست نگاری به تصحیح برخی رساله های

خطی پرداخته و مقالاتی چند را نیز تالیف نموده ام که در منشورات کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره) به چاپ رسیده اند.

مهدوی هرستانی، مصطفی

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
مصطفی مهدوی هرستانی فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید مهدی معروف به بحرالعطاء فرزند مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقا سید محمد موسوی هرستانی از آیات عظام و علماء بنام و دانشمندان کرام معاصر اصفهان بوده که در سال 1329 قمری در یک خانواده اصیل و روحانی در قریه هرستان ماربین اصفهان به دنیا آمده است.
والد آن مرحوم آقا سید مهدی ملقب به بحرالعطاء از اعاظم علمای آن منطقه بوده که با سی و سه واسطه به حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام می‌رسد. مرحوم حاج‌آقا مصطفی مهدوی تحصیلات مقدماتی و سطوح خود را در اصفهان در مدرسه جده بزرگ اصفهان نزد اساتید بزرگ نظیر مرحوم آقا شیخ محمدعلی دزفولی و مرحوم آقا شیخ محمدحسن نجف‌آبادی و مرحوم آقا سید مهدی درچه‌ای و حاج‌آقا رحیم ارباب و آقا سید محمد نجف‌آبادی فراگرفته است.
یک دوره فقه و اصول و فلسفه را خدمت مرحوم آیت‌اللّه حاج سید علی نجف‌آبادی و مرحوم حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد (مسجد شاهی) فراگرفته سپس عزیمت به قم نموده و مدتی در درس حضرات آیات عظام حایری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم) و مرحوم آیت‌اللّه صدر و حاج سید محمدتقی خونساری و آیت‌اللّه حجت قدس‌اللّه اسرارهم شرکت نموده و در سال 1362 قمری هجری عزیمت به حج نموده و در مراجعت از حج به اعتاب عالیات مدت هشت سال در نجف اشرف اقامت نموده و مدت سه سال از محضر مرحوم آیت‌اللّه اصفهانی استفاده و در جلسات استفتاآت آن مرحوم شرکت داشته و به مسائل مورد سئوال جواب می‌دادند و همینطور از محضر آیات عظام دیگر آنجا چون مرحوم حاج شیخ موسی خوانساری و مرحوم حاج شیخ محمدعلی کاظمینی و حاج شیخ محمدکاظم شیرازی و حاج سید جمال گلپایگانی و حاج میرزا عبدالهادی شیرازی و حاج سید محمود شاهرودی و آیت‌اللّه اصطهباناتی کسب فیض و علم نموده و به علت مبتلا شدن به کسالت شدید «آسم» به امر آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی در سال 1370 قمری به اصفهان مراجعت و مدت چهل سال در مدرسه جده بزرگ اصفهان و مدرسه ملا عبداللّه به تدریس اشتغال داشتند و عده زیادی از فضلاء و طلاب حوزه علمیه اصفهان از محضر ایشان استفاده علمی می‌نمودند.

آن مرحوم مورد توجه و عنایت خاص حضرات آیات عظام و مراجع معاصر خود و حاضر حوزه نجف و قم چون مرحوم آیت‌اللّه میرزا عبدالهادی شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید محمود شیرازی و رهبر کبیر انقلاب آیت‌اللّه خمینی و گلپایگانی و مرعشی نجفی و مرحوم آیت‌اللّه حاج سید احمد خوانساری و آیت‌اللّه العظمی خوئی بودند.

مزایای اخلاقی آن مرحوم

آن مرحوم نسبت به علماء بزرگ گذشته و حاضر بسیار تجلیل و تکریم نموده و آنان را به خوبی و عظمت یاد کرده و در حفظ آثار آنان کوشا بوده و نسبت به آنها تواضع می‌کردند و همواره به طلاب و محصلین ابراز علاقه کرده و آنها را تشویق به تحصیل می‌فرمودند.

بسیار کریم و بخشنده و سخاوتمند بودند و به فقراء و مستمندان و خانواده‌های بی‌سرپرست کمکهای فراوانی کرده و به موسسات خیریه خدمات و مساعدتهای بسیاری انجام داده مانند موسسه مهدیه و موسسه عسکریه و بیمارستان معلولین صادقیه و موسسه نابینایان و انجمن مددکاری امام زمان ارواحنا فداه و ایتام و کمک به ساختن مدارس قدیم و جدید هو تعمیر و تکمیل آنها را مخفیانه و دور از تظاهر و سر و صدا انجام می‌دادند.

مزایای علمی آن مرحوم

آن بزرگوار تبحر و تسلط و مهارت عجیبی در مسائل و مباحث فقهی داشتند و بسیار حاضر الذهن و حاضر جواب بودند. و تمام فتاوای مراجع گذشته و فعلی در نزدشان حاضر و نه تنها عوام از محضرشان استفاده می‌کردند بلکه علماء و دانشمندان بزرگ هم برای حل مشکل مردم را به ایشان رجوع می‌دادند و تسلط ایشان نه تنها در فقه و اصول بوده بلکه در فلسفه و عرفان و علم رجال نیز صاحب نظر بودند بخصوص در اطلاع به احوالات علماء کم‌نظیر بودند به طوری که بعضی از بزرگان و علماء از ایشان مصرانه خواسته بودند که کتابی در احوالات علماء و دانشمندان تألیف نمایند.

و همانگونه که متذکر شدم نسبت به تحصیل طلاب تشویق بسیار نموده و از خرید کتب درسی و اهداء به آنها و بذل و بخشش به آنان دریغ نمی‌کردند و قسمت عمده‌ای از شهریه طلاب اصفهان را به عهده داشتند.

اجازات آن مرحوم

مرحوم آیت‌اللّه مهدوی از بسیاری از آیات عظام چون مرحوم آیت‌اللّه آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌اللّه حاج شیخ کاظم شیرازی و آیت‌اللّه حاج سید علی بهبهانی اجازه اجتهاد داشتند. و از مرحوم آیت‌اللّه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌اللّه حاج شیخ محمدرضا ابوالمجد مسجد شاهی اجازه روایتی داشتند.

رحلت آن مرحوم
آن بزرگوار به دنبال یک بیماری طولانی صبح روز یکشنبه بیست و سوم ماه شوال 1409 هجری قمری رحلت نموده و بازار اصفهان و حوزه علمیه تعطیل و جنازه ایشان در روز دوشنبه با حضور کلیه طبقات و علماء و فضلاء و طلاب و بازاریان و سایر اقشار مردم اصفهان و خمینی‌شهر و هرستان و دیگر نقاط به طرز باشکوهی تشییع شده سپس بنا بر وصیتش حمل به قم شده و با تشییع بزرگی از طرف حوزه علمیه قم و طبقات دیگر در مقبره (36) صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاسلام مدفون گردید.
آن مرحوم دارای فرزندان برومندی هستند که دو نفر آنها از فضلاء حوزه علمیه قم می‌باشند.
1- آقا سید محسن مهدوی
2- آقا سید محمدعلی مهدوی از افاضل محصلین اصفهانی حوزه علمیه قم می‌باشند که به زیور علم و عمل آراسته هستند.
برگرفته از کتاب :گنجینه دانشمندان (جلد نهم)

مهدوی، محمدحسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، مؤلف.
تولد: 1294(15 محرم 1334 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 4 تیر 1374.
سید محمدحسین مهدوی، ملقب به سید مصلح‌الدین مهدوی فرزند سید شهاب‌الدی نحوی (محمدتقی) از علمای روزگار، کمتر از شش سال داشت که پدرش وفات یافت. پس از مرگ پدر، مادرش سرپرستی مصلح‌الدین و برادرانش را عهده‌دار شد. زمانی که مدارس جدید در اصفهان تازه بنیان یافته بود، او را به مدرسه‌ی اقدسیه- که زیر نظر آقا محمدحسین مشکوة زفره‌ای اداره می‌شد، فرستادند و یک سال بعد نیز به مدرسه‌ی «گلبهار»، منتقل گردید. سپس برای تحصیل علوم اسلامی و مسایل فقهی به حوزه‌های علمیه شتافت. سپس عازم تهران شد و در آنجا نیز در دانشسرای عالی چند سال کسب علم پرداخت. از دیگر اساتید او می‌توان از افراد زیر یاد کرد: محمدعلی معلم حبیب‌آبادی (صاحب مکارم الآثار)، محمد همامی، محمدباقر امامی، حسن قاضی عسکر داورپناه، محمدحسین فاضل تونی، سید محمدکاظم عصار و نیز سید حسن مدرس هاشمی (میرمحمد صادقی). وی همچنین از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت‌الله محمدباقر کمره‌ای، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید علی فانی، آیت‌الله محمدعلی عراقی، آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری، آیت‌الله سید محمد شیرازی و حجت‌الاسلام سید محمدعلی روضاتی اجازه‌ی روایت احادیث اهل بیت را اخذ نمود. تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است که برخی از آنها طبع گردیده است. بسیاری از آنها نیز چاپ نشده است. غالب این آثار در بیان احوال و تأثیرات شخصیت‌های علمی و فرهنگی دنیای اسلام خاصه تشیع است که بیشتر آنان در اصفهان رشد و نمو داشته و یا آثاری در این شهر به جای گذاشته‌اند. ضمن اینکه وی تحقیقاتی در باب زندگانی برخی ائمه معصومین (ع) دارد. برخی از آثار وی عبارتند از: دانشمندان و بزرگان اصفهان، زندگینامه‌ی علامه محمدباقر مجلسی (دو جلد)؛ بیان المفاخر (در باب احوال سید حجت‌الاسلام شفتی در دو جلد)، شعرای معاصر اصفهان (1334)؛ اوضاع علمی؛ فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر (سه جلد)، تاریخچه‌ی شهر سامراء زندگینامه‌ی حضرتین عسکریین

علیهماالسلام؛ عطیةالجواد در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)؛ یک دوره‌ی پنج جلدی تعلیمات دینی (جهت دبیرستان‌ها با مشارکت عده‌ای از فرهنگیان)؛ ارمغان اصفهان؛ تاریخچه‌ی محله‌ی خواجو؛ تاریخچه‌ی مدارس دینی اصفهان؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان؛ شرح حال آقا شیخ محمدرضا نجفی؛ شرح حال نه تن از خاندان حاجی کلباسی؛ شرح حال حجت‌الاسلام شفتی- ضمیمه‌ی روزنامه؛ شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری- ضمیمه‌ی روزنامه؛ عطیةالجواد (ع)؛ غایةالآمال و الامانی شرح حال علامه بحرانی؛ مزارات اصفهان؛ یادنامه‌ی سید بحرالعلوم میر دامادی.
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

میرعبداللهی شمس، محمدحسین

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سید محمد حسین میر عبداللهی شمس
محل تولد : یزد
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1346/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب سید محمد حسین میرعبداللهی در سال 1346 شمسی در یزد متولد شدم و پس از گذراندن دوره متوسطه در آن شهر وارد حوزه علمیه قم شده، ادبیات عرب را از اساتیدی چون: «مرحوم مدرس افغانی» و «آقای طالقانی» و سطح را از اساتیدی چون: «مرحوم وجدانی فخر» و «آیت الله دوزدوزانی» و بیش از 12 سال نیز از درس‌های خارج اصول و فقه «آیت الله سبحانی» و «مکارم شیرازی» استفاده کردم.
تحصیلات کلاسیک را نیز در موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داده تا اینکه در فروردین ماه 1385 با دفاع از پایان‌نامه خود با موضوع: «تراجم و رجال در فرهنگ شیعه از قرن پنجم تا پایان قرن نهم هجری» و کسب نمره 18 و امتیاز عالی با داوری دکتر محمد رضا جباری، فارغ التحصیل شدم. در این بین با پژوهشکده تاریخ و سیره دفتر تبلیغات و موسسه شیعه شناسی نیز همکاری داشته و دارم.
اکنون نیز در موضوع مولفان اسلامی با پژوهشکده تاریخ و سیره همکاری دارم و بیش از 200 مقاله کوتاه و بلند در این موضوع مربوط به قرن‌های سوم و پنجم هجری از اینجانب نوشته شده که از مهم‌ترین و مفصل‌ترین این مقالات، مقاله: «ابوالمجد سنائی، عبدالجلیل قزوینی، صاحب النقض و ابن رشد اُندلسی فیلسوف شهیر» و مقاله «ابن شهر آشوب» است.

ناصر حسین، حامد حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1361 -1284 ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس‌العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آنگاه به لکنهو هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آنجا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج‌البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکنهو درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیرالمؤمنین (ع) و دفع ما اورد علیه من الشبهات»؛ تتمیم «عبقات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السورة»؛ «مسند فاطمة بنت الحسین (ع)»؛ «اسباغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه مجلد؛ «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :اعیان‌الشیعه (201 -200/ 10)، الذریعه (246/ 24 1154،/ 9)، ریحانه (98 -97/ 6)، فوائدالرضویه (92)، هدیةالاحباب (177).

نایفی، خلیل

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
خلیل نایفی
محل تولد : آبادان
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد : 1333/1/1
زندگینامه علمی
اینجانب خلیل نایفی فرزند مهدی شماره شناسنامه 1536 صادره از آبادان در سال 1333 در آبادان متولد شدم. دوره ابتدائی را در مدرسه مهرگان و دیپلم را در دبیرستان رازی اخذ نمودم و راهی سربازی شدم. بعد از اتمام خدمت مقدس سربازی به علت علاقه وافر به تحصیل علوم الهی قصد عزیمت به دانشگاه «الازهر مصر» را داشتم که به علت ندادن روادید و سخت گیری، تحصیل در آن دانشگاه میسر نشد. در سال 56 به علت ارتباط با دوستی که از طلاب حوزه علمیه قم بودند؛ تشویق به تحصیل در این مکان مقدس که مورد استقبال اینجانب نیز قرار گرفت.
در بدو ورود، ادبیات را نزد مرحوم مدرس افغانی و سید مهدی رجائی خواندم و بعد از اتمام ادبیات، لمعه و اصول را نزد اساتید صاحب فضل چون: «آیةالله شیخ پناه» و «آیةالله وجدانی»، رسائل و مکاسب را از محضر «آیةالله ستوده» و «آیةالله پایانی» بهره بردم. با اتمام کفایه در نزد «آیةالله فاضل لنکرانی» و اتمام دوره سطح، درس خارج فقه را همزمان با دوره تخصصی فلسفه و کلام زیر نظر شورای مدیریت را نیز شروع نمودم که این دوره چهار ساله که دکترای تخصصی محسوب می شد؛ «آیةالله سبحانی»، «آیةالله گرامی»، «دکتر بهشتی» و اساتیدی مبرز در کلام جدید، اساتید این دوره بودند که از آنها بهره و فراوان بردم. در سال 70 این دوره نیز به پایان رسید. در همین دوران از درس فقه «آیةالله صافی گلپایگانی»، «مکارم شیرازی» و «فاضل لنکرانی» نیز استفاده نمودم که تاکنون نیز ادامه دارد.
بعد از پایان دوره تخصصی کلام و فلسفه به مدت 16 سال در موسسه تحقیقاتی امام صادق (علیه السلام) مشغول به کار بودم که ثمره این 16 سال کار تحقیقی، همکاری در تحقیق نهایة المرام (علامه حلی) در فلسفه و کلام 3جلد، تالیف معجم الکلامی 5 جلد (کتابشناسی)، معجم المتکلمین

5 جلد (رجال متکلمین شیعه) و همچنین تحقیق الکرام در رجال (آقا بزرگ تهرانی) در 1 جلد می باشد. هم اکنون کار تحقیق کتب فقه آیة الله صافی و فقه مقارن با همکاری مرکز تقریب مذاهب مشغول می باشم.

نثاری بخارایی، بهاءالدین حسن

قرن:10
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 974 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به نثاری. ملقب به نقیب‌الاشراف. وی از شاعران ماوراءالنهر بود. از آثارش تذکره‌ی «مذکرالاحباب»، در مورد شاعران ماوراءالنهر است که آن را در 974 ق به نام اسکندر خان شیبانی (991 -968 ق) تألیف کرد. را 983 ق دانسته و در ادامه گفته که محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص به ملیح، در 1093 ق ذیلی بر آن، به نام «مذکرالاصحاب»، نوشته است و همچنین «الذریعه» نام کتاب نثاری را «مذکرالاصحاب» ذکر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (235 -219/ 2)، تاریخ نظم و نثر (403)، الذریعه (256 -255/ 20 ،1170/ 9)، فرهنگ سخنوران (920).

نجفی، محمد طه

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1323 -1241 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از شیخ عبدالرضا طفیلی و دایی‌اش، شیخ جواد، فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین بحرالعلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل رازی اجازه‌ی روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای بزرگ شیرازی عهده‌دار مرجعیت گردید. او به خوبی شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر «الجواهر»، در فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الروات» بود؛ «الفوائد السنیة» یا «القواعد النجفیة» که حاشیه بر «فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء المخلصین» حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه» بحرالعلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار الاقامة فی الاسفار».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (46/ 7)، اعیان‌الشیعه (375/ 9)، دانشمندان آذربایجان (245)، الذریعه (26 -25/ 18، 343/ 16، 216/ 11، 207/ 6، 397/ 2، 83/ 1)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 967 -961/ 14)، علماء معاصرین (84 -83)، فوائدالرضویه (547)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1270 -1269/ 3)، معجم‌المؤلفین (107/ 10)، مکارم‌الآثار (1155 -1149/ 4).

نسائی، ابوعبدالرحمان احمد

قرن:3
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(303 -215/ 214 ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ‌الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و مصاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبة بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سوید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبداللّه عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قزاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخرمی و محمد بن عبید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیثم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح مودّب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه‌ی کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن عبداللّه نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رمله‌ی فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث، «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء والمتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «خصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبة علی سفیان و سفیان علی شعبة»؛ «مناسک النسائی».
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :الاعلام (164/ 1)، اعیان‌الشیعه (603 -601/ 2)، انساب سمعانی (484/ 5)، تاریخ نیشابور (110)، تذکرة الحفاظ (701 -698/ 2)، تهذیب‌التهذیب (170 ،163/ 1) روضات‌الجنات (220 -219/ 1)، ریحانه

(168 -167/ 6)، سیرالنبلاء (135 -125/ 14)، شذرات الذهب (241 -239/ 2)، طبقات اعلام‌الشیعه (قرن 35 -34/ 4)، طبقات الشافعیه‌ی ابن قاضی شهبه (88/ 1)، طبقات الشافعیه اسنوی (269 -268/ 2)، طبقات الشافعیه‌ی سبکی (16 -14/ 3)، العبر (444/ 1)، الکامل (152/ 6)، کشف‌الظنون (1833، 1685، 1684، 1087، 1006، 706، 130)، الکنی والالقاب (249 -247/ 3)، معجم‌المؤلفین (245 -244/ 1)، المنتظم (450/ 7)، النجوم الزاهرة (210 -209/ 3)، الوافی بالوفیات (417 -416/ 6)، وفیات الاعیان (78 -77/ 1)، هدیة‌العارفین (56/ 1).

نصرآبادی، محمد طاهر

قرن:11
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1027- ز 1083 ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان ماربین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م 1099/ 1098 ق) بهره‌مند شد. شهرت نصرآبادی به دلیل مهارت در ساختن ماده تاریخ است. تاریخ ساختن عمارت هشت‌بهشت و تاریخ فوت کاشفای شاعر از ماده تاریخ‌هایی است که او سروده است. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (1105 -1077 ق) بود. وی به مشهد و عتبات عالیات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لنبان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهم‌ترین اثر وی «تذکره‌ی نصرآبادی»، در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در 1083 ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده‌ی تذکره‌ها در 1090 یا 1091 یا 1115 به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»؛ مکتوبی که نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری نیز داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.[1]
محمدطاهر (و. 1027 ه.ق) از ادبا و شاعران قرن یازدهم هجری است و در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته و پیرو سبک صائب تبریزی بود. از آثار منظوم او قطعه شعری است که به مناسبت ساختن توپ در سال 1082 هجری سروده و تمام مصرعهای آن به حروف ابجد با عدد 1082 تطبیق می‌کند. سال وفاتش درست معلوم نیست و محتمل است که اوایل قرن دوازدهم هجری را نیز دیده است. قبر او در نصرآباد در مقبره‌ی کوچکی که مقبره‌ی میرزاهاست قرار دارد. وی صاحب تذکره‌ای است از

شاعران که به تذکره‌ی نصرآبادی مشهور است.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1787 -1784/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (406 -397/ 1)، تذکره‌ی نصرآبادی (مقدمه، 491 -487 ،468 -457)، الذریعه (226/ 18 ،1191 ،643/ 9 ،37 -36/ 4)، ریحانه (183 -176/ 6)، فرهنگ ادبیات فارسی (506)، لغت‌نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم‌المؤلفین (102/ 10)، یادگار (س 2 ش 4، ص 50 -47).

نظام الدوله، علی محمد

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
در 1222 در ایران متولّد، و در اصفهان و طهران تحصیل علوم نموده، در سال 1247 به اتفّاق پدر به نجف اشرف مهاجرت نموده، و به تکمیل علوم و تهذیب نفس و تألیف و تصنیف پرداخته، در فقه و اصول و حدیث و رجال و علوم ادبی و ریاضیّات مهارت داشته، قریب 18 مجلّد کتاب تألیف نموده که از آن جمله است: 1- البرهان 2- تقریرات 3- دیوان شعر، به عربی و فارسی 4- رسال در اصول فقه 5- رسال در شبهه محصوره و آب مضاف، به طبع رسیده 6- رساله در امامت 7- سلافة الوزراء، در معنی ولایت به طریق اهل تصوّف و عرفان، به نظم و نثر، مطبوع ضمن فوائد البهائیّة 8- شهاب الثاقب، در ردّ صواعق ابن حجر 9- کشف الابهام، در فقه. 10 و 11 - دو کتاب در رجال 12- کتابی در نحو و صرف 13- کتابی در ترجمه 19 نفر از بزرگان اهل سنّت، و ردّ بر آنها از کتب اهل سنّت 14- معارج القدس، در حکمت و کلام و توحید و عدل 15- نور الابصار؛ و غیره.
مشارالیه نزد صاحب جواهر، و ملاّ مقصود علی غروی، و میرزا حسن بن ملاّعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل علوم و دانش نموده، و از حاج ملاّ احمد نراقی اجازه روایت و اجتهاد داشته است
(تاریخ اجازه مربوط به زمانی است که حاکم کاشان بوده است)
سرانجام در 8 ذی حجّه سال 1276 در نجف وفات یافته، در مدرسه صدر مدفون گردید.
برگرفته از کتاب :دانشمندان و بزرگان اصفهان (جلد اول)

نوا، حسین

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(ز 1253 ق)، تذکره‌نویس و شاعر. وی مدتها با لباس درویشی مسافرت کرد و سرانجام در تبریز سکنی گزید و در حوالی شاه حمزه تکیه‌ای ساخت که محل تفرج اعیان و بزرگان شد. او همچنین تذکره‌ای دارد که شرح حال کوتاهی است از شعرای قدیم و جدید با منتخباتی از آثارشان و از نظر طبقه‌بندی مانند «تذکره‌ی دولتشاه» می‌باشد. او این تذکره را در 1253 ق تألیف کرد. لازم به ذکر است تذکره‌های «حدیقةالشعراء» و «مجمع‌الفصحا» و دیگر تذکره‌ها او را تحت نام نوای کاشانی آورده‌اند و «تاریخ تذکره‌های فارسی»، او را نوای همدانی خوانده است. از آثار وی: «تذکره‌ی نوا»؛ «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :تاریخ تذکره‌های فارسی (407 -406/ 1)، حدیقةالشعراء (1920/ 3)، الذریعه (1226/ 9)، فرهنگ سخنوران (952)، مجمع‌الفصحا (1089/ 6)، نگارستان دارا (271 -270).

نهاوندی، علی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1322 ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته‌های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده‌دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهاوندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم قمری است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده‌اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره‌ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته‌اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی‌السلام دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ کتاب «الطهارة»؛ «الدماء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».[1]
علی بن ملا فتح‌اللّه نهاوندی نجفی عالمی بزرگ و محققی جلیل از شاگردان علامه شیخ مرتضی انصاری و اعلام مدرسین نجف و مجتهدین مسلم و اساتید بزرگ آن سامان بوده و با این کمالات معنوی حظی از این دنیای دنی نداشته و در نهایت فقر و عسرت و در اواخر عمر مبتلا به کسالتهای گوناگون شده تا در اول ماه ربیع‌الثانی 1322 در سن هشتادسالگی وفات نمود و در وادی‌السلام در مقبره مخصوص مدفون گردید از آثار اوست (تشریح اصول الصغیر) و (تشریح اصول الکبیر) و نیز کتابی (در طهارت) و کتابی در (دماء الثلاثه).
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (301/ 8)، الذریعه (186/ 15 ،185/ 4)، ریحانه (269 -268/ 6)، معجم رجال الفکر والادب فی النجف (1313 -1312/ 3)، معجم‌المؤلفین (165/ 7).

نیکونژاد، حسین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
تولد: 1289.
درگذشت: 1371.
از آثار اوست: چهره افروختگان خطه زنده‌رود: یادی از فرهیختگان موسیقی اصفهان (اصفهان، 1371)؛ فیلمنامه بیداد (اصفهان، 1372).
برگرفته از کتاب :گلزار مشاهیر

واله داغستانی، علیقلی

قرن:12
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1170 -1124 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به واله. معروف به شش انگشتی. در اصفهان به دنیا آمد. از طایفه‌ی لزگی و داغستانی‌الاصل بود. گویند نسبش به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. جد اعلای او در فتنه‌ی چنگیز به داغستان رفت. واله مدتی در خدمت سلطان صفوی بود و بعد از فتنه‌ی افاغنه در جوانی به هندوستان مسافرت کرد و به عهد محمد شاه (1161 -1131 ق) و احمدشاه (1167 -1161 ق) و عالمگیر شاه (1173 -1167 ق)، سلاطین هند، به منصب و لقب خان زمان بهادر ظفر جنگ رسید. وی به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و با امیر غلامعلی آزاد بلگرامی مصاحب و معاشر بود. او در دهلی یا شاه جهان‌آباد درگذشت. سال درگذشت وی را 1165 ،1161 و 1169 ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «ریاض‌الشعراء»، در 1161 ق؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت.[1]
واله‌ی داغستانی علیقلی‌خان پسر محمدعلی‌خان شاعر و تذکره‌نویس معروف (و. اصفهان 1124 ه.ق ف. شاه جهان هند 1170 ه.ق) جد اعلای او در داغستان مقیم شد و خانواده‌ی وی در آن ناحیه صاحب قدرت و نفوذ گشتند. واله در سال 1126 ه.ق که پدرش بیگلربیگی ایروان شد با او بدان صوب رفت و پس از مرگ پدر با خانواده به اصفهان بازگشت و در آنجا به تحصیل مشغول شد. پس از هجوم افغانان به ایران و تصرف اصفهان (1135 ه.ق) زندگی واله و خانواده‌اش پریشان شد و در زمان نادر و کریم‌خان هم دچار سوانح گوناگون گردید و در عشق هم شکست خورد و ترک یار و دیار گفت و از راه خلیج‌فارس با کشتی به هند رفت و در آنجا ترقی کرد. محمدشاه و احمدشاه هندی به او منصب چهارهزاری و هفت‌هزاری و القاب دادند. مهمترین اثر او ریاض‌الشعرا می‌باشد.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :[1] تاریخ ادبیات در ایران (1802 -1797/ 5)، تاریخ تذکره‌های فارسی (666 -650/ 1)، حدیقةالشعراء (1970 -1967/ 3)، الذریعه (328 -327/ 11 ،1255/ 9 ،34 -33/ 4)، ریاض‌العارفین (157)، ریحانه (301 -298/ 6)، سفینةالمحمود (663/ 2)، فرهنگ ادبیات فارسی (248)، فرهنگ سخنوران (973 -972)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی

(2595/ 3)، کاروان هند (140 -139/ 1)، لغت‌نامه (ذیل/ واله داغستانی)، مجمع‌الفصحا (1154 -1153/ 6)، نتایج‌الافکار (756 -750).

وامق یزدی، محمدعلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(وف 1262 ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به وامق. از سادات حسینی حسنی یزد و دودمان میرزا سعید یزدی است که در کرمان به دنیا آمد. در کودکی به یزد رفت و در مدرسه‌ی مصلی به تحصیل پرداخت. وی در حدود سی یا چهل سالگی به عراق عرب و عجم و خراسان و آذربایجان رفت و از علمای آن سامان استفاضه نمود. او در حکومت حاجی محمد ولی میرزا و پیشکاری عبدالرضا خان بافقی، تذکره‌ای تحت عنوان «تذکره‌ی میکده» یا «آشیانه‌ی میکده»، در ذکر شعرای یزد، تألیف کرد و بعدها به الزام عبدالرضا خان بافقی، تخلص خود را ساقی برگزید، ولی نهایتا دوباره تخلصش را به وامق تغییر داد. وی به بیماری و با درگذشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.
برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)
منابع زندگینامه :آینه‌ی دانشوران (567، 542- 543، 132- 134)، تاریخ تذکره‌های فارسی (339 -326/ 2)، تذکره‌ی سخنوران یزد (331 -327)، حدیقةالشعراء (1979 -1975/ 3)، الذریعه (1258/ 9 ،50/ 4)، ریحانه (305 -303/ 6)، سفینةالمحمود (224 -223/ 1)، گلزار جاویدان (1691/ 3)، گنجینه‌ی دانشمندان (462/ 7)، مجمع‌الفصحا (1154/ 6)، مصطبه‌ی خراب (212)، نگارستان دارا (272).

هدایت طبرستانی، رضاقلی

قرن:13
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
(1288 -1215 ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به هدایت. معروف به لَلِه‌باشی و مشهور به شیرازی. ملقب به خانی و امیرالشعراء. نسبش به شیخ کمال خجندی می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اعیان قریه چارده، از توابع دامغان بود و در زمان فتحعلی شاه قاجار به خدمت حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس رسید و همان جا درگذشت. پس از فوت پدر، هدایت همراه مادر و بستگانش به تهران آمد و سپس به مازندران رفت. بعد از چند سال همراه مادرش که قصد زیارت مکه داشت، به فارس رفت و در خدمت محمد مهدی خان، متخلص به شحنه، مشغول تحصیل شد. هدایت از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و ابتدا چاکر تخلص می‌کرد. وی خدمات اداری خود را از دستگاه حسینعلی میرزا آغاز کرد. در این دوره بود که فتحعلی شاه به شیراز رفت و به سبب شایستگی رضاقلی، عنوان خان و لقب امیرالشعراء به وی داد. پس از مرگ فتحعلی شاه مدتی در خدمت والیان فارس، از جمله فیروز میرزا و فریدون میرزا بود تا اینکه عازم تهران شد و به خدمت میرزا آقاسی صدر اعظم رسید. محمد شاه قاجار تعلیم و تربیت فرزند خود، عباس میرزای نایب‌السلطنه (دوم) را به وی واگذار کرد و به همین جهت به لَلِه‌باشی معروف شد. پس از مرگ محمد شاه گوشه‌نشینی اختیار کرد، ولی پس از مدتی به پیشنهاد امیرکبیر و دستور ناصرالدین شاه به سفارت خوارزم مأمور گردید و به امر امیر رضاقلی خان در این سفر به تألیف کتابی در شرح راه و اسامی بلاد و اسامی سرکردگان و ریش‌سفیدان و حوادث این سفر به نام «سفارت‌نامه‌ی خوارزم» پرداخت. پس از بازگشت به تهران با کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست و ناظمیت دارالفنون انتخاب گردید. رضاقلی خان در 1279 ق به للگی ولیعهد مظفرالدین میرزا انتخاب و همراه او به آذربایجان رفت و پس از بازگشت به تهران انزوا گزید. وی در مسجد هدایت تهران به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: تذکره‌ی «ریاض‌العارفین»، مبنی بر شرح حالات عرفا، فضلا، حکما، ادبا و شعرا از متقدمین و متأخرین و معاصرین؛ تذکره‌ی «مجمع‌الفصحا»، در شش مجلد؛ ملحقات «تاریخ روضة الصفای ناصری»، در سه مجلد، که الحاقی است بر «تاریخ روضة الصفا» تألیف میر محمد بن برهان‌الدین خاوند شاه؛ «مظاهر الانوار»؛ «لطایف المعارف»؛ «فهرست التواریخ»؛ «فرهنگ انجمن آرای

ناصری»، در لغت فارسی؛ مثنویات سته‌ی ضروریه شامل: «انوار الولایه» در معجزات ائمه (ع) بر وزن «مخزن‌الاسرار» نظامی گنجوی، «گلستان ارم» مشهور به «بکتاش‌نامه» بر وزن «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، «بحرالحقایق» بر وزن «حدیقه» سنایی، «انیس العاشقین» بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، «خرم بهشت»، «هدایت‌نامه»؛ «دیوان» شعر. [1]

رضاقلی‌خان طبرستانی فرزند محمدهادی (و. محرم 1215- ف. 1288 ه.ق) ملقب به لله‌باشی. در تهران متولد شد و در شیراز به تحصیل پرداخت. سپس به دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه راه یافت و از طرف ناصرالدین شاه به ریاست مدرسه‌ی دارالفنون منصوب شد. وی تألیفات و آثار زیادی بجا گذاشت که از آن جمله است: 1- مثنوی هدایت‌نامه در بحر رمل. 2- مثنوی گلستان ارم و چندین مثنوی دیگر. 3- فهرست التواریخ 4- منهج‌الهدایه 5- تذکره‌ی ریاض‌العارفین. 6- مجمع‌الفصحا در تذکره‌ی شعرا در دو جلد بزرگ. 7- سه جلد در تکمیل روضة‌الصفای میر خواند. 8- دیوان غزلیات بیش از 8 هزار بیت. 9- دیوان قصاید شامل بیش از 10 هزار بیت. از تألیفات دیگر او فرهنگ معروف «انجمن آرای ناصری» و کتابی به نام نژادنامه است. خدمت دیگر او به فرهنگ، تأسیس چاپخانه‌ای است که بسیاری از کتب ادبی در عصر قاجاریه در آن چاپخانه طبع شده است.

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] اعیان‌الشیعه (15/ 7)، تاریخ برگزیدگان (319 -318)، تاریخ قومس (403 -402)، حدیقة‌الشعراء (2072 -2060/ 3)، دایرة‌المعارف فارسی (3255/ 2)، الذریعه (125/ 19 ،297/ 11 ،1293 -1292/ 9 ،150/ 7 ،(47/ 4)، ریاض‌العارفین (365 -352)، ریحانه (356 -354/ 6)، سبک‌شناسی (369 -367/ 3)، شرح حال رجال (42 -39/ 2)، طرائق‌الحقائق (299 -296/ 3)، فارسنامه‌ی ناصری (786 ،712/ 1)، فرهنگ سخنوران (999)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3295 ،3144 ،3038 ،2966 ،2901 ،2875 ،2745 ،2507 ،2480 ،2418 ،2164 ،1994 ،1989 ،1810 ،1809 ،1791/ 2 ،1587 ،1566 ،709 ،350 ،114/ 1)، گلزار جاویدان (1741 -1732/ 3)، المآثر والآثار (190 -189)، مجمع‌الفصحا (1413 -1209/ 6)، مصطبه‌ی خراب (215 -214)، معجم‌المؤلفین (163/ 4)، مکارم‌الآثار (545 -540/ 2)، مؤلفین کتب چاپی (216 -213/ 3)، یادگار (س 4، ش 4، ص 14 -9).

همایی، جلال‌الدین

قرن:14
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
محقق، ادیب، شاعر.
تولد: 13 دی 1278(1 رمضان 1317 ق.)؛ اصفهان.
درگذشت: 28 تیر 1359، تهران.
جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما» فرزند ابوالقاسم محمدنصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن شناسان و استادان معاصر)؛ تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسه‌ی حقایق و سپس در مدرسه‌ی قدسیه و مدت بیست سال در مدرسه‌ی نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.
سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سید محمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمدکاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمدصادق خاتون آبادی و آقا سید مهدی درچه‌ای آموخت، وی سرانجام اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملا صدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسدالله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سید علی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.
وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال 1302 به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد، هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکده‌ی افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکده‌ی حقوق تهران به عنوان استاد در دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال 1345 بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره

به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.
استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسه لغت‌نامه دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی؛ شرکت در کنگره‌ی فردوسی (1313)؛ شرکت در نخستین کنگره‌ی نویسندگان (تیر 1325)؛ شرکت در کنگره‌ی ابن سینا (اردیبهشت 1333)؛ سفر به بیروت (1334)؛ جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت؛ شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (12 آبان 1334)؛ شرکت در کنگره‌ی هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان 1336)؛ سخنرانی در برنامه‌ی مرزهای ارتش در رادیو ایران؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن 1338)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (29 اردیبهشت 1349)؛ شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (13 تیر 1350)؛ شرکت در کنگره‌ی ابوریحان بیرونی (1352).
استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.
علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و رونامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «رادیو ایران»، «سالنامه‌ی آریان»، «سالنامه‌ی شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: خیامی‌نامه (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی حکیم عمر خیام، جلد اول، 1346)؛ تاریخ ادبیات ایران (تبریز، 1309 -1308، در سال 1308، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه‌ی دوم نایل آمد)؛ غزالی‌نامه (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، 1317)؛ اسرار و آثار واقعه کربلا (چاپ دوم، 1357)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی (1354)؛ رساله درباره‌ی شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، صناعات ادبی (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)، تاریخ اصفهان تحقیق در احوال آخوند میر مؤلف حبیب‌السیر و میرخواند صاحب روضة الصفا، مولانا چه می‌گوید (دو جلد، جلد اول 1354، جلد دوم 1355)؛ طلبه‌ی عطار و نسیم گلستان؛ سیر مثنوی مولوی (داستان قلعه‌ی ذات الصور)؛ مقام حافظ؛ طب خانه (1342)؛ شرح حال احوال سروش اصفهانی (این رساله در مقدمه‌ی دیوان شاعر که به وسیله محمدجعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحه 1 الی صفحه 90)؛

صرف و نحو و قرائت عربی (سه جلد)؛ رساله‌ی تحقیقی در احوالات مولانا، منتخب اشعار؛ دوره‌ی کتاب درسی فارسی- دستور و تاریخ ادبیات؛ دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی؛ دستور زبان (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، 1329 -1328)؛ رساله‌ی تحقیقی درباره‌ی دستور زبان فارسی؛ سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی؛ دستور زبان فارسی دوره‌ی ابتدایی؛ تاریخ علوم اسلامی (تقریرات همایی در دوره‌ی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، 1348)؛ تصوف در اسلام (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، 1362)؛ دیوان سنا (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد 1364). از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه‌ی آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: دانشنامه (1. دیوان غبار. 2. غزلیات سنا، 3. دیوان زرگر اصفهانی، 4. غزلیات دیوانه‌ی قمثه، 5. دیوان نیاز جوشقانی، اصفهان، 1342، به اهتمام همایی)؛ نصیحة الملوک (امام محمد غزالی، 1316)؛ التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ابوریحان بیرونی، 1316)؛ مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة (عزیزالدین محمود کاشانی، 1325)؛ دیوان طرب (1342)؛ مختاری‌نامه (عثمان مختاری، 1361)؛ دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ مثنوی ولدنامه (بهاءالدین ولد، 1316)؛ منتخب اخلاق ناصری (تألیف خواجه نصیر طوسی، 1320)؛ مقدمه‌ی اخلاق ناصری (1335)؛ نصیحةالملوک (امام محمد غرالی)؛ کنوز المغربین در علوم غریبه (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ معیارالعقول (1331)؛ رساله شعوبیه؛ برگزیده دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا) (1343)؛ رساله اصفهانی پاسدار؛ مجموعه شعر سرود عشق (1373).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان 1400، ق. مطابق با بیست و هشتم تیر 1359 درگذشت و در تکیه لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

(ح 1358 -1278 ش)، عالم، ادیب، استاد دانشگاه، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا. پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه‌ی حقایق و مدرسه‌ی قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمدتقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمدکاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی فراگرفت. او مدت هجده سال از محضر شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید

و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال‌الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی و در حکمت و نجوم آیت‌الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می‌توان نام برد. وی از آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه‌ی روایت و از شیخ محمدحسین فشارکی اجازه‌ی اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف‌آبادی مدرس و آیت‌الله حاج میرزا عبدالحسن سید العراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای اجازه‌ی اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می‌کرد و از حدود 1300 ش برای تدریس به مدرسه‌ی صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب‌آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت‌ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود 1307 ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه‌ی تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی‌ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی‌نامه»؛ شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه‌ی کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی‌نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی‌نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایة» عزالدین محمود کاشانی، «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه‌ی کتابهای مثنوی «ولدنامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر»، خواند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری. [1]

برگرفته از کتاب :اثرآفرینان (جلد اول-ششم)

منابع زندگینامه :[1] آینده (س 6، ش 7 و 8، ص 624 -616)، از نیما تا روزگار ما (166 -160)، تاریخ اصفهان (سیزده- چهل و سه)، تذکره‌ی شعرای معاصر اصفهان (250 -247)، چهره‌های آشنا (667 -665)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (208 -195/ 3)، الذریعه (51/ 16 ،472/ 9 ،230/ 3)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال‌الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (1812 -1807/ 3)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (3375، 3280، 3250، 3139، 3093، 3084، 3059، 3027، 2691، 2385- 2384، 2369، 2368، 2367، 2366، 2256/ 2، 1593، 1555، 1553، 1549، 1496، 1423، 1422، 1350،

936، ،662 ،489 ،240 ،140/ 1)، کیهان فرهنگی (س 1، ش 4، ص 39 -38)، مؤلفین کتب چاپی (372 -370/ 2)، همایی‌نامه.

یوسفی، سجاد

قرن:15
جنسیت:مرد
ملیت:ایران
سجاد یوسفی
محل تولد : تبریز
شهرت
تابعیت : ایران
تاریخ تولد
زندگینامه علمی
در سال 1376 وارد حوزه علمیه شدم. در سال 1381 سطح را تمام کردم و حدود چهار سال است که از دروس آیت الله «جوادی آملی»، «تبریزی»، «خراسانی»، «مکارم»، «شبیری» و «سبحانی» استفاده نموده ام. مدتی در حوزه تبریز و مقداری در قم مشغول تدریس (اصول فقه) و (فلسفه) بودم و کتابهای جواهر النضید، کشف المراد، بدایة الحکمه، نهایة الحکمه، معالم الاصول و اصول فقه را تدریس نموده ام. در ضمن در موارد مختلف به حول خدا توانسته ام قلم فرسایی کنم و در سنگر های مختلف شرکت کنم و در رشته «فلسفه» کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شدم و مشغول تدوین پایان نامه سطح 3 حوزه می باشم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹